

مشخصات کتاب

سرشناسه : قمی، عباس، 1254 - 1319.

عنوان قراردادی : مفاتیح الجنان .فارسی - عربی .برگزیده

قرآن. فارسی - عربی. برگزیده

عنوان و نام پدیدآور : منتخب جدید مفاتیح الجنان (نگارش آسان)/[عباس قمی] ؛ ترجمه حسین انصاریان.

مشخصات نشر : قم : دارالعرفان ، 1388.

مشخصات ظاهری : 352ص.

شابک : 30000ریال:978-964-2939-29-9

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : قرآن .برگزیده ها --ترجمه ها

موضوع : دعاها

شناسه افزوده : انصاریان، حسین، 1323 -، گردآورنده

رده بندی کنگره : BP267/8/ق9م704212737 1388

رده بندی دیویی : 297/772

شماره کتابشناسی ملی : 1876071

مقدمه ناشر

بسمه تعالی واقعیتی که در تمام شئون ذرّه ذرّه اجسام و عناصر موجودات عالم طبیعت و کشور غیب و شهود حکومت دارد و از این راه تمام موجودات هستی،از مبدأ آفرینش در دو مرحلۀ مادی و معنوی به دریافت فیوضات در حد نیاز خود نائل می شوند،دعاست.

اگر دعا نبود ادامۀ حیات مهمانان،هستی امکان نداشت،که موجودیّت تمام موجودات و ظهور همۀ کائنات و وجود تمام عالمیان از برکت دعاست.

دعاء عامل باعظمتی برای رساندن فیض از منبع لطف به تمام جهانیان است.

شیوۀ تربیتی ائمۀ اطهار علیهم السلام بر این امر بوده است که دوستان و یاران و اصحاب خود را با دعا و طریقۀ ارتباط با حضرت حق آشنا نموده و در غالب عالی ترین مضامین با کلمات و جملات نورانی خود،طریقۀ ارتباط عبد با مولی را تعلیم فرمودند و علاوه بر آن عالی ترین مفاهیم عرشی تربیتی را برای جامعۀ بشری ترسیم می نمودند و عالمان ربانی با گردآوری ادعیه،در این رسالت عظیم سهم بسزائی را ایفاء نموده اند.

در این میان،کتاب باعظمت مفاتیح الجنان تألیف عالم خبیر ثقه المحدثین مرحوم حاج شیخ عباس قمی اعلی اللّه مقامه الشریف جایگاه ویژه ای را در میان مؤمنان پیدا نموده و خلوص نیّت آن عالم ربانی موجب گشته که این اثر ارزشمند،عامل اتصال بسیاری از محبان با محبوب حقیقی شود.

اندیشمند محقق حضرت استاد حسین انصاریان مد ظله العالی جهت ارائۀ هرچه بهتر این اثر در راستای ترویج فرهنگ غنی اهلبیت عصمت و طهارت علیهم السلام،اقدام به ترجمۀ این اثر گرانمایه نمودند.معظم له در خلال ترجمه به این نتیجه رسیدند که برای سهولت فهم همگان اقدام به بازنویسی متن فارسی مفاتیح نمایند.

این اثر حاصل زحمات طاقت فرسای معظم له می باشد که به برخی از ویژگیهای آن نسبت به دیگر ترجمه های مفاتیح و نسخ موجود اشاره می شود:

ترجمهٔ دقیق و روان از متن عربی با ملاحظهٔ نکات دقیق علمی ادعیه

کارآمد کردن متن فارسی با تغییر شیوهٔ نگارش

تقدیم فضائل سور بر متن سوره

تقدیم دعای روز شنبه در ایام هفته

تنظیم ادعیه و اعمال شبهای ماه مبارک رمضان به ترتیب زمان

درج باقیات الصالحات با ترجمه در انتهای کتاب

توضیح اسامی مورد نیاز که به صورت اشاره آمده بوده است

ذکر آدرس آیات

نقل نسخه بدل در داخل گیومه

ذکر ارجاعات مرحوم حاج شیخ عباس قمی با شمارهٔ صفحه

کتابت جدید متن و ترجمه

در پایان از کلیه عزیزانی که در نشر این اثر ما را یاری نموده اند کمال تشکر را داریم

مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان

صفحه مقدمه :2

پیش گفتار: استاد حسین انصاریان

دعا،راز و نیاز نیازمند با حضرت بی نیاز،و مناجات عاشقانه تهی دست با خدای بی انباز،و سخن گفتن عبد با زبان آشکار و نهان،با مولای سبب ساز،و نهایتا درخواست فقیری ضعیف از توانمندی غنی است.

دعا،درخواست خیر دنیا و آخرت از منبع کمالات،و چشمه فیوضات،و جامع اسماء و صفات است.

دعا،نالۀ پرسوز عاشق به پیشگاه معشوق،و اظهار حاجت به درگاه محبوب،و امید به یافتن مطلوب،و زمینه ساز رسیدن به مقصود است.

دعا،سؤال مسکین از مالک وجود،و گدایی مستکین از عالم غیب و شهود،و اعلام نیاز ناتوان به تواناست.

دعا،اتصال بی نوا به توانگر،بر خاک نشستن ذلیل در پیشگاه عزیز و ناتوان در محضر نیرومند،و عبد در برابر حق و نیستی مقابل هستی و حقیر در آستانه کبیر،و محدود در حضور نامحدود است.

دعا،عبادتی بس گران،عملی فوق العاده باارزش،کاری بسیار استوار،روشی نیکو،منشی والا،و کوششی الهی و انسانی است.

دعا،اتصال بی نهایت کوچک،به بی نهایت بزرگ،ارتباط مخلوق با خالق،عامل درمان روح،علاج نفس،شفای قلب،سلامت تن،نورانیت عقل،و نشانه شخصیت ملکوتی انسان است.

دعا،براساس روایات،برترین عبادت،نردبان سعادت،علّت سلامت،و محبوب ترین کار در پیشگاه حضرت رب،و سلاح مؤمن،ستون دین،و نور آسمان ها و زمین است.

دعا،کلید کامیابی،راه رهایی،فزونی بخش روزی،اسلحه پیامبران،بر گرداننده قضا و قدر،سبب جلب رحمت حق، وسیله آمرزش،دروازه توبه،مایه جوشش فیوضات الهیه و درمان دردهای فکری و درونی و جسمی است. (1)دعا،عملی الهی،تکلیفی اسلامی،عبادتی کم نظیر،حقیقتی بی قرین،دوست همه ایام به ویژه زمان گرفتاری،یار و مددکار

ص:1

1- (1)) اصول کافی ج 2 ص 339-341

روزگار تنهائی،پشتیبان انسان به هنگام بی نوائی و منبع حقایق و برکات الهی است.

از پیامبران بزرگوار،و رسول باکرامت اسلام،و امامان معصوم و صدیقه کبری فاطمه زهرا علیهم السلام دعاهائی در چهارچوب زیباترین مضامین،و برترین مفاهیم،همراه با جاذبیت و نورانیت،و صورت و سیرتی عرشی صادر شده که خوشبختانه علمای بزرگ شیعه و دانشمندان باکرامت مدرسه اهل بیت،و بینایان راه هدایت دوره به دوره و زمان به زمان آنها را در کتاب هایی ویژه به نام کتاب دعا گردآورده اند که هریک از آن کتاب ها که در زمینه دعا تدوین شده حاوی عالی ترین مسایل اعتقادی،اخلاقی،عملی،سیاسی،اجتماعی،خانوادگی،فردی و دنیایی و آخرتی است،و در زمان خاص خود و اوقات ویژه دعا به ویژه در روزها و شب های متبرک و مخصوصا هنگام سحر راهنمای اهل حال به سوی حق،و دلیل گم گشتگان به جانب هدایت،و برآورنده و حاجات نیازمندان،و شفای درد دردمندان است.

1-هنگامی که نوبت نورافشانی و بیان حقایق و تربیت نفوس به عالم فرزانه،محدّث مخلص،عابد با کرامت مرحوم ثقه المحدثین حاج شیخ عباس قمی رسید،از کتاب های دعای پیش از خود،و منابع حدیث،کتابی به نام مفاتیح الجنان که الحق مفاتیح الجنان است فراهم ساخت که مناجاتیان را از دیگر کتاب ها بی نیاز نمود.

مفاتیح خانه به خانه،قریه به قریه،شهر به شهر،کشور به کشور،حرم به حرم را تسخیر کرد و چنانکه سزاوارش بود همه جا در کنار قرآن مجید قرار گرفت،و جلوه نمودن این کتاب به این صورت مایه از پاکی و درستی و خلوص مؤلفش گرفت.

2-مرحوم شیخ عباس بنا به روایت بزرگان علّت تجلی کتابش را همه جا در کنار قرآن بر این پایه می دانست که پس از پایان تألیفش،ثوابش را به روح با عظمت ریشه ارزش ها،و آئینه صفات انبیا حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام اللّه علیهما هدیه نموده است.

3-فرزند بزرگوار آن مرحوم حضرت حجه الاسلام حاج شیخ محسن محدث زاده به اینجانب فرمود:پدرم همه این کتاب را با وضو نوشت و همواره ظرفی آب در زمان تألیف این کتاب در کنارش بود تا در صورت لزوم تجدید وضو نماید.

4-نواده فرزانه کم نظیر،عارف معارف الهیه حضرت خمینی به این فقیر فرمود:شخصی درست کار و اهل دعا به آن جناب گفت:ذکری که از اساتید گذشته به شما رسیده و شما از برکت آن مدارج معنوی و سلوک روحی را به انجام رسانیدید اگر مصلحت می دانید در اختیارم بگذارید،خمینی بزرگ و مناجاتی در پاسخ او یک کلمه فرمود و آن این بود:

مفاتیح الجنان.

5-مفاتیح سفره معنوی گسترده ای است که هر نوع رزق و روزی عرشی و آسمانی در آن قرار دارد،هر نیازمندی می تواند به اندازه نیاز جان و قلبش از آن بهره مند شود.

برای گروهی بی خبر و تهی دست از معنویست چه جای ایراد است که می گویند:کسی نمی تواند به این کتاب گرچه ساعات روز و شبش چند برابر گردد عمل کند؟!مگر از اهل دعا دعوت شده که روز و شب خود را خواندن این کتاب اختصاص دهند،مفاتیح منبع فیوضات ربانیّه است،بر هر انسانی لازم است به اندازه طاقتش و به مقدار اندکی از ساعات روز و شبش برای تصفیه جانش و دردمان دردهای درونش،و به خاطر اتصال به دعا از آن استفاده کند.

گروهی به ادعای خودشان روشنفکر و شبه روشنفکر از ثواب های مقرر شده برای دعاها و زیارت هائی که در مفاتیح است و نیز از آثاری که برای برخی از دعاها بیان شده در شگفتی و ناباوری آن و شاید آن ثواب ها و آثار را قبول نداشته باشند،باید به آنان گفت:شما خدا را نشناخته اید و از اجر عظیم و پاداش بی حساب او که از خزانه بی نهایتش به گدایان درگاهش عطا می شود بی خبر،هستید،و خیال می کنید خزانه عنایات و الطاف او محدود است،خیالی که با کفر برابر است!چه جای شگفتی و ناباوری است اگر ذات بی نهایت او بخواهد از خزانه بی نهایت خود پاداش بی نهایت به بنده مناجاتی اش بپردازد و نتیجه دعایش را در آثار ظاهری تحقق دهد؟!

6-اهل دعا باید بدانند که برای استجابت دعا لازم است شرایطی را رعایت کنند،شرایطی که در معتبرین کتابهای حدیث از زبان معصومان روایت شده است از جمله:

طهارت ظاهری به خصوص داشتن وضو،و طهارت باطنی مانند خالی بودن شکم از لقمه حرام،پاک بودن قلب از ریا،حسد،کبر،غرور،کینه،نفاق،شهرت خواهی،و خالی بودن فضای زندگی از حقوق مالی مردم،و اشک و فروتنی و تواضع بردن به عرصه دعا،و خواند دعا در دل شب به ویژه هنگام سحر.

7-از آنجا که مفاتیح الجنان مقبول اهل ایمان واقع شد،و کمتر جائی است که از آن خالی باشد،و شبانه روز هزاران مرد و زن مؤمن در منازل و مساجد و مشاهد مشرفه به آن مراجعه می کنند،و فهم و درک بخش مهمّی از متن فارسی آنکه انشائی علمی و غیر مأنوس دارد،برای گروهی از برادران و خواهران مناجاتی به ویژه جوانان اهل دل مشکل است به توفیق حق و با اجازه حضرت حجه الاسلام جناب آقای حاج شیخ محسن محدث زاده فرزند با کرامت مرحوم محدّث قمی تمام متن فارسی را به سبکی روان و قلم روز و درخور فهم همگان برگرداندم،و با لطف پروردگار متن همه دعاها را به نثری ساده ترجمه نمودم.

این فقیر که جز خدمت به علوم اهل بیت نخواستم و نمی خواهم برنامه ای داشته باشم در مدتی که مشغول این حقیقت معنوی بودم راه را با وضو و گاهی با اشک چشم و تضرع به درگاه حضرت محبوب به توفیق محبوب طی کردم،و نسبت به این عمل اندک چشم داشت پاداشی،ندارم،چنانچه نزد خدا پاداشی برای آن مقرر باشد آن را به روح با عظمت پیشوای شهیدان،سرور عاشقان،اسوهٔ کریمان،چراغ قلب عارفان،شافع روز جزا حضرت ابو عبد اللّه الحسین علیه السّلام تقدیم می دارم و از همه خوانندگان ملتمسانه درخواست دارم در هر جائی از این کتاب استفاده معنوی بردند من و پدر و مادرم و به ویژه همسرم و فرزندانم را که زمینه خدمت ناچیزم را به کتاب خدا و عترت فراهم نمودند دعا کنند و در مشاهد مشرفه به خصوص حرم حضرت سید الشهداء و حضرت رضا علیهما السلام چه در حیات و چه در مماتم از طلب مغفرت از پیشگاه حق برای این تهیدست دریغ ننمایند.

فقیر:حسین انصاریان

ص:4

ترجمه مفاتیح الجنان

[مقدمه در ذکر چند سوره قرآن]

فضیلت سورهٔ یس

اشاره

در کتاب(مفاتیح الجناح)از پیامبر اکرم صلی اللّه و علیه و آله و سلّم روایت شده:هر که سورهٔ(یس)را برای خشنودی حق تعالی بخواند،پروردگار او را مشمول آمرزش فرماید و به او چنان اجری عنایت کند که گویا دوازده مرتبه قرآن را قرائت نموده است.از خواص این سوره آن است که هرگاه نزد بیماری خوانده شود به عوض هر حرفی از آن ده فرشته نازل می شوند که در برابر بیمار به صف ایستاده و برای او طلب آمرزش می کنند.و به هنگام قبض روحش حاضر گردیده و در تشییع جنازه اش شرکت می نمایند و بر او نماز می خوانند و به وقت دفنش در کنار او خواهند بود و هر بیماری که خودش این سوره را هنگام سکرات مرگ بخواند یا برای او بخوانند،رضوان خزانه دار بهشت،جامی از شربت بهشت به او می نوشاند، پس او می میرد درحالی که سیراب است و برانگیخته می شود درحالی که سیراب است و نیازمند به حوضی از حوضهای پیامبران نمی گردد تا زمانی که وارد بهشت می شود درحالی که سیراب است.و نیز روایت شده:سورهٔ(یس)خیر دنیا و آخرت را به قرائت کننده اش میرساند،و از او بلای دنیا و اهوال آخرت را دفع می نماید بلکه هر شرّی را از او برطرف نموده و همه حاجات او را روا می کند.خواندن این سوره برابر با بیست حج است و برای شنوندهٔ آن هزار نور و هزار برکت و هزار رحمت خواهد بود و هرگونه دشمنی و بیماری از او برطرف خواهد شد.

از رسول خدا صلّی الّه و علیه و آله و سلّم روایت شده:هر که وارد قبرستان شود و سوره(یس)را بخواند خدا عذاب مردگان آن قبرستان را،کاهش داده و به تعداد آنها برای او حسنات قرار خواهد داد.از امام صادق علیه السّلام روایت شده:هرکس سورهٔ(یس)را در روز بخواند تا شب مرزوق و محفوظ است و هرکس آن را شبانه پیش از خواب بخواند،خدا هزار فرشته بر او گمارد که او را از شرّ هر شیطان رانده شده و از هر آفتی حفظ کنند و اگر در همان روز مرگش فرا رسد،خدا او را وارد بهشت نماید.

[سوره یس]

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است یس سوگند به قرآن کریم که بی تردید تو از فرستادگانی بر راهی راست[قرار داری]

ص:5

[قرآن]نازل شدۀ توانای شکست ناپذیر و مهربان است تا مردمی را بیم دهی که پدرانشان را بیم نداده اند و به این علت[از حقایق]بی خبرند.یقینا فرمان عذاب بر بیشترشان محقق و ثابت شده است،به این سبب ایمان نمی آورند مسلما ما غل هایی بر گردنشان نهاده ایم که تا چانه هایشان قرار دارد به طوری که سرهایشان بالا مانده است و از پیش رویشان حایلی و از پشت سرشان[نیز]حایلی قرار داده ایم،و به صورت فراگیر دیدگانشان را فرو پوشانده ایم،به این خاطر حقایق را نمی بینند،و برای آنان یکسان است چه بیمشان دهی یا بیمشان ندهی،ایمان نمی آورند، بیم دادنت فقط برای کسی ثمربخشی است که از قرآن پیروی کند و در نهان از خدای رحمان بترسد،پس او را به آمرزش و پاداشی نیکو و باارزش مژده ده بی تردید ما مردگان را زنده می کنیم و آنچه را پیش فرستاده اند و[خوبی ها و بدی های]برجامانده از ایشان را ثبت می کنیم و همه چیز را در کتابی روشن[که اصل همۀ کتاب هاست و آن لوح محفوظ است]بر شمرده ایم و برای آنان[که با تو برخورد خصمانه دارند]اهل آن شهر را مثل بزن،هنگامی که پیامبران به آنجا آمدند،زمانی که دو پیامبر را به سوی آنان فرستادیم،پس آن دو را انکار کردند و با پیامبر سومی آنان را تقویت کردیم،پس[همگی]گفتند:ما را به سوی شما فرستاده اند.[اهل شهر] گفتند:شما جز بشرهایی مانند ما نیستید و[خدای]رحمان هیچ چیزی نازل نکرده است،شما فقط دورغ می گویید.گفتند:پروردگارمان می داند که یقینا ما به سوی شما فرستاده شده ایم،و بر عهدۀ ما جز رساندن آشکار[پیام وحی]نیست گفتند:همانا ما شما را به شومی و فال بد گرفته ایم،اگر [از دعوت خود]باز نایستید،قطعا شما را سنگسار می کنیم،و از سوی ما شکنجه دردناکی به شما خواهد رسید گفتند:شومی شما از خود شماست[و این شومی نتیجۀ کفر و طغیان و گناه است،شگفتا!]آیا اگر به شما تذکر دهند[آن تذکر سعادت بخش را به شومی و فال بد می گیرید؟ نه،شومی از ما نیست]بلکه شما مردمی تجاوزکارید.و از دورترین نقطۀ شهر

ص:6

مردی شتابان آمد،گفت:ای قوم من !از این فرستادگان[خدا]پیروی کنید،از کسانی پیروی کنید که پاداشی از شما نمی خواهند و آنان راه یافته اند،و مرا چیست که [از روی یقین]کسی را نپرستم که مرا آفریده و به سوی او بازگردانده می شوید؟آیا به جای او معبودانی را برگزینم که اگر[خدای]رحمان برای من آسیب و گزندی بخواهد نه شفاعتشان چیزی را از من دفع می کند و نه می توانند نجاتم دهند؟ !اگر چنین کنم،بی تردید در گمراهی آشکار خواهم بود،[ای رسولان !]بی تردید به پروردگار شما ایمان آورده ام،بنابراین از من بشنوید،[سرانجام به دست آن مشرکان شهید شد،و به او]گفته شد:به بهشت درآی.گفت:ای کاش قوم من معرفت و آگاهی داشتند،به اینکه پروردگارم مرا آمرزید و از کرامت یافتگان قرارم داد.و بعد از شهادت او هیچ سپاهی از آسمان بر[هلاکت]قومش نازل نکردیم،و بر آن نبوده ایم که نازل کنیم.[کیفرشان]جز یک فریاد مرگبار نبود که ناگهان[پس از آن فریاد]همه بی حرکت و خاموش شدند !ای دریغ و افسوس بر این بندگان که هیچ پیامبری برای هدایتشان نمی آمد مگر اینکه او را مسخره می کردند !آیا[مشرکان مکه]ندانسته اند چه بسیار از اقوام پیش از آنان را[به سبب کفر و طغیانشان] هلاک کردیم که آنان هرگز نزد اینان برنمی گردند،[و در دنیا زندگی دوباره نمی یابند]و همهٔ آنان[بدون استثنا گردآوری خواهند شد و]در قیامت نزد ما احضار می شوند.

و این زمین مرده برای آنان نشانه ای[آشکار بر اینکه ما مردگان را در قیامت زنده می کنیم]می باشد که آن را زنده کردیم و از آن دانه بیرون می آوریم که از آن می خورند،و در ان بوستان هایی از درختان خرما و انگور قرار دادیم،و در آن از چشمه های گوناگون روان ساختیم،تا از میوهٔ آن و آنچه دست هایشان به عمل می آورد[مانند شیره،کشمش،شربت و...]بخورند،آیا سپاس گذاری نمی کنند؟منزّه[از هر عیب و نقصی]است آنکه همهٔ زوج ها را آفرید از آنچه زمین می رویاند و از وجود خودشان و از آنچه نمی دانند، و نشانه ای[از نشانه های قدرت و حکمت ما این]برای آنها شب است که[پوشش]روز را از آن بر می کنیم،پس ناگاه آنان به تاریکی درآیند،و خورشید[نیز برای

آنان نشانه ای از قدرت ماست]که همواره به سوی قرارگاهش حرکت می کند.این اندازه گیری توانای شکست ناپذیر و داناست،و برای ماه منزل هایی قرار دادیم تا اینکه به صورت شاخه کهنۀ بلالی شکل و زردرنگ خرما برگردد[و باز به تدریج بدر کامل شود،]نه برای خورشید این توان هست که به ماه برسد،و نه شب از روز پیشی می گیرد،و هرکدام در مداری شناورند.و برای آنان نشانه ای دیگر[از قدرت و رحمت ما]این[است]که فرزندانشان را در کشتی هایی پر[از اجناس و وسایل]حمل کردیم،و برای آنان چیزهایی مانند کشتی[چون اسب،قاطر و دیگر وسایل نقلیه]آفریدیم که بر آن سوار می شوند،و اگر بخواهیم آنان را غرق می کنیم در این صورت هیچ فریادرسی برای آنان نخواهد بود، و نجات هم نیابند،مگر[اینکه]رحمتی از سوی ما[نجاتشان دهد]و تا مدتی[از زندگی دنیا]بهره مندشان کنیم،و هنگامی که به آنان گویند:از آنچه[از عذاب های دنیا و آخرت] پیش رو و پشت سر شماست بپرهیزید تا مورد رحمت قرار گیرید[به این هشدار قطعی و یقینی توجه نمی کنند،]و هیچ آیه ای از آیات پروردگارشان برای آنان نمی آید مگر اینکه ازآن روی می گردانند.و هنگامی که به آنان گویند:از آنچه خدا روزی شما کرده انفاق کنید،کافران به مؤمنان گویند:آیا کسانی را اطعام کنیم که اگر خدا می خواست آنان را اطعام می کرد؟[پس گرسنگی را بر خدا بر آنان خواسته است]ولی شما[ای کفرپیشگان!]جز در گمراهی آشکاری نیستند.و می گویند:اگر راستگویید،این وعده[قیامت و عذاب]کی خواهد بود؟اینان جز یک فریاد مرگبار[آسمانی]را انتظار نمی کشند که آنان را درحالی که سرگرم مجادله و ستیز[در امور دنیای]انید فراگیرد.[فریادی که وقتی بر سر آنان زده شود]نه می توانند وصیتی کنند و نه[اگر بیرون خانه باشند]می توانند به خانواده خود برگردند.و در صور دمیده شود، ناگاه همۀ آنان از قبرها به سوی پروردگارشان می شتابند.می گویند:ای وای بر ما،چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟این واقیعتی است که[خدای]رحمان وعده داده بود و پیامبران راست گفته بودند!![آن صحنۀ عظیم]جز یک فریاد نیست،پس به ناگاه همۀ آنان[گردآوری شده و] ند ما احضار می شوندند.در این روز به هیچ کس ذره ای ستم نمی شود،و جز آنچه انجام می دادید پاداش داده نمی شوید.

ص:8

همانا بهشتیان در چنین روزی در سرگرمی وصف ناپذیری شیرین کام و خوش اند.آنان و همسرانشان در زیر سایه هایی[آرام بخش]بر تخت هایی [آراسته چون حجله عروس]تکیه می زنند.برای آنان در آنجا میوه ها[ی عالی و مطبوع]و آنچه دلشان بخواهد فراهم است.با سلام[ای پرارزش و سلامت بخش]که گفتاری از پروردگاری مهربان است.و[ندا آید:]ای گناهکاران!امروز[از صف نیکان]جدا شوید.ای فرزندان آدم!آیا با شما عهد نکردم که شیطان را مپرستید که او بی تردید دشمن آشکاری برای شماست؟و اینکه مرا بپرستید که این راهی است مستقیم،و همانا شیطان گروه بسیاری از شما را گمراه کرد،آیا تعقّل نمی کردید[که پیروانش به چه سرنوشت شومی دچار شدند؟]این است دوزخی که به شما وعده می دادند.

امروز به کیفر کفری که همواره می ورزیدید،در آن درآیید.امروز بر دهان هایشان مهر خاموشی نهیم و دست هایشان با ما سخن می گویند و پاهایشان به اعمالی که همواره مرتکب می شدند،گواهی می دهند!و اگر بخواهیم[در همین دنیا]دردگانشان را محو می کنیم،پس به [سوی همان]راه[گمراهی]بر یکدیگر پیشی می گیرند،ولی چگونه می توانند دید؟ و[نیز]اگر بخواهیم آنان را در جای خودشان مسخ می کنیم،[و به صورت جمادی خشک درمی آوریم]که نه بتوانند بروند و نه بازگردند،و به هرکس عمر طولانی دهیم،او را در عرصۀ آفرینش[به سوی حالت ضعف،سستی،نقصان و فراموشی]واژگونش می کنیم،پس آیا تعقّل نمی کنند؟و به پیامبر،شعر نیاموختیم و[شعرگویی]شایسته او نیست.کتاب[او]جز مایۀ یادآوری و قرآنی روشنگر[حقایق]نیست،تا کسانی را که[به عقل و هوش و استداد]زنده اند هشدار دهد،و فرمان عذاب بر کافران محقق و ثابت شود.آیا ندیده اند که ما از آنچه به قدرت خود انجام داده ایم برای آنان چهارپایانی آفریده ایم که آنان مالکشان هستند.و چهارپایان را برای آنان رام کردیم که برخی از آنها مرکب سواری آنان هستند و از[گوشت]برخی از آنها می خورند، و برای آنان در آن چهارپایان سودهایی[چون پشم،کرک،پوست]و نوشیدنی هایی[چون شیر و فرآورده های آن]هست،آیا سپاس گذاری نمی کنند؟و به جای خدا معبودانی

انتخاب کرده اند به امید اینکه[به وسیلهٔ آنها]یاری شوند،درحالی که[معبودان]قدرت یاری دادن به آنان را ندارند و آنان[که سبک مغزان روی برتافته از حق اند]برای آن معبودان[از سوی شیطان]سپاهی احضار شده اند[تا عمر و مالشان را فدای این معبودان باطل کنند]پس گفتارشان تو را اندوهگین نکند،بی تردید ما آنچه را پنهان می دارند و آنچه را آشکار می کنند،می دانیم.آیا انسان ندانسته که ما او را از نطفه ای[پست و ناچیز]آفریده ایم و اینک ستیزه گری آشکار است؟در حالی که آفرینش نخستین خود را از یاد برده برای ما مثلی زد[و]گفت:چه کسی این استخوان ها را درحالی که پوسیده اند،زنده می کند؟بگو:همان کسی که نخستین بار آن را پدید آورد.زنده اش می کند،و او به هر چیزی داناست همان کسی که برای شما از درخت سبز،«آتش زنه»آفرید،که اکنون شما از آن آتش می فروزید.آیا کسی که آسمان ها و زمین را آفریده است،قدرت ندارد که[پس از مرگشان]همانند آن را بیافریند؟چرا قدرت دارد،زیرا اوست که آفرینندهٔ بسیار داناست.شأن او این است که چون پدید آمدن چیزی را اراده کند،فقط به آن می گوید:باش،پس بی درنگ موجود می شود.بنابراین [از هر عیب و نقصی]منزّه است خدایی که مالکیّت و فرمانروایی همه چیز به دست اوست،و به سوی او بازگردانده می شوید.

فضیلت سورهٔ الرحمن

اشاره

از امام صادق علیه السّلام روایت شده:خواند سورهٔ رحمن را ترک نکنید چه این سوره در دل منافقان قرار نمی گیرد،و در روز قیامت به صورت انسانی با زیباترین چهره و خوشبوترین رایحه بر خدا وارد می شود تا در جایگاهی نزد حق بایستد که مقامی نزدیک تر از آن به خدا نیست پس آنگاه خدا به او می گوید:آنکه در حیات دنیا تو را برپا می داشت و بر قرائت تو مداومت می نمود کیست؟عرضه می دارد:فلان و فلان،پس چهرهٔ آنان تابناک می شود،پس خدا به آنان می گوید:هر که را می خواهید شفاعت کنید،و آنان تا آنجا شفاعت می کنند که دیگر احدی برای شفاعت آنان باقی نماند.در این هنگام خطاب می رسد:وارد بهشت شوید و در هر کجای آنکه می خواهید مأوی کنید.و نیز از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:هرکس سورهٔ رحمن را قرائت کند و در پس هر آیهٔ فَبِأَیِّ آلاٰءِ رَبِّکُمٰا

...

تُكَذِّبٰانِ بگوید:لا بشیء من آلائک ربّ اکذّب اگر شب بخواند و بمیرد شهید مرده و اگر روز بخواند و از دنیا برود،شهید از دنیا رفته است.

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

[خدای]رحمان قرآن را تعلیم داد.انسان را آفرید،به او بیان آموخت خورشید و ماه با حسابی[منظم و دقیق]روانند، و گیاه و درخت همواره[برای او]سجده می کنند.و آسمان را برافراشت و[برای سنجش هر امر معنوی و مادی]ترازو نهاد.تا در[سنجیدن با]ترازو طغیان رواد مدارید[و از مرز عدالت و انصاف مگذرید.]و ترازو را به عدالت بر پا دارید و از ترازو مکاهید،و زمین را برای[زندگی]مردم نهاد،در آن میوه ها و نخل ها با خوشه های غلاف دار است،و دانه های با سبوس و کاه و گیاهان خوشبو است،پس[ای انس و جن!]کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟انسان را از گلی خشکیده مانند سفال آفرید.و جن را از آمیزه ای[از شعله های مختلف]به وجود آورد.پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟پروردکار دو مشرق و پروردگار دو مغرب است.پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟دو دریای[شیرین و شور]را روان ساخت در حالی که همواره با هم تلاقی و برخورد دارند،[ولی]میان آن دو؟؟؟است که به هم تجاوز نمی کنند[در نتیجه با هم مخلوط نمی شود!]پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟از آن دو دریا لؤلؤ و مرجان بیرون می آید.پس کدامیک از نعمت های پردگارتان را انکار می کنید؟و او را در دریا کشتی های بادبان برافراشته چون کوه هاست.پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟همۀ آنان که روی این زمین هستند،فانی می شوند.و تنها ذات باشکوه و ارجمند پروردگارت باقی می ماند.پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ هرکه در آسمان ها و زمین است از او درخواست[حاجت]می کند،او هر روز در کاری است.پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان

ص:11

انکار می کنید؟ای انس و جن!به زودی به[حساب]شما می پردازیم.پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ای گروه جن و انس! اگر می توانید از کرانه ها و نواحی آسمان ها و زمین بیرون روید،پس بیرون روید،نمی توانید بیرون روید مگر با نوعی توانایی و قدرت.پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟بر شما شعله هایی از آتش بی دود و دود آتش آلود فرستاده خواهد شد،در نتیجه نمی توانید یکدیگر را[برای دفع عذاب]یاری دهید!پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟و ناگهان آسمان بشکافد و چون چرمی سرخ رنگ و گلگون شود.پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟پس در آن روز[به علت سرعت فوق العاده حسابرسی و روشن بودن همۀ امور]انس و جنّی را از گناهش نپرسند.پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟گناهکاران به نشانه هایشان شناخته می شوند،پس آنان را به موهای پیش سر و به پاهایشان می گیرند[و به آتش می اندازند]پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟این همان دوزخی است که گنهگاران آن را دروغ می پنداشتند.آنان در میان آتش و آب جوشان رفت و آمد می کنند پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟و برای کسی که از مقام پروردگارش[که احاطه و تسلّط او بر ظاهر و باطن هستی است]بترسد دو بهشت است.پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ [دو بهشتی که]دارای درختان و شاخسارهای با طروات و انبوه است.پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟در آن دو بهشت دو چشمه ای است که همواره جاری است.پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟در آن دو بهشت از هر میوه ای دو نوع فراهم است.پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ [بهشتیان]بر بسترهایی که آستر آنها از حریر درشت بافت است،تکیه می زنند،و میوه های رسیده آن دو بهشت[به آسانی]در دسترس است.پس کدامیک از نعمت های پرودگارتان را انکار می کنید؟در آن بهشت ها زنانی که فقط به همسرانشان عشق می ورزند،و پیش از آنان دست انس و جنی به آنان نرسیده است.پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را

انکار می کنید گویی آن زنان بهشتی یاقوت و مرجان اند.پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟آیا پاداش نیکی جز نیکی است؟ پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟و جز آن دو بهشت،دو بهشت دیگر[هم]هست.

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟آن[دو بهشت دیگر]در نهایت سرسبزی اند.پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ در آن دو بهشت دو چشمه همواره جوشان و در حال فوران است.پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟در آنها میوه های فراوان و درخت خرما و انار است.

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟در آنها زنانی نیکو سیرت و زیبا صورت اند.پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ حوریانی که در سراپرده ها مستورند.پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟پیش از آنان دست انس و جنّی به آنان نرسیده است.پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟بر بالش های سبز و فرش های زیبا تکیه می زنند.

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟همه سودمند و بابرکت است نام پروردگار باشکوه و ارجمندت.

فضیلت سورۀ واقعه

اشاره

روایت است:که عثمان بن عفان از عبده اللّه بن مسعود در مرضی که به سبب آن از دنیا رفت،عیادت کرد،پس به او گفت:از چه شکوه داری؟عبد اللّه گفت:از گناهانم.گفت:چه چیز میل داری؟گفت:رحمت پروردگارم.گفت:آیا برایت طبیب بیاورم؟ پاسخ داد:طبیب مرا بیمار کرده.گفت:آیا فرمان بدهم عطیه ای به تو بدهند؟جواب داد:زمانی که نیازمندترین مردمان به آن بودم به من ندادی،اکنون که از آن بی نیازم می خواهی بدهی؟گفت:برای دخترانت باشد.پاسخ داد:آنها را حاجتی به عطای تو نیست چه اینکه ایشان را به قرائت سورۀ واقعه سفارش کرده ام،زیرا از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلّم شنیدم که می فرمود،هرکه سورۀ واقعه را هر شب بخواند هرگز دچار پریشانی نمی شود.و نیز از

حضرت صادق علیه السّلام روایت است:که هرکس سورۀ واقعه را قبل از خواب بخواند،خدا را با چهره ای

ص:13

نورانی همچون قرص ماه ملاقات کند،و نیز از آن حضرت روایت شده:که هرکس مشتاق بهشت و وصف آن می باشد،سورۀ واقعه را بخواند.

سوره الواقعه

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

هنگامی که واقعه[بسیار عظیم قیامت]واقع شود،که در واقع شدنش دروغی[در کار]نیست،پست کننده[کافران]و رفعت دهنده[مؤمنان]است.

هنگامی که زمین به شدت لرزانده شود،و کوه ها درهم کوبیده و ریزریز شوند.در نتیجه غباری پراکنده گردد،و شما سه گروه شوید:سعادتمندان،چه بلندمرتبه اند سعادتمندان!و شقاوتمندان،چه دون پایه اند شقاوتمندان! و پیشی گیرندگان[به اعمال نیک]که پیشی گیرندگان[به رحمت و آمرزش]اند،اینان مقربان اند،در بهشت های پر نعمت اند.گروهی بسیار از پیشینیان،و اندکی از پسینیان،بر تخت هایی زربافت،که روبروی هم بر آنها تکیه دارند.

نوجوانانی همیشه نوجوان همواره[برای خدمت]پیرامونشان می گروند،با قدح ها و کوزه ها و جام هایی از بادۀ ناب و پاک، که از نوشیدنش نه سردرد گیرند،و نه مست و بی خرد شوند،و میوه ها از هر نوعی که اختیار کنند،و گوشت پرنده از هر گونه ای که بخواهند، و حوریانی چشم درشت،هم چون مروارید پنهان شده در صدف،پاداشی است در برابر اعمالی که همواره انجام می دادند.در آنجا نه سخن بیهوده ای می شوند،نه کلام گناه آلودی،مگر سخنی که سلام است و سلام،و سعادتمندان چه بلندمرتبه اند سعادتمندان!در سایۀ درخت سدر بی خاراند،و درختان موزی که میوه هایش خوشه خوشه روی هم چیده شده است،و سایه ای گسترده

و پایدار،و آبی ریزان،و میوه ای فراوان،که پایان نپذیرد و ممنوع نشود،و همسرانی بلندمرتبه، که ما آنان را با آفرینشی ویژه آفریدیم،پس آنان را همواره دوشیزه قرار داده ایم.عشق ورز به شوهران،و هم سن و سال با همسران.[همه این نعمت ها]برای سعادتمندان[است.]گروهی بسیار از پیشینیان،و گروهی بسیار از پسینیان،و شقاوتمندان،چه دون پایه اند شقاوتمندان! در میان بادی سوزان و آبی جوشان[قرار دارند]،و سایه ای از دودهای بسیار غلیظ و سیاه،نه خنک است و نه آرام بخش،اینان پیش از این از نازپروردگان خودکامه و سرکش بودند،و همواره بر گناهان بزرگ پافشاری داشتند،و پیوسته می گفتند:آیا هنگامی که مردمی و خاک و استخوان شدیم،آیا به راستی برانگیخته می شویم؟!و آیا پدران گذشتهٔ ما نیز برانگیخته می شوند؟!بگو:بی تردید همهٔ پیشینیان و همهٌ پسینیان،برای وعده گاه روزی معین گردآورده خواهند شد.آن گاه شما ای گمراهان انکارکننده! قطعا از درختی که از زقّوم است[؟؟؟مایعی جوشان و بسیار بد مزّه و بدبوست]خواهید خورد؛و شکم ها را از آن پر خواهید کرد،و روی آن از آب جوشان خواهید نوشید،مانند نوشیدن شترانی که به شدت تشنه اند؛این است پذیرایی از آنان در روز جزا.ما شما را آفریدیم،پس چرا[آفرینش دوبارهٔ خود را پس از مرگ]باور نمی کنید؟آیا از[حالات و دگرگونی های]نطفه ای که در رحم می ریزید آگاه هستید؟آیا شما آن را[تا انسانی معتدل و آراسته شود]می آفرینید یا ما آفریننده ایم؟ماییم که مرگ را میان شما مقدّر کردیم،و هیچ چیز ما را[در جاری کردن مرگ بر شما]مغلوب نمی کند.[آری،مرگ را مقدّر کردیم]تا امثال شما را جایگزین شما کنیم و شما را به صورتی که نمی دانید آفرینشی تازه و جدید بخشیم،و به راستی پیدایش نخستین را[که جهان فعلی است]شناختید،پس چرا متذّکر[پدید شدن جهان دیگر]نمی شوید؟!مرا خبر دهید آنچه را می کاری،آیا شما آن را می رویانید،یا ما می رویانیم؟به یقین اگر بخواهیم آن را ریزریز کرده و خاشاک می کنیم که متأسف

و شگفت زده می شوید،[و می گویید:]مسلما ما خسارت زده ایم،بلکه ناکام و محرومیم به من خبر دهید آبی که می نوشید، آیا شما آن را از ابر باران زا فرود آورده اید یا ما فرود آورنده ایم؟اگر بخواهیم آن را تلخ می گردانیم،پس چرا سپاس گزاری نمی کنید؟ به من خبر دهید آتشی که می افروزید،آیا شما درختان را آفریده اید یا ما آفریننده ایم؟ما آن را وسیلۀ تذکر و مایۀ استفاده برای صحرانشینان و بیابانگردان قرار داده ایم.پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی.پس به جایگاه ستارگا سوگند می خورم،و اگر بدانید بی تردی این سوگندی بس بزرگ است.که یقینا این قرآن،قرآنی است ارجمند و باارزش؛[که]در کتابی مصون از هر گونه تحریف و دگرگونی[به نام لوح محفوظ جای دارد.]جز پاک شدگان[از هر نوع آلودگی]به[حقایق و اسرار و لطایف]آن دسترسی ندارند.نازل شده از سوی پروردگار جهانیان است.آیا شما نسبت به این گفتار سهل انگاری می کنید[و آن را قابل اعتنیا نمی دانید؟ !]و فقط نصیب خود را این قرار می دهید که آن را انکار کنید؟ !پس چرا هنگامی که روح به گلوگاه می رسد،و شما در آن وقت نظاره گر هستید[و پیچ کاری از شما ساخته نیست !]و ما به او از شما نزدیک تریم،ولی نمی بینید.[آری]پس چرا اگر شما پاداش داده نمی شوید [و به گمان خود قیامتی در کار نیست و شما را قدرتی بزرگ و فراتر است؟]آن[روح به گلوگاه رسیده]را[به بدن محتضر]برنمی گردانید،اگر[در ادعای خود]راستگویید؟پس اگر[جان به گلو رسیده]از مقربان باشد،[در]راحت و آسایش و بهشت پرنعمت[خواهد بود.]و اگر از سعادتمندان باشد،[به او گفته می شود:] از سوی سعادتمندان بر تو سلام باد.و اما اگر انکارکنندگان[حقایق و]گمراه باشد،پذیرایی از او با آب جوشان است، و وارد شدن به دوزخ است.[آنچه درباره این سه طایف بیان شد،]بی تردید این است همان حقّ یقینی.پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی.

فضیلت سورهٔ جمعه

اشاره

از امام صادق علیه السّلام روایت شده:بر هر مؤمن پیرو اهل بیت علیهم السّلام لازم است در نماز شب جمعه(ظهرا منظور نماز عشاء است) سورهٔ جمعه و سبح اسم ربّک الأعلی و در نماز ظهر جمعه سورهٔ جمعه و منافقین را قرائت کند،هرگاه این عمل را انجام دهد گویا عمل رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلّم را بجا آورده و ثواب و پاداشش از طرف خدای عزّ و جلّ بهشت است.

سوره الجمعه

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است،خدا را[به پاک بودن از هر عیب و نقصی]می ستایند،خدایی که فرمانروای هستی و بی نهایت پاکیزه و توانای شکست ناپذیر و حکیم است.اوست که در میان مردم بی سواد،پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و آنان را[از آلودگی های فکری و روحی]پاکشان کند و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد،و آنان به یقین پیش از این در گمراهی آشکاری بودند.و[نیز پیامبر را]بر مردمی دیگر[از عرب و غیر عرب]که هنوز به آنان نپیوسته اند [برانگیخت].و او توانای شکست ناپذیر و حکیم است.این[برانگیختن به پیامبری و مسئولیت عظیم تعلیم و تربیت]فضل خداست که آن را به هرکس بخواهد عطا می کند،و خدا صاحب فضل بزرگ است.وصف کسانی که عمل کردن به تورات به آنان تکلیف شده است،آن گاه به آن عمل نکردند،مانند درازگوشی است که کتاب هایی را[که هیچ آگاهی به محتویات آنها ندارد]حمل می کند.چه بد است سرگذشت مردمی که آیات خدا را تکذیب کردند.و خدا مردم ستمکار را هدایت نمی کند.بگو:ای یهودیان!اگر گمان می کنید که فقط شما دوستان خدایید نه مردم دیگر،پس آرزوی مرگ کنید اگر راستگویید[چون دوستان خدا برای رسیدن به لقاء او مشتاق مرگ هستند.] ولی آنان به سبب گناهانی که مرتکب شده اند هرگز آرزوی مرگ نمی کنند،و خدا به ستمکاران داناست،بگو:بی تردید مرگی را که از آن

می گریزید با شما دیدار خواهد کرد،سپس به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانده می شوید،پس شما را به اعمالی که همواره انجام می دادید، آگاه خواهد کرد.ای مؤمنان!چون برای نماز روز جمعه ندا دهند،به سوی ذکر خدا بشتابید،و خرید و فروش را رها کنید،که این[اقامۀ نماز جمعه و ترک خرید و فروش]برای شما بهتر است اگر[به پاداشش]معرفت و آگاهی داشتید.و چون نماز پایان گیرد،در زمین پراکنده شوید و از فضل و رزق خدا جویا شوید و خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید،و[برخی از مردم]چون تجارت یا مایۀ سرگرمی ببینند[از صف یک پارچه نماز]به سوی آن پراکنده شوند و تو را در حالی که[بر خطبه نماز]ایستاده ای،رها کنند.بگو:پاداش و ثوابی که نزد خداست از سرگرمی و تجارت بهتر است،و خدا بهترین روزی دهندگان است.

فضیلت سورۀ ملک

اشاره

از امام صادق علیه السّلام روایت شده:هرکس سورۀ ملک را در نماز واجب بخواند،پیش از آنکه بخوابد،همواره در امان خدا خواهد بود تا وارد صبح شود و روز قیامت[نیز]در امان خدا خواهد بود تا داخل بهشت گردد.قطب راوندی از ابن عباس روایت نموده:مردی روی قبری خیمه زد بی آنکه بداند آنجا قبر است،پس سورۀ ملک را خواند،ناگاه شنید فریادکننده ای گفت:این سوره نجات دهنده است.آن مرد این رویداد را برای حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله و سلّم حکایت کرد،حضرت فرمودند:این سوره انسان را از عذاب قبر نجات می بخشد.

سوره الملک

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

همیشه سودمند و با برکت است آنکه فرمانروایی[بر همه هستی]به دست اوست و او بر هر کاری تواناست،آنکه مرگ و زندگی را آفرید تا شما را

بیازماید که کدامتان نیکوکارترید،و او توانای شکست ناپذیر و بسیار آمرزنده است.آنکه هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید.در آفرینش[خدای]رحمان،خلل و نابسمانی و ناهمگونی نمی بینی،پس بار دیگر آیا هیچ خلل و نابسمانی و ناهمگونی می بینی؟سپس بار دیگر بنگر تا دیده ات در حالی که خسته و کم سو شده[از یافتن خلل،نابسامانی و ناهمگونی فرو مانده]و درمانده گشته است،به سویت بازگردد.همانا ما آسمان دنیا را با چراغ هایی آراستیم و آنها را تیرهایی برای راندن شیطان ها قرار دادیم.و برای آنان[در آخرت]آتشی افروخته آماده کرده ایم؛و برای کسانی که به پروردگارشان کافر شدند،عذاب دوزخ است و چه بد بازگشت گاهی است.هنگامی که در آن افکنده شوند از آن درحالی که در جوش و فوران است،صدایی هولناک و دلخراش می شنوند.نزدیک است که از شدت خشم متلاشی و پاره پاره شود.هرگاه گروهی در آن افکنده شوند، نگهبانانش از آن می پرسند:آیا شما را بیم دهنده ای نیامد؟می گویند:چرا بیم دهنده آمد،ولی او را انکار کردیم و گفتیم:خدا هیچ چیز نازل نکرده است؛شما بیم دهندگان جز در گمراهی بزگی نیستید؛و می گویند:اگر ما[دعوت سعادت بخش آنان را]شنیده بودیم،یا[در حقایقی که برای ما آوردند]تعقّل کرده بودیم، در میان[آتش]اهل آتش سوزان نبودیم.پس به گناه خود اعتراف می کنند.و مرگ و دوری از رحمت بر اهل آتش سوزان باد.بی تردید کسانی که در نهان از پروردگارشان می ترسند،برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است.و گفتارتان را پنهان کنید یا آن را آشکار سازید،مسلما او به نیّات و اسرار سینه ها داناست.

آیا کسی که[همه موجودات را]آفریده است،نمی داند؟و حال آنکه او لطیف و آگاه است.اوست که زمین را برای شما راه قرار داد،بینابراین بر اطراف و جوانب آن راه روید،و از روزی خدا بخورید،و برانگیختن مردگان و رستاخیز به سوی اوست.آیا از کسی که[حاکمیت و فرمانروایی اش]در آسمان قطعی است[چه رسد در زمین]خود را در امان دیده اید،از اینکه[با شکافتن زمین]شما را در آن فرود برد درحالی که زلزله و جنبش موج آسایش را ادامه دهد؟آیا از کسی که حاکمیت و فرمانروایی اش

در آسمان قطعی است[چه رسد در زمین]خود را در امان دیده اید از اینکه توفانی سخت[که با خود ریگ و سنگ می آورد]بر شما فرستد؟پس به زودی خواهید دانست که بیم دادن من چگونه است!و مسلما کسانی که پیش از آنان بودند[آیات خدا و پیامبران را انکار کردند]،پس[بنگر]عذاب من چگونه بود!آیا ندانسته اند که پرندگان بالای سرشان را درحالی که بال می گشایند و می بندند،فقط[خدای]رحمان در فضا نگه می دارد؟یقینا او بر همه چیز بیناست.آیا این کسیت[از]سپاهتان که شما را به هنگام نزول عذاب در برابر خدای رحمان یاری دهد؟کافران جز دچار فریب[شیطان]نیستند.یا کیست آنکه به شما روزی دهد،اگر خدا روزی اش را از شما بازدارد؟[نه اینکه حقیقت را نمی دانند]بلکه در سرکشی و نفرت[از حق سرسختی و]پافشاری می کنند.آیا کسی که نگونسار و به صورت افتاده حرکت می کند،هدایت یافته تر است یا آنکه راست قامت بر راه راست می رود؟بگو:اوست که شما را آفرید و برای شما گوش و دیده و دل قرار داد، ولی اندکی سپاس می گزاید.بگو:اوست که شما را در زمین آفرید و به سوی او محشور می شوید.

و می گویند:اگر راستگویید این وعدۀ وقوع[رستاخیز]کی خواهد بود؟ بگو:دانش و آگاهی[این حقیقت]فقط نزد خداست و من تنها بیم دهنده ای آشکارم.پس زمانی که آن[وعده داده شده]را از نزدیک ببینند،چهره کافران درهم و زشت گردد[و به آنان گویند:]این است همان چیزی که آن را[از روی مسخره]می خواستید.بگو:به من خبر دهید اگر خدا من را و هر که را با من است هلاک کند،یا مورد رحمت قرار دهد،پس چه کسی کافران را از عذاب دردناک پناه خواهد داد؟بگو:اوست رحمان،به او ایمان آوردیم،و بر او توکل کردیم،پس به زودی خواهید دانست چه کسی در گمراهی آشکار است.بگو:به من خبر دهید اگر آب مورد بهره برداری شما[چون آب رودها،چشمه ها،سدها و چاه ها]در زمین فرو رود[تا آنجا که از دسترس شما خارج گردد]پس کیست که برایتان آب روان و گوارا بیاورد؟ !

ص:20

فضیلت سورهٔ نبأ

اشاره

شیخ صدوق از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است:هرکه سورهٔ نبأ را بخواند و هر روز بر قرائت آن مداومت نماید سال را سپری نکند مگر اینکه بیت اللّه الحرام را زیارت کند.و شیخ طبری در مجمع البیان از ابیّ بن کعب روایت کرده که حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود:هر که سورهٔ نبأ را بخواند خدا او را در قیامت از شراب خنک سیراب نماید،و دانسته باش که در روایات اهل بیت علیهم السّلام آمده است که منظور از نبأ عظیم،ولایت است و نیز وارد شده است که نبأ عظیم حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام است:(هو النّبا العظیم و فلک نوح و باب اللّه و انقطع الخطاب)اوست نبأ عظیم و کشتی نوح در دروازهٔ آسمان آن هنگام که خطاب الهی پایان یافت.

سوره النّبإ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

دربارهٔ چه چیز از یکدیگر می پرسند؟از آن خبر بزرگ[قیامت کبری]که همواره دربارهٔ آن با یکدیگر اختلاف دارند[که واقع می شود یا نه؟]نه چنین است[که می پندارند] به زودی[به حتمی بودن آن]آگاه خواهند شد.باز هم نه چنین است[که می پندارند]به زودی[به حتمی بودن وقوع آن]آگاه خواهند شد.آیا زمین را بستر آرامش قرار ندادیم؟و کوه ها را میخ هایی [برای استواری آن؟]و شما را جفت هایی[به صورت نر و ماده]آفریدیم،و خوابتان را مایهٔ استراحت و آرامش[و تمدّ و اعصاب]قرار دادیم،و شب را پوششی و روز را وسیلهٔ معاش مقرّر کردیم:و بر فرازتان هفت آسمان استوار بنا نهادیم،و چراغی روشن و حرارت زا پدید آوردیم، و از ابرهای متراکم و باران زا آبی ریزان نازل کردیم تا به وسیلهٔ آن دانه و گیاه برویانیم،و باغ هایی از درختان به هم پیچیده و انبوه بیرون آوردیم.بی تردید روز داوری وعده گاه است.روزی که در صور می دمند و شما گروه گروه به عرصه محشر می آیید،و آسمان گشوده می شود، پس به صورت درهایی در می آید،و کوه ها را[از جای خود]روان کنند و سرابی شوند!بی تردی دوزخ کمین گاه

ص:21

است.برای سرکشان و طاغیان جای بازگشت است.روزگاری دراز در آن بمانند.در آنجا نه خنکی هوا می جشند و نه آشامیدنی [باب طبع]مگر آب جوشان و چرکاب و خونابه ای[از بدن دوزخیان]پاداشی است مناسب[اعمالشان]اینان بودند که به[روز]حساب امیدی نداشتند، و آیات ما را به شدت و با همۀ وجود انکار می کردند و[ما]همه چیز را[از خوبی و بدی آنان]بر شمرده و در نامۀ اعمالشان ثبت کرده ایم.[و در قیامت به آنان می گوییم:]پس بچشید که هرگز جز عذاب بر شما نیفزاییم.بی تردی برای پرهیزگاران پیروزی و کامیابی است باغ هایی[سرسبز و خرم]و انواع انکورها و دخترانی نورسیده و هم سن و جام هایی لبریز[از بادۀ طهور]در آنجا نه سخن بیهوده ای می شوند و نه دوزخ و تکذیبی.[این]پاداشی کافی و به اندازه از سوی پروردگار توست.همان پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه میان آنهاست،آن مهربانی که هیچ کس را اختیار چون وچرای با او نیست.روزی که روح و فرشتگان در یک صف می ایستند و سخن نمی گویند مگر کسی که[خدای]رحمان به او اجزاه دهد و سخن حق و درست گوید.آن[روز] روز حق است،پس هر که بخواهد راه بازگشتی به سوی پروردگارش برگزیند؛ما شما را از عذابی نزدیک هشدار دادیم،روزی که آدم آنچه را[از خیر و شر] پیش فرستاده است بنگرد و کافر گوید:ای کاش من خاک بودم[و موجودی مکلّف آفریده نمی شدم تا چنین روز سختی را ببینم!]

فضیلت سورۀ اعلی

اشاره

شیخ صدوق از امام صادق علیه السّلام روایت نموده است که فرمودند:هرکس سورۀ(سبحّ اسم ربّک الأعلی)را در نماز واجب یا مستحب بخواند،روز قیامت به او گفته می شود:از هر در از درهای بهشت که می خواهی وارد شود.

ص:22

سوره الأعلی

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

نام پروردگار برتر و بلندمرتبه ات را[از هر جه رنگ شرک خفی و جلی دارد]منزه و پاک بدار.آنکه آفرید،پس درست و نیکو گردانید.و آنکه اندازه قرار داد و هدایت کرد،و آنکه چراگاه را رویانید،و آن را خاشاکی سیاه گردانید،به زودی قرآن را بر تو می خوانیم،پس هرگز فراموش نخواهی کرد،جز آنچه را خدا بخواهد،که او آشکار و آنچه را پنهان است می داند.و تو را برای آسان ترین راه[که شریعت سمحه و سهله است]آماده می کنیم.پس[مردم را]اندرز ده، اگر اندرز سودمند افتد.کسی که از خدا می ترد،به زودی متذکّر می شود،و کسی که از همه بدبخت تر است از آن کناره می گیرد.همان کسی که در آتش بزرگ تر در می آید.آن گاه در آنجا می میرد و نه به خوشی زندگی می کند.بی تردید کسی که خود را[از زشتی های باطن و ظاهر]پاک کرد،رستگار شد.و نام پروردگارش را یاد کرد،پس نماز خواند.[ولی شما منکران لجوج به سوی راه رستگاری نمی روید]بلکه زندگی و نیاز را[بر آن]ترجیح می دهید.درحالی که آخرت بهتر و پایدارتر است.

همان این[حقایق]در کتاب های آسمانی پیشین هست.[در]کتاب های ابراهیم و موسی.

فضیلت سوره شمس

اشاره

در مجمع البیان به نقل از أبی بن کعب از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلّم روایت شده است که فرمودند:کسی که سورۀ شمس را بخواند گویی هر آنچه را که آفتاب و ماه بر آن تابیده صدقه داده است.

سوره الشّمس

ص:23

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

سوگند به خورشید و گسترش روشنی اش و به ماه هنگامی که از پی آن برآید و به روز چون خورشید را به خوبی آشکار کند و به شب هنگامی که خورشید را فرو پوشد و به آسمان و آنکه آن را بنا کرد و به زمین و آنکه آن را گستراند و به نفس و آنکه آن را درست و نیکو نمود،پس بزه کاری و پرهیزکاری اش را به او الهام کرد.بی تردی کسی که نفس را[از آلودگی پاک کرده]رشد داد،رستگار شد.و کسی که آن را[به آلودگی ها و امور بازدارنده از رشد]بیالود[و از رحمت حق]نومید شد.قوم ثمود به سبب سرکشی و طغیانش[پیامبرشان را]تکذیب کرد،زمانی که بدبخت ترینشان به پا خاست.پس فرستادۀ خدا به آنان گفت:ناقۀ خدا و آبشخورش را [واگذارید]ولی به تکذیب او برخاستند و ناقه را پی کردند،و در نتیجه پروردگارشان به خاطر گناهشان عذاب سختی بر آنان فرو ریخت و همه قوم را با خاک یکسان و برابر ساخت؛و خدا از- سرانجام آن کار[که نابودی ستمکاران است]پروایی ندارد.

فضیلت سورۀ قدر

اشاره

از امام صادق علیه السّلام روایت شده است که فرمودند:هرکس سورۀ قدر را در نماز واجب بخواند،فرشته ای از جانب پروردگار ندا کند:ای بندۀ خدا،خدا گناهان گذشته ات را آمرزید،عمل از نو آغاز کن.

سوره القدر

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم.تو چه می دانی شب قدر چیست؟شب قدر،بهتر از هزار ماه است.فرشتگان و روح در آن شب به اذن پروردگارشان برای[تقدیر و تنظیم]هر کاری نازل می شوند.

این شب تا برآمدن سپیده دم[سراسر]سلام و رحمت است.

ص:24

فضیلت سورهٔ زلزله

اشاره

از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلّم روایت شده است که فرمودند:هرکس سورهٔ زلزال را چهار بار قرائت کند مانند کسی است که تمام قرآن را قرائت کرده است.

سوره الزّلزله

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

هنگامی که زمین را با[شدیدترین]لرزشش بلرزانند،و زمین بارهای گرانش را بیرون اندازد،و انسان بگوید:زمین را چه شده است؟آن روز است که زمین اخبار خود را می گوید:زیرا که پروردگارت به او وحی کرده است.آن روز مردم[پس از پایان حساب]به صورت گروه های پراکنده[به سوی منزل های ابدی خود بهشت یا دوزخ]باز می گردند،تا اعمالشان را[به صورت تجسم یافته]به آنان نشان دهند.پس هرکس هم وزن ذره ای نیکی کند،آن نیکی را ببیند.و هرکس هم وزن ذره ای بدی کند،آن بدی را ببیند.

فضیلت سورهٔ عادیات

اشاره

در خبر است هرکس به خواندن آن مداومت نماید با حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام محشور می شود.

سوره العادیات

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

سوگند به اسبان دونده ای که همهمه کنان[به سوی جنگ]می تازند و سوگند به اسبانی که با کوبیدن سمشان از سنگ ها جرقه می جهانند و سوگند به سوارانی که هنگام صبح غافل گیرانه به دشمن هجوم می برند و به وسیلهٔ هجوم،گرد و غبار فراوانی برانگیزند و ناگاه در آن وقت در میان گروهی دشمن درآیند؛[که]قطعا انسان نسبت به پروردگارش بسیار

ناسپاس است،و بی تردید خود او بر این ناسپاسی گواه است،و همانا او نسبت ثروت و مال سخت علاقمند است[و به این سبب بخل می ورزد]آیا نمی داند هنگامی که آنچه در گورهاست برانگیخته شود.و آنچه در سینه هاست پدیدار گردد، بی تردید در آن روز پروردگارشان نسبت به آنان آگاه است[و بر پایۀ اعمال نیک و بدشان به آنان پاداش و کیفر دهند.]

ص:25

فضیلت سورهٔ کافرون

اشاره

در احادیث بسیاری،فضیلت قرائت سورهٔ کافرون در نمازهای واجب و مستحب بیان شده است و آن اینکه خواندن آن معادل یک چهارم قرآن است.

سوره الکافرون

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

بگو:ای کافران!آنچه را شما می پرستید،من نمی پرستم،و نه شما آنچه را من می پرستم،می پرستید، و نه من آنچه را شما پرستیده اید،می پرستم،و نه شما آنچه را که من می پرستم،می پرستید.دین شما برای خودتان،و دین من برای خودم.

فضیلت سورهٔ نصر

اشاره

در حدیث آمده است:قرائت سورهٔ نصر در نمازهای واجب یا مستحب موجب پیروزی بر دشمنان می شود.

سوره النّصر

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

هنگامی که یاری خدا و[آن]پیروزی فرا رسد،و مردم را ببینی که گروه گروه در دین خدا درآیند، پس پروردگارت را همراه با سپاس و ستایش تسبیح گوی،و از او آمرزش بخواه،که او همواره توبه پذیر است.

فضیلت سورهٔ توحید

اشاره

خواندن سورهٔ توحید،همچون خواندن یک سوم قرآن است.

سوره الاخلاص

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

بگو:او خدای یکتاست؛خدای بی نیاز[که نیازمندان با اعتماد به حضرتش قصد او کنند.]کسی را نزاده،و از زاییده نشده است،و هیچ کس[نه در ذات و نه در صفات] همانند و همتا و شبیه او نمی باشد.

فضیلت معوذتین

اشاره

در روایت آمده است:چنانچه شخص از خانۀ خود بیرون رود و معّوذتین(فلق و ناس)را بخواند،چشم بد به او زیان نرساند،و کسی که دچار ترس می شود به هنگام خوابیدن،این دو سوره را به همراه آیه الکرسی[آیۀ 255 سورۀ بقره]بخواند.

سوره الفلق

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

بگو:به پروردگار سپیده دم پناه می برم،از زیان آنچه آفرید،و از زیان شب هنگامی که با تاریکی اش درآید[که در آن تاریکی انواع حیوانات موذی و انسان های فاسق و فاجر برای ضربه زدن به انسان در کمین اند]و از زیان زنان دمنده[که افسون و جادو[می دمند و با این کار شیطانی در زندگی فرد،خانواده و جامعه خسارت به بار می آورند] و از زیان حسود،زمانی که حسد می ورزد.

سوره الناس

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

بگو:پناه می برم به پروردگار مردم[به]پادشاه مردم[به]معبود مردم از زیان وسوسه گر مخفی و پنهان،آنکه همواره در سینه های مردم وسوسه می کند از جنّیان و آدمیان.

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

ستایش خدای را که سپاس خویش را کلید یاد خود قرار داد و تمام موجودات را گویای ستایش و شکرش آفریده و درود و سلام بر پیامبرش محمّد ص که نامش از نام ستودۀ او(محمود)جدا شده است،و بر اهل بیت پاکش که بزرگوار و بخشنده اند.

و بعد این فقیر بی بضاعت و متمسّک به احادیث اهل بیت رسالت علیهم السّلام عبّاس بن محمّد بن رضا القمی که خداوند پایان کار هر دو را به نیکی و سعادت ختم کند چنین گوید:عده ای از برادران اهل ایمان از این دعاگو خواستند که کتاب«مفاتیح الجنان»را که بین مردم متداول است مطالعه نمایم و دعاهای مستند آن کتاب را ذکر نمایم و آنچه را که سندش به نظرم نرسیده از ذکرش خودداری کنم و پاره ای از دعاها و زیارات معتبره را که در آن کتبا نیامده بر آن بیفزایم.این کمترین خواهش برادرانم را اجابت کرده و این کتاب را به همان ترتیب نظام داده و آن را«مفاتیح الجنان»[کلیدهای بهشت]نامیدم.این مجموعه را در سه باب مرتّب ساختم؛در باب اوّل تعقیب نمازها و دعاهای روزهای هفته و اعمال شب و روز جمعه و پاره ای از دعاهای مشهور و مناجات خمسه عشر و جز اینها گرد آمده است.در باب دوّم:اعمال ماهای سال و فضیلت و اعمال نوروز و اعمال ماههای رومی[شمسی]بیان شده است.در باب سوّم:زیارات و آنچه مربوط به زیارات است آمده.امید است برادران اهل ایمان مطابق آن عمل کنند،و این گنهکار رو سیاه را از دعا و زیارات و طلب آمرزش فراموش نفرمایند.

[باب اوّل(ادعیه)]

اشاره

باب اوّل در بیان تعقیب نمازها و دعاهای روزهای هفته،و اعمال شب و روز جمعه،و پاره ای از دعاهای مشهور و مناجات «خمسه عشر»و جز اینها،و در این باب چند فصل است:

از مصباح شیخ طوسی و غیر آن نقل شده:هرگاه نماز را سلام دادی،دستها را تا برابر گوش بالا بر و سه مرتبه تکبیر(اللّه اکبر)گفته و سپس بگو:معبودی جز خدا نیست،معبودی یگانه و ما تسلیم او هستیم،معبودی غیر از خدا نیست و جز او را نمی پرستیم،درحالی که طاعت خود را برای او خالص می نماییم هرچند برای مشرکان ناخوش آیند باشد،معبودی جز خدا پروردگار ما و پروردگار پدران نخستین ما نیست.معبودی غیر از خدا نیست یگانه و یگانه و یگانه است،به وعده اش وفا کرد،بنده اش را یاری داد سپاهش را قدرت و عزت بخشید و به تنهایی لشکریان(کفر و شکر)را درهم شکست.پس فرمانروایی و ستایش تنها او را سزاست.زنده می کند و می میراند و می میراند و زنده می کند و او است زنده ای که نمی میرد،خیر و نیکی تنها به دست اوست و او بر هر چیز تواناست.آنگاه بگو:

از خدا که جز ما و معبودی نیست آن زنده و پاینده آمرزش می طلبم و به جانب او باز می گردم خدایا مرا از جانب خود راهنمایی کن،و از باران احسانت بر من ببار،و از ابر رحمتت بر من بگستران،و از نعمتهای فراوانت بر من فرود آور،پاک و منزّهی،معبودی جز تو نیست،تمامی گناهانم را بیامرز،زیرا جملگی گناهان را کسی جز تو نمی آمرزد،بار خدایا از تو درخواست می کنم از هر خیری که دانشت بر آن احاطه یافته است و به تو پناه می آورم از هر گزندی که علم تو به آن احاطه دارد.خدایا!در همه کارهایم سلامتی کامل از تو می خواهم،و به تو پناه می آورم از خواری دنیا و عذاب آخرت،و پناه می برم به

مقام والا،و عزّت دست نایافتنی،و قدرت سرپیچی ناپذیرت،از شر دنیا و آخرت،و از شر همه دردها،و از شر هر حیوانی که زمام وجودش به دست توست،همانا پروردگارم بر راه راست است،هیچ توان و نیرویی نیست جز از جانب خدا بلندمرتبهٔ بزرگ.توکل می کنم بر آن زنده ای که نمی میرد،سپاس خدا را که فرزندی نگرفته و در فرمانروایی شریکی برای او نیست و نه سرپرستی تا از ذلّت برهاندش و او را بسیار بزرگ شمار.پس تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام را گفته،(و کیفیت آن چنین است:

تکبیر(اللّه اکبر)34 مرتبه،حمد(الحمد للّه)33 مرتبه،تسبیح(سبحان اللّه)33 مرتبه)و پیش از انکه از جای خود خرکت کنی ده مرتبه می خوانی:

گواهی میدهم که معبودی جز خدای یکتا نیست،برای او شریکی وجود ندارد،معبودی است یگانه و یکتا،بی همتا و بی نیاز است،و هرگز همسر و فرزندی نگرفته است.

مؤلف گوید:فضیلت فراوان این ذکر(أشهد أن لا اله الاّ اللّه...)در روایت وارد شده به ویژه پس از نماز صبح و شام،و هنگام طلوع و غروب آفتاب.آنگاه می گویی:

منزه است خدا هر زمان که چیزی او را تنزیه کند،و آن چنان که دوست دارد تنزیه شود،و آن چنان که او شایستهٔ آن است، و آن گونه که برای مقام والا و رفعت جلالش سزاوار است و سپاس خدای را هر زمان که او را چیزی سپاس گوید و همان طور که دوست دارد سپاهش گویند و چنان که شایسته آن است و آن گونه که برای مقام والا و شکوه رفیعش سزاوار است.معبودی جز خدا نیست هر آنکه چیزی به یگانه پرستی اش بانگ برآرد و همان طور که دوست دارد یگانه شمرده شود و آن گونه که سزاوار است و

آن گونه که شایستهٔ مقام والا و عزت رفیع او است.و(خدا بزرگتر است)هر زمان که او را چیزی به بزرگی یاد کند و همان طور که دوست دارد به بزرگی یاد شود و چنان که او شایستهٔ آن است و آن گونه که برای مقام والا و عزت رفیعش سزاوار است.منزه است خدا و سپاس تنها خدا راست،و معبودی جز خدا نیست،و خدا بزرگ تر است برای هر نعمتی که به من و به هر یک از مخلوقاتش عطا نموده،چه آنان که بوده اند و چه آنان که تا روز قیامت خواهند آمد.خدایا از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و از تو از بهترین چیزی که امید دارم و از بهترین چیزی که امید ندارم درخواست می کنم،و به تو پناه می آورم از شر آنچه که پرهیز می کنم و از شر آنچه که نمی پرهیزم.

سپس سورهٔ حمد،آیه الکرسی[آیهٔ 255 سورهٔ بقره]، شَهِدَ اللّٰهُ [آل عمران:18] قُلِ اللّٰهُمَّ مٰالِکَ الْمُلْکِ [آل عمران:26]و آیهٔ سخره را که عبارت از سه آیه از سورهٔ اعراف[54-56]که اوّل آن، إِنَّ رَبَّکُمُ اللّٰهُ» و آخر آن «مِنَ الْمُحْسِنِینَ» است می خوانی،و سپس سه مرتبه می گویی:

منزّه است پروردگارت،پرودرگار عزّت،از آنچه مشرکان به او نسبت می دهند،و درود بر فرستادگان او و سپاس برای خدا پروردگار جهانیان پس سه مرتبه می گویی:خدایا!درود فرست بر محمّد و خاندان محمّد و در کارم برای من گشایش و راه نجات قرار ده و مرا از جانبی که گمان می برم و از جانبی که گمان نمی برم روزی عنایت کن.

و این دعایی است که جبرئیل آن را به حضرت یوسف علیه السّلام هنگامی که آن حضرت در زندان بود،تعلیم داد.سپس با دست راست محاسنت را بگیر،و کف دست چپت را به سوی آسمان بگشا و هفت مرتبه بگو:

ای پروردگار محمّد و خاندان محمّد،درود فرست بر محمّد و خاندان محمّد،و فرج خاندان محمّد را نزدیک فرما.

ای صاحب عظمت و بزرگواری !،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و به من رحم کن و از آتش دوزخ پناهم ده.

پس دوازده مرتبه سورۀ«توحید»را می خوانی و می گویی:خدایا از تو می خواهم به نام پوشیده و پنهان و پاکیزه و پاکی بخش و مبارکت و نیز به نام بزرگت و سلطنت دیرینه ات از تو خواستارم ای بخشنده عطاها !و ای آزادی بخش اسیران و ای رهانندۀ انسانها از آتش،از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و گردن مرا از آتش دوزخ رهایی بخشی،و از سرای دنیا همراه با سلامت ایمان بیرون بری و در امنیت وارد بهشت نمایی و قرار دهی آغاز دعایم را رستگاری و میانش را موفقیت،و پایانش را صلاح،همانا تویی دانای نهانها.و در«صحیفۀ علویّه»آمده که دنبال هر فریضه چنین می خوانی:

ای کسی که گوش دادن به سخنی از گوش دادن به سخنی دیگر او را باز نمی دارد و درخواست بی شمار خواهندگان به اشتباهش نمی اندازد،ای آنکه اصرار اصراکنندگان آزرده و خسته است نمی کند،بچشان مرا از خنکی گذشت و شیرینی رحمت و آمرزشت معبودا !این است نماز من،آن را بجا آوردم نه به خاطر نیاز و رغبتی از سوی تو به آن،بلکه تنها از جهت تعظیم و اطاعت دستور و اجابت آنچه که مرا به آن فرمان دادی معبودا اگر عیب و نقصی در رکوع و سجودش بود مرا مؤاخذه مکن و بر من با پذیرش عبادات و آمرزش کاستیها تفضّل کن.

ص:32

و نیز در پی هر نماز،این دعا را که پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلّم برای تقویت حافظه به امیر المؤمنین تعلیم داد می خوانی:منزه است پادشاهی که بر زیردستانش ستم نمی کند،منزه است خدایی که اهل زمین را به عذابهای رنگارنگ گرفتار نمی نماید،منزه است آن خدای بنده نواز مهربان.خدایا قرار ده در دلم نور و بینایی و فهم و دانش،مسلّما تو بر هر چیز توانایی.در مصباح کفعمی آمده:بعد از نمازها سه مرتبه بگو:

خودم و دینم و خانواده ام و ثروتم و فرزند و برادران دینی ام و آنچه را پروردگارم روزیم نموده و سرانجام کارم و هرکس که سرپرستی او به دست من است،همه و همه را در پناه خدای یگانه و یکتای بی نیاز قرار می دهم،خدایی که نزاده است و زاییده نشده است و کسی همتای او نیست،و(پناه می برم)به آفریدگار سپیده دم از شر آنچه آفرید و از شر شب تاریک آنگاه که درآید و از شر زنان ساحر دمنده در گرده ها و از شر حسود زمانی که حسد ورزد و پناه می برم به پروردگار آدمیان،فرمانروای آدمیان،معبود آدمیان،از شر شیطان مرموزی که در سینه های مردمان وسوسه می کند،چه شیطان جنی و چه شیطان انسی.و از دست نوشتۀ شیخ شهید نقل است که حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود:هرکه می خواهد خداوند در قیامت اعمال زشتش را بر او عرض نکند و پروندۀ گناهانش را نگشاید،باید این دعا را بعد از هر نماز بخواند:

بار خدایا !همانا آمرزش تو از عمل من امیدوارکننده تر و مهربانی تو از گناه من گسترده تر است،بار خدایا !اگر گناهانم نزد تو بزرگ است،گذشت تو از گناه من بزرگتر است،بار خدایا !اگرچه شایسته دست یابی

رحمت تو نیستم،امّا رحمت تو سزاوار است به من برسد و مرا فرا گیرد،زیرا رحمتت همه چیز را فرا گرفته است، به حق مهربانیت ای مهربان ترین مهربانان!.و از ابن بابویه روایت شده:چون از تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام فارغ شدی بگو:خدایا!تویی خدای سلامت«بی عیب،»و سلامت تنها از تو سرچشمه می گیرد و تنها از آن توست و به سوی تو باز می گردد منزه است پروردگارت پروردگار صاحب عزت از صفاتی که مشرکان برایش بیان می کنند،و سلام بر فرستادگان او و ستایش خدای را است پروردگار جهانیان،سلام و برکات خدا بر تو ای پیامبر!،سلام بر امامان هدایت گر،هدایت یافته،درود و سلام بر همهٔ پیامبران خدا و فرستادگان و فرشتگانش،سلام بر ما و بر بندگان شایستهٔ خدا،سلام بر علی ع امیر اهل ایمان،سلام بر حسن و حسین دو سرور تمام جوانان اهل بهشت،سلام بر علی بن حسین زینت بخش عابدان،سلام بر محمد بن علی شکافندهٔ دانش انبیاء،سلام بر جعفر بن محمّد آن امام راستگو،سلام بر موسی بن جعفر آن امام خورنده خشم،سلام بر علی بن موسی آن امام قانع و خشنود،سلام بر محمد بن علی آن امام بخشنده،سلام بر علی بن محمد آن امام هدایتگر،سلام بر حسن بن علی آن پاکیزه دربند،سلام بر حجبت بن الحسن آن امام قیام کنندهٔ هدایت شده،درود و سلام خدا بر تمام آنان باد.آنگاه هر حاجت که داری از خدا بخواه.شیخ کفعمی فرموده:پس از هر نمازی

می گویی: خشنودم به پروردگاری خدا،و دیانت اسلام،و نبوت محمد که درود خدا بر او و خاندانش باد، و امامت علی،و به حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و یادگار شایسته(حضرت مهدی)درود بر آنان باد،که امامان و سروران و پیشوایانم باشند به آنان دوستی می ورزم و از دشمنانشان بیزاری می جویم پس سه مرتبه بگو:بار خدایا از تو بخشش و تندرستی و آسایش را در دنیا و آخرت خواستارم.

فصل دوّم در تعقیبات مخصوص به هریک از نمازها

[تعقیب نماز ظهر به نقل از کتاب مصباح المتهجّد]

به دنبال نماز ظهر چنان که در کتاب مصباح المتهجّد آمده،بگو: معبودی جز خدا نیست خدای بزرگ بردبار معبودی جز خدا نیست پروردگار عرش آن پروردگار کریم،ستایش ویژه خدای پروردگار جهانیان است.خدایا از تو می خواهم مرا موفق به انجام موجبات رحمت خویش و اسباب آمرزش خویش بگردانی و بهره مندی از هر کار نیک و سلامت از هر کار بدی را از تو می طلبم.خدایا !بر من گناهی مگذار،جز آنکه بیامرزی و اندوهی منه جز آنکه از دلم برداری و نه دردی مگر آنکه شفا دهی و نه عیبی مگر آنکه بپوشانی و نه رزقی مگر آنکه گسترده سازی و نه ترسی جز اینکه مرا از آن ایمنی دهی و نه پیش آمد بدی مگر آنکه آن را برگردانی و نه حاجتی که تو را در آن رضایت و مرا در آن مصلحت است مگر اینکه روا کنی ای مهربان ترین مهربانان،دعایم را مستجاب کن ای پروردگار جهانیان.و ده مرتبه می گویی:به ریسمان خدا چنگ می زنم و بر خدا توکل می کنم و به خداوند اعتماد می نمایم

بار خدایا اگر گناهانم بزرگ است تو بزرگتری،و اگر کوتاهی در بندگی ام بزرگ است تو بزرگتری و اگر همواره بخل می ورزم تو بخشنده تری.خدایا بزرگی گناهانم را به بزرگی گذشتت،و بسیاری کوتاهی ام را به بزرگواری آشکارت بیامرز و بخل مرا با جود سرشارت ریشه کن نما.بار الها!هر نعمتی که در دست ماست از سوی توست،معبودی جز تو نیست،از تو آمرزش می خواهم و به سوی تو باز می گردم.

تعقیب نماز عصر به نقل از مصباح المتهجد

از خدایی که معبودی جز او نیست آن زنده پاینده و بخشندۀ مهربان،آن خداوند دارای عظمت و بزرگواری آمرزش می جویم،و از او می خواهم که توبه ام را بپذیرد،توبۀ بندۀ خوار،فروتن،بینوا پریشان زمین گیر و پناهنده ای که سود و زیان و مزگ و زندگی و رستاخیز خویش را در اختیار ندارد.سپس می گویی:

خدایا به تو پناه می آورم از نفسی که سیر نمی شود و از دلی که بیم برنمی دارد و از دانشی که سود نمی بخشد،و از نمازی که اوج نمی گیزد و از دعایی که مستجاب نمی شود.خدایا!آسانی پس از سختی و گشایش پس از گرفتاری و آسایش پس از مشقت را از تو خواستارم.خدایا هر آن نعمتی که در دست ماست از جانب توست،معبودی جز تو نیست از تو بخشش گناهانم را می خواهم و به سوی تو باز می گردم.

از حضرت امام صادق علیه السّلام روایت شده:هرکه پس از نماز عصر هفتاد مرتبه استغفار کند،حق تعالی هفتصد گناه او را

بیامرزد،و از حضرت امام جواد علیه السّلام روایت شده:«کسی که پس از نماز عصر ده مرتبه سورۀ قدر را بخواند،در آن روز،همانند اعمال خلایق بر او بگذرد.و خواندن دعای«عشرات»در هر صبح و شام مستحب است و بهترین زمان برای خوان آن بعد از نماز عصر روز جمعه است.این دعا بعدا ذکر خواهد شد.[صفحۀ 116]

تعقیب نماز مغرب به نقل از کتاب مصباح المتهجد

همانا خدا و فرشتگانش بر پیامبر ص درود می فرستند،ای کسانی که ایمان آورده اید بر او درود فرستید و سلام خاص خویش را نثار وی کنید.خدایا بر محمّ پیامبر و فرزندان او و خاندانش درود فرست.به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است و هیچ نیرو و توان نیست جز آنکه به خدای بلندمرتبۀ بزرگ وابسته است.سپاس خدای را که هرچه بخواهد می کند و جز او نتواند هرچه بخواهد انجام دهد پاک و منزهی تو،معبودی جز تو نیست،همه و همۀ گناهانم را بیامرز زیرا به راستی همه و همۀ گناهانم را جز تو کسی نمی آمرزد

سپس نافلۀ مغرب را به جا می آوری که دو نماز دو رکعتی است و بین آن دو نماز سخن مگو.شیخ فرموده:روایت شده:که در رکعت اول سورۀ«قل یا ایها الکافرون»و در رکعت دوم سورۀ«قل هو اللّه احد»خوانده شود و در دو رکعت دیگر هر سوره ای را که بخواهد.و روایت شده که حضرت امام هادی علیه السّلام در رکعت سوم(از آن چهار رکعت نماز نافله)سورۀ«حمد»و آیات اول سورۀ«حدید» تا «وَ هُوَ عَلِیمٌ بِذاٰتِ الصُّدُورِ» و در رکعت چهارم«حمد»و آیات آخر سورۀ«حشر» «لَوْ أَنْزَلْنٰا هٰذَا الْقُرْآنَ» تا پایان سوره را قرائت می کردند.و مستحب است در سجدۀ آخر نافله ها در هر شب و به ویژه در شب جمعه،هفت مرتبه خوانده شود:

خدایا از تو می خواهم به نگاه بزرگوارانه ات و نام بزرگ و فرمانروایی دیرینه ات که بر محمد و خاندان او درود فرستی و بیامرزی گناه بزرگ مرا،چه گناه بزرگ را جز آمرزگاری بزرگ نمی آمرزد و چون از نافله فارغ شدی هرچه می خواهی تعقیب بخوان،سپس ده مرتبه بگو:آنچه خدا بخواهد خواهد شد.هیچ نیرویی نیست مگ سرچشمه یافته از خدا،از خدا آمرزش میطلبم آنگاه بگو:خدایا !از تو موجبات رحمتت و اسباب آمرزش حتمی ات،و رهایی از آتش دوزخ و از هر بلا و کامیابی به بهشت و خشنودی تو در خانۀ امن آن جهان و همسایگی پیامبرت محمد(درود بر او و خاندانش)را خواستارم.خدایا هر نعمتی که بدست ماست از جانب توست،جز تو شایسته پرستش نیست،از تو آمرزش می جویم و به سوی تو می پویم و بین نماز مغرب و عشاء نماز«غفیله»را می خوانی که دو رکعت است.ر رکعت اول بعد از«حمد»می خوانی:

و همراه ماهی(یونس)را یاد کن آن گاه که خشمناک[از میان قوم خود بیرون]رفت،سپس گمان کرد که بر او تنگ نگیریم،پس در میان تاریکیها ندا داد که شایسته پرستشی جز تو نیست،پاک و منزهی به راستی من از ستمکاران بودم،پس دعایش را مستجاب نمودیم و او را از غم رهانیدیم،و این چنین اهل ایمان را رهایی بخشیم.و کلیدهای غیب نزد اوست آنها را کسی جز او نمی داند، و بر آنچه در خشکی و دریاست آگاه است،و هیچ برگی فرو نمی افتد جز آنکه به آن آگاهی دارد و هیچ دانه ای در دل تاریکیهای زمین و هیچ تر و خشکی[در هر کجای عالم]فرو نیفتد جز آنکه در لوح محفوظ ثبت است پس دستها را به حالت قنوت بلند می کنی و می گویی:خدا به حق کلیدهای غیب که کسی جز تو از آنها آگاه نیست از تو می خواهم بر

محمد و خاندان او درود فرستی و با من چنین و چنان کنی.و به جای«ان تفعل بی کذا و کذا»حاجت خویش را بیان می کنی و سپس می گویی:خدایا !تو ولی نعمت من هستی و بر انجام خواستۀ من توانایی،حاجتم را می دانی،پس به حق محمد و خاندان او(درود بر او و ایشان)از تو می خواهم که حاجتم را روا سازی

و حاجت خود را می طلبی،زیرا روایت شده:هرکه این نماز را بخواند و حاجت خود را بخواهد،آنچه را طلب نماید حق تعالی به او عطا فرماید.

تعقیب نماز عشاء به نقل از کتاب مصباح المتهجد

خدایا من نمی دانم روزی ام در کجاست،و آن را تنها بر پایۀ گمانهایی که بر خاطرم می گذرد می جویم، و ازاین رو در جستجوی آن شهرها را زیر پا می گذارم،پس در آنچه که خواهان آنم همچون حیرت زدگانم،نمی دانم آیا در دشت است یا در کوه؟در زمین است یا در آسمان؟در خشکی است یا در دریا؟نمی دانم به دست کیست؟و از جانب چه کسی است؟ولی به یقین می دانم که دانش آن نزد تو و اسباب آن به دست توست و تویی که آن را با لطف خویش تقسیم می کنی و با رحمت خود برای آن سبب فراهم می سازی،خدایا،پس بر محمد و خاندان او درود فرست و بار پروردگارا،روزی خود را بر من گسترده ساز و به دست آوردنش را برایم آسان نما و جای دریافتش را نزدیک قرار ده و با طلب آنچه برایم در آن روزی مقدر نکرده ای به زحمتم میفکن،چه تو از آزردن من بی نیازی و من به رحمتت نیازمندم،پس بر محمد و خاندان او درود فرست،و با لطف و فضل خویش بر بنده ات کرم نما،تو صاحب بخشش بزرگ هستی.

مؤلف گوید:این دعا از دعاهای طلب روزی است و نیز مستحب است در تعقیبات نماز عشاء هفت مرتبه سورهٔ.قدر خوانده شود و نیز در نماز«وتیره»که دو رکعت نافلهٔ نشسته بعد از نماز عشاءست،صد آیه از قرآن خوانده شود و مستحب است نمازگزار به جای صد آیه،سورهٔ«اذا وقعت الواقعه»را در یک رکعت و سورهٔ«قل هو اللّه»را در رکعت دیگر بخواند.

تعقیب نماز صبح به نقل از کتاب مصباح المتهجد

اشاره

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا به آن حقیقتی که در آن اختلاف شده،به اذن خود راهنمایی کن،تو هرکه را بخواهی به راه راست هدایت می کنی.و ده مرتبه می گویی خدایا برترین درودهایت را بر محمد و خاندان آن جانشینان خشنود و پسندیده نثار کن،و برترین برکات خود را بر آنان سرازیر کن و سلام بر ایشان و بر ارواح و بدنهای پاکشان باد و رحمت و برکات خدا بر آنان باد خواندن این صلوات همچنین در عصرهای جمعه بافضیلت بسیار وارد شده:خدایا زنده بدار مرا بر آن دینی که علی بن ابی طالب را بر آن زنده داشتی،و بمیران مرا بر آن آیینی که علی بن ابی طالب(درود بر او)بر آن از دنیا رفت.

و صد مرتبه بگو:از خدا آمرزش می خواهم و به سوی او بازمی گردم از خدا سلامت کامل می طلبم و صد مرتبه:

پناه می برم به خدا از آتش دورخ.و صد مرتبه:از او بهشت می خواهم.و صد مرتبه:از خدا حور العین می طلبم.

معبودی جز خدا نیست آن فرمانده و حقیقت آشکار هستی و صد مرتبه سورهٔ«توحید»و صد مرتبه:درود خدا بر محمد و خاندان محمد باد و صد مرتبه:پاک و منزه است خدا و سپاس ویژه خداست و معبودی جز خدای یکتا نیست و خدا از هر وصفی برتر است و

هیچ قدرت و نیرویی نیست جز آنکه به خدای بلندمرتبۀ باعظمت وابسته است.و صد مرتبه:آنچه خدا بخواهد می شود،هیچ نیرو و قوتی نیست جز آنکه به خدای بلندمرتبه باعظمت وابسته است.آنگاه بگو:خدایا صبح کردم درحالی که پناه آورده ام به پناهگاه بلند و استوار تو پناهگاهی که در معرض دستبرد و دگرگونی قرار نمی گیرد از شر هر بیدادگر و هر شبگرد رهزن از هر که و هرچه آفریدی،از آفریدگان خاموش و گویایت،در حفاظتی مصون از گزند هر چیز هراسناکی،همراه با لباسی ساخته از محبّت خاندان پیامبرت،و در پوششی استوار از هرکه قصد آزار مرا دارد در پس دیوار محکمی فراهم آمده،از اخلاص در اعتراف به حق اهل بیت و تمسک به رشتۀ ولایتشان با یقین به اینکه حق از آن ایشان و با ایشان و در ایشان و پابرجا به وجود آن بزرگواران است.دوست دارم کسانی که آنها دوست دارند و برکنارم از آنان که ایشان دوری می گرفتند،خدایا پس به حقشان مرا از گزند هرچه که از آن پروا دارم پناه ده،ای بزرگ،از خود دور ساختم دشمنان را به یاری پدید آورنده آسمانها و زمین،همان طورکه قرآن می فرماید:در برابر و پشت سرشان سدی قرار دادیم پس دیدگان آنها را پوشاندیم،ازاین رو هرگز نمی بینند.

و این دعایی است که هر صبح و شام خوانده می شود.و نیز دعایی است که امیر المؤمنین علیه السّلام شب هجرت پیامبر صلّی اللّه و علیه و آله وقتی در جای آن حضرت خوابید خواند.و در کتاب«تهذیب»روایت شده:هرکس بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید:

پاک و منزه است خدای بزرگ و سپاس از آن اوست و هیچ نیرو و توانی نیست جز انکه به خدای بلندمرتبه باعظمت وابسته است

ص:41

خداوند او را از کوری و دیوانگی و جذام و فقر و ماندن زیر آوار و تباهی عقل به هنگام پیری در امان قرار میدهد.و شیخ کلینی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده:هرکس پس از نماز صبح و نماز مغرب هفت مرتبه بگوید:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،هیچ نیرو و توانی نیست مگر آنکه به خدای بلندمرتبه و باعظمت وابسته است.خدا(تبارک و تعالی)هفتاد نوع از انواع بلاها را که آسان ترین آنها ریح(بیماری ورم معده)و پیسی(نوعی بیماری پوستی)و دیوانگی است از او برطرف سازد،و اگر شقی باشد نامش از دفتر اشقیا محو و در دیوان سعادتمندان ثبت شود.و نیز از آن حضرت نقل کرده که برای امور دنیا و آخرت و رفع درد چشم،پس از نماز صبح و مغرب این دعا را بخوانند:

خدایا!به حق محمد و خاندان محمد بر تو،درود فرست بر محمد و خاندان محمد،و قرار بده در دیده ام نور و در دینم بصیرت و در قلبم یقین و در عملم اخلاص، و در جانم سلامت و در روزیم فراوانی و سپاس جاودان خویش را مادام که زنده ام نصیبم ساز.

شیخ ابن فهد در کتاب«عدّه الدّاعی»از امام رضا علیه السّلام روایت کرده:هرکس پس از نماز صبح این کلمات را ادا کند حاجتی نخواهد مگر آنکه برایش فراهم شود،و خداوند آنچه برای او اهمیت دارد برایش آماده سازد،و آن کلمات این است:

به نام خدا،درود خدا بر محمد و خاندانش،کارهایم را تنها به خدا واگذار می کنم چه خدا به حال بندگان خویش آگاه است (غافر آیۀ 45)پس خدا او را از نیرنگ آنها نگاه داشت،معبودی جز تو نیست،پاک و منزهی،همانا من از ستمکاران بودم، پس به درخواست او(یونس)پاسخ گفتیم و او را از غم رهانیدیم و بدینسان مؤمنان را رهایی می بخشیم[انبیاء:8]خدا ما را بس است و نیکو وکیلی است پس همراه با نعمت و فضل خدا و درحالی که هیچ آسیبی به آنها نرسیده بود بازگشتند:آنچه خدا بخواهد همان می شود،هیچ نیرو و توانی نیست جز آنکه

به خدا متکی است.آنچه خدا بخواهد آن می شود نه آنچه مردمان بخواهند،آنچه خدا بخواهد خواهد شد گرچه مردمان خوش ندارند،پروردگار از یاری پروردگان،آفریدگار از کمک آفریده ها،روزی دهنده از لطف روزی خواران،خدای- یکتا پروردگار جهانیان کفایتم می کند،مرا بس است آنکه به حقیقت مرا بس است،مرا بس است آنکه همواره مرا بس است،مرا بس است آنکه همواره از آنگاه که بوده ام مرا بس بوده است،مرا بس است خدایی که معبودی جز او نیست،بر او توکل نمودم،و اوست پروردگار عرش بزرگ.

[حکایت نافعه برای گشایش کار]

مؤلف گوید:شیخ ما ثقه الاسلام نوری(نور الله مرقده)در کتاب دار السلام از شیخ خود مرحوم خلد مقام عالم ربانی،جناب حاج ملاّ فتحعلی سلطان آبادی نقل فرموده:که فاضل مقدس آخوند ملاّ محمّد صادق عراقی در نهایت سختی و پریشانی و بدحالی بود و به هیچ وجه در کارش گشایشی فراهم نمی آمد تا آنکه شبی در خواب دید که در یک وادی خیمۀ بزرگی با گنبدی برپاست، پرسید این خیمه از کیست؟گفتند:از کهف حصین(دژ محکم)و غیاث مضطر مستکین[یاریگر بیچارۀ درمانده]امام قائم حضرت مهدی و امام منتظر مرضیّ عجل اللّه فرجه می باشد.پس باشتاب خدمت آن حضرت شرفیاب شد و سختی حال خود را به آن جناب عرضه داشت و از آن بزرگوار دعایی برای گشایش کار و رفع اندوه خویش خواست،امام عصر او را به سیّدی از اولاد خود ارجاع نمود و به او و خیمه اش اشاره فرمود.آخوند از خدمت حضرت مرخص شده و به خیمه ای که حضرت به آن اشاره فرموده بود رفت،دید که سیّد سند و حبر معتمد[دانشمند مورد اطمینان]عالم امجد مؤید،جناب آقا سید محمّد سلطان آبادی است که در آن خیمه روی سجّاده نشسته مشغول دعا و قرائت است.آخوند به محضر سیّد سلام کرد و حکایت حال خود را برای او بازگفت.سیّد او را برای گشایش کار و فراخی روزی دعایی تعلیم کرد.پس از بیدار شدن از خواب درحالی که آن دعا در خاطر او بود قصد خانۀ سیّد کرد با آنکه آخوند پیش از این خواب با سیّد به دلیلی که بیان نمی کرد رابطۀ خوبی نداشت و او را ترک گفته بود،چون به خدمت سید رسید او را به همان صورت که در خواب دیده بود مشاهده کرد که در مصلاّیش نشسته مشغول ذکر و استغفار است، به سیّد سلام کرد،سیّد جواب سلامش را داد و لبخندی زد،چنان که گویا از داستان آگاه باشد!پس آخوند از سیّد

برای گشایش امر خود دعایی خواست.سیّد همان دعایی را که در خواب به او آموخته بود تعلیم کرد،آخوند مشغول به آن دعا شد و در اندک مدتی دنیا از هر سو به او روی آورد و از سختی و تنگدستی بیرون آمد.مرحوم حاج ملاّ فتحعلی رحمه اللّه از سیّد به مدح شایسته ای تعریف می کرد و چندی به زیارتش نایل شده و زمانی چند هم شاگردی او را نموده بود.

سیّد در خواب وبیداری به آخوند سه چیز را تعلیم نموده بود اوّل:آنکه پس از فجر دست بر سینه گذارد و هفتاد مرتبه یا فتّاح[ای گشایندهٔ مشکلات]گوید.دوّم:آنکه به خواندن این دعا که در کتاب کافی است مداومت نماید.

دعایی که حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله به فردی از صحابه خویش که به ناخوشی و پریشانی مبتلا بود تعلیم داد و از برکت خواندن این دعا ناخوشی و پریشانی در اندک زمانی از او برطرف گشت:

هیچ نیرو و توانی نیست مگر آنکه به خدا متکی است،توکل دارم بر زندهٔ جاودانی که هرگز نمی میرد و سپاس خدای را که فرزندی نگرفته،و او را در فرمانروایی انبازی نیست و نیست برای او سرپرستی از خوار و ناتوانی،و او را آن چنان که شاید بزرگ شمار.سوّم:آنکه به دنبال نمازهای صبح دعایی را که از شیخ بزرگوار ابن فهد روایت شده،بخواند.این اوراد و اذکار را باید غنیمت شمرد و به خواندن آنها اهتمام داشت و از فوائدش غفلت نکرد.و بدان که سجدهٔ شکر بعد از نمازها مستحب مؤکد است و دعاها و اذکار بسیاری در آن حال وارد شده است،از حضرت رضا علیه السّلام روایت شده که اگر خواهی در سجدهٔ شکر صد مرتبه«شکرا شکرا»بگو و اگر خواهی صدر مرتبه«عفوا عفوا»و نیز از آن حضرت نقل شده:کمترین ذکری که در این سجده گویند آن است که سه مرتبه بگویند:«شکرا للّه»

دعاهای وقت طلوع و غروب

و نیز آگاه باش که برای هنگام طلوع آفتاب و غروب آن،دعاها و اذکار بسیاری از حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله و ائمهٔ طاهرین علیهم السّلام روایت شده،و نیز تشویق و ترغیب بی شمار بر محافظت این دو زمان چه در آیات و چه در اخبار وارد شده.و ما در این مختصر به ذکر چند دعای معتبر اکتفا می کنیم:اوّل:مشایخ حدیث به سندهای معتبر از امام

صادق علیه السّلام روایت کرده اند که بر هر مسلمان واجب و لازم است که این دعا را ده مرتبه پیش از طلوع آفتاب و ده مرتبه پیش از غروب آن بخواند:

ص:44

شایستۀ پرستشی جز خدای یکتا نیست،یگانه است و انبازی ندارد،فرمانروایی هستی و ستایش تنها زیبندۀ اوست.زنده می کند و می میراند و می میراند و زنده می نماید،و فردی زنده ای است که هرگز نمی میرد،نیکی تنها به دست اوست،و او بر هر چیزی تواناست.

و در بعضی از روایات آمده:که اگر این دعا ترک شد لازم است قضا شود.دوم:در روایات معتبر همچنان از آن حضرت وارد شده:

که پیش از طلوع و غروب آفتاب ده مرتبه بگو:پناه می برم به خدای شنوای دنا از وسوسه های پنهانی شیاطین، پناه می برم به خدا از اینکه شیاطین برگردم جمع شوند،همانا تنها خدا شنوا و داناست.سوم:از آن حضرت روایت شده:

چه چیز شما را بازمی دارد از اینکه در هر صبح و شام این دعا را سه مرتبه بخوانید:خدایا ای دگرگون کنندۀ دلها و دیده ها،دلم را بر دینت ثابت بدار و آن را پس از اینکه به راهم آوردی گمراه مساز و از نزد خود بر من رحمتی ببخش زیرا تویی که بسیار بخشنده ای و به رحمتت از آتش پناهم ده.خدایا بر عمرم بیفزا،و در روزیم وسعت عنایت کن،و رحمتت را بر من بگستران،و اگر نزد تو در کتاب تقدیر و سرنوشت بد فرجام هستم مرا نیکبخت گردان چرا که تو آنچه را بخواهی محو و آنچه را بخواهی ثبت می نمایی و کتاب تقدیر و سرنوشت در اختیار توست.چهارم:از آن حضرت روایت شده:که این دعا را هر صبح و هر شام بخوان:ستایش خدای را که آنچه خواهد انجام دهد،و غیر او آنچه را خواهد نمی تواند انجام دهد،ستایش خدای را چنان که می پسندد ستوده شود،ستایش خدای را چنان که شایسته آن است،بار خدایا !مرا در هر خیری که محمد و خاندان محمد را در ان وارد نمودی وارد نما،و مرا از هر شرّی

دعاهای ایّام هفته که محمد و خاندان محمد را از آن خارج نمودی خارج نما،درود خدا بر محمد و خاندان محمد.

پنجم:در هر صبح و شام ده مرتبه بگو:پاک و منزه است خدا و ستایش تنها از آن خداست و شایسته پرستش جز خدای یکتا نیست و خدا از هر وصفی برتر است.

و از جمله دعاهای مخصوص این دو وقت دعای عشرات است که خواهد آمد[صفحهٔ 116]

فصل سوم در دعاهای ایّام هفته

اشاره

نقل از محلقات صحیفه سجّادیه

دعای روز شنبه

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است به نام خدا که کلمهٔ پناه جویان و گفتار پرهیزگاران است و پناه می برم به خدای بلندمرتبه از ستم ستمگران و نیرنگ حسودان و سرکشی ظالمان و او را می ستایم ستایشی برتر از ستایش ستایشگران،خدایا!تویی یگانهٔ بی انباز،و پادشاه علی الاطلاق،در فرمانروایی ات مخالفت نشوی،و در پادشاهی ات هماوردی نداری، از تو می خواهم که بر بنده و فرستاده ات محمد درود فرستی،و سپاس نعمتهایت را چنان قسمت من کن که مرا به کمال خشنودی ات نایل گرداند و به برکت عنایت خویش بر طاعت و مداومت عبادت خود و شایستگی پاداشت یاری نمایی و تا زنده ام به بازداشتن از گناهانت بر من مهر ورزی و تا پایان عمر بر انجام آنچه بهره ام رساند توفیقم دهی،و به کتاب خود(قرآن)برای پذیرش حق،سینه ام را فراخ گردانی و بار گناهانم را با تلاوتش

از نامه اعمالم فروریزی و در دین و جانم به من سلامت بخشی و کسانی که به آنها انس گرفته ام از من وحشت زده نکنی و در باقیماندهٔ عمر احسانت را بر من تمام نمایی چنان که در گذشتهٔ عمرم بر من احسان نمودی.ای مهربان ترین مهربانان.

دعای روز یکشنبه

به نام خدا که رحتمش بسیار و مهربانی اش همیشگی است به نام خدایی که جز به فضل و بخشش او امید نبستم،و جز از عدالت او نهراسم،و جز به سخن او اعتماد نمی کنم،و جز به ریسمانش چنگ نزنم،تنها به تو پناه می آورم ای خدای بخشایشگر مهربان از ستم و دشمنی،و مصائب روزگار و اندوههای پیاپی و پیش آمدهای ناگوار دوران و از گذشت عمر پیش از مهیّا شدن و توشه برداشتن و تنها از تو راهنمائی می جویم به سوی آنچه خیر و صلاح من در آن است و فقط از تو یاری می خواهم در آنچه پیروزی و رستگاری با آن همراه است،و در پوشیدن لباس عافیت و کمال آن و فراگیری سلامتی و دوام آن تنها به تو دل می بندم و به تو پناه می آورم ای پروردگار من از وسوسه های شیاطین و به یاری سلطنت تو دوری می جویم از ستم پادشاهان،پس آنچه از نماز و روزه ام صورت گرفته پذیرا باش و فردا و روزهای پس از آن مرا بهتر از این ساعت و امروزم قرار ده و مرا در بین خویشاوندان و بستگانم عزیز گردان،و در بیداری و خواب نگهدارم باش،چرا که تویی خدا و بهترین نگهدار و تویی مهربان ترین مهربانان.خدایا من در امرزوم

ص:47

و یکشنبه های دیگر از شرک و بی دینی،به سوی تو بیزاری می جویم و دعایم را تنها برای تو خالص می کنم تا در معرض اجابت قرار گیرد،و به امید پاداش تو بر طاعتت پایداری می کنم،پس درود فرست بر بهترین آفریده ات محمّد آنکه دعوت کنندۀ مردم به حقانیّت تو بود و مرا عزیز گردان با عزّت ذلّت ناپذیر خود و به دیدۀ بی خواب خودت حفظ کن، و کارم را با گسستن از همۀ خلق و پیوستن به تو و عمرم را با آمرزش خویش پایان بخش،همانا تویی بسیار آمرزنده و مهربان.

دعای روز دوشنبه

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است ستایش خدای را که هنگام آفرینش آسمانها و زمین احدی را گواه نساخت و به گاه ایجاد جانداران یاوری نگرفت،در پرستش انبازی ندارد،و در یکتایی اش پشتیبانی نخواهد،زبانها از بیان حقیقت وصفش درمانده و خردها از ژرفای معرفتش وامانده و گردنکشان در برابر عظمتش فروتن و چهره ها از بیم او متواضع گشته و هر بزرگی در برابر بزرگیش تسلیم گشته است.ستایش پیاپی و پیوسته و دنباله دار و پایدار تنها تو راست،و رحمت همیشگی و درود جاودان و بی پایان او بر رسولش باد.بار خدایا !ابتدای امروزم را خیر و صلاح،و میانۀ امروز را رستگاری و پایانش را کامیابی قرار ده و به تو پناه می آورم از روزی که آغازش شیون و میانش بی تابی،و پایانش دردمندی است،خدایا !از تو آمرزش می طلبم برای هر نذری که کردم

ص:48

و هر وعده ای که دادم و هر پیمانی که بستم سپس به آن وفا نکردم و ادای حقوق بندگانت را که بر عهده دارم از تو درخواست می کنم،پس هر بنده ای از بندگانت و هر کنیزی از کنیزانت که او را نزد من حقیّ پایمال شده باشد که در آن به جان یا آبرو یا مال،یا خانواده اش یا فرزندش ستم روا داشته ام یا غیبتی از او کرده ام یا بر اثر میل خود یا خواهش دل یا تکبّر یا غضب یا خودنمایی یا تعصّب بر او یاری نهاده ام،این بنده یا کنیزت غایب باشد یا حاضر،زنده باشد یا مرده،و دستم کوتاه شده و وسعم نمی رسد از پرداخت آن حق یا طلب حالیت از او،از تو می خواهم ای کسی که رفع نیازها در اختیار اوست،و آن حاجات در مقابل مشیّت او اجابت پذیر و به جانب اراده اش شتابانند که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و آن بنده را که بر او ستمی کردم هرگونه که خواهی از من راضی گردانی و از جانب خود مرا رحمت عطا نمایی،چه آمرزیدن از تو نکاهد و بخشیدن به تو زیان نرساند،ای مهربان ترین مهربانان خدایا !در هر دوشنبه از سوی خویش دو نعمت بر من عطا کن،خوشبختی بندگی ات را در آغازش،و نعمت آمرزشت را در پایانش،ای آنکه تنها او شایستۀ پرستش است و جز او کسی گناهان را نیامرزد.

دعای روز سه شنبه

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است ستایش خدا راست و سپاس برازندۀ او آن چنان که شایستۀ حضرت اوست،ستایشی سیار و به او پناه می برم از شر نفسم چه نفس همانا به

زشتی بسیار فرمان می دهد جز آنکه پروردگارم رحم کند،و به خدا پناه می برم از گزند شیطانی که گناه بر گناهم می افزاید،و به قدرت او از هر گردنکش نابکار و پادشاه ستمکار و دشمن قهّار،دوری می جویم،خدایا مرا از سپاهیانت قرار ده،چرا که همانا تنها سپاه تو پیروز است،و مرا زا حزب خود قرار ده که تنها حزب تو رستگار است و هم از دوستانت قرارم ده که بر دوستانت ترسی نیست و اندوهگین نمی شوند،خدایا دینم را برایم سامان ده که آن وسیلۀ در امان بودن و دوری من از گناه است و آخرتم را آباد ساز که آنجا خانۀ پایدار من و گریزگاهم از همسایگی دون صفتان است و زندگی را برایم زمینۀ افزونی در هر خیر و مرگم را برایم آرامش از هر گزندی قرار ده،بار خدایا بر محمّد خاتم پیامبران و کامل کنندۀ شمار رسولان و بر خاندان پاک و پاکیزۀ او و بر یاران برگزیده اش درود فرست و در روز سه شنبه سه حاجتم را روا کن:گناهی برایم مگذار جز آنکه بیامرزی و نه اندوهی جز آنکه را برطرف سازی و نه دشمنی جز آنکه دور گردانی،به نام خدا که بهترین نامهاست،به نام خدا پروردگار زمین و آسمان،دوری هر ناخوشایندی را که ابتدایش خشم خداست،و نیل به هر محبوبی را که آغازش رضای اوست خواستارم،پس از سوی خود سرانجام را به آمرزش پایان ده ای سرچشمۀ نیکی.

ص:50

دعای روز چهارشنبه

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است ستایش خدای را که شب را جامه و خواب را مایۀ آرامش و روز را زمینۀ تکاپو قرار داده،ستایش تنها تو را سزاست که مرا از خوابگاهم برانگیختی و اگر می خواستی خوابم را جاودان می ساختی،ستایش دائم که هرگز پایان نیابد،و سپاس بیکران که آفریدگان از شمارش آن ناتوانند،خدایا !ستایش تنها شایستۀ توست که آفریدی و سامان دادی و اندازه مقرر نمودی و فرمان دادی و میراندی و زنده کردی و بیمار نمودی و درمان کردی و بهبودی عنایت فرمودی و فرسوده ساختی و بر عرش هستی استیلا یافتی و بر فرمانروایی جهان چیره گشتی،تو را می خوانم همچون کسی که وسیله اش ناکارا گشته و رشتۀ چاره اش گسسته و اجلش نزدیک شده و آرزویش در دنیا کاستی یافته و سخت بر رحمت تو نیازمند گشته و حیرتش بر اثر کوتاهی فزونی یافته و لغزش و افتادنش بسیار گشته و بازگشتش به سوی تو خالص شده است،پس بر محمّد خاتم پیامبران و بر خاندان پاکیزه و پاک نهاد او درود فرست،و شفاعت محمّد(درود خدا بر او و خاندانش باد)را روزی ام فرما و از همنشینی با او محرومم مساز،همانا تویی مهربان ترین مهربانان،خدایا !در چهارشنبه چهار حاجت مرا روا ساز،نیرویم را در طاعت خود و نشاطم را در بندگی خویش،و رغبتم را در پاداشت و بی رغبتی ام را در آنچه که موجب عذاب دردناک توست قرار ده،همانا آنچه را بخواهی لطف می فرمایی.

ص:51

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است سپاس خدای را که شب تاریک را با قدرت خود برد و روز روشن را به رحمتش آورد و لباس پرفروغ آن را درحالی که قرین نعمتش بودم بر تن من کرد،خدایا! همچنان که مرا برای این روز نگاه داشتی برای امثال آن نیز پابرجا بدار و بر پیامبر اسلام محمّد و خاندان او درود فرست و مرا در این روز و شبها و روزهای دیگر به فاجعهٔ انجام گناهان مبتلا مساز،خیر این روز و و خیر آنچه در آن است،و خیر بعد از این روز را روزی ام گردان و شرّ این روز و شرّ آنچه در آن است و شرّ بعد از آن را از من دور ساز.خدایا!من با گردن نهادن به دین اسلام به سوی تو وسیله می جویم و با حرمت نهادن به قران بر تو اعتماد می کنم،و دوستی محمّد،بندهٔ برگزیده است که(درود خدا بر او و خاندانش باد)نزد تو شفاعت می طلبم،پس بار خدایا پیمانی که روا شدن حاجتم را به آن امید بسته ام به حساب اور،ای مهربان ترین مهربانان!بار خدایا در روز پنجشنبه پنج حاجت مرا برطرف نما،که آنها را جز کرم تو گنجایش و جز نعمتهای تو طاقت ندارد:سلامتی که با آن برای انجام طاعتت نیرو گیرم و عبادتی که با آن سزاوار پاداش فراوان تو گردم،و گشایشی در حال،من با روزی حلال و اینکه به من با امن خویش در هنگامه های ترس امنیت دهی،و از هر غم و اندوه کوبنده در دژ استوار خویش پناهم دهی،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و چاره جویی ام را بوسیلهٔ او شفیع سودمندی برایم در روز قیامت قرار ده،به یقین تو مهربانترین مهربانانی.

ص:52

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است ستایش خدای را که آغاز هستی است پیش از آفرینش و حیات بخشی،و پایان هستی است پس از نابودی هر چیز،دانایی که از یاد مبرد آن را که یادش کند و کم نگذارد از آنکه شکرش را به جای آورد و ناامید نسازد آن را که خواندش و قطع کند امید آنکه به او امید بست.بار خدایا !تو را گواه می گیرم و تو برای گواهی کافی هستی و گواه می گیرم همۀ فرشتگانت و ساکنان آسمانهایت و نگهبانان عرشت و رسولان و پیامبرانی که برانگیختی،و انواع مخلوقات که آفریدی (همه و همه را گواه می گیرم)بر اینکه باور دارم که همانا تویی خدا،شایستۀ پرستشی جز تو نیست.یگانه ای؛شریکی نداری و بی همتایی و تخلف و تبدیلی در گفتارت نیست و اینکه محمّد که خدا بر او و خاندان او درود فرستد بنده و فرستادۀ توست.رسالتی را که بر عهده اش نهاده بودی به بندگانت ادا کرد و در راه خدا به حق کوشید و به پاداشی که حق است مژده داد و از عذابی که راست است بیم داد،خدایا !تا زنده ام مرا بر دین خود ثابت بدار و دلم را پس از آنکه به نور هدایت روشن نمودی گمراه مکن و از نزد خود رحمتی بر من ببخش چرا که،تنها تو بخشاینده ای،درود فرست بر محمّد و خاندان محمّد و مرا از پیروان و شیعیان او قرار ده و در گروه او محشورم گردان،و بر انجام واجبات جمعه ها و طاعاتی که در ان بر من لازم نمودی توفیقم ده، و عطایی که در رستاخیز برای اهل جمعه قرار داده ای نصیبم گردان،چه همانا تویی قدرتمند حکیم.

ص:53

فصل چهارم در فضیلت و اعمال شب و روز جمعه

[فضیلت شب و روز جمعه]

آگاه باش که شب و روز جمعه از سایر شبها و روزها به صفت بلندی مقام و شرافت و نام آوری کاملا متمایز است.

از رسولان خدا صلّی اللّه علیه و آله روایت شده:که شب و روز جمعه بیست و چهار ساعت است و حق تعالی در هر ساعت آن ششصد هزار تن را از دورخ آزاد می کند.و از امام صادق علیه السّلام وارد شده:که هرکه ما بین ظهر روز پنجشنبه تا ظهر روز جمعه از دنیا برود،خدا او را از فشار قبر پناه دهد.و نیز از آن حضرت روایت شده که برای جمعه حق و حرمتی بسیار است مبادا حرمت آن را ضایع گردانی و در انجام عبادات حق تعالی و تقرب جستن به خدا با انجام کارهای شایسته و ترک همۀ محرّمات الهی در آن روز کوتاهی نمایی،زیرا خدا ثواب طاعات را در این روز دو چندان می سازد و گناهان را محو می کند،و درجات اهل ایمان را در دو جهان بلند می گرداند.

شب جمعه در فضیلت مانند روز است،پس اگر می توانی شب جمعه را تا صبح به نماز و دعا زنده بدار،به راستی که خدا در شب جمعه برای اضافه کردن کرامت اهل ایمان،فرشتگان را به آسمان اوّل می فرستند تا بر حسنات ایشان بیفزایند،و گناهانشان را محو کنند و حق تعالی عطایش گسترده و بسیار کریم است.و نیز در حدیث معتبر از آن حضرت روایت شده:گاهی از اوقات شخص مؤمن برای حاجتی دعا می کند و حق تعالی قضای حاجتش را به تأخیر می اندازد تا در روز جمعه حاجتش را براورده سازد و به خاطر فضیلت جمعه درخواستش دو چندان برآورده شود.و فرمود:آنگاه که برادران یوسف از حضرت یعقوب علیه السّلام درخواست کردند تا برای آمرزش گناهانشان از خدا طلب بخشش نماید،گفت:(سوف استغفر لکم ربّی)(یعنی:از پروردگارم برای شما طلب آمرزش خواهم کرد)و این تأخیر به آن سبب ود که این درخواست در سحر شب جمعه واقع گردد تا دعایش اجابت شود.

و نیز از آن حضرت روایت شده:چون شب جمعه فرا رسد،ماهیان دریا سر از آب بیرون آورند،و درندگان صحرا سر برآورند و حق تعالی را ندا کنند که پروردگارا !ما را به سبب گناه آدمیان عذاب مکن !و از حضرت باقر علیه السّلام روایت شده:حضرت حق سبحانه و تعالی فرشته ای را در هر شب

جمعه فرمان می دهد که از اول شب تا آخر شب از جانب پروردگار جهانیان از بالای عرش ندا کند:آیا بنده مؤمنی هست که پیش از طلوع صبح برای هر دو جهانش مرا بخواند،تا من درخواستش را اجابت کنم؟ آیا بندۀ مأمنی هست که پیش از طلوع صبح از گناهش توبه کند تا توبه اش را بپذیرم؟آیا بندۀ مومنی هست که در روزی او

ص:54

تنگ گرفته باشم،و پیش از طلوع صبح از من بخواهد که روزی اش را فزونی بخشم تا به او فراخی در روزی دهم؟آیا بندۀ مؤمن بیماری هست که پیش از برآمدن صبح از من بخواهد شفایش دهم تا به او تندرستی ارزانی کنم؟آیا بندۀ مؤمن غمگین در بندی هست که پیش از طلوع صبح از من بخواهد او را از بند برهانم و اندوهش را برطرف سازم تا دعایش را اجابت نمایم؟آیا بندۀ مؤمن ستمدیده ای هست که پیش از طلوع صبح دفع ستم ستمکار را از من بخواهد تا انتقام او را از ستمکار بگیرم و حقّش را به وی بازگردانم فرشتۀ حق این ندا را پیوسته تا طلوع صبح ادامه می دهد !از امیر المؤمنین علیه السّلام روایت شده:حق تعالی جمعه را از میان همه روزها انتخاب کرده و روزش را عید نموده و شب آن را در فضیلت همچون روزش گردانیده است،و از جمله فضیلتهای روز جمعه آن است که در آن روز هر حاجتی که از خدا درخواست شود برآورده می شود !و چنانچه جماعتی در اثر نافرمانی مستحق عذاب حق شوند چون شب و روز جمعه را دریابند و دعا کنند،خداوند عذاب را از ایشان برمی گرداند و نیز امور آینده را خدا در شب جمعه استوار و نهایی می گرداند.پس شب جمعه بهترین شبها و روز آن بهترین روزهاست.

و از امام صادق علیه السّلام روایت شده:در شب جمعه از گناه دوری کنید که عقوبت گناهان در ان شب دو چندان است، همان گونه که پاداش کارهای نیک در آن شب دو برابر است.و هرکه در شب جمعه نافرمانی خدا را ترک گوید خدا گناهان گذشتۀ او را بیامرزد و هرکه در شب جمعه گناهی را آشکار انجام دهد،خدا او را به خاطر گناهان همۀ عمرش عذاب نماید و جزای گناه انجام گرفته در شب جمعه را بر او دو چندان گرداند.و به سند معتبر از حضرت رضا علیه السّلام روایت شده:حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله فرمودند:

روز جمعه سید و بزرگ روزهاست،خدا پاداش نیکیها را در آن روز دو برابر عطا می کند و گناهان را محو می سازد و درجات اهل ایمان را بالا می برد و دعاها را مستجاب نماید و سختیها را آسان و غمها را از دلها می زداید؛و حاجتهای بزرگ را روا کند.

و روز جمعه روزافزونی است چرا که خدا لطف و مهر خویش را بر بندگان فزونی می بخشد و گروههای بسیاری را از آتش دوزخ نجات میدهد؛پس هرکه خدا را در آن روز بخواند و حق و حرمت آن روز را آن چنان که شایسته است بشناسد،به یقین خدا او را از آتش دوزخ رهایی دهد.

پس چنانچه در روز جمعه یا شب آن از دنیا برود پاداش شهیدان را دارد و در قیامت ایمن از عذاب الهی برانگیخته می شود؛

ص:55

و هركه حرمت جمعه را آن چنان كه شايد نگاه ندارد و حقش را تباه كند،يا اين كه نماز جمعه به جا نياورد،يا در آن مرتكب محرمات الهى شود،به يقين خدا او را در آتش دوزخ بسوزاند،مگر آنكه توبه كند.و به سندهاى معتبر از حضرت باقر عليه السّلام روايت شده:

آفتاب در روزى بهتر از جمعه طلوع نكرده،و هنگامى كه پرندگان در روز جمعه به يكديگر مى رسند به هم سلام مى كنند و مى گويند:

امروز روز باارزشى است.و به سند معتبر از حضرت صادق عليه السّلام روايت شده:هركه روز جمعه را دريابد،بايد به كارى جز عبادت نپردازد،چه در اين روز خدا گناه بندگان را مى آمرزد و رحمت خويش را بر آنان نازل مى كند.البته فضايل شب و روز جمعه بيشتر از آن است كه در اين سطور كوتاه بيان شود.

اعمال شب جمعه

اشاره

شب جمعه را اعمال بسيارى است كه ما در اينجا تنها به ذكر چند عمل بسنده مى كنيم.

[اوّل:بسيار گفتن«سبحان اللّه،و اللّه اكبر،و لا اله الاّ اللّه»و زياد صلوات فرستادن]

اوّل:بسيار گفتن «سبحان اللّه،و اللّه اكبر،و لا اله الاّ اللّه»و زياد صلوات فرستادن،روايت شده:جمعه،شبش تابناک و روزش بس روشن است،پس ذكر«سبحان اللّه،و اللّه اكبر،و لا اله الاّ اللّه»بگوئيد و بر محمّد و آل محمّد بسيار صلوات فرستيد و در روايت ديگر آمده:

كه كمترين صلوات در اين شب،صد مرتبه است،و هرچه بيشتر باشد بهتر است.و از امام صادق عليه السّلام روايت شده:صلوات بر محمّد و آل محمّد در شب جمعه با هزار كار نيک برابر است و هزار گناه را پاک مى كند و مقام انسان را هزار درجه بالا مى برد و مستحب است كه پس از نماز عصر پنجشنبه تا آخر روز جمعه بر محمّد و آل محمّد بسيار صلوات فرستند.و با سند صحيح از حضرت صادق عليه السّلام روايت شده:هنگام

عصر روز پنجشنبه فرشتگان از آسمان با قلمهای طلا و صحیفه های نقره فرود می آیند و در عصر پنجشنبه و شب و روز جمعه تا هنگام غروب خورشید جز صلوات بر محمّد و خاندان آن حضرت چیزی ننویسند.و شیخ طوسی فرموده:

در روز پنجشنبه مستحبّ است فرستادن هزار صلوات بر محمّد و آل محمّد.

و در آن بگوید:

خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و فرج ایشان را تعجیل نما،و دشمنانشان را از جن و انس

ص:56

از اولین و آخرین نابود فرما.و گفتن این صلوات صد مرتبه از بعد از عصر پنجشنبه تا آخر روز جمعه فضیلت بسیار دارد.و نیز شیخ فرموده:مستحب است در آخر روز پنجشنبه به این صورت استغفار کنند:

طلب آمرزش می نمایم از خدایی که نیست معبودی جز او،زنده و پایدار است،و توبه می نمایم به سوی او توبهٔ بندهٔ فروتن بی چیز که فقیر و عاجز ناتوان است برای نفس خود و نه دفاعی و نه سودی و نه زیانی و نه زندگی و نه مرگی و نه رستاخیزی و درود خدا بر محمّد و خاندان او،پاک و پاکیزگان،از برگزیدگان و نیکان، و درود فراوان فرست.

[دوّم:بخواند این سوره ها را...]

دوّم:آنکه در شب جمعه این سوره ها را بخواند که از برای هریک فوائد و ثواب بسیار روایت شده:بنی اسرائیل[اسراء] کهف،سه طس[شعراء و نمل و قصص]سجده،یس،ص،احقاف،واقعه،حم سجده،حم دخان،طور،اقتربت،جمعه و اگر فرصت نشد همه را تلاوت کند،واقعه و سوره های قبل از آن را انتخاب کند،زیرا از امام صادق علیه السّلام روایت شده هرکه در هر شب جمعه سورهٔ«اسراء»را بخواند،نمی میرد تا خدمت حضرت قائم(عج)رسد و از اصحاب آن حضرت گردد و هرکه در هر شب جمعه سورهٔ«کهف»را بخواند،نمی میرد مگر شهید و خداوند او را در قیامت با شهیدان محشور می کند و در قیامت همراه ایشان نگاهش می دارد و هرکه در شب جمعه سوره های شعراء و نمل و قصص را تلاوت کند،از دوستان خدا گشته و در امان و حمایت حق تعالی قرار می گیرد و نیز در دنیا دچار فقر و تنگدستی نمی شود و خدا در آن جهان چندان از بهشت به او عطا کند که خشنود شود و بلکه افزون بر خشنودی اش بر او کرامت نماید،و صد زن زیبا چشم از زنان دلربای بهشت را به همسری او در آورد و هرکه در شب جمعه سورهٔ سجده را بخواند خدا در قیامت نامهٔ اعمالش را به دست راست او دهد و در حسابرسی اعمال بر او آسان گیرد.

و از دوستان محمّد و خاندان او باشد.و به سند معتبر از امام باقر علیه السّلام روایت شده:هرکس هر شب جمعه سورهٔ«ص»را قرائت کند،از خیر این جهان و جهان دیگر آن اندازه به او ببخشند که جز به پیامبری مرسل یا فرشته ای مقرّب نبخشیده و او را با هرکس از اهل خانه اش

که بخواهد وارد بهشت کنند،حتی خدمتکاری که به او خدمت کرده باشد،هرچند از خانوادۀ او به حساب نیاید و در حدّ شفاعت او نباشد.

و از امام صادق علیه السّلام روایت شده:هرکه در شب جمعه یا روز جمعه سورۀ«احقاف»را بخواند،در دنیا دچار بیم و هراس نشود و در روز قیامت از وحشت و ترس در امان باشد،و هرکه در شب جمعه سورۀ واقعه را بخواند،خدا او را دوستش بدارد و او را محبوب تمام مردم کند،و در دنیا دچار بدحالی و تنگدستی نشود و آفتی از آفات دنیا به او نرسد،و از دوستان حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام باشد و این سوره مخصوص امیر المؤمنین علیه السّلام است.و روایت شده:هرکه سورۀ«جمعه»را در هر شب جمعه تلاوت کند کفارۀ اعمال او از این جمعه تا جمعۀ دیگر خواهد بود.و نیز همین فضیلت برای کسی که در هر شب جمعه و بعد از ظهر و عصر جمعه سورۀ«کهف»را بخواند وارد شده است.و آگاه باش که برای شب جمعه نمازهای بسیاری وارد شده.اوّل:نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام دوّم:دو رکعت نماز که در هر رکعت، «حمد»و پانزده مرتبه سورۀ«زلزال»در روایت است:هرکه این نماز را بجا آورد،خدا او را از عذاب قبر و هول و هراس قیامت ایمن کند.

[سوّم:خواندن سوره های مخصوص در نماز مغرب و عشای شب جمعه]

سوّم:آنکه در شب جمعه در رکعت اوّل نماز مغرب و رکعت اوّل نماز عشاء سورۀ«جمعه»و در رکعت دوّم نماز مغرب سورۀ«توحید»و در رکعت دوم عشا سورۀ«اعلی»را بخواند.

[چهارم:ترک خواندن شعر]

چهارم:خواند شعر را در شب جمعه ترک کند؛زیرا در حدیث صحیح از امام صادق علیه السّلام روایت شده:برای شخص روزه دار و شخص محرم و نیز در حرم خدا و در روز جمعه و در شب آن روایت کردن شعر مکروه است.راوی به حضرت عرض کرد:هرچند معنای آن شعر مطلب حقی باشد،فرمود:هرچند شعر به حق باشد.

و در حدیث معتبر از امام صادق علیه السّلام روایت شده:رسول خدا فرمود:هرکه در شب یا روز جمعه یک شعر بخواند،در آن شب و روز بهره

ای از ثواب به غیر آن نداشته باشد.و براساس روایت معتبر دیگر،در آن شب و روز نمازش مورد قبول واقع نشود [از آنجا که شعر و خواندن آن مورد علاقه مرد و زن،پیر و جوان،عالم و عامی و خلاصه تمام مردم است،شاید اصرار روایات بر ترک خواند شعر در شب و روز جمعه به خاطر این باشد که اهل ایمان از قرائت قرآن و دعا و مستحبات شب و روز جمعه باز نمانند و ثوابهای عظیم و بهره های وافر الهی را از دست ندهند.مترجم]

[پنجم:در حق مؤمنین بسیار دعا کند]

پنجم:در حق مؤمنین بسیار دعا کند،چنان که حضرت زهرا علیها السّلام بسیار دعا می کرد و روایت شده اگر برای ده نفر از برادران مؤمن که از دنیا رفته باشند طلب آمرزش کند بهشت برای او واجب می شود.

[ششم:دعاهای مخصوص شب جمعه را بخواند]

ششم:دعاهای مخصوص شب جمعه را بخواند که آن دعاها بسیار است و ما به ذکر برخی از آنها بسنده می کنیم:

به سند صحیح از امام صادق علیه السّلام روایت شده:هرکس در شب جمعه در سجدۀ آخر نافله شب این دعا را هفت بار، بخواند،هنگامی که از آن فارغ شود،آمرزیده شده باشد.

و اگر در هر شب این دعا را در سجدۀ آخر نافله شب بخواند،بهتر است.

و آن دعا این است:

خدایا !از تو می خواهم به عنایت کریمانه و نام بزرگت که درود فرستی بر محمّد و خاندان محمّد و از گناهانم بزرگم درگذری.و از حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله روایت شده:هرکس در شب یا روز جمعه این دعا را، هفت بار بخواند،اگر در آن شب یا در آن روز از دنیا برود وارد بهشت می شود و آن دعا این است:

خدایا !تویی پروردگار من،شایستۀ پرستشی جز تو نیست،تو مرا آفریدی و من بندۀ تو و فرزند کنیز تو و در دست قدرت توام و زمام زندگی ام به دست توست،تا توانستم بر عهد و پیمان روز را به شب آوردم.از شرّ آنچه انجام دادم به خوشبینی و خشنودی تو پناه می آورم،به نعمتت اعتراف و به گناهم اقرار می نمایم پس گناهانم را بیامرز،زیرا گناهان را جز تو نمی آمرزد.شیخ طوسی و سیّد کفعمی و سیّد ابن باقی رحمهم اللّه فرموده اند:در شب و روز جمعه و شب و روز عرفه مستحب است دعای اللّهم من تعبّا...خوانده شود،ما آن را از کتاب«مصباح شیخ»نقل می کنیم و آن دعا این است:

خدایا !هرکس به امید کمک و طلب عطا و جود و جایزۀ مخلوقی مجهّز و مهیّا و آمادۀ دیدار

او شود،تنها به سوی توست ای پروردگار من استعداد و آمادگی من به امید عفو و درخواست و جایزه است،پس مرا از خواسته ام ناامید مساز،ای آنکه پرسنده ای از او محروم نگردد و بخشیده ای از او نکاهد من به پشتوانۀ عمل شایسته ای که انجام داده باشم،و یا به امید آفریده ای که به او دل بسته باشم به پیشگاهت نیامده ام،به درگاهت آمده ام با با اعتراف بر نفس خویش به بدکاری دستم و با اعتراف به اینکه هیچ دلیل و نه عذری بر بدکاری ام نیست،گذشت فراگیرت را که بر آن از خطاکاران درمی گذری امیدوارم،پس پافشاری بر جرم بزرگشان از اینکه بر انان دوباره مهرورزی تو را بازنداشت،پس ای آنکه رحمتش فراگیر و گذشتش بس بزرگ است ای بزرگ،ای بزرگ،ای بزرگ،جز بردباری ات خشم تو را برنگرداند و جز زاری به پیشگاهت از ناخشنودی ات رهایی نبخشد،پس خدایا !با نیرویی که با آن سرزمینهای مرده را زنده می کنی برایم گشایشی بخش و از اندوه هلاکم مکن تا آنکه دعایم را مستجاب نمایی و مرا به اجابت دعایم آگاه سازی و شیرینی سلامت و تندرستی را تا پایان عمر به من بچشان و مرا در معرض سرزنش دشمنم قرار مده و او را بر من چیره مساز و بر گردنم مسلّط مکن خدایا !اگر تو مرا حقیر و پست بداری،پس چه کسی بلندم گرداند و اگر تو مرا بلند گردانی،پس کیست آنکه مرا خوار کند و اگر هلاکم کنی،پس کیست آنکه دربارۀ بنده ات در برابر تو خود نماید؟یا از کار او از تو پرس وجو کند؟با آنکه به یقین می دانم که نه در حکم تو ستمی است و نه در انتقامت شتابی،چه تنها کسی در انتقام شتاب می کند که ازدست دادن فرصت را می هراسد

و فقط کسی محتاج ستمگری است که ناتوان است،و حال آنکه تو ای خدای من !از این امور بسیار برتری.بار خدایا به تو پناه می آورم،پس پناهم ده و از تو امان می جویم پس امانم ده و از تو روزی می طلبم پس روزی ام ده و اعتماد می کنم بر تو،پس تو خود مرا کافی باش،و برای غلبه بر دشمنم از تو یاری می خواهم پس یاری ام ده،و از تو مدد می جویم پس مرا مدد فرما، ای خدای من !دعایم را بپذیر.بپذیر.بپذیر.

[هفتم:دعای«کمیل»را بخواند]

هفتم:دعای«کمیل»را بخواند که در فصل بعد[صفحه 108]خواهد آمد ان شاء اللّه[کمیل بن زیاد نخعی،از اصحاب امیر المؤمنین علیه السّلام است که حضرت به اصرار وی دعای کمیل را انشاء و به او تعلیم فرمود]هشتم:دعای«اللّهمّ یا شاهد کلّ نجوی»را که در شب عرفه هم خوانده می شود،بخواند.این دعا نیز ان شاء اللّه تعالی خواهد آمد[صفحهٔ 405].

[نهم:ده مرتبه بگوید(یا دائم الفضل علی البریه...)]

نهم:ده مرتبه بگوید:ای کسی که جود و بخشش توبه آفریدگان همیشگی است !ای آنکه دو دست سخاوت خود را برای عطا گشوده ای !ای صاحب عطاهای گرانبها !بر محمّد و خاندان او،نیکوخوترین مردمان درود فرصت،و ما را ای خدای بلندمرتبه در چنین شبی بیامرز.این ذکر شریف در شب عید فطر نیز خوانده می شود.

[دهم:انار بخورد]

دهم:انار بخورد،چنانکه امام صادق علیه السّلام در هر شب جمعه میل میفرمود،و اگر هنگام خوابیدن بخورد،شاید بهتر باشد،چه آنکه روایت شده:

هرکه وقت خوابیدن انان بخورد تا صبح در جان خود ایمن خواهد بود.و سزاوار است هرگاه انار بخورد،در زیر آن دستمالی بگستراند که هر دانه ای از ان بیفتد جمع کرده و بعد بخورد و بهتر است دیگری را در آن انار شریک نسازد.شیخ جعفر ابن احمد قمی رحمه اللّه در کتاب، عروس از

امام صادق علیه السّلام روایت کرده:هرکه ما بین دو رکعت نافله و فریضهٔ صبح صد مرتبه بگوید:

منزه است پروردگار بزرگ من و به ستایش او را سزاست،از خدا،پروردگار خود،آمرزش می طلبم و به سوی او باز می گردم.خدا در بهشت خانه ای برای او

ص:61

بنا کند.و شیخ طوسی و سید ابن طاووس و دیگران این دعا را ذکر کرده و گفته اند:مستحب است در سحر شب جمعه این دعا خوانده شود:

خدایا!بر محمّد و خاندان او درود فرست و در این بامداد خشنودی خود را بر من ارزانی بدار،و ترس از خویش را در دلم جای ده،و دلم را از غیر خود ببر،تا به غیر تو امید نبندم و جز از تو نترسم،خدایا!بر محمّد و خاندان او درورد فرست و مرا یقین استوار،و اخلاص بی شائبه و قدر خود،ببخش،ای برآورندۀ نیازهای پرسندگان ! ای آنکه هرچه در نهاد خاموشان می گذرد می داند!بر محمد و خاندانش درود فرست و خواهشم را برآور،و گناهم را بیامرز و روزی ام را وسعت بخش و نیازهای درونی ام و حوائج برادران دینی ام و خانواده ام را برآورد،خدای من آروزوهای دور و سرکش جز نزد تو ناکام است،همّتهای بلند جز آنکه بر گرد کوی تو گردد بیهوده باشد و راههای خرد بسته است جز به سوی تو،پس تویی امید دلها و به سوی توست پناهگاه،ای گرامی ترین مراد،و بخشنده ترین درخواست شده!با همۀ وجودم به سوی تو گریخته ام،ای پناهگاه گریختگان،با بارهای گناه که بر دوش می کشم،درحالی که برای رسیدن به تو یاوری نمی یابم جز آگاهی از اینکه تو نزدیک ترین کسی هستی که امید جویندگان به اوست و آنچه را که نزد اوست راغبان آرزومندند،ای آنکه خردها را به معرفت خویش شکوفا ساخت،و زبانها را به ستایش خود گشود و آنچه را بر بندگانش منّت گذارد،برای ادای حق خود بسنده ساخت،بر محمّد و خاندان

درود فرست و برای شیطان بر خردم راهی و به سوی باطل بر عملم راهنما و دلیلی قرار مده.

و به هنگام طلوع صبح روز جمعه این دعا را بخواند:

شب را صبح کردم در امان خدا و امان فرشتگان و امان پیامبران و فرستادگان او(درود بر آنان باد)،و امان محمّد(درود خدا بر او و خاندان او باد)،و امانهای جانشینیان خاندان محمّد(درود بر آنان باد)،ایمان آوردم به نهان خاندان محمّد(بر ایشان درود باد)و ظاهر و باطن ایشان،و گواهی می دهم که همانا ایشان در معرفت به خدا و طاعت او همچون محمّد(درود خدا بر او و خاندان او)هستند.روایت شده:هرکس پیش از نماز صبح روز جمعه سه مرتبه بگوید:آمرزش می جویم از خدای که شایسته پرستشی جز آن زندۀ پاینده نیست و به سوی او باز می گردم.

گناهانش آمرزیده شود هرچند از حباب نشسته بر دریا بیشتر باشد.

اعمال روز جمعه

اشاره

برای روز جمعه اعمال بسیاری است که در اینجا تنها به بیان چند مورد اکتفا می کنیم:

[اعمال صبح جمعه]

[اول:خواندن سورۀ «جمعه»و«توحید»در نماز صبح روز جمعه]

اول:در رکعت اوّل نماز صبح سورۀ «جمعه»و در رکعت دوّم:«توحید»خوانده شود.

[دوّم:پس از نماز صبح،پیش از آنکه سخن بگوید،این دعا را بخواند]

دوّم:پس از نماز صبح،پیش از آنکه سخن بگوید،این دعا را بخواند تا کفّارۀ کناهان او از این جمعه تا جمعۀ دیگر باشد:خدایا!هر سخنی که در این جمعه ای بر زبان آورم،و یا هر سوگندی که در آن ادا نمایم و یا هر نذری

که در آن جاری کنم،خواست و ارادۀ تو پیشاپیش همۀ اینهاست،پس در این میان هرچه را تو بخواهی که بشود می شود،و هرچه را که نخواهی نشود،بار خدایا !مرا بیامرز و از من درگذر.خدایا !هرکه را تو بر او درود فرستی

ص:63

پس درودم بر او باد و هرکه را که تو لعنت کنی پس لعنتم بر او باد.و دست کم در هر ماه یک بار این عمل را بجا آورد و نیز روایت شده:هرکس در روز جمعه پس از نماز صبح بنشیند،و به تعقیب بپردازد تا آفتاب برآید،هفتاد درجه در بهشت برین برای او بالا رود.و شیخ طوسی روایت کرده:که سنّت است این دعا را در تعقیب نماز صبح زو جمعه بخواند: خدایا !با حاجت خویش آهنگ تو کرده ام و امروز بر تو فرود آورده ام فقر و تنگدستی و درماندگی ام را و به آمرزش تو امیدوارتر از کردار خویشم و بخشایش و رحمت تو دامنه دارتر از گناهان من است،پس برآور نیاز مرا با قدرتی که بر آن داری و با سهولتی که نزد تو دارد، و نیازی که من به تو دارم.چه من به خیری دست نیافته ام جز از سوی تو و جز تو هرگز کسی گزندی را از من نرانده است و برای آن جهان و این جانم و نه برای گاه تهیدستی ام،آنگاه که مردم در قبرم تنها گذارند و گناهم را به نزد تو آورم،جز به مهر تو امید ندارم.

[سوّم:این دعا را بخواند نمیرد تا حضرت قائم(عج)را دریابد]

سوّم:روایت شده:هرکس در روز جمعه و دیگر روزها پس از نماز ظهر و نماز صبح بگوید:خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و طلوع ظهورشان را زود گردان نمیرد تا حضرت قائم(عج)را دریابد.و اگر صد مرتبه این صلوات را بخواند،خدا شصت حاجت،سی حاجت از حاجات دنیا و سی حاجت از حاجات آخرتش را برآورده سازد

[چهارم:این مقدار از سورۀ«الرحمن»را بخواند...]

چهارم:پس از نماز صبح سورۀ«الرحمن»را بخواند و بعد از آیۀ:کدامین نعمتهای پروردگارتان را تکذیب می کنید.بگوید:هیچیک از نعمتهای تو را ای پروردگارم تکذیب نمی کنم

[پنجم:صد مرتبه سوره توحید،صد صلوات،صد مرتبه استغفار و سوره هایی که می آید را بخواند]

پنجم:شیخ طوسی رحمه اللّه فرموده:مستحب است پس از نماز صبح روز جمعه صد مرتبه سورۀ«توحید»را بخواند و صد مرتبه بر محمّد و آل محمّد صلوات فرستد و صد مرتبه استغفار کند و سوره های«نساء،هود،کهف،صافات،الرّحمن»را بخواند.

[ششم:سوره های احقاف و مومنون را بخواند]

ششم:سوره های:

ص:64

«احقاف»و«مؤمنون»را بخواند،از امام صادق علیه السّلام روایت شده:هرکه در هر شب جمعه یا در هر روز جمعه سورۀ«احقاف»را بخواند در دنیا هراسی به دلش راه نیابد و از وحشت بزرگ روز قیامت ایمن گردد و نیز آن حضرت فرمود:هرکس جمعه ها بر خواندن سورۀ«مؤمنون»مداومت نماید،خدای تعالی پایان کارش را به نیکبختی و سعادت قرار دهد،و جایگاهش در بهشت برین با پیامبران الهی باشد

[هفتم:پیش از طلوع آفتاب ده مرتبه سورۀ«قل یا ایّها الکافرون»را بخواند]

هفتم:پیش از طلوع آفتاب ده مرتبه سورۀ«قل یا ایّها الکافرون»را بخواند و دعا کند تا خواسته اش اجابت شود.روایت شده:حضرت زین العابدین علیه السّلام چون صبح روز جمعه می شد تا ظهر«ایه الکرسی»[آیۀ 255 سورۀ بقره: اَللّٰهُ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ الْحَیُّ ... وَ لاٰ یَؤُدُهُ حِفْظُهُمٰا وَ هُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ]را می خواند،و چون از نمازها فراغت مییافت،به تلاوت سورۀ:

«انّا انزلناه»می پرداخت.و آگاه باش برای خواندن آیه الکرسی علی التنزیل در روز جمعه فضیلت بسیار روایت شده است [علاّمه مجلسی گوید:آیه الکرسی علی التنزیل بنا بر روایت علی بن ابراهیم و شیخ کلینی عبارت است از: «اَللّٰهُ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ الْحَیُّ ....تا: هُمْ فِیهٰا خٰالِدُونَ»

[هشتم:غسل جمعه کند]

هشتم:غسل جمعه کند،و آن از جمله اعمال مستحبی است که بر آن تأکید بسیار شده و در روایت آمده که حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله به امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود:یا علی!در هر جمعه غسل کن،گرچه به خاطر آن غذای خود را برای بدست آوردن آب جهت غسل کردن بفروشی و گرسنه بمانی؛زیرا هیچ عمل مستحبّی برتر از غسل روز جمعه نیست و از امام صادق علیه السّلام روایت شده:

هرکه در روز جمعه غسل کند و این دعا را بخواند:

گواهی می دهم که شایستۀ پرستشی جز خدا نیست،شریک و انبازی ندارد،و گواهی می دهم که محمّد بنده و فرستاد اوست، بار خدایا،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا از بسیار توبه کنندگان و پاکان قرار ده.

برای او تا جمعۀ آینده حالت پاکی و طهارت پیدا شود؛یعنی:از گناهان پاک می گردد،یا آنکه اعمال او با طهارت معنوی انجام می گیرد و مورد قبول

حق واقع می شود.و به احتیاط نزدیک تر آن است که تا جائی که ممکن است،غسل جمعه را ترک نکنند.باید دانست وقت غسل جمعه پس از طلوع فجر تا زمان ظهر است و هرچه نزدیک تر به ظهر انجام شود،بهتر است.

[نهم:سر را با گل خطمی بشوید]

نهم:سر را با گل خطمی بشوید؛زیرا که این کار از بیماری پیسی و دیوانگی ایمنی می بخشد.

[دهم:ناخن و موی پشت لبش را بزداید]

دهم:ناخن و موی پشت لبش را

ص:65

بزداید زیرا که ثواب بسیار دارد و روزی را افزون می سازد،و او را از گناه تا جمعهٔ دیگر دور می کند،و از بیماری دیوانگی و جذام و پیسی ایمنی می دهد،و بهتر است در وقت چیدن ناخن و زدودن موی پشت لب بخواند:

به نام خدا و به یاد خدا و بر روش محمّد و خاندان محمّد و در گرفتن ناخن،از انگشت کوچک دست چپ شروع،و به انگشت کوچک دست راست ختم نماید،و این شیوه را در گرفتن ناخنهای پای خود نیز رعایت کند پس از آن ناخنهای چیده را دفن کند.

[یازدهم:بوی خوش استعمال و لباس پاکیزه بپوشد]

یازدهم:بوی خوش استعمال کند و جامه های پاکیزهٔ خود را بپوشد.

[دوازدهم:صدقه دهد]

دوازدهم:صدقه دهد،چه بر طبق یک روایت:ثواب صدقه دادن در شب و روز جمعه،هزار برابر اوقات دیگر است.

[سیزدهم:برای خانوادهٔ خود خوردنیهای خوب و تازه تهیه کند]

سیزدهم:برای خانوادهٔ خود خوردنیهای خوب و تازه از قبیل میوه و گوشت تهیه کند تا به آمدن جمعه شاد شوند.

[چهاردهم:پیش از خوردن صبحانه انار و پیش از ظهر هفت برگ کاسنی بخورد]

چهاردهم:پیش از خوردن صبحانه انار و پیش از ظهر هفت برگ کاسنی بخورد،از موسی بن جعفر علیهما السّلام روایت شده:هرکه در روز جمعه وقتی که ناشتاست یک انار بخورد،تا چهل روز دل او را نورانی گرداند.و اگر دو انار بخورد تا هشتاد روز و اگر سه انار،تا صد و بیست روز،وسوسهٔ شیطان را از او دور گرداند و هرکس وسوسهٔ شیطان از او دور شود نافرمانی خدا نکند و هرکه نافرمانی خدا نکند وارد بهشت شود.

شیخ طوسی در کتاب«مصباح»فرموده:در مورد خوردن انار در روز و شب جمعه فضیلت بسیار روایت شده

[پانزدهم:خود را از کارهای دنیا فارغ کند،و به آموختن دین بپردازد]

پانزدهم:

خود را از کارهای دنیا فارغ کند،و به آموختن دین بپردازد،نه آنکه روز جمعه را به گشت و گذار،و تفرّج در باغها و کشتزارهای مردم،و هم سخنی با اراذل و مردمان بی عار و مسخره گی و عیب گوئی از مردم،و خنده های قهقهه،و خواندن اشعار و غوطه ور شدن در کارهای باطل و امثال اینها صرف کند،که مفاسدش بیش از آن است که بیان شود.از امام صادق علیه السّلام نقل شده:بدا به حال مسلمانی که در طول هفته روز جمعه را صرف یادگیری مسائل دینی خود نکند،و برای این عمل مهمّم،خود را از کارهای دیگر فارغ نسازد.از حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله روایت شده:هرگاه در روز جمعه ببینید پیرمردی سرگذشت دوران جاهلیت و کفر را برای مردم بیان می کند،بر سرش سنگریزه بزنید.

[شانزدهم:هزار مرتبه صلوات فرستد]

شانزدهم:هزار مرتبه صلوات فرستد،از اما باقر علیه السّلام روایت شده:هیچ عبادتی در روز جمعه نزد من محبوب تر از صلوات بر محمّد و آل مطهّر او صلی اللّه علیهم اجمعین نیست.مؤلّف گوید:اگر برای هزار مرتبه صلوات فرصت نکرد،دست کم صد مرتبه را ترک نکند،تا در روز قیامت چهره اش نورانی گردد.و روایت شده:هرکس

روز جمعه صد مرتبه صلوات فرستد و صد مرتبه از خدا؛پروردگارم آمرزش می جویم و به سوی او می پویم گوید و صد مرتبه سورۀ«توحید» را بخواند،آمرزیده خواهد شد.و نیز روایت شده:که ثواب صلوات بر محمّد و آل محمّد،بین نماز ظهر و عصر برابر با ثواب هفتاد حج است.

[هفدهم:حضرت رسول و ائمه طاهرین علیهم السّلام را زیارت نماید]

هفدهم:حضرت رسول و ائمه طاهرین علیهم السّلام را زیارت نماید و کیفیت آن در باب زیارات[صفحۀ 494]خواهد آمد.

[هیجدهم:به زیارت گذشتگان به ویژه پدر و مادر یا یکی از ایشان برود]

هیجدهم:به زیارت گذشتگان به ویژه پدر و مادر یا یکی از ایشان برود،که این عمل ثواب بسیار دارد.از امام باقر علیه السّلام روایت شده:مردگان را در روز جمعه زیارت کنید،زیرا می دانند چه کسی به زیارت ایشان رفته است و ازاین رو شاد می شوند.

[نوزدهم:دعای«ندبه»بخواند]

نوزدهم:دعای«ندبه»را که از اعمال عیدهای چهارگانه است بخواند.این دعا بعد از این،در جای خودش خواهد، آمد[صفحۀ 813].

[بیستم:نافله بخواند به علاوه نمازهای دیگر که می آید]

بیستم:آگاه باش برای روز جمعه جز نافلۀ آن،که بیست رکعت است،نمازهای بسیاری ذکر شده است.کیفیت نافلۀ مذکور بنا بر مشهور آن است که شش رکعت آن زمانی که نور آفتاب افق را فرا گیرد بجا آورده شود، و شش رکعت دیگر وقتی که خورشید بالا بیاید،و شش رکعت دیگر نزدیک ظهر،و دو رکعت پس از ظهر پیش از نماز ظهر،و یا آنکه شش رکعت اوّل را پس از نماز جمعه یا نماز ظهر بجا آورد،به صورتی که در کتب فقها و(مصابیح)ذکر شده.

البته نمازهای بسیار دیگری نیز نقل شده،که ذکر بعضی از آنها در این مقام مناسبت دارد،هر چند بیشتر آنها اختصاصی به روز جمعه ندارد،ولی بجا آوردن آنها در روز جمعه بیشتر فضیلت دارد:

[نماز کامله]

از جملۀ آنها نماز کامله است که شیخ طوسی،و سیّد ابن طاووس و شهید و علاّمه حلّی و دیگران به سندهای بسیار و معتبر از امام صادق علیه السّلام و ایشان از پدران بزرگوارشان علیهم السّلام از حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله روایت کرده اند که آن حضرت فرمود:

«هرکس در روز جمعه پیش از ظهر چهار رکعت نماز بخواند،و در هر رکعت سورۀ«حمد»را ده مرتبه و هر یک از:

«قل اعوذ بربّ النّاس»و«قل اعوذ بربّ الفلق»و«قل هو اللّه احد»و«قل یا ایّها الکافرون»و «ایه الکرسی»را ده مرتبه،و به روایت دیگر:«انّا انزلناه»و آیه «شَهِدَ اللّٰهُ...» [آیۀ 18 سورۀ آل عمران] را نیز هر یک ده مرتبه بخواند،و آنگاه که از چهار رکعت فارغ شود،صد مرتبه استغفار کند،

ص:67

و صد مرتبه بگوید:

خدا پاک و منزه است و ستایش تنها او را سزاست و خدایی جز او نیست،و خدا بزرگتر از هر وصفی است و هیچ نیرو و توانی جز برآمده از خدای بلند مرتبۀ بزرگ نیست.و پس از آن صد مرتبه صلوات فرستد،خدا شرّ اهل آسمان و شرّ اهل زمین،و شرّ شیطان و شرّ پادشاهان ستمگر را از او برطرف کند»تا پایان روایت که همه در بیان فضیلت این نماز است.نماز دیگر:حارث همدانی از امیر المؤمنین علیه السّلام روایت کرده:اگر بتوانی روز جمعه ده رکعت نماز بجای آر،و رکوع و سجودش را تمام و کامل ادا کن،و پس از هر دو رکعت صد مرتبه بگو:پاک و منزه است خدایی که ستایش تنها شایسته اوست که فضیلت بسیار دارد.

نماز دیگر:به سند معتبر از امام صادق علیه السّلام روایت شده:هرکس سورۀ«ابراهیم»و سورۀ«حجر»را در دو رکعت نماز در روز جمعه بخواند،هرگز دچار پریشانی و دیوانگی و یا بلایی دیگر نشود،از جملۀ آن نمازها:نماز حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله است.

نماز حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله

سید ابن طاووس رحمه اللّه به سند معتبر از حضرت رضا علیه السّلام روایت کرده که از آن حضرت دربارۀ نماز حضرت جعفر طیار رحمه اللّه پرسیدند.حضرت فرمود:چرا از نماز حضرت رسول غافلی؟شاید رسول خدا صلی اللّه علیه و آله نماز جعفر را بجا نیاورده باشد و شاید جعفر نماز رسول خدا صلی اللّه علیه و آله را نخوانده باشد.سؤال کننده عرضه داشت:یا ابن رسول اللّه!نماز پیامبر را به من بیاموز!حضرت فرمود:دو رکعت نماز می خوانی؛در هر رکعت یک مرتبه سورۀ«حمد»و پانزده مرتبه سورۀ«انا انزلناه»و در رکوع و پس از سر برداشتن،و در سجده اوّل و بعد از آن و در سجدۀ دوّم و پس از آن در هر یک پانزده بار سورۀ«انّا انزلناه»را می خوانی آنگاه تشهّد خوانده و سلام می دهی.چون فارغ شوی بین تو و خدا گناهی نمی ماند جز آنکه آمرزیده شود،و هر حاجتی که از حق تعالی بخواهی روا خواهد شد،و پس از آن این دعا را می خوانی:

شایستۀ پرستشی جز خدا نیست،پروردگار پدران نخستین ما شایستۀ پرستشی جز خدا نیست،پرستیدۀ یکتا و ما تنها به فرمان او هستیم.

شایستۀ پرستشی جز خدا نیست،جز او را نمی پرستیم،و دینمان را برای او خالص می کنیم،گرچه مشرکان را خوش نیاید،معبودی جز خدا نیست،یکتا،یگانه و بی همتاست،به وعده خویش وفا کرد،و بندۀ خود را یاری کرد،و سپاهش را نیرومند ساخت و به تنهایی همه دشمنان را گریزاند و تارومار ساخت،فرمانروایی و ستایش تنها شایستۀ اوست و او بر هر چیز تواناست،خدایا تویی !نور آسمانها و زمین و هر که در آنهاست،پس ستایش تنها برای توست.و تویی برپادارندۀ آسمانها و زمین و هرکه در آنهاست،پس ستایش تنها تو را سزاست،و تو حقیّ و وعده ات حق و گفتارت حق و عملت حق و بهشتت حق و دوزخت حق است.بار خدایا تنها به فرمان تو و به تو ایمان آوردم،و بر تو توکل کردم،و به خاطر تو(با بدان)دشمنی کردم،و تنها به سوی تو دادخواهی نمودم.پروردگارا پروردگارا پروردگارا !ببخش گناهانی را که پیش از این مرتکب شده ام و پس از این مرتکب می شوم و آنچه پنهان و آشکار انجام داده ام،همه را خدای من !شایستۀ پریستۀ پرستشی جز تو نیست.درود فرست بر محمّد و خاندان محمّد !و مرا بیامرز و به من مهر ورز و توبه ام را بپذیر،همانا تنها تویی بسیار توبه پذیر مهربان.

علاّمۀ مجلسی رحمه اللّه فرموده:این نماز از نمازهای مشهور است و سنّی و شیعه آن را در کتابهای خود روایت کرده اند و برخی این نماز را از نمازهای روز جمعه شمرده اند ولی از روایت این نکته به دست نمی آید و ظاهرا در دیگر روزها هم می توان آن را بجا آورد و نیز از جملۀ آن نمازها«نماز امیر المؤمنین علیه السّلام»است.

نماز حضر امیر المؤمنین علیه السّلام

شیخ و سیّد از امام صادق علیه السّلام روایت کرده اند:هرکه از شما نماز امیر المؤمنین علیه السّلام را بخواند،از گناهان پاک گردد،همچون روزی که از مادر زاده شده و حاجاتش در پیشگاه حق برآورده شود.این نماز چهار رکعت است:در هر رکعت یک بار سورۀ«حمد»

و پنجاه بار«قل هو اللّه احد»تلاوت شود،و چون از نماز فارغ شود این دعا را بخواند که تسبیح آن حضرت است:

پاک و منزّه است آنکه نشانه های وجودش نابود نشود،پاک و منزّه است آنکه از خزانه هایش کاسته نگردد،پاک و منزّه است آنکه فخرش را فروپاشی نباشد،پاک و منزّه است آنکه آنچه نزد اوست پایان نیابد،پاک و منزّه است آنکه دورانش به سر نرسد،پاک و منزّه است آنکه هیچکس را در کارش شرکت ندهد،پاک و منزّه است آنکه شایستۀ پرستشی جز او نیست.پس از این تسبیح دعا کند و بگوید:ای آنکه درگذری از بدیها،و به آنها کیفر نکنی !ای خدا !بر بنده ات مهر ورز،وجود مرا دریاب،ای سرور من من بندۀ تو هستم، بنده ای ایستاده در پیشگاه تو،پروردگارا !خدایا به هستی ات سوگند،ای آرمان من،ای بخشاینده،ای فریادرس،دریاب بنده ات را !دریاب بنده ات را !بنده ات را چاره ای نیست،ای واپسین امید،ای روان کنندۀ خون در رگهایم !ای سرور من !ای مالک من،ای او !ای او !پروردگارا !بنده ات را دریاب،بنده ات را دریاب،چاره ای ندارم،از پیش خود هیچ ندارم(که عین نیازم) توان سود و زیان خویش را ندارم،کسی را برای یاری نمی یابم،چاره جوییها از من جدا گشته، و هر گمان چاره ای نابود گشته است،روزگار مرا تنها به سوی تو روانه ساخته،ازاین رو در اینجا در برابر بارگاهت ایستاده ام،همۀ اینها خدایا !با آگاهی تو بوده است پس چگونه با من رفتار خواهی کرد؟ای کاش !می دانستم پاسخ خواهشم را چگونه خواهی داد؟آیا خواهی گفت:آری یا می گویی نه؟اگر بگویی:نه؛پس وای بر من !وای بر من !وای بر من !،وای از درماندگی ام !وای از درماندگی ام !وای از درماندگی ام !وای از بیچاره گی ام !از بیچاره گی ام !وای از خواری ام از

خواری ام !از خواری ام !آنگاه که تو مرا رها کنی؟به سوی که،و از طرف که،یا نزد که،یا چگونه،یا چه چیز؟یا به سوی چه چیزی پناه برم؟ و به چه کسی امید بندم؟و کیست که با فضل خود بر من کرم نماید؟ای آنکه آمرزشت فراگیر است؟و اگر بگویی:

آری،که همان از تو گمان داردم و امید به تو چنین است،پس خوشا به حال من که خوشبختم !و کامروا شده ام، پس خوشا به حال من که مورد رحمت قرار گرفتم !ای خدای مهربان !ای خدای بنده پرور !ای خدای دلجو ای خدای جبران گر !ای آنکه هستی به دست توست !ای دادگر !مرا کرداری که به برآمدن حاجتم نایل آیم نیست،از تو می خواهم به حق آن نامت که در پس پردۀ غیب خود مستور ساختی و نزد خویش بنهادی.پس برای هیچ موجودی جز تو پدیدار نشود !به حق آن نام و به حق هستی نابت و به آنکه برترین و شریف ترین نامها تو است از تو درخواست می نماید مرا چیزی جز این نیست و کسی خیرخواه تر از تو به من نیست،ای به خود خستی !ای هستی بخش !ای آنکه خویش را به شناساند !ای آنکه به اطاعتش فرمانم داد،ای آن که مرا از فرمانی اش بازداشت،ای خوانده شده !ای خواسته شده !ای مطلوب !سفارشی که به من نموده بودی وانهادم و فرمانت را نخواندم،و اگر تو را در آنچه فرمانم دادی اطاعت می کردم هر آینه مرا در آنچه برایش به سویت برخاستم بس بودی و من با نافرمانیم هم به تو امیدوارم،پس بین من و آنچه به آن امیدوارم جدایی میناداز،ای مهر ورز بر من از پیش روی،و از پشت سر،و از بالای سر،و از زیر پایم و از همۀ جهات احاطه بر من پناهم ده.خدایا !به حق محمّد ص،و سرور من،و به حق علی ع مولای من،و به حق امامان

هدایت یافته(که بر ایشان درود باد)لطف و مهر و رحمتت را بر ما بگستر،و از روزی خود بر ما فراوان ده،و وام ما را بپرداز و همهٔ حاجتهای ما را برآور،ای خدا !ای خدا !ای خدا ! زیرا تو بر هر چیز توانایی.

پس از آن حضرت فرمود:هرکه این نماز را بجا آورد و این دعا را بخواند،وقتی از آن فارغ شود،بین او و خدا گناهی نماند جز آنکه آمرزیده شود.

مؤلف گوید:احادیث بسیاری در فضیلت خواندن این چهار رکعت نماز،در شب و روز جمعه وارد شده است و اگر پس از نماز بگوید:بار الها !بر پیامبر عرب زبان و خانوادهٔ او درود فرست در حدیث آمده که گناهان گذشته و آیندهٔ او آمرزیده شود،و مانند کسی شود که دوازده مرتبه قرآن را ختم کرده باشد و حق تعالی گرسنگی و تشنگی قیامت را از او رفع کند...

نماز حضرت فاطمه علیها السّلام

روایت شده:حضرت فاطمه علیها السّلام دو رکعت نماز می خواند که جبرئیل به ایشان تعلیم داده بود آن حضرت در رکعت اوّل پس از سورهٔ «حمد»صدر مرتبه سورهٔ«قدر»و در رکعت دوّم بعد از سورهٔ«حمد»صد مرتبه سورهٔ«توحید»را قرائت می کردند،و چون سلام می دادند این دعا را می خواند:پاک و منزّه است آن خدایی که دارای شکوه افراشته و بلند است،پاک و منزّه است خدایی که صاحب شوکت والا و بزرگ است،پاک و منزّه است خدایی که دارنده فرمانروایی پر افتخار دیرینه است،پاک و منزّه است آنکه لباس خرّمی و زیبایی به بر دارد،پاک و منزّه است آنکه در پوششی از نور وقار است،پاک و منزّه است آنکه ردّ پای مورچه را بر سنگ سخت می بیند، پاک و منزّه است آنکه خطّ سیر پرنده را در هوا می بیند،پاک و منزّه است آنکه او چنین است و جز او چنین نیست.

سیّد ابن طاووس فرموده:در روایت دیگری وارد شده که پس از این نماز تسبیح مشهور حضرت زهرا علیها السّلام را که بعد از هر نماز خوانده می شود بخوانند،و پس از آن صد مرتبه صلوات بر محمّد و خاندان او فرستند.و شیخ در کتاب«مصباح المتهجّدین»فرموده است:نماز حضرت فاطمه علیها السّلام دو رکعت است،در رکعت اوّل سورۀ«حمد»و صد مرتبه سورۀ«قدر»و در رکعت دوّم سورۀ«حمد»و صد مرتبه«توحید»خوانده شود،و چون سلام داده شد تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام را بخوانند،آنگاه دعای«سبحان ذی العزّ الشامخ»را تا آخر قرائت کنند.و شیخ فرموده:کسی که این نماز را بجای آورد،چون از تسبیح فارغ شود زانوها و دستان خود را تا آرنج برهنه نماید و همه مواضع سجود خود را بدون مانع و حایل به زمین بچسپاند و از خدا حاجت بخواهد،و به هر کیفیتی که دوست دارد دعا کند،و در همان حال سجده بگوید:

ای آنکه جز او پروردگاری نیست که خوانده شود،ای آنکه ورای او معبودی نیست که او پروا شود!ای آنکه جز او فرمانروایی نیست که از او پرهیز شود!ای آنکه او را وزیری نیست که به او روی آرند!ای آنکه او را نگهبانی نیست تا به او رشوه داده شود!ای آنکه او را دربانی نیست تا به وسیلۀ او به درگاهش آیند!ای آنکه بر اثر بسیاری درخواست،جز کرم و جود،و بر اثر کثرت گناهان جز عفو،و گذشت نیفزاید،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و با من چنین و چنان کن.و به جای«کذا و کذا»حاجات خویش را از خدا بخواهد.

نماز دیگر از حضرت فاطمه علیها السّلام:

شیخ طوسی و سیّد ابن طاووس از صفوان روایت کرده اند که محمّد بن علی حلبی روز جمعه، خدمت امام صادق علیه السّلام شرفیاب شد و عرضه داشت:علاقمندم به من عملی بیاموزی که بهترین کارها در روز جمعه باشد حضرت فرمود:من کسی را که برای رسول خدا عزیزتر از حضرت فاطمه باشد سراغ ندارم،و چیزی را برتر از آنچه پیامبر به فاطمه آموخت،نمی شناسم،پیامبر به دخترش فرمود:هرکه صبح جمعه را دریابد،غسل کند و قدمهایش را بگسترد و چهار رکعت نماز(دو نماز دو رکعتی)بگذارد.در رکعت اوّل پس از سورۀ«حمد»پنجاه مرتبه سورۀ«توحید»و در رکعت دوم،

پس از سورۀ«حمد»پنجاه مرتبه سورۀ«و العادیات»و در رکعت سوّم پس از«حمد»پنجاه مرتبه سورۀ«اذا زلزلت» و در رکعت چهارم پس از سورۀ«حمد»پنجاه مرتبه سورۀ«اذا جاء نصر اللّه...»که مراد از این سوره سورۀ مبارکۀ نصر است یعنی آخرین سوره ای که نازل شده است.و چون از نماز فارغ شوند،این دعا را بخوانند:

ای معبود و سرور من !اگر دیگران به امید رسیدن به عطا و مواهب وجود و بخششها و هدایا آماده و مهیّا و مجّهز و مستعد ورود بر آفریده ای چون خو شده اند،پس خدایا !پس خدایا !آمادگی و مجهّز بودن و مهیّا بودن و استعداد من به امید دستیابی به بهره ها و نیکی و عطایا و هدایا تو تنها به سوی توست،پس مرا از این همه ناامید مساز،ای آنکه خواهش هیچ نیازمندی از او بی ثمر نماند،و بخشش بخشنده ای از او نکاهد ! من با کردار شایسته ای که پیش فرستاده باشم به پیشگاه تو نیامده ام،و با یاری آفریده ای که به او امید بسته باشم و با آن به تو تقرب جویم، به درگاهت بار نیافتم جز به امید شفاعت محمّد و خاندان او که درود تو بر او و بر ایشان باد،در حالی به نزد تو آمدم که گذشت کریمانه ات را امید دارم،گذشتی که به آن بر خطاکاران در حال پافشاری بر گناهان است،پس مداومت آنان بر کارهای حرام تو را از اینکه آمرزشت را بر آنان ارزانی داری باز نداشت،و تو ای سرور من !بسیار بر نعمت بخشی بازگردی و من بر خطا کاری،به حق محمّد و خاندان پاکش از تو می خواهم،که گناه بزرگ ام را بیامرزی،زیرا گناه بزرگ را جز آمرزگار بزرگ نیامرزد؛ای بزرگ !ای بزرگ ! ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ !ای بزرگ !

مؤلف گوید:سید ابن طاووس در کتاب«جمال الاسبوع»[زیبایی ایّام هفته]برای هر یک از امامان علیهم السّلام نمازهای به همراه دعا ذکر نموده که شایسته است در اینجا بیان شود.

نماز حضرت مجتبی علیه السّلام

نماز حضرت مجتبی علیه السّلام در روز جمعه چهار رکعت می باشد که مانند نماز امیر المؤمنین علیه السّلام است.نماز دیگر آن حضرت در روز جمعه نیز چهار رکعت است که در هر رکعت یک بار سورۀ«حمد»و بیست و پنج بار سورۀ«توحید»خوانده می شود.

دعای آن حضرت:خدایا!به امید جود و کرم تو به سویت تقرّب می جویم،و به دوستی محمّد بندۀ و فرستاده ات به سوی تو تقرّب می جویم،و به فرشتگان مقرّب به پیشگاه تو تقرّب می جویم،و به پیامبران و فرستادگانت که بر محمّد،بندۀ شایسته و فرستاده ات و بر خاندان محمّد درود فرستی و از لغزشم درگذری،و گناهانم را بر من بپوشانی،و آنها را بیامرزی،و نیازهایم را برآورده سازی،و به کار زشتی که از من سرزده عذابم نکنی،چه همانا عفو و بخشش تو بر من فراگیر است،به یقین تو بر هر کاری توانایی.

نماز حضرت حسین علیه السّلام

نماز حضرت حسین علیه السّلام چهار رکعت است که در هر رکعت سورۀ«فاتحه»پنجاه بار و«قل هو اللّه احد»پنجاه بار،و در رکوع، هر یک از سوره های«فاتحه»و«قل هو اللّه احد»ده بار،و پس از سر برداشتن از رکوع نیز هر یک،ده بار و نیز در سجدۀ اوّل و پس از سر برداشتن از سجده،و هم در سجدۀ دوّم هر کدام ده بار خوانده شود،و چون از نماز فارغ شد این دعا را بخواند:اللّهمّ انت الّذی استجبت لآدم و حواء...[بار خدایا! تویی که دعای آدم و حوا را اجابت نمودی]که دعای بلندی است[این دعا در جلد 88 بحار الانوار چاپ بیروت ص 186 نقل شده است]

نماز حضرت زين العابدين عليه السّلام

نماز آن حضرت چهار ركعت است كه در هر ركعت يک بار سورهٔ«حمد»و صدر بار سورهٔ«توحيد»خوانده مى شود.

دعاى آن حضرت:اى آنكه زيبايى را آشكار ساخت،و زشتى را پوشاند،اى آنكه بر جم و گناه سرزنش ننمود،و پرده حرمت بنده اش را ندريد،اى كه گذشت بزرک،و بخششت نيكوست،اى كه آمرزگارى است دامن گستر،اى كه دستانت به مهر گشاده است،اى شنواى هر نجواى پنهان،اى سرانجام هر دادخواهى،اى درگذرندهٔ بزرگوار،اى بزرگ سرچشمهٔ اميد، اى آغاز گر نعمتها پيش از آنكه بندگان سزاوار آن شوند،اى پروردگار و سرور و مولاى ما،اى واپسين دلبستگى ما،خدايا !از تو مى خواهم بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستى.

نماز حضرت باقر عليه السّلام

نماز آن حضرت دو ركعت است كه در هر ركعت يک مرتبه سورهٔ«حمد»و صدر مرتبه:پاک و منزّه است خدا و ستايش تنها او را سزاست و شايستهٔ پرستشى جز خدا نيست و خداوند برتر از هر وصفى است.خوانده مى شود.

دعاى آن حضرت:خدايا از تو خواستارم اى بردبار داراى رفق و مدارا و اى آمرزگار مهربان،از گناهانم و آنچه از زشتيها نزد من است،به خوبى و زيبايى آنچه نزد خود دارى درگذرى،و از عطاى خود به اندازه اى كه مرا در بر گيرد به من بدهى و از آنچه به من بخشيدى كردار شايسته به همراه فرمانبردارى از خود و پيامبرت الهام بخشى،و از گذشت خويش به قدرى به من ببخشى كه در پرتو آن سزوار كرامتت شوم.خدايا چنانچه شايستهٔ تو است به من عطا كن و با من آنچه را

سزاوار آنم مکن،چه هستی من تنها به مدد توست،و جز از سوی تو به خیری دست نیافته ام،ای بیناترین بینایان،و ای شنواترین شنوایان،و ای دادگرترین داوران و ای پناه پناه جویان،و ای برآورندۀ دعای درماندگان،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

نماز حضرت صادق علیه السّلام

نماز آن بزرگوار دو رکعت است که در هر رکعت یک مرتبه سورۀ«حمد»و صد مرتبه آیۀ شریفه «شَهِدَ اللّٰهُ» [آیۀ 18 از سورۀ آل عمران]خوانده می شود.

دعای آن حضرت:ای آفرینندۀ هر آفریده،ای بر سازندۀ هر شکسته،ای حاضر در هر جا،ای ای شاهد هر راز،ای شاهد بر هر راز،ای دانای هر نهان،ای همارہ حاضر و ای پیروزمند بی شکست،ای نزدیک دوری ناپذیر،ای همدم هر تنها،ای زندۀ حیات بخش مردگان، و میرانندۀ زندگان،ای که پاداش هرکس بر وفق کردارش بر پاداری،و ای زنده آنگاه که زنده ای نباشد،شایستۀ پرستشی جز تو نیست،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

نماز حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام

نماز آن حضرت دو رکعت است که در هر رکعت یک مرتبه سورۀ«حمد»و دوازده مرتبه«توحید»خوانده می شود.

دعای آن حضرت:خدایا،آواها در آستانت کوتاه و آهسته گشته،و اندیشه ها در شناسایی است سرگردان شده،و هر چیز از

بلندای هیبتت ترسان است،و همهٔ آفریدگان به درگاهت گریزان،در برابر هستی ات،هستی هر آفریده ای در تنگنای نیستی است و همه چیز را نور هستی تو آکنده است،پس تویی والا در شکوهت،و فروزنده در زیبایی ات،و بزرگ در توانایی ات، و تویی آنکه هیچش درمانده نسازد،ای فرو بارندهٔ نعمتم،ای گشایشگر اندوهم،و ای برآورندهٔ نیازم،خواهشم را به حق یگانگی ات روا ساز،به تو ایمان آوردم ایمانی خالص، بر پیمان و وعده ات صبح کردم تا توان دارم،با عطایت به جانبت آیم و از تو آمرزش می جویم از گناهانم که جز آنها را نمی آمرزد،ای آنکه در اوج بلندای خویش به آفریده ها نزدیک است،و در کمال به آنان فراتر از همگان است و در تابشش پرتوافشان،و در پادشاهی اش بس نیرومند است،بر محمّد و خاندانش درود فرست.

نماز حضرت رضا علیه السّلام

نماز آن بزرگوار شش رکعت است که در هر رکعت یک مرتبه سورهٔ«حمد»و ده مرتبه سورهٔ«هل اتی علی الانسان»[سوره 76 قران]خوانده می شود.

دعای آن حضرت:ای یار من در سختیها،و ای همراه من در نعمتها و ای معبود من ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب،ای پرودگار «کهیعص» و «یس وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ» ،از تو درخواست می کنم ای بهترین کسی که از او درخواست شود و ای نیکوترین کسی که خوانده شود،و ای بخشنده ترین بخشندگان و ای بهترین مأوای امید بستگان تو خواستارم که درود فرستی بر محمّد و خاندان محمّد.

نماز حضرت جواد علیه السّلام

نماز آن سرچشمۀ جود و کرم دو رکعت است که در هر رکعت یک مرتبه سورۀ«حمد»و هفتاد مرتبه«توحید»خوانده می شود.

دعای آن حضرت:خدایا !ای پروردگار جانهای فنا یافته،و بدن های پوسیده و در خاک افتاده،از تو درخواست می کنم به حق فرمانبری روانهای بازآینده به بدنهای خویش و بحق فرمانبری بدنهای پیوسته به رگهای خویش،و به حق گفتار پر نفوذت در میان آنها،و دادخواهی ات از آنها،آنگاه که آفریده ها بر آستانت در انتظار داوری تو بنشسته اند.و به مهر بی پایانت دل بسته و از شکنجۀ بی سرانجامتت هراسانند.بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و نور فروزان در دیدگانم،و یقین بی گمان در جانم،و یاد جاودان خود در هر شب و روز بر زبانم بنه،و کردار پسندیده روزی ام گردان

نماز حضرت هادی علیه السّلام

نماز آن حضرت دو رکعت است که در رکعت اوّل سورۀ«حمد»و سورۀ«یس»و در رکعت دوم سورۀ«حمد»و سورۀ«الرّحمن»خوانده میشود

دعای آن حضرت:ای نیکوکار،ای همواره در پیوند با دلها،ای گواه،هر ناپیدا،ای نزدیک دور ناشدنی و ای پیروز بی شکست،ای آنکه جز او نمی داند که چون است،ای آنکه به قدرتش نمی توان دست یافت

ص:79

بار خدایا !از تو درخواست می کنم به حق آن نامت که در پرده است،و در گنجینه است و ناپیدا از هر آنکه تو خواهی،آن نام پاک پاکی بخش،مبرّا از هر نقص،بر همگان پرتوافشان،زنده،به خود پایدار،بزرگ،تویی نور آسمانها و فروغ زمینها،دانای نهان و آشکار، والای بلندمرتبه و بزرگ،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

نماز حضرت عسگری علیه السّلام

نماز آن وجود مبارک چهار رکعت است که در رکعت اوّل پس از سورۀ«حمد»پانزده بار سورۀ«زلزال»و در رکعت دوّم بعد از«حمد»پانزده بار سورۀ«توحید»خوانده می شود.

دعای آن حضرت:خدایا !از تو می خواهم به حق آنه ستایش تنها از آن توست،شایستۀ پرستشی جز تو نیست،تویی سرآغاز هر آنچه هست،و تویی زنده به خود پایدار و شایستۀ پرستشی جز تو نیست،چیزی خوارت نسازد،و تو هر روز در کاری هستی،شایستۀ پرستشی جز تو نیست،آفرینندۀ هر آنچه به دیده آید و هر آنچه نادیده باشد،دانای به هر چیز بی آنکه آموخته باشی،از تو خواستارم به حق عطایا و نعمتهایت ای آنکه تویی خدا و پروردگار جهانیان،یکتایی که شایسته پرستشی جز او نیست بخشایشگر مهربان،و از تو می خواهم به آنکه تویی خدایی که شایستۀ پرستشی جز تو نیست.یگانۀ یکتای بی همتای بی نیازی که نه زاده است،و نه زاده شده،و برای او همتایی نیست و از تو می خواهم به خدایی ات که شایستۀ پرستشی جز تو نیست ای مهرورز آگاه و ناظر بر همگان و آنچه فراهم آورده اند،ای آنکه دیده بان و نگاهداری و از تو درخواست می کنم به خدایی ات که سرآغاز است پیش از آنکه چیزی باشد،و سرانجام است پس از هر آنچه هست.و ای ژرفای هر چه هست

و ای زیان رسان،سودبخش،و فرزانۀ دانا و از تو می خواهم،به خدایی ات که در پرستش یگانه ای،زنده و پاینده ای ای برانگیزنده،میراث بر،و ای مهرورز،منّت گذار،ای پدیدآورندۀ آسمانها و زمین،صاحب شکوه و بزرگواری، و ای بخشایشگر عزتمند و دارای سلطنت پایدار،شایستۀ پرستشی جز تو نیست که دانشت همه را فرا گرفته و شمارۀ هر چه هست دانی،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

نماز حضرت صاحب الزّمان(عج)و دعای آن حضرت

نماز آن حضرت دو رکعت است که در هر رکعت در سورۀ«حمد»آیۀ إِیّٰاکَ نَعْبُدُ وَ إِیّٰاکَ نَسْتَعِینُ را صد مرتبه بخوان و پس از آن سورۀ«حمد»را تا وَ لاَ الضّٰالِّینَ ادامه بده،آنگه سورۀ توحید را یک مرتبه قرائت کن و پس از فراغت از نماز این دعا را بخوان:

خدایا !بلا بسی بزرگ شده،و سختیهای نهان آشکار گشته و پرده برافتاده،و زمین با آنچه آسمان فرا گرفته، تنگ شده،پروردگارا !به سوی تو دادخواهی می کنیم و در سختی و آسانی تنها بر تو تکیه می زنیم.خدایا درود فرست بر محمّد و خاندان محمّد،آنان که ما را به فرمانبرداری از ایشان فرمان دادی.خدایا !در فرج آنان به آمدن قائمشان شتاب فرما،و عزّتش را نمایان ساز،یا محمّد یا علیّ یا علیّ یا محمّد کفایت نمایید مرا که کفایت کننده ام شما هستید،یا محمّد یا علیّ،یا علیّ یا محمّد،یاری ام کنیم که یاور من شمایید،یا محمّد یا علیّ یا علیّ یا محمّد،نگهدارم باشید،که شما نگهدارم هستید،ای مولای من ای صاحب الزّمان،ای مولای من ای صاحب الزّمان،ای مولای من ای صاحب الزّمان درخواست یاری دارم،درخواست یاری،درخواست یاری،مرا دریاب،مرا دریاب،امانم بده امان،امان.

این نماز اکسیر اعظم،و کبریت احمر است،و به سندهای بسیار معتبد با فضیلت فراوان که مهم ترین آن آمرزش گناهان بزرگ است وارد شده،و بهترین زمان برای بجا آوردن آن،آغاز روز جمعه است،و آن چهار رکعت است با دو تشهد و دو سلام که در رکعت اوّل پس از سورۀ«حمد»سورۀ«زلزال»و در رکعت دوّم بعد از سورۀ«حمد»سورۀ«و العادیات»و در رکعت سوم پس از سورۀ«حمد»سورۀ«اذا جاء نصر اللّه و الفتح»و در رکعت چهارم بعد از سورۀ«حمد»یک بار سورۀ«قل هو اللّه احد» خوانده می شود.

و هر رکعت پس از تمام شدن سورۀ«حمد»و سوره های یاد شده پانزده بار گفته می شود:

پاک و منزه است خدا و ستایش تنها سزاوار اوست و خدایی جز او نیست،و او از هر صفتی برتر است و در رکوع نیز همین تسبیحات ده بار،و پس از برخاستن از رکوع ده بار،و در سجدۀ اوّل ده بار،و پس از سر برداشتن از سجده ده بار و در سجدۀ دوم ده بار،و پس از سجده،پیش از برخاستن برای انجام رکعت دوم ده بار گفته می شود و این ترتیب در هر چهار رکعت رعایت می گردد،که مجموع تسبیحات به سیصد می رسد.

شیخ کلینی از ابو سعید مدائنی روایت کرده،که امام صادق علیه السّلام به من فرمود:آیا نمی خواهی ذکری را به تو تعلیم دهم که آن را در نماز جعفر بخوانی،گفتم:آری می خواهم،فرمود:هنگامی که در رکعت چهارم به آخرین سجدۀ نماز رسیدی، و از تسبیحات فارغ شدی بگو:

پاک و منزه است آنکه لباس عزت و وقار به بر دارد،پاک و منزه است آنکه به بزرگی مهر ورزد،و به آن گرامی باشد،پاک و منزه است آنکه پاکی جز برای او سزاوار نیست.پاک و منزه است آنکه دانشش هر چیز را بر شمارد،پاک و منزه است آن سرچشمۀ

فضل و بخشش،پاک و منزه است آن دارای قدرت و کرم.خدایا از تو خواستارم به حق بندها و گره گاههای شکوه عرشت، و به حق نهایت مهرت که در کتابت آوردی،و نام بزرگت و کلمات بی عیب و نقصت که در راستی و عدالت بس کمال یافته اند،بر محمّد و خاندانش درود فرست و با من چنین و چنان کن.

و بجای کلمۀ«کذا و کذا»حاجات خود را از خدا درخواست کند.شیخ طوسی و سیّد ابن طاووس از مفضل بن عمر، روایت کرده اند که گفت:روزی امام صادق علیه السّلام را دیدم که نماز جعفر بجا آوردند و پس از نماز دستها را بلند نمودند،این دعا را خواندند:«یا ربّ یا ربّ»به اندازه ای که یک نفس اجازه دهد،«یا ربّاه یا ربّاه»به قدر یک نفس،«ربّ ربّ»به اندازه یک نفس،«یا اللّه یا اللّه»باز هم به قدر یک نفس،«یا حیّ یا حیّ»همپای یک نفس،«یا رحیم یا رحیم»باز هم به اندازه یک نفس،«یا رحمن یا رحمن»هفت بار،«یا ارحم الرّاحمین»هفت بار،سپس این دعا را خواندند:

خدایا !سخنم را با ستایش تو آغاز می کنم،و با ثنای تو گویا می شوم و تو را به بزرگی می ستایم،درحالی که ستایشت را پایانی نیست،و تو را سپاس می گیرم و کیست آنکه به نهایت سپاست و بلندای بزرگی ات برسد؟ آفریدگانت را چه رسد که به شناخت ژرفای عظمت تو دست یابد،چه زمانی بوده که به فضل و بخششت ستوده و به عظمت موصوف نبودی،کدامین زمان بوده که با بردباری خویش پیاپی از گنهکاران درنگذشته باشی؟ !ساکنان زینت از فرمانبرداری تو سرپیچی کردند،ولی تو با بخشش خویش بر آنان مهر ورزیدی،به فضل خود به آنان بخشیدی و به کرامت پی درپی به آنان روی کردی،ای که معبودی جز تو نیست،بخشایشگری که دارای شوکت و کرامتی.

پس حضرت فرمود:ای مفضّل هرگاه تو را حاجت ضروری پیش آید نماز جعفر را بخوان،و این دعا را قرائت کن، و حاجتت را از خدا بخواه،که به خواست خدا برآورده می شود.مؤلف گوید:شیخ طوسی برای برآورده شدن حاجت از

امام صادق علیه السّلام روایت کرده:روزهای چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بدار،و چون روز پنجشنبه به آخر رسد به ده مسکین، هر مسکینی یک مدّ[به مقدار تقریبی 10 سیر]طعام صدقه بده.و در آغاز روز جمعه غسل کن و به محراب برو و نماز جناب جعفر را، بخوان،آنگاه زانوها را برهنه ساز و بر زمین بگذار و بگو:

ای آنکه زیبایی را آشکار سازی و زشتی را بپوشانی،از آنکه بندگان را بر خطایشان سرزنش نکنی و پرده حرمتشان را ندری ای بزرگ در بخشش و نیکو در گذشت،ای که آمرزگاری ات فراگیر،و دستانت به مهر گشاده است،ای شنوای هر راز و نجومی و سرانجام هر دادخواهی،از که از لغزشها درگذری،ای بزرگوار در چشم پوشی و گذشت،ای بزرگ بخشایشگر ای آغازگر نعمتها پیش از شایستگی بندگان.[ای پروردگار]ده مرتبه،یا اللّه یا اللّه یا اللّه [ای خدا]ده مرتبه،یا سداه یا سیداه[ای سرور]ده مرتبه،«یا مولایاه،یا مولایاه»[ای مولا]ده مرتبه،«یا رجاءاه»[ای امید] ده مرتبه،«یا غیاثاه»[ای پناه]ده مرتبه«یا غایه رغبتاه»[ای نهایت رغبت]ده مرتبه،«یا رحمن»[ای بخشاینده] ده مرتبه،«یا رحیم»[ای مهربان]ده مرتبه،«یا معطی الخیرات»[ای عطابخش]ده مرتبه و درود فراوان و پاکیزه بر محمّد و خاندان محمّد فرست،همچون بهترین درودها که بر بنده ای بندان خود فرستی ده مرتبه و سپس حاجت خود را بطلب.مؤلف گوید:دربارۀ روزۀ این سه روز و بجا آوردن دو رکعت نماز مستحب به هنگام ظهر روز جمعه،برای برآورده شدن حاجت،روایات بسیاری وارد شده.

[اعمال زوال روز جمعه]

[بیست و یکم:چون خورشید به گاه ظهر رسد،دعایی را که محمّد بن مسلم از امام صادق علیه السّلام روایت کرده بخواند]

بیست و یکم:از دیگر اعمال روز جمعه این است که چون خورشید به گاه ظهر رسد،دعایی را که محمّد بن مسلم از امام صادق علیه السّلام روایت کرده،بخواند و آن دعا آن گونه که در مصباح المتهجّد شیخ طوسی نقل شده،این است:

معبودی جز خدا نیست،و خدا بزرگتر از هر وصفی است و پاک و منزّه است خدا،و ستایش تنها او را سزاست،هم او که فرزندی نگرفته،و در

فرمانروایی اش شریکی نپذیرفته است،و برای او نگاهداری از خواری نبوده است،پس او را بسیار بزرگ شمار آنگاه بگو:

ای فروریزندۀ نعمتها،ای پیش گیرندۀ بد فرجامیها،ای آفرینندۀ جانداران،ای بلند همّت،ای روشنی تاریکیها،ای صاحب جود و کرم،ای برطرف کننده زیان و درد،ای همدم ترسیدگان در تاریکیها،ای دانای نیاموخته بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست با من چنان کن که تو را سزد،ای آنکه نامش دوا و یادش شفا، و طاعتش توانگری است،مهرورز بر آنکه سرمایه اش امید است،و ساز و برگش گریه،پاک و منزهی،معبودی جز تو نیست ای پرمهر،ای بخشایشگر،ای پدیدآورنده آسمانها و زمین،ای بلند بالا و بزرگوار.

[بیست و دوّم:این سوره ها را در نماز ظهر و عصر روز جمعه بخواند]

بیست و دوّم:در رکعت اول نماز ظهر جمعه پس از سورۀ«حمد»سورۀ«جمعه»،و در رکعت دوم آن بعد از سورۀ«حمد»سورۀ«منافقین»بخواند،و در رکعت اول نماز عصر پس از سورۀ«حمد»سورۀ«جمعه»و در رکعت دوم پس سورۀ«حمد»سورۀ«توحید»را بخواند.شیخ صدوق از امام صادق علیه السّلام روایت کرده:از چیزهایی که بر هر مؤمن شیعه ای واجب و لازم است این که در شب جمعه را با سورۀ«جمعه»و سورۀ«اعلی»و در روز جمعه نماز را با سورۀ«جمعه» و«منافقین»بخواند،هرگاه این شیوه را رعایت کند،گویا به عمل رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله رفتار نموده،و ثواب و پاداشش از سوی خدا بهشت خواهد بود.

شیخ کلینی به سند حسن (1) سندی که همچون سند صحیح (2) است از حلبی روایت کرده:

از حضرت صادق علیه السّلام سؤال کردم:هرگاه در روز جمعه به تنهایی نماز بخوانم،یعنی به نماز جمعه موفّق نشوم،آیا چهار رکعت نماز ظهر را با صدای بلند بخوانم؟فرمود:آری،ولی در روز جمعه در نماز ظهر پس از«حمد»سوره های«جمعه» و«منافقین»بخوان.

1- (1)) منظور از سند حسن سندی است که گرچه بعضی از راویان آن توثیق نشده اند ولی همۀ آنها مورد مدح و ستایش سندشناسان هستند.

2- ((2) سند صحیح،سند صحیح،سندی است که راویان آن هم مورد اطمینان باشند و هم شیعه دوازده امامی

[بیست و سوم:پس از سلام نماز ظهر روز جمعه این سوره ها را بخواند]

بیست و سوم:شیخ طوسی رحمه اللّه در کتاب مصباح المتهجّد از امام صادق علیه السّلام روایت کرده:

هرکه پس از سلام نماز روز جمعه سوره های«حمد،ناس،فلق،توحید»و«کافرون»را هر کدام هفت بار بخواند.و نیز آیهٔ «لَقَدْ جٰاءَکُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِکُمْ» را که در آخر سورهٔ برائت[نهمین سورهٔ قرآن]است،و آیه «لَوْ أَنْزَلْنٰا هٰذَا الْقُرْآنَ» را که در آخر سورهٔ«حشر»قرار دارد تا پایان سوره و پنج آیهٔ«آل عمران»را از «إِنَّ فِی خَلْقِ السَّمٰاوٰاتِ وَ الْأَرْضِ» تا «إِنَّکَ لاٰ تُخْلِفُ الْمِیعٰادَ» [168-171]بخواند،از این جمعه تا جمعهٔ دیگر،از گزند دشمنان و نیز آسیب بلاها در امان باشد.

[بیست و چهارم:دعایی که پس از نماز صبح یا پس از نماز ظهر بگوید تا یک سال برایش گناهی نوشته نشود]

بیست و چهارم:شیخ طوسی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده:هر که پس از نماز صبح یا پس از نماز ظهر بگوید:

بار خدایا !رحمت بی کرانت ،و درود فرشتگان و فرستادگانت را بر محمّد و خاندان محمّد قرار ده تا یک سال بر او گناهی نوشته نشود و نیز فرموده هر که بعد از نماز صبح و نماز ظهر بگوید:خدای بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و طلوع ظهورشان را زود گردان نمیرد تا حضرت قائم(عج)را درک کند.مؤلف گوید:اگر دعای پیشین را پی از فریضهٔ ظهر جمعه بخواند تا جمعهٔ دیگر از بلاها در امان باشد.و نیز روایت شده:هر که بین دو نماز روز جمعه،بر محمّد و آل محمّد صلوات فرستد،پاداش آن برابر پاداش هفتاد رکعت نماز خواهد بود.

[بیست و پنجم:این ادعیه را بخواند...]

بیست و پنجم:دعای«یا من یرحم من لا ترحمه العباد»و دعای «اللّهمّ هذا یوم مبارک»را که در از دعاهای«صحیفهٔ کامله»[صحیفهٔ کامله سجّادیه]است بخواند.

[بیست و ششم:این نماز را بخواند تا جمعه دیگر دچار فتنه نگردد]

بیست و ششم:شیخ طوسی در کتاب «مصباح المتهجد»فرموده است:از امامان علیهم السّلام روایت شده:هر که در روز جمعه پس از نماز ظهر دو

رکعت نماز به جای آورد،و در هر رکعت بعد از سورۀ«حمد»هفت بار«قل هو اللّه احد»بخواند و پس از نماز بگوید:

خدایا !مرا از اهل بهشت قرار ده،آن بهشتی که انباشته از برکت و نعمت است و آبادکنندگانش فرشتگان هستند،در کنار پیامبر،محمّد (درود خدا بر او و خاندانش باد)و پدرمان ابراهیم بر او درود و سلام باد.

ص:86

تا جمعهٔ دیگر دچار فتنه ای نشود،و حق تعالی او را در کنار و به همراه محمّد صلی اللّه علیه و آله و اهل بیتش و ابراهیم علیه السّلام بگذارد.علاّمه مجلسی رحمه اللّه فرموده:

اگر این دعا را فردی که سیّد نیست بخواند به جای«و ابینا»بگوید«و ابیه»

[اعمال عصر جمعه]

[بیست و هفتم:در عصر جمعه صد مرتبه صلوات بفرستد]

بیست و هفتم:روایت شده:بهترین زمان برای فرستادن صلوات در روز جمعه،پس از عصر است.بنابراین در آن وقت صد مرتبه بگو:

خدایا!بر محمّد و خاندانش رحمت فرست و ظهورشان را زود گردان شیخ طوسی فرموده است:

روایت شده:مستحّب است صد مرتبه بگویی:درود خدا و فرشتگان و پیامبران و همهٔ آفریده هایش بر محمّد و خاندان محمّد و سلام بر او و بر ایشان و بر روانها و تنهاشان، و رحمت خدا و برکاتش بر آنان باد.شیخ بزرگوار ابن ادریس در کتاب«سرائر»از جامع«بزنطی»نقل کرده:که ابو بصیر گفت:از امام صادق علیه السّلام شنیدم می فرمود:صلوات بر محمّد و آل محمّد در بین ظهر و عصر،برابر با هفتاد رکعت نماز است،و کسی که پس از عصر روز جمعه بگوید:خدایا!درود فرست بر محمّد و خاندان محمّد،آن جانشینان پسندیدهٔ او،برترین درودهایت را،و از بهترین برکاتت به آنان ارزانی کن،و سلام بر ایشان و بر جانها و بدنهاشان و رحمت و برکات خدا بر آنان باد.

برای او همانند پاداش عمل پریان و آدمیان در آن روز خواهد بود.مؤلف گوید:این صلوات ارزنده در نوشته های بزرگان حدیث با سندهای بسیار معتبر،با فضیلتهای فراوان روایت شده.و چنانچه ده بار و هفت بار خوانده شود بهتر است زیرا از امام صادق علیه السّلام روایت شده:هرکه پس از نماز عصر روز جمعه،پیش از آنکه از جای خویش برخیزد،این صلوات را ده بار بخواند،فرشتگان از این جمعه تا جمعهٔ آینده در همین ساعت بر او صلوات می فرستند،و نیز از آن

حضرت روایت شده:هنگامی که نماز عصر روز جمعه را خواندی هفت بار این صلوات را بخوان.و شیخ کلینی در کتاب«کافی»روایت کرده:وقتی که در روز جمعه نماز خود را خواندی بگو:

خدایا!درود فرست بر محمّد و خاندان محمّد که جانشینان پسندیده اویند بهترین درودهایت را،و بهترین برکاتت را بر آنان ارزانی کن،و سلام و رحمت و برکات خدا بر او و بر ایشان باد.

به یقین هر که این صلوات را،پس از نماز عصر بخواند حق تعالی برای او صد هزار کار نیک ثبت کند،و از او صد هزار گناه را محو نماید،و صد هزار حاجتش را روا کند،و صد هزار بار مقامش را در بهشت بلند گرداند.و نیز شیخ کلینی فرموده روایت شده:هر که این صلوات را هفت بار بخواند برای او به تعداد بندگان کار نیک ثبت کنند و عملش در آن روز مورد قبول واقع شود،و در روز قیامت حاضر می شود درحالی که بین دو چشم او نرو پروفروغی می درخشد.و در اعمال روز عرفه صلواتی خواهد آمد که هرکس آن را بخواند حضرت محمّد و آل محمّد(صلوات اللّه و سلامه علیهم)را خشنود سازد.

[بیست و هشتم:بیست و هشتم:بعد از عصر هفتاد بار بگوید:استغفر اللّه ربّی و اتوب الیه]

بیست و هشتم:بعد از عصر هفتاد بار بگوید:استغفر اللّه ربّی و اتوب الیه[از خدا،پروردگارم آمرزش می جویم و به سوی او می پویم] تا حق تعالی گناهان او را بیامرزد.

[بیست و نهم:صد بار سورۀ«انّا انزلناه»را بخواند]

بیست و نهم:صد بار سورۀ«انّا انزلناه»را بخواند.از موسی بن جعفر علیه السّلام روایت شده:

برای خدا در روز جمعه هزار نسیم رحمت است که هرچه بنده اش بخواهد از آن نسیم مهرآمیز به او ببخشد،پس هر که بعد از عصر روز جمعه صد بار سورۀ«انّا انزلناه»را بخواند،حق تعالی آن هزار رحمت را چند برابر گرداند و به او عطا فرماید.

[سی ام:دعای عشرات را بخواند]

سی ام:

دعای عشرات را که در صفحات بعد[صفحهٔ:116]خواهد آمد بخواند.

[سی و یکم:ساعات آخر روز جمعه این اعمال را بجا آورد]

سی و یکم:شیخ طوسی رحمه اللّه فرموده:هنگام اجابت دعا ساعت آخر روز جمعه تا غروب آفتاب است،سزاوار است مؤمن در آن ساعت بسیار دعا کند.و روایت شده:ساعت اجابت دعا،هنگامی است که نیمی از خورشید غروب کرده باشد،و نیمهٔ دیگر آن در مغرب دیده شود.حضرت فاطمه علیها السّلام در آن هنگام دعا می کرد،بنابراین دعا در آن ساعت مستحب است.و دعایی را که از پیامبر صلی اللّه علیه و آله روایت شده مستحب است در ساعت اجابت دعا بخواند.و آن دعا این است:

ص:88

پاک و منزّهی،پرستیده ای جز تو نیست،ای پرمهر ای بخشایشگر،ای پدیدآورنده آسمانها و زمین،ای دارای بزرگی و کرم.و در ساعت آخر روز جمعه دعای«سمات»را که پس از این[در صفحهٔ:121]خواهد آمد بخواند.

آگاه باش روز جمعه از چند جهت اختصاص و تعلّق به امام عصر عجل اللّه تعالی فرجه الشریف دارد:

اشاره

یکی آنکه ولادت با سعادت ایشان در آن روز بوده،دیگر آنکه ظهور پر از سرور آن حضرت در روز جمعه خواهد بود، و ازاین رو،انتظار فرج در آن روز بیش از روزهای دیگر است،و در زیارت مختصّ به آن حضرت در روز جمعه آمده است «هذا یوم الجمعه،و هو یومک المتوقّع فیه ظهورک،و الفرج فیه للمؤمنین علی یدک»[این روز جمعه است،روزی که انتظار می رود در آن ظهور کنی و به دست تو برای مومنان گشایش حاصل شود]بلکه عید بودن روز جمعه،و آن را یکی از عیدهای چهارگانه شمردن در حقیقت به خاطر زمان ظهور آن حضرت است،که در آن هنگام زمین را از وجود شرک و کفر،و- آلودگی به گناه و هم از وجود ستمکاران و دین ستیزان و کافران و منافقان پاک و پاکیزه می گرداند،و با آشکار ساختن کلمهٔ حق و برافراشتن پرچم ایمان و احکام دین،چشم و دل خاصان اهل ایمان را در آن روز روشن و مسرور و خرسند می نماید و اشرقت الارض بنور ربّها[زمین به پرتو پروردگارش تا بنده گشت]-پس شایسته است که در این روز صلوات کبیر را بخوانی،و دعایی را که حضرت رضا علیه السّلام امر به خواند آن برای صاحب الأمر(عج) فرموده اند قرائت کنی،و آغاز آن دعا این است:«اللّهمّ ادفع عن ولیّک و خلیفتک»که بطور کامل در باب زیارات،در آخر اعمال سرداب[صفحهٔ 798]خواهد آمد.و نیز خوب است که دعایی را که شیخ ابو عمرو عمروی قدس اللّه روحه به ابو علی بن همّام املا کرده و فرموده است که آن را در زمان غیبت قائم آل محمّد(عج)بخوانند،بخوانی.و چون آن صلوات و این دعا طولانی است،به جهت رعایت اختصار ذکر نکردیم، علاقمندان می توانند به کتابهای مصباح المتهجّد و جمال الاسبوع مراجعه کنند.

[صلوات ابوالحسن ضراب اصفهانی]

جا دارد در اینجا صلواتی را که به ابو الحسن ضرّاب اصفهانی منسوب است و شیخ طوسی و سیّد ابن طاووس آن را در اعمال عصر روز جمعه آورده اند ذکر کنیم بسیّد ابن طاووس فرموده:این صلوات از مولای ما حضرت مهدی(عج)روایت شده و حتی اگر تعقیب روز جمعه را به جهت، عذری نتوانستی بخوانی،هرگز این صلوات را ترک نکن به جهت امری که خدا جل جلاله ما را به آن آگاه نموده است.آنگاه سیّد در ادامهٔ

سند آن را با متن صلوات نقل کرده،امّا شیخ در مصباح المتهجد فرموده:این صلوات از حضرت صاحب الزّمان(عج)روایت شده که در مکّه بدست ابو الحسن ضرّاب اصفهانی رسیده است و ما سند آن را بخاطر اختصار نسخه ذکر نکردیم.و آن دعا این است:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،خدایا!بر محمّد درود فرست،آن سرور فرستادگان و پایان بخش پیامبران و برهان پروردگار جهانیان،آن برگزیده خدا در عالم الست،انتخاب شدۀ او در ملکوت،پاکیزه از هر آفت،بری از هر عیب،همان که از او آرزوی نجات برند،و امید شفاعت از او دارند،آنکه دین خدا به او واگذار گشته،بار خدایا بنیادش را شرف بخش،و برهانش را بزرگ گردان،و حجّت او را پیروز کن،و پایه اش را برافراز،و نورش را برافروز و رویش را سپید کن و فضلش عطا کن،و به او جایگاه و دست آویز و رتبۀ بلند عنایت کن،و او را در جایگاه ستوده ای که گذشتگان و آیندگان به آن رشک برند برانگیز،و بر علی امیر مؤمنان و وارث رسولان و پیشوای نیکان با چهره های درخشان و سرور اوصیاء و برهان پروردگار جهانیان درود فرست و بر حسن بن علی پیشوای مؤمنان،و وارث رسولان و برهان پروردگار جهانیان درود فرست!و بر حسین بن علی پیشوای مؤمنان،و وارث رسولان،و برهان پروردگار جهانیان درود فرست و بر علی بن الحسین پیشوای مؤمنان،و وارث رسولان،و برهان پروردگار جهانیان درود فرست و بر محمّد بن علی پیشوای مؤمنان،و وارث رسولان،و برهان

پروردگار جهانیان درود فرست،و بر جعفر بن محمّد پیشوای مؤمنان،و وارث رسولان،و برهان پروردگار جهانیان درود فرست،و بر موسی بن جعفر پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و برهان پروردگار جهانیان،درود فرست،و بر علی بن موسی پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و برهان پروردگار جهانیان،درود فرست،و بر محمّد بن علی پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و برهان پروردگار جهانیان،درود فرست،و بر علی بن محمّد پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و برهان پروردگار جهانیان،درود فرست،و بر حسن بن علی پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و برهان پروردگار جهانیان،درود فرست،و بر یادگار پیامبران و امامان و هدایتگر هدایت یافته،پیشوای مؤمنان،و وارث رسولان، و برهان پروردگار جهانیان،درود فرست،بار خدایا !بر محمّد و خاندانش درود فرست،آن پیشوایان رهنما و عالمان راستگو،و نیکان پرهیزگار،آنان که ستون های دین تو و پایه های توحیدت و ترجمان وحیت و حجّتهای تو بر آفریده هایت،و جانشینان تو در زمینت هستند،هم آنان که برای خود اختیار کردی.و و بر بندگانت برگزیدی،و برای دینت پسندیدی،و به شناخت خویش اختصاص دادی،و به کرامت خود بزرگی شان بخشیدی،و به رحمتت فرو گرفتی،و به نعمتت پروراندی،و به حکمتت به ایشان غذا دادی و لباس نور بر اندامشان پوشاندی و مقامشان را در ملکوتت بنلد گردانیدی،و در پوشش و حمایت فرشتگانت درآوردی،و به پیامبرت که درود تو

ص:91

بر او و خاندانش باد شرافتشان بخشیدی.خدایا !بر محمّد و خاندانش درود فرست،درودی پاکیزه،فزاینده فراوان پیوسته و خوشایند که جز تو به آن احاطه نیابد،جز دانش تو آن را فرا نگیرد،و کسی جز تو شمارش را نداند.

خدایا !درود فرست بر ولیّت که حیات بخش راه و روشت و بپادارندۀ فرمانت و دعوت کننده به سویت و رهنمای به هستی ات، و حجّت بر آفریدگان و جانشینت در زمین،و گواه تو بر بندگانت.بار خدایا !یاری اش را اقتدار بخش و عمرش را طولانی ساز،و زمین را به طول بقایش بیارای.بار خدایا !او را از ستم حسودان کفایت کن، و از گزند مکّاران پناه ده،و ارادۀ بیدادگران را از او بازدار،و از دست گردنگشانش رهایی بخش بار خدایا !به او عطا کن برای خودش و فرزندانش،و پیروانش و رعیتش و خاصانش و همۀ آنان که فرمانش برند و دشمنانش و همۀ اهل دنیا آنچه که دیدگانش را به آن روشن کنی و دلش را به آن شاد نمایی و او را در دنیا و آخرت به برترین آرزوهایش برسان،به یقین تو بر هر چیز توانایی.بار خدایا !به دست او آنچه از دینت فراموش شده را تازه گردان،و آنچه از معانی کتابت تغییر یافته را زنده کن،و آنچه از احکامت دگرگون شده را آشکار ساز،تا دینت به وسیله او و به دست او شاداب،نوین،ناب و بی آلایش گردد آن چنان که شکی در آن نبوده و شبهه ای با آن نباشد،و باطل و بدعتی همراه آن نماند.بار خدایا !هر ظلمتی را با نورش روشنی بخش،با استواری اش هر بدعتی را ویران کن،و با پایداریش هر گمراهی را برطرف کن و به دست او پشت هر گردنکشی را با پایداریش بشکن،و آتش هر آشوبی را با شمشیر او خاموش کن و ستم هر ستمگری را با عدل او

ص:92

نابود ساز،و فرمانش را بر هر فرمانی چیره گردان و هر سلطنتی را به سلطنتش خوار کن.بار خدایا !هرکه را که آهنگ او کند به ذلّت نشان و هر که را با او دشمنی ورزد هلاک ساز و مکر کن با هر که با او نیرنگ بازد،و هرکه حقش را انکار کند و فرمانش را سبک شمارد،و در خاموش کردن نورش بکوشد،و فرونشاندن یادش را اراده نماید از بن برکن،خدایا !درود فرست بر محمّد مصطفی و علی مرتضی،و فاطمهٔ زهرا،و حسن خشنود از قضا،و حسین پاک گشته،و همهٔ اوصیایی که چراغهای تاریکی،و نشانه های هدایت،و مشعلهای فروزان تقوی،و دستاویز و رشتهٔ استوار و راه راست اند،و بر ولیّت و زمامداران پای بند به عهدت که امامان از فرزندانش هستند درود فرست،و بر عمرشان بیفزا و به طول حیاتشان فزونی بخش،و به نهایت آرزوهای دینی و دنیوی و اخرویشان برسان که به یقین تو بر هر چیز توانایی.

بدان که موافق روایتی شب شنبه هم حکم شبه جمعه را دارد و سزاوار است آنچه در شب جمعه خوانده می شود در آن شب هم خوانده شود.

فصل پنجم:زیارات معصومین علیهم السّلام در ایام هفته

اشاره

در تعیین اسامی پیامبر اکرم و ائمّهٔ طاهرین علیهم السّلام برای روزهای هفته و زیارت آنان در آن روزها.سیّد ابن طاووس ره در کتاب«جمال الاسبوع»فرموده:ابن بابویه با ذکر سند از صقر بن ابی دلف روایت کرده:زمانی که متوکّل عباسی حضرت های علیه السّلام را به شهر[سامرای کنونی]آورد و نزد دربان خود(زراقی)حبس کرد،روزی برای خبر گرفتن از احوال آن حضرت نزد زراقی رفتم،گفت:چه کاری داری؟ گفتم:برای دیدن شما آمده ام.ساعتی با هم نشستیم و از هر دری سخن گفتیم،تا زمانی که مردم را متفرّق کرد و مجلس خلوت شد،باز از من پرسید:برای چه پیش من آمده ای؟

من به همان صورت اوّل پاسخ گفتم،ولی او گفت:گویا آمده ای که خبری از مولای خود،امام هادی علیه السّلام بگیری؟ من ترسیدم،گفتم:مولای من متوکلّ است،گفت:ساکت شو که مولای تو بر حقّ است،و من نیز هم عقیدۀ توام.گفتم:«الحمد للّه»سپس گفت:آیا می خواهی نزد آن حضرت بروی؟گفتم:آری.گفت:اندکی بنشین تا پیک از نزد آن حضرت بیرون آید،من نشستم تا زمانی که پیک بیرون آمد،پس از آن پسرکی را مأموریت داد، تا مرا نزد آن حضرت ببرد،وقتی به خدمت آن جناب رسیدم،دیدم بر روی حصیری نشسته و در برابرشان قبری آماده کرده اند!به وجود مبارکشان سلام کردم،سلامم را جواب دادند،سپس دستور دادند بنشینم،فرمودند:برای چه آمده ای؟گفتم:برای خبر گرفتن از احوال شما آمده ام،آنگاه به خاطر دیدن آن قبر گریه کردم.حضرت فرمودند:گریه مکن،که در این زمان از جانب ایشان آسیبی به من نمی رسد،گفتم:«الحمد للّه»سپس گفتم:ای سرور من،حدیثی از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله روایت شده که من معنی آن را نمی فهم،فرمودند آن حدیث کدام است؟ عرض کردم:لا تعادوا الایّام فتعادیکم[با روزها دشمنی مکنید تا آنها با شما دشمنی نورزند].فرمودند:مراد از روزها تا زمانی که آسمانها و زمین برپاست ما هستیم.

شنبه:نام رسول خداست،یکشنبه:امیر المؤمنین علیه السّلام،دوشنبه:حسن و حسین علیهما السّلام،سه شنبه:علی بن الحسین و محمّد بن علی و جعفر بن محمّد علیهم السّلام، چهارشنبه:موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمّد بن علی و من،پنجشنبه:فرزندم حسن علیه السّلام،جمعه:فرزند فرزندم،که اهل حق بر گردش جمع می شوند.این است معنی ایّام،پس در دنیا با ایشان،دشمنی مکنید،که در آخرت با شما دشمنی خواهند کرد.آنگاه فرمود:

با من خداحافظی کن و برو که بر تو ایمن نیستم و می ترسم آزاری به تو رسد.سپس سیّد این حدیث را به سند دیگر از- قطب راوندی نقل کرده،آنگاه فرموده:زیارت حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله در روز شنبه این است:

زیات حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله در روز شنبه

شهادت می دهم که معبودی جز خدا نیست،یکتاست و شریکی ندارد،و گواهی می دهم که تو فرستاده اویی،و تویی محمّد فرزند عبد اللّه،و

شهادت می دهم که تو پیامهای پروردگارت را به مردم رساندی و برای امّتت خیرخواهی نمودی و در راه خدا

ص:94

با حکمت و اندرز پسندیده کوشیدی،و آنچه را از حق بر عهدهٔ تو بد ادا کردی،و همانا تو به مردمان مؤمن مهربانی نمودی،و بر کافران سخت گرفتی،و خدا را با خلوص کامل تا رسیدن مرگ بندگی کردی،پس خداوند تو را به شریف ترین مقام اهل کرامت نایل گرداند.سپاس خدای را که ما را به وسیلهٔ تو از شرک و گمراهی رهانید.خدایا !بر محمّد و خاندانش درود فرست و درود خود و فرشتگان و پیامبران و فرستادگان و بندگان شایسته ات و همهٔ اهل آسمانها و زمینها و هر آنکه از پیشینیان و آیندگان تسبیح تو گوید را ای پروردگار جهانیان،بر محمّد بندهٔ شایسته و پیامبر و فرستاده ات و امین و برگزیده و محبوب و پاک و بنده و خاص و خالصت و اختیار شده از میان بندگانت،قرار ده.خدایا !به او فضل و برتری و مرتبهٔ شفاعت و درجهٔ بلند عطا کن و او را به مقام ستوده ای که پیشینیان و آیندگان بر ان رشک برند برانگیز.خدایا ! تو فرموده ای:«اگر ایشان آنگاه که بر خود ستم کردند نزد تو می آمدند پس از خدا طلب آمرزش می کردند و پیامبر نیز برای ایشان درخواست آمرزش می نمود،به یقین خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند»خدایا !من استغفارکنان و پشیمان از گناهانم نزد پیامبرت آمدم،پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و گناهانم را بیامرز.ای سرور ما،دست به دامن تو و خاندانت،به جانب خدای متعال که پروردگار من و توست روی می آورم تا مرا بیامرزد.همه از خداییم و به سوی او باز می گردیم سپس بگو:

ای محبوب دلهای ما،ما به خاطر تو سوگواریم،و چه بزرگ است سوگواری بر تو ازآن رو که وحی از ما بریده و هم ازآن رو که به فقدان تو دچار آمده ایم چه ما از خداییم و به سوی او باز می گردیم،ای سرور ما،ای فرستاده خدا،درود خدا بر تو و بر خاندان پاک پاکیزه ات باد.امروز روز شنبه است و آن روز توست،و من در این روز مهمان تو و پناهنده به درگاه توام،پس از من پذیرایی کن و به من پناه ده،زیرا تو بزرگوار و مهمان نوازی،و از سوی حق تعالی مأور به پناه دادنی،پس از من پذیرایی کن و نیکو پذیرایی فرما و ما را پناه ده،و نیکو پناهمان ده،به برکت جایگاهی که خدا نزد تو و نزد خاندانت دارد،و بحق منزلی که آنان نزد خداوند دارند و بحق آنچه از دانشش نزد شما سپرده که همانا او گرامی ترین گرامیان است.

گردآورندۀ این کتاب عباس قمی خدایش ببخشاید گوید:من هرگاه خواستم رسول خدا را به این زیارت،زیارت نمایم نخسن آن حضرت را به صورتی که امام هشتم تعلیم بزنطی فرموده زیارت می کنم،پس از آن این زیارت را می خوانم.و آن زیارت[زیارت تعلیم داده شده به بزنطی]به گونه ای که با سند صحیح روایت شده چنین است:ابن ابی نصر خدمت- حضرت رضا علیه السّلام عرض کرد:پس از نماز چگونه بر حضرت پیامبر صلی اللّه علیه و آله صلوات و سلام فرستاد؟فرمود میگویی:

سلام و رحمت خدا و برکاتش بر تو ای رسول خدا،سلام بر تو ای محمّد بن عبد اللّه،سلام بر توی ای اختیارشدۀ خدا،سلام بر تو ای محبوب خدا،سلام بر تو ای برگزیدۀ خدا،سلام بر تو ای امین وحی خدا،شهادت می دهم که تو فرستادۀ خدایی و گواهی می دهم که تو محمّد بن عبد اللّه هستی و گواهی می دهم که تو امّت خویش را خیرخواهانه پند گفتی،و در راه پرودگارت جهاد

کردی،و او را تا زمان مرگ پرستیدی،پس خدا پاداشت دهد ای فرستادهٔ خدا،بهترین پاداشی که به پیامبری از سوی امّتش می دهد.خدایا !بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.برترین درودی که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم فرستادی، همانا تو ستوده و بزرگواری

زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام در روز یکشنبه

این زیارت به روایت کسی است که امام زمان(عج)را در بیداری مشاهده کرده بود در حالی که آن حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام را در روز یکشنبه که روز آن حضرت است با این عبارات زیارت می کرد:

سلام بر شجرهٔ نبوت،و درخت تنومند هاشمی،درخت تابان و بارور به برکت نبوّت و خرّم و سرسبز به حرمت امامت،و بر دو آرمیده در کنارت آدم و نوح(درود بر آنها باد).سلام بر تو و بر اهل بیت پاک و پاکیزه ات،سلام بر تو و بر فرشتگان حلقه زننده بر دورت و گرد آمده بر قبرت، ای مولای من ای امیر مؤمنان،امروز روز یکشنبه و روز تو و به نام توست و من در این روز میهمان و پناهنده به توام،ای مولای من از من پذیرایی کن و مرا پناه ده،چه همانا تو کریمی و مهمان نوازی را دوست می داری و از سوی خدا مأمور به پناه دادنی،پس برآور خواهشی را که برای آن در این روز بسوی تو میل نمودم و آن را از تو امید دارم،به حق مقام والای خود و جایگاه بنلد اهل بیتت نزد خدا و مقام خدا نزد شما،و بحق پسر عمویت رسول خدا که خدا بر او و خاندانش همه و همه درود و سلام فرستد.

زیارت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در روز یکشنبه

سلام بر تو ای آزموده شده،آنکه تو را آفرید آزمودت،پس تو را به آنچه آزمود شکیبا یافت، من از صمیم قلب به تو ایمان دارم و بر آنچه پدر بزرگوارت و جانشینش(درود خدا بر آن دو باد)آوردند بردبارم و از تو می خواهم از آنجا که مومن به تو هستم مرا به گروندگان آن دو ملحق سازی تا دلشاد گردم،پس گواه باش که همانا من تنها به ولایت تو و ولایت اهل بیتت(که درود خدا بر همهٔ آنان باد)پاک گشته و دلگرمم.

زیات حضرت زهرا علیها السّلام به روایتی دیگر:سلام بر تو ای آزموده شده،آزمودت آنکه تو را آفرید پیش از آفریدنت در دنیا،و در آن آزمون شکیبا بودی و ما دوستان و تصدیق کنندگان توییم،و به همهٔ آنچه پدر بزرگوارت(درود خدا بر او و خاندانش باد)و جانشینش(درود بر او)آوردند سر می سپاریم خدایا !از تو می خواهیم ازآن رو که تصدیق کنندگان آن بزرگواران بودیم ما را به خاطر این باور به درجهٔ والا برسانی،تا خود را بشارت دهیم که پاک گشتیم به ولایت آنان(درود بر آنان)

زیات حضرت حسن علیه السّلام در روز دوشنبه

روز دوشنبه روز امام حسن و امام حسین علیهما السّلام است،در زیارت حضرت امام حسن علیه السّلام میگویی:سلام بر تو ای فرزند فرستادهٔ پرودگار جهانیان،سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان،سلام بر تو ای فرزند

فاطمهٔ زهرا،سلام بر تو ای محبوب خدا،سلام بر تو ای برگزیدهٔ خدا،سلام بر تو ای امین خدا،سلام بر تو ای برهان حکم خدا،سلام بر تو ای نور خدا،سلام بر تو ای راه خدا،سلام بر تو ای بیان حکم خدا،سلام بر تو ای یار دین خدا،سلام بر تو ای سرور پاک نهاد،سلام بر تو ای نیکوکردار وفادار،سلام بر تو ای قیام کنندهٔ امین،سلام بر تو ای آگاه به تأویل،سلام بر تو ای راهنمای راه یافته،سلام بر تو ای پاک و پاکیزه،سلام بر تو ای پرهیزکار پاکدامن،سلام بر تو ای حقیقت راستین و آشکار،سلام بر تو ای شهید راست کردار سلام بر تو ای ابا محمّد حسن بن علی،و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

زیات حضرت حسین علیه السّلام در روز دوشنبه

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا،سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان،سلام بر تو ای فرزند سرور زنان جهانیان،گواهی می دهم که تو نماز را بپا داشتی،و زکات را پرداختی،و امر به معروف و نهی از منکر نمودی،و خدا را خالصانه عبادت کردی و در راه خدا به نحو شایسته به جهاد برخاستی تا مرگ تو را دربر گرفت،از من بر تو سلام تا هستم و تا شب و روز باقی است و سلام بر خاندان

پاک و پاکیزه ات،ای مولای من،من دل بستهٔ تو و خاندان تو هستم،در صلحم با آنکه با شما در صلح است،و در جنگم با آنکه با ما در جنگ است،من به نهان و آشکار و ظاهر و باطن شما ایمان دارم،لعنت خدا بر دشمنانتان از گذشتگان و آیندگان،من از آنان به سوی خدا بیزاری می جویم،ای مولای من ای ابا محمّد،ای سرور من ای ابا عبد اللّه،امروز روز دوشنبه است و روز شما دو بزرگوار و به نام شماست و من در این روز مهمان شما هستم،پذیرای من باشید و نیکو پذیرایی کنید،چه خوشبخت میهمانی است آنکه شمار میزبانش باشید،و من در این روز از پناهندگان به شمایم،پس مرا پناه دهید،به یقین شما از سوی خدا مأمور به پذیرایی نمودن و پناه دادنید،خدا بر شما و خاندان پاکتان درود فرستد.

زیارت حضرت زین العابدین و حضرت باقر و حضرت صادق علیهم السّلام در روز سه شنبه

روز سه شنبه به نام حضرت زین العابدین و حضرت باقر و حضرت صادق علیهم السّلام است.زیارت کن ایشنان را در این روز به این زیارت:

سلام بر شما ای خزانه داران علم خدا،سلام بر شما ای مفسرّان وحی خدا،سلام بر شما ای پیشوایان هدایت،سلام بر شما ای نشانه های پارسایی،سلام بر شما ای فرزندان رسول خدا من به حق شما دانا،و به مقام شما بینایم و با دشمنانتان دشمن،و با دوستانتان دوستم،پدر و مادرم فدایتان،درودهای خدا بر شما باد.خدایا!من دوست دارم آخرین اینان را چنان که دوست داشتم اولینشان را،و از هر صف بندی در برابر ایشان بیزاری می جویم و به جبت و طاغوت و لات و عزی[بتان روزگار جاهلیت]کفر می ورزم،ای سروران

من،درودهای خدا و رحمت و برکاتش بر شما باد،سلام بر تو ای سرور عابدان،و زبدهٔ جانشینان،سلام بر تو ای شکافندهٔ دانش پیامبران،سلام بر تو ای راستگوی پذیرفته در گفتار و کردار،ای سروران من،امروز روز سه شنبه روز شماست و من در این روز میهمان شما و پناهنده به شمایم،پذیرای من باشید،و پناهم دهید،به حق مقام خدا نزد شما و اهل بیت پاکیزه و پاکتان.

زیات حضرت کاظم و حضرت رضا و حضرت جواد و حضرت هادی علیهم السّلام در روز چهارشنبه

روز چهارشنبه به نام حضرت موسی بن جعفر و حضرت رضا و حضرت جواد و حضرت هادی علیهم السلام است.در زیارت آن بزرگواران بگو:

سلام بر شما ای دوستان خدا،سلام بر شما ای حجتّهای خدا،سلام بر شما ای نور خدا در تاریکیهای زمین،سلام بر شما،درودهای خدا بر شما و بر خاندان پاکیزه و پاکتان،پدر و مادرم فدایتان،به راستی خدا را خالصانه پرستیدید و در راه خدا آن چنان که شایسته بود جهاد نمودید تا مرگ شما را دربر گرفت،لعنت خدا بر دشمنانتان از تمام پریان و آدمیان،من به سوی خدا و به سوی شما از دشمنانتان بیزاری می جویم،ای سرور من یا ابا ابراهیم موسی بن جعفر،ای سرور من یا ابا الحسن علی بن موسی،ای سرور من یا ابا جعفر محمّد بن علی،ای سرور من یا ابا الحسن علی بن محمّد،من

دل بستهٔ شما هستم،ایمان دارم به نهان و آشکار شما،در این روز شما که روز چهارشنبه است از شما درخواست پذیرایی دارم، و به بارگاه شما پناه می جویم،پس مرا پذیرا باشید و پناهم دهید،به حقّ خاندان پاکیزه و پاکتان.

زیارت حضرت عسکری علیه السّلام در روز پنجشنبه

روز پنجشنبه به نام حضرت عسکری علیه السّلام است.در زیارت آن حضرت بگو:

سلام بر تو ای ولیّ خدا،سلام بر تو ای حجّت حق و بندهٔ پاک خدا،سلام بر تو ای پیشوای مؤمنان،و وارث پیامبران،و برهان محکم پروردگار جهانیان،درود خدا بر تو و اهل بیت پاکیزه و پاکت باد،ای سرور من یا ابا محمّد حسن بن علی،من دل بسته تو و اهل بیت توام،این روز روز پنجشنبه و روز توست و من در آن میهمان و پناهندهٔ به توام، پس به نیکی پذیرایم باش و پناهم ده،به حق خاندان پاکیزه و پاکت.

زیات حضرت صاحب الزّمان(عج)در روز جمعه

جمعه روز حضرت صاحب الزّمان(عج)و بنام آن حضرت است و همان روزی است که ایشان در آن روز ظهور خواهد فرمود...بگو:

سلام بر تو ای حجّت خدا در زمینش،سلام بر تو ای دیدهٔ خدا در میان مخلوقاتش،سلام بر تو ای نور خدا که رهجویان به آن نور ره می یابند و به آن نور از مؤمنان اندوه و غم زدوده می شود،سلام

بر تو ای پاک نهاد و ای هراسان از آشوب دوران،سلام بر تو ای همراه خیرخواه،سلام بر تو ای کشتی نجات،سلام بر تو ای چشمۀ حیات،سلام بر تو،درود خدا بر تو و بر خاندان پاکیزه و و پاکت،سلام بر تو،خدا در تحقق وعده ای که به تو داده از نصرت و ظهور امرت شتاب فرماید،سلام بر تو ای مولای من،من دل بستۀ تو و آگاه به شأن دنیا و آخرت توام،و به دوستی تو و خاندانت به سوی خدا تقرّب می جویم و ظهور تو و ظهور حق را به دست تو انتظار می کشم،و از خدا درخواست می کنم بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستد و مرا از منتظران و پیروان و یاوران تو در برابر دشمنانت و از شهدای در آستانت در شمار شیفتگانت قرار دهد،ای سرور من،ای صاحب زمان،درودهای خدا بر تو و بر خاندانت،امروز روز جمعه و روز توست روزی که ظهورت و گشایش کار اهل ایمان به دستت در آن روز و کشتن کافران به سلاحت امید می رود و من ای آقای من در این روز میهمان و پناهنده به توام و تو ای مولای من بزرگواری از فرزندان بزرگواران و از سوی خدا به پذیرایی و پناه دهی مأموری،پس مرا پذیرا باش و پناه ده،درودهای خدا بر تو خاندان پاکیزه ات.

ص:103

سیّد بن طاووس فرموده:من پس از این زیارت به این شعر تمثل می جویم و به آن حضرت اشاره نموده،می گویم:

«در هر کجا و بر سر هر خوان*من میهمان توام ای صاحب الزّمان»

فصل ششم:در بیان بعضی از دعاهای مشهور

«دعای صباح امیر المؤمنین علیه السّلام

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا،ای آنکه زبان صبح را به گویایی تابش و روشنایی اش برآورد،شب تار را با تیرگیهای شدید به هم پیچیده اش به اطراف جهان فرستاد،و ساختمان سپهر گردون را در اندازه های زیبایش محکم نمود،و پرتو خورشید را به روشنایی شعله ورش در همه جا برافروزد،ای آنکه بر ذاتش دلی است و از شباهت و هم گونگی با آفریدگانش منزّه است و شأنش از سازگاری با کیفیّات مخلوقاتش برتر است،ای آنکه به باورهای گذرا بر دل نزدیک و از چشم انداز دیدگان سر دور است، و آنچه را هستی پیش از آنکه پدید آید می داند،ای آنکه در گاهوارۀ أمن و امانش خوابانید مرا و به جانب آنچه از نعمتها و احسانش که بی دریغ به من بخشید بیدارم کرد و دستهای حوادث و آفات را با دست لطف و قدرتش از من بازداشت.خدایا،درود فرست به آن راهنمای به سویت در شب تیره و تار جاهلیت و آن چنگ زننده از میان ریسمانهایت به بلندترین رشتۀ شرف و آن دارندۀ حسب پاک و ناب که بر گردۀ استوارترین روشن شرافت قرار دارد،و آن ثابت قدم در لغزشگاههای دوران

ص:104

پیش از بعثت،و نیز بر خاندان او که بهترین انتخاب شدگان و برگزیدگان و نیکانند.خدایا!درهای روز را با کلیدهای رحمت و رستگاری به روی ما بگشا،و بر من از بهترین لباسهای هدایت و صلاح بپوشان، به عظمتت در آبشخور قلبم چشمه های فروتنی را بجوشان،و در برابر هیبتت از گوشه های دیگانم رودهای اشک سوزان جاری ساز،و مرا از بی پروایی و نادانی به مهارهای قناعت و خواری ادب فرما.خدایا اگر رحمت تو با توفیق نیکو از ابتدا شامل حال من نبود چه کسی رهنمای من به سویت در این راه روشن می بود؟و اگر مهلتت مرا تسلیم آمال و آرزوهای باطل کند آنگاه چه کسی لغزشهایم را از فروافتادن در هوای نفس جبران می کند؟و اگر به هنگام جنگ با نفس و شیطان یاریت مرا واگذارد این یاری نکردنت مرا در آغوش رنج و محرومیت اندازد.خدای من،می بینی که به پیشگهت نیامدم مگر از جهتی که نسبت به رحمتت آرزوها داشتم،یا چنگ نزدم به اطراف رشتۀ استوارت مگر آنگاه که گناهانم مرا از خانۀ وصال تو دور ساخت،پس چه بد مرکبی است مرکب خواسته های باطل که نفسم بر آن سوار شده،وای بر این نفس که گمانهای بی مورد و آرزوهای نابجایش با همۀ زشتی در برابرش زیبا جلوه کرده!و مرگ بر او که سرور و مولایش جزات نموده! خدایا با دست امید در رحمتت را کوبیدم و از کثرت هوسرانی ام به پاهندگی به سویت گریختم و به کناره های رشتۀ استوارت انگشتان محبّتم را آویختم.بار خدایا از آنچه در گذشته مرتکب شدم،از لغزش و خطایم چشم پوشی کن و از درافتادن به جامۀ تنگ گناه رهایم ساز که به یقین تویی سرور و مولا،

ص:105

و پشتیبان و امید من،و تویی منتهای خواسته و آرزوی من،در دنیا و آخرت،خدای من چسان درمانده ای را که در حال گریز از گناهان خویش به تو پناه جسته از خود می رانی؟یا چگونه رهجویی را که شتابان قصد آستانت نموده ناامید می کنی؟یا چگونه تشنه ای را باز می گردانی که وارد حوضهایت شده؟،البته که چنین نخواهی کرد زیرا حوضهای رحمتت در سخت ترین خشک سالیها لبریز و درگاه لطفت همواره برای درخواست و وارد شدن باز است،تویی منتهای خواسته و نهایت آرزو.خدای من این مهار نفس من است که به پایبند مشیّت بستم،و این بارهای سنگین گناهان من است که به پیشگاه عفو و رحمتت انداختم،و این هوسهای گمراه کنندۀ من است که به درگاه لطف و مهرت واگذاشتم.بار خدایا !این صبح مرا انگونه آغاز کن که با پرتو هدایت و با سلامت دین و دنیا همراه باشد و شبم را سپری ساز از نیرنگ دشمنان و نگاهبانی گردان از هلاکتهای هوای نفس، که به یقین تو به هر چه بخواهی توانایی،فرمانروایی را به هر که بخواهی عنایت می کنی،و از هر که بخواهی باز می ستانی،و هرکه بخواهی عزت می بخشی،و هرکه اراده کنی به ذلت می نشانی، خوبی بدست توست،همانا بر همه چیز توانایی،شب را در روز درمی آوری،و روز را در شب،زنده را از مرده بیرون می آوری،و مرده را از زنده، زنده،و هر که را بخواهی بی حساب روزی می دهی.معبودی جز تو نیست.بار خدایا !تنها تو را منزّه می دارم و سپاس و ستایش می گویم، کیست که قدر تو را بشناسد و از مقام تو نترسد؟و کیست که بداند تو کیستی آنگاه از تو نهراسد؟با قدرت خود پراکنده را الفت بخشیدی و با مهربانیت سپیده دم را شکافتی و با کرمت تاریکیهای شب را روشن نمودی،و آبهای شیرین و شور

را از دل سنگهای سخت و خارا جاری کردی و از ابرهای گران بارانی فراوان فرو ریختی و خورشید و ماه را برای مردمان چراغی فروزان قرار دادی،بی آنکه در آنچه آغازگر پیدایشش بودی دچار خستگی و ناتوانی و چاره جویی شوی ای آنکه در عزت و بقا یگانه است و بندگانش را به مرگ و فنا مقهور خود ساخته است،درود فرست بر محمّد و خاندان پرهیزگارش و ندای مرا بشنو،و دعایم را اجابت گو،و به فضل خود آرزو و امیدم را محقّق فرما،ای بهترین کسی که برای برطرف ساختن هر بدحالی خوانده و برای هر سختی و آسانی آرزو شدی،نیازم را به پیشگاه تو فرود آوردم،پس از موهبتهای بلندپایینه خود ناامیدانه ردّم مکن ای بزرگوار،ای بزرگوار،ای بزرگوار،به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان،و درود خدا بر بهترین آفریده اش محمّد و اهل بیت او همه آنگاه به سجده رود و بگوید:خدای من،دلم در پرده های ظلمت پوشیده شده و جانم دچار کاستی گشته و عقلم مغلوب هوای نفسم شده و هوای نفسم بر من چیره آمده،طاعتم اندک،و نافرمانیم بسیار، و زبانم اقرارکننده به گناهان است،چارۀ من چیست ای پرده پوش عیبها،ای دانای نهان ها،ای برطرف کنندۀ غمها،همه گناهان مرا بیامرز،به احترام محمّد و خاندان محمّد،ای آمرزنده،ای آمرزنده،ای آمرزنده به مهربانیت ای مهربان ترین مهربانان.

مؤلف گوید:علاّمۀ مجلسی رحمه اللّه این دعا را در کتاب دعای«بحار»و در کتاب صلوات آن همراه با توضیح ذکر کرده و فرموده:این دعا از دعاهای مشهور است ولی من آن را در کتابهای معتبر جز در کتاب مصباح سیّد ابن باقی رحمه اللّه نیافتم.و نیز فرموده است:مشهور خواندن این دعا پس از نماز صبح است درحالی که سیّد ابن باقی خواندن آن را پس از نافلۀ صبح روایت نموده است و به هر کدام عمل شود مناسب است.

از دعاهای بسیار معروف است،علاّمه مجلسی رحمه اللّه فرموده:این دعا از بهترین دعاهاست و دعای خضر پیمبر است.امیر المؤمنین علیه السّلام آن را به کمیل که از خواصّ اصحاب آن حضرت بود آموخت و نیز فرموده:در شبهای نیمۀ شعبان و در هر شب جمعه خوانده می شود،و برای کفایت از گزند دشمنان و گوشده شدن درهای روزی و آمرزش گناهان سودمند است.شیخ طوسی و سیّد ابن طاووس آن را در کتابهای دعای خود آورده اند و من متن این گنجینۀ ملکوتی را از«مصباح المتهجد»روایت می نمایم و آن دعای شریف این است:

خدایا از تو درخواست می کنم،به رحمت که همه چیز را فرا گرفته،و به نیرویت که با آن بر هر چیز چیره گشتی و در برابر آن هر چیز فروتنی نموده و همه چیز خوار شده و به جبروتت که با آن بر همه چیزی فائق آمدی و به عزّتت که چیزی در برابرش تاب نیاورد و به بزرگی ات که همه چیز را پر کرده و به پادشاهی ات که برتر از همه چیز قرار گرفته،و به جلوه ات که پس از نابودی همه چیز باقی است و به نامهایت که پایه های همه چیز را انباشته و به علمت که بر همه چیز احاطه نموده،و به نور ذاتت که همه چیز در پرتو آن تابنده گشته،ای نور،ای پاک از هر عیب،ای آغاز هر آغاز،و ای پایان هر پایان،خدایا !بیامرز برای من آن گناهانی را که پرده حرمتم می درد،خدایا !بیامرز برای من آن گناهانی را که کیفرها را فرو می بارند،خدایا ! بیامرز برایم گناهانی را که نعمتها را دگرگون می سازند،خدایا ! بیامرز برایم آن گناهانی را که دعا را باز می دارند،خدایا ! بیامرز برایم گناهانی که بلا را نازل می کند،خدایا !بیامرز برایم همۀ گناهانی را که مرتکب شدم،و تمام خطاهایی که به

آنها آلوده گشتم،خدایا !با یاد تو به سویت نزدیکی می جویم،و از ناخشنودی تو به درگاه خودت شفاعت میطلبم،و از تو خواستارم به جودت مرا به بارگاه قرب خویش نزدیک گردانی و سپاس خود را نصیب من کنی،و یادت را به من الهام نمایی،خدایا !از تو درخواست می کنم،درخواست بنده ای فروتن،خوار و افتاده،که با من مدارا نمایی و به من رحم کنی و به آنچه روزی ام نموده ای خشنود و قانع بداری و در تمام حالات در عرصه تواضعم بگذاری،خدایا !از تو درخواست می کنم درخواست کسی که سخت تهیدست شده و بار نیازش را به هنگام گرفتاریها به آستان تو فرود آورده و میلش به آنچه نزد توست فزونی یافته،خدایا !فرمانروایی بس بزرگ و مقامت والا و تدبیرت پنهان،و فرمانت آشکار،و قهرت چیره،و قدرتت نافذ،و گریز از حکومتت ممکن نیست،خدایا !آمرزنده ای برای گناهانم و پرده پوشی برای زشتکاریهایم و تبدیل کننده ای برای کار زشتم به زیبایی،جز تو نمی یابم معبودی جز تو نیست،پاک و منزّهی و به ستایشت برخاسته ام،به خود ستم کردم و از روی نادانی جرأت نمودم و به یاد دیرینه ات از من و بخششت بر من به آرامش نشستم خدایا !ای سرور من چه بسیار زشتی مرا پوشاندی و چه بسیار بالاهای سنگین و بزرگی که از من برگرداندی و چه بسیار لغزشی که مرا از آن نگهداشتی و چه بسیار ناپسند که از من دور کردی و چه بسیار ستایش نیکویی که شایسته آن نبودم و تو در میان مردم پخش کردی،خدایا !بلایم بزرگ شده و زشتی عالم از حدّ گذشته و کردارم خوارم ساخته و زنجیرهای گناه مرا زمین گیر نموده و دوری آرزوهایم مرا زندانی ساخته و دنیا با غرورش و نفسم با جنایتش و امروز و فردا کردنم

ص:109

در توبه مرا فریفته،ای سرورم از تو درخواست می کنم به عزّتت که مانع نشود از اجابت دعایم به درگاهت،بدی عمل و زشتی کردارم و مرا با آنچه از اسرار نهانم می دانی رسوا مسازی و در کیفر آنچه در خلوتهایم انجام دادم شتاب نکنی،از زشتی کردار و بدی رفتار و تداوم تقصیر و نادانی و بسیاری شهواتم و غفلتم،شتاب نکنی،خدایا !با من در همۀ احوال مهرورز و بر من در هر کارم به دیدۀ لطف بنگر،خدایا،پروردگارا،جز تو که را دارم؟تا برطرف شدن ناراحتی و نظر لطف در کارم را از او درخواست کنم.خدای من و سرور من،حکمی را بر من جاری ساختی که هوای نفسم را در آن پیوری کردم و از فریبکاری آرایش دشمنم نهراسیدم،پس مرا به خواهش دل فریفت و بر این امر اختیار و اراده ام یاریش نمود،پس بدینسان و بر پایه گذشته هایم از حدودت گذشتم،و با برخی از دستوراتت مخالفت نمودم،پس حجت تنها از ان تواست در همه اینها،و مرا هیچ حقی نیست در انچه بر من از سوی قضایت جاری شده و فرمان و آزمایشت ملزمم نموده،ای خدای من اینک پس از کوتاهی در عبادت و زیاده روی در خواهشهای نفس عذرخواه،پشیمان،شکسته دل،جویای گذشت طالب آمرزش،بازگشت کنان با حالت اقرار و اذعان و اعتراف به گناه،بی آنکه گریزگاهی از آنچه از من سرزده بیابم و نه پناهگاهی که به آن رو آورم پیدا کنم،جز اینکه پذیرای عذرم باشی،و مرا در رحمت فراگیرت بگنجایی،خدایا ! پس عذرم را بپذیر،و به بدحالی ام رحم کن و رهایم ساز از بند محکم گناه،پروردگارا !بر ناتوانی

ص:110

جسمم و نازکی پوستم و نرمی استخوانم رحم کن.ای که آغازگر آفرینش و یاد و پرورش و نیکی بر من و تغذیه ام بوده ای،اکنون مرا ببخش به همان کرم نخستت،و پیشینۀ احسانت بر من،ای خدای من و سرور و پروردگارم، آیا مرا به آتش دوزخ عذاب نمایی،پس از اقرار به یگانگی ات و پس از آنکه دلم از نور شناخت تو روشنی گرفت و زبانم در پرتو آن به ذکرت گویا گشت و پس از آنکه درونم از عشقت لبریز شد و پس از صداقت در اعتراف و درخواست خاضعانه ام در برابر پروردگاری ات،باور نمی کنم چه آن بسیار بعید است و تو بزرگوارتر از آن هستی که پرورده ات را تباه کنی یا آن را که به خود نزدیک نموده ای دور نمایی یا آن را که پناه دادی از خود برانی یا آن را که خود کفایت نموده ای و به او رحم کردی به موج بلا واگذاری؟ !ای کاش می دانستم ای سرورم و معبودم و مولایم،آیا آتش را بر صورتهایی که برای عظمتت سجده کنان بر زمین نهاده شده مسلطّ می کنی و نیز بر زبانهایی که صادقانه به توحیدت و به سپاست مدح کنان گویا شده و هم بر دلهایی که بر پایه تحقیق به خداوندیت اعتراف کرده و بر نهادهایی که معرفت به تو آنها را فرا گرفته تا آنجا که در پیشگاهت خاضع شده و به اعضایی که مشتاقانه به سوی پرستشگاههایت شتافته اند و اقرارکنان جویای آمرزش تو بوده اند،شگفتا این همه را به آتش بسوزانی! هرگز چنین گمانی به تو نیست و از فضل تو چنین خبری داده نشده.ای بزرگوار،ای پروردگار و تو از ناتوانی ام در برابر اندکی از غم و اندوه دنیا و کیفرهای آن و آنچه که زا ناگواریها بر اهلش می گذرد آگاهی،با آنکه این غم و اندوه و ناگواری درنگش کم بقایش اندک و مدّتش کوتاه است،پس چگونه خواهد بود تابم در برابر بلای آخرت،و

فرود آمدن ناگواریها در آن جهان بر جسم و جانم و حال انکه زمانش طولانی و جایگاهش ابدی است و تخفیفی برای اهل آن بلا نخواهد بو،چرا که مایۀ آن بلا جز از خشم و انتقام و ناخشنودی تو نیست و این چیزی است که تاب نیاورند در برابرش آسمانها و زمین،ای سرور من تا چه رسد به من؟و حال آنکه من بندۀ ناتوان،خوار و کوچک،زمین گیر و درماندۀ توأم.ای خدای من و پروردگارم و سرور و مولایم،برای کدامیک از دردهایم به حضرتت شکوه کنم و برای کدامین گرفتاریم به درگاهت بنالم و اشک بریزیم.آیا برای دردناکی عذاب و سختی اش،یا برای طولانی شدن بلا و زمانش،پس اگر مرا در عقوبت و مجازات با دشمنانت قرار دهی،و بین من و اهل عذابت جمع کنی،و میان من و عاشقان و دوستانت جدایی اندازی، ای خدا و آقا و مولا و پروردگارم،بر فرض که بر عذابت شکیبائی ورزم،ولی بر فراقت چگونه صبر کنم و گیرم ای خدای من بر سوزندگی آتشت صبر کنم،اما چگونه چشم پوشی از کرمت را تاب آورم یا چگونه در آتش،سکونت گزینم و حال آنکه امید من گذشت و عفو تواست.پس به عزّتت ای آقا و مولایم سوگند صادقانه می خورم،اگر مرا در سخن گفتن آزاد بگذاری در میان اهل دوزخ به پیشگاهت سخت ناله سر دهم همانند نالۀ آرزومندان و به درگاهت بانگ بردارم،همچون بانگ آنان که خواهان دادرسی هستند و هر آینه به آستانت گریه کنم چونان که مبتلا به فقدان عزیزی می باشند و صدایت می زنم:کجایی ای سرپرست مؤمنان،آری کجایی ای نهایت آرزوی عارفان،ای فریادرس خواهندگان فریادرس،ای محبوب دلهای راستان و ای معبود جهانیان آیا این چنین است،ای خدای منزّه،و ستوده که در دوزخ بشنوی صدای بندۀ مسلمانی که برای مخالفتش با دستورات تو زندانی

شده و مزه عذابش را به خاطر نافرمانی چشیده و میان درکات دوزخ به علّت جرم و جنایتش محبوس شده،و حال آنکه در درگاهت سخت ناله می زند،همچون نالۀ آنکه آرزومند رحمت توست،و با زبان اهل توحیدت تو را می خواند،و به ربوبیّتت به پیشگاهت توسّل می جوید، ای مولای من،چگونه در عذاب بماند و حال آنکه امید به بردباری گذشته ات دارد یا آتش چگونه او را به درد آورد درحالی که بخشش و رحمت تو را آرزو دارد یا چگونه شعلۀ آتش او را بسوزاند درحالی که فریادش را می شنوی و جایش را می بینی یا چگونه آتش او را دربر بگیرد و حال آنکه از ناتوانی اش خبر داری،یا چگونه در طبقات دوزخ به این سو و آن سو کشانده شود درحالی که راستگوی اش را می دانی،یا چگونه فرشته های عذاب او را با خشم برانند و حال آنکه تو را به پروردگاریت می خواند،یا چگونه ممکن است بخششت را در آزادی از دوزخ امید داشته باشد و تو او را در انجا به همان حال واگذاری؟همۀ این امور از بنده نوازی تو بس دور است،هرگز گمان ما به تو این نیست و نه از فضل تو چنین گویند و نه به آنچه که از خوبی و احسانت با اهل توحید رفتار کرده ای شباهتی دارد،پس به یقین می دانم که اگر فرمانت در به عذاب کشیدن منکران نبود و حکمت به همیشگی بودن دشمنانت در آتش صادر نمی شد،هر آینه سرتاسر دوزخ را سرد و سلامت می کردی و برای احدی در انجا قرار و جایگاهی نبود،امّا تو که مقدّس است نامهایت سوگند یاد کردی که دوزخ را از همه کافران چه پری و چه آدمی پر سازی و ستیزه جویان را در انجا همیشگی و جاودانه بداری و هم تو که ثنایت برجسته و والا است به این گفته ابتدا کردی و با نعمتهایت کریمانه تفضّل فرمودی که«آیا مؤمن همانند فاسق است؟ نه،مساوی نیستند»ای خدا و سرور من،از تو خواستارم به قدرتی که مقدّر نمودی و به فرمانی

ص:113

که حتمیتش دادی و بر همه استوارش نمودی و بر کسی که بر او اجرایش کردی چیره ساختی که در این شب و در این ساعت بر من ببخشی هر جرمی که مرتکب شدم و هر گناهی که به آن آلوده گشتم و هر کار زشتی را که پنهان ساختم و هر نادانی که آن را بکار گرفتم خواه پنهان کردم یا آشکار،نهان ساختم یا عیان و هر کار زشتی که دستور ثبت آن را به نویسندگان بزرگوار دادی آنان که بر ضبط آنچه از من سر زند گماشتی و آنان را نیز گواهانی بر من قرار دادی علاوه بر اعضایم و خود فراتر از آنها مراقب من بودی و شاهد بر آنچه که از آنان پنهان ماند و به یقین با رحمتت پنهان ساختی و با فضلت پوشاندی و اینکه از تو می خواهم از هر چیزی که نازل کردی یا احسانی که تفضّل نمودی یا برّ و نیکی که گستردی یا رزقی که پراکندی یا گناهی که بیامرزی یا خطایی که بپوشانی،پرورگارا،پروردگارا،پروردگارا !ای خدای من ای سرور من،ای مولای من و اختیار دارم،ای کسی که مهارم به دست اوست،ای آگاه از پریشانی و ناتوانی ام ای دانای تهیدستی و ناداری ام،پروردگارا !پروردگارا ! پروردگارا !از تو درخواست می کنم به حقّت و قدست و بزرگ ترین صفات و نامهایت که همهٔ اوقاتم را از شب و روز به یادت آباد کنی و به خدمتگزاریت پیوسته بداری و اعمالم را در پیشگاهت قبول فرمایی تا آنکه اعمال و اورادم هماهنگ،همسو و همواره باشد و حالم در خدمت تو پاینده گردد،ای سرور من،ای آنکه بر او تکیه دارم،ای آنکه شکوه حالم را تنها به سوی او برم،ای پروردگارم،ای پروردگارم اعضایم را در راه خدمتت نیرو بخش و دلم را بر عزم و همّت محکم کن،و کوشش

ص:114

در راستای پروایت و دوام در پیوستن به خدمتت را به من ارزانی دار تا به سویت برانم در میدانهای پیشتازان و به سویت بشتابم در میان شتابندگان و به کوی قربت آیم در میان مشتاقان و همانند مخلصان به تو نزدیک شوم و چون یقین آوردگان از جاه تو بهراسم و با اهل ایمان در جوارت گرد آیم.خدایا ! هرکس مرا به بدی قصد کند تو قصدش کن،و هرکس با من مکر ورزد تو با او مکر کن،و مرا از بهره مندترین بندگانت نزد خود،و نزدیک ترینشان در منزلت به تو و مخصوص ترینشان در رتبه به پیشگاهت بگردان،زیرا این همه به دست نیاید جز به فضل تو،خدایا ! با جودت به من جود کن و با بزرگواریت به من نظر کن و با رحمتت مرا نگاهدار و زبانم را به ذکرت گویا کن،و دلم را به محبتت شیفته و شیدا فرا و بر من منّت گذار با پاسخ نیکویت و لغزشم را نادیده انگار و گناهم را ببخش،زیرا تو بندگانت را به بندگی فرمان دادی و به دعا و درخواست از خود امر کردی و اجابت دعا را برای آنان ضامن شدی،پس ای پروردگار من تنها روی به سوی تو داشتم و دستم را تنها به جانب تو دراز کردم،پس تو را به عزّتت سوگند می دهم که دعایم را اجابت کنی و مرا به آرزویم برسانی،و امیدم را از فضلت ناامید نکنی،و شرّ دشمنانم را از پری و آدمی از من کفایت کنی،ای خدایی که زود از بنده ات خشنود می شوی،بیامرز آن را که جز دعا چیزی ندارد،همانا تو هرچه بخواهی انجام می دهی،ای آنکه نامش دوا و یادش شفا و طاعتش توانگری است،رحم کن به کسی که سرمایه اش امید و سازوبرگش اشک ریزان است،ای فروریزندۀ نعمتها ای دورکننده بلاها،ای روشنی بخش وحشت زدگان در تاریکیها،ای دانای ناآموخته بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،

ص:115

و با من چنان کن تو را شاید،و درود و سلام فراوان خدا بر پیامبرش و بر امامان خجسته از خاندانش.

دعای عشرات

این دعا از دعاهای بسیار معتبر است و ما بین نسخه های آن تفاوت دیده می شود.ما آن را از کتاب مصباح المتهجّد شیخ طوسی نقل می کنیم.خواندن آن در هر صبح و شام مستحب است و بهترین وقت برای خواندن آن بعد از عصر جمعه است.

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است منزّه است خدا و ستایش خاص خداست،و معبودی جز خدا نیست،و او از هر وصفی برتر،و جنبش و نیرویی نیست جز به مدد خدای والای بزرگ،پاک و منزّه است خدا شب هنگام و به گاه روز،پاک و منزّه است خدا صبحگاهان و به گاه عصر،پاک و منزّه است خدا در شامگاه و بامداد،پاک و منزّه است خدا آنگاه که به شب درآیید و گاهی که به صبح برآیید،ستایش برای اوست در آسمانها و زمین،و شب هنگام و گاهی که ظهر می کنید،هم او که زنده را از مرده بیرون می آورد،و مرده را از زنده خارج می سازد، و به زمین پس از مرگش زندگی می بخشد،و به همین گونه شما هم از قبرها بیرون آورده می شوید،منزّه است پروردگارت پروردگار عزّت،از آنچه او را بدان وصف می کنند و سلام بر رسولان و سپاس خدای را پروردگار جهانیان،منزّه است صاحب فرمانروایی و ملکوت منزّه است صاحب عزّت و اقتدار،منزّه است دارندۀ بزرگ منشی و عظمت،همان فرمانروای بر حق سیطره دار، دارای نهایت پاکی،منزّه است خدای فرمانروای زنده ای که هرگز نمی میرد،منزّه است خدای فرمانروای زنده،دارای نهایت پاکی،منزّه است پایندۀ پایدار،منزّه است پایدار پاینده،منزّه است پروردگار بزرگم،منزّه است پروردگار برترم،

منزّه است آن زنده به خود پاینده،منزّه است آن بلند مرتبهٔ برتر،منزّه است او و بلندمرتبه است از هر زشتی و عیب،پاک و پاکیزه است،پروردگار ما و پروردگار فرشتگان و روح،منزّه است آن پایندهٔ بی غفلت،منزّه است آن دانای ناآموخته،منزّه است آن آفرینندهٔ دیدنیها و نادیدنیها،منزّه است آنکه دیده ها را دریابد و دیده ها او را در نیابند و اوست لطیف آگاه،خدایا،در حالی صبح کردم که از جانب تو بودم در نعمت و خیر و برکت و سلامتی کامل،پس درود فرست بر محمّد و خاندانش و نعمت و خیر و برکات و سلامتی را بر من با نجات از آتش دوزخ تمام کن،شکرگذاری و سلامتی و فضل و کرامتت را همواره تا گاهی که زنده هستم روزی ام فرما،خدایا !به نورت هدایت یافتم و به احسانت بی نیاز گشته و به نعمتت صبح و شام کردم،خدایا !تو را گواه می گیرم و گواهی تو مرا بس است،و و گواه می گیرم همه فرشتگان و پیامبران و رسولان و حاملان عرش و ساکنان آسمانها و زمین و همهٔ آفریده هایت را بر اینکه همانا تویی خدا،معبودی جز تو نیست،یگانه و بی شریکی و اینکه محمّد (درود خدا بر او و خاندانش)بنده و فرستادهٔ تو است و اینکه تو بر هر چیز توانایی،زنده می کنی و می میرانی و می میرانی و زنده می سازی و گواهی می دهم که بهشت و دوزخ و برانگیخته شدن مردگان حق است و قیامت آمدنی است که تردیدی در آن نیست و اینکه خدا مردگان را برخواهد انگیخت و شهادت می دهم که علی بن ابی طالب امیر مؤمنان بر حق بر حق است و پیشوایان از فرزندانش امامان هدایت گر و ره یافته اند،نه گمراهند

ص:117

و نه گمراه کننده و اینکه آنان اولیاء برگزیدۀ تو،و حزب پیروز تو،و بندگان خالص تو بهترین انتخاب شدگان از میان مخلوقات تواند و بهترین برگزیده شدگانی هستند که برای بیان دینت برگزیدی و از میان بندگانت خاص خود ساختی و ایشان را بر بندگانت برگزیدی و بر جهانیان حجّت قرار دادی،درود و سلام و رحمت و برکاتت بر آنان باد،بار الها !این شهادت را نزد خود برای من ثبت کن،تا آن را در روز قیامت بر زبانم جاری کنی درحالی که از من خشنود باشی،همانا تو بر آنچه می خواهی توانایی.خدایا !تو را سپاس سپاسی که آغازش بالا رود و انجامش پایان نگیرد،خدایا ! تو را سپاس،سپاسی که آسمان برای تو بر دوش کشد و زمین و هرکه بر آن است تو را آن چنان تسبیح کند.خدایا ! تو را سپاس،سپاسی همواره و همیشگی که گسست و پایانی برایش نباشد و تنها سزاوار تو باشد و به تو بیانجامد،سپاسی که نمایان شود در دلم و بر تنم و نزد من و با من و پیش از من و پس از من و پیش رویم و بالای سرم و زیر پایم و آنگاه که مرگم فرا رسد و یگانه و تنها مانم سپس فانی شو و تو را سپاس گاهی که زنده و برانگیخته شوم،ای سرور من،خدایا !و تو را ستایش و سپاس برای همۀ صفات پسندیده ات و بر همۀ نعمتهایت،سپاسی بلند و بی پایان،که آن را ای پروردگار ما پسندیده داری و از آن خشنود شوی،خدایا !تو را سپاس بر هر خوردن و نوشیدن و هر دست یافتن و هر بست و گشودن،و در برابر هر تار مو که به ما دادی،خدایا !تو را سپاس سپاسی پاینده به پایندگی ات و تو را سپاس سپاسی که نهایت آن را جز دانشت نداند و تو را سپاس سپاسی که پایان آن را جز مشیتّت نخواهد و تو را سپاس سپاسی که جز

خشنودی تو مزدی برای گوینده اش نیست و تو را سپاس بر بردباری ات پس از آنکه دانستی و تو را سپاس بر گذشتت،پس از آنکه بر عذاب توانا بودی و تو را سپاس ای سرچشمۀ سپاس و تو را سپاس ای به ارث برنده سپاس و تو را سپاس ای آفرینندۀ سپاس و تو را سپاس ای نهایت سپاس و تو را سپاس ای پدیدآورندۀ سپاس و تو را سپاس ای خریدار سپاس، و تو را سپاس ای صاحب سپاس،و تو را سپاس ای دیرینه سپاس و تو را سپاس ای راست وعده،ای وفادار به عهد ای سپاه توانا،ای مجد و عظمتت پایدار و تو را سپاس ای بلند پایه ،ای پاسخگوی خواسته ها،ای فرود آورندۀ آیات از بالای هفت آسمان،ای دارای برکات بزرگ،ای درآورندۀ نور از دل تاریکیها و ای بیرون آورندۀ آنان که در تاریکیهایند به سوی نور،ای دگرگون کنندۀ گناهان به نیکیها،و بالا برندۀ حسنات در مراتب بهشت، خدایا !تو را سپاس ای آمرزندۀ گناه و ای پذیرای توبه و ای عذابت سخت و ای صاحب عطای بی حدّ،معبودی جز تو نیست.بازگشت همه به سوی تو است.خدایا ! تو را سپاس در شب گاهی که روز را می پوشاند،و تو را سپاس در روز آنگاه که آشکار می گردد و تو را سپاس در آخرت و دنیا،و تو را سپاس به تعداد همۀ ستاره ها و همۀ فرشتگان آسمانی و تو را سپاس به شمارۀ ذرات خاک و ریگ و دانه ها و تو را سپاس به عدد آنچه در میان آسمان است و تو را سپاس به عدد آنچه در درون زمین است و تو را سپاس به میزان وزن آبهای دریا،و تو را سپاس به شمارۀ برگ درختان و تو را سپاس به عدد آنچه روی زمین است،و تو را سپاس به تعداد آنچه کتابت برشمرده

و تو را سپاس به عدد آنچه دانشت آن را فراگرفته،و تو را سپاس به شمارۀ آدمیان و پریان و حشرات و پرندگان و چهارپایان و درندگان،سپاسی فراوان و سپاسی پاک که در آن برکت باشد آن چنان که پذیری،ای پروردگار ما و خشنود گردی،و آن چنان که سزاوار بزرگواری ذات و بزرگی جلال تواست.پس ده مرتبه میگوئی معبودی جز خدا نیست،یگانه و بی شریک است،فرمانروایی و ستایش تنها از آن اوست و اوست،لطیف و آگاه.و نیز ده مرتبه می گویی معبودی جز خدا نیست،یگانه و بی شریک است،فرمانروایی و ستایش از آن اوست،زنده می کند،و می میراند،می میراند و زنده می کند و او خود زنده ای است که هرگز نمی نمیرد،نیکی به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست.و ده مرتبه:آمرزش می جویم از خدایی که معبودی جز او نیست،زنده و به خود پاینده است،و تنها به سوی او باز می گردم و ده مرتبه:ای خدا ای خدا و ده مرتبه:ای بخشنده ای بخشنده و ده مرتبه:ای مهربان ای مهربان و ده مرتبه:ای پدید آورندۀ آسمانها و زمین و ده مرتبه:ای صاحب جلال و بزرگواری و ده مرتبه:ای مهرورز و صاحب منت و ده مرتبه:ای زنده ای پاینده و ده مرتبه:ای زنده ای که شایستۀ پرستشی جز تو نیست و ده مرتبه:ای خدا،ای که شایستۀ پرستشی جز تو نیست.و ده مرتبه:به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و ده مرتبه:خدایا !با من آن کن که شایستۀ تو است و ده مرتبه:اجابت فرما اجابت فرما و ده مرتبه سورۀ توحید پس میگویی خدایا !با من آن کن که شایستۀ تو است،نه آنکه سزاوار من است چه همانا تو شایسته پروا و آمرزشی و من درخور گناهان و خطاهایم،پس به من رحم کن.ای مولای من که تو مهربان ترین مهربانانی و ده مرتبه:جنبش و نیرویی نیست جز برآمده از

سوی خدا،توکل نمودم بر زنده پاینده ای که نمی میرد،و ستایش خدای را که فرزندی نگرفته و در فرمانروایی شریکی برایش نبوده و از خواری و ناتوانی سرپرستی نداشته است و بی اندازه بزرگش شمار.

دعای سمات

این دعا معروف به دعای شبوّر[دعای عطا و بخشش]است،که خواندن آن در ساعت آخر روز جمعه مستحب است و پوشیده نماند که این دعا از دعاهای مشهور است و بیشتر علمای گذشته بر خواندن این دعا مواظبت می نمودند.در(مصباح)شیخ طوسی و(جمال الاسبوع) سیّد ابن طاووس و کتب کفعمی به سندهای معتبر از جناب محمّد بن عثمان عمروی رضوان الله علیه که از نوّاب حضرت صاحب الامر بود از حضرت باقر علیه السّلام و امام صادق علیه السّلام روایت شده علاّمۀ مجلسی رحمه اللّه این دعا را همراه با شرح در کتاب(بحار)ذکر نموده است.این دعا چنان که در کتاب(مصباح)شیخ آمده چنین است:

خدایا !از تو خواستارم به نام بزرگت آن نام بزرگتر عزیزتر باشکوه تر گرامی تر،که چون بر درهای بستۀ آسمان با آن نام خوانده شوی که به رحمت گشوده شوند باز می شوند و چون با آن بر درهای ناگشودۀ زمین خوانده شوی برای فرج گشوده شود،و جون با آن برای آسان شدن سختی خوانده شوی،آسان گردند و چون با آن بر مردگان برای زنده شدن خوانده شوی،زنده شوند و چون با آن برای رفع سختی و زیان خوانده شوی برطرف گردد و می خوانمت به شکوه جلوۀ گرامی ات،گرامی ترین جلوه ها و عزیزترین آنان که چهره ها در برابرش خوار گشته و گردنها خاضع شده و صداها آهسته گشته و دلها در برابر آن هراسناک شده اند از ترس تو و تو را می خوانم به نیرویت که با آن آسمانها را نگاه داشتی از اینکه بر زمین افتد مگر به اجازۀ تو،و

با آن آسمانها و زمین را از اینکه ویران شوند نگاه داشتی و می خوانمت به اراده ات که جهانیان در برابرش مطیعند،و به کلمه ات که با آن آسمانها و زمین را آفریدی،و به حکمتت که با آن شگفتیها را ساختی، و تاریکی را با آن پدیدآوردی و آن را شب قرار دادی،و شب را برای آرامش مقرّر داشتی و هم با آن حکمت نور را آفریدی و آن را روز قرار دادی،و روز را مایۀ جنبش و بینایی سنجش ساختی،و نیز با آن خورشید را آفریدی،و خورشید را مایۀ تابش نمودی،و با آن ماه را پدید آوردی و ماه را نورانی ساختی،و با آن ستارگان را خلق کردی و آنها را اخترانی تابناک و برجها و چراغها و زینت و عامل راندن شیاطین قرار دادی برای ستارگان مشرقها و مغربها و نیز طلوع گاهها و گردشگاهها مقرّر ساختی و برای آنها مدارهایی که در آنها شناورند قرار دادی و برای آنها در آسمان منزلگاههایی مقدر فرمودی،پس چه نیکو تقدیر نمودی و صورتگری کردی و چه نیکو صورتشان دادی،و با نامهایت آنها را بر شمردی درخور و به حکمتت تدبیر نمودی تدبیری شایسته و چه نیکو تدبیر کردی و با تسلّط بخشیدن شب و روز و ساعات بر آنها شمارش سالها و ثبت حساب را شناساندی،و دیدن آنها را برای همۀ مردم یکسان نمودی،و خدایا !از تو می خواهم به عظمتت که با آن بنده و فرستاده ات موسی بن عمران(درود بر او)در میان قدسیان، برتر از احسان کروبیّان،فراتر از سحابهای نور،بر فراز تابوت شهادت،در عمودی از آتش،و در طور سینا،و در کوه حوریث،در وادی مقدّس،در

ص:122

بقعۀ با برکت از جانب راست کوه طور،از دل درخت و در زمین مصر،با نه معجزۀ آشکار و روزی که دریا را برای بنی اسرائیل شکافتی،و در چشمه های جوشنده که با آن شگفتیهایی در دریای سوف برساختی و آب دریا را در دل گرداب همانند سنگ سخت بستی و بنی اسرائیل را از دریا به خشکی رساندی و وعدۀ نیکویت بر آنان کامل گشت به خاطر آنکه شکیبائی ورزیدند و آنان را وارث مشارق و مغارب زمینی که در آن جهانیان را برکت دادی نمودی و فرعون و سپاهیان و مرکبهایش را در دریا غرق کردی و به نام بزرگت،آن نام بزرگ تر، باشکوه تر،گرامی تر،و به بزرگی ات که با آن بر موسی کلیمت(درود بر او)در طور سینا جلوه کردی و نیز برای ابراهیم(درود بر او)خلیلت پیش از آن در مسجد خیف و برای اسحاق برگزیده ات(درود بر او)در چاه شیع و برای یعقوب(درود بر او) پیامبرت در بیت ایل و وفا کردی به پیمانت برای ابراهیم(درود بر او)و به سوگندت برای اسحاق و به شهادتت برای یعقوب و به وعده ات برای اهل ایمان و برای دعاخوانان به نامهایت که اجابتشان کردی و به بزرگی ات که برای موسی بن عمران(درود بر او)در قبّه رمّان نمایان شد،و به نشانه هایت که در زمین مصر،به بزرگواری عزّت و غلبه ات واقع شد،با نشانه های تحسین برانگیز و حاکمیت نیرومند و در سایۀ قدرت پرشکوت،به مقام کلمۀ تامّه،و کلماتی که با آن بر اهل آسمانها و

زمین و اهل دنیا و آخرت عطا و بخشش نمودی و به رحمتت که با آن بر همهٔ آفریدگانت بخشش کردی،و به توانایی ات که با آن جهانیان را برپا داشتی،و به نورت که از هراسش طور سینا بر خاک افتاد و به دانش و شکوه و بزرگی و عزّت و جبروتت که زمین تاب آن را نیاورد،و آسمانها در برابرش زانو زدند و در برابرش عمق فروردین زمین فروتر گشت و دریاها و نهرها در آستانش از حرکت ایستاد،و کوهها فروتن شد و زمین با شانه هایش آرام گشت، و تسلیم شدند همهٔ آفریدگان در برابر آن و بادها در وزیدن خود در برابرش پریشان گشتند،و آتشها به درگاهش در جایگاه خویش خاموش شدند و به فرمانروایی ات که با آن همواره به پیروزی شناخته شدی،و با آن در آسمانها و زمین ستوده گشتی،و به کلمات کلمهٔ صدقی که به رحمت و بخشش برای پدرمان آدم(درود بر او)و نسلش پیشی گرفت،و از تو خواستارم به کلمه ات که بر هر چیز چیره گشت و به نور جلوه ات که با آن بر کوه تجلّی نمودی و آن را فرو پاشیدی،و موسی مدهوش در افتاد و به بلندای جاهت که بر طور سینا نمایان شد،پس با آن،سخن گفتی با بنده و رسولت موسی بن عمران و به پرتو فروزانت در ساعیر[کوهی در حجاز]و ظهور پر فروغت در فاران[کوهی نزدیک مکه و محل مناجات پیامبر]در جایگاه بلند قدسیان و با سپاهیان صف کشیده از فرشتگان، و خشوع فرشتگان تسبیح کننده،و به برکاتت که بدانها بر ابراهیم خلیلت(درود بر او)

ص:124

در امّت محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)و بر اسحاق برگزیده ات در امّت عیسی(درود بر آن دو)و بر یعقوب اسرائیلت در امت موسی(درود بر آن دو) و بر محبوب خویش محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)در عترت و فرزندانش و امّتش برکت نهادی.خدایا!و چنان که از آن رخدادها بدور بودیم و آن وقایع را شهد نبودیم و به آنها درحالی که ندیدیم ایمان آوردیم،ایمان از روی راستی و درستی،از تو خواستارم بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و بر محمّد و خاندان محمّد برکت دهی و بر محمّد و خاندان محمّد بسیار مهر ورزی همچون بهترین درود و برکت و رحمتی که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم فرستادی،تو ستوده و والایی،هرچه را بخواهی انجام می دهی و تو بر هر چیز توانایی پس حاجت خود را ذکر می کنی و می گویی:خدایا!به حق این دعا و به حق این نامهایی که تفسیر و باطن آنها را جز تو کسی نمی داند،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و با من چنان کن که شایستۀ توست،نه آنچه را من سزاوارم و از گناهانم آنچه را گذشته و آنچه را خواهد آید بیامرز،و بر من وسعت بخش از روزی حلالت و مرا از رنج انسان بد و همسایۀ بد و همنشین بد و پادشاه بد کفایت کن،همانا تو بر هرچه بخواهی توانایی و به همه چیز دانایی،دعایم را اجابت کن ای پروردگار جهانیان مؤلف گوید:در بعضی نسخه ها پس از:تو بر هر چیز توانایی آمده:هر حاجت که داری ذکر کن و بگو:ای خدا،ای بسیار مهربان،ای بخشایگر،ای پدید آورندۀ آسمانها و زمین،ای دارندۀ هیبت و شکوه

ای مهربان ترین مهربانان،خدایا!به حق این دعا...تا آخر آنچه گذشت.و علاّمهٔ مجلسی از کتاب«مصباح» سیّد ابن باقی نقل کرده که بعد از دعای سمات این دعا را بخواند:

خدایا!به حق این دعا و به حق این نامهایی که نه تفسیر و تأویلش و نه باطن و ظاهرش را کسی جز تو نمی داند7از تو خواستارم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و خیر دنیا و آخرت را روزی ام گردانی.پس حاجات خود را بخواهد و بگوید با من آنچه شایسته تو است انجام ده نه آنچه سزاوار من است و انتقام مرا از فلان فرزند فلان بگیر و نام دشمن را بگوید،سپس بگوید:گناهانم را آنچه بوده و آنچه خواهد بود بیامبرز و پدر و مادرم و همهٔ مردان و زنان باایمان را مشول آمرزشت قرار داده و بر من از روزی حلالت وسعت عنایت کن و مرا از شر انسان بد و همسایهٔ بد و پادشاه بد و همنشین بد و روز بد و ساعت بد کفایت فرما و از کسی که بر من حیله می ورزد و بر من ستم می کنم انتقام بگیر و هم انتقام بگیر از آنکه بخواهد بر من و خانواده ام و فرزندانم و برادرانم و همسایگانم و نزدیکانم از مردان و زنان باایمان ستم روا کند،همانا تو بر آنچه بخواهی توانایی و به هر چیز دانایی،دعایم را اجابت کن ای پروردگار جهانیان خدایا! به حق این دعا بر تهیدستان از مردان و زنان با ایمان توانگری و ثروت عطا فرما و بر بیماران اهل ایمان از مردان و زنان بهبودی و تندرستی ببخش و بر مؤمنین و مؤمنات در قید حیات با لطف و کرامت و بر مؤمنین و مومنات از دنیا رفته با آمرزش

ص:126

و رحمت،و بر مؤمنین و مؤمنات سفر کرده با برگشت به وطنهای خویش در لباس سلامت و بهره مندی عنایت فرما،به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان و درود خدا بر سرور ما محمّد پایانبخش پیامبران و بر خاندان پاکش و هم سلام بسیار خدا بر ایشان ابن فهد حلّی فرموده است:پس از دعای سمات مستحب است بگویی:خدایا !از تو درخواست می کنم به احترام این دعا و به آنچه از نامهایت که در آن نیامده و به آنچه در بردار از تفسیر و تدبیری که جز تو کسی بر آن احاطه ندارد،که با من چنین و چنان کنی.و به جای(کذا و کذا)حاجت خود را بخواهد.

دعای مشلول

موسوم به دعای«الشاب المأخوذ بذنبه»[یعنی:جوانی که به سبب گناهش گرفتار عذاب حق شده]

این دعا از کتابهای کفعمی و«؟؟؟الدعوات»نقل شده،و دعایی است که آن را امیر المؤمنین علیه السّلام به جوانی که به خاطر گناه و ستم در حقّ پدرش شل شده بود آموز داد،جوان این دعا را خواند و حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله را در خواب دید که دست مبارکش را بر اندام او کشید و فرمود:بر اسم اعظم خدا محافظ کن که کار تو به خیر خواهد بود،پس بیدار شد درحالی که سالم شده بود و آن دعا این است:

خدایا !از تو خواستارم به نامت،به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،ای دارای بزرگی و بزرگواری،ای زنده ای همیشه پاینده،ای زنده،معبودی جز تو نیست،ای او،ای آنکه کسی نمی داند او چیست و نمی داند او چگونه است و نمی داند کجاست، و نمی داند در کدام سو است،ای دارای فرمانروایی و ملکوت،ای صاحب عزّت و جبروت،ای فرمانروا،ای منزّه از هر

ص:127

عیب،ای سلام،ای ایمنی بخش،ای پرشکوه،ای عزّتمند،ای دارندهٔ قره،ای بزرگمنش،ای آفریننده،ای پدیدآوردنده،ای صورتگر،ای سودبخش ای تدبیر کننده،ای محکم کار،ای آغازگر،ای نابود کنندهٔ ستمگران،ای دوست نیکان،ای ستوده،ای پرستیده،ای دور از هر چیز،ای نزدیک به هر چیز،ای اجابت کننده،ای دیدبان،ای حسابرس،ای نورآفرین،ای بلندمرتبه،ای ارجمند،ای شنوا،ای دانا،ای بردبار،ای بزرگوار،ای فرزانه،ای دیرینه،ای والا،ای بزرگ،ای پرمهر،ای عطابخش،ای جزادهنده،ای یاری کننده،ای با جلالت، ای زیبا،ای کارگزار،ای کفایت کننده،ای بخشنده لغزش،ای رسانندهٔ نعمت،ای شریف،ای رهنما،ای هدایت گر،ای آغازگر، ای اوّل،ای آخر،ای آشکار،ای پنهان،ای استوار،ای پایدار،ای آگاه،ای حکمران،ای داور،ای دادگر،ای جدا کننده، ای پیونددهنده،ای پاک،ای پاک کننده،ای توانا،ای نیرومند،ای بزرگ،ای بزگمنش،ای یگانه،ای یکتا،ای مقصود دل نیازمندان،ای آنکه نزاده و زاده نشده،و همتایی ندارد و همسری برایش نباشد و وزیری با او نبوده و برای خود مشاوری نگرفته و به پشتیبانی نیازمند نگشته و با او جز او معبودی نبوده است،نیست معبودی جز تو،تو برتر از آنی که ستمکاران گویند بسیار برتری،ای والا بلندمرتبه،ای عطابخش،ای گشایشگر،ای بخشایشگر،ای فرخ بخش دلها،ای غم زدا،ای یاری رسان،ای یاری ستان،ای دریابنده،ای نابود کننده،ای انتقام گیرنده،ای برانگیزنده،ای وارث،ای خواهان،ای چیره،ای که گریزنده ای از دستش نگریزد،ای بسیار توبه پذیر،ای بسیار پذیرای بندگان،ای بسیار بخشنده،ای فراهم آورندهٔ سببها،ای گشایندهٔ درها،ای آنکه هرگاه و هرجا خوانده شود اجابت نماید،ای پاک کننده،ای قدردان صالحان

ای با گذشت،ای آمرزنده،ای روشنایی نور،ای مدبّر امور،ای مهربان،ای آگاه،ای پناه دهنده،ای روشنی بخش،ای مددرسان ای بزرگ،ای یکتا،ای یگانه ای پاینده،ای تکیه گاه،ای بی نیاز،ای کفایت کننده،ای شفابخش،ای وفا کننده،ای عافیت بخش، ای نیکوکار،ای زیبایی بخش،ای نعمت افزا،ای فزون بخش ای گرامی،ای بی همتا،ای آنکه بلندی گرفت و چیره گشت،ای آنکه در فرمانروایی اش توانا شد،ای آنکه پنهان و آگاه گشت،ای آنکه پرستیده شد و پذیرفت،ای آنکه نافرمانی شد و آمرزید،ای آنکه اندیشه نگنجایدش،و دیده ای او را در نیابد،و اثری بر او پوشیده نماند،ای روزی دهندهٔ بشر،ای اندازه گیر هر اندازه،ای والا جاه،ای استوار پایه،ای گردانندهٔ روزگار،ای پذیرندهٔ قربانی،ای منتّگذار نیکوکار، ای دارای شکوه و سلطنت،ای مهربان،ای بخشنده،ای کسی که هر روز در کاری است،ای آنکه کاری از کار دیگر بازش ندارد،ای بلندمرتبه،ای آنکه در هر جا هست،ای شنوندهٔ نجواها،ای اجابت کنندهٔ دعاها،ای برآورندهٔ خواسته ها و نیازها،ای فرو فرستندهٔ برکات،ای رحم کننده بر اشکها،ای درگذرندهٔ از لغزشها،ای برطرف کنندهٔ ناراحتیها،ای سرچشمهٔ خوبیها،ای بالابرندهٔ درجات،ای درهندهٔ خواسته ها،ای زنده کنندهٔ مردگان،ای گرد آورندهٔ پراکنده ها،ای آگاه از نیتّها،ای برگردانندهٔ آنچه از دست رفته،ای کسی که نجواها بر او مشتبه نشود،ای کسی که درخواستها او را به ستوه نیاورد،و تاریکیها او را فرا نگیرد،ای روشنی زمین و آسمانها،ای فروریز نعمتها،ای دفع

ص:129

کنندۀ بدفرجامیها،ای آفرینندۀ آدمیان،ای گرد آورندۀ امّتها،ای شفابخش دردها،ای پدیدآورندۀ روشنی و تاریکیها،ای صاحب جود و کرم،ای آنکه به عرشش قدمی پای ننهد،ای بخشنده ترین بخشندگان،ای کریم ترین کریمان،ای شنواترین شنوایان،ای بیناترین بینایان،ای پناه پناه جویان،ای امان هراسناکان،ای تکیه گاه پناهندگان ای سرپرست مؤمنان،ای فریادرس فریادکنندگان،ای مقصود دل نیازمندان،ای کس هر بی کس، ای همدم هر تنها،ای پناه هر رانده،ای مأوای هر آواره،ای نگهدار هر گمشده،ای مهرورز سالخوردگان،ای روزی دهندۀ کودکان خردسال،ای ترمیم کنندۀ استخوان شکسته،ای رهانندۀ هر اسیر ای بی نیاز کنندۀ هر بینوای تهدیست،ای پناه هر ترسان پناه جو،ای آنکه تدبیر و تقدیر از آن اوست،ای آنکه دشواریها برای او سهل و آسان است،ای آنکه نیازمند به دلیل و تفسیر نیست،ای آنکه بر هر کاری تواناست،ای آنکه به هر چیزی داناست،ای آن به همه چیز بیناست،ای فرستندۀ بادها،ای شکافندۀ روشنی صبح ای برانگیزنده ارواح،ای صاحب جود و بخشش،ای آنکه هر کلیدی به دست اوست،ای شنوندۀ هر نجوا ای پیشتر از هر آنچه گذشته،ای حیات بخش هر جان پس از مرگ،ای توشه ام در سختی،ای نگهدارم در غربت،ای همدمم در تنهایی،ای سرپرستم در نعمت،ای پناهم آنگاه که روشهای ناهنجار درمانده ام سازد و نزدیکان رهایم کنند،و هر همدمی دست از یاری ام بردارد،ای تکیه گاه آنکه تکیه گاهی ندارد،ای پشتوانه کسی که پشت وپناهی ندارد

ای اندوخته هر بی اندوخته،ای نگهدار آنکه نگهداری ندارد،ای پناه بی پناهان،ای گنجینۀ کسی که برایش گنج نیست ای تکیه گاه هر بی کس،ای فریادرس آنکه برایش فریادرسی نیست،ای همسایۀ بی همسایگان،ای همسایۀ همراه من ای تکیه گاه محکم،ای خدای من به حقیقت،ای پرورگار خانۀ کعبه،ای مهربان ای دوست،رهایم کن از بندهای تنگناها،و هر غم و اندوه و تنگی را از من برگردان و شرّ آنچه را تاب نیاورم از من دور ساز و بر آنچه می توانم یاری ام ده،ای بازگردانندۀ یوسف نزد یعقوب،ای برطرف کنندۀ رنج ایّوب،ای آمرزندۀ خطای داود،ای بالا برندۀ عیسی بن مریم و رهایی بخش او از دست یهود،ای پاسخ دهندۀ به ندای یونس در دل تاریکیها ای برگزینندۀ موسی برای سخن گویی،ای آنکه خطای آدم را بخشید و ادریس را به رحمت خویش به جایگاه بلندی برکشید،ای آنکه نوح را از غرق شدن نجات بخشید،ای آنکه هلاک ساخت قوم عاد نخستین و قوم ثمود را و هیچکس از آنان را باقی نگذاشت،و پیش از آنها قوم نوح را هلاک نمود زیرا آنها ستمکارتر و سرکش تر بودند و نابود ساخت افترازنندگان را که در زمین فرو رفتند،ای آنکه بر قوم لوط واژگون نمود،و بر قوم شعیب عذابی دردناک فرستاد،ای آنکه ابراهیم را دوست خویش ساخت،ای آنکه موسی را همسخن خود ساخت،و محمد(درود خدا بر او و همه خاندانش)را محبوب خویش برگرفت،ای بخشندۀ حکمت به لقمان و بخشندۀ فرمانروایی به سلیمان، چنان فرمانروایی که برای احدی پس او سزاوار نیست،ای آنکه ذو القرنین را بر فرمانروایان سرکش پیروز نمود،ای آنکه به خضر زندگی جاودان عطا فرمود،و خورشید را پس از غروبش برای یوشع بن نون برگرداند،ای آنکه آرامش بخشید به قلب

مادر موسی و عفت و پاکی مریم دختر عمران را حفظ نمود،ای آنکه یحیی پسر زکریّا را از گناه پاک داشت و خشم را از موسی باز نشاند،ای آنکه زکریّا را به تولّد یحیی مژده داد،ای آنکه با فرستادن ذبح عظیم،اسماعیل را از ذبح شدن نجات داد،ای آنکه قربانی هابیل را پذیرفت،و لعنت را بر قابیل قرار داد،ای گرزدهندهٔ گروهها دشمن محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)،بر محمّد و خاندان محمّد و بر همهٔ فرستادگان و فرشتگان بارگاهت و بر اهل طاعتت همگان درود فرست،و از تو خواستارم هر خواهشی را که بندگان مورد خشنودیت از تو خواسته اند،و اجابت خواهش آنها حتم فرمودی،ای خدا،ای خدا،ای بخشنده،ای بخشنده،ای بخشنده، ای مهربان،ای مهربان،ای مهربان،ای دارای شکوه و کرامت،ای دارای شکوه و کرامت،ای دارای شکوه و کرامت،به او،به او،به او،به او،به او،به او،به او،از تو خواستارم به هر نامی که خود را به آن نامیدی،یا آن را در کتابی از کتابهایت فرو فرستادی،یا آن را در علم غیبت نزد خود نگاه داشتی،و به بندگاههای بلند عرشت،و و بهنتهای رحمت از کتاب سرنوشت خویش و به آنچه در این آیه است:«اگر همهٔ درختان روی زمین قلم باشند و دریا هم مرکب شود که از پس آن هفت دریای دیگر مدوش کنند کلمات خدا تمام نمی شود،همانا خدا عزیز است»،و تو را می خوانم به نامهای نیکویت که آنها را در کتابت وصف کرده و گفتی:«و برای خدا نامهای نیکوست،پس خدا را به آنها بخوانید»،و نیز گفتی:

«مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم»،و گفتی:«هرگاه بندگانم از تو دربارهٔ من بپرسند پس به یقین من به آنان نزدیکم،دعای

ص:132

دعا کننده را هرگاه دعا کند پاسخ می دهم»،و گفتی:«ای بندگانم که بر خود اسراف کردید از رحمت خدا ناامید نباشید، همانا خدا همه گناهان را می آمرزد،به یقین او آمرزندۀ مهربان است»و من از تو درخواست می کنم ای خدای من و تو را می خوانم ای پروردگارم،و به تو امیدوارم ای آقایم و در اجابت دعایم به تو طمع دارم ای مولایم،آن طور که به من وعدۀ اجابت دادی،تو را خواندم،و آن گونه که به من امر فرمودی،پس با من چنان رفتار کن که سزاوار تو است ای کریم و سپاس خدای را پروردگار جهانیان و درود خدا بر محمّد و خاندانش همگان.پس خاجت خود را ذکر کن که انشا الله تعالی برآورده خواهد شد و در روایت«مهج الدعوات»است که این دعا را هرگز بدون طهارت نخوان.

دعای معروف به یستشیر

سیّد ابن طاووس در کتاب«مهج الدعوات»از امیر المؤمنین علیه السّلام نقل کرده:حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله این دعا را به من تعلیم داد و امر فرمود آن را در هر حال و برای هر سختی و آسانی بخوانم و نیز آن را به جانشین خود تعلیم دهم و خواندن این دعا را ترک نگویم تا حق تعالی را ملاقات کنم و نیز فرمود:یا علی این دعا را هر صبح و هر شام بخوان زیرا که گنجی از گنجهای عرش الهی است.

ابیّ بن کعب،به پیشگاه حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله التماس کرد که آن حضرت فضیلت این دعا را بیان نماید،حضرت اندکی از ثواب بسیار آن را بیان فرمود.هرکه می خواهد به کتاب«مهج الدعوات»مراجعه نماید.متن دعا این است:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

ستایش خدا را که معبودی جز او نیست،آن فرمانروای بر حق آشکار،تدبیرگر،هستی بی آنکه او را وزیری باشد و یا با آفریده ای از بندگانش مشورت نماید،آغازی است که در وصف نگنجد و پابرجاست پس از فنای آفریدگان،

پرودگاری اش بس بزرگ است،روشنایی آسمانها و زمینها و آفرینندهٔ و پدیدآورندهٔ آن دو است،آسمان و زمین را بی ستون آفرید،و از هم گشودشان گشودنی چشمگیر،پس آمانها به فرمان او بر پا شدند،و زمینها با کوهھایشان بر فراز آب جا گرفت،سپس بلندی گرفت پروردگار ما در آسمانهای بلند،خدا بخشایندهٔ بر فرمانروای یهستی چیره گشت، تنها از آن اوست آنچه در آسمانها و زمین است و هر آنچه بین آن دو و آنچه زیر خاک است،پس من شهادت می دهم که تنها تویی خدا،بالابرنده ای برای آنچه بر زمین نشاندی نیست و نه زمین زننده ای برای آنچه بالا بردی و نه عزّت بخشی آن را که تو خوارش کردی،و خوارکننده ای نیست آن را که تو عزیز نمودی و بازدارنده ای برای آنچه عطا کردی نیست،و نه عطا کننده ای برای آنچه دریغ کردی،و تویی خدا،معبودی جز تو نیست،تو بودی آنگاه که نه آسمانی بنا شده بود و نه زمینی گسترانیده و نه خورشیدی تابان و نه شبی تاریک و نه روزی فروزان و نه دریایی خروشان و نه کوهی استوار و نه ستاره ای روان و نه ماهی تابنده و نه بادی وزان،و نه ابری پرباران،و نه برقی درخشان،و نه صاعقه ای تسبیح گویان،و نه روحی دم زنان و نه پرنده ای پرآن و نه آتشی فروزان و نه آبی روان بوده باشند،پیش از هر چیز بودی و همه چیز را پدید آوردی و بر هر چیز توانا بودی و همه چیز را نو آفریدی و توانگر نمودی و ناتوان ساختی و میراندی و زنده نمودی و خنداندی و گریاندی،و بر فرمانروایی هستی چیره گشتی،پس خجسته بودی،ای خدا،و بلندی گرفتی،تویی خدایی که معبودی جز تو نیست،آفرینندهٔ یاری رسانی که فرمانت چیره

ص:134

و علمت نافذ،و نیرنگت شگفت،و وعده ات راست،و گفته ات،حق،و داوری ات دادگرانه و مخنت هدایتگر و پیامت نور و رحمتت فراگیر،و گذشتت بزرگ و بخششت بسیار،و عطایت فراوان و ریسمانت استوار،و یاری ات فراهم و پناهندات عزّتمند و عذابت سخت،و نیرنگت زیرکانه است،تو ای پروردگار من آستانت جایگاه هر شکایتی است و خود حاضر در هر جماعتی و گواه هر گفتگوی نهانی،نهایت هر حاجتی،شادی بخش هر اندوهگین،توانگری هر بر خاک نشسته ای،دژ استوار هر گریزانی،امان هر هراسانی،نگاهدار ناتوانی،گنجینۀ تهیدستانی،غم زدای غم زدگانی، پشتیبان شایستگانی،آن است خدا،پروردگار ما،معبودی جز او نیست،کفایت می کنی از بندگانت آن را که بر تو توکل کند،و تویی پناه آنکه به تو پناه آورد و به درگاهت زاری نماید،نگهدار کسی که به دامن تو چنگ زند،یار آنکه از تو یاری جوید،می آمرزی گناهان آن را که از تو آمرزش خواهد،جبّار جبّارانی،بزرگ بزرگان،سرور سروران،آقای آقایان،سرآمد مولایان،دادرس دادخواهان،گره گشای گرفتاران،اجابت کنندۀ دعای بیچارگان،شنواترین شنوندگان،بیناترین بینندگان،داورترین داوران،سریع ترین حسابرسان،مهربان ترین مهربانان،بهترین آمرزندگان،برآورندۀ حاجات مؤمنان، فریادرس نیکان،تویی خدا،معبودی جز تو نیست،پروردگا جهانیان،تویی آفریدگار و من

ص:135

آفریده و تویی مالک و من مملوک،و تویی پروردگار و من بنده،و تویی روزی دهنده و من روزی خوار،و تویی بخشنده و من سائل،و تویی دارای جود و من بخیل،و تویی توانمند و من ناتوان،و تویی عزّتمند و من خوار،و تویی بی نیاز و من تهیدست،و تویی آقا و من بنده،و تویی آمرزنده و من بدکار،و تویی دانا و من نادان،و تویی بردبار و من شتابزده و تویی رحم کننده و من رحم شده و تویی عافیت بخش و من بلازده و تویی اجابت کننده و من ناچار و پریشان،و گواهی می دهم که تویی خدا،معبودی جز تو نیست،عطابخش بندگانی بدون درخواست ایشان، و گواهی می دهم تویی خدای یگانۀ یکتای بی همتای بی نیاز تک،و بازگشت همه به سوی تو است،خدایا بر محمّد و اهل بیت پاک و پاکیزه اش درود فرست و گناهانم را بیامرز و بر من بپوشان کاستیهایم را و از پیشگامت برای من رحمت و روزی فراوان بگشا،ای مهربان ترین مهربانان،و سپاس خدا را پروردگار جهانیان، و خدا ما را بس است و چه نیکو وکیلی است و جنبش و نیرویی نیست جز به عنایت خدای والای بزرگ.

دعای مجیر

این دعا در بین دعاها از جایگاه بلندی برخوردار است و از حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله روایت شده و دعایی است که جبرئیل برای آن حضرت هنگامی که در مقام ابراهیم مشغول نماز بودند آورد و کفعمی در«بلد الامین»و«مصباح»این دعا را ذکر نموده و در حاشیه آن

به فضیلت آن اشاره کرده،از جمله اینکه هر که این دعا را در«ایام البیض»[روزهای سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم]ماه رمضان بخواند گناهش آمرزیده می شود،هرچند به عدد دانه های باران و برگهای درختان و ریگهای بیابان باشد.و خواندن آن برای شفای بیمار و ادای دین و بی نیازی و توانگری و رفع غم و اندوه سودمند است.و دعا این است:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

منزّهی تو ای خدا،بلندمرتبه هستی ای بخشنده،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای مهربان،بلندمرتبه هستی ای کریم،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای فرمانروا،بلندمرتبه هستی ای مالک،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای بری از هر عیب،بلندمرتبه هستی ای سلام،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای ایمن بخش، بلندمرتبه هستی ای چیره بر هستی،مار از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای عزّتمند،بلندمرتبه هستی ای جبّار،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای بزرگ منش،بلندمرتبه هستی ای بزرگ منش،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای آفریننده،بلندمرتبه هستی ای آفرینشگر،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای صورت آفرین،بلندمرتبه هستی ای تقدیر کننده، ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای راهنما،بلندمرتبه هستی ای ماندگار،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده منزّهی تو ای بخشایشگر،بلندمرتبه هستی ای بسیار توبه پذیر،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای گشایشگر، بنلدمرتبه،هستی ای خستگی ناپذیر،ما را از آتش پناه ای پناه دهنده،منزّهی تو ای سرورم،بلندمرتبه هستی ای مولایم، ما از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای نزدیک،بلندمرتبه هستی ای نگاهبان،ما را از آتش پناه ده ای پناه هنده،

منزّهی تو ای پدید آورنده،بلندمرتبه هستی ای بازگرداننده،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای ستوده،بلندمرتبه ای دارای عظمت،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای دیرینه،بلن مرتبه هستی ای بزرگ،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای آمرزگار،بلندمرتبه هستی ای ستایش پذیر،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای گواه، بلندمرتبه هستی ای حاضر،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای مهربان،بلندمرتبه هستی ای منتّگذار،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای برانگیزنده،بلندمرتبه هستی ای میراث بر،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده منزّهی تو ای زندگی بخش،بلندمرتبه هستی ای میراننده،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای مهربان،بلندمرتبه هستی ای همراه،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده منزّهی تو ای همدم،بلندمرتبه هستی ای مونس ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای بزرگ منزلت،بلندمرتبه هستی ای زیبا،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای آگاه،بلندمرتبه،هستی ای بینا،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای عطابخش،بلندمرتبه هستی ای امان ده، ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای معبود،بلندمرتبه هستی ای موجود،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده منزّهی تو ای بسیار آمرزنده،بلندمرتبه هستی ای ستوده،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای یاد شده،بلندمرتبه هستی ای سپاس شده،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای بخشنده،بلندمرتبه هستی ای پناهگاه،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای زیبا،بلندمرتبه هستی ای باشکوه،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای پیش از

همه،بلندمرتبه هستی ای روزی دهنده،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای راستگو،بلندمرتبه هستی ای شکافنده،ما را از ای پناه دهنده،منزّهی تو ای شنوا،بلندمرتبه هستی ای سریع،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای بلندپایه،بلندمرتبه هستی ای نوآفرین،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای همواره در کار،بلندمرتبه هستی ای والاتر، ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای قضاوت کننده،بلندمرتبه هستی ای خشنود،مار از آتش پناه ده ای پناه دهنده، منزّهی تو ای چیره،بلندمرتبه هستی ای پاک،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده منزّهی تو ای دانا،بلندمرتبه هستی ای حکمران،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای پاینده،بلندمرتبه هستی ای پایدار،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای نگهدارنده،بلندمرتبه هستی ای پخش کننده،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای بی نیاز، بلندمرتبه هستی ای بی نیاز کننده،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای باوفا،بلندمرتبه هستی ای توانا،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای کفایت کننده،بلندمرتبه هستی ای شفابخش،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای پیش انداز،بلندمرتبه هستی ای پس انداز،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای آغاز،بلندمرتبه هستی ای انجام ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای آشکار،بلندمرتبه هستی ای نهان،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای امید،بلندمرتبه هستی ای امیدبخش،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای عطابخش،بلندمرتبه هستی ای هماره بخشایشگر، ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای زنده،بلندمرتبه هستی ای به خود پاینده،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو

ص:139

ای یگانه،بلندمرتبه هستی ای یکتا،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای سرور،بلندمرتبه هستی ای مقصود همه ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای توانا،بلندمرتبه هستی ای بزرگ،ما از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای ولایت مدار،بلندمرتبه هستی ای بلند پایه ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای والا،بلندمرتبه هستی ای والاتر، ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای سرپرست،بلندمرتبه هستی ای مولا،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده، منزّهی تو ای پدیدآور،بلندمرتبه هستی ای آفرینشگر،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای فرود آور، بلندمرتبه هستی ای فرازبر،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای دادگر،بلندمرتبه هستی ای گردآور،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای عزّت بخش،بلندمرتبه هستی ای خوارساز،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای نگاهبان،بلندمرتبه هستی این نگاهبان،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای توانا،بلندمرتبه هستی ای توانمند ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای دانا،بلندمرتبه هستی ای بردبار،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای داور،بلندمرتبه هستی ای فرزانه،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای عطابخش،بلندمرتبه هستی ای بازدار، ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای زیان رسان،بلندمرتبه هستی ای سودبخش،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای اجابت کننده،بلندمرتبه هستی ای حسابرس،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای دادگر،بلندمرتبه هستی ای جدایی انداز،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای مهربان،بلندمرتبه هستی ای شریف،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای پروردگار،بلندمرتبه هستی ای حقیقت

پایدار،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای پرشکوه،بلندمرتبه هستی ای گانه،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای درگذرنده، بلندمرتبه هستی ای انتقام گیرنده،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای بسیار عطابخش،بلندمرتبه هستی ای عطاگستر،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای پرمهر،بلندمرتبه هستی ای نوازشگر،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده منزّهی تو ای یگانه،بلندمرتبه هستی ای بی همتا،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای روزی بخش،بلندمرتبه هستی ای فراگیر،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای وکیل،بلندمرتبه هستی ای عدالت محض،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده منزّهی تو ای آشکار،بلندمرتبه هستی ای استوار،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای نیکو،بلندمرتبه هستی ای مهروز،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزهی تو ای راهنما،بلندمرتبه هستی ای راهبر،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای روشنایی،بلندمرتبه هستی ای روشنی بخش،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای یاری رسان، بلندمرتبه هستی ای یاور،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای بردبار،بلندمرتبه هستی ای شکیبا،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای شمارشگر،بلندمرتبه هستی ای آفرینشگر،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای پاک و منزّه،بلندمرتبه هستی ای جزادهنده،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای فریادرس،بلندمرتبه هستی ای پناه، ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،منزّهی تو ای آفریننده،بلندمرتبه هستی ای حاضر،ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده، منزّهی تو ای صاحب شکوه و زیبایی،بلندمرتبه هستی ای دارای جبروت و جلال،منزّهی تو،معبودی جز

ص:141

جز تو نیست منزّهی تو،همانا من از ستمکاران بودم،پس دعایش را اجابت کردیم و او را از اندوه رهانیدیم و این چنین اهل اهل ایمان را رهایی بخشیم،و درود خدا بر آقای ما محمّد و خاندان او همه و سپاس خدا را پروردگار جهانیان و خدا ما را بس است و چه نیکو وکیلی است،و جنبش و نیرویی نیست،جز به عنایت خدای والای بزرگ.

دعای عدیله

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدا برپا دارندۀ عدل و داد گواهی داد که معبودی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش نیز گواهند که معبودی جز او نیست هم او که عزّتمند و حکمت مدار است،همانا دین راستین نزد خدا اسلام است و من بندۀ ناتوان گنهکار نافرمان نیازمند ناچیز تو گواهی می دهم به نعمت دهنده و آفریننده و روزی بخش و اکرام کنندۀ خویش،چنان که خود گواهی،داد بر یگانگی ذاتش و هم گواهی دادند فرشتگان و صاحبان دانش از بندگانش بر اینکه معبودی جز او نیست،هم او که صاحب نعمتها و احسان و کرم و بخشش است،آن توانای بی ابتدا دانای بی انتها،زندۀ یکتا،موجود همیشگی،شنوای بینا،خواهان ناخواه،دریابندۀ بی نیازی،که او شایستۀ این صفات است و او در پردۀ عزّ صفات خویش آن گونه است که تنها خود داند توانا بود پیش از پیدایش توانایی و نیرو،دانا بود پیش از آفریدن دانش و آفرینش،همواره پادشاه بود آنگاه که نه کشوری بود و نه مالی،و همیشه منزّه بود در همه حال،

وجودش پیش از پیش بود در آغاز محض،و بقایش بعد از بعد است بدون جابجایی و دگرگونی، توانگر است در آغاز و انجام،بی نیاز است در باطن و ظاهر،در داوری اش ستمی نیست و در اراده اش انحرافی وجود ندارد،و در تقدیرش بیدادی به چشم نمی خورد،و از حکومتش راه گریزی نیست،و از شدّت خشمش پناهگاهی وجود ندارد و از انتقامش راه نجاتی نمی باشد،رحمتش بر خشمش پیشی گرفت،آن را که بخواهد از چنگش نرهد موانع تکلیف را برطرف ساخته و توفیق را یکسان قرار داده است بین ناتوان و شریف،ممکن نمود ادای وظیفه را و راه دوری جستن از حرام را هموار ساخت،طاعت را تکلیف ننمود جز به کمتر از ظرفیت و طاقت،منزّه است او چه آشکار است کرمش و چه والاتر است مقامش،منزّه است او چه،بزرگ است عطایش و چه بزرگ است احسانش پیامبران را برانگیخت تا دادگری اش را بیان کنند و جانشینان آنان را بگماشت تا نمایان سازد عطای بی حد و فضلش را و ما را از امت سرور انبیاء و بهترین اولیاء و برترین برگزیده ها و والاترین پاکان محمّد، (درود خدا بر او و خاندانش)قرار داد،به او ایمان آوردیم و به آنچه ما را بسوی آن دعوت کرد و به قرآنی که خدا بر او نازل نمود و به جانشینش که در روز غدیر معین کرد و با گفته اش به او اشاره نمود و فرمود:«این علی است».و شهادت می دهم که امامان نیکو کردار و جانشینان نیکوکار پس از رسول برگزیدۀ خدا،علی سرکوبگر کافران است و پس از او سرور فرزندانش حسن بن علی،سپس برادرش نوادۀ پیامبر،پیرو رضای خدا:حسین،

سپس عبادت کنندهٔ علی،سپس باقر محمّ،سپس صادق جعفر،سپس کاظم موسی،سپس رضا علی سپس تقی محمّد،سپس نقی علی،سپس زکیّ عسگری حسن،سپس حجّت،جانشین بر حق،قائم منتظر مهدی،آن امیدبخشی که به بقایش دنیا باقیست،و از برکتش بندگان روزی یافته اند و به وجودش زمین و آسمان استوار گشته است و خدا به وسیلهٔ او زمین را از عدل و داد پر می کند،پس از آنکه از ستم و بیداد پر شده و شهادت می دهم که گفتار آنان حجّت،و پیروی از آنان واجب و اطاعتشان بایسته،و دوستی با آنان لازم و ختم و اقتداری به آنان نجات بخش و مخالفتشان سرنگون کننده است،و ایشان سروران همهٔ اهل بهشت و شفیعان روز جرا و امامان اهل زمین بطور یقین،و برترین جانشینان پسندیده،و شهادت می دهم که مرگ حق است و سؤال قبر و برانگیخته شدن حق و ورود خلایق به محشر و صراط و میزان،و حساب حق و کتاب و بهشت و جهنم همه و و همه بر حق است و ساعت موعود آمدنی است،هیچ تردیدی در آن نیست و اینکه خدا آنان که در قبرها هستند را برخواهد انگیخت.خدایا ! بخششت امید من و کرم و رحمتت آرزوی من است،عملی که به آن سزاوار بهشت باشم ندارم و طاعتی که به آن شایستهٔ خشنودی گردم در پرونده ام نیست،جز اینکه یگانگی و دادگری ات را باور دارم،و به احسان و فضلت دل بستم و از محبوبانت:پیامبر و خاندانش را در بارگاه تو شفیع آوردم و تو کریم ترین

ص:144

کریمانی و مهربان ترین مهربانانی و درود خدا بر پیامبران محمّد و همه خاندانش آن پاکان و پاکیزگان و سلام بسیار او بر آنان باد،و جنبش و نیرویی نیست جز به عنایت خدای والای بزرگ،خدایا ای مهربان ترین مهربانان،این یقین و استواری در دینم را به تو سپردم و تو بهترین امانتداری، چه تو خود ما را به حفظ امانتها فرمان دادی،پس این امانت مرا گاه فرارسیدن مرگم به من برگدان،به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.مؤلف گوید:در دعاهای روایت شده چنین آمده:

خدایا من از عدیله به هنگام مرگ به تو پناه می آورم.و عدیله به هنگام مرگ یعنی عدول کردن از حق به سوی باطل به گاه جان دادن،و عدول از حق چنین است که شیطان هنگام مرگ نزد انسان حاضر می شود و او را وسوسه کرده و نسبت به باورهای دینی به شک می اندازد،تا جایی که او را از مدار ایمان بیون کند و به همین دلیل است که در دعاها از این عدول به خدا پناه برده شده.و جناب فخر المحققین رحمه اللّه چنین فرموده:هرکه می خواهد از این وسوسه های به هنگام مرگ در امان باشد، دلایل ایمان و اصول پنجگانه را با برهانهای قطعی و صفای باطن،در ضمیرش حاضر نموده و آنها را به حق تعالی بسپارد که هنگام مرگ به او بازگرداند،بدینسان که پس از اظهار عقاید بر حق بگوید:

خدایا !ای مهربان ترین مهربانان همانا من این یقین و استواری دینم را به تو سپردم و تو بهترین امانتدار هستی چه تو خود ما را به حفظ امانتها فرمان دادی،پس آن را به گاه فرارسیدن مرگم به من بازگردان.

بنا بر گفته فخر المحققین رحمه اللّه خواند دعای شریف عدیله و به یاد سپردم معنای آن در ذهن برای به سلامت رستن از خطر«عدیله عند الموت»سودمند است.و امّا این دعای مذکور روایت معصوم است یا انشای علمای شیعه؟باید گفت:بنا بر گواهی عالم برجسته در علم

حدیث شناسی و بررسی کنندۀ روایات و گردآورندۀ تمام اخبار ائمه ع دانشمند زبردست و خبره و محدّث ناقد و بصیر،شیخنا الاکرم و المحدث الأعظم مولانا الحاج میرزا حسین نوری«نور الله مرقده»این دعا از معصومین نیست،چنان که فرموده است:

دعای عدیله معروف از نوشته های بعضی از اهل علم است و از معصومین ع روایت نشده است و در کتابهای حاملان حدیث و نقّادان روایت موجود نیست.بدان که شیخ طوسی از محمّد بن سلیمان دیلمی روایت کرده است که به محضر حضرت صادق علیه السّلام عرضه داشتم:شیعیان شما می گویند:ایمان بر دو گونه است:نخستین ایمان مستّقر و دیگر آنکه به امانت نهاده شده و از بین میرود،بنابراین دعایی را به من بیاموز که هرگاه آن را بخوانم ایمانم کامل شود و از بین نرود،ایشان فرمود پس از هر نماز واجب بگو:

خشنودم به اینکه خدا پروردگارم باشد و محمّد(درود خدا بر او و خاندانش باد)پیامبرم،و اسلام آیینم و قرآن کتابم، و کعبه قبله ام،و علی ولی و امامم،و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمّد بن علی و جعفر بن محمّد و موسی بن جعفر و علی بن موسی،و محمّد بن علی و علی بن محمّد و حسن بن علی و حجه بن الحسن که درود خدا بر همۀ آنان باد پیشوایانم باشند.خدایا ! خشنودم به اینکه آنان امامانم باشند،پس مرا مورد پسند و خشنودی ایشان قرار ده زیرا تو بر هر کاری توانایی.

دعای جوشن کبیر

این دعا در کتابهای بلد الامین و مصباح کفعمی آمده،از حضرت سیّد الساجدین علیه السّلام،از پدر ایشان از جدّ بزرگوارش حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله روایت شده:این دعا را جبرئیل برای آن حضرت در یکی از جنگها فرود آورد،درحالی که زره سنگینی بر تن آن جناب بود به گونه ای که سنگینی آن بدن مبارک آن حضرت را به درد آورده بود.جبرئیل عرضه داشت:یا محمّد پروردگارت به تو سلام میرساند و میفرماید:این جوشن(زره) را از تن خود بیرون کن و این دعا را بخوان که برای تو و امّتت موجب ایمنی است.سپس شرحی در فضیلت این دعا ذکر فرموده که اینجا جای

بیان تمام آن نیست ولی به برخی از آن اشاره می کنیم از جمله آنکه هرکه آن را بر کفنش بنویسد،خدا به احترام آن او را به آتش نمی افکند و و هرکه آن را در اول ماه رمضان با نیّت خالص و دلی پاک بخواند،حق تعالی بهره مندی را روزی او می کند،و برای وی هفتاد هزار فرشته می آفریند که خدا را تسبیح و تقدیس کنند و ثوابش را برای او قرار دهند.در ادامه نیز فضیلت زیادی نقل کرده تا آنکه فرمود:هرکه آن را در ماه رمضان سه بار بخواند،خدا بدن او را بر آتش جهنم حرام می کند،و بهشت را برای او واجب می گرداند،و دو فرشته را بر او می گمارد تا او را از گناهان حفظ کنند،و در طول زندگی خود در امان خدا باشد و در پایان روایت آمده:امام حسین علیه السّلام فرمود:پدرم علی بن ابی طالب علیه السّلام به حفظ این دعا وصیّت کرد،و نیز اینکه آن را بر کفن ایشان بنیوسم و به اهل خود تعلیم دهم و آنان را به خواندنش ترغیب نمایم.

این دعا مشتمل بر هزار نام از نامهای خدا است و اسم اعظم نیز در آن است.

فقیر گوید:از این روایت دو نکته استفاده می شود،اوّل:استحباب نوشتن این دعا بر کفن چنان که علاّمه بحر العلوم(عطر مرقده) در کتاب«الدرّه»به آن اشاره فرموده است:

شد مستحب نوشتن بر اکفان*گواه بر اسلام و هم بر ایمان* و هم نوشتن کتاب قرآن*و جوشن آن دعای امن و امان دوّم:استحباب خواندن این دعا در اوّل ماه رمضان،و امّا دربارۀ قرائت آن در خصوص شبهای قدر باید گفت، ذکری از آن در این روایت نیامده است ولی علاّمۀ مجلسی قدس سره روحه در کتاب«زاد المعاد»آن را در ضمن اعمال شبهای قدر ذکر نموده است و در پاره ای از روایات نیز وارد شده که دعای«جوشن کبیر»را در هر یک از شبهای قدر بخوانند.و برای ما در این مقام فرمایش علاّمۀ مجلسی احلّه اللّه دار المقام کافی است.

در هر صورت این دعا مشتمل بر صد بند است،و هر بندی مشتمل بر ده نام از نام های خداست که در آخر هر بند باید گفت:

منزّهی تو ای که معبودی جز تو نیست،فریادرس فریادرس،ما را از آتش برهان ای پروردگار و در کتاب

«بلد الامین»آمده است که در آغاز هر بند«بسم اللّه»بگوید و در آخرش:منزّهی تو ای که معبودی جز تو نیست،فریادرس فریادرس بر محّمد و خاندانش درود فرست و ما را ای پروردگار از آتش رهایی بخش،ای سرچشمۀ هیبت و کرامت،ای مهربان ترین مهربانان.و آن دعا این است:به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

(1)خدایا از تو خواستارم به نامت،ای خدا،ای بخشنده،ای مهربان،ای گرامی،ای پایدار،ای بزرگ،ای دیرینه ای دانا،ای شکیفا،ای فرزانه،منزّهی تو ای که معبودی جز تو نیست، فریادرس فریادرس،ما را از آتش برهان ای پروردگار من.(2)ای سرور سروران،ای برآورندۀ دعاها،ای بلندی بخش جایگاه ها،ای سرچشمۀ نیکیها،ای درگذرنده از خطاها،ای عطابخش خواسته ها،ای پذیرندۀ توبه ها،ای شنوندۀ نداها،ای دانای رازها،ای دور کنندۀ بلاها(3)ای بهترین آمرزگاران،ای بهترین گشایشگران ای بهترین یاوران،ای بهترین داوران،ای بهترین روزی دهان،ای بهترین وارثان،ای بهترین ستایشگران ای بهترین یادآوران،ای بهترین عطابخشان،ای بهترین نیکوکاران،(4)ای آنکه شکوه و زیبایی تنها از آن اوست ای آنکه توانایی و برازندگی تنها از آن اوست،ای آنکه فرمانروایی و شوکت تنها از آن اوست،ای آنکه اوست بزرگ و برتر،ای پدیدآورندۀ ابرهای پرباران،ای آنکه نیرومند،و پرتوان است،ای آنکه حسابرسی چالاک است،ای آنکه کیفرش سخت و شدید است،ای آنکه پاداش نیک تنها نزد اوست،ای آنکه دفرت هستی پیش روی اوست(5)

ص:148

خدایا !از تو خواستارم به نامت ای پرمهر،ای بخشایشگر،ای جزادهنده،ای روشنی خرد،ای فرمانروا،ای خشنودی،ای آمرزش،ای پاک،ای پشتوانه،ای صاحب نعمت و بیان(6)ای آنکه همه در برابر عظمتش فروتن،ای آنکه همه در برابر قدرتش تسلیم،ای آنکه همه در برابر عزّتش خوار، ای آنکه همه در برابر هیبتش هراسان،ای آنکه همه از ترسش فرمانبردار،ای آنکه کوهها از بیمش شکافته،ای آنکه آسمانها به امرش بر پا،ای آنکه زمینها به اجازه اش بر جا،ای آنکه رعد به ستایشش تسبیح گو است،ای آنکه بر اهل مملکتش ستم نمی کند(7)ای درگذرنده از خطاها،ای برطرف کنندۀ بلاها،ای اوج امیدواریها،ای بسیاردهندۀ عطاها،ای بخشندۀ هدایا، ای روزی رسان آفریده ها،ای برآورندۀ آرزوها،ای شنوای گلایه ها،ای برانگیزندۀ بندگان،ای بندگشای دربندان(8) ای صاحب سپاس و ستایش،ای صاحب فخر و زیبایی،ای صاحب بزرگواری و والایی،ای صاحب پیمان و وفا، ای صاحب گذشت و رضا،ای صاحب بخشش و عطاء،ای صاحب دادرسی و داوری،ای صاحب عزّت و بقا،ای صاحب کرم و بخشش،ای صاحب عطاها و نعمتها(9)خدایا از تو خواستارم به نامت ای بازدارنده،ای دور کننده،ای بردارنده،ای سازنده،ای سودبخش،ای شنوا،ای گردآورنده،ای یاریگر،ای مهرگستر،ای وسعت بخش(10)ای سازندۀ هر ساخته،ای آفرینندۀ هر آفریده،ای روزی بخش هر روزی خوار ای

ص:149

دارای هر دارایی،ای غمگسار هر غمزده،ای فرج بخش هر اندوهگین،ای مهرورز بر هر مهرجو ای یاور هر بی یاور،ای پرده پوش هر کاستی،ای پناه هر رانده.(11)ای توشه ام در سختی،ای امیدم در ناگواری،ای همدم در وحشت،ای همرهم در غربت ای سرپرستم در نعمت،ای فریادرسم در گرفتاری،ای رهنمایم در سرگردانی،ای توانگری ام در تنگدستی ای پناهم در دماندگی،ای مددرسانم در پریشانی(12)ای دانای نهانها،ای آمرزندهٔ گناهان،ای پرده پوش عیبها،ای غمگسار غمها،ای دگرگون ساز دلها،ای پزشک قلبها،ای روشنی بخش دلها،ای همدم جانها،ای گره گشای اندوهها،ای گشایشگر دلتنگیها (13)خدایا !از تو درخواست می کنم به نامت ای والا،ای زیبا،ای کارگشا،ای سرپرست،ای راهنما،ای پذیرا،ای گرداننده،ای عطابخش،ای درگذرنده،ای حال گردان(14)ای رهنمای رهجویان،ای مددرس مددجویان،ای فریادرس فریادکنان،ای پناه پناهندگان،ای ایمنی بخش هراسندگان،ای یاور مؤمنان،ای مهرورز بر خاک نشستگان،ای پناه عصیانگران،ای آمرزندهٔ گنهگاران،ای اجابت کنندهٔ دعای بیچارگان.(15)ای صاحب جود و نیکی،ای صاحب بخش و عطا،ای صاحب امن و امان،ای صاحب قدس و پاکی،ای صاحب حکمت و بیان،ای صاحب رحمت و رضوان

ص:150

ای صاحب حجّت و برهان،ای صاحب عظمت و سلطان،ای صاحب مهر و ای پشتیبان،ای صاحب گذشت و غفران(16)ای آنکه پروردگار همه اوست،ای آنکه معبود همه،اوست،ای آنکه آفرینندهٔ همه،اوست ای آنکه سازنده همه،اوست،ای آنکه پیش از همه بود،ای آنکه بعد از همه هست،ای آنکه از هر چیز برتر است،ای آنکه به همه چیز داناست،ای آنکه بر هر چیز توانا است،ای آنکه او همیشگی است و همه چیز رفتنی است.(17)خدایا! از تو می خواهم به نامت ای ایمنی بخش،ای چیره بر همه،ای هستی آفرین،ای دلبر،ای خردربا،ای سادگی بخش،ای توان ده،ای زینت بخش،ای نمایانگر،ای پخش کن.(18)ای آنکه در فرمانروایی اش پابرجاست ای آنکه در پادشاهی اش دیرینه است،ای آنکه در شکوهش بزرگ است،ای آنکه بر بندگانش مهربان است،ای ای آنکه به هر چیز داناست،ای آنکه بر نافرمانان بردبار است،ای آنکه بر امیدواران اکرام ورزد،ای آنکه در آفرینش حکمت نماید،ای آنکه در حکمتش مهر ورزد،ای آنکه در مهرش دیرینه است.(19)ای آنکه جز به فضلش امید نیست،ای آنکه جز عفوش خواهش نشود،ای آنکه جز به نیکی اش چشم ندوزند،ای آنکه جز از دادش نهراسند،ای آنکه پایدار نماند جز فرمانروایی اش،ای آنکه جز سلطنتش سلطنتی نیست،ای آنکه رحمتش همه را فرا گرفته،ای آنکه رحمتش بر خشمش پیشی گرفته،ای آنکه دانشش همه را فرو گرفته،ای آن که هیچکس همانندش نیست.(20)ای گشایندهٔ اندوه،ای برطرف کنندهٔ غم،ای آمرزندهٔ گناه،ای پذیرندهٔ توبه،ای

آفرینندۀ آفریدگان،ای راست وعده،ای وفادار به پیمان،ای دانای راز نهان،ای شکافندۀ دانه،ای روزی دهندۀ بندگان.(21)خدایا !از تو خواستارم به نامت ای والا،ای وفادار،ای توانگر،ای امان ده،ای پرمهر،ای خشنود،ای پاک،ای نمایان،ای پرتوان،ای فیض بخش.(22)ای آنکه زیبایی را پدیدار نمودی،ای آنکه زشتی را پوشاندی ای آنکه بر گناه سرزنش نکردی،ای آنکه پرده دری ننمودی،ای که گذشتت بزرگ،ای که نیکو درگذری،ای آمرزگانیت فراگیر،ای دستت به مهر گشوده،ای شنوای هر نجوی،ای سرانجام هر گلایه (23)ای دارای نعمت فراوان،ای دارای رحمت فراگیر،ای دارای بخشش آغازین،ای دارای حکمت رسا،ای دارای نیروی برازنده،ای دارای برهان قطعی،ای دارای کرامت هویدا، ای دارای عزّت پایدار،ای دارای توان استوار،ای دارای عظمت بلندپایه.(24)ای پدیدآورندۀ آسمانها ای برنهندۀ تاریکیها،ای رحم کنندۀ اشکهای ریزان،ای درگذرندۀ از لغزشها،ای پوشندۀ زشتیها،ای زندگی بخش مردگان،ای فرود آور آیات،ای دوچندان کن خوبیها،ای ناپدید کننده بدیها، ای سخت شکنجه.(25)خدایا !از تو درخواست می کنم به نامت ای صورتگر،ای سنجیده کار،ای گرداننده،ای پاک کننده،ای روشنی بخش،ای ساده ساز،ای مژده ده،ای بیم ده،ای پیش آور،ای پس آور.(26)ای پروردگار خانۀ محترم،ای پرودگار ماه محترم،ای پرودگار شهر محترم،ای پروردگار رکن و مقام،ای پروردگار

ص:152

مشعر الحرام،ای پروردگار مسجد الحرام،ای پروردگار حلال و حرام،ای پروردگار روشنی و تاریکی، ای پروردگار تحیّت و سلام،ای پرورندۀ نیرو در مردمان.(27)ای داورترین داوران،ای دادگرترین دادگران،ای راستگوترین راستگویان،ای پاکترین پاکان،ای بهترین آفرینندگان،ای چابکترین حسابگران،ای شنواترین شنوندگان،ای بیناترین بینندگان،ای یاورترین یاوران،ای گرامی ترین گرامیان.(28)ای تکیه گاه آنکه تکیه گاه ندارد،ای پشتیبان آنکه پشتیبانی ندارد،ای اندوختۀ آنکه اندوخته ای ندارد ای پناه آنکه پناهی ندارد،ای فریادرس آنکه فریادرسی ندارد،ای افتخار آنکه افتخاری ندارد،ای عزّت آنکه عزّتی ندارد ای مددرسان آنکه مددی ندارد،ای همدم آنکه همدمی ندارد،ای ایمنی بخش آنکه ایمنی ندارد(29)خدایا !از تو می خواهم به نامت ای نگهدار،ای پایدار،ای پاینده،ای مهرورز،ای سلامتی بخش،ای داور،ای دانا،ای بخش کن،ای بازگیر،ای فراخی بخش.(30)ای نگهدار آنکه از او نگهداری جوید،ای مهربان بر آنکه از او مهر جوید،ای آمرزندۀ آنکه از او آمرزش خواهد ای یاور آنکه از او یاری طلبد،ای حافظ آنکه از او حفاظت خواهد،ای اکرام کنندۀ آنکه از او اکرام خواهد،ای راهنمای آنکه از او راهنمایی جوید،ای دادرس آنکه از او دادرسی خواهد،ای مددیار آنکه از او مدد جوید،ای فریادرس آنکه از او فریادرسی خواهد(31) ای عزیزی که خوار نگردد،ای لطیفی که دست اندازی نشود،ای پایداری که خوا او را درنیابد،ای پاینده ای که فنا نپذیرد،ای زنده ای که نمی میرد، ای پادشاهی که از بین نمی رود،ای همیشگی که فانی نمی شود،ای دانایی که نادانی ندارد،ای بی نیازی که خوراک نخواهد،ای توانایی که ناتوان نمی گردد

(32)خدایا !از تو درخواست می کنم به نامت ای یکتا،ای یگانه،ای گواه،ای بزرگوار،ای ستایش پذیر،ای راهنما ای برانگیزنده،ای میراث برنده،ای زیان رسان،ای سودبخش(33)ای بزرگ تر از هر بزرگ،ای کریم تر از هر کریم، ای مهربان تر از هر مهربان،ای داناتر از هر دانا،ای فرزانه تر از هر فرزانه،ای دیرینه از هر دیرینه، ای بزرگ تر از هر بزرگ،ای لطیف تر از هر لطیف،ای باشکوه تر از هر باشکوه،ای عزیزتر از هر عزیز.(34)ای گذشت کریمانه،ای نعمتت بزرگ،ای خیرت بسیار،ای فضلت دیرینه،ای لطفت همیشگی، ای ضنعت چشم نواز،ای گره گشای گرفتاری،ای بردارندۀ زیان،ای پادشاه هستی،ای داور بر حق، (35)ای آنکه در پیمانش وفادار است،ای آنکه در وفاداری اش پایدار است،ای آنکه در پایداری اش والاست،ای آن که در والایی اش نزدیک است،ای آنکه در نزدیکی اش با نرمی است،ای آنکه در نرمی اش شریف است،ای آنکه در شرفش با عزّت است،ای آنکه در عزّتش بزرگ است،ای آنکه در بزرگی اش شکوهمند است،ای آنکه در شکوهش ستوده است.(36)خدایا !از تو درخواست می کنم به نامت ای بسنده،ای درمان بخش،ای وفادار،ای تندرستی ده ای راهنما،ای به نیکی خوان،ای داور،ای خشنود،ای بلندمرتبه،ای ماندگار.(37)ای آنکه هر چیز برایش فروتن است،ای آنکه هر چیز از او هراسان است،ای آنکه هستی هر چیز از او است،ای آنکه هر چیز به او پدیدار است،ای آن که هر چیز به سوی او بازگشت کند،ای آنکه هر چیز از او ترسان است،ای آنکه هر چیز به او بر پاست،ای آنکه هر

چیز به سوی او دگرگون می شود،ای آنکه هر چیز به ستایش او تسبیه گو است،ای آنکه هر چیز جز جلوه اش نابود است(38) ای آنکه گریزگاهی نیست جز به بارگاهش،ای آنکه پناهی جز به درگاهش نیست،ای آنکه مقصدی جز به سوی او نیست،ای آنکه از خشمش رهای نیست جز به مهرش،ای آنکه جز به سوی او میلی نیست،ای آنکه جنبش و نیرویی نیست جز به او،ای آنکه جز از او مدد نجویند،ای آنکه جز بر او توکل نشود،ای آنکه جز به او امیدی نیست،ای آنکه جز او پرستیده نشود.(39) ای بهترین هراس انگیزان،ای بهترین شوق آفرینان،ای بهترین جویاشدگان،ای بهترین پاسخ دهان،ای بهترین قصه شدگان ای بهترین یادشدگان،ای بهترین ستودگان،ای بهترین دلبران،ای بهترین خواندگان،ای بهترین همدمان. (40)خدایا !از تو خواستارم به نامت ای آمرزگار،ای پرده پوش،ای توانا،ای چیره،ای آفریننده ای شکننده،ای شکسته بند،ای یادآور،ای بینا،ای یاور. (41)ای آنکه آفرید پس متناسب نمود،ای آنکه اندازه نهاد پس رهنمون شد ای آنکه بلا را برگیرد،ای آنکه زمزمهٔ نهان را بشنود،ای آنکه غرق شدگان را برهاند،ای آنکه از نابودی رهایی بخشد،ای آنکه بیماران را شفا دهد.

ای آنکه خنداند و گریاند،ای آنکه میراند و زنده کند،ای آنکه دوگونه مرد و زن آفرید.(42) ای آنکه در خشکی و دریا راه اوست،ای آنکه در کرانه های هستی نشانه های اوست،ای آنکه در نشانه هایش برهان روشن اوست،ای آنکه در مرگ آفریدگان قدرت نمایی اوست،ای آنکه در قبرها پندآموزی اوست،ای آنکه در رستاخیز فرمانروایی بی حدّ اوست،ای آنکه در حسابرسی اعمال شکوه اوست،ای آنکه در سنجش کردارها داوری اوست،ای آنکه در بهشت پاداش اوست،ای آنکه در دوزخ

کیفر اوست(43)ای آنکه هراسندگان به درگاه او گریزند،ای آنکه گنهکاران به سوی او پناه برند،ای آنکه پشیمانان آهنگ او کنند،ای آنکه پارسایان به او میل نمایند،ای آنکه سرگشتگان به او پناه برند،ای آنکه ارادتمندان به او انس گیرند،ای آنکه شیفتگان به او افتخار کنند،ای آنکه خطاکاران در عفوش طمع ورزند،ای آنکه یقین یافتگان به سوی او آرام گیرند،ای آنکه توکّل کنندگان بر او توکّل کنند.(44)خدایا !از تو درخواست می کنم به نامت ای دوست داشتنی،ای شفابخش،ای نزدیک،ای دیده بان،ای حسابرس،ای هراس انگیز،ای پاداش ده،ای اجابت کننده،ای آگاه ای بینا.(45)ای نزدیک تر از هر نزدیک،ای محبوب تر از هر محبوب،ای بیناتر از هر بینا،ای آگاه تر از هر آگاه،ای شریف تر از هر شریف،ای برتر از هر بلند،ای تواناتر از هر توانا،ای توانگرتر از هر توانگر،ای بخشنده تر از هر بخشنده،ای مهربان تر از هر مهربان (46)ای چیرۀ شکست ناپذیر،ای سازندۀ ناساخته،ای آفرینندۀ ناآفریده،ای مالک ما مملوک،ای چیرۀ چیره گی ناپذیر،ای بلندی بخش بلندی ناپذیر،ای نگهدار بی نگهدار،ای یاری کنندۀ یاری نشده،ای گواه همیشه حاضر،ای نزدیک دوری ناپذیر(47)ای روشنی نور،ای روشنی بخش نور ای آفرینندۀ نور،ای گردانندۀ نور،ای به اندازه ساز نور،ای روشنی هر نور،ای روشنایی پیش از هر نور،ای روشنایی پس از هر نور،ای روشنایی بر فراز هر نور،ای نوری که همانندش نوری نیست(48)ای آنکه عطایش

ص:156

چشمگیر است،ای آنکه کارش چشم نواز است،ای آنکه نوازشش پایدار است،ای آنکه نیکی اش دیرینه است،ای آنکه سخنش حق است ای آنکه وعده اش راست است،ای آنکه گذشتش فراتر از شایستگی است،ای آنکه کیفرش داد است،ای آنکه یادش شیرین است،ای آن که عطایش همگانی است.(49)خدایا!از تو درخواست می کنم به نامت ای آسان ساز،ای جدایی بخش،ای دگرگون ساز،ای هموار کن،ای فرود آور،ای عطابخش،ای فزون ده،ای بسیاربخش،ای امان ده،ای زیبایی آفرین(50)ای آنکه بیننده و دیده نشود،ای آنکه بیافریننده و آفریده نشود،ای آنکه راهنمایی کند و راهنمایی نشود،ای آنکه زنده کند و زنده اش نکنند،ای آنکه پرسد و پرسیده نشود،ای آنکه خوراند و خوراک نخواهد،ای آنکه پناهد دهد و پناه نجوید،ای آنکه داوری کند و بر او داوری نشود،ای آنکه فرمان دهد و فرمانش ندهند،ای آنکه نزاده،و زاده نشده،و برای او همتایی نبوده است.(51)ای که چه خوش حسابگری،ای که چه خوش طبیبی،ای که چه خوش همراهی،ای که چه خوش نزدیکی،ای که چه خوش پاسخ دهی، ای که چه خوش دلبری،ای که چه خوش سرپناهی،ای که چه خوش کارگشایی،ای که چه خوش مولایی،ای که چه خوش یاوری(52)ای شادی عارفان،ای آرزوی شیفتگان،ای همدم مریدان،ای محبوب توبه کاران،ای روزی دهندۀ بی چیزان،ای امید گنهکاران،ای نور چشم عبادت کنندگان،ای گشایندۀ اندوه دلگیران،ای غمگسار غمزدگان، ای معبود گذشتگان و آیندگان.(53)خدایا! من از تو درخواست می کنم به نامت ای پروردگار ما،ای معبود ما،ای سرور ما ای مولای ما،ای یاور ما،ای نگهدار ما،ای راهنمای ما،ای مددرسان ما،ای محبوب ما،ای طبیب ما،(54)ای پروردگار

پیامبران و نیکان،ای پروردگار صدّیقان و خوبان،ای پروردگار بهشت و دوزخ،ای پروردگار خردسالان و بزرگسالان،ای پروردگار دانه ها و میوه ها،ای پروردگار نهرها و درختان،ای پروردگار دشتها و بیشه ها،ای پروردگار خشکیها و دریاها،ای پروردگار شب و روز،ای پروردگار آشکارها و نهانها (55)ای آنکه فرمانش در هر چیز نفوذ یافته،ای آنکه دانشش به هر چیز رسیده،ای آنکه قدرتش هر چیز را دربر گرفته،ای آنکه بندگان از شمردن نعمتهایش ناتوانند،ای آنکه آفریدگان به سپاسش نرسند،ای آنکه فهمها بزرگی اش را درنیابند،ای آنکه پندارها به ژرفای هستی اش نرسند،ای آنکه بزرگی و بزرگ منشی پوشش اوست،ای که بندگان توان برگرداندن حکمش را ندارند،ای آنکه فرمانروایی جز فرمانروایی او نیست،ای آنکه عطایی جز عطای او نیست(56) ای آنکه نمونه اعلی از آن اوست،ای آنکه صفات برتر برای اوست،ای آنکه سرانجام و سرآغاز از آن اوست،ای آن که بهشت آسایش از آن اوست،ای آنکه نشانه های بزرگ تر از آن اوست،ای آنکه نامهای نیکوتر از آن اوست،ای آن که فرمان و داوری از آن اوست،ای آن هوا و فضا از آن اوست،ای آنکه عرش و فرش از آن اوست،ای آنکه آسمانهای برافراشته از آن اوست.(57)خدایا !از تو می خواهم به نامت ای درگذرنده،ای آمرزنده،ای شکیبا،ای ستایش پذیر،ای مهربان،ای مهرورز،ای خواسته،ای دوست،ای پاک،ای منزّه.(58) ای آنکه بزرگی اش در آسمان است،ای آنکه نشانه هایش در زمین است،ای آنکه دلایلش در هر چیز است،ای آنکه

شگفتیهایش در دریاست،ای آنکه گنجینه هایش در کوههاست،ای آنکه آفرینش را آغاز کند سپس بازش گرداند،ای آنکه مۀ امور به به سوی او بازگردد،ای آنکه لطفش را در هر چیز نمایان ساخته،ای آنکه آفرینش هر چیز را نیکو پرداخته،ای آنکه توانش در آفریدگان کارگر افتاده است. (59)ای دوست آنکه دوستی ندارد،ای پزشک آنکه پزشکی ندارد،ای پاسخگوی آنکه پاسخگویی ندارد،ای یار مهربان آنکه مهربانی ندارد،ای همراه بی همرهان،ای فریادرس آنکه فریادرسی ندارد،ای رهنمای آنکه رهنمایی ندارد،ای همدم آنکه همدمی ندارد،ای رحم کنندۀ آنکه رحم کننده ای ندارد ای همنشینی آنکه همنشینی ندارد(60)ای کفایت کنندۀ هرکه از او کفایت خواهد،ای راهنمای هرکه از او راهنمایی جوید، ای نگاهبان هرکه از او نگاهبانی خواهد،ای رعایت کنندۀ هرکه از او رعایت خواهد،ای شفادهندۀ هرکه از او شفا طلبد،ای داور هرکه از او داوری خواهد،ای بی نیاز کنندۀ هرکه از او بی نیازی جوید،ای وفادار به هر که از او وفا جوید،ای نیروبخش هرکه از او نیرو خواهد،ای سرپرست هرکه از او سرپرستی خواهد.(61)خدایا !از تو می خواهم به نامت ای آفریننده،ای روزی دهنده،ای گویا،ای راستگو ای شکافنده،ای جدا کننده،ای گشاینده،ای پیونددهنده،ای پیشی گیرنده،ای بلند جایگاه.(62)ای آنکه شب و روز را دگرگون سازد،ای آنکه تاریکیها و روشنایی ها را قرار داد،ای آنکه سایه خنک و گرما را آفرید،ای آنکه خورشید و ماه را مسّخر ساخت،ای آنکه خیر و شر را مقدّر نمود،ای آنکه مرگ و زندگی را آفرید،ای آنکه خلق و امر از آن اوست، ای آنکه همسر و فرزندی نگرفت،ای آنکه در فرمانروایی شریکی برایش نیست،ای آنکه از روی خواری

سرپرستی نخواهد.(63)ای آنکه خواهش خواهشمندان را می داند،ای آنکه از نهاد خاموشان آگاه است،ای آنکه نالۀ درماندگان را می شنود،ای آنکه گریۀ هراسیدگان را می بیند،ای آنکه نیازهای نیازمندان به دست اوست،ای آن بهانۀ توبه کاران را می پذیرد،ای آنکه عمل تبهکاران را صلاح نبخشد،ای آنکه پاداش نیکوکاران را تباه نکند،ای آنکه از دل عارفان دور نباشد ای بخشنده ترین بخشندگان.(64)ای همیشه ماندگار،ای شنوندۀ دعا، ای گستردۀ عطا،ای آمرزنده خطا،ای پدید آورندۀ آسمان،ای نیک آزمون،ای نیکو ستایش،ای دیرینه بر فراز،ای بسیار وفادار،ای شریف پاداش. (65)خدایا !از تو می خواهم به نامت ای پرده پوش ای آمرزگار،ای چیره،ای جاهمند،ای بس شکیبا،ای نیک بخش،ای برگزیده،ای گشاینده،ای روح بخش،ای راحتی بخش(66) ای آنکه مرا آفرید و بیاراست،ای آنکه مرا روزی داد و پرورید،ای آنکه به من خورانید و نوشانید،ای آنکه مرا نزدیک نمود و به کنار خویش برد،ای آنکه مرا نگاه داشت و کفایت نمود،ای آنکه مرا حفظ کرد و حمایت نمود،ای آنکه به من عزّت بخشید و بی نیازم ساخت،ای آنکه توفیقم داد و راهنمایی کرد،ای آنکه همدمم شد و جایم داد،ای آنکه مرا بمیراند و زنده کند.(67)ای آنکه حق را با کلماتش استوار و برجا کند،ای آنکه توبه را از بندگانش بپذیرد،ای آنکه میان انسان و دلش قرار گیرد،ای آنکه شفاعت جز با اجازه اش سود نبخشد،ای آنکه به گمراه شدگان راهش داناتر است،ای آنکه حکمش دگرگونی نپذیرد،ای آنکه رأیش را بازگرداننده ای نیست،ای آنکه هر چیز فرمانش را گردن نهد،ای آنکه آسمانها به دست قدرتش پیچیده گشته،ای

آنکه بادها را مژده دهندۀ رحمتش فرستد.(68)ای آنکه زمین را بستر زندگی قرار داد،ای آنکه کوهها را میخهای زمین نهاد،ای آنکه خورشیدی را چراغ جهانش کرد،ای آنکه ماه را تابان ساخت،ای آنکه شب را جامۀ آرامش گرداند،ای آنکه روز را مایۀ روزی قرار داد،ای آنکه خواب را وسیلۀ آرامش ساخت،ای آنکه آسمان را بنا نهاد،ای آنکه از هر چیز گونه های مختلف قرار داد،ای آنکه آتش را کمینگاه قرار داد.(69)خدایا !از تو می خواهم به نامت ای شنوا، ای همیار،ای بلندپایه،ای فرازمند،ای شبتابنده،ای نوآفرین،ای بزرگ،ای توانا،ای آگاه،ای پناه ده(70) ای زندۀ پیش از هر زنده،ای زندۀ پس از هر زنده،ای زنده ای که مانند او زنده ای نیست،ای زنده ای که هیچ زنده ای شریک او نیست،ای زنده ای که به زنده ای نیاز ندارد،ای زنده ای که همۀ زندگان را می میراند،ای زنده ای که به زنده ها روزی می دهد،ای زنده ای که زندگی را از زنده ای دیگر به ارث نبرده،ای زنده ای که مردگان را زنده می کند،ای زنده ای به خود پاینده ای که او را چرت و خواب درنگیرد.(71)ای آنکه یادی دارد فراموش نشدنی،ای آنکه نوری دارد خاموش نشدنی،ای آنکه عطایایی بخشیده ناشمردنی،ای آن فرمانروایی اش بی زوال است،ای آنکه ستایشش بی آمار است،ای آنکه شکوهش چگونگی نپذیرد،ای آنکه کمالی دارد درک ناشدنی،ای آنکه داوری اش بازگشت ناپذیر است،ای آنکه صفاتی دارد دگرگون پاپذیر ای آنکه جلوه هایی دارد غیر قابل تغییر.(72)ای پروردگار جهانیان،ای مالک روز جزا،ای مقصود جویندگان ای پشت و پناه پناهندگان،ای دریابندۀ فراریان،ای آنکه شکیبایان را دوست دارد،ای آنکه توبه کنندگان را دوست دارد

ص:161

ای آنکه پاکیزگان را دوست دارد،ای آنکه نیکوکاران را دوست دارد،ای آنکه اوست داناتر به راه یافتگان(73)خدایا!از تو خواستارم به نامت ای مهربان،ای همراه،ای نگهدار،ای فراگیر،ای روزی بخش،ای فریادرس،ای عزّت بخش،ای خوارکن،ای آغازگر، ای برگرداننده.(74)ای آنکه یکتاست و ضدّ ندارد،ای آنکه یگانه است و بی مانند،ای آنکه بی نیاز و کاستی است، ای آنکه بی همتای بودن و چگونگی است،ای آنکه داوری دادگر است،ای آنکه پروردگاری بی وزیر است،ای آنکه عزّتمندی بی خواری است،ای آنکه توانگری بی نیاز است،ای آنکه پادشاهی عزل ناپذیر است،ای آنکه اوصافش بی مانند است.(75)ای آنکه ذکرش برای ذاکران شرف است،ای آنکه شکرش برای شاکران رستگاری است،ای آنکه ستایشش برای ستایشگران عزّت است،ای آنکه طاعتش برای مطعیان مایۀ نجات است،ای آنکه درگاهش گشوده است به روی جویندگان،ای آن که راهش برای توبه کاران هموار است،ای آنکه نشانه هایش برای بینندگان لیل قاطع است،ای آنکه کتابش برای پرواپیشگان مایۀ پند و یادآوری است،ای آنکه روزی اش همۀ مطیعان و گنهکاران را فراگیرد،ای آنکه رحمتش به نیکوکاران نزدیک است.(76) ای آنکه نامش خجسته است،ای آنکه عنایتش بس بلند است،ای آنکه معبودی جز او نیست،ای آنکه ستایشش والا است،ای آنکه نامهایش مقدس است،ای آنکه هستی اش پایدار است،ای آنکه بزرگی جلوۀ زیبایی اوست،ای آنکه بزرگمنشی پوشش اوست،ای آنکه عطاهایش در شمار نیاید،ای آنکه نعمتهایش شمرده نشود.(77)خدایا ! از تو می خواهم به نامت ای مددرسان،ای امین،ای آشکار ای استوار،ای ارجمند،ای راهنما،ای ستوده،ای بزرگوار،ای سختگیر(گنهکاران)،ای گواه.(78)ای صاحب عرش

پرشکوه،ای صاحب سخن استوار،ای صاحب کردکار برازنده،ای صاحب کوبش سخت،ای صاحب نوید و و تهدید،ای آنکه سرپرست ستوده است،ای آنکه به نیکی انجام دهد آنچه را خواهد،ای آنکه نزدیک دوری ناپذیر است،ای آنکه بر هر چیز گواه است،ای آنکه بر بندگان ستمکار نیست.(79)ای آنکه شریک و وزیری ندارد،ای آنکه مثل و مانندی ندارد،ای آفرینندۀ خورشید و ماه تابان،ای بی نیاز کنندۀ درماندۀ تهیدست، ای روزی دهندۀ کودک خردسال،ای مهرورز بر پیر بزرگسال،ای پیونددهندۀ استخوان شکسته،ای پناه ترسان پناه جو،ای آنکه بر بندگانش آگاه و بیناست،ای آنکه بر هر چیز تواناست.(80)ای صاحب جود و بخشش ای صاحب فضل و کرم،ای آفرینندۀ لوح و قلم،ای پدیدآورندۀ موران و مردمان،ای صاحب عذاب و انتقام ای الهام بخش عرب و عجم،ای بردارندۀ زیان و درد،ای دانای رازها و قصدها،ای پروردگار کعبه و حرم،ای آفرینندۀ هر چیز از نیستی.(81)خدایا !از تو خواستارم به نامت ای کردگار،ای هستی بخش،ای پذیرنده،ای برازنده،ای جدا،ای پیونددهنده،ای دادگر،ای چیره،ای جویا،ای بخشنده، (82)ای آنکه به کرمش بخشید،ای آنکه به جودش گرامی داشت،ای آنکه به لطفش کرم ورزید،ای آنکه به نیرویش عزّت یافت، ای آنکه به حکمتش سامان داد،ای آنکه به تدبیر خود حکم کرد،ای آنکه با علم خود تدبیر کرد،ای آنکه با بردباری اش درگذرد،ای آنکه به تدبیر خود در عین برتری اش نزدیک است،ای آنکه در عین نزدیکی اش برتر است.(83)ای آنکه هرچه خواهد آفریند،ای آنکه هرچه بخواهد بکند،ای آنکه هرکه را بخواهد

ص:163

راهنمایی کند،ای آنکه هرکه را بخواهد گمراه سازد،ای آنکه هرکه را بخواهد عذاب کند،ای آنکه هرکه را بخواهد بیامرزد،ای آنکه هرکه را بخواهد عزّت بخشد،ای آنکه هرکه را بخواهد خوار گرداند،ای آنکه در رحم مادران هرچه خواهد صورت بخشد،ای آنکه هرکه را بخواهد به رحمتش مخصوص گرداند.(84)ای آنکه همسر و فرزندی نگرفت،ای آنکه برای هر چیز اندازه نهاد،ای آنکه در حکمش کسی را شریک نساخت،ای آنکه فرشتگان را فرستادگان خویش قرار داد،ای آنکه در آسمانها برجهایی گذارد، ای آنکه زمین را زیستگاه شایسته نمود،ای آنکه آدمی را از آب آفرید،ای آنکه برای هر چیز سرانجامی قرار داد،ای آنکه با علم خویش هر چیز را دربر گرفته است،ای آنکه تعداد هر چیز را شماره نموده است. (85)خدایا !از تو درخواست می کنم به نامت ای آغاز،ای انجام،ای آشکار،ای نهان،ای نیکوکار،ای حق،ای یگانه،ای یکتا،ای بی نیاز،ای همیشگی.(86)ای بهترین شناخته شده ای که شناخته شده،ای برترین معبودی که عبادت شده،ای والاترین ثناپذیری که سپاس شده،ای عزیزترین یاد شده ای که یاد شده ای برترین ستوده ای که ستایش شده،ای دیرینه ترین موجودی که خواسته شده،ای بلندترین وصف شده ای که به وصف آمده،ای بزرگترین مقصودی که قصد شده،ای گرامی ترین پرسیده ای که پرسش شده،ای شریف ترین محبوبی که دانسته شده.(87)ای محبوب گریه کنندگان،ای سرور توکّل کنندگان،ای راهنمای گمراهان،ای سرپرست مؤمنان،ای همدم ذاکران،ای پناه جان سوختگان ای رهایی بخش راستگویان،ای تواناترین توانایان،ای داناترین دانایان،ای پرستیدۀ همه آفریدگان.(88)ای آنکه فراتر رفت و چیره گشت،ای آنکه دارا گشت و توان یافت،ای آنکه نهان شد و آگاهی یافت،ای آنکه پرستش شد و ارج نهاد،ای آنکه نافرمانی

شد و آمرزید،ای آنکه اندیشه ها او را فرا نگیرد،ای آنکه دیده ای او را در نیابد،ای آنکه اثری بر او پوشیده نماند،ای روزی دهندهٔ آدمیان،ای اندازه دهندهٔ هر انداه.(89)خدایا !از تو درخواست می کنم به نامت ای نگهدار،ای آفریننده،ای پدید آورنده،ای بسیار بخشنده، ای گشایشگر،ای فراخی بخش،ای برگیرندهٔ زیان،ای ضمانت کننده،ای فرمانده،ای بازدارنده.(90)ای آنکه جز او غیب نداند،ای آنکه برنگرداند بدی را جز او،ای آنکه آفریدگان را جز او نیافریند،ای آنکه گناه را جز او نیامرزد،ای آنکه نعمت را جز او کامل نکند،ای آنکه دلها را جز او دگرگون نکند،ای آنکه کارها را جز او تدبیر ننماید،ای آنکه باران را جز او فرو نبارد،ای آنکه روزی را جز او نگستراند،ای آنکه مردگان را جز او زنده نسازد.(91)ای یاور ضعیفان،ای همراه غریبان،ای یار دوستان،ای چیره بر دشمنان ای بالا برندهٔ آسمان،ای مونس برگزیدگان،ای محبوب پروا پیشگان،ای گنجینهٔ تهیدستان،ای معبود توانگران ای کریم ترین کریمان.(92)ای کفایت کنندهٔ از هر چیز،ای پایندهٔ بر هر چیز،ای آنکه چیزی مانند او نیست،ای آنکه چیزی بر فرمانروایی اش نیفزاید،ای آنکه چیزی بر او پوشیده نیست،ای آنکه چیزی از خزانه هایش نکاهد،ای آنکه مانندش کسی نیست،ای آنکه چیزی از علمش پنهان نماند،ای آنکه به همه چیز آگاه است، ای آنکه همه رحمتش همه چیز را فرا گرفته است.(93)خدایا !از تو درخواست می کنم به نامت ای اکرام کننده،ای روزی بخش ای نعمت دهنده،ای عطابخش،ای بی نیازکننده،ای ذخیره گذار،ای نابودکننده،ای زنده ساز،ای خشنودکننده،ای رهایی بخش.(94)ای آغاز

و انجام هر چیز،ای پرستیده و دارندۀ هر چیز،ای پروردگار و سازندۀ هر چیز،ای آفریننده و برآورندۀ هر چیز،ای گیرنده و گشایندۀ هر چیز،ای آغاز کنندۀ هر چیز،ای پدیدآورنده و اندازه بخش هر چیز،ای هستی بخش و جنبانندۀ هر چیز،ای زنده کننده و میرانندۀ هر چیز،ای آفریننده و میراث بر هر چیز (95)ای بهترین یادکننده و یادشده،ای بهترین ثناپذیر و ثناشده،ای هبترین ستاینده و ستوده،ای بهترین گواه و گواه پذیر،ای بهترین خواهنده و خوانده شده،ای بهترین پاسخ دهنده و پاسخ داده شده،ای بهترین یار و همدم، ای بهترین همراه و همنشین،ای بهترین سویه و آهنگ،ای بهترین دوستدار و دوستی پذیر.(96) ای آنکه به خواهنده اش پاسخ گوید،ای آنکه برای فرمانبرش دوست است،ای آنکه به دوستدارش نزدیک است، ای آنکه برای کسی که از او نگهداری طلبد دیده بان است،ای آنکه به هرکه به او امید بندد کریم است،ای آنکه هرکه از او نافرمانی کند بردبار است،ای ان که در بزرگی اش مهربان است،ای آنکه در فرزانگی بزرگ است،ای آنکه در نیکی اش دیرینه است،ای آنکه به هر که او را خواهد دانا است. (97)خدایا !از تو درخواست می کنم به نامت ای سبب ساز،ای شوق آفرین،ای برگرداننده،ای پیگیر،ای سامان بخش،ای هراس آور،ای برحذردار،ای یادآور،ای تسخیرگر،ای دگرگون ساز(98)ای آنکه علمش پیش است،ای آنکه وعده اش راست است،ای آنکه لطفش آشکار است،ای آنکه فرمانش چیره است،ای آنکه کتابش استوار است.

ای آنکه حکمش شدنی است،ای آنکه قرآنش باشکوه است،ای آنکه فرمانروایی اش دیرین است،ای آنکه بخشش فراگیر است،ای آنکه پایگاهش

ص:166

بس بزرگ است.(99)ای آنکه شنیدنی از شنیدن دیگر بازش ندارد،ای آنکه کاری از کار دیگر منعش نکند،ای آنکه گفتاری از گفتار دیگر سرگرمش نکند،ای آنکه درخواستی از درخواست دیگر او را به اشتباه نیافکند،ای آنکه چیزی از چیز دیگر پرده اش نشود، ای آنکه اصرار اصرارکنندگان او را به ستوه نیاورد،ای آنکه آرمان واپسین جویندگان است،ای آنکه نهایت همّت عارفان است،ای آنکه پایان جستجوی جویندگان است،ای آنکه غباری در سراسر هستی بر او پوشیده نیست.(100) ای بردباری که شتاب نکند،ای بخشنده ای که بخل نورزد،ای راستگویی که تخلّف نکند،ای عطاکننده ای که خستگی نپذیرد،ای چیره ای که شکست ناپذیر است،ای بزرگی که به وصف در نیاید،ای دادگری که ستم ننماید،ای توانگری که نیازمند نشود،ای بزرگی که کوچک نگردد،ای نگهداری که غفلت ننماید.منزّهی تو ای که معبودی جز تو نیست،فریادرس،فریادرس،ما را از آتش رهایی بخش پروردگارا

این دعا در کتابهای معتبر به شرحی گسترده تر از شرح جوشن کبیر نقل شده،و کفعمی در حاشیه کتاب بلد الامین فرموده که این دعا دعایی است بس بلند و پر ارج و هنگامی که هادی عبّاسی کشتن حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام را قصد کرد آن حضرت این دعا را خواند در نتیجه جدّش رسول خدا صلّی اللّه و علیه و آله را در خواب دید که به ایشان فرمود:حق تعالی دشمن تو را هلاک خواهد کرد.

این دعا در کتاب مهج الدعوات سیّد ابن طاووس نیز نقل شده ولی بین نسخه کفعمی و سیّد اختلاف وجود دارد که ما آن را موافق کتاب بلد الامین نقل می کنیم.و آن دعا این است:

ص:167

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است خدایا چه بسیار دشمنی که شمشیر دشمنی اش را به روی من کشید،و لبه تیغش را بر من تیز کرد،و باریک نمود دم برندۀ اسلحه اش را و زهرهای کشنده اش را برای من درهم آمیخت و تیرهای بی خطایش را به سوی من نشانه گرفت و چشم نگهبانش از من به به خواب نرفت و نهانی بر آن است تا مرا در معرض امور ناخوشایند قرار دهد،و به من بچشاند زهر جگر سوزش را،خدایا به ناتوانی من نگریستی که تاب حوادث بزرگ را ندارم،و در درماندگی ام را از انتقام گرفتن از ان با ستیزه جویی اش قصد من کرده دیدی،و تنهایی ام را در برابر بسیاری از آنان که آزار مرا اراده نموده اند،و در کمین من نشستند مشاهده کردی و در آنچه که اندیشه ام را علیه آنان برای مقابله به مثل بکار نگرفتم،پس مرا به نیرویت تأیید کردی و پشتم را با یاریت محکم نمودی،و تیغ او را به نفع من کند کردی،و او را پس از جمع آوری نفرات و تجهیزاتش خوار نمودی،و مقام و جایگاه مرا بر او برتری دادی،و آنچه را از نیرنگهایش به جانب من هدف گرفته بود به سوی خودش بازگردانی و علیه او به کار بستی،ولی عطش کینه اش فرو ننشست،و سوزش دل برامده از خشمش سرد نشد درحالی که از غیضش بر من انگشت به دندان گزید و پشت کرده پا به فرار نهاد و سپاه و نفراتش تارومار شد،پس تو را سپاس ای پروردگار از توانایی ات که شکست نپذیرد،و بردباری ات که شتاب نپذیرد،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا در برابر نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار ده،خدایا چه بسیار متجاوزی که با نیرنگهایش به من ستم کرد،و دامهای شکارگیرش را در راهم نهاد،و توجه جستجوگرانه اش را بر من گماشت،و در کمین من نشست همچون کمین گذاردن درنده ای برای شکار خویش برای به دست آوردن فرصت مناسب درحالی که

درحالی که خوش رویی چاپلوسانه نشان داده و به سختی گشاده رویی می نمود پس چون حیله گری نهادش،و زشتی پندار نهفته اش را آن هم بر زبان هم کیشش مشاهده نمودی درحالی که سپیده می کرد به امید آنکه در ستمش بر من هجوم آورد پس تو او را سرنگون ساختی و ریشه اش را از بیخ و بن برکندی،و او را در چاهی که برای من کنده بود و در ژرفای گودالش در انداختی،و گونه اش را همپای خاک پایش قرار دادی،و او را به تن و روزی اش سرگرم کردی،و او را با سنگ خودش زدی،و با زه کمان خودش خفه اش نمودی و با سر نیزه های خودش هلاک کردی و به رو به خاک مذلّت انداختی،و حیله اش را به گردنش برگرداندی و به بند پشیمانی گرفتارش کردی، و به سبب حسرتش به باد فنایش دادی،ازاین رو پس از کبر و نخوتش خوار و کوچک گشت،و به دنبال گردن فرازی اش خوار و کوبیده شد،و در بند دامی که روز گردن کشی اش آرزو داشت مرا در میان آن ببیند اسیر شد،و چه نزدیک بود پروردگارا اگر رحمتت نبود بر من فرود آید،آنچه که دامن زندگی او را فرا گرفت،پس تو را سپاس پروردگارا که توانای شکست ناپذیری،و بردبار بدون شتابی،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و مرا بر نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار بده،خدایا چه بسیار حسودی که از روی حسرت برافروخته گشت و دشمنی که بسبب خشمش به سختی اندوهناک شد،و مرا با نیش زبانش آزرده ساخت و مژگانش را چون نیزه ای به بدنم فرو برد،و مرا هدف تیرهای سرزنش نمود،و کاستیهایی را به گردنم انداخت که در خود اوست،پروردگارا پناه جویانه تو را خواندم،درحالی که اطمینان به سرعت اجابت تو داشتم،توکّل کنان به آنچه همواره از خوبی دفاعت می دانستم،با آگاهی به اینکه هرکه

رخت به سایه حمایتت کشد مورد آزار واقع نگردد،و کسی که به قلعه مددجویی تو پناه آورد هرگز حوادث روزگار او را درهم نکوبد،پس به قدرتت مرا از آزار او حفظ کردی،پس تو را سپاس ای پروردگار که توانای شکست ناپذیری و بردباری که هرگز شتاب نکنی،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و مرا بر نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار بده،خدایا چه بسیار ابرهای ناملایمات که از فضای زندگی ام زدودی،و آسمان نعمتی که بر من باراندی و نهرهای کرامتی که به سوی من روان ساختی،و چشمه های حوادثی که محو نمودی و نهال رحمتی که گستردی و زره عافیتی که بر من پوشاندی،و گردابهای گرفتاری که برطرف کردی،و امور جاریه ای که مقدّر فرمودی،آنگاه که این امور را خواستی درمانده ایت نکردند و هر زمان که آنها را اراده فرمودی از فرمانبرداری خودداری ننمودند،پس تو را سپاس ای پروردگار که توانای شکست ناپذیری و بردباری که شتاب نورزی،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا به نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار بده،خدایا چه بسیار گمان نیکی که جامۀ عمل پوشاندی و شکست نداری را که جبران نمودی،و بی چیزی توان فرسایی که از من گرداندی و سقوط هلاکت باری که بلندم کردی،و دشواری که آسان نمودی تو بازخواست نشوی از آنچه انجام می دهی و دیگران بازخواست شوند،و از آنچه خرج می کنی چیزی کاسته نشود،هر آینه از تو درخواست شد حالی عطا کردی و درخواست نشد پس آغاز در عطا و او پیشگاه فضلت درخواست احسان شد و تو منع ننمودی و ابا نمودی مگر از نعمت بخشی و اصرار بر رساندن عطا و فزون بخشی و احسان ای پروردگار و من خودداری نمودم مگر از شکستن احترام محرّماتت،و جسارت بر

گناهانت،و تجاوز از قوانینت،و غفلت از تهدیدت،و فرمانبری از دشمنم و دشمنت، ای معبودم و یاورم کوتاهی ام در سپاسگزاری ات تو را از تمام کردن احسانت بر من باز نداشت،و این چشم پوشی و بزرگواری مرا از انجام کارهای مورد خشمت مانع نشد.خدایا این است جایگاه بنده خواری که برای تو به یگانگی اقرار کرد، و برای خویش به کوتاهی در ادای حق تو،و گواهی داد برای تو به کمال نعمتت بر او و شیوه زیبا و دلنشینت نزد او احسانت بر او،پس به من ببخش ای خدای من و سرور من از فضلت آنچه را که در راه رسیدن به رحمتت می خواهم تا نردبانش قرار دهم که از آن به سوی خشنودیت،بالا روم،و با آن از خشمت امان یابم، به حق عزّت و عطای همیشگی ات و به حق پیامبرت محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)،پس تو را سپاس ای پروردگار که توانای شکست ناپذیری،و بردباری که شتاب نورزی،درود فرست بر محمّد و خاندان محمّد و مرا بر نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار بده.خدایا چه بسیار بنده ای که شامگاهان و صبحگاهان نمود در سختی مرگ و به شدت و تنگی نفس زنان،و با نگاه به آنچه که بدنها از دیدنش می لرزد،و دلها از آن بی تاب می شود و من از همهٔ اینها در عافیت و سلامتی هستم،پس تو را سپاس ای پروردگار که توانای شکست ناپذیری،و بردباری که شتاب نورزی،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و مرا بر نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار بده خدای من چه بسا بنده ای که به شامگاهان و صبحگاهان در آمد بیمار و دردمند،در ناله و فریاد،در اندوهش به

خود می پیچد و راه گریزی نمی یافت و خوردنی و نوشیدنی گوارایی نمی خورد،و من در تندرستی و سلامت زندگی هستم،همهٔ اینها از توست،پس تو را سپاس ای پروردگار توانای شکست ناپذیر،و بردباری که شتاب نورزی،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا بر نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار بده.خدایا چه بسیار بنده ای که به شامگاهان و صبحگاهان درآمد ترسان و هراسان،پریشان و اندیشناک،فراری و رانده شده،خرابه نشین در تنگنا و مخفی گاهی از مخفی گاهها که زمین با فراخی اش بر او تنگ شد چاره و راه نجات و پناهگاهی نمی یابد،و من از همهٔ اینها در امنیت و آرامش و سلامت کاملم، پس تو را سپاس ای پروردگار توانمند شکست ناپذیر،و بردباری که شتاب نورزی،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا بر نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار بده،خدای من و آقای من و چه بسیار بنده ای که به شامگاه و بامداد درآمد بسته به زنجیر،پیچیده در آهن آن هم به دست دشمنانش که به او رحم نورزند،دور مانده از زن و فرزند،بریده از برادران و شهر خویش،هر لحظه انتظار دارد که چگونه کشته خواهد شد،و چگونه اعضایش بریده خواهد گشت،و من از همهٔ اینها در سلامت کاملم،پس تو را سپاس ای پروردگار توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا از شاکران، و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار بده،خدای من و چه بسیار بنده ای که به شامگاه صبحگاه درآمد،درحالی که سختی جنگ و پیکار

را با جانش تحمّل می کند،و دشمنان از هر جانب او را با شمشیرها و نیزه ها و ابزار جنگ در محاصره آورده اند، در میان آهن تلاش می کند،نهایت کوشش را بکار گرفته،راه چاره ای نمی یابد،و گریزگاهی نمی یابند،از سختی جراحات بیمار شده،یا در خون خویش زیر سمها و لگدها غلطان گشته،جرعه آبی را آرزو می کند،یا یک نگاه به اهل و فرزندش را تمّنا می نماید،امّا توانی بر آن را ندارد،و من از همهٔ اینها در سلامت کاملم،تو را پس سپاس ای پروردگار توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا بر نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار بده.خدای من و چه بسیار بنده ای که به شامگاه و صبحگاه درآید،در تاریکی های دریاها و تندبادها و در دل هراسها و امواج در حالی انتظار غرق شدن و هلاکت را می کشد و توان چاره اندیشی ندارد،یا گرفتار صاعقه یا آوار یا آتش سوزی یا گلوگیر شدن لقمه یا فرو رفتن در زمین یا مسخ شدن یا اتّهام به امر نامشروع است و من از همهٔ اینها در سلامت کاملم،پس تو را سپاس ای پروردگار توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا بر نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار ده.خدای من چه بسیار بنده ای که به شامگاه و بامداد در حال مسافرت و دوری از همسر و و فرزند،سرگردان در بیشه های خشک،سرگشته در میان حیوانات وحشی و چهارپایان و حشرات آن هم بی یاور و تنها،چاره ای نمی یابد،و به راهی رهنمون نمی گردد،یا در آزار است از سرمایی سرد یا گرمایی سوزان،یا دچار

ص:173

گرسنگی یا برهنگی یا غیر اینها از سختیها و گرفتاریهایی که من از آنها در امانم و در سلامتی کامل از همهٔ اینها بسر میبرم،پس تو را سپاس ای پروردگار توانای شکست ناپذیر،و بردباری که شتاب نورزی،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و مرا بر نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار بده.خدای من و آقای من و چه بسیار بنده ای که به شامگاه و صبحگاه درآمد درحالی که تهیدست،بی چیز،عریان،نیازمند،پریشان،دچار هجران،گرسنه،تشنه است و انتظار می برد که چه کسی به او احسان می کند،یا چه بسا بندهٔ آبرومندی که نزد تو از من آبرومندتر و عبادتش برای تو بیشتر است، و درعین حال دچار غل و زنجیر و اسیر دست ستمگر است،بار سنگینی از خستگی و رنج و سختی بیگاری و دشواری بردگی و پرداخت وجه سنگین به اربابش بر او تحمیل شده است،یا شخصی که به بلای سختی گرفتار آمده و توان ایستادگی در برابر آن را جز به فضل تو ندارد،اما من مورد احترام دیگران، و در نعمت و تندرستی ام،و گرامی ام داشته اند،از آنچه آن درمانده به آن گرفتار است در سلامت کاملم،پس تو را سپاس بر تمام این الطافی که به من بخشیدی ای توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا بر نعمتهایت از شاکران،و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار بده.خدای من و آقای من و چه بسیار بنده ای که به شامگاه و صبحگاه درآمد درحالی که علیل، دردمند،بیمار است و در بستر بیماری و لباس ناخوشی افتاده،و از درد به راست و چپ می غلطد و چیزی از لذّت خوراکی و آشامیدنی را درک نمی کند،با حسرت به خود می نگرد ولی بر دفع زیان و جلب نفعی توان ندارد، و من در سایهٔ جود و کرمت از همهٔ اینها در آرامش هستم،پس معبودی جز تو نیست،که توانای شکست ناپذیر

بردباری که شتاب نورزی،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و مرا از عبادت کنندگان قرار بده،و بر نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار بده،و به من مهر ورز به حق رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

مولایم و سرورم،و چه بسا بنده ای که به شامگاه و صبحگاه درآمد درحالی که به مرگ نزدیک شده،و فرشتۀ مرگ در میان یارانش او را محاصره کرده است،در جستجوی درمانی برای سختیهای جان دادن و گردابهای آن است،چشمانش به راست و چپ می چرخد،به محبوبان و دوستان و یاران صمیمی اش می نگرد،از گفتار بازداشته،و از خطاب محروم گشته و از روی حسرت بر خود می نگرد،بر دفع زیان و جلب سودی توان ندارد،و من از همۀ اینها به جود و کرمت در آرامش هستم،پس معبودی جز تو نیست،پاکی تو که توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و مرا بر نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار بده،و به حق مهرت بر من مهر ورز ای مهربان ترین مهربانان.خدای من و آقای من،چه بسیار بنده ای که به شامگاه و صبحگاه درآمد درحالی که در تنگناهای زندانها و محبسها و با ناراحتی و خواری و در غل و زنجیر به سر می برد،و زندانبانها و دژخیمان او را دست به دست میگردانند.

پس نمی داند با او چگونه رفتار خواهد شد،و چگونه اعضایش بریده خواهد گشت،پس او در زندگانی در بدحالی سخت است،و در نهایت تنگی و سختی است،با حسرت به خود می نگرد،بر دفع زیان و جلب سودی توان ندارد،و من به جود و کرمت از همۀ اینها در امان هستم،پس معبودی جز تو نیست،پاکی تو که توانای شکست ناپذیر،و

بردباری که شتاب نورزی،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا از عبادت کنندگان خویش،و بر نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار بده و به حق مهرت بر من مهر آر ای مهربان ترین مهربانان،آقای من و مولای من،چه بسیار بنده ای که به شامگاه و صبحگاه درآمد درحالی که سرنوشتش با سختی گره خورده،و گرفتاری او را محاصره کرده، و از دوستان و محبوبان و یاران صمیمی جدا افتاده است،شام کرد در حال اسارت،حقارت،خواری در دست کافران و دشمنان،او را دست به دست به راست و چپ می گردانند،در سیاه چالها زندانی شده و با غل و زنجیر سنگین گشته،از روشنی دنیا و نسیمش چیزی نمی بیند،با حسرت به خود می نگرد،بر دفع زیان و جلب سودی توان ندارد و من از همۀ اینها به جود و کرمت در آرامش هستم،پس معبودی جز تو نیست،پاکی تو که توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مار از عبادت کنندگان خویش،و بر نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار بده،به حق مهرت بر من مهر آر،ای مهربان ترین مهربانان،و به حق عزّتت ای کریم هر آینه از تو درخواست می کنم آنچه از عطایا را که نزد تواست و دراین باره بر تو اصرار می ورزم،و دستم را با جرمی که نسبت به تو دارد،به جانب آستانت دراز می کنم،پس به که پناه ببرم؟و به که رو کنم؟کسی را جز تو ندارم، آیا مرا از درگاهت میرانی درحالی که تنها تو تکیه گاه منی و توکلم تنها بر تو است،از تو درخواست می کنم به نامت که چون بر آسمان نهادی پابرجا شد و چون بر زمین گذاردی آرام گرفت و چون بر کوهها گذاشتی استوار گشت و چون بر شب نهادی

ص:176

تاریک شد و چون بر روز قرار دادی روشنی گرفت،[خدای من]از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و همۀ نیازهای مرا برآورده سازی،و همۀ گناهان کوچک و بزرگم را بیامرزی،و روزی ام را گسترده سازی،روزی ای که مرا با آن به شرف دنیا و آخرت برسانی،ای مهربان ترین مهربانان،آقای من از تو یاری خواهم،پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا یاری ده و به تو پناه جستم پس پناهم ده و مرا با طاعت خود از طاعت بندگانت بی نیاز کن، و به خواهش خویش از خواهش خلق مستغنی ام گردان و از خواری تنگدستی به عزّت توانگری،و از ذلت گناه به عزّت طاعت دگرگون ساز،همانا تو مرا بر بسیاری از مردمان برتری دادی،نه از روی شایستگی من، بلکه از روی جود و کرمت،خدای من تو را سپاس بر همۀ این عطاها،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا قرار بده بر نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران.

سپس به سجده برو و بگو: سجده کرد روی خوارم برای ذات عزیز بزرگت،سجده کرد روی فرسودۀ فانی ام و برای ذات همیشگی ماندگارت،سجده کرد روی پیوسته به تهیدستی ام برای ذات بی نیاز بزرگت،سجده کرد رویم و گوشم و چشم و گوشتم و خونم و پوستم و استخوانم،و همۀ آنچه زمنی از بار وجود من برداشته در برابر پروردگار جهانیان.خدایا بر نادانی من به بردباری ات،و بر تهیدستی من به توانگری ات،و بر خواری من به عزّتت و سلطنتت،بر ناتوانی من به توانایی ات،و بر ترس من به ایمنی ات،و بر

گناهان و خطاهای من به گذشتت و رحمتت بنگر ای بخشندۀ مهربان.خدایا ! من به مدد تو سینه سخت دشمنم فلان پسر فلان را دفع می کنم و از شرّ او به تو پناه می آورم،پس مرا از گزند او کفایت کن بدانسان که کفایت کردی پیامبران و اولیا و بندگان، شایسته ات را از گزند فرعونها،و دشمنان سرکشت،و از شرّ همۀ خلقت به مهرت ای مهربان ترین مهربانان،همانا تو بر هر چیز توانایی،و خدا ما را بس است و چه نیکو وکیلی است.

دعای سیفی معروف به دعای قاموس

شیخ بزرگوار ثقه الاسلام نوری(عطر اللّه مرقده)این دعا را در صحیفۀ ثانیۀ علویه ذکر کرده و فرموده:برای این دعا در کلمات ارباب طلسمات و تسخیرات شرح عجیبی است و برای آن آثار شگفتی ذکر کرده اند و من چون اعتماد بر آن آثار نداشتم از ذکر آنها خودداری کردم،ولی اصل دعا را از باب مسامحه از روی اقتدا به علمای برجسته ذکر می کنم.و آن دعا این است:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است پروردگارا مرا در ژرفای دریای یگانگی ات،و در میان اقیانوس یکتایی ات وارد ساز،و با نیروی چیرگی سلطنت تنهای ات توانمند گردان تا به فضای بی کران رحمتت درآیم،درحالی که در چهره ام درخشندگیهای پرتو قرب از آثار حمایتت فروزان باشد و به شوکتت پرشکوه باشم،و به عنایتت عزیز باشم،و به آموزش و پرورشت بزرگ و بزرگوار باشم،خدایا خلعتهای عزّت و قبولی را بر من بپوشان،و برایم راههای پیوند و پیوستگی را هموار کن،

و به تاج کرامت و وقار تاجدارم نما،و میان من و شیفتگانت در دنیا و آخرت پیوند انداز، و از نور نامت شوکت و قوّتی به من عنایت کن که دلها و جانها مطیع من گردند، نفوس و بدنها نزد من فروتن شوند،ای آنکه گردن گردنکشان برایش خوار گشته،و پادشاهان در پیشگاهش فروتن شده اند،پناهگاه و راه رهایی از تو جز به تو نیست و کمکی نیست جز از تو،و تکیه گاهی نیست جز بر تو،خدایا!بداندیشی حسودان،و تیرگیهای شرّ دشمنان را از من دور کن،و به من مهر ورز زیر سراپرده های عرشت،ای گرامی ترین گرامیان،ظاهر هستی ام را در به دست آوردن خشنودیت تأیید کن،و قلب و نهادم را با آگاهی بر راههای رسیدن به پیشگاهت روشن فرما.خدایا چگونه از در خانه ات مأیوس و ناامید بازگردم درحالی که با اعتماد به تو وارد آن شدم،و چگونه از عطایت ناامیدم می کنی درحالی که مرا به دعا در پیشگاهت فرمان دادی،اینک به تو روی آورده ام و از تو پناه می جویم بین من و دشمنانم دوری انداز، چنان که بین دشمنانم دوری انداختی،به نور پاک و عظمت و بزرگواری ات دیدگان دشمنانم را از دین من نابینا کن،به یقین تو خدای عطابخش نعمتهای بزرگ و باارزش به بندگان نجواگر خویش هستی،که با لطائف رحمتت تو را می خوانند،ای زنده،ای پاینده ای صاحب بزرگ و کرامت و درود خدا بر مولای ما و پیامبر ما محمّد و بر خاندان پاک و پاکیزه اش همه و همه.

ص:179

فصل هفتم

اشاره

در بیان بعضی از آیات و دعاهای مختصری که سودمند هستند و من آنها را از کتابهای معتبر انتخاب کرده ام

[آیات اسم اعظم]

اوّل:سیّد بزرگوار سیّد علی خان شیرازی رضوان اللّه علیه در کتاب کلم طیّب نقل کرده که:اسم اعظم خدای تعالی اسمی است که شروع آن«اللّه»و پایانش«هو»می باشد و در حروف اسم اعظم نقطه ای نیست و خواندش تغییر نمی یابد چه آن حروف زیر و زبر داشته باشند یا نداشته باشند و این اسم در قرآن مجید در پنج آیهٔ مبارکه از پنج سوره موجود است یعنی سوره های:بقره،آل عمران نساء،طه و تغابن شیخ مغربی گفته است:هرکه این پنج آیهٔ مبارکه را ورد دائم خود قرار دهد،و هر روز یازده بار بخواند هر آینه برای او هر کار مهمّی از امور کلی و یا جزئی به زودی آسان گردد،ان شاء اللّه تعالی.

آن پنج آیه عبارت است از:1-خدایی که معبودی جز او نیست آن خدا زندهٔ به خود پاینده تا پایان آیه الکرسی.

2-خدایی که معبودی جز او نیست،زندهٔ به خود پاینده،فرو فرستاد بر تو کتاب را بر حق،تصدیق کنندهٔ آنچه پیش از آن بود، و پیش از آن تورات و انجیل را برای هدایت مردم نازل کرد،و فرقان را فرو فرستاد.3-خدایی که معبودی جز او نیست،به راستی شما را برای روز قیامت گرد خواهیم آورد،تردیدی در آن نیست،و چه کسی در گفتار راستگوتر از خدا است؟ 4-خدایی که معبودی جز او نیست برای او است نامهای نیکو.5-خدایی که معبودی جز او نیست و باید که مؤمنان تنها بر خدا توکّل کنند.

دعای توسّل

دوّم:علاّمهٔ مجلسی رحمه اللّه فرموده است:در بعضی از کتابهای معتبر از محمّد بن بابویه نقل کرده اند که این دعا را از امامان علیهم السّلام

روایت کرده و گفته است:در هیچ امری آن را نخواندم مگر آنکه به زودی اثر اجابت آن را یافتم.و دعا این است:

خدایا از تو درخواست دارم و به سویت روی آوردم به وسیلۀ پیامبرت،پیامبر رحمت محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)ای ابا القاسم،ای فرستادۀ خدا،ای پیشوای رحمت،ای آقا و مولای ما،به تو رو آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم،و به سوی خدا تو را وسیله ساختیم،و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم،ای آبرومند نزد خدا،برای ما نزد خدا شفاعت کن.ای ابا الحسن ای امیر المؤمنین ای علی بن ابی طالب،ای حجّت خدا بر بندگان،ای آقا و مولای ما،به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسّل جستیم و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا،برای ما نزد خدا شفاعت کن.ای فاطمۀ زهرا،ای دختر دلبند محمّد،ای نور چشم رسول خدا ای سرور و بانوی ما،به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی به تو توسّل جستیم،و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم،ای آبرومند نزد خدا،برای ما نزد خدا شفاعت کن،ای ابا محمّد،ای حسن بن علی ای برگزیده ای فرزند فرستادۀ خدا،ای حجّت خدا بر بندگان،ای آقا و مولای ما،به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و و به سوی خدا به تو توسّل جستیم،و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم،ای آبرومند نزد خدا،برای ما نزد خدا شفاعت کن.ای ابا عبد اللّه،ای حسین بن علی،ای شهید،ای فرزند فرستادۀ خدا،ای حجّت خدا بر بندگان،ای آقا و مولای ما،به تو روی آوردیم،و تو را واسطه قرار دادیم،و به سوی خدا به تو توسّل جستیم و تو را پیش روی

حاجاتمان نهادیم،ای آبرومند نزد خدا،برای ما نزد خدا شفاعت کن،ای ابا الحسن،ای علی بن الحسین ای زین العابدین،ای فرزند فرستادهٔ خدا،ای حجّت خدا بر بندگان ای آقا و مولای ما،به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسّل جستیم،و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم،ای آبرومند نزد خدا برای ما نزد خدا شفاعت کن ای با جعفر،ای محمّد بن علی،ای باقر،ای فرزند فرستادهٔ خدا،ای حجّت خدا بر بندگان،ای آقا و مولای ما به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسّل جستیم،و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم،ای آبرومند نزد خدا،برای ما نزد خدا شفاعت کن.ای ابا عبد اللّه،ای جعفر بن محمّدا، ای صادق،ای فرزند رسول خدا،ای حجّت خدا بر بندگان،ای آقا و مولای ما،به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسّل جستیم و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم،ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن،ای ابا الحسن ای موسی بن جعفر،ای کاظم،ای فرزند فرستادهٔ خدا،ای حجّت خدا بر بندگان،ای آقا و مولای ما،به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسّل جستیم و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم،ای آبرومند نزد خدا،برای ما نزد خدا شفاعت کن،ای ابا الحسن ای علی بن موسی،ای رضا،ای فرزند فرستادهٔ خدا،ای حجّت خدا بر بندگان ای آقا و مولای ما به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسّل جستیم و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم،ای آبرومند

ص:182

نزد خدا،برایمان نزد خدا شفاعت کن ای ابا جعفر ای محمّد بن علی ای تقی جواد،ای فرزند فرستاده خدا،ای حجّت خدا بر بندگان،ای آقا و مولای ما،به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسّل جستیم،و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم،ای آبرومند نزد خدا،برای ما نزد خدا شفاعت کن،ای ابا الحسن،ای علی بن محمّد،ای هادی نقی،ای فرزند فرستادۀ خدا،ای حجّت خدا بر بندگان، ای آقا و مولای ما،به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسّل جستیم،و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم،ای آبرومند نزد خدا،برای ما نزد خدا شفاعت کن،ای ابا محمّد،ای حسن بن علی،ای پاکنهاد عسگری،ای فرزند فرستادۀ خدا،ای حجّت خدا بر بندگان،ای آقا و مولای ما،به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسّل جستیم و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم،ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن،ای جانشین حسن،ای یادگار شایسته،ای پایدار مورد امید،ای مهدی ای فرزند فرستادۀ خدا،ای حجّت خدا بر بندگان،ای آقا و مولای ما،به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسّل جستیم،و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم،ای آبرومند نزد خدا،برای ما نزد خدا شفاعت کن.پس از خواندن دعا،حاجات خود را بخواهد که به خواست خدا برآورده می شود.و در روایت دیگری وارد شده است که بعد از خواندن دعا چنین گوید:

ای آقایان و سرورانم،من به شما پیشوایان و توشه هایم برای روز تنگدستی روی آوردم،و نیازم به سوی خداست، و توسّل جستم به سوی خدا،پس در نزد خدا واسطهٔ من شوید،و مرا پیش خدا از گناهانم رهایی بخشید،که تنها شما وسیلهٔ من به جانب خدا هستید،من با دوستی با شما و نزدیک شدن به شما امیدوار نجات از جانب خدا هستم، پس نزد خدا امید من باشید،ای آقایان من و دوستداران خدا،خدا بر همهٔ آنان درود فرست و لعنت خدا بر دشمنان خدا آن ستمگران به محمّد و خاندان محمّد،از پیشینیان و پسینیان،دعایم را اجابت کن ای پروردگار جهانیان.مؤلف گوید:شیخ کفعمی در کتاب بلد الامین دعای مفصلی موسوم به دعای فرج نقل کرده که این دعای توسّل در ضمن آن آمده است و به گمان من، «دوازده امام»خواجه نصیر الدین طوسی همین دعای توسّل است که آن را با صلوات بر حجّتهای پاک الهی ترکیب کرده اند و مجموعهٔ آن در یک خطبهٔ بلیغ و رسا جا گرفته است،و کفعمی آن را در بخشهای آخر کتاب«مصباح»ذکر کرده است.

دعای توسّل دیگر

دوم:سیّد علی خان در کتاب کلم طیّب از کتاب قبس المصباح شیخ صهرشتی دعای توسّل دیگری را نقل کرده به شرحی که مقام را گنجایش ذکر آن شرح نیست.و آن دعا این است:

خدایا بر محمّد و دخترش و دو پسر او درود فرست،و به حق آنان از تو می خواهم که مرا بر طاعت خویش و جلب خشنودی خود کمک کنی،و مرا به وسیلهٔ آنان به برترین مقامی که اولیائت را رساندی برسانی،به یقین تو بخشندهٔ بزرگواری.

خدایا !از تو درخواست می کنم به حق امیر المؤمنین علی بن ابی طالب(درود خدا بر او)که انتقام بگیری از

کسی که به من ظلم و ستم و آزار روا داشته،و در حالی چنین نقشه هایی بر زیان من است،و به حق او مرا از گزند هر بدخواهی کفایت نمایی، ای مهربان ترین مهربانان،خدایا !از تو درخواست می کنم به حق ولیّت علی بن الحسین(درود خدا بر او)که مرا کفایت کنی از شرّ هر شیطان عصیانگر و هر پادشاه ستیزه جویی که با یورش سختش بر زیان من نیرو گیرد،و به یاری سپاهش بر ضدۀ من یاری جوید همانا تو بخشندۀ بزرگواری،ای عطابخش.خدایا !از تو درخواست می کنم به حقّ ولیّت محمّد بن علی و جعفر بن محمّد(درود خدا بر آنان)که مرا به وسیلۀ آن دو بزرگوار به طاعت و جلب رضایت خود در امر آخرتم کمک کنی،و به وسیلۀ آنان مرا به آنچه تو را خشنود می کند برسانی،به یقین تو هر کاری را که بخواهی انجام می دهی،خدایا !از تو درخواست می کنم به حق ولیّت موسی بن جعفر(درود خدا بر او)که در همۀ اعضایم،چه ظاهری و چه باطنی به من سلامت کامل عنایت کنی،ای بخشنده بزرگوار،خدایا !از تو درخواست می کنم به حقّ ولیّت رضا،علی بن موسی(درود خدا بر او)که مرا در همۀ مسافرتهایم در خشکیها و دریاها و کوهها و بیابانهای خشک و درّه ها و بیشه ها از آنچه می ترسم و پرهیز دارم در امان بداری،همانا تو مهربان و مهرورزی.خدایا !از تو درخواست می کنم به حق ولیّت محمّد بن علی(درود خدا بر او)که بر من از فضلت ببخشی،و از فراخی عنایتت تفضلّ فرمایی، و بر من فراوان سازی روزی ات را و از غیر خودت مرا بی نیاز گردانی،و حاجتم را در بارگاه خود قرار دهی،و برآوردنش را به عهده خود گذاری،همانا تو بر آنچه بخواهی توانایی.خدایا !من از تو درخواست می کنم به حق ولیّت علی بن محمّد(درود خدا بر آنان)

ص:185

که مرا بر ادای واجباتت،و نیکی به برادران ایمانی ام کمک نمایی،و این امور را بر من آسان گردانی و انجام آنها را قرین خیر و خوبی فرمایی،و مرا به فضل خویش بر طاعتت کمک کنی ای مهربان.خدایا !از تو درخواست می کنم به حق ولیّت حسن بن علی(درود خدا بر آنها)که مرا مدد رسانی به طاعت و جلب خشنودی ات بر امر آخرتم،و مرا در گردشگاه و اقامتگاهم دلشاد کنی به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان،خدایا !از تو درخواست می کنم به حق ولی و حجّتت صاحب زمان(درود خدا بر او)که مرا در تمام امور مدد رسانی و از گزند هر مردم آزار و طغیانگر و متجاوز کفایت کنی،و به وسیلۀ آن حضرت مرا پشتیبانی نمایی که طاقتم به سر آمده و هم کفایت کنی مرا به وسیلۀ او از هر دشمنی که دارم و از اندوه و غم و بدهکاری و از خود و فرزندانم و همۀ اهل و برادرانم و هرکه کارش با من است و نیز خاصانم،آمین ای پروردگار جهانیان.

[دعای فرج]

سوّم:شیخ کفعمی در کتاب«بلد الامین»دعایی نقل کرده به روایت از حضرت امیر المؤمنین که هر سوخته دل و مصیبت زده و غمناک و گرفتار آن را بخواند حق تعالی به او گشایش و فرج کرامت فرماید.و آن دعا این است:

ای تکیه گاه آنکه تکیه گاهی ندارد،ای اندوختۀ آنکه اندوختای ندارد،ای پشتیبان آنکه پشتیبانی ندارد،ای نگاهدار آنکه نگاهداری ندارد،ای فریادرس آنکه فریادرسی ندارد،ای گنج آنکه گنجی ندارد،ای عزّت آنکه عزّتی ندارد،ای کریمانه درگذرنده، ای نیکو گذشت،ای پشتیبان ناتوانان،ای غنای تهیدستان،ای بزرگ مایۀ امید،ای نجات دهندۀ غریقان،ای رهایی بخش هلاک شدگان،ای احسان کنده،ای زیبایی بخش،ای نعمت ده،ای عطابخش،تویی آنکه سیاهی شب و روشنی روز

و پرتو ماه و شعاع خورشید و وزش باد در درخت و صدای آب باریت سجده کرد،ای خدا،ای خدا،ای خدا،معبودی جز تو نیست،یگانه و بی شریکی ای پروردگار،ای خدا،بر محمّد درود فرست و با ما آنچه شایستۀ آنی انجام ده.پس از دعا هرچه حاجت داری درخواست کن.

مؤلف گوید:و نیز برای گشایش مشکلات و رفع گرفتاری،و برطرف شدن غم و اندوه،تداوم بر این ذکر که حضرت جواد علیه السّلام تعلیم فرموده بسیار سودمند است:

ای آنکه از هر چیز کفایت کند و از او چیزی کفایت نکند کارهای مهمّ مرا کفایت فرما.

[دعای آزاد شدن از بند و زندان]

چهارم:دعای آزاد شدن از بند و زندان.سیّد ابن طاووس در«مهج الدعوات»فرموده:روایت شده که شخصی در شهر شام زمانی طولانی در زندان بود تا اینکه حضرت زهرا علیها السلام را در خواب دید که به او فرمود:این دعا را بخوان،و او با تعلیم حضرت زهرا علیها السلام دعا را خواند و از زندان آزاد شد و به خانۀ خود بازگشت،آن دعا این است:

خدایا !به حق عرش و کسی که بر آن است و به حق وحی و کسی که آن را فرستاد و به حق پیامبر و کسی که پیامش داد،و به حق کعبه و کسی که آن را بنا نهاد،ای شنوندۀ هر نجوا،ای گردآوردندۀ هرچه از دست رفته،ای باز آفرینندۀ جانها پس از مرگ،بر محمّد و اهل بیتش درود فرست و از نزد خود ما را و همه مردان و زنان با ایمان را در تمام شرق و غرب زمین به زودی گشایشی عنایت فرما،به حق شهادت اینکه معبودی نیست جز خدا،و اینکه محمّد بنده و فرستادۀ توست،درود خدا بر او و خاندانش،و بر نسل پاکیزه و پاکش،و سلام

بسیار و کامل بر آنان باد

[دعای نور]

پنجم:سیّد ابن طاووس در کتاب«مهج الدعوات»از سلمان روایتی نقل کرده که:در آخر روایت مطلبی آمده به این مضمون:

حضرت فاطمه علیها السلام کلامی به من آموخت که از حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله فراگرفته بود،ایشان آن را در صبح و شام می خواند به من فرمود:

اگر می خواهی هرگز در دنیا دچار تب نشوی بر آن مداومت کن.و آن کلام این است:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

به نام خدای نور،به نام خدای نور نور،به نام خدای نور بر نور،به نام خدایی که تدبیرگر امور است،به نام خدایی که نور را از نور آفرید،و سپاس خدایی را که نور را از نور آفرید،و نور را در کوه طور فرو فرستاد در کتابی بر نوشته،در ورقه ای گشوده،با اندازه ای درخور،بر پیامبری آراسته،سپاس خدای را که به عزّت یاد شود،و به عظمت مشهور است،و بر شادی و بدحالی سپاسگزاری شود، درود خدا بر آقای ما محمّد و خاندان پاکش.سلمان فرموده:چون آن را از حضرت فاطمه(س) آموختم به خدا آن را به بیش از هزار نفر از مردم مکه و مدینه که دچار تب بودند تعلیم دادم،پس همه آنان به اذن خدای تعالی شفا یافتند.

[حرز حضرت امام زین العابدین علیه السّلام]

ششم:حرز حضرت امام زین العابدین علیه السّلام است،سیّد ابن طاووس در دو موضع از کتاب«مهج الدعوات»این حرز شریف را از حضرت سجّاد علیه السّلام روایت کرده است:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

ای شنواترین شنوایان،ای بیناترین بینایان،ای چابک ترین حسابرسان،ای داورترین داوران،ای آفرینندۀ

آفریدگان،ای روزی دهندهٔ،روزی مندان،ای یاور یاور شدگان،ای مهربان ترین مهربانان،ای راهنمای سرگردانان، ای فریادرس دادجویان،به دادم برس،ای مالک روز جزا،تنها تو را می پرستم و از تو یاری می جویم،ای فریادرس غم زدگان،ای اجابت کنندهٔ دعای درماندگان،تویی خدا،پروردگار جهانیان،تویی خدا،معبودی جز تو نیست فرمانروای مطلق،حق آشکار،بزرگ منشی،جامهٔ برازنده تو است.خدایا درود فرست بر محمّد برگزیده،و علی پسندیده و فاطمه زهرا و خدیجه کبری،و حسن مجتبی و حسین شهید در کربلا،و علی بن الحسین زینت عبادت کنندگان و محمّد بن علی باقر،و جعفر بن محمّد صادق،و موسی بن جعفر کاظم،و علی بن موسی الرضا،و محمّد بن علی تقی، و علی بن محمّد نقی،و حسن بن علی عسگری،و حجّت قائم امام مهدی مورد انتظار درود خدا بر همهٔ آنان.خدایا دوست بدار آنکه آنان را دوست دارد،و دشمن بدار آنکه آنان را دشمن بدارد،و یاری ده آنکه آنان را یاری رساند و خوار کن آنکه آنان را خوار خواهد و لعنت فرست بر آنکه به آنان ستم ورزید و در فرج خاندان محمّد شتاب فرما،و پیروان خاندان محمّد را یاری کن،و دیدار قائم خاندان محمّد را روزی ام گردان،و مرا از پیروان و شیعیان او و خرسندان به کار او قرار ده،به مهرت ای مهرورزترین مهرورزان.

[دعای مقاتل بن سلیمان]

هفتم:شیخ کفعمی در کتاب بلد الامین از حضرت زین العابدین علیه السّلام دعایی نقل کرده و فرموده:این دعا را

مقاتل بن سلیمان از آن حضرت روایت کرده و گفته:هرکه این دعا را صد مرتبه بخواند و دعایت اجابت نشود پس مقاتل را لعنت کند.و آن دعا این است: خدایا چگونه تو را بخوانم و حال آنکه من منم،و چگونه امیدم را از تو قطع کنم و حال آنکه تو تویی،خدایا !آنگاه که از تو نخواهم که به من عطا کنی پس کیست که از او درخواست عطا کنم؟ خدایا !آنگاه که تو را نخوانم تا مرا اجابت کنی،پس کیست که او را بخوانم تا اجابتم کند؟،خدایا !آنگاه که به سوی تو زاری نکنم تا به من مهرآوری،پس کیست که به جانب او زاری کنم تا به من مهر آورد،خدایا !چنان که دریا را برای موسی(درود خدا بر او)شکافتی و نجاتش دادی،از تو درخواست می کنم بر محمّد و خاندانش درود فرستی و از آنچه در آن گرفتارم مرا رهایی بخشی،و بر من گشایش دهی گشایشی فوری نه دیر،به فضل و مهربانی ات،ای مهربان ترین مهربانان.

[دعایی که جبرئیل به پیغمبر آموخت]

هشتم:سیّد ابن طاووس در کتاب مهج الدعوات از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که جبرئیل به محضر رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله عرضه داشت:هیچ پیامبری را به اندازه تو دوست نداشتم،پس بسیار بگو:

خدایا !تو می بینی و دیده نمی شوی و تو در چشم انداز برتری و نهایت و بازگشت همه به سوی تو است، و آخرت و دنیا و مرگ و زندگی از آن تو است،پروردگارا به تو پناه می آورم از اینکه خوار یا رسوا شوم.

[دعای سریع الاجابه]

نهم:کفعمی در کتاب«بلد الامین»دعایی به روایت از موسی بن جعفر علیهما السلام نقل کرده و گفته است:این دعا عظیم الشأن و سریع الاجابه است،و آن دعا این است:

خدایا!تو را در محبوبترین چیزها نزدت که یگانه پرستی است اطاعت نمودم،و تو را در مبغوض ترین چیزها که کفر است نافرمانی نکردم،پس آنچه از گناهان بین این دو است بر من بیامرز،ای آنکه گریزگاهم تنها به جانب اوست، از آنچه از آن به سویت پناه آوردم مرا ایمنی بخش،خدایا! بیامرز از نافرمانیهای بسیارم را در پیشگاهت،و طاعت اندکم را در آستانت بپذیر، ای تنها توشه ام از میان توشه ها،و ای امید و آرامش،و پناه و تکیه گاهم،و ای یگانه و یکتا، ای که گفتی«بگو او خدای یکتاست،خدای بی نیاز است،نه زاده و نه زاییده شده،و برایش همتایی نبوده است»،از تو درخواست می کنم به حق آنان که از میان آفریده هایت انتخاب نمودی،و هیچکس را از میان آفریدگانت همانند آنان قرار ندادی،بر محمّد و خاندانش درود فرست،و با من چنان کن که سزاوار آنی،خدایا!از تو درخواست می کنم به حق یگانگی بزرگ تر الهی،و مقام تابندۀ محمّدی،و جایگاه برتر علوی،و به تمام آنچه به آن بر بندگانت حجّت نهادی،و به حق آن نامی که از آفریدگان خود پنهان داشتی،که از تو جز برای تو اظهار نگردد،بر محمّد و خاندانش درود فرست و برای من در کارم گشایش و راه نجاتی قرار ده،و از جهاتی که گمان می برم و یا گمان نمی برم مرا روزی ده همانا تو هرکه را بخواهی بی حساب روزی می دهد.سپس حاجت خود را درخواست کن.

[دعای«یا من تحلل»که حضرت هادی علیه السلام تعلیم الیسع قمی کرده و فرموده آل محمد این دعا را هنگام بلا و ظهور دشمن و خوف فقر و تنگی سینه می خواندند]

دهم:کفعمی در کتاب«مصباح»دعایی نقل کرده و فرموده است:سیّد ابن طاووس این دعا را برای ایمن شدن از ستم سلطان و نزول بلا و چیرگی دشمنان و ترس و تنگدستی و دل تنگی ذکر کرده،و آن از دعاهای صحیفه سجّادیه است، پس هرگاه از زیان آنچه ذکر شد در هراس بودی آن را بخوان.و دعا این است:

ای آنکه گرفتاریهای سخت تنها به وسیلهٔ او بازگردد،ای آنکه تیزی تیغ دشواریها به او درهم شکسته شود،ای آنکه بیرون آمدن از رنجها و راه یافتن به سوی عرصه گشایش تنها از او درخواست گردد،در برابر توانایی ات سختیها رام شد،و به لطف اسباب و وسائل فراهم گشت، و به نیرویت قضا جاری شد،و امور براساس اراده ات گذرد،پس اشیاء تنها نه به گفتارت بلکه به اراده ات فرمان پذیرند،و تنها به اراده ات قبل از نهی کردنت باز داشته اند،تنها تو برای رفع گرفتاریها خوانده شدی،و در بلاهای سخت پناهگاهی،چیزی از آن بلاهای سخت دفع نگردد جز آنچه تو دفع کردی،و چیزی از آن گشوده نشود مگر آنچه تو گشودی،پروردگارم مشکلی به من رسیده که سنگینی اش مرا به زحمت انداخته است،و دشواری بر من فرود آمده که به دوش کشیدنش مرا گرانبار نموده است آری آن را تو به قدرت خویش بر من فرود آوردی،و با نیرویت متوجّه من ساختی،پس از آنچه مرا در آن وارد کردی بیرون کننده ای نیست و از آنچه متوجه من نمودی بازگرداننده ای وجود ندارد و از آنچه تو بستی گشاینده ای نمی باشد و از آنچه تو گشودی کسی را یارای بستن نیست و بر آنچه تو سخت گرفتی آسان کننده ای وجود ندارد و برای آنکه تو از یاری اش دریغ ورزیدی یاوری نیست،بر محمّد و خاندانش درود فرست،و گشایش را پروردگارا به کرم و فضلت به روی من بگشا،و چیرگی اندوه را به نیروت از من برگیر،و مرا در آنچه از آن به تو شکایت نمودم خوش بینی عطا فرما،و شیرینی رفتارت را نسبت به آنچه از تو خواستم به من بچشان،و از پیشگاه خود مهر و گشایش گوارایی به من ببخش،و از نزد خود را نجات فوری برایم قرار ده،و از محافظت در انجام واجبات،و به کار گرفتن احکامت در زندگی مرا غافل مساز،پروردگارا از مشکلی که بر من فرود آمده سخت به تنگ آمدم،و وجودم را به خاطر حادثه ای که برایم رخ داده اندوه

ص:192

فرا گرفته است،تنها تو توانایی برای برطرف ساختن آنچه به آن دچار شدم و دفع آنچه در آن افتادم،پس به فضل خویش آن را برایم به انجام برسان،هرچند خود را سزاوار آن از سوی تو نمی دانم،ای صاحب عرش بزرگ،و دارای نعمت کریمانه،تنها تو نیرومندی،ای مهربانترین مهربانان،دعایم را اجابت کن ای پروردگار جهانیان.

دعای فرج امام زمان(عج)

یازدهم:کفعمی در کتاب«بلد الامین»فرموده:این دعا دعای امام زمان(عج)است که آن را به شخصی که در زندان بود تعلیم داد،پس آن زندانی با خواندن آن آزاد شد:

خدایا گرفتاری بزرگ شد،و پوشیده بر ملا گشت،و پرده کنار رفت،و امید بریده گشت،و زمین تنگ شد،و خیرات آسمان دریغ شد و پشتیبان تویی،و شکایت تنها به جانب تو است،در سختی و آسانی تنها بر تو اعتماد است،خدایا !بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست آن صاحبان فرمانی که اطاعتشان را بر ما فرض نمودی،و به این سبب مقامشان را به ما شناساندی،پس به حق ایشان به ما گشایش ده،گشایشی زود و نزدیک همچون چشم بر هم نهادن یا زودتر،ای محمّد و ای علی،ای علی و ای محمّد،مرا کفایت کنید،که تنها شما کفایت کنندگان منید،و یاری ام دهید که تنها شما یاری کنندگان منید،ای مولای ما ای صاحب زمان،فریادرس،فریادرس،فریادرس، مرا دریاب،مرا دریاب،مرا دریاب،اکنون،اکنون،اکنون،با شتاب،با شتاب،با شتاب،ای مهربان ترین

مهربانان به حق محمّد و خاندان پاک او.

[دعای امام زمان علیه السلام «اللهم ارزقنا توفیق الطاعه و بعد المعصیه»]

دوازدهم:کفعمی در کتاب«مصباح»فرموده است:این دعای حضرت مهدی(عج)است:

خدایا،توفیق فرمانبری،و دوری از نافرمانی،و درستی نهاد و شناخت واجبات را روزی ما بدار و ما را به هدایت و پایداری گرامی دار،و زبانمان را به راستگویی و حکمت استوار ساز،و دلهایمان را از دانش و بینش پر کن،و شکمهایمان را از حرام و شبهه پاک فرما،و دستانمان را از ستم و دردی بازدار و دیدگانمان را از ناپاکی و خیانت فرو بند،و گوشهایمان را از شنیدن بیهوده و غیبت ببند،و و بر دانشمندانمان زهد و خیرخواهی و بر دانش آموزان تلاش و شوق،و بر شنوندگان پیروی و پندآموزی،و بر بیماران شفا و آرامش،و بر مردگان مهر و رحمت،و بر پیران متانت و آرامش،و بر جوانان بازگشت و توبه و بر زنان حیا و پاکدامنی و بر ثروتمندان فروتنی و گشادگی،و بر تنگدستان شکیبایی و قناعت،و بر جنگجویان نصر و پیروزی،و بر اسیران آزادی و راحتی،و بر حاکمان دادگستری و دلسوزی،و بر زیردستان انصاف و خوشرفتاری تفضّل فرما،و حاجیان و زیارت کنندگان را در زاد و خرجی برکت ده،و آنچه را بر ایشان از حج و عمره واجب کردی توفیق اتمام عنایت کن

ص:194

به فضل و رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

[دعای حضرت حجت علیه السلام]

سیزدهم:در«مهج الدّعوات»ذکر شده است که این دعا دعای حضرت حجّت(عج)است:

خدایا!به حق کسی که با تو راز گفت،و به حق کسی که در خشکی و دریا تو را خواند،درود فرست بر محمّد و خاندان محمّد و بر تهیدستان از مردان و زنان با ایمان توانگری و ثروت عطا فرما،و بر بیماران اهل ایمان از مردان و زنان شفا و تندرستی عطا فرما،و بر زندگانشان لطف و کرامت،و بر مردگان مردان و زنان با ایمان آمرزش و رحمت،و بر غریبان مردان و زنان با ایمان بازگشت به وطن با سلامتی و بهره مندی عنایت فرما،به حق محمّد و همه اهل بیت او.

دعای استغاثه به حضرت قائم عجّل اللّه فرجه

چهاردهم:سیّد علی خان شیرازی در کتاب«کلم طیّب»فرموده است:این دعا دعای استغاثه به حضرت صاحب الزّمان(صلوات الله علیه)است،هر کجا که باشی دو رکعت نماز بجای آر و سپس زیر آسمان رو به قبله بایست و بگو:

سلام کامل،تمام،همه جانبه و فراگیر خدا،و درود همیشگی،و برکات پاینده و برازندۀ حق بر حجت خدا و جانشین او در زمین و تمامی سرزمینها،و خلیفۀ او بر همه خلق و بندگان،آن که از نسل نبوّت،و باقیماندۀ عترت،و از برگزیدگان است،صاحب زمان و آشکار کنندۀ ایمان،

و معلّم احکام قرآن،و پاک کنندۀ زمین و گسترانندۀ عدالت در طول و عرض جهان و حجّت پایدار،مهدی،آن امام مورد انتظار،پسندیده،و فرزند امامان پاک، جانشین و فرزند جانشینان پسندیده،رهبر معصوم و فرزند پیشوایان راهبر معصوم، سلام بر تو ای عزّت بخش اهل ایمان و همه آنان که ناتوانشان شمردند،سلام بر تو ای خوار کنندۀ کافران گردنکش و ستمکار،سلام بر تو ای سرورم ای صاحب الزّمان،سلام بر تو ای فرزند رسول خدا،سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان،سلام بر تو ای فرزند فاطمۀ زهرا،سرور بانوان جهان،سلام بر تو ای فرزند امامان،آن حجّتهای معصوم، و ای پیشوای همۀ خلایق،سلام بر تو ای سرورم،سلامی با کمال خلوص به تو در ولایت و پیروی، گواهی میدهم که مانا تو امام راه یافته در گفتار و کرداری،و تویی آنکه زمین را با عدل و داد پر کنی، پس از آنکه از ستم و جور پر شد،پس خدا در گشایش کارت شتاب ورزد،و آمدنت را آسان نماید،و زمانت را نزدیک فرماید، و بر یاران و یاورانت بیفزاید،و به آنچه به تو وعده داده وفا کند،که خدا راستگوترین گویندگان است که در قرآن فرموده:«و ما می خواهیم بر کسانی که در زمین ناتوان شمرده شده اند منّت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان قرار دهیم»،ای سرورم ای صاحب الزّمان،ای فرزند رسول خدا،حاجت من این و آن است.و بجای کذا و کذا حاجات خود را بیان کند و بگوید

ص:196

در برآورده شدن حاجاتم نزد خدا واسطه شو،من با حاجاتم به سوی تو رو نمودم،چون می دانم شفاعت تو نزد خدا پذیرفته می شود و مقام تو در بارگاهش بس ستوده است،پس به حق آنکه شما ربا به امر خویش خاص گرداند و برای بیان اسرارش برگزید،و به حق جایگاهی که شما در پیشگاه خدا داری که تنها بین شما و اوست،برآوردن خواهشم،و اجابت دعایم،و برطرف شدن اندوهم را از خدا بخواه.سپس بخواه هرچه خواهی که به خواست خدا برآورده شود.

مؤلّف گوید:بهتر آن است که در رکعت اوّل این نماز پس از سورۀ«حمد»سورۀ«انّا فتحنا»و در رکعت دوّم پس از سورۀ«حمد»سورۀ«اذا جاء نصر اللّه»خوانده شود.

فصل هشتم در بیان مناجات ها است

مناجات خمس عشره

اشاره

مناجات خمس عشره[یعنی مناجاتهای پانزده گانه]از مولای ما علی بن الحسین علیهما السلام است،علاّمۀ مجلسی رحمه اللّه علیه در کتاب بحار الانوار فرموده است:من این مناجات را به روایت از آن حضرت در کتابهای بعضی از علما(رضوان اللّه علیهم)یافتم.

المناجاه الاولی:مناجاه التائبین

مناجات اوّل:راز و نیاز توبه کنندگان

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا!گناهان بر من لباس خواری پوشانده،و دوری از تو جامۀ درماندگی بر تنم پیچیده،و بزرگی جنایتم دلم را میرانده،پس آن را با توبه به درگاهت زنده کن،ای آرزویم و مرادم و خواسته ام و امیدم،به عزّتت سوگند

ص:197

برای گناهانم آمرزنده ای جز تو نمی یابم،و برای دل شکستگی ام جبران کننده ای جز تو نمی بینم،به پیشگاهت با توبه و انابه فروتنی نمودم،و با ذلّت و خواری،به درگاهت تسلیم شدم،اگر مرا از درگاهت برانی به که روی آورم؟و اگر از آستانت بازگردانی به که پناه برم؟در این حال افسوس از شرمندگی و رسوایی ام،و دریغ از زشتی کردار و فراهم آوردن گناهانم،ای آمرزندهٔ گناهان بزرگ،و ای جبران کنندهٔ استخوان شکسته،از تو درخواست می کنم که گناهان تباه کننده ام را بر من ببخشایی،و بر من بپوشانی پنهانکاریهای رسواکننده ام را،و مرا در عرصه قیامت از نسیم گذشت و آمرزشت بی بهره مگذاری،و از پوشش زیبای چشم پوشی ات عریان و بی پوشش رها نسازی،خدایا سایهٔ رحمتت را بر گناهانم بینداز،و ابر مهربانی ات را به سوی عیبهایم گسیل کن،خدایا آیا برده فراری جز به جانب مولایش باز می گردد؟یا کسی به او از خشم مولایش جز مولایش پناه می دهد؟خدایا اگر پشیمانی از گناه توبه است، پس به عزّتت سوگند که من از پشیمانانم،و اگر آمرزش طلبی از خطاکاری سبب فرو ریختن خطاها از پرونده است،من از آمرزش خواهانم،حق رضایت با توست تا راضی شوی،خدایا با قدرتت بر من توبه ام را بپذیر،و با بردباری است نسبت به من از من درگذر،و با آگاهی ات از حال من با من مدارا فرما،خدایا تویی که به روی بندگانت دری به سوی بخششت گشودی و آن را توبه نامیدی،و خود فرمودی:«بازگردید به جانب خدا،بازگشتی خالصانه»،پس عذر کسی که از ورود به این در پس از گشوده شدنش غفلت ورزد چه می تواند باشد؟خدایا اگر نافرمانی و گناه از بنده ات زشت بود،پس گذشت از جانب تو

زیباست،خدایا نخستین،کسی نیستم که تو را نافرمانی کرده و حضرتت توبه پذیرش شدی،و خود را در معرض احسانت قرار داده و تو مرا مورد احسانش قرار دادی،ای پاسخگوی درماندگان،ای برطرف کنندهٔ زیان،ای بزرگ نیکی،ای دانای نهان،ای زیبا پرده پوش،به جود و کرمت به سوی تو شفاعت می جویم،و توسّل می کنم نزد تو به فضل و رحمتت دعایم را اجابت کن،امیدم را به خود ناامید مساز،و توبه ام را بپذیر،و با احسان و مهرت خطاهایم را نادیده گیر،ای مهربان ترین مهربانان.

المناجاه الثانیه:مناجاه الشّاکین

مناجات دوّم:راز و نیاز شاکیان

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا از نفسی که فراوان به بدی فرمان میدهد به تو شکایت می کنم،همان نفسی که شتابنده به سوی خطا،و آزمند به انجام گناهان،و در معرض خشم توست،نفسی که مرا به راه هلاکت می کشاند،و هستی ام را نزد تو از پست ترین تباه شدگان قرار می دهد،بیماریهایش بسیار،آرزویش دراز است،اگر گزندی به او در رسد بی تابی می کند،و اگر خیری به او رسد از انفاقش دریغ می ورزد،به بازی و هوسرانی میل بسیار دارد،از غفلت و اشتباه آکنده است،مرا به تندی به جانب گناه می راند،و با من در توبه و ندامت امروز و فردا می کند،خدایا از دشمنی که گمراهم می کند و از شیطانی که به بی راهه ام می برد به تو شکایت می کنم،شیطانی که سینه ام را از وسوسه انباشته

ص:199

و زمزمه های خطرناکش قلبک را فرا گرفته است،شیطانی که با هوا و هوس برایم کمک می کند،و عشق به دنیا را در دیدگانم زیور می بخشد،و بین من و بندگی و مقام قرب پرده می افکند،خدایا از دل همچون سنگی که با وسوسه زیر و رو می شود و به آلودگی گناه و سیاسی نافرمانی آلوده شده به تو شکایت می کنم،خدایا از چشمی که از گریه ناشی از هراس تو خشک شده،و در عوض به مناظری که خوش آیند آن است خیره گشته به تو گلایه می کنم،خدایا توان و نیرویی برای من جز به قدرت تو نیست،راه نجاتی از گرفتاریهای دنیا جز نگهداری تو برایم نمی باشد،از تو خواستارم به رسایی حکمتت،و نفوذ اراده ات که مرا جز جودت در معرض چیزی قرار ندهی،و هدف فتنه ها نگردانی،و علیه دشمنانم یاور باشی،و پرده پوش رسوائیها و عیوبم گردی،و از بلا نگهدار،و از گناهان بازدارنده ام باشی به مهر و رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

المناجاه الثالثه:مناجات الخائفین

مناجات سوّم:راز و نیاز ترسیدگان

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا آیا چنین می نمایی که پس از ایمانم به تو عذابم نمایی؟یا پس از عشقم به تو از خود دورم سازی،یا با امید به رحمت و چشم پوشی ات محرومم سازی،یا با پناه جویی ام به گذشتت رهایم نمایی،هرگز چنین نیست !از ذات بزرگوارت به دور است که

محرومم کنی،ای کاش می دانستم که آیا مادرم مرا برای بدبختی به دنیا آورده،یا برای رنج کشیدن و زحمت پرورانده است،اگر چنین است کاش مرا نزاده و نپرورانده بود،و ای کاش آگاه بودم که آیا مرا از اهل سعادت قرار داده و به قرب و جوارت اختصاص داده ای تا به این سبب چشمم روشن و جانم آرام گیرد؟خدایا آیا چهره هایی که در برابر عظمتت سجده کنان به خاک افتاده سیاه می کنی،یا زبانهایی را که برای بزرگی و شکوهت به ستایش گویا شده ناگویا می نمایی؟یا بر دلهایی که به محبتت پیچیده شده مهر می زنی،یا گوشهایی را که از شنیدن ذکرت در راه رضایت لذّت برده ناشنوا می کنی، یا دستهایی را که آرزوهای به امید مهرورزی ات به سویت بلند کرده و به زنجیر می بندی،یا بدنهایی را که در طاعتت کوشیده تا جایی که در راه کوشش در بندگی ات لاغر شده مجازات می کنی،یا پاهایی را که در راه عبادتت پوییده به عذاب دچار می نمایی،خدایا درهای رحمتت را بر یکتاپرستان مبند،و شیفتگانت را از نگاه به زیبایی دیدارت محروم مساز، خدایا جانی را که به توحیدت عزّت بخشیدی،چگونه به خواری هجرانت ذلیل می کنی،و باطنی که بر دوستی ات پیمان بسته،چگونه به سوز آتشت می سوزانی؟خدایا از دردناکی خشمت و بزرگی ناخشنودیت پناهم ده، ای پرمهر،ای منتّگذار،ای مهربان،ای بخشاینده،ای جبّار،ای چیره،ای آمرزنده،ای پرده پوش،به مهرت مرا از شکنجه آتش و رسوایی ننگ رهایی بخش،آنگاه که نیکان از بدان جدا شوند،و حالتهای دگرگون گردد و هراسنده ها بهراسند،و نیکوکاران به خوشبختی نزدیک شوند،و بدکاران از آن دور گردند،و به هرکسی برابر آنچه انجام داده جزای برازنده داده شود

و هرگز به آنان ستم نشود.

المناجات الرابعه:مناجاه الرّاجين

مناجات چهارم:راز و نیاز امیدواران

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

ای آنکه هرگاه بنده ای از او بخواهد عطایش کند،و هرگاه چیزی را که نزد اوست آرزو کند به آرزویش برساند،و زمانی که به او روی آور مقرّب و نزدیکش کند،و گاهی که تظاهر به گناه کند گناهش را پرده پوشی نماید،و آنگاه که بر او توکل نماید او را بس باشد و کفایت کند،خدای من کیست که بر آستانت وارد شده و خواهان مهمان پذیری ات باشد و تو از او پذیرایی نکرده باشی،و کیست که مرکب حاجت را با امید به سخاوتت به درگاهت خوابانده باشد و تو احسانش ننموده باشی آیا خوشایند است که از درگاهت با محرومیت بازگردم،درحالی که جز تو سروری که به احسان متصّف باشد نشناسم،چگونه به غیر تو امید بندم درحالی که هر خوبی به دست توست،و چگونه جز تو را آرزو کنم درحالی که آفرینش و فرمان خاص تو است،آیا امیدم را از تو ببرم درحالی که از روی احسان آنچه که از تو نخواستم به من عطا فرمودی یا آیا به مانند خودم محتاج می کنی درحالی که به رشتۀ محکمت چنگ می زنم،ای آنکه قصدکنندگان به رحمتش خوشبخت شدند،و آمرزش خواهان به انتقامش بدبخت نشدند،چگونه فراموشت کنم که همیشه به یادم بوده ای،و چگونه از تو غافل شوم که تو نگهبانم هستی،خدای من دستم را به دامن کرمت آویختم،و برای رسیدن به عطایت سفره آرزویم را گستردم،

ص:202

مرا به خلوص توحیدت خالص کن،و از بندگان برگزیده ات قرار ده،ای آنکه هر گریزانی به او پناه می جوید،و هر جوینده ای به او امید می بندد،ای بهترین امیدبخش،ای کریم ترین خوانده،ای آنکه پرسنده اش برگردانده نشود،و آرزومندش محروم نگردد،ای آنکه در رحمتش به روی خوانندگان باز است،و پردهٔ درگاهش برای امیدواران گشوده است،از تو می خواهم به بزرگواریت که ببخشی از عطای خود بر من آن چنان که دیده ام به آن روشن شود،و از امید به تو سرشارم سازی به اندازه ای که نهادم آرامش یابد،و از یقین آن چنان بر من منّت نهی که با آن ناگواریهای دنیا را برایم آسان نمایی،و با آن از دیدگانم دلم پرده های نابینایی را برگیری به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

المناجات الخامسه:مناجاه الرّاغبین

مناجات پنجم:راز و نیاز دلدادگان

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا هرچند در آمدن به سویت توشه ام اندک است ولی گمانم بر توکّل به تو همواره نیکو است،و هرچند گناهم مرا از عذاب تو به هراس افکنده،ولی چشم امیدم ایمنی از انتقامت را به من خبر می دهد، و هرچند نافرمانی ام مرا را در معرض عذابت قرار داده ول یح سن اعتمادم مرا به پاداشت آگاهی می دهد،و هرچند بی خبری مرا از آمادگی برای دیدارت به خواب غفلت انداخته ولی آشنایی به کرم و عطاهایت مرا بیدار نموده است،و اگر

زیاده روی در گناه و سرکشی،میانۀ من و تو را تیره ساخته ولی مژده آمرزش و خشنودی ات با من انس گرفته است.از تو می خواهم به درخششهای جلوه ات و به انوار قدست،و هم به سویت زاری می کنم به عواطف مهرت و لطایف احسانت،که تحقق بخشی گمانم را در آنچه از تو آرزومندم از بزرگی اکرامت و زیبایی انعامت،در راه تقرّب به تو و نزدیکی به درگاهت و بهره مندی از نگاه به سویت،هم اینک متعرّض نسیمهای رحمت و توّجه تو،و خواهان باران جو و لطف بی پایان تو می باشم،و از خشمت به سوی خشنودی ات گریزان،و از تو به سوی خودت فراری ام،نیکوترین چیزی را که نزد توست امید دارم،بر بخششهایت اعتماد می نمایم، به عنایتت نیازمندم،خدایا آنچه را از فضلت بر من آغاز کردی به انجام رسان،و آنچه را از کرمت به من دادی از من مگیر،و آنچه را با بردباری ات بر من پوشاندی آشکار مکن،و آنچه را از زشتی کردارم دانستی بیامرز، خدای از تو به تو شفاعت می جویم،و از تو به تو پناهنده می شوم،با امید بسیار به احسانت به سوی تو آمدم، به خوبیهایت که بر من منّت گذاری دل بسته ام،به فراوانی کرمت تشنه ام،ابر فضلت را باران طلبم،خشنودی ات را خواهانم، آهنگ آستانت را دارم،به جویبار عطایت وارد آمدم،برترین خیرات را از پیشگاهت خواهشمندم،به جانب حضرت جمالت روانم،ذاتت را اراده دارم،کوبندۀ در رحمتت هستم،درمانده ام در برابر شکوه و جلالت،با من از آمرزش و رحمت آن گونه کن که شایستۀ آنی و نه آن گونه که سزاوار عذاب و انتقامم،

به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

المناجاه السادسه:مناجاه الشاکرین

مناجات ششم:راز و نیاز شاکران

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا،پیاپی آمدن کرمت،بر پا داشتن سپاست را از یاد من برد،و فراوانی بخششت مرا از شمارش ستایشت درمانده ساخت،و در پی هم آمدن احسانت مرا از یاد اوصاف نیکت بازداشت،و پشت هم رسیدن نعمتهایت مرا از گسترش خوبیهایت درمانده نمود،این است جایگاه آنکه به برازندگی نعمتهای تو و در برابر آن به کوتاهی خود اعتراف دارد و به زبان خود به سستی در بندگی و هدر دادن نعمتها گواهی می دهند و تویی دلجو،مهربان،نیکوکار کریم،که خواهنده اش را محروم نمی کند،و آرزومندش را از درگاهش نمی راند،به آستانت فرود می آید بار امیدواران،و در درگاه رحمت تو می ایستد آرزوهای عطاخواهان،پس آرزوهایمان را با محرومیت و ناامیدی روبرو مساز،و جامۀ ناامیدی و دوری از رحمت را بر ما بپوشان،خدایا در برابر بزرگی نعمتهایت سپاسم کوچک می نماید،و در کنار اکرامت بر من ستایش و گزارشم از آن خود را پست و ناچیز نشان می دهد،نعمتهایت از انوار ایمان زینتهایی به من پوشاند،و لطایف نیکی ات خیمه هایی از عزت بالای سرم افراشت،و عطاهایت گردن بندهای زیبنده ای به گردنم افکند که هرگز باز نشود،و طوقهایی بر

من آویخت که به هیچ روی گسسته نگردد،عطاهای انبوهت زبانم را از شمردنش ناتوان ساخته،و نعمتهای فراوانت فهمم را از دریافتشان کوتاه نموده،تا چه رسد به بررسی کامل آنها،سپاسگزاری ات چگونه برای من امکان پذیر است در حالی که سپاسم نسبت به تو خود نیازمند سپاسی دیگر است،پس هر نوبت که گفتم تو را سپاس،بر من واجب شد که به خاطر آن باز بگویم تو را سپاس، خدایا همان گونه که ما را به لطف طعام دادی و با احسانت پروریدی پس نعمتهای سرشارت را بر ما به انجام رسان،و ناگواریهای ناخوشایند را از ما دور کن،و از بهره های هر دو جهان بالاتر و برترش را چه اینک و چه در آینده به ما عنایت کن،تو را سپاس بر خوبی آزمونت و بر نعمتهای سرشارت،سپاسی که درخور خشنودی ات باشد،و خیر وجودت را به جانب ما جلب کند،ای بزرگ،ای کریم،به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

المناجاه السابعه:مناجاه المطیعین لله

مناجات هفتم:راز و نیاز فرمانبران خدا

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدای فرمانبری ات را به ما الهام فرما،و ما را از نافرمانیت دور کن،و راه رسیدن به آنچه از خشنودی ات آرزومندیم آسان کن،و ما را در میان بهشتهایت جای ده،و از برابر دیدگان دلهایمان ابرهای شک و دودلی را بزدای،و از قلوبمان پرده های تردید و کوردلی را کنار زن،و از نهادمان باطل را زایل کن،و حق را در

درون ما استوار گردان،زیرا شکها و گمانها بارورکنندۀ آشوبها،تیره کنندۀ عطاها و بخششهای زلال و بی آلایش اند، خدایا ما را بر کشتیهای نجاتت بنشان،و از لذّت راز و نیازت بهره مند گردان،و به حوضهای دوستی ات وارد کن، و شیرینی محبّت و مقام قربت را به ما بچشان،کوششمان را در راهت و همّتمان را در طاعتت قرار ده،و نیتّهایمان را در معامله با خود خالص گران،چرا که ما با تو و از توییم و برای ما وسیله ای جز به سوی تو نیست،خدایا مرا از گزیدگان بندگان خوبت قرار ده،و به شایستگان نیکوکار ملحق کن،هم آنان که به بندگی پیشی گرفتند، و به سوی خیرات شتافتند و برای باقیات صالحات تلاش کردند،و برای رسیدن به درجات بلند کوشش نمودند همانا تو بر هر چیز توانایی،و به اجابت دعا سزاواری،به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

المناجاه الثامنه:مناجاه المریدین

مناجاه هشتم:راز و نیاز ارادتمندان به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

منزّهی تو،چه تنگ است راهها بر کسی که تو راهنمایش نباشی،و چه آشکار است حق نزد کسی که راه را نشانش دادی،خدایا ما را به راههای رسیدن به سرایت بکشان،و ما را از نزدیک ترین راههای ورود به بارگاهت ببر،دور را بر ما نزدیک کن،و دشوار و سخت را بر ما آسان گردان،و ما را به آن بندگانت که با چالاکی

ص:207

به سویت می شتابند،و همواره در رحمتت را می کوبند ملحق نما،آنان که در هر شب و روز تو را عبادت می کنند،و از هیبتت در هراسند،بندگانی که آبشخورها برای آنان زلال کردی و به خواسته هایشان با کامیابی رساندی،و آنان را بر جوینده هایشان کامروا نمودی،و از روی فضلت حاجاتشان را برآوردی،و نهادشان را از محبّتت آکنده ساختی،و از زلال چشمه ات سیرابشان نمودی،اینان به وسیلهٔ تو به لذّت مناجاتت دست یافتند،و از حسن عنایت تو دورترین مقاصدشان را فراچنگ آوردند،ای کسی که بر روی آورندگان بر خویش روی آورد و با مهرورزی بر ایشان روی آور و بخشنده است،و به غفلت ورزان از یادش دلسوز و مهربان است،و برای جلب آنان به درگاهش با محبّت و عطوف است،از تو می خواهم مرا از کسانی قرار دهی که بهره بیشتری از تو دارند،و برترین جایگاه را نزد تو نصیب خود ساخته اند و از دوستی است سهم برجسته تری به آنان رسیده،و در معرفتت بهرهٔ بیشتری نصیب آنان گشته است،همانا همّتم از همه جا بریده و تنها متوجّه تو گشته است،و رغبتم به جانب تو منصرف شده است،پس تنها تو مراد منی نه غیر تو،و شب زنده داری و بی خوابی ام تنها برای توست نه برای غیر تو،و دیدارت نور دیدگان من است و وصالت آرزوی هستی ام،و تنها به سوی توست اشتیاقم،تنها در مسیر عشق توست شیفتگی ام و در هوای توست دلدادگی ام، و خشنودی ات مقصود من،و دیدارت نیاز من،و جوارت مطلوب من،و قربت نهایت خواسته من است،آسودگی و راحتم در راز و نیاز با توست،داروی دردم و درمان بیماری سینه ام،و خنکای آتشم قلبم،و برآمدن اندوهم تنها پیش توست، پس در هنگام ترس همدمم باش،و لغزشم را نادیده گیر،و گناهم را بیامرز،توبه ام را بپذیر و دعایم را اجابت کن،

و سرپرست زمامم و توانگری گاه تهیدستی ام باش،مرا از خود جدا مکن،و از خویشتن دورم مساز،ای نعمت و بهشت من، و ای دنیا و آخرتم،ای مهربان ترین مهربانان.

المناجاه التاسعه:مناجاه المحبّین

مناجات نهم:راز و نیاز شیفتگان

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا کیست آنکه شیرینی محبتت را چشید پس به جای تو دیگری را برگزید؟و کیست آنکه با مقام قرب تو انس یافت پس مایل به روی برتافتن از تو شد؟خدایا،ما را از کسانی قرار ده که برای قرب و ولایتت برگزیدی،و برای دوستی و محبتت خالص نمودی،و برای دیدارت مشتاق کردی،و به قضایت راضی ساختی،و نعمت نگاه به جمالت را عطایش کردی،و به خشنودی ات مخصوص گرداندی،و از غم هجران و دوری ات پناه دادی،و در جوارت در جایگاه راستی جای دادی،و به شناخت خود اختصاص دادی،و برای بندگی ات سزاوار کردی،و به اراده ات دلباخته فرمودی،و برای تماشای جمالت برگزیدی،و رویش را برای خود از غیر پاک کردی،و دلش را برای عشقت فارغ نمودی،و آن را به سوی آنچه نزد توست راغب فرمودی،و یادت را به او الهام کردی،و شکرت را نصیبش نمودی،و به طاعتت مشغول ساختی،و او را از بندگان شایسته ات گرداندی،و برای راز و نیازت انتخاب کردی،و جدا کردی از او هرچه که او را از تو جدا می کند،خدایا ما را

ما را از کسانی قرار ده که شیوه هاشان آرام گرفتن به درگاه توست در حال زاری و روزگارشان آه و ناله است،و پیشانی شان در پیشگاه عظمتت بر سجده،و دیدگانشان در خدمتت بی خواب گشته است،و اشکشان از خشیت تو روان، و قلوبشان به عشقت آویخته و دلهایشان از هیبتت از جا کنده است،ای آنکه انوار قدسش برای دیدگان عاشقانش جلوه گر است و بزرگیهای جمالش برای قلوب عارفانش دیدنی است،ای آرمان دل مشتاقان،ای نهایت آروزهای عاشقان،از تو درخواست می کنم دوستی خودت را و دوستی آنان که تو را دوست دارند و دوستی هر کاری که مرا به میدان قرب تو می رساند،و اینکه خودت را نزد من محبوب تر از دیگران قرار دهی و عشقم را به وجودت راهبر به سوی خرسندی ات بگردانی و شوقم را به حضرتت بازدارنده از نافرمانی ات سازی،خدایا تماشای زیبایی وجودت را بر من منّت گذار و به من به دیدۀ عشق و عاطفه بنگر،و روی از من متاب،و مرا نزد خود از اهل خوشبختی و بهره مندی قرار ده،از اجابت کننده،ای مهربان ترین مهربانان.

المناجاه العاشره:مناجاه المتوسّلین

مناجاه دهم:راز و نیاز توسّل جویان

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا به پیشگاهت وسیله ای جز عواطب مهرت ندارم،و به درگاهت دست آویزی جز آنچه از رحمتت

ص:210

شناخته شده و جز شفاعت پیامبرت پیامبر رحمت رهایی بخش امت از رنج و ناراحتی ندارم،خدایا!این دو وسیله را برای من سبب رسیدن به آمرزشت قرار ده،و آن دو را رابطه ای برای دست یابی به خشنودیت بگردان،همانا امیدم به حریم کرمت فرود آمده، و مرکب طمعم به آستانه جودت بار انداخته است،پس دربارهٔ خودت آرزویم را محقّق ساز،و کارم را به خیر پایان ده،و مرا از آن برگزیدگانی قرار ده که در در میان بهشت قرارشان دادی و خانهٔ کرامتت را در اختیارشان گذاردی و دیدهٔ آنان را در روز قیامت با نگاه به سوی جمال خویش روشن نمودی،و جایگاه راستی را در جوارت به آنان واگذار نمودی،ای آنکه باریافتگان بر کریم تر از او بار نیابند،و قصدکنندگان مهربان تر از او را نیابند،ای بهترین کسی که شخص تنها با او خلوت کند،و ای مهربان ترین کسی که انسان رانده به جانب او روی آورده،به سوی گستردگی عفوت دست گدایی دراز کردم،و به دامن کرمت چنگ آویختم،مرا سزاوار حرمان مکن و به ناامیدی و زیان دچار مساز،ای شنوای دعا،ای مهربان ترین مهربانان.

المناجاه الحادیه عشره:مناجاه المفتقرین

مناجات یازدهم:راز و نیاز نیازمندان

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا شکستگی ام را جز لطف و محبتت جبران نکنند،و تهیدستی ام را بی نیازی نرساند جز مهر و احسانت، و هراسم را جز امان تو آرام ننماید،و خواری ام را جز توانایی ات به عزّت تبدیل نکند،و مرا جز فضلت به آرزویم

ص:211

نرساند و شکاف فقرم را جز احسان تو پر نکند،و حاجتم را کسی جز تو بر نیاورد،و غمزدگی ام را جز رحمتت برطرف ننماید و بدحالی ام را جز مهرت نگشاید و سوز سینه ام را جز وصل تو خنک نکند و آتش درونم را جز دیدارت خاموش نگرداند و بر حرارت شوقم به تو جز نگاه به جمالت آب نریزد، و آرامشم بدون نزدیک شدن به حضرتت برقرار نشود و حسرتم را جز نسیم رحمتت برنگرداند،و بیماری ام را جز درمانت شفا ندهند و غمم را جز مقام قربت برطرف نسازد،و زخمم را جز چشم پوشی ات التیام ندهد،و آلودگی دلم را جز گذشت تو نزداید،و وسواس سینه ام را جز فرمانت از میان نبرد،ای نهایت آرزوی آرزومندان،ای غایت خواهش خواهندگان،ای دورترین مطلوب جویندگان،ای والاترین رغبت راغبان،ای سرپرست شایستگان،ای امان ترسیدگان،ای اجابت کنندۀ دعای بیچارگان،ای ذخیرۀ ناداران، ای گنج بینوایان،ای فریادرس دادخواهان،ای برآورندۀ حاجات تهیدستان و بر خاک نشستگان،ای کریم ترین کریمان،ای مهربان ترین مهربانان،فروتنی و خواهشم به پیشگاه توست،و زاری و ناله ام به سوی تو،از تو می خواهم مرا به نسیم خرسندی ات برسانی،و نعمتهای نیکویت را بر من تداوم بخشی،من اینک بر در خانه کرمت ایستاده ام،و در معرض نسیمهای نیکی ات قرار دارم،و به رشتۀ محکمت چنگ زده ام و به دست آویز استوارت دست آویختم،خدایا بر بندۀ خوارت که زبانش گنگ،و عملش اندک است رحم کن،و

ص:212

با احسان پیوسته و برجسته ات بر او منّت گذار،و او را زیر سایهٔ بلندت حمایت فرما،ای گرامی،ای زیبا،ای مهربانترین مهربانان.

المناجاه الثانیه عشره:مناجاه العارفین

مناجاه دوازدهم:راز و نیاز عارفان

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدای زبانها از ادای ثنایت آن چنان که شایستهٔ عظمت توست کوتاه است،و خردها از درک ژرفای جمالت ناتوان است،و دیده ها از تماشای بزرگیهای ذاتت درمانده است،برای خلق راهی به سوی شناسایی ات جز ناتوانی از شناخت قرار ندادی،خدایا ما را از کسانی قرار ده که شاخسارهای اشتیاق به سویت در بوستانهای سینه هایشان استوار و پابرجا شده است و سوز عشقت در کانون دلهایشان برافروخته،از این روی به آشیانهٔ اندیشه های و لا جای گیرند،و در گلستان قرب و مکاشفه ات می گردند،و از حوضهای محبّتت با جام ملاطفت می نوشند و در کنار نهرهای صفا وارد می شوند،درحالی که پرده از دیدگانشان برداشته شده،و تاریکی دودلی از باورها و ضمایرشان زدوده گشته،و خلجان شک از دلها و باطنشان بیرون رفته،و سینه هایشان با تحقّق معرفت گشوده شده،و همّتشان برای

پیشی گرفتن در میدان خوشبختی بر اثر زهد بلندی گرفته،و نوشیدنشان در چشمۀ زلال کردار گوارا شده،و باطنشان در مجلس انس پاکیزه گشته،و راهشان در جای ترسناک ایمنی یافته،و جانشان با رجوع به رب الارباب اطمینان یافته،و ارواحشان به نیکبختی و رستگاری یقین یافته،و دردگانشان با نظر به محبوبشان روشنی گرفته،و آرامششان با دریافت خواهش و رسیدن به آرزو استقرار یافته،و تجارتشان در فروش دنیا به آخرت سودبخش بوده،خدایا چه لذّت بخش است در دلها خاطرات الهام گرفته از یادت،و چقدر شیرین است پویش به سوی تو با مرکب اندیشه ها در راه های غیب،و طعم عشقت چه خوش،و شربت مقام قربت چقدر گوارا است،پس ما را از راندن و دور کردنت پناه ده،و از خاص ترین عارفانت و شایسته ترین بندگانت و راستگوترین فرمانبرانت و خالص ترین پرستندگانت قرار داده،ای بزرگ،ای باشکوه،ای گرامی،ای بخشنده،به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

المناجاه الثالثه عشره:مناجاه الذاکرین

مناجات سیزدهم:راز و نیاز ذاکران

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا اگر پذیرش فرمانت بر من واجب نبود هر آینه پاک نگاه می داشتمت از اینکه ذکر تو گویم،چه ذکر من تو را به اندازۀ کاستی من است

ص:214

نه برازندۀ کمال تو،شأن و اندازۀ من چقدر می تواند بالا رود تا ظرف تقدیس تو قرار گیرم؟از بزرگ ترین نعمتها بر ما جاری شدن ذکر تو بر زبان ماست،و اجازه ات به ماست که تو را بخوانیم و تنزیه و تسبیح گوییم، خدایا پس ذکرت را به ما الهام کن در نهان و آشکار و شب و روز،و پیدا و پنهان،و در خوشی و ناخوشی و ما را به ذکر پنهان مأنوس فرما و به عمل پاکیزه و کوشش پسندیده بکار گیر،و به میزان کامل پاداشمان ده،خدایا دلهای عاشق شیفتۀ تواند،و خردهای جدای از هم بر معرفتت گرد آمده اند،بدین خاطر دلها آرام نگیرند جز به یاد تو،و جانها جز به هنگام مشاهده ات راحتی نیابند، تو تنزیه شده ای،در هرجا،و پرستیده گشته ای در هرگاه و در همواره روزگار بوده ای،و به هر زبان خوانده شده ای،و در هر دلی بزرگداشت شده ای از هر لذّتی به جز ذکر تو،و از هر آسایشی جز همدمی با تو،و از هر شادمانی به غیر قرب تو،و از هر شغلی جز طاعت تو پوزش می جویم،تو گفتی و گفتارت حق است که:ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را بسیار یاد کنید و در بامداد و شامگاه او را تسبیح گویید و تو گفتی و گفتارت حق است:«مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم»ما را به یاد کردنت فرمان دادی،و وعده فرمودی که تو نیز از روی شرافت و عزّت و کرامت بخشیدن به ما،ما را یاد کنی،اکنون برابر با فرمانت تو را یاد می کنیم،پس تو نیز به وعده ات وفا کن، ای یادآور یادکنندگان،و ای مهربان ترین مهربانان.

ص:215

المناجاه الرابعه عشره:مناجاه المعتصمین

مناجات چهاردهم:راز و نیاز پناه جویان

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا ای پشتیبان پناه جویان،و ای پناه پناهندگان،و ای رهایی بخش هلاک شدگان،و ای نگهدار بینوایان، و ای مهرورز بی چیزان،و ای اجابت کنندۀ درماندگان و ای گنجینۀ تهیدستان و ای جبران کنندۀ شکست خوردگان،و ای جایگاه آوارگان،و ای یاور ناتوان شمردگان،و ای پناه دهندۀ ترسیدگان و ای غمگسار غمزدگان، و ای دژ پناهندگان،اگر به عزّتت پانه نیاورم پس به که پناه برم،و اگر به قدرتت پناهنده نشوم،به که پناهنده شوم؟گناهان وادارم ساخته که به دامان گذشتت چنگ زنم،و خطاها محتاجم کرده که از تو خواهم درهای چشم پوشی ات را بر من بگشایی،و بدیها مرا فراخوانده تا به آستان عزّتت بار اندازم،و هراس از انتقام وادارم کرده که به دستاویز مهرت چنگ زنم،کسی که به ریسمانت چنگ زده سزاوار نیست خوار گردد،و آنکه به عزّتت پناهنده شده،شایسته نیست رها گردد یا واگذاشته شود،خدایا ما را از حمایتت محروم مکن،و از پوشش رعایتت برهنه مساز، و از پرتگاههای هلاک دورم کن،زیرا ما در سایۀ توجه تو و در حمایت تو به سر می بریم و از توییم،از تو می خواهم به حق خاصان از فرشتگانت،و شایستگانت از بندگانت،که برای ما سپری قرار دهی که ما را از هلاکتها برهاند،و

ص:216

از آفات برکنار دارد،و از بلاهای سخت نگهداری کند،و هم اینکه آرامش خود را بر ما نازل کنی،و چهره های ما را به انوار محبتت پرفروغ گردانی،و ما را ر پناهگاه محکمت پناه دهی،و در کناره های نگهداری خویش بگنجانی،به حق مهر و رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

المناجاه الخامسه عشره:مناجاه الزّاهدین

مناجات پانزدهم:راز و نیاز پارسایان

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا،ما را در خانه ای ساکن نموده ای که گودالهای فریبش را برای ما آماده ساخته،و در شبکه های خیانتش به دستهای مرگ آویخته، از دامهای فریبش به تو پناه می آوریم،و چنگ می زنیم از مغرور شدن به زیورهای آراسته اش به عنایت تو،که این دنیا خواهندگانش را هلاک می سازد،و واردینش را نابود می کند،آکنده به آفتهاست،انباشته از نکبتهاست،خدایا ما را به دنیا بی رغبت کن،و به توفیق و عصمتت ما را از آن سلامت بدار و جامه های مخالفت را از هستیمان برکن،و با حسن کفایتت امرو ما را سرپرستی فرما،و فزونی سهم ما را از رحمت گسترده ات کامل گردان،و از چشمه سار مواهبت عطای ما را نیکو گردان،و در سرزمین دلهای ما درختان محبتت را بکار،و انوار معرفتت را بر ما کامل کن،و شیرینی گذشت و لذّت آمرزشت را به ما بچشان،و دیدگان ما را در جهان دیگر به دیدارت روشن فرما،و محبّت دنیا را از دل ما

ص:217

بیرون کن،آن گونه که دربارۀ نیکوکاران برگزیده ات و خاصان نیکوکردارت انجام دادی،به حق مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان و ای گرامی ترین گرامیان.

مناجات منظوم حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام

به نقل از صحیفۀ علویه

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

ستایش تو راست ای صاحب جود و بزرگواری و برتری*فرخنده ای تو عطا کنی به هرکه خواهی و منع کنی ز هرکه خواهی*خدایم و آفریدگارم،و نگهدارم و پناهم*به جانب تو در سختی و آسانی پناه می آورم*خدایا اگر خطایم بزرگ و انبوه است*پس گذشت تو از گناه من بزرگتر و گسترده تر است*خدایا اگر خواهش نفسم را به نفسم واگذاشتم*اینک در مرغزار پشیمانی می گردم*خدایا بدحالی و تهیدستی و نیازم را می بینی*و تو مناجات پنهان مرا می شنوی*خدایا امیدم را قطع مکن،و منحرف مساز*قلبم را که من به باران جودت طمع دارم*خدایا اگر محرومم کنی یا از پیشگاهت برانی*پس به چه کسی امیدوار شوم و چه کسی را شفیع گیرم*خدایا از عذابت پناهم ده که من*اسیر و خوار و ترسانم و برایت فروتنی می کنم

خدایا با آموزش دلیل راه همراهم باش*در آن زمان که در قبر منزل و خوابگاهم باشد*خدایا اگر هزار سال مرا عذاب نمایی*رشتۀ امید من از تو قطع نمی شود*خدایا مزه گذشتت را به من بچشان آنگاه که*نه فرزندان و نه مال در آن زمان سود نرساند*خدایا اگر مرا رعایت نکنی تباه شده ام*و اگر رعایتم نمایی تباهی نپذیرم*خدایا اگر از غیر نیکوکاران نگذری*پس امید کسی که با هوس کامروایی میکند کیست*خدایا اگر در طلب پروا کوتاهی نمودم*پس اینک دنبال گذشت توام و سراغ آن میروم*خدایا اگر از روی جهالت خطا کردم*تا آنجا به تو امید بستم که درباره ام گفته شد باک ندارد*خدایا گناهم بلندتر و بزرگ تر از کوههای برافراشته شده*ولی چشم پوشی تو از گناه من بزرگ تر و برفرازتر است*خدایا یاد عطای همیشگی ات آتش دلم را خنکا می بخشد*و یاد گناهان،دیدگانم را اشکبار می سازد*خدایا لغزشم را نادیه گیر و گناهم را پاک کن*من اقرار به گناه دارم و هراسان و نالانم*خدایا از سوی خود آسایش و راحتی به من ده*که من جز درهای احسان تو را نمی کوبم*خدایا اگر مرا دور کنی یا سبکم انگاری*پس چه چاره کنم ای پروردگار و چه سازم*خدایا سوگند خوردۀ عشق در شب بیدار است*راز و نیاز و دعا می کند ولی شخص غافل می خوابد

ص:219

خدایا از این مردم گروهی در خوابند*و گروهی دیگر شب بیدار و زاری می کنند* و همهٔ آنان عطای تو را امید دارند،و امیدوار*رحمت بزرگ تواند و به بهشت تو طمع ورزند* خدایا امید من در دلم آرزوی سلامتی می کند*و زشتی گناهانم مرا به رسوایی تهدید می نماید* خدایا اگر بگذری گذشتت نجات بخش من است*ور نه با گناهم به عرصه نابودی در افتم* خدایا به حق محمّد هاشمی نسب*و به حرمت پاکانی که نزد تو فروتنند* خدایا به حق محمّد مصطفی و پسر عمویش*و به حرمت نیکوکارانی که برای تو خاشعند* خدایا مرا در رستاخیز بر دین احمد برانگیز*تائب و پرهیزگار و عابد و فروتن در پیشگاهت* ای خدای من و آقای من مرا محروم مساز*از شفاعت بزرگ محمّد که شفاعتش پذیرفته است* و بر ایشان درود فرست تا هرگاه که موّحدی تو را بخواند*و خوبان با تو مناجات کنند و در برابرت به رکوع پردازند و نیز در«صحیفهٔ علویه»مناجات منظوم دیگری از آن حضرت نقل شده که اوّل آن«یا سامع الدّعاء»است.ولی چون مشتمل بر واژه های مشکل و لغات ناآشنا بود و ما بنابر اختصار از ذکر خودداری نمودیم.

سه جمله از مولایمان علی(درود بر او)در باب مناجات

خدایا مرا این عزّت بس است که بندهٔ تو باشم،و برایم این افتخار کافی است که تو پروردگار من باشی،تو آن چنانی که

دوست دارم،مرا هم چنان کن که دوست داری.

[باب دوّم(اعمال ماه های سال)]

اشاره

باب دوّم در اعمال ماههای سال و فضیلت و اعمال نوروز و نیز اعمال ماههای رومی(شمسی)و آن در چند فصل است:

فصل اوّل:در بیان فضیلت و اعمال ماه مبارک رجب

[فضیلت ماه رجب]

بدان که این ماه و ماه شعبان و ماه رمضان در شرافت،کامل و تمامند و روایات بسیاری در فضیلت آنها وارد شده است بلکه از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله روایت شده است که رجب ماه بزرگ خدا است و ماهی در احترام و فضیلت به آن نمی رسد و در این ماه جنگ با کافران حرام است!!و رجب ماه خدا و شعبان ماه من و رمضان ماه امّت من است،کسی که یک روز از ماه رجب را روزه بدارد،مستحقّ خشنودی بزرگ خدا می شود و خشم حق از او دور می گردد و دری از درهای دوزخ به رویش بسته می شود.

و از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام روایت شده است:هرکه یک روز از ماه رجب را روزه بدارد بهشت بر او واجب می شود.و نیز فرمود:رجب نام نهری در بهشت که از شیر سپیدتر و از عسل شیرین تر است،هرکه یک روز از رجب را روزه بدارد به یقین از آن نهر بیاشامد.و از امام صادق علیه السّلام نقل شده است که رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود:ماه رجب ماه استغفار امّت من است پس در این ماه بسیار طلب آمرزش کنید که خدا آمرزگار و مهربان است و رجب را«اصبّ»[یعنی فروریزنده تر]می گویند،زیرا رحمت خدا در این ماه بر امّت من بسیار ریخته می شود،پس بسیار بگویید،استغفر اللّه و اساله التّوبه

ابن بابویه به سند معتبر از سالم روایت نموده که گفت:در اواخر ماه رجب که چند روزی از آن مانده بود به خدمت امام صادق علیه السّلام رفتم.چون نظر مبارک آن حضرت بر من افتاد،فرمود:آیا در این ماه روزه گرفته ای؟ گفتم:نه به خدا ای پسر رسول خدا.فرمود:آن قدر ثواب از تو فوت شده

که اندازۀ آن را جز خدا کسی نمی داند،به یقین این ماهی است که خدا آن را بر ماههای دیگر فضیلت داده و احترام آن را عظیم نموده و گرامی داشتن روزه داران این ماه را بر خود واجب کرده!!گفتم:یا ابن رسول اللّه،اگر در باقیمانده این ماه روزه بدارم آیا به بخشی از ثواب روزه داران آن نایل می شودم؟فرمود:ای سالم هرکه یک روز از آخر این ماه را روزه

ص:221

بدارد،خدا او را از سختی سکرات مرگ و از هراس پس از مرگ و از عذاب قبر ایمن می کند،و هرکه دو روز آخر این ماه را روزه بدارد،به آسانی از صراط می گذرد،و هرکه سه روز آخر این ماه را روزه بدارد از وحشت بزرگ روز قیامت،و از سختیها و هولهای آن روز ایمن می شود،و برات آزادی از آتش دوزخ را به او عطا می کنند.

در هر صورت برای روزۀ ماه رجب فضیلت بسیار وارد شده و در روایت آمده:

اگر کسی قدرت بر روزۀ ماه رجب را ندارد،

هر روز این تسبیحات را صد بار بخواند،

تا ثواب روزۀ ماه رجب را دریابد:

منزّه است خدای بزرگ،منزّه است آنکه تسبیح جز برای او سزاوار نیست،منزّه است خدای عزیزتر و گرامی تر، منزّه است آنکه جامۀ عزّت در پوشید که تنها او برای آن جامه شایسته است.

اعمال ماه رجب و آن بر دو بخش است:

[بخش اوّل:اعمال مشترک]

اشاره

بخش اوّل:اعمال مشترک آن است که به متعلق به همه ماه است و اختصاص به روز معیّنی ندارد،و آن چند عمل است:

[اوّل:در تمام روزهای ماه رجب این دعا را بخواند]

اوّل:در تمام روزهای ماه رجب این دعا را بخواند که روایت شده:حضرت زین العابدین علیه السّلام در آغاز رجب در حجر اسماعیل خواند: ای که مالک حاجات خواهندگانی،و از باطن لب فروبستگان خبر داری،از سوی تو برای هر خواهشی،گوشی شنوا،و پاسخی آماده است،خدایا به حق وعده های صادقانه است و نعمتهای فراوانت، رحمت گسترده ات،از تو می

خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و حاجات دنیا و آخرتم را برآوری،

ص:222

چه همانا تو بر هر کاری توانایی.

[دوّم:این دعا را بخواند،دعایی که امام صادق علیه السّلام می خواندند]

دوّم:این دعا را بخواند،دعایی که امام صادق علیه السّلام در هر روز ماه رجب می خواندند:

آنان که بر غیر تو بار یافتند ناامید گشتند،و آنان که به کاری جز تو پرداختند زیانکار شدند،و آنان که به درگاه غیر تو وارد شدند به تباهی رسیدند، و سودجویان دچار قحطی شدند،مگر آنان که از فضل تو سود جستند،در رحمتت به روی مشتاقان باز است،خیرت به خواهندگان عطا شده،احسانت برای نیازمندان گوارا است،و عطایت برای آرزومندان آماده است و روزی است حتی برای روگردانان از فرمانت گسترده است،و بردباری است کسانی را که به دشمنی ات برخاسته اند نیز شامل است،شیوه ات به بدرکاران احسان،و روشت زندگی بخشیدن به متجاوزان است،خدایا مرا به راه ره یافتگان بدار،و تلاش تلاش گران را روزی ام فرما، و مرا از بی خبران دورشده قرار مده،و روز جزا آمرزشت را نصیبم کن.

[سوّم:از معلّی بن خنیس از امام صادق علیه السّلام روایت کرده:در ماه رجب این دعا را بخوان]

سوّم:شیخ در کتاب«مصباح»از معلّی بن خنیس از امام صادق علیه السّلام روایت کرده:در ماه رجب این دعا را بخوان:

خدایا شکیبایی شاکرانت،و کردار ترسیدگانت،و باور عبادت کنندگانت را از تو می خواهم، خدایا تو برتر و بزرگی،و من بندۀ بینوا و تهیدستم،تو بی نیاز و ستوده ای،و من بندۀ خوارم،خدایا بر محمّد و خاندانش درود فرست،و عطای این خواسته ها را بر من منت بگذار به توانگری ات بر تهیدستی ام،و به بردباری ات بر نادانی ام، به توانت بر ناتوانی ام ای عزیز،خدایا بر محمّد و خاندانش آن جانشینان پسندیده درود فرست،

ص:223

و مرا از کارهای دنیا و آخرت نسبت به چیزی که بی تابم کرده کفایت کن ای مهربان ترین مهربانان.

مؤلف گوید:سیّد ابن طاووس هم این دعا را در کتاب«اقبال»نقل کرده،و از نقل او پیداست که این دعا از جامع ترین دعاهاست، و در تمام اوقات می توان آن را خواند.

[چهارم:شیخ طوسی فرموده:در هر روز ماه رجب مستحب است این دعا را بخوانند]

چهارم:شیخ طوسی فرموده:در هر روز ماه رجب مستحب است این دعا را بخوانند:

خدایا ای صاحب نعمتهای فراوان و عطاهای قسمت شده،و رحمت گسترده،و قدرت فراگیر،و نعمتهای برجسته،و موهبتهای بزرگ،و بخششهای زیبا،و عنایات درخور،ای آنکه به شباهت با چیزی وصف نشود،و به مثال و نمونه ای مثلش نزنند،و از سوی هیچ پنجه ای مغلوب نگردد،ای آنکه آفرید و روزی داد،و الهام نمود و به سخن آورد، و نوآوری نمود و آغاز کرد،و برتر شد و بالا رفت،و اندازه داد و نیکو اندازه داد،و شلک داد و استوار نمود و حجّت آورد و رساند،و نعمت بخشید و فراوان گرداند و بخشید و افزون ساخت،و عطا فرمود و فزونی بخشید،ای که در عزّت بالا،پس از دیدگاه دیده ها درگذشت، و در لطف نزدیک شد پس از دغدغۀ افکار بیرون رفت،ای آنکه در فرمانروایی یگانه است پس برای او در عرصه سلطنتش همتایی نیست،و به نعمتها و بزرگمنشی تنهاست،پس برای او در عظمت جایگاهش ضدّی نیست،ای آنکه در شکوه هیبتش دقایق و لطایف اندیشه ها سرگردان شده،و در برابر درک عظمتش دیدگان تیزبین خلایق وامانده است،ای آنکه رخساره در برابر جلالتش به خواری افتاده،و گردنها در برابر بزرگی اش فروتن گشته،و دلها از ترسش هراسان شده است،از تو می خواهم به حق این ستایش که جز برای تو شایسته نیست،و به آن وعده ای که

ص:224

برای خوانندگانت از مؤمنین،خود را به آن پای بند کرده ای و به آنچه اجابت آن را برای دعاکنندگان بر خودت ضمانت نموده ای، ای شنواترین شنوایان،ای بیناترین بینایان،ای چابک ترین حسابرسان،ای صاحب نیروی استوار،بر محمّد خاتم پیامبران و بر اهل بیتش درود فرست،و در این ماه بهترین چیزی را که قسمت کرده ای نصیب من کن،و بهترین چیزی که در قضای خود حتم نموده ای بر من حتم کن،و آن را برای من به خوشبختی ختم کن،در زمرهٔ آنان که کارشان را به خوشبختی ختم نمودی،و تا زنده ام زندگی همراه با عنایاتی فراوان روزی ام کن،و بمیران خوشحال و آمرزیده،و از پرسش و پاسخ برزخ رهایی ام بخش، و نکیر و منکر دو فرشته مأمور بر سؤال مردگان را از من دور کن و مبشر و بشیر را که مژده دهندگان سعادتند به من بنمایان،و برایم به جانب خشنودی و بهشت راه همواری قرار ده و زندگی خوش و فرمانروایی بزرگی برایم مقرّر فرما،و بر محمّد و خاندانش درود بسیار فرست.

مؤلف گوید:این دعا دعایی است که در مسجد صعصعه هم خوانده می شود.

[پنجم:بخواند دعایی را که به دست ابی جعفر محمّد بن عثمان از ناحیهٔ مقدّسه بیرون آمذه است]

پنجم:شیخ روایت کرده که از ناحیهٔ مقدّسه به دست شیخ کبیر ابی جعفر محمّد بن عثمان بن سعید رضی اللّه عنه این توقیع شریف[یعنی دست نویس شریف]بیرون آمد که هر روز از روزهای رجب بخوان:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا از تو درخواست می کنم،به حق معانی تمام دعاهایی که متولیان امرت تو را به آن می خوانند،آنان که امین راز تو هستند، و به امر تو شادند،و بیان کنندگان نیرویت و آشکارکنندگان بزرگی ات می باشند،از تو می خواهم به حق آنچه از مشیتت درباره ایشان گفته شد،پس آنان را قرار دادی معادن کلماتت و پایه های توحیدت،و آیات و مقاماتت که

تعطیلی برای آنها در جایی نیست،تو را با آنها شناسد هرکه بشناسدت،بین تو و آنها تفاوتی نیست جز اینک ایشان بندگان و آفریدۀ تواند که بازوبسته شدن کارشان به دست توست،آغازشان از تو و انجامشان به جانب توست،آنان بازوان و گواهان و بخشندگان و مدافعان و نگهبانان و بازرسان اند،آسمان و زمینت را با حقیقت آنان انباشتی تا آشکار شد که معبودی جز تو نیست،پس به حق همۀ اینها و به جایگاههای عزّت از رحمتت و به مقامات و نشانه های از تو می خواهم که بر محمّد و خاندانش درود فرستی،و بر ایمان و پایداریم بیفزایی،این هان در عین ظهور، ای ظاهر در عین نهان،و مستوری،ای جداکننده بین روشنایی و تاریکی،ای وصف شده بدون اینکه ژرفای وجودش درک شود و ای شناخته شده بدون تشبیه،مرزبند هر محدود،گواه هر گواهی پذیر،هستی بخش هرچه هست،و شماره کننده هر شماره و گم کنندۀ هر گم شده،معبودی غیر تو نیست،اهل بزرگمنشی و جودی، ای که چگونگی نپذیری و به جایی درنگنجی،ای پوشیده از هر دیده،ای جاودان،ای به خود پاینده و دانای هر دانسته،بر محمّد و خاندانش درود فرست،و بر بندگان برگزیده ات،و انسانهای در پرده ات،و فرشتگان مقربّت،و شجاعان صف کشیده گرداگرد عرشت،و مبارک گردان بر ما در این ما همان ماه بزرگ و ماه مکرّم،و آنچه پس از این است از ماههای محترم،در این ماه نعمتعایت را بر ما فراوان کن،و نصیبهای ما را سرشار فرما،و سوگندهایمان را به انجام برسان،به حق اسم بزرگ تر و بزرگ تر،و عظیم تر و گرامی ترت که چون بر روز

ص:226

نهادی روشن شد و چون بر شب گذاردی تاریک گشت،و از گناهانمان بیامرز آنچه را تو می دانی و آنچه را ما نمی دانیم، و ما را از گناهان حفظ کن به بهترین نگاهداری،و ما را از حوادثی که مقدّر نموده ای کفایت فرما،و بر ما به حسن توجّهت منّت گذار، و به غیر خودت وامگذار،و ما را از خیرت منع مکن،و به عمرهایمان به اندازه ای که مقدّر فرموده ای برکت ده،و رازهای پنهان ما را سامان ده،و از جانب خود به ما امان بده،و ما را با حسن ایمان به کار گمار،و به ماه رمضان و روزها و سالهای پس از آن برسانمان،ای دارای جلالت و بزرگواری.

[ششم:بخواند دعایی را که از ناحیهٔ مقدّسه به دست شیخ ابو القاسم بیرون آمده است]

ششم:شیخ روایت نموده که:از ناحیهٔ مقدّسه به دست شیخ ابو القاسم رحمه الله این دعا در ایّام رجب صادر شده:

خدایا !از تو درخواست می کنم به حقّ دو مولود ماه رجب،محمّد بن علی دوّم(امام جواد ع)،و فرزندش علی بن محمّد برگزیده (امام هادی ع)و به وسیلهٔ آن دو امام به جانب تو تقرّب می جویم به بهترین تقرّب،ای آنکه نیکی تنها از سوی او خواسته شده،و تنها در آنچه نزد اوست رغبت شده است،از تو می خواهم خواهش جرم پیشه معصیت کاری که گناهانش او را هلاک نموده،و عیوبش او را به اسارت کشیده، پس عادتش بر گناه طولانی شد،و امورش با بلاهای سخت به هم آمیخت،از تو می خواهد:توبه و خوبی بازگشت،کنده شدن از گناه،رهایی جانش از آتش،گذشت از آنچه بر گردن اوست،زیرا مولای من تو بزرگ ترین آرزو و امید او هستی.خدایا !از تو می خواهم به حق مسائل شریفت،و وسایل والایت،که مرا در این ماه به رحمت گسترده است،و نعمت تقسیم شده ات فروگیری،و نفسی به من عنایت کنی که به آنچه روزی اش نموده ای قناعت

ورزد تا گاهی که به گور درآید و به آخرت رسد،و به آنچه عاقبت اوست بازگردد.

[هفتم:در ماه رجب در هر زیارتگاهی از زیارتگاههای شریف که باشی به این زیارت صاحب مزار را زیارت کن]

هفتم:و نیز شیخ از جناب ابو القاسم بن روح رضی الله عنه که نایب خاص حضرت صاحب الامر(عج)است روایت کرده:که فرمود:

در ماه رجب در هر زیارتگاهی از زیارتگاههای شریف که باشی به این زیارت صاحب مزار را زیارت کن.پس چون وارد حرم می شوی بگو:

سپاس خدا را که ما را در ماه رجب در محضر اولیایش حاضر کرد،و آنچه را که از حق ایشان بر ما فرض بود واجب فرمود،و درود خدا بر محمّد برگزیدۀ خدا،و جانشینان پرنجاتبخش،خدایا!چنان که ما را به محضر ایشان حاضر نمودی،به وعدۀ آنها در حق ما وفا کن،و ما را به جایگاه ورود آنان و فیض وجودشان وارد فرما،بی آنکه از ورود به خانه همیشگی و بهشت جاوید رانده شویم،و سلام بر شما،من به قصد شما آمده ام و در خواهش و حاجتم به شما تکیه کردم،حاجتم آزادی ام از دوزخ و جای گرفتن در کنار شما در خانۀ ابدی است،هر ماه با پیروان نیکوکارتان،و سلام بر شما به خاطر شکیبایی تان،چه نیکوست این خانۀ آخرت،من خواهنده و آرزومند شمایم در آنچه اختیار و تغییرش به دست شماست.

تنها«به وسیلۀ شما»شکستگی جبران شود و بیمار درمان پذیرد،و آنچه را رحم ها بیفزاید و کم کنند انجام پذیرد،من به راز شما ایمان دارم و به گفتارتان تسلیمم،و خدا را به شما سوگند می دهم در اینکه از حرم شما بازگردم به همراه حاجاتم و روا شدن آنها و به امضا رسیدنشان و موفقّانه برآمدنشان و دور شدن سختی های آنها و به همراه کارهایم نزد شما و اصلاح آنها،و سلام بر شما سلام وداع کننده ای حوایجش را به شما سپرده،از خدا می خواهد دوباره به سوی شما بازگردد،و راهش با جانب شما قطع نشود،و اینکه خدا مرا برگرداند

از محضر شما به بهترین وجه و با دستی پر،به جایی سرسبز،و زیستگاهی خوش و گسترده و راحت و آسوده،تا رسدن مرگ و بهترین سرانجام،و جایگاهی در ناز و نعمت ازلی،و زنگی آیندۀ ابدی،و خوردنیهای مداوم،و نوشیدن شراب طهور،و آب گوارا،نوشیدن چند بار و یک بار،که از نوشیدنش خستگی و ملالی دست ندهد و رحمت خدا و برکات و تحیّاتش بر شما،تا بازگشتم به محضر شما،و رستگاری در حکومتتان،و محشور شدن در زمره شما،و رحمت خدا و برکت و درودها و تحیّاتش بر شما،و او ما را بس است و نیکو وکیلی است.

[هشتم:دعای هر روز در ماه رجب از امام صادق علیه السلام]

هشتم:سیّد ابن طاووس از محمّد بن ذکران که معروف به سجّاد است چه آن قدر سجده کرد و در حال سجده گریست که نابینا شد روایت کرده که گفت:به امام صادق علیه السّلام عرض کردم فدایت شود این ماه ماه رجب است مرا در این ماه دعایی تعلیم کن که حق تعالی مرا به آن سود بخشد،حضرت فرمود:بنویس«بسم اللّه الرّحمن الرّحیم»و در هر روز از رجب در صبح و شام پس از نمازهای روز و شب بگو: ای آنکه هر خیری را از او امید دارم،و از خشمش در هر شرّی ایمنی جویم،ای آنکه در برابر عبادت اندک مزد بسیار عطا می کند،ای آنکه به هرکه از او بخواهد می بخشد،ای آنکه به هرکه از او نخواهد و او را نشناسد نیز می بخشد، عطایش از روی مهربانی و رحمت است،با درخواستم از تو همۀ خیر دنیا و خیر آخرت را به من عنایت کن،و با درخواستم از تو همۀ شرۀ دنیا و شرۀ آخرت را بازگردان،زیرا آنچه را تو عطا کردی کاستی ندارد،و از احسانت بر من بیفزای ای کریم.راوی گفت:حضرت محاسن(موهای صورت)شریف خود را در پنجۀ چپ گرفت و این دعا را با حالت درماندگی و زاری همراه حرکت دادن انگشت اشارۀ دست راست خواند،و پس از این گفت:

ای دارای بزرگی و بزرگواری،ای دارای بخشش و جود،ای دارای عطا و کرم،محاسنم را بر آتش دوزخ حرام کن.

[نهم:ذکر منقول از پیامبر(ص)]

نهم:از پیامبر روایت شده:هرکه در ما رجب صد مرتبه بگوید:

آمرزش می خواهم از خدایی که معبودی جز او نیست،اوست یگانه،برایش شریکی نمی باشد،و به سوی او باز می گردم.و آن را با صدقه به انجام رساند،حق تعالی پایان کارش را ختم به رحمت و آمرزش کند،و هرکه چهارصد مرتبه بگوید:ثواب شهادت صد شهید را برای او بنویسد.

[دهم:هر روز هزار مرتبه لا اله الا الله]

دهم:و نیز از آن حضرت روایت شده:هرکه در ماه رجب هزار مرتبه بگوید:معبودی جز خدا نیست، خدای عزّتمند پرشکوه صد هزار کار نیک برای او ثبت کند،و برایش صد شهر در بهشت بنا کند.

[یازدهم:استغفار هر روز در ماه رجب]

یازدهم:روایت شده،هرکه در ماه رجب به هنگام صبح،هفتاد مرتبه،و در زمان پسین(شامگاه)هم هفتاد مرتبه بگوید:از خدا آمرزش می طلبم و به او باز می گردم و چون به پایان رساند،دستها را بلند کند و بگوید:

خدایا مرا بیامرز و توبه ام را بپذیر پس اگر در ماه رجب از دنیا برود،خدا از او خشنود باشد و به برکت ماه رجب،آتش دوزخ با او تماس نگیرد.

[دوازدهم:هزار مرتبه بگوید تا آمرزیده شود]

دوازدهم:در همهٔ این ماه هزار مرتبه بگوید:از خدای دارای بزرگی و بزرگواری،از همهٔ گناهان و گنهکاریها،آمرزش می جویم.تا خدای مهربان او را بیامرزد.

[سیزدهم:خواندن سوره قل هو الله]

سیزدهم:سیّد ابن طاووس در کتاب«اقبال»از حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله برای خواندن سورهٔ«قل هو اللّه احد»در ماه رجب ده هزار مرتبه،یا هزار مرتبه،یا صد مرتبه فضیلت بسیار نقل کرده،و نیز روایت

کرده:هرکه در روز جمعهٔ ماه رجب صد مرتبه سورهٔ توحید را بخواند،در قیامت برایش نوری پدید می آید که او را به بهشت راهنمایی کند.

[چهاردهم:عملی که انجام دهد نمیرد تا جایگاه خود را در بهشت ببیند]

چهاردهم:سیّد روایت کرده:هرکه در ماه رجب یک روز روبه بدارد،و چهار رکعت نماز بگذارد و به این ترتیب که در رکعت

ص:230

اوّل صد مرتبه«آیه الکرسی»بخواند و در رکعت دوّم دویست مرتبه سورهٔ توحید،نمی میرد تا مقامش را خود در بهشت ببیند،یا دیگری برای او ببیند.

[پانزدهم:نمازی با فضیلت در روز جمعه ماه رجب بین نماز ظهر و عصر]

پانزدهم:و نیز سیّد از پیامبر روایت کرده:هرکه در روز جمعهٔ ماه رجب بین نماز ظهر و عصر چهار رکعت نماز بخواند به این صورت که در هر رکعت یک بار سورهٔ«حمد»و هفت بار«آیه الکرسی»و پنج مرتبه«سوره توحید»سپس ده بار بگوید:

آمرزش می خواهم از خدایی که معبودی جز او نیست و از او درخواست توبه دارم.

حق تعالی برای او از روزی که این نماز را خوانده تا روزی که از دنیا برود برای هر روز هزار کار نیک بنویسد، و در عوض هر آیه ای که خوانده است شهری در بهشت از یاقوت سرخ،و به جای هر حرف قصری در بهشت از گوهر سپید عطا کند،و برای او زنان زیباروی بهشتی را به همسری او درآورد و از او خشنود گردد بی آنکه برایش خشمی به دنبال داشته باشد،و در زمرهٔ عبادت کنندگان به شمار آید،و سرانجام او را به سعادت و آمرزش پایان دهد ...تا آخر حدیث.

[شانزدهم:سه روز این ماه را که پنجشنبه و جمعه و شنبه باشد روزه بدارد]

شانزدهم:سه روز این ماه را که پنجشنبه و جمعه و شنبه باشد روزه بدارد،زیرا روایت شده:هرکه در یکی از ماههای حرام این سه روز را روزه بدارد،حق تعالی برای او ثواب نهصد سال عبادت را می نویسد.

[هفدهم:در تمام ماه رجب شصت رکعت نماز بخواند]

هفدهم:در تمام ماه رجب شصت رکعت نماز بخواند در هر شب دو رکعت به این ترتیب که در هر رکعت یک مرتبه سورهٔ«حمد»و سه مرتبه«قل یا ایّها الکافرون»و یک مرتبه سورهٔ توحید بخواند،و چون سلام دهد دستها را بلند کرده و بگوید:معبودی جز خدا نیست،یگانه و بی شریک است،فرمانروایی و سپاس مخصوص اوست زنده می کند و می میراند و او زنده ای است که هرگز نمی میرد،خیز تنها به دست اوست،و او بر هر کاری توانا است،و بازگشت همه به سوی اوست، و جنبش و نیرویی نیست

جز به عنایت او،خدای برتر و بزرگ،خدایا !بر محمّد پیامبر درس ناخوانده و خاندانش درود فرست.

ص:231

سپس دستها را به صورت خویش بمالد،از پیامبر روایت شده،هرکه این عمل را بجا آورد،خدا دعایش اجابت کند،و پاداش شصت حج و شصت عمره را به او عطا فرماید.

[هجدهم:نمازی در یک شب از این ماه با صد مرتبه توحید]

هجدهم:از پیامبر صلی اللّه علیه و آله روایت شده:هرکه در یک شب از ماه رجب،در دو رکعت نماز صد مرتبه سورۀ توحید بخواند مانند کسی است که ر راه خدا صد سال روزه گرفته و حق تعالی برای این عمل صد قصر در بهشت به او مرحمت فرماید،هر قصری در جوار پیامبری از پیامبران علیهم السّلام.

[نوزدهم:نمازی که بخواند حق تعالی هر گناهی که پیش از آن مرتکب شده بیامرزد]

نوزدهم:و نیز از آن حضرت روایت شده:هرکه در یک شب از شبهای رجب ده رکعت نماز بجای آورد به این ترتیب که در هر رکعت سوره«حمد»و یک بار«قل یا ایّها الکافرون»و سه بار سورۀ توحید را بخواند حق تعالی هر گناهی که پیش از آن مرتکب شده بیامرزد.تا آخر حدیث.

[بیستم:عملی که گناهان را بیامرزد هرچند به عدد قطره های باران و برگ درختان و کف روی آب دریاها باشد]

بیستم:علاّمۀ مجلسی در کتاب«زاد المعاد»فرموده:از حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام روایت شده:حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله فرمود:هرکه در هر شب و هر روز ماههای رجب،شعبان و رمضان،هر یک از«حمد»و«ایه الکرسی»و«قل یا ایّها الکافرون» و«قل هو اللّه احد»و«قل اعوذ بربّ الفلق»و«قل اعوذ بربّ النّاس»را سه مرتبه قرائت کند و سه مرتبه بگوید:منزّه است خدا و سپاس خدای را و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ تر از هر چیز است و جنبش و نیرویی جز به خدا نیست،خدای برتر و بزرگ و سه مرتبه بگوید:خدایا درود فرست بر محمّد و خاندانش و سه مرتبه:بارخدایا مردان و زنان مؤمن را ببخش و بیامرز و چهارصد مرتبه:از خدا آمرزش می جویم و به سوی او می پویم خدای تعالی گناهانش را بیامرزد،هرچند به عدد قطره های باران و برگ درختان و کف روی آب دریاها باشد،تا آخر حدیث.و نیز علاّمۀ مجلسی فرموده که در هر شب از شبهای این ماه هزار مرتبه گفتن«لا اله الاّ اللّه»(معبودی جز خدا نیست) وارد شده.

[اعمال اولین شب جمعهٔ ماه رجب(لیله الرغائب)]

بدان که اولین شب جمعهٔ ماه رجب را«لیله الرغائب»(یعنی شب دلدادگان)می گویند و برای آن عملی با فضیلت بسیار از حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله وارد شده که آن را سیّد در کتاب«اقبال»و علاّمهٔ حلی در«اجازهٔ بنی زهره»نقل کرده اند،بعضی از

ص:232

فضیلت آن اینکه به سبب انجام آن گناهان بسیار آمرزیده می شود،و نیز نمازی در آن وارد شده که هرکه آن را به جای آورد هنگام شب اوّل قبرش حق تعالی ثواب آن را به نیکوترین صورت و با روی گشاده و درخشان و زبانی گویا به سوی او می فرستد،پس به او می گوید:ای حبیب من تو را بشارت باد که از هر شدّت و سختی نجات یافتی،بنده می گوید تو کیستی؟ به خدا سوگند من چهره ای زیباتر از چهرۀ تو ندیدم،و سخنی شیرین تر از سخن تو نشنیدم،و بویی بهتر از بوی تو نبوییدم!!پاسخ میدهد:من ثواب آن نمازم که در فلان شب،از فلان ماه،از فلان سال به جای آوردی امشب نزد تو آمدم تا حقّت را ادا کنم،و مونس تنهایی تو باشم،و هراس را از تو برگیرم و هنگامی که در صور(شیپور قیامت) دمیده شود،در عرصه قیامت سایه ای بر سرت خواهم افکند،پس خوشحال باش که خیر هرگز از تو جدا نخواهد شد.کیفیت این نماز چنین است:

اولین پنجشنبه ماه رجب را روزه می داری،چون شب جمعه داخل شود،ما بین نماز مغرب و عشا،دوازده رکعت نماز بجای می آوری،هر دو رکعت با یک سلام به این ترتیب که در هر رکعت یک مرتبه سورۀ«حمد»و سه مرتبه«سوره قدر»و دوازده مرتبه«سورۀ توحید»می خوانی و هنگامی که از نماز فارغ شدی هفتاد مرتبه می گویی:

خدایا!بر محمّد پیامبر درس ناخوانده و خاندانش درود فرست سپس به سجده می روی و هفتاد مرتبه میگویی:

پاک و منزّه است پروردگار فرشتگان و روح آنگاه سر از سجده بر می داری و هفتاد مرتبه می گویی:

پروردگارا!مرا بیامرز و بر من مهرورز و از آنچه از من می دانی بگذر،تو خدای برتر و بزرگتری دوباره به سجده می روی و هفتاد مرتبه می گویی:پاک و منزّه است پروردگار فرشتگان و روح سپس حاجت خود را می طلبی که به خواست خدا برآورده خواهد شد.آگاه باش زیارت حضرت رضا علیه السّلام در ماه رجب مستحب است،و انجام آن در این ماه امتیاز خاصی دارد،همان گونه که انجام عمره در ماه رجب فضیلت دارد تا جایی که روایت شده انجام آن

در این ماه،در فضیلت همتای حج است و نیز نقل شده:حضرت سجاد علیه السّلام در ماه رجب به عمره مشرّف شده بود،و شب و روز نزد کعبه نماز می خواند،و در حالی که پیوسته در سجده بود این ذکر از زبان ایشان شنیده می شد:

گناه از بنده ات بزرگ شده،پس بگذر گذشت از سوی تو زیبا باشد.

بخش دوّم:اعمال مخصوص روزها و شبهای ماه رجب

[اعمال شب اولّ]

شب اولّ:شب شریفی است،و در آن چند عمل وارد است

[اوّل:در هنگام مشاهده هلال این دعا را بخواند]

اوّل:چون هلال ماه را مشاهده کند بگوید:

خدایا !شروع این ماه را بر ما با ایمنی و ایمان و سلامت و اسلام قرار ده،(ای ماه)پروردگار من و تو خدای عزّتمند و پر شکوه است.و روایت شده:رسول خدا صلی اللّه علیه و آله هنگامی که هلال ماه رجب را می دید می گفت:

خدایا برای ما در ماه رجب و شعبان برکت قرار ده،و ما را به ماه رمضان برسان،و بر روزۀ رمضان و بیداری شب و نگهداری زبان و فروبستن چشم کمک فرما،و بهرۀ ما را از ماه رمضان،گرسنگی و تشنگی قرار مده.

[دوّم:غسل کند]

دوّم:چنان که بعضی از علما فرموده اند غسل کند .از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله روایت شده:هرکه ماه رجب را بیابد،و در اوّل و وسط و آخر آن غسل کند پس از انجام آن مانند روزی که از مادر متولد شده بود از گناهان خود بیرون آمده و پاک می شود.

[سوم:زیارت امام حسین علیه السلام]

سوم:حضرت حسین علیه السّلام را زیارت کند.

[چهارم:این نماز را بعد از نماز مغرب بجا آورد]

چهارم:پس از نماز مغرب بیست رکعت نماز به جای آورد ،به این ترتیب که در هر رکعت پس از سورۀ«حمد»یک مرتبه سورۀ«توحید»را خوانده،و پس از هر دو رکعت سلام دهد،تا خود و اهل و اولاد و مالش محفوظ بماند،و از عذاب قبر ایمنی یابد و از صراط به سرعت برق بدون حسابرسی بگذرد.

[پنجم:این نماز را پس از نماز عشا بخواند]

پنجم:پس از نماز عشاء دو رکعت نماز به جای آورد به این صورت که در رکعت اوّل پس از سورۀ«حمد»یک مرتبه سورۀ«أ لم نشرح»و سه بار سورۀ«توحید»را بخواند و در رکعت دوّم سورۀ«حمد»و سوره های«أ لم نشرح»

ص:234

و«قل هو اللّه احد»و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ بربّ الناس»را هركدام يک بار بخواند،و هنگامى كه سلام نماز را داد سى مرتبه بگويد:

«لا اله الاّ اللّه»و سى مرتبه صلوات فرستد،تا حق تعالى همانند روزى كه از مادر متولدّ شده،گناهان او را بيامرزد و پاكش نمايد.

[ششم:سى ركعت نماز به اين كيفيت بخواند...]

ششم:سى ركعت نماز به اين ترتيب كه در هر ركعت پس از سورۀ«حمد»يک مرتبه سورۀ«قل يا ايّها الكافرون»و سه مرتبه سورۀ «قل هو اللّه احد»را بخواند،

[هفتم:عملى را كه شيخ در كتاب«مصباح المتهجد»ذكر كرده به جاى آورد...]

هفتم:عملى را كه شيخ در كتاب«مصباح المتهجد»ذكر كرده به جاى آورد.شيخ در آن كتاب فرموده:عمل شب اوّل رجب:ابو البخترى وهب بن وهب از حضرت صادق عليه السّلام از پدر بزرگوارش عليه السّلام از جدّش عليه السّلام از امير المؤمنين عليه السّلام روايت كرده،كه براى آن حضرت خوشايند بود،كه خود را چهار شب در طول سال از هر كارى فارغ سازد،و آن شبها را به عبادت زنده بدارد و آن چهار شب عبارتند از:شب اوّل رجب،شب نيمۀ شعبان،شب عيد فطر و شب عيد قربان.

از حضرت جوا عليه السّلام روايت شده كه مستحبّ است هركسى اين دعا را در شب اوّل رجب بعد از نماز عشاء آخر بخواند:

خدايا !از تو درخواست مى كنم به حق اينكه تو فرمانروايى و بر هر كارى توانايى،و هر كارى كه بخواهى مى شود،خدايا !من به تو رو مى كنم به وسيلۀ پيامبرت محمّد،پيامبر رحمت،درود خدا بر او و خاندانش اى محمّد اى فرستادۀ خدا،من براى توجه به خداى پروردگارت و پروردگارم،به تو روى مى آورم،تا خدا به سبب تو حاجتم را برآورد خداى به حق محمّد و پيشوايان از اهل بينش كه درود خدا بر او و بر آنان حاجتم را برآورد

سپس حاجتت را از خدا بخواه.على بن حديد روايت كرده كه حضرت موسى بن جعفر عليه السّلام پس از فراغت از نماز شب در حال سجده چنين مى گفت:

شکر و سپاس تنها از آن توست اگر از تو اطاعت کردم و حجّت و برهان تنها از آن توست اگر تو را معصیت کردم،در نیکی کردن نه کاری از من ساخته است و نه از غیر من جز

ص:235

به عنایت تو،ای هستی پیش از هر چیز،ای هستی بخش هر چیز،تو بر هر کاری توانایی خدایا !از انحراف و ناباوری به هنگام مرگ،و از گزند بازگشت در گورها،و از پشیمانی در روز قیامت به تو پناه می آورم،از تو می خواهم بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و قرار دهی زندگی ام را زندگی پاکی،و مرگم را مرگی معتدل،و بازگشتگاهم را بازگشتگاهی کریمانه که در آن خواری و رسوایی نباشد.خدایا ! بر محمّد و خاندانش درود فرست،آن امامانی که چشمه های حکمت،و صاحبان نعمت،و ریشه های عصمت اند،و مرا به وسیلهٔ آنان از هر بدی نگهدار،و در حالت غرور و غفلت مگیر،و سرانجام کارهایم را حسرت و اندوه قرار مده، و از من راضی شو،زیرا همانا آمرزشت برای ستمگاران است و من از ستمکارانم،خدایا !بر من بیامرز آنچه را به تو زیان نمی رساند،و به من عطا کن آنچه را که کاستی ات ندهد،همانا رحمتت گسترده و حکمتت نوین است.خدایا !و به من مرحمت
فرما:گشایش،راحتی،امنیت،سلامت،فروتنی،قناعت،سپاسگذاری،تندرستی کامل،پرواپیشگی، شکیبائی،راستی بر تو و دوستانت،آسانی،شکر،و همهٔ اینها را پروردگارا به خانواده و فرزند و برادران دینی ام و هرکه را دوست دارم و دوستم دارد،و هرکه فرزندم باشد و فرزندش باشم از مسلمانان و مؤمنان عمومیت ده،ای پروردگار جهانیان.

ابن اشیم گفته:وقت خواندن این دعا پس از هشت رکعت نماز شب و پیش از نماز وتر است،پس از آن سه رکعت وتر را به جای می آوری

ص:236

چون سلام دادی،در حالتی که نشسته ای بگو:سپاس خدای را که خزانه هایش پایان نمی پذیرد،و آنکه را امان دهد هرگز نمی ترسد، پرودگارا اگر مرتکب گناهانی شدم در اثر اطمینانم به کرم تو بود،همانا توبه بندگان را می پذیری،و از بدیهایشان درمی گذری،و لغزشها را می آمرزی،همانا تو خواننده ات را اجابت می نمایانی،و به او نزدیکی،و من از خطاها تنها به جانب تو باز می گردم،و در کامل کردن بهره ام از عطاها تنها به سوی تو رغبت دارم، ای آفرینندۀ آفریدگان،ای نجات بخش من از هر سختی،ای پناه من از هرچه که هراسناک گردم خوشحالی ام را فراوان کن،و مرا از بدفرجامی در کارها کفایت فرما،تویی خدایی که بر نعمتها و عطاهای فراوانت سپاس شده،و برای هر خیری ذخیرۀ بندگانی.

و آگاه باش علما برای هر شب این ماه نماز مخصوصی ذکر کرده اند،که مقام را گنجایش نقل آن نیست.

[اعمال روز اوّل ماه رجب]

اعمال روز اوّل ماه رجب:روز شریفی است و در آن چند عمل است:

[اوّل:روزه گرفتن]

اوّل:روزه گرفتن،روایت شده:حضرت نوح علیه السّلام در این روز سوار کشتی شد،و به کسانی که با او بودند امر فرمود روزه بدارند.و هرکه در این روز روزه بدارد،آتش دوزخ به فاصله یک سال راه از او دور می شود.

[دوّم:غسل کردن]

دوّم:غسل کردن.

[سوّم:زیارت امام حسین علیه السّلام]

سوّم:زیارت امام حسین علیه السّلام،شیخ از بشیر دهّان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده:هرکه روز اوّل رجب حسین بن علی علیهما السّلام را زیارت کند بی تردی خدای عالم او را بیامرزد.

[چهارم:خواندن دعای طولانی و مفصّلی که سیّد در کتاب«اقبال»نقل کرده]

چهارم:خواندن دعای طولانی و مفصّلی که سیّد در کتاب«اقبال»نقل کرده.

[پنجم:خواندن«نماز سلمان»به این کیفیت...]

پنجم:خواندن«نماز سلمان»به این صورت که ده رکعت نماز گذارد،بعد از هر دو رکعت سلام دهد و در هر رکعت یک مرتبه سورۀ«حمد»،سه مرتبه«توحید»و سه مرتبه«قل یا ایّها الکافرون»را خوانده و پس از هر سلام دستها را بلند کند و بگوید:

ص:237

معبودی جز خدا نیست،یگانه و بی شریک است،فرمانروایی و سپاس تنها برای اوست،زنده می کند و می میراند،و اوست زنده ای که نمی میرد،خیر به دست اوست و او بر هر کاری تواناست.خدایا!از آنچه عطا کردی بازدارنده ای نیست، و آنچه را بازداری دهنده ای ندارد و شخص کوشا را کوشش از تو بی نیاز نمی کند،سپس دستها را بر چهرهٔ خود بکشد.و نیز در روز نیمهٔ ماهر رجب این نماز را با همین کیفیت بخواند،ولی پس از:

او بر هر کاری تواناست بگوید:معبود:یگانه،یکتا،فرد،مقصود نیازمندان،که همصری و فرزندی نگرفته است و هم در روز آخر ماه این عمل را بجا آورد و بعد از:او بر هر کاری تواناست خدایا!بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست،و جنبش و نیرویی جز به خدا نیست،خدای برتر و بزرگ.پس دستها را بر چهرهٔ خود کشیده و حاجتش را بطلب،از فواید این نماز که بسیار است نباید غفلت نمود.و آگاه باش که برای سلمان در روز اوّل ماه رجب نماز دیگری است که آن ده رکعت است:در هر رکعت سورهٔ«حمد»یک مرتبه و سوره«قل هو اللّه احد»سه مرتبه خوانده شود.با فضیلت بسیار،که چکیده اش آمرزش گناهان و در امان ماندن از فتنهٔ قبر،و عذاب قیامت و سلامت یافتن از جذام و پیسی و بیماری ذات الجنب (1)برای خوانندهٔ آن است،و همچنین سیّد ابن طاووس برای این روز چهار رکعت نماز نقل کرده که هرکه می خواهد به کتاب«اقبال»مراجعه کند.

[مناسبتهای اول تا دهم این ماه]

و در این روز،در سال پنجاه و هفت هجری به قولی ولادت امام باقر علیه السّلام واقع شده، ولی مختار نویسنده در این مورد سوم صفر است.و در روز دوم این ماه در سال 212 به قولی ولادت با سعادت امام هادی علیه السّلام و در روز سوم این ماه شهادت آن حضرت در سال دویست و پنجاه و چهار،در شهر سرّمن رأی [سامرّاء] اتّفاق افتاده است،و به قول ابن عیّاش در روز دهم این ماه ولادت حضرت جواد الائمه علیه السلام واقع شده است.

1- (1)) شاید مقصود بیماریهای مربوط به پهلو باشد.

[اعمال شب سیزدهم]

شب سیزدهم:آگاه باش که در هر یک از ماههای رجب و شعبان و رمضان،در شب سیزدهم مستحب است دو رکعت نماز بگذارند به این صورت که در هر رکعت پس از سورهٔ«حمد»سوره های«یس»و«تبارک»و«قل هو اللّه احد»بار خوانند،و در شب چهاردهم:چار رکعت با همین کیفیت و با دو سلام،و در شب پانزدهم شش رکعت با سه سلام و به همین صورت.

از امام صادق علیه السّلام روایت شده:هرکه چنین کند تمام فضیلت این سه ماه را دریابد،و همهٔ گناهانش جز شرک آمرزیده شود.

[اعمال روز سیزدهم]

روز سیزدهم:اوّل«ایّام البیض»است و برای روزهٔ این روز و روز چهاردهم و پانزدهم،ثواب بسیاری وارد شده،و اگر کسی بخواهد عمل«امّ داود»را بجا آورد،باید این روز را روزه بدارد،و در روز سیزدهم این ماه بنا بر مشهور،سی سال پس از عام الفیل ولادت با سعادت حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام در کعبهٔ معظّمه واقع شده است.

[اعمال شب نیمهٔ ماه رجب]

شب نیمهٔ ماه رجب:شب شریفی است،و در آن چند عمل مستحبّ است:

[اوّل:غسل کردن]

اوّل:غسل کردن.

[دوّم: شب زنده داری به عبادت]

دوّم: شب زنده داری به عبادت،چنان که علاّمهٔ مجلسی فرموده.

[سوّم:زیارت حضرت سیدالشّهدا علیه السّلام]

سوّم:زیارت حضرت سیدالشّهدا علیه السّلام

[چهارم:شش رکعت نماز به این کیفیتت...]

چهارم:شش رکعت نماز به کیفیتی که در اعمال شب سیزدهم گذشت.

[پنجم:سی رکعت نماز به این کیفیت ...]

پنجم:سی رکعت نماز که در هر رکعت سورۀ«حمد»و ده مرتبه سورۀ«قل هو اللّه احد»خوانده شود،و این نماز را سیّد ابن طاووس با فضیلت بسیار از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله روایت کرده.

[ششم:دوازده رکعت نماز به این کیفیت...]

ششم:دوازده رکعت نماز،هر دو رکعت با یک سلام،و در هر رکعت،هر یک از سوره های«حمد»و«توحید»و«فلق»و«ناس» و«ایه الکرسی»و«قدر»را چهار مرتبه بخواند،و پس از سلام چهار مرتبه بگوید:

خدایا خدایا،پروردگارا چیزی را شریک او نسازم،و جز او سرپرستی نگیردم سپس هر دعایی که می خواهد بخواند.

سیّد این نماز را به این صورت از امام صادق علیه السّلام روایت کرده،ولی شیخ در کتاب«مصباح»فرموده:که داود بن سرحان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده:در شب نیمۀ رجب دوازده رکعت نماز به جا می آوری،در هر رکعت بعد از سورۀ«حمد»یک سوره خوانده،و هنگامی که از نماز فراغت یافتی،هر یک از سوره های«حمد»،«قل اعوذ بربّ الفلق»و«قل اعوذ بربّ النّاس»و«قل هو اللّه احد»و«ایه الکرسی» را چهار مرتبه قرائت می کنی،و پس از آن چهار مرتبه می گویی:

منزّه است خدا و سپاس خاص اوست و معبودى جز او نيست و او بزرگتر از هر وصفى است سپس مى خوانى:خدايا خدايا پروردگارا چيزى را شريك او نسازم،و هرچه او خواهد شود نيرويى نيست جز خداى برتر و بزرگ.

و همچنين در شب بيست و هفتم مثل اين عمل را به جا مى آورى.

[اعمال روز نيمۀ رجب]

روز نيمۀ رجب:روز مباركى است،و در آن چند عمل مستحب است:

[اوّل:غسل كردن]

اوّل:غسل كردن،

[دوّم:زيارت حضرت سيّد الشهداء عليه السّلام]

دوّم:زيارت حضرت سيّد الشهداء عليه السّلام،زيرا از ابن ابى نصر نقل شده كه گفت:از حضرت رضا عليه السّلام پرسيدم،امام حسين عليه السّلام،را در كدام ماه زيارت كنيم؟فرمود:در نيمۀ رجب و تمام ماه شعبان.

[سوّم:نماز سلمان]

سوّم:

نماز سلمان به كيفيتى كه در اعمال روز اوّل گذشت.

[چهارم:چهار ركعت نماز به اين كيفيت...]

چهارم:چهار ركعت نماز بخواند،و پس از سلام دست به دعا بردارد و بگويد:

اى خواركنندۀ هر ستمگر سركش،از عزّت بخش مؤمنان،تويى پناهگاه من آن هنگام كه ديدگاه ها و روشها مرا عاجز سازند و تويى پديدآورندۀ جسم و جانم از روى مهر و رحمت،درحالى كه از آفريدن من بى نياز بودى،و اگر رحمت تو نبود هرآينه از هلاک شدگان بودم،و تويى تأييد كنندۀ من در پيروزى بر دشمنانم،و اگر يارى تو نبود،هرآينه از رسواشدگان بودم،اى فرستندۀ رحمت از سرچشمه هايش،و پديد آورندۀ بركت از جاهايش،اى آنكه هستى اش را به نهايت بزرگى و بلندى خاص ساخته،س دوستانش به

عزت او عزیز می شوند،ای آنکه پادشاهان در برابرش یوغ خواری بر گردن نهاده اند در نتیجه از حملات انتقام جویانه اش در هراسند،از تو می خواهم به حق وجودت که آن را از کبریایت برون ساختی،و از تو می خواهم به حق کبریایت که آن را از عزّتت برگرفتی و از تو می خواهم

به حق عزّتت که با آن بر حکومت هستی چیره گشتی و با آن همه آفریدگانت را آفریدی،در نتیجه همه آنان بر هستی ات اعتراف دارند،که بر محمّد و اهل بیتش درود فرستی.

روایت شده:هر صاحب اندوهی این دعا را بخواند حق تعالی او را از اندوه و غم رهایی بخشد.

[پنجم:عمل امّ داود]

پنجم:عمل امّ داود که مهم ترین اعمال این روز است،و برای برآمدن حاجات و برطرف شدن سختیها،و دفع ستم ستمکاران بسیار مؤثّر است.

و کیفیت آن بنابر آنچه در کتاب«مصباح»شیخ آمده چنین است:چون بخواهد این عمل را بجا آورد،روزهای سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم را روزه بدارد،سپس در روز پانزدهم هنگام ظهر غسل کند و چون وقت ظهر داخل گردد،نماز ظهر و عصر را با رکوع،و سجود نیکو بجا آورد،در جایی خلوت که چیزی او را مشغول نکند،و کسی با او سخن نگوید.چون از نماز فراغت یابد،رو به جانب قبله کند،و سورۀ«حمد»را صد مرتبه و سورۀ«توحید»را نیز صد مرتبه و«آیه الکرسی» را ده مرتبه بخواند،و بعد از اینها قرائت کند سوره های«انعام،بنی اسرائیل(اسراء)،کهف،لقمان،یس، صافات،حم سجده،حمعسق،حم دخان،فتح،واقعه،ملک،ن،اذا السّماء انشقّت»

و پس از آن را تا آخر قرآن،و چون از اینها فارغ شود،درحالی که رو به قبله می باشد بگوید:

راست فرمود خدای بزرگ که معبودی جز او نیست،خدای زنده و به خود پاینده،دارای بزرگی و بزرگواری،مهربان و بخشنده،بردبار و کریم،که چیزی همانند او نیست،و او شنوای دانای بینای آگاه است،گواهی داد خدا خدایی که معبودی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش هم گواهان وحدانیّت اویند و اینکه بر پا دارندۀ عدالت است،معبودی جز او که عزیز حکیم است،نیست،و پیامبران بزرگوارش این حقیقت را به مردم رساندند،و من بر این واقعیت از گواهانم،خدایا!تنها برای توست،سپاس و بزرگواری و عزّت و افتخار،و چیرگی،و نعمت،و

عظمت،و رحمت،و هیبت،و سلطنت،و زیبایی،و نعمت بخشی، و تنزیه،و تقدیس،و یکتایی،و بزرگی،و دیدنیها و نادیدنیها،و آنچه بر فراز آسمانهای بلند است،و آنچه در اعماق زمین است و زمینهای فروتر،و آخرت و دنیا،و آنچه به آن خشنود شوی از ثنا و ستایش و سپاس و نعمتها،خدایا !بر جبرئیل درود فرست آن فرشتۀ امین بر وحیت،و نیرومند بر انجام فرمانت و فرمانبردار در آسمانها و جایگاههای کرامتت،حمل کنندۀ کلماتت،یاور پیامبرانت،نابود کنندۀ دشمنانت،خدایا بر میکائیل درود فرست آن فرشتۀ رحمتت،آفریده برای نمایش رأفتت،و آمرزش خواه و یاور اهل طاعتت،خدایا !بر اسرافیل درود فرست آن فرشتۀ حمل کنندۀ عرشت،و صاحب صور(شیپور)قیامت،آن چشم به راه فرمانت،اندیشناک و بیمناک از هراست،خدایا درود فرست بر حاملان عرش،آن حاملان پاک نهاد،و بر سفیران بزرگوار،آن نیکان پاکیزه،و بر فرشتگانت آن بزرگواران نویسندۀ اعمال بندگان،و بر فرشتگان بهشت،و گماشتگان بر دوزخ،و فرشتۀ مرگ و یارانش،ای صاحب عظمت و بزرگواری،خدایا !درود فرست بر پدرمان آدم،پدیدۀ آفرینشت،که او را گرامی داشتی با سجدۀ فرشتگانت،و بهشت را به او بخشید،خدایا !بر مادرمان

حوّا درود فرست،آن پاکیزه از پلیدی،و صفا یافته از چرکی،و برتر از آدمیان،و گردش کننده در جایگاههای مقدّس،خدای درود فرست بر هابیل و شیث و ادریس و نوح و هود،و صالح و ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و یوسف اسباط و لوط و شعیب و ایّوب و موسی و هارون و یوشع و میشا و خضر و ذی القرنین و یونس و الیاس و یسع و ذی الکفل و طالوت و داود و سلیمان و زکریّا و شعیا و یحیی و تورخ و متی و ارمیا و حیقوق و دانیال و عزیر و عیسی و شمعون و جرجیس و حواریّون و پیروان و خالد و حنظله و لقمان.خدایا !بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و بر محمّد و خاندان محمّد رحمت فرست و بر محمّد و خاندان محمّد برکت فرست،آن چنان که درود و رحمت و برکت بر ابراهیم و خاندان ابراهیم فرستادی،به حقیقت تویی ستوده و بزرگوار،خدایا !درود فرست بر اوصیاء،و سعادتمندان و شهیدان و امامان هدایتگر،خدایا !درود فرست بر ابدال و اوتاد و جهانگردان و عبادت کنندگان و مخلصان و پارسایان،و اهل کوشش و تلاش و محمّد و اهل بیتش را خاص گردان،به برترین دردهایت،و بزرگترین کراماتت و بر روح و جسمش از سوی من تحیّت و سلام رسان،و او را آن چنان فضل و شرف و کرامت بیفزای که او را به بالاترین درجات اهل شرف از پیامبران و فرستادگان

ص:243

و برترین بندگان مقربّت برسانی،خدایا !درود فرست بر آنکه نام بردم و بر آنکه نام نبردم از فرشتگانت و و پیامبرانت و رسولانت و اهل طاعتت،و درودهایم را بر ایشان و بر ارواحشان برسان، و آنان را برادرانم در آستانت،و یارانم بر دعایت قرار بده،خدایا !شفاعت می جویم از تو،و از کرمت به سوی کرمت و از جودت به سوی جودت،و از رحمتت به سوی رحمتت،و از اهل طاعتت به سویت،و از تو می خواهم تمام آنچه را که یکی از بندگان شایسته ات از تو درخواست کرده درخواست شرافت افزایی که مردود نشده و می خوانمت به آنچه تو را بدان خوانده اند،خواندنی که اجابت شده و به نومیدی نرسیده،ای خدا ای بخشنده،ای مهربان،ای بردبار،ای کریم،ای بزرگ ای باشکوه،ای بخشنده،ای زیبا،ای سرپرست،ای کارگشا،ای برگیرندۀ لغزشها،ای پناه ده،ای آگاه،ای روشنی بخش،ای نابود کننده،ای والا مقام،ای چرخاننده،ای دگرگون ساز،ای بزرگ،ای توانا،ای بینا،ای ستایش پذیر،ای نیکوکردار،ای پاکی،ای پاک،ای چیره ای پیدا،ای پنهان،ای پرده پوش،ای فراگیر،ای توانمند،ای نگهبان،ای بزرگمنش،ای نزدیک،ای مهرورز،ای ستوده ای بزرگوار،ای آغازگر،ای بازگرداننده،ای گواه،ای احسان کننده،ای زیبایی بخش،ای عطا بخش،ای فزونی بخش،ای کیرنده،ای دهنده،ای هدایت گر،ای فرستنده،ای ارشاد کننده،ای استوارساز،ای عطا کننده،ای منع کننده،ای دفع کننده،ای بلندی بخش،ای همیشگی،ای نگهدار،ای آفریننده ای بسیار بخشنده،ای توبه پذیر،ای کارگشا،ای فراوان دهنده،ای نشاطآفرین،ای آنکه هر کلیدی به دست اوست ای بسیار سود رسان،ای مهرورز،ای عطوف،ای بسنده،ای شفابخش،ای عافیت بخش،ای پاداش دهنده،ای وفاکننده،ای سلطه گر

ای با عزّت،ای جبران کننده،ای بزرگمنش،ای سلام،ای ایمنی بخش،ای یکتا،ای بی نیاز،ای نور،ای تدبیرگو،ای فرو،ای تک، ای قدوس،ای یاور،ای همدم،ای برانگیزنده،ای وارث،ای دانا،ای فرمانده،ای آغازگر،ای برتر،ای صورتگر،ای سلامتی بخش،ای دسوتی ورز،ای پایدار،ای همیشه،ای دانا،ای فرزانه،ای بخشنده،ای آفریننده،ای نیکوکار،ای شادی افزا ای دادگر،ای داور،ای جزادهنده،ای پرمهر،ای منّت گذار،ای شنوا،ای پدیدآور،ای پشتیبان،ای یاور،ای زندگی بخش مردگان،ای آمرزنده،ای دیرینه،ای آسانی بخش،ای هموار کننده،ای میراننده،ای زنده کننده،ای سودبخش،ای روزی بخش،ای قدرتمند،ای سبب ساز ای فریادرس،ای بی نیازکننده،ای دارای بخش،ای آفریننده،ای در کمین،ای یگانه،ای حاضر،ای جبران کننده،ای نگهدار،ای استوار، ای فریادرس،ای بازگرداننده،ای گیرنده،ای که بلندی جست و بر فراز آمد،آمد،پس در چشم انداز برتر جای گرفت،ای آنکه نزدیک شد پس در کنار آمد،و دور شد پس نایافتنی شد،و نهان و ناپیداتر را دانست،ای آنکه تدبیر امور با اوست و اندازه ها به دست او،ای آنکه هر هر دشواری بر اوس هل و آسان است،ای آنکه بر هرچه بخواهد تواناست،ای فرستندۀ بادها،ای پدیدآوردندۀ روشنی بامداد،ای برانگیزندۀ ارواح،ای صاحب جود و بخشش،ای بازگردانندۀ آنچه از دست رفته،ای زنده کنندۀ مردگان،ای گردآوردندۀ پراکنده ها،ای روزی بخش بی حساب به هرکه خواهی،ای انجام دهندۀ آنچه خواهی هرگونه که خواهی،ای صاحب بزرگی و بزرگواری،ای زنده به خو پاینده،ای زنده آنگاه که نباشد زنده،ای زنده کنندۀ مردگان،ای زنده ای که معبودی جز تو نیست،پدید آورندۀ آسمانها و زمین،ای خدای من و

آقای من،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و بر محمّد و خاندان محمّد رحمت فرست،و بر محمّد و خاندان محمّد برکت فرست،آن چنان که درود و برکت و رحمت خویش را بر ابراهیم و خاندان ابراهیم فرستادی،به یقین که ستوده و بزرگواری و رحمت آر بر خواری و نداری،و تهیدستی من،و بر تک بودن و تنهایی و فروتنی من در برابرت،و بر اعتمادم بر تو،و زاری ام به درگاهت،تو را می خوانم،خواندن آن فروتن خوار خاشع ترسان بیمناک بینوای پست ناچیز گرسنه نادار پناهنده پناه جوی،معترف به گناه،آمرزش خواه از گناه،درمانده به درگاه پروردگارش،می خوانمت خواندن آنکه معتمدانش او را واگذاشته اند و دوستانش او را ترگ گفته اند، و درد جان کاهش بزرگ شده،می خوانمت خواندن آن دلسوختۀ غمگین ناتوان بی مقدار بی نوای درماندۀ پناه جو، خدایا !از تو درخواست می کنم به حق اینکه فرمانروایی،و آنچه بخواهی می شود،و بر آنچه بخواهی توانایی، و از تو درخواست می کنم به احترام این ماه محترم و خانۀ محترم،و شهر محترم و رکن و مقام و مشاعر بزرگ،و به حق پیامبرت محمّد که بر او و خاندانش سلام،ای آنکه به آدم شیث را بخشید،و به ابراهیم اسماعیل و اسحاق را،و ای آنکه یوسف را به یعقوب بازگرداند،و ای آنکه بدحالی ایّوب را پس از آزمون برطرف ساخت،ای بازگرداننده موسی به مادرش و فزونی بخش دانش خضر،ای آنکه سلیمان را به داود بخشید،و یحیی را به زکریا،و عیسی را به مریم،ای نگهدار

دختر شعیب،ای سرپرست فرزند مادر موسی،از تو می خواهم بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی، و همهٔ گناهان مرا بیامرزی،و از عذابت پناهم دهی،و مرا مستوجب خشنودی و ایمنی و احسان و آمرزش و بهشت خویش قرار دهی،و از تو درخواست می کنم هر حلقه ای که میان من و آزاردهندهٔ من است باز کنی،و هر سختی را برایم آسان نمایی،و هر مشکلی را برایم هموار کنی،و زبان هر بدگوی از من را ناگویا سازی،و هر متجاوزی را از من بازداری،و هر دشمن و حسود بر من را نابود نمایی،و هر ستمگری را از من بازداری،و مرا از هر مانعی که بین من و حاجتم حایل می شود،و می خواهد بین من و طاعتت جدایی اندازد،و از عبادتت بازدارد کفایت فرمایی،ای آنکه پریان سرکش را مهار نمودی و شیاطین متکبّر را مقهور ساختی،و گردن گردنکشان را به خاک ذلّت افکندی،و بداندیشی چیره جویان را از مستضعفان بازگرداندی،از تو می خواهم با قدرتت بر هرچه می خواهی،و آسان نمودنت هرچه را بخواهی به هرگونه که بخواهی اینکه برآوردن حاجتم را در زمرهٔ آنچه می خواهی قرار دهی.سپس بر زمین سجده کن و دو طرف رخسار خود را بر خاک بگذار و بگو:خدایا !برای تو سجده کردم،و به تو ایمان آوردم،پس رحمت آور بر خواری ام،و تنگدستی ام،و کوششم،و رازی ام،و درماندگی ام،و نیازم به سویت ای پروردگار من.

و بکوش که دیده هایت اشک ریزان باشد،هرچند به اندازهٔ سر سوزن،که این خود نشانهٔ برآورده شدن دعاست.

ص:247

[مناسبت روز بیست و پنجم]

روز بیست و پنجم:در سال صد و هشتاد و سه،شهادت حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام در سن پنجاه وپنج سالگی در شهر بغداد واقع شد،و آن روزی است که غمهای آل محمّد علیهم السّلام و شیعیان ایشان تازه می شو.

[اعمال شب بیست و هفتم]

شب بیست و هفتم:شب بعثت پیامبر صلی اللّه علیه و آله و از شبهای پربرکت است،و در آن چند عمل مستحبّ است:

[اوّل:دوازده رکعت نماز به این کیفیت...]

اوّل:شیخ طوسی در کتاب«مصباح»فرموده:از حضرت جواد علیه السّلام روایت شده:همانا در ماه رجب شبی است،که از هر آنچه آفتاب بر آن می تابد بهتر است و آن،شب بیست و هفتم رجب است،که در صبح آن پیامبر صلی اللّه علیه و آله به رسالت مبعوث شد.برای کسی که از شیعۀ ما عامل در آن شب است،پاداش نیکوکاری شصت سال مقرّر است،به محضر آن حضرت عرض شد:عمل در آن شب چیست؟ فرمود:چون نماز عشا را خواندی،و به بستر استراحت رفتی،تا پیش از نیمۀ شب،هر ساعتی که خواستی از بستر برمی خیزی،و دوازده رکعت نماز هر دو رکعت به یک سلام به جای می آوری در هر رکعت حمد و سوره ای از سوره های کوچک مفصّل میخوانی و کوچک مفصّل از سورۀ محمّد صلی اللّه علیه و آله تا آخر قرآن است،زمانی که از دوازده رکعت فارغ شدی،در همان حال نشسته هر یک از سوره های«حمد»و«قل اعوذ بربّ الفلق»و«قل اعوذ بربّ الناس»و«قل هو اللّه احد»و«قل یا ایّها الکافرون»و«انّا انزلناه»و آیه الکرسی را هفت مرتبه بخوان،و به دنبال همۀ آنها این دعا را بخوان:

سپاس خدای را که فرزندی بر نگرفته،و شریکی در فرمانروایی و یاوری از روی خواری و نیاز برایش نبوده است،او را بسیار بزرگ شمار.خدایا !از تو درخواست می کنم به حق جایگاههای عزّتت بر پایه های عرشت و منتهای رحمتت در قرآنت،و بنام بزرگتر بزرگتر بزرگترت،و ذکر برتر برتر برترت،و به کلمات کاملت،بر محمّد و خاندانش درود فرست،و با من چنان کن که شایستۀ آنی.سپس بخوان هر دعایی را که می خواهی.و نیز غسل در این شب مستحب است.و نمازی که

داود بن سرحان از امام صادق علیه السّلام برای شب نیمۀ رجب روایت کرده و جزو اعمال شب نیمه ذکر شد در این شب هم خوانده می شود.

[دوّم:زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام]

دوّم:زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام است که برترین اعمال این شب می باشد.و بدان که ابو عبد اللّه محمّد بن بطوطه که یکی از دانشمندان اهل سنت است در ششصد سال پیش از این زمان(زمان تألیف مفاتیح الجنان)می زیسته،در سفرنامۀ خود معروب به«رحلۀ ابن بطوطه»در بیان ورودش از مکّه معظّمه به نجف اشرف،روضه و قبر مبارک مولایمان امیر المؤمنین علیه السّلام را ذکر نموده،و گفته است همۀ اهل این شهر رافضی هستند،و برای این روضۀ مبارکه کراماتی ظاهر شده:از جمله در شب بیست و هفتم،ماه رجب که نامش نزد ال آنجا«لیله المحیا»[شب بیداری یا شب زندگانی]است،از عراقین[بصره و کوفه]و خراسان و شهرهای فارس،و روم،افراد شل و مفلوج و زمین گیری را که حدود سی یا چهل نفر می شوند پس از عشا نزد ضریح مقدس علی علیه السّلام می آورند،آنگاه مردم اجتماع می کنند،و به انتظار شفا یافتن و برخاستن آنان می مانند.

گروهی از اجتماع کنندگان نماز می خوانند،و عده ای ذکر می گویند،و گروهی قرآن تلاوت می کنند،و بعضی هم به تماشای روضۀ مبارکه مشغول می شوند،تا آنکه نصف یا دوسوم از شب بگذرد،در این هنگام تمام مبتلایان و زمین گیران که محروم از حرکت بودند،از جای برمی خیزند درحالی که صحیح و تندرستند و نقصی در آنان نیست و می گویند:لا اله الاّ اللّه (معبودی جز خدا نیست)،«محمّد رسول اللّه»(محمّد فرستادۀ خدا است)،«علیّ ولی اللّه»(علی ولیّ خدا است)، و این امری است مشهور و معروف.

من گرچه آن شب را در آن روضه درنیافتم،ولی از مردمان مورد اطمینان که بر گفتارشان اعتماد داشتم شنیدم.

و همچنین در مدرسه ای که مهمانخانۀ آن حضرت است،سه نفر زمین گیر را که قدرت بر حرکت نداشتند مشاهده کردم،یکی از مردمان روم،و دیگری از اهالی اصفهان،و سومی از مردم خراسان بود،از هر سه پرسیدم،چگونه شما درمان نیافته و در اینجا مانده اید؟گفتند:ما شب بیست و هفتم رجب را درک نکردیم،اینجا مانده ایم تا شب بیست و هفتم آینده

برسد،و شفای خود را بگیریم،و به خاطر این شب،مردم زیادی از شهرها جمع می شوند،و بازار بزرگی به مدّت ده روز برپا می گردد.

ص:249

مؤلف گوید:مبادا این حکایت را دور از واقع بدانی،چه همانا معجزات و کراماتی که این مشاهد مشرّفه به ظهور رسیده،و به حدّ تواتر نقل شده بسیار زیادتر از آن است که در شمار آید.و در ماه شوال گذشته[نسبت به زمان نوشتن این قسمت از مفاتیح الجنان به وسلیۀ مؤلّف بزرگوارش مرحوم محدّث قمی رحمه الله]سال هزار و سیصد و چهل و سه هجری قمری در حرم مطهّر حضرت ثامن الائمه الهداه، و ضامن الامّه العصاه مولانا ابو الحسن علی بن موسی الرضا(صلوات اللّه علیه)،سه زن که هر سه به علت بیماری فلج و مانند آن زمین گیر بودند،و علاجشان از توان پزشکان بیرون بود،شفا یافتند،و این معجزه از آن قبر مطهّر بر همه واضح و آشکار شد همچون پدیدار شدن خورشید در آسمان صاف و بی ابر،و باز شدن دروازه نجب به روی عربهای بادیه نشین،و شفا یافتن این سه زن به اندازه ای روشن بود،که برای مردم بیان شد،و دکترهایی که از بیماری آنان مطلّع بودند،با اینکه در امر مداوای آنان دقت بسیار داشتند،شفا یافتن معجزه گونه آنان را تصدیق کردند،و بعضی از آنها تصدیق خود را بر شفای آنان به صورت نوشته اعلام داشتند،و اگر ملاحظۀ اختصار،و عدم مناسبت محل نبود،داستان آنها را به تفصیل نقل می کردم.

چه زیبا سروده شیخ ما شیخ حرّ عاملی در قصیده اش

و آنچه از برکات بارگاهش در همه روز نمایان شده*دیروزش مانند فردایش می باشد* و مانند شفای کور و بیماران به سبب عنایتش*اجابت دعا در آستانش می باشد

[سوم:خواندن این دعا...]

سوم:شیخ کفعمی در کتاب«بلد الامین»فرموده:شب مبعث این دعا را بخواند:

خدایا !از تو درخواست می کنم،به تجلّی اعظم، در این شب از ماه معظّم،و به حق رسول مکرّم،که درود فرستی بر محمّد و خاندانش،و بیامرزی بر ما،آنچه را تو به آن از ما داناتری،ای آنکه می داند، و ما نمی دانیم،خدایا !بر ما برکت ده در این شب،شبی که آن را به شرف رسالت برتری دادی و به کرامتت

بزرگ نمودی،و به جایگاه شریفی برآوردی،خدایا !ما از تو درخواست می کنیم به حق بعثت شریف و آقای مهربان،و موجود پارسا،که بر محمّد و خاندانش درود فرستی،و اعمال ما را در این شب و در سایر شبها پذیرفتهٔ پیشگاهت قرار دهی،و گناهانمان را آمرزیده بداری،و خوبیهایمان را مورد سپاس،و بدیهایمان را پوشیده گردانی،و دلهایمان را به گفتار خوش شادمان سازی،و روزیهایمان را از جانب خود به آسانی فراوان گردانی.خدایا !تو می بینی،و خود دیده نمی شود،و تو در چشم انداز برتری،و بازگشت و سرانجام به سوی توست،و ممات و حیات و آخرت و دنیا از آن تو است.خدایا !به تو پناه می آوریم از اینکه خوار و رسوا شویم،و از اینکه مرتکب عملی شویم که از آن نهی کرده ایم.خدایا درخواست بهشت را به رحمتت از تو داریم، و به تو پناه می آوریم از آتش دوزخ،پس ما را به قدرتت از آتش پناه ده،و از تو درخواست حور العین داریم،پس به عزّتت روزی ما فرما،و فراخ ترین روزی را هنگام پیری ما قرار ده،و نیکوترین اعمالمان را به گاه فرا رسیدن مرگمان،و عمر ما را در طاعتت و در آنچه ما را به سویت نزدیک کند و در نزدت بهره مندمان نماید و در پیشگاهت بر منزلتمان افزاید،طولانی گردان،و در همهٔ حالات و کارها معرفتمان را نیکو گردان،و ما را به احدی از خلقت وامگذار تا بر ما منّت نهد،و بر ما به برآورده ساختن تمام حاجات دنیا و آخرتمان تفضّل فرما،و بخشش آغاز کن به پدرانمان و فرزندانمان، و همهٔ برادران با ایمانمان،در همهٔ آنچه از تو برای خود درخواست کردیم،ای مهربانترین مهربانان.خدایا !

ص:251

از تو درخواست می کنیم به نام بزرگت،و فرمانروایی دیرینه ات،که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و بیامرزی بر ما گناه بزرگ را،چرا که بزرگ را جز بزرگ نمی آمرزد.خدایا !این ماه مکرّم رجب است که ما را به آن گرامی داشتی،نخستین ماههای حرام است،که ما را به آن از میان امّتها اکرام نمودی،پس تو را سپاس ای دارای بخشش و کرم،از تو درخواست می کنم بر حق ماه رجب،و به حق نام بزرگتر بزرگتر بزرگتر باشکوه تر و گرامی تری که آن را آفریدی،پس در سایه ات استقرار یافت،نامی که از تو به غیر تو نرسد،که بر محمّد و اهل بیت پاکش درود فرستی،و ما را در این ماه از برپادارندگان طاعتت،و آرزومندان شفاعتت قرار دهی.خدایا !ما را به راه راست هدایت فرما،و جایگاه ما را نزد خود بهترین استراحتگاه در سایه سار رحمت همیشگی و فرمانروایی عظیمت قرار ده،تو ما را بسی،و چه نیکو کارگشایی.خدایا !ما را به حالت رستگاری و موفقیت برگردان،که در گروه غضب شدگان و در طایفۀ گمراهان نباشیم،به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.خدایا ! به وسایل موجب آمرزشت،و به رحمتت که بر خود حتم نموده ای،از تو درخواست می کنم،سلامت از هر گناه،و بهره مندی از هر کار نیک،و رسیدن به بهشت و رهایی از دوزخ را به من عطا فرمایی.خدایا !خوانندگان تو را خواندند و من هم تو را خواندم، و درخواست کنندگان از تو را درخواست کردند،و من هم از تو درخواست نمودم،و جویندگان تو را جویا شدند و من هم جویای تو شدم.خدایا ! تو مورد اطمینان و امیدی،و نهایت میل و رغبت در خواندن دعا به سوی توست،خدایا !بر محمّد و خاندانش درود فرست،

و قرار ده یقین را در قلبم،و روشنی را در دیده ام،و خیرخواهی را در سینه ام،و ذکرت را در هر شب و روز بر زبانم،و روزی گستردۀ بی منّت و غیر حرام را روزی ام فرما،و در آنچه که روزی ام نمودی برکت افزا،و بی نیازی ام را در خودم،و دلبستگی ام را در آنچه نزد توست قرار ده،به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.پس به سجده برو و بگو:سپاس خدای را که ما را به معرفتش رهنمون شد،و به ولایتش خاص گرداند،و به طاعتش توفیقمان داد،سپاس سپاس...تا صدر مرتبه.پس سر از سجده بردار و بگو:

خدایا من تو را برای رفع حاجتم قصد کردم،و به خواسته ام بر تو اعتماد نمودم،و روی آوردم به تو به واسطۀ امامان و سرورانم.خدایا!ما را به محبتشان سود بخش،و به جایگاه آنان وارد ساز و همنشینی با ایشان را روزی ما گردان و ما را در زمرۀ آنان وارد بهشت کن،به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

این دعا را سیّد ابن طاووس برای روز مبعث ذکر فرموده.

[اعمال روز بیست و هفتم]

روز بیست و هفتم:یکی از اعیاد بزرگ است،و روزی است که حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله به پیامبری مبعوث شد،و جبرئیل برای ابلاغ پیامبری،بر آن حضرت فرود آمد،و برای این روز چند عمل وارد است:

[اوّل:غسل]

اوّل:غسل کردن،

[دوّم:روزه گرفتن]

دوّم:روزه گرفتن و آن یکی از چهار روزی است که در طول سال برای روزه گرفتن امتیاز ویژه دارد،و ثوابی برابر با روزۀ هفتاد سال دارد.

[سوّم:صلوات زیاد فرستادن]

سوّم:صلوات زیاد فرستادن.

[چهارم:زیارت حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السّلام]

چهارم:زیارت حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السّلام.

[پنجم:دوازده رکعت نماز روایت شده از حضرت جواد علیه السلام به این کیفیت...]

پنجم:شیخ طوسی در کتاب«مصباح»فرموده که از ریّان بن الصّلت روایت شده:حضرت جواد علیه السّلام زمانی که در بغداد بود روز نیممه و روز بیست و هفتم رجب را روزه گرفت،و همۀ خدمتکاران آن حضرت نیز روزه گرفتند و هم به ما فرمان داد دوازده رکعت نماز بجا آوریم به این صورت که در هر رکعت یک

ص:253

مرتبه«حمد»و سوره خوانده و پس از پایان نماز،هر کدام از سوره های«حمد»و«قل هو اللّه احد»و«قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ بربّ الناس»را چهار مرتبه بخوانیم،آنگاه چهار مرتبه بگوئیم:

معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ تر از هر چیزی است،و منزّه است خدا،و خدا را سپاس،و نیست جنبش و نیرویی جز به عنایت خدای برتر و بزرگ و چهار مرتبه:خدا،خدا،پروردگار من است،چیزی را برای او شریک نمی آورم و چهار مرتبه:هیچکس را برای پرودگارم شریک نسازم

[ششم:دوازده رکعت نماز روایت شده از جناب ابوالقاسم حسین بن روح(رحمه الله)به این کیفیت...]

ششم:شیخ طوسی از جناب ابو القاسم حسین بن روح(رحمه الله)روایت کرده که در این روز دوازده رکعت نماز به جا می آوری در هر رکعت سورۀ«حمد»و سوره ای که آسان باشد می خوانی،و پس از گفتن تشهّد و سلام بین هر دو رکعت می گویی:

خدا را سپاس که فرزندی بر نگرفته،و برایش در فرمانروایی شریکی و یاوری از روز خواری نبوده است،و او را بزرگ شمار،ای توشه ام در همۀ عمر،ای همنشینم در سختیها،ای سرپرستم در نعمت، ای فریادرسم در رغبت،ای پیروزیم در حاجت،ای نگهدارم در غیبت،ای کفایتم در تنهایی ای همدمم در هراس،تو پوشانندۀ کاستی منی،تو را سپاس،تو نادیده گیرندۀ لغزش منی، تو را سپاس،تو بلندی بخش من در وقت افتادگی هست،تو را سپاس،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و عیبم را بپوشان، و هراسم را ایمنی بخش،و لغزشم را نادیه گیر،و از گناهم چشم بپوش،و از زشتیهایم درگذر،و در زمرۀ بهشتیان قرار دهم همراه با آن وعدۀ صادقانه ای که به آنها داده ای.

هنگامی که از نماز فارغ شدی،هر یک از سوره های«حمد»و«قل هو اللّه احد»و«قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ بربّ الناس»و قل یا ایّها الکافرون

و«انا انزلنا»و«ایه الکرسی»را هفت مرتبه می خوانی و هفت بار می گویی:

معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ تر است،و پاک است خدا،و جنبش و نیرویی جز به خدا نیست و هفت بار خدا،خدا پروردگار من است و هیچ چیز شریکش نگیرم و هر دعایی که بخواهی می خوانی.

[هفتم:خواندن این دعا...]

هفتم:در کتاب«اقبال»و در بعضی نسخه های«مصباح»آمده است که مستحب است در این روز این دعا را بخوانند:

ای آنکه به عفو و گذشت فرمان داده،و عفو و گذشت را بر عهدهٔ خویش ضمانت نموده است،ای آنکه بخشید و در گذشت،مرا عفو کن و از من درگذر ای کریم.خدایا!طلب سخت شده،و چاره جویی و راهیابی مرا به زحمت افکنده و آرزوها کهنه گشته،و رشتهٔ امید جز از تو که یگانه ای و شریکی نداری بریده شده است.خدایا!من راههای خواهش را بسوی تو باز می یابم،و چشمه سارهای امید نزد تو پرآب است،و درهای دعا را برای هرکه به درگاهت دعا کند گشوده ای و یاری ات آن را که از تو یاری خواهد فراهم است،و می دانم که برای آنکه تو را خواند در جایگاه اجابتی،و برای فریادکننده ات درصدد فریادرسی هستی،و همانا در طمع ورزیدن به بخششت و اعتماد به وعده ات جایگزینی است برای دریغ ورزی بخیلان،و گشایشی است از آنچه در دست ثروت اندوزان است،تو از بندگانت در پرده نمی روی،جز اینکه کردارشان بین تو و ایشان پرده می افکند،و هرآینه دانستم که برترین توشهٔ کوچ کننده به سویت اراده نیرومندی است،که بدان تو را برمی گزیند،و با همین اراده نیرومند دلم با تو مناجات کرده و از تو می خواهم هر دعایی را که تو را

به آن خواند امیدواری که او را به آرزویش رساندی،یا فریادکشی به درگاهت که به دادش رسیدی،یا دلسوختۀ غمزده ای که اندوهش را زدودی،یا گنهکار خطاکاری که او را آمرزیدی،یا تندرستی که نعمت خویش را بر او تمام کردی،یا بی چیزی که توانگری ات را به او هدیه دادی و چنین دعایی را بر تو حقّی است و نزدت مقامی،به حق این دعا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و حاجات دنیا و آخرتم را برآور،این رجب مرجّب مکّرم است که ما را به آن گرامی داشتی،نخستین ماههای حرام است،که ما را به خاطر آن از بین ملّتها اکرام نمودی،ای دارای جود و کرم،از تو درخواست می کنیم به حق ماه رجب،و به نام بزرگتر بزرگتر بزرگتر باشکوه و گرامی تری که آن را آفریدی پس در سایه ات استقرار یافت و جلوه اش از تو به دیگری نمی رسد،بر محمّد و اهل بیت پاکش درود فرستی،و ما را در این ماه از عاملین به طاعتت،و آرزومندان شفاعتت قرار دهی.خدایا !ما را به راه راست هدایت فرما.

و استراحتگاه ما را در سایه سار همیشگی ات نزد خویش بهترین استراحتگاه قرار ده،که تو ما را بسی و چه نیکو کارگشایی هستی، و سلام و درود بر همۀ بندگان برگزیده اش،خدایا !به ما در این روز برکت ده،روزی که آن را برتری دادی،و به کرامتت بزرگ نمودی،و به جایگاه بزرگ و برتر وارد ساختی، بر آنکه در این روز به سوی بندگانت فرستادی،و او را به مقام با کرامتی برآوردی درود فرست.خدایا !بر او درود فرست درودی همیشگی،برای تو سپاس،و برای ما ذخیره ای باشد،و در کارمان آسانی قرار ده،و پایان عمرمان را

به سعادت و نیکبختی ختم کن،در حالی که اعمال اندک ما را پذیرفته،و با رحمت بی کرانت ما را به برترین آرزوهایمان رسانده باشی،که تو بر هر چیز توانایی،و درود و سلام خدا بر محمّد و خاندانش باد.

مؤلّف گوید:این دعا را حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام در آن روزی که آن جناب را به جانب بغداد حرکت دادند بر زبان جاری ساخت،و آن روز،روز بیست و هفتم رجب بود،و این دعا از دعاهای انتخابی ماه رجب است

[هشتم:خواندن این دعا...]

هشتم:سیّد ابن طاووس در کتاب «اقبال»فرموده:دعای«اللّهم انی اسالک بالتّجلّی الاعظم»را بخواند،و این دعا به روایت کفعمی جزو اعمال شب بیست و هفتم بیان شد.

[اعمال روز آخر ماه]

روز آخر ماه:در این روز غسل وارد شده،و روزه اش سبب آمرزش گناهان گذشته و آینده است.و نماز سلمان به صورتی که در ضمن اعمال روز اوّل بیان شد بجای آورده شود.

فصل دوّم:در بیان فضیلت ماه شعبان و اعمال آن

[فضیلت ماه شعبان]

آگاه باش که شعبان ماه بسیار شریفی است،و ه سید انبیاء صلی اللّه علیه و آله انتساب دارد،و آن حضرت همهٔ این ماه را روزه می گرفت،و روزه آن را به ماه رمضان وصل می کرد،و می فرمود:شعبان ماه من است،هرکه یک روز از این ماه را روزه بدارد،بهشت بر او واجب می شود.از امام صادق علیه السّلام روایت شده:چون ماه شعبان می رسید حضرت زین العابدین علیه السّلام اصحاب خود را جمع می کرد و می فرمود:ای اصحاب من،می دانید این چه ماهی است؟این ماه شعبان است،و حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله می فرمود شعبان ماه من است،پس در این ماه برای جلب محبّت پیامبر خود،و برای تقرّب به سوی پروردگار خویش، روزه بدارید،به خدایی که جان علی بن الحسین علیهما السّلام به دست قدرت اوست،سوگند یاد می کنم از پدرم حسین بن علی علیهما السّلام شندیم که فرمود:از امیر المؤمنین علیه السّلام شندیم:هرکه شعبان را برای محبّت

پیامبر،و تقرّب جستن به سوی خدا روزه دارد،خدا او را دوست بدارد،و در روز قیامت به کرامتش نزدیک و بهشت را بر او واجب گرداند.

شیخ از صفوان جمّال روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام به من فرمود:کسانی را که پیرامون تو هستند،به روزهٔ شعبان

وادار کن.گفتم:فدایت شوم،مگر در فضیلت آن چیزی می بینی؟فرمود:آری رسول خدا صلی اللّه علیه و آله هرگاه هلال شعبان را می دید،به منادی دستور می داد تا در مدینه ندا کنند:ای اهل مدینه،من از جانب رسول خدا صلی اللّه علیه و آله به سوی شما ارسال شده ام،آن حضرت می فرماید:آگاه باشید،به درستی که شعبان ماه من است،خدا رحمت کند کسی را،که مرا در ماه من یاری کند،یعنی روه بدارد آن را،سپس امام صادق علیه السّلام چنین گفت:

امیر المؤمنین علیه السّلام می فرمود:از هنگامی که شنیدم منادی رسول خدا صلی اللّه علیه و آله در شعبان ندا داد،روزه شعبان از من فوت نشد و تا زمانی که زنده هستم به خواست خدا از من فوت نخواهد شد.پس می فرمود:روزۀ دو ماه شعبان و رمضان مایۀ توبه و آمرزش خداست.

اسماعیل بن عبد الخالق روایت کرده:نزد امام صادق علیه السّلام بودم،ذکر روزۀ شعبان به میان آمد،حضرت فرمود:

فضیلت روزۀ شعبان چنین و چنان است،تا جایی که انسان مرتکب قتل حرام می شود،پس چنانچه شعبان را روزه بدارد این روزه به او سود می رساند،و به خواست خدا آمرزیده می شود!

[اعمال ماه شعبان و آن بر دو بخش است]

اشاره

آگاه باش اعمال این ماه شریف بر دو بخش است:اعمال مشترک و اعمال خاص.

[اعمال مشترک]

اشاره

امّا اعمال مشترک پس چند عمل است:

[اوّل:هر روز هفتاد مرتبه این ذکر را بگوید...]

اوّل:هر روز هفتاد مرتبه بگوید:

از خدا آمرزش و توبه می خواهم

[دوّم:هر روز هفتاد مرتبه این ذکر را نیز بخواند...]

دوّم:هر روز هفتاد مرتبه بخواند:آمرزش می خواهم از خدا معبودی جز او نیست بخشنده مهربان زنده به خود پاینده و به سوی او باز می گردم.در بعضی روایات«الحیّ القیّوم»پیش از«الرّحمن الرّحیم» است،و عمل به هر دو خوب است،و از روایات استفاده می شود،که بهترین دعاها و ذکرها در این ماه استغفار است،و هرکه ر هر روز این ماه هفتاد مرتبه استغفار کند،مانند این است که در ماه های دیگر هفتاد هزار مرتبه استغفار بجا آورد.

[سوّم:در این ماه صدقه بدهد]

سوّم:در این ماه صدقه بدهد،گرچه نصب دانهٔ خرما باشد،تا حق تعالی بدن او را بر آتش دوزخ حرام کند.از امام صادق علیه السّلام روایت شده:که از وجود مبارک ایشان درباره فضیلت روزهٔ رجب سؤال کردند؟فرمود:چرا از روز شعبان غافل هستید؟راوی عرض کرد

یا ابن رسول اللّه کسی که یک روز از شعبان را روزه بدارد،چه ثوابی دارد؟فرمود:به خدا سوگند بهشت پاداش آن است،عرض کرد یا ابن رسول اللّه بهترین اعمال در این ما چیست؟فرمود:صدقه و استغفار،هرکه در ماه شعبان صدقه دهد حق تعالی آن را رشد و نموّ دهد همان گونه که یکی از شما بچّه شترش را رشد می دهد،تا آنکه در قیامت درحالی که به اندازۀ کوه احد شده باشد به صاحبش بازگردد.

[چهارم:در تمام این ماه هزار مرتبه این ذکر را بگوید...]

چهارم:در تمام این ماه هزار مرتبه بگوید:

معبودی جز خدا نیست،و نپرستیم جز او را درحالی که عبادت را برای او خالص می کنیم،گرچه مشرکان را خوش نیاید.

این ذکر پاداش بسیاری دار،از جمله اینکه در نامۀ عملش عبادت هزار ساله بنویسند.

[پنجم:در هر پنجشنبۀ این ماه دو رکعت نماز به این کیفیت بجا آورد...]

پنجم:در هر پنجشنبۀ،این ماه دو رکعت نماز بجا آورد در هر رکعت پس از سورۀ«حمد»صد مرتبه سور «قل هو اللّه احد»خوانده و بعد از سلام نماز صد مرتبه صلوات بفرستد،تا حق تعلی هر حاجتی که در این دین و دنیا دارد روا کند و نیز روزۀ هر پنجشنبه این ماه فضیلت بسیار دارد.روایت شده:که در هر پنجشنبۀ ماه شعبان آسمانها را زینت می کنند،پس ملائکه عرض می کنند،خدایا!روزه داران این روز را بیامرز،و دعای آنان را اجابت فرما.در خبر نبوی است هرکه روز دوشنبه و پنجشنبۀ شعبان را روزه بدارد،حق تعالی بیست حاجت از حوایش دنیا و بیست حاجت از حوایج آخرت او را برآورد.

[ششم:بسیار صلوات فرستد]

ششم:در این ماه بسیار صلوات فرستد.

[هفتم:در هر روز شعبان در وقت زوال[وقت ظهر شرعی]این صلوات را بخواند...]

هفتم:در هر روز شعبان در وقت زوال[وقت ظهر شرعی]و در شب نیمۀ آن این صلوات را که از حضرت زین العابدین علیه السّلام روایت شده

بخواند:

خدایا !بر محمّد و مخاندان محمد درود فرست،درخت نبوت،و جایگاه رسالت،و محل آمد و شد فرشتگان، و معدن دانش،و خانوادۀ وحی،خدایا ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،کشتی روان در اقیانوسهای عمیق،هرکه به آن توسّل جوید ایمنی یابد،و هرکه آن را رها کند غرق شود،پیش افتاده از آنها از دین خارج است و عقب مانده از آنان نابود اس،و همراه آنان ملحق به حق است.خدایا !بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،پناهگاه محکم،و فریادرس بیچارگان درمانده،و پناه گریختگان،و دستاویز استوار برای چنگ اندازان،خدایا !

ص:259

بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،درودی که برای آنان موجب خشنودی،و برای ما مایهٔ ادا کردن و بجا آوردن حق محمّد و خاندان محمّد باشد،به حول و نیرویت ای پروردگار جهانیان.خدایا !بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست آن پاکان و نیکان و خوبان،که حقوقشان را بر همهٔ واجب کردی،و پیروی و ولایتشان را بر همگان فرض نمودی.خدایا ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و دلم را با طاعتت آباد کن،و به نافرمانی از خود رسوایم مساز،و همیاری با آنکه رزقت را بر او تنگ گرفتی،به مده آنچه از فضلت بر من وسعت دادی،و از عدلت بر من گستردی،و مرا در سایهٔ رحمتت زنده داشتی روزی من فرما،این است ماه پیامبرت،آن سرور فرستادگان، شعبانی که آن را به رحمت و رضوانت پوشاندی،ماهی که رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش باد)در روزه داری و بپاداری عبادت در شبها و روزهایش،تا هنگام مرگ،با تمام توان کوشش می کرد،تنها برای فروتنی در برابرت و گرامی داشت ماه شعبان،خدایا !ما را در این ماه به پیروی از روشش،و رسیدن به شفاعتش یاری فرما،خدایا !او را برای من شیعی با شفاعت پذیرفته،و راهی روشن به سویت قرار ده،و ما را پیرو او گردان،تا آنگاه که تو را در قیامت دیدار کنم،درحالی که از من خشنو باشی،و از گناهانم چشم پوشی،و رحمت و رضوانت را بر من واجب نموده و مرا در بهشت و جایگاه خوبان درآورده باشی.

[هشتم:این مناجات(مناجات شعبانیه)را بخواند]

هشتم:این مناجات را که از ابن خالویه روایت شده بخواند به گفته او این مناجات حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام و امامان پس از

اوست،که در ماه شعبان می خواندند:

خدایا !بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و شنوای دعایم باش آنگاه که می خوانمت،و صدایم را بشنو گاهی که صدایت میکنم، و به من توجّه کن هنگامی که با تو مناجات می نمایم،همانا به سوی تو گریختم،و در حال درماندگی و زاری در برابرت ایستادم، پاداشی را که نزد توست امیدوارم،آنچه را که در درون دارم می دانی،بر حاجتم خبر داری،نهانم را می شناسی،کار بازگشت به آخرت و خانه ابدی ام بر تو پوشیده نیست،و آنچه که می خخواهم به زبان آرم،و خواهش خویش را بازگو کنم و هم آنچه را که برای عاقبتم امید دارم،بر تو پنهان نیست،همانا آنچه تقدیر نموده ای بر من ای آقای من در آنچه که تا پایان عمر بر من فرود می آید از نهان و آشکارم جاری شده است،و تنها به دست توست نه به دست غیر تو فزونی و کاستی ام و سود و زیانم،خدایا !اگر محرومم کنی پس کیست آنکه به من روزی دهد؟و اگر خوارم سازی پس کیست آنکه به من یاری رساند،خدایا ! به تو پناه می آورم از خشمت و از فرود آمدن غضبت.خدایا !اگر شایستهٔ رحمت نیستم،تو سزاواری که بر من با فراوانی فضلت بخشش نمایی،خدایا !گویی من با همهٔ هستی ام در برابرت ایستاده ام،درحالی که حسن اعتمادم بر تو،بر وجودم سایه افکنده است،و آنچه را تو شایستهٔ آنی بر من جاری کرده ای و مرا با عفوت پوشانده ای،خدایا !اگر گذشت کنی،چه کسی از تو سزاوارتر به آن است؟و اگر مرگم نزدیک شده باشد و عملم مرا به تو نزدیک نکرده،اعترافم را به گناه وسیلهٔ خویش به بارگاهت قرار دادم.

ص:261

خدایا بر نفسم در فرمانبری از آن گناه بار کردم،پس وای بر او اگر او را نیامرزی،خدایا نیکی ات بر من در روزهای زندگی ام پیوسته بود،پس نیکی خویش را در هنگام مرگم از من قطع مکن.خدایا چگونه از حسن توجهت پس از مرگم ناامید شوم؟،درحالی که در طول زندگی ام مرا جز به نیکی سرپرستی نکردی.خدا کارم را چنان که سزاوار آنی بر عهده گیر،خدایا به سوی من با فضلت بازگرد،به سوی گناهکاری که جهلش سراپایش را پوشانده،خدایا گناهانی را در دنیا بر من پوشاندی،که بر پوشاندن آن در آخرت محتاج ترم،گناهم را در دنیا برای هیچیک از بندگان شایسته ات آشکار نکردی،پس مرا در قیامت در برابر دیدگان مردم رسوا مکن،خدایا جود تو آرزویم را گسترده ساخت،و عفو تو از عمل من برتری گرفت.بار خدایا،روزی که در آن میان بندگانت حکم می کنی، مرا به دیدارت خوشحال کن.خدایا عذرخواهی من از پیشگاهت عذرخواهی کسی است که از پذیرفتن عذرش بی نیاز نگشته،پس عذرم را بپذیر ای کریم ترین کسی که بدکاران از او پوزش خواستند.خدایا،حاجتم را برمگردان،و طمعم را قرین نومیدی مساز، و امید و آرزویم را از خود مبر.خدایا،اگر خواری ام را می خواستی،هدایتم نمی نمودی،و اگر رسوایی ام را خواسته بودی عافیتم نمی بخشیدی،خدایا،این گمان را به تو ندارم که مرا در حاجتی که عمرم را در طلبش سپری کرده ام،از درگاهت بازگردانی.خدایا تو را سپاس،سپاسی ابدی و جاودانه،همیشگی و بی پایان،سپاسی که افزون شود و نابود نگردد،آن گونه که پسندی و خشنود گردی،خدایا اگر مرا بر جرمم بگیری،من نیز تو را به عفوت بگیرم،و اگر به گناهانم بنگری،جز به آمرزشت ننگرم،و اگر مرا وارد دوزخ کنی،

به اهل آن آگاهی دهم که تو را دوست دارم.خدایا اگر عملم در برابر طاعتت کوچک بوده،همانا از سر امید به تو آرزویم بزرگ است.خدایا چگونه از بارگاهت با نومیدی و محرومیت بازگردم،درحالی که خوش گمانی ام به بخشش وجودت این بوده که مرا نجات یافته و بخشیده باز می گردانی،خدایا عمرم را در آزمندی غفلت از تو نابود ساختم، و جوانی ام را در مستی دوری از تو پیر نمودم.خدایا در روزگار غرور نسبت به تو،بیدار نشدم و گاه تمایلم به سوی خشم تو آگاه نگشتم.خدایا و من بندۀ تو و فرزند بندۀ توام،در برابرت ایستاده ام،به کرمت به حضرت تو متوسّلم.خدایا،بنه ای هستم،که به درگاهت از آنچه که با آن با تو روبرو بوده ام از کمی حیایم از مراقبتت نسبت به من بیزاری می جویم و از تو درخواست گذشت می کنم،زیرا گذشت صفتی درخور کرم توست.خدایا برایم نیرویی نیست که خود را بوسیلۀ آن از عرصه نافرمانی ات بیرون برم،مگر آنگاه که به محبّتت بیدارم سازی،و آن چنان که خواستی باشم،پس تو را شکر گذارم، برای اینکه در آستان کرمت واردم کردی،و هم اینکه دلم را از آلایه های غفلت از حضرتت پاک نمودی.خدایا بر من نظر کن،نظر به کسی که صدایش کردی و تو را اجابت کرد،و به یاری ات به کارش گماشتی و او از تو اطاعت کرد،ای نزدیکی که از فریفتگان دور نمی شود،و ای سخاوتمندی که از امید بستگان به پاداشش دریغ نمی ورزد.خدایا،قلبی به من عنایت کن،که اشتیاقش او را به تو نزدیک کند،و زبانی که صدقش به جانب تو بالا برده شود.

و نگاهی که حق بودن او را به تو نزدیک نماید،خدایا،کسی که به تو شناخته شد،ناشناخته نیست،و آنکه به تو پناهنده شد خوار نیسد، و هرکه را تو به او روی آوری برده نیست،خدایا،آنکه به تو راه جوید راهش روشن است،و آنکه به تو پناه جوید در پناه

ص:263

توست،و من به تو پناه آوردم ای خدای من،پس گمانم را از رحمتت ناامید مساز،و از مهربانی ات محروممم مکن، خدایا،در میان هل ولایتت برنشانم،نشاندن آنکه به افزون شدن محبّتت امید بسته،خدایا،شیفتگی به ذکرت را پیوسته به من الهام فرما،و همّتم را در نسیم کامیابی نامهایت و جایگاه قدرست قرار ده.خدایا به حق خودت بر خودت،مرا به جایگاه اهل طاعتت،و جایگاه شایستهٔ بر ساخته از خشنودی ات برسان،زیراکه من نه بر دفعی از خود قدرت دارم،و نه بر نفع خویش مالک هستم.خدایا،من بندهٔ ناتوان گنهکار توام،و مملوک توبه کننده به پیشگاهت، مرا از کسانی که رویت را از آنان برگرداندی قرار مده،و نه از کسانی که غفلتشان از بخششت محرومشان نموده.خدای کمال جدایی از مخلوقات را،برای رسین کامل به خودت به من ارزانی کن،و دیدگان دلهایمان را به پرتو نگاه به سوی خویش روشن کن،تا دیدگان دل پرده های نور را دریده و به سرچشمهٔ عظمت دست یابد،و جانهایمان آویخته به شگوه قدست گردد،خدایا مرا از کسانی قرار ده که آوازشان دادی،پس پاسخت دادند،به آنها توجه فرمودی،پس در برابر بزرگی ات مدهوش شدند،و با آنان راز پنهان گفتی و آنان آشکارا برای تو کار کردند،خدایا بر خوش بینی ام ناامیدی و یأس را چیره نسازم،و امیدم از زیبایی کرمت نبرد.خدایا گر خطاهایم مرا از نظرت انداخته،به خاطر حسن اعتمادم بر تو از من چشم پوشی کن.خدایا،اگر گناهان از جایگاه مکارم لطفت مرا پائین آورده،اما یقین به کرم عنایتت هشیارم نموده.خدایا اگر غفلت از آماده شدن برای دیدارت به خوابم فرو برده،ولی معرفت به نعمتهای کریمانه ات مرا بیدار

ساخته است.خدایا اگر بزگی مجازاتت مرا به سوی آتش فرا خوانده،هرآینه ثواب برجسته ات مرا به سوی بهشت خوانده است، خدایا از تو درخواست می کنم،و به پیشگاهت زاری نموده،و رغبت می ورزم،و از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی، و مرا از کسانی قرار دهی که ذکرت را همواره بر زبان دارند،و پیمانت را نمی شکنند،و از سپاست غافل نمی شوند،و فرمانت را سبک نمی شمارند،خدایا مرا به نور عزّت بسیار زیبایت برسان تا عارف به وجودت گردم،و از غیر تو روی گردان شود،و از تو هراسان و برحذر باشم،ای دارای بزرگی و بزرگواری،و درود خدا و سلام بسیار او بر محمّد فرستاده اش، و بر خاندان پاکش باد.

این راز و نیاز از مناجاتهای جلیل القدر ائمه(ع)بوده،و مشتمل بر مضامین بسیار بلندی است،و هرگاه که حضور قلبی باشد خواندن آن مناسب است.

اعمال خاص ماه شعبان

[اعمال شب اوّل]

شب اوّل:در کتاب«اقبال»نمازهای بسیار ذکر شده،از جمله دوازده رکعت که در هر رکعت سورۀ«حمد» یک مرتبه و سورۀ«قل هو اللّه احد»یازده مرتبه خوانده می شود.

[اعمال روز اوّل]

روز اوّل:روزۀ این روز فضیلت بسیار دارد،از امام صادق علیه السّلام روایت شده:هرکه روز اول شعبان را روزه بگیرد،بی تردید بهشت بر او واجب می شود،و سیّد ابن طاووس از حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله ثواب بسیاری روایت کرده برای کسی که سه روز اوّل این ماه را روزه بدارد،و در شبهای آن،دو رکعت نماز بجای آورد،با این ترتیب که در هر رکعت سورۀ«حمد»یک بار، و سورۀ«قل هو اللّه احد»یازده بار خوانده شود،بدان که در تفسیر امام علیه السّلام[تفسیر امام حسن عسگری]روایتی در فضیلت ماه شعبان و روز اول

آن ذکر شده،که فواید بسیاری در آن درج شده است،و شیخ ما ثقه الاسلام نوری(نورّ اللّه مقرده)آن روایت را ترجمه کرده و در پایان کتاب«کلمهٔ طیّبه»آورده،ولی چون آن روایت طولانی است،و مقام را گنجایش نوشتن تمام آن نیست، خلاصهٔ آن را در اینجا ذکر می کنم:حاصل روایت این که حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام در روز اول شعبان به جماعتی برخورد که در مسجد نشسته بودند،و دربارهٔ قدر و امثال آن گفتگو می کردند تا آنکه لجاجت و جدالشان،و فریاد و صدایشان سخت بلند شد،حضرت ایستاد و بر آنها سلام کرد،پاسخ سلام را دادند،و به احترام حضرت از جای برخاستند و درخواست کردند کنا آنان بنشیند،ایشان توجّهی به دعوت آنان نکردند و در همان حالت ایستاده فرمودند:ای گروهی که سخن می گویید در مسئله ای که سودی نمی رساند،آیا ندانستید که خدای تعالی را بندگانی است،که آنان را از هراس ساکت نموده بی آنکه لال باشند، یا از سخن گفتن عاجز باشند،اینان هرگاه عظمت خدا را به خاطر می آورند،زبانهایشان شکسته و دلهایشهان از جا کنده می شود، و عقولشان از سر می رود،و دچار بهت و حیرت می گردند،این همه به خاطر بلندای عزت و شوکت و بزرگداشت خداست! هرگاه از این حالت به خود آیند با کردارهای پاکیزه به سوی خدا رو می کنند و وجود خود را در شمار ستمکاران و خطاکاران به حساب می آورند،درحالی که از تقصیر و کوتاهی پا کند،اینان برای خدا به کردار اندک راضی نمی شوند،و عمل زیاد را برای او بسیار نمی شمارند،پیوسته به کار شایسته و عمل نیک مشغولند،اینان چنانند که هرگاه به ایشان بنگری،ترسان و هراسان و در بیم و اضطراب به عبادت ایستاده اند،ای گروه تازه کاران شما کجا و ایشان کجا،آیا ندانستید که داناترین مردم به«قدر» ساکت ترین ایشانند در سخن از آن،و نادان ترین مردم به«قدر»سخن گوترین آنانند نسبت به آن،ای تازه کارها امروز غرّهٔ شعبان کریم است[به آغاز پیشانی گویند غره]،پرودگار آن را شعبان نامیده به خاطر انشعاب یافتن و پراکنده شدن خیرات در آن،همانا پروردگار شما در شعبان درهای حسنات را باز کرده،و قصرها و خیراتش را به شما جلوه داد به قیمتی ارزان و کارهایی آسان،پس در مقام خرید برآیید،ابلیس دور از رحمت خدا شاخه های شرور و بلاهای خود را برای شما آراسته و شما پیوسته در گمراهی و سرکشی می کوشید و به شاخه های ابلیس تمسّک می جویید،و از شاخه های خیرات که درهایش برای شما باز شده روی می گردانید،و این غرّهٔ ماه شعبان است،و شاخه های خیراتش عبارت است از:

نماز،روزه،زکات،امر به معروف،نهی از منکر،نیکی به پدر و مادر و خویشان و همسایگان،ایجاد صلح و صفا بین مردم،صدقه دادن به فقرا و مساکین،در چیزی که مسئولیّتش از شما برداشته شده،به خود زحمت و مشقّت می دهید و آن مسأله قضا و قدر است،و خود را در سختی می اندازید در چیزی که از ژرف اندیشی و تحقیق در آن نهی شده اید،و آن کشف اسرار الهی است،که هرکه از آنها تفتیش کند از تباه شدگان است.بدانید که اگر شما بر آنچه پرودگار برای مطیعان از بندگانش در امروز آماده نموده آگاه شوید،هرآینه خود را از آنچه بدان پرداختید[بحث در قضا و قدر]بازخواهید داشت، و در آنچه به آن فرمان دادند وارد خواهید شد.گفتند:یا امیر المؤمنین آنچه را خدا در این روز برای مطیعان خود مهیّا نموده چیست؟حضرت داستان آن لشگری را که رسول خدا صلی اللّه علیه و آله برای جهاد با کافران فرستاده بود،و سپاه دشمن به هنگام شب بر آنها شبیخون زندن نقل کرد و فرمود:شبی تاریک و فرورفته در سیاهی بود،مسلمانان در خواب،و کسی از آنان جز زید بن حارث و عبد اللّه بن رواحه و قتاده بن نعمان و قیس بن عاصم منقری بیدار نبود،هریک از آنان در جانبی از لشگر مشغول نماز و خواندن دعا بود،دشمنان با شبیخون خویش در آن شب تاریخ،مسلمانان را آماج تیرهای خود ساختند و مسلمانان به خاطر سیاهی شب،از دیدن دشمنان عاجز بودند،و راهی برای حفظ خویش نداشتند،به این خاطر نزدیک بود هلاک شوند،ناگهان از دهان این چند نفر انواری درخشید،که اردوگاه را روشن ساخت،و باعث قوّت دل و دلیری مسلمانان شد،پس شمشیر کشیده و همهٔ دشمنان را کشته و زخمی و اسیر نمودند،پس از بازگشت از جهاد داستان خود را برای رسول خدا صلی اللّه علیه و آله نقل کردند،حضرت فرمود:این انوار به خاطر اعمال برادران شما در آغاز ماه شعبان است،پس حضرت یک یک آن اعمال را نقل کردند تا آنکه فرمودند:چون روز اوّل شعبان می رسد،ابلیس سپاه خویش را در اطراف زمین و کرانه های آن پراکنده می کند و به ایشان می گوید:امروز در کشاندن بعضی از بندگان خدا به سوی خود بکوشید،و خدا(عزّ و جلّ)فرشتگان را در اطراف و آفاق زمین پراکنده می کند و به آنان می فرماید:بندگانم را به راستی و درستی نگاه دارید،و آنان را ارشاد کنید،همهٔ بندگانم سعادتمند می شوند،جز آنکه از قبول حق امتناع ورزد و به راه سرکشی رود، که او در شمار حزب ابلیس و سپاهیان او محسوب می شود.چون روز اوّل ماه شعبان شود،خدا(عزّ و جلّ)به باز شدن درهای

بهشت امر می کند،پس باز می شوند،و به درخت طوبی[درختی است در بهشت]فرمان می دهد تا شاخه های خود را دنیا نزدیک کند،آنگاه منادی پروردگار(عزّ و جلّ)ندا سر می دهد:ای بندگان خدا این شاخه های درخت طوبی است، پس به آن درآویزید،که شما را به سوی بهشت برافروزد،و این شاخه های دخت زقّوم است[درختی است از درختان دوزخ که در سورۀ مبارکۀ واقعه از آن یاد شده است]از آن دوری کنید تا شما را به جانب دوزخ نبرد.

رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود:سوگند به آنکه مرا به راستی مبعوث به رسالت نمود،هرکه در این روز دری از خیر و نیکی را فراگیرد،به تحقیق به شاخه ای از شاخه های درخت طوبی در آویخته که او را به سوی بهشت می کشاند،و هرکه در امروز دری از شرّ و بدی را فراگیرد،به یقین به شاخه ای از شاخه های زقّوم درآویخته که او را کشاننده به سوی آتش است،سپس رسول خدا صلی اللّه علیه و آله اعمالی که هریک باعث درآویخته شدن به شاخه ای از شاخه های طوبی است به این صورت بیان فرمودند:امروز هرکس برای خدا نماز مستحبی بجا آورد،و هرکه در این روز روزه بدارد،و هرکه میان زنی با همسرش،یا پدری با فرزندش،یا خویشاوندان،یا زن و شوهر بیگانه ای صلح دهد،و کسی که تخفیف دهد پریشانی را،از طلبی که از او دارد،یا از طلبش از عهدۀ مدیون بکاهد،و کسی که در حساب خود نظر کند،و قرض کهنه ای را بر عهدۀ خود ببیند،که طلبکارش از به دست آوردنش مأیوس شده،پس آن را به صاحبش برگداند،و کسی که یتیمی را سرپرستی نماید،و کسی که سفیهی را از ضربه زدن به آبرو و عرض مؤمنی بازدارد،و کسی که قرآن یا بخشی از آن را بخواند،و کسی که خدا را یاد کند،و نعمتهایش را بر شمارد،و اقدام به شکر نماید،و کسی که از بیماری عیادت کند،و کسی که به پدر و مادر یا یکی از آنها نیکی ورزد،و آنکه پیش از رسیدن روز اوّل شعبان پدر و مادر خویش را به خشم آورده بود و در این روز خشنودشان ساخت،و هرکه جنازه ای را تشییع کند،و هرکه در این روز مصیبت زده ای را تسلّی بخشد،و هرکس در این روز چیزی از ابواب خیر را بجا آورد از آویختگان به درخت طوبی است.سپس رسول خدا(ص)فرمودند:سوگند به آنکه مرا به راستی به رسالت برانگیخت هرکس در این روز دری از شرّ و گناه را فرا گیرد،به تحقیق به شاخه ای از شاخه های درخت زقّوم درآویخته،و آن شاخه کشانندۀ اوست به سوی آتش،آنگاه اعمالی که هریک باعث درآویخته شدن به شاخه ای از شاخه های زقّوم است

را به این صورت بیان فرمودند:سوگند به آنکه مرا به راستی به پیامبری فرستاد،هرکس در این روز نسبت به نماز واجب خود کوتاهی کند،و آن را تباه نماید،و هرکس فقیری درمانده نز او آید،که بدی حالش را می داند،و بدون اینکه ضرری متوجه وی گردد،قدرت بر تغییر حال او را دارد،و کس دیگری هم نیست که به جای او،مشکل فقیر را حل کند،پس فقیر را به حال خود خود واگذارد،و دست او را نگیرد،تا از بین رفته و هلاک گردد،و کسی که خطاکاری از او عذرخواهی کند،پس عذر او را نپذیرد، علاوه بر این بیش از اندازه ای که بدی کرده،او را عقوبت نماید،و کسی که جدایی اندازد میان شوهری با همسرش،یا پدری با فرزندش،یا برادری با برادرش،یا خویشی با خویشش،یا میان دو همسایه،یا میان دو رفیق،یا دو خواهر،و کسی که بر انسان تنگدستی سخت بگیرد،درحالی که تنگدستی او را می داند،پس بر خشم و بلای او بیفزاید،و کسی که مدیون باشد و آن را بر صاحبش انکار کند،و بر او ستم ورزد تا دین او را باطل نماید،و آنکه بر یتیمی جفا کند،و به او آزار رساند،و مال او را تباه کند،و کسی که به آبرو و عرض برادر مؤمنی هجوم برد و مردم را هم بر آن وا دارد،و کسی که آوازه خوانی کند،به صورتی که مردم را در آن آوازه خوانی بر انجام گناه تحریک کند.

و کسی که کارهای زشت و قبیح خود را در جنگها،و انواع ستم خود را بر بندگان خدا بر شمارد،و به آن اعمال افتخار نماید، و کسی که همسایه اش بیمار شده،و به جهت سبک شمردن ش.ن او،از او عیادت نکرده،و آنکه همسایه اش مرده و به خاطر خوار بودن آن مرده در نظرش جنازه اش را تشییع نکرده،و آنکه از تسلیت مصیبت زده اعراض کند،و به وی از روی حقارت و پستی جفا کند،و کسی که عاق کند پدر و مادر خود،یا یکی از آن دو را،و کسی که پیش از شعبان ایشان را عاق کرده بود،و در شعبان ایشان را خشنود نساخت،و حال آنکه قدرت بر آن را داشت و همچنین هرکس کاری از سایر اقسام شهر را انجام دهد،آویخته به شاخه ای از شاخه های زقّوم است،و سوگند به آنکه مرا به راستی به پیامبری برگزید که در آویختگان به شاخه های درخت طوبی با آن شاخه ها به سوی بهشت بلند می شوند.

آنگاه رسول خدا صلی اللّه علیه و آله اندکی نظر خود را به جانب آسمان بلند کرد،و می خندید و مسرور بود،سپس نظر مبارک را به سوی

زمین به زیر انداخت،پس پیشانی مبارک را درهم کشید و روی مبارک عبوس گشت،آنگاه رو به اصحاب خود کرد و فرمود:سوگند به آنکه محمّد را به راستی به پیامبری برگزید به تحقیق دیدم درخت طوبی را که بلند می شد، و بلند می کرد آنان را که به او درآویخته بودند به سوی بهشت،و دیدم از ایشان را که درآویخته بودند به یک شاخه از آن،و بعضی به دو شاخه،یا به چند شاخه،بر حسب پای بندیشان بر طاعات.

و هرآینه زید به حارثه را می بینم که در آویخته به بیشتر شاخه های آن و آن شاخه ها بلند می کنند او را به اعلا علیّین[بالاترین مرتبۀ]بهشت،از این جهت خندیدم و خوشحال شدم،آنگاه به سوی زمین نگاه کردم و سوگند به آنکه مرا به راستی به پیامبری برانگیخت درخت زقّوم را دیدم که به پایین می رفت شاخه های آن،و درآویختگان به خود را به سوی دوزخ پایین می برد.

و دیم گروهی از ایشان را درآویخته به شاخه ای،و گروهی به دو شاخه یا چند شاخه بر حسب پافشاریشان بر گناهان.

و هرآینه بعضی از منافقان را می بینم،که به بیشتر شاخه های آن درآویخته اند،و آن شاخه ها او را به اسفل درکات[پایین ترین مهلکه ها]فرو می برند،از این جهت روی دهم کشیدم،و پیشانی ام گرفت.

[مناسبت و اعمال روز سوّم]

روز سوّم:روز بسیار مبارکی است،شیخ طوسی در کتاب«مصباح»فرموده است:در این روز حضرت حسین بن علی علیهما السّلام متولّد شد،و در چنین روزی توقیع[دست نوشت]شریف به سوی قاسم بن علاء همدانی وکیل حضرت امام حصن عسگری علیه السّلام بیرون آمد که:مولایمان امام حسین علیه السّلام در روز پنجشنبه سوم شعبان متولّد شد،پس آن روز را روزه بگیر،و این دعا را بخوان:

خدایا از تو می خواهم به حق مولود در این روز،که به شهادتش وعده داده شد پیش از برخاستن صدایش و قبل از ولادتش،آسمان و هرکه در آن است،زمین و هر که بر آن است بر او گریست درحالی که هنوز قدم در جهان نگذاشته بود،کشتۀ اشک،

سرور خاندان،مددیافته به یاری،روز بازگشت،پاداش شهادتش اینکه امامان از نسل اویند، و شفا در کام اوست،و پیروزی با اوست درگاه بازگشتش،و جانشینان از خاندانش پس از قیام کننده شان و غیبت او،تا انتقام گیرند و خون خواهی نمایند،و حضرت جبّار را خشنود سازند و بهترین یاران دین حق شوند،درود خدا بر ایشان همگام با رفت و آمد شب و روز.خدایا!به حق آنان به تو توسّل می جویم و از تو درخواست می کنم درخواست گنهکار معترف به گناه و بد کرده به خود با اموری که در امروز دیروزش کوتاهی نموده،از تو تا هنگام رفتن در گورش پناه می خواهد،خدایا!بر محمّد و خاندانش درود فرست،و ما را در جمع او محشور کن،و همراه وی در بهشت و جایگاه ابدی جای ده.خدایا!همچنان که ما را به شناسایی اش گرامی داشتی پس ما را به تقرّب به آن حضرت گرامی دار،و رفاقت و سابقۀ محبّت با او را روزی ما فرما،و ما را از کسانی قرار ده که فرمانش را تسلیم می شوند،و به هنگام بردن نامش صلوات زیاد بر او می فرستند،و هم بر همۀ جانشینان و خاندان برگزیده اش،آن یاری شدگان از سوی تو به عدد دوازده،آن ستارگان درخشانند،و حجّتهای الهی بر تمام بشر،خدایا!ببخش بر ما در این روز بهترین بخشش را،و برآور برای ما هر خواسته ای را،چنان که حسین را به محمّد بخشیدی،و فطرس به گهواره اش پناهنده شد،و ما پناهنده به مزار اوییم پس از شهادتش،بر تربتش حاضر می شویم و بازگشتش را انتظار می کشیم،آمین ای پروردگار جهانیان.

ص:271

بعد از این دعا،می خوانی دعای امام حسین علیه السّلام را،و این آخرین دعای آن حضرت است در روزی که دشمنانش فزونی گرفتند،یعنی روز عاشورا خدایا تو بلندمرتبه و بزرگ جبروتی و در عذاب به سخت گیری، از آفریدگان بی نیازی،کبریایی ات فراگیر است،بر هرچه می خواهی توانایی،رحمتت به بندگان نزدیک است،وعده ات راست، نعمتت کامل،و آزمونت نیکوست،هنگامی که خوانده شوی بسیار نزدیکی،به آنچه آفریدی احاطه داری،برای آنکه توبه کند پذیرای توبه ای،بر هرچه اراده کنی توانایی،و آنچه را بجویی به دست آوری،هرگاه سپاس شوی،سپاس پذیری،و هرگاه یاد شوی یاد کنی،از سر نیاز تو را می خوانم،و با احتیاج به سوی تو میل می کنم،و بیمناک به جانب تو پناه می آورم و غمگین به درگاهت گریه می کنم،و در کمال ناتوانی از تو کمک می خواهم،و برای کفایت امورم بر تو توکّل می نمایم،بین ما و بین قوم ما[به حق]داوری کن که آنان ما را فریفتند،و به ما نیرنگ زدند و از یاری ما دست کشیدند،و با ما بی وفایی نمودند و ما را کشتند،و حال آنکه ما عترت پیامبر تو،و فرزند محبوب تو محمّد بن عبد اللّه هستیم،آنکه او را به رسالت برگزیدی،و بر وحی خود امین قرار دادی،در کار ما گشایش و راه رهایی از مشکل قرار ده،به مهرت ای مهربان ترین مهربانان.

ابن عیاش گفت:از حسین بن علی بن سفیان بزوفری شنیدم،که می گفت:امام صادق علیه السّلام این دعا را،در این روز می خواند و نیز فرمود این دعا از دعاهای روز سوم شعبان،روز ولادت امام حسین علیه السّلام است.

[اعمال شب سیزدهم]

شب سیزدهم:اوّل لیالی بیض[شبهای روشن که عبارتند از شبهای سیزدهم،چهاردهم و پانزدهم]است،و کیفیت نماز شب سیزدهم و دو شب بعد در اعمال ماه رجب[صفحهٔ 238]بیان شد.

[اعمال شب نیمهٔ شعبان]

شب نیمهٔ شعبان:شب بسیار مبارکی است،از امام صادق علیه السّلام روایت شده که از امام باقر علیه السّلام از فضیلت شب نیمهٔ شعبان سؤال شد،ایشان فرمود:این شب پس از شب قدر برترین شبهاست.در این شب خدا فضل خود را بر بندگان سرازیر می کند،و آنان را به بخشش و کرم خویش می آمرزد،پس در تقرّب جستن به سوی خدای تعالی در آن بکوشید،که آن شبی است که خدا به ذات مقدّس خود سوگند یاد کرده،که سائلی را از درگاه خویش با دست خالی بازنگرداند مادام که انجام معصیتی را درخواست نکند،و شب نیمهٔ شعبان شبی است که حق تعالی آن را برای ما قرار داد و در عوض شب قدر که آن را مخصوص پیامبر صلی اللّه علیه و آله فرمود،پس در دعای و ثنا بر خدای تعالی کوشش کنید...،تا آخر خبر.

از جمله برکات این شب مبارک،ولادت با سعادت حضرت سلطان عصر امام زمان(ارواحنا له الفداء)است که در سحر چنین شبی در سال دویست و پنجاه و پنج هجری قمری در سرّمن رأی[سامرای کنونی]واقع شد،و باعث فزونی شرافت این شب مبارک گشت.برای این شب چند عمل دارد است:

[اوّل:غسل کردن]

اوّل:غسل کردن که باعث تخفیف گناهان است.

[دوّم:شب زنده داری به نماز و دعا و استغفار]

دوّم:شب زنده داری به نماز و دعا و استغفار،چنان که امام زین العابدین علیه السّلام انجام می دادند،و در روایت آمده:هرکه این شب را به راز و نیاز و عدابت بپردازد دل او نمیرد در روزی که دلها بمیرند.

[سوّم:زیارت امام حسین علیه السّلام که افضل اعمال این شب است]

سوّم:زیارت امام حسین علیه السّلام که افضل اعمال این شب است و باعث آمرزش گناهان است،و هرکه میل دارد تا ارواح صد و بیست و چهار هزار پیامبر با او دست آشنایی دهند،در این شب امام حسین علیه السّلام را زیارت کند،کم ترین حدّ زیارت آن حضرت ان است که بر بالای بامی برآید و به جانب راست و چپ نظر کند،سپس سر به جانب آسمان برآرد،و با این کلمات حضرت را زیارت کند:

درود بر تو ای ابا عبد اللّه،درود و رحمت و برکات خدا بر تو

و هرکس در هر کجا باشد و در هر زمان آن حضرت را به این شیوه زیارت کند،امید است که پاداش حجّ و عمره برای او نوشته شود.و ما زیارت مخصوص این شب را در باب زیارات به خواست خدا ذکر خواهیم نمود.[صفحه 687]

[چهارم:خواندن این دعا که به منزلۀ زیارت امام زمان(صلوات اللّه علیه)است]

چهارم:خواندن دعایی که شیخ و سیّد نقل کرده اند،و به منزلۀ زیارت امام زمان(صلوات اللّه علیه)است:

ص:273

خدای به حق این شب و مولود در آن،و به حق حجتّت و موعود او،که به فضیلتش فضیلت دیگری را قرین ساختی،پس کامل شد کلمه ات به راستی و عدالت،برای کلماتت دگرگون سازی نیست،و برای آیاتت پس زنده ای نمی باشد، نور درخشانت،و پرتو فروزانت،و نشانۀ روشنت در شب تاریک،آن غایب پوشیده از نظر، که عظیم بوده ولادتش،و شریف است اصل و نسبش،فرشتگان گواه اویند،و خدا یاور و تأیید کننده اش آنگاه که وعدۀ ظهورش در رسد و فرشتگان مددکاران اویند،شمشیر خداست که کند نشود،و نور حق است که خاوش نگردد،و با بردباری است که کاری بی منطق انجام ندهند،مدار روزگار است.[پدرانش]نوامیس عصر،و متولّیان حکومت حق اند،نازل شده بر آنان آنچه در شب قدر نازل می شود،اصحاب حشر و نشرند،و مفسّران وحی خدا،و والیان امر و نهی حق.خدایا ! بر خاتم و قائمشان که پوشیده از عوالم ایشان است درود فرست.خدایا !ما را به درک ایام او و ظهور و قیامش نایل فرما،و از یارانش قرارمان ده،و خوخواهی او قرین کن،و ما را در شمار یاران و دلدادگانش ثبت فرما، و در دولتش شاد و خرّم زنده بدار،و از همنشینی اش بهره مند ساز و برپادارندۀ حقش قرارمان ده،و از بدیها به سلامت بدار،ای مهربانترین مهربانان،و سپاس خدای را پروردگار عالمیان،و درودهای بی پایان خدا بر آقایمان محمّد خاتم پیامبران و رسولان، و بر اهل بیت راستگو و خاندان حق گویش باد،و خدا لعنت فرست بر همۀ ستمکاران،و بین ما و بین آنان داوری کن،ای داورترین داوران.

[پنجم:بخواند این دعا را که از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است...]

پنجم:شیخ از اسماعیل بن فضیل هاشمی روایت کرده که گفت:

ص:274

حضرت صادق علیه السّلام این دعا را به من تعلیم داد که آن را در شب نیمهٔ شعبان بخوانم: خدایا تویی زنده به خود پاینده برتر بزرگ،آفرینندهٔ روزی بخش،زندگی بخش میرانند،آغاز کنندهٔ پدیدآورنده،بزرگی تو راست،برتری تو راست،سپاس از آن توست،نعمت و جود،کرم و فرمان،بزرگواری و شکر تنها تو راست،یگانه ای،شریکی برای تو نیست،ای یگانه ای یکتا،ای مقصود خلق،ای آنکه نزاده و زاد هنشده و برایش همتایی نبوه،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا بیامرز و به من رحمت آر،و نیازهای مهمّ مرا کفایت فرما، بدهکاری ام را ادا کن،روزی ام را وسعت ده،به درستی که تو در این شب هر کار استواری را مقدّر می کنی،و هرکه از خلق خود را بخواهی روزی می دهی،پس مرا روزی ده که تو بهترین روزی دهندگانی،تو گفتی و تو بهترین گوینده و سخنگویی:«از فضل خدا بخواهید»بنابراین از فضلت می خواهم،و تو را قصد کردم و به فرزند پیامبرت اعتماد نمودم،و به تو امید بستم،بر من رحم کن،ای مهربانترین مهربانان.

[ششم:بخواند دعایی را که حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله در این شب میخواندند]

ششم:دعایی را بخواند که حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله در این شب میخواندند خدایا از خشیتت چنان نصیب ما کن،که بین ما و نافرمانی تو حایل شود،و از طاعتت آنچه که ما را به خشنودی ات برساند،و از یقین به قدری که گرفتاریهای دنیا را بر ما آسان سازد،خدایا مار را به گوشهایمان و دیدگانمان و نیروهایمان تا گاهی که ما را زنده می داری بهره مند گردان،و آن را وارث ما قرار بده،و انتقام ما را بر عهدهٔ کسی قرار ده که بر ما ستم روا داشته،و ما را بر کسی که با ما دشمنی ورزیده یاری ده،و مصیبت ما را در دین

ص:275

ما قرار نده،و دنیا را بزرگ ترین اندیشه و نهایت دانش ما قرار مده،و آن را که به ما رحم نمی کند بر ما چیره مکن، به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.این دعا دعای جامع و کاملی است که خواندن آن در اوقات دیگر هم،مغتنم است،و از کتاب«غوالی اللئالی»چنین روایت شده که حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله همواره این دعا را می خواندند.

[هفتم:بخواند صلوات هر روز را که هنگام زوال[هنگام ظهر شرعی]می خواند]

هفتم:بخواند صلوات هر روز را که هنگام زوال[هنگام ظهر شرعی]می خواند:اللّهم صلّ علی محمّد و آل محمّد شجره النّبوّه و موضع الرّساله...»

[هشتم:دعای کمیل را بخواند]

هشتم:دعای کمیل را بخواند که ورودش در این شب است،و به طور کامل در باب اوّل گذشت.

[نهم:این اذکار را هر کدام صد مرتبه بگوید...]

نهم:هر یک از ذکرهای«سبحان اللّه»و«الحمد للّه»و«اللّه اکبر»و«لا اله الاّ اللّه»را صد مرتبه بگوید،تا خدای تعالی همهٔ گناهان گذشتهٔ او را بیامرزد،و حاجتهای دنیا و آخرت او را برآورد.

[دهم:این نماز را که از حضرت صادق علیه السلام روایت شده بخواند...]

دهم:شیخ طوسی در کتاب (مصباح)از ابو یحیی در ضمن خبری در فضیلت شب نیمهٔ شعبان روایت کرده است که گفت:به مولای خود امام صادق علیه السّلام گفتم:بهترین دعاها در این شب کدام است؟فرمود:هرگاه نماز عشا را بجا آوردی،دو رکعت نماز به این ترتیب بخوان در رکعت اول سورهٔ«حمد»و سورهٔ«کافرون»و در رکعت دوم سورهٔ«حمد»و سورهٔ«توحید»و چون سلام دادی،بگو:«سبحان اللّه»سی و سه مرتبه،و«الحمد للّه»سی و سه مرتبه و«اللّه اکبر» سی و چهار مرتبه،سپس بگو: ای آنکه پناه بندگان در سختیها به سوی اوست،و بندگان در رخدادهای ناگوار به سوی او پناه می برند،ای دانای آشکار و نهان،ای آنکه خیالات وهم و فکر،و آنچه را اوهام در نظر می آورد بر او پنهان نمی ماند،ای پروردگار خلایق و آفریده ها،ای آنکه ملکوت زمینها و آسمانها به دست اوست،تویی خدا،معبودی جز تو نیست،به اینکه معبودی جز تو نیست توسّل می جویم،پس ای آنکه معبودی جز تو نیست،مرا در این شب از

کسانی قرار ده که به ایشان نظر کردی و به آنان رحم نمودی،و دعایشان را شنیدی پس اجابت کردی

ص:276

و درخواست گذشت از گناهشان را دانستی،پس ایشان را آمرزیدی،و از خطای گذشته و گناه بزرگشان درگذشتی،به تحقیق از گناهانم به تو پناه آوردم،و برای پرده پوشی عیبهایم به تو پناهنده شدم،خدایا !با کرم و فضلت بر من ببخش،و به بردباری و گذشت خطاهایم را بریز،و مرا در این ب با کرامت کاملت فرو پوشان،و از اولیایت که برای طاعتت برگزیدی،و برای عبادتت اختیار کردی و خالص و برگزیده درگاهت نمودی قرار ده.خدایا !مرا از کسانی که کوشش شان قرین سعادت شد،و بهره شان از خیرات کامل گشت قرار ده،و نیز مرا از کسانی قرار ده که سلامت یافتند و نعمت پذیر و رستگار گشته پس بهره بردند،و مرا از گزند آنچه پشت سر گذاردم کفایت فرما،و از زیاده روی در معصیتت نگاه دار،طاعتت و هر آنچه مرا به تو نزدیک می سازد و مقرّب درگاهت می نماید محبوب من قرار ده، سرورم هر فراری به تو پناه می آورد،و هر جوینده به تو التماس می کند،و هر عذرخواه توبه کار بر کرم تو تکیه می زند،بندگانت را با احترام گذاردن به آنان ادب کردی و تو کریم ترین کریمانی،و بندگانت را دستور به گذشت دادی و تویی آمرزندۀ مهربان.خدایا !مرا نسبت به آنچه از کرمت امیدوارم بی بهره مکن،و از نعمتهای کاملت ناامید مساز،و از بهرۀ فراوانت که در این شب برای اهل طاعتت مقرّر نموده ای بی نصیب مکن،و مرا از شرار مخلوقاتت در سپر استواری قرار ده،پرودگارا هرچند سزاوار آن همه عنایت نباشم،ولی تو اهل کرم و گذشت آمرزشی،بر من چنان که شایستۀ آنی مرحمت فرما،نه چنان که سزاوار آنم،زیرا گمانم به تو نیکو است،و امیدم

تو برجا،و به کرمت آویخته ام،پس تو مهربان ترین مهربانانی،و کریم ترین کریمانی،خدایا! خاص گردان مرا از روی کرمت به فراوانی روزی،و پناه می آورم به عفوت از عقابت،و بیامرز بر من گناهی را که زشت خویی آورد،و روزی را بر من تنگ می کند،تا به خشنودی درخورت بپا خیزم،و به فراوانی عطایت متنعم شوم،و به نعمتهای کاملت خوشبخت گردم،هرآینه به آستانت پناه آوردم،و متعرّض کرمت شدم،و به عفوت از مجازاتت،و به بردباری ات از خشمت پناه بردم،پس ببخش مرا آنچه که از تو درخواست نمودم،و به به من برسان آنچه را از تو خواهش کردم،از تو می خواهم به حق خودت نه به چیزی که بزرگتر از تو باشد که چیزی بزرگتر از تو نیست.آنگاه به سجده می روی و می گویی:

پرودگارا«یا ربّ»بیست مرتبه،خدایا«یا اللّه»هفت مرتبه،جنبش و نیرویی جز به خدا نیست هفت مرتبه،خواست خواست خدا است ده مرتبه،نیرویی جز به خدا نیست ده مرتبه،پس صلوات می فرستی بر پیامبر و آل او علیهم السّلام.

و از خدا حاجت خود را می خواهی،پس سوگند به خدا که اگر در پی این عمل،به عدد قطرات باران حاجت بخواهی هرآینه خدا(عزّ و جل)به کرم فراگیر و فضل بزرگش،آن حاجت را به تو می رساند.

[یازدهم:این دعا را بخواند...]

یازدهم:شیخ طوسی و کفعمی فرموده اند که در این شب این دعا را بخواند:

الهی در این شب روی آوردند به سوی تو روی آورندگان،و قصد تو نمودند قصدکنندگان،و فضل و احسانت را آرزو کردند جویندگان،از جانب تو در این شب نسیمهای رحمت و هدایا و عطاها و مواهبی است که به هرکس از بندگانت بخواهی تفضّل می کنی،و از هرکس که پیشینه عنایتت شامل حال او نگشته باز می داری،هم اینک من این بنده

کوچک تو،نیازمند به تو،احسان و نیکی ات را آرزومندم،چنانچه ای مولای من در جایگاهی که در این شب بر یکی از بندگانت احسان نمودی،و بر او جایزه ای عطا کردی،پس بر محمّد و خاندان محمّد که پاکان و پاکیزگان و نیکوکاران و برتریند درود فرست،و از نعمت و نیکی ات بر من ببخش ای پروردگار جهانیان،و درود خدا و سلام بسیار بر محمّد خاتم پیامبران و خاندان پاکش باد،به درستی که خدا ستوده و بزرگوار است.خدایا !تو را می خوانم آن چنان که فرمان دادی،پس دعایم را به اجابت برسان همان طورکه وعده فرمودی،که تو هرگز از وعدۀ خویش تخلّف نکنی.و این دعایی است که در سحرها در پی نماز شفع خوانده می شود.

[دوازدهم:بعد از هر دو رکعت از نماز شب و شفع،و بعد از دعاهای وتر این دعاها را بخواند...]

دوازدهم:بعد از هر دو رکعت از نماز شب و شفع،و بعد از دعاهای وتر دعایی را که شیخ طوسی و سیّد ابن طاووس روایت کرده اند بخواند.

[سیزدهم:سجده ها و دعاهایی را که از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله روایت شده بجا آورد]

سیزدهم:سجده ها و دعاهایی را که از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله روایت شده بجا آورد از جمله روایتی است که شیخ از حمّاد بن عیسی از ابان بن تغلب روایت کرده که گفت،امام صادق علیه السّلام فرمودند:شب نیمۀ شعبانی فرا رسید،رسول خدا در آن شب در منزل عایشه بود،چون شب به نیمه رسید از بستر خود برای عبادت برخاست،هنگامی که عایشه بیدار شد،دریافت که پیامبر از خوابگاه خویش بیرون رفته،وی را همچون اغلب زنان وسوسه گرفت،گمان کرد آن حضرت نزد همسر دیگری از همسرانش رفته،از جا برخاست و چادرش را بر خود پیچید و سوگند به خدا که چادر او از ابریشم و کتان نبود،تارش از مو،و پودش از کرک شتر مایه داشت،حجره به حجره در حجره های زنان رسول خدا جستجو می کرد،در این میان که در جستجوی آن حضرت بود،ناگهان نگاهش به رسول خدا افتاد که مانند جامه ای بر زمین چسبیده در حال سجده است،به نزدیک آن حضرت رفت،شنید در سجده اش چنین می گوید:

همۀ هستی و اندیشه ام برایت سجده کرد،و دلم به تو ایمان آورد،این است دستانم و آنچه بر خود جنایت کردم

ای بزرگی که برای هر کار بزرگی به او امید است،از من گناه بزرگ را بیامرز،زیرا گناه بزرگ را جز پروردگار بزرگ نمی آورزد.

سپس سر مبارک خویش را از سجده برداشت،و دوباره به سجده برگشت،عایشه شنید که آن حضرت می گوید:

پناه می آورم به نور جلوه ات که آسمانها و زمینها بر آن روشن شد،و تاریکیها با آن برطرف گشت، و با ان کار گذشتگان و آیندگان اصلاح شد،از فرا رسیدن عذاب نابهنگامت و از دگرگونی عافیتت،و از زایل شدن نعمتت.خدایا!دل با تقوا و صفا یافته،و بیزار از شرک،نه کافر و بدبخت روزی من گردان.

سپس دو طرف روی خود را بر خاک نهاد و گفت:روی خویش را به خاک ساییدم،و مرا سراست که تو را سجده کنم.آنگاه که روس خدا صلی اللّه علیه و آله خواست به اطاق برگردد،عایشه با شتاب به جانب بستر خویش رفت،و هنگامی که رسول خدا صلی اللّه علیه و آله به خوابگاه خویش آمد،شنید که عایشه بلند نفس می زند،فرمود:این بلند نفس زدن چیست؟آیا ندانستی که امشب چه شبی است؟این شب نیمۀ شعبان است که در آن روزیها قسمت می شود،و زمان مرگ اشخاص ثبت می گردد،و نام کسانی که باید به حج بروند نوشته می شود،به درستی که خدای تعالی آمرزد از میان خلق خود بیش از عدد موهای بزهای قبیله کلب را،و در این شب خدای تعالی فرشتگان را از عالم بالا به سوی مکه در زمین می فرستد.

[چهاردهم:نماز جناب جعفر طیّار را بجا آورد]

چهاردهم:نماز جناب جعفر طیّار را بجا آورد،چنان که شیخ از امام رضا علیه السّلام روایت کرده.

[پانزدهم:نمازهای این شب را بجا آورد که بسیار است]

پانزدهم:نمازهای این شب را بجا آورد که بسیار است،از جمله نمازی است که ابو یحیی صنعانی از امام باقر و امام صادق علیه السّلام روایت کرده،و همچنین سی نفر از کسانی که مورد اطمینان و اعتماد هستند از آن دو بزرگوار روایت کرده اند که هرگاه شب نیمۀ شعبان فرا رسید چهار رکعت

نماز بجا آور به این ترتیب که در هر رکعت سورهٔ«حمد»و پس از آن صد مرتبه سورهٔ«توحید»را بخوان.و چون فارغ شدی بگو:

ص:280

خدایا !نیازمند به توام،و از عذابت بیمناک و به تو پناهنده ام،خدایا !نامم را از گروه بندگان به گروهی دیگر تبدیل مکن، جسمم را تغیر مده،آزمونم را سخت مکن،دشمن شادم مساز،پناه می آورم به عفوت از مجازاتت،و به رحمتت از عذابت،و به خشنویت از خشمت،و به تو از تو،ثنایت بس بزرگ است، تو چنانی که خود بر خویش ثنا کردی و برتر از آنچه گویندگان گویند.

و بدان که برای خواندن صد رکعت نماز در این شب به این ترتیب که در هر رکعت سورۀ«حمد»یک مرتبه و سورۀ «توحید»ده مرتبه خوانده شود،فضیلت بسیار وارد شده،و در اعمال ماه رجب دستور العمل شش رکعت نماز در این شب با سوره های«حمد»و«تبارک»و«یس»و«توحید»گذشت.

[اعمال روز نیمه شعبان]

روز نیمه شعبان:روز ولادت شریف امام دوازدهم مولانا و امامنا المهدی حضرت حجّه بن الحسن صاحب الزّمان(صلوات اللّه علیه و علی آبائه)است.«و زیارت آن حضرت در هر زمان و مکان و دعا برای تعجیل فرج آن حضرت به هنگام زیارتش مستحبّ است،و زیارت آن حضرت در سراب شهر سامّراء تاکید بیشتری دارد،و اوست که ظهور و فرمانروایی اش یقینی است،و اوست که زمین را پر از عدل و داد می کند،چنان که از ستم و بیداد پر شده است.»

[اعمال سایر روزهای این ماه]

اعمال سایر روزهای این ماه:از حضرت رضا علیه السّلام روایت شده:هرکه سه روز آخر ماه شعبان را روزه بدارد و آن را به ماه مبارک رمضان پیوند دهد حق تعلی ثواب روزۀ دو ماه پی درپی را برای او بنویسد.ابو الصّلت هروی روایت کرده:در جمعۀ آخر ماه شعبان خدمت حضرت رضا علیه السّلام رسیدم،حضرت فرمود،ای ابو الصّلت بیشتر ماه شعبان گذشت،و این روز جمعه آخر آن است.پس تدارک و تلافی کن در انجام آنچه از این ماه باقی مانده و کوتاهیهایی که در گذشتۀ این ماه کرده ای،و بر تو باد بر آنچه برای تو سودمند است روی آوری و بسیار دعا و استغفار کرده و قرآن تلاوت کند،و از گناهان خود به سوی خدا توبه کن،تا وقتی ماه مبارک فرا رسد،خود را برای خدا خالص کرده باشی،و امانت و حق کسی را،

بر عهدهٔ خود مگذار مگر آنکه ادا کنی،و در دل خویش کینهٔ کسی را وامگذار مگر آنکه بیرون کنی،و گناهی را مگذار جز آنکه ترک کنی و از خدا بترس،و در امور پنهان و آشکار خود،بر او توکّل کن،که هرکس بر خدا توکّل کند،خدا او را بس است،و در باقیماندهٔ ماه این دعا را بسیار بخوان:

خدایا اگر در آنچه از ماه شعبان گذشت ما را نیامرزیدی،پس در آن مقدار که از آن باقی مانده است ما را بیامرز.

به درستی که حق تعالی در این ماه،بنده های بسیاری را به خاطر حرمت ماه مبارک رمضان،از آتش دوزخ برهاند.شیخ طوسی از حارث بن مغیره نضری روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام در شب آخر ماه شعبان،و شب اوّل ماه رمضان چنین می خواند:

خدایا این ماه مبارک که قرآن در آن نازل گشته،و هدایت برای مردم،و دلایل روشنی از هدایت و تمیز میان حق و باطل قرار داده شده است،فرا رسید،پس ما را در آن به سلامت بدار و آن را برایمان سالم نگهدار،و از سوی خویش در حال آسانی و سلامت کامل از ما تحویل بگیرش،ای آنکه اندک را بپذیرد،و بسیار را قدر نهد،از من اندک را بپذیر.خدایا از تو درخواست می کنم برای من به سوی هر خیری راهی،و از هرچه نمی پسندی مانعی قرار دهی،ای مهربان ترین مهربانان،ای آنکه از من درگذشت و از آنچه از زشتیها در پنهان انجام دادم چشم پوشی کرد،ای آنکه مرا به سبب ارتکاب گناهان سرزنش ننمود،عفوت،عفوت عفوت را خواهم،ای کریم.خدایا پندم فرمودی،پندپذیر نشدم،و از حرامهایت بازم داشتی،باز نایستادم،پس مرا چه عذری است،از من درگذر ای کریم،عفوت،عفوت را خواهم،خدایا !آسودگی به گاه مرگ و عفو هنگام حساب را از تو می خواهم،گناه از بنده ات بزرگ شده،پس شایسته است گذشت از جانب تو نیکو باشد،ای پروا پذیر،

و شایستۀ آمرزش،عفوت،عفوت را خواهم،خدایا !من بندۀ تو،فرزند بندۀ تو،فرزند کنیز توام،ناتوانم به رحمتت نیازمندم،تو فرود آورندۀ دارایی و برکت بر بندگانت هستی،چیره و توانایی،کارهای بندگان را شمرده ای،و روزی شان را قسمت کرده ای،و زبانها و رنگهایشان را مختلف قرار دادی،آفرینشی از پس آفرینش دیگر،بندگان کرانه های دانشت را نمی دانند،و جایگاهت را اندازه ندارند،و همۀ ما نیازمند به رحمت توییم، روی از من برمتاب،و مرا در عمل و آرزو و قضا و قدر از شایستگان بندگانت قرار ده.خدایا مرا باقی بدار به بهترین بقاء،و بمیران به بهترین مرگ،بر پایۀ دوستی دوستانت،و دشمنی با دشمنانت،و میل به سویت،و ترس از حضرتت،و خشوع و وفا و تسلیم در آستانت،و تصدیق به کتابت،و پیروی از روش پیامبرت.خدایا آنچه در دلم می باشد از شک یا تردید یا انگار یا ناامیدی یا خوشی هواپرستانه یا کبر یا سرکشی یا خودبینی یا ریا یا میل به شهرت یا نفاق افکنی یا دورویی یا کفر یا نافرمانی یا گناه یا فخرفروشی یا هرچه که نزد تو ناخوشایند است،پس از تو درخواست می کنم ای پروردگارم که آنها را تبدیل کنی به ایمان به وعده ات و وفای به پیمانت و خشنودی به قضایت و پارسایی در دنیا و رغبت به آنچه نزد توست،و انتخاب نیکو و آرامش و توبۀ خالص،همۀ اینها را از تو درخواست می کنم ای پروردگار جهانیان،بار خدایا از روی بردباری ات نافرمانی شوی،و به خاطر کرم و بخشندگی ات اطاعت گردی چنان که گویا نافرمانی نشدی،و من و هر که نافرمانی ات

نکردند،ساکنان زمین توییم،بر ما با فضل بخشنده باش،و با خیر بهره رسان،ای مهربان ترین مهربانان، و درود خدا بر محمّد و خاندانش باد،درودی همواره که به شمار و عدد در نیاید،و قدرش را جز تو نداند،ای مهربان ترین مهربانان.

فصل سوّم:در فضیلت و اعمال ماه مبارک رمضان

[فضیلت ماه مبارک رمضان]

شیخ صدوق به سند معتبر،از حضرت رضا علیه السّلام از پدران بزرگوارش،از حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام روایت کرده که:روزی رسول خدا صلّی اللّه و علیه و آله برای ما خطبه ای خواند و در آن خطبه فرمود:ای مردم ماه خدا با برکت و رحمت و آمرزش به سوی شما روی آورده، ماهی که نزد خدا بهترین ماهها،و روزهایش بهترین روزها،و شبهایش بهترین شبها و ساعاتش بهترین ساعتهاست،و آن ماهی است که شما را در آن به سوی میهمانی خدا خوانده اند،و در آن از اهل کرامت خدا شده اید،نفسهای شما در آن ماه پاداش تسبیح،و خواب شما ثواب عبادت،و اعمال شما پذیرفته،و دعاهای شما مستجاب است،از پروردگار خویش با نیّتهای صادقانه و دلهای پاکیزه از گناهان و صفات ناپسند درخواست کنید که به شما برای روزه داشتن در آن و تلاوت قرآن توفیق دهد، همانا بدبخت و بدعاقبت کسی است که در این ماه بزرگ از آمرزش خدا محروم شود.و به گرسنگی و تشنگی در این ماه،تشنگی و گرسنگی روز قیامت را به یاد آرید،به تهیدستان و از کارافتادگان صدقه دهید،پیران خود را تعظیم و به کودکان مهربانی روا دارید،خویشان خود را نوازش کنید و زبانهای خود را از آنچه نباید گفت بازدارید و دیده های خویش را از آنچه نگاه به آن روا نیست فرو پوشید، و گوشهای خود را از انچه شنیدنش بر شما سزاوار نیست بازدارید،با یتیمان مهربانی کنید،تا بعد از شما با یتیمان شما مهربانی کنند.

از گناهان خود به سوی خدا توبه کنید،دستهای خود را در اوقات نماز به دعا بردارید،زیرا وقت نماز بهترین ساعتهاست،حق تعالی در این اوقات به سوی بندگانش به رحمت نظر می کند،به آنان پاسخ می دهد هرگاه او را بخوانند و لبیک می گوید،هرگاه او را ندا دهند اجابت می نماید هرگاه او را بخوانند.ای مردم همانا وجود شما در گرو کرده های شماست پس آن را با آمرزش خواهی از خدا از گرو رها سازید.و پشت شما از گناهان گرانبار

است،پس آن را به طولانی ساختن سجده ها سبک کنید،و بدانید حق تعالی به عزّت و جلال خود سوگند یاد کرده،که نمازگزاران و سجده کنندگان در این ماه را عذاب ننماید،و آنان

را در قیامت به آتش دوزخ نترساند.ای مردم هرکه از شما روزه دار مؤمنی را در این ماه افطار دهد،برای او نزد خدا ثواب آزاد کردن بنده و آمرزش گناهان پیشین خواهد بود.بعضی از اصحاب گفتند:یا رسول اللّه همهٔ ما توانایی افطار دادن نداریم،فرمود:از آتش دوزخ بپرهیزید به افطار دادن روزه داران،گرچه به نصف دانهٔ خرما،یا به یک جرعه آب باشد،همانا خدا به هرکه به همین مقدار افطاری دهد،این پاداش را میدهد،حتی اگر توانایی بیشتر از این را نداشته باشد!!ای مردم هرکه اخلاق خود را در این ماه نیکو کند،آسان و راحت بر صراط بگذرد روزی که قدمها بر ان بلغزد،و هرکه در این ماه بر به کار گرفتن غلام و کنیز خویش آسان گیرد،خدا در قیامت حساب او را آسان کند، و هرکه در این ماه شرّ خود را از مردم بازدارد،حق تعالی خشم خویش را در قیامت از او بازدارد و هرکه در این ماه یتیم بی پدری را نوازش کند،خدا در قیامت او را گرامی دارد و هرکه در این ماه به خویشان خود صله و احسان کند،خدا در قیامت او را به مهر خود پیوند دهد،و هرکه از خویشان خود احسان را قطع کند،خدا در قیامت رحمت خود را از او بردارد،و هرکه در این ماه نماز مستحب بجا آورد،خدا برای او برات بیزاری از آتش دوزخ ثبت کند.و هرکه در این ماه نماز واجبی را ادا کند،خدا به او پاداش هفتاد نماز واجب را که در ماههای دیگر خوانده شود عطا نماید،و هرکه در این ماه صلوات بسیار بر من فرستد،خدا ترازوی عمل او را سنگین گرداند،در روزی که ترازوهای عمل سبک باشند و هرکه در این ماه یک آیه از قرآن بخواند،پاداش کسی را دارد که در ماههای دیگر ختم قرآن کرده باشد.ای مردم به یقین درهای بهشت در این ماه باز است،از خدا بخواهید که به روی شما نبندد،درهای دوزخ در این ماه بسته است،از خدا درخواست نمایید که به روی شما نگشاید،و شیاطین را در این ماه به زنجیر کشیده اند از خدا بخواهید که آنان را بر شما چیره نسازد تا آخر خبر شیخ صدوق روایت کرده چون ماه رمضان میرسید رسول خدا صلّی اللّه و علیه و آله هر اسیری را آزاد میکرد و به هر خواهنده ای عطا میفرمود.مؤلّف گوید:ماه رمضان ماه خدای جهانیان و شریفترین ماههاست ماهی که درهای آسمان و درهای بهشت و رحمت باز می شود،و درهای دوزخ بسته می شود،در این ماه شبی است که عبادت در آن از عبادت هزار ماه بهتر است،پس درنگ کن که در شب و روز خود چگونه خواهی بود،و چگونه اعضا و جوارح خویش را از نافرمانی پروردگار حفظ می کنی؟مبادا شبها خواب باشی،و روزها از یاد خدا غافل، همانا در روایت است،که در پایان هر روز از روزهای ماه مرضان خدا در وقت افطار،هزار هزار نفر را از آتش دوزخ آزاد می کند،و چون شب جمعه و روز جمعه شود،در هر ساعتی هزار هزار نفر را از آتش دوزخ می رهاند،که هریک

مستوجب عذاب بوده باشند،و در شب و روز آخر ماه،به تعداد آنچه در تمام ماه رها ساخته آزاد می کند،پس ای عزیز مبادا که ماه رمضان بگذرد،و گناهانت بر عهده ات باقی مانده باشد،

ص:285

و در وقتی که روزه داران پاداش خود را بگیرند تو از جملهٔ محرومان و زیانکاران باشی،و به سوی خدای تبارک و تعالی تقرّب جوی به تلاوت قرآن در شبها و روزهای این ماه،و به خواندن نماز،و کوشش در عبادت و خواندن نمازها در اوقات فضیلت،و کثرت استغفار و دعا.

از امام صادق(درود بر او)روایت شده است:هرکه در ماه رمضان مورد مغفرت قرار نگیرد،تا سال آینده قرار نمی گیرد،مگر آنکه برای آمرزیده شدن در عرفه حاضر شود.

و خود را از آنچه خدا حرام کرده و از افطار دادن به چیزهای حرام،حفظ کن و به گونه ای رفتار کن که مولای ما حضرت صادق علیه السّلام وصیت فرموده که:هرگاه روزه هستی باید گوش و چشم و پوست و همهٔ اعضای تو روزه باشند،یعنی از انجام محرّمات بلکه مکروهات دوری کنند و نیر فرمود:گاه روزهٔ تو نباید همانند روز افطار تو باشد،و همچنین فرمود:روزه به همین خودداری از خوردن و آشامیدن تنهاست،بلکه باید در هنگام روزه،زبان خود را از دروغ نگاه دارید،و دیده های خود را از حرام بپوشانید و با یکدیگر نزاع نکنید،و بر هم حسد نورزید،و غیبت و گفتگوی بی منطق ننمایید،و سوگند دروغ بلکه حتی سوگند راست به زبان نیاورید،و دشنام و ناسزا ندهید،و بی خردی نورزید،و دلتنگ نشوید،و از یاد خدا و نماز غفلت نکنید،و از آنچه نباید گفت خاموش باشید،شکیبا باشید، و سخن به راستی گویید،از اهل شرّ دوری کنید،و از گفتار بد و دروغ و افترا و خصومت با مردم و گمان بد بردن و غیبت و سخن چینی اجتناب کنید و خود را در آستانه آخرت بدانید،و در انتظار فرج و ظهور قائم آب محمّد علیهم السّلام باشید و ثوابهای آخرت را آرزو نمایید،و برای سفر آخرت،اعمال شایسته را توشه برگیرید و بر شما باد به آرامش دل و آرامی تن و خضوع و خشوع و شکستگی و فروتنی،مانند برده ای که از مولای خویش بترسد،و از عذاب خدا هراسان باشید،و به رحمتش امیدوار،و ای روزه دار باید که دلت از عیبها و باطنت از حیله ها و مکرها پاک باشد،و تنت پاکیزه از آلودگیها و از آنچه غیر خداست به سوی خدا بیزاری جو،و ولایت و دوستی خویش را به گاه روزه برای خدا خالص گردان،و از بیان آنچه حق تعالی تو را از آن در آشکار و نهان نهی کرده خاموش باش.

و در ایام روزه روح و بدن خویش را به خدای(عزّ و جلّ)ببخش،و دل خویش را برای محبت و یاد او فارغ گردان،و بدن خود را در آنچه خدا تو را

به آن امر کرده و فرا خوانده بکار گیر،اگر چنین کنی،آنچه شایستۀ روزه است انجام داده ای،و فرمان خدا را اطاعت

ص:286

کرده ای،و از آنچه بیان شد آنچه را کم بگذاری،به اندازۀ آن از فضل و ثواب روزه تو کم می شود،به درستی که پدرم گفت:

رسول خدا صلّی اللّه و علیه و آله شنید زنی هنگام روزه،کنیز خویش را دشنام داد،حضرت طعامی خواست و به آن زن گفت:میل کن،عرضه داشت:روزه هستم،فرمود:چگونه روزه ای که کنیز خود را دشنام دادی! روزه تنها ترک خوردن و آشامیدن نیست، همانا حق تعالی روزه را حجابی از انجام کارهای ناشایست،و کردارهای بد،و گفتارهای ناپسند قرار داده،چه بسیارند روزه داران،و چه بسیارند آنان که تحمّل گرسنگی می کنند.حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود:چه بسیار روزه داری که او را از روزه جز تشنگی و گرسنگی بهره ای نیست،و چه بسیار عبادت کننده ای که او را از عبادت سودی جز رنج و زحمت نیست!!ای خوشا خواب زیرکان که بهتر از بیداری و عبادت احمقان می باشد،و خوشا افطار زیرکان که بهتر از روزه داشتن بی خردان است!!

از جابر بن یزید از امام باقر علیه السّلام روایت شده که حضرت رسول صلّی اللّه و علیه و آله به جابر بن عبد اللّه فرمود:ای جابر این ماه ماه رمضان است،هرکه روزه بدارد روزش را،و به عبادت بایستد بخشی از شبش را،و شکم و شهوت خویش را از حرام باز دارد،و زبانش را حفظ کند،از گناهانش همچون بیرون رفتن از ماه رمضان بیرون رود...جابر گوید:گفتم:یا رسول اللّه چه نیکوست این حدیثی که فرمودی؟حضرت فرمود:ای جابر چه دشوار است این شرطهایی که گفتم؟!به هر صورت،اعمال این ماه شریف در دو مطلب و یک خاتمه ذکر می شود:

مطلب اول:اعمال مشترک ماه مبارک رمضان

اشاره

و آن بر چهار بخش است

بخش اوّل:اعمالی که در هر شب و هر روز این ماه بجا آورده شود

اشاره

.

[در ماه رمضان از اوّل آن تا آخر آن پس از هر فریضه بخوان...]

سیّد ابن طاووس از امام صادق و موسی بن جعفر علیهم السّلام روایت کرده که فرمودند:در ماه رمضان از اوّل آن تا آخر آن پس از هر فریضه بخوان:

خدایا زیارت خانۀ محرّمت را در امسال و در هر سال نصیبم کن،تا زمانی که زنده ام داری در آسانی تندرستی و گشادگی روزی،و محرومم نکن مرا از آن اماکن گرامی،و مشاهد شریف خیز

ص:287

و زیارت قبر پیامبرت که درود تو بر او و بر خاندانش باد،و در تمام حاجات دنیا و آخرت یاور من باش خدایا از تو درخواست می کنم در آنچه که حکم می کنی و مقدّر می نمایی،از فرمان حتمی در شب قدر،از حکمی که برگشت داده نمی شود، و به حکم دیگر تبدیل نمی گردد،اینکه مرا در شمار زائران خانۀ محترمت بنویسی،آن زائرانی که پاک و خالصانه است زیارتشان و پذیرفته است تلاششان و آمرزیده است گناهشان،و نابود شده است بدیهایشان،و قرار ده در آنچه حکم می کنی،و مقدّر می نمای اینکه عمرم را طولانی سازی و روزی ام را فراوان کنی،و امانت و قرضم را ادا نمایی،دعایم را اجابت کن ای پروردگار جهانیان

[پس از نمازهای واجب بخوان(یا علی یا عظیم)...]

و پس از نمازهای واجب بخوان: ای بلندمرتبه،ای بزرگ،ای آمرزنده،ای مهربان،تویی پروردگار بزرگی که چیزی همانندش نیست،و اوست شنوای بینا،و این ماهی است که به آن عظمت و کرامت و شرافت بخشیدی و بر سایر ماهها برتری دادی،و ماهی است که روزه اش را بر ما واجب نمودی،و آن ماه مرضان است که قرآن را در آن فرود آوردی،برای هدایت مردم و بیان دلایل روشن از هدایت و تمیز حق از باطل،و شب قدر را در آن قرار دادی،و آن را از هزار ماه بهتر ساختی،ای صاحب منت که بر تو منّتی گذاشته نشود،بر من به آزادی از آتش منّت نه،در جمع آنان که بر آنها منّت نهی،و وارد بهشتم گردان ای مربان ترین مهربانان.

[این دعا را پس از هر نماز واجب بخواند حق تعالی گناهان او را تا روز قیامت بیامرزد(اللهم ادخل علی اهل القبور السرور)...]

شیخ کفعمی در«مصباح»و«بلد الامین»و شیخ شهید در مجموعۀ خود از حضرت رسول صلّی اللّه و علیه و آله روایت کرده اند که آن حضرت فرمود:هرکه این دعا را در ماه رمضان،پس از هر نماز واجب بخواند،حق تعالی گناهان او را تا روز قیامت بیامرزد.و آن دعا این است:

خدایا دل اهل قبور را شاد کن،خدایا هر تهیدستی را بی نیاز کن،خدایا هر گرسنه ای را سیر کن، خدایا هر برهنه ای را بپوشان،خدایا قرض هر بدهکاری را ادا کن.خدایا غم هر غمزده ای را برطرف کن، خدایا هر غریبی را به وطن بازگردان،خدایا هر اسیری را آزاد فرما،خدایا هر فسادی را در کار مسلمانان اصلاح گردان، خدایا هر بیماری را درمان ده،خدایا راه تهیدستی ما را با توانگریت ببند،خدایا بدحالی ما را به خوبی حال خود تغییر ده، خدایا وام ما را بپرداز،و ما را از تهیدستی بی نیاز کن،همانا تو بر هر چیز توانایی.

[بخواند این دعا را که امام صادق علیه السّلام در ماه رمضان می خواندند]

شیخ کلینی در کتاب«کافی»از ابو بصیر روایت کرده که امام صادق علیه السّلام در ماه رمضان این دعا را می خواند:

خدایا من به وسیلۀ تو و از تو حاجتم را درخواست می کنم،و هرکه حاجت خویش از مردم بخواهد همانا من حاجتم را نمی خواهم مگر از تو،یگانه ای،شریکی برای تو نیست،به حق فضل و رضوانت از تو می خواهم که بر محمّد و اهل بیتش درود فرستی،و در این سال برایم راهی به سوی کعبه قرار دهی،با زیارتی پاک و پذیرفته،پاکیزه و خالص برای خویش،که دیده ام به آن روشن گردد و مرتبه ام با آن بالا رود،خدایا به من روزی کن که دیده ام را از حرام فرو بندم،و شهوتم را نگاه دارم،و خود را از همۀ حرامهایت بازدارم،تا آنجا که چیزی نزد من برتر نباشد از طاعت و خشیتت،و عمل به آنچه واجب کردی،و ترک آنچه نپسندیدی و از آن نهی نمودی،و همۀ اینها را در کنار آسانی و فراوانی و تندرستی،و آنچه به من نعمت دادی قرار ده.

و از تو می خواهم مرگم را کشته شدن در راهت در زیر پرچم پیامبرت همراه با اولیایت قرار دهی،و از تو می خواهم که به وسیلۀ من دشمنان خود و رسولت را به قتل رسانی،و از تو درخواست می کنم که مرا گرامی داری با خوار کردن آن از خلق که خودخواهی،و خوار نکنی مرا به گرامی داشتن احدی از اولیایت،خدایا برایم همراه پیامبر راهی به خوشبختی قرار ده،خدا مرا بس است،آنچه خدا خواهد شود.

مؤلّف گوید:این دعا موسوم به دعای حجّ است،سیّد در«اقبال»خواندن آن را در شبهای ماه رمضان، پس از مغرب،از امام صادق علیه السّلام روایت کرده،و کفعمی در کتاب«بلد الامین»فرموده:در هر روز از ماه رمضان و در شب اوّل آن،خواندن این دعا مستحبّ است،و شیخ مفید در کتاب«مقنعه»آن را برای خصوص شب اول ماه پس از نماز مغرب روایت کرده،آگاه باش بهترین اعمال در شبها و روزهای ماه مبارک رمضان خواندن قرآن است،و باید آن را بسیار خواند،چه اینکه قرآن در این ماه نازل شده و در آثار اسلامی وارد شده که هر چیزی را بهاری است،و بهار قرآن ماه رمضان است و در ماههای دیگر یک ختم قرآن مستحبّ است،و کم ترینش ختم آن در شش روز است،ولی در ماه رمضان هر سه روز یک ختم مستحبّ است،و اگر بتواند روزی یک ختم قرآن کند بسیار خوب است،علاّمۀ مجلسی فرموده:در حدیث است که بعضی از امامان علیهم السّلام در این ماه چهل ختم قرآن می نمودند و بلکه زیادتر،و اگر ثواب هر ختم قرآنی را به روح مقدس یکی از چهارده معصوم هدیه کند ثوابش دو چندان گردد.و از روایتی ظاهر می شود،که اجر چنین کسی آن است که در روز قیامت با ایشان باشد.در این ماه باید دعا و صلوات و استغفار بسیار نمود،و زیاد«لا اله الاّ اللّه»گفت،و روایت شده که امام چهارم علیه السّلام چون ماه رمضان فرا می رسید،زبان نمی گشود مگر به دعا و تسبیح و استغفار و تکبیر،و نیز باید به عبادت و انجام نافله های شب و روز اهتمام بسیار ورزید.

بخش دوّم:اعمالی است که باید در شبهای رمضان بجا آورد،و آن چند عمل است:

[اوّل:افطار نمودن]

اوّل:افطار نمودن و مستحبّ است

ص:290

پس از نماز شام افطار کند مگر آنکه ضعف بر او چیره شده باشد،یا جمعی جهت فطار منتظر او باشند،

[دوّم:با غذایی پاکیزه از حرام و شبهه افطار کند]

دوّم:با غذایی پاکیزه از حرام و شبهه افطار کند،و بهتر است با خرمای حلال روزه خود را بگشاید،تا ثواب نمازش چهار صد برابر گردد،و به خرما،آب،رطب شیر،حلوا،نبات،آب گرم،به هر کدام که افطار کند خوب است.

[سوّم:در وقت افطار دعاهای ویژه آن را بخواند]

سوّم:در وقت افطار دعاهای ویژه آن را بخواند،از جمله بگوید:

خدایا برای تو روزه گرفتم،و بر خوان تو افطار کردم،و بر تو تکیه نمودم.تا خدا ثواب هرکسی را که در این روز روزه داشته به او عطا کند و اگر دعای«اللّهمّ ربّ النّور العظیم»را که سیّد و کفعمی روایت کرده اند بخواند فضیلت بسیار یابد،و روایت شده که امیر المؤمنین علیه السّلام هرگاه می خواست افطار کند می گفت:

به نام خدا،خدایا برای تو روزه گرفتیم،و بر روزی تو افطار کردیم،خدایا از ما بپذیر،که تو شنوا و دانایی

[چهارم:در هنگام خوردن لقمه اول این کلمات را بگوید...]

چهارم:در هنگام خوردن لقمه اول بگوید به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،ای گسترده آمرزش،مرا بیامرزتا خدا او را بیامرزد.

در روایت آمده که در پایان هر روز از روزهای ماه رمضان،خدا هزار هزار نفر را از آتش دوزخ آزاد کند،پس از حضرتش بخواه که تو را یکی از آنان قرار دهد.

[پنجم:در وقت افطار سورۀ«قدر»را بخواند]

پنجم:در وقت افطار سورۀ«قدر»را بخواند.

[ششم:به هنگام افطار صدقه داده،و به روزه داران افطار دهد]

ششم:به هنگام افطار صدقه داده،و به روزه داران افطار دهد،هرچند به قدر چند دانۀ خرما یا جرعه ای آب باشد.از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله روایت شده:هرکه روزه داری را افطار دهد همچون اجر آن روزه دار برایش خواهد بود،بی آنکه از پاداش آن روزه دار چیزی کاسته شود.و همچنین برای او خواهد بود همانند آن عمل خوبی که آن افطار کننده به نیروی آن طعام بجا آورد،آیه اللّه علاّمۀ حلی در رسالۀ«سعدیه»از امام صادق علیه السّلام روایت کرده:هر مؤمنی در ماه رمضان مؤمن دیگری را به لقمه ای اطعام کند،حق تعالی برای او بنویسد اجر کسی را که سی بندۀ مؤمن آزاد کرده،و نزد خدا یک دعایش مستجاب شود.

[هفتم:در هر شب هزار مرتبه«انّا انزلناه»وارد است]

هفتم:در هر شب خواندن هزار مرتبه«انّا انزلناه»وارد است.

[هشتم:در هر شب اگر بتواند صد مرتبه سورۀ«حم دخان»را بخواند]

هشتم:در هر شب اگر بتواند صد مرتبه سورۀ«حم دخان»را بخواند.

ص:291

[نهم:هر شب این دعا را بخواند که گناهان چهل ساله او آمرزیده شود]

نهم:سیّد روایت کرده است:هرکه این دعا را در هر شب ماه رمضان بخواند،گناهان چهل سال او آمرزیده می شود:

خدایا پروردگار ماه رمضان،که قرآن را در آن فرو فرستادی،و روزه را در آن بر بندگانت واجب نمودی،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و زیارت خانه ات را در این سال و در هر سال نصیب من فرما،و برایم بیامرز گناهان بزرگی را که آنها را جز تو نیامرزد،ای بخشاینده،ای دارای دانش بی پایان.

[دهم:در هر شب پس از مغرب دعای حج را بخواند]

دهم:در هر شب پس از مغرب دعای حج را بخواند،که بیان آن در بخش اوّل گذشت.

[یازدهم:در هر شب از ماه رمضان این دعا(دعای افتتاح)را بخواند...]

یازدهم:در هر شب از ماه رمضان بخواند:خدایا،من با سپاس تو ستایش را آغاز می کنم و تویی که با کرمت به سوی درستی توجّه دهی،و یقین دارم که در جای عفو و رحمت مهربان ترین مهربانانی.

و در جایگاه مجازات و انتقام،سخت ترین کیفرکننده ای،و در موضع بزرگ منشی و عظمت بزرگ ترین جبّاری،خدایا در خواندنت،و در درخواست از حضرتت به من اذن دادی،پس ای شنوا بشنو ستودنم را، و ای مهربان اجابت کن دعایم را،و ای آمرزنده بیامرز لغزشم را،ای خدای من چه بسیار سختیهای که گره گشودی،و اندوهها که برطرف کردی،و لغزشها که آمرزیدی،و رحمت که گستردی،و زنجیر بلا که باز کردی،سپاس خدای را که همسر و فرزندی برنگرفته،و در فرمانروایی شریکی برایش نیست،و سرپرستی از روی ناتوانی نداشته است،و او را بزرگ شمار بسیار بزرگ.سپاس خدای را با همه ستودنیهایش،بر تمام نعمتهایش،سپاس خدای را

که در فرمانروایی رقیبی ندارد،و برای او در کارش نزاع کننده ای نیست،سپاس خدای را که در آفرینش شریکی ندارد،و در بزرگی شبیهی برای او نیست.سپاس خدای را که فرمان و سپاسش در آفریدگان جاری است و بزرگواری اش با کرمش آشکار است،و دست لطفش به سخاوت گشوده،خدایی گنجینه هایش نقصان نپذیرد،و بخشش بسیارش جز جود و کرم بر او نیفزاید،همانا او عزیز و بسیار بخشنده است،خدایا اندک از بسیار از تو درخواست می کنم، با نیاز شدیدی که مرا به آن است،و بی نیازی تو از ان دیرینه است،و آن اندک نزد من بسیار است،و برای تو هموار و آسان.خدایا بخششت از گناهم،و گذشتت از خطایم،و چشم پوشی ات از تجاوزم،و پرده افکنی ات بر کردار زشتم،و بردباری ات از فراوانی جرمم از آنچه که از خطا و گناه عمدی ام بود مرا به طمع انداخت،که از درگاهت چیزی را که شایستهٔ آن از سوی تو نیستم درخواست کنم،آنچه که از رحمتت نصیبم نمودی و از قدرتت نشانم دادی،و از اجابتت به من شناساندی،پس بر آن شدم که با اطمینان بخوانمت،و با انس و میل بدون ترس و هراس از تو درخواست می کنم،و در انچه به خاطر آن قصد پیشگاه تو نمودم از تو ناز جویم،اگر برآورده شدن حاجتم تأخیر افتاد،از روی نادانی بر تو عتاب ورزیدم،با آنکه شاید به تأخیر افتادن روا شدن حاجتم برایم بهتر باشد،چه تو به سرانجام امور آگاهی،پس هیچ مولای کریمی را بر بندهٔ پستی،شکیباتر از تو بر خود ندیدم،ای پروردگار من،تو مرا می خوانی،و من از تو روی می گردانم، و با من دوستی می ورزی و من با تو دشمنی می کنم،به من محبّت می نمای و از تو نمی پذیرم،گویا مرا بر تو منّت است،

و با همهٔ اینها چیزی تو را باز نمی دارد از رحمت و احسان بر من،و تفضّل به جود و کرمت بر این بنده،بر بندهٔ نادانت رحم کن،و با فزونی احسانت بر او جود آور،زیرا تو بخشندهٔ کریمی، سپاس خدای را خدای مالک سلطنت،روان کنندهٔ کشتی،تسخیرکنندهٔ بادها،شکافندهٔ سپیده،حکم فرمای روز جزاء پروردگار جهانیان.سپاس خدای را بر بردباری اش پس از دانشش به نافرمانی بنده،و سپاس خدای را بر عفوش پس از قدرتش بر عقاب،و و سپاس خدای را بر طول بردباری اش در وقت خشم،و حال آنکه او بر آنچه بخواهد تواناست.سپاس خدای را که آفرینندهٔ آفریدگان گسترندهٔ روزی،شکافندهٔ سپیده،دارای عظمت و بزرگواری و احسان و نعمت بخشی است خدایی که از دیدگان دور است پس دیده نمی شود،و به جانها نزدیک است پس شاهد گفتگوهای پنهان است،فرخنده و برتر است.سپاس خدای را که ستیزه جویی ندارد تا با او برابری نماید،و شبیهی ندارد که هم شکل او باشد،و پشتیبانی ندارد که او را یاری کند،با عزّتش همهٔ عزیزان را مقهور ساخته و در برابر عظمتش بزرگان فروتن گشته اند،پس با قدرتش به هرچه خواهد رسد،سپاس خدای را که اجابتم می کند آنگاه که صدایش می زنم،و هر زشتی را بر من می پوشاند و من از او نافرمانی می کنم،و او نعمتش را بر من بزرگ می گرداند،پس من او را شکر نمی کنم،چه بسیار موهبتهای گوارایی که به من عطا فرمود،و حوادث وحشتناکی که مرا از آسیب آنها کفایت نمود،و چه بسیار خرّمی دلنشینی که به من نمایاند، او را سپاس گویان ستایش می کنم،و تسبیح گویان یادیش می کنم،سپاس خدای را که پرده اش دریده نگردد،و در رحمتش بسته نشود، و پرسنده اش ردّ نگردد،و آرزومندش نومید نشود.سپاس خدای را که هراسندگان را ایمنی بخشد،و شایستگان را

نجات دهد،و ناتوان شمردگان را به رفعت رساند،و متکبّران را به خاک اندازد و پادشاهانی را نابود نماید، و دیگران را جانشین آنان سازد،سپاس خدای را که درهم شکنندۀ گردنکشان،نابودکنندۀ ستمکاران،دریابندۀ گریختگان،کیفردهندۀ ستمگران،فریادرس دادجویان،حاجت بخش خواهندگان،تکیه گاه مؤمنان است.سپاس خدای را که از خشیتش آسمان و ساکنانش غرّش کنند،و زمین و آبادکنندگانش بلرزند،و دریاها و هرکه در اعماقش شناور است موج زنند.سپاس خدای را که ما را به شناخت خویش هدایت فرمود و اگر خدا ما را هدایت نکرده بود هرگز هدایت نمی شدیم سپاس خدای را که می آفریند و خود آفریده نشده،و روزی می دهد،و خود روزی داده نمی شود و می خوراند و خود خورانده نمی شود و زنده ها را می میراند،و مردگان را زنده می کند،و اوست زنده ای که هرگز نمی میرد،خیر تنها به دست اوست،و او بر هر چیز تواناست.

خدایا درود فرست بر محمّد بنده و فرستاده ات و امین و یار صمیمی و محبوب،و برگزیده ات و حافظ راز و رسانندۀ پیامهایت،درودی برترین و بهترین و زیباترین و کامل ترین و پاکیزه ترین و پر نماترین و دلپسندترین و پاک ترین و بلندترین و بیشترین درودی که فرستادی و برکت دادی و ترحم نمودی و مهر ورزیدی،و سلام دادی بر یکی از بندگان و پیامبران و رسولان و برگزیدگان و اهل کرامت از خلقت.خدایا درود فرست بر علی امیر المؤمنان،و جانشین فرستادۀ پروردگار جهانیان،بنده و ولیّت و برادر رسولت،و حجّتت بر بندگان،و

نشانهٔ بزرگ ترت،و خبر عظیم،و درود فرست بر صدیقهٔ طاهره فاطمهٔ زهرا سرور زنان جهانیان،و درود فرست بر دو فرزندزادهٔ پیامبر رحمت،و دو پیشوای هدایت،حسن و حسین،دو سرور جوانان اهل بهشت،و درود فرست بر امامان مسلمانان،علی بن الحسین و محمّد بن علی،و جعفر بن محمّد،و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمّد بن علی و علی بن محمّد،و حسن بن علی،و یادگار شایستهٔ هدایتگر حضرت مهدی،حجّتهای تو بر بندگان،و امینهای تو در سرزمینهایت درودی بسیار و همیشگی.خدایا درود فرست بر ولی امرت،آن قائم آرزو شده،و دادگستر مورد انتظار، واو را در حمایت فرشتگان مقرّبت قرار ده،و به روح القدس تأییدش کن ای پروردگار جهانیان.خدایا او را دعوت کننده به کتابت،و قیام کننده به آئینت قرار ده،او را جانشین خود روی زمین گردان،چنان که پاکان پیش از او را جانشین خویش قرار دادی،دینی را که برایش پسندیده ای به دست او پابرجا بدار،و ترسش را به امنیت بازگردان،تا با اخلاص کامل تو را بپرستد.خدایا عزیزش بدار،و به دیگران توسط او عزّت بده و یاری اش کن.و به دیگران از سوی او یاری ده یاری اش ده یاری پیروزمندانه و بر پیروزیش با پیروزی آسان،و از پیش خود برای او سلطنتی پیروزی آفرین قرار ده.خدایا به وسیلهٔ او دینت و روش پیامبرت را آشکار کن،تا چیزی از حق،از ترس احدی از مردم پنهان نماند.خدایا به سوی تو مشتاقیم برای یافتن دولت کریمه ای که اسلام و اهلش را به آن عزیز گردانی،و نفاق و اهلش را به وسیلهٔ آن خوار سازی،و

و ما را در آن دولت از دعوت کنندگان به سوی طاعتت،و رهبران به سوی راهت قرار دهی،و کرامت دنیا و آخرت را از برکت آن روزیمان فرمایی.خدایا آنچه از حق به ما شناساندی تاب تحملش را نیز عنایت کن،و آنچه را دررسیدن به آن کوتاهی کردیم،ما را به آن برسان،خدایا پریشانی ما را به یاری او جمع کن،و پراکندگی ما را به او وحدت بخش،و گسیختگی ما را با او پیوند ده،و اندک ما را به او زیاد فرما،و ذلّت ما را به او عزّت ده و تنگدستی ما را به او توانگری بخش،و بدهی ما را از برکت او ادا کن،و فقر ما را به مدد او جبران فرما،و جدایی و دودستگی ما را به او برطرف کن،و دشواری کار ما را به او آسان گردان،و روی ما را به دیدار او سپید کن،و اسیران ما را به یاری او آزاد گردان،و درخواستهای ما را به لطف او برآور،و وعده های ما را به ظهور او تحقق بخش و دعایمان را به کمک او اجابت کن،و خواسته هایمان را به حق او عطا فرما،و ما را به یاری او به آروزهای دنیا و آخرتمان برسان،و لطف به او بالاتر از آرزویمان به ما اعطا کن،ای بهترین خواسته شدگان،و گشاده دست ترین بخشندگان،سینه های ما را به او شفا بخش،و کینه دلهایمان را به او برطرف کن،و ما را به مدد او به حقیقت آنچه که در آن اختلاف افتاده از حق به اذن خود راهنمایی فرما،همانا تو هرکه را بخواهی به راه راست هدایت می کنی،و به وسیلۀ او ما را بر دشمنان خود و دشمنان خویش یاری ده،ای معبود حق آمین.خدایا از نبود پیامبران که درودهای تو بر او و خاندانش و از ناپیدایی مولایمان،و بسیاری دشمنانمان و کمی نفراتمان،و سختی فتنه ها به سویمان،و از جریان زمان بر زیانمان به درگاه تو شکوه می آوریم،بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را در برابر این همه یاری فرما به گشایشی از جانب خویش که زود برسانی،و بدحالی که برطرف کنی،و پیروزی با عزّت برایمان قرار دهی،و سلطنت حقی که آشکارش فرمایی،و به رحمتی که از سویت ما را فرا گیرد،و به سلامتی کاملی که از جانبت ما را بپوشاند،ای مهربان ترین

مهربانان.

[دوازدهم:در هر شب این دعا را بخواند...]

دوازدهم:در هر شب این دعا را بخواند: خدایا ما را در زمره شایستگان وارد کن،و در بهشت برین بالا بر،و جامی از نوشیدنی خوشگوار از چشمۀ سلسبیل به ما بنوشان،و به رحمتت از حور العین به همسری ما در آور،و از جاوید پسرانی که همچون مروارید در صدفند،در خدمت ما بگمار،و از میوه های بهشت،و گوشت پرندگان به ما بخوران،و از لباسهای زربفت و حریر و دیبا به ما بپوشان،و ما را برای رسیدن به شب قدر،و زیارت خانۀ کعبه،و کشته شدن در راهت توفیق عنایت کن،و دعای شایستۀ و درخواست ما را اجابت فرما،و آنگاه که پیشینیان و پسینیان را در روز قیامت جمع کردی به ما رحم کن،و رهایی از آتش را برای ما بنویس،و در دوزخ ما را به زنجیر نبند،و در عذاب و خواری ات ما را گرفتار مساز،و از زقوم و ضریع دوزخ به ما مخوران،و با شیاطین یکجا قرارمان مده، و ما را به رو در آتش مینداز،و از جامه های آتشین و پیراهنهای فلزی آتش بار بر ما میوشان،و از هرگونه بدی،ای که معبودی جز تو نیست،بحق اینکه معبودی جز تو نیست ما را رهایی بخش.

[سیزدهم:در هر شب ماه رمضان این دعا را که از امام صادق علیه السلام روایت شده را بخواند...]

سیزدهم:از امام صادق علیه السّلام روایت شده:در هر شب ماه رمضان بخوان: خدایا از تو درخواست می کنم،در آنچه حکم می کنی و مقدّر می فرمایی،از امر حتمی در کار حکیمانه،از فرمانی که برگشت ناپذیرد،و تغییر پیدا نمی کند چنین قرار دهی که مرا در شمار زائران خانه ات ثبت کنی،زائرانی که حجشان پذیرفته شده و تلاششان قبول شده،و گناهانشان به آمرزش رسیده،

و بديهايشان محو گشته،و در آنچه حكم مى كنى،و مقدّر مى فرمايى قرار دهى،كه عمر مرا در خير و سلامت كامل طولانى كنى،و در روزى ام وسعت دهى،و مرا از آنانى قرار دهى كه به وسيلۀ آنان دينت را يارى مى كنى،و ديگرى را به جاى من قرار ندهى

[چهاردهم:هر شب اين كامات را بگويد...]

چهاردهم:در كتاب«انيس و الصّالحين»آمده است كه در هر شب از شبهاى ماه رمضان بخواند:

به عظمت ذات كريمانه ات پناه مى آورم،از اينكه ماه رمضان از من بگذرد،يا سپيدۀ اين شب بدمد،و هنوز نزد من حقى براى تو يا گناهى مانده باشد،كه بر آن عذابم كنى.

[پانزدهم:هر شب دو ركعت نماز به اين كيفيت بخواند(سه قل هو الله)...]

پانزدهم:شيخ كفعمى در حاشيۀ«بلد الامين»از سيّد ابن باقى روايت كرده كه مستحب است در هر شب ماه رمضان دو ركعت نماز خوانده شود،در هر ركعت سورۀ«حمد»يک مرتبه و سورۀ«توحيد»سه مرتبه و چون سلام داده شد بگويد:

منزّه است آنكه نگهبان است و غفلت نمى كند،منزّه است آنكه مهربان است و شتاب نمى ورزد،منزّه است آنكه برپا است و از ياد نمى برد،منزّه است آنكه هميشگى است و سرگرم نمى شود.سپس تسبيحات اربعه[يعنى:

سبحان اللّه و الحمد للّه و لا اله الاّ اللّه و اللّه اكبر]را هفت مرتبه بگويد،آنگاه بخواند:منزّهى تو منزّهى تو،منزّهى تو،اى بزرگ،گناه بزرگ مرا بيامرز.سپس بر پيامبر و آل او عليهم السّلام ده مرتبه صلوات فرستد.كسى كه اين دو ركعت نماز را بجا آورد،حق تعالى براى او هفتاد هزار گناه را بيامرزد...تا آخر خبر.

[شانزدهم:هر شب از ماه رمضان سورۀ«انّا فتحنا لک فتحا مبينا»را در نماز نافله بخواند]

شانزدهم:روايت شده كه هركه در هر شب از ماه رمضان سورۀ«انّا فتحنا لک فتحا مبينا»را در نماز نافله بخواند، در آن سال از آسيب محفوظ مى ماند.آگاه باش از اعمالى كه مستحب است در شبهاى ماه رمضان بجا

آورده شود،هزار رکعت نماز در مجموع این ماه است،که استادان و بزرگان علما در کتابهای خود،که در زمینۀ فقه یا عبادات نوشته اند

ص:299

به آن اشاره کرده اند.احادیث در باب کیفیت بجا آوردن آن مختلف است،آنچه موافق روایت ابن ابی قرّه از امام جواد علیه السّلام است،و شیخ مفید در کتاب«غرّیه و اشراف»،آن را اختیار کرده،بلکه مورد اختیار مشهور از علماست،آن است که در دهۀ اول و دوم ماه رمضان،در هر شب بیست رکعت خوانده شود،هر دو رکعت به یک سلام،به این صورت که، هشت رکعت آن را پس از نماز مغرب،و دوازده رکعت دیگر را بعد از نماز عشا بخواند،و در دهۀ آخر ماه در هر شب سی رکعت بخواند،هشت رکعت آن را پس از نماز مغرب و بیست و دو رکعت دیگر را بعد از نماز عشا بخواند،که مجموع این نمازها هفتصد رکعت می شود،و باقی آن را که سیصد رکعت است در شبهای قدر بخواند،شب نوزدهم صد رکعت،و شب بیست و یکم صد رکعت،و در شب بیست و سوم نیز صد رکعت که در جمع هزار رکعت می شود.این هزار رکعت به ترتیب دیگری هم وارد شده است که تفصیلش در جای دیگر آمده،و این مقام گنجایش شرح آن را ندارد،و امید است که اهل خیر در اجرای این هزار رکعت مسامحه و سهل انگاری نکنند،و خودا را از فیض آن بهره مند کنند.

و نیز روایت شده:که پس از هر دو رکعت از نمازهای مستحبی ماه رمضان بخوان:

خدایا در آنچه حکم می کنی و مقدّر می نمایی از فرمان حتمی ات،و در آنچه بسط می دهی از کار حکیمانه ات،در شب قدر مقرّر فرما که مرا از حاجیان خانۀ کعبه ات قرار دهی،حاجیانی که حجّشان پذیرفته شده،و تلاششان قبول گشته،و گناهانشان آمرزیده شده است،و از تو درخواست می کنم که عمرم را در طاعتت طولانی سازی،و روزی ات را بر من گسترده نمایی،ای مهربان ترین مهربانان.

بخش سوّم:اعمال سحرهای ماه مبارک رمضان و آن چند عمل است

اشاره

:

[اوّل:سحری خوردن]

اوّل:سحری خوردن،و آن را ترک نکند گرچه به خوردن یک خرمای خشک،یا نوشیدن شربتی از آب باشد،و بهترین سحریها سویق یعنی قاووت و خرماست،و در خبر وارد شده:که خدا و فرشتگان صلوات می فرستند بر آنهایی که در سحرها استغفار می کنند،و سحری می خورند.

ص:300

[دوم:هنگام خوردن سحری سورۀ«انّا انزلناه»را بخواند]

دوم:هنگام خوردن سحری سورۀ«انّا انزلناه»را بخواند،که هرکه این سورۀ مبارکه را هنگام افطار کردن و سحری خوردن بخواند،در فاصله بین این دو زمان ثواب کسی را دارد که در راه خدا در خون خود غلطیده است.

[سوم:دعای عظیم الشأنی را که از حضرت رضا علیه السّلام روایت شده بخواند(دعای سحر)]

سوم:دعای عظیم الشأنی را که از حضرت رضا علیه السّلام روایت شده بخواند،آن حضرت فرموده است:این دعا دعایی است که امام باقر علیه السّلام در سحرهای ماه رمضان می خواندند:

خدایا از تو درخواست می کنم به حق زیباترین مرتبه از زیبایی ات،و همۀ مراتب زیبایی ات زیباست،خدایا از تو درخواست می کنم به حق همۀ مراتب زیبایی ات.خدایا از تو درخواست می کنم به حق نیکوترین مرتبه از جمالت،و همۀ مراتب جمال تو نیکوست،خدایا از تو درخواست می کنم به حق همۀ مراتب جمالت.خدا از تو درخواست می کنم به حق برجسته ترین مرتبه از جلالت،و همۀ مراتب جلال تو برجسته است خدایا از تو درخواست می کنم به حق همۀ مراتب جلالت.خدایا از تو درخواست می کنم به حق بالاترین مرتبه از عظمتت،و همۀ مراتب عظمتت عظیم است،خدایا از تو درخواست می کنم به حق همۀ مراتب عظمتت.خدایا از تو درخواست می کنم به حق نورانی ترین مرتبه از نورت،و همۀ مراتب نور تو نورانی است،خدایا از تو درخواست می کنم به حق همه مراتب نورت.خدایا از تو درخواست می کنم به حق گسترده تری مرتبه از رحمتت،و همۀ مراتب رحمتت گسترده است،خدایا از تو درخواست می کنم به حق همۀ مراتب رحمتت.خدایا از تو درخواست می کنم به حق کامل ترین مرتبه از مراتب کلمات،و همۀ مراتب کلماتت کامل است،خدایا از تو درخواست می کنم به حق همۀ مراتب کلماتت.خدایا از تو درخواست می کنم به حق کامل ترین مرتبه از کمالت و همۀ مراتب کمالت کامل است،خدایا از تو درخواست می کنم به حق همۀ مراتب کمالت.خدایا از تو درخواست می کنم به حق بزرگ ترین مرتبه از نامهایت،و همۀ مراتب نامهایت بزرگ است،خدایا از تو درخواست می کنم به حق همۀ مراتب نامهایت خدایا از تو درخواست می کنم به حق عزیزترین مرتبه از عزّتت و همۀ مراتب عزّتت عزیز است،خدایا از تو درخواست می کنم به حق همۀ مراتب عزتت

خدایا از تو درخواست میکنم به حق نافذترین مرتبه اراده ات و همه مراتب اراده ات نافذ است خدایا از تو درخواست میکنم به حق همه مراتب اراده ات خدایا از تو درخواست میکنم به حق قدرتت که بر همه موجودات احاطه دارد و همه قدرتت بر تمام موجودات احاطه دارد خدایا از تو درخواست می کنم به حق همهٔ مراتب قدرتت،خدایا از تو درخواست می کنم به حق نافذترین مرتبه از مراتب علمت و همهٔ مراتب علمت نافذ است، خدایا از تو درخواست می کنم به حق همهٔ مراتب علمت.خدایا از تو درخواست می کنم به حق پسندیده ترین مرتبه از گفتارت،و همهٔ مراتب گفتار تو پسندیده است خدایا از تو درخواست می کنم به حق همهٔ مراتب گفتارت،خدایا از تو درخواست می کنم به حق محبوبترین مرتبه از خواسته هایت نزد تو،و همهٔ مراتب خواسته هایت محبوب است خدایا از تو درخواست می کنم به حق همهٔ مراتب خواسته هایت.خدایا از تو درخواست می کنم به حق شریف ترین مرتبه از شرفت،و همهٔ مراتب شرف تو شریف است،خدایا از تو درخواست می کنم به حق همهٔ مراتب شرفت.خدایا از تو درخواست می کنم به حق پایدارترین مرتبه از سلطنتت و همهٔ مراتب سلطنت تو پایدار است،خدایا از تو درخواست می کنم به حق مراتب سلطنتت.خدایا از تو درخواست می کنم به حق باافتخارترین مرتبه از فرمانروایی ات و همهٔ مراتب فرمانروایی ات با افتخار است،خدایا از تو درخواست می کنم به حق همهٔ مراتب فرمانروایی ات.خدایا از تو درخواست می کنم به حق برترین مرتبه از برتری ات و همهٔ مراتب برتری ات برتر است،خدایا از تو درخواست می کنم به حق همهٔ مراتب برتری ات.خدایا از تو درخواست می کنم به حق دیرینه ترین مرتبه از کرمت،و همهٔ مراتب کرمت دیرینه است،خدایا از تو درخواست می کنم به حق همهٔ مراتب کرمت.خدایا از تو درخواست می کنم به حق گرامی ترین مرتبه از نشانه هایت،و همهٔ مراتب نشانه هایت گرامی است.خدایا از تو درخواست می کنم به حق همهٔ مراتب نشانه هایت.خدایا از تو درخواست می کنم به حق آنچه از جاه و جبروت که در آنی،و از تو می خواهم به حق هر جاه به تنهایی و به حق هر جبروت به تنهایی،

ص:302

خدایا از تو درخواست می کنم به حق آنچه اجابت می کنی مرا به آن هنگامی که از تو درخواست می کنم پس مرا اجابت کن ای خدا.آنگاه هر حاجت که داری از خدا بخواه،که به یقین براورده خواهد شد.

[چهارم:این دعا(ابو حمزه ثمالی)را بخواند...]

چهارم:در کتاب«مصباح»شیخ طوسی به نقل از ابو حمزه ثمالی آمده است که حضرت امام زین العابدین علیه السّلام در ماه رمضان بیشتر شب را به نماز می ایستاد و چون سحر می رسید این دعا را می خواند:

خدایا مرا به کیفرت ادب منما،و با نقشه ای با من نیرنگ مکن،پروردگارا از کجا برایم خیری هست،درحالی که جز نزد تو یافت نمی شود،و از کجا برایم نجاتی است،درحالی که جز به تو فراهم نمی گردد،نه آنکه نیکی کرد از کمک و رحمتت بی نیاز شد،و نه آنکه بدی کرد و بر تو گستاخی روا داشت،و تو را خشنود نساخت از عرصۀ قدرتت بیرون رفت.

پروردگارا،پروردگارا،پروردگارا.... آن قدر بگوید تا نفس قطع گردد. تو را به تو شناختم،و تو مرا بر هستی خود راهنمایی فرمودی،و به سوی خود خواندی،و اگر راهنمایی تو نبود،من نمیدانستم تو که هستی؟،سپاس خدای را که می خوانمش و او جوابم را می دهد،گرچه سستی می کنم گاهی که او مرا می خواند،و سپاس خدای را که از او درخواست می کنم و او به من عطا می نماید،گرچه بخل می ورزم هنگامی که از من قرض بخواهد، و سپاس خدای را که هرگاه خواهم برای رفع حاجتم صدایش کنم،و هرجا که خواهم برای راز و نیاز با او بی پرده خلوت کنم و او حاجتم را برآورد،سپاس خدای را که غیر او را نمی خوانم،که اگر غیر او را می خواندم دعایم را مستجاب نمی کرد،و سپاس خدای را که به غیر او امید نبندم،که اگر جز به او امید می بستم ناامیدم می نمود،و سپاس خدای را که مرا بخویش وا گذاشت،ازاین رو اکرامم نمود،و به مردم وا نگذاشت تا مرا خوار کنند،و سپاس خدای را که با من دوستی

ورزید،درحالی که از من بی نیاز است،و سپاس خدای را که بر من بردباری می کند تا آنجا که گویی مرا گناهی نیست!پروردگارم ستوده ترین موجود نزد من بوده و به ستایش من سزاوارتر است.خدایا راههای درخواست حاجتهایم را به جانب تو باز می یابم،و آبشخورهای امید را نزد تو پر می بینم،و یاری خواستن از فضل برای آنکه تو را آرزو کرد بی مانع می بینم،و درهای دعا را برای فریاد کنندگان گشوده می نگرم،و می دانم که تو برای امیدواران در جایگاه اجابتی،و برای دل سوختگان در کمین گاه فریادرسی،و به یقین در اشتیاق به جودت،و خشنودی به قضایت جایگزینی از منع بخیلان است،و گشایشی از آنچه در دست ثروت اندوزان،و همانا مسافر به سوی تو مسافتش نزدیک است، و تو از آفریدگانت هرگز در پرده نیستی،جز اینکه کردارشان آنان را از تو محجوب نماید،من با درخواستم آهنگ تو کردم،و با حاجتم روی به تو آوردم،نیاز خواهی ام را به پیشگاه تو قرار دادم،و خواندت را دست آویز خویش نمودم بی آنکه مستحق شنیدن خواهشم،و شایستۀ گذشت از من باشی،بلکه برای اطمینان به کرمت، و آرامش به درستی وعده ات،و پناه جستن به ایمان به یگانگی ات و یقین به معرفتت که مرا پروردگاری جز تو نیست،و معبودی جز تو نیست،یگانه و بی شریکی.خدایا تو گفتی و گفتارت بر حق،و وعده ات درست است[فرمودی:]از فضل خدا بخواهید که خدا به شما مهربان است،ای آقای من در شأن تو این نیست که دستور به درخواست دهی و از بخشش خودداری کنی،تو با عطاهایت بر اهل

مملکتت بسیار کریمی،و بر آنان با محبّت و رأفت بسیار احسان کننده ای.خدایا مرا در کودکی در میان نعمتها و احسانت پروریدی،و در بزرگسالی نامم را بلند آوازه ساختی،ای آنکه مرا در دنیا به احسان و فضل نعمتهایش پرورید و برایم در آخرت به گذشت و کرمش اشاره نمود،ای مولای من معرفتم راهنمایم به سوی تو،و عشقم به تو واسطه ام به پیشگاه توست،من از دلیلم به دلالت تو مطمئن،و از واسطه ام به شفاعت تو در آرامشم، ای آقایم تو را به زبانی می خوانم که گناهش او را ناگویا نموده،و با دلی با تو مناجات می کنم که جرمش او را هلاک ساخته، تو را می خوانم ای پروردگارم در حال هراس و اشتیاق و امید و بیم،مولای من هرگاه گناهانم را می بینم بی تاب می گردم،و هرگاه کرمت را مشاهده می کنم،به طمع می افتم،پس اگر از من درگذری بهترین رحم کننده ای،و اگر عذاب کنی ستم نکرده ای،خدایا حجّت من در گستاخی بر درخواست از تو،با ارتکاب آنچه از آن کراهت داری جود و کرم توست،و ذخیره ام در سختیها با کمی حیا همانا رأفت و رحمت توست،و امیدم بر ان است که بین حجّت و ذخیره ام آرزویم را نومید نکنی، پس امیدم را تحقق بخش،و دعایم را بشنو،ای بهترین کسی که خواننده ای او را خوانده،و برترین کسی که امیدواری به او امید بسته،ای آقای من آرزویم بزرگ شده،و کردارم زشت گشته،پس به اندازۀ آرزویم از عفوت به من ببخش،و به زشت ترین کردارم مرا سرزنش مکن،زیرا کرمت برتر از کیفر گنهکاران و بردباریت بزرگتر از مکافات تبهکاران است،و من ای آقایم پناهنده به فضل توام،گریزان از تو به سوی توام، خواستار تحقق چیزی هستم که وعده کردی،و آن گذشت تو از کسی که گمانش را به تو نیکو کرده،چه هستم من ای پروردگارم،و اهمیت من چیست؟

ص:305

به فضلت مرا ببخش،و به گذشتت بر من صدقه بخش،پروردگارا مرا به پرده پوشی ات بپوشان،و از توبیخم به کرم ذاتت درگذر،اگر امروز جز تو بر گناهم آگاه می شد،آن را انجام نمی دادم،و اگر از زود رسیدن عقوبت می ترسیدم، از آن دوری می کردم،گناهم نه به این خاطر بود که تو سبک ترین بینندگانی و بی مقدارترین آگاهان،بلکه پروردگارا از این جهت بود که تو بهترین پرده پوشی،و حاکم ترین حاکمان،و کریم ترین کریمانی،پوشنده عیبها،آمرزندۀ گناهان،دانای نهانها،گناه را با کرمت می پوشانی،و کیفر با بردباری ات به تاخیر می افکنی،سپاس تو را سزاست بر بردباری ات پس از انکه دانستی،و بر گذشتت پس از آنکه توانستی،بردباری ات مرا به جانب گناه می کشد و بر نافرمانی ات جرأت می دهد،پرده پوشی ات بر من مرا به کم حیایی می خواند،و شناختم از رحمت گسترده و بزرگی عفوت،به من در تاختن بر محرّماتت سرعت می دهد!ای شکیبا،ای گرامی،ای زنده،ای ای به خود پاینده،ای آمرزگار،ای توبه پذیر،ای بزرگ نعمت،ای دیرینه احسان،پرده پوشی زیبایت کجاست،گذشت بزرگت کجاست،گشایش نزدیکت کجاست،فریادرسی زودت کجاست،رحمت گسترده ات کجاست،عطاهای برترت کجاست،موهبتهای گوارایت کجاست،جایزه های شایانت کجاست، فضل بزرگت کجاست،عطای عظیمت کجاست،احسان دیرینه ات کجاست،کرمت کجاست،ای کریم،به حق کرمت و«به محمّد و خاندان محمّد»مرا رهایی بخش،و به رحمتت مرا خلاص کن،ای نیکوکار،ای زیباکار،ای نعمت ده،ای فزونی بخش،من

آن نیستم که در رهایی از کیفرت بر اعمالمان تکیه کنم،بلکه به احسانت بر ما اعتماد دارم،چرا که تو اهل تقوا و مغفرتی،از باب نعمت دهی ابتدای به احسان می کنی،و از جهت کرم از گناه در می گذری،پس نمی دانم از چه سپاس گویم،از زیبایی که می گسترانی،یا کار زشتی که می پوشانی،یا بزرگ آزمونی که آزمودی و شایستهٔ نیکی نمودی،یا آن همه مشکلی که مرا از آن رهانیدی،و سلامت کامل بخشیدی؟!ای محبوب آنکه به تو دوستی ورزید،ای نور چشم کسی که به تو پناه آورد و برای رسیدن به تو از دیگران گسست،تو نیکوکاری و ما بدکارانیم،به زیبایی آنچه نزد توست،از زشتی آنچه پیش ماست درگذر،پروردگارا کدام جهلی است که جود تو گنجایش آن را نداشته باشد،و کدام زمان طولانی تر از مهلت دادن توست،در کنار نعمتهایت ارزش اعمال ما چیست،چگونه اعمال خود را بسیار انگاریم،تا با آنها با کرمت برابری کنیم،بلکه چگونه بر گنهگاران تنگ شود آنچه از رحمتت شاملشان شده؟،ای گستردهٔ آمرزش،ای گشاده دست به رحمت،ای آقای من به عزّتت سوگند،اگر مرا برانی از درگاهت دور نخواهم شد،و از چاپلوسی و تملق نسبت به تو دست نخواهم کشید،به خاطر شناختی که به جود و کرمت پیدا کرده ام،تو انجام دهی آنچه را که خواهی،هرکه را بخواهی عذاب می کنی به هرچه که بخواهی و به هر صورتی که بخواهی،و رحم می کنی هرکه را بخواهی،به هرچه که بخواهی و به هر کیفیت که بخواهی،از آنچه کنی بازخواست نشوی،و در فرمانروایی ات نزاع در نگیرد،و کسی در کارت شریکت نگردد،و در داوری ات با تو هماورد نشود،و در تدبیرت احدی بر تو اعتراض نکند،آفرینش و فرمان تو راست،منزّه است خدا پروردگار جهانیان،پروردگارا این است جایگاه کسی که به پناهت آمد،و به کرمت پناهنده

گشت،و به احسان و نعمتهایت الفت جست،تویی آن سخاوتمندی که گذشتت به تنگی نمی رسد،و احسانت کاهش نمی پذیرد،و رحمتت کم نمی شود،و به یقین از چشم پوشی دیرینت،و فضل بزرگت،و رحمت گسترده ات اعتماد نمودیم،آیا ممکن است پروردگارا برخلاف گمانهای ما به خویش رفتار کنی،یا آرزوهایمان را نسبت به رحمتت نومید سازی هرگز ای بزرگوار،چنین گمانی به تو نیست،و طمع ما دربارۀ تو این چنین نمی باشد،پروردگارا،ما را دربارۀ تو آروزی طولانی بسیاری است،ما را در حق تو امید بزرگی است،از تو نافرمانی کردیم و حال آنکه امیدواریم گناه را بر ما بپوشانی،و تو را خواندیم،و امیدواریم که بر ما اجابت کنی،مولای ما امیدمان را تحقق بخش،ما دانستیم که با کردارمان سزاوار چه خواهیم بود،ولی دانش تو دربارۀ ما،و و آگاهی ما به اینکه ما را از درگاهت نمیرانی،گرچه ما سزاوار رحمتت نیستیم ولی تو شایستۀ آنی که بر ما و بر گنهکاران به فضل گسترده ات جود کنی،پس آن گونه که شایستۀ آنی بر ما منّت گذار،و بر ما جود کن،که ما نیازمند به عطای توییم،ای آمرزگار،به نور تو هدایت شدیم،و به فضل تو بی نیاز گشتیم،و به نعمتت بامداد نمودیم و شامگاه کردیم،گناهان ما پیش روی توست،خدایا از گناهانمان از تو آمرزش می خواهیم،و به سوی تو باز می گردیم،تو با نعمتها به ما مهر می ورزی و ما با گناهان با تو مقابله می کنیم،خیرت به سوی ما سرازیر است،و بدی ما به سوی تو بالا می آید،همواره فرشتۀ کریمی،از ما کردار زشت به جانب تو می آید،و این امر مانع نمی شود از اینکه ما را با نعمتهایت فراگیری، و به عطاهای برجسته ات بر ما تفضّل نمایی،منزّهی تو،چه بردبار و بزرگ و کریمی،آغاز کنندۀ به نیکی و

ص:308

و تکرار کنندۀ آنی،نامهایت مقدس،و ثنایت عظیم،و رفتارها و کردارهایت کریمانه است،خدایا،فضلت گسترده تر،و بردباری ات بزرگ تر از آن است که مرا به کردار ناپسند و خطاکاری ام بسنجی،پس گذشت نما،گذشت نما، گذشت نما،آقای من،آقای من.ما را به ذکرت مشغول کن،و از خشمت پناه ده،و از عذابت نجات بخش،و از مواهبت روزی کن،و از فضلت بر ما انعام فرما،و زیارت خانه ات، و زیارت مرقد پیامبرت را روزی ما کن،صلوات و رحمت و مغفرت و رضوانت بر پیامبر و خاندانش، تو نزدیک و جواب دهنده هستی،عمل به طاعتت را روزی ما گردان،و ما را بر دینت و بر روش پیامبرت (درود خدا بر او و خاندانش)بمیران.خدایا من و پدر و مادرم را بیامرز و به هر دو آنها رحم کن،چنان که مرا به گاه کودکی پروردند،احسان هر دو را به احسان،و بدیهایشان را به آمرزش پاداش ده.خدایا مردان و زنان مؤمن را بیامرز،چه زنده و چه مردۀ آنها را،و بین ما و آنان با نیکیها پیوند ده.خدایا بیامرز زنده و مردۀ ما را، حاضر و غائب ما را،مرد زن ما را،کوچک و بزرگ ما را،آزاد و غیر آزاد ما را،برگشتگان از خدا دروغ گفتند،و گمراه شدند گمراهی دوری،و زیان کردند،زیانی آشکار.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست، و برایم ختم به خیر فرما،و مرا از آنچه که بی قرارم کرده از کار دنیا و آخرتم کفایت کن،و کسی که مرا رحم نمی کنم بر من چیره مساز، و بر من از سوی خود نگهبانی همیشگی قرار ده،و از من شایسته های آنچه را که انعام کردی مگیر،و از فضلت روزی

گسترده حلال پاکیزه نصیب من کن.خدایا به نگهبانی ات مرا نگهبانی کن،و به نگهداری ات مرا نگهدار و به پاسداری ات از من پاسداری فرما،و زیارت خانه ات را در این سال و در هر سال،و زیارت مرقد پیامبرت و امامان(درود بر آنان)را روزی من کن،پروردگارا از این مشاهد پر شرف و مواقف بس گرامی مرا محروم مساز.خدایا به من روی آور تا نافرمانی ات نکنم،و خیر و عمل به آن وحشت از خویش را در شب و روز،تا گاهی که زنده ام می داری ای پروردگار جهانیان به من الهام فرما.خدایا هرگاه گفتم مهیا و آماده شدم و در پیشگاهت به نماز ایستاد و با تو راز گفتم،چرتی بر من افکندی،آنگاه که وارد نماز شدم،و حال راز گفتن را از من گرفتی آنگاه که با تو راز و نیاز کردم،مرا چه شده؟هرگاه گفتم نهانم شایسته شد،و جایگاهم به جایگاه توبه کنندگان نزدیک گشته برایم گرفتاری پیش آمد،بر اثر آن گرفتاری پایم لغزید،و میان من و خدمت به تو مانع شد سرور من شاید مرا از درگاهت رانده ای،و از خدمتت عز نموده ای،یا مرا دیده ای که حقّت را سبک می شمارم پس از پیشگاهت دورم ساختی،یا شاید مرا روی گردان از خود مشاهده کردی،پس مرا مورد خشم قرار دادی یا شاید مرا در جایگاه دروغگویان یافتی،پس به دورم انداختی،یا شاید مرا نسبت به نعمتهایت ناسپاس دیدی،پس محرومم نمودی،یا شاید مرا از همنشینی دانشمندان غایب یافتی،پس خوارم نمودی،یا شاید مرا در گروه غافلان دیدی،پس از رحمتت ناامیدم کردی،یا شاید مرا انس یافته با مجالس بیکاره ها دیدی.پس مرا به آنان واگذاشتی،یا شدی دوست نداشتی

ص:310

دعایم را بشنوی پس دورم نمودی،یا شاید به خاطر جرم و جنایتم کیفرم نمودی،یا شاید برای کمی حیایم از تو مجازاتم نمودی،پس اگر پروردگارا عفو کنی،سابقه اینکه از گناهکاران پیش ار من گذشته ای طولانی است،زیرا کرمت پروردگارا از مجازات اهل تقصیر بسیار بزرگ تر است،و من پناهنده به فضل توام،از تو به تو گریزانم، خواهان چیزی هستم که وعده داده ای.و آن چشم پوشی از کسانی است که به تو گمان نیک برده اند،خدایا فضل تو گسترده تر،و بردباری ات بزرگ تر از آن است که مرا به کردارم بسنجی،یا به خطایم بلغزانی،ای آقایم من چیستم،و چه ارزشی دارم، سرور من مرا به فضلت ببخش،و با گذشت بر من کرم فرما،و به پرده پوشی ات خطاهایم را بپوشان،و به کرم وجودت از توبیخم درگذر،آقای من منم کودکی که پروریدی،منم نادانی که دانا نمودی،منم گمراهی که هدایت کردی،منم افتاده ای که بلندش نمودی،منم هراسانی که امانش دادی،و گرسنه ای که سیرش نمودی،و تشنه ای که سیرابش کردی،و برهنه ای که لباسش پوشاندی،و تهیدستی که توانگرش ساختی،و ناتوانی که نیرومندش نمودی،و خواری که عزیزش فرمودی،و بیماری که شفایش دادی، و خواهشمندی که عطایش کردی،و گنهکاری که گناهش را بر او پوشاندی،و خطاکاری که نادیده اش گرفتی،و اندکی که بسیارش فرمودی،و ناتوان شمرده ای که یاری اش دادی،و رانده شده ای که مأوایش بخشیدی،من پروردگارا کسی هستم که در خلوت از تو حیا نکردم،و در آشکار از تو ملاحظ ننمودم،منم صاحب مصیبتهای بزرگ،منم

ص:311

آنکه بر آقایش گستاخی کرد،منم آنکه جبّار آسمان را نافرمانی کرد،منم آنکه بر معاصی بزرگ رشوه دادم،منم آنکه هرگاه به گناهی مژده داده می شدم شتابان به سویش می رفتم،منم آنکه مهلتم دادی باز نایستادم،و بر من پرده پوشاندی حیا نکردم،و مرتکب گناهان شدم و از اندازه گذراندم و مرا از چشمت انداختی،اهمیت ندادم،پس با بردباری ات مهلتم دادی،و با پرده پوشی ات مرا پوشاندی تا آنجا که گویی مرا از یاد برده ای،و از مجازات گناهان برکنارم داشته ای،گویا تو از من حیا کرده ای!!خدایا،آنگاه که نافرمانی کردم نافرمانی ات نکردم چنان که پروردگاری ات باشم،و نه چنان که سبک شمارندۀ فرمانت باشم،و نه با گستاخی در معرض کیفرت قرار گیرم، و نه تهیدست را ناچیز شمارم،ولی خطایی بود که بر من عارض شد و نفسم آن را برایم آراست،و بدبختی ام مرا بر آن یاری نمود،و پردۀ افتاده ات بر من مغرورم نمود،در نتیجه با کوششم نافرمانی ات نمودم و به مخالفتت برخاستم اکنون چه کس مرا از عذابت نجات می دهند،و فردا از چنگ ستیره جویان و دشمنی کنندگان چه کسی رهایم می کند،و به رشتۀ چه کسی بپیوندم اگر تو رشته ات را از من بگسلی،مرا چه رسوایی بزرگی است از آنچه کتاب تو از کردارم در شمار آورده،اگر امیدوار به کرم فراوانی رحمتت نبودم،و هم اینکه مرا از ناامیدی نهی نموده ای هرآینه ناامید می شدم به هنگامی که گناهانم را بیاد می آوردم،ای بهترین کسی که خواننده ای او را خواند،و برترین کسی که امیدواری به او امید بست.خدایا به پیمان اسلام به تو توسّل می جویم،و به حرمت قرآن بر تو تکیه می کنم،و به محبّتم نسبت به پیامبر درس ناخواندۀ قریشی هاشمی

عربی تهامی مکّی مدنی،همجواری نزد تو را امید می نمایم،پس انس ایمانی مرا در عرصهٔ وحشت نینداز،و و پاداش مرا،پاداش کسی که غیر تو را عبادت کرده قرار مده،چه اینکه مردمی به زبانشان ایمان آوردند تا جانشان را به این وسیله حفظ کنند،پس به آنچه آرزو داشتند رسیدند،و ما با زبان و دلمان به تو ایمان آوردیم،تا از ما درگذری،پس ما را به آنچه آرزومندیم برسان،و امیدت را در سینه هایمان استوار کن،و دلهایمان را پس از آنکه هدایتمان فرمودی گمراه مکن،و از جانب خود ما را ببخش،که تو بسیار بخشنده ای،به عزتت سوگند اگر مرا برانی،از درگاهت نخواهم رفت،و از چاپلوسی نسبت به تو باز نخواهم ایستاد،به خاطر الهامی که از معرفت به کرمت و گستردگی رحمتت به قلب من شده،بنده به جانب چه کسی جز مولایش می رود؟و آفریده به چه کسی جز آفریدگارش پناه می برد؟خدایا،اگر مرا با زنجیر ببندی،و عطایت را در میان مردم از من بازداری،و بر رسواییهایم دیدگان بندگانت را بگشایی،و مرا به سوی دوزخ فرمان دهی، و بین من و نیکان پرده گردی،امیدم را از تو نخواهم برید،و آرزویم را از عفو تو باز نخواهم گرداند، و محبتت از قلبم بیرو ن نخواهد رفت،من فراوانی عطایت را نزد خود،و پرده پوشی ات را در دار دنیا بر گناهانم فراموش نخواهم کرد،ای آقای من محبت دنیا را از دلم بیرون کن،و میان من و مصطفی پیامبرت و خاندانش،بهترین برگزیدگان از آفریدگانت و پایان بخش پیامبران محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)جمع کن،و مرا به مقام توبه به پیشگاهت برسان، و هر گریه بر خویشتن مرا یاری ده،من عمرم را به امروز و فردا کردن و آرزوهای باطل نابود ساختم،و اینک به جایگاه

به ناامیدان از خیر و صلاح فرود آمده ام،پس بدحال تر از من کیست؟اگر من بر چنین حالی به قبرم وارد شوم،قبری که آن را برای خواب آماده نساخته ام،و برای آرمیدن به کار نیک فرش ننموده ام،و مرا چه شده که گریه نکنم،و حال آنکه نمیدانم بازگشت من به جانب چه خواهد بود،من نفسم را می نگرم که با من نیرنگ می بازد،و روزگار را مشاهده می کنم که مرا می فریبد،و حال آنکه بالهای مرگ بالای سرم به حرکت درآمده،پس مرا چه شده که گریه نکنم،گریه می کنم برای بیرون رفتن جان از بدنم،گریه می کنم برای تاریکی قبرم،گریه می کنم برای تنگی لحدم،گریه می کنم برای پرسش دو فرشتۀ قبر منکر و نکیر از من،گریه می کنم برای درآمدنم از قبر عریان و خوار،درحالی که بار سنگینی را بر دوش می کشم،یک بار از طرف راست و بار دیگر از جانب چپم نگاه می کنم،هنگامی که مردمان در کاری جز کار منند،چه برای هرکسی از آنان در آن روز کاری است که او را بس است،چهره هایی در آن روز روشن و خندان خوشحال اند،و چهره هایی در آن روز بر آنها غبار بدفرجامی نشسته،و سیاهی و خواری آنها را پوشانده،ای آقای من،تکیه و اعتمادم و امید و توکلم بر تو،و آویختنم بر رحمت توست،هرکه را خواهی به رحمتت رسانی،و با کرامتت هرکه را دوست داری هدایت کنی،پس تو را سپاس بر اینکه قلبم را از شرک پاک نمودی،و برای تو سپاس بر گشودن زبانم،آیا با این زبان کندم تو را شکر کنم،یا با نهایت کوشش در کارم تو را خشنود نمایم،پروردگارا ارزش زبانم در کنار شکرت چیست،و قیمت کارم در برابر نعمتهایت و احسانت چه اندازه است؟ !خدایا،جودت آرزویم را گسترد،و سپاست عملم را پذیرفت،ای آقای من میلم به سوی توست،و ترسم از جانب توست،و آرزویم به

پیشگاه توست،آرزویم مرا به سوی تو کشانده و همّتم بر درگاه تو ای خدای یگانه معتکف شده،و رغبتم در آنچه نزد توست فزونی یافته،امید خالص و بیمم برای توست،و محبّتم به تو انس گرفته،و دستم را به جانب تو انداختم،و ترسم را به سوی رشتهٔ طاعت تو کشیدم،ای مولای من دلم به یاد تو زندگی کرد،و با مناجات با تو آتش هراس را بر خود سرد نمودم،ای مولایم و ای آرزویم و ای نهایت خواسته ام،میان من و گناهم جدایی انداز،گناهی که بازدارندهٔ من از ملامت طاعت توست،تنها از تو درخواست می کنم،به خاطر امید دیرینه به تو،و بزرگی طمع از تو، که از مهر و رحمت بر خود واجب کرده ای،پس فرمان تو راست،یگانه ای و شریکی نداری،و همهٔ خلق جیره خوار تو،و در دست قدرت تواند،و هر چیز برای تو فروتن است،منزّهی تو ای پروردگار جهانیان، خدایا به من رحم کن آنگاه که حجّتم بریده شود،و زبانم از پاسخت ناگویا گردد،و به هنگام بازپرسی ات هوش از سرم برود،ای بزرگ امیدم،زمانی که بیچارگی ام شدّت گیرد محرومم مکن،و به خاطر نادانی ام از درگاهت مران،و به علت کم تابی ام از رحمتت دریغ مفرما،به جهت تهیدستی ام عطایم کن،و به خاطر ناتوانی ام به من رحم کن،آقایم اعتماد و تکیه،امید و توکلم بر توست،و آویختنم به رحمت توست،و بارم را به آستان تو اندازم،و خواسته ام را به جود و کرم تو جویم،پروردگارا دعایم را آغاز می کنم،و رفع تنگدستی ام را به تو امید می بندم،و به توانگری تو ناداری ام را جبران می کنم،و ایستادنم زیر سایهٔ عفو توست،و به جانب جود و کرمت دیده ام را بلند می کنم،و به سوی احسانت نگاهم را ادامه می دهم،پس مرا به آتش

مسوزان،و حال آنکه تو جایگاه آرزوی منی،و در دوزخ جایم مده که تو نور چشم منی،ای آقای من گمانم را به احسان و نیکی ات تکذیب مکن که تویی مورد اطمینانم،و از پاداشت محرومم مگردان که تو عارف به تهیدستی منی خدایا اگر مرگم فرا رسیده و کردارم مرا به تو نزدیک نکرده پس اعتراف به گناهم را به پیشگاهت وسیلۀ عذرخواهی ام قرار دادم.خدایا اگر گذشت کنی،پس سزاوارتر از وجود تو به گذشت کیست،و اگر عذاب نمایی پس دادگرتر از تو در داوری کیست؟، در این دنیا به غربت،و به گاه مرگ به سختی جان دادنم،و در قبر به تنهایی ام،و در لحد به هراسم رحم کن،و زمانی که برای حساب در برابرت برانگیخته شدم و به خواری جایگاهم رحمت آور،و آنچه از کردارم بر انسانها پوشیده مانده بیامرز،و آنچه را که مرا به آن پوشاندی تداوم بخش،و به من در حال افتادن در بستر مرگ که دستهای دوستانم مرا این طرف و آن طرف کند رحم فرما،و به من محبت فرما در آن حال که روی تخت غسّالخانه به صورت درازا افتاده ام،و همسایگان شایسۀ مرا به این سو و آن سو برمی گردانند بر من تفضّل کن،و در وقت حمل شدنم که بستگانم گوشه های جنازه ام را به دوش برداشته اند،و در حالت حمل شدنم،که تنها در قبرم وارد پیشگاه تو شده ام بر من جود نما،و در این خانۀ جدید بر غربتم رحم کن،تا به غیر تو انس نگیرم ای آقای من،اگر مرا به خودم واگذاری هلاک شده ام،ای آقای من،اگر لغزشم را نادیده نگری از چه کسی فریادرسی خواهم،و به چه کسی پناه ببرم اگر عنایتت را در آرامگاهم نداشته باشم،و به چه کسی التجا برم اگر غم و اندوهم را برطرف نکنی؟،ای آقای من که را دارم و چه کسی بر من رحم می کند،اگر تو به من رحم نکنی،و احسان که را آرزو کنم،اگر احسان تو را روز بیچارگی ام نداشته باشم،

ص:316

و گریز از گناهان به سوی کیست،وقتی که عمرم سرآید؟ای آقای من،مرا عذاب مکن که امید به تو دارم،خدایا امیدم را تحقق بخش،و ترسم را ایمنی ده،زیرا من در عین فراوانی گناهانم امیدی جز به گذشت تو ندارم،ای آقای من چیزی را از تو درخواست دارم که شایستۀ آن نیستم،و تو اهل تقوا و آمرزشی،پس مرا بیامرز،و جامه ای از لطفت بر من بپوشان،که گناهانم را بر من بپوشاند،و آنها را بیامرزی و نسبت به آنها بازخواست نشوم،که تو داری کرم دیرینه،و چشم پوشی بزرگ و گذشت کریمانه ای.خدایا تویی که عطایت را پی درپی فروریزی،بر کسی که از تو درخواست نمی کند،و بر آنان که منکر پروردگاریت هستند،چه رسد آقای من بر کسی که از تو خواهش کرده و یقین نمود که آفرینش از تو و فرمان تنها به دست توست،منزّه و والایی ای پروردگار جهانیان،ای آقای من بنده ات به درگاه توست،تنگدستی او را پیش رویت قرار داده با دعایش در خانۀ احسانت را می کوبد،پس روی کریمانه ات را از من برمگردان،و آنچه می گویم از من بپذیر،من تو را به این دعا خواندم،امید دارم که به خاطر معرفتم به رأفت و مهرت مرا باز نگردانی.خدایا تویی آنکه پرسنده ای ناتوانت نکند،و عطاگیری از تو نکاهد،تو چنانی که خود گویی،و بالاتر از آنچه ما می گوییم.خدایا از تو صبری زیبنده،و گشایشی نزدیک و گفتاری درست و مزدی بزرگ درخواست میکنم پروردگارا از خیر تمامش را از تو می خواهم،آنچه را از آن دانسته ام و آنچه را ندانسته ام،خدایا از تو می خواهم بهترین چیزهایی را که بندگان شایسته ات از تو خواستند،ای بهترین کسی که از او خواسته می شود،و سخی ترین کسی که عطا فرمود،خواسته ام را در حق

خودم و خانواده ام و پدر و مادرم و فرزندانم و خاصانم و برادران دینی ام به من عطا کن،زندگی ام را گوارا گردان،مرّوتم را آشکار ساز،و همهٔ احوالم را اصلاح کن،و مرا از کسانی قرار ده که عمرش را طولانی کردی،و کردارش را نیکو ساختی،و نعمتت را بر او تمام کردی،و از او خشنود شدی،و او را به زندگانی پاکیزه زنده داشتی،در بادوام ترین خوشیها،و کامل ترین کرامتها و کامل ترین زندگیها،همانا تو هرچه را بخواهی انجام می دهی و جز تو هرچه را بخواهد توان انجام آن را ندارد.خدای از جانب خود مرا به ذکر خاصت اختصاص ده،و چیزی از آنچه که به وسیلهٔ آن به تو تقرّب می جویم را در همّ اوقات شب و روز وسیلهٔ ریا و شهرت خواهی و هوس رانی و طغیانگری قرار مده،و مرا از خاشعان درگاهت بگردان،خدای از تو می خواهم که به من عطا کنی:گشایش در روزی امنیّت در وطن،نوز چشم در خانواده و مال و اولاد،و پایداری در نعمتهایی که نزد من است،و تندرستی در جسم،و توانمندی در بدن،و سلامت در دین،و مرا به طاعتت و طاعت رسولت محمّد که درود خدا بر او و خاندانش باد،به کار گمار،همیشه و تا هنگامی که عمرم داده ای،و مرا از پر نصیب ترین بندگانت در نزد خود قرار ده،پر نصیب تر در هر خیری که فرو فرستادی،و در ماه رمضان در شب قدر نازل می کنی،و نازل کننده آنی در هر سال،از رحمتی که می گستری،و عافیتی که می پوشانی،و بلایی که دفع می کنی،و خوبیهایی که می پذیری، و بدیهایی که از آن درمی گذری،و در این سال و هر سال زیارت خانه ات را نصیبم فرما، و از فضل گسترده ات روزی فراخ ارزانی من کن،و بدیها را ای آقای من از من برگردان،و

بدیه مرا بپرداز و جبران ستمهایی که بر عهدهٔ من است را ادا فرما تا به خاطر چیزی از آنها آزار نبینیم و گوشها و دیدگان دشمنان و حسودان و متجاوزان بر من را از من برگیر،و مرا بر آنان پیروز کن،و چشمم را روشن فرما،و دلم را شادی بخش و برایم از اندوه و غم گشایش و بیرون رو قرار ده،و هرکه از میان مخلوقاتت نسبت به من به بدی قصد کرده،و زیر گامم قرار ده،و مرا از گزند شیطان و گزند پادشاه و بدیهای کردارم کفایت کن،و از همهٔ گناهان پاکم فرما،و به گذشتت از آتش امانم ده،و به رحمتت به بهشت واردم کن،و به احسانت از حور العین به همسری ام در آور،و مرا به دوستان شایسته ات محمّد و خاندانش آن خوبان و نیکان پاکیزه و پاک ملحق کن،درود بر آنان و بر تنها و جانهایشان،و رحمت خدا و برکاتش بر ایشان،خدای ای آقای من،به عزّت و جلالت سوگند،اگر مرا به گناهانم پی جویی کنی،من تو را به عفوت پی می جویم و اگر مرا به پستی ام تعقیب نمایی،من تو را به کرمت می خواهم،و اگر به دوزخم دراندازی اهل دوزخ را به محبتم به تو آگاه می سازم.خدایم و آقایم اگر جز اولیا و اهل طاعتت را نیامرزی،پس گنهکاران به چه کسی پناه برند،و اگر جز اهل وفا را اکرام ننمایی،پس بدکاران از چه کسی فریادرسی خواهند؟،خدایا اگر مرا وارد دوزخ کنی این موجب خرسندی دشمن توست،و اگر مرا به بهشت وارد نمایی،این سبب خوشحالی پیامبر توست،و من به خدا سوگند این را می دانم،که دلشادی پیامبرت نزد تو،از خرسندی دشمنت محبوب تر است.خدایا از تو

درخواست می کنم که دلم را از محبت و خشیتت،و باور به کتابت،و ایمان به وجودت،و هراس از حضرتت،و اشتیاق به ذاتت پر کنی،ای دارای بزرگی و بزرگواری،دیدارت را محبوب من کن،و تو نیز مرا محبوب خود بدار،و در لقایت برای من آرامش و گشایش و کرامت قرار ده.خدایا مرا به شایستگان از بندگان گذشته ات ملحق ساز،و از شایستگان از آنان که در آینده اند قرار ده،و مرا بر راه شایستگان نگاهدار،و بر مخالفت با خواسته های نفسم یاری ده،آن گونه که شایستگان را بر مخالفت با خواسته های نفسانی یاری می دذهی،و کردارم را به نیکوترین وجه ختم کن،و پاداشم را در کارها به برکت رحمتت بهشت قرار ده،و بر شایسته ای آنچه عطا کردی یاری ام نما و ثابت قدمم کن،پروردگارا،و در ورطهٔ بدیهایی که از آنها نجاتم دادی باز مگردان،ای پروردگار جهانیان.خدایا ایمانی از تو درخواست می کنم،که پایانی جز دیدار تو نداشده باشد،بر آن ایمان پایدارم بدار تا زنده ام می داری و بر آن بیمران زمانی که مرا میمرانی،و بر آن برانگیز،هنگامی که مرا برمی انگیزی،و دلم را از ریا و شک و شهرت خواهی در دینت پاک فرما،تا عملم برای تو خالص باشد.خدایا از تو می خواهم که به من عطا کنی:بصیرت در دینت، و فهم در فرمانت،و آگاهی در علمت،و دو نصب از رحمتت،و پرهیزی که مرا از نافرمانیهایت بازدارد، و رخسارم را به فروغ نورت سپید کن،و رغبتم را در آنچه نزد توست قرار ده،و در راه خود و بر آئین پیامبرت درود خدا بر او و خاندانش بمیران.خدایا به تو پناه می آورم از کسالت و سرافکندی و اندوه و ترس و بخل و بی خبری و سنگدلی و ناداری و تهیدستی و بیچارگی و همهٔ بلاها

ص:320

و زشتیهای آشکار و پنهان،و به تو پناه می آورم از نفسی که قانع نمی شود،و از شکمی که سیر نمی گردد،و از قلبی که فروتنی نمی کند،و دعایی که به اجابت نمی رسد،و کرداری که سود نمی بخشد،پروردگارا برای حفظ جان و دین و مال و آنچه که نصیب من فرموده ای،از شیطان رانده شده به تو پناه می آورم،همانا تو شنوا و دانایی.خدایا به یقین جز تو احدی مرا پناه نمی دهد،و به جز تو پناهگاهی نمی یابم،پس هستی ام را در دامن عذابت قرار نده،و به هلاکت و شکنجه دردناک بازمگردان.خدایا از من بپذیر و نامم را پرآوازه کن،و درجه ام را بالا ببر،و بار گناهم را بریز،و مرا به اشتباهم یاد مکن،و پاداش به عبادت نشستن و گفتار و دعایم را خشنودی و بهشت قرار ده،پروردگارا،همه آنچه را از تو خواستم به من عطا فرما،و از احسانت بر من بیفزا،من مشتاق توام،ای پروردگار جهانیان،خدایا تو خود در قرآن فرمودی که از کسی که به ما ستم روا داشته گذشت کنیم،و ما بر خود ستم ورزیدیم،پس از ما درگذر،که حضرتت به گذشت از ما،شایسته تر از ماست،و هم فرمان دادی که فقیری را دست خالی از در خانه هایمان نرانیم،و من اکنون به گدایی از تو به درگاهت آمدم،پس مرا جز با روا شدن حاجتم باز نگردان و نیز به نیکی دربارۀ بردگانمان امر فرمودی،و هم اینک ما بردگان توییم،پس ما را از آتش دوزخ برهان،ای پناهگاهم به وقت غم و اندوه، ای فریادرس به هنگام سختی،به تو پناه آوردم،و از تو فریادرسی خواستم،و جز به تو پناه نمی آورم و جز از تو درخواست گشایش نمی کنم،پس به فریادم رس و گشایشی در کارم قرار ده،ای که اسیر را آزاد می کنی،و از گناه

فراوان می گذری،از من عمل اندک را بپذیر،و از گناه بسیارم درگذر،همانا تو مهربان و آمرزنده.خدایا ایمانی از تو می خواهم که دلم با آن همراه شود و باور صادقانه ای که بدانم هرگز چیزی به من نمی رسد،مگر آنچه که تو برایم ثبت کردی و مرا از زندگی به آنچه که نصیبم فرمودی خشنود بدار،ای مهربان ترین مهربانان.

[پنجم:این دعا را بخواند...]

پنجم:و همچنین شیخ فرموده:این دعا را در سحرها بخوان: ای توشه ام در اندوه بسیار،ای همراهم در سختیها،ای سرپرستم در گاه نعمت،ای هدفم در میل و رغبت،تو پوشانندۀ زشتی منی،تو ایمنی بخش هراس منی،تو درگذرنده از لغزش منی،پس خطایم را بیامرز.خدایا از تو فروتنی ایمان را پیش از خواری در دوزخ خواستارم،ای یگانه،ای یکتا،ای تکیه گاه حاجات،ای که نزاده و زاده نشده و هیچ همتایی ندارد،ای آنکه از روی محبت و رحمت به کسی که از او بخواهد عطا می کنی،و از روی فضل و کرم بر کسی که از او درخواست نکرد شروع به خیر می نماید،به حق کرم جاودانت بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و مرا رحمت گسترده و فراگیر بخش،که به سبب آن به خیر دنیا و آخرت برسم.

خدایا از تو آمرزش می جویم،برای گناهانی که پس از توبه از آنها،دوباره مرتکب آنها شدم،و از تو درخواست بخشش می کنم،برای هر عمل خیری که خالصانه برای تو انجام دادم،ولی آنچه برای رضای تو نبود.آمیخته به آن شد.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و از ستم و گناهم به بردباری و جودت درگذر،ای کریم،ای که گدایش را محروم نمی کند،و عطایش پایان ندارد،ای که برتر است و چیزی برتر از او نیست،و نزیک است،و چیزی نزدیکتر از او نمی باشد،خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،ای شکافندۀ دریا پیش

ص:322

روی موسی،همین شب،همین شب،همین شب،همین ساعت،همین ساعت،همین ساعت،خدایا دلم را از دورویی و کردارم را از ریا،زبانم را از دروغ،و دیده ام را از خیانت پاک کن،همانا تو از خیانت دیده ها و آنچه در سینه ها نهان است خبر داری،پروردگارا،این است جایگاه پناهنده به تو از آتش،این است جایگاه پناه خواه از تو از آتش،این است جایگاه دادخواه از تو از آتش،این است جایگاه گریزان به سوی تو از آتش،این است جایگاه کسی که از خطایش به تو بازگشته،و به گناهش اعتراف می کند،و به سوی پروردگارش توبه می نماید،این است جایگاه بینوای تهیدست،این است جایگاه هراسندۀ پناه جو،این است جایگاه اندوهناک غمگین،این است جایگاه دلگیر افسرده،این است جایگاه غریب غرق شده،این است جایگاه ترسندۀ هراسان،این است جایگاه کسی که برای گناهش آمرزگاری جز تو نیابد،و توان بخشی برای ناتوانی اش جز تو پیدا نکند،و برای اندوهش برگزیده ای جز تو نبیند، ای خدا ای کریم،چهره ام را به آتش مسوزان،آن هم پس از سجده ام برای تو،و به خاک ساییدن رویم به درگاهت،بی آنکه منّتی از من بر تو باشد،بلکه تو را بر من و سپاس و منّت و تفضّل است،رحم کن پروردگارا،پروردگارا،پروردگارا،آن قدر بگوید تا نفس قطع شود به ناتوانی ام و کمی تدبیرم،و نازکی پوستم،و از هم گسیختن بندهایم،و از هم پاشیدن گوشت و بدن،و پیکرم، و تنهایی و هراسم در قبر،و بی تابی ام از بلای کوچک،از تو درخواست می کنم،پروردگارا،ای نور چشم و خوشحالی روز اندوه و ندامتم،پروردگارا چهره ام را سپید کن آن روز که چهره ها سیاه می شود،از هول

بزرگ تر امانم ده،از تو درخواست مژده می کنم برای روزی که دلها و دیده ها زیر و رو می شود،و به هنگام جدا شدن از دنیاخاهان بشارتم،سپاس خدای را که به یاری او در زندگی ام امید دارم،و او را چونان اندوختهٔ روز تهیدستی ام مهیّا می سازم سپاس خدای را که او را می خوانم،و جز او را نمی خواهم،اگر جز او را می خواندم،خواندنم بی پاسخ می ماند،سپاس خدای را که به او امید می بندم و به غیرش امید ندارم،اگر به جز او امید می بستم،ایمدم ناامید می شد،سپاس خدای را،خدای نعمت بخش نیکوکار زیباکردار فزون بخش دارای بزرگی و اکرام،سرآغاز هر نعمت،و صاحب هر خوبی،و نهایت هر رغبت،و برآورنده هر نیاز.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و باور نیکو و خوش گمانی به خویش را نصیبم کن،و امیدت را در دلم استوار گردان،و رشتهٔ امیدم را از غیر خودت ببر،تا به غیر تو امید نبندم،و جز به تو اعتماد ننمایم،ای لطف کننده به هر موجودی که خواهی،در همهٔ احوالم آن گونه که می پسندی و خشنود می شودی به من لطف کن،بار پروردگارا در برابر آتش ناتوانم،پس مرا به آتش کیفر مکن،پروردگارا به دعا و زاری و ترس و خواری و مسکنت و پناهندگی و پناه جویی ام رحم فرما،ای ز پروردگار من از طلب دنیا درمانده ام،و تو وسعت بخش و کریمی،از تو درخواست می کنم پروردگارا به توانایی ات بر این کار،و نیرویت بر آن،و بی نیازی ات از آن،و نیاز من به آن،که در این سال و این ماه،و این روز و این ساعت روزی نصیبم کنی،که به سبب آن از به زحمت افتادن نسبت به آنچه در اختیار مردم است بی نیازم نمایی،آری از روزی حلال و پاکیزه ات روزی ام کن،ای

ص:324

پروردگارم از تو درخواست می کنم،و به سوی تو میل می نمایم،و به تو امید دارم که تو سزاوار آنی،و به غیر تو امید نمی بندم،و جز تو به کسی اطمینان نمی نمایم،ای مهربان ترین مهربانان،پروردگارا بر خود ستم کردم،پس مرا بیامرز و به من رحم کن و سلامت کاملم بخش،ای شنوندۀ هر صدا،ای جمع آورندۀ هرچه از دست رفته،ای آفرینندۀ جانها پس از مرگ،ای که تاریکیها او را نپوشاند،و صداها بر او مشتبه نشود،و چیزی او را از چیز دیگر منصرف نکند، به محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)عطا کن برترین چیزی را که از تو خواسته،و برترین چیزی را که از تو درخواست شده،و برترین چیزی را که از تو برای او تا روز قیامت درخواست شود،و مرا تندرستی کامل عنایت فرما،تا زندگی برایم گوارا باشد،و کارم را به خیر پایان ده تا گناهانم به من زیانی نرساند.خدایا به آنچه که نصیبم فرمودی خشنودم ساز،تا چیزی از کسی نخواهم.

خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و خزانه های رحمتت را به رویم باز کن،و به من رحم کن رحمتی که هرگز پس از آن، در دنیا و آخرت عذابم نکنی،و از فضل گسترده ات روزی حلال پاکیزه ای نصبم فرما،که پس از آن به احدی جز خود نیازمندم نکنی،و به سبب آن رزق و روزی بر سپاسم بیفزایی،و درماندگی نیازم را به جانب خود زیاد کنی،و به تو بی نیازی و خویشتن داری ام از غیر تو افزون گردد،ای نیکوکار،ای زیباکردار،ای نعمت بخش،ای افزون ده،ای زمامدار،ای توانا،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و همۀ کارهای مهمّ ما را کفایت فرما،و بر من به حسن عاقبت داوری کن،و در همۀ امور به من برکت بخش،و تمام حاجاتم را برآور.خدایا سختی را آنچه را می ترسم بر من آسان کن،به یقین آسان کردن آنچه من از سختی اش می هراسم

ص:325

بر تو هموار و ساده است،و آنچه از ناهمواری اش می ترسم بر من هموار ساز،و آنچه از تنگی اش وحشت دارم،از من بردار، و آنچه را از اندوهش ترسانم،از من بازدار،و آنچه را از بلایش خوفناکم،از من بازگردان،ای مهربان ترین مهربانان.خدایا دلم را از محبت به حضرتت،و ترس از خویش و باور به خود و ایمان به هستی ات و هراس از خود،و شوق به سویت آکنده کن،ای دارای بزرگی و بزرگواری.خدایا تو را بر من حقوقی است،آنها را بر من ببخش،و هم برای مردم بر عهدهٔ من ستمهای ناخواسته ای است ادای آنها را از جانب من بر عهده گیر،تو برای هر میهمانی پذیرایی واجب کردی،و من میهمان توام پس پذیرایی مرا در این شب بهشت قرار ده،ای بخشندهٔ بهشت،ای بخشایندهٔ آمرزش،جنبش و نیرویی جز به تو نیست

[ششم:دعای ادریس را بخواند]

ششم:دعای ادریس را که شیخ طوسی و سیّد ابن طاووس روایت کرده اند می خوانی.برای متن کامل آن به کتاب «مصباح»یا«اقبال»مراجعه کنید.

[هفتم:این دعا را که مختصرترین دعا از دعاهای سحر است بخواند...]

هفتم:این دعا را که مختصرترین دعا از دعاهای سحر است،و در کتاب«اقبال» آمده بخوان:

ای پناهگاهم در غم و اندوه،ای دادرسم در دشواریها،به تو پناه آوردم و از تو دادخواهی نمودم،و پناه جوی تو شدم،و به دیگری پناه نمی برم،و گشایش در کارم را جز از تو نخواهم،پس به فریادم رس،و در کارم گشایش ده،ای که عمل اندک را می پذیری،و از گناه بسیار در می گذری،عبادت اندک را از من بپذیر،و گناه بسیار را از من درگذر،زیرا تو آمرزندهٔ مهربانی.

خدایا از تو ایمانی می خواهم که دلم با آن همراه باشد،و باوری می جویم که بدانم هرگز چیزی به من نمی رسد،جز آنچه تو برایم نوشتی مرا از زندگی به آنچه نصیبم فرمودی خشنود ساز،ای مهربان ترین مهربانان،ای توشه ام در غم و اندوه،ای همراهم

ص:326

در سختیها،ای سرپرستم در نعمتها،و ای هدف میل و رغبتم،تو پوشانندۀ زشتی من،و ایمنی بخش هراس من،و درگذرندۀ لغزش منی،خطایم را بیامرز،ای مهربان ترین مهربانان.

[هشتم:این تسبیحات را که در کتاب اقبال آمده بخواند...]

هشتم:این تسبیحات را که در کتاب اقبال آمده بخوان:

منزّه است آنکه قوای پنهانی دلها را می داد،منزّه است آنکه عدد گناهان را بر می شمارد،منزّه است آنکه پوشیده ای در آسمانها و زمینها برای او پوشیده نمی ماند،منزّه است پروردگار پرمهر و محبّت،منزّه است آن یگانه و فرد منزّه است بزرگ بزرگ تر،منزّه است آنکه بر اهل فرمانروایی اش ستم نمی ورزد،منزّه است آنکه اهل زمین را به عذابهای گوناگون کیفر نمی کند،منزّه است آن مهربان نعمت بخش،منزّه است آن رئوف مهربان،منزّه است آن جبّار سخاوتمند،منزّه است آن کریم بردبار،منزّه است آن بینای دانا،منزّه است آن بینای وسعت بخش،منزّه است خدا بر روی آوردن روز،منزّه است خدا بر روی گرداندن روز،منزّه است خدا بر روی گرداندن شب و روی آوردن روز،برای اوست سپاس و بزرگواری و بزرگی و کبریایی،همراه هر نفس و هر چشم برهم زدن و هر برق نگاه که در علم او گذشته، منزّهی تو به انباشتگی آنچه کتابت بر شمرده،منزّهی تو به سنگینی عرشت،منزّهی تو،منزّهی تو.

آگاه باش:علما فرموده اند:اگر پس از خوردن سحر نیّت روزه کند بهتر است،هرچند از آغاز شب تا پایان شب می توان نیّت روزه کرد و بلکه همین که می داند،و قصدش این است که فردا برای خدا روزه می گیرد،و از مفطرات خوداری می کند کافی است،و شایسته تر است که نماز شب را در سحرها ترک نکند،و شب زنده داری را بجا آورد.

ص:327

بخش چهارم:اعمال روزهای ماه رمضان

اشاره

و آن چند عمل است:

[اوّل:این دعا را هر روز بخواند...]

اوّل:دعایی را که شیخ طوسی و سیّد ابن طاووس روایت کرده اند هر روز بخواند:

خدایا این ماه رمضان است،که قرآن را در آن فرو فرستادی،برای راهنمایی مردم،و دلایلی روشن از هدایت و تمیز بین حق و باطل،و این است ماه روزه،و این است ماه بپاداری نماز،و این است ماه بازگشت،و این است ماه توبه،و این است ماه آمرزش و رحمت،و این است ماه رهایی از آتش دوزخ و رسیدن به بهشت،و این ماهی است که شب قدر در آن است شبی که از هزار ماه بهتر است.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.و مرا بر روزه و شب زنداری در این ماه یاری فرما،آن را برایم سالم بدار و مرا بر آن سلامتی ده،و مرا بر آن به بهترین یاری ات یاری ده،و مرا در آن بر طاعتت و طاعت رسول و اولیایت که درود خدا بر آنان توفیق ده،و در آن برای بندگی ات و و خواندن دعا و تلاوت قرآنت فراغتم بخش،و در این ماه برکت را برایم بزرگ گردان،و تندرستی ام را در آن نیکو بدار و تنم را در آن قرین سلام فرما،و روزی ام را در وسعت بخش،و آنچه برایم در آن مهم است کفایت کن، و دعایم را در آن اجابت فرما،و به آرزویم برسان.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و در این ماه از من برطرف کن:خواب آلودگی و کسالت و خستگی و سستی و قساوت و غفلت و غرور را،و در این ماه برکنارم دار از دردها و بیماریها و اندوهها و غصّها و پیش آمدها و مریضیها و خطاها و گناهان،

و در این ماه از من دور کن بدی و زشتکاری و رنج و بلا و زحمت و مشقت را،همانا تو شنوای دعایی.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و پناهم ده در این ماه از شیطان رانده شده و عیب جویی و اشاره به زشتی و سحر و دمیدن و وسوسه انگیزی و بازداشتن و نیرنگ و مکر و دامها و فریبها و آرزوها و گول زدنها و فتنه انگیزیها و دام گستریها و دارودسته و پیروان و دنباله روها و دوستان و شریکانش و تمام حیله گریهایش خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و روزی ما کن شب زنده داری و روزه ماه رمضان را،و رسیدن به آرزوهایمان را در این ماه و بپاداری نماز و کامل کردن آنچه که تو را از من خشنود سازد،که همانا صبر و خوش خویی و ایمان و باور است،سپس آن را از من بپذیر به چند برابر بیشتر،و مزدی بزرگ،ای پروردگار جهانیان.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و روزی ام گردان حج و عمره،و کوشش و نیرو،و شادابی و بازگشت به سوی حق و توبه کردن و مقام قرب و خیر پذیرفته و رغبت به بهشت،و ترس از دوزخ،و زاری و خشوع،و پاک دلی،و نیّت صادقانه و درستی زبان،و بیم از خود،و امید به خویش و اعتماد بر خود،و اطمینان به خویش و پرهیز از محرمات همراه با گفتار شایسته،و سعی پذیرفته،و عمل بالا رفته و دعای اجابت شده را و میان من و اینها فاصله نگذار به حادثه ای و مرضی و نه اندوهی و غمی و دردی و غفلتی و فراموشی بلکه عنایتی کن که با عهده پذیری و خویشتن داری برای تو و دربارهٔ تو،و رعایت حق تو،و وفا کردن به پیمان

ص:329

و وعده ات کارم سامان پذیرد،به حق رحمتت ای مهربان ترین مهرابانان.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و در این ماه روزی من گردان برترین چیزی که آن را نصیف بندگان شایسته ات می کنی،و به من عطا کن در آن برترین چیزی را که عطا می کنی به اولیای مقرّبت از رحمت و آمرزش،و مهربانی و اجابت دعا،و عفو و مغفرت همیشگی،و سلامتی کامل و تندرستی دنیا و آخرت و آزادی از آتش دوزخ و رسیدن به بهشت و خیر دنیا و آخرت.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و دعایم را در این ماه به پیشگاهت برسان،و رحمت و خیرت را در ای ماه بر من فرو فرست،و عملم را در آن مقبول و سعیم را پذیرفته،و گناهم را آمرزیده قرار ده،تا سهمم در این ماه بیشتر،و بهره ام کامل تر گردد.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و مرا در این ماه برای درک شب قدر توفیق ده،به برترین حالی که دوست داری یکی از اولیایت بر آن حال باشد و پسندیده ترین حال برای تو،سپس شب قدر را برای من بهتر از هزار شب قرار ده، و در آن شب به من روزی کن برترین چیزی که روزی کردی یکی از کسانی که او را به آن روزی رساندی،و به آن گرامی اش داشتی،و در آن شب قرارم ده از آزادشدگانت از دوزخ،و رهاشدگانت از آتش،و سعادتمندان از خلقت به مغفرت و رضوانت،ای مهربان ترین مهربانان.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و روزی ما کن در این ماه کوشش و تلاش و توانمندی و شادابی و آنچه دوست داری و می پسندی.خدایا ای پروردگار سپیده دم و شبهای ده گانه و زوج و فرد و پروردگار ماه رمضان و آنچه از قرآن در آن نازل کردی،و پروردگار جبرییل و

ص:330

میکائیل،و اسرافیل،و عزراییل و تمام فرشتگان مقرّب،و پروردگار ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب،و پروردگار موسی،و عسی و همهٔ پیامبران و رسولان،و پروردگار محمّد خاتم پیامبران،درودهایت بر او و بر همهٔ آنان باد،و از تو درخواست می کنم به حقّت بر ایشان و به حق ایشان بر تو،و به حق بزرگت که درود فرستی بر او و خاندان او و بر همهٔ آنان،و نظر کنی بر من نظری از روی مهر که به آن نظر از من خشنود شوی،خشنودشدنی که هرگز پس از آن خشمی بر من نباشد،و عطا کنی به من همهٔ خواهش و رغبت و آرزو و خواسته ام را،و از من بگردانی آنچه را ناخوش دارم و از آن پرهیز می کنم،و می ترسم و نمی ترسم بر خود،و نیز همهٔ آنها را بگردانی از خانواده و مال و برادران و فرزندانم.خدایا از گناهانمان به جانب تو گریختم،ما را درحالی که توبه کننده ایم جای ده،و توبه مان را درحالی که آمرزش طلبیم بپذیر،و درحالی که پناهنده ایم بیامرز،و درحالی که پناه جوییم پناهمان ده،و درحالی که تسلیمیم نجاتمان بخش،و درحالی که،هراسناکیم وامگذار،و درحالی که مشتاقیم امانمان ده،و درحالی که خواهنده ایم شفاعتمان را بپذیر و به ما عطا کن که تو شنوای دعایی و نزدیک و اجابت کننده ای.خدایا تویی پروردگارم و من بندهٔ توام،و شایسته ترین کسی که بنده از او بخواهد پروردگار اوست بندگان درخواست نکردند از کسی که در کرم وجود چون تو باشد،ای بارگاه شکوه سائلان،ای نهایت حاجت راغبان،ای فریادرس دادخواهان،ای اجابت کنندهٔ دعای بیچارگان،ای پناهگاه گریختگان ای دادرس دادخواهان،ای پروردگار مستضعفان ای برطرف کنندهٔ اندوه غمزدگان،ای گشایندهٔ اندوه اندوهندگان،ای

برطرف كنندۀ گرفتارى بزرگ،اى خدا،اى بخشنده،اى مهربان،اى مهربان ترين مهربانان درود فرست بر محمّد،و خاندان محمّد و گناهان و عيبها و بدرفتارى و ستم و جرم و زياده روى مرا بر خودم بيامرز،و از فضل و رحمتت روزى من كن،كه آن را كسى جز تو مالک نيست،از من درگذر،و همۀ آنچه از گناهانم گذشته بيامرز،و در باقيماندۀ عمرم مرا حفظ كن،و پرده پوشى كن بر من و پدر و مادر و فرزندان و نزديكان و اهل و عيالم،و هركه به من نسبت داشته از مردان و زنان مؤمن در دنيا و آخرت،زيرا همۀ اين امور به دست توست، و تو گسترندۀ آمرزشى اى آقاى من مرا محروم مكن،و دعايم را بدون اجابت و دستم را خالى به سوى سينه ام بازنگردان، تا آنچه را خواستم در حقم انجام دهى،و همۀ درخواستهايم را اجابت نمايى،و از احسانت بر من بيفزايى،كه تو به هر چيز توانايى،مشتاق به سوى توييم،خدايا نامهاى نيكو،و نمونه هاى برتر،و بزرگمنشى و نعمتها براى توست،از تو درخواست مى كنم به حق نامت«بسم اللّه الرّحمن الرّحيم»اگر در اين شب فرود آمدن فرشتگان و روح را حتم كرده باشى،اينكه بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستى،و قرار دهى نامم را در شمار خوشبختان و روحم را با شهيدان،و كار نيكم را در برترين جاى بهشت،و بدكارى ام را آمرزيده، و بر من ببخشى باورى كه دلم با آن همراه باشد،و ايمانى كه به دودلى آميخته نشود،و خشنودى به آنچه نصيبم نمودى،و به من

در دنیا نیکی و در آخرت نیکی عنایت کن،و از شکنجهٔ دوزخ حفظ فرما،و اگر نزول فرشتگان و روح را در این شب حتم نکرده باشی،عمر مرا تا آن زمان به تأخیر انداز،و در آن شب ذکر و شکر و طاعتت و نیکو بندگی کردنت را روزی من کن،و بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست به برترین درودهایت ای مهربان ترین مهربانان،ای یکتا،ای مقصود نیازمندان،ای پروردگار محمّد،امروز به خاطر محمّد و خوبان از عترش خشم کن، و دشمنانشان را در پریشانی و پراکندگانی به قتل برسان،و آنان را یک به یک برشمار،و بر روی زمین احدی از آنان را باقی مگذار،و و آنان را هرگز نیامرز،ای نیکو همنشین،ای جانشین پیامبران در کارهاشان،تو مهربان ترین مهربانانی،ای آغازگر آفرینش،ای آفریننده که چیزی مانند تو نیست،و جاودان غیر غافل،و زنده ای که هرگز نمی میرد،تو هر روز در کاری هستی،تو خلیفهٔ محمّد و یاور محمّد،و برتری دهندهٔ محمّدی،از تو می خواهم که یاری رسانی بر وصّی محمّد و جانشین محمّد،و قیام کننده به عدالت از جانشینان محمّد،درودت بر او و بر ایشان،یاری ات را متوّجه ایشان فرما،ای که معبودی جز تو نیست،به حق اینکه معبودی جز تو نیست،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و مرا در دنیا و آخرت همراه ایشان قرار ده،و پایان کارم را به آمرزش و رحمتت رسان.ای مهربان ترین مهربانان،و همچنان که ای آقای من خود را به لطیف بودن نسبت دادی،آری همانا لطیفی، پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و به هرچه خواهی بر من لطف کن.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و

و این سال حج و عمره روزی من گردان،و با برآوردن همهٔ حاجات دنیوی و اخروی ام بر من منّت گذار.

سپس سه مرتبه بگوید:از خدای پروردگارم درخواست آمرزش می کنم و به سوی او باز می گردم که پرودگارم نزدیگ و اجابت کننده است،از خداوند پروردگارم درخواست آمرزش می کنم و بسوی او باز می گردم که او مهربان و با محبّت است،از خدای پروردگارم درخواست آمرزش می کنم و بسوی او باز می گردم که بسیار آمرزنده است،خدایا مرا بیامرز که تو مهربان ترین مهربانانی،بار پروردگارا من بد کردم،و به خود ستم نمودم پس مرا بیامرز،که کسی جز تو گناهنان را نیامرزد،از خدا درخواست آمرزش می کنم که معبودی جز او نیست زنده و به خود پاینده است،بردبار و بزرگ و بخشنده و آمرزندهٔ گناهان بزرگ است،و به سوی او باز می گردم،از خدا درخواست آمرزش می کنم که همانا او آمرزنده و مهربان است.سپس این دعا را بخواند:خدایا از تو می خواهم بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و در آنچه حکم می کنی و مقدّر می نمایی از فرمان بزرگ حتمی در شب قدر،از حکمی که بازگشت و و تغییری برای آن نیست،اینکه مرا از زیارت کنندگان خانه کعبه بنویسی،آنان که حجّشان پذیرفته،و تلاششان قبول، و گناهانشان آمرزیده،و از بدیهایشان گذشت شده،و در آنچه که حکم می کنی،مقدّر فرمایی که عمرم را طولانی کنی، و در روزی ام وسعت بخشی،و امانت و دینم را ادا کنی،آمین ای پروردگار جهانیان،خدایا،در کارم گشایشت و راه نجاتی قرار ده،و از جایی که گمان می برم و از جایی که گمان نمی برم،مرا روزی بخش،و از جایی که خود را حفظ می کنم و از جایی که خود را حفظ نمی کنم مرا محافظت فرما،بر محمّد و خاندان محمّد درود و سلام بسیار

فرست.

[دوّم:در هر روز این تسبیحات را بخواند...]

دوّم:فرموده اند که این تسبحات را در همۀ روزهای ماه مبارک رمضان از اوّل تا آخر ماه بخوان و آن ده بخش است که هر بخش آن مشتمل بر ده«سبحان اللّه»است:

(1)منزۀ ه است خدا آفرینندۀ هر تنفس کننده،منزّه است خدای صورتگر،منزّه است خدای آفرینندۀ همۀ جفتها، منزّه است خدای قراردهندۀ تاریکیها و نور،منزّه است خدای شکافندۀ دانه و هسته،منزّه است خدای پدیدآورندۀ هر چیز،منزّه است خدای آفرینندۀ آنچه دیده می شود و آنچه دیده نمی شود،منزّه است خدای به امتداد کلمات بی پایانش منزّه است خدا پروردگار جهانیان،منزّه است خدای شنوا،که هیچکس شنواتر از او نیست،از بالای عرشش می شنود آنچه زیر هفت زمین است،و می شنود آنچه در تاریکیهای خشکی و دریاست،و می شنود ناله ها و شکوه ها را،و می شنود پنهان و پنهان تر را،و می شود وسوسه های نهان در سینه ها را، و شنوایی اش را هیچ صدایی کر نکند.(2)منزّه است خدای آفرینندۀ هر تنفس کننده،منزّه است خدای صورت آفرین منزّه است خدای آفرینندۀ همۀ جفتها،منزّه است خدای قراردهندۀ تاریکیها و نور،منزّه است خدای شکافندۀ دانه و هسته،منزّه است خدای آفرینندۀ هر چیز،منزّه است خدای آفرینندۀ آنچه دیده می شود،و آنچه دیده نمی شود،منزّه است خدای به امتداد کلمات بی پایانش،منزّه است خدا پروردگار جهانیان،منزّه است خدای بینا، که هیچکس بیناتر از او نیست،از بالای عرشش می بیند آنچه زیر هفت زمین است،و می بیند آنچه

ص:335

در تاریکیهای خشکی و دریاست،دیده ها او را درک نمی کند،و او دیده ها را درک می کند،و او مهربان و آگاه است،دیده اش را تاریکی نمی پوشاند،و چیزی از او با پوشش پوشیده نمی شود،و دیوار چیزی را از او پنهان نمی کند،و خشکی و دریا از او غایب نمی گردد و کوه آنچه را در ریشه دارد از او پنهان نمی دارد،و نه دلی آنچه را در نهاد خود دارد،و نه پهلویی آنچه را در دل دارد،و کوچک و بزرگی نمی تواند خود را از او پنهان کند،و چیز کوچکی به خاطر کوچکی اش نمی تواند از او پنهان شود،در زمین و آسمان چیزی بر او پنهان نیست،اوست که شما را به هرگونه که بخواهد در رحم ها صورت می بندد معبودی جز او نیست،نیرومند و فرزانه است.(3)منزّه است خدای آفرینندۀ هر تنفّس کننده،منزّه است خدای صورت آفرین،منزّه است خدای آفرینندۀ همۀ جفتها،منزّه است خدای قراردهندۀ تاریکیها و نور،منزّه است خدای شکافنده دانه و هسته،منزّه است خدای آفرینندۀ هر چیز،منزّه است خدای آفرینندۀ آنچه دیده می شود و آنچه دیده نمی شود،و منزّه است خدا به امتداد کلمات بی پایانش،منزّه است خدای پروردگار جهانیان،منزّه است خدای پدیدآورندۀ ابرهای گران و رعد به سپاس او تسبیح می گوید،و فرشتگان از بیمش و صاعقه ها را می فرستد و هرکه را بخواهد به آن دچار می کند،و بادها را مژده ای پیشاپیش باران رحمتش می فرستد،و با فرمانش آب را از آسمان نازل می کند و گیاه را با نیرویش می رویاند،و برگ درخت را به دانشش فرو می ریزد،منزّه است خدایی که به اندازۀ سنگینی غباری در زمین و آسمان از او پنهان نمی ماند،و نه کوچک تر از آن و نه بزرگ تر از آن چیزی نیست مگر در کتابی روشن نوشته است.

ص:336

(4)منزّه است خدای آفرینندۀ هر تنفس کننده،منزّه است خدای صورت آفرین،منزّه است خدای آفرینندۀ همۀ جفتها، منزّه است خدای قراردهندۀ تاریکیها و نور،منزّه است خدای شکافندۀ دانه و هسته،منزّه است خدای آفریننده هر چیز،منزّه است خدای آفرینندۀ آنچه دیده می شود و آنچه دیده نمی شود،منزّه است خدا به کشش کلمات بی پایانش،منزّه است خدا پروردگار جهانیان،منزّه است خدایی که می داند آنچه را هر مادری باردار است،و آنچه را رحم ها فرو برند و آنچه را بیفزایند،و هر چیز نزد او به اندازه است،دانای پنهان و آشکار است،بزرگ و والاست،برای او برابر است که کسی از شما آهسته سخن گوید یا بلند،و پنهان شونده در شب باشد یا راه رونده آشکار در روز،برای خدا فرشتگان پی گیری است پیش روی انسان و پشت سرش،که از او به فرمان خدا محافظت می کنند،منزّه است خدایی که می میراند زنده ها را،و زنده می کند مردگان را،و آگاه است آنچه را زمین از ایشان می کاهد،خدایی که در رحم ها قرار می دهند آنچه را بخواهد تا زمانی معیّن(5)منزّه است خدا آفرینندۀ هر تنفس کننده،منزّه است خدای صورت آفرین،منزّه است خدایی که همۀ جفتها را آفرید، آفرید،منزّه است خدای قراردهندۀ تاریکیها،و نور،منزۀ است خدای شکافنده دانه و هسته،منزّه است خدای آفرینندۀ آنچه دیده می شود و آنچه دیده نمی شود،منزّه است خدا به کشش کلمات بی پایانش،منزّه است خدا پروردگار جهانیان،منزه است خدا،دارنده پادشاهی،به هر که بخواهی پادشاهی می بخشی،و از هرکه بخواهی می ستانی،و به هرکه بخواهی عزت می دهی،و به هر که بخواهی به خاک ذلت می کشانی،خیر تنها بدست توست،توبه هر چیز توانایی،شب را وارد روز می کنی

ص:337

و روز را وارد شب می نمایی،زنده را از مرده،و مرده را از زنده بیرون می آوری،و به هرکه بخواهی بی حساب روزی می دهی.(6)منزّه است خدا آفریننده هر تنفس کننده،منزّه است خدای صورت آفرین،منزّه است خدا آفرینندهٔ همهٔ جفتها،منزّه است خدا قراردهندهٔ تاریکیها و نور،منزّه است خدا شکافنده دانه و هسته، منزّه است خدا آفرینندهٔ هر چیزی،منزّه است خدا آفرینندهٔ آنچه دیده نمی شود،منزّه است خدا به کشش کلمات بی پایانش،منزّه است خدا پروردگار جهانیان،منزّه است خدای یکه کلیدهای غیب نزد اوست،و آنها را کسی جز او نمی داند،و به هر چه در خشکی و دریاست علم دارد،و برگی از درخت نمی افتد مگر آنکه می داند،و نیست دانه ای در تاریکیهای زمین و نه تر و خشکی مگر اینکه در کتابی روشن نوشته است.(7)منزّه است خدا آفرینندهٔ هر تنفس کننده،منزّه است خدا صورت آفرین منزّه است خدا آفرینندهٔ همهٔ جفتها،منزّه است خدا قراردهندهٔ تاریکیها و نور،منزّه است خدا شکافنده دانه و هسته،منزّه است خدا آفرینندهٔ هر چیز،منزّه است خدا و آفرینندهٔ آنچه دیده می شود،و آنچه دیده نمی شود، منزّه است خدا به کشش کلمات بی پایانش،منزّه است خدا پروردگار جهانیان،منزّه است خدایی که مدح کنندگان نمی توانند مدحش را برشمارند،و سپاس گویان عبادت کننده توان پرداخت پاداش نعمتهایش را ندارند،و او چنان است که خود فرموده،برتر از آنچه ما می گوییم، و خدای پاک چنان است که خودش را ستوده،به چیزی از دانشش احاطه نمی یابند مگر به اندازه ای که خود خواسته،حکومتش آسمانها و زمین او را به زحمت نمی اندازد،و او والا و بزرگ است.(8)منزّه است خدا آفرینندهٔ هر تنفّس کننده،

منزّه است خدای صورت آفرین،منزّه است خدا آفرینندۀ همۀ جفتها،منزّه است خدا قراردهندۀ تاریکیها و نور،منزّه است خدا شکافنده دانه و هسته،منزّه است خدا آفرینندۀ هر چیز،منزّه است خدا آفرینندۀ آنچه دیده می شود،و آنچه دیده نمی شود،منزّه است خدا به کشش کلمات بی پایانش،منزّه است خدا پروردگار جهانیان،منزّه است خدا که آنچه را در زمین فرو می رود و آنچه را از آن بیرون می آید می داند،و از آنچه از آسمان فرو می ریزد،و آنچه در آن بالا می رود خبر دارد،و او را سرگرم نکند آنچه در زمین فرو می رود و از آن بیرون می آید،از آنچه از آسمان فرو می ریزد و آنچه در آن بالا می رود،و او را سرگرم نسازد و آنچه از آسمان نازل می شود و آنچه در آن بالا می رود،از آنچه در زمین فرو می رود،و از آن بیرون می آید،و او را سرگرم نکند علم به چیزی از علم به چیز دیگر،و او را سرگرم نکند آفریدن چیزی از آفریدن چیزی دیگر،و نه نگهداری چیزی از نگهداری چیزی دیگر،و چیزی برابر او نیست،و چیزی همتای او نمی باشد،چیزی مانند او نیست،و او شنوا و بیناست.(9)منزّه است خدا آفرینندۀ هر تنفّس کننده،منزّه است خدا صورت آفرین،منزّه است خدا آفرینندۀ همۀ جفتها،منزّه است خدا قراردهندۀ تاریکیها و نور منزّه است خدا شکافنده دانه و هسته،منزّه است خدا آفرینندۀ هر چیز،منزّه است خدا آفرینندۀ آنچه دیده می شود،و آنچه دیده نمی شود،منزّه است خدا به کشش کلمات بی پایانش،منزّه است خدا پروردگار جهانیان،منزّه است خدا پدیدآورنده آسمانها و زمین منزّه است خدایی که فرشتگان را فرستادگان خویش قرار داد دارندگان بالهایی دوتایی و سه تایی و چهارتایی در آفرینش می افزاید آنچه را بخواهد،همانا خدا بر هر چیز تواناست،آنچه خدا از سر رحمت برای مردم می گشاید کسی را توان بستن آن

نیست،و آنچه را می بندد،کسی را نیروی گشودن آن نمی باشد،و او نیرومند و حکیم است(10)منزّه است خدا آفرینندۀ هر تنفّس کننده، منزّه است خدا صورت آفرین،منزّه است خدا آفرینندۀ همۀ جفتها،منزّه است خدا قراردهندۀ تاریکیها و نور،منزّه است خدا شکافنده دانه و هسته،منزّه است خدا آفرینندۀ هر چیز،منزّه است خدا آفرینندۀ آنچه دیده می شود و آنچه دیده نمی شود،منزّه است خدا به کشش کلمات بی پایانش،منزّه است خدا پروردگار جهانیان،منزّه است خدا که می داند آنچه را در آسمانها و زمین است،گفتگوی پنهانی هیچ سه نفری نیست مگر اینکه او چهارمی آنهاست، و نه پنج نفری دیگر مگر اینکه او ششمی آنهاست،و نه کمتر از آ و نه بیشتر،مگر آنکه با آنها باشد هرجا که باشند،سپس روز قیامت آنان را به آنچه انجام داند آگاه می سازد،همانا خدا به هر چیز داناست.

[سوّم:هر روز این صلوات را بخواند...]

سوّم:و نیز فرموده اند این صلوات را در هر روز ماه رمضان بخوان:به راستی خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند،ای کسانی که ایمان آوردید،بر او درود فرستید و بطور کامل تسلیم او شوید،ای پروردگار تو را اجابت کردم و سعادت پی درپی از تو درخواست می کنم،منزّهی تو،خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و بر محمّد و خاندان محمّد برکت ده،همان گونه که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم درود فرستادی و به آنان برکت دادی،همانا تو ستوده و بزرگواری،خدایا به محمّد و خاندان محمّد رحم کن.همان گونه که به ابراهیم و خاندان ابراهیم رحم کردی،همانا تو ستوده و بزرگواری،خدایا بر محمّد و خاندان محمّد سلام فرست همان گونه که بر نوح در بین جهانیان سلام فرستادی.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد نعمت بخش،همان گونه که به موسی و هارون نعمت بخشیدی،خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست همان گونه که ما را به یمن او شرافت دادی،خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست همان گونه

که ما را به او هدایت فرمودی،خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و او را به مقام پسندیده ای برانگیز،که اولین و آخرین بر آن مقام رشک برند،بر محمّد و خاندانش سلام هر زمان که خورشید برآید یا غروب کند،بر محمّد و خاندانش سلام هر زمان که پلک بر هم نهد چشمی یا برق زند،بر محمّد و خاندانش سلام هر زمان که سلام ذکر شود،بر محمّد و خاندانش سلام هر زمان که فرشته ای خدا را تسبیح یا تقدیس کند،سلام بر محمّد و خاندانش در میان پیشینیان،سلام بر محمّد و خاندانش در میان پسینیان،و سلام بر محمّد و خاندانش در دنیا و آخرت.خدایا ای پروردگار مکّه،و پروردگار رکن و مقام،و پروردگار حلّ و حرام،به محمّد پیامبرت از جانب ما سلام برسان.

خدایا به محمّد عطا کن از زیبایی و شادابی و شادی و بزرگواری و خوشحالی و وسیله و منزلت و مقام و شرف و بلند شأن و شفاعت در پیشگاهت روز قیامت،برترین چیزی که به یکی از بندگانت عطا می کنی،و عطا کن به محمّد بالاترین چیزی را که از خیر به خلایق عطا می کنی،به چندین برابر که آن را غیر تو نتواند به شماره آورد خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست پاک ترین و پاکیزه ترین و با نشو و نماترین،و برترین درودی که بر یکی از پیشینیان و پسینیان و بر احدی از خلق خود فرستادی ای مهربان ترین مهربانان،خدای بر علی امیر مؤمنان درود فرست،و دوست بدار هرکه او را دوس دارد،و دشمن بدار هرکه او را دشمن دارد،و عذابت را بر کسی که در ریختن خونش شرکت جست دوچندان کن.خدایا درود فرست بر فاطمه دختر پیامبرت محمّد که سلام بر او و خاندانش باد،

و لعنت کن کسی را که دربارۀ فاطمه،پیامبرت را آزرد،خدایا بر حسن و حسین دو پیشوای مسلمانان درود فرست،و دوست بدار هرکه آن دو پیشوا را دوست دارد،و دشمن بدار هرکه آن دو را دشمن بدارد،و عذاب کسی را که در ریختن خون آن دو امام شرکت جست دو چندان گردان،خدای بر علی بن حسین پیشوای مسلمانان درود فرست،و دوست بدار هرکه او را دوست دارد و دشمن بدار هرکه او را دشمن دارد،عذاب کسی که بر او ستم ورزید دوچندان گردان.خدایا بر محمّد بن علی پیشوای مسلمانان درود فرست، و دوست بدار و هرکه او را دوست دارد،و دشمن بدار هرکه او را دشمن دارد،و عذاب کسی که بر او ستم ورزید دوچندان گردان.خدایا بر جعفر بن محمّد پیشوای مسلمانان درود فرست،و دوست بدار هرکه او را دوست دارد،و دشمن بدار هرکه او را دشمن دارد،و عذاب کسی که بر او ستم ورزید و دو چندان گردان.خدایا بر موسی بن جعفر پیشوای مسلمانان درود فرست،و دوست بدار هرکه او را دوست دارد و دشمن بدار هرکه او را دشمن دارد،و عذاب کسی که در ریختن خونش شرکت جست دوچندان گردان.خدایا بر علی بن موسی، پیشوای مسلمانان درود فرست،و دوست بدار هرکه او را دوست دارد،و دشمن بدار هرکه او را دشمن دارد و عذاب کسی که در ریختن خونش شرکت جست و دوچندان گردان.خدایا بر محمّد بن علی پیشوای مسلمانان درود فرست،و دوست بدار هرکه او را دوست دارد و دشمن بدار هرکه او را دشمن دارد،دارد و عذاب کسی که بر او ستم ورزید دوچندان گردان.خدایا بر علی بن محمّد پیشوای مسلمانان درود فرست،و دوست بدار هرکه او را دوست دارد ،و دشمن بدار هرکه او را دشمن دارد،و عذاب کسی که بر او ستم ورزید دوچندان گردان.

خدایا بر حسن بن علی پیشوای مسلمانان درود فرست،و دوست بدار هرکه او را دوست دارد،و دشمن بدار هرکه او را دشمن دارد،

ص:342

و عذاب کسی که بر او ستم ورزید دوچندان گردان.خدایا بر یادگار پس از او پیشوای مسلمانان درود فرست، و دوست بدار هرکه او را دوست دارد،و دشمن بدار هرکه او را دشمن دارد،و گشایش کارش را سرعت بخش،خدایا بر قاسم و طاهر دو پسر پیامبرت درود فرست.خدایا بر رقیّه دختر پیامبرت درود فرست،و لعنت کن کسی را که دربارۀ او پیامبرت را آزرد.خدایا بر امّ کلثوم دختر پیامبرت درود فرست،و لعنت کن کسی را که دربارۀ او پیامبرت را آزرد.خدایا بر فرزندان پیامبرت درود فرست.خدایا به جای پیامبرت سرپرستی اهل بیتش را بر عهده گیر.خدایا حکومتشان را در زمین پا برجا فرما.خدایا ما را از شمار آنان و مددکار و یارشان به حق چه پنهان و چه آشکار قرار ده.خدایا خون خواهی،انتقام و قصاصشان را بستان،و از ما و از ایشان و از هر مرد مؤمن و زن مؤمنه ای بازدار شرّ هر متجاوز و سرکش و جانوری که مهارش را به دست گرفته ای،همانا تو در سختگیری از همه سخت تر،و در کیفر نمودن از همه شدیدتری.سیّد ابن طاوس فرموده است:و نیز بخوان:

ای توشه ام در شدت اندوه،و ای همدمم در سختیها،و ای سرپرستم در نعمت،و ای نهایت اشتیاقم،تو پوشانندۀ زشتی ام،و ایمنی بخش ترسم،و نادیده گیرندۀ لغزشم هستی،پس خطایم را بیامرز،ای مهربان ترین مهربانان و می گویی:خدایا تو را می خوانم برای اندوهی که کسی جز تو آن را نگشاید،و برای رحمتی که جز به عنایت تو حاصل نگردد،و دفع بلایی که کسی جز تو برطرف ننماید،و برای رغبتی که جز به لطف تو نمی توان به آن رسید،و حاجتی که کسی جز تو برآورده نکند.خدایا چنان که همواره از شأنت بوده که درخواست از حضرتت را به من اجازه داده ای،و به ذکرت بر من رحم فرموده،پس باید ای آقای من

از شأنت این باشد که مرا اجابت نمایی در آنچه تو را خواندم،و فواید افزون پذیر در آنچه که به امید بستم،و نجات از آنچه که از آن به تو پناه آوردم،اگر من شایستۀ رسیدن به رحمتت نبودم همانا رحمت تو شایسته است که به من برسد و مرا فرا گیرد،و اگر من سزاوار اجابت دعا نبودم،تو سزاوار فضل بر بندگانی،و زحمت تو هر چیز را فرا گرفته پس باید رحمتت مرا هم فرا بگیرد،ای خدای من،ای کریم از تو می خواهم به حق ذات بزرگوارت،بر محمّد و اهل بیتش درود فرستی، و اندوهم را بگشایی،و بلا و غم را برطرف کنی،و به رحمتت به من رحم فرمایی،و از فضلت روزی ام نمایی همانا تو شنوای دعا و نزدیک و پاسخ دهنده ای.

[چهارم:در هر روز ماه رمضان این دعا را بخواند...]

چهارم:شیخ طوسی و سیّد ابن طاووس فرموده اند:در هر روز ماه رمضان بخوان:

خدایا از تو درخواست می کنم از بخششت به برترین مرتبۀ آن،و همۀ بخششت شایسته است،خدایا از تو درخواست می کنم به همۀ بخششت.خدایا از تو درخواست می کنم از روزی ات به فراگیرترین آن و همۀ روزی ات فراگیر است،خدایا از تو درخواست می کنم به همه روزی ات، خدایا از تو درخواست می کنم از عطایت به گواراترین آن،و همۀ عطای تو گواراست،خدایا از تو درخواست می کنم به همۀ عطایت.خدایا از تو درخواست می کنم از خیرات به پرشتاب ترین آن و همۀ خیر تو پرشتاب است،خدایا از تو درخواست می کنم به همۀ خیرت،خدای از تو درخواست می کنم از احسانت به نیکوترین آن،و همۀ احسانت نیکوست،خدایا از تو درخواست می کنم به همۀ احسانت.خدایا از تو درخواست می کنم به آنچه که به خاطر آن جوابم را می دهی،زمانی که از تو درخواست می کنم، پس جوابم را بده ای خدا،و درود فرست بر محمّد بندۀ پسندیده،و فرستادۀ برگزیده،و امین و محرم رازت از میان بندگان

و انتخاب شده ات در بین بندگانت،و پیامبرت و محبوب راستینت،و درود فرست بر فرستاده و برگزیده ات از جهانیان،آن مژده دهنده،و بیم دهنده و چراغ روشنی بخش،و بر اهل بیتش آن نیکان پاک، و بر فرشتگانت،آن فرشتگانی که خاص درگاهت نمودی،و آنان را از دیده مخلوقات پنهان داشتی،و بر پیامبرانت که از تو به راستی خبر می دهند،و بر رسولانت که آنان را به وحی خویش اختصاص دادی و با رسالاتت بر جهانیان برتری بخشیدی،و بر بندگان شایسته ات که در رحمتت واردشان نمودی،آن امامان ره یافته راهنما و اولیای پاکیزه ات،و بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و فرشته مرگ،و بر رضوان خزانه دار بهشت،و بر مالک خزانه دار دوزخ،و روح القدس و روح الامین،و حاملان مقرّب عرشت،و بر دو فرشتۀ نگهبان بر من،با درودی که دوست داری درود فرستند بر ایشان با آن درود،اهل آسمانها و اهل زمینها،درودی پاک و فراوان، خجسته رشید یافته و فزاینده،آشکار و نهان،شریف و بافضیلت،که با چنین درودی برتری آنان را بر اولین و آخرین آشکار نمایی.خدایا محمّد را وسیله و شرف و فضیلت عطا کن،و به بهتر چیزی که پیامبر را از امتش پاداش دهی به او پاداش ده خدایا به محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)عطا کن با هر مقامی مقامی دیگر،و با هر وسیله ای وسیله ای دیگر،و با هر فضیلتی فضیلت دیگر،و با هر شرفی شرف دیگر،عطا کن به محمّد و

خاندانش در روز قیامت برترین چیزی که عطا کردی به یکی از گذشتگان و آیندگان.خدایا محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)را در جایگاه نزدیک ترین رسولان به خود،و در بهشت در پیشگاهت در منزلگاه جادارترین انبیا، و از بابت وسیله نزدیک ترینشان به درگاه خود قرار ده،و او را نخستین شفاعت کننده و نخستین کسی که شفاعتش پذیرفته است،و نخستین گوینده،و حاجت رواترین خواهنده گردان،و او را به مقام پسندیده ای برانگیز که گذشتگان و آیندگان به خاطر آن بر او رشک برند،ای مهربان ترین مهربانان،و از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و اینکه صدایم را بشنوی و دعایم را اجابت نمایی و از خطایم درگذری،و از ستم چشم پوشی،و مرا به خواسته ام رسانی،و حاجتم را روا سازی،و به آنچه وعده ام داده ای وفا کنی،و لغزشم را نادیده گیری،و گناهم را بیامرزی،و از جرمم بگذری،و به من رو کنی،و از من رو نگردانی،و به من مهر ورزی و عذابم نکنی،و در سلامت کاملم بداری و گرفتارم ننمایی،و از روزی پاکیزه ترین و فراخ ترینش را نصیبم کنی،ای پروردگارم مرا محروم مکن،و قرضم را ادا کن،و بارم را از دوشم بردار،و آنچه مرا تاب آن نیست بر عهده ام مگذار،ای مولای من مرا در هر خیری که محمّد و خاندان محمّد را وارد کردی وارد کن،و از هر شرّی که محمّد و خاندان محمّد را از آن خارج کردی خارج نما،درودهایت و سلام و رحمت و برکاتت بر او و بر ایشان باد.

سپس سه مرتبه بگو:خدایا تو را می خوانم چنان که فرمانم دادی،پس مرا اجابت کن چنان که وعده ام نمودی آنگاه بگو:خدایا اندکی از بسیار از تو می خواهم،ما نیاز بزرگی که مرا به آن است،و بی نیازی دیرینه ای که تو را از آن است،و آن اندک نزد من

بسیار است،و بر تو هموار و آسان،پس به آن بر من منّت بگذار،همانا تو بر هر چیز توانایی،آمین ای پروردگار جهانیان

[پنجم:خواندن این دعا...]

پنجم:خواندن این دعاست:خدایا می خوانمت آن گونه که فرمودی پس اجابتم کن آن گونه که وعده کردی و چون دعایی طولانی است،به خاطر رعایت اختصار ان را ذکر نکردم،هرکه خواهان آن است به کتاب«اقبال»یا«زاد المعاد» مرحوم مجلسی مراجعه کند:

[ششم:از اول ماه تا آخر ماه بسیار بگوید این کلماتی را که از حضرت جواد علیه السلام روایت شده است...]

ششم:شیخ مفید در کتاب«مقنعه»از ثقه بزرگوار علی بن مهزیار از حضرت جواد علیه السّلام روایت کرده که مستحب است در هر وقت از شب و روز ماه مبارک رمضان،از اول ماه تا آخر ماه بسیار بگویی:

ای که پیش از هر چیز بوده پس انگاه همه چیز را آفرید،و ماندگار است و همه چیز نابود می شود،ای که چیزی مانند او نیست،ای آنکه نه در آسمانهای برتر،و نه در زمینهای پایین تر، و نه بالای آنها،و نه زیر آنها و نه بین آنها،معبودی جز او نیست که پرستیده شود،سپاس تنها تو راست،سپاسی که کسی بر شمردنش جز تو توان ندارد،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،درودی که کسی جز تو توانایی شمردنش را نداشته باشد.

[هفتم:این دعا را هر روز بخواند تا گناهان چهل ساله او آمرزیده شود...]

هفتم:شیخ کفعمی در کتاب«بلد الامین»و«مصباح»از کتاب«اختیار»سیّد ابن باقی نقل کرده است که هرکه این دعا را در هر روز ماه رمضان بخواند،حق تعالی گناهان چهل سالۀ او را بیامرزد خدایا ای پروردگار ماه رمضان که قرآن را در آن نازل کردی، و روزه در آن را بر بندگانت واجب نمودی،حج خانۀ محترمت را در این سال و در هر سال روزی من کن،و گناهان بزرگ را بر من بیامرز،همانا کسی جز تو آنها را نمی آمرزد،ای دارای بزرگی و شکوه.

[هشتم:این ذکر را در هر روز ماه رمضان صد مرتبه بگوید...]

هشتم:این ذکر را که فیض کاشانی در کتاب«خلاصه الاذکار»فرموده است که در هر روز ماه رمضان صد مرتبه بگوید:

ص:347

منزّه است زیان رسان به کافران سودرسان به مؤمنان،منزّه است حکم کنند بر حق،منزّه است او و برتر است،منزّه است او و ستایش از ان است، منزّه است او و برتر.

[نهم:هر روز صد مرتبه یا بیشتر صلوات فرستد]

نهم:شیخ مفید در کتاب«مقنعه»فرموده است:از جمله مستحبات ماه رمضان در هر روز،صد مرتبه صلوات فرستادن بر رسول خدا است،و هرکه زیادتر فرستند بهتر است.

مطلب دوّم:اعمال مخصوص شب و روز ماه رمضان

[اعمال شب اوّل]

اشاره

شب اوّل:در ان چند عمل مستحب است:

[اوّل:استحباب استهلال[یعنی جستجوی هلال ماه]]

اوّل:استهلال[یعنی جستجوی هلال ماه]،و بعضی استهلال این ماه را واجب دانسته اند.

[دوّم:چون رؤیت هلال کرد این دعا را بخواند...]

دوّم:چون رؤیت هلال کرد،به هلال اشاره نکند،بلکه رو به قبله نموده و دستها را به آسمان بردارد و هلال را خطاب کرده و بگوید:

ای ماه،پروردگار من و تو،خدا پروردگار جهانیان است.خدایا ماه را بر ما نو کن به ایمنی و ایمان،و تندرستی و اسلام و شتافتن به سوی آنچه دوست داری و خشنود می شوی.خدایا در این ماه به ما برکت بخش،و خیر و کمکش را روزی ما فرما،و زیان و گزند و بلا و فتنه اش را از ما بگردان.و روایت شده:زمانی که رسول خدا صلّی اللّه و علیه و آله هلال ماه رمضان را رؤیت می کرد،روی شریفش را به جانب قبله می گرداند و می گفت:

خدایا این ماه را بر ما نو کن به ایمنی و ایمان و سلامت و اسلام و عافیت بزرگ،و دفاع در برابر بیماریها،و یاری بر نماز و روزه و شب زنده داری و

تلاوت قرآن.خدایا ما را برای ماه رمضان سالم گردان،و ماه رمضان را از ما سالم دریافت کن و ما را در آن تا از ما بگذرد به سلامت دار درحالی که از گناهان ما درگذشته و ما را مورد آمرزش و رحمت خویش قرار داده باشی

ص:348

و از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:چون رؤیت هلال نمودی بگو: خدایا ماه رمضان آمد،و تو روزه آن را بر ما واجب کرده ای،و قران را در آن برای هدایت و دلایلی روشن از هدایت و وسیله تشخیص حق از باطل نازل نموده ای.خدایا ما را بر روزه اش یاری کن،و آن را از من بپذیر،و ما را در آن و از آن سالم بدار،و آن را برای ما سالم گردان،در آسانی و عافیت از جانب خویش،همانا تو بر هر چیز توانایی،ای بخشنده،ای مهربان.

[سوّم:دعای چهل و سوم«صحیفۀ کاملۀ سجادیه»را در هنگام رؤیت هلال بخواند]

سوّم:دعای چهل و سوم«صحیفۀ کاملۀ سجادیه»را در هنگام رؤیت هلال بخواند.سیّد ابن طاووس روایت کرده:ورزی حضرت سجّاد علیه السّلام در راهی می گذشت،که به هلال ماه رمضان نظر کرد،پس ایستاد و گفت:

ای آفریدۀ فرمانبردار،روندۀ کوشا و شتابان،رفت و آمدکننده در منزلگاههای معیّن،ای متصرف در چرخ گردان تدبیر،ایمان آوردم به آن کس که با تو تاریکیها را روشن کرد،و آنچه را که به سختی می توان یافت آشکار ساخت و تو را نشانه ای از نشانه های چیرگی،و علامتی از علائم قدرت خود قرار داد،پس زمان را به تو محدود ساخت،و گاهی تو را به نقص و گاهی به کمال،و وقتی به طلوع،و زمانی به غروب،و حالتی پر نور،و حالتی گرفته،مسخّر خویش نمود،تو در تمام این حالات مسّخر اویی،و به سوی اراده اش شتابانی،منزّه است او چه عجیب است تدبیری که در حق تو به کار برده،و چه دقیق است آنچه دربارۀ تو انجام داده،تو را کلید ماهی تو برای کارهایی نو ساخته،پس از پروردگار که پروردگار من و توست،و آفرینندۀ من و توست،و مهار مقدّرات من و تو در کف قدرت اوست،و صورتگر من و توست،می خواهم که بر محمّد و خاندانش درود فرستد،و تو را ماه برکتی قرار دهد،که

گذشت روزگاران آن را از بین نبرد و ماه پاکی که گناهان آن را آلوده نگرداند،هلال ایمنی از آفات،و سلامتی از زشتیها،هلال خوش طالعی برکنار از بد یمنی،و مبارکی بدون گرفتاری و آسایش بدون دشواری و خیر بدون شرّ،هلال ایمنی و امان،و نعمت و احسان و سلامت و اسلام،خدایا بر محمّد و خاندانش درود فرست،و ما را از پسندیده ترین کسانی قرار ده که این ماه بر آنان طلوع کرده،و پاکیزه ترین کسانی که به آنها نظر نموده،و خوشبخت ترین کسانی که در آن به بندگی تو گردن نهاده اند،و ما را در این ماه توفیق توبه عنایت کن،و از گناه حفظ فرما،و از انجام نافرمانی ات بازدار،و ادای شکر نعمتت را به ما ارزانی کن،و لباسهای عافیت را بر ما بپوشان،و به سبب انجام طاعت کامل، نعمتت را در این ماه بر ما تمام کن،زیرا که تو بس بخشنده ستوده ای،و درود خدا بر محمّد و خاندان پاکش،و برای ما از جانب خود در این ماه مددی برسان،بر انجام آنچه ما را به آن خوانده ای از اطاعت واجبت،و آن را بپذیر،همانا تو کریم تر از هر کریمی،و مهربان تر از هر مهربانی،آمین آمین ای پروردگار جهانیان.

[چهارم:با همسر خویش نزدیکی کند]

چهارم:با همسر خویش نزدیکی کند،و این عمل از ویژگیهای این ماه است،وگرنه نزدیکی با همسر در شب اول ماههای دیگر مکروه است.

[پنجم:غسل شب اول ماه را انجام دهد]

پنجم:غسل شب اول ماه را انجام دهد.روایت شده:هرکه در شب اول ماه رمضان غسل کند،تا ماه رمضان آینده بدنش دچار خارش نشود.

[ششم:اگر بتواند در نهر جاری غسل کند]

ششم:اگر بتواند در نهر جاری غسل کند،و سی کف آب بر سر بریزد که تا ماه رمضان آینده با طهارت معنوی باشد.

[هفتم:مزار امام حسین علیه السّلام را زیارت کند]

هفتم:مزار امام حسین علیه السّلام را زیارت کند،تا گناهانش ریخته و ثواب حاجیان و اهل عمرۀ آن سال را دریابد.

[هشتم:از این شب خواندن هزار رکعت نماز این ماه را(که ذکر شد)شروع کند]

هشتم:از این شب خواندن هزار رکعت نماز این ماه را که در پایان بخش دوّم[صفحه 299]ذکر شد شروع کند.

[نهم:دو رکعت نماز در این شب به این کیفیت بخواند...]

نهم:در این شب دو رکعت نماز بجا آورد،در هر رکعت سورۀ«حمد»و سورۀ«انعام»را بخواند،و از خدا درخواست کند که او را

کفایت نماید،و از آنچه از دردهای می ترسد حفظ کند.

[دهم:این دعا را بخواند...]

دهم:دعای«اللّهمّ ان هذا الشّهر المبارک»را که در اعمال شب آخر ماه شعبان گذشت[صحفهٔ 282]بخواند.

[یازدهم:پس از نماز مغرب این دعا را بخواند...]

یازدهم:پس از نماز مغرب دستها را بلند کند،و این دعا را که از امام جواد علیه السّلام وارد شده و در کتاب«اقبال»ذکر شده بخواند:

خدایا ای آنکه مالک تدبیر است،و او بر هر چیز تواناست،ای آنکه می داند خیانت دیده ها را و آنچه را سینه ها پنهان می کنند و نهاد نهان می سازد،و او لطیف و آگاه است.خدایا ما را از کسانی قرار ده که تصمیم گرفتند آنگاه انجام دادند،و از کسانی قرار مده که تیره بخت شدند و در نهایت تنبلی کردند و از انانی قرار مده که بر غیر عمل صالح تکیه نمودند.خدایا بدنهای ما را از بیماریها سلامتی بخش و ما را بر انجام آنچه از عمل بر ما واجب کرده ای یاری ده،تا این ماه از ما سپری گردد درحالی که آنچه را در این ماه بر ما واجب نموده ای ادا کرده باشیم.خدایا ما را بر روزه اش یاری ده،و برای شب زنده داری اش موفق بدار،و برای نماز در این ماه ما را شاداب گردان،و از قرائت قران محروم مساز،و پرداخت زکات را در این ماه بر ما آسان گردان.خدایا درد مزمن،خستگی،بیماری،هلاکت را بر ما چیره مکن.خدایا افطار از روزی حالت را روزی ما کن.خدایا آنچه که از روزی ات در این ماه قسمت ما نمودی دست یافتن به آن را برای ما هموار کن،و آنچه را از فرمانت برای ما تقدیر کرده ای آسان کن،و آن را حلال و پاک و پاکیزه از گناهان بوده از گرانباریها و بزهکاریها قرار ده.خدایا به ما مخوران جز غذای پاک که نه پلید باشد و نه حرام،و روزی ات را برای ما حلال گردان،که آلودگیها و درها با آن در نیامیزد،ای که دانایی اش به امور پنهان،همانند دانایی اش به امور آشکار است، ای فضل بخش بر بندگانش به احسان،ای آنکه بر هر چیز تواناست،و به هر چیز دانا و آگاه است،یادت را به ما الهام کن،

و از سختی بر ما ما را برکنار دار7و به آسانی ات ما را برسان،و به راستی راهنمایمان باش،و به استواری توفیقمان ده،و از بلا نگاهمان بدار.

و ما را از بارهای گران گناهان و خطاها حفظ کن،ای آنکه گناهان بزرگ را جز او نیامرزد،و احدی بدی را جز او برطرف ننماید،ای مهربان ترین مهربانان،و کریم ترین کریمان،بر محمّد و اهل بیت پاکش درود فرست،و روزۀ ما را پذیرفته بدار،و به نیکی و تقوا پیوندش ده،و همچنین کوشش ما را مورد قدردانی،و شب زنده داری ما را پذیرفته،و قرائتمان را بالا رفته،و دعایمان را اجابت شده قرار ده،و ما را به عاقبت به خیری هدایت کن،و از دشواری برکنارمان بدار،و ما را برای آسانی آماده ساز،و درجاتمان را بالا بر،و حسناتمان را دوچندان کن،و روزه و نماز ما را بپذیر،و دعاهایمان را شنوا باش،خطاهایمان را بیامرز،و از گناهمان درگذر،و ما را از عاملان رستگار قرار ده،و از غضب شدگان و گمراهان قرار مده، تا ماه رمضان از ما سپری گردد چنان که روزه ها و شب زنده داری مان را در آن پذیرفته باشی،و کردارمان را در آن پاکیزه، و گناهانمان را در آن مورد آمرزش قرار داده،و سهم ما را در آن از هر خیری فراوان ساخته باشی،به یقین تویی معبود اجابت کنندۀ دعاها، و پروردگار نزدیک به بندگان و تویی احاطه کننده بر هر چیز.

[دوازدهم:این دعا که روایت شده از امام صادق علیه السّلام را بخواند..]

دوازدهم:در این شب دعای روایت شده از امام صادق علیه السّلام را که در کتاب«اقبال»آمده بخواند: خدایا ای پروردگار ماه رمضان،ای فرو فرستندۀ قرآن،این ماه رمضان است که قرآن را در آن فرود فرستادی،و در آن دلایل روشنی از هدایت و شناسایی حق از باطل

ص:352

فرو فرستادى.خدايا روزۀ آن را نصيب ما كن،و بر شب زنده دارى اش يارى مان ده،خدايا آن را براى ما سالم بدار،و در آن به ما سلامتى ده و آن را از سوى خويش در آسانى و سلامت كامل از ما تحويل بگير،و در آنچه حكم مى كنى و مقدّر مى گردانى از فرمان حتمى خويش،و در انچه جدا مى كنى از امر حكيمانه ات در شب قدر،از ان حكمى كه برگشت نمى پذيرد و دگرگون نمى شود،مقرّر فرما كه ما را از حاجيان خانۀ محترمت بنويسى،آنان كه حجّشان قبول،و سعيشان پذيرفته،و گناهانشان آمرزيده گشته،و بديهايشان ناديده گرفته شده است.

و در آنچه حكم مى كنى و مقدّر مى نمايى مقرّر فرما كه عمرم را طولانى گردانى،و از روزى حلالت بر من وسعت بخشى.

[سيزدهم:دعاى چهل و چهارم صحيفۀ كامله سجاديه را بخواند]

سيزدهم:دعاى چهل و چهارم صحيفۀ كامله سجاديه را بخواند.

[چهاردهم:اين دعاى بسيار طولانى را بخواند]

چهاردهم:بخواند عالى«اللّهمّ انّ هذا شهر رمضان...»را كه سيّد در كتاب«اقبال»نقل فرموده،و دعايى بسيار طولانى است.

[پانزدهم:بخواند اين دعايى را كه پيغمبر در اين شب مى خواندند...]

پانزدهم:بخواند:خدايا هر آينه ماه رمضان وارد شد،ماهى كه در آن قرآن را فرو فرستادى،و آن را دلايل آشكارى از هدايت و شناسايى حق از باطل قرار دادى.خداوند در ماه رمضان به ما بركت عطا كن،و بر روزه و نمازهايش ياريمان فرما و آن را از ما بپذير.روايت شده رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله وقتى ماه رمضان مى رسيد اين دعا را مى خواندند.

[شانزدهم:و نيز اين دعا را كه مروى از حضرت رسول(ص)بخواند...]

شانزدهم:و نيز روايت شده است كه رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله در شب اول ماه رمضان اين دعا را مى خواندند:

سپاس خداى را كه به وسيلۀ تو اى ماه مبارك ما را گرامى داشت.خدايا ما را بر روزه و شب زنده دارى مان نيرو بخش،و گامهاى مان را استوار كن،و

بر کافران پیروزمان گردان،خدایا تو یگانه ای پس برایت فرزندی نیست،و تو بی نیازی

ص:353

پس شبیهی برایت نمی باشد،و تویی عزیز و چیزی عزیزت نکند،و تویی بی نیاز و من تهیدستم،و تویی مولا و من بنده ام،و تویی آمرزنده و من گنهکارم،و تویی مهربان و من خطاکارم،و تویی آفریننده و من آفریده ام،و تویی زنده و من مرده ام،از تو درخواست می کنم به مهرت که مرا بیامرزی و به من رحم کنی،و از من درگذری،همانا تو بر هر چیز توانایی.

[هفدهم:دعای جوشن کبیر بخواند]

هفدهم:در باب اوّل[صفحۀ 147]بیان استحباب خواندن دعای جوشن کبیر در آغاز ماه گذشت.

[هیجدهم:دعای حج را بخواند]

هیجدهم:دعای حج را که در اول ماه گذشت بخواند.

[نوزدهم:کثرت تلاوت نماید و قبل از شروع تلاوت این دعا که از حضرت صادق علیه السلام روایت شده را بخواند...]

نوزدهم:هنگامی که ماه رمضان شروع می شود کثرت تلاوت قرآن شایسته است،و روایت شده که امام صادق علیه السّلام پیش از تلاوت قرآن این دعا را می خواندند:

خدایا گواهی می دهم که این کتاب توست که از سوی تو بر رسولت محمّد بن عبد اللّه(درود خدا بر او و خاندانش)نازل گشته،و سخن گویای توست بر زبان پیامبرت،آن را از سوی خود راهنمایی برای بندگانت قرار دادی، و رشتۀ پیوسته ای بین تو و بندگان توست.خدایا پیمان و کتابت را در پیش رویم باز کرده ام،خدایا نگاهم را در آن عبادت،و خواندم را در آن اندیشه،و اندیشه ام را در آن عبرت آموز قرار بده،و مرا از کسانی قرار ده که از بیان پندهایت در قرآن اندرز گیرند،و از نافرمانیهایت دوری نمایند،و هنگام تلاوت آن بر گوشم مهر مزن، و بر دیده ام پرده منه،و خواندنم را خواندن بی تدبّر قرار مده،بلکه آن چنان قرارم ده که در آیات و احکامش تدبّر کنم،و برگیرندۀ قوانین دینت باشم،و نگاهم را در آن بی خبری،و قرائتم را بیهوده و باطل قرار مده،

ص:354

تویی رؤف،و مهربان.و پس از قرائت قرآن مجید این دعا را می خواندند خدایا آنچه را از حکم کتابت کرده بودی خواندم،کتابی که بر پیامبر راستگویت(درود خدا بر او و خاندانش)نازل کردی،پس سپاس شایستهٔ توست ای پروردگار خدایا مرا از کسانی قرار ده که حلالش را حلال و حرامش را حرام می شمارند،به محکم و متشابهش ایمان می آورند،و آن را مونس در قبر و قیامتم گردان،و مرا از کسانی قرار ده که او را به هر آیه ای که می خواند در برترین جایگاه بهشت بالا بری،آمین ای پروردگار جهانیان.

[اعمال روز اوّل]

اشاره

روز اوّل:در آن چند عمل مستحبّ است:

[اوّل:غسل در آب جاری]

اوّل:غسل نمودن در آب جاری،و بر سر ریختن سی کف دست آب،که در تمام طول سال باعث ایمنی از همهٔ دردها و بیماریهاست.

[دوم:کفی از گلاب به روی خویش بزند]

دوم:کفی از گلاب به روی خویش بزند،تا از خواری و پریشانی نجات یابد و قدری هم به سر خود بمالد،تا در آن سال از سرسام[در برخی نسخه ها:برسام،به معنی بیماری سینه]ایمن گردد.

[سوّم:دو رکعت نماز اول ماه را بجا آورد]

سوّم:دو رکعت نماز اول ماه را بجا آورد و صدقه بدهد.

[چهارم:دو رکعت نماز بخواند به این کیفیت...]

چهارم:دو رکعت نماز بخواند،در رکعت اول سوره های«حمد» و«انّا فتحنا»را و در رکعت دوم سورهٔ«حمد»و هر سورهٔ دیگری را که بخواهد بخواند،تا حق تعالی در آن سال بدیها را از او دور سازد،و تا سال آینده در پناه خدا باشد.

[پنجم:پس از طلوع فجر این دعا را بخواند...]

پنجم:پس از طلوع فجر این دعا را بخواند:

خدایا ماه رمضان رسید،تو روزه اش را بر ما واجب نموده ای،و قرآن را در آن برای هدایت مردم،و دلایل روشنی از هدایت و شناسایی از باطل نازل کرده ای.خدایا ما را بر روزه اش یاری کن،و آن را از ما بپذیر، و این ماه را از ما به سلامت دریافت کن،و آن را برای ما از سوی خویش در آسانی و عافیت سالم بدار،همانا تو بر هر چیز توانایی.

[ششم:دعای چهل و چهارم صحیفۀ کامله را اگر در شب قبل نخوانده بخواند]

ششم:دعای چهل و چهارم صحیفۀ کامله را اگر در شب قبل نخوانده بخواند.

[هفتم:این دعا را بخواند که در آن سال فتنه و گمراهی و آفتی که به دین یا بدنش ضرر برساند به او نرسد...]

هفتم:علاّمۀ مجلسی در«زاد المعاد»فرموده که شیخ

کلینی و شیخ طوسی و دیگران به سند صحیح روایت کرده اند که حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام فرمود:در ماه مبارک رمضان در آغاز سال،یعنی روز اول این ماه چنان که علما فهمیده اند این دعا را بخوان،و فرمود:هرکه این دعا را برای رضای خدا،و بدون آمیختگی با اغراض ناپسند و ریا بخواند،در آن سال فتنه و گمراهی و آفتی که به دین یا بدنش ضرر برساند به او نرسد،و حق تعالی او را از شرّ آنچه از بلاها در آن سال واقع می شود حفظ می نماید.و دعا این است:

خدایا از تو درخواست می کنم به آن نامت که همه چیز در برابرش فروتن شده،و به رحمتت که همه چیز را فرا گرفته، و به عظمتت که همه چیز در آستانش تواضع نموده،و به عزّتت که بر همه چیز چیره گشته،و به نیرویت که همه چیز در برابرش خضوع یافته،و به جبروتت که بر همه چیز غالب گشته،و به علمت که همه چیز را فرا گرفته،ای نور،ای قدوس،ای اول پیش از هر چیز،ای باقی پس از هر چیز،ای خدا،ای مهربان،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و از من بیامرز گناهانی را که نعمتها را دگرگون می سازد،و بیامرز گناهانی را که کینه ها را فرو می فرستد، و بیامرز گناهانی را که امید به تو را قطع می کند،و بیامرز گناهانی را که دشمنان را چیره می سازد،و بیامرز گناهانی را که دعا را برمی گرداند،و بیامرز گناهانی را که مردم به سبب آن سزاوار نزول بلا می شوند،و بیامرز گناهانی را که بارش آسمان را باز می دارد،و بیامرز گناهانی را که پرده ها را کنار می زند،و بیامرز گناهانی را که در نابودی شتاب می افکند،و بیامرز گناهانی را که سبب پشیمانی می گردد،و بیامرز گناهانی را که پرده ها را می درد،و زره محکمت را بر من بپوشان زرهی که نفوذ ناپذیر است،و مرا از شرّ آنچه در شب و روز

ص:356

و آیندۀ این سال از آن حذر می کنم عافیت بخش.خدایا پروردگار آسمانهای هفتگانه،و پروردگار زمینهای هفتگانه،و آنچه در آنهاست،و آنچه میان آنهاست،و پروردگار عرش بزرگ،و پروردگار سورۀ«حمد»و قرآن عظیم،و پروردگار اسرافیل و میکاییل و جبرییل،و پروردگار محمّد(درود خدا بر او و خاندانش) آقای رسولان و پایان بخش پیامبران،از تو می خواهم به حق ذات پاکت و به حق آنچه خود را به آن نام نهادی،ای بزرگ تویی که به نعمت بزرگ تفضّل می کنی،و هر محدوزی را دفع می کنی،و هر نعمت برجسته ای را عطا می نمایی،و نیکیها را به کم و زیاد دوچندان می سازی،و هر کاری که بخواهی انجام می دهی،ای توانا ای خدا،ای مهربان،بر محمّد و اهل بیتش درود فرست، و در آیندۀ این سال لباس سترت را بر من بپوشان،و چهره ام را به نورت شاداب ساز،و به دوستی ات دوستم بدار،و و مرا به خشنودیت،و شریف کرامتت،و بزرگ عطایت برسان،و به من عطا کن از بهترین چیزی که نزد توست و بهترین چیزی که به بنده ای از بندگانت عطا می فرمایی،و افزون بر این لباس عافیت و تندرستی بر من بپوشان،ای جایگاه هر شکایت،ای حاضر در هر گفتگوی پنهان،ای دانای هر نهان،ای دفع کنندۀ بلاها آن گونه که خواهی،ای بزرگوار گذشت ای نیکو درگذر،مرا بر آیین ابراهیم و بر فطرت او،و بر دین محمّد(درود خدا بر او و خاندانش باد) و روش او،و بر بهترین مرگ ها بمیران،بمیران درحالی که دوستدار اولیایت،و دشمن دشمنانت باشم.خدایا مرا در این سال از هر کار یا گفتار یا کرداری که از تو دورم می کند برکنار دار،و به جانب هر عمل یا

گفتار یا کرداری که مرا در این سال به تو نزدیک می کند جلب نما،ای مهربان ترین مهربانان،و بازدار مرا از هر عمل یا گفتار یا کرداری که از من سر می زند،و من از سرانجام زیانبارش می ترسم،و از خشمت به خاطر آ بر خود بیمناکم،ترسم از این است که روی کریمانه ات را از من بگردانی در نتیجه سزاوار کاستی بهره ای که پیش تو دارم گردم،ای پرلطف ای مهربان خدایا در آیندهٔ این سال مرا در حفظ و پناه و حمایت خود قرار ده،و پرده تندرستی را بر من بپوشان،و از کرامتت بر من ببخش،عزیز است پناه تو،و بزرگ است ثنای تو،و معبودی جز تو نیست.خدایا مرا پیرو شایستگان از اولیای گذشته ات قرار ده،و به آنان ملحقم فرما،و تسلیم آنکه از آنان از طرف تو راست گفت قرارم ده،خدایا به تو پناه می آورم از اینکه خطایم و ستمم،و زیاده روی بر نفسم،و پیروی از هوا و هوسم،و سرگرمی ام به شهوت بر من احاطه کند،در نتیجهٔ همهٔ اینها بین من و رحمت و خشنودی ات دیوار گردد،و من نزد تو فراموش شوم،و در معرض خشم و کینه ات قرار گیرم.خدایا مرا برای هر عمل شایسته ای که به سبب آن از من خشنود شودی موفق بدار،و مرا به مقام قربت نزدیک کن.خدایا چنان که از پیامبرت محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)هراس از دشمنش را کفایت کردی،و اندوهش را برطرف نمودی،و غمش را زدودی،و وعده ات را به او وفا کردی،و پیمانت را برایش به پایان آوردی.خدایا به همان گونه هراس این سال و آفات و امراض و فتنه ها و شرور و اندوهها و تنگی معیشت را در آن از من کفایت کن،و به رحمتت مرا به کمال عافیت،با کامل کردن ریزش نعمت بر من تا پایان عمرم برسان

ص:358

از تو درخواست می کنم درخواست کسی که بد کرده و ستم روا داشته و درمانده شده و اعتراف به گناه نموده است،و از تو درخواست می کنم که مرا بیامرزی از آنچه از گناهان بر من گذشته،که آنها را نگهبانانت ثبت نموده و بزرگوار فرشتگانت برشمرده اند و اینکه خدایا در آنچه از عمرم باقی مانده،تا پایان عمر مرا از گناهان نگاه داری،ای خدا،ای بخشنده،ای مهربان،بر محمّد و اهل بیت محمّد درود فرست،و هر آنچه از تو خواستم،و در طلب آن به جانب تو رغبت نمودم به من عنایت فرما،بدرستی که تو مرا به خواستن فرمان دادی و برایم عهده دار اجابت شدی،ای مهربان ترین مهربانان.فقیر گوید:سیّد ابن طاووس این دعا را در شمار اعمال شب اوّل ماه ذکر کرده است.

[مناسبت و عمل روز ششم]

روز ششم:در چنین روزی در سال دویست و یک،مردم با امام رضا علیه السّلام بیعت کردند،سیّد روایت کرده:که برای شکرانهٔ این نعمت در این روز دو رکعت نماز بجا آرند،در هر رکعت پس از«حمد»بیست و پنج مرتبه سورهٔ«توحید»بخوانند.

[اعمال شب سیزدهم]

اشاره

شب سیزدهم:آغاز شبهای بیض[یعنی شبهای روشن و تابناک که عبارتند از شبهای سیزدهم،چهاردهم و پانزدهم ماه]است و در آن سه عمل مستحب است:

[اوّل:غسل]

اوّل:غسل کردن

[دوم:چهار رکعت نماز به این کیفیت...]

دوم:چهار رکعت نماز بخواند،در هر رکعت یک بار سورهٔ«حمد» و بیست و پنج بار سورهٔ توحید

[سوم:دو رکعت نماز به این کیفیت...]

سوم:دو رکعت نماز،که در اعمال شب سیزدهم رجب و شعبان بیان شد،در هر رکعت پس از سورهٔ«حمد»سوره های«یس»و «تَبٰارَکَ الَّذِی بِیَدِهِ الْمُلْکُ» و«قل هو اللّه احد»را بخواند.و در

[اعمال شب چهاردهم]

شب چهاردهم:این نماز خوانده می شود به صورت چهار رکعت با دو سلام که در صفحات پیش[صفحهٔ 37]در شرح دعای مجیر بیان آن گذشت،که هر که آن را در ایام البیض ماه رمضان بخواند،گناهانش آمرزیده می شود هرچند به تعداد قطرات باران،و برگ درختان،و ریگ بیابان باشد.

[اعمال شب پانزدهم]

اشاره

شب پانزدهم:از شبهای پربرکت است،و در آن چند عمل مستحبّ است:

[اوّل:غسل]

اوّل:غسل کردن.

[دوّم:زیارت امام حسین علیه السّلام]

دوّم:زیارت امام حسین علیه السّلام.

[سوم:شش رکعت نماز به این کیفیت...]

سوم:شش رکعت نماز که در هر رکعت پس از سورهٔ«حمد»سوره های«یس»و «تَبٰارَکَ الَّذِی بِیَدِهِ الْمُلْکُ

و«قل هو اللّه احد»خوانده شود.

[چهارم:صد رکعت نماز به این کیفیت...]

چهارم:صد رکعت نماز بخواند،در هر رکعت پس از سورۀ«حمد»ده مرتبه سورۀ«توحید»خوانده شود.شیخ مفید در کتاب«مقنعه»از حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام روایت کرده که هرکه این عمل را بجا آورد حق تعالی ده فرشته به سوی او می فرستد،تا دشمنانش را از پری و آدمی از او دور کنند،و هنگام مرگ او سی فرشته می فرستد،که او را از عذاب دوزخ ایمن کنند.

[پنجم:حضور در کنار قبر مطهر امام حسین علیه السلام]

پنجم:روایت شده که از امام صادق علیه السّلام پرسیدند:چه می فرمایی در حق کسی که در شب نیمۀ ماه رمضان کنار قبر امام حسین علیه السّلام حاضر شود؟حضرت فرمود:خوشا به حال کسی که در شب نیمۀ ماه رمضان پس از نماز عشا ده رکعت نماز کنار قبر آن حضرت بجار آورد،البته این نماز غیر از نافلۀ شب می باشد،و بخواند در هر رکعت پس از سورۀ«حمد»ده مرتبه«توحید»را،و به خدای تعالی از آتش دوزخ پناه ببرد،خدا او را نجات یافته از آتش ثبت می کند،و از دنیا نرود تا فرشتگانی را در خواب ببیند، که او را به بهشت بشارت می دهند،و نیز فرشتگانی که او را از آتش ایمن می کنند.

[مناسبت روز نیمۀ ماه رمضان]

روز نیمۀ ماه رمضان:در چنین روزی در سال دوم هجری ولادت باسعادت حضرت امام حسن مجتبی علیه السّلام واقع شد،و شیخ مفید فرموده:ولادت امام محمّد تقی علیه السّلام در چنین روزی در سال صد و نود و پنج هجری بوده،اما مشهور از علما برآنند که آن در غیر این روز بوده است،به هر صورت این روز روز بسیار شریفی است،و دادن صدقات و بخششها در این روز فضیلت بسیار دارد.

[مناسبت و اعمال شب هفدهم]

شب هفدهم:شب بسیار مبارکی است،در آن شب سپاه رسول خدا با کافران قریش در منطقه بدر روبرو شدند، و فردای آن جنگ بدر درگرفت،و خدا سپاه آن حضرت را بر مشرکین پیروز کرد،و آن پیروزی از بزرگترین فتوحات اسلام بود،به همین خاطر علما فرموده اند:صدقه در چنین روزی،همراه شکرگزاری بسیار به درگاه حق بسیار مستحب است، و همچنین در شبش غسل و عبادت فضیلت بسیار دارد.مؤلف گوید:روایات بسیار وارد شده که رسول خدا در شب بدر به یارانش فرمود:امشب کیست که برود برای ما از چاه آب بیاورد؟یاران سکوت نموده و هیچیک اقدام به این کار نکردند!امیر المؤمنین علیه السّلام برای طلب آب مشکی برداشت و بیرون رفت،آن شب،شبی سرد بود،و باد

ص:360

تندی می وزید و تاریکی همه جا را فرا گرفته بود،به چاه آب رسید،چاهی بود بسیار عمیق و تاریک،و حضرت دلوی نیافت تا از چاه آب بگیرد به ناچار وارد چاه شد،و مشک را پر کرده بیرون آمد،به جانب اردوی اسلام حرکت کرد ناگاه باد سختی وزید،که آن حضرت از سختی آن نشست،تا برطرف شد،سپس برخواست و به حرکتش ادامه داد که ناگهان باد سخت دیگری مانند آن وزیدن گرفت،آن حضرت دوباره نشست تا آن باد هم آرام گرفت،چون برخاست و به سوی سپاه اسلام حرکت کرد،باز بادی به همان صورت وزید،آن حضرت نشست و پس از فرو نشستن باد،خود را به پیامبر اسلام رساند،حضرت فرمود:یا ابا الحسن چرا دیر آمدی؟عرض کرد سه مرتبه بادی وزیدن گرفت که بسیار سخت بود و مرا لرزه فرا گرفت و دیر آمدنم بخاطر فرو نشستن بادها بود.پیامبر فرمود:یا علی آیا دانستی آنها چه بودند؟عرض کرد:ندانستم،فرمود:بار نخست جبرئیل بود با هزار فرشته که بر تو سلام کرد و سلام کردند و بار دوم میکاییل بود با هزار فرشته که بر تو سلام کرد و سلام کردند،و پس از آن اسرافیل بود با هزار فرشته که بر تو سلام کرد و سلام کردند و آنان برای یاری دادن به ما نازل شدند.فقیر گوید:قول آن کسی که گفته در یک شب برای امیر المؤمنین سه هزار و سه منقبت(کمال و برازندگی)بوده،اشاره به همین شب است و سیّد حمیری در مدح آن حضرت در قصیدۀ خود به این معنا اشاره کرده

به خدا و نعمتهایش سوگند می خورم*و شخص در برابر آنچه گفت مسئول است* به درستی که علی بن ابی طالب*وجودش بر تقوا و نیکی سرشته شده است* چنین بود،وقتی برق نیزه ها تنور جنگ را می افروخت*و پهلوانان از عرصه فرار می کردند* به جانب حریف می شتافت و در دستش بود*شمشیر بر آن تیز صیقلی شده* مانند راه رفتن شیر غران در میان بچه هایش*که آنها را از بیشه برای شکار به میدان آورده* علی همان است که در شبی بر او*میکاییل و جبرییل سلام کرد

میکاییل همراه هزار فرشته و جبرییل*با هزار فرشته و به دنبالشان اسرافیل* در شب بدر برای یاری رساندن نازل شدند*گویا آنان مرغان ابابیل بودند

[فضیلت و اعمال شبهای قدر]

[فضیلت شب نوزدهم]

شب نوزدهم:این شب با عظمت آغاز شبهای قدر است،و شب قدر آن شبی است که در طول سال،شبی به خوبی و فضلیت آن یافت نمی شود،و عمل در این شب از عمل در طول هزار ماه بهتر است،و تقدیر امور سال در این شب صورت می گیرد،و فرشتگان و روح که اعظم فرشتگان الهی است،در این شب به اذن پروردگار به زمین فرود می آیند،و به محضر امام زمان(عج) می رسند و آنچه را که برای هر فرد مقدّر شده بر آن حضرت عرضه می دارند.

[اعمال شب قدر بر دو نوع است]

و اعمال شبهای قدر بر دو نوع است:

یکی اعمالی که در هر سه شب باید انجام داد،و دیگر اعمالی که مخصوص به هر یک از شبهای قدر است.

[اوّل:اعمال مشترک(هر سه شب باید انجام داد)]

اوّل:اعمالی است که در هر سه شب باید انجام داد،و آن چند عمل است:

[اوّل:غسل]

اوّل:غسل کردن.علاّمۀ مجلسی فرموده بهتر است غسل این شبها در هنگام غروب آفتاب انجام گیرد،که نماز شام را با غسل بخواند.

[دوم:دو رکعت نماز به این کیفیت(هفت قل هو الله)...]

دوم:دو رکعت نماز که در هر رکعت پس از سورۀ«حمد»،هفت مرتبه«توحید»خوانده،و پس از فراغت از نماز هفتاد مرتبه بگوید،استغفر

...

اللّه و اتوب الیه در روایت نبوی است:که از جای برنخیزد تا خدا او و پدر و مادرش را بیامرزد،تا آخر خبر.

[سوم:قرآن را مقابل صورت قرار دهد و این کلمات را بگوید...]

سوم:قرآن مجید را باز کند و در برابر خود گرفته و بگوید:

خدای از تو درخواست می کنم به حق کتاب نازل شده ات،و آنچه در آن است،و در آن است نام بزرگت ترت،و نامهای نیکوترت و آنچه بیم انگیز است و امیدبخش،اینکه مرا از آزادشدگان از آتش دوزخ قرار دهی.سپس هر حاجت که دارد بخواهد.

[چهارم:قرآن مجید را روی سر بگذارد و این کلمات را بگوید...]

چهارم:قرآن مجید را روی سر بگذارد و بگوید:خدایا به حق این قرآن،و به حق کسی که آن را بر او فرستادی،و به حق هر مؤمنی که او را در قرآن ستودی،و به حق خود بر آنان،پس احدی شناساتر از تو به حق تو نیست سپس ده مرتبه بگوید

به ذاتت ای خدا و ده مرتبه به حق محمّد و ده مرتبه به حق علی و ده مرتبه به حق فاطمه و ده مرتبه به حق حسن و ده مرتبه به حق حسین و ده مرتبه به حق علی بن الحسین و ده مرتبه به حق محمّد بن علی و ده مرتبه به حق جعفر بن محمّد و ده مرتبه به حق موسی بن جعفر و ده مرتبه به حق علی بن موسی و ده مرتبه به حق محمد بن علی و ده مرتبه به حق علی بن محمّد و ده مرتبه به حق حسین بن علی و ده مرتبه به حق حجّت.پس هر حاجتی که داری از خدا بخواه.

[پنجم:حضرت سیدالشّهدا علیه السّلام را زیارت کند]

پنجم:حضرت سیدالشّهدا علیه السّلام را زیارت کند.در روایت آمده:هنگامی که شب قدر می شود،منادی از آسمان هفتم از پشت عرش ندا سر می دهد که خدا هرکه را به زیارت مزار امام حسین علیه السّلام آمده آمرزید.

[ششم:این شبها را احیا بدارد]

ششم:این شبها را احیا بدارد،روایت شده هرکه شب قدر را احیا بدارد،گناهانش آمرزیده می شود،هرچند به شمارۀ ستارگان آسمان و سنگینی کوهها و پیمانه دریاها باشد.

[هفتم:صد رکعت نماز بجا آورد،که فضلیت بسیار دارد]

هفتم:صد رکعت نماز بجا آورد،که فضلیت بسیار دارد و بهتر آن است که در هر رکعت پس از سورۀ«حمد»،ده مرتبه«توحید»بخواند.

[هشتم:این دعا را بخواند...]

هشتم:این دعا را بخواند،

خدایا شام کردم درحالی که برای تو تنها بنده کوچک و خواری هستم،که برای خویش سود و زیانی را به دست ندارم،و نمی توانم از خود پیش آمد بدی را بازگردانم،به این امر بر خویش گواهی می دهم،و در پیشگاهت به ناتوانی و کمی چاره ام اعتراف می کنم،خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و آنچه را به من و همۀ مردان و زنان مؤمن،از آمرزش در این شب وعده دادی وفا کن، و آنچه را به من عنایت فرموده ای کامل ساز،که من بندۀ بیچاره،درمانده،ناتوان،تهیدست خوار توام.خدایا مرا فراموش کنندۀ ذکرت قرار مده،در آنچه سزاوار آنم فرمودی،و نه

فراموش کنندۀ احسانت،در آنچه عطایم نمودی،و نه ناامید از اجابتت،گرچه مدّت

ص:363

زمانی طولانی گردد،چه در خوشی یا ناخوشی،یا سختی،یا آسانی،یا عافیت،یا بلا،یا تنگدستی،یا در نعمت همانا تو شنوندۀ دعایی.این دعا را کفعمی از امام زین العابدین علیه السّلام روایت کرده که در این شبها،در حال قیام و قعود و رکوع و سجود می خواندند،و علاّمۀ مجلسی فرموده:بهترین اعمال در این شبها،درخواست آمرزش و دعا است،برای حوایج دنیا و آخرت خود،و پدر و مادر و خویشان،و برادران و خواهران مؤمن،چه آنان که زنده اند،و چه آنان که از دنیا رفته اند،و خواندن اذکار،و صلوات بر محمّد و آل محمّد علیهم السّلام به هر اندازه که بتواند و در بعضی از روایات وارد شده:دعای جوشن کبیر را در این سه شب بخواند.فقیر گوید:که دعای جوشن کبیر را در بخشهای پیش آورده ام.روایت شده که خدمت رسول خدا صلی اللّه علیه و آله عرض شد:اگر شب قدر را یافتم،از خدای خود چه بخواهم؟فرمود:عافیت.

دوّم:اعمال مخصوص هر یک از این شبها است.
[اعمال شب نوزدهم]

امّا اعمال شب نوزدهم چند چیز است:

[اوّل:صد مرتبه این ذکر را بگوید...]

اوّل:گفتن صد مرتبه:

از پروردگارم خدا آمرزش می جویم و به سوی او می پویم

[دوم:صد مرتبه این لعن را بگوید...]

دوم:گفتن صد مرتبه خدایا قاتلان امیر المؤمنین را لعنت کن

[سوم:این دعا را بخواند]

سوم:دعای یا ذی الذّی کان را که در قسم چهارم گذشت بخواند.

[چهارم:این دعا را بخواند...]

چهارم:این دعا را بخواند: خدایا مقرّر فرما در آنچه حکم می کنی،و تقدیر می نمایی از فرمان حتمی،و در آنچه جدا می کنی از کار حکیمانه در شب قدر،و در آن حکم حتمی که برگشت و تغییری ندارد،اینکه مرا از حاجیان خانۀ محترمت بنویسی،حاجیانی که حجّشان قبول،سعی شان پذیرفته،

گناهانشان آمرزیده،بدیهایشان نادیده گرفته شده است،و در آنچه حکم می کنی و تقدیر می نمایی،مقرّر فرما که عمرم را طولانی نمایی، و در روزی ام بر من وسعت بخشی،و با من چنین و چنان کنی.و به جای«کذا و کذا»حاجت خود را بیان کند.

ص:364

[فضیلت و اعمال شب بیست و یکم]

شب بیست و یکم:فضیلت این شب نورانی از شب نوزدهم بیشتر اس و باید اعمال این شب را،از غسل و احیا و زیارت و نماز هفت«توحید»و قرآن بر سر گرفتن و صد رکعت نماز و دعای جوشن کبیر و غیر آنها را انجام دهد و در غسل و احیا و سعی در عبادت،در این شب و شب بیست و سوم اصرار ورزد،در روایات به این معنی که شب قدر یکی از این دو شب میباشد،تاکید شده در چند روایت آمده:

که از معصوم خواسته شد:معین فرمایید که شب قدر کدام یک از این دو شب است؟ایشان تعیین نکرد،بلکه فرمود:

چه آسان است دو شب در آنچه می جویی یا آنکه فرموده:باکی بر تو نیست که در هر دو شب کار خیر انجام دهی مانند ان.و شیخ ما صدوق در آنچه بر بزرگان در یک مجلس راجع به مذهب امامیه دیکته کرده چنین فرمود:هر که این دو شب را با بحثهای علمی احیا بدارد بهتر است به هر صورت از این شب شروع کند به خواندن دعاهای شبهای دهۀ آخر ماه که از جملۀ آنها این دعاست که شیخ کلینی در کتاب کافی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده:

که در دهۀ آخر ماه رمضان در هر شب بخوان:پناه می آورم به عظمت ذات کریمت،از اینکه ماه رمضان از من سپری شود،یا سپیده این شب طلوع کند،و از سوی من نزد تو گناهی یا نتیجه کاری مانده باشد،که مرا بر آن عذاب نمایی کفعمی در حاشیۀ«بلد الامین»نقل کرده که امام صادق علیه السّلام در هر شب از دهۀ آخر این ماه پس از نمازهای واجب و مستحب می خواندند:

خدایا از ما حق آنچه را که از ماه رمضان گذشته ادا فرما،و کوتاهی ما را از عبادت در این ماه بیامرز و ماه رمضان را از ما پذیرفته تحویل گیر،و ما را از زیاده رویهای بر علیه خویشتن مؤاخذه مکن،و از رحمت شدگان قرار ده،نه از محرومان.

و فرموده:هرکه این دعا را بخواند،خدا تقصیری که در گذشته از ماه رمضان از او سر زده بیامرزد،و او را در باقیماندۀ ماه از گناهان بازدارد.سیّد

ص:365

ابن طاووس در کتاب«اقبال»از ابن ابی عمیر از مرازم نقل کرده:امام صادق علیه السّلام در هر شب از دههٔ آخر این ماه می خواند:

خدایا تو در کتاب نازل شده ات فرمودی:ماه رمضان،ماهی که قرآن برای هدایت مردم در آن نازل شده و دلایلی روشن از هدایت و تمیز دادن حق از باطل است،با نازل کردن قرآن در آن حرمتش را بزرگ شمردی،و آن را به شب قدر اختصاص دادی،شبی که آن را از هزار ماه ماه بهتر قرار دادی.خدایا این روزهای ماه رمضان است که گذشت،و شبهای آن است که از دست رفت،من از این ماه چنان شده ام که تو از من به آن داناتری،و شمارهٔ آن را از تمام آفریدگانت شمارنده تری،در نتیجه از تو درخواست می کنم به آنچه از تو درخواست کردند فرشتگان مقرّبت،و پیامبران مرسلت،و بندگان شایسته ات،این که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و وجودم را از آتش آزاد کنی،و به رحمتت به بهشتم وارد نمایی،و به عفو و کرمت بر من تفضّل آری،و نزدیک جویی ام را بپذیری،و دعایم را به اجابت رسانی،و به امان دادنم در روز وحشت، از هر هراسی که برای قیامتم آماده ساخته ای بر من منت نهی،خدایا به ذات کریم و به جلال بزرگت پناه می آورم، از اینکه روزها و شبهای ماه رمضان سپری گردد،و برای من نزد تو نتیجه کاری یا گناهی باشد که مرا به سبب آن مؤاخذه کنی،یا خطایی که بخواهی انتقامش را از من بگیری،و مرا در آنها نیامرزیده باشی،ای آقای من،ای آقای من،ای آقای من از تو می خواهم که معبودی جز تو نیست، آنگاه که معبودی جز تو نبود،اگر در این ماه از من خشنود بوده ای،بر خشنودی ات از من بیفزا،و اگر خشنود نبوده ای

ص:366

از هم اکنون از من خشنود شو ای مهربان ترین مهربانان،ای خدا،ای یکتا،ای بی نیاز،ای که نزاییده و زاده نشده،و احدی برایش همتا نبود.و بسیار بگو:ای نرم کنندۀ آهن برای داود(درود بر او)،ای بردارندۀ بدحالی و بلاهای بزرگ از ایّوب(درود بر او)،ای از بین برندۀ اندوه شدید یعقوب (درود بر او)،ای زایل کنندۀ غم یوسف(درود بر او)،درود فرست بر محمّد و خاندان محمّد،چنان که تو سزاواری که درود فرستی بر جملۀ آنان،و با من چنان کن که تو شایستۀ آنی نه چنان که من سزاوار آنم.

[دعای شب بیست و یکم]

و از جملۀ این دعاها دعایی است که در کتاب«کافی»به صورت روایت مستند،و در کتاب«مقنعه»و«مصباح» بدون ذکر سند نقل شده:که در شب اوّل از دهۀ سوم،یعنی در شب بیست و یکم بخوان:

ای وارد کنندۀ شب و روز،و وارد کنندۀ روز و شب،و بیرون آورندۀ زنده از مرده،و بیرون آورندۀ مرده از زنده،ای روزی دهندۀ بی حساب به هرکه خواهی،ای خدا،ای مهربان،ای خدا ای خدا،ای بخشنده،ای خدا، ای خدا،ای خدا،بر این نامهای نیکوتر،و نمونه های برتر و بزرگمنشی و نعمتها،از تو می خواهم بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و قرار دهی نامم را در این شب از گروه سعادتمندان،و روحم را با شهیدان،و نیکوکاری ام را در بلندترین مقام بهشت،و بدکاری ام را آمرزیده،و بر من یقینی ببخشی که دلم همراه آن باشد،و ایمانی که دودلی را از من بردارد،و خشنودم نمایی به آنچه نصیبم کردی،و ما را در دنیا و آخرت پاداش نیکو

عنایت کن،و از آتش سوزان حفظ فرما،و در این شب ذکر و شکر و رغبت به سویت، و توبه و توفیق آنچه که محمّد و خاندان محمّد(درود خدا بر او و ایشان)را به آن موفق نمودی نصیب من فرما.

بقیه اعمال شب بیست و یکم:کفعمی از سیّد ابن باقی نقل کرده که در شب بیست و یکم بخوان:

خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و آن چنان بردباری روزی من گردان که در نادانی را به روی من ببندد،و هدایتی که رهیدن از هر گمراهی را به وسیلۀ آن بر من منت نهی،و ثروتی که در هر فقری را به سبب آن بر من ببندی،و نیرویی که به آن هرگونه ضعفی را از من برگیری، و عزّتی که مرا به آن از هر خواری اکرام نمایی،و مرتبۀ بلندی که مرا به آن از هر افتادنی بلند گردانی،و امنیتی که به آن هر ترسی را از من دور سازی،و سلامتی کاملی که مرا به آن از هر بلایی بپوشانی،و دانشی که به آن در هر یقینی را به رویم بگشایی،و یقینی که به آن هر شکی را از من برطرف سازی،و دعایی که به آن سفرۀ اجابت را در امشب و در این ساعت بگسترانی همین ساعت،همین ساعت، همین ساعت ای کریم،و ترسی که به آن هرگونه رحمتی را برایم پخش کن،و بازدارنده ای که بین من و گناهانم پرده شود،تا به سبب آن نزد معصومین به درگاهت رستگار شوم،به حق مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

روایت شده:که حماد بن عثمان در شب بیست و یکم بر امام صادق علیه السّلام وارد شد،حضرت پرسید:غسل کرده ای؟عرض کرد آری،فدایت شودم،پس حضرت حصری خواست و حمّاد را به نزدیک خود طلبید و مشغول نماز شد و پیوسته نماز خواند و حمّاد هم در کنار حضرت نماز می خواند،تا از نمازهای خود فارغ شدند،آنگاه امام صادق علیه السّلام دعا کرد و حمّا آمین گفت،تا سپیده دمید،سپس آن حضرت اذان و اقامه گفت و بعضی از خدمتکاران خود را خواست و جلو ایستاد و نماز صبح خواند،در

ركعت اول پس از سورۀ«حمد»سورۀ«قدر»و در ركعت دوم بعد از سورۀ«حمد»سورۀ«توحيد»را قرائت كرد و بعد از نماز مشغول تسبيح و تحميد و تقديس و ثناى حق و صلوات بر پيامبر و دعا براى مردان و زنان مومن و مسلمان شد،سپس سر به سجده گذاشت و به اندازۀ يک ساعت به جز صداى تنفس صدايى از آن حضرت شنيده نشد،پس از آن اين دعا را خواند:معبودى جز تو نيست زير و رو كننده دلها و ديده ها تا آخر دعا كه در كتاب«اقبال»آمده است.

شيخ كلينى روايت كرده كه امام باقر عليه السّلام در شبهاى بيست و يكم و بيست و سوم تا نيمۀ شب دعا مى خواند،و پس از آن شروع به خواندن نماز مى كرد.آگاه باش كه در هر شب از شبهاى اين دهه غسل مستحب است.روايت شده حضرت رسول صلى اللّه عليه و آله در هر شب اين دهه غسل مى كرد.و نيز اعتكاف در اين دهه استحباب و فضيلت بسيار دارد و بهترين اوقات براى اعتكاف اين دهه است و روايت شده كه اعتكاف در اين دهه برابر دو حج و دو عمره ثواب دارد.«بناى رسول خدا صلى اللّه عليه و آله اين بود،كه چون دهه آخر ماه رمضان مى شد،در مسجد اعتكاف مى كرد،چادرى موبين براى آن حضرت مى زدند و آن جناب كمر عبادت را محكم مى بست و بستر خواب را به هم مى پچيد»و آگاه باش كه در چنين شبى در سال چهلم شهادت مولايمان حضرت امير المؤمنين عليه السّلام واقع شد و در اين شب غصّه هاى آل محمّد عليهم السّلام و شيعيانش تازه مى شود و روايت شده كه در آن شب مانند شب شهادت امام حسين عليه السّلام سنگى از روى زمين برداشته نشد،مگر آنكه زير آن خون تازه بود.شيخ مفيد فرموده:

در اين شب صلوات بسيار فرست و در نفرين بر ستم كنندگان به آل محمّد عليهم السّلام و لعن فرستادن بر قاتل امير المؤمنين عليه السّلام سعى و كوشش كن.روز بيست و يكم روز شهادت حضرت امير المؤمنين عليه السّلام است و خواندن زيارت آن جناب مناسب است و همچنين كلماتى كه در چنين روزى خضر به زبان آورده،كه به منزلۀ زيارت آن حضرت در اين روز است،و آن كلمات در كتاب«هديه الزائر»ذكر شده است.

[دعاى شب بيست ودوم]

دعاى شب بيست ودوم:اى بركنندۀ روز از قامت شب،پس به ناگاه ما در تاريكى درآييم،و روان كنندۀ خورشيد در جايگاهش به تقديرت،اى توانا،اى

دانا،و اندازه ده ماه در منازل فلکی،تا چون شاخهٔ خرمای رسیدهٔ برگردد،ای نور هر

ص:369

نور،و منتهای هر شوق،و سرچشمه هر نعمت،ای خدا،ای بخشنده،ای خدا،ای قدوس،ای یگانه،ای یکتا،ای بی همتا،ای خدا،ای خدا،نامهای نیکوتر و نمونه های والاتر و بزرگمنشی و نعمتها برای توست،از تو می خواهم بر محمّد و اهل بیتش درود فرستی،و قرار دهی نامم را در این شب در گروه سعادتمندان،و روحم را با شهیدان و کردار نیکم را در بلندمرتبه ترین درجۀ بهشت،و بدکاری ام را آمرزیده،و یقینی بر من بخشی که دلم همراه آن باشد،و ایمانی که دودلی را از من برطرف کند،و خشنودی به آنچه نصیبم نمودی،و به ما در دنیا و آخرت نیکویی عنایت کن،و از عذاب آتش سوزان نگاه دار،و در این شب ذکر و شکر و رغبت به سوی خود،و توبه و تفیق به آنچه که محمّد و خاندان محمّد درود خدا بر آنان را به آن موفق نمودی روزی ام فرما.

[فضیلت و اعمال شب بیست و سوم]

بقیه اعمال شب بیست و سوم:این شب از دو شب قدر گذشته افضل است،و از احادیث بسیار استفاده می شود،که شب قدر همین شب است،و این شب شب جهنی است یعنی شبی است که دعاها در آن اجابت می شود،و در این شب تمام کارها بر پایۀ حکمت الهی مقدّر گردد،و برای این شب غیر از اعمالی که با دو شب قدر گذشته مشترک است چند عمل دیگر است:

[اوّل:خواندن سورۀ«عنکبوت»و«روم»]

اوّل:خواندن سورۀ«عنکبوت»و«روم»که امام صادق علیه السّلام سوگند یاد کردند که خواننده این دو سوره در این شب از اهل بهشت خواهد بود.

[دوم:خواندن سورۀ«حم دخان»]

دوم:خواندن سورۀ«حم دخان»

[سوم:هزار مرتبه خواندن سورۀ«قدر»]

سوم:هزار مرتبه خواندن سورۀ«قدر»

[چهارم:خواندن این دعا(اللهم کن لولیک)در هر حال...]

چهارم:محمّد بن عیسی به سند خود از امامان صالح علیهم السّلام روایت کرده که فرمودند:در شب بیست و سوم از ماه رمضان این دعا را به

دفعات بخوان،در حال سجود و قیام و قعود.و بر هر حالی که هستی در تمام ماه،و در طول حیاتت تا جایی که ممکن باشد،و هر زمانی که به یادت آید.بعد از

ص:370

ستایش پروردگار به بزرگواری،و فرستادن صلوات بر پیامبر صلی اللّه علیه و آله می گویی:

خدایا برای ولی ات باش فلان بن فلان و به جای فلان بن فلان بگو:حجت بن الحسن که درودهایت بر او و پدرانش باد،در این ساعت،و در هر ساعت سرپرست و نگهبان و پیشوا و یاور و راهنما و دیده باه(باش،تا او را با رغبت مردم در زمینت سکونت دهی،و زمانی طولانی بهره مندش سازی.و همچنین میخوانی ای تدبیرگر امور، ای برانگیزنده مرده های در گور،ای روان کننده دریاها،ای نرم کنندهٔ آهن برای داود،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و با من چنین و چنان کن.و به جای«کذا و کذا»حاجات خود را بخواهد:امشب،و دستهای خود را در وقت خواندن«یا مدبّر الامور»تا آخر به سوی آسمان بردار.و این دعا را در حال رکوع و سجود و ایستاده و نشسته بخوان،و آن را تکرار کن،و در شب آخر ماه رمضان هم بخوان.

[پنجم:بخواند این دعا را...]

پنجم:بخواند:

خدایا عمرم را طولانی گردان،و روزی ام را وسعت بخش،و بدنم را تندرست بدار،و به آرزویم برسان،و و اگر در زمرهٔ بدفرجامان،هستم،مرا از آن گروه محو کن،و در گروه سعادتمندان ثبت فرما،که تو در کتاب فرو فرستاده به پیامبر مرسلت(درود تو بر او و خاندانش)فرمودی:خدا محو می کند آنچه را بخواهد و ثبت می نماید آنچه را اراده کند و کتاب جامع نزد اوست.

[ششم:بخواند این دعا را...]

ششم:بخواند: خدایا قرار ده در آنچه حکم می کنی،و مقدّر می نمایی،از فرمان حتمی، در آنچه از کار حکیمانه جدا می سازی در شب قدر،از حکمی که بازگشت نپذیرد،و تغییر نیابد،اینکه مرا

در این سال از حاجیان خانهٔ محترمت بنویسی،حاجیانی که حجّشان پذیرفته،و سعیشان قبول افتاده،و گناهانشان آمرزیده گشته،و بدیهایشان محو شده است،و قرار ده در آنچه فرمان می دهی و مقدّر می نمایی که عمرم را طولانی گردانی،و در روزی ام وسعت بخشی.

[هفتم:بخواند این دعا را که در اقبال آمده...]

هفتم:دعایی را که در کتاب«اقبال»آمده است بخواند:ای پنهان در حال آشکار بودنش،و ای آشکار در حال پنهان بودنش و ای پنهانی که مخفی نمی شود،ای آشکاری که دیده نمی شود،ای به وصف آمده ای که هیچ ممکنی به حقیقتش نمی رسد و هیچ حدّ بسته ای به او احاطه پیدا نمی کند،و ای غایب گم نشده،ای حاضری که مشهود نیست،تا آنکه جستجو شود و او را بیابند،آسمانها و زمین و آنچه بین آنهاست،به اندازه چشم برهم زدن از او خالی نیست،به کیفیتی معیّن دانسته نمی شود و محدود به مکان و جهت نمی گردد،تویی روشنایی نور،پروردگار پرورندگان،به همه امور احاطه کرده ای، منزّه است آنکه چیزی همانندش نیست،و او شنوا و بیناست،منزّه است آنکه دارای این صفات است و برای غیر او چنین صفاتی نیست سپس آنچه را می خواهی از خدا طلب کن.

[هشتم:غیر از غسل اوّل شب،غسلی هم در آخر شب انجام دهد]

هشتم:غیر از غسل اوّل شب،غسلی هم در آخر شب انجام دهد.بدان که برای غسل و شب زنده داری این شب و زیارت امام حسین علیه السّلام،و صد رکعت نماز،فضیلت بسیار نقل شده است،و انجام این اعمال مورد تأکید است.شیخ طوسی در کتاب«تهذیب»از ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده که آن حضرت فرمود:در شبی که امید می رود شب قدر باشد،صد رکعت نماز بخوان در هر رکعت پس از سوره«حمد»ده مرتبه سورهٔ«توحید»را قرائت کن،گفتم:فدایت شوم،اگر ایستاده قدرت نداشته باشم چه؟فرمود نشسته بخوان،گفتم اگر نتوانم،فرمود:به همان حالی که در بسترت به پشت خوابیده ای این نماز را بخوان.از کتاب«دعائم الاسلام»روایت شده که رسول خدا صلی اللّه علیه و آله در دههٔ آخر ماه رمضان بستر خود را جمع می کرد،و برای عبادت کمر همّت را محکم می بست،و در شب

بیست و سوم اهل خود را بیدار می کرد،و آنهایی را که خواب در ربوده بود،به رویشان آب می پاشید،و حضرت فاطمه علیها السلام در این شب اجازه نمی داد احدی از اهلش بخوابد،و خواب آنها را به کمی طعام علاج می فرمود،و آنها را با خواباندن در روز برای بیداری و احیای شب آماده می کرد،و می فرمود:محروم کسی است که از خیر این شب محروم بماند.

روایت شده که امام صادق علیه السّلام به بیماری سختی دچار شده بود،وقتی شب بیست و سوم ماه رمضان رسید،به خدمتکارانش دستور داد او را به مسجد بردند،و تا صبح در مسجد بود.

علاّمهٔ مجلسی(ره)فرموده است هر قدر که خواندن قرآن ممکن باشد،در این شب خوانده شود،و دعاهای صحیفهٔ کامله(سجادیه)،به ویژه دعای مکارم الأخلاق،و دعای توبه قرائت گردد،و روزهای این شبها را نیز باید حرمت نهاد،و به عبادت و تلاوت قرآن به سر آورد،زیرا در احادیث معتبر آمده است که روز قدر در فضیلت همانند شب قدر است.

[دعای شب بیست و سوم]

دعای شب بیست و سوم:ای پروردگار شب قدر،و قراردهندهٔ آن بهتر از هزار ماه،و پروردگار شب و روز،و کوهها و دریاها،و تاریکیها و روشناییها،و زمین و آسمان،ای پدیدآورنده،ای صورت بخش،ای عطا کننده،ای نعمت ده،ای خدا،ای بخشنده،ای خدا،ای به خود پاینده،ای خدا،ای نو آفرین،ای خدا،ای خدا،ای خدا، نامهای نیکوتر،و نمونه های والاتر،و بزرگمنشی و نعمتها از آن توست،از تو درخواست می کنم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و قرار دهی در این شب نامم را در زمرهٔ سعادتمندان،و روحم را با شهیدان،و نیکوکاری ام را در بلندمرتبه ترین درجهٔ بهشت،و گناهم را آمرزیده،و ببخشی بر من یقینی که دلم با آن همراه باشد،و ایمانی که شک را از من زدوده گرداند،و خشنودی به آنچه نصیبم نموده ای،و ما را در دنیا و آخرت پاداش نیکو عنایت فرما،و از عذاب آتش

سوزان حفظ کن،و در این شب ذکر و شکر خویش و رغبت به سوی خود،و بازگشت و توبه روزی ام فرما،و به آنچه محمّد و و خاندان محمّد(درود خدا بر آنان باد)را به آن موفق کردی توفیقم ده.

[دعاهای شبهای دهه پایانی ماه]

[دعای شب بیست و چهارم]

دعای شب بیست و چهارم: ای شکافندۀ روشنی سپیده از شب و قراردهندۀ شب برای آرامش،و آفتاب و ماه برای حساب زمان، ای توانا،ای دانا،ای صاحب نعمت و عطا و قوت و قدرت و فضل و نعمت بخشی،و بزرگی و بزرگواری،ای خدا،ای مهربان،ای خدا،ای یگانه،ای تنها،ای خدا،ای آشکار،ای نهان،ای زنده،معبودی جز تو نیست نامهای نیکوتر،و نمونه های برتر و بزرگمنشی و نعمتها از آن توست،از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و اینکه قرار دهی در این شب نام مرا از سعادتمندان،و روحم را با شهیدان، و نیکوکاری ام را در بلندمرتبه ترین درجۀ بهشت،و گناهم را آمرزیده،و به من ببخشی باوری که قلبم همراه آن باشد،و یقینی که شک را از من برطرف سازد،و خشنودی به آنچه نصیبم نمودی،و در دنیا و آخرت پاداش نیکو به ما عنایت فرما و از عذاب آتش سوزان ما را حفظ کن،و در این شب ذکر و شکر خویش و رغبت به سوی خود و بازگشت و توبه روزی ام کن،و به آنچه محمّد و خاندان محمّد را که درودت بر او و بر ایشان باد بر آن موفق کردی توفیقم ده.

[دعای شب بیست و پنجم]

دعای شب بیست و پنجم:ای قراردهندۀ شب را جامۀ روز،و روز را مایۀ کسب روزی و زمین را بستر آرامش،و کوهها را میخهای زمین،ای خدا،ای چیره،ای خدا،ای شکوهمند،ای خدا،ای شنوا،ای خدا،ای نزدیک،ای خدا،ای اجابت کننده

ای خدا ای خدا ای خدا،نامهای نیکوتر،و نمونه های برتر،و بزرگمنشی و نعمتها از آن توست، از تو می خواهم که بر محمّد و آل محمّد درود فرست،و در این شب نامم را در شمار سعادتمندان و روحم را با شهیدان،و نیکوکاری ام را در بلندمرتبه ترین درجۀ بهشت و بدکاری ام را آمرزیده قرار دهی،و به من ببخشی یقینی که قلبم با آن همراه باشد،و ایمانی که شک را از من برطرف نماید،و خشنودی به آنچه نصیبم فرمودی،و در دنیا و آخرت پاداش نیکو به ما عنایت کن،و ما را از عذاب آتش سوزان حفظ فرما،و در این شب ذکر و شکر خویش، و رغبت به سوی خود،و بازگشت و توبه را روزی ام فرما،و به آنچه محمّد و خاندان محمّد(درود خدا بر آنان)را بر آن موفّق نمودی توفیقم ده.

[دعای شب بیست و ششم]

دعای شب بیست و ششم:ای قراردهنده شب و روز،دو نشانه،ای آنکه نشانۀ شب را محو ساخت،و نشانه روز را روشنی بخش قرار داد،تا فضل و خشنودی اش را طلب کنند،ای جدا کنندۀ هر چیز به دقت بسیار،ای بزرگوار، ای بخشنده،ای خدا،ای سخاوتمند،ای خدا ای خدا ای خدا،نامهای نیکوتر و نمونه های برتر و بزرگمنشی و نعمتها از آن توست،از تو درخواست می کنم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و قرار دهی در این شب نام مرا از سعادتمندان و روحم را با شهیدان،و نیکوکاری ام را در بلندمرتبه ترین درجۀ بهشت و گناهم را آمرزیده، و به من ببخشی یقینی که قلبم با آن همراه باشد،و باوری که شک را از من زدوه سازد،و خشنودی به آنچه نصیبم نمودی،و در دنیا و آخرت پاداش نیکو به ما عنایت فرما،و از عذاب آتش سوزان ما را حفظ کن،و در این شب

ذکر و شکر خویش و رغبت به سویت،و بازگشت و توبه را روزی ام گردان،و به آنچه محمّد و خاندان محمّد را(درود خدا بر او و ایشان)بر آن موفّق نمودی توفیقم ده.

شب بیست و هفتم:در آن غسل کردن وارد شده و روایت شده است که حضرت زین العابدین علیه السّلام این دعا را،در این شب از اول تا آخر شب مکرّر می خواند خدایا دوری از خانۀ فریب،و بازگشت به خانۀ جاویدان،و آمادگی برای مرگ پیش از رسیدن آن را روزی ام گردان.

[دعای شب بیست و هفتم]

دعای شب بیست و هفتم: ای گسترنده سایه،و اگر می خواستی آن را بی حرکت می ساختی،و خورشید را بر آن راهنما قرار دادی،سپس آن را جمع کردی جمع کردنی آسان،ای صاحب جود و عطا و بزرگمنشی و نعمتها، معبودی جز تو نیست،دانای غیب و آشکار،بخشندۀ مهربان،معبودی جز تو نیست،ای قدوس،ای سلام،ای ایمنی بخش،ای چیره،ای توانا،ای پرشکوه،ای بزرگمنش،ای خدا،ای آفریننده،ای پدیدآورنده،ای صورت بخش،ای خدا ای خدا،ای خدا،نامهای نیکوتر،و نمونه های برتر،و بزرگمنشی و نعمتها از آن توست،از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و قرار دهی در این شب نامم را از سعادتمندان،و روحم را با شهیدان،و نیکوکاری ام را در بلندمرتبه ترین درجۀ بهشت،و بدکاری ام را آمرزیده،و به من ببخشی یقینی که قلبم با آن همراه باشد، و ایمانی که شک را از من بزداید،و خشنودی به آنچه که نصیبم کرده ای،و پاداش نیکو در دنیا و در آخرت

ص:376

را به ما عنایت فرما،و ما را از عذاب آتش سوزان حفظ کن،و در این شب ذکر و شکرت و رغبت به سویت،و بازگشت و توبه را روزی ام فرما،و به آنچه محمّد و خاندان محمّد(درود خدا بر او و ایشان)را بر آن موفق کردی توفیقم ده.

[دعای شب بیست و هشتم]

دعای شب بیست و هشتم: ای قراردهندۀ تاریکی در فضا،و قراردهندۀ روشنایی در آسمان،و بازدارندۀ آسمان از اینکه بر زمین افتد،مگر به اجازه او،و نگاه دارنده آسمان و زمین،از اینکه از جای بدر روند،ای دانا،ای بزرگ،ای آمرزنده ای جاودانه،ای خدا،ای وارث،ای برانگیزندۀ مردگان در قبرها،ای خدا،ای خدا،نامهای نیکوتر و نمونه های برتر،و بزرگمنشی،و نعمتها از آن توست،از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و قرار دهی در امشب نامم را از سعادتمندان،و روحم را با شهیدان،و نیکوکاری ام را در بلندمرتبه ترین درجۀ بهشت، و گناهانم را آمرزیده،و اینکه ببخشی به من یقینی که قلبم با آن همراه باشد،و ایمانی که شک را از من برطرف سازد،و خشنودی به آنچه که نصیب من کردی،و پاداش نیکو در دنیا و در آخرت به ما عنایت فرما،و ما را از عذاب آتش سوزان حفظ کن، و در این شب ذکر و شکر خویش و رغبت به سوی خود،و بازگشت و توبه را روزی ام کن،و به آنچه محمّد و خاندان محمّد(درود خدا بر او و ایشان)را بر آن موفق کردی توفیقم ده.

[دعای شب بیست و نهم]

دعای شب بیست و نهم: ای پیچاننده شب بر روز،و پیچاننده روز بر شب،ای دانا،ای

ص:377

فرزانه،ای پروردگار پرورندگان و آقای آقایان،معبودی جز تو نیست،ای نزدیک تر از رگ گردن به من،ای خدا ای خدا ای خدا،نامهای نیکوتر و نمونه های برتر،و بزرگمنشی و نعمتها از آن توست،از تو می خواهم بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و قرار دهی نامم را در این شب از سعادتمندان،و روحم را با شهیدان،و نیکوکاری ام را در بلندمرتبه ترین درجۀ بهشت،و گناهم را آمرزیده،و به من ببخشی یقینی که قلبم با آن همراه باشد،و ایمانی که شک را از من برطرف نماید،و خشنودی به آنچه نصیبم کردی،و پاداش نیکو در دنیا و آخرت به ما عنایت فرما،و ما را از عذاب آتش سوزان حفظ کن،و در این شب ذکر و شکر خویش و رغبت به سوی خود،و بازگشت و توبه را روزی ام کن،و به آنچه محمّد و خاندان محمّد(درود خدا بر او و ایشان)را بر آن موفق کردی توفیقم ده.

[اعمال شب آخر ماه]

اشاره

شب آخر ماه:شب بسیار مبارکی است،و برای این شب چند عمل وارد است:

[اوّل:غسل]

اوّل:غسل.

[دوم:زیارت

امام حسین علیه السّلام]

دوم:زیارت امام حسین علیه السّلام.

[سوم:خواندن این سه سوره و گفتن صد مرتبه این ذکر...]

سوم:خواندن سوره های«انعام»و«کهف»و«یس»و گفتن صد مرتبه:

از خدا آمرزش می جویم و به سوی او می پویم.

[چهارم:این دعا را بخواند...]

چهارم:این دعا را که شیخ کلینی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده بخواند:

خدایا این است ماه رمضان،که قرآن را در آن نازل کردی،اینک در حال گذشتن است،و من به ذات کریمانه ات پناه می آورم از اینکه سپیدهٔ این شب طلوع کند،یا ماه رمضان بگذرد،و نزد تو برایم نتیجهٔ کار ناشایست یا گناهی

باشد که بخواهی مرا به سبب آن روزی که ملاقاتت کنم عذاب نمایی.

[پنجم:این دعا را بخواند...]

پنجم:بخواند دعای«یا مدبّر الامور»را که بیان آن در اعمال شب بیست و سوم گذشت[صفحه 340]

[ششم:ماه رمضان را با دعاهای وداع،وداع گوید...]

ششم:ماه رمضان را با دعاهای وداع،وداع گوید:دعاهایی که شیخ کلینی و شیخ صدوق و شیخ مفید و شیخ طوسی،و سیّد ابن طاووس(رضوان اللّه علیه)نقل کرده اند و شاید بهترین آنها دعای چهل و پنجم صحیفه کامله باشد.

سیّد ابن طاووس از امام صادق علیه السّلام روایت کرده که هرکه در شب آخر ماه رمضان،آن ماه شریف را وداع گفته و بگوید:خدایا این ماه را آخرین بار روزه ام در ماه رمضان قرار مده،و به تو پناه می آورم از اینکه سپیده این شب سر زند،مگر اینکه مرا آمرزیده باشی.پیش از آنکه سپیده بر آید،حق تعالی او را بیامرزد، و توبه و بازگشت نصیب وی کند.سیّد و شیخ صدوق از جابر بن عبد عبد اللّه انصاری روایت کرده اند که در جمعه آخر ماه رمضان خدمت رسول خدا صلی اللّه علیه و آله رسیدم،چون نظر آن حضرت بر من افتاد،فرمود:ای جابر این آخرین جمعه از ماه رمضان است،پس آن را وداع کن و بگو:

خدایا این ماه را آخرین بار روزۀ ما در ماه رمضان قرار مده،اگر قرار داده ای پس مرا رحمت شده بدار،نه محروم از رحمت.به راستی هرکه این دعا را در این روز بخواند به یکی از دو خصلت نیکو ظفر یابد:یا رسیدن به ماه رمضان آینده،یا آمرزش خدا و رحمت بی انتهای او.سیّد ابن طاووس و کفعمی از حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله روایت کرده اند که فرمود:

هرکه در شب آخر ماه رمضان،ده رکعت نماز به صورت دو رکعت بخواند،در هر رکعت سورۀ«حمد»را یک بار،و«قل هو اللّه احد»راه ده بار،و در هر یک از رکوع و سجود ده مرتبه بگوید:

پاک است خدا و ستایش شایسته اوست و معبودی جز او نیست و خدا بزرگتر است.و هنگامی که از ده رکعت فراغت یافت هزار مرتبه استغفار

کند.و پس از استغفار سر به سجده گذارد و در حال سجده بگوید:ای زنده به خود پاینده !ای دارای بزرگی

ص:379

و بزرگواری،ای بخشنده دنیا و آخرت و ای مهربان دنیا و آخرت،ای مهربان ترین مهربانان،ای معبود گذشتگان و آیندگان،گناهانمان را بیامرز،و نماز و روزه و شب بیداریمان را قبول کن.سوگند به کسی که مرا به راستی به پیامبری مبعوث کرد،که جبرئیل مرا از اسرافیل خبر داد و اسرافیل از پروردگار خود،که سر از سجده برنداشته،خدا او را بیامرزد،و ماه رمضان را از او قبول کند،و از او درگذرد تا آخر خبر.و این نماز در شب عید فطر هم روایت شده است، ولی در این روایت آمده است که تسبیحات اربعه را در رکوع و سجود به جای ذکر رکوع و سجود بخواند،و به جای «اغفر لنا ذنوبنا»تا آخر بگوید:

گناهم را بیامرز،و روزه و نماز و شب زنده داری ام را بپذیر.

[دعای شب سی ام]

دعای شب سی ام: خدا را سپاس که شریکی ندارد،خدا را سپاس آن گونه که سزاوار بزرگواری جلوه و عزّت جلال اوست، و چنان که شایسته اوست،ای قدوس،ای نور،ای مقدس،ای سبّوح،ای نهایت پاکی،ای بخشنده، ای به انجام رسان رحمت،ای خدا،ای دانا،ای بزرگ،ای خدا،ای لطیف،ای برجسته،ای خدا،ای شنوا،ای بینا،ای خدا،ای خدا،ای خدا،نامهای نیکوتر و نمونه های برتر،و بزرگمنشی و نعمتها از آن توست، از تو می خواهم بر محمّد و اهل بیتش درود فرستی،و قرار دهی نامم را در این شب از سعادتمندان، و روحم را با شهیدان،و نیکوکاری ام را در بلندمرتبه ترین درجۀ بهشت،و گناهم را آمرزیده،و به من ببخشی یقینی که قلبم همراه آن باشد،و ایمانی که شک را از من برطرف کند،و خشنودی به آنچه نصیبم کردی،و پاداش نیکو در دنیا

و در آخرت را به ما عنایت کن،و ما را از عذاب آتش سوزان حفظ فرما،و در این شب ذکر و شکر خویش و رغبت به سوی خود،و بازگشت و توبه را روزی ام کن،و به آنچه محمّد و خاندان محمّد(درود خدا بر او و آنان)را بر آن موفق نمودی توفیقم ده.

[اعمال روز سی ام]

روز سی ام:سیّد در کتاب«اقبال»برای روز آخر دعایی نقل کرده است که ابتدایش این است:اللّهم انّک ارحم الرّاحمین و چون در این روز بیشتر مردم قرآن را ختم می کنند،شایسته است پس از ختم قرآن دعای چهل و دوم صحیفۀ کاملۀ سجادیه را بخوانند و اگر بخواهند می توانند این دعای مختصر را که شیخ طوسی از امیر المؤمنین علیه السّلام روایت کرده بخوانند:

خدایا،به قرآن سینه ام را بگشا،و به قرآن بدنم را بکار انداز،و به قرآن دیده ام را روشن ساز،و به قرآن زبانم را بازگردان،و به عمل به آن تا زنده ام می داری یاری ام ده،که جنبش و نیرویی جز به خواست تو نیست.

و همچنین این دعا را که از حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام روایت شده است بخواند:

خدایا از تو درخواست می کنم،خشوع خاشعان،و اخلاص اهل یقین،و مدارای نیکان،و شایستگی حقایق ایمان،و بهره مندی از هر نیکی،و سلامت از هر گناه،و وجوب رحمتت،و اراده های آمرزشت،و رسیدن به بهشت،و رهایی از آتش را.

[خاتمه در بیان نمازهای شبهای ماه رمضان،و دعاهای روزهای آن]

اشاره

خاتمه

ص:381

در بیان نمازهای شبهای ماه رمضان،و دعاهای روزهای آنکه مشهور است،و علامه مجلسی در کتاب زاد المعاد در فصل آخر ماه رمضان آنها را ذکر کرده و احقر در این قسمت،به بیان آنچه آن بزرگوار نوشته اکتفا می کنم:

[نماز هر شب از شبهای ماه مبارک رمضان]

[نماز شب اول]

نماز شب اول:چهار رکعت،هر رکعت حمد و پانزده مرتبه سورۀ توحید.

[شب دوم]

شب دوم:چهار رکعت،در هر رکعت حمد و بیست مرتبه سورۀ قدر.

[شب سوم]

شب سوم:ده رکعت،در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه سورۀ توحید.

[شب چهارم]

شب چهارم:هشت رکعت،در هر رکعت حمد و بیست مرتبه سورۀ قدر.

[شب پنجم]

شب پنجم:دو رکعت،در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه سورۀ توحید،و پس از سلام صدر بار صلوات.

[شب ششم]

شب ششم:چهار رکعت،در هر رکعت حمد و سورۀ تبارک.

[شب هفتم]

شب هفتم:چهار رکعت،در هر رکعت حمد و سیزده مرتبه سورۀ قدر.

[شب هشتم]

شب هشتم:دو رکعت،در هر رکعت حمد و ده مرتبه سورۀ توحید و پس از سلام هزار مرتبه سبحان اللّه.

[شب نهم]

شب نهم:شش رکعت در فاصله میان نماز شام و هنگام خوابیدن،در هر رکعت حمد،و هفت مرتبه آیه الکرسی و پس از پایان نماز پنجاه بار صلوات.

[شب دهم]

شب دهم:بیست رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه سورۀ توحید.

[شب یازدهم]

شب یازدهم:دو رکعت،در هر رکعت حمد و بیست مرتبه سورۀ کوثر.

[شب دوازدهم]

شب دوازدهم:هشت رکعت،در هر رکعت حمد و سی مرتبه سورۀ قدر.

[شب سیزدهم]

شب سیزدهم:چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه سورۀ توحید.

[شب چهاردهم]

شب چهاردهم:شش رکعت،در هر رکعت حمد و سی مرتبه سورۀ زلزال.

[شب پانزدهم]

شب پانزدهم:چهار رکعت،در دو رکعت اول پس از حمد صد مرتبه سوره توحید،و در رکعت دیگر بعد از حمد پنجاه مرتبه سوره توحید.

[شب شانزدهم]

شب شانزدهم:دوازده رکعت در هر رکعت حمد و دوازده مرتبه سورۀ تکاثر.

ص:382

[شب هفدهم]

شب هفدهم:دو رکعت،در رکعت،اول حمد و هر سوره ای بخواهد،و در رکعت دوم حمد و صد مرتبه سورهٔ توحید،و پس از سلام صدر بار:لا اله الاّ اللّه

[شب هجدهم]

شب هجدهم:چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه سورهٔ کوثر.

[شب نوزدهم]

شب نوزدهم:پنجاه رکعت،در هر رکعت حمد و یک مرتبه سورهٔ زلزال.

[شب بیست تا بیست و چهارم]

شب بیست تا بیست و چهارم:در هر کدام هشت رکعت با هر سوره ای که میّسر شود.

[شب بیست و پنجم]

شب بیست و پنجم:هشت رکعت،در هر رکعت حمد و ده مرتبه سورهٔ توحید.

[شب بیست و ششم]

شب بیست و ششم:هشت رکعت،در هر رکعت حمد و صد مرتبه سورهٔ توحید.

[شب بیست و هفتم]

شب بیست و هفتم:چهار رکعت،در هر رکعت حمد و سورهٔ ملک،و اگر نتوانست بیست و پنج مرتبه سورهٔ توحید.

[شب بیست و هشتم]

شب بیست و هشتم:شش رکعت،در هر رکعت حمد و صدر مرتبه آیه الکرسی،و صدر مرتبه سوره توحید،و صد مرتبه سورهٔ کوثر،و پس از نماز صد بار صلوات.فقیر گوید:نماز شب بیست و هشتم موافق آنچه من یافتم

به این صورت است:شش رکعت،در هر رکعت حمد و ده مرتبه آیه الکرسی،و ده مرتبه سوره کوثر،و ده مرتبه سورۀ توحید،و پس از نماز صد بار صلوات.

[شب بیست و نهم]

شب بیست و نهم:دو رکعت،در هر رکعت حمد،و بیست مرتبه سورۀ توحید.

[شب سی ام]

شب سی ام:دوازده رکعت،و در هر رکعت حمد و بیست مرتبه سورۀ توحید و پس از سلام صدر بار صلوات،و این نمازها چنان که بیان شد هر دو رکعت به یک سلام است.

دعاهای روزهای ماه مبارک رمضان

اشاره

از ابن عباس روایت کرده اند:که حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله برای روزۀ هر روز ماه مبارک رمضان فضیلت بسیار بیان فرمود و برای هر روز دعای مخصوصی با فضیلت و ثواب بسیار برای آن ذکر کرد که ما به بیان اصل دعا اکتفا می کنیم:

[روز اول]

روز اول: خدایا روزه ام را در این ماه روزۀ روزه داران قرار ده،و شب زنده داری ام را شب زنده داری شب زنده داران،و بیدارم کن در آن از خواب بی خبران،و ببخش گناهم را در آن ای معبود جهانیان،و از من درگذر، ای درگذرنده از گنهکاران.

[روز دوم]

روز دوم: خدایا مرا در این ماه به خشنودی ات نزدیک کن،و از خشم و انتقامت برکنار دار،و به قرائت آیاتت موفق کن،ای مهربان ترین مهربانان.

[روز سوم]

روز سوم: خدایا در این ماه به من تیزهوشی و بیداری عنایت فرما،و از بی خردی و اشتباه دورم ساز،و از هر خیری که در این ماه نازل می کنی،برایم بهره ای قرار ده،و به حق جودت ای جودمندترین جودمندان

[روز چهارم]

روز چهارم: خدایا در این ماه برای برپاداشتن امرت نیرمند ساز مرا،و شیرینی ذکرت را به من بچشان،و ادای شکرت را به من الهام فرما،و به نگهداری و پوششت نگاهم بدار،ای بیناترین بینندگان

[روز پنجم]

روز پنجم: خدایا قرار ده مرا در این ماه از آمرزش جویان،و از بندگان شایستهٔ فرمانبردار،و از اولیای مقرّبت،به رأفتت ای مهربان ترین مهربانان

[روز ششم]

روز ششم: خدایا مرا در این ماه به خاطر نزدیک شدن به نافرمانی ات وامگذار،و با تازیانه های انتقامت عذاب مکن،و از موجبات خشمت دورم بدار،به فضل و عطاهایت،ای نهایت دلبستگی دل شدگان.

[روز هفتم]

روز هفتم:خدایا مرا در این ماه بر روزه و شب زنداری اش یاری ده،و از لغزشها و گناهانش دورم بدار، و ذکرت را همواره روزی ام کن،به توفیقت ای راهنمای گمراهان.

ص:383

[روز هشتم]

روز هشتم: خدای در این ماه مهرورزی به ایتام،و خواندن طعام،و آشکار کردن سلام،و همنشینی با اهل کرامت را نصبم فرما،به عطایت ای پناهگاه آرزومندان.

[روز نهم]

روز نهم: خدایا برای من در این ماه بهره ای از رحمت گسترده ات قرار ده،و به جانب دلایل درخشانت راهنمایی کن،و به سوی خشنودی فراگیرت متوجه کن،به مهرت ای آرزوی مشتاقان.

[روز دهم]

روز دهم: خدایا مرا در این ماه از توکل کنندگان،و از رستگاران نزد خود،و از مقرّبان درگاهت قرار بده،به احسانت ای هدف جویندگان.

[روز یازدهم]

روز یازدهم: خدای در این ماه نیکی را پسندیده من گردان،و نادرستیها و نافرمانیها را مورد کراهت من قرار ده،و خشم و آتش برافروخته را بر من حرام گردان به یاری ات ای فریادرس دادخواهان.

[روز دوازدهم]

روز دوازدهم: خدایا مرا در این ماه به پوشش و پاکدامنی بیارای،و به لباس قناعت و اکتفا به اندازهٔ حاجت بپوشان و بر عدالت و انصاف وادارم نما،و مرا در این ماه از هرچه می ترسم ایمنی ده،به نگهداری ات ای نگهدارنده هراسندگان.

[روز سیزدهم]

روز سیزدهم: خدایا مرا در این ماه از آلودگیها و ناپاکیها پاک کن،و بر شدنیهای مورد تقدیرت شکیبایم گردان،و به پرهیزگاری و هم نشینی با نیکان توفیقم ده،به یاری ات ای نور چشم درماندگان

[روز چهاردهم]

روز چهاردهم: خدایا مرا در این ماه بر لغزشها سرزنش مکن،و از خطاها و افتادن در گناهان دور بدار،

ص:385

و هدف بلاها و آفات قرار مده،به عزّتت ای عزّت مسلمانان.

[روز پانزدهم]

روز پانزدهم: خدایا در در این ماه طاعت فروتنان را نصیبم کن،و سینه ام را برای انابه همانند بازگشت خاضعان باز کن به امان دادنت ای امان ده هراسندگان.

[روز شانزدهم]

روز شانزدهم:خدایا مرا در این ماه به همراهی و همسویی با نیکان توفیق ده،و از همنشینی با بدان دور بدار و به حق رحمتت به خانۀ آرامش جایم ده،و به پرستیدگی ات ای پرستیدۀ جهانیان.

[روز هفدهم]

روز هفدهم: خدایا مرا در این ماه به سوی کارهای شایسته هدایت فرما،و حاجتها و آرزوهایم را برآور،ای آنکه نیاز به روشنگری و پرسش ندارد،ای آگاه به آنچه در سینۀ جهانیان است بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست

[روز هجدهم]

روز هجدهم: خدایا مرا در این ماه به برکتهای سحرهایش آگاه کن،و دلم را با روشنایی انوارش روشنی بخش،و تمام اعضایم را به پیروی آثارش بگمار،به نروت ای نوربخش دلهای عارفان.

[روز نوزدهم]

روز نوزدهم: خدایا در این ماه بهره ام را از برکتهایش کامل گردان،و راهم را به سوی نیکیهایش هموار نما،و از پذیرفته خوبیهایش محرومم مساز،ای هدایت کننده به سوی حق آشکار

[روز بیستم]

روز بیستم: خدایا در این ماه درهای بهشتهایت را به رویم باز کن،و درهای آتش دوزخ را به روزیم بربند،و به تلاوت قرآن موفقم بدار،ای فرو فرستنده آرامش در دل مؤمنان.

[روز بیست و یکم]

روز بیست و یکم: خدایا در این ماه برای من به سوی خشنودی ات دلیلی قرار مده،و برای شیطان راهی به سوی من قرار مده،و بهشت را منزل و آسایشگاهم قرار ده،ای برآورنده حاجات خواهندگان.

ص:386

[روز بیست ودوم]

روز بیست ودوم: خدایا در این ماه درهای فضلت را به روی من بگشا،و برکاتت را بر من نازل فرما،و به موجبات خشنودی ات موفقم بدار،و در میان بهشتهایت جایم ده،ای برآورندۀ خواهش درماندگان

[روز بیست و سوم]

روز بیست و سوم: خدایا در این ماه از گناهانم شست وشویم ده،و از عیبها پاکم کن،و دلم را به پرهیزکاری دلها بیازمای،ای نادیده گیرندۀ لغزشهای اهل گناه.

[روز بیست و چهارم]

روز بیست و چهارم: خدایا در این ماه آنچه تو را خشنود می کند از تو درخواست می کنم،و از آنچه تو را ناخشنود می کند به تو پناه می آورم،و از تو در این ماه توفیق اطاعت و ترک نافرمانی ات را خواستارم،ای بخشنده به نیازمندان.

[روز بیست و پنجم]

روز بیست و پنجم: خدایا مرا در این ماه دلبستۀ اولیا، و دشمن دشمنانت قرار ده،و آراسته به راه و روش خاتم پیامبرانت گردان،ای نگهدارنده دلهای پیامبران

[روز بیست و ششم]

روز بیست و ششم:خدایا کوششم را در این ماه مورد سپاس،و گناهم را آمرزیده،و عملم را پذیرفته،و عیبم را پوشیده قرار ده،ای شنواترین شنوایان.روز بیست و هفتم: خدایا در این ماه فضیلت شب قدر را روزی ام ساز،و کارهایم را از سختی به آسانی برگردان،و پوزشهایم را بپذیر،و گناه و بار گران را از گرده ام بریز،ای مهربان به بندگان شایسته.

[روز بیست و هشتم]

روز بیست و هشتم: خدایا بهره ام را در این ماه از مستحبات فراوان کن،و مرا با تحقق درخواستها اکرام فرما،و از میان وسایل وسیله ام را به سویت نزدیک کن،ای که پافشاری اصرارورزان مشغولش نسازد.

[روز بیست و نهم]

روز بیست و نهم: خدایا در این ماه با رحمتت فروگیر

ص:387

و توفیق و خود نگهداری نصیبم کن،و از تیرگیهای تهمت دلم را پاک گردان،ای مهربان به بندگان با ایمان.

[روز سی ام]

روز سی ام:خدایا روزه ام را در این ماه،بر پایه آنچه تو و پیامبر آن را می پسندد مورد سپاس و پذیرش قرار ده،درحالی که فروعش بر اصولش استوار باشد،به حق سرورمان محمّد و اهل بیت پاکش،و سپاس خدای را پروردگار جهانیان.

مؤلف گوید:تقدیم و تأخیر دعاها و عبارات هر یک را در کتابهای متعدّد دعا مختلف ذکر کرده اند،چون روایت مربوط به این دعاها را معتبر نمی دانم،متعرض تقدیم و تأخیر اصل دعاها و عبارات آنها نشدم.کفعمی دعای روز بیست و هفتم را در روز بیست و نهم ذکر نموده و موافق مذهب شیعه خواندن دعای روز بیست و هفتم در روز بیست و سوم دور نیست که مناسب تر باشد.

فصل چهارم:اعمال ماه شوال

[اعمال شب اول]

اشاره

شب اول:یکی از شبهای شریف است و در فضیلت و ثواب عبادت و احیای آن احادیث بسیاری وارد شده،از جمله در روایت آمده:آن شب کمتر از شب قدر نیست،و برای آن چند عمل مستحبّ است:

[اوّل:غسل کردن]

اوّل:غسل کردن هنگامی که آفتاب غروب کرد.

[دوّم:شب زنده داری]

دوّم:شب زنده داری به نماز دعا و استغفار و درخواست از خدا و بیتوته[شب زنده داری]در مسجد.

[سوم:پس از نماز مغرب و عشا و نماز صبح و نماز عید این تکبیرها را بگوید...]

سوم:پس از نماز مغرب و عشا و نماز صبح و نماز عید بخواند:

خدا بزرگتر است،خدا بزرگتر است،معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر است،و خدای را سپاس،و سپاس خدای را بر آنچه ما را بدان هدایت کرد، و او را شکر بر آنچه به ما ارزانی داشت.

[چهارم:پس از نماز مغرب و نافلۀ آن بگوید...]

چهارم:چون نماز مغرب و نافلۀ آن را خواند،دستها را به جانب آسمان بلند کند و بگوید:

ای صاحب نعمت و کرم،ای دارای جود،ای برگزینندۀ محمّد و ای یاور او،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و بر من

ص:388

بیامرز هر گناهی که شماره نمودی اش،و آن پیش تو در کتابی آشکار است.پس به سجده رود و در سجده صد مرتبه بگوی:«اتوب الی اللّه»[به سوی خدا می پویم]سپس هر حاجتی که دارد از خدا بخواهد،که بخواست خدا برآورده خواهد شد.

و در روایت شیخ آمده است که پس از نماز مغرب به سجده رود و بگوید:

ای صاحب قدرت،ای دارای عطا،ای برگزینندۀ محمّد و ای یاور او،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و بر من بیامرز هر گناهی را که مرتکب شدم و آن را فراموش کردم،و آن گناه نزد تو در کتابی آشکار است.پس صد مرتبه بگوید:

اتوب الی اللّه

[پنجم:زیارت امام حسین علیه السّلام]

پنجم:امام حسین علیه السّلام را زیارت کند که فضیلت بسیار دارد،و زیارت مخصوص این شب در باب زیارات خواهد آمد[صفحه 690]ان شاء اللّه تعالی

[ششم:ده مرتبه ذکر«یا دائم الفضل»را که بیان آن در اعمال شب جمعه گذشت بگوید]

ششم:ده مرتبه ذکر«یا دائم الفضل»را که بیان آن در اعمال شب جمعه گذشت بگوید.[صفحه 56]

[هفتم:ده رکعت نمازی که در شب آخر ماه رمضان گذشت بجا آورد]

هفتم:ده رکعت نمازی که در شب آخر ماه رمضان گذشت[صفحه 381]بجا آورد.

[هشتم:دو رکعت نماز بخواند به این کیفیت...]

هشتم:دو رکعت نماز بجا آورد،در رکعت اوّل پس از سورۀ«حمد»هزار مرتبه«توحید»و در رکعت دوم یک مرتبه بخواند،و پس از سلام سر به سجده گذارد و صد مرتبه بگوید:اتوب الی اللّه آنگاه بگوید:ای دارای نعمت و جود،ای صاحب بخشش و عطا،ای برگزینندۀ محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)،بر محمّد و خاندانش درود فرست،و با من چنین و چنان کن.

و بجای«کذا و کذا»حاجات خود را بخواهد.در روایت آمده که حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام این دو رکعت نماز را به این کیفیت بجای آرود،هر حاجت که از خدا بطلب،به یقین عطا فرماید،و اگر به شماره ریگهای بیابان گناه داشته باشد،خدا آنها را بیامرزد، در روایت دیگری بجای هزار مرتبه سورۀ«توحید»صد مرتبه وارد شده،لیکن این نماز را باید پس از نماز مغرب و نافلۀ

آن بجا آورد.شیخ طوسی و سیّد ابن طاووس پس از پایان نماز این دعا را نقل کرده اند:

ای خدا،ای خدا،ای خدا،ای مهربان،ای خدا،ای بخشنده،ای خدا،هی فرمانروا،ای خدا،ای پاک،ای خدا،ای سلام،ای خدا،ای ایمنی بخش،ای خدا،ای چیره گر،ای خدا،ای عزّتمند،ای خدا،ای جبّار،ای خدا،ای بزرگمنش ای خدا،ای آفریننده،ای خدا،ای پدیدآورنده،ای خدا،ای صورتگر،ای خدا،ای دانا،ای خدا،ای بزرگ،ای خدا،ای آگاه،ای خدا،ای کریم،ای خدا،ای بردبار،ای خدا،ای فرزانه،ای خدا،ای شنوا،ای خدا،ای بینا،ای خدا ای نزدیک،ای خدا،ای اجابت کننده،ای خدا،ای سخاوتمند،ای خدا،ای بزرگوار،ای خدا،ای نیرومند،ای خدا،ای وفادار ای خدا،ای سرپرست،ای خدا،ای داور،ای خدا،ای سریع،ای خدا،ای سخت گیر،ای خدا،ای مهربان، ای خدا،ای نگهبان،ای خدا،ای باشکوت،ای خدا،ای نگهدار،ای خدا،ای فراگیر،ای خدا،ای آقای آقایان ای خدا،ای آغاز،ای خدا،ای انجام،ای خدا،ای آشکار،ای خدا،ای نهان،ای خدا،ای فخرکننده،ای خدا،ای چیره،ای خدا،ای پروردگار،ای خدا،ای پروردگار،ای خدا،ای پروردگار،ای خدا،ای دوست،ای خدا،ای نور،ای خدا، ای بالابرنده،ای خدا،ای بازدارنده،ای خدا،ای دفع کننده،ای خدا،ای گشاینده،ای خدا،ای بهره رسان،ای خدا،ای با شکوه،ای خدا،ای زیبا،ای خدا،ای گواه،ای خدا،ای شاهد،ای خدا،ای فریادرس،ای خدا ای حبیب،ای خدا،ای آفرینندۀ،ای خدا،ای پاک کنندۀ،ای خدا،ای پادشاه،ای خدا،ای نیرومند،ای خدا

ص:390

ای قبض کننده،ای خدا،ای گستراننده،ای خدا،ای زنده کننده،ای خدا،ای میراننده،ای خدا،ای برانگیزنده،ای خدا ای وارث،ای خدا،ای عطابخش،ای خدا،ای فزونی ده،ای خدا،ای نعمت دهنده،ای خدا،ای حق،ای حقدا،ای ای آشکار،ای خدا،ای پاکیزه،ای خدا،ای نیکوکار،ای خدا،ای زیباکار،ای آغازگر،ای خدا،ای بازآور،ای خدا،ای پدیدآور،ای خدا،ای نوآفرین،ای خدا،ای هدایتگر،ای خدا،ای کفایت کننده،ای خدا ای شفابخش،ای خدا،ای بلندپایه،ای خدا،ای بزرگ،ای خدا،ای مهربان،ای خدا،ای نعمت بخش،ای خدا،ای عطابخش،ای خدا،ای برتر،ای خدا،ای دادگر،ای خدا،ای صاحب مراتب بلند،ای خدا،ای راستگو ای خدا،ای راستی پیشه،ای خدا،ای جزادهنده،ای خدا،ای پایدار،ای خدا،ای نگهدار،ای خدا،ای صاحب بزرگی ای خدا،ای دارای بزرگواری،ای خدا،ای پسندیده،ای خدا،ای پرستیده،ای خدا،ای سازنده،ای خدا،ای یاری ده،ای خدا،ای پدیدآورنده،ای خدا،ای پرکار،ای خدا،ای لطیف،ای خدا،ای آمرزنده،ای خدا، ای سپاسگذار،ای خدا،ای نور،ای خدا،ای توانا،ای خدا،ای پروردگار،ای خدا،ای پروردگار،ای خدا، ای پروردگار،ای خدا،ای پروردگار،ای خدا،ای پروردگار،ای خدا،ای پروردگار،ای خدا،ای پروردگار،ای خدا،ای پروردگار،ای خدا، ای پروردگار،ای خدا،ای پروردگار،ای خدا،از تو درخواست می کنم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و به خشنودی ات بر من منّت نهی، و به بردباری ات از من درگذری،و از روزی حلال پاکیزه ات به من بگستری،از جایی که گمان می برم،

ص:391

و از جایی که گمان نمی برم،من بنده توام و کسی را جز تو ندارم،و نه احدی غیر تو که از او گدایی کنم،ای مهربان ترین مهربانان،آنچه را خدا خواهد شود،نیرویی نیست جز به خدای برتر بزرگ.سپس به سجده می روی و می گویی:

ای خدا،ای خدا،ای خدا،ای پروردگار،ای پروردگار،ای پروردگار،ای فرو فرستنده برکات،به عنایت تو هر حاجتی فرود آورده شود، از تو درخواست می کنم،به هر نامی که در خزانۀ غیب نزد توست،و نامهای مشهور در پیشگاهت،که بر سراپردۀ عرشت نوشته شده،اینکه بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و ماه رمضان را از من بپذیری و مرا در شمار واردان به خانۀ محترمت بنویسی،و از من گناهان را چشم پوشی،و گنجهای خود را برایم بیرون آوری،ای مهربان.

[نهم:چهارده رکعت نماز بجای آورد به این کیفیت...]

نهم:چهارده رکعت نماز بجای آورد،در هر رکعت سورۀ«حمد»و آیه الکرسی و سه مرتبه سورۀ«توحید»را بخواند،تا در برابر هر رکعتی ثواب چهل سال عبادت و ثواب عبادت هرکه در آن ماه روزه گرفته،و نماز خوانده برای او باشد.دهم:شیخ طوسی در کتاب«مصباح»فرموده که در آخر شب غسل بجای آر،و تا طلوع فجر در جای نماز خود بنشین.

[اعمال روز اوّل]

اشاره

روز اوّل:روز عید فطر است،و اعمال آن چند چیز است:

[اوّل:پس از نماز صبح و نماز عید،تکبیرات شب عید را بگوید]

اوّل:پس از نماز صبح و نماز عید،تکبیراتی که در شب عید پس از نماز فریضه می خواندی،بخوان.

[دوم:پس از نماز صبح این دعا را بخواند...]

دوم:پس از نماز صبح دعایی را که سیّد روایت کرده:«اللّهم انی توجّهت الیک بمحمّد امامی»بخوان،و شیخ خواندن این دعا را پس از نماز عید ذکر کرده.

[سوم:زکات فطر را پیش از نماز عید کنار بگذارد]

سوم:کنار گذاشتن زکات فطر پیش از نماز عید، به شرحی که در کتابهای فقهی آمده.بدان که زکات فطر،واجب مؤکّد،و شرط قبولی روزۀ ماه رمضان و سبب حفظ انسان تا سال آینده است،و حق تعالی در این آیۀ شریفۀ: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكّٰى وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلّٰى» زکات را مقدّم بر نماز ذکر فرموده.

[چهارم:غسل]

چهارم:غسل است،و بهتر آن است اگر ممکن شود آن را در نهر انجام دهند،و وقت آن پس از طلوع فجر است تا زمان بجا آوردن نماز عید،چنان که شیخ فرموده و در روایتی آمده است که غسل را در زیر سقف پوشیده بجا آور،

و چون خواستی غسل کنی بگو:

خدایا تنها برای ایمان به تو،و تصدیق به کتاب تو،و پیروی از روش پیامبر تو محمّد درود خدا بر او و خاندانش باد آنگاه«بسم اللّه»بگو و غسل را بجای آر،و هنگامی که از غسل فارغ شدی بگو:

خدای این غسل را کفارۀ گناهانم قرار ده،و دینم را پاک کن،خدایا هر آلودگی را از من برطرف فرما.

[پنجم:پوشیدن جامۀ نیکو،و بکار بردن بوی خوش،رفتن به صحرا برای بجا آوردن نماز عید]

پنجم:پوشیدن جامۀ نیکو،و بکار بردن بوی خوش،رفتن به صحرا برای بجا آوردن نماز عید در زیر آسمان در غیر شهر مکه.

[ششم:افطار کردن پیش از نماز عید]

ششم:افطار کردن پیش از نماز عید،در اول روز،و بهتر آن است که با خرما یا شیرینی باشد،و شیخ مفید فرموده:

خوردن مقدار کمی از تربت سیّدالشهدا علیه السّلام که از هر دردی شفاست مستحبّ است.

[هفتم:هنگام رفتن به نماز عید این دعا را بخواند...]

هفتم:چون برای رفتن به نماز عید آماده شدی،بیرون نرو مگر پس از طلوع آفتاب،و بخوان دعاهایی را که سیّد ابن طاووس در کتاب«اقبال»نقل کرده از جمله ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه السّلام روایت کرده که هنگامی که برای نماز عید فطر و قربان و جمعه آمادۀ بیرون رفتن شدی،این دعا را بخوان:

خدایا هرکس در این روز آماده شد یا نیت کرد،یا مهیّا و مستعد شد،برای ورود به درگاه یکی از بندگانت به امید جایزه ها و صله ها و بهره ها و عطاها،ولی ای آقای من آماده شدن و قصد کردن و مهیا و مستعد شدن

من تنها به جانب توست به امید جایزه ها و صله ها و بهره ها و عطاهایت،اینک صبح کردم در عیدی از اعیاد امت پیامبرت محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)، درحالی که به عمل صالحی که به آن اطمینان کنم،و آن را پیش آورده باشم بر تو وارد نشدم،و به مخلوقی که آرزومندش باشم رو نکردم،بلکه در

ص:393

حال فروتنی تنها به جانب تو آمده ام به گناه و بدی نسبت به خویش اعتراف دارم،پس ای بزرگ،ای بزرگ،ای بزرگ،گناهان بزرگم را بیامرز،که گناهان بزرگ را جز تو نیامرزد،ای که معبودی جز تو نیست،ای مهربان ترین مهربانان.

[هشتم:خواندن نماز عید به این کیفیت...]

هشتم:خواندن نماز عید است،و آن دو رکعت است:در رکعت اول سوره های«حمد»و «اعلی»و پس از سورۀ«حمد»و«اعلی»پنج تکبیر بگوید،و بعد از هر تکبیری دست به قنوت بردارد،و بگوید:

خدای ای اهل بزرگی و عظمت،و ای اهل جود و سلطنت،و اهل گذشت و رحمت، و اهل تقوا و مغفرت،از تو درخواست می کنم به حق این روز که برای مسلمانان عید قرار دادی،و برای محمّد صلّی اللّه علیه و آله ذخیره و فزونی در شرف،که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و مرا در هر خیری که محمّد و خاندان محمّد را وارد نمودی وارد کنی،و از هر شرّی که محمّد و خاندان محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)را بیرون آوردی مرا بیرون آوری،خدایا از تو درخواست می کنم،بهترین چیزی که بندگان شایسته ات درخواست کردند،و به تو پناه می آورم از آنچه بندگان شایسته ات به تو پناه بردند.پس تکبیر ششم بگوید و به رکوع رود،و پس از رکوع و سجود برای رکعت دوم قیام کند،و پس از سورۀ«حمد»سورۀ«شمس»را بخواند، سپس چهار تکبیر بگوید،و پس از هر تکبیری دست به قنوت بردارد،و همان دعا را بخواند،چون فارغ شد پنجمین تکبیر را گفته و به رکوع رود،و نماز را به پایان برساند،و پس از سلام تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بجا آورد.پس از نماز عید دعایهای بسیاری

وارد شده که شاید بهترین آنها دعای چهل و ششم صحیفهٔ کاملهٔ سجادیه باشد.مستحب است نماز عید زیر آسمان و روی زمین بدون فرش واقع شود،و از جایگاه نماز،از غیر آن راهی که به نماز آمده بود بازگردد،و برای قبول شدن اعمال برای برادران دینی خود دعا کند.

[نهم:زیارت امام حسین علیه السلام]

نهم:حضرت سیّد الشهداء علیه السّلام را زیارت کند.

[دهم:دعای«ندبه»را بخواند]

دهم:دعای«ندبه»را بخواند که ان شاء اللّه تعالی بعد از این بیاید،و سیّد ابن طاووس فرموده که چون از دعا فارغ شود،به سجده رود و بگوید:

به تو پناه می آوردم از آتشی که حرارتش خاموش نمی شود،و تازه اش کهنه نمی گردد،و تشنه اش سیراب نمی شود.

پس گونهٔ راست را بر زمین گذارد و بگوید:خدایا رخسارم را پس از سجده،و به خاک مالیدن آن برای تو در آتش زیر و رو مکن،که من در این کار بر تو منّت ندارم،بلکه تنها تو را بر منّت است سپس گونهٔ چپ را بر زمین گذارد و بگوید:رحم کن بر کسی که بد کرده،و مرتکب گناه شده و بیچاره گشته و اعتراف نموده است.آنگاه به حال سجده برگردد و بگوید:اگر من بندهٔ بدی بودم،تو پروردگار خوبی هستی،گناه از بنده ات بزرگ شده،شایسته است گذشت از جانب تو نیکو باشد ای کریم پس صد مرتبه بگوید:ببخش ببخش آنگاه سیّد فرموده:امروزت را به بازی و اهمال کاری سپری مکن،درحالی که نمی دانی،آیا از نظر اعمال مردودی،یا پذیرفته؟اگر امید پذیرفته شدن داری،آن را با سپاس زیبا تلافی کن،و اگر از مردود شدن در هراسی،پس دچار اندوه طولانی باش

[مناسبت روز بیست و پنجم]

روز بیست و پنجم:در سال صد و چهل و هشت به گفتهٔ بعضی،شهادت امام صادق علیه السّلام واقع شده،و برخی روز شهادت را نیمهٔ رجب گفته اند،و علت شهادت آن حضرت،انگور زهرآلودی بوده که به حضرت خورانده

شده،و روایت شده که چون زمان شهادت آن حضرت فرا رسید دیده های خود را گشود و فرمود:بستگان مرا گرد آورید،چون همه گرد آمدند به جانب

ص:395

ایشان نظر کرد و فرمود:شفاعت ما به کسی که نماز را سبک شمارد و به جایگاه آن اعتماد نکند نمی رسد.

فصل پنجم:اعمال ماه ذوالقعده

[فضیلت این ماه]

این ماه آغاز ماههای حرام است،که حق تعالی در قرآن مجید ذکر فرموده

[نماز یکشنبه های این ماه]

و سیّد ابن طاووس روایتی نقل کرده که ذوالقعده به هنگام سختی شدید گاه استجابت دعاست،و برای روز یکشنبه این ماه نمازی با فضیلت بسیار از رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله روایت کرده:مختصر آن فضیلت این است که،هرکه آن را بجا آورد،توبه اش پذیرفته حق و گناهش آمرزیده می شود،و طلبکاران او در قیامت از وی راضی گردند،و با ایمان از دنیا برود،و ایمانش از او گرفته نشود و قبرش وسیع و نورانی گردد و پدر و مادرش ازو او راضی شوند،و آمرزش حق نصیب پدر و مادر و فرزندان و نژاد او گردد،و روزی او توسعه یابد و فرشتۀ مرگ در وقت مردن با او مدارا کند،و جانش را به آسانی بستاند،و کیفیت آن نماز چنین است:روز یکشنبه غسل بجا آورد و وضو بگیرد و چهار رکعت نماز بخواند،در هر رکعت سورۀ«حمد»را یک مرتبه و سورۀ«توحید»را سه مرتبه و سورۀ«فلق»را یک مرتبه و سورۀ «ناس»را یک مرتبه بخواند و پس از نماز هفتاد مرتبه استغفار کند،و استغفار را با:

جنبش و نیرویی جز به خدای والای بزرگ نیست ختم نماید،سپس بگوید:

ای توانا،ای آمرزنده،گناهان من و همۀ مردان و زنان مؤمن را بیامرز،که گناهان را جز تو کسی نمی آمرزد.

روایت شده هرکه در یکی از ماههای حرام سه روزی پی درپی که پنجشنبه و جمعه و شنبه باشد روزه بگیرد،ثواب نهصد سال عبادت برای او نوشته شود.شیخ بزرگوار علی بن ابراهیم قمی فرموده در ماههای حرام گناهها و حسنات دوچندان می شود.

[مناسبت روز یازدهم]

روز یازدهم:سال صد و چهل و هشت،ولادت با سعادت حضرت رضا علیه السّلام واقع شده.

[اعمال شب پانزدهم]

شب پانزدهم:شب مبارکی است،خدا بر بندگان مؤمن خو نظر رحمت می فرماید،و چنان که در روایت نبوی آمده،کسی

که در این شب به طاعت حق مشغول باشد،برای او اجر صد نفر روزه داری است که ملازم مسجد بوده اند،آن هم روزه داری که خدا را به اندازهٔ چشم برهم زدنی معصیت نکرده باشد،پس این شب را غنیمت بشمار،و خود را به طاعت و عبادت و نماز و درخواست حاجات از خدا مشغول کن،روایت شده هرکه در این شب حاجتی از خدا بخواهد حتما به او عطا خواهد شد.

[مناسبت روز بیست و سوم]

روز بیست و سوم:سال دویست و سه به قولی شهادت حضرت رضا علیه السّلام واقع شده و زیارت آن حضرت از نزدیک و دور مستحبّ است.

سیّد ابن طاووس در کتاب«اقبال»گفت که در بعضی از کتابهای علمای شیعه غیر عرب (رضوان اللّه علیهم)دیدم که مستحبّ است مولایمان حضرت رضا(درود خدا بر او)در روز بیست و سوم از ماه ذی القعده از نزدیک و دور زیارت شود،به بعضی از زیارتهای معروف،یا به آنچه که همانند زیارت باشد از روایاتی که در این باب رسیده است.

[اعمال شب بیست و پنجم(شب دحو الارض)]

شب بیست و پنجم:شب دحو الارض است،یعنی پهن شدن زمین از زیر کعبه به روی آب،و از شبهای بسیار شریف است که رحمت خدا در آن نازل می شود،و قیام به عبادت در آن اجر بسیار دارد،و از حسن بن علی وشّاء روایت شده که گفته:من کودک بودم که با پدرم در شب بیست و پنجم ماه ذوالقعده،در خدمت حضرت رضا علیه السّلام شام خوردیم،حضرت فرمود امشب حضرت ابراهیم و حضرت عیسی علیهما السلام متولّد شده اند،و زمین از زیر کعبه پهن شده،پس هرکه روزش را روزه بدارد،چنان است که شصت ماه روزه داشته باشد،و در روایت دیگر است که فرمود:در این روز حضرت قائم(عج)قیام خواهد کرد.

[اعمال روز بیست و پنجم(روز دحو الارض)]

اشاره

روز بیست و پنجم:روز دحو الارض است،یکی از آن چهار روزی است،که در تمام سال به فضیلت روزه ممتاز است،و در روایتی آمده:که روزۀ این روز همانند روزۀ هفتاد سال است و در روایت دیگر آمده که کفاره هفتاد سال است،و هرکه این روز را روزه بدارد،و شب را به عبادت به سر آورد،برای او عبادت صد سال نوشته شود و برای روزه دار این روز، که هرچه در میان زمین و آسمان است استغفار کند،و این روزی است که رحمت خدا در آن منتشر شده،و برای عبادت

ص:397

و اجتماع به ذکر خدا در این روز اجر بسیاری است،و باری این روز جز روزه و عبادت و ذکر خدا و غسل دو عمل دیگر وارد است:

[اوّل:نمازی که در کتابهای علمای شیعه از اهل قم روایت شده بخواند به این کیفیت...]

اوّل:نمازی که در کتابهای علمای شیعه از اهل قم روایت شده و آن دو رکعت است در وقت چاشت[بالا آمدن آفتاب تا پیش از گذشتن از وقت ظهر]در هر رکعت پس از سورهٔ«حمد»پنج مرتبه سورهٔ«و الشّمس»خوانده شود،و پس از سلام بگوید،هیچ جنبش و نیرویی نیست مگر به خدای برتر بزرگ آنگاه دعا کند و بخواند: ای نادیده گیر لغزشها لغزشم را نادیده گیر،ای اجابت کننده دعاها،دعایم را اجابت کن،ای شنوای صداها،صدایم را بشنو،و به من رحم کن،و از بدیهایم و آنچه نزد من است درگذر،ای صاحب بزرگی و بزرگواری.

[دوّم:این دعا را بخواند...]

دوّم:خواندن دعایی که شیخ در کتاب«مصباح»فرموده:خواندن آن مستحبّ است:

خدایا ای گسترانندهٔ کعبه،و شکافندهٔ دانه،و برگیرندهٔ سختی،و برطرف کنندهٔ هر گرفتاری،از تو می خواهم در این روز از روزهایت،که حقّش را بزرگ گرداندی،و سبقتش را پیش انداختی،و آن را نزد اهل ایمان امانت و و به سوی خود وسیله قرار دادی،و به رحمت گسترده ات که بر محمّد درود فرستی آن بنده برگزیده ات در پیمان نزدیک،روز دیدار،شکافندهٔ هر امر بسته،و دعوت کننده به حق،و بر اهل بیت پاکش آن راهنمایان،و روشن کنندگان راه حق،ستونهای جبّار،و متولّیان بهشت و دوزخ،و عطا کن به ما از عطای در خزانه ات که نه بریده شود،و نه منع گردد،تا به وسیلهٔ آن توبه،و بازگشت خوبی برای ما فراهم نمایی

ای بهترین خوانده شده و کریم ترین امید شده،ای کفایت کننده،ای وفادار،ای آنکه لطفش پنهانی است،به لطفت به من لطف کن،و به عفوت خوشبختم نما،و به یاری ات تأییدم فرما،و از ذکر کریمانه ات فراموشم مکن به حق متولیان امرت و نگهبانان رازت و از گرفتاریهای روزگار تا روز قیامت و برانگیخته شدن خفظم کن هنگام بیرون آمدن جانم،و فرو رفتن در قبرم،و تمام شدن کارم،و سپری شدن عمرم،اولیایت را به بالینم حاضر کن،خدایا یادم کن،بر طول پوسیدگی،زمانی که در میان توده های خاک فرود آیم،و فراموش کنندگان از مردم فراموشم کنند،و در خانۀ اقامت فرودم آر،و در منزل کرامت جایم ده،و از دوستان اولیایت،و برگزیدگان و خاصان درگاهت قرارم ده،و دیدارت را بر من مبارک گردان،و پیش از فرا رسیدن پایان عمرم حسن عمل روزی ام فرما، درحالی که پاک از لغزشها و گفتار بی پایه و منطق تباه باشم.خدایا مرا به حوض پیامبرت محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)وارد کن،و از آن به من بنوشان،نوشاندنی سیراب کننده،روان و گوارا،که پس از آن هرگز تشنه نشوم،و از ورود به آن طرد نگردم،و از آن منع نشوم،و آن را قرار ده برایم بهترین توشه،و کاملترین وعده گاه،روزی که گواهان بپا می خیزند.خدایا لعنت کن گردنکشان گذشته و آینده را،هم آنان که حقوق اولیایت را به ناحق به خود اختصاص دادند.خدایا پایه هایشان را بشکن،و پیروان و عمّالشان را نابود ساز،زمینه های هلاکتشان را به زودی فراهم فرما،و کشورهایشان را از دستشان بگیر،و راههایشان را بر آنان تنگ کن، و بر آنان که با آنان سهیم و شریکند لعنت فرست.خدایا در فرج دوستانت شتاب کن و حقوق تاراج رفتۀ آنان را به آنان بازگردان

ص:399

و قائم آنان را به حق آشکار کن،و او را یاری رسان دینت بدار،و دربارۀ دشمنانت فرمانده به فرمانت قرار ده.خدایا فرشتگان پیروزی را گرداگرد او همواره بدار،و به آن دستوری که در شب قدر به او القا کردی او را انتقام گیرندۀ خویش قرار ده،تا جایی که خشنود شوی،و دینت به وسیلۀ او،و به دست او به گونه ای نو و تازه بازگردد،و حق به طور کامل ناب شود،و باطل به صورت همۀ جانبه به دور افکنده شود.خدایا بر او و همۀ پدرانش درود فرست،و ما را از همنشینان و خاندانش قرار بده،و در زمان بازگشتش ما را برانگیز،تا در دوران او در شمار یارانش باشیم.خدایا درک قیامش را روزی ما کن،و در روزگارش ما را حاضر کن،و بر او درود فرست،و سلام او را به ما باز رسان،درود و رحمت خدا و برکاتش بر او باد.میر داماد(ره)در رسالۀ اربعه ایّام خود،در بیان اعمال روز دحو الارض فرموده است:زیارت امام رضا علیه السّلام در این روز افضل اعمال مستحبّ،و مؤکّدترین آداب می باشد،و همچنین زیارت آن حضرت در روز اول ماه رجب الفرد در نهایت تأکید بوده،و نسبت به آن ترغیب بسیار شده است.

[مناسبت روز آخر ماه]

روز آخر ماه:سال دویست و بیست بنابر مشهور،امام جواد علیه السّلام،در بغداد به سبب زهری که معتصم عباسی به ایشان خوراند شهید شد و این حادثه تقریبا پس از درگذشت دو سال و نیم از مرگ مأمون عبّاسی اتفاق افتاد،چنان که خود آن جناب می فرمود الفرج بعد المامون بثلاثین شهرا[گشایش کار سی ماه پس از مأمون است]و این جمله نشان دهندۀ این است که آن حضرت از سوء معاشرت مأمون در کمال رنج و ناراحتی بوده است،که مرگ خود را فرج و گشایش تعبیر نموده است،چنان که پدر بزرگوارشان امام رضا علیه السّلام،در زمان و لا یتعدی خویش چنین بوده است و در هر جمعه که از مسجد جامع باز می گشت،به همان حال که عرق ریزان و غبارآلوده بود،دستها را به درگاه الهی بلند نموده و می گفت:الهی اگر فرج و گشایش کار من در مرگ من است پس همین ساعت در مرگ من شتاب ورز و پیوسته در غم و اندوه بود،تا از دنیا رحلت فرمود،و امام جواد علیه السّلام زمانی که وفات

کرد از عمر شریفش بیست و چند سال و چند ماه گذشته بود،مرقد شریف ایشان در بقعهٔ مبارکهٔ کاظمیه در پشت سر جد بزرگوارشان امام موسی بن جعفر علیهما السّلام قرار دارد.

فصل ششم:اعمال ماه ذو الحجه

[فضیلت این ماه]

این ماه از ماههای بسیار شریف است که چون فرا می رسید،نیکان صحابهٔ پیامبر و تابعین،اهتمام شدیدی در عبادت اظهار می داشتند،دههٔ اول آن«ایّام معلومات است»که در قرآن مجید ذکر شده،و در نهایت فضیلت و برکت است، و از رسول خدا صلّی اللّه و علیه و آله روایت شده است که در هیچ ایّامی کار نیک و عبادت نزد خدا،محبوب تر و پسندیده تر از این دهه نیست

[اعمال دهه اول این ماه]

اشاره

و برای این دهه اعمال خاصی است از این قبیل:

[اوّل:روزه گرفتن نه روز اول]

اوّل:روزه گرفتن نه روز اول این دهه که ثواب روزهٔ تمام عمر را داراست.

[دوّم:خواندن دو رکعت نماز،بین مغرب و عشا به این کیفیت...]

دوّم:خواندن دو رکعت نماز،بین مغرب و عشا در تمام شبهای این دهه که در هر رکعت پس از سورهٔ«حمد»یک مرتبه سورهٔ«توحید»و آیهٔ:

با موسی سی شب وعده کردیم،و آن را با ده شب دیگر کامل نمودیم،در نتیجه میقات پروردگارش به چهل شب اتمام یافت و موسی به برادرش هارون گفت:در میان قوم من جانشینم باش،و اصلاح کن،و راه اهل فساد را پیروی مکن.

را بخواند تا با ثواب حاجیان شریک گردد.

[سوم:از روز اول تا عصر روز عرفه به دنبال نماز صبح و پیش از مغرب این دعا را بخواند...]

سوم:از روز اول تا عصر روز عرفه به دنبال نماز صبح و پیش از مغرب این دعا را که شیخ مفید و سیّد از امام صادق علیه السّلام روایت کرده اند بخواند:

خدایا این روزها روزهایی است،که بر سایر روزها برتری و شرافت دادی و به لطف و رحمتت مرا به آنها رساندی، برکاتت را بر ما فرو فرست،و از نعمتهایت در این روزها بر ما وسعت ده.خدایا از تو می خواهم بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و ما را در این روزها به راه هدایت و پاکدامنی و بی نیازی و عمل در آنها به آنچه می پسندی و

ص:401

خشنود می شود هدایت فرمایی،خدایا از تو درخواست می کنم،ای جایگاه هر شکوایه،و ای شنوای هر راز و نیاز،و ای حاضر در هر جمع،و ای دانای هر نهان،که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و در این روزها بلا را از ما برگردانی،و دعایمان را مستجاب گردانی،و نیرویمان دهی و یاری مان نمایی،و به آنچه ای پروردگار ما دوست داری و خشنود می شود موّفقمان بداری،و بر اموری که از طاعتت و طاعت رسولت و اهل ولایتت بر ما واجب نمودی توفیقمان دهی.خدایا از تو درخواست می کنم ای مهربان ترین مهربانان،که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و خشنودی خود را در این روزها به ما ارزانی کنی،که به یقین تو شنوای دعایی،و از خیری که در این ایام از عالم بالا نازل می کنی،ما را محروم مساز و از گناهان ما را پاک ساز، ای دانای نهانها،و در این روزها خانۀ جاودان را بر ما واجب گردان.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و گناهی را برای ما باقی بگذار جز آنکه ببخشی،و نه اندوهی جز آنکه برطرف کنی،و نه بدهی جز انکه بپردازی،و نه غایبی جز انکه به ما برسانی،و نه حاجتی از حاجات دنیا و آخرت جز آنکه هموار و آسان نمایی،به یقین تو بر هر چیز توانایی.خدایا ای دانای نهان،ای رحم کننده به اشکهای روان،ای اجابت کننده دعاها،ای پروردگار زمینها و آسمانها،ای آنکه صداها بر او اشتباه نشود،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و ما را در این روزها از آزادشدگان و رهاگشتگان از آتش،و رسیدگان به بهشت،و از نجات یافتگان قرار ده به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان،و درود خدا بر آقایمان محمّد و همه اهل بیتش.

ص:402

[چهارم:در هر روز از این دهه بخواند این پنج دعا را...]

چهارم:در هر روز از این دهه بخواند پنج دعایی را که حضرت جبرییل برای حضرت عیسی علیه السّلام از جانب خدا هدیه آورد،تا در این ایام بخواند،و آن پنج دعا این است:

(1)گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست،یگانه و بی شریک است،فرمانروایی و سپاس برای اوست،خیر تنها به دست اوست و او بر هر چیز تواناست(2)گواهی می دهم معبودی جز خدا نیست،یگانه و بی شریک است،یکتا و بی نیاز است همسر و فرزندی نگرفته است.(3)گواهی می دهم معبودی جز خدا نیست،یگانه و بی شریک است،یکتا و بی نیاز است نه زاده و نه زاییده شده است،و برایش هیچ همتایی نیست.(4)گواهی می دهم معبودی جز خدا نیست،یگانه و بی شریک است، فرمانروایی و سپاس برای اوست،زنده می کند و می میراند و اوست زنده ای که نمی میرد،خیر تنها به دست اوست،و او بر هر چیز تواناست.(5)خدا مرا بس است و کفایت می کند،خدا گوش فرا دهد برای آنکه او را بخواند،ورای خدا نهایتی نیست،گواهی می دهم برای خدا به آنچه دعوت کرد،و خدا بیزار است از هرکه از او بیزای جوید،و آخرت و دنیا از ان خداست.حضرت عیسی(ع)برای صد مرتبه خواند هر کدام از این دعاها،ثواب بسیاری بیان کرده است و این امر بعید به نظر نمی رسد،چنان که علامه مجلسی فرموده:اگر کسی هر روز هریک از این دعاها را ده مرتبه بخواند به روایت عمل کرده،ولی اگر هر روز هریک را صد مرتبه بخواند بهتر است.

[پنجم:در هر روز این دهه این تهلیلات را بخواند...]

پنجم:در هر روز این دهه این تهلیلات را که از امیر المؤمنین علیه السّلام با ثواب بسیار روایت شده بخواند.و اگر روزی ده مرتبه بخواند بهتر است: معبودی جز خدا نیست به شمار شبها و روزگاران،معبودی جز خدا نیست به شمار امواج دریاها،معبودی جز خدا نیست،و رحمت او از آنچه گرد می آورند بهتر است،معبودی جز خدا نیست،

به شمار خارها و درختان،معبودی جز خدا نیست به شمار موها و کرکها،معبودی جز خدا نیست به شمار سنگها و کلوخها،معبودی جز خدا نیست به شمار بهم خوردن پلکها،معبودی جز خدا نیست در شب چون سیاهی بنماید و در صبح چون سپیدی سر برآورد،معبودی جز خدا نیست به شمار بادها در صحراها و کوهها،معبودی جز خدا نیست از امروز تا روز دمیده شدن در صور.

[اعمال روز اوّل]

اشاره

روز اوّل:روز بسیار مبارکی است و در آن چند عمل وارد است.

[اوّل:روزه]

اوّل:روزه که ثواب روزهٔ هشتاد ماه را دارد.

[دوّم:خواندن نماز حضرت فاطمه علیها السّلام]

دوّم:خواندن نماز حضرت فاطمه علیها السّلام،شیخ فرمود:روایت شده:این نماز چهار رکعت است با دو سلام،مانند نماز امیر المؤمنین علیه السّلام که در هر رکعت سورهٔ«حمد» یک مرتبه و سورهٔ توحید پنجاه مرتبه خوانده می شود و پس از سلام تسبیحات آن حضرت را گفته،سپس بخواند:

منزّه است آن داری عزّت بلندمرتبه شریف،منزّه است آن دارای عظمت بسیار با شکوه بزرگ،منزّه است آن دارای فرمانروایی گرانمایهٔ ازلی،منزّه است آنکه جای پای مورچه را بر سنگ صاف بیند،منزّه است آنکه چگونگی گذر پرنده را در هوا بیند،منزّه است آنکه او چنین است،و جز او چنین نیست.

[سوّم:دو رکعت نماز نیم ساعت پیش از رسیدن آفتاب به هنگام ظهر بخواند به این کیفیت...]

سوّم:دو رکعت نماز نیم ساعت پیش از رسیدن آفتاب به هنگام ظهر بخواند،در هر رکعت سورۀ«حمد»یک مرتبه و هر یک از«توحید»و«ایه الکرسی»و«قدر»را ده مرتبه بخواند.

[چهارم:هرکه از ستمگری وحشت دارد،در این روز بگوید...]

چهارم:هرکه از ستمگری وحشت دارد،در این روز بگوید:

مرا کافی است،مرا کافی است،مرا کافی است،آگاهی تو به حالم از درخواست من.تا خدا شرّ ستمکار را از او کفایت کند،و بدان که در این روز حضرت ابراهیم خلیل علیه السّلام متولّد شده است،و نیز در این روز به روایت شیخ کلینی و شیخ طوسی،حضرت فاطم علیها السّلام

ص:404

به امیر المؤمنین علیه السّلام تزویج شده.

[مناسبت روز هفتم]

روز هفتم:سال صد و چهارده شهادت امام باقر علیه السّلام در مدینه اتّفاق افتاده و به این سبب روز حزن شیعه است.

[مناسبت و اعمال روز هشتم]

روز هشتم:روز ترویه است و روزه اش فضیلت بسیار دارد و روایت شده:روزهٔ این روز کفّاره شصت سال است،و شیخ شهید غسل این روز را مستحّب دانسته.

[اعمال شب نهم(شب عرفه)]

اشاره

شب نهم:از شبهای پر برکت و شب مناجات با خدا برآورندهٔ حاجات است و توبه در آن شب پذیرفته و دعا در آن مستجاب است و کسی که آن شب را به عبادت به سر آورد،اجر صد و هفتاد سال عبادت را دارد،و برای آن شب چند عمل است:

[اوّل:این دعا را بخواند...]

اوّل:این دعا را که روایت شده هرکه آن را در شب عرفه یا شبهای جمعه بخواند،خدا او را بیامرزد:

خدایا ای آگاه از هر گفت وگوی پنهان،و جایگاه هر شکایت،و دانای هر نهان،و نهایت هر حاجت، ای آغازگر نعمتها بر بندگان،ای بزرگوار گذشت،ای نیکو درگذشت،ای بخشنده،ای که چیزی را از او نپوشاند نه شب تار،نه دریای پر موج،نه آسمان دارای برجها،و نه تاریکیهای درهم پیچیده ای آنکه تاریکی نزد او روشنایی است،از تو می خواهم به حق نور جلوهٔ پرشکوهت که به آن بر کوه تجلّی کردی،و کوه را با خاک همسان ساختی،و موسی مدهوش بر زمین افتاد،به حق نامت که با آن آسمانها را بی ستون

برافراشتی،و زمین را بر روی آب منجمد بگستردی،و به حق نام مخزون،پوشیده،نوشته شده پاکیزه ات،که چون با آن خوانده شوی،پاسخ دهی،و چون با آن درخواست شوی عطا کنی،و به حق نام منزّه و مقدّس و برهانت که آن نوری است بر فراز هر نور،و نوری است برامده از نور،از آن روشنی می گیرد هر نور،چون به زمین شکافته شود،و چون به آسمانها رسد گشوده گردد،و چون به عرش رسد،عرش به اهتزاز آید،و به حق نامت که از آن

ص:405

اندام فرشتگانت به لرزه آید،و از تو درخواست می کنم به حق جبرییل و میکاییل و اسرافیل، به حق محمد پیامبر برگزیده،درود خدا بر او و خاندانش و بر همه پیامبران و همۀ فرشتگان،و به حق نامی که به وسیلۀ آن خضر بر روی امواج دریا ره سپرد،چنان که بر روی زمین سخت راه رفت،و به حق نامت که دریا را به آن برای موسی شکافتی،و فرعون و قومش را در آن غرق نمودی، و به وسیلۀ آن موسی بن عمران و همراهانش را نجات دادی،و به حق نامت که موسی بن عمران از ناحیۀ طور ایمن تو را به آن خواند،پس او را اجابت فرمودی،و از جانب خود بر دلش محبّت انداختی،و به حق نامت که به آن عیسی بن مریم مردگان را زنده کرد،و در حالی کودکی در گهواره سخن گفت،و کور مادرزاد و مبتلای به بیماری پیسی را به اذن تو شفا داد،و به حق نامت که حاملان عرشت تو را به آن خواندند،و جبرییل،و میکاییل،و اسرافیل و محبوبت محمّد[درود خدا بر او و خاندانش باد]و فرشتگان درگاهت،و پیامبران مرسلت،و بندگان شایسته ات،از اهل آسمانها و زمین،و به حق نامت که ذو النون[حضرت یونس(ع)]تو را به آن خواند، در ان زمان که خشمناک رفت،و گمان کرد که بر او سخت نگیری،پس در میان تاریکیها فریاد برآورد که معبودی جز تو نیست،منزّهی تو،من از ستمکاران بودم،پس دعایش را اجابت کردی،و او را از اندوه رهانیدی و این چنین مردم با ایمان را نجات می دهی،و به حق نام بزرگت که داود تو را به آن خواند،و در برابرت بر سجده افتاد،در نتیجه گناهش را

آمرزیدی،و به حق نامت که آسیه همسر فرعون تو را به آن خواند آنگاه که گفت:پروردگارا برای من نزد خود در بهشت خانه ای بنا کن،و از فرعون و عملش نجاتم ده،و مرا از چنگ ستمکاران خلاص کن،پس دعایش را مستجاب کردی،و به حق نامت که ایّوب تو را به آن خواند،زمانی که بلا بر او فرود آمد،پس به او عافیت بخشیدی،و اهلش را و مانند آنها را به همراه آنان،از روی رحمت از نزد خود به پیش او بازگرداندی،و این را یادآوری برای بندگان نهادی،و به حق نامت که یعقوب تو تو را به آن خواند،پس بینایی و نور دیده اش یوسف،را به او بازگرداندی،و پریشانی اش را سرو سامان بخشیدی،و به حق نامت که سلیمان تو را به آن خواند،پس به او سلطنتی دادی که برای هیچکس پس از او شایسته نبود،همانا تو بسیار بخشنده ای،و به حق نامت که به آن براق را برای محمّد درود خدا بر او و خاندانش مسخرّ ساختی،آنجا که خدای تعالی فرمود:منزّه است خدایی که بنده اش را شبانه از مسجد الحرام تا مسجد الاقصی راه برد، و گفتار خدا:منزّه است خدایی که این مرکب را برای ما مسخرّ کرد،وگرنه قدرت تسخیرش را نداشتیم و ما به جانب پروردگارمان باز می گردیم،و به حق نامت که به وسیلۀ آن جبراییل بر محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)نازل می شد،و به حق نامت که آدم تو را به آن خواند،پس گناهش را آمرزیدی،و در بهشت جای دادی،و از تو درخواست می کنم به حق قرآن بزرگ،و به حق محمّد خاتم پیامبران،و به حق ابراهیم،و به حق جدا کردنت حق و باطل را در روز داوری،و به حق ترازوها زمانی که نصب شوند و نامه ها وقتی که گشوده شوند،و به حق قلم و آنچه نوشت،و لوح و آنچه شمرد،و به حق اسمی که

بر سراپردۀ عرش نوشتی،به دو هزار سال پیش از آنکه مخلوقات،و دنیا،و آفتاب،و ماه به دست قدرتت آفریده شوند،و گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست،یگانه و بی شریک است،و همانا محمّد بنده و فرستاده اوست،و از تو درخواست می کنم به حق آن نامت که در میان گنجینه ای از گنجینه های توست،نامی که در علم غیب نزد خود خاص خویش نمودی، نامی که هیچیک از آفریدگانت بر آن آگاه نشد،نه فرشته مقرّبی،و نه پیامبر فرستاده ای،و نه بندۀ برگزیده ای و از تو درخواست می کنم به حق نامت،که دریاها را با آن شکافتی،و کوهها را با آن برپا ساختی،و شب و روز با آن در رفت و آمد شد،و به حق سورۀ«حمد»،و قران بزرگ،و به حق نویسندگان بزرگوارت،و به حق سوره های«طه» «یس»،و«کهیعص»و«حمعسق»،و بحق تورات موسی،و انجیل عیسی،و زبور داود،و فرقان محمّد درود خدا بر او و خاندانش و بر همۀ رسولان و به حق باهیّ و شراهیّ[دو نام اعظم،یا دو راز،یا دو تن از اولیای الهی]،خدایا از تو درخواست می کنم به حق آن راز و نیازی که میان تو و موسی بن عمران بر فراز کوه طور سینا انجام گرفت،و از تو می خواهم به حق نامی که برای گرفتن جانها به ملک الموت آموختی7و از تو می خواهم به حق نامی که بر برگ زیتون نوشته شد،و آتش در برابر آن برگ فروتن گشت،پس گفتی:ای آتش سرد سرد و سلامت باش،و از تو می خواهم به حق نامی که آن را بر سراپردۀ بزرگواری و کرامت نوشتی،ای که خواهنده ای بازش ندارد،و عطا از خزانه هایش نکاهد،ای آنکه از او فریادرسی شود،و از او پناه جویند،از تو درخواست می کنم به

جایگاه عزّت از عرشت،و حدّ نهایی رحمت از کتابت،و اسم اعظمت،و شأن برترت، و کلمات کامل والایت،خدایا ای پروردگار بادها و آنچه پراکنده کردند،و ای پروردگار آسمان و آنچه بر آن سایه افکند،و ای پروردگار زمین و آنچه را با خود برداشت،و ای پروردگار شیاطین و هرکه را گمراه گردند،و ای پروردگار دریاها و آنچه روان شد،و به حق هر حقی که آن بر تو حق است،و به حق فرشتگان درگاهت،و روحانیان و کرّوبیان،و آنان که شب و روز بدون اینکه سستی ورزند برایت تسبیح می گویند،و به حق ابراهیم خلیلت،و به حق هر دوستی که میان صفا و مروه تو را می خواند،و تو دعایش را اجابت می کنی،ای اجابت کننده،از تو درخواست می کنم به حق این نامها،و به حق این دعاها،که ما را بیامرزی از گناهانی که پیش از این انجام دادیم،و از این پس انجام می دهیم،و آنچه پنهان و آنچه آشکار کردیم،و آنچه ظاهر نموده و آنچه نهان ساختیم،و آنچه را تو از ما به آن آگاه تری،همانا تو بر هر چیز توانایی،به مهربانی ات،ای مهربان ترین مهربانان.

ای نگهدار هر غریب،ای مونس هر تنها،ای نیروی هر ناتوان،ای یار هر ستمدیده،ای روزی بخش هر محروم،ای همدم هر هراسان،ای همراه هر مسافر،ای تکیه گاه هر حاضر،ای آمرزنده هر گناه و خطا،ای فریادرس فریادکنان،ای دادرس دادخواهان،ای برطرف ساز اندوه اندوهگینان،ای غمگسار غمزدگان،ای پدید آورندۀ آسمانها و زمینها،ای نهایت هدف جویندگان،ای اجابت کنندۀ دعای بیچارگان،ای مهربان ترین مهربانان،ای پروردگار جهانیان

ص:409

ای پاداش دهندۀ روز پاداش،ای بخشنده ترین بخشندگان،ای کریم ترین کریمان،ای شنواترین شنوندگان،ای بیناترین بینایان،ای تواناترین توانایان،بر من بیامرز گناهانی که نعمتها را تغییر می دهد،و گناهانی که پشیمانی به بار می آورد،و گناهانی که باعث بیماریها می شود،و گناهانی که پرده های حرمت را می درد،و گناهانی که دعا را پس می زند،و گناهانی که باران آسمان را نگاه می دارد،و گناهانی که نابودی را به شتاب می رساند،و گناهانی که بدبختی می آورد،و گناهانی که هوا را تیره می کند،و گناهانی که پردۀ حیا را بالا میزند، و گناهانی که جز تو کسی آنها را نمی آمرزد،ای خدا،و هر حقی که از یکی از بندگانت به دوش من است بردار،و برای من در کارم گشایش و راه چاره و آسانی قرار ده،و یقینت را در سینه ام و امیدت را در دلم فرود آر،تا به غیر تو امید نبندم.خدایا نگاهم دار7و در جایگاهم عافیت ده،و همراه من باش، در شب و در روز،و از پیش رو و پشت سر،و از راست و چپ،و از بالا و زیر پا،و راه را بر من هموار ساز،و سهولت امر را برایم نیکو گردان،و در دشواری خوارم مکن،و مرا راهنما باش ای بهترین راهنما،و در کارها مرا به خود وامگذار،و هرگونه دلخوشی را به دلم انداز7و مرا با رستگاری و سربلندی به خانواده ام بازگردان،آراسته به شادکامی،در دنیا و آخرت،همانا تو بر هر چیز توانایی،و از فضلت نصیبم کن،

ص:410

و از روزیهای پاکیزه ات بر من وسعت ده،و در طاعت به کار گیر،و از عذاب و آتشت پناهم ده،و زمانی که مرا از دنیا بردی از روی رحمت به بهشتت وارد کن.خدایا به تو پناه می آورم از زوال نعمتت، و از تغییر عافیتت،و از فرود آمدن انتقامت،و از نزول عذابت،و به تو پناه می آورم از سختی بلا،و افتادن در بدبختی،و از بدی سرنوشت و سرزنش دشمنان،و از شرّ آنچه از آسمان می رسد،و از شرّ آنچه در کتاب نازل شده ات شرّ قلمداد کردی.خدایا مرا از اشرار و از اهل آتش قرار مده،و از همنشینی نیکان محروم مگردان،و به زندگی پاکیزه زنده ام بدار7و به مرگ پاکیزه بمیران،به نیکان پیوندم ده،همنشینی با پیامبران را نصیم فرما،همنشینی در جایگاه صدق،نزد فرمانروایی نیرومند.خدایا تو را سپاس بر نیکی آزمایش و رفتارت،و تو را سپاس بر اسلام و پیروی روش پیامبر،پروردگارا، چنان که اینان را به دینت هدایت فرمودی،و کتاب خود را به آنها آموختی،ما را هم رهنما باش و به ما هم بیاموز،تو را سپاس بر نیکی آزمایش و رفتارت به ویژه نسبت به من،چنان که مرا آفریدی،و آفرینشم را نیکو نهادی،و به من آموختی و آموزشم را نیکو نمودی، و راهنمایی ام فرمودی،و راهنمایی ام را نیکو گرداندی،پس تو را سپاس بر نعمت بخشی ات بر من در گذشته و حال،آقای من چه بسیار محنت غم زایی که از من گشودی،و چه بسیار اندوهی که زدودی،و چه بسیار نگرانی که برطرف ساختی،و چه بسیار بلایی که ای آقای من برگرداندی،و چه بسیار عیبی که

پوشاندی،پس تو را سپاس بر هر حال،در هر مکان و زمان،و هر منزل و مقام،و بر این حال و هر حال.خدایا مرا در این روز از برترین بندگانت در روزی قرار ده،از خیری که پخش می کنی،یا رنجی که برطرف می نمایی،یا امر بدی که برمی گردانی،یا بلایی که دفع می کنی،یا خیری که می فرستی،یا رحمتی که می گسترانی،یا عافیتی که بر بندگان می پوشانی،همانا تو بر هر چیز توانایی،و خزانه های آسمانها و زمین به دست توست،و تو یگانه بزرگوار عطا بخشی هستی که خواهنده اش بازگردانده نشود،و آرزومندش ناامید نگردد،و عطایش کاستی نپذیرد،و آنچه نزد اوست پایان نیابد،بلکه به فزونی عنایت و خاطر پسندی و عطا و بخشش بیفزاید،و مرا روزی کن از خزانه هایت که تمام نمی شود،و از رحمت گسترده ات،همانا عطایت ممنوع نبوده،و تو بر هر چیز توانایی،به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

[دوّم:هزار مرتبه تسبیحات عشر را بگوید...]

دوّم:هزار مرتبه تسبیحات عشر را که سیّد به نقل کفعمی ذکر فرموده بخواند،و این تسبیحات در اعمال روز عرفه بیاید.[صفحه 414]

[سوّم:دعای«اللّهمّ من تعبّا و تهیا»را بخواند...]

سوّم:دعای اللّهمّ من تعبّا و تهیا»را که در روز عرفه و شب و روز جمعه نیز وارد است بخواند،و متن آن در بیان اعمال شب جمعه گذشت[صفحه 59]

[چهارم:حضرت سیّدالشهدا علیه السّلام و زمین کربلا را زیارت کند]

چهارم:حضرت سیّدالشهدا علیه السّلام و زمین کربلا را زیارت کند،و تا روز عید قربان در آنجا بماند،تا از شرّ آن سال محفوظ باشد.

[اعمال روز نهم(روز عرفه)]

اشاره

روز نهم:روز عرفه و از اعیاد بزرگ است،گرچه به اسم عید نامیده نشده و روزی است که خدا بندگانش را به عبادت و طاعت خویش دعوت کرده و سفره های جود و احسانش را برای آنان گسترده،و شیطان در این روز خوارتر و حقیرتر،و رانده تر و خشمناک تر از روزهای دیگر است،و روایت شده که حضرت زین العابدین علیه السّلام در روز عرفه صدای سائلی را شنید که از مردم درخواست کمک می کرد،به او فرمود:وای بر تو،آیا در این روز از غیر خدا درخواست می کنی؟!و حال آنکه برای بچه های در رحم،در

ص:412

این روز امید می رود،که فضل خدا شامل حالشان گردد،و سعادتمند شوند.و برای این روز چند عمل وارد است:

[اوّل:غسل]

اوّل:غسل.

[دوم:زیارت حضرت سید الشّهداء علیه السّلام]

دوم:زیارت حضرت سید الشّهداء علیه السّلام که برابر هزار حج و هزار عمره و هزار جهاد و بلکه افضل از این است،و روایات در کثرت فضیلت زیارت آن حضرت در این روز متواتر است[یعنی از افراد بسیاری نقل شده است]و اگر کسی در این روز توفیق یابد،که زیر قبّهٔ مقدّسه آن حضرت باشد،ثوابش کمتر از کسی که در عرفات باشد نیست،بلکه بیشتر و بیشتر است،و کیفیت زیارت آن حضرت بعد از این در باب زیارات ان شاء اللّه تعالی می آید.[صفحه 697]

[سوم:پس از نماز عصر،پیش از آنکه مشغول خواندن دعاهای عرفه شود این عمل را بجا آورد...]

سوم:پس از نماز عصر،پیش از آنکه مشغول خواندن دعاهای عرفه شود،در زیر آسمان دو رکعت نماز بجا آورد،و به گناهانش نزد خدا اعتراف و اقرار نماید،تا به ثواب عرفات دست یابد،و گناهانش آمرزیده گردد

[ادعیه و دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه]

اشاره

آنگاه به اعمال و دعاهای عرفه که از ائمهٔ طاهره علیهم السّلام روایت شده است مشغول گردد،و آن اعمال و ادعیه بیشتر از ان است که به طور کامل در این مختصر ذکر شود ولی به اندازه ای که این کتاب گنجایش آن را داشته باشد نقل می کنیم.

[ادعیه روز عرفه]

شیخ کفعمی در کتاب«مصباح»فرموده:برای کسی که از دعا خواندن ضعف پیدا نکند روزۀ روز عرفه مستحب است،و پیش از زوال[رسیدن آفتاب به وقت شرعی ظهر]غسل استحباب دارد،و همچنین زیارت امام حسین علیه السّلام در روز و شب عرفه مستحبّ است.و چون وقت زوال رسید،زیر آسمان رود،و نماز ظهر را با رکوع و سجود نیکو بجا آورد،و چون از نماز ظهر و عصر فارغ شود،دو رکعت نماز بخواند،در رکعت اول پس از سورۀ(حمد»سورۀ«توحید»و در رکعت دوم بعد از(حمد)سورۀ(کافرون)بخواند،پس از ان چهار رکعت نماز بجا آورد،در هر رکعت پس از سورۀ(حمد)پنجاه مرتبه سورۀ(توحید)بخواند.

فقیر می گوید:این نماز همان نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام است،که در ضمن اعمال روز جمعه گذشت.

سپس شیخ کفعمی فرموده است:

این تسبیحات را که از حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله روایت شده است،و سیّد ابن طاووس در«اقبال»ذکر فرموده بخوان:

ص:413

منزّه است خدایی که عرشش در آسمان است،:منزّه است خدایی که حکمش در زمین است،منزّه است خدایی که فرمانش در گورهاست،منزّه است خدایی که راهش در دریاست،منزّه است خدایی که سلطنتش در آتش است، منزّه است خدایی که رحمتش در بهشت است،منزّه است خدایی که عدالتش در قیامت است،منزّه است خدایی که آسمان را برافراشت،منزّه است خدایی که زمین را بگسترد،منزّه است خدایی که پناهگاه و نجاتی از او جز به سوی او نیست

سپس صد مرتبه بگوید:منزّه است خدا،و سپاس از آن خدا است،و معبودی جز خدا نیست،و خدا بزرگتر است.و سورهٔ«توحید» را صد مرتبه«ایه الکرسی»را صد مرتبه بخوان،و صد مرتبه بر محمّد و آل محمّد صلوات فرست،و ده مرتبه بگو:

معبودی جز خدا نیست،یگانه و بی شریک است،فرمانروایی و سپاس از ان اوست،زنده می کند و می میراند،و می میراند و زنده می سازد،و او زنده پاینده است،خیر تنها به دست اوست7و او بر هر چیز تواناست.و ده مرتبه:آمرزش می جویم از خدایی که معبودی جز او نیست،زنده و به خود پاینده است و به سوی او بازمی گردیم.و ده مرتبه ای خدا و ده مرتبه ای مهربان و ده مرتبه ای بخشنده و ده مرتبه ای پدید آورندهٔ آسمانها و زمین،ای دارای شوکت و بخشش و ده مرتبه ای زنده ای پاینده و ده مرتبه ای نعمت افزا ای عطابخش.و ده مرتبه ای که خدایی جز تو نیست و ده مرتبه اجابت فرما.آنگاه بگو:خدایا از تو درخواست می کنم،ای کسی که از رگ گردن به من نزدیکتر است،ای کسی که میان انسان و دلش پرده می شود،ای کسی که در چشم انداز برتر و افق آشکار است،ای کسی که بخشنده

ص:414

و بر حکومت هستی قرار دارد،ای کسی که چیزی مانندش نیست،و او شنوا و بیناست،از تو درخواست می کنم بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.و حاجت خود را بخواه که به خواست خدا برآورده خواهد شد،آنگاه این صلوات را که از امام صادق علیه السّلام روایت شده بخوان،که هرکه بخواهد محمّد و آل محمّد علیهم السّلام را در فرستادن صلوات بر ایشان مسرور نماید،بگوید:

خدایا ای بخشنده ترین کسی که عطا فرمود،و ای بهترین کسی که درخواست شد،و ای مهربان ترین کسی که از او مهربانی خواسته شد،خدا درود فرست بر محمّد و آلش در بین گذشتگان،و بر محمّد و خاندانش در میان آیندگان،و بر محمّد و خاندانش در میان فرشتگان،و بر محمّد و خاندانش در میان رسولان.خدایا عطا فرما به محمّد و خاندانش وسیله و فضیلت و شرف،و بلندی مقام و درجهٔ والا.خدایا ایمان آوردم به محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)درحالی که او را ندیدم،پس مرا در قیامت از دیدارش محروم مساز،و همنشینی با او را نصیبم فرما،و مرا بر دین او بمیران،و از حوضش سیرابم کن،نوشیدنی بدون تشنگی،دلنشین و گوارا که پس از آن هرگز تشنه نشوم،همانا تو بر هر چیز توانایی.خدایا ایمان آوردم به محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)درحالی که او را ندیدم،پس در بهشت چهره اش را به من بشناسان.خدایا به محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)از سوی من تحیّت و سلام بسیار برسان.

پس دعای امّ داود را که بیانش در ضمن اعمال ماه رجب گذشت[صفحهٔ 241]بخوان،آنگاه این تسبیح را که ثوابش در زیادتی شماره نمی شود.و ما میزان ثواب آن را به خاطر رعایت اختصار بیان نکردیم بگو:

منزّه است خدا،پیش از هرکس،و منزّه است خدا پس از هرکس،و منزّه است خدا با هرکس و منزّه است خدا،پاینده است پروردگار ما،و فنا می پذیرد هرکس،و منزّه است خدا،تنزیهی که فزونی می گیرد بر تنّزیه تنزیه کنندگان فزونی بسیار پیش از هرکس،و منزّه است خدا،تنزیهی که فزونی می گیرد بر تنزیه تنزیه کنندگان فزونی بسیار پس از هرکس،و منزّه است خدا تنزیهی که فزونی می گیرد بر تنزیه تنزیه کنندگان فزونی بسیار به همراه هرکس،و منزّه است خدا تنزیهی که فزونی می گیرد بر تنزیه تنزیه کنندگان فزونی بسیار،برای پروردگار ما پاینده است و هیچ کس نپاید،و منزّه است خدا تنزیهی که شمرده نشود،و دانسته نگردد و فراموش نشود و کهنه نمی گردد.

و فانی نمی شود،و برایش نهایتی نباشد،و منزّه است خدا تنزیهی که دوام یابد به دوامش،و باقی ماند به بقایش در امتداد سالهای جهانیان،و ماههای روزگاران،و روزهای دنیا و ساعات شب و روز،و منزّه است خدا به ابدیت ابد،و همپای ابد،آن تنزیهی که آن را عددی شماره نکند،و مدّتی فنایش نکند،و سرانجامی قطعش نکند، و بزرگ است خدا نیکوترین آفرینندگان.سپس بگو:و سپاس خدای را پیش از هرکس،و سپاس خدای را پس از هرکس تا آخر دعا،ولی به جای هر سبحان اللّه بگو:الحمد لله و چون به احسن الخالقین رسیدی بگو:

«لا اله الاّ اللّه قبل کل احد»تا آخر که بجای سبحان اللّه«لا اله الاّ اللّه»می گویی،و پس از آن بگو:«اللّه اکبر قبل کل احد» تا آخر که بجای سبحان اللّه:(اللّه اکبر)می گوید.سپس می خوانی دعای«اللّهم من تعبّا و تهیا»را که در اعمال شب جمعه گذشت پس بخوان دعای علی بن الحسین علیهما السّلام را که شیخ طوسی در کتاب«مصباح المتهجّد»ذکر فرموده:اللّهم انت اللّه ربّ العالمین

[دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه]

مؤلف گوید:این دعا چون دعای موقف عرفات و بسیار طولانی بود ذکر ننمودیم و در این روزهای چهل و هفتم صحیفۀ کاملۀ آن حضرت را با خشوع و دلشکستگی بخوان،که دعایی است مشتمل بر تمام مطالب دنیا و آخرت،که درود خدا بر انشاء کننده اش باد.از جمله دعاهای مشهور این روز دعای حضرت سیدالشّهدا علیه السّلام است.بشر و بشیر پسران غالب اسدی روایت کرده اند،که بعد از ظهر روز عرفه در صحرای عرفات خدمت آن حضرت بودیم،پس با گروهی از اهل بیت و فرزندان و شیعیان،با نهایت خاکساری و خشوع،از خیمۀ خود بیرون آمدند،و در جانب چپ کوه ایستادند،و روی مبارک خویش را بسوی کعبه نمودند و دستها را برابر صورت برداشتند مانند مسکینی که طعام طلبد،و این دعا را خواندند:

خدای را سپاس که برای حکمش برگرداننده ای،و برای بخشش بازدارنده ای و همانند ساخته ای ساخته هیچ سازنده ای نیست،و او سخاوتمند وسعت بخش است،انواع مخلوقات را پدید آورد،و ساخته ها را با حکمتش محکم نمود،طلیعه ها بر او پوشیده نمی ماند،و ودیعه ها نزد او ضایع نمی شود پاداش دهنده هر سازنده،و بی نیازکنندۀ هر قناعت گر،و رحم کنندۀ بر هر نالان،و فرو فرستندۀ سودها،و نازل کنندۀ کتاب جامع با نور درخشان است،او شنوندۀ دعاها،و دورکنندۀ بلاها،و بالابرندۀ درجات،و کوبندۀ گردنکشان است،پس معبودی جز او نیست،و چیزی با او برابری نمی کند،و چیزی همانندش نیست،و اوست شنوا و بینا،و لطیف و آگاه،و بر هر چیز تواناست.خدایا به سوی تو رغبت می نمایم،و به پروردگاری تو گواهی می دهم،اقرارکننده ام که تو پروردگار منی،و بازگشت من به سوی تو است،وجودم را با نعمتت آغاز کردی پیش از انکه موجودی قابل ذکر باشم،و مرا از خاک پدید آوردی،سپس در میان صلبها جایم دادی،درحالی که از حوادث زمانه

ص:417

و رفت و آمد روزگار و سالها،ایمنی بخشیدی همواره کوچ کننده بودم از صلبی به رحمی،درگذشته از ایام و قرنهای پیشین،از باب رأفت و لطف و احسانی که به من داشتی، مرا در حکومت پیشوایان کفر،آنان که پیمانت را شکستند،و پیامبرانت را تکذیب کردند،به دنیا نیاوردی،ولی زمانی به دنیا آوردی به خاطر آنچه در علمت برایم رقم خورده بود و آن عبارت بود از هدایتی که مرا برای پذیرفتن آن آماده ساختی،و در عرصۀ گاهش نشود و نمایم دادی،و پیش از آن هم با رفتار زیبایت،و نعمتهای کاملت بر من مهر ورزیدی،در نتیجه وجودم را پدید آوردی از نطفۀ ریخته شده و در تاریکیهای سه گانه میان گوشت و خون و پوست جایم دادی،و مرا در آفرینش وجودم گواه نگرفتی، و چیزی از کار خلقتم را به من واگذار ننمودی،سپس برای آنچه در علمت از هدایتم گذشته بود مرا کامل میانه به دنیا آوردی،و در حال کودکی و خردسالی در میان گهواره محافظت نمودی،و از بین غذاها شیر گوارا نصیبم کردی،و دل دایه ها را بر من مهربان نمودی،و مادران پرمهر را به پرستاری ام گماشتی،و از آسیبهای پریان نگهداری فرمودی،و از زیادی و کمی سالمم داشتی،پس تو برتری ای مهربان،ای بخشنده،تا آنگاه که آغاز به سخن کردم.نعمتهای کاملت را بر من تمام کردی،و مرا در هر سال با افزوده شدن به وجودم پرورش دادی،تا آفرینشم کامل شد،و تاب و توانم معتدل گشت،حجّت را بر من واجب نمودی،چنان که معرفتت را به من الهام فرمودی و با شگفتیهای حکمتت به هراسم افکندی،و به آنچه در آسمان و زمینت از پدیده های خلقت پدید آوردی

بیدارم نمودی،به سپاسگذاری و یادت آگاهی ام دادی،و طاعت و عبادتت را بر من واجب نمودی،و آنچه را پیامبرانت آوردند به من فهماندی،و پذیرفتن خشنودی ات را بر من آسان کردی،و در تمام این امور به یاری و لطفت بر من منّت نهادی،سپس وقتی که مرا از بهترین خاک آفریدی،برایم نپسندیدی ای معبود من نعمتی را بدون نعمتی دیگر،و از انواع وسایل زندگی،و اقسام بهره ها نصیب من فرمودی،و این بخاطر نعمت بخشی بزرگ و بزرگتر و احسان دیرینه ات بر من بود،تا جایی که همۀ نعمتها را بر من کامل نمودی،و تمام بلاها را از من بازگرداندی،نادانی و گستاخی ام بر تو،بازت نداشت،از این که مرا به آنچه به تو نزدیک می کند راهنمایی کردی، و به آنچه مرا به پیشگاهت مقرّب می نماید توفیق دادی،پس اگر بخوانمت،اجابتم نمایی،و اگر از تو درخواست نمایم،عطایم کنی،و اگر اطاعتت کنم قدردانی فرمایی،و اگر به شکرت برخیزم بر نعمتم بیفزایی،همۀ اینها کامل کردن نعمتهایت بر من و احسانت به سوی من است،پس منزّهی تو،منزّهی تو،که آفریننده ای،و بازگرداننده ای،و ستوده ای و بزرگواری،نامهایت مقدس است،و نعمتهایت بزرگ،خدایا کدامیک از نعمتهایت را به شماره آورم و یاد کنم،یا برای کدام یک از عطاهایت به سپاسگذاری برخیزم درحالی که پروردگارا، بیش از آن است که شماره گران برشمارند،یا اینکه یاد دارندگان در دانش به آنها برسند،آنگاه ای خدا،آنچه از بدحالی و پریشانی از من بازگرداندی و دور کردی،از آنچه از سلامتی کامل و خوشحالی برایم نمایان شد،بیشتر است،معبودا،من گواهی می دهم به حقیقت ایمانم،و باور تصمیمات یقینم،و یکتاپرستی بی شائبه صریحم

و درون پوشیدۀ نهادم،و آویزه های راههای نور چششم،و چینهای صفحۀ پیشانی ام،و روزنه های راههای نفسم،و پرّه های نرمه تیغۀ بینی ام،و حفره های پرده شنوایی ام،و آنچه که ضمیمه شده و بر ان بر هم نهاده دو لبم،و حرکتهای سخن زبانم،و جای فرورفتگی سقف دهان و آرواره ام،و محل روییدن دندانهایم،و جای گوارایی خوراک و آشامیدنی ام،و بار بر مغز سرم و رسایی رگهایی طولانی گردنم،و آنچه را قفسه سینه ام در برگرفته،و بندهای پی شاهرگم،و آویخته های پردۀ دلم،و قطعات کناره های کبدم،و آنچه را در برگرفته غضروفهای دنده هایم،و جایگاههای مفاصلم،و پیوستگی پاهایم،و اطراف انگشتانم،و گوشتم،و خونم، و مویم،و پوستم،و عصبم،و نایم،و استخوانم،و مغزم،و رگهایم و تمام اعضایم، و آنچه در ایام شیرخوارگی بر آنها بافته شد،و آنچه زمین از سنگینی من برداشته،و خوابم و بیداری ام و سکونم،و حرکات رکوع و سجودم،خلاصه با تمام این امور گواهی می دهم بر اینکه اگر به حرکت می آمدم و طول روزگاران،و زمانهای بس دراز می کوشیدم،بر فرض که آن همه زمان را عمر می کردم،که شکر یکی از نعمتهایت را بجا آورم نخواهم توانست،جز با منتّت که به سبب آن شکرت بر من واجب می شود،شکری دایم و نو،و ثنایی تازه و فراهم.آری اگر من و همۀ شمارش گران از آفریدگانت،حرص ورزیم که نهایت نعمتهایت،از نعمتهای سابقه دار و بی سابقه ات را برشماریم،هرگز نمی توانیم

به شماره آوریم،و نه اندازهٔ آن را حصا کنیم،چه دور است چنین چیزی چگونه ممکن است؟و حال آنکه تو در کتاب گویایت،و خبر صادقانه ات اعلام کرده ای:اگر نعمتهای خدا را برشمارید،قدرت شمارش آن را ندارید.خدایا کتابت راست گفته، و اخبارت صادقانه است،و پیامبرانت و رسولانت به مردم رساندند،آنچه را از وحیت بر آنان نازل کردی.و برای آنان و به وسیله آنان از دینت شریعت ساختی،معبودا من گواهی می دهم به تلاش و کوششم،و به قدر رسایی طاعت و ظرفیتم،و از باب ایمان و یقین می گویم:سپاس خدای را که فرزندی نگرفته،تا از او ارث برند،و برای او در فرمانروایی اش شریکی نبوده تا با او در آنچه پدید آورده مخالفت کند،و سرپرستی از خواری برایش نبوده،تا او را در آنچه ساخته یاری دهد،پس منزّه است او،منزّه است او،اگر در آسمان و زمین معبودهایی جز خدا بود،هر آینه هر دو تباه می شدند و متلاشی می گشتند،منزّه است خدای یگانه یکتا،و بی نیاز،که نزاده،و زاده نشده و احدی همتایش نبوده است.سپاس خدای را،سپاسی که برابری کند با سپاس فرشتگان مقرّب،و انبیای مرسلش را،و درود و سلام خدا بر بهترین برگزیده از خلقش محمّد خاتم پیامبران،و اهل بیت پاک و پاکیزه و ناب گشتهٔ او باد.آنگاه آن حضرت،شروع به درخواست از خدا کرد،و در دعا اهتمام ورزید،و درحالی که اشک از دیده های مبارکش جاری بود،دعا را به این صورت ادامه داد:

خدایا چنانم کن که از تو بترسم گویا که تو را می بینم،و با پرهیزگاری مرا خوشبخت گردان،و به نافرمانی ات بدبختم مکن،و خیر در قضایت را برایم اختیار کن،و به من در تقدیرت برکت ده،تا تعجیل آنچه را تو به تأخیر انداختی نخواهم،و تأخیر آنچه را تو پیش

انداختی میل نکنم.خدایا قرار ده،بی نیازی را در ذاتم،و یقین را در دلم،و اخلاص را در عملم، و نور را در دیده ام،و بصیرت را در دینم و مرا به اعضایم بهره مند کن،و گوش و چشمم را دو وارث من گردان،و مرا بر آنکه به من ستم روا داشته پیروز فرما،و در رابطه با او انتقام و هدفم را نشانم ده،و چشمم را بدین سبب روشن گردان.خدایا گرفتاری ام را برطرف کن،و زشتی ام را بپوشان،و خطایم را بیامرز و شیطانم را بران و دینم را ادا کن،و برایم معبودا در آخرت و دنیا درجه ای برتر قرار ده،خدایا تو را سپاس،مرا آفریدی،و شنوا و بینا قرار دادی،و تو را سپاس که مرا پدید آوردی،و از روی رحمت،آفریده ای متناسب قرار دادی،درحالی که از آفرینش من بی نیاز بودی،پروردگارا به اینکه مرا پدید آوردی.پس در خلقتم تناسب نهادی،پروردگارا به اینکه آفرینشم را آغاز نمودی،و صورتم را نیکو نمودی،پروردگارا به اینکه به من احسان کردی و در خویشتنم عافیت نهادی،پروردگارا به اینکه محافظتم تمودی و مؤّفقم داشتی،پروردگارا به اینکه بر من نعمت بخشیدی و راهنمایی ام نمودی،پروردگارا به اینکه سزاوار احسانم کردی،و از هر خیری عطایم کردی،پروردگارا به اینکه مرا خوراندی و نوشاندی،پروردگارا به اینکه بی نیازم ساختی و اندوخته ام بخشیدی،پروردگارا به اینکه یاری ام نمودی و عزّتم بخشیدی،پروردگارا به اینکه به من پوشاندی،از پوشش با صفایت و بر من آسان نمودی،از رفتار کفایت کننده ات،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا بر بلاهای روزگار،و حوادث شبها و روزها یاری ده،و از هراسهای دنیا،و گرفتاریهای آخرت نجات ده،و مرا از شرّ آنچه ستمگران در زمین انجام می دهند

ص:422

کفایت کن،خدایا از آنچه می ترسم مرا بس باش و از آنچه حذر می کنم نگهداری کن،و در نفسم و دینم از من نگهبانی فرما و مرا در سفرم نگهدار،و در خاندان و مالم جانشین باش،و مرا در آنچه نصیبم فرمودی برکت ده،و در نزد خویش خوارم ساز،و در دیدگان مردم بزرگم کن،و از شرّ جن و انس سالمم بدار و به گناهانم رسوایم مساز،و به باطنم سبکم منما،و به عملم دچارم مکن،و مرا از نعمتایت محروم مفرما،و به غیر خود واگذارم مکن.خدایا،مرا به که واگذار می کنی؟به نزدیک تا با من به دشمنی برخیزد،یا به بیگانه تا با من با ترش رویی برخورد کند یا به آنان که خوارم می شمرند؟،و حال اینکه تو خدای من،و زمامدار کار منی.من به تو شکایت می کنم،از غربتم،و دوری خانۀ آخرتم،و سبکی ام نزد کسی که اختیار کارم را به او دادی.خدایا غضبت را بر من فرود نیاور،اگر در مقام خشم کردن بر من نباشی،از غیر تو باک ندارم،منزّهی تو،جز اینکه عافیتت بر من گسترده تر است،از تو درخواست می کنم پروردگارا به نور جمالت،که زمین و آسمانها به آن روشن گشت،و تاریکیها به آن برطرف شد، و کار گذشتگان و آیندگان به وسیله آن به اصلاح رسید،که مرا بر خشمت نمیرانی،و ناخشنودی ات را بر من فرود نیاوری، خشنودی حق توست،خشنودی حق توست،تا پیش از ان راضی شوی،معبودی جز تو نیست،پروردگار خانۀ محترم، و مشعر الحرام،و خانۀ کعبه که برکت را در آن نازل فرمودی،و آن را برای مردم ایمن ساختی،ای آنکه با بردباری اش از گناهان بزرگ گذشت،ای آنکه با فضلش نعمتها را کامل ساخت،ای آنکه با کرمش گسترده و فراوان عطا

ص:423

کرد،ای توشه ام در سختیها،ای همراهم در تنهایی،ای فریادرسم در گرفتاریها،ای سرپرستم در نعمتها،ای خدای من و خدای پردانم ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب،و پروردگار جبراییل و میکاییل و اسرافیل و پروردگار محمّد خاتم پیامبران و اهل بیت برگزیده اش و نازل کننده تورات و انجیل و زبور و قرآن و فروفرستندهٔ کهیعص و طه و یس و قرآن حکیم تو پناهگاه منی زمانی که راهها با همه وسعتشان درمانده ام کنند،و زمین با همه پهناوری اش بر من تنگ گیرد و اگر رحمت تو نبود،هر آینه من از هلاک شدگان بودم،و نادیده گیرنده لغزشم تویی،و اگر پرده پوشی ات بر من نبود،هرآینه من از رسواشدگان بودم،و تویی که مرا با پیروزی بر دشمنانم تأیید می کنی،و اگر یاری تو نبود هر آینه من از شکست خوردگان بودم،ای که وجودش را به بلندی و برتری اختصاص داده،در نتیجه اولیایش به عزّت او عزیز می شوند،ای آنکه پادشاهان در برابرش یوغ ذلّت بر گردنهایشان گذاشته اند،در نتیجه از حملاتش ترسانند،خیانت چشمها را،و آنچه سینه ها پنهان می کنند می داند،و به پنهانیهایی که زمانها و روزگاران می آورد آگاهی دارد،ای آنکه جز او نمی داند او چگونه است،ای آنکه جز او نمی داند او چیست،ای آنکه جز او او را نمی شناسد،ای آنکه زمین را بر آب انباشت،و هوا را به آسمان بست،ای آنکه او راست گرامی ترین نامها ای صاحب احسانی که هرگز قطع نگردد،ای آماده کنندهٔ کاروان برای نجات یوسف در سرزمین بی آب و گیاه،و

ص:424

خارج کننده اش از چاه،و قراردهنده اش بر تخت پادشاهی پس از دورۀ بندگی ای برگردانندۀ یوسف به نزد یعقوب،پس از انکه دو چشمش از اندوه نابینا شد،و دلش آکنده از غم بود،ای برطرف کنندۀ بدحالی و گرفتاری از ایوب،ای گیرندۀ دستهای ابراهیم از بریدن سر فرزندش،پس از سنّ پیری،و به پایان آمدن عمرش ای که دعای زکریّا را اجابت کرد و یحیی را به او بخشید و او را یگانه و تنها وا نگذاشت،ای که یونس را از دل ماهی به در آورد،ای که دریا را برای بنی اسراییل شکافت و آنان را نجات داد،و فرعون و لشگریانش را از غرق شدگان قرار داد ای که بادها را مژده دهندگانی پیشاپیش باران رحمتش فرستاد،ای که بر عذاب نافرمانان از بندگانش شتاب نورزد،ای آنکه ساحران روزگار موسی را از ورطه هلاکت رهانید،پس از سالیان طولانی که در انکار حق بودند،و در عین حال تنعمّ به نعمت او رزقش را می خوردند،و برای غیر او بندگی می کردند،با او مخالفت داشتند و برای او شبیه قرار داده بودند،و پیامبرانش را تکذیب کردند،ای خدا،ای خدا، ای آغازگر،ای پدیدآور،برای تو همتایی نیست،ای جاودانگی که پایانی برایت نمی باشد،ای زنده وقتی که زنده ایی نبود،ای زنده کنندۀ مردگان، ای مراقب بر هرکس به آنچه که انجام داده،ای که شکرم برای او اندک است ولی محرومم نساخت،خطایم بزرگ شد،پس رسوایم نکرد،و مرا بر نافرمانیها دید،ولی در بین مردم رسوایم ننمود،ای که در خردسالی حفظم نمود،و در بزرگسالی رزقم داد،ای که عطاهایش نزد من شماره نشود،و نعمتهایش تلافی نگردد، ای که با من به خیر و احسان روبرو شد،و من با بدی و نافرمانی با او روبرو گشتم،ای که به ایمان

ص:425

هدایتم نمود،پیش از آنکه سپاس نعمتهایش را بشناسم،ای که در بیماری خواندمش،پس شفایم داد،و در حال برهنگی پوشاند مرا،و در حال گرسنگی سیرم کرد و در حال تشنگی سیرابم نمود،و در حال خواری،عزّتم بخشید،و در حال نادانی معرفتم بخشید،و در حال تنهایی افزونم نمود،و در حال غربت،بازم گرداند،و رد حال نداری،دارایم کرد،و در یاری خواهی،یاری ام فرمود،و در ثروتمندی محرومم نکرد،و از درخواست همهٔ اینها باز ایستادم،پس او شروع به عنایت بر من نمود،حمد و سپاس تو راست،ای که لغزشم را نادیده گرفت و اندوهم را زدود،و دعایم را اجابت نمود،و عیبم را پوشاند،و گناهم را آمرزید،و مرا به خواسته ام رساند و بر دشمنم پیروز گرداند،اگر نعمتها و عطاها و بخششهای باارزشت را برشمارم هرگز نمی توانم به شماره آرم،ای سرور من،تویی که عطا کردی،تویی که نعمت دادی،تویی که نیکی کردی،تویی که زیبا نمودی،تویی که افزون نمودی،تویی که کامل کردی،تویی که روزی دادی،تویی که موّفق نمودی،تویی که عطا فرمودی،تویی که بی نیاز نمودی،تویی که ثروت بخشیدی،تویی که پناه دادی،تویی که کفایت نمودی،تویی که راهنمایی فرمودی،تویی که حفظ کردی،تویی که پرده پوشی نمودی،تویی که آمرزیدی تویی که نادیده گرفتی،تویی که قدرت دادی،تویی که عزّت بخشیدی،تویی که کمک کردی،تویی که مساعدت فرمودی،تویی که تأیید نمودی،تویی که نصرت دادی،تویی که شفا بخشیدی،تویی که سلامت کامل دادی،تویی که گرامی داشتی،بزرگ و برتری،حمد و شکر همیشگی تو راست،

سپس من معبودا اعتراف کنندۀ به گناهانم هستم،پس مرا بیامرز،منم که بد کردم،منم که خطا کردم،منم که قصد گناه کردم،منم که نادانی نمودم،منم که غفلت ورزیدم،منم که اشتباه کردم،منم که به غیر تو اعتماد کردم،منم که در گناه تعمّد داشتم،منم که وعده کردم،منم که وعده شکستم، منم که پیمان شکنی نمودم،منم که اقرار کردم،منم که به نعمتت بر خود و پیش خود اعتراف کردم،و به گناهانم اقرار می کنم،پس مرا بیامر،ای آنکه گناهان بندگانش به او زیانی نرساند،و او بی نیاز از طاعت آنان است،و توفیق دهندۀ کسی که از آنان به کمک و رحمتش عمل شایسته بجا آورد،تو را سپاس ای معبود من و آقای من،و خدای من،فرمان دادی فرمانت نخواندم،نهیم نمودی،مرتکب نهیت شدم،اکنون چنانم،که نه دارندۀ زمینه برائتم تا عذرخواهی کنم،و نه دارای قدرتم،تا یاری ستانم،ای مولای من با چه وسیله ای با تو روبرو شوم؟،آیا با گوشم،یا با دیده ام،یا با زبانم،یا با دستم،یا با پایم، آیا این همه نعمتهای تو نزد من نیست؟و من به همۀ اینها تو را معصیت کردم،ای مولای من،تو را بر من حجّت و راه است، ای آنکه مرا از پدران و مادران پوشاند،از اینکه مرا از خود برانند،و از خویشان و برادران،از اینکه مرا سرزنش کنند،و از پادشاهان از اینکه مجازاتم نمایند،مولای من اگر اینان آگاه می شدند،بر آنچه تو بر آن از من می دانی،در این صورت مهلتم نمی دانند،و مرا تنها می گذاردند،و از من می بریدند،هم اینک ای خدای من در برابرت هستم،ای آقای من،فروتن و خوار،درمانده و کوچک،نه دارنده زمینه برائتم،تا عذرخواهی کنم،و نه نیروی که یاری بطلبم،و

نه دلیلی که با آن احتجاج نمایم،و نه گوینده ای هستم که گناه و کار بد نکرده باشم،انکار گناه کجا؟بر فرض اگر انکار می کردم، چه سود می داد،چگونه؟و چسان این معنا ممکن شود،و حال آنکه همه اعضایم بر آنچه عمل کردم بر من گواهند به یقین دانستم بدون تردید.که تو از کارهای بزرگ من پرسنده ای،و تو حاکم عدالت پیشه ای هستی که در حکم و داوری ستم نمی کنی،و عدالت تو هلاک کنندۀ من است،و من از همۀ عدالت تو گریزانم،معبودا اگر مرا عذاب کنی،به خاطر گناهان من است پس از حجّتی که بر من داری،و اگر از من درگذری،به سب بردباری و جود و کرم توست،معبودی جز تو نیست من از ستمکارانم،معبودی جز تو نیست من از آمرزش خواهانم،معبودی جز تو نیست من از یکتاپرستانم،معبودی جز تو نیست من از هراسندگانم معبودی جز تو نیست،من از بیمناکانم،معبودی جز تو نیست من از امیدوارانم،معبودی جز تو نیست من از مشتاقانم،معبودی جز تو نیست من از «لا اله الّه اللّه»گویانم،معبودی جز تو نیست من از درخواست کنندگانم،معبودی جز تو نیست من از تسبیح کنندگانم،معبودی جز تو نیست منزّهی تو،من از تکبیرگویانم،معبودی جز تو نیست منزّهی تو پروردگار من و پروردگار پدران نخستین من،خدایا این است ثنای من بر تو برای تعظیم تو،و اخلاصم برای یاد تو.برای یکتاپرستی،و اقرارم به نعمتهایت،در شمارش آنان،اگرچه اعتراف دارم نتوانستم آنها را شماره کنم

ص:428

به خاطر کثرت و کمالش و نمایائی و پیشی جستنش تاکنون،آنچه همواره مرا با آن همراه آنها سرپرستی می کردی، از هنگامی که مرا آفریدی و پدید آوردی،از آغاز عمر،و همه آنچه بر من بخشیدی از:بی نیاز گرداندنم از تهیدستی،و برطرف کردن بدحالی و فراهم کردن اسباب راحتی و دفع دشواری و گشودن گره اندوه،و تندرستی در بدن،و سلامت در دین،اگر همهٔ جهانیان از گذشتگان و آیندگان به اندازه ای که نعمتت را ذکر کنم یاری ام دهند،نه من قدرت ذکر آن را دارم نه آنها،مقدّسی و برتری،از اینکه پروردگار کریم،بزرگ،مهربانی،عطاهایت به عدد نیابد،به ثنایت نتوان رسید.نعمتهایت تلافی نگردد،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و نعمتهایت را بر ما تمام کن و به طاعتت خوشبختان فرما،منزّهی تو،معبودی جز تو نیست.خدایا بیچارگان را پاسخ می دهی،و بدی را برطرف می کنی،و به فریاد گرفتاران می رسی،و بیماران را درمان می کنی،و تهیدست را بی نیاز می گردانی،و شکست را جبران می نمایی،و به خردسالان رحم می کنی،و به بزرگسالان کمک می دهی،جز تو پشتیبانی نیست،و فوق تو قدرتمندی وجود ندارد،و تو برتر و بزرگی ای رهاکنندهٔ اسیر در بند،ای روزی دهندهٔ کودک خردسال،ای پناه هراسندهٔ پناه خواه،ای که برایت شریک و وزیری نیست،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و در این شب به من عطا کن برترین چیزی که عطا کردی و نائل نمودی یکی از بندگانت را،از نعمتی که می بخشی،و عطاهایی که تجدید می نمایی،و بلایی که برمی گردانی و رنجی که برطرف می کنی،و دعایی که می شنوی،و عمل نیکی که می پذیری،و بدی که می پوشانی،همانا به هرچه

خواهی مهربان و آگاهی،و بر هر چیز توانایی.خدایا تو نزدیک ترین کسی هستی که خوانده شود،و سریعترین کسی که جواب دهد، و بزرگوارترین کسی که گذشت کند،و وسیع ترین کسی که عطا کند،و شنواترین کسی که سؤال شود،ای مهربان دنیا و آخرت،و بخشنده دنیا و آخرت،همانند تو سؤال شده ای نیست،و غیر تو آرزو شده ای وجود ندارد،خواندمت،پاسخم دادی،از تو درخواست کردم عطایم نمودی،و به سویت میل کردم،به من رحم فرمودی،به تو اطمینان کردم،نجاتم دادی،و به تو پناهنده شدم،کفایتم نمودی، خدایا درود فرست بر محمّد بنده و فرستاده ات و پیامبرت،و بر همگی اهل بیت پاک و پاکیزه اش، و نعمتهایت را بر ما تمام کن،و عطاهایت را بر ما گوارا گردان،و ما را نسبت به خود از سپاسگذاران،و در نعمت هایت از یادکنندگان ثبت فرما،آمین آمین ای پروردگار جهانیان،خدایا ای که مالک شد و توانست،و توانست و چیره شد،نافرمانی شد و پوشاند،از او آمرزش خواسته شد و آمرزید،ای هدف خواستاران مشتاق،و نهایت آرزوی امیدواران ای آنکه در دانش بر هر چیز احاطه دارد،و در مهربانی و رحمت و بردباری،جویندگان گذشت از گناه را فرا می گیرد،خدایا در این شب به تو رو می آوریم،شبی که آن را شرافت و عظمت دادی به محمّد پیامبرت و فرستاده ات و برگزیده از خلقت،و امین وحیت،آن مژده دهنده و ترساننده،و چراغ نوربخش،آنکه به سبب او بر مسلمانان نعمت بخشیدی،و او را رحمت برای جهانیان قرار دادی.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،آن چنان که محمّد از جانب تو شایستهٔ آن است،ای بزرگ،بر او بر همهٔ خاندان نجیب و پاک و پاکیزه اش درود فرست،

ص:430

و ما را به گذشت از ما بپوشان،که صداها با انواع لغات به جانب تو بلند است،خدایا در این شب برای ما قرار ده،از هر خیری نصیبی که میان بندگانت تقسیم می کنی،و نوری که با آن هدایت می نمایی،و رحمتی که می گسترانی،و برکتی که فرو می فرستی،و عافیتی که بر اندام حیات بندگان می پوشانی،و رزقی که می گستری،ای مهربان ترین مهربانان.خدایا ما را در این وقت از پیشگاه رحمتت پیروز و رستگار و پذیرفته و بهره مند بازگردان،و ما را از ناامیدان قرار مده، و از رحمتت با دست خالی مگذار،و از آنچه از فضلت امیدواریم مبتلای به حرمان مکن،و از رحمتت محروممان منما،و از افزونی آنچه از عطایت آرزو داریم ناامید مساز،و ناکام باز مگردان،و از درگاهت مران،ای بخشنده ترین بخشندگان،و کریم ترین کریمان،یقین کنان به درگاهت رو نمودیم،و آهنگ کنان و قصدکنان به زیارت خانه ات آمده ایم،بر ادای مناسک حج یاری مان ده،و حجّمان را کامل نما،و از ما درگذر و به ما سلامت کامل بده،چرا که دستهای خود را به جانب تو دراز کرده ایم،و آن دستها به خواری اعتراف علامت دار است.خدایا آنچه را در این شب از تو خواستیم به ما عطا کن،و کفایت آنچه را از تو خواستین عهده دار باش،که ما را کفایت کننده ای جز تو نیست،و برای ما پروردگاری جز تو نمی باشد،قانونت بر ما نافذ است،دانشت ما را فراگیر است،قضایت دربارۀ ما عادلانه است،خیر را برای ما حکم کن و ما را اهل خیر قرار بده.خدایا پاداش بزرگ و ذخیرۀ کریمانه و دوام آسایش را به حق جودت بر ما لازم گردان،و گناهان همۀ ما را بیامرز،و با هلاک شدگان هلاکمان مکن،و مهربانی و رحمتت را از ما

باز مگردان،ای مهربان ترین مهربانان،خدایا در این وقت ما را از کسانی قرار ده که از تو درخواست کردند،و تو به آنان عطا فرمودی و تو را شکر نمودند پس بر آنان افزودی و به سویت بازگشتند و آنان را پذیرفتی،و به سوی تو از همهٔ گناهانشان بیزای جستند پس همهٔ گناهانشان را آمرزیدی ای دارای بزرگی و بزرگواری.خدایا ما را پاک کن،و به جانب راست و درستی توجّه ده،و زاری ما را بپذیر،ای بهترین کسی که درخواست شد،و رحم کننده ترین کسی که از او رحمت خواسته شد،ای آنکه بر هم نهادن پلکها،و دقت نظر چشمها بر او پوشیده نیست،و آنچه در نهان مستقرّ شده،و آنچه را پنهانیهای قلوب در برگرفته از او مخفی نیست،آری همه اینها را دانشت شماره کرده،و بردباری ات فرا گرفته،تو منزّهی و برتری،از آنچه ستمگران درباره ات می گویند،پس برتری آسمانهای هفتگانه و زمینها و هرکه در آنهاست تو را تسبیح می گویند،و هیچ موجودی نیست مگر اینکه با سپاست تسبیح می گوید،پس تو را سپاس و بزرگواری و بلندی مقام،ای دارنده بزرگی و کرامت و فضل و نعمت، و عطاهای بزرگ،و تویی بخشنده کریم رئوف و مهربان،خدایا از روزی عدالت بر من وسعت ده،و در تن دینم سلامت کامل بخش،و ترسم را امان ده،و وجودم را از آتش آزاد کن، خدایا بلایت را به جریمه گناهانم بر من قرار مده،و مرا به تدریج بر بدیهایم مؤاخذه مکن،و مرا در خیالات باطلم رها مساز،و شر بدکاران جن و انس را از من دور کن.

در این قسمت از دعا سر و دیدهٔ خود را به جانب آسمان برداشت،و از دیده های مبارکش مانند ریزش آب از دو مشک،اشک می ریخت،و با صدای بلند به محضر حق عرضه داشت:

ص:432

ای شنواترین شنوایان،ای بیناترین بینایان،و ای سریعترین حسابرسان،و ای مهربان ترین مهربانان،بر محمّد و خاندان محمّد آن سروران با میمنت درود فرست،و از تو درخواست می کنم خدایا حاجتم را که اگر آن را به من عطا کنی،بی شک هرچه را از من دریغ ورزی به من ضرری نرساند،و اگر قضای حاجتم را از من دریغ نمایی،آنچه را عطایم کنی سودی نبخشد،آزادی عهده ام را از آتش از تو درخواست می کنم،معبودی جز تو نیست،یگانه ای،برایت شریک نیست،فرمانروایی و سپاس خاص توست،و تو بر هر چیز توانایی،پروردگارا پروردگارا.پیوسته«یا ربّ»می گفت،و همهٔ آنان که اطراف حضرت بودند به دعای حضرت گوش فرا دادند و به آمین گفتن اکتفا نمودند،در نتیجه صداهایشان با آن حضرت به گریستن بلند شد،تا آفتاب غروب کرد،سپس زاد و توشهٔ خود را بار کرده،به سوی مشعر الحرام حرکت کردند.مؤلّف گوید:کفعمی دعای عرفه حضرت سید الشهداء علیه السّلام را در کتاب (بلد الامین)تا این قسمت ذکر کرده،و علاّمهٔ مجلسی در«زاد العماد»این دعای شریف را موافق روایت کفعمی نقل فرموده ولی سید ابن طاووس در کتاب اقبال،پس از«یا ربّ،یا ربّ،یا رب»این اضافه را آورده:خدایا،در عین توانگری تهیدستم،پس چگونه در تهیدستی تهیدست نباشم،خدایا در عین دانایی نادانم،پس چگونه در عین نادانی نادان نباشم.خدایا همانا اختلاف تدبیرت،و سرعت تغییر تقدیراتت،بندگان عارف به تو را، از اطمینان به بخشش و ناامیدی از تو در گرفتاری باز داشته است.خدایا از من است آنچه سزاوار پستی من است،و از توست آنچه شایستهٔ بزرگواری توست.خدایا تو خود را با لطف و مهربانی به من توصیف کرده ای پیش از پیدایش ناتوانی من، آیا آن دو را از من دریغ ورزی پس از پدید آمدن ناتوانی ام،خدایا اگر زیبایی هایی از من نمایان شود،به فضل توست،و تو را بر من

منت بسیار است،و اگر زشتیهایی از من ظاهر گردد،به عدل توست و تو را بر من حجت کامل است.خدایا چگونه مرا وا می نهی در صورتی که عهده دار من شده ای؟و چگونه مورد ستم واقع شوم و حال آنکه تو یار منی؟یا چگونه ناامید گردم،درحالی که نسبت به من سخت مهربانی اینک به نیازم به تو،متوسل به توام،و چگونه متوسل به تو شوم به آنچه که محال است به تو برسد، یا چگونه از حالم به تو شکایت کنم و حال آنکه بر تو پوشیده نیست؟یا چگونه با گفتارم ترجمه حال نمایم،درحالی که از تو برای تو واضح است؟یا چگونه آرزوهایم را به عرصه نومیدی بری، درصورتی که به آستان تو وارد گشته؟یا چگونه احوالم را نیکو نگردانی، درحالی که احوال من استوار به توست؟خدایا چه اندازه به من لطف داری.با این نادانی فوق العاده من،و چقدر به من مهربانی،با این عمل زشت من؟ خدایا چقدر به من نزدیکی،و من چقدر از تو دورم،و چه اندازه به من مهر می ورزی پس چیست.آنچه مرا از تو در پرده می کند؟خدایا از اختلاف آثار،و تغییرات احوال دانستم که خواسته ات از من این است که خود را در هر چیز به من بشناسانی تا در هیچ چیز نسبت به تو جاهل نباشم،خدایا هر زمان فرومایگی ام از سخن مرا بازداشت،کرم تو گویایم نمود،و هروقت اوصافم ناامیدم کرد،نعمتهایت به طمعم انداخت.خدایا کسی که زیباییهایش زشتی بوده،پس چگونه زشتیهایش زشتی نباشد،و کسی که حقیقت گوییهایش ادعای خالی بوده،چگونه ادعاهایش ادعا نباشد؟خدایا دستور نافذت،و مشیت چیره ات،برای صاحب سخن سخنی،و برای صاحب حال حالی نگذشته،خدایا چه بسیار طاعتی که بنا کردم،و چه بسیار حالتی که استوار نمودم.عدالتت اعتمادم را بر آنها ویران کرد،ولی

فضل تو عذر مرا از آنها پذیراست.خدایا همانا می دانی هرچند طاعت از جانب من،به صورت کار جدّی ادامه نداشته،ولی به صورت محبّت و اراده ادامه داشته.خدایا چگونه تصمیم بگیرم و حال آنکه تو چیره ای؛و چگونه تصمیم نگیرم درحالی که تو دستوردهنده ای، خدایا مردّد شدن من در آثار موجب دوری دیدار است،پس مرا با وجودت گرد آور،به وسیلۀ عبادتی که مرا به تو رساند، چگونه بر وجود تو استدلال شود،به موجودی که در وجودش نیازمند به توست؟آیا برای غیر تو ظهوری هست که برای تو نیست،تا آنان غیر وسیلۀ ظهور تو باشد؟!!کی پنهان بوده ای،تا نیازمند به دلیلی باشی که بر تو دلالت کند و کی دور بوده ای،تا آثار واصل کننده به تو باشند؟کور باد دیده ای که تو را بر آن دیده بان نبیند و زیانکار باد تجارت بنده ای که از محبّتت برای او سهمی قرار نداده ای،خدایا مرا به رجوع به آثار فرمان دادی،پس مرا به پوششی از انوار و هدایتی بصیرت جو به سوی خود بازگردان،تا از آنها به سویت بازگردم همان طور که از آنها به بارگاهت بار یافتم،با نگاهداری نهادم از نگاه به آنها و برگرفتن همّتم از اعتماد بر آنها،همانا تو بر هر چیز توانایی.خدایا این خواری من است که در برابرت عیان است،و این حال من است که بر تو پوشیده نیست،از تو رسیدن به تو را می خواهم،و بر تو استدلال می کنم،پس به نورت مرا به وجودت راهنمایی کن،و در برابرت به صدق بندگی بر پا دار.خدایا از علم مخزونت به من بیاموز،و به پردۀ نگاهداریت حفظم کن.خدایا مرا به حقایق اهل قرب محقق کن،و به راه و روش اهل جذب ببر،

خدایا به تدبیرت نسبت به من مرا از تدبیرم،و به اختیارت از اختیارم بی نیاز گردان،و مرا به مواضع بیچارگی ام آگاه کن،خدایا مرا از خواری نفسم نجات ده،و از شک شرکم پاک کن و پیش از آنکه وارد قبر شوم، از تو یاری می جویم،پس مرا یاری ده،و بر تو توّکل می کنم،پس مرا وامگذار،و از تو درخواست می کنم.پس ناامیدم مکن،و در فضل تو رغبت می نمایم،پس محرومم مگردان،و خود را به تو منسوب می کنم،پس دورم مکن،و در آستانهٔ تو می ایستم پس مرانم، خدایا خشنودی تو منزّه است از اینکه علّتی از جانب تو داشته باشد،پس چگونه ممکن است برای آن علّتی از ناحیه من بوده باشد؟خدایا تو بی نیازی از اینکه نفعی از جانب خویش به حضرتت رسد،پس چگونه بی نیاز از من نباشی؟خدایا قضا و قدر مرا به آرزو انداخت،و هوای نفس مرا در بندهای شهوت اسیر کرد،پس تو یاور من باش تا پیروزم نمایی و بینایم کنی،و به فضل خود بی نیازم فرما،تا به وسیلهٔ تو از خواسته ام بی نیاز کردم،تویی که انوار را در قلوب دوستانت تاباندی،تا تو را شناختند و یگانه ات دانستند،و تویی که بیگانگان را از قلوب عاشقانت راندی تا غیر تو را دوست نداشتند،و به غیر تو پناه نبردند،تو مونس آنانی آنجا که عوالم آنان را به وحشت اندازد،تویی که آنان را هدایت نمودی،هرجا که نشانه هایی برای آنان آشکار شد،کسی که تو را گم کرده چه یافته؟ و چه گم کرده،کسی که تو را یافته،همانا محروم شد کسی که به جای تو به دیگری راضی گشت،و زیانکار شد کسی که از تو به دیگری روی آورد،چگونه به غیر تو امید بست،و حال آنکه احاسنت را بریده نساختی،و چگونه از غیر تو خواسته شود

ص:436

در صورتی که تو شیوۀ نعمت بخشی ات را تغییر نداده ای،ای که به عاشقانش شیرینی همدیم خود را چشاند،در نتیجه گویا نه در برابرش ایستادند،ای که اولیایش را جامه های هیبت پوشاند،پس آمرزش جویانه در مقابلش قرار گرفتند،تویی یاد کننده پیش از یادکنندگان،و تویی شروع کننده به احسان،پیش از توجّه بندگان،و تویی جودکننده به عطا،پیش از خواستن خواهندگان،و تویی بخشنده،و سپس آنچه را که به ما بخشیدی از ما به قرض خواهی، خدایا مرا به رحمتت بخواه تا به تو رسم،و مرا به عطایت جذ کن تا به جانب تو رو کنم.خدایا امیدم از تو قطع نشود،گرچه نافرمانی ات کردم،چنان که ترسم از تو زایل نشود،گرچه اطاعتت نمودم،همانا جهانیان مرا به جانب تو رانده اند،و دانشم به کرمت مرا به آستانه تو انداخته.خدایا من چگونه ناامید شوم و حال آنکه تو آرزوی منی،یا چگونه خوار گردم درصورتی که اعتمادم بر توست.خدایا چگونه عزّت خواهم،درحالی که در خواری ثابتم کرده ای،و چگونه عزّت نخواهم با آن که به خود نسبتم داده ای؟خدایا چگونه نیازمند نباشم،و حال آنکه مرا در نیازمندان نشاندی،یا چگونه نیازمند باشم در صورتی که تو به جودت بی نیازم کرده ای،و تویی که معبودی جز تو نیست،خود را به هر چیز شناساندی،پس چیزی جاهل به تو نیست،و تویی که خود را در هر چیز به من شناساندی،پس تو را در هر چیز نمایان دیدم،و تویی نمایان برای هر چیز،ای که به رحمانیّتش چیره شد،در نتیجه عرش در ذاتش پنهان شد،آثار را با آثار نابود کردی،و اغیار را به احاطه کنندگان افلاک انوار محو نمودی،ای که در سراپرده های عرشش پرده نشین

از این شد که دیده ها او را دریابد،ای آنکه به کمال زیبایی اش تجلّی کرد،پس تحقق یافت عظمتش از روی استیلا و برتری چگونه پنهان شوی و حال آنکه نمایانی،یا چگونه غایب شوی و حال آنکه دیده بانی و حاضری،همانا تو بر هر چیز توانایی،و سپاس تنها از آن خداست،خدای یگانه.

به هر صورت هرکه توفیق یابد و روز عرفه را در عرفات باشد،دعاها و اعمال بسیار دارد،و بهترین اعمال در این روز دعاست، و این روز شریف،در تمام روزهای سال به خاطر دعا امتیاز دارد،و برای برادران مؤمن از آنان که زنده اند یا دار فانی را وداع گفته اند دعای بسیار باید کرد،و روایت وارده در حال عبد اللّه بن جندب،در موقف عرفات و دعای او برای برادران خود مشهور است،و همچنین روایت زید نرسی،در حال ثقهٔ جلیل القدر،معاویه بن وهب در صحرای عرفات و دعای او دربارهٔ فردفرد از اشخاصی که در آفاق بودند،و روایت او از امام صادق علیه السّلام در فضیلت این عمل،شایستهٔ ملاحظه و توّجه است و امید واثق از برادران دینی،آنکه به این بزرگواران اقتدا کرده،و اهل ایمان را در دعا بر خود مقدّم دارند و این گنهکار روسیاه را یکی از آن اشخاص به حساب آرند،و در حال حیات و مرگ از دعای خیر فراموشم نفرمایند،و نیز در این روز زیارت جامعه سوم را قرائت کن[صفحهٔ 842]،و در آخر روز عرفه بخوان:

پروردگارا،همانا گناهان من به تو زیانی نمی رساند،و آمرزشت بر من از تو نمی کاهد،پس ببخش به من آنچه نمی کاهدت و بیامرز برایم آنچه که زیانت نرساند،و نیز بخوان:خدایا محرومم مساز از خیر آنچه نزد توست،به خاطر شرّ آنچه پیش من است، پس اگر با خستگی و واماندگی ام به من رحم نمی کنی،از پاداش مصیبت دیده بر مصیبتش محرومم مکن.

مؤلّف گوید:سیّد ابن طاووس،در ضمن دعاهای روز عرفه فرموده:چون غروب آفتاب نزدیک شود بگو:«بسم اللّه و باللّه و سبحان اللّه و الحمد لله تا آخر،و این همان دعای عشرات است که پیش از این گذشت[صفحهٔ 116]پس زاوار است خواندن

ص:438

دعای عشرات که خواندن آن در هر صبح و شام مستحب است،در آخر روز عرفه ترک نشود،و این اذکار عشراتی را که کفعمی نقل کرده،همان اذکار آخر دعای عشرات است که سیّد ابن طاووس روایت کرده.

[اعمال شب دهم(شب عید قربان)]

شب دهم:از شبهای پربرکت و از چهار شبی است که شب زنده داری در آنها مستحبّ است و درهای آسمان در این شب باز است،و زیارت حضرت سیّدالشهدا علیه السّلام،و دعای«یا دائم الفضل علی البریّه»که در اعمال شب جمعه گذشت[صفحهٔ 61]در این شب مستحبّ است.

[اعمال روز دهم(روز عید قربان)]

اشاره

روز دهم:روز عید قربان است که بسیار شریف است،و اعمال آن چند چیز است:

[اوّل:غسل]

اوّل:غسل،که در این روز مستحبّ مؤکدّ است،و بعضی از علما آن را واجب دانسته اند.

[دوّم:نماز عید به این کیفیت...]

دوّم:نماز عید،به همان صورت که در عید فطر ذکر شد،اما در این روز،مستحبّ است پس از نماز از گوشت قربانی افطار شود.

[سوم:خواندن دعاهایی که پیش از نماز عید و بعد از آن وارد شده...]

سوم:خواندن دعاهایی که پیش از نماز عید و بعد از آن وارد شده،و آن دعاها در کتاب«اقبال»آمده و شاید بهترین دعاهای این روز،دعای چهل و

هشتم صحیفهٔ کاملهٔ سجادیه باشد،که اوّل آن:«اللّهمّ هذا یوم مبارک»است،و دعای چهل و ششم:«یا من یرحم من لا یرحمه العباد»را نیز بخواند.

[چهارم:خواندن دعای ندبه]

چهارم:خواندن دعای ندبه است، که بعد از این ان شاء اللّه خواهد آمد. [صفحهٔ 811]

[پنجم:قربانی کردن]

پنجم:قربانی کردن است که مستحبّ مؤکدّ می باشد.

[ششم:خواندن تکبیرات است برای کسی که در منی باشد...]

ششم:خواندن تکبیرات است برای کسی که در منی باشد،در پی پانزده نماز که نخستین آنها نماز ظهر روز عید است،و آخر آنها نماز صبح روز سیزدهم،و کسانی که در سایز شهرها هستند،پس از ده نماز،از نماز ظهر عید تا صبح دوازدهم بخوانند،و تکبیرات بر وفق روایت صحیح کتاب«کافی»این است:

خدا بزرگتر است،خدا بزرگتر است،معبودی جز خدا نیست،خدا بزرگتر است،خدا بزرگتر است،تنها برای اوست سپاس،خدا بزرگتر است،بر آنچه ما را هدایت فرمود،خدا بزرگتر است بر آنچه به ما روزی داد از چهارپایان بی زبان و سپاس خدای را بر آنچه ما را آزمود.

و مستحب است تکرار این تکبیرات به دنبال نمازها به قدر امکان،و خواندن آن پس از نمازهای مستحبّ.

[مناسبت روز پانزدهم]

روز پانزدهم:سال دویست و دوازده ولادت حضرت هادی علیه السّلام واقع شده.

[عمل شب هجدم(شب عید غدیر)]

شب هیجدهم:شب عید غدیر و شب بسیار با شرافتی است،سیّد ابن طاووس در کتاب«اقبال»دوازده رکعت نماز با

ص:439

یک سلام به کیفیتی مخصوص برای این شب همراه با دعاهایی روایت کرده است.

[اعمال روز هیجدهم(روز عید غدیر)]

اشاره

روز هیجدهم:روز عید غدیر،و«عید اللّه اکبر»،و عید آل محمّد علیهم السّلام و عظیم ترین عید است،و حق تعالی هیچ پیامبری را مبعوث نفرموده جز آنکه این روز را عید کرده و حرمت آن را دانسته.نام این روز در آسمان روز«عهد معهود»و در زمین روز«میثاق مأخوذ»و«جمع مشهود»است.روایت شده که از امام صادق علیه السّلام پرسیدند،آیا مسلمانان را غیر از جمعه و قربان و فطر عیدی هست؟فرمود:آری عیدی است که حرمتش از همه اعیاد بیشتر است،راوی گفت:کدام عید است؟ حضرت فرمود:

روزی است که حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله امیر المؤمنین علیه السّلام را به جانشینی خود نصب فرمود،و اعلام کرد:هرکه من مولا و آقای اویم،پس علی مولا و آقا و پیشوای اوست،و آن روز هیجدهم،ذو الحجّه است،راوی گفت:در آن روز چه کاری باید انجام داد؟فرمود باید روزه بدارید،و عبادت کنید،و محمّد و آل محمّد علیهم السّلام را یاد آرید،و بر ایشان صلوات فرستید،رسول خدا صلی اللّه علیه و آله امیر المؤمنین علیه السّلام را وصیت کرد،که این روز را عید گرداند،و هر پیامبری به جانشینی خویش وصیت می کرد،که این روز را عید کنند.

در حدیث ابن ابی نصر بزنطر از حضرت رضا علیه السّلام آمده:ای پسر ابی نصر هر کجا باشی،بکوش روز عید غدیر نزد قبر مطهّر حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام حاضر شوی، به درستی که در این روز،خدا می آمرزد،از هر مرد و زن مؤمن گناه شصت سال ایشان را،و از آتش دوزخ آزاد می کند،دو برابر آنچه در ماه رمضان و شب قدر و شب فطر آزاد کرده،و پرداخت یک درهم در این روز به برادران مؤمن،برابر هزار درهم در اوقات دیگر است،و در این روز به برادران مؤمن احسان کن،و هر مرد و زن مومن را شاد گردان،به خدا سوگند،اگر مردم فضیلت این روز را چنان که باید بدانند،هرآینه هر روز فرشتگان با ایشان ده مرتبه مصافحه کنند.در

هر صورت بزرگداشت این روز شریف لازم است،و اعمال آن چند چیز است:

[اوّل:روزه]

اوّل:روزه که کفّاره شصت سال گناه است،و در حدیثی است روزه این روز برابر روزۀ تمامی عمر دنیا و معادل با صد حج و صد عمره است.

[دوّم:غسل]

دوّم:غسل.

[سوّم:زیارت امیر مؤمنان علیه السّلام]

سوّم:زیارت امیر مؤمنان علیه السّلام و شایسته است انسان هر کجا باشد، بکوشد که خود را به قبر مطّهر آن حضرت برساند،و برای آن جناب در این روز سه زیارت مخصوص روایت شده که یکی از آنها زیارت معروف به«امین اللّه»است،که هم از نزدیک و هم از راه دور خوانده می شود،و آن از زیارات جامعۀ

مطلقه است،و در باب زیارات ان شاء الله تعالی خواهد آمد.

[این تعویذ را بخواند...]

چهارم:تعویذی[ذکر مربوط به پناه جستن به خدا از ناملایمات و شرور] را که سیّد ابن طاووس در کتاب«اقبال»از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله روایت کرده بخواند.

[پنجم:دو رکعت نماز بجا آورد به این کیفیت...]

پنجم:دو رکعت نماز بجا آورد،و به سجده رود،و صد مرتبه شکر خدا گوید،آنگاه سر از سجده بردارد و بخواند:

خدایا از تو درخواست می کنم به حق اینکه تنها تو راست سپاس،یگانه ای شریکی نداری و تویی یکتا،یگانه،بی نیاز،نزاده ای و نه زاده شده ای،و یکتایی که همتایی نداری،و محمّد بنده و رسول توست،درودهایت بر او و خاندانش،ای آنکه هر روز در کاری است،چنان که در شأنت بود،که بر من تفضّل نمودی،به اینکه مرا از اهل اجابت و دین و دعوتت قرار دادی،و در آغاز آفرینشم از روی تفضّل و کرم و جود خویش،بر این امور موفقّم داشتی،سپس از روی رأفت و رحمتت،به دنبال آوردی این فضل را با فضلی دیگر،و این جود را با جودی دیگر،و این کرم را با کرمی دیگر،تا اینکه آن پیمان را برایم از نو تازه کردی،پس از تجدید آفرینشم،و حال آنکه در فراموشی کامل بودم،فراموشکار و بی توجّه و بی خبر،پس نعمتت را بر من تمام کردی،به اینکه آن پیمان را به یادم انداختی،و به آن بر من منّت نهادی،و به آن راهنمایی ام نمودی،پس از شأن تو باشد،ای خدای من و آقا و مولایم،اینکه آن را بر من تمام کنی،و از دستم نگیری، تا بر پایه آن از دنیایم ببری،درحالی که از من خشنود باشی،به یقین تو سزاوارترین نعمت دهندگانی،بر اینکه نعمتت را بر من تمام کنی خدایا به لطف تو شنیدیم و اطاعت کردیم،و دعوت کننده ات را اجابت نمودیم،تو را سپاس،آمرزشت را خوهانیم پروردگارا،و بازگشت ما به سوی توست،ایمان آوردیم به خدای یگانه،شریکی برای او نیست،و به رسولش محمّد(درود خدا بر او و خاندانش باد)،او

تصدیق کردیم و خوانندۀ خدا را اجابت نمودیم،و از پیامبرش پیروی کردیم،در رابطه با موالات مولایمان و مولای همۀ اهل ایمان، امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،بندۀ خدا و برادر رسول خدا و صدّیق اکبر،و حجّت بر مخلوقات خدا،آن مولایی که خدا پیامبر و دین بر حق و آشکارش را به او تایید کرد،نشانۀ دین خدا و خزانه دار دینش،و ظرف غیب خدا،و جایگاه سرّ خدا،و امین خدا بر خلقش،و گواه او در مخلوقاتش،خدایا پروردگارا ما شنیدیم نداکننده ای که ندا می کرد برای ایمان،که به پروردگارتان ایمان بیاورید،پس ما ایمان آوردیم،پس گناهانمان را بیامرز و بدیهایمان را بپوشان،و ما را با نیکان بمیران،پروردگارا به ما عنایت کن آنچه را وسیلۀ فرستادگانت به ما وعده دادی،و در روز قیامت ما را رسوا مکن،به یقین تو خلف وعده نمی کنی،ما ای پروردگارمان به منّت و لطفت دعوت کننده ات را پاسخ گفتیم،و از پیامبرت پیروی نمودیم و او را تصدیق کردیم،و مولای مؤمنان را باور نمودیم،و به جبت و طاغوت کفر ورزیدیم،ما را تابع آنکه به ولایت پذیرفتیم قرار بده،و با امامانمان محشور فرما،ما به آنان ایمان و باور داریم،و نسبت به آنان تسلیم،ایمان آوردیم به به نهان و آشکارشان،و حاضر و غایبشان و زنده و مرده شان،و به آنان به عنوان پیشوایان و پیشروان و سروران خویش خشنود گشتیم و همانان،بین ما و خدا از سایر خلق بسند،به جای آنان عوضی نجوییم،و جز ایشان کسی را به عنوان خلیفه برنگیریم،و به خدا بیزاری جستیم از هرکه از جنّ و انس،از اولین و آخرین،در برابرشان جنگی بر پا کرد،و کافر شدیم به جبت و طاغوت،و بتهای چهارگانه و شیعیان و

ص:442

پیروانشان،و هرکه از جنّ و انس دوستشان دارد،از اوّل روزگار تا پایانش.خدایا تو را گواه می گیریم که ما معتقدیم به آنچه معتقد شدند به آن محمّد و خاندان محمّد(درود خدا بر او و خاندانش باد)،و گفتار ما آن است که آنان گفتند،و دینمان همان است که آنها متدّین به آن بودند،هرچه را گفتند گفتیم،و به آنچه معتقد شدند معتقد شدیم،و هرچه را انکار کردند انکار کردیم،و هرکه را دوست داشتند دوست داشتیم،و هرکه را دشمن داشتند دشمن داشتیم،و هرکه را لعنت کردند لعنت کردیم،و از هرکه بیزار شدند،از او بیزار شدیم،و هرکه را مورد رحمت قرار دادند،مورد رحمت قرار دادیم،ایمان آوردیم،و تسلیم و راضی شدیم،و از موالیانمان(درود خدا بر آنان)پیروی کردیم.خدایا آن را بر ما کامل کن،و از دستمان مگیر،و آن را نزد ما مستقرّ و ثابت قرار ده،و موقت مگردان،و ما را بر آن زنده بدار،تا گاهی که زنده مان داری،و بر آن بمیران،تا زمانی که ما را می میرانی،خاندان محمّد امامان ما هستند،به آنان اقتدا می کنیم،و آنان را دوست می داریم،دشمنانشان را که دشمن خدایند دشمن می داریم،پس ما را در دنیا و آخرت با آنان قرار ده،و از مقرّبان پیشگاهت گردان،که ما به همان راضی هستیم،ای مهربان ترین مهربانان.

باز به سجده رود و صد مرتبه«الحمد للّه»و صدر مرتبه«شکر اللّه»بگوید،روایت شده:هرکه این عمل را بجا آورد،ثواب کسی را داشته باشد،که روز عید غدیر،خدمت رسول صلی اللّه علیه و آله حاضر شده،و با آن حضرت بر ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام بیعت کرده باشد تا آخر خبر.بهتر این است که این نماز را نزدیک به هنگام زوال بجا آورد،که حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله امیر المؤمنین علیه السّلام را در آن ساعت برای مردم به امامت و خلافت نصب فرمود.در این نماز در رکعت اول پس از سورۀ«حمد»سورۀ«قدر»،و در رکعت دوم سورۀ«توحید»را بخواند.

[ششم:غسل و نیم ساعت به زوال بجا آوردن نمازی به این کیفیت...]

ششم:غسل کند،و به نیم ساعت پیش از زوال دو رکعت نماز بجا آورد،در هر رکعت سورۀ«حمد» یک بار،و سورۀ«توحید»ده بار،و«آیه الکرسی»ده بار،و ده بار«انّا انزلنا»خوانده شود،که برابر صد هزار حج و صد هزار عمره است

و باعث برآورده شدن حوایج دنیا و آخرت او،به آسانی و عافیت،از جانب خدای کریم است،و پوشیده نمایند،که در کتاب«اقبال»در بیان این نماز سورۀ«انّا انزلناه»مقدّم بر«ایه الکرسی»ذکر شده،و علاّمۀ مجلسی در«زاد المعاد»از کتاب «اقبال»پیروی کرده و سورۀ«قدر»را مقدّم داشته،چنان که این حقیر هم در کتب دیگر به این صورت ذکر کرده ام،ولی برابر با پی جویی زیادی که کردم،بیشتر«آیه الکرسی»را مقدّم بر«قدر»دیدم.احتمال اینکه از قلم مبارک سیّد در کتاب«اقبال»سهوی شده،یا ناسخان در این نماز،هم در عدد«حمد»و هم در مقدّم داشتن«قدر»بر«آیه الکرسی»اشتباهی کرده اند،یا این که این عمل مستقلّی غیر از آن نماز است بسیار بعید به نظر می رسد،و اللّه تعالی عالم.و بهتر این است که پس از این نماز تمام این دعا را بخواند:«ربّنا انّنا سمعنا منادیا...»

[هفتم:دعای ندبه]

هفتم:دعای ندبه را بخواند.

[هشتم:این دعا را بخواند...]

هشتم:این دعا را بخواند،که سیّد ابن طاووس از شیخ مفید روایت کرده:

خدایا از تو درخواست می کنم به حق محمّد پیامبرت،و علی نماینده ات،و شأن و مرتبه ای که آن دو را ممتاز از مخلوقات به آن اختصاص دادی،بر محمّد و علی درود فرستی،و در هر خیری که فوری است از آنان آغاز کنی.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،آن امامان پیشرو،و دعوت کنندگان سرور،و ستارگان درخشان،و نشانه های فروزان،و تدبیرکنندگان دنیا و آخرت بندگان،و پایه های ممالک،و ناقه فرستاده شده،و کشتی نجات که روان در دریاهای عمیق است.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،خزانه داران دانشت،و پایه های توحیدت،و ستونهای دینت،و معادن کرامتت،و برگزیدگان از مخلوقاتت و بهترین منتخبان از خلقت،آن پرهیزگاران و پاکیزگان،و نجیبان و نیکوکاران،و دری که مردم مبتلای به آنند،هرکه از آن درآمد نجات یافت،و هرکه سرباز زد در هلاکت سقوط کرد.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،اهل ذکری که به پرسش از آنان

دستور دادی،و خویشاوندی که به دسوتی شان امر فرمودی و حقّشان را واجب نمودی،و بهشت را بازگشتگاه کسی قرار دادی که از آثارشان پیروی نماید.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،چنان که به طاعتت امر کردند،و از معصیتت نهی نمودند،و بندگانت را بر وحدانیتت دلالت فرمودند.خدایا من از تو درخواست می کنم به حق محمّد پیامبرت و نجیبت و برگزیده ات،و امینت،و فرستاده ات به سوی بندگانت،و به حق امیر المؤمنین،رئیس دین و پیشرو سپیدرویان،آن جانشین وفادار،و صدیق اکبر،و جدا کننده بین حق و باطل،و گواه بر تو و رهنمای به سوی تو،و آشکار کنندۀ دستورت،و جهاد کننده در راهت،که او را ملامت ملامت کننده ای دربارۀ تو و نگیرد،که بر محمّد درود فرستی،و مرا در این روز که برای ولیّت،عهد امام را بر عهدۀ بندگانت بستی،و برای آنان دین را کامل نمودی،از آگاهان به حرمتش، و اقرارکنندگان به فضلش قرار دهی،و همچنین از آزادشدگان و رهاگشتگان از آتش به حساب آری،و حسودان نعمتها را به سرزنش من میاور.

خدایا چنان که آن را عید بزرگترت قرار داده ای،و آن را در آسمان روز عهد معهود،و در زمین روز پیمان گرفتن و انجمن پرسیده نامیدی،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و دیدگان ما را به آن روشن فرما،و پراکندگی ما را به آن جمع کن،و پس از آنکه هدایتمان نمودی،گمراهمان مکن،و به نعمتهایت از سپاسگذاران قرار ده،ای مهربان ترین مهربانان.خدا را سپاس که برتری این روز را به ما شناساند،و ما را به حرمت آن بینا فرمود،و به آن گرامی داشت،

و با شناختش به ما شرافت داد،و به نورش هدایتمان نمود،ای رسول خدا،ای امیر المؤمنین،بر شما و خاندانتان و بر دوستدارانتان از جانب من برترین سلامها،تا شب و روز باقی است،و به واسطه شما به خدا روی می آورم،پروردگارم و پروردگار شما،در به دست آوردن خواسته ام،و برآورده شدن حاجتم،و آسان شدن کارهایم.خدایا از تو درخواست می کنم به حق محمّد و خاندان محمّد که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و لعنت کنی کسی را که حقانیت این روز را منکر شده،و حرمتش را به انکار برخاسته،و از راهت برای خاموش کردن نورت جلوگیری نموده است،ولی خدا هرگز نخواهد،مگر اینکه نورش را به کمال رساند،خدایا گشایش ده به اهل بیت محمّد پیامبرت،و برطرف کن از آنان،و به وسیله آنان گرفتاریها را از اهل ایمان.خدایا زمین را به وسیله آنان پر از دادگری کن،همان طور که از ستم و بی داد پر شده است،به آنچه که به آنان وعده داده ای وفا کن،که تو خلف وعده نمی کنی.و اگر بتواند،دعای مبسوط را که سیّد در کتاب«اقبال»روایت کرده بخواند.

[نهم:چون مؤمنی را ملاقات کند این تهیت را گوید...]

نهم:چون مؤمنی را ملاقات کند این تهیت را گوید: سپاس خدای را،که ما را از چنگ زنندگان به ولایت امیر المؤمنین و امامان دیگر درود بر آنان قرار داد.و نیز بخواند:خدای را سپاس که ما را به این روز گرامی داشت،و از وفاکنندگان به عهدش که بر عهده ما نهاده بود،و پیمانش که با ما بسته بود قرار داد،عهد و پیمانی که عبارت است از ولایت سرپرستان امرش،و قیام کنندگان به عدلش،و ما را از انکارکنندگان،و تکذیب کنندگان روز جزا قرار نداده.

[دهم:صد مرتبه این کلمات را بگوید...]

دهم:صد مرتبه بگوید:خدای را سپاس،که کمال دینش،و تمام نعمتش را به ولایت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب(درود خدا بر او)قرار داد.

ص:446

[دیگر اعمال این روز]

آگاه باش در این روز شریف،برای هریک از امور زیر فضیلت بسیاری است:پوشیدن جامه های نیکو،زینت کردن،استعمال بوی خوش،شادی کردن،و شاد نمودن شیعیان امیر المؤمنین علیه السّلام،گذشت از تقصیرات شیعیان،برآوردن حاجات آنان،صلهٔ ارحام،توسعه دادن بر اهل و عیال،اطعام اهل ایمان،افطار دادن به روزه داران،مصافحه با مومنان رفتن به زیارت آنان،تبسّم نمودن بر چهرهٔ ایشان،و فرستادن هدایا برای اهل ایمان،و بجا آوردن شکر و سپاس بخاطر نعمت بزرگ ولایت،بسیار صلوات فرستادن،انجام عبادات و طاعات بسیار.کسی که در این روز یک درهم به برادر مؤمن خود بدهد،برابر با صد هزار درهم در غیر این روز است.طعام دادن در این روز به یک مؤمن مانند طعام دادن به همهٔ پیامبران و صدّیقان است.در خطبهٔ حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام در روز غدیر چنین آمده است:

هرکه مؤمن و روزه دار را به وقت افطارش افطار دهد،مانند آن است که ده«فئام»را افطار داده باشد،شخصی از جای برخاست و عرضه داشت:یا امیر المؤمنین«فئام»چیست؟ایشان فرمود صد هزار پیغمبر و صدیق و شهید،پس چگونه خواهد بود،کثرت فضیلت حال کسی که جمعی از مردان و زنان مؤمن را کفایت کند،من امان او را از کفر و فقر بر خدای تعالی ضامن هستم...تا آخر خبر.

در هر صورت فضیلت این روز شریف،بیش از آن است که ذکر شود،و این روز قبولی اعمال شیعیان،و روز برطرف شدن غمهای ایشان است و روزی است که حضرت موسی علیه السّلام بر ساحران پیروز شد،و خدا آتش را بر ابراهیم علیه السّلام سرد و سلامت نمود و حضرت موسی علیه السّلام یوشع بن نون را جانشین خود کرد،و حضرت عیسی شمعون الصّفا را خلیفه خود قرار داد و حضرت سلیمان علیه السّلام ملّت خود را برای جانشینی آصف بن برخیا گواه گرفت،و جناب رسول خدا بین اصحاب خود عقد برادری برقرار کرد،به این خاطر عقد برادری در این روز با برادران مؤمن سزاوار است و کیفیت آن بصورتی که شیخ ما در کتاب«مستدرک الوسائل»از کتاب«زاد الفردوس»نقل فرموده است چنین است:دست راست خود را بر دست راست برادر مؤمن خود بگذارد،و بگوید:

در راه خدا برادرت شدم،و در راه خدا دوست با صفایت گشتم،و در راه خدا با تو دست دادم،و با خدا و فرشتگان،و کتابهایش و رسولان و پیامبرانش،و امامان معصوم(درود بر آنان)عهد کردم،بر اینکه اگر از اهل

ص:447

بهشت و شفاعت بودم،و به من اجازه داده شد.که وارد بهشت شوم،به بهشت وارد نشوم مگر اینکه تو هم با من باشی.

آنگاه براد مؤمن بگوید:پذیرفتم سپس بگوید:همهٔ حقوق برادری را از تو ساقط کردم،به جز شفاعت و دعا و زیارت.فیض کاشانی در کتاب«خلاصه الاذکار»،صیغهٔ اخوّت را قریب به همین صورت ذکر کرده،آنگاه فرموده:طرف مقابل قبول نماید برای خود،یا موکّل خود به لفظی که دلالت بر قبول نماید.سپس از یکدیگر جمیع حقوق برادری را جز دعا و زیارت ساقط کنند.

[اعمال روز بیست و چهارم(روز مباهله)]

اشاره

روز بیست و چهارم:بنابر اشهر روزی است که رسول خدا صلی اللّه علیه و آله با نصارای نجران مباهله کرد،و پیش از مباهله عبا بر دوش مبارک گرفت،و حضرت امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام را زیر عبا جا داد و گفت:پروردگارا هر پیامبری را اهل بیتی بوده،که مخصوص ترین خلق نسبت به او بودند،خدایا اینان اهل بیت منند،از ایشان شک و گناه را برطرف ساز،و پاک کن ایشان را پاک کردنی کامل،پس جبرائیل نازل شد،و آیهٔ تطهیر را در شأن ایشان فرود آورد،آنگاه رسول خدا صلی اللّه علیه و آله آن چهار بزرگوار را برای مباهله به بیرون برد،چون نگاه نصاری بر ایشان افتاد،و حقیقت آن حضرت و آثار نزول عذاب را مشاهده کردند، جرأت بر مباهله را از دست داده،و استدعای مصالحه و قبول جزیه کردند.در این روز حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام در حال رکوع انگشتر خود را به سائل داد،و آیهٔ «إِنَّمٰا وَلِيُّكُمُ اللّٰهُ» در شأن آن حضرت نازل گشت.در هر صورت این روز دارای شرافت بسیاری است،و در آن چند عمل وارد است:

[اوّل:غسل]

اوّل:غسل.

[دوّم:روزه]

دوّم:روزه گرفتن.

[سوّم:خواندن دو رکعت نماز به این کیفیت...]

سوّم:خواندن دو رکعت نماز،که در وقت و کیفیت و ثواب مانند نماز روز عید غدیر است،و اینکه«آیه الکرسی»در نماز مباهله باید تا «هُمْ فِيهٰا خٰالِدُونَ» خوانده شود.

[چهارم:خواندن این دعا(دعای مباهله)...]

چهارم:خواندن دعای مباهله می باشد،که شبیه به دعای سحر ماه رمضان است،و شیخ طوسی و سیّد ابن طاووس نقل کرده اند،ولی بین روایات آن دو بزرگوار اختلاف زیادی است،و من روایت شیخ طوسی را در کتاب«مصباح»برگزیده ام که فرموده است:

دعای روز مباهله همراه با فضیلت آن،از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده،و آن دعا این است:

ص:448

خدایا از تو درخواست می کنم از زیبایی ات به حق برترین مرتبه زیبایی ات،و همۀ مراتب آن زیباست،خدایا از تو درخواست می کنم به همۀ مراتب زیبایی ات.خدایا از تو درخواست می کنم از بزرگی ات به حق برترین مرتبه بزرگی ات،و همۀ مراتب بزرگی ات بزرگ است،خدایا از تو درخواست می کنم به همۀ مراتب عظمتت.خدایا از تو درخواست می کنم از جمالت،به حق برترین مرتبه جمالت،و همۀ مراتب جمال تو جمیل است،خدایا از تو درخواست می کنم به همۀ مراتب جمالت.خدایا تو را می خوانم چنان که فرمان دادی،پس اجابتم کن چنان که وعده فرمودی،خدایا از تو درخواست می کنم از شکوهت،به حق برترین مرتبۀ شکوهت،و همۀ مراتب شکوهت شکوهمند است،خدایا از تو درخواست می کنم به همۀ مراتب شکوهت.خدایا از تو درخواست می کنم از نورت،به حق برترین مرتبۀ نورت،و همۀ نورت نورانی است،خدای از تو درخواست می کنم به همۀ نورت،خدای از تو درخواست می کنم از رحمتت،به حق وسیع ترین مرتبۀ رحمتت و همه رحمتت وسیع است،خدایا از تو درخواست می کنم به همۀ رحمتت.خدایا تو را می خوانم چنان که فرمانم دادی،پس اجابتم کن چنان که وعده فرمودی.خدایا از تو درخواست می کنم از کمالت به حق برترین مرتبه کمالت،و همه کمالت کامل است،خدایا از تو درخواست می کنم به همۀ کمالت، خدایا از تو درخواست می کنم از کلماتت به حق تمام ترین کلماتت،و همۀ کلماتت تمام است،خدایا از تو درخواست می کنم به همۀ کلماتت،خدایا از تو درخواست می کنم از نامهایت به حق بزرگترین آنها،و همۀ نامهایت بزرگ است،خدایا از تو درخواست می کنم به حق همه نامهایت.خدایا تو را می خوانم،چنان که فرمانم دادی،پس اجابتم کن،چنان که وعده فرمودی، خدایا از تو درخواست می کنم از عزّتت،به حق برترین مرتبۀ عزّتت،و همۀ عزّتت عزیز است،خدایا از تو درخواست می کنم به همه

عزّتت،خدایا از تو درخواست می کنم از مشیّتت به حق گذراترین مشیّتت و همه مشیّتت گذراست،خدایا از تو درخواست می کنم به همه مشیّتت.خدایا از تو درخواست می کنم به قدرتت که با آن بر همه چیز برتری گرفتی،و همه قدرت تو برتری گیر است،خدایا از تو درخواست می کنم به همه قدرتت.خدایا تو را می خوانم،چنان که فرمانم دادی،پس اجابتم کن،چنان که وعده فرمودی،خدایا از تو درخواست می کنم از علمت به حق نافذترین آن و همه علم تو نافذ است،خدایا از تو درخواست می کنم به همه علمت.خدایا از تو درخواست می کنم از گفتارت به حق پسندیده ترین آن.و همه گفتارت پسندیده است،خدایا از تو درخواست می کنم به همه گفتارت.خدایا از تو درخواست می کنم از خواسته هایت به حق محبوب ترین آنها،و همه آنها نزد تو محبوب است،خدایا از تو درخواست می کنم به همه خواسته هایت.خدایا تو را می خوانم چنان که فرمانم دادی،پس اجابتم کن چنان که وعده فرمودی،خدایا از تو درخواست می کنم از شرفت به حق برترین مرتبه شرفت،و همه شرفت شریف است،خدایا از تو درخواست می کنم به همه شرفت.خدایا از تو درخواست می کنم از سلطنتت، به حق پایدارترین آن.و همه سلطنتت پایدار است،خدایا از تو درخواست می کنم به همه سلطنتت.خدایا از تو درخواست می کنم از فرمانروایی ات به حق گرانمایه ترین آن،و همه فرمانروایی ات گرانمایه است،خدایا از تو درخواست می کنم به همه فرمانروایی ات.خدایا تو را می خوانم چنان که فرمانم دادی.پس اجابتم کن چنان که وعده فرمودی.خدایا از تو درخواست می کنم از والایی ات به حق والاترین آن،و همه والایی ات والاست،خدایا از تو درخواست می کنم به همه والایی ات.خدایا از تو درخواست می کنم از

آیاتت به حق شگفت ترین آیاتت،و همه آیاتت شگفت است،خدایا از تو درخواست می کنم به همهٔ آیاتت.خدایا از تو درخواست می کنم از نعمتت به حق دیرینه ترین آن و همه نعمتت دیرین است،خدایا از تو درخواست می کنم به همه نعمتت.خدایا تو را می خوانم چنان که فرمانم دادی،پس اجابتم کن،چنان که وعده فرمودی.خدایا از تو درخواست می کنم،به حق آنچه که در آن قرار دادی از مقام و جبروت،خدایا از تو درخواست می کنم به تمام مقام و تمام جبروتت.خدایا از تو درخواست می کنم به آنچه با آن اجابتم می نمایی،زمانی که از تو می خواهم،ای خدا،ای که معبودی جز تو نیست،از تو می خواهم به زیبایی اینکه معبودی جز تو نیست.ای که معبودی جز تو نیست،از تو می خواهم به بزرگی اینکه معبودی جز تو نیست.ای که معبودی جز تو نیست،از تو می خواهم به حق اینکه معبودی جز تو نیست.خدایا تو را می خوانم چنان که فرمانم دادی،پس اجابتم کن چنان که وعده فرمودی.خدایا از درخواست می کنم از روزی ات به همگانه ترین آن،و همه روزی ات همگانی است.خدایا از تو درخواست می کنم به همه روزی ات، خدایا از تو درخواست می کنم از عطایت،به حق گواراترین آن،و همه عطایت گواراست.خدایا از تو درخواست می کنم به همه عطایت،خدای از تو درخواست می کنم از خیرت به فوری ترین آن،و همه خیرت فوری است.خدایا از تو درخواست می کنم به همه خیرت.خدایا از تو درخواست می کنم از فضلت،به حق فزون ترین آن،و همه فضلت فزون است،خدایا از تو درخواست می کنم به همهٔ فضلت.خدایا تو را می خوانم چنان که فرمانم دادی،پس اجابتم کن چنان که وعده فرمودی.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و مرا برانگیز بر ایمان به خود

و تصدیق به رسولت(درود خدا بر او و خاندانش باد)،و ولایت علی بن ابی طالب(ع)و بیزاری از دشمنش،و اقتدا به امامان از خاندان محمّد(درود خدا بر آنان باد)،که من به این واقعیت راضی شده ام.خدایا درود فرست بر محمّد بنده و رسولت در میان پیشینیان،و درود فرست بر محمّد در میان آیندگان،و درود فرست بر محمّد،در میان آسمانیان،و درود فرست بر محمّد در میان فرستادگان.خدایا به محمّد عطا کن،وسیله و شرف و فضیلت و درجۀ بزرگ.خدایا درود فرست بر محمّد و خاندان محمّد،و به آنچه روزی ام نمودی خشنود بدار،و در آنچه به من عنایت کردی برکت ده،و در غیبتم و در غیاب هر غایبی که او از من است نگهدارم باش.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و مرا بر پایه ایمان به خود و باور داشتن به پیامبرت برانگیز،خدای بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و از تو می خواهم خوب ترین خوبها را که خشنودی ات و بهشت است،و به تو پناه می آورم از بدترین بدها که خشمت و آتش است.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و مرا محافظت فرما از هر مصیبت و هر بلا،و از هر عقوبت،و هر فتنه،و هر آزمایش،و هر شر،و هر امر ناپسند،و هر پیش آمد،و هر آفت که از آسمان بر زمین فرود آید،یا فرود می آید،در این ساعت و در این شب،و در این روز،و در این ماه،و در این سال خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و روزی من کن از هر شادی،و هر خوشحالی،و هر

پایداری و هر گشایش و هر عافیت و هر سلامت و هر کرامت،و هر روزی وسیع حلال پاک و هر نعمت،و هر وسعتی که از آسمان بر زمین نازل شد یا می شود.در این ساعت،و در این شب،و در این روز،و در این ماه و در این سال.خدایا اگر گناهانم مرا در پیشگاهت بی اعتبار ساخته،و میان من و تو پرده شده،و حالم را نزد تو دگرگون نموده.من از تو درخواست می کنم،به حق نور جمالت که هرگز خاموش نشود،و به آبروی محمّد محبوب برگزیده ات،و به آبروی ولیّت علی مرتضی،و به حق اولیایت که آنان را برگزیدی،اینکه بر محمّد و خاندان محمد درود فرستی،و آنچه از گناهانم گذشته بیامرزی،و در باقی مانده عمر حفظم کنی،و به تو پناه می آورم،خدایا،از اینک هرگز به چیزی از نافرمانیهایت بازگردم،تا زنده ام بداری و تا بمیرانی،و من فرمانبردار تو باشم،و تو از من خشنود باشی،و اینکه عملم را ختم کنی به نیکوترینش،و پاداش آن را برایم بهشت قرار دهی،و با من آن کنی که شایستهٔ آنی،ای هل تقوی و ای اهل مغفرت،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و به رحمتت به من رحم کن،ای مهربان ترین مهربانان.

[پنجم:این دعا را بخواند...]

پنجم:دعایی که شیخ طوسی و سیّد ابن طاووس پس از دو رکعت نماز و هفتاد مرتبه استغفار،روایت کرده اند بخواند،اول آن دعا«الحمد للّه ربّ العالمین»است.در این روز دادن صدقه به تهیدستان به خاطر پیروی از مولای همهٔ مردان و زنان با ایمان،و زیارت آن حضرت،شایسته است،و مناسب تر زیارت جامعه است.

[اعمال روز بیست و پنجم(روز نزول سورهٔ«هل اتی»)]

روز بیست و پنجم:روز بس شریفی است،و روزی است که سورهٔ«هل اتی»در حق اهل بیت نازل شد برای اینکه سه روز روزه گرفتند

و افطاری خود را به مسکین و یتیم و اسیر دادند و خود با آب افطار نمودند!و سزاوار است شیعیان اهل بیت در این ایام به ویژه در شب بیست و پنجم در دادن صدقه به مساکین و ایتام،و سعی در اطعام ایشان،و روزه داشتن این روز پیروی از مولایان خود کنند.از آنجا که بعضی از علما این روز را روز مباهله می دانند،مناسب است زیارت جامعه و دعای مباهله را نیز در این روز بخوانند.

[عمل روز آخر ذو الحجه(آخرین روز سال عربی)]

روز آخر ذو الحجه:آخرین روز سال عربها است،سیّد در کتاب«اقبال»براساس یک روایت ذکر کرده است که دو رکعت نماز بجا آورد،و در هر رکعت سورهٔ«حمد»یک مرتبه و ده مرتبه قل هو اللّه احد و ده مرتبه ایه الکرسیّ را بخواند و پس از نماز بگوید:

خدایا آنچه در این سال انجام دادم،از عملی که مرا از آن نهی کردی،و به آن راضی نبودم،و من آن را فراموش کردم،ولی تو فراموشش ننمودی،و پس از گستاخی ام بر تو،مرا به توبه دعوت کردی،خدایا من از تو آمرزش می خواهم،پس مرا بیامرز،و آنچه انجام دادم از عملی که به تو نزدیکم کند،از من قبول کن،و امیدم را از خودت قطع مکن ای کریم.چون این را بگوید،شیطان فرابد می زند:وای بر من،آنچه در این سال علیه او رنج بردم،همه را خراب کرد،و سالی که گذشت برای او گوای می دهد،که سالش را ختم به خیر نمود.

فصل هفتم:اعمال ماه محرم

اشاره

آگاه باش که این ماه،ماه حزن و اندوه اهل بیت علیهم السّلام و شیعیان ایشان است.از حضرت رضا علیه السّلام روایت شده:چون ماه محرّم فرا می رسید،کسی پدرم را خندان نمی دید،و پیوسته تا روز دهم اندوه و حزن بر او غالب بود،چون روز عاشورا میشد روز مصیبت و حزن و گریه،ایشان بود،و می فرمودند:امروز روزی است که حسین علیه السّلام شهید شد.

[اعمال شب اول]

اشاره

شب اول:سیّد ابن طاووس در کتاب«اقبال»برای این شب،چند نماز ذکر فرموده:

[اوّل:صدر رکعت نماز به این کیفیت...]

اوّل:صدر رکعت که در هر رکعت سوره های«حمد»و سورهٔ توحید»خوانده می شود.

[دوّم:دو رکعت به این کیفیت...]

دوّم:دو رکعت که در رکعت اول سوره های«حمد»و«انعام»،و در رکعت دوم سوره های«حمد»و«یس»خوانده می شود.

[سوم:دو رکعت به این کیفیت...]

سوم:دو رکعت که در هر رکعت سورهٔ«حمد»و یازده سوره«توحید»خوانده

ص:454

می شود.از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله روایت شده:هرکه این دو رکعت نماز را در این شب بجا آورد،و فردایش را که اول سال است روزه بدارد،مانند کسی است که همۀ طول سال را همواره کار خیر کرده،و در آن سال محفوظ باشد،و اگر بمیرد به بهشت می رود.سیّد ابن طاووس برای هلال این ماه دعای مبسوطی ذکر کرده است.

[اعمال روز اول]

اشاره

روز اول:بدان که روز اوّل محرم،اول سال قمری است،و در آن دو عمل وارد شده:

[اول:روزه]

اول:روزه گرفتن،در روایت ریّان بن شبیب از حضرت رضا علیه السّلام روایت شده:هرکه در این روز روزه بدارد،و خدا را بخواند خدا دعای او را مستجاب کند،چنان که دعای زکریّا را اجابت فرمود.

[دوم:انجام این عملی که از حضرت رضا علیه السلام روایت شده...]

دوم:از حضرت رضا علیه السّلام روایت شده:رسول خدا صلی اللّه علیه و آله روز اول محرّم دو رکعت نماز بجا آورد،و چون فارغ می شد،دستها را به آسمان برمی داشت و این دعا را سه مرتبه می خواند:

خدایا تویی معبود ازلی،و این است سال نو،در این سال از تو درخواست می کنم حفظ شدنم را از شیطان، و قدرت و غلبه و بر نفس فرمانده به گناه،و مشغول بودن به آنچه که مرا به تو نزدیک می کند،ای صاحب بزرگی و بزرگواری،ای تکیه گاه کسی که تکیه گاهی ندارد،ای اندوختۀ کسی که اندوختۀ کسی که اندوخته ای ندارد،ای پناهگاه کسی که پناهگای ندارد،ای فریادرس کسی که فریادرسی ندارد،ای پشتوانۀ کسی که پشتوانه ای ندارد،ای گنجینه کسی که گنجی ندارد،ای نیکو آزمایش،ای بزرگ امید،ای عزّت ناتوان،ای نجات بخش غرق شدگان،ای رهانندۀ هلاک شدگان،ای

نعمت دهنده،ای زیباکار،ای فزون بخش،ای نیکوکار،تویی که برایت سجده کرد،سیاهی شب،و روشنی روز،و تابش ماه، و شعاع خورشید،و خروش آب و صدای برگ درختان،ای خدا شرکی برای تو نیست.خدایا ما را بهتر از آنچه گمان می کنند قرار ده،و از ما آنچه را نمی دانند بیامرز،و به آنچه از ما می گویند سرزنشمان مکن،خدا مرا بس است،

ص:455

معبودی جز او نیست،بر اوء تکیه کردم،و او پروردگار عرش بزرگ است،به او ایمان آوردیم.همه چیزها از جانب پروردگار ماست،و یادآور نشوند مگر صاحبان خرد،پروردگارا دلهای ما را بعد از آنکه هدایتمان فرمودی منحرف مکن،و از نزد خود رحمتی به ما ببخش،همانا تو بخشنده ای.شیخ طوسی فرموده:که روزهٔ دههٔ اول محرم مستحب است ولی روز عاشورا تا بعد از عصر از خوراکی و آشامیدنی خودداری کند،آنگاه کمی تربت بخورد،و سیّد روایت کرده که روزهٔ تمام این ماه فضیلت دارد،و روزه آن روز روزه دار را از هر گناهی حفظ می کند.

[مناسبت روز سوم]

روز سوم:روزی است که حضرت یوسف علیه السّلام از زندان آزاد شد،هرکه آن روز را روزه بگیرد،حق تعالی کارهای مشکل را بر او آسان کند و اندوه را از او برطرف سازد،و در روایت نبوی آمده:دعایش اجابت شود.

[مناسبت روز نهم]

روز نهم:روز تاسوعات.از امام صادق علیه السّلام روایت شده:تاسوعا روزی است که امام حسین علیه السّلام و اصحابش را در کربلا محاصره کردند و سپاه شام برای جنگ با آن حضرت گرد آمدند و ابن مرجانه و عمر سعد،به خاطر کثرت سپاه و بسیاری لشگر،که برای آنها گرد آمده بودند،خوشحال شدند،و امام حسین علیه السّلام و اصحابش را ضعیف به حساب آوردند،و یقین کردند که برای حضرت یاوری نخواهد آمد،و اهل عراق او را مدد نخواهند کرد،سپس فرمود:پدرم فدای آن ضعیف غریب.

[اعمال شب دهم(شب عاشورا)]

شب دهم:شب عاشوراست،سیّد سیّد در کتاب«اقبال»برای این شب دعاها و نمازهای بسیار با فضیلتهای فراوان روایت کرده،از جمله صدر رکعت نماز که در هر رکعت پس از سورهٔ حمد سه مرتبه سورهٔ توحید خوانده،و بعد از پایان صد رکعت هفتاد مرتبه بگوید:

منزّه است خدا،و سپاس خدای را،و نیست معبودی جز خدا،و خدا بزرگتر است،و جنبش و نیرویی نیست مگر به خدای برتر بزرگ.و در روایت دیگر

پس از العلی العظیم استغفار هم ذکر شده.و نیز چهار رکعت نماز در آخر شب که در هر رکعت پس از سورۀ حمد،هرکدام از آیه الکرسی و سوره های توحید و فلق،و ناس را ده مرتبه بخواند،و پس از سلام

ص:456

صد مرتبه سورۀ تحید را قرائت کند.و دیگر چهار رکعت نماز،در هر رکعت سورۀ حمد و پنجاه مرتبه سورۀ توحید و این نماز برابر است با نماز امیر المؤمنین علیه السّلام که فضیلت بسیار دارد،و فرموده:پس از نماز،بسیار ذکر خدا کند،و صلوات بسیار بر رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرستد،و هرچه می تواند بر دشمنان ایشان لعن کند.و در فضیلت احیا این شب روایت کرده:مانند آن است که عبادت کرده باشد به عبادت جمیع فرشتگان،و عبادت در آن،برابر هفتاد سال عبادت است،و اگر کسی را توفیق دست دهد،در چنین شبی در کربلا باشد،و امام حسین علیه السّلام را زیارت کند و نزد آن حضرت تا صبح بیتوته کند،خدا او را آغشته به خون امام حسین علیه السّلام در زمرۀ شهدا با آن حضرت محشور فرماید.

[اعمال روز دهم(روز عاشورا)]

روز دهم:روز شهادت سیّدالشهدا علیه السّلام،و روز مصیب و حزن ائمه طاهرین علیهم السّلام و شیعیان ایشان است،و در این روز سزاوار است شیعیان مشغول کاری از کارهای دنیا نگردند،و برای خانی خود چیزی ذخیره نکنند،و مشغول گریه و نوحه و مصیبت باشند،و عزاداری حضرت امام حسین علیه السّلام را بر پا کنند و اشتغال به ماتم داشته باشند به صورتی که در ماتم عزیزترین اولاد و اقوام خود اشتغال می ورزند،و آن حضرت را به زیارت عاشورا که پس از این در باب زیارات [صفحۀ 704]بیاید،زیارت کنند.

و در نفرین و لعن بر قاتلان آن حضرت سعی نمایند.

و یکدیگر را در مصیبت آن وجود مقدّس به این جملات تعزیت گویند:

خدا مزدهای ما را به خاطر سوگواری مان برای حسین(درود بر او باد)بزرگ گرداند،و قرار دهد ما و شما را از خونخواهانش به همراه ولی اش امام مهدی از خاندان محمّد(درود بر ایشان باد).و سزاوار است در این روز مقتل[کتابهایی که پیرامون واقعۀ کربلا نگاشته شده است]بخوانند،و یکدیگر را بگریانند.روایت شده که چون حضرت موسی به ملاقات حضر و فرا گرفتن بعضی از حقایق از آن جناب مأمور شد.اول چیزی که در هنگام ملاقات بین ایشان مذاکره شد،این بود که خضر برای حضرت موسی مصائب و بلاهایی را که بر آل محمّد علیهم السّلام وارد می شود ذکر نمود و هر دو گریستند،و گریستن ایشان

شدّت گرفت.از ابن عباس روایت شده است:در ذی قار خدمت امیر المؤمنین علیه السّلام رسیدم،صحیفه ای به خط خود و املاء پیامبر صلی اللّه علیه و آله بیرون آورد،و از آن صحیفه برای من خواند،در آن صحیفه مقتل امام حسین علیه السّلام بود،و اینکه چگونه شهید می شود،و چه کسی او را به شهادت می رساند،و چه کسی او را یاری می کند،و چه کسی با او شهید می شود،پس آن حضرت گریه کرد و گریه ای سخت و مرا به گریه انداخت.فقیر گوید:اگر مقام را گنجایش بود،مختصر مقتلی در اینجا ذکر می کردم،امّا محل را گنجایش آن نیست هرکه بخواهد به کتابهای ما در زمینه مقتل رجوع کند.در هر صورت اگر کسی در این روز نزد قبر مطّهر آن حضرت باشد،و مردم را آب دهد،مانند کسی است که لشگر آن جناب را آب داده باشد،و با آن حضرت در کربلا حاضر بوده،و خواندن هزار مرتبه سورۀ توحید در این روز فضیلت بسیار دارد،و روایت شده:خدای رحمان به سوی او نظر رحمت کند،و سیّد برای این روز دعای ینقل کرده شبیه به دعای عشرات،بلکه موافق بعضی روایات،ظاهرا خود آن دعا باشد.

شیخ طوسی از عبد اللّه بن سنان از امام صادق علیه السّلام چهار رکعت نماز و دعایی نقل کرده است که باید در این روز در وقت چاشت بجا آورد،ما به خاطر اختصار ذکر نکردین،هرکه طالب است به زاد المعاد رجوع کند و نیز شایسته است که شیعیان در این روز بی آنکه قصد روزه کنند،از خوردن و آشامیدن امساک نمایند.و در آخر روز،پس از عصر افطار کنند به غذایی که اهل مصیبت می خورند،ماند ماست یا شیر و امثال آنها،نه مثل غذاهای لذیذ،و جاه های پاکیزه بپوشند،و به هیئت صاحبان مصیبحت دگمه ها را بگشایند،و آستینها را بالا بزنند،و علاّمۀ مجلس در زاد المعاد فرموده:بهتر آن است که روز نهم و دهم را روزه نگیرد،زیرا بنی امیّه این دو روز را برای برکت و شماتت بر قتل آن حضرت روزه می داشتند،و به دروغ،احادیث بسیار در فضیلت این دو روز،و روزۀ آنها را به حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله نسبت داده اند،و از طریق اهل بیت علیهم السّلام احادیث بسیاری در مذمّت روزه این دو روز به ویژه روز عاشورا وارد شده.و نیز بنی امیّه علیهم اللعنه برای برکت، آذوقه سال را در روز عاشورا ذخیره می نمودند !به این خاطر از حضرت رضا علیه السّلام روایت شده:

هرکه کوشیدن در حوائج خود را در روز عاشورا ترک کند،و به دنبال کاری نرود،حق تعالی حوائج دنیا و آخرت او را برآورد و هرکه روز عاشورا،روز

مصیبت و اندوه و گریهٔ او باشد،حق تعالی روز قیامت را روز شادی و سرور و خوشحالی او گرداند،

ص:458

و دیده اش در بهشت به ما روشن شود،هرکه روز عاشورا را روز برکت نامد،و در آن روز برای منزل خود چیزی ذخیره نماید خدا آن ذخیره را برای او مبارک نکند،و روز قیامت با یزید و عبید اللّه بن زیاد،و عمر بن سعید علیهم اللعنه محشور گردد.بنابراین انسان باید در روز عاشورا مشغول کاری از کارهای دنیا نگردد،بلکه در گریه و نوحه و مصیبت باشد،و اهل خانۀ خود را دستور دهد که عزای آن حضرت را بپا دارند،و مشغول ماتم و سوگواری باشند،چنان که در سوگ عزیزترین اولاد و اقوام خود مشغول می شوند،و در آن روز بی آنکه قصد روزه کنند،از خوردن و آشامیدن امساک ورزند،و در آخر روز پس از عصر افطار کنند گرچه به جرعه آبی باشد،و روزه کامل نگیرند،مگر آنکه در خصوص آن روز روزۀ واجب داشته باشد،که به نذر یا مثل آن بر او واجب شده باشد،و در آن روز در خانۀ خود آذوقه ذخیره نکند،و لب به خنده نگاشید،و به لهو و لعب نپردازد،و هزار مرتبه قاتلان آن حضرت را لعنت کند و بگوید:خداوند بر قاتلان حسین(درود بر او باد)لعنت فرست مؤلف گوید:از کلام این بزرگوار معلوم می شود،که احادیثی که در فضیلت روز عاشوراست همه جعلی است،و به دروغ به حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله نسبت داده اند.صاحب کتاب«شفاء الصدور در شرح این قسمت از زیارت عاشورا(اللّهم انّ هذا یوم تبرکت به بنو امیّه سخن را در این مقام بسط داده،خلاصه اش آنکه،تبّرک بنی امیّه به این روز نامیمون بر چند وجه است:اوّل:ذخیره کردن غذا و آذوقه را در این روز مستحبّ شمردند،و آن آذوقه را تا سال دیگر مایۀ سعادت و وسعت رزق،و رفاه زندگی دانستند،چنان که در اخبار اهل بیت علیهم السّلام،از باب تعریض به ایشان،از این مطلب نهی مکرّر وارد شده دوم:اقامه مراسم عید است،از توسعۀ رزق بر عیال،و نو کردن لباس،و کوتاه کردن شارب،و گرفتن ناخن،و مصافحه،و رسوم دیگر عید،که راه و روش بنی امیّه و پیروان ایشان بر آن جاری است.

سوم:التزام به روزه این روز،که اخبار بسیاری در فضیلت آن جعل کرده اند.

چهارم:دعا و طلب حوائج را در این روز را به عنوان روزی مبارک مستحبّ دانسته اند،و برای این کار در این روز،با جعل و وضع،و افترا،مناقب و فضائلی ساخته اند،و دعاهایی چند تلفیق کرده،تعلیم عاصیان نمودند،تا امر ملتبس،و کار مشتبه شود،چنان که در خطبه ای که در این روز در شهرهای خود می خوانند،برای هر پیامبر وسیله و شرفی در این روز یاد می کنند

مانند خاموش شدن آتش نمرود،استقرا سفینه نوح،غرق شدن لشگریان فرعون،و نجات یافتن عیسی از دار یهودیان،چنان که جبلهٔ مکیّه نقل کرده است که از میثم تمّار شنیدم که فرمود:و اللّه امّت پسر پیامبر خود را در محرّم در روز دهم به قتل می رسانند،و هرآینه دشمنان حق این روز را روز برکت قرار می دهند،و همانا این کار شدنی است،و در علم خدای تعالی گذشته،و من آن را می دانم به عهدی که از مولایم امیر المؤمنین علیه السّلام به من رسیده.جبّله می گوید:گفتم:

چگونه مردم روز شهادت حسین علیه السّلام را روز برکت قرار می دهند؟ میثم گریست و فرمود:حدیثی جعل می کنند که روز عاشورا روزی است که خدای تعالی توبهٔ آدم را در آن قبول کرد،با اینکه خدا توبهٔ آدم را در ذو الحجه پذیرفت،و گمان می کنند که عاشورا روزی است که خدا یونس را از شکم ماهی بیرون آورد،درحالی که خدا در ذوالقعده یونس را از شکم ماهی بیرون آورد، و گمان می کنند این روز،روزی است که کشتی نوح بر کوه جودی قرار گرفت،با اینکه این واقعه در روز هیجدهم ذو الحجّه رخ داده،و گمان می کنند روزی است که خدا دریا را برای موسی شکافت،درحالی که این حادثه در ربیع الاول بوده است در هر صورت با این همه تصریح و تأکید که در خبر میثم آمده است و در حقیقت از نشانه های نبوّت و امامت،و دلیل بر حقّانیت طریقهٔ شیعه است،که این گونه اخبار یقینی را در اختیار گذاشته،و مضمون آن مطابق با واقع محسوس است.

از عجایب است که دعایی بر طبق این اکاذیب،تلفیق شده،و در کتابهای بعضی از بیخبران که غافل بوده اند ذکرش به میان آمده و به دست عوام داده شده،و البته خواندن آن دعا بدعت و حرام است و آن دعا این است:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،منزّه است خدا به پری ترازو،و نهایت دانش،و سر حدّ خشنودی و وزن عرش.پس از دو سه سطر چنین دارد:ده مرتبه صلوات فرستد و بگوید:ای پذیرندهٔ توبه آدم در روز عاشورا،ای بالا برندهٔ ادریس به آسمان در روز عاشورا،ای آرام دهندهٔ کشتی نوح بر جودی

در روز عاشورا،ای فریادرس ابراهیم از آتش در روز عاشورا...

شک نیست که این دعا را یکی از ناصبیهای مدینه،یا خوارج مسقط یا امثال اینها جعل کرده و با این جعل کردن ظلم بنی امیه را به کمال رسانده،پایان تلخیص کلام صاحب کتاب شفاء الصدور در هر صورت در پایان روز عاشورا سزاوار است یاد کردن حال اهل حضرت سیّدالشّهدا علیه السّلام و دختران و اطفال آن حضرت که در این وقت،در سرزمین کربلا اسیر دشمنان گشته،و به حزن و گریه مشغول بودند و مصائبی بر ایشان گذشت،که در خاطر هیچ آفریده ای خطور نکند،و قلم را تاب نوشتن آن نباشد.و چه نیکو سروده هرکه سروده:

فاجعه ای است اگر بخواهم آن را بنویسم*به صورت اجمال برای یادآوری یادآوران* اشکم روان شود،پس پرده گردد*میان نگاه چشمها و صفحات کتاب* دلم گوید بر من رحمی که*سوگند به خدا من از سنگ سرشته نشدم* بر آن مصیبت زمین و آسمان گریست*و هرچه ما بین آن دو می باشد گریه ای خونبار* من از تحریر این غم ناتوانم که تصویرش زده آتش بجانم

ترا طاقت نباشد از شنیدن شنیدن کی بود مانند دیدن

پس برخیز به رسول خدا و علی مرتضی و فاطمه زهرا و امام مجتبی و سایر امامان از ذریّه سیّد الشهداء علیهم السّلام سلام کن، و ایشان را بر این مصائب جانکاه با دل سوخته و چشم گریان تعزیت بگو،و این زیارت را بخوان:

سلام بر تو ای وارث آدم،برگزیدۀ خدا،سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا،سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا،سلام بر تو ای وارث موسی همسخن خدا،سلام

ص:461

بر تو ای وارث عیسی روح خدا،سلام بر تو ای وارث محمّد محبوب خدا،سلام بر تو ای وارث علی امیر مؤمنان ولیّ خدا،سلام بر تو ای وارث حسن شهید نوادهٔ رسول خدا،سلام بر تو ای فرزند رسول خدا،سلام بر تو ای فرزند بشارت دهندهٔ و بیم دهندهٔ و فرزند آقای جانشینان،سلام بر تو ای فرزند فاطمه بانوی بانوان جهانیان،سلام بر تو ای ابا عبد اللّه،سلام بر تو ای برگزیدهٔ خدا و فرزند برگزیدهٔ خدا،سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خون خدا،سلام بر تو ای تنهایی که انتقام خونت گرفته نشد،سلام بر تو ای امام راهنما و پاک، و بر ارواحی که به آستانت فرود آمدند،و در جوارت اقامت گزیدند،و همراه زائرانت وارد شدند،از من بر تو سلام تا زنده ام،و تا شب و روز برپاست،همانا عزای تو بزرگ شد،و سوگواری در میان مؤمنان و مسلمانان و در همگی اهل آسمانها و ساکنان زمین عظیم گشت،همه ما از خدا بیم و به سوی او باز می گردیم،درودها و برکات و تحیّات خدا بر تو،و بر پدران پاک و پاکیزه و نجیبت،و بر فرزندان راهنمای رهیافتهٔ آنان،سلام بر تو ای مولایم،و بر ایشان و بر روح تو و روح آنان،و بر خاکت و بر خاکشان.خدایا رحمت و خشنودی روح و ریحان بر آنان بیفکن،سلام بر تو،ای مولایم ای ابا عبد اللّه،ای فرزند خاتم انبیاء

ص:462

و ای فرزند آقای جانشینان،و ای فرزند بانوی بانوان جهانیان،سلام بر تو ای شهید،ای فرزند شهید، ای برادر شهید،ای پدر شهیدان،خدایا از جانب من به حضرت او برسان،در این ساعت،و در این روز، و در این وقت،و در همه وقت،تحیّت بسیار و سلام،سلام و رحمت و برکات خدا بر تو، ای فرزند آقای جهانیان و بر شهید شدگان با تو،سلامی پیوسته،به پیوستگی شب و روز،سلام بر حسین فرزند علیّ شهید،سلام بر علی فرزند حسین شهید، سلام بر عبّاس فرزند امیر مؤمنان شهید،سلام بر شهیدان از فرزندان امیر مؤمنان،سلام بر شهیدان از فرزندان حسن،سلام بر شهیدان از فرزندان حسین،سلام بر شهیدان از فرزندان جعفر و عقیل،سلام بر همه شهیدان همراه آنان از مؤمنان.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و از جانب من تحیّت بسیار و سلام فراوان به ایشان برسان سلام بر تو ای رسول خدا،خدا شکیبایی ات را در مصیبت فرزندت حسین نیکو گرداند،سلام بر تو ای فاطمه،خدا شکیبایی ات را در مصیبت فرزندت حسین نیکو گرداند،سلام بر تو ای امیر مؤمنان،خدا شکیبایی ات را در مصیبت فرزندت حسین نیکو گرداند، سلام بر تو ای ابا محمّد ای حسن مجتبی،خدا شکیبایی ات را در مصیبت برادرت حسین نیکو گرداند،ای مولای من ای ابا عبد اللّه من مهمان خدا و مهمان تو،و پناهنده به خدا،و پناهنده به توام،برای هر مهمان و پناهنده ای پذیرایی ست،پذیرایی من

ص:463

در این وقت این است،که از خدای منزّه برتر بخواهی،که آزادی از آتش دوزخ را نصیبم کند،همانا او شنوای دعا و نزدیک و اجابت کننده است.

[مناسبت روز بیست و پنجم]

روز بیست و پنجم:به گفتۀ جمعی از علما در سال نود و چهار،یا روز دوازدهم سال نود و پنج که آن سال را سنه الفقها [سال فقهان]می گفتند،حضرت زین العابدین علیه السّلام از دنیا رحلت کرد.

فصل هشتم:اعمال ماه صفر

اشاره

آگاه باش که این ماه معروف به نحوست و بد یمنی است و برای رفع نحوست و بد یمنی چیزی بهتر از صدقه دادن و خواندن دعاها و استعاذات وارده نیست و اگر کسی بخواهد از بلاهای نازلۀ این ماه،محفوظ بماند،چنان که محدّث فیض و غیر او فرموده اند،هر روز ده مرته بخواند:

ای سخت نیرو،و سخت کیفر،ای عزیز،ای عزیز،ای عزیز،همه آفریدگانت در برابر عظمت خوار گشته،مرا از شهر آفریدگانت کفایت کن،ای نیکوکار،ای زیباکار،ای نعمت بخش،ای افزون کن،ای که معبودی جز تو نیست،منزّهی تو،من از ستمکارانم،پس دعایش را مستجاب کردیم،و او را[اشاره به رهایی حضرت یونس از دل ماهی]از اندوه نجات دادیم،و این چنین مؤمنان را نجات می دهیم، درود خدا بر محمّد و خاندان پاک و پاکیزه اش.سیّد ابن طاووس برای هلال این ماه دعایی روایت کرده.

[مناسبت روز اوّل]

روز اوّل:در سال سی و هفتم جنگ صفین درگرفت،و در این روز در سال شصت و یکم به قولی سر مبارک حضرت سیّد الشهداء علیه السّلام را وارد دمشق کردند،و بنی امیّه آن روز را عید قرار دادند،و آن روزی است که در ان غصّه ها تازه می شود.

در عراق ماتمهایی بود که آن را بحساب آوردند*بنی امیّه در شام از عیدهای خود

و در این روز و به قولی در روز سوم،در سال صد و بیست و یک زید بن علی شهید شد.

[عمل روز سوم]

روز سوم:سیّد ابن طاووس از کتابهای اصحاب ما امامیه نقل کرده است که در این روز خواندن دو رکعت نماز مستحب است که در رکعت اول سوره های حمد و انا فتحنا و در رکعت دوم سوره های حمد و توحید خوانده و پس از سلام صد مرتبه صلوات،و صد مرتبه اللّهمّ العن ال ابی سفیان و صد مرتبه استغفار بگوید،آنگاه حاجت خود را بخواهد.

[مناسبت روز هفتم]

روز هفتم:به قول شهید و کفعمی و دیگران و از طرفی به قول شیخ کلینی و شیخ طوسی:در روز بیست و هشتم در سال پنجاهم شهادت حضرت مجتبی علیه السّلام واقع شد.[و در این روز در سال 128 ولادت حضرت موسی بن جعفر(ع)در«ابوا»(منزلی بین مکه و مدینه)اتفاق افتاد.از مؤلف]

[عمل روز بیستم(روز اربعین)]

روز بیستم:روز اربعین و به قول شیخ مفید و شیخ طوسی روز بازگشت خانوادۀ حضرت حسین علیه السّلام از شام به مدینه،و روز ورود جابر بن عبد اللّه انصاری به کربلا برای زیارت امام حسین علیه السّلام است،و جابر نخستین زائر آن حضرت پس از شهادت ایشان است،و زیارت حضرت سیّد الشهداء علیه السّلام در این روز مستحبّ است.از حضرت عسگری علیه السّلام روایت شده:

نشانه های مؤمن پنج چیز است:بجا آوردن پنجاه و یک رکعت نمازهای واجب و نافله در شب و روز،زیارت اربعین،انگشتر به دست راست نمودن،و در سجده جبین را بر خاک گذاشتن،و بلند گفتن«بسم اللّه الرّحمن الرّحیم»شیخ در کتاب«تهذیب» و«مصباح»زیارت خاص این روز را از امام صادق علیه السّلام نقل کرده که ما ان شاء اللّه در باب زیارات خواهیم آورد.[صفحه 722]

[مناسبت روز بیست و هشتم]

روز بیست و هشتم:سال یازدهم روز وفات حضرت خاتم انبیا(صلوات اللّه و سلامه علیه)است،و روز وفات به اتّفاق همۀ علما روز دوشنبه بوده،و هنگام وفات شصت و سه سال داشتند.در چهل سالگی مبعوث به رسالت شد،سیزده سال در شهر مکّه مردم را به خداپرستی خواند،در سنّ پنجاه وسه سالگی به مدینه هجرت کرد،و در سال دهم هجری از دنیا رفت،غسل و حنوطش را امیر المؤمنین عهده دار بود،و پس از غسل و کفن بر بدن مطهّرش نماز گذارد،آنگه اصحاب دسته دسته و بدون امام بر ان حضرت نماز خواندند،سپس امیر مؤمنان علیه السّلام آن حضرت را در حجرۀ طاهره،در همان نقطه ای که از دنیا رفته بود دفن کرد.

از انس بن مالک روایت شده:زمانی که از دفن پیامبر فارغ شدیم،حضرت فاطمه علیها السّلام به سوی من آمد و گفت:

چگونه جان و روان شما همراهی کرد بر چهرهٔ پیامبر خدا خاک فروریزید،سپس گریست و فرمود:

پدرم،پروردگارت را که تو را فرا خواند پاسخ دادی*پدرم،چقدر به پروردگارت نزدیکی چه زیبا سروده شده:

ای دو جهان زیر زمین از چه ای خاک نه ای خاک نشین از چه ای

به روایت معتبر،آن بانوی بانوان،مشتی از خاک پاک آن مرقد مطهّر را بر گرفت،و بر دیدگان نهاد و فرمود:

بر بوینده خاک احمد چیست؟*اینکه تا پایان زمان عطرها را نبوید* بر من مصائبی فرود آمد که اگر آنها*بر روزها آمده بود شب می شدند شیخ یوسف شامی در کتاب«درّ العظیم»نقل کرده است که فاطمه زهرا علیها السّلام این اشعار را در مرثیه پدر فرمود:

به آنکه در زیر توده های خاک پنهان شده بگو*اگر فریاد و صدای مرا می شنیدی * بر من مصائبی فرو ریخت که اگر آنها*بر روزها فرو ریخته بود شب می شدند* همانا من در سایهٔ محمّد حمایتی داشتم*که از ستم نمی ترسیدم و او جورکش من بود* اما امروز برای شخص پست تواضع کنم و از ستم*بر خود می پرهیزم و ستمگرم را با جامه ام دفع کنم* اگر قمری به شبانگاهش گریه کند*من در روز از غصّه بر شاخساری بگریم* اندوه را پس از تو مونسم قرار می دهم*و دانه های اشک را در حجر تو گرد نبندم

ص:466

[مناسبت روز آخر ماه]

روز آخر ماه:سال دویست و سه به قول شیخ طبرسی و ابن اثیر،شهادت حضرت رضا علیه السّلام به سبب انگور زهرآلود واقع شد.

در آن وقت سن مبارکش پنجاه و پنج سال بود،و قبر شریفش در خانۀ حمید بن قحطبه در قریۀ سناباد در سرزمین طوس قرار گرفت،که قبر هارون الرشید هم در آن خانه است.

فصل نهم:اعمال ماه ربیع الاول

[مناسبت شب اوّل]

شب اوّل:سال سیزدهم بعثت،مبدأ هجرت رسول خدا صلّی اللّه و علیه و آله از مکّه معظمّه به مدینۀ منوّره بود،و در آن شب ایشان در غار ثور پنهان شدند،و حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام برای فدا کردن جان خود به جای آن حضرت خوابید،و از شمشیرهای قبایل مشرکین پروا نکرد،و فضل خود و مواسات و برادری خویش را با رسول خدا صلّی اللّه و علیه و آله به تمام جهانیان آشکار ساخت،و آیۀ کریمۀ: «وَ مِنَ النّٰاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغٰاءَ مَرْضٰاتِ اللّٰهِ» در شأنش نازل شد.

[عمل روز اوّل]

روز اوّل:علما فرموده اند،برای شکر نعمت سلامتی رسول خدا و امیر المؤمنین صلوات اللّه علیهما،مستحبّ است روزه بدارند، و زیارت آن دو بزرگوار در این روز بسیار مناسب است،سیّد در کتاب«اقبال»برای این روز دعایی روایت فرموده و در این روز به قول شیخ کفعمی حضرت عسگری علیه السّلام وفات یافت،ولی قول مشهور روز هشتم است و شاید ابتدای بیماری آن حضرت در چنین روزی بوده است.

[مناسبت روز هشتم]

روز هشتم:سال دویست و شصت شهادت حضرت عسگری علیه السّلام واقع شد،و حضرت صاحب الامر صلوات اللّه علیه به منصب جلیل امامت نایل گردید،زیارت این دو بزرگوار در این روز بسیار مناسب است.

[اعمال روز نهم(اول امامت حضرت صاحب الزمان علیه السلام)]

روز نهم:روز عید بزرگ است،و روز عید بقر است،و برای آن شرح مفصلی است که در جای خود ذکر شده.در روایتی آمده:هرکه در این روز چیزی انفاق کند،گناهانش آمرزیده می شود.و گفته اند:در این روز مستحبّ است:اطعام نمودن برادران مؤمن،و خشنود گرداندن ایشان،و توسعه دادن در نفقه بر اهل و عیال،و پوشیدن جامه های نو،و شکر و عبادت حق تعالی،و این روز،روز برطرف شدن غمها،و روز بسیار شریفی است،و چون روز هشتم ماه شهادت امام عسگری علیه السّلام بوده

ص:467

و این روز،روز اول امامت حضرت صاحب الزمان ارواح العالمین فدا است،سبب مزید شرافتش خواهد بود.

[مناسبت و عمل روز دوازدهم]

روز دوازدهم:به قول جناب کلینی،و مسعودی،و مشهور بین عامّه،ولادت رسول خدا صلّی اللّٰه و علیه و آله در این روز بوده،و در آن دو رکعت نماز مستحبّ است که در رکعت اول پس از سورهٔ حمد سه مرتبه سورهٔ کافرون و در رکعت دوم سه مرتبه سورهٔ توحید خوانده می شود،و در این روز رسول خدا صلّی اللّٰه و علیه و آله به مدینه وارد شدند،و شیخ فرموده:در چنین روزی در سال صد و سی و دو حکومت بنی مروان به پایان رسید.

[مناسبت روز چهاردهم]

روز چهاردهم:در سال شصت و چهار یزید بن معاویه به سوی درکات دوزخ شتافت،در کتاب اخبار الدّول آمده است که یزید به بیماری ذات الجنب در منطقه حوران از دنیا رفت،جنازهٔ پلیدش را به دمشق آوردند،و در باب صغیر به خاک سپردند، و محل قبرش هم اکنون محّل انباشتن زباله است،سن او در زمان مرگ سی و هفت سال بوده،و سه سال و نه ماه حکومت کرد،انتهی،

[مناسبت شب هفدهم]

شب هفدهم:شب ولادت حضرت خاتم انبیا صلّی اللّٰه و علیه و آله و شب بسیار مبارکی است،و سیّد نقل کرده که در چنین شبی یک سال پیش از هجرت،معراج آن حضرت واقع شد.

[اعمال روز هفدهم]

اشاره

روز هفدهم:بنا بر مشهور بین علمای امامیّه،روز ولادت با سعادت حضرت خاتم انبیا محمّد بن عبد اللّٰه صلّی اللّٰه و علیه و آله است،و معروف است که ولادت با سعادتش در مکّه معظمه،در خانهٔ خود آن حضرت،در روز

جمعه هنگام طلوع فرج در عالم الفیل در ایام سلطنت انو شیروان[مرحوم حاج شیخ عباس(ره)در متن کتاب از انو شیروان به عنوان انو شیروان عادل یاد کرده،و در حاشیۀ آن توجیهی را در رابطه با عدالت او از مجلسی اول نقل کرده است،ولی با مراجعه به کتب تاریخی به ویژه شاهنامۀ فردوسی این معنا به دست می آید که انو شیروان آتش پرست از متکبران و و ستمگران به ملت ایران بوده،و در سه روز صد هزار نفر از مخالفان ستمکاریهایش را به وضع فجیعی کشت از این جهت،از آوردن کلمه عادل خودداری کردم و توجیه مجلسی اول را هم مردود می دانم.انصاریان.]واقع شد،و همچنین در این روز شریف در سال هشتاد و سه ولادت حضرت صادق علیه السّلام اتفاق افتاد،و باعث فزونی فضل و شرافت این روز گردید.

در هر صورت این روز،روز بسیار شریفی است و برای آن چند عمل وارد است:

[اوّل:غسل]

اوّل:غسل.

[دوم:روزه]

دوم:روزه گرفتن که برای آن فضیلت بسیاری است،و روایت شده هرکه این روز را،روزه بدارد،خدا ثواب روزه یک سال را برای او بنویسد،و این روز،یکی از چهار روزی است،که در تمام سال به فضیلت روزه ممتاز

ص:468

است.

[سوّم:زیارت حضرت رسول صلّی اللّه و علیه و آله از نزدیک و دور]

سوّم:زیارت حضرت رسول صلّی اللّه و علیه و آله از نزدیک و دور.

[چهارم:زیارت امیر المؤمنین علیه السّلام]

چهارم:زیارت امیر المؤمنین علیه السّلام به همان زیارتی که حضرت صادق علیه السّلام زیارت کرده،و به محمّد بن مسلم تعلیم دادند،و در باب زیارات ان شاء اللّه خواهد آمد.

[پنجم:هنگامی که روز بالا آمد،دو رکعت نماز به این کیفیت...]

پنجم:هنگامی که روز بالا آمد،دو رکعت نماز بجا آورد که در هر رکعت،پس از سورۀ حمد ده مرتبه سورۀ قدر و ده مرتبه سورۀ توحید بخواند،و بعد از سلام در مصلاّی خود بنشیند،و این دعا را بخواند:اللّهمّ انت حیّ لا تموت[خدایا تو زنده ای هستی که هرگز نمیری]و این دعای مبسوطی است،چون سندش را منتهی به معصوم ندیدم،مراعات اختصار را مهم تر دیدم،هرکه خواهان است،به زاد العماد مراجعه کند.

[ششم:انجام این امور...]

ششم:لازم است مسلمانان این روز را بزرگ بدارند،و تصدّق و خیرات بنمایند،و مؤمنان را مسرور کنند،و به زیارت مشاهد مشرّفه روند.سیّد در «اقبال»شرحی از لزوم بزرگداشت این روز ذکر نموده،و فرموده است:من طایفه ای از نصاری و جمعی از مسلمانان را یافتم.

که بزرگداشت فوق العاده ای از روز ولادت عیسی علیه السّلام داشتند،و تعجّب کردم که مسلمانان روز ولادت پیامبرشان را که بزرگترین همۀ انبیاست،و به این مرتبه از عظمت است،چگونه رضایت دهند که آن را

بسیار بی مایه تر از بزرگداشت نصاری،نسبت به ولادت مسیح برگزار کنند!!

فصل دهم:اعمال ماه ربیع الثانی و جمادی الاول و جمادی الآخر

اشاره

سیّد بن طاووس برای روز اوّل هر یک از این سه ماه،دعایی نقل کرده،و شیخ مفید فرموده:روز دهم ماه ربیع الثانی سال دویست و سی و دو حضرت عسگری علیه السّلام متولّد شدند،که روز شریف بسیار مبارکی است،و مستحبّ است به شکرانه این نعمت بزرگ روزه بدارند،و در روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه جمادی الاوّل زیارت حضرت فاطمه زهرا علیها السّلام و بپا داشتن سوگ آن مظلومه مناسب است،زیرا در روایت صحیح وارد شده است که آن حضرت پس از پدر بزرگوارش بیش از هفتاد و پنج روز زنده نبود،و بنا بر مشهور که وفات رسول خدا صلّی اللّه و علیه و آله در بیست و هفتم صفر بوده،باید وفات آن بانوی بزرگوار در یکی از این سه روز واقع شده باشد.و در روز نیمۀ این ماه در سال سی و شش فتح بصره برای امیر المؤمنین میّسر گشت،و ولادت حضرت زین العابدین علیه السّلام واقع شد،و در این روز زیارت این هر دو امام مناسب است.

[اعمال ماه جمادی الاخر]

اشاره

اعمال ماه جمادی الاخر:سیّد ابن طاووس روایت کرده:مؤمن در این ماه هرگاه که خواهد،چهار رکعت نماز بجا آورد همراه با دو سلام

که در رکعت اول پس از سورۀ حمد یک مرتبه آیه الکرسی و بیست و پنج مرتبه سورۀ قدر،و در رکعت دوم پس از سورۀ حمد یک مرتبه سورۀ الهیکم التکاثر و بیست و پنج مرتبه سورۀ توحید و در دو رکعت بعد،در رکعت اول پس از سورۀ حمد یک مرتبه سورۀ کافرون و بیست و پنج مرتبه سورۀ فلق و دو رکعت دوم پس از سورۀ حمد یک مرتبه سورۀ نصر و بیست و پنج مرتبه سورۀ ناس و پس از سلام،هفتاد مرتبه بگوید:

منزه است خدا و ستایش از آن اوست،معبودی جز او نیست،و خدا بزرگتر است و هفتاد مرتبه:خدایا بر محمد و خاندان محمّد، درود فرست آنگاه سه مرتبه بگوید:خدایا مردان و زنان با ایمان را بیامرز پس سر به سجده نهاده و سه مرتبه بگوید:ای زنده،ای پاینده،ای دارای بزرگی و شکوه،ای خدا،ای بخشنده،ای مهربان،ای مهربان ترین مهربانان سپس هر حاجت که دارد از خدا بخواهد،هرکه این عمل را بجا آورد،خدا خود و مال و مال و زنان و فرزندان،و دین و دنیایش را تا سال آینده حفظ می کند،و اگر در این سال از دنیا برود بر حال شهادت رفته است،یعنی ثواب شهیدان را دارا می باشد.

[مناسبت روز سوم]

روز سوم:در این روز در سال یازدهم وفات حضرت فاطمه صلوات الله علیها واقع شده و شیعیان باید در این روز،به مراسم سوگواری آن حضرت قیام کنند،و آن مظلومه را زیارت،و بر ظالمان و غاصبان حق او نفرین کنند.

سیّد ابن طاووس در کتاب«اقبال»پس از ذکر وفات آن حضرت در این روز،این زیارت را برای آن بانوی بزرگ ذکر کرده:

سلام بر تو ای بانوی بانوان جهانیان،سلام بر تو ای مادر حجتهای الهی بر همۀ مردم.سلام بر تو ای ستمدیده محروم گشته از حق خویش.پس بگو:خدایا درود فرست بر کنیزت،و دختر پیامبرت،و همسر جانشین پیامبر،درودی که بر فراز جایگاه بندگان گرامی ات

از اهل آسمانها و زمینها جایش دهد.

به یقین روایت شده:هرکه آن حضرت را به این شیوه زیارت کند،و از خدا آمرزش بخواهد،حق تعالی گناهانش را بیامرزد و او را داخل بهشت کند.

مؤلّف گوید:فرزند سیّد ابن طاووس هم،این زیارت را در کتاب روائد الفوائد نقل کرده،و گفته است که مختص به روز وفات آن حضرت یعنی سوم جمادی الآخر می باشد،و کیفیت زیارت را به این طریق بیان فرموده:که نماز بجا می آوری نماز زیارت،یا نماز خود آن حضرت را که دو رکعت است و در هر رکعت پس از سورۀ حمد شصت مرتبه سوره توحید و اگر نتوانستی در رکعت اول پس از سورۀ حمد سورۀ توحید و در رکعت دوم سورۀ کافرون را می خوانی و چون سلام دادی بگو:السّلام علیک تا آخر زیارت یاد شده

[مناسبت و اعمال روز بیستم]

روز بیستم:در این روز در سال پنجم یا دوم از بعثت ولادت با سعادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها واقع شده،و در آن انجام چند عمل شایسته است.اول:روزه گرفتن.دوّم:خیرات و صدقات به مؤمنان رساندن.سوم:زیارت نمودن آن بانوی دنیا و آخرت که کیفیت زیارت آن حضرت،پس از این خواهد آمد.[صفحه 497].

فصل یازدهم:اعمال هر ماه نو،و عید نوروز،و ماههای شمسی

[اعمال هر ماه نو]

اشاره

اما اعمال هر ماه نو:چند عمل است:

[اوّل:خواندن دعاهای نقل شده در وقت دیدن هلال]

اوّل:خواندن دعاهای نقل شده در وقت دیدن هلال،که بهترین آنها دعای چهل و سوّم صحیفۀ کامله است،که همراه با اعمال اول ماه رمضان ذکر

شد.

[دوم:خواندن هفت مرتبه سورۀ حمد]

دوم:خواندن هفت مرتبه سورۀ حمد برای دفع درد چشم.

[سوم:اندکی پنیر خوردن]

سوم:اندکی پنیر خوردن،چه روایت شده:هرکه خود را به خوردن آن در اول هر ماه مقیّد کند،امید است در آن ماه حاجتش ردّ نشود.

[چهارم:در شب اوّل دو رکعت نماز بخواند به این کیفیت...]

چهارم:در شب اوّل دو رکعت نماز بجا آورد،در هر رکعت پس از سورۀ حمد سورۀ انعام را بخواند،و از خدا بخواهد او را از هر ترس و دردی ایمن گرداند،و در آن ماه حادثه ای را نبیند که ناپسند او باشد.

[پنجم:در روز اوّل دو رکعت نماز بجا آورد به این کیفیت...]

پنجم:در روز اوّل دو رکعت نماز بجا آورد،در رکعت اول پس از سورۀ حمد سی مرتبه سورۀ توحید،و در رکعت دوم

بعد از سورۀ حمد سی مرتبه سورۀ قدر بخواند و پس از نماز صدقه بدهد،چون چنین کند،سلامتی اش را در آن ماه از خدا خریده است.

و از بعضی روایات استفاده می شود،که پس از نماز بخواند:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،هیچ جنبنده ای در زمین نیست،مگر اینکه روزی او بر خدا است و قرارگاه و امانگاهش را خدا می داند،همه اینها در کتابی روشن است.به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،اگر خدا به تو زیانی رساند،جز او کسی برطرف کنندۀ آن نیست،و اگر خیری را برای تو بخواهد،فضل او را بازگرداننده ای نیست،آن را به هرکس از بندگانش بخواهد می رساند،و او آمرزنده و مهربان است.به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،خدا به زودی پس از دشواری آسانی قرار می دهد،آنچه خدا خواست همان شود،نیرویی نیست مگر به خدا،خدا ما را بس است و نیکو کارگشایی است،کارم را به خدا وامی گذارم که خدا بینای به بندگان است،معبودی جز تو نیست،من از ستمکاران بودم،پروردگارا من به آنچه از خیر برایم فرود آری نیازمندم،پروردگارا مرا تنها مگذار،که تو بهترین وارثانی.

[اعمال عید نوروز]

اعمال عید نوروز:چنان است که امام صادق علیه السّلام به معلّی بن خنیس تعلیم داده:چون روز نوروز شود غسل کن،و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش،و به بهترین بوها خویشتن را خوشبو گردان،و در آن روز روزه بدار،و چون از نماز پیشین و پسین[ظهر و عصر]و نافله های آن دو فارغ گشتی چهار رکعت نماز بخوان،هر دو رکعت به یک سلام،پس از رکعت اول بعد از سورۀ حمد ده مرتبه سورۀ قدر،و در رکعت دوّم بعد از سورۀ حمد ده مرتبه سورۀ کافرون و در رکعت سوم بعد از سورۀ حمد ده مرتبه سورۀ توحید و در رکعت چهارم بعد از سورۀ حمد ده مرتبه سورۀ فلق و ناس را بخوان و پس از نماز بر سجده شکر رفته و این دعا را بخوان:

ص:472

خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست آن جانشینان پسندیده،و بر تمام پیامبران و رسولانت، با برترین درودهایت،و ایشان را برکت ده به برترین برکتهایت،و درود فرست بر جانها و تنهایشان خدایا بر محمّد و خاندان محمّد برکت ده،و به ما در این روز برکت ده که آن را برتری و کرامت و شرافت دادی، و مرتبه اش را بزرگ نمودی.خدایا به من برکت ده،در آنچه به من نعمت دادی،تا احدی را جز تو سپاس نگویم،و در روزی ام بر من وسعت ده،ای صاحب بزرگی و بزرگواری.خدایا هر آنچه از من غایب شده باک نیست مبادا کمک و نگهداری ات از من غایب گردد،و هرچه را گم کرده ام،یاری ات را بر آن از من گم مساز تا در آنچه به آن نیازمند نیستم،خود را بر زحمت نیفکنم،ای صاحب بزرگی و بزرگواری.در کتابهای غیر مشهور روایت کرده اند:در وقت تحویل سال این دعا را بسیار بخوانند که بعضی به تعداد 366 مرتبه گفته اند:ای گردانندۀ حول و احوال بگردان حال ما را به نیکوترین حال و به روایت دیگر:ای برگردانندۀ دلها و دیده ها،ای مدبر شب و روز ای برگردانندۀ...تا آخر.چون چنین کنی گناهان پنجاه سالۀ تو آمرزیده شود،و نیز بسیار بگو:یا ذا الجلال و الاکرام

[اعمال ماههای رومی[شمسی]]

اعمال ماههای رومی[شمسی]:ما در اینجا به بیان آنچه که در زاد المعاد آمده است اکتفا می کنیم.سید جلیل علی بن طاووس(ره)روایت کرده:روزی جمعی از اصحاب نشسته بودند،رسول خدا صلی اللّه علیه و آله وارد شد و به ایشان سلام کرد،و اصحاب جواب سلام ایشان را گفتند حضرت فرمودند:آیا می خواهید دوایی را که جبرییل به من تعلیم داد که نیازمند دوای پزشکان نباشم به شما تعلیم دهم؟امیر المؤمنین علیه السّلام و سلمان و دیگران پرسیدند آن دوا چیست؟حضرت به امیر المؤمنین علیه السّلام خطاب فرمودند که در ماه نیسان رومی آب باران

را می گیری و هر کدام از سوره های فاتحه الکتاب و آیه الکرسی،و توحید و فلق،و ناس،و کافرون را هفتاد مرتبه می خوانی،و در روایت دیگر سورهٔ قدر را نیز هفتاد مرتبه،و هفتاد مرتبه اللّه اکبر،و هفتاد مرتبه لا اله الا اللّه گفته و هفتاد مرتبه صلوات می فرستی،آنگاه هفت روز در بامداد و شامگاه از آن آب می آشامی،به حق خدایی که مرا به راستی به رسالت بر خلق برانگیخت سوگند یاد می کنم،که جبرییل گفت:

خدا از کسی که این آب را می آشامد،بر می دارد هر دردی را که در بدنش باشد،و به او عافیت بخشد،و دردها را از تن و استخوان های او بیرون کند،و اگر در لوح دردی برای او مقدر شده باشد محو می کند.

و به حق پروردگاری که مرا به حق فرستاده،اگر فرزند نداشته باشد،و فرزند بخواهد،آب نیسان را به آن نیّت بیاشامد به او فرزند روزی شود،و اگر زن عقیم باشد،با نیّت از این آب بیاشامد،از او فرزند پدید آید،و اگر مرد و زن پسر یا دختر خواهند،از آن آب بیاشامند مقصود ایشان حاصل گردد.

چنان که حق تعالی می فرماید:

خدا هرکه را بخواهد دختران و هرکه را بخواهد پسرانی می بخشد،یا پسران و دختران به ایشان عطا می کند و هرکه را بخواهد نازا قرار دهد.سپس فرمود:اگر کسی درد سر داشته باشد،از این آب بیاشامد به قدرت حق درد سر او آرام شود، و اگر درد چشم داشته باشد،و در چشمهای خود قطره ای از این آب بریزد،و چشمهای خود را با آن بشوید،و از آن بیاشامد، به اذن خدا شفا یابد،و آشامیدن از این آب بن دندانها را محکم کند،و دهان را خوشبو نماید،و لعاب بن دندانها،و بلغم را کم کن،و به سبب خوردن و آشامیدن تخمه و امتلاء نگیرد،و از بادهای قولنج و غیر آن اذیّت نشود،و به درد پشت و درد شکم مبتلا نگردد،و از زکام آزار نکشد،و دچار درد دندان نشود،و درد معده و انگل معده را زایل کند،و نیازمند به حجامت نشود،و از بیماری بواسیر،و خارش بدن،و آبله و دیوانگی و پیسی و رعاف و استفراغ نجات یابد،و کور و لال و کر و زمین گیر نشود،و آب سیاه در دیده اش نیاید،و دردی که موجب افطار روزه و نقصان نمازش گردد عارض او نشود،و از وسوسه های

جنیّان و شیاطین گزندی نبیند.آنگاه رسول خدا فرمود:جبرییل گفت:هرکه از این آب بیاشامد،و به همه دردهایی که در مردم است مبتلا باشد،موجب شفای او از تمام آنها گردد،و نیز گفت:به حق خدایی یکه تو را به راستی فرستاده،هرکه حکمت بر زبان او جاری کند،و دلش را از فهم و بینایی پر کند،و از کرامتهایش به او عطا فرماید،آنچه به احدی از عالمیان عطا نکرده،و هزار آمرزش رحمت بر او فرستد،و غشّ و خیانت و غیبت و حسد و ستم و کبر و بخل و حرص و غضب را از دل او برکند،و از عداوت و دشمنی مردم و بدگویی ایشان نجات یابد.و موجب شفای همه بیماریهای او شود.

مؤلّف گوید:این روایت مشهور دربارۀ آثار آب نیسان به عبد اللّه بن عمر منتهی می شود،و به این خاطر سندش ضعیف است، و فقیر به خطر شیخ شهید دیدم،که این روایت را،از حضرت صادق علیه السّلام با همین خواصّ و سوره روایت کرده،ولی آیات و اذکار به این طریق نقل شده که بر آب نیسان می خوانی:«فاتحه الکتاب»و«آیه الکرسی»و قل یا ایها الکافرون و سبّح اسم ربّک الاعلی «قل اعوذ بربّ الفلق»و«قل اعوذ بربّ الناس»و«قل هو اللّه احد»هر یک را هفتاد مرتبه،و می گویی:هفتاد مرتبه«لا اله الاّ اللّه» و هفتاد مرتبه«اللّه اکبر»و هفتاد مرتبه:«اللّهم صلی علی محمّد و آل محمّد»و هفتاد مرتبه«سبحان اللّه و الحمد للّه و لا اله الاّ اللّه و اللّه اکبر» و در خواص آن آمده که اگر در زندان باشد،و از آن بیاشامد،از حبس نجات یابد،و سردی بر طبع او غالب نگردد،و اکثر آن خواص که بیان شد،در این روایت نیز آمده،و آب باران مطلقا مبارک است و منفعت دارد،خواه در نیسان و خواه در غیر آن،چنان که در حدیث معتبر از حضر امیر المؤمنین علیه السّلام آمده:بیاشامید آب آسمان را که پاک کننده بدن شماست،و دردها را دفع می کند،چنان که حق تعالی می فرماید:

خدا بر شما از آسمان آبی فرو می فرستد،برای آنکه شما را به آن پاک گرداند،و از شما وسوسه شیطان را برگیرد،و دلهای شما را محکم نماید،و قدمهای شما را با آن ثابت گرداند.و در انجام برنامه نیسان بهتر آن است که اگر جمعی بخوانند،هرکدام مجموع آن سوره ها و اذکار را هفتاد مرتبه بخوانند،و برای آنها که می خوانند فایده اش عظیم تر،و ثوابش بیشتر است،و در این سالها

پس از بیست و سه روز که از نوروز بگذرد،تقریبا داخل نیسان ماه رومی می شوند،و ما نیسان سی روز است.و از حضرت صادق علیه السّلام منقول است که در هفتم حزیران،حتما حجامت کن،و اگر میّسر نشود در چهاردهم،و اول حزیران تقریبا هشتاد و چهارم نوروز است و آن نیز سی روز است،و حزیران ماه نحسی است،چنان که در حدیث معتبر نقل شده خدمت امام صادق علیه السّلام ماه حزیران ذکر شد،حضرت فرمود:این ماه ماهی است که در آن حضرت موسی بر بنی اسراییل نفرین کرد،و در یک شبانه روز سیصد هزار نفر از ایشان از بین رفتند.باز به سند معتبر از آن حضرت نقل شده:خدای تعالی اجل ها را در ماه حزیران نزدیک می کند، یعنی مرگ در آن بسیار است،و آگاه باش ماههای رومی بنایش بر حرکت زمین به دور خورشید است و عدد آنها دوازده ماه است به این ترتیب تشرین اول تشرین آخر،کانون اول کانون آخر،شباط،آذار،نیسان،ایار،حزیران،تموز آب،ایلول و چهار ماه را سی روز می گیرند،که تشرین آخر و نیسان و حزیران و ایلولند،و هفت ماه دیگر غیر شباط را سی و یک روز می گیرند و شباط را در سه سال متوالی بیست و هشت می گیرند،در سال چهارم که سال کبیسه ایشان است بیست و نه روز می گیرند و سال ایشان سیصد و شصت و پنج روز و یک چهارم روز است،و تشرین اول که اول سال ایشان است در این سالها موافق نوزده درجۀ میزان است،و تفصیلش در کتاب«بحار الانوار»مذکور است و چون این ماهها در احادیث آمده در اینجا کوتاه و مختصر ایراد کردیم انتهی.

[باب سوم(زیارات)]

اشاره

باب سوم در زیارات است این باب مشتمل بر یک مقدّمه و چند فصل و یک خاتمه

[مقدّمه:در بیان آداب سفر]

اشاره

مقدّمه:در بیان آداب سفر است

چون ارادۀ سفر می کنی،شایسته است،روز چهارشنبه،و پنجشنبه،و جمعه را روزه بداری،و برای سفر کردن،روز شنبه،یا روز سه شنبه یا روز

پنجشنبه را اختیار کنی،و از سفر کردن در روز دوشنبه و چهارشنبه،و پیش از ظهر روز جمعه اجتناب کن و از سفر کردن در این ایام که در این نظم واقع شده بپرهیز:

هفت روزی نحسن باشد در مهی زان حذر کن تا نیابی هیچ رنج

ص:476

سه و پنج و سیزده با شانزده بیست و یک با بیست و چهار و بیست و پنج

[در بعضی از روایات نقل شده که در بیست و یکم ماه سفر کردن مطلوب است،و در روز هشتم و بیست و سوم خوب نیست،عباس قمی]

در ایام محاق و در حالی که ماه در برج عقرب است به سفر مرو،و اگر در این اوقات برای سفر کردن ضرورتی پیش آمد،دعای سفر را بخوان و صدقه بده،آنگاه به سفر برو.

روایت شده:مردی از اصحاب حضرت باقر علیه السّلام اراده سفر کرد و برای وداع خدمت آن جناب رسید،حضرت فرمود:پدرم علی بن الحسین علیهما السلام هرگاه اراده می گرد که به سوی بعضی از املاک خود بریون رود،سلامتی خود را از خدا به آنچه آسان بود می خرید، یعنی به صدقه دادن به هرچه که ممکن بود و این عمل زمانی بود که پای خویش را در رکاب می گذاشت.و چون به سلام از سفر بازمی گشت،خدا را شکر می کرد و به آنچه که ممکن بود صدقه می داد،آن مرد حضرت را وداع گفت و رفت و آنچه را حضرت فرموده بود بجا نیاورد،در نتیجه در مسیر سفر هلاک شد این خبر به حضرت باقر علیه السّلام رسید،حضرت فرمود:این مرد پند داده شد اگر می پذیرفت.سزاوار است پیش از روی آوردن به سفر،غسل کنی،و اهل و عیال خود را گرد آوری،و دو ر کعت نماز بگذاری،و از خدا خیر خود را طلب نمایی و آیه الکرسی خوانده و حمد و ثانی الهی را بجا آوری،و بر رسول خدا و آلش صلوات فرستی و بگویی:

خدای امروز به تو می سپارم خودم و خاندانم و مال و فرزندانم و هرکه را به طریقی از من است، حاضر و غایبشان را.خدایا ما را به حفظ ایمان حافظ باش و از ما محافظت فرما.خدایا ما را در حمایت رحمتت قرار ده،و فضلت را از ما مگیر،ما تنها به جانب تو راغبیم.خدایا از رنج سفر،و اندوه بازگشت، و بدی دیدار،در خاندان و مال و فرزند در دنیا و آخرت به تو پناه می بریم خدایا به تو رو می کنم و در این رو نمودن،خواستار خشنودی و تقرّب به سوی توام،پس مرا به آنچه از

تو و اولیایت آرزو می کنم،و امید دارم برسان،ای مهربان ترین مهربانان.پس از این،خاندان خود را وداع کن، و بر در خانه بایست،و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را بخوان،و از پیش رو و طرف راست،و جانب چپش سورۀ«حمد»و «آیه الکرسی»را قرائت کن و بگو:خدای رویم را متوجه تو کردم،و در حفظ تو قرار دادم خاندان و مالم،و آنچه که به من عطا فرمودی را من به تو اطمینان کردم،پس مرا محرومم مکن،ای که محرومم نمی کند کسی که او را اراده کرده است،و ضایع نمی کند هرکه را او محافظت نماید،خدایا بر محمّد و خاندانش درود فرست،و مرا در آنچه از آن غایبم محافظت فرما،و مرا به خویشتن وامگذار ای مهربان ترین مهربانان.

سپس سورۀ«توحید»را یازده مرتبه بخوان،و سورۀ«قدر»و آیه الکرسی و سوره های(فلق)و(ناس)را قرائت کن،پس با دست خود همه بدنت را مسح کن،و به هرچه میّسر باشد صدقه بده و بگو:

خدایا من با این صدقه سلامت خود،و سفرم،و آنچه با من است را خریدم.خدایا مرا و آنچه با من است حفظ کن،مرا و آنچه با من است سالم بدار،و برسان مرا و آنچه با من است به رساندن نیکوی زیبایت.و عصایی از چوب درخت بادام تلخ با خود بردار،که روایت شده:هرکه به سفری رود،و با خود عصای بادام تلخ بردارد،و این سورۀ(قصص)را بخواند: (وَ لَمّٰا تَوَجَّهَ تِلْقٰاءَ مَدْيَنَ) تا (وَ اللّٰهُ عَلىٰ مٰا نَقُولُ وَكِيلٌ) خدا او را از هر حیوان درنده و از هر دزد ستمگر و از هر حیوان صاحب زهر،ایمن گرداند،تا به خانۀ خود بازگردد،و هفتاد و هفت فرشته با او باشند،که تا به وطن برگردد و عصا را بگذارد،برای او طلب آمرزش کنند و مستحبّ است با عمامه بیرون روی،و سر عمامه را زیر گلو بگردانی.تا از دزد و غرق شدن

و سوختن آسیبی به تو نرسد،و کمی از تربت حضرت سیدالشّهدا علیه السّلام را با خود بردار،و در وقت برداشتن چنین بگو:

خدایا این تربت قبر حسین(درود بر او باد)ولیّ تو و پسر ولیّ تو است،که آن را پناهگاه خود از آنچه می ترسم و نمی ترسم قرار دادم.

و با خود انگشتر عقیق و فیروزه بردار،به ویژه انگشتری که عقیقش زرد باشد و یک طرفش منقوش به(ما شاء اللّه لا قوّه الاّ باللّه استغفر اللّه)و طرف دیگرش(محمّد و علی)باشد،سیّد ابن طاووس در کتاب امان الاخطار از ابو محمّد قاسم بن علا از صافی خادم حضرت هادی علیه السّلام روایت کرده:از آن حضرت اجازه خواستم به زیارت جدّش حضرت رضا علیه السّلام بروم،فرمود:با خود انگشتری داشته باش،دارای نگین زرد و نقش نگین آن(ما شاء اللّه لا قوه الاّ باللّه استغفر اللّه)و نقش طرف دیگرش«محمّد و علی»چون این انگشتر را برداری،از شرّ دزدان و راهزنان امان یابی،و برای سلامت تو تمامتر و نسبت به دین تو حفظ- کننده تر است،خادم گوید:بیرون آمدم و انگشتری که حضرت فرموده بود تهیه کردم،سپس خدمت ایشان بازگشتم که برای سفرم با آن جناب وداع کنم،چون وداع کردم و دور شدم،دستور داد مرا برگردانند،وقتی برگشتم فرمود:ای صافی.عرض کردم:لبیّک ای آقای من:فرمود:انگشتر فیروزه هم باید همراه داشته باشی،زیرا میان طوس و نیشابور شیری به تو برخواهد خورد،که قافله را از ادامه سفر منع خواهد کرد،تو پیش برو،و این انگشتر را به شیر بنما و بگو مولای من می گوید از راه.دور شو،باید بر یک طرف نگین فیروزه«اللّه الملک»و بر طرف دیگرش الملک للّه الواحد القهّار نقش کنی،زیرا نقش انگشتر فیروزۀ امیر المؤمنین علیه السّلام اللّه الملک بود،چون خلافت به آن حضرت برگشت الملک للّه الواحد القهّار را نقش کرد،و چنین نگینی انسان را از حیوانات درنده امان می بخشد،و در جنگها باعث پیروزی و غلبه می شود.صافی می گوید:به سفر رفتم،به خدا سوگند در همان مکان که حضرت فرموده بود شیر بر سر راه آمد،و آنچه فرموده بود انجام دادم،شیر برگشت،چون از زیارت بازگشتم،آنچه واقع شده بود خدمت آن حضرت عرض کردم،فرمودند یک چیز ماند که نگفتی،اگر می خواهی من بگویم،گفتم آقای من شاید فراموش کرده باشم،فرمود شبی در طوس شب را نزدیک قبر شریف به سر می بردی،گروهی از جنیّان به زیارت قبر آن حضرت آمده بودند،آن نگین را

در دست تو دیدند و نقش آن را خواندند،پس آن را از دستت بیرون آوردند و به نزد بیماری که داشتند بردند،انگشتر را در آبی شسته آن آب را به بیمار خود دادند،بیمارشان صحّت یافت،انگشتر را برگرداندند،درحالی که تو در دست راست داشتی،آنان در دست چپ تو کردند،تو از این امر بسیار تعجّب کردی و سببش را ندانستی،آنگاه نزدیک سر خود یاقوتی یافتی و آن را برداشتی اکنون همراه توست آن را به بازار ببر،که به هشتاد اشرفی خواهی فروخت و این یاقوت هدیهٔ آن جنیّان است که برای تو آورده بودند،خادم می گوید:یاقوت را به بازار بردم و به هشتاد اشرفی فروختم همان طور که آقایم فرموده بود.

از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:کسی که هر شب در سفر«آیه الکرسی»را بخواند سالم بماند و آنچه با اوست نیز سالم بماند و در سفر بگوید:

خدای مسیرم را عبرت،و لب فرو بستنم را فکرت،و سخنم را ذکر قرار ده.

از حضرت سجاد علیه السّلام روایت شده:اگر برای ضرر زدن به من جنّ و انس جمع شوند پروا نمی کنم،هرگاه این کلمات را بگویم:

به نام خدا،و با خدا،و از خدا و به سوی خدا و در راه خدا.پروردگارا خود را به تو تسلیم کردم،و رویم را به جانب تو نمودم،و کارم را به تو واگذار کردم،مرا به حفظ ایمان حفظ کن از پیش رویم،و از پشت سرم،و از جانب راستم،و از طرف چپم،و از بالای سرم،و زیر پایم،و به حول و قوّه ات از من دفاع کن،چرا که قدرت و نیرویی نیست،مگر به خدای والای بزرگ.

مؤلّف گوید:دعاها و آداب سفر بسیار است،و ما در اینجا به ذکر چند بخش از آنها اکتفا می کنیم.

[اوّل:هرگاه سوار مرکب می شود بسم اللّه را ترک نکند]

اوّل:برای شخص سزاوار است،هرگاه سوار مرکب می شود بسم اللّه را ترک نکند.

[دوم:توشهٔ سفر را حفظ کند]

دوم:توشهٔ سفر را حفظ کرده،در جای مورد اطمینان بگذارد،زیرا روایت شده:از فقه مسافر،حفظ کردن توشهٔ خود است.

[سوم:دوستان را کمک کند،و از خدمت کردن و کار کردن،در رفع ایشان مضایقه نکند]

سوم:دوستان را کمک کند،و از خدمت کردن و کار کردن،در رفع ایشان مضایقه نکند،تا خدا هفتاد و سه اندوه را از او برطرف سازد،و او را در دنیا از همّ و

ص:480

غمّ پناه دهد و اندوه بزرگ روز قیامت را از او دفع کند.روایت شده:حضرت سجاد علیه السّلام سفر نمی کرد مگر با اشخاصی که آن حضرت را نشناسند،به خاطر اینکه به آنها کمک کند،زیرا اگر حضرت را می شناختند نمی گذاشتند ایشان کاری انجام دهد و از اخلاق پسندیده رسول خدا صلی اللّه علیه و آله نقل شده زمانی با اصحاب در سفر بودند،خواستند گوسفندی را ذبح کنند،یکی از اصحاب گفت:ذبح گوسفند با من،دیگری گفت پوست کندنش با من،دیگری گفت:پختش با من،حضرت فرمود:جمع کردن هیزمش با من،عرضه داشتند:شما زحمت نکشید،ما هیزم فراهم می کنیم،فرمودند:می دانم شما این کار را خواهید کرد،ولی من دوست ندارم که نسبت به شما امتیازی داشته باشم،زیرا خدا کراهت دارد،بنده اش را ببیند،که خویش را بر دوستانش فضیلت داده باشد،بدان که تقیل ترین مردم نزد دوستان،کسی است که در عین سلامت و صحّت اعضایش،تنبلی می کند و دست به کاری نمی برد،و منتظر است،کارهایش را دیگران انجام دهند!

[چهارم:در سفر،با کسی همراه باشد،که در خرج کردن نظیر اوست]

چهارم:در سفر،با کسی همراه باشد،که در خرج کردن نظیر اوست.

[پنجم:از آب منزلی نیاشامد،مگر بعد از آنکه آن را با آب منزل قبل ممزوج کند]

پنجم:از آب منزلی نیاشامد،مگر بعد از آنکه آن را با آب منزل قبل ممزوج کند و برای مسافر لازم است مقداری از خاک شهر خود و طینتی که بر آن تربیت شده بردارد و به هر منزلی که وارد می گردد،کمی از آن خاک در ظرف آب خود بریزد،و ظرف را حرکت دهد،سپس ظرف را به زمین گذاشته،صبر کند تا آب آن صاف شود،آنگاه بنوشد.

[ششم:اخلاقش را نیکو نماید]

ششم:اخلاقش را نیکو نماید و بردباری را زینت خود گرداند،در آداب زیارت امام حسین علیه السّلام آنچه مناسب این مقام است بیاید[صفحه 642]

[هفتم:برای سفرش توشه برگیرد]

هفتم:برای سفرش توشه برگیرد،و از شرافت آدمی است که توشهٔ خود را به ویژه در سفر مکّه نیکو گرداند،آری در سفر زیارت حضرت سید الشهداء علیه السّلام برداشتن توشه،از غذاها و خوراکیهای لذیذ پسندیده نیست،چنان که این نکته در باب زیارت آن حضرت بیاید.و ابن أعسم گفته است:

از شرف انسان در سفرها*دلپسند نمودن توشه و فراوان برداشتن به آن است* انسان باید در حال سفر نیکو کند*اخلاقش را بیشتر از وقتی که در وطن است* و باید هنگام انداختن سفره دعوت کند*از برادرانش هرکسی را که حاضر است

ص:481

و باید به همراهان مزاح کند درحالی که*خدا را به غضب نیاورد و موجب آزار نگردد* کسی که به شهری وارد شود مهمان است*بر برادرانش تا از آنجا کوچ کند* تا دو شب پذیرایی شود،آنگاه باید بخورد*از خوراک معمی اهل خانه تا در آنجاست

[هشتم:محافظت بر نمازهای واجب نماید]

هشتم:آنچه در سفر رعایت آن خیلی مهم است،محافظت بر نمازهای واجب است،با شرایط و حدود آن در اوایل اوقات، چه آنکه از حاجیان و زائران بسیار مشاهده شده که در راه سفر نمازهای واجب خود را ضایع کردند،به خاطر آنکه یا در وقت بجا نیاوردند، یا در حال سوار بودن بر مرکب خواندند،یا با تیمم بی جا و یا با نجاست جامه و بدن ادا کردند،که تمام اینها از بی مبالاتی و سبک شمردن شأن نماز بوده،و حال آنکه در روایتی از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده که نماز واجب از بیست حج بهتر است،و یک حج بهتر است از خانه ای که پر از طلا باشد،و آن طلاها را صدقه دهند،تا تمام شود،و پس از نمازهای شکسته گفتن سی مرتبه:

(سبحان اللّه و الحمد للّه و لا اله الاّ اللّه و اللّه اکبر)را ترک مکن که نسبت به آن تأکید بسیار شده است.

فصل اوّل:آداب زیارت

اشاره

آداب زیارت بسیار است،در این فصل به بیان چند مورد اکتفا می شود:

[اوّل:انجام غسل،پیش از بیرون رفتن برای سفر زیارت]

اوّل:انجام غسل،پیش از بیرون رفتن برای سفر زیارت.

[دوم:ترک کلام بیهوده و لغو و مخاصمه و مجادله در راه]

دوم:ترک کلام بیهوده و لغو و مخاصمه و مجادله در راه.

[سوم:غسل کردن برای زیارت هر یک از امامان]

سوم:غسل کردن برای زیارت هر یک از امامان،و نیز اینکه بخواند دعای وارد،دربارۀ آن را و آن دعا در اول زیارت وارث بیاید.[صفحه 664]

[چهارم:طهارت از حدث کبری و صغری]

چهارم:طهارت از حدث کبری و صغری.

[پنجم:پوشیدن جامه های پاک و پاکیزه و نو،و سفید]

پنجم:پوشیدن جامه های پاک و پاکیزه و نو،و سفید بودن رنگ آن نیکوست.

[ششم:گامها را به وقت رفتن به روضۀ مقدّسه کوتاه برداشتن و به آرامی]

ششم:گامها را به وقت رفتن به روضۀ مقدّسه کوتاه برداشتن و به آرامی و وقار حرکت کردن،و خاضع و خاشع بودن،و سر به زیر انداختن،و به بالا و اطراف خود التفات نکردن.

[هفتم:خشبو نمودن خود،در غیر زیارت امام حسین علیه السّلام]

هفتم:خشبو نمودن خود،در غیر زیارت امام حسین علیه السّلام.

[هشتم:زبان را به وقت رفتن به حرم مطهّر به ذکر و تکبیر و تحمید و تسبیح و تهلیل مشغول ساختن]

هشتم:زبان را به وقت رفتن به حرم مطهّر به ذکر و تکبیر و تحمید و تسبیح و تهلیل مشغول ساختن،و به صلوات فرستادن بر محمّد

و آل محمّد علیهم السّلام دهان را معطّر کردن.

[نهم:ایستادن بر در حرم شریف و درخواست اذن دخول]

نهم:ایستادن بر در حرم شریف و درخواست اذن دخول و سعی در تحصیل رقّت قلب و خضوع و شکستگی خاطر با کمک تصوّر و فکر در عظمت و جلالت قدر صاحب آن مرقد منوّر،با توجه به این نکته که صاحب قبر ایستادن او را می بیند،و کلام او را، می شنود و سلام او را جواب می دهد،چنان که در وقت خواندن اذن دخول به همۀ این واقعیات گواهی می دهد،و تدبّر نماید در محبّت و لطفی که ایشان به شیعیان و زائران خود دارند و تأمّل کند در خرابیهای حال خود و مخالفتهایی که با آن بزرگواران کرده، و دستورهای زیادی که از ایشان عمل نکرده و آزارها و اذیتهایی که از او به ایشان یا خاصان و دوستان آن بزرگواران رسیده که بازگشت نتیجۀ همه این اعمال،آزردن ایشان است،و اگر به حقیقت و راستی،در وضع خود بنگرد،قدمهایش از رفتن باز بایستد،و قلبش هراسان،و چشمش گریان شود،و این روح تمام آداب است.

در اینجا مناسب است اشعار سخاوی و روایت را که علاّمۀ مجلسی در کتاب بحار الانوار از عیون المعجزات نقل کرده ذکر کنیم،اما اشعار سخاوی که در حال زیارت تمثّل به آنها شایسته است این است:

گفتند فردا به سرزمین قرق شده می رسیم*و کاروان به دولت سرای آنان بار اندازد* پس هرکه فرمانبردار ایشان بوده*بدیدارشان شادمان گردد* گفتم چاره من گنهکار چیست*و با چه رویی ایشان را دیدار کنم* گفتند مگر عفو شیوۀ آنان نیست*به خصوص از کسی که به آنان امید بست* به محضرشان آمدم و به درگاهشان شتافت*یک بار به آنان امید دارم و بار دیگر ترس و بیم از آنها و نیز شایسته است متمثل شود به این اشعار:

ها عبدک واقف ذلیل بالباب یمد کف سائل

قد عز علی سوء حالی ما یفعل ما فعلت عاقل

یا اکرم من رجاه راج عن بابک لا یرد سائل

و هم بگوید:

شاها چو تو را سگی بباید گر من شوم آن سگ تو شاید

هستم سگکی ز حبس جسته بر شاخ گل هوات بسته

خود را به خودی کشیده از جل پیش تو کشیده از سر ذل

افکن نظری بر این سگ خویش سنگم مزن و مرانم از پیش

و اما آن روایت شریف به روایت مجلسی:وقتی ابراهیم جمّال که یکی از شیعیان بود،می خواست خدمت علی بن یقطین برسد،از باب اینکه ابراهیم ساربان بود،و علی بن یقطین وزیر هارون الرشید،و از نظر ظاهر،شأن ابراهیم نبود که در مجلس وزیر مملکت وارد شود،او را راه نداد!!اتّفاقا در همان سال علی بن یقطین به حج مشرّف شد،خواست در شهر مدینه خدمت حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام برسد،حضرت او را بار نداد،روز بعد آن حضرت را در بیرون خانه ملاقات کرد،عرضه داشت:ای سیّد من،تقصیر من چه بوده که مرا بار ندادید؟فرمود:به خاطر اینکه برادرت ابراهیم جمّال را بار ندادی و خدا ابا فرموده از اینکه سعی تو را قبول کند،مگر بعد از آنکه ابراهیم تو را عفو کند.علی بن یقطین گفت:گفتم:ای سیّد و مولای من در این وقت ابراهیم را کجا ملاقات کنم،من در مدینه و او در کوفه است؟فرمود:هرگاه شب برسد تنها به بقیع برو،بی آنکه از اصحاب و غلامان تو کسی خبردار شود،در آنجا شتری زین کرده خواهی دید،آن شتر را سوار می شوی و به کوفه می روی،شب به بقیع رفت،بر آن شتر سوار شد به اندک زمانی به خانۀ ابراهیم جمّال رسید،شتر را خوابانید،و در زد،ابراهیم گفت کیستی؟گفت علی بن یقطینم،ابراهیم گفت:علی بن یقطین بر در خانه من چه می کند؟!فرود بیا بیرون که امر من عظیم است و او را سوگند داد که اذن ورود دهد،چون داخل خانۀ ابراهیم شد،گفت:ای ابراهیم آقا و مولا،از اینکه عمل مرا قبول نماید ابا فرموده،مگر آنکه تو از

من بگذری!ابراهیم گفت غفر اللّه لک[خدا تو را بیامرزد]،پس علی بن یقطین صورت خود را بر خاک گذاشت و ابراهیم را قسم داد که پای روی صورت من بگذار و صورتم را زیر پایت بمال،ابراهیم امتناع کرد،علی بن یقطین او را قسم داد که چنین کند.

ابراهیم پا به صورت علی بن یقطین گذاشت،و روی او را زیر پای خود مالید و علی بن یقطین می گفت:«اللّهم اشهد»[خدایا گواه باش]سپس بیرون آمد و سوار بر آن مرکب شد و همان شب به مدینه بازگشت،و شتر را بر در خانۀ حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام خوابانید،آنگاه حضرت او را اذن داد که بر آن جناب وارد شود،و حضرت کار او را قبول فرمود.از دقّت در این خبر معلوم می شود که حقوق برادران دینی تا چه اندازه پر اهمیّت است!

[دهم:بوسیدن عتبۀ عالیه و آستانۀ مبارکه]

دهم:بوسیدن عتبۀ عالیه و آستانۀ مبارکه است،و شیخ شهید فرموده:اگر زیارت کننده سجده کند و نیّتش این باشد،که خدا را به شکرانۀ اینکه مرا به این مکان رسانده،سجده می کنم بهتر است.

[یازدهم:مقدّم داشتن پای راست به وقت وارد شدن]

یازدهم:مقدّم داشتن پای راست به وقت وارد شدن،و مقدّم داشتن پای چپ به وقت بیرون آمدن،مانند ورود به مساجد و خروج از آنها

[دوازدهم:رفتن به نزد ضریح مطهّر،به طوری که بتواند خود را به آن بچسباند]

دوازدهم:رفتن به نزد ضریح مطهّر،به طوری که بتواند خود را به آن بچسباند، و توهّم آنکه دور ایستادن ادب است وهم است؟زیرا تکیه کردن بر ضریح و بوسیدن آن،در آثار وارد شده است

[سیزدهم:در وقت زیارت پشت به قبله و ایستادن رو به قبر منوّر]

سیزدهم:در وقت زیارت پشت به قبله و ایستادن رو به قبر منوّر و ظاهرا این ادبت مختصّ به معصوم است،چون از خواندن زیارت فارغ شد،گونۀ راست را به ضریح بگذارد و به حال تضرّع دعا کند،سپس گونۀ چپ را

بگذارد و خدا را به حق صاحب قبر بخواند که او را از اهل شفاعت آن بزرگوار قرار دهد و در دعا مبالغه و اصرار ورزد،آنگاه به سمت سر مطهّر برود،و رو به قبله بایستد و دعا کند

[چهاردهم:ایستادن در وقت خواندن زیارت]

چهاردهم:ایستادن در وقت خواندن زیارت البته اگر عذری از ضعف و درد کمر و درد پا و غیر آنها ندارد

[پانزدهم:گفتن تکبیر به هنگام دیدن قبر مطّهر]

پانزدهم:گفتن تکبیر به هنگام دیدن قبر مطّهر،پیش از شروع زیارت،در روایتی آمده:هرکه پیش روی امام علیه السّلام تکبیر گوید،و پس از آن بگوید:لا اله الاّ اللّه وده لا شریک له برای او رضوان اللّه اکبر نوشته شود.

[شانزدهم:خواندن زیارت های روایت شدۀ در کتب معتبر]

شانزدهم:خواندن زیارت های روایت شدۀ در کتب معتبر،و زیارت های رسیده از سادات أنام أئمۀ طاهرین علیهم السّلام،و ترک خواندن زیارتهای اختراع شده،که بعضی بی خردان از عوام،آنها را با بعضی از زیارات تلفیق کرده،و نادانان را به آن مشغول ساخته اند.

شیخ کلینی از عبد الرحیم قصیر روایت کرده:که گفت:بر امام صادق علیه السّلام وارد شدم،و گفتم:فدایت شوم از پیش خود دعایی

اختراع کردم،فرمود:مرا از اختراع خود واگذار،هرگاه تو را حاجتی دست دهد،به حضرت رسول پناه بر و دو رکعت نماز بجای آر و به سوی آن حضرت هده کن...تا آخر خبر.

[هفدهم:بجا آوردن نماز زیارت]

هفدهم:بجا آوردن نماز زیارت که اقل آن دو رکعت است شیخ شهید فرموده:اگر زیارت پیامبر است،نماز را در روضۀ مطهّره بجا آورد و اگر در حرم یکی از امامان است،در بالای سر بخواند،و اگر آن دو رکعت را در مسجدی که معمولان بالای سر قبر امامان است بجا آورد جایز است،و علاّمۀ مجلسی(ه) فرموده:نماز زیارت و غیر آن را به گمان فقیر،در پشت قبر و بالای سر بجا آوردن بهتر است،و علاّمۀ بحر العلوم نیز در کتاب«درّه»فرموده است:

از داستان کربلا و کعبه اینکه*کربلا را برتری رتبه آشکار شده* و غیر آن از سایر مشاهد*مانند آن است به موجب روایات با شواهد* نزدیکی به قبر را در آن مشاهد رعایت کن*و نماز خواندن بالای سر را انتخاب کن* و در پشت قبر نماز بخوان که روایت صحیح*و غیر صحیح در استحباب آن صریح است* و فرق بین این قبور شریف*و قبرهای دیگر مانند نور بالای طور است* پس سعی برای نماز در کنار آنها مستحب است*و نزدیکی بلکه چسبیدن به آنها مطلوب است

[هجدهم:در نماز زیارت سوره یس و الرحمن بخواند]

هجدهم:اگر برای آن زیارتی که نماز می خواند،کیفیت مخصوصی برای نمازش ذکر نفرموده باشند،در رکعت اول آن سورۀ یس،و در رکعت دوم سورۀ الرحمن،بخواند،و بعد از نماز به آنچه وارد شده دعا کند،یا به آن چه برای دین و دنیای خود بخاطر او می رسد،و دعا را عمومیست دهد[یعنی در حق دیگران نیز دعا کند]زیرا که به اجابت نزدیک تر است.

[نوزدهم:اگر هنگام ورود به حرم وقت نماز است ابتدا به نماز کند]

نوزدهم:شیخ شهید فرموده:کسی که وارد حرم مطهر شود،و ببیند نماز جماعت بر پا شده،پیش از زیارت ابتدا به نماز کند،و همچنین اگر وقت نماز شده،

زیارت را ترک کند و وارد نماز گردد،و اگر وقت نماز نیست،شروع به زیارت بهتر است،چرا که زیارت نهایت مقصد اوست و اگر بین زیارت نماز اقامه شد،برای زائران مستحب است،زیارت را قطع کنند،و به نماز روی آرند،که ترک نماز کراهت دارد،و بر کارگزاران حرم است که مردم را امر به نما کنند.

[بیستم:تلاوت قرآن و هدیه آن به روح مقدس امام زیارت شده]

بیستم:شیخ شهید تلاوت قرآن را نزد ضرایح مطهره، و هدیه کردن آن را به روح مقدس امام زیارت شده،از جمله آداب زیارت شمرده،که سود آن به زیارت کننده باز می گردد، و متضمن تعظیم امام زیارت شده علیه السلام نیز می گردد.

[بیست و یکم:ترک کردن سخنان ناشایست و کلمات لغو و بیهوده]

بیست و یکم:ترک کردن سخنان ناشایست و کلمات لغو و بیهوده و دوری جستن از صحبتهای دنیایی که همیشه در هرجا مذموم و قبیح و مانع رزق و موجب قساوت قلب است،به خصوص در این بارگاههای مطهر،و قبه های بلندپایه،که خدا در سورۀ «نور»از بزرگی و جلالت آنها خبر می دهد،آنجا که می فرماید: فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللّٰهُ أَنْ تُرْفَعَ تا آخر آیه.

[بیست ودوم:بلند نکردن صدای خود در وقت زیارت]

بیست ودوم:بلند نکردن صدای خود در وقت زیارت،چنان که در هدیه الزائرین ذکر کردم.

[بیست و سوم:وداع کردن امام در وقت بیرون رفتن از شهر آن حضرت]

بیست و سوم:وداع کردن امام در وقت بیرون رفتن از شهر آن حضرت به زیارت و داعی که در روایت رسیده است یا به غیر آن.

[بیست و چهارم:توبه و استغفار کردن از گناهان]

بیست و چهارم:توبه و استغفار کردن از گناهان، و بهتر کردن حال و کردار و گفتار خود،پس از فراغ از زیارت از آنچه پیش از زیارت دارا بوده است.

[بیست و پنجم:انفاق کردن به خادمان آستانهٔ شریفه]

بیست و پنجم:انفاق کردن به خادمان آستانهٔ شریفه به اندازه ای که میسر است و شایسته است خدام آن محل شریف از اهل خیر و صلاح و صاحب دین و مروت باشند و آنچه از زائران می بینند تحمل کنند،و خشم خود را بر ایشان فرو نشانند.و بر آنان غلظت و درشتی روا ندارند و بر قضای حوایج محتاجان اقدام کنند و غریبان را در صورت گم کردن را مقصد،راهمایی و دلالت نمایند.در هر صورت خدام باید در خدمت لازمه،از تنظیف و حراست و محافظت زائران و غیره به حقیقت و راستی مشغول باشند.

[بیست و ششم:انفاق و احسان بر فقرای مجاور حرم]

بیست و ششم:

انفاق و احسان بر فقرای مجاور حرم و مساکین آبرومند شهر امام به ویژه سادات و اهل علم و آنان که فقط مشغول تحصیل علمند،و به تلخی غربت و تنگدستی مبتلایند،و همواره پرچم بزرگداشت شعائر الهی را بر پا کرده،و جهاتی را دارا هستند،که ملاحظهٔ هر یک از آنها،در لزوم اعانت و رعایت آنها کافی است.

[بیست و هفتم:شتاب کردن در برگشت از شهر زیارتی]

بیست و هفتم:شیخ شهید فرموده:از جمله آداب،شتاب کردن در برگشت از شهر زیارتی است،البته زمانی که بهره خود را از زیارت درک کرده باشد،و این شتاب برای فزونی

تعظیم و احترام و شدت شوق به رجوع،برای زیارت بعد از آن است،و نیز فرموده:زنان در وقت زیارت باید خود را از مردان جدا کرده،و تنها به زیارت بپردازند و اگر شب به زیارت اقدام کنند بهتر است.و باید در وضع ظاهر خود، تغییر دهند،یعنی لباس عالی و خوب را به لباس های معمولی تبدیل کنند،تا شناخته نشوند،و حتی الامکان مخفی و پنهان بیرون آیند که کمتر دیده شوند،و شناخته گردند،و نیز اگر همراه مردان زیارت کنند جایز نیست،اگر چه کرامت دارد.

مؤلّف گوید:از این کلمات،کثرت قبح و زشتی آنچه فعلا معمول شده،که زنان به اسم تشرّف به زیارت خود را آرایش کرده،با لباسهای نفیس از خانه ها بیرون می آیند،و در حرمهای مطهر با نامحرمان برخورد می کنند،و به بدنهای ایشان فشار می آورند،یا خود را متّصل به ضرایح مطهر کرده،یا روبروی مردان نشسته مشغول به زیارت خواندن شده و حواس مردم را پریشان کرده،عبادت کنندگان از زائران و نمازگزاران و متضرّعان،و گریه کنندگان را از کار خود بازداشته،و داخل در زمرۀ صادّین عن سبیل اللّه[آنان که راه خدا را به سوی بندگان خدا می بندند]می شوند،و غیر اینها،در حقیقت،زیارت این گونه زنان را باید از منکرات شرع شمرد،نه از عبادات،و داخل در محرمات دانست نه قربات.

از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:که امیر المؤمنین علیه السّلام به اهل عراق فرمود:

به من خبر رسیده که زنان شما در کوچه و بازار،به نامحرمان برمی خورند،آیا حیا نمی کنید.سپس فرمود:

خدا لعنت کند کسی را که غیرت ندارد.و در کتاب«من لا یحضره الفقیه»أصبغ بن نباته از امیر المؤمنین روایت کرده است که گوید:

از آن حضرت شنیدم می فرمود:در آخر الزمان،و نزدیکی قیامت،که بدترین زمانهاست نمایان شوند زنانی که برهنه و عریان اند،و خود را برای مردان بیگانه آرایش می کنند،اینها از دین خارجند و در فتنه ها داخلند،به شهوات مایلند،و به سوی لذّتها شتابانند،و حلال شمارندگان محرّماتند،

جاودانه در دوزخ اند!!

[بیست و هشتم:در مواقع کثرت زائر در صورت نزدیکی به ضریح زیارت را خلاصه کند]

بیست و هشتم:شایسته است،مواقعی که زائر زیاد است،کسانی که نزدیکتر به ضریح هستند،زیارت خود را خلاصه تر نموده،و از ضریح دور شوند،تا دیگران هم مانند آنان به نزدیکی ضریح دست یابند.مؤلّف گوید:ما در مقام زیارات حضرت سیّد الشهداء علیه السّلام آدابی را که باید زائران آن جناب رعایت کنند،نقل خواهیم کرد.[صفحه 642]

فصل دوم:اذن دخول حرمهای شریفه

اشاره

در اینجا دو اذن دخول ذکر می شود:

[اوّل اذن دخولی که شیخ کفعمی فرموده]

اوّل شیخ کفعمی فرموده:چون خواستی به مسجد رسول خدا صلی اللّه علیه و آله یا یکی از مشاهد مشرفه ائمه علیهم السّلام وارد شوی بگو:

خدایا بر دری از درهای خانه ات پیابرت(درود تو بر او و خاندانش)ایستاده ام،تو مردم را از اینکه بدون اجازه اش وارد شوند منع کرده ای،در قرآن فرمودی:ای آنان که ایمان آورده اید،به خانه های پیامبر وارد نشوید،مگر به شما اجازه دهند.خدایا من حرمت صاحب این زیارتگاه شریف را در غیابش باور دارم چنان که در حضورش،و می دانم که رسولت و جانشینانت(درود بر آنان باد) همواره زنده اند،و نزد تو روزی داده می شوند،محل ایستادنم را می بینند،و سخنم را می شنوند،و به سلامم پاسخ می دهند، ولی تو گوشم را از شنیدن کلامشان محجوب کرده ای،و در فهم مرا به چشیدن لذّت مناجاتشان باز کرده ای،من از تو ای پروردگارم اجازه می خواهم اولا،و از پیامبرت اذن می خواهم ثانیا،و از خلیفه ات امامی که اطاعتش را بر من واجب کرده ای اجازه می خواهم و به جای«فلان بن فلان»

آن امام را که می خواهد زیارت کند و پدرش را نام ببرد،مثلا اگر زیارت امام حسین علیه السّلام است بگوید،الحسین بن علیّ،و اگر زیارت امام رضا علیه السّلام است بگوید:علیّ بن موسی الرضا همچنین امامان دیگر.

سپس بگوید:

و فرشتگان گماشته شده به این بارگاه مبارک ثالثا،آیا وارد شوم ای رسول خدا !آیا وارد شوم ای حجّت خدا؟،آیا وارد شوم ای فرشتگان مقرّب خدا،که در این زیارتگاه اقامت دارید،پس مرا برای وارد شدن ای مولایم اجازه ده،به بهترین اجازه ای که به یکی از دوستانت داده ای،چنانچه من لایق آن اجازه نیستم ولی تو لایق آنی پس عتبهٔ مبارکهٔ را ببوس و وارد شو و بگو:

به نام خدا،و به خدا،و در راه خدا،و بر آیین رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش باد) خدایا مرا بیامرز و به من رحم کن،و توبه ام را بپذیر،زیرا تویی بسیار توبه پذیر مهربان.

[دوم:اذن دخولی است که علاّمهٔ مجلسی نقل کرده]

دوم:اذن دخولی است که علاّمهٔ مجلسی(ره)از نسخه ای قدیمی از نوشته های اصحاب برای ورود به سرداب مقدّس،و بارگاههای نورانی ائمهٔ علیهم السّلام به این صورت نقل فرموده خدای این بقعه ای است که تو پاکش نمودی،و کویی است که شرافتش دادی،و نشانه هایی است،که پاکیزه اش ساختی،به خاطر اینکه در آنجا آشکار کردی دلایل توحید،و نمونه های عرش مجید را،آنان که به عنوان فرمانروا برگزیدی،برای حفظ نظام،و انتخاب کردی برای ریاست بر تمام خلق،و برانگیختی برای قیام به عدالت، در آغاز هستی،تا روز قیامت،سپس بر آنان به جانشینی پیامبرانت،برای حفظ قوانین و

و احکامت منّت نهادی،و با خلافت از پیامبران و رسالت بیم دهندگان را کامل ساختی،چنان که ریاستشان را در فطرت مکلّفین واجب کردی،پس منزّهی در عرصهٔ معبودیت که چه اندازه مهربانی،و معبودی جز تو نیست در عرصهٔ سلطنت که چقدر دادگری زیرا هماهنگی کرد رفتارت،با آنچه خردها را بر آن سرشتی،و فرمانت موافق آمد،آنچه را در امور عقلی و نقلی مقرّر نمودی،پس سپاس تو راست بر اندازه گیری نیکوی زیبایت،و شکر تو راست بر داوری ات، که معلّل به کاملترین علّتهاست،پس منزّه است آنکه از کارش بازخواست نشود،و با او در فرمانش منازعه نگردد،منزّه است آنکه پیش از آغاز خلقش رحمت را بر خود واجب کرد،و خدا را سپاس که به وجود زمامدارانی که جانشینان اویند، بر ما منت نهاد،اگر بر فرض محال در مکانی حاضر می بود،و معبودی جز خدا نیست،که ما را به جانشینانی که قوانینش را در همه زمانها حفظ کنند شرافت داد،و خدا بزرگتر است،که آنان را برای ما به وسیلهٔ معجزاتی نمایاند،معجزاتی که جن و انس از آوردنش ناتوانند،جنبش و نیرویی نیست جز به خدای برتر بزرگ،که نعمتهای زیبایش در ملّتهای گذشته را برای ما نیز مقرّر داشت.خدای سپاس و ثنای برتر،تو راست،چنان که بر ذات ابدی بی نهایتت واجب آمد،و همچنان که قرار دادی پیامبر ما را بهترین پیامبران،و امامانمان را برتری مخلوقات،و برگزیدی آنان را از روی دانش،بر تمام جهانیان،ما را تا روز قیامت به شتافتن به درگاه آبادشان موفق بدار،و ارواح ما را چنان قرار ده که عاشقانه به سوی روش و منش ایشان بگراید،و جانهای ما را به صورتی که نظر به

مجالسشان و آستانشان را دوست داشته باشد،به طوری که گویی در حضور خودشان با آنان به سخن برخاسته ایم،پس درود خدا بر ایشان، آن آقایان غایب از نظر،و آن پاک نژادان،و آن امام معصوم.خدایا به ما اجازه ورود بده به این آستانهایی که اهل زمینها و آسمانها را به وسیلۀ زیارتشان به عبادت واداشتی، و اشکمان را با خشوع در برابر مهابتت جاری کن،و اعضایمان را با فروتنی بندگی و وجوب طاعت فروتن گردان، تا به اوصافی که برای ایشان حتم کرده ای اقرار کنیم،و اعتراف نماییم به اینکه ایشان در روز اعراف،زمانی که ترازوها نصب می شود،شفیعان خلایقند،سپاس خدای را،و سلام بر بندگان برگزیده اش محمّد و اهل بیت پاکش.

پس عتبه را ببوس،و وارد شو،درحالی که خاشع و گریان باشی،به درستی که،این جملات اجازۀ ورود به حریم ایشان است،درود خدا بر همۀ آنان.

فصل سوم:زیارت پیامبر و فاطمه زهرا و ائمه بقیع صلوات اللّه و سلامه علیهم اجمعین در مدینه

[فضیلت زیارت پیامبر و فاطمه زهرا و ائمه بقیع صلوات اللّه و سلامه علیهم]

آگاه باش که در حق تمامی مردم به خصوص حاجیان مستحبّ مؤکد است،مشرّف شدن به زیارت روضۀ مطهّره و آستانه منوّره،فخر عالمیان حضرت سیّد المرسلین محمّد بن عبد اللّه صلوات اللّه و سلام علیه و ترک زیارت آن حضرت،باعث جفا در حق او در قیامت است،و شیخ شهید فرموده:اگر مردم زیارت آن جناب را ترک کنند،بر امام است که ایشان را برای رفتن به زیارت آن حضرت مجبور کند،زیرا ترک زیارت آن حضرت موجب جفای حرام است.شیخ صدوق از امام صادق علیه السّلام روایت کرده:هرگاه یکی از شما حجّ کند،باید حجّش را به زیارت ما به پایان برساند،زیرا زیارت ما از تمامی حجّ است.

و نیز از امیر المؤمنین علیه السّلام روایت کرده:حجّ خود را به زیارت رسول خدا صلی اللّه علیه و آله تمام کنید،که ترک زیارت آن حضرت پس از حجّ جفا و خلاف ادب است،و شما را به این زیارت دستور داده اند و به زیارت قبری چند که خدا حق آنها و زیارت آنها را بر شما لازم کرده بروید و کنار آن قبرها از خدا طلب روزی کنید،و نیز از ابو الصّلت هروی روایت کرده که:خدمت حضرت رضا علیه السّلام عرض کردم:یا ابن رسول اللّه،چه می فرمایی در حدیثی که اهل آن روایت می کنند،که مؤمنان در بهشت از منازلشان پروردگار خود را زیارت می کنند؟

کنایه از این که معنی حدیث اگر حدیث صحیحی باشد چیست؟با آنکه شامل مطلبی است،که به ظاهر با اعتقاد حق هماهنگی ندارد،حضرت پاسخ او را به این صورت فرمودند:

ای ابا صلت خدا پیامبرش محمّد صلی اللّه علیه و آله را از جمیع خلقش حتی از پیامبران و ملائکه افضل قرار داد،و طاعت او را طاعت خود،و بیعت او را بیعت با خود،و زیارت او را زیارت خود شمرد،چنان که فرمود:

هرکه پیامبر را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده و فرموده:آنان که با تو بیعت می کنند در حقیقت با خدا بیعت می کنند دست خدا بالای دست آنان است

و رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود:هرکه مرا در حال حیات،یا پس از مرگ زیارت کند،چنان است که خدا را زیارت کرده باشد تا آخر خبر.حمیری در کتاب«قرب الأسناد»از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده:رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود:هرکه مرا در حیات،یا پس از ممات زیارت کند،روز قیامت شفیع او می شوم.در حدیثی آمده:امام صادق علیه السّلام روز عیدی در مدینه بود،به زیارت رسول خدا صلی اللّه علیه و آله رفت،و به آن حضرت سلام داد و فرمود:ما بر اهل همه شهرها خواه مکّه و خواه غیر مکّه برتری داریم،به علّت زیارت و سلاممان به رسول خدا صلی اللّه علیه و آله.شیخ طوسی در«تهذیب»،از یزید بن عبد الملک روایت نموده است و او از پدرش،از جدّش،که خدمت حضرت فاطمه علیهما السلام مشرّف شدم،آن حضرت به سلام بر من پیشی جست،آنگاه از من پرسید برای چه آمده ای؟عرض کردم:برای طلب برکت و ثواب،فرمود:مرا خبر داد پدرم،و اینکه حاضر است،که هر که

بر او و بر من سه روز سلام کند،خدا بهشت را بر او واجب کند،گفتم:در حیات او و شما؟فرمود:آری و نیز پس از مرگ ما.علاّمهٔ مجلسی(ره)فرموده:در حدیث معتبر از عبد اللّه بن عبّاس نقل است که رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود:هرکه امام حسن علیه السّلام را در بقیع زیارت کند،قدمش بر صراط ثابت باشد،روزی که قدمها از آن بلغزد.در کتاب«مقنعه»از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:هرکه مرا زیارت کند گناهانش آمرزیده شود،و تهیدست و پریشان نمیرد.شیخ طوسی در«تهذیب»از حضرت عسگری علیه السّلام روایت کرده:هرکه حضرت صادق علیه السّلام و پدرش حضرت باقر علیه السّلام را زیارت کند درد چشم نکشد و بیماری و دردی به او نرسد و مبتلا نمیرد.ابن قولویه در کتاب«کامل الزیارات»،از هشام بن سالم از امام صادق علیه السّلام روایتی طولانی آورده که بخشی از جملات آن این است:مردی به محضر امام صادق علیه السّلام شرفیاب شد،و عرض کرد:آیا پدرت را باید زیارت کرد؟فرمود:آری،عرضه داشت برای کسی که او را زیارت کند چه پاداشی است؟فرمود:اگر اعتقاد به امامت او داشته باشد و از او پیروی کند،بهشت پاداش اوست،عرض کرد کسی که از زیارت او اعراض کند چه خواهد شد؟فرمود در«یوم الحسره»که روز قیامت است حسرت خواهد داشت.احادیث در این باب بسیار است،و برای متذکّر شدن ما همین اندازه کافی و وافی است.

[کیفیت زیارت رسول خدا صلی اللّه علیه و آله]

اشاره

امّا کیفیت زیارت رسول خدا صلی اللّه علیه و آله:چنین است:هرگاه به مدینهٔ پیامبر صلی اللّه علیه و آله وارد شدی،برای زیارت غسل کن،چون خواستی وارد مسجد آن حضرت شوی کنار در مسجد بایست و اذن دخول اوّل را که در صفحات پیش گذشت بخوان و از در جبرییل وارد شو،و پای راست را وقت ورود مقدّم بدار،سپس صدر مرتبه اللّه اکبر بگو،آنگاه دو رکعت نماز تحیّت مسجد بجا آور،و به جانب حجرهٔ شریفه برو،و بر آن دست بگذار و آن را ببوس و بگو:

سلام بر تو ای فرستادهٔ خدا،سلام بر تو ای پیامبر خدا،سلام بر تو ای محمّد بن عبد اللّه،سلام بر تو ای خاتم پیامبران،شهادت می دهم که تو رسالت

خویش را انجام دادی،و نماز را بپا داشتی، و زکات را پرداختی،و به معروف امر نموده،و از منکر نهی کردی،و خدا را خالصانه عبادت کردی،

ص:494

تا مرگ تو را دررسید،درودهای خدا و رحمتش بر تو و اهل بیت پاکیزه ات.

پس رو به قبله نزد ستون جلو که از جانب راست قبر است بایست،بطوری که دوش چپ به جانب قبر،و دوش راست به جانب منبر که جایگاه سر رسول خدا صلی اللّه علیه و آله است قرار گیرد و بگو:

شهادت می دهم که معبودی جز خدا نیست،یگانه و بی شریک است،و شهادت می دهم که محمّد بنده و فرستاده اوست،و شهادت می دهم که تو رسول خدایی و اینکه تویی محمّد بن عبد اللّه،و شهادت می دهم که تو پیامهای پروردگارت را به مردم رساندی و برای امّتت خیرخواهی نمودی،و در راه خدا جهاد کردی با حکمت و موعظه و حسنه،و خدا را عبادت کردی تا مرگ تو را دررسید،و آنچه از حق بر عهده ات بود ادا کردی،و نسبت به مردم مؤمن مهربان،و بر کافران سخت گیر بودی،پس خدا تو را به برترین شرف مقام گرامی داشتگان برساند.خدا را سپاس که ما را به وسیلۀ تو،از شرک و گمراهی رهانید.خدایا قرار ده،درودهایت و درودهای فرشتگان مقرّبت و پیامبران مرسلت و بندگان شایسته ات و اهل آسمانها و زمینها،و هرکه برایت تسبیح گفت ای پروردگار جهانیان از گذشتگان و آیندگان،بر محمّد بنده و رسول و پیامبرت و امین و محرم راز و محبوبت و دوست خالص و مخصوص و برگزیده ات،و انتخاب شدۀ تو از میان خلقت.خدایا او را درجۀ بلند عطا کن،و او را از بهشت وسیله عنایت کن،و او را به مقام پسندیده ای

برانگیز،که گذشتگان و آیندگان به او رشک برند،خدایا تو فرمودی،اگر اینان وقتی که به خود ستم کردند، نزد تو آمدند،پس از خدا درخواست آمرزش کردند،و رسول برای آنان آمرزش خواست،خدا را توبه پذیر و مهربان می یابند،و من هم اکنون آمرزش خواه و توبه کننده به نزد تو آمدم،و به وسیلهٔ تو رو به جانب خدا،پروردگارم و پروردگار تو می کنم،تا گناهانم را بیامرزد.

و اگر تو را حاجتی باشد،قبر مطهّر را پشت کتف خود قرار ده،و رو به جانب قبله کن و دستها را به سوی خدا بردار و حاجت خویش را بخواه،که سزاوار است برآورده شود،ان شاء اللّه تعالی.ابن قولویه به سند معتبر از محمّد بن مسعود روایت کرده که گفت:دیدم امام صادق علیه السّلام نزد قبر رسول خدا صلی اللّه علیه و آله آمد،و دست مبارک را بر قبر گذاشت و گفت:

از خدا که تو را بزگزید و انتخاب کرد و هدایتت نمود،و مردم را به وسیلهٔ تو هدایت کرد،می خواهم که بر تو درود فرستد،سپس چنین خواند:به درستی که خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند،ای کسانی که ایمان آورده اید بر او درود فرستید و سلام کنید سلامی کامل.

[اعمال روضه منوره]

شیخ طوسی در کتاب«مصباح»فرموده:چون کنار قبر شریف از دعا فارغ شدی،نزد منبر برو،و بر آن دست بمال و دو قبّهٔ پایین منبر را که مانند انار است بگیر و صورت و چشمهای خود را به آن بمال که در آن شفای چشم است و نزد منبر بایست و حمد و ثنای الهی را بجای آور،و حاجت خود را بخواه،که رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود:بین قبر و منبر من باغی است از باغهای بهشت و منبر من بر دریست از درهای بهشت،سپس به مقام پیامبر میروی،و در آنجا آنچه خواهی نماز بجا می آوری،و در مسجد پیامبر بسیار نماز بخوان،به درستی که نماز در آن برابر با هزار نماز است و هرگاه داخل مسجد شوی یا بیرون روی بر آن حضرت صلوات فرست و در خانهٔ فاطمه زهرا نماز گذار و به مقام جبرییل که زیر ناودان است برو،که محلّ ایستادن جبرییل در هنگام اذن دخول خواستن از پیامبر صلی اللّه علیه و آله آنجا بوده و بگو:

از تو می خواهم ای بخشنده،ای بزرگوار،ای نزدیک،ای دور،که نعمتت را به من بازگردانی.

[کیفیت زیارت حضرت فاطمه علیها السلام]

اشاره

آنگاه حضرت فاطمه علیها السلام را

ص:496

نزد روضۀ مطهّره زیارت کن و در تعیین جای قبر آن مظلومه اختلاف شده،طایفه ای گفته اند:در روضه که بین قبر و منبر است مدفون می باشد و بعضی گفته اند:در خانۀ خودش مدفون است و گروه سوم گفته اند قبر مطهّرش در بقیع است و آنچه را اصحاب با بیشتر اعتقاد بر آن دارند،این است که آن مظلومه نزد روضه زیارت شود و کسی که آن معظّمه را در این سه موضع زیارت کند افضل است،چون برای زیارت آن ممتحنه،در این مواضع ایستادی بگو:

ای آزموده،آزمودت خدای یکه تو را آفرید،پیش از آنکه تو را بیافریند،پس به آنچه آزمودت تو را شکیبا یافت ما بر این باوریم که دوستان و تصدیق کنندگان توییم،و به تمام آنچه پدرت(درود خدا بر او و خاندانش باد)و وصی اش برای ما آورده صبرکننده ایم،پس از تو درخواست می کنیم،اگر تصدیق کننده تو بوده ایم،ما را به تصدیقمان به پدرت و جانشینش ملحق کنی،تا خود را بشارت دهیم،که به سبب ولایت تو پاک گشته ایم.و نیز مستحبّ است بگویی:سلام بر تو ای دختر رسول خدا،سلام بر تو ای دختر پیامبر خدا،سلام بر تو ای دختر محبوب خدا، سلام بر تو ای دختر دوست صمیمی خدا،سلام بر تو ای دختر بزگریدۀ خدا،سلام بر تو ای دختر امین خدا،سلام بر تو ای دختر بهترین خلق خدا،سلام بر تو ای دختر برترین پیامبران خدا،و رسولان و فرشتگان،سلام بر تو ای دختر بهترین مخلوقات،سلام بر تو ای بانوی بانوان جهان از گذشتگان و آیندگان،سلام بر تو ای همسر ولیّ خدا، و بهترین خلق بعد از رسول خدا،سلام بر تو ای مادر حسن و حسین،دو سرور جوانان

اهل بهشت،سلام بر تو ای صدّیقه شهیده،سلام بر تو ای خشنود از خدا، و خدا خشنود از تو،سلام بر تو ای فاضله پاکیزه،سلام بر تو ای حوریه در لباس انسان، سلام بر تو ای پرهیزگار نظیف،سلام بر تو ای همسخن با ملائکه و ای بسیار دانا،سلام بر تو ای ستمدیده،ای که حقت غصب شده،سلام بر تو از سرکوب شده،و مقهور دشمن،سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای فاطمه دختر رسول خدا،درود خدا بر تو و روح و تن تو، گواهی می دهم که بر برهانی روشن از سوی پروردگارت از جهان درگذشتی،و هرکه تو را شاد کرد،رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش باد)را شاد نمود،و هرکه به تو جفا کرد،و به رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش باد)جفا کرد، و هرکه تو را آزرد،رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش باد)را آزرد،و هرکه به تو پیوست،به رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش باد)پیوست و هر از تو برید،از رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش باد) برید،چرا که تو پارهٔ تن او و روح بین دو پهلوی او هستی،خدا و رسولان خدا و فرشتگان را گواه می گیرم که من خشنودم از کسی که تو از او خشنودی،و خشمگینم بر کسی که تو بر او خشمگینی،و بیزارم از هر که تو از او بیزاری،و دوست دارم هرکه را تو دوست داری و دشمنم هرکه را تو با او دشمنی،و متنفّرم از هرکه تو از او نفرت داری و محبّت دارم به هرکه تو به او محبّت داری و خدا برای شهادت و حسابرسی،کیفر دهی و پاداش دهی کافی است.آنگاه بر رسول خدا و ائمهٔ

طاهرين عليهم السّلام صلوات می فرستی.

[زيارت حضرت فاطمه عليها السلام در روز سوم جمادی الآخر]

مؤلّف گويد:ما برای روز سوم جمادی الآخر زيارتی ديگر برای حضرت فاطمه عليها السلام نقل كرديم، و نيز علما زيارت مبسوطی برای آن مظلومه نقل كرده اند،كه مثل همين زيارت نقل شده از شيخ طوسی است،اول آن(السّلام عليک يا بنت رسول اللّه)است تا(اشهد اللّه و رسله و ملائكته)و از اينجا به بعد آن چنين است:

خدا و فرشتگانش را گواه می گيريم كه من دوستم با هركه تو را دوست دارد،و دشمنم با هركه با تو دوشمن است،و در جنگم با كسی كه با تو بجنگد، من ای سرپرستم يقين دارم به تو و پدر و همسر توو امامان از فرزندانت،و به ولايتشان مؤمنم و به پيروی از آنان ملتزمم،شهادت می دهم،كه دين،دين آنهاست،و فرمان فرمان آنها،و آنان از جانب خدا آنچه را بايد،ابلاغ كردند،و به راه خدا با حكم و موعظۀ حسنه دعوت نمودند،و در راه خدا به ملامت ملامت كنندگان اعتنا ننمودند،و درودهای خدا بر تو و پدر و همسر تو و فرزندانت،آن امامان پاک، خدايا درود فرست بر محمّد و اهل بيتش،و درود فرست بر بتول پاک،صدّيقه،معصومه، پرهيزكار،پاكيزه،خشنود از حق،خدا خشنود از او،پاک تربيت،رشيده،مظلومه،دشمن چيره،غصب شده حق، منع شده از ارث،پهلو شكسته،ستم شده بر شوهرش،كشته شده فرزندش،فاطمه دختر رسولت،و پارۀ تنش،و خالص قلبش،و جگ گوشه اش،و انتخاب شده از جانب تو،و تحفه ای كه به جانشينش اختصاص دادی،و محبوبه مصطفی،و همسر مرتضی، بانوی بانوان،و مژده دهندۀ اولياء،و هم پيمان ورع و زهد،و سيب

ص:499

فردوس و بهشت جاوید،بانویی که شرافت دادی تولّدش را به زنان بهشت،و خارج کردی انوار امامان را از صدف وجود او،و انداختی در مقابلش پردۀ نبوّت را.خدایا بر او درود فرست،درودی که بیفزاید بر مقامش نزد تو،و بر شرفش در پیشگاهت،و بر منزلتش از خشنودی ات،و به او از جانبت ما تحیّت و سلام برسان،و به ما در راه دوستی اش از جانب خود،فضل و احسان و رحمت و آمرزش عنایت کن،تو صاحب گذشت و بزرگواری هستی.

مؤلّف گوید:شیخ در«تهذیب»فرموده:آنچه در فضل زیارت آن معظّمه روایت شده،بیشتر از آن است که شمارش شود و علاّمۀ مجلسی از کتاب«مصباح الانوار»نقل کرده:از حضرت فاطمه علیها السلام روایت شده:پدرم به من فرمود:هرکه بر تو صلوات فرستد،حق تعالی او را بیامرزد و در هر جای بهشت که باشم به من ملحق کند.

زیارت حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله از راه دور

علاّمۀ مجلسی در«زاد المعاد»،در اعمال عید مولود،که روز هفدهم ربیع الأوّل است فرموده:شیخ مفید و شهید و سید ابن طاووس(ره)گفته اند:چون بخواهی در غیر مدینه طیبه حضرت رسول گرامی صلی اللّٰه علیه و آله را زیارت کنی،غسل کن و چیزی شبیه قبر در برابر خود بساز،و نام مبارک آن حضرت را بر آن بنویس،سپس بایست و دل خود را متوجه آن حضرت کن و بگو:

شهادت می دهم که معبودی جز خدا نیست،یگانه و بی شریک است،و شهادت می دهم که محمّد بنده و رسول اوست،و آقای پیشینیان و پسینیان،و سرور پیامبران و رسولان است.خدایا بر او و اهل بیتش آن امامان پاک درود فرست.سپس بگو:سلام بر تو ای رسول خدا،سلام

بر تو ای دوست صمیمی خدا،سلام بر تو ای پیامبر خدا،سلام بر تو ای برگزیدۀ خدا،سلام بر تو ای رحمت خدا،سلام بر تو ای منتخب خدا،سلام بر تو ای محبوب خدا،سلام بر تو ای بندۀ نجیب خدا،سلام بر تو ای خاتم پیامبران،سلام بر تو ای سرور رسولان، سلام بر تو ای قیام کننده به عدالت،سلام بر تو ای فتح کنندۀ خیر،سلام بر تو ای معدن وحی و تنزیل،سلام بر تو ای رسانندۀ پیام از سوی خدا،سلام بر تو ای چراغ پرفروغ، سلام بر تو ای مژده ده،سلام بر تو ای بیم دهنده،سلام بر تو ای هشداردهنده،سلام بر تو ای نور خدا،که به آن روشنی جویند،سلام بر تو و بر اهل بیت پاک و پاکیزه و راهنما و راه یافته ات،سلام بر تو و بر جدّت عبد المطلب،و بر پدرت عبد اللّه،سلام بر مادرت آمنه دختر وهب،سلام بر عمویت حمزه سرور شهیدان،سلام بر عمویت عباس فرزند عبد المطلب،سلام بر عمویت و سرپرستت ابو طالب،سلام بر پسر عمویت جعفر،پرواز کننده در بهشت جاوید،سلام بر تو ای محّمد، سلام بر تو ای احمد،سلام بر تو ای حجّت خدا بر پیشینیان و پسینیان،و پیشی گیرنده بر طاعت پروردگار جهانیان،و مهربان بر رسولانش،و خاتم پیامبرانش،و گواه بر بندگانش،

ص:501

و شفیع به درگاهش،و ارجمند در نزدش،و پیروی شده در ملکوتش،پیامبر ستوده تر در صفات،و پسندیده بر دیگر اشراف،کریم نزد پروردگار،و طرف سخن واقع شده از پس پرده های غیب،آنکه در مسابقهٔ بندگی بر همه پیروز آمد و کسی در این مسابقه به او ملحق نگردد،بر تو سلام می دهم،سلام آگاه به حقت،و معترف به تقصیر در قیامش،نسبت به حقوق واجبی که برای تو است،انکار کننده نیست،نسبت به آنچه که رسیده به آن از فضلت،یقین کننده به فزونیهای نصیبت از جانب پروردگارت،مؤمن به کتابی که بر تو نازل شده، حلال شمارندهٔ حلالت،و حرام دانندهٔ حرامت،شهادت می دهم ای فرستادهٔ خدا با هر شاهد،و به عهده برمی دارم از جانب هر انکارکننده،به اینکه پیامهای پروردگارت را رساندی،و برای امّتت خیرخواهی کردی،و در راه پروردگارت کوشیدی،و آشکارا به اجرای دستورش برخاستی،و در کنارش تحمّل آزار نمودی و به راهش با منطق محکم و پند نیکو و زیبا دعوت کردی،و حقیّ که بر عهده تو بود ادا نمودی،به یقین نسبت به اهل ایمان مهربان،و نسبت به کافران سخت گیر بودی،و خدا را بندگی نمودی،تا مرگ تو را دررسید،خدا برساند تو را به شریف ترین مقام اکرام شدگان،و برترین جایگاههای مقرّبان،و بالاترین درجات رسولان آنجا که رسنده ای به تو نرسد،و برتری بر تو برتری نجوید،و پیشی گیرنده ای بر تو پیشی نگیرد،و طمع کننده ای در دریافت تو طمع ننماید،خدا را سپاس که ما را به وسیلهٔ تو از هلاکت رهاند،و از گمراهی به راه راست هدایت کرد،و از تاریکی به نورانیت آورد،خدا پاداشت دهد ای رسول خدا در نبوّتت،پاداشی برتر از آنچه پیامبری را از امّتش عنایت

ص:502

نموده و رسولی را از طرف آنان که به سویشان فرستاده شده مرحمت شده مرحمت کرده،پدر و مادرم فدایت ای رسول خدا،زیارتت کردم با آشنایی به حقت و اقرار کنان به فضلت،و با بینایی به گمراهی کسی که با تو و اهل بیتت مخالفت کرد،آشنایم به هدایتی که تو بر آن هستی،پدرم و مادرم و خود و خانواده ام و مال و فرزندانم فدایت باد،من به تو درود می فرستم،چنان که خدا و فرشتگان و انبیا و رسولانش بر تو درود فرستادند،درودی پیاپی،کامل، پیوسته که نه برایش بریدن باشد و نه اندازه و زمان،درود بر تو و اهل بیت پاک و پاکیزه ات،آن چنان که شما شایستۀ آن هستید.پس دستها را بگشا و بگو:خدایا قرار ده درودهای همه جانبه ات و رویندۀ برکاتت، و فزونیهای خیراتت،و شرافتهای تحیاتت،و سلامهایت،و کرامتهایت،و رحمتهایت،و درودهای فرشتگان مقرّبت،و انبیای مرسلت،و امامان برگزیده ات و بندگان شایسته ات، و اهل آسمانها و زمینها،و هرکه تسبیح تو گوید،ای پروردگار جهانیان،از گذشتگان و آیندگان، بر محمّد بنده ات و فرستاده ات و گواه بر خلقت و پیامبرت،و بیم دهنده ات،و امینت،و بندۀ با قدرت و ارجمن و نجیبت،و محبوب و دوست صمیمی،و برگزیده و مخصوص،خالص و رحمتت و بهترین انتخاب شده از میان خلقت،پیامبر رحمت،و خزانه دار آمرزش،و پیشرو خیر و برکت،و رهانندۀ بندگان به اجازه ات از هلاکت،و فراخوانندۀ آنان به دین استوارت،به فرمانت،اولین پیامبران در پیمان

ص:503

و آخرینشان در رسالت،آن پیامبری که فرو بردی او را در دریای فضیلت و منزلت بس بزرگ و درجۀ بس بلند و مرتبۀ شریف،و او را در صلب های پاک به امانت گذاشتی،و وی را از باب لطف و مهرت بر او از آن صلبها به رحمهای پاک منتقل کردی،آنگاه برای حفظ و حراست و نگهداری و پاسبانی اش،از قدرتت دیده بانی نگهدارنده گماشتی،که از وی به وسیلۀ آن نگهدارنده آلودگیهای مخش و رذیلت و معایب کار زشت را باز داشتی تا اینکه به وسیلۀ آن حضرت دید بندگان را رفعت دادی،و سرزمینهای مرده را زنده کردی،به اینکه از نور ولادتش،تاریکیهای پرده ها را برطرف نمودی،و پوشاندی به وسیلۀ او بر حرمت جامه های انوار را.خدایا همچنان که او را به شرف این مرتبۀ کریمانه،و انداخته این منقبت عظیمه اختصاص دادی،بر او درود فرست چنان که به عهدت وفا کرد،و پیامبهایت را رساند،و بر توحیدت با اهل انکار جنگید،و خویشی خود را با اهل کفر برای سربلندی دینت قطع کرد و جامۀ گرفتاری را در مبارزه با دشمنانت به بر نمود،و تو هم در برابر هر آزادی که به او رسید،یا هر کیدی که آن را احساس کرد،از گروهی که قصد کشتنش را داشتند،واجب فرمودی،فضیلتی که بر فضائل برتری جوید،و به آن مالک شود عطای بس بزرگ را،چرا که آن حضرت اندوهش را پنهان کرد،و نفسهای پر غصه اش را مخفی نمود،و شربت اندوه را چشید،و از آنچه وحی ات برایش مشخص کرده بود،پا به فرا نگذاشت،خدایا بر او و اهل بیتش درود فرست،درودی که آن را برای آنها بپسندی و از جانب ما تحیت بسیار و سلام به آنان برسان،و از پیشگاهت بخاطر دوستی ایشان به ما فضل و احسان

ص:504

و رحمت و آمرزش عنایت کن،تو دارای فضل بسیار بزرگی.

سپس چهار رکعت نماز زیارت با هر سوره ای که بخواهی به دو سلام بجا آر،و پس از آن تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بخوان و بگو:

خدایا خود به پیامبرت محمّد(درود خدا بر او و خاندانش باد)فرمودی:اگر اینان هنگامی که بر خود ستم کردند، نزد تو می آمدند،از خدا آمرزش می خواستند،و پیامبر برای آنان طلب آمرزش می کرد،و به یقین خدا را توبه پذیر و رحیم می یافتند،و من در زمان پیامبرت(درود بر او و خاندانش)حاضر نبودم.خدایا اینک او را زیارت کردم زیارتی با رغبت،از بدی عملم توبه کننده ام،و از گناهانم از حضرتت خواستار آمرزشم،و به آن گناهان اعتراف دارم،و تو آنها را بهتر از من می دانی،به وسیلۀ پیامبرت پیامبر رحمت(درودت بر او و آنان)متوجه به وجود توام،خدایا به محمّد و اهل بیتش مرا نزد خود در دنیا و آخرت آبرومند و از مقرّبان قرار ده،ای محمّد،ای رسول خدا،پدر و مادرم به فدایت،ای پیامبر خدا،ای آقای خلق خدا،من به وسیلۀ تو به پیشگاه خدا رو می کنم پروردگارم و پروردگار تو،تا خدا گناهانم را بیامرزد،و عملم را قبول نماید، و حاجاتم را برآورده سازد،تو هم ای رسول خدا نزد پروردگارت و پروردگارم شفیع من باش،پس چه خوب درخواست شده ای است مولا و پروردگارم، و چه خوب شفیعی هستی تو ای محمّد،بر تو و اهل بیتت سلام.خدایا از جانب خود آمرزش و رحمت،و روزی وسیع و پاکیزه و سودمند،برای من واجب فرما،چنان که واجب کردی برای کسی که به خدمت پیامبرت محمّد(درود تو بر او و خاندانش)آمد،درحالی که زنده بود،و به گناهانش اقرار کرد،و پیامبرت(درود بر او و خاندانش)برای او طلب آمرزش کرد،

ص:505

و تو او را آمرزیدی به حق مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.خدایا به حقیقت تو را آرزومندم،و به تو امید بستم،و در پیشگاهت ایستادم و از غیر تو به تو میل کردم،و پاداش بزرگت را آرزو کردم،من اعتراف کننده ام نه انکار کننده، و از آنچه مرتکب شدم،توبه کننده به سوی تو هستم،و در این مقام پناهنده به توام،از آن اعمالی که پیشتر فرستادم،اعمالی که در آنها به من پیش دستی کردی،و مرا از آنها نهی کردی،و بر آنها به من وعدهٔ کیفر دادی،پناه می آورم به بزرگواری ذاتت،از اینکه مرا در مقام رسوایی و خواری بپا داری،روزی که پرده ها در آن دریده شود،و اسرار و رسواییها در آن آشکار گردد،و اندامها در آن بلرزد،روز حسرت و پشیمانی،روز تهمت،روز نزدیک،روز زیانکاری،روز جدا کردن،روز پاداش،روزی که طول آن پنجاه هزار سال است،روز دمیدن،روزی که بلزاند لرزاننده ای،روزی که از پی آن لرزاننده ای دیگر آید،روز گسترش،روز عرض اعمال،روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان بپا خیزند، روزی که فرار کند انسان از برادر و مادر و پدر و همسر و فرزندانش،روزی که شکافته شود زمین،کرانه های آسمان،روزی که هرکسی بیاید،و از وجود خود دفاع کند،روزی که بندگان برگردانده شوند به سوی خدا و به آنچه انجام داده اند آگاهشان سازند،روزی که از رفیق به رفیق سودی نرسد،و نه آنان یاری شوند،مگر آنکه را خدا رحم کند،که او عزیز و رحیم است،روزی که مردم بازگردانده شوند به سوی دانای نهان و آشکار،روزی که بازگردانده شوند به سوی خدا،سرپروست حقشان روزی که از قبرها شتابان درآیند،گویی به سوی نشانه هایی می دوند،و گویی ملخهایی پراکنده اند،

ص:506

درحالی که چشم دوخته اند به سوی دعوت کننده به جانب خدا،روز واقعه،روزی که زمین به سختی بلرزد،روزی که آسمان همانند معدن گداخته می شود،و کوهها همانند پنبه زده شده،و خویشی از وضع خویش پرسیده نشود،روز گواه روز گواهی شده، روزی که فرشتگان صف در صف باشند.خدایا به حالم در آن روز،به خاطر وضعی که امروز دارم رحم کن،و در آن حال به آنچه بر خود جنایت کردم رسوایم مکن،و راه مرا در آن روز ای پروردگارم با اولیایت،و محلّ گردآمدن مرا در گروه محمّد و اهل بیتش(درود بر آنان)قرار ده، ورودگاه مرا حوض او،و بازگشتگاهم را در میان سپیدرویان ارجمند مقرّر فرما،و نامهٔ عملم را به دست راستم ده،تا به وسیلهٔ حسناتم رستگار گردم،تا رویم را به آن سبب سپید گردانی،و حسابم را آسان سازی و ترازویم را سنگین کنی،تا با رستگاران از بندگان صالحت به جانب خشنودی ات و بهشتهایت بروم،ای معبود جهانیان.خدایا به تو پناه می آورم از اینکه در آن روز،در برابر خلایق به گناهم رسوایم سازی،یا به خاطر خطایم با خواری و پشیمانی و دمساز گردم،یا در آن روز بدیهایم را بر خوبیهایم غالب گردانی،یا مرا با نامم در میان خلایق ندا دهی،ای بزرگوار،ای بزرگوار،گذشت نما،گذشت نما،پرده پوشی کن،پرده پوشی کن.خدایا به تو پناه می آورم از اینکه در آن روز جایگاه هم در جایگاه های بدکاران باشد،یا مقامم در مقام مردم بدفرجام قرار گیرد،و زمانی که میان بندگانت جدایی اندازی،پس سوق دادی همه را با اعمالشان،گروه گروه به منازلشان،مرا با

رحمتت به میان بندگان شایسته ات، در گروه اولیای پرهیزگارت به جانب بهشتیان سوق ده،ای پروردگار جهانیان.

پس آن حضرت را وداع کن و بگو:سلام بر تو ای رسول خدا،سلام بر تو ای مژده ده و بیم ده،سلام بر تو ای چراغ نوربخش،سلام بر تو ای سفیر بین خدا و بندگان خدا،گواهی می دهم ای رسول خدا،که تو نوری بودی در صلبهای ارجمند،و رحمهای پاک،جاهلیت با ناپاکیهایش ناپاکت نکرد،و از جامه های چرکینش تو را نپوشاند،و گواهی می دهم ای رسول خدا که من به حضرت تو،و امامان از اهل بیتت ایمان دارم،و به همۀ آنچه تو آورده ای خشنود و معتقدم،و گواهی می دهم که امامان از اهل بیتت مشعلهای هدایت و دستاویزهای استوار و حجّتهای بر اهل جهانند.خدایا این زیارتم را آخرین زیارت پیامبرت(درود بر او و خاندانش)قرار مده،و اگر مرا میراندی،پس من در مردنم شهادت می دهم بر آنچه در حیاتم شهادت دادم،که تویی خدا،معبودی جز تو نیست،یگانه و بی شریکی،و محمّد بنده و فرستادۀ تو است،و امامان از اهل بیتش اولیایت،و یارانت،و حجّتهای تو بر خلقت،و جانشینان تو در میان بندگانت،و نشانه های تو در کشورهایت،و خزانه داران دانشت،و نگهبانان رازت،و ترجمانان وحیت می باشند.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و به روان محمّد و خاندانش در این ساعت و در هر ساعت از جانب من تحیّت و سلام

برسان،و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد ای رسول خدا،خدا این سلام را آخرین سلام من قرار ندهد.

[زیارت حجج طاهره علیهم السلام در روز جمعه]

شیخ طوسی در«مصباح»و سیّد ابن طاووس در کتاب جمال الاسبوع در رابطه با اعمال روز جمعه فرموده اند:زیارت رسول خدا صلی اللّه علیه و آله در روز جمعه مستحبّ است و از امام صادق علیه السّلام روایت کرده اند:هرکه در شهر خود باشد و بخواهد قبر رسول خدا و امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و سایر حجج طاهره علیهم السّلام را زیارت کند در روز جمعه غسل کند،و دو جامۀ پاکیزه بپوشد،و به صحرایی برود و به روایت دیگر بر بام خانه بالا رود،چهار رکعت نماز با هر سوره ای که ممکن شود بخواند،و پس از پیان نماز،رو به قبله بایستد و بگوید:سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای پیامبر، سلام بر تو ای پیامبر فرستاده شده،و بر وصیّ ملقّب به مرتضی،و بانوی بزرگ،و سیّده زهرا و ده فرزندزاده برگزیده،و اولاد برجسته،و امینان نجیبت،آمدم با جدایی از خلق،به جانب شما و پدرانتان،و فرزندتان،آن یادگار صالح به برکت حق،دلم تسلیم شماست،یاری ام برای شما آماده است، تا خدا به دینش حکم کند،با شمایم با شما،نه با دشمنان شما،من به فضل شما گویایم و به رجعت شما اقرار دارم،هیچ قدرتی را برای خدا انکار ندارم،و گمان ندارم جز آنچه را خدا خواسته باشد،منزّه است خدا،دارندۀ ملک و ملکوت،خدایا را با نامهایش همه خلقش تسبیح می کنند.سلام بر جانها و بدنهای شما،و سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد.

مؤلّف گوید:روایات بسیار وارد شده که از هر کجا سلام و صلوات بر رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرستاده شود،به آن حضرت

خواهد رسید.در روایتی وارد شده:ملکی موکّل است هر مؤمنی بگوید:صلّی اللّه علی محمّد و اله و سلّم آن ملک در جواب او بگوید:و علیک پس از آن به حضرت عرض کند:ای رسول خدا فلان شخص بر شما سلام داد،آن حضرت فرماید:و علیه السلام.در روایت معتبر آمده،آن حضرت فرمود:هرکه قبر مرا پس از مرگ من زیارت کند،مانند کسی است که در حیاتم به سوی من هجرت کرده،پس هرگاه استطاعت ندارید،به زیارت قبر من آیید،به سوی من سلام فرستید،که آن سلام به من خواهد رسید،و اخبار با این مضمون بسیار است،و ما در باب اول در ذکر زیارت حجج طاهره در ایام هفته،دو زیارت برای رسول خدا صلی اللّه علیه و آله در روز شنبه[صفحه 94]نقل کردیم،اگر خواستی به آنجا مراجعه کن،و خود را به فیض خواندن آنها نائل ساز[در زیارت امیر المؤمنین(ع)در اذن دخول رواق مطهرش زیارت مختصری از پیامبر(ص) بیاید.مؤلّف].شایسته است صلوات فرستادن بر آن حضرت به آن صلواتی که حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام در یکی از خطبه های خود در روز جمعه،بر آن جناب فرستاد،این صلوات در کتاب«روضه کافی»چنین است:

به درستی که خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند،ای کسانی که ایمان آورده اید،بر او درود فرستید و سلام کنید سلامی کامل، خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و بر محمّد و خاندان محمّد برکت ده،و بر محمّد و خاندان محمّد مهر ورز، و بر محمّد و خاندان محمّد سلام فرست،همانند برترین درود و برکت و رحمت و مهرورزی و سلامی که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم فرستادی،تو ستوده و بزرگواری.خدایا به محمّد عطا کن وسیله و شرف و برتری و منزلت کریمانه.خدایا قرار ده محمّد و خاندان را بزرگترین همۀ خلایق،از جهت شرافت در روز قیامت،و نزدیکترین آنها به خود از نظر جایگاه،و آبرومندترینشان در روز قیامت از جهت شرف و عزت و برترینشان در پیشگاهت از حیث منزلت و بهره مندی.خدایا به محمّد شریفترین مقام و جایزه و سلام

و شفاعت اسلام را عطا کن.خدایا ما را به او ملحق گردان نه با رسوایی و پیمان شکنی،و پشیمانی و تغییر حقایق،ای معبود حق دعاها مستجاب باد.

و در اواخر باب زیارت صلواتی بر آن حضرت و خاندان او علیهم السّلام خواهد آمد.

زیارت ائمه بقیع علیهم السّلام

اشاره

یعنی:حضرت امام حسن مجتبی،و امام زین العابدین و امام محمّد باقر و امام جعفر صادق علیهم السّلام

چون خواستی این بزرگواران را زیارت کنی،باید آنچه در آداب زیارت ذکر شد بجا آوری یعنی غسل و طهارت،و پوشیدن جامه های پاک و پاکیزه،و استعمال بوی خوش و اذن دخول و مانند اینها.و نیز چنین بگو:

ای سرپرستان من،ای فرزندان رسول خدا،بندۀ شما،و فرزن کنیز شمایم،که خوار در برابرتان هستم،و فزاینده در والایی قدرتان،و اعتراف کننده به حق شما،آمده به پیشگاهتان،درحالی که پناهنده به شما و قصد کننده حرم شما،و متقرّب به سوی شماست،متوسّل به خدا است به وسیلۀ شما،آیا وارد شوم ای سرپرستانم،آیا وارد شوم ای اولیای خدا آیا وارد شوم ای ملائکه خدا،که در برگیرنده این حرم،و مقیم در این زیارتگاهید؟و پس از خشوع و خضوع و رقّت وارد شو،و پای راست را در ورودت مقدّم بدار و بگو:خدا بزرگتر است،بزرگتر،خدا را سپاس بسیار،در بامداد و شامگاه،و سپاس خدای را خدای فرد و بی نیاز،و بزرگوار و یکتا تفضّل کننده و نعمت دهنده،و عطابخش و مهروز،خدایی که به کرمش منّت نهاد،و به احسانش زیارت سرورانم را آسان نمود

ص:511

و از زیارتشان محرومم نکرد،بلکه تفضّل و بخشش بی پایان بی دریغ نمود.پس نزدیک قبور مقدّسه ایشان برو،و پشت به قبله و رو به قبر ایشان بگو:سلام بر شما ای پیشوایان هدایت،سلام بر شما ای اهل پرهیزکاری،سلام بر شما ای حجّتها بر اهل دنیا،سلام بر شما ای قیام کنندگان به عدالت در میان آفریدگان، سلام بر شما ای اهل برگزیدگی،سلام بر شما ای خاندان رسول خدا،سلام بر شما ای اهل راز،شهادت می دهم که دعوت حق را رساندید،و خیرخواهی نمودید،و در راه حق شکیبایی کردید،و تکذیب شدید،و نسبت به شما بدرفتاری شد،ولی شما گذشت کردید،و شهادت می دهم که شما امامان هدایت و هدایت یافته اید،و طاعت شما واجب، و گفتار شما صدق است،شما دعوت کردید،ولی اجابت نشدید،و دستور دادید،ولی اطاعت تان نکردند،شما ستونهای دین و پایه های زمین هستید،همواره تحت توجّه خدا بودید،که شما را از صلبهای هر انسان پاک بر می داشت،و به رحمهای پاکیزه منتقلتان می نمود،جاهلیت سخت و سنگین شما را آلوده نکرد،و فتنه های هوا در شما شرکت نجست، پاک بودید و جای روییدن شما پاک بود،جزادهندۀ روز جزا به وجود شما بر ما منّت نهاد،پس قرارتان داد در خانه هایی که خدا اجازه داد رفعت یابد،و نامشان در آن خانه ها ذکر گردد،و درودمان را بر شما رحمت برای ما و کفارۀ گناهانمان قرار داد،زیرا خدا شما را برای ما انتخاب کرد،و آفرینش ما را به آنچه از ولایت شما بر ما منّت نهاد و پاکیزه ساخت،و ما در پیشگاه خدا از نامبردگان به دانش شما و اقرارکنندگان به تصدیقمان نسبت به شما بودیم،این است جایگاه کسی که زیاده روی کرد،و دچار خطا شد،و درمانده گشت،و به آنچه جنایت

کرد اقرار نمود،و به این جایگاهش نجات خود را مید دارد،و اینکه به وسیلۀ شما از ورطه هلاکت برهاندش رهانندۀ هلاک شدگان شما شفیعان من باشید،آنگاه که وارد بر شما شوم همان گاه که مردم دنیا از شما روگردانده اند،و آیات خدا را به مسخره گرفتند،و از قبول آنها تکبّر کردند،ای که او پابرجاست و غفلت نمی کند،و پاینده است و سرگرم نمی شود،و به همه چیز احاطه دارد،تو را منّت است به آنچه مرا موفّق نمودی،و شناساندی به من آنچه را بر آنم واداشتی،آنگاه که بندگانت از او بازداشتند،و شناختش را نادان بودند،و حقّش را سبک شمردند،و به جانب غیر او میل نمودند،پس از جانب تو بر من منّت بود،با اقوامی که اختصاص دادی آنها را به آنچه مرا به آن اختصاص دادی،پس تو را سپاس،به خاطر اینکه در این جایگاهم نزد تو یاد شده و ثبت شده بودم، از آنچه امید کردم مرا محروم مکن،و در آنچه خواندم ناامید مساز،به حرمت محمّد و خاندان پاکش،و درود خدا بر محمّد و خاندان محمّد.پس برای خود به هرچه که خواهی دعا کن.شیخ طوسی(ره)در کتاب«تهذیب»فرموده:

پس از آن هشت رکعت نماز زیارت بجای آور،برای هر امامی دو رکعت

[در وداع ائمه بقیع علیهم السلام]

و شیخ طوسی و سیّد ابن طاووس گفته اند چون خواستی ایشان را وداع کنی،بگو:سلام و رحمت و برکات خدا بر شما ای پیشوایان هدایت،شما را به خدا می سپارم،و بر شما سلام می فرستم،به خدا و رسول،و به آنچه شما آورید و بر آن راهنمایی کردید ایمان آوردیم،خدایا ما را با گواهان بنویس.

سپس بسیار دعا کن،و از خدا بخواه،که دیگر بار تو را به زیارت ایشان برگرداند،و زیارت آن بزرگواران آخرین زیارت

تو نباشد.علاّمۀ مجلسی(ره)،در«بحار»از یکی از نسخه های قدیمی،زیارت مبسوطی ایراد فرموده و چون به تصریح ایشان و دیگران،بهترین زیارات برای آن بزرگواران زیارات جامعه است[مجموعه ای زیارات است که به هر کدام زیارت جامعه گفته می شود مانند زیارت امین اللّه،جامعه معروفه و...]که پس از این ذکر خواهد شد ان شاء اللّه،به همین خاطر ما در این مقام به همین اندازه اکتفا کردیم و در باب اول،در ذکر زیارات حجج طاهره علیهم السّلام در ایام هفته،زیارتی برای حضرت امام حسن علیه السّلام و زیارتی برای این سه امام بزرگوار نقل کردیم[صفحه 98]،از آنها غفلت نشود بدان که ما در زیارت هر یک از حجج طاهره علیهم السّلام غیز از ائمه بقیع علیهم السّلام صلواتی برای صاحب زیارت ذکر می کنیم،و در صلوات بر این بزرگواران اکتفا می کنیم به صلواتی که در آخر باب زیارات ذکر می شود،به آنجا رجوع شود،و با ذکر صلوات بر ایشان ترازوی اعمال حسنه خود را سنگین کن.

[قطعه ای از قصیده ازری]

بدان که کثرت شوق این مهجور شکسته به آن مشاهد مشرفه مرا وادار می کند که از قصیدۀ هائیه[یعنی قصیده ای که قافیه آن حرف«ه»است]فاضل اوحدی،مادح آل احمدی جناب شیخ ازری(ره)چند شعری که مناسب با این مقام است ذکر کنم و خود را به آن مشغول نمایم.دربارۀ این قصیده از شیخ الفقهاء العظام خاتم المجتهدین الفخام شیخ محمّد حسن، صاحب«جواهر الکلام»نقل شده،که آرزو می کرد آن قصیده در نامه عمل او نوشته شود و کتاب با عظمت«جواهر» در نامه عمل ارزی ثبت گردد،ازری(ره)چنین فرموده است:

به راستی که شوق این دلها را به پریشانی نشانده*و این چشمها را گریه خون آلود نموده* جریحه دار کننده ترین بلاها دیده ام را نگریاند*ولی عشق دوست آن را به گریه انداخت* هر روز برای حوادث بازگشتی است*که کوه رضوی را قدرت برخورد با آنها نیست* چگونه امید نجات از آنها می رود*مگر با پیمانی از آقای رسولان طه* حصار محکم هراسندگان از هر هراسی*کاملترین عرب از جهت تعهّد و وفادارترین آنها

سرچشمۀ دانش جز نزد او نیست*خبر کائنات است از ابتدای آنها* از او دانش و بردباری بر خلق افاضه شد*که خردها خردمندی خود را از آن دو گرفت* نامش را بلند آوازه کرد آسمانها*و زمین،چنان که بلند آوازه کرد صبح را آفتابش* و این گونه شد که فضائل او را پخش کردند*هر قومی با اختلاف زبانهایشان* به وجد آمد خاک از نامش*و برتری گرفت از بلندترین آسمانها پست ترین جایگاهش* از نظر ذات از جوهر تقدّس گذشت*پیابران در عنای آن مبهوت شدند* فکرت را در صفات احمد جولان مده*زیرا همان صورتی است که هرگز آن را نخواهی دید*خدا را کداین آفریده است که بزرگتر از او باشد*او هدفی است که خدا آن را استقصا نموده*خدا شرق و غرب را طاهر به باطن زیر و رو کرد*پس احمد را دید و او را انتخاب کرد* من منازل قدس او را فراموش نمی کنم*که آنها را تقوا بنا کرد پس بنایش را برافراشت* و مردان با عزّتی را در خانه هایی*که خدا اجازه داد حریم آنها عزیز شمرده شود* سرورانی که جز رضای خدا را نمی خواسته اند*چنان که خدا هم جز رضای آنان را نمی خواست* آنان را از کمال خود به معناهایی اختصاص داد*و آنان را به برترین نامهایش نامید

ص:515

برای عرش جز گنجهایی نبودند*پنهان،منزّه است آنکه آشکارشان کرد* برای آنها چه بسیار زبانهایی است که از خدا خبر می دهد*آنها قلمهای حکمتی بودند که خدا تراشید* آنان دیدگان سالمی هستند که راهنمایی کنند*هر چشم نابینایی را دو چشم سالم آنها* دانشمندان امامان حکیمانی هستند*که ستارگان با پیروی از هدایت آنها هدایت شوند* پیشروانی که دانش و بینش عقلشان*شنیدگاه و دیدگاه هر حکمتی است* باک ندارم گرچه بر زمین فرو ریزد*آسمانها،پس از نائل شدن به دوستی آنان

ذکر سایر زیارات در مدینه طیبه

اشاره

به نقل از کتاب«مصباح الزائر»و غیر آن

زیارت ابراهیم پسر رسول خدا

نزدیک قبر می ایستی و می گویی:سلام بر رسول خدا،سلام بر پیامبر خدا، سلام بر محبوب خدا،سلام بر برگزیدۀ خدا،سلام بر راز خدا،سلام بر محمّد بن عبد اللّه،سرور پیامبران و خاتم فرستادگان،و برگزیدۀ خدا از خلقش در زمین و آسمان،سلام بر همۀ پیامبران و رسولان خدا،سلام بر شهیدان و

سعادتمندان و شایستگان،سلام بر ما و بر بندگان شایسته،سلام بر تو ای روح پاک،سلام بر تو ای جان شریف،سلام بر تو ای نسل پاکیزه،سلام بر تو ای انسان پاک،سلام بر تو ای فرزند بهترین مردم،سلام بر تو ای فرزند پیامبر برگزیده،سلام بر تو ای فرزند برانگیخته به سوی تمام مردم،سلام بر تو ای فرزند مژده دهنده و بیم ده،سلام بر تو ای فرزند چراغ نوربخش،سلام بر تو ای فرزند تایید شده به قرآن،سلام بر تو ای فرزند فرستاده شده به سوی انس و جنّ،سلام بر تو ای فرزند دارای پرچم و نشان،سلام بر تو ای فرزند شفیع روز قیامت،سلام بر تو ای فرزند کسی که خدا او را مخصوص به کرامت فرمود،سلام و رحمت و برکات خدا بر تو،شهادت میدهم که خدا خانهٔ نعمتش را برای تو برگزید،پیش از آنکه احکامش را بر تو واجب کند،یا تو را به حلال و و حرامش مکلّف گرداند،پس تو را به سوی خود انتقال داد.پاک و پاکیزه،پسندیده و پاک از هر ناپاکی،منزّه از هر چرک،و در بهشت آسایش جایت داد،و به سوی درجات برتر بالایت برد،درود خدا بر تو درودی که دیدهٔ رسولش را به آن روشن گرداند،و به بزرگ ترین آرزویش برساند.خدایا قرار ده برترین و پاکیزه ترین درودهایت،و فزاینده ترین و کاملترین برکاتت را بر رسول و پیامبر و بزگزیده

ص:517

از میان بندگانت،محمّد خاتم پیامبران،و بر آنان که پدید آمدند از اولاد پاکش،و بر کسی که یادگار گذاشته از اهل بیت پاکیزه اش،به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.خدایا از تو درخواست می کنم به حق محمّد برگزیده ات،و ابراهیم فرزند پیامبرت،اینکه به حق آنان قرار دهی کوششم را مورد سپاس،و گناهم را آمرزیده و زندگی ام را سعادتمندانه،و عاقبتم را ستوده،و حاجاتم را روا گشته،و کارهایم را پسنیده،و امورم،را ملازم با سعادت،و شونم را پسندیده.خدایا،و توفیق را برایم نیکو گردان،و هر اندوه و فشاری را از من برطرف ساز.خدایا مرا از کیفرت برکنار دار،و ثوابت را بی دریغ به من ببخش، و در بهشتت جایم ده،و خشنودی و امانت را روزی ام کن،و با من در دعهای شایسته ام شریک کن پدر و مادر و فرزندانم را،و همه مردان و زنان اهل ایمان را،زنده و مردهٔ آنان را،به درستی که تو صاحب ماندنیهای شایسته ای،اجابت فرما ای پروردگار جهانیان.پس حاجت خود را بخواه،و دو رکعت نماز زیارت بجا آر

زیارت جناب فاطمه بنت اسد

مزء قبر آن مخدّره می ایستی و می گویی:سلام بر پیامبر خدا،سلام بر رسول خدا، سلام بر محمّد سرور رسولان،سلام بر محمّد سرور پیشینیان،سلام بر محمّد سرور آیندگان،سلام بر کسی که خدا او را رحمتی برای جهانیان برانگیخت،سلام و رحمت و برکات

ص:518

خدا بر تو ای پیامبر.سلام بر فاطمه دختر اسد آن بانوی هاشمیه،سلام بر تو ای صدیقه پسندیده، سلام بر تو ای پرهیزگار پاکیزه،سلام بر تو ای بزرگوار خشنود،سلام تو ای کفالت کنندۀ محمّد خاتم پیامبران،سلام بر تو ای مادر سرور اوصیاء،سلام بر تو ای که غمخواری ات بر رسول خدا خاتم پیامبران آشکار شد،سلام بر تو ای که پرورشش برای ولی امین خدا بود،سلام بر تو و بر روح و بدن پاک تو،سلام و رحمت و برکات خدا بر تو و فرزنت،شهادت می دهم که به خوبی سرپرستی کردی،و امانت را ادا نمودی،و در راه خشنودی حق کوشیدی،و نهایت زحمت را در حفظ رسول خدا متحمّل شدی،درحالی که به حقّش عارف بودی،و به راستگویی اش ایمان داشتی،و به نبوّتش معترف بودی،و به نعمتش بصیرت داشتی،تربیتش را عهده دار،بر وجودش غم خوار، و به خدمتش مهیّا،و خشنودی اش را اختیار نمودی،شهادت می دهم که بر ایمان،و تمسّک به شریف ترین ادیان از جهان گذشتی،خشنود و پسندیده،پاک و پاکیزه،پرهیزکار و نظیف، خدا از تو خشنود باشد،و خشنودت نماید،و منزل و جایگاهت را بهشت قرار دهد.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و به زیارت او سودم ده،و بر محبّتش پایدارم کن،و مرا از شفاعتش و شفاعت امامان از نسلش محروم مفرما،و همجواری و محشور شدن با او و فرزندان پاکش را روزی ام کن.خدایا

ص:519

این زیارت را آخرین زیارتم از این بانو قرار مده،بازگشت به زیارتش را همیشه تا زنده ام می داری روزی ام فرما،و چون مرا میراندی در گروه او محشورم کن،و در شفاعتش واردم نما،به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

خدای به حق او مقامش در پیشگاهت،مرا و پدر و مادرم و همه مردان و زنان با ایمان را بیامرز،و به ما در دنیا و آخرت پاداش نیکو عنایت کن،و به رحمتت،از عذاب دوزخ نگاهمان دار سپس دو رکعت نماز زیارت می خوانی و به آنچه که خواهی دعا می کنی و برمیگردی.

زیارت حضرت حمزه در احد

اشاره

چون به زیارت آن حضرت نزد قبرش رفتی بگو:سلام بر تو ای عموی رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش باد)سلام بر تو ای بهترین شهیدان،سلام بر تو ای شیر خدا و شیر رسول خدا،شهادت می دهم که تو در راه خدای عزّ و جلّ جهاد کردی،و جانت را بخشیدی،و برای رسول خدا خیرخواهی نمودی،و آنچه را نزد خدای پاک بود رغبت داشتی،پدر و مادرم فدایت،به سویت آمدم،تا با این آمدن به رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش باد)تقرّب جویم،مشتاق به توام در شفاعت،با زیارتت رهایی جانم را می طلبم،به تو پناهنده ام از آتشی که مثل من به خاطر جنایتی که بر خود کرده ام مستحقّ آن است، از گناهانی که بر پشتم بار کرده ام گریزانم،به امید رحمت پروردگارم به تو پناهنده ام،از راه دور

مشقّت باری به سویت آمدم،خواهان آزادی ام از آتش دوزخ،پشتم را گناهانم سنگین بار کرده،و بجا آورده ام آنچه را که پروردگارم را به خشم آورده،احدی را برای خود بهتر از شما اهل بیت رحمت نیافتم که به او پناه برم،پس روز تهیدستی و حاجت شفیع من باش،که اندوهگین به سویت سیر کردم،و محزون به جانبت آمدم،و گریه کنان در پیشگاهت اشک ریختم،و تنها به محضرت آمدم،و تو از کسانی هستی که خدا پیوندش را به من دستور داده،و به نیکی بر او فرمانم داده،و بر فضلش دلالتم کرده،و به محبّتش راهنمایی ام نموده،و به وار شدن بر او تشویقم کرده،و خواستن حوایج را نزد او به من الهام نموده، شما اهل بیتی هستید که هرکه دوستتان بدارد هرگز بدبخت نشود،و هرکه به جانب شما آید هرگز محروم نگردد،و هرکه هوای شما را بدارد هرگز زیانکار نشود، و هرکه شما را دشمن بدارد هرگز به سعادت نرسد.پس رو به قبله می کنی،و دو رکعت نماز زیارت بجا می آوری،و پس از تمام شدن، نماز،خود را به قبر می چسبانی و می گویی:خدای بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،خدایا،من با ملازمت قبر عموی پیامبرت(درود خدا بر او و خاندانش باد)،خود را در معرض رحمتت قرار دادم،تا از انتقامت پناهم دهد،در روزی که ناله ها در آن بسیار می شود،و سرگرم شود هرکه به آنچه پیش فرستاده،و از خود دفاع نماید،اگر در آن روز به من رحم کنی،ترس و اندوهی بر من نیست،و اگر کیفرم دهی،پس مولایی هستی که او را بر بنده اش قدرت کامل است،پس از این روز محرومم مساز،و بدون برآورده شدن حاجتم باز مگردان،چرا که خود را به قبر عموی پیامبرت چسباندم،و به وسیلۀ او به سوی تو تقرّب جستم،برای طلب رضای تو،و امید به رحمتت،بنابراین از من بپذیر،

ص:521

و به بردباری ات بر جهلم به من بازگرد،و به مهرت بر جنایتی که بر خود وارد آوردم،هرآینه گناهم بزرگ شد،و از اینکه به من ستم کنی نمی ترسم،ولی از بدی حساب می ترسم،پس امروز غلطیدنم بر قبر عموی پیامبرت را بنگر،پس به حق حرمت آن دو بزرگوار از آتش آزادم کن،و کوششم را محروم از رحمت مفرما،و زاری ام بر تو سبک نیاید،و صدایم از تو محجوب نگردد،و بدون برآورده شدن حاجتم مرا باز نگردان،ای فریادرس هر دلگیر اندوهگین،ای گشایندۀ اندوه از غمزدۀ سرگردان و غرق شده مشرف به هلاکت،پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و به من نظر کن نظر کردنی که بعد از آن بدبخت نشوم هرگز،و به زاری و اشک و تنهایی ام رحم کن،من خشنودی ات را امید دارم، و جویای آن خیری هستم،که احدی آن را جز تو عطا نمی کند،پس آرزویم را باز مگردان،خدایا اگر کیفر کنی،پس مولایی هستی که بر بنده اش و سزایش به بدی عملش قدرت دارد،پس امروز نومیدم مکن،و بدون حاجتم باز مگردان، و حرکت کردن و آمدنم را ناامید مفرما،زیرا توشه ام را خرج کردم،و بدن را به زحمت انداختم،و بیابانهای خطرناک را پشت سر گذاشتم،و اهل و مال و آنچه را به من دادی بجای گذاردم و آنچه را نزد تو است بر خود اختیار نمودم،و به قبر عموی پیامبرت(درود خدا بر او و خاندانش باد)پناه بردم،و به وسیلۀ او برای به دست آوردن رضایت تقرّب جستم،پس به بردباری ات بر جهلم،و به رأفتت بر گناهم بازگرد،به راستی بزرگ شده،به مهربانی ات ای بزرگوار،ای بزرگوار.

[فضیلت زیارت جناب حمزه]

مؤلّف گوید:مدایح جناب حمزه(ره)و فضیلت زیارت آن حضرت پیش از آن است که ذکر شود.فخر المحققین(ره)در

ص:522

«رسالۀ فخریه»فرموده است:زیارت حمزه و باقی شهدای مدفون در احد مستحبّ است،زیرا از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله روایت شده:هرکه مرا زیارت کند و عمویم حمزه را زیارت نکند،همانا به من جفا کرده است.این فقیر د رکتاب«بیت الأحزان» در مصائب سیّدۀ زنان عالم نقل کرده ام که حضرت فاطمه علیها السلام پس از وفات پدر بزرگوار خود،هر روز دوشنبه و پنجشنبه به زیارت حمزه و شهدای احد می رفت و نماز می خواند و دعا می کرد و این عمل را تا زمان وفاتش ترک نکرد.محمود بن لبید گفته است:آن سیّدۀ جلیله کنار قبر حمزه می رفت،و گریه می کرد،من در یکی از روزها به زیارت حمزه مشرّف شدم،دیدم آن مظلومه نزد قبر حمزه مشغول به گریه است،من صبر کردم تا از گریه آرام شد،نزدیک رفتم و سلام کردم و گفتم:ای سیّدۀ زنان،به حق خدا قسم،با این گریه ات رگهای دلم را قطع کردی!!فرمود:ای ابا عمر گریستن برای من شایسته است،زیرا مصیبت بهترین پدرها رسول خدا صلی اللّه علیه و آله به من رسیده،آنگاه فرمود:

وا شوقاه الی رسول اللّه و چنین انشاء کرد:

چون بمیرد روزی مرده ای یادش کم شود*و یاد پدرم از وقتی که وفات کرد به خدا قسم بیشتر است شیخ مفید(رحمه اللّه علیه)فرمود رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش باد)در زمان حیاتش به زیارت قبر حمزه امر فرمود،و خود آن حضرت به زیارت حمزه و شهداء می آمد،و فاطمه(درود خدا بر او)همواره پس از وفات پیامبر (درود خدا بر او و خاندانش باد)همواره صبح و شب به جانب قبر حمزه می رفت،و مسلمانان هم برای زیارت و ملازمت قبر حمزه نوبت به نوبت می آمدند.

زیارت قبول شهدا در احد

در زیارت ایشان می گویی:سلام بر رسول خدا،سلام بر پیامبر خدا،سلام بر محمّد بن عبد اللّه،سلام بر اهل بیت پاکش،سلام بر شما ای شهیدان مؤمن،

ص:523

سلام بر شما ای اهل بیت ایمان،و توحید،سلام بر شما ای یاوران دین خدا و رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش باد)سلام بر شما بخاطر آن صبری که کردید،چه خوب است سرانجام خانۀ آخرت،شهادت می دهم که خدا شما را برای دینش برگزید،و برای رسولش انتخاب کرد،و شهادت می دهم که شما در راه خدا جهاد کردید جهادی شایسته، و از دین خدا و پیامبرش دفاع نمودید،و در برابر رسول خدا جانبازی کردید،و شهادت می دهم که بر روش رسول خدا کشته شدید،پس خدا شما را از جانب پیامبر و از سوی اسلام و اهلش پاداش دهد بهترین پاداش،و در محل رضوان و موضع اکرامش شما را به ما بشناساد،در کنار انبیا و صدیقین و شهدا و صالحین،و آنان از جهت رفاقت نیکو رفیقانی هستند،شهادت می دهم که شما حزب خدایی،و اینکه هرکس با شما جنگید،با خدا جنگیده،و شما از مقرّبان و رستگاران هستید،آنان که نزد خدا زنده اند،و روزی داده می شوند،لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر آنان باد که شما را کشتند،ای اهل توحید زیارت کنان به محضرتان آمدم،به حق شما آگاهم و به زیارتتان به سوی خدا تقرّب می جویم،و به آنچه که از اعمال شریفه،و کارهای پسندیده گذشته دانایم، سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد،و لعنت خدا و خشم و غضبش بر آنان که شما را کشتند.

خدایا به زیارت اینان سودم ده،و بر قصدشان ثابتم دار،و بر آنچه آنان را بر آن میراندی مرا بمیران،و در قرارگاه خانۀ رحمتت میان من و آنان جمع کن،شهادت می دهم که شما بر ما پیشی گرفتید،و ما هم به شما ملحق می شویم.

ص:524

و سورۀ«انا انزلنا»را تا توانی می خوانی و بعضی گفته اند نزد هر شهیدی که او را زیارت می کنی دو رکعت نماز بجای آر،و برگرد

ذکر مساجد معظمه در مدینه منوره

[مسجد قبا،مشربه ام ابراهیم،مسجد فضیح،مسجد فتح،خانه حضرت سجاد و امام صادق،مسجد سلمان،مسجد امیر المؤمنین و مسجد مباهله]

از جمله مسجد قباست که از آغاز بر پایه پرهیزکاری بنا شده،روایت شده:هرکه به آن مسجد برود و دو رکعت نماز بگذارد،با ثواب عمره باز می گردد.پس به آن مسجد شریف برو،و دو رکعت نماز تحیّت مسجد بجا آور،و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بخوان و زیارت جامعه را که اوّلش«السّلام علی اولیاء اللّه»است قرائت کن،ما آن را زیارت اول جامعه قرار می دهیم و در اواخر باب ان شاء الله تعالی خواهد آمد،پس خدا را بخوان و بگو:«یا کائنا قبل کلّ شیء»و این دعایی است طولانی و نقلش منافی با اختصار است،هرکه خواهد به باب مزار کتاب بحار الأنوار مراجعه کند.و در مشربه امّ ابراهیم [یعنی غرفه مادر حضرت ابراهیم فرزند رسول خدا(ص)]که مسکن و محّل نماز رسول حق صلی اللّه علیه و آله بوده نماز بگذار،و نیز نماز بخوان در مسجد فضیخ که نزدیک مسجد قباست و آن را مسجد«ردّ شمس»هم می گویند،همچنین در مسجد فتح که مسجد«احزاب»می خوانند زمانی که در مسجد فتح از نماز فارغ شدی بگو:ای فریادرس گرفتاران،ای اجابت کنندۀ دعای ناچاران، ای دادرس اندوهگینان،بدحالی و اندوه و گرفتاری و غمم را برطرف ساز،چنان که از پیامبرت(درود خدا بر او و خاندانش باد)اندوهش را برطرف کردی و او را از هراس دشمنش کفایت نمودی،در آنچه از کار دنیا و آخرت اندیشه مرا مشغول داشته کفایتم کن، ای مهربان ترین مهربانان.

و در خانۀ حضرت سجّاد علیه السّلام،و امام صادق علیه السّلام و مسجد سلمان(ره)،و مسجد امیر المؤمنین علیه السّلام که مقابل قبر حمزه(ره)است، و مسجد مباهله تا جایی که بتوانی نماز بخوان،و به آنچه خواهی دعا کن،

[در خروج از مدینه منوره و زیارت وداع]

هرگاه خواستی از مدینه بیرون روی،غسل کن،و نزد قبر رسول خدا صلی اللّه علیه و آله برو،و آنچه پیش از این انجام می دادی انجام ده،آنگاه آن حضرت را وداع کن و بگو سلام بر تو ای رسول خدا،تو را به خدا می سپارمت،و از تو می خواهم رعایتم کنی،و بر تو سلام می فرستم،به خدا و آنچه تو آوردی و به آن راهنمایی کردی ایمان آوردم.خدا این زیارت را آخرین نوبت من از زیارت قبر پیامبرت قرار مده،اگر مرا قبل از اینکه دوباره به زیارت آیم بمیرانی،پس در مرگم شهادت می دهم،آنچه در حیاتم بر آن شهادت دادم،به اینکه معبودی جز تو نیست،و محمّد بنده و رسول توست،درود خدا بر او و خاندانش.حضرت صادق علیه السّلام در وداع قبر پیامبر صلی اللّه علیه و آله به یونس بن یعقوب فرمود چنین بگو:

درود خدا بر تو،سلام بر تو،خدا آن را آخرین سلام من بر تو قرار ندهد.

مؤلّف گوید:ما در کتاب(هدی الزائرین)در بیان تکالیف زائران مدینۀ طیّبه نوشتیم،از چیزهایی که برای ایشان مهم است این است که تا در مدینۀ معظّمه،هستند،فرصت را غنیمت دانسته،در مسجد رسول خدا صلی اللّه علیه و آله بسیار نماز بجای آورند،که نماز در آنجا برابر ده هزار نماز است که در جای دیگر خوانده شود و بهترین مکانهای مسجد روضۀ شریفه است که بین قبر و منبر قرار دارد.بدان که شیخ ما حاجی نوری در«تحیّه»فرموده است:مقدار جای جسد مبارک پیامبر و ائمه ما«صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین»از کعبه معظّمه به اتفاق جمیع فقها چنان که شهید(ره)در کتاب«قواعد»به آن تصریح نموده اشرف است.در حدیث حسن،از حضرمی روایت شده است که امام صادق علیه السّلام مرا امر فرموده:در مسجد رسول خدا صلی اللّه علیه و آل تا میتوانم بسیار نماز بخوانم،و فرمود:همیشه ترا میّسر نمی گردد به این مکان شریف بیایی...تا اخر خبر.شیخ طوسی(ره)در کتاب

«تهذیب»به سند معتبر از مزارم روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود:روزه گرفتن در مدینه و نماز خواندن نزد ستونها واجب نیست،بلکه واجب همان نمازهای پنجگانه و روزۀ ماه رمضان است،ولی اگر کسی بخواهد روزه بگیرد برای او بهتر است.و فرمود در این مسجد شریف تا بتوانید بسیار نماز بخوانید،که برای شما بهتر است7بدانید آدمی گاه می شود که در دنیا زیرک است،و مردم او را مدح می کنند،که فلانی چه بسیار زیرک است،پس امر کسی که در کار آخرت زیرک باشد چگونه است؟و رسول خدا و ائمۀ بقیع را در روز به اندازه ای که برای تو ممکن است به طور مکرّر زیارت کن،و هرگاه حجرۀ رسول الهی را مشاهده کردی بر آن حضرت سلام بده و تا در مدینه هستی مواظب خود باش، و خویش را از گناهان و مظالم حفظ کن و تدبّر و تفکّر کن در شرافت آنجا،به خصوص در مسجد شریف که قدمهای مبارک رسول خدا بر آن زمینها گذاشته شده و آن بزرگوار در کوچه و بازار آن تردّد نموده،و در آن مسجد نماز خوانده و آنجا جایگاه وحی و تنزیل است، و جبریل امین و ملائکه مقرّب در آنجا نازل می شدند،و چه خوب گفته شده:

زمینی که جبریل در عرصاتش راه یافته*و خدا زمین و آسمانش را شریف گردانده و تا ممکن شود،در مدینه صدقه بده،به خصوص در مسجد و مخصوصا به سادات و ذرّیه رسول خدا صلی اللّه علیه و آله که ثواب جزیل و اجر عظیم بر آن مترتّب است.علاّمۀ مجلسی فرموده:در روایت معتبر وارد شده:درهمی که در آنجا صدقه دهند برابر است با ده هزار درهم صدقه در جای دیگر و اگر برایت ممکن باشد مجاورت آن شهر پاک را اختیار کن،که مجاورت در مدینه مستحبّ است و احادیث مستفیضه در فضیلت آن وارد شده است.

خدا قبری را در مدینه با بارانش سیرا کند*که در آن فرود آمده امنیت با برکتها* پیامبر هدایت که خدایش بر او درود فرستد*و برساند از ما به روان او هدیه ها* درود فرستد خدا بر او تا خورشید می تابد*و می درخشد ستارگان شب شتابان

ص:527

فصل چهارم: در فضیلت و کیفیت زیارت مولایمان حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام

اشاره

«و در آن چند مطلب است:

مطلب اول:در فضیلت زیارت آن حضرت است.

شیخ طوسی به سند صحیح،از محمّد بن مسلم،از امام صادق علیه السّلام روایت کرده:خدا مخلوقی بیشتر از ملائکه خلق نفرموده،به درستی که هر روز هفتاد هزار ملک نازل می شوند،و به بیت المعمور می آیند و دور آن طواف می کنند،چون از طواف آنجا فارغ می شوند،به طواف کعبه می روند،و چون از طواف کعبه فارغ شدند،به سوی قبر پیامبر صلی اللّه علیه و آله می آیند،و بر آن حضرت سلام می کنند،پس از آن سوی قبر امیر المؤمنان علیه السّلام می آیند،بر آن حضرت سلام می کنند،و بعد از آن نزد قبر حسین علیه السّلام می آیند و بر آن جناب سلام می کنند،پس از آن به آسمان بالا می روند،و مانند ایشان هر روز نازل می شوند،تا روز قیامت.سپس فرمود:هرکه امیر مؤمنان علیه السّلام را زیارت کند و عارف به حق آن حضرت باشد،یعنی آن جناب را امام واجب الاطاعه،و خلیفه بلا فصل بداند،و از روی جبّاریت و تکبر نیامده باشد،حق تعالی اجر صد هزار شهید برای او بنویسد و گناهان گذشته و آیندهٔ او را بیامرزد،و روز قیامت از جملهٔ ایمنان از هولهای آن روز برانگیخته شود.و خدا حساب را بر او آسان نماید،و هنگام حرکت به سوی زیارت،ملائکه از او استقبال کنند،و چون از زیارت برگدد او را مشایعت نمایند تا به خانهٔ خود برگدد،و اگر بیمار شود به عیادت او بیایند،و اگر بمیرد جنازهٔ او را مشایعت کنند،و برای او تا کنار قبرش طلب آمرزش نمایند.سیّد عبد الکریم ابن طاووس در کتاب«فرحه الغریّ»از آن حضرت روایت کرده:هرکه پیاده به زیارت امیر مؤمنان علیه السّلام رود،حق تعالی به هر گامی ثواب یک حجّ و یک عمره برای او بنویسد،و اگر پیاده برگردد به هر گامی ثواب دو حجّ و دو عمره برای او بنویسد،و نیز از آن حضرت روایت کرده که به ابن مارد فرمود:ای پسر مارد،هرکه جدّم امیر المؤمنین علیه السّلام را در صورت عرفان به حقّش زیارت کند،حق تعالی برای او به عدد هر گامی حجّ مقبول و عمرهٔ پسندیده بنویسد،ای پسر مارد و اللّه آتش جهنم نمی خورد،گامی که در زیارت امیر

المؤمنین غبار آلوده شود،خواه پیاده رود و خواه سواره،ای پسر مارد این حدیث را به آب طلا بنویس.و همچنین از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود:ما می گوییم در پشت کوفه قبری است،که به آن قبر دردمندی پناه نمی برد مگر آنکه حق تعالی او را شفا کرامت فرماید.

مؤلّف گوید:از اخبار معتبر ظاهر می شود که حق تعالی قبر امیر المؤمنین و اولاد طاهرینش علیهم السّلام را پناهگاه هراسندگان و ملجأ بیچارگان،و امان اهل زمین قرار داده،هر غمناکی که نزد او برود غمش زائل می شود،و هر دردمندی که خود را به آن بمالد شما می گیرد،و هر که به آن پناه برد در امان باشد.سیّد عبد الکریم بن طاووس از محمّد بن علی شیبانی روایت کرده است که گفت:من و پدر و عمویم حسین،به طور پنهان،در شب تار به زیارت قبر امیر المؤمنین علیه السّلام رفتم،و این کار در سال دویست و شصت و اندی بود و من در آن هنگام کودکی صغیر بودم،چون به قبر آن حضرت رسیدیم دیدیم در اطراف آن قبر سنگهای سیاه گذاشته شده و بنایی ندارد،به قبر نزدیک شدیم،عدّه ای از ما مشغول خواندن قرآن،و بعضی مشغول نماز،از آن محل شریف دور شدیم،آن حیوان نزدیک قبر رفت و شروع به مالیدن ذراع خود به قبر کرد،یکی از ما نزدیک شیر رفت و به تماشای آن ایستاد،حیوان متعرض او نشد،برگشت و ما را به حال شیر خبر داد ترس از ما برطرف شد،همگی نزدیک او رفتیم،در وضعش دقّت کردیم،دیدیم در ذراع او جراحتی است و آن حیوان محلّ جراحت را به قبر آن حضرت می مالید،حدود یک ساعت به این حال بود،سپس رفت،ما هم به حال اوّل خود،به نماز و زیارت و قرائت قرآن برگشتیم.شیخ مفید نقل کرده:هارون الرشید روزی به قصد شکار از کوفه بیرون رفت،و به سوی غریّین و ثویه روی نمود،آهوانی را در آنجا دید،فرمان داد،بازهای شکاری و سگان تعلیم دیده را برای شکار آهوان رها کردند،و خود و افرادش نیز بر آنها تاختند،آهوان با دیدن این وضع فرار کرده،به پشته ای پناه بردند و آنجا آرمیدند،بازهای شکاری در ناحیه ای افتادند،و سگها از حرکت بازمانند،رشید از این امر شگفت زده شد،دیگر بار آهوان از فراز پشته به نشیب آمدند،بازها و سگها آهنگ آنان نمودند،باز آهوان به آن

پشته پناه بروند و حیوانات شکاری از قصد آنان بازگشتند.این عمل سه مرتبه تکرار شد.هارون به شدّت شگفت زده شد.

غلامان خود را دستور داد،که هرچه سریعتر،کسی که از موقعیت این مکان با خبر باشد نزد من بیاورید،غلامان رفتند، و از طایفهٔ بنی اسد پیرمردی را حاضر کردند.هارون از او پرسید:حال این پشته چیست و این مکان را چه کیفیتی است؟گفت:اگر مرا امان دهی داستان آن را بیان می کنم،هارون گفت:با خدا عهد کردم که تو را آزار ندهم،و در امان باشی،اکنون آنچه را خبر داری بگو،پیرمرد گفت:پدرم مرا از پدران خود خبر داد که می گفتند:قبر مطهّر امیر المؤمنین علیه السّلام در این پشته واقع است و خدا آن را حرم أمن و امان خود قرار داده،که هرچه به آن پناه برد در امان باشد،فقیر گوید:

در امثال عرب است که می گویند:احی من المجیر الجراد فلانی حمایت کردنش،از کسی که در پناه اوست،از پناه دهندهٔ ملخ ها بیشتر است و داستان آن این است:که مردی بادیه نشین از قبیله طیّ،به نام مدلج بن سوید،روزی در خیمه اش نشسته بود،دید گروهی از طایفه طیّ آمدند،در حالی که جوال و ظرفهایی با خود دارند،پرسید:چه خبر است گفتند:ملخ های زیادی در اطراف خیمهٔ شما فرود آمده اند،قصد صید آنها را داریم،مدلج پس از شنیدن این خبر.بر اسب خود نشست و نیزه اش را به دست گرفت و فریاد زد:به خدا سوگند،هرکه متعرض این ملخ ها شود،او را خواهم کشت:ایکون الجراد فی جواری ثم تریدون اخذه؟آیا این ملخها در پناه من باشند و شما آنها را صید کنید،چنین کاری نخواهد شد.مدلج پیوسته از آنها حمایت کرد تا آفتاب گرم شد و ملخها در گرمای آفتاب پریدند و رفتند،در آن هنگام به آن جمعیّت گفت:این ملخها از جوار من منتقل شدند،خود دانید با آنها!صاحب قاموس گفته است:ذو الاعواد لقب شخصی بسیار عزیز بوده،بعضی گفته اند جدّ أکثم بن صیفی است،طایفهٔ مصر هرسال خراجی به او می پرداختند چون پیر شد او را بالای تختی می نشاندند،و در میان قبائل و کنار چاه های آب عرب برای جمع آوری خراج می گرداندند،به اندازه ای عزیز و محترم بود،که هرترسانی خود را به تخت او می رساند ایمن می شد.و هرذلیل و خواری به نزد تخت او می آمد،عزیز و ارجمند می گردید،و هرگرسنه به او می رسید،از گرسنگی می رهید،پس هرگاه تخت یک عرب،به این درجه از عزّت و رفعت رسد،چه عجب باشد که حق تعالی قبر ولّی خود را که حمل کننده تابوتش

جبرییل و میکاییل و امام حسن و امام حسین علیهما السّلام بوده اند،پناه هراسندگان،و ملجأ گریختگان،و فریادرس بیچارگان،و شفای دردمندان،قرار داده باشد؟بنابراین در هر کجا باشی،خود را به آن قبر برسان،و تا ممکن باشد خود را به آن بچسبان، و اصرار کن،تا به فریادت برسد،و تو را از هلاکت دنیا و آخرت برهاند.

به جودش پناه بر،او را ضامنی می یابی*برای نجات گنهگاران روز دیدارش* عیادت کننده آرزومندان است و پاسخ دهنده*و شنواست آنچه را پنهان کنند از گفتگوی سرّی در کتاب«دار السّلام»از شیخ دیلمی نقل شده که جماعتی از صالحان نجف اشرف روایت کرده اند:کسی در خواب دید، از هر قبری که در آن مشهد شریف و خارج آن است ریسمانی کشیده شده،که متصّل به قبّهٔ حضرت حبل اللّه المتین امیر المؤمنین علیه السّلام است،پس آن شخص چنین انشاد کرد:

زمانی که از دنیا رفتم کنار حیدر دفنم کنید*پدر حسن و حسین چه کریم است او* در جوار او از آتش نمی ترسم*و از منکر و نکیر پروا نمی کنم* بر حامی قرقگاه ننگ است که در عرصهٔ حمایتش*حتی در بیابان قرقگاهش افسار شتری گم شود

مطلب دوّم:در کیفیت زیارت آن حضرت

اشاره

آگاه باش زیارت های روایت شدهٔ برای آن حضرت بر دو بخش است:یکی مطلقه،که مقیّد به وقتی از اوقات نیست و دیگر مخصوصه،که مقیّد به وقت معیّن است،و این زیارات در ضمن دو مقصد بیان می شود:

[مقصد اول:در زیارات مطلقه]

اشاره

مقصد اول:در زیارات مطلقه که بسیار است ،و ما در اینجا تنها به ذکر چند زیارت اکتفا می کنیم.

[اول:زیارتی است که شیخ مفید و شهید و سیّد ابن طاووس و دیگران ذکر کرده اند...]

اول:زیارتی است که شیخ مفید و شهید و سیّد ابن طاووس و دیگران ذکر کرده اند و کیفیت آن به این صورت است:هرگاه ارادۀ زیارت کنی

ص:531

غسل کن،و دو جامهٔ پاک بپوش و به چیزی از بوی خوش خود را خوشبو کن و اگر بوی خوش نیافتی مانعی ندارد،چون از خانه بیرون آمدی بگو:خدایا از خانه ام بیرون آمدم،جویای فضل تو هستم، جانشین پیامبرت(درود تو بر آن دو)را زیارت می کنم.خدایا این زیارت را برایم آسان کن،و سببش را برایم فراهم آر،و مرا نسبت به سرانجام و غمخوارانم جانشین باش به نیکوترین جانشینی،ای مهربان ترین مهربانان.

پس روانه شو،درحالی که زبانت گویا باشد به ذکر:(الحمد للّه و سبحان اللّه و لا اله الاّ اللّه)و چون به حدود کوفه [جایی که در گذشته محّل خندق شهر بوده است]رسیدی بایست و بگو:خدا بزرگتر است،خدا بزرگتر است،شایستهٔ کبریایی و بزرگواری و عظمت است،خدا بزرگتر است،شایستهٔ بزرگ شمردن و تقدیس و تسبیح و نعمتهاست، خدا بزرگتر است از آنچه می ترسم و حذر می کنم،خدا بزرگتر است،تکیه گاه من است،و بر او توکّل می کنم،خدا بزرگتر است،امید من است،و به سوی او باز می گردم.خدایا تو ولی نعمت منی،و بر انجام خواسته ام توانایی،حاجتم و آنچه را دغدغه های سینه ها و خاطرات نفوس پنهان می کند می دانی،خدایا از تو می خواهم به حق محمّد مصطفی که به وسیلهٔ او حجّتهای حجّت تراشان،و عذر عذرخواهان را بریدی،و او را رحمت برای جهانیان قرار دادی،که محرومم نکنی از ثواب زیارت ولیّت و برادر پیامبرت امیر المؤمنین،و توجه به سویش،و مرا از واردان شایسته،و شیعیان پرهیزگارش قرار دهی،به مهربانی ات،ای مهربان ترین مهربانان.چون قبر شریف آن حضرت برایت نمودار شود چنین بگو:

خدا را سپاس که مرا به پاکی ولادت اختصاص داد،و مرا از باب کرامت،به دوستی نیکان و سفیران پاک و بهترین نشانه های حق برگزید،خدایا کوششم را به درگاهت،و زاری ام را به پیشگاهت بپذیر،و گناهانم را که بر تو پوشیده نیست بیامبرز،که تویی خدای فرمانروا و آمرزش پیشه.

مؤلّف گوید:چون به هنگام دیدن بارگاه نورانی،حال نشاط و شوقی به زائر دست می دهد،بطوری که میل دارد در آن وقت،تمام توجّه خود را به آن حضرت متوّجه کند و به هر زبان و بیانی که بتواند،مدح و ثنای آن بزرگوار را بگوید،به خصوص اگر زائر از اهل علم و کمال باشد،علاقه دارد،اگر شعر بلیغی در نظر داشته باشد،در چنان حالی زبانش به آن شعر گویا شود،به این سبب،به خاطرم رسید که قسمتی از قصیدۀ«هاییه»ازریّه را،که مناسب این مقام است ذکر نمایم،تا هر که خواست آن را زمزمه کند،امید واثق که سلامی از جانب صاحب این کارنامۀ سیاه به صاحب بارگاه روشن و سپید نماید،و از دعای خیر فراموشم نفرماید و اشعار این است:

ای سوار تندور مهلت بده*به دلهایی که در سوزشان زیر و رو شوند* اگر سرزمنی نجف نمایان شد خضوع کن*و کفش را بیرون دروازه شهرش بیرون آور* چون دیده ات به گنبد عالم*اعلی افتاد،که انوار پروردگارش پوشاند* پس فروتنی کن که آنجا خانۀ قدس است*که افلاک بوسیدن خاکش را آرزو کنند* به او بگو درحالی که اشکها چون عقیق سرخ ریزان است*و درون به آتش فروزانش می سوزد* ای پسر عمّ پیامبر تو دست خدایی*که نم سخایش همه چیز را فرا گرفته*

ص:533

تویی قرآن قدیم و صفات تو*آیه های آن است که وحی کرد* خدا تو را به افتخارات گوناگونی اختصاص داد*که آنها مانند اعداد بی پایان است* ای کاش دیده ای که در غیر گلستان تو بچرد*پر از خاشاک گردد و خاشاک در آن بماند* تو پس از پیامبر بهترین خلایقی*و آسمان بهتر چیزی که در آن است مهر و ماه است* برای تو ذاتی چون ذات پیامبر است و اگر نبود*تو را به برادری خود نمی گرفت*هر دو از پستان وصال شیر نوشیده اید*که غذای آن از گوهر تجلّی بود* ای برادر پیامبر نزد من گناهانی است*که چون چشم خاشاک دار است و تو جلای آنی* تو را در نردبان شأن و شرافت*مقاماتی است که از پایین ترین آن نتوان بالا رفت* تو را جانی است که از معدن لطف ریخته شده*خدا تمام جانها را فدای آن گرداند چون به دروازۀ نجف برسی بگو:خدا را سپاس که ما را به این جایگاه راهنمایی کرد،و نمی توانستیم به آن راه یابیم اگر خدا راهنماییمان نمی کرد،خدای را سپاس که مرا در شهرهای خود حرکت داد،و بر مرکبهایش سوار نمود،و دور را برایم نزدیک ساخت،و محذور را از من برگرداند،و ناخوشایند را از من دور کرد،تا مرا در حرم برادر رسولش(درود خدا بر او و خاندانش)وارد نمود.پس داخل شهر شو،و بگو:

سپاس خدای را که مرا وارد کرد به این بقعهٔ مبارکه ای که خدا در آن برکت قرار داد،و آنجا را برای جانشین پیامبرش اختیار نمود،خدا آن را گواه من قرار ده.چون به درگاه اول برسی بگو:خدایا به در خانه ات ایستادم و به درگاهت فرود آمدم،و به رشته ات چنگ زدم،و متعرّض رحمتت شدم،و به ولیّ ات متوسّل شدم،آن را زیارتی پذیرفته،و دعایی مستجاب قرار دهد.چون به در صحن رسیدی بگو:خدایا این حرم،حرم توست،و مقام،مقام توست،و من وارد آن می شوم،و با تو مناجات می کنم،به آنچه تو به آن از من داناتری،و از نهان و راز من آگاه تری،خدای را سپاس خدای مهرورز و نعمت بخش و کرم کننده،که از کرم اوست که زیارت مولایم را به احسانش برای من هموار ساخت،و از زیارتش مرا ممنوع نکرد،و از ولایتش برکنار ننمود،بلکه کرم و احسان کرد.خدایا چنان که معرفتش بر من منّت نهادی پس مرا از پیروانش قرار ده،و به شفاعتش وارد بهشت کن،این مهربان ترین مهربانان.آنگاه داخل صحن شو و بگو:خدای را سپاس که مرا به معرفتش، و معرفت رسولش،و آنکه طاعتش را بر من واجب کرد گرامی داشت،و این از باب رحمت و بخشش به من بود،و به ایمان بر من منّت نهاد،خدای را سپاس که مرا به حرم برادر رسولش وارد نمود،و آن را در حال سلامت کامل به من نشان داد، خدای را سپاس که مرا از زیارت کنندگان قبر جانشین رسولش قرار داد،شهادت می دهم که معبودی جز خدا نیست،یگانه و بی شریک است،و شهادت می دهم که محمّد بنده و فرستادهٔ اوست،که به حق از نزد خدا آمد،و شهادت می دهم

که علی بندۀ خدا و برادر رسول خدا است،خدا بزرگتر است،خدا بزرگتر است،خدا بزرگتر است،معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگتر است و سپاس خدای را بر راهنمایی اش،و توفیقش به آنچه از راهش به سوی آن فرا خوانده.خدایا تو برترین مقصود و کریم ترین کسی هستی که به نزدت آمده اند،من اینک به سویت آمده ام،به وسیلۀ پیامبرت،پیامبر رحمت،و برادرش امیر المؤمنین علیّ بن ابی طالب(درود خدا بر آن دو باد)به سوی تو تقرّب می جویم،پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و کوششم را نومید مکن،و به من نظر کن،نظری رحیمانه که به وسیلۀ آن مرا از هلاکت نجات دهی،و مرا نزد خود در دنیا و آخرت آبرومند و از مقرّبان قرار ده.چون به رواق برسی بایست و بگو:سلام بر رسول خدا،امین خدا بر وحی اش،و واجبات دستورش،ختم کنندۀ آنچه گذشته،و فتح کنندۀ آنچه خواهد آمد،و مسلّط بر آنچه گذشت و می آید،و بر او باد رحمت خدا و برکاتش،سلام بر دارندۀ آرامش،سلام بر دفن شده در مدینه،سلام بر یاری شدۀ مؤیّد،سلام بر ابو القاسم محمّد بن عبد اللّه و رحمت خدا و برکاتش.پس وارد رواق شو،و وقت ورود پای راست را مقدّم بدار،و بر در حرم بایست و بگو:

گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست،یگانه است و شریک ندارد،و گواهی می دهم که محمّد بنده و رسول اوست،از نزد او به حق آمده و رسولان را تصدیق کرده،سلام بر تو ای رسول خدا،سلام بر تو ای محبوب خدا،و برگزیده از خلقش،سلام بر امیر مؤمنان بندۀ خدا،و برادر

رسول خدا،ای مولایم ای امیر مؤمنان،بندۀ تو،و فرزند بندۀ تو و فرزند کنیز تو،به نزدت آمده،پناه می جویم به عهدت،قصد می کنم به سوی حرمت،روی می نمایم به مقامت،متوسّل به خدای تعالی هستم به وجودت، آیا وارد شوم ای مولایم،آیا وارد شوم ای امیر مؤمنان،آیا وارد شوم ای حجّت خدا،آیا وارد شوم ای امین خدا، آیا وارد شوم ای ملائکۀ خدا،که مقیم این زیارتگاه هستید؟ای مولای من آیا اجازۀ ورودم می دهی برترین اجازه ای که به یکی از دوستانت داده ای.اگر من شایستۀ آن نیستم تو شایستۀ آنی.

پس عتبه را ببوس،و پای راست را برای وارد شدن مقدّم بدار،و در حال ورود بگو:

به نام خدا،و با خدا،و در راه خدا،و بر کیش رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش باد)، خدایا مرا بیامرز،و به من رحم کن و توبه ام را بپذیر،تویی توبه پذیر مهربان.

سپس حرکت کن تا در برابر قبر مطّهر قرار گیری،و پیش از رسیدن به قبر توقّف کن، و روی خود را به سوی قبر کرده و بگو:سلام از خدا بر محمّد رسول خدا،امین خدا بر وحی و پیامهایش،و فرمانهای حتمی اش،و معدن وحی و تنزیل،ختم کنندۀ آنچه گذشته، و فتح کنندۀ آنچه می آید،و چیره بر تمام گذشته،و آینده،گواه بر خلق،چراغ تابنده،و سلام و رحمت و برکات خدا بر او.خدایا بر محمّد و اهل بیت مظلومش درود فرست،

برترین و کامل ترین و بالاترین،و شریف ترین درودی که بر یکی از انبیا و رسولان و برگزیدگانت فرستادی خدایا درود فرست بر امیر مؤمنان بنده ات و بهترین خلق خود پس از پیامبرت،و برادر رسولت،و جانشین محبوبت،که او را از میان خلقت برگزیدی،و راهنمایی بر کسی که به پیامهایت برانگیختی،حاکم دین به عدلت،و جداکنندۀ حکم تو میان آفریدگانت،و سلام و رحمت و برکات خدا بر او خدایا درود فرست بر امامان از فرزندانش،آنان قیام کنندگان به فرمانت پس از او،آن پاکانی که آنان را پسندیدی برای یاری دینت،و نگهبانی رازت،و گواهان بر آفریدگانت،و نشانه هایی برای بندگانت(درود تو بر همۀ ایشان)،سلام بر امیر مؤمنان علی بن ابی طالب،جانشین و خلیفۀ رسول خدا،قیام کننده به فرمان خدا،پس از پیامبر،سرور جانشینان و رحمت و برکات خدا بر او باد،سلام بر فاطمه دختر رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش باد)،سرور زنان جهانیان،سلام بر حسن و حسین دو آقای جوانان اهل بهشت از میان همۀ آفریدگان،سلام بر امامان راه یافته،سلام بر انبیا و رسولان،سلام بر امامان که عهد خدا به آنان سپرده شده، سلام بر خاصّۀ خدا از میان خلقش،سلام بر دارندگان صفات شایسته،سلام اهل ایمان بر آنان که به امر خلق قیام کردند،و از اولیای خدا پشتیبانی نمودند،و با ترس آنان ترسیدند،سلام بر فرشتگان

ص:538

مقرّب،سلام بر ما و بندگان شایستهٔ خدا.پس برو تا نزدیک قبر بایستی،رو به قبر و پشت به قبله کن و بگو:سلام بر تو ای امیر مؤمنان،سلام بر تو ای محبوب خدا،سلام بر تو ای برگزیدهٔ خدا،سلام بر تو ای ولیّ خدا،سلام بر تو ای حجّت خدا،سلام بر تو ای امام هدایت،سلام بر تو ای نشانهٔ تقوا،سلام بر تو ای جانشین نیکوکار پرهیزگار پاکیزه وفادار،سلام بر تو ای پدر حسن و حسین،سلام بر تو ای ستون دین،سلام بر تو ای سرور جانشینان،و امین پروردگار جهانیان،و داور روز جزا،و بهترین مؤمنان،و سرور صدّیقان برگزیده از نژاد انبیا و در حکمت پروردگار جهانیان و خزانه دار وحیش و مخزن علمش،و خیرخواه امّت پیامبرش و پیرو رسولش،و همدردی کننده با او با جانش،و گویای به حجّتش،و دعوت کننده به شریعتش،و درگذرنده بر آئینش.خدایا من شهادت می دهم که آنچه را از رسولت بر عهده داشت به مردم رساند،و نگهداری کرد آنچه نگهداری اش از او خواسته شده بود،حلالت را حلال کرد،و حرامت را حرام کرد،و احکامت را برپا داشت،و با پیمان شکنان در راهت و ستمکاران در حکومتت،و بیرون رفتگان از فرمانت جهاد کرد،شکیبا و جوینده مقام قرب تو بود،و در راه تو سرزنش سرزنش کنندگان را به چیزی نگرفت،خدایا بر او درود فرست،بهترین درودی که بر یکی از دوستانت،و برگزیدگانت جانشینان

ص:539

پیامبرانت فرستادی.خدایا این قبر ولیّ توست که اطاعتش را واجب کردی،و بیعتش را بر عهدهٔ بندگانت قرار دادی،و خلیفه ات که به خاطر او مؤاخذه می کنی،و می بخشی،و به سبب او پاداش می دهی و کیفر می نمایی،من به طمع آنچه برای اولیایت مهیّا کرده ای آهنگ زیارت او کرده ام،پس به حق بزرگی مرتبه اش نزد تو،و موقعیت فوق العاده اش به پیشگاهت و نزدیکی منزلتش از تو،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و با من چنان کن که تو شایستهٔ آنی،به درستی که تو اهل کرم و بخششی،و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای مولایم،و بر دو آرمیده در کنارت آدم و نوح،(درود خدا بر آنان باد)

پس ضریح را ببوس و در کنار سر بایست و بگو:ای مولایم،درودم بر توست،و به وسیلهٔ تو به پروردگارم،دررسیدن به مقصودم متوسّل می شوم،و شهادت می دهم که متوسّل به تو محروم نیست،و خواستار به وسیلهٔ تو از روی معرفت مردود نمی باشد به یقین حاجات او برآورده شود،پس به درگاه تو خدا پروردگارت و پروردگارم شفیع من باش،در برآمدن حاجاتم،و آسان شدن کارهایم،و برطرف شدن سختی ام،و آمرزش گناهم،و وسعت روزی ام،و طول عمرم،و عطا کردن خواسته ام،در آخرت و دنیایم.خدایا قاتلان امیر مؤمنان را لعنت کن.خدایا قاتلان حسن و حسین و امامان را لعنت کن.و آنان را عذاب نما،عذابی دردناک،که بدان گونه احدی از جهانیان را عذاب نکنی،عذابی بسیار،که قطع شدن و مدّت و اندازه برای آن نباشد،به خاطر دشمنهایی که با والیان حکومتت کردند،و برای آنان عذابی آماده کن،که آن را به احدی از بندگانت فرود نیاورده باشی،خدایا وارد کن بر قاتلان

یاوران رسولت،و بر قاتلان امیر مؤمنان و بر قاتلان حسن و حسین،و بر قاتلان یاوران حسن و حسین،و بر قاتلان کسانی که در راه ولایت خاندان محمّد کشته شده،عذابی دردناک،دو چندان، در پست ترین طبقه دوزخ،که عذاب از آنها سبک نشود،درحالی که در آنجا ناامید و لعنت شده و در پیشگاه پروردگارشان سرافکنده باشند،و ببینند پشیمانی و رسوایی طولانی را به خاطر قتل عترت انبیا و رسولانت و پیروان آنان از بندگان شایسته ات.خدایا آنان را در پنهانی پنهان،و آشکار آشکار،در زمین و آسمانت لعنت کن.خدایا دربارۀ اولیایت برای من قدم صدق قرار ده،و زیارتگاه ها و قرارگاهشان را محبوب من گردان،تا به آنان ملحقم کنی،و پیرو آنانم گردانی در دنیا و آخرت،ای مهربان ترین مهربانان.پس ضریح را ببوس و پشت به قبله و رو به جانب قبر حضرت امام حسین علیه السّلام بایست و بگو:

سلام بر تو ای ابا عبد اللّه،سلام بر تو ای پسر رسول خدا،سلام بر تو ای پسر امیر مؤمنان،سلام بر تو ای پسر فاطمه زهرا سرور زنان جهانیان،سلام بر تو ای پدر امامان هدایت گر شده،سلام بر تو ای کشتۀ اشک جاری،سلام بر تو ای صاحب مصیبت پی درپی،سلام بر تو و بر جدّ و پدرت،سلام بر تو و بر مادر و برادرت،سلام بر تو و بر امامان از نسل و فرزندانت،شهادت می دهم که

خدا خاک را به وسیلهٔ تو پاک کرد،و قرآن را با تو واضح نمودا،و تو را و پدر و جدّت،و برادر و فرزندانت را عبرتی برای صاحبان خرد قرار داد،ای فرزندان پدران با میمنت و پاک،و تلاوت کنندگان کتاب،سلام را متوجّه تو می نمایم درودهای خدا و سلامش بر تو،و قرار دهد دلهای مردم را هواخواه تو،آنکه متمسّک به تو شد،و پناه به تو آورد،هرگز نامید نشد.پس پایین پا بایست،و بگو:

سلام بر پدر امامان،و همراه نبوت،و اختصاص یافته به برادری،سلام بر رییس دین و ایمان،و کلمهٔ رحمان،سلام بر ترازوی اعمال و زیرورکنندهٔ احوال، و شمشیر خدای ذو الجلال،و ساقی چشمهٔ گوارای زلال،سلام بر شایستهٔ مؤمنان، و وارث دانش پیامبران،و حاکم روز جزا،سلام بر درخت تقوا،و شنوندهٔ راز و نهان،سلام بر حجّت رسای خدا،و نعمت کاملش،و انتقام کوبنده اش.سلام بر راه روشن،و ستاره فروزان،و رهبر خیرخواه،و مایهٔ آتش زا علیه کفر و شرک،رحمت و برکات خدا بر او باد.پس بگو:خدایا درود فرست امیر مؤمنان علی بن ابی طالب برادر پیامبرت،و ولی و یاور و جانشین وزیرش،و سپردگاهش دانشش،و جایگاه رازش و دروازهٔ حکمتش و گویای به برهانش و دعوت کننده به دینش و جانشین او را در امتّش،و زدایندهٔ اندوه از

ص:542

چهره اش،شکنندۀ کافران،و به خاک مالندۀ دماغ بدکاران،آنکه او را از پیامبرت به منزله هارون از موسی قرار دادی.خدایا دوست بدار دوستدارش را،و دشمن بدار دشمنش را،و یاری کن یاری دهنده اش را،و خوار کن خوارکننده اش را،و از پیشینیان و پسینیان لعنت کن هرکه در برابر بایستد،و بر او درود فرست برترین درودی که بر کسی از جانشینان پیامبرانت فرستادی ای پروردگار جهانیان.پس به جانب سر برگرد برای زیارت حضرت آدم علیه السّلام و حضرت نوح علیه السّلام و در زیارت حضرت آدم بگو:

سلام بر تو ای برگزیدۀ خدا،سلام بر تو ای محبوب خدا،سلام بر تو ای پیامبر خدا سلام بر تو ای امین خدا،سلام بر تو ای خلیفۀ خدا در زمینش،سلام بر تو ای پدر بشر،سلام بر تو و بر روان و تنت،و بر پاکان از فرزندان و نسلت،و درود خدا بر تو،درودی که جز خدا آن را شماره نکند،و رحمت و برکات خدا بر تو باد.و در زیارت نوح علیه السّلام نیز بگو:سلام بر تو ای پیامبر خدا،سلام بر تو ای برگزیدۀ خدا،سلام بر تو ای ولیّ خدا،سلام بر تو ای محبوب خدا،سلام بر تو ای بزرگ رسولان،سلام بر تو ای امین خدا در زمینش،درود و سلام خدا بر تو و بر روان و تنت،و بر پاکان از فرزندانت و رحمت و برکات خدا بر تو باد.آگاه شش رکعت نماز بخوان،دو رکعت برای امیر مؤمنان علیه السّلام دو

رکعت اوّل پس از سورۀ(حمد)سورۀ(الرحمن)و در رکعت دوم بعد از سورۀ(حمد)سورۀ مبارکه(یس)و پس از نماز،تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام را بگو و سپس از خدا طلب آمرزش نما،و برای خود دعا کن،و بگو:

خدایا من این دو رکعت نماز را خواندم،به عنوان هدیه ای از من به آقا و مولایم،ولیّ ات و برادر رسولت،امیر مؤمنان،و سرور جانشینان،علی بن ابی طالب(درود خدا بر او و خاندانش).پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و آن را از من قبول کن،و بر آن پاداشم ده پاداش نیکوکاران.خدایا برای تو نماز خواندم،و رکوع و سجده کردم،یگانه ای و شریکی نداری،چرا که نماز و رکوع و سجود جز برای تو نیست،تویی خدا،معبودی جز تو وجود ندارد.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و زیارتم را قبول کن،و خواسته ام را عطا فرما، به حق محمّد و خاندان پاکش.و چهار رکعت دیگر را هدیه آدم و نوح قرار بده،سپس سجدۀ شکر بجا آور، و در سجده بگو:خدایا به تو روی آوردم،و به تو پناه آوردم،و بر تو توکّل کردم.خدایا تو مورد اطمینان و امید منی،پس آنچه فکر مرا مشغول کرده و مشغول نمی کند،و آنچه را تو را از من به آنان داناتری از من کفایت کن،پناهنده به تو عزیز است،و ثنایت بس عظیم است،و معبودی جز تو نیست،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و گشایش کارشان را نزدیک کن

پس طرف راست صورت را بر زمین بگذار و بگو:رحم کن به خواری ام در برابرت،و زاری ام به درگاهت و

به ترسم از مردم،و انس من به تو،ای کریم،ای کریم،ای کریم.آنگاه جانب چپ صورت را بر زمین بگذار و بگو:معبودی جز تو نیست به راستی به راستی،ای پروردگارم از باب بندگی و بردگی برایت سجده کردم.خدایا عملم اندک است.آن را دو چندان گردان،ای کریم،ای کریم.پس به سجده برو و صد مرتبه بگو:

«شکرا»و در دعا کردن بکوش،که اینجا محّل خواستن خواهشها است و بسیار استغفار کن که جای آمرزش گناهان است، و حاجات خود را از خدا بخواه،که مقام استجابت دعاهاست.سیّد ابن طاووس در کتاب«مزار»و نیز غیر او گفته اند:

تا زمانی که در نجف هستی هر نمازی که به جا می آوری چه واجب و چه مستحب،بعد از آن این دعا را بخوان:

خدایا از دستورت و تقدیرت و قضایت چاره ای نیست،و جنبش و نیرویی جز به تو نیست.پس آنچه بر ما از قضایی که حتم کردی،یا از تقدیری که مقدّر نمودی،همراه آن به ما صبری عطا کن که بر آن چیره شود،و آن را درهم کوبد،و آن شکیبایی را برای ما،نردبانی به سوی رضوانت قرار ده،که افزوده شود در حسنات ما.و برتری و آقایی و شرف و بزرگواری و نعمتها و کرامت ما در دنیا و آخرت،و از حسنات ما کم نکن.خدایا آنچه به ما از عطایی که عطا کردی،و از فضیلتی که تفضّل فرمودی،یا از کرامتی که کرم کردی،به همراه آن شکری مرحمت فرما که بر آن چیره شود و آن را فرو گیرد،و آن شکر را برای ما، بالارونده در رضوانت،و بالابرنده در حسنات و آقایی،و شرف و نعمتها،و کرامتت در دنیا و آخرت قرار ده،و آن را برای ما نقطه کبر و طغیان و فتنه و کینه توزی و عذاب و رسوایی

در دنیا و آخرت قرار مده.خدایا به تو پناه می آوریم،از لغزش زبان،و بدی جایگاه،و سبکی میزان اعمال،خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و نیکیهای ما را در مردن به ما برسان،و اعمالمان را به ما مایهٔ پشیمانی نشان مده،و هنگام داوری ما را شرمسار مکن،و به بدیهایمان رسوا مساز،در آن روزی که با تو ملاقات می کنیم،دلهای ما را طوری قرار ده که یادت کند،و فراموشتم ننماید،و از تو بهراسد،آن چنان که گویی تو را می بیند،آن هم تا زمانی که تو را ملاقات کنیم،و بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و بدیهای ما را تبدیل به خوبیها کن،و خوبیهای ما را درجات،و درجات ما را غرفه های بهشتی،و غرفه های ما را بلندمرتبه گردان.خدایا به تهیدستانمان وسعت ده،از وسعتی که بر خود حتم کردی.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و بر ما به هدایت منّت گذار تا باقیمان داری و به کرامت تا زنده مان داری و باز به کرامت[و آمرزش]زمانی که ما را بمیرانی،و به نگهدای در آنچه از عمرمان مانده،و برکت در آنچه روزی نمودی،و کمک به آنچه تکلیفمان فرمودی،و به پابرجایی به آنچه به عهدهٔ ما قرار دادی و ما را به ستممان مؤاخذه مکن،و به نادانی مان مقایسه منما،و به خطاهایمان غافلگیر مفرما،و بهترین چیزی که می گوییم در دلهایمان ثابت گردان،و ما را در پیشگاهت با عظمت، و در نزد خودمان خوار قرار ده،و از آنچه به ما آموختی سودمان بخش،و به ما دانش با منفعت بیفزا،و به تو پناه می آورم از دلی که رام نگردد،و از چشمی که اشک نریزد،و از نمازی که پذیرفته نشود،ما را از بدی آشوبها پناه ده،ای سرپرست دنیا و آخرت.سیّد در کتاب(مصباح الزائر)فرموده است:دعای دیگری که مستحب است به دنبال نماز

زیارت امیر مؤمنان علیه السّلام خوانده شود:«یا الله یا الله یا الله یا مجیب دعوه المضطرّین»تا آخر،فقیر گوید:این دعا همان دعای صفوان است که به دعای علقمه معروف شده،و در ذیل زیارت عاشورا انشاء اللّه خواهد آمد[صفحه 710].

بدان که زیارت سر مطهّر حضرت سیّدالشّهدا کنار قبر امیر مؤمنان علیه السّلام مستحب است و در کتاب«وسائل»و«مستدرک» فصلی برای آن رقم زده اند.در مستدرک از کتاب«مزار»محمّد بن مشهدی نقل کرده که امام صادق علیه السّلام سر مبارک امام حسین علیه السّلام را نزد سر امیر مؤمنان علیه السّلام زیارت کرد،و چهار رکعت نماز خواند،و آن زیارت این است:

سلام بر تو ای پسر رسول خدا،سلام بر تو ای پسر امیر مؤمنان،سلام بر تو ای پسر صدیقهٔ طاهره،سرور زنان جهانیان،سلام بر تو ای مولای من،ای ابا عبد اللّه و رحمت و برکات خدا بر تو باد،شهادت می دهم که نماز را برپا داشتی،و زکات را پرداختی،و به معروف امر کردی،و از زشتی نهی نمودی،و قرآن را تلاوت کردی و حق تلاوتش را بجا آوردی،و در راه خدا جهاد کردی،و حق جهاد را ادا نمودی،و در جنب خدا،بر آزار دشمنان صبر کردی،درحالی که عملت را به حساب حق گذاشتی،تا مرگت فرا رسید، و شهادت می دهم کسانی که با تو مخالفت ورزیدند،و با تو جنگیدند،و آنان که از یاری ات دریغ نمودند،و آنان که تو را کشتند،بر زبان پیامبر امّی ملعون هستند،و زیانکار شد کسی که افترا بست،خدا ستمکاران بر شما را از گذشتگان و آیندگان لعنت کند، و عذاب دردناک را بر آنان دو چندان سازد،ای مولایم به محضرت آمدم ای پسر رسول خدا،در حال زیارت، و عارف به حقّت،دوستدار دوستانت،و دشمن دشمنانت می باشم،به هدایتی که بر آن هستی

بینایم،و به گمراهی کسانی که با تو مخالفت کردند آشنایم،پس مرا نزد پروردگارت شفاعت کن.

مؤلف گوید:اگر همین زیارت را در مسجد حنّانه بخوانند مناسب است،زیرا شیخ محمّد بن مشهدی روایت کرده:

امام صادق علیه السّلام،امام حسین علیه السّلام را در مسجد حنّانه به این صورت زیارت کرد و چهار رکعت نماز خواند.پوشیده نماند که مسجد حنّانه از مساجد شریفهٔ نجف اشرف است و در حدیث رسیده است که سر منوّر حضرت سیّد الشّهداء علیه السّلام آنجاست و در روایتی است که امام صادق علیه السّلام در آنجا دو رکعت نماز خواند،از آن حضرت پرسیدند:این چه نمازی است؟فرمود:این محلّ سر مطهّر جدّم حسین بن علی علیه السّلام است،که وقتی لشگر از کربلا برگشتند،آن را در اینجا نهادند،سپس به نزد عبید اللّه بن زیاد بردند و از آن حضرت روایت شده:در اینجا این دعا را بخوان:

خدایا جایم را می بینی،و کلامم را می شنوی،و چیزی از کارم بر تو پوشیده نیست،و چگونه پوشیده بماند،آنچه تو ایجادکننده و پدیدآورنده اش هستی،اینک به پیشگاهت آمده ام،از پیامبرت پیامبر رحمت شفاعت می جویم و به جانشین رسولت متوسّل هستم،به حقّ آن دو پیشوا از تو درخواست ثبات قدم و هدایت و آمرزش در دنیا و آخرت را دارم.

[زیارت دوّم:زیارت معروف به«امین اللّه»...]

زیارت دوّم:زیارت معروف به«امین اللّه»است که در نهایت اعتبار می باشد و در تمام کتابهای زیارتی و مصابیح نقل شده.علاّمهٔ مجلسی(ره)فرموده:این زیارت از جهت متن و سند از بهترین زیارات است و باید در تمام روضه های ائمه بر آن مواظبت نمایند،دربارهٔ این زیارت به سندهای معتبر از جابر،از امام باقر علیه السّلام روایت شده:حضرت زین العابدین علیه السّلام به زیارت امیر المؤمنین علیه السّلام آمد،و در کنار قبر آن حضرت ایستاد و گریست و چنین گفت:سلام بر تو ای امین خدا بر روی زمینش،و حجّت او بر بندگانش،سلام بر تو ای امیر مؤمنان[اگر این زیارت برای امام دیگر خوانده شود،«السلام علیک یا امیر المؤمنین»گفته نمی شود مؤلف

ص:548

شهادت می دهم که تو در راه خدا آن چنان که باید جهاد کردی،و به کتابش عمل نمودی،و روشهای پیامبرش(درود خدا بر او خاندانش) را پیروی کردی،تا خدا تو را به جوارش خواند،و با اختیاراتش تو را به جانب خود قبض روح نمود،و دشمنانت را ملزم به حجت کرد،با آنچه تو راست از حجتهای رسا بر همۀ مخلوقاتش.خدایا قرار ده نفسم را آرام در برابر تقدیرت،خشنود به قضاوتت،حریص به ذکر و دعایت،عاشق به برگزیدۀ دوستانت،محبوب در زمین و آسمانت،شکیبا بر نزول بلایت،سپاسگذار بر فزونی نعمتهایت،یادکنندۀ کامل عطاهایت،مشتاق به شادی دیدارت،توشه برگیرندۀ تقوا برای روز پاداشت،پیرو روشهای اولیایت،جداکننده از اخلاق دشمنانت،غافل از دنیا به سپاس و ثنایت.پس روی مبارک خود را بر قبر گذاشت و گفت:خدای دلهای فروتنان،سرگردان به سوی توست،و راه های مشتاقان به درگاهت نمایان است،و نشانه های قاصدان کوی ات پیداست،و دلهای عارفان از تو هراسان است،و صدای خوانندگان به جانب تو بلند است،و درهای اجابت به رویشان گشوده،و دعای آنکه با تو مناجات کرد مستجاب است،و توبۀ کسی که به سوی تو بازگشت پذیرفته است، و اشک کسی که از ترس تو گریه کرد مورد رحم است،و فریادرسی برای کسی که از تو فریاد خواست آماده است،و کمک برای کسی که از تو کمک خواست رایگان است،و وعده هایت برای بندگانت وفا شده،و لغزش آنکه از

تو پوزش خواست نادیده گرفته شده،و اعمال عمل کنندگان نزد تو محفوظ است،و روزیهایت از جانب تو به سوی مخلوقات فرود آینده است،و بهره های فزون به سویشان پیوسته است،و گناهان آمرزش جویان آمرزیده است،و حاجات خلق نزد تو برآورده است،و جایزه های خواستاران،پیش تو کامل گشته است،و عایدات افزون پیاپی است،و سفره های خواهندگان طعام آماده،و حوضهای تشنگان لبریز است.خدایا دعایم را مستجاب کن،و ستایشم را بپذیر،و بین من و اولیایم جمع کن،به حق محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین،تو ولی نعمت و نهایت آرزو و هدف امید منی در بازگشتگاه و محلّ اقامتم.در کتاب«کامل الزیارات»پس از متن زیارت این جملات آمده است:تو معبود و آقا و مولای منی،دوستانمان را بیامرز،دشمنانمان را از ما بازدار،و از آزار ما غافلشان گردان،و کلمۀ حق را نمایان و و آن را برتر کن،و کلمۀ باطل را بلغزان و آن را پست تر قرار ده،تو بر هر چیز توانایی آنگاه امام باقر علیه السّلام فرمود:هرکه از شیعیان ما این زیارت و دعا را در کنار قبر امیر المؤمنین علیه السّلام،یا نزد قبر یکی از ائمه علیهم السّلام بخواند،البته حق تعالی این زیارت و دعای او را در نامه ای از نور بالا برد و مهر حضرت محمّد صلّی اللّه و علیه و آله را بر آن بزند و به این صورت محفوظ باشد،تا به قائم آل محمّد(عج)تسلیم کنند،پس صاحبش را به بشارت و تحیّت و کرامت استقبال نماید ان شاء اللّه تعالی.

مؤلّف گوید:این زیارت شریفه هم از زیارات مطلقه به حساب می آید،و هم از زیارات مخصوصۀ روز غدیر،و هم از زیارات جامعه،که در جمیع روضات مقدسۀ ائمه خوانده می شود.

[زیارت سوم:زیارتی که صفوان جمّال از امام صادق علیه السلام روایت کرده است...]

زیارت سوم:سیّد عبد الکریم بن طاووس از صفوان جمّال روایت کرده:چون با امام صادق علیه السّلام در زمانی که نزد

ابو جعفر دوانیقی می رفتند وارد کوفه شدیم،فرمود:ای صفوان شتر را بخوابان که منطقه نزدیک قبر جدّم امیر المؤمنین علیه السّلام است،پس پیاده شدند،و غسل کردند،و جامه را تغییر دادند،و پای مبارک را برهنه نمودند،و فرمودند:تو نیز چنین کن،پس به جانب نجف روانه شدند،و فرمودند:گامها را کوتاه بردار،و سر را به زیر انداز،که خدا برای تو به عدد هر گامی که بر می داری،صد هزار حسنه می نویسد،و صد هزار گناه محو می کند،و صد هزار درجه برایت بالا می برد،و صد هزار حاجت از تو برمی آورد،و برای تو ثواب هر صدیق و شهید که بوده باشد،یا به قتل رسیده باشد،ثبت می نماید،پس حضرت می رفتند و من نیز با آن حضرت می رفتم،با آرامش دل و تن،و تسبیح و تنزیه و تهلیل خدا می نمودیم،تا به تلها رسیدیم،پس به جانب راست و چپ نظر کردند،و به چوبی که در دست داشتند خطی کشیدند و فرمودند:جستجو کن،جستجو کردم اثر قبری یافتم،پس اشک دیده به چهرهٔ مبارکش جاری شد و گفت «انا للّه و انا الیه راجعون»و چنین ادامه داد:سلام بر تو ای جانشین نیکوکار با تقوا،سلام بر تو ای خبر بزرگ،سلام بر تو ای صدّیق رشید، سلام بر تو ای نیکوکار پاک،سلام بر تو ای جانشین رسول پروردگار جهانیان،سلام بر تو ای برگزیدهٔ خدا بر همهٔ خلق،شهادت می دهم که تو محبوب و بندهٔ خاصّ و خالص خدایی،سلام بر تو ای ولی خدا،و جایگاه راز و گنجینهٔ علم و خزانهٔ دار وحی خدا.

سپس خود را به قبر چسبانده و گفتند:

پدر و مادرم فدایت ای امیر مؤمنان،پدر و مادرم فدایت ای حجّت قاطع بر دشمنان،پدر و مادرم فدایت ای دروازهٔ مقام،پدر و مادرم فدایت ای نور کامل خدا،شهادت می دهم که تو آنچه را از خدا و رسول خدا(درود خدا بر او

و خاندانش)بر عهده داشتی به طور کاملی رساندی،و آنچه نگهداری اش از تو خواسته شده بو رعایت کردی،و آنچه به تو سپرده شده بود حفظ نمودی،و حلال خدا را حلال کردی،و حرام خدا را حرام ساختی،و احکام خدا را بپا داشتی،و از حدود خدا تجاوز نکردی،و خدا را خالصانه بندگی کردی،تا مرگت فرا رسید،درود خدا بر تو،و بر امامان بعد از تو.آنگاه حضرت صادق علیه السّلام برخاست و بالای سر آن حضرت چند رکعت نماز گذارد، و فرمود:ای صفوان هرکه به این زیارت،امیر مؤمنان علیه السّلام را زیارت کند،و این نماز را بجا آورد،به سوی اهلش بازگردد درحالی که گناهانش آمرزیده و عملش مقبول و پسندیده شده باشد،و برای او ثواب هرکه از ملائکه آن حضرت را زیارت کرده باشد نوشته شود،صفوان با تعجّب گفت:ثواب هرکه از ملائکه آن حضرت را زیارت کند؟!!فرمود:آری در هر شبی هفتاد قبیله از ملائکه آن حضرت را زیارت می کنند.پرسید:هر قبیله چه تعدادند؟فرمود:صد هزار ملک،پس آن حضرت رو به قبر به پشت خارج شدند،و در اثنای بیرون آمدن گفتند:ای جدّم،ای آقایم،ای پاکیزه و پاکم،خدا این زیارت را آخرین زیارت من از تو قرار ندهد،و روزی من کند،بازگشت به سویت و ماندن در حرمت،و بودن با تو،و با نیکان از فرزندانت را،درود خدا بر تو و بر فرشتگانی که تو را دربر گرفته اند.صفوان گفت:به حضرت عرض کردم اجازه می دهید اصحاب خود را از اهل کوفه خبر کنم،و این قبر را به ایشان نشان دهم،فرمود:آری،و درهمی چند به من عنایت کردند،که قبر را با آن مرمّت و اصلاح نمودم.

[زیارت چهارم:زیارتی که از امام باقر علیه السلام به هراه پدر بزرگوارشان روایت شده است...]

زیارت چهارم:در کتاب«مستدرک الوسائل»از«مزار قدیم»نقل کرده که از مولای ما امام باقر علیه السّلام روایت شده

ص:552

با پدرم به زیارت قبر جدّم امیر المؤمنین در نجف رفتیم،پدر نزد قبر مطهّر ایستاد و گریست و گفت: سلام بر پدر امامان و دوست نبوّت،و خاصّ به برادری،سلام بر رئیس ایمان،و ترازوی اعمال،و شمشیر خدای دارای بزرگی،سلام بر شایستۀ اهل ایمان،و وارث دانش پیامبران،حاکم در روز جزا،سلام بر درخت تقوا، سلام بر حجّت رسای خدا،و نعمت کامل او،و انتقام کوبنده اش،سلام بر راه روشن،و ستاره فروزان،و پیشوای خیرخواه،و رحمت و برکات خدا بر او باد.سپس گفت تویی وسیله و سببم به سوی خدا،و مراست حق دوستی و آرزومندی به درگاه خدای عزّ و جل،پس شفیع من باش در ایستادگی در بر آوردن حاجتم،و آن حاجت آزادی ام از آتش است،و مرا از این جایگاه با موفّقیّت بازگردان،و بدست آوردن همۀ آنچه خواسته ام،به حق رحمت و قدرتش.خدایا عقلی کامل و مغزی ممتاز،و دلی پاک،و عملی بسیار،و ادبی برتر نصیبم کن،و همۀ اینها را به سود من قرار ده نه بر زیانم،به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

[زیارت پنجم:زیارتی که شیخ کلینی از حضرت هادی علیه السّلام روایت کرده...]

زیارت پنجم:شیخ کلینی از حضرت هادی علیه السّلام روایت کرده نزد قبر امیر مؤمنان می گویی: سلام بر تو ای ولی خدا،تو نخستین ستمدیده ای،و نخستین کسی که حقّش غصب

ص:553

شد،صبر کردید به حساب خدا گذاشتی تا مرگت رسید،شهادت می دهم که تو خدا را ملاقات کردی.درحالی که شهید بودی، عذاب کند خدا کشنده ات را به انواع عذاب،و بر او عذاب را تازه کند،به سویت آمدم،شناسای به حقّت، و بینای به شأنت،دشمن با دشمنانت و آنکه به تو ستم کرد،ان شاء اللّه بر این عقیده پروردگارم را ملاقات کنم،ای ولی خدا،مرا گناهان زیادی است،از من نزد پروردگارت شفاعت کن،که تو را پیش خدا جایگاه معلومی است، و تو را به درگاه خدا آبرو و حق شفاعت است،و خدای تعالی فرموده است:و شفاعت نکنند جز برای کسی که او پسندد.

[زیارت ششم:زیارتی است که جماعتی از علما روایت کرده اند]

زیارت ششم:زیارتی است که جماعتی از علما روایت کرده اند،از جملۀ آنها:شیخ محمّد ابن مشهدی است،که فرموده است:محمّد بن خالد طیالسی،از سیف بن عمیره روایت کرده است که گفت:با صفوان جمّال و جمعی از اصحابمان به جانب نجف بیرون رفتیم،و در آنجا حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام را زیارت کردیم،چون از زیارت فارغ شدیم،صفوان روی خود را به جانب قبر حضرت امام حسین علیه السّلام برگرداند و گفت:زیارت می کنم حضرت حسین علیه السّلام را در این مکان،از بالای سر حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام،آنگاه گفت:با امام صادق علیه السّلام به اینجا آمدیم و حضرت به این صورت زیارت نمود و نماز خواند،و دعا کرد،که من انجام می دهم و فرمود:ای صفوان این زیارت را ضبط کن،و این دعا را بخوان،و همیشه حضرت امیر المؤمن و امام حسین علیهما السّلام را به این کیفیت زیارت کن،که من بر خدا ضامنم که هرکه ایشان را چنین زیارت کند،و این دعا را بخواند،خواه از نزدیک و خواه از دور،زیارتش پذیرفته و عملش با اجر بوده،و سلامش به ایشان برسد،و نزد آنان پسندیده گردد،و حاجتهایش هرچند عظیم باشد برآورده شود.مؤلّف گوید:بقیۀ این خبر،در فضل این عمل در دنبالۀ دعای صفوان در زیارت عاشورا ان شاء اللّه

خواهد آمد،و زیارت امیر المؤمنین علیه السّلام به این کیفیت است:رو به قبر آن حضرت بایست و بگو:

سلام بر تو ای فرستاده خدا،سلام بر تو ای برگزیده خدا،سلام بر تو ای امین خدا،سلام بر کسی که خدا او را برگزیده و به خود مخصوصش گردانید،و او را از میان آفریدگانش اختیار کرد،سلام بر تو ای دوست خدا،تا شب تاریک و ظلمانی شود،و روز روشن و نورانی گردد،سلام بر تو تا آنگاه که ساکت شود ساکتی،و گویا گردد گویایی،و بتابد تابنده ای،و رحمت و برکات خدا بر تو باد،سلام بر مولای ما امیر مؤمنان علی بن ابی طالب،دارای سابقه های درخشان،و مناقب نیکو و مردانگی و نابودکنندۀ لشکرهای کفر،سخت نبرد، زورآزمای بزرگ،ثابت پاه،ساقی مؤمنان با جام،از حوض رسول پابرجای امین.سلام بر دارندۀ خرد و برتری و احسانهای پیوسته،و کرامات و عطاها.سلام بر قهرمان مؤمنان،و شیر یکتاپرستان،و کشندۀ مشرکان،و جانشین رسول پروردگار عاملیان،و رحمت و برکات خدا بر او باد.سلام بر کسی که خدا به جبرئیل تأییدش نمود،و به میکاییل کمکش کرد،و در دو جهان مقرّبش ساخت،و هرچه را مایۀ چشم روشنی است به او عطا نمود،درود خدا بر او و بر اهل بیت پاکش،و بر فرزندان برگزیده اش،و بر امامان راه یافته،آنان که به معروف امر کردند،و از زشتی نهی نمودند،و نمازها را بر ما واجب فرموده،و ما را به پرداخت زکات امر کردند،و روزۀ

ماه رمضان و قرائت قرآن را به ما شناساندند.سلام بر تو ای امیر المؤمنین،و رئیس دین،و پیشرو سپیدرویان.سلام بر تو ای درگاه خدا،سلام بر تو ای دیدۀ نگرندۀ خدا،و دست گشودۀ حق،و گوش شنوا،و نگهدارندۀ راز او،و حکمت رسا و نعمت کامل، و کیفر کوبنده اش،سلام بر بخش کنندۀ بهشت و دوزخ.سلام بر نعمت خدا به نیکان و انتقامش علیه ناپاکان.سلام بر سرور پرهیزکاران برگزیده.سلام بر برادر رسول خدا، و پسر عمویش،و همسر دخترش،و آفریده شده از خمیره اش.سلام بر ریشۀ دیرین و شاخۀ کریم،سلام بر میوۀ چیده.سلام بر ابو الحسن علی.سلام بر درخت طوبی سلام بر سدره المنتهی.سلام بر آدم برگزیدۀ خدا،و نوح پیامبر خدا،و ابراهیم دوست خدا، و موسی همسخن خدا،و عیشی روح خدا،و محمّد حبیب خدا،و کسانی که میان آنانند از پیامبران و صدّیقان،و شهیدان،و شایستگان،و اینان نیکو دوستانی هستند.سلام بر نور نورها،و عصارۀ پاکان،و عنصرهای برگزیده.سلام بر پدر امامان نیکوکار سلام بر ریسمان محکم خدا،و طرف پا برجای او،و رحمت و برکات خدا بر او باد.سلام بر امین خدا بر روی زمینش،و جانشین،و حاکم به فرمانش،و سرپرست آئینش،و گویای به حکمتش،

ص:556

و عمل کننده به قرآنش،برادر رسول،و همسر بتول،و شمشیر از نیام بیرون آمده خدا.سلام بر صاحب دلیلها،و نشانه های غالب،و معجزات چیره،و رهایی بخش از هلاکتها،آن کسی که خدا در آیات محکم او را ذکر کرده و فرموده است:او در اصل کتاب نزد ما علیّ حکیم است.سلام بر نام پسندیدۀ خدا،و چهرۀ تابان او،و طرف والایش،و رحمت و برکات خدا بر او باد.سلام بر حجّتهای خدا،و جانشینانش و خاصان خدا و برگزیدگانش،و بندگان خالص و امینانش،و رحمت و برکات خدا بر آنان باد،قصد تو کردم ای مولای من،ای امین خدا و حجّتش درحالی که زائرم،و به حقّت عارفم،و با دوستانت دوستم،و با دشمنانت دشمنم،به وسیلۀ زیارتت متقرّب به خدایم،پس مرا نزد خدا پروردگارم و پروردگارت شفاعت کن،در خلاص شدنم از آتش و برآورده شدن حاجاتم،حاجات دنیا و آخرت.پس خود را به قبر بچسبان،و آن را ببوس،و بگو:

سلام خدا و فرشتگان مقرّبش و آنان که به دلهایشان تسلیم تواند،ای امیر مؤمنان و آنان که گویای به برتری تو هستند،و شاهد بر اینکه تو صادق و امین و صدّیقی،این سلامها و رحمت و برکات خدا بر تو باد،شهادت می دهم که تو پاک طینت و پاک و پاکیزه ای،از پدران و مادران پاک طینت و پاک و پاکیزه،برای تو شهادت می دهم ای ولیّ خدا،و ولیّ رسول خدا به رساندن حق و ادای تکلیف،و شهادت می دهم که تویی شیفته خدا،و درگاه رحمت او،و

اینکه تو محبوب خدا،و جلوۀ او هستی که از آن جانب به سوی او آیند،و تو راه خدایی،و بندۀ خدا و برادر رسول خدا هستی،به سوی تو آمدم تا به وسیلۀ زیارتت به خدا تقرّب جویم مشتاق به توام در شفاعت،به شفاعت آزادی ام را از آتش طلب می کنم،به تو از دوزخ پناهنده ام،از گناهانم که بر پشتم بار کرده ام گریزانم،به امید رحمت پروردگار به تو پناه آوردم آمده ام تا تو را شفیع خود قرار دهم ای مولایم،و به خدا تقرّب جویم،تا حاجاتم را برآورد،ای امیر مؤمنان به پیشگاه خدا برایم شفاعت کن،من بندۀ خدا و غلام و زائر توام،و برای تو نزد خدا مقام پسندیده و منزلتی بزرگ و شأن والا،و شفاعت پذیرفته است،خدا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و درود فرست بر امیر مؤمنان بندۀ پسندیده ات،و امین وفادارترت،و دست آویز محکمت،و دست برترت،و سویۀ والایت،و کلمۀ نیکوترت،و حجّتت بر مردم، و صدّیق اکبرت،و سورر جانشینان،و رکن اولیا،و تکیه گاه اصفیا،امیر مؤمنان،و رئیس دین،و مقتدای شایستگان و امام مخلصان،معصوم از نارواییها،پاک از لغزشها،پاکیزه از عیب،منزّه از شک،برادر پیامبرت، و جانشین رسولت،به صبح رساندۀ شب هجرت در خوابگاهش،و کمک دهندۀ به او با دل وجانش،و برطرف کنندۀ اندوه از

چهره اش،آنکه او را قرار دادی شمشیر،برای نبوّتش،و نشانه ای برای رسالتش و گواهی بر امّتش،و دلیلی بر حجّتش،و حمل کنندۀ پرچمش،و سپری برای جانش،و راهنمایی برای ملّتش،و نیرویی برای جنگش،و تاجی بر سرش،و دری برای رازش،و کلیدی برای پیروزی اش،تا جایی که سپاه شرک را به اجازۀ تو شکست داد،و ارتشهای کفر را به دستورت نابود کرد،و جانش را در خشنودی رسولت بخشید،و آن را وقف طاعتت نمود،پس درود فرست خدایا بر او،درودی همیشگی و ماندگار.سلام بر تو ای ولیّ خدا،و ستارۀ درخشان،و نور جانشین،ای خلاصۀ پاکان،ای راز خدا،به درستی که میان من و خدا گناهانی است که پشتم را سنگین کرده،و بر آنها بخشودگی نمی آید جز خشنودی او،پس به حق کسی که تو را بر رازش امین دانست، سرپرستی کار بندگانش را از تو درخواست،مرا به درگاه خدا شفیع باش،و از آتش پناه ده،و از حوادث روزگار پشت وپناه باش، که من بندۀ خدا و دوست و زائر تو هستم،درود خدا بر تو باد.

پس شش رکعت نماز زیارت به جای آر،و هر دعا که خواستی بخوان،و بعد از آن بگو:

سلام بر تو ای امیر مؤمنان،از جانب من،همیشه سلام خدا بر تو باد،تا باقی ام و شب و روز باقی است.پس اشاره کن و به سوی قبر امام حسین علیه السّلام متوجّه شو و بگو:سلام بر تو ای ابا عبد اللّه،سلام بر تو ای پسر رسول خدا،زائر به سوی شما دو بزرگوار آمده ام،متوسّل به خدا پروردگار

و پروردگار شما هستم،به وسیلۀ شما متوّجه به خدایم،و به مقام شما به درگاه خدا در این حاجتم شفاعت می طلبم.و بخوان تا آخر دعای صفوان انّه قریب مجیب سپس رو به قبله کن و بخوان از اول دعای:ای خدا،ای خدا،ای خدا، ای اجابت کنندۀ دعای ناچاران،ای برطرف کنندۀ اندوه اندوهناکان،مرا بازگردان با برآوردن حاجتم و کفایت آنچه به اندیشه ام انداخته اندیشه اش،از امر دنیا و آخرتم،ای مهربان ترین مهربانان.

پس روی به جانب قبر امیر مؤمنان علیه السّلام کن و بگو:

سلام بر تو ای امیر مؤمنان،و سلام بر ابی عبد اللّه الحسین تا زنده ام، و شب و روز باقی است،خدا این زیارتم را آخرین زیارت شما قرار ندهد،و بین من و شما جدایی نیندازد.مؤلّف گوید:پیش از این ذکر شد که دعای صفوان همان دعایی است که به دعای علقمه مشهور شده و ذکر آن در زیارت روز عاشورا[صفحۀ 710]بیاید ان شاء اللّه.

[زیارت هفتم:زیارتی است که سیّد ابن طاووس در کتاب صباح الزائر نقل کرده...]

زیارت هفتم:زیارتی است که سیّد ابن طاووس در کتاب«مصباح الزائر»نقل کرده به این صورت که«باب السّلام»را قصد کن،باب السلام درگاه روضۀ مقدّسۀ امیر مؤمنان است که ضریح مقدّس از آنجا دیده میشود،پس سی و چهار مرتبه اللّه اکبر بگو،آنگاه زیارت را به این کیفیت ادامه بده سلام خدا و سلام فرشتگان مقرّبش،و انبیای مرسلش،و بندگان شایسته اش و همۀ شهیدان و صدّیقان بر تو ای امیر مؤمنان،سلام بر آدم برگزیدۀ خدا،سلام بر نوح پیامبر خدا،سلام بر ابراهیم دوست خدا،سلام

بر موسی همسخن خدا،سلام بر عیسی روح خدا،سلام بر محمّد حبیب خدا،و رحمت و برکاتش بر آنان باد.سلام بر نام پسندیدۀ خدا،و جمال والا،و راه مستقیمش،سلام بر پیراستۀ برگزیده،سلام بر ابو الحسن علی بن ابی طالب و رحمت و برکات خدا بر او باد.سلام بر خالص دوستان صمیمی،سلام بر اختصاص یافته به سرور زنان،سلام بر ولادت یافته در کعبه،و تزویج شده در آسمان،سلام بر شیر خدا در میان کارزار،سلام بر کسی که مکّه و منی به او شرافت یافت،سلام بر صاحب حوض،و حمل کنندۀ پرچم توحید،سلام بر پنجمنین نفر اهل عبا،سلام بر صبح رسانندۀ شب هجرت در بستر پیامبر،و فداکنندۀ جانش برای جان او در برابر دشمنان،سلام برکنندۀ در خیبر،و پرتاب کنندۀ آن به هوا،سلام بر سخنگوی با اصحاب کهف در غارشان به زبان پیامبران سلام بر جوشانندۀ آب چاه در بیابان بی آب وگیاه،سلام برکنندۀ سنگ سخت،که مردان تنومند از کندنش عاجز شدند،سلام بر سخنگوی با اژدها بالای منبر کوفه با زبان فصیحان،سلام بر خطاب کنندۀ به گرگ و گفتگوکنندۀ با جمجمۀ مرده در نهروان،درحالی که استخوانها از روی کهنگی تکّه تکّه شده بود،سلام بر صاحب شفاعت در روز قیامت،و رحمت

ص:561

و برکات خدا بر او باد.سلام بر امام پاکیزه،هم پیمان با محراب عبادت،سلام بر صاحب معجزۀ چیره،و گویای به حکمت و سخن درست،سلام بر کسی که تأویل محکم و متشابه نزد اوست،و اصل کتاب پیش اوست،سلام بر کسی که آفتاب برای او بازگشت،هنگامی که غروب کرده بود،سلام بر زنده دارندۀ شب تاریک به عبادت و اندوه،سلام بر کسی که بدون شک جبرییل او به لقب امیر المؤمنین خطاب کرد،و رحمت و برکات خدا بر او باد،سلام بر امیر مؤمنان،سلام بر سرور جانشینان،سلام بر آقای آقایان،سلام بر صاحب معجزات،سلام بر کسی که فرشتگان هفت آسمان از حملاتش در جنگها تعجّب کردند،سلام بر کسی که با پیامبر گفتگوی پنهانی کرد،و پیشاپیش گفتار پنهانش صدقه ها داد،سلام بر فرماندۀ لشگرها،و صاحب جنگها سلام بر خطاب کننده به گرگ بیابانها،سلام بر نور خدا در تاریکیها سلام بر کسی که خورشید برایش بازگشت،در نتیجه نماز از دست رفته اش را ادا کرد،و رحمت و برکات خدا بر او باد، سلام بر امیر مؤمنان،سلام بر سرور جانشینان،سلام بر پیشوای پرهیزگاران،سلام بر وارث دانش انبیا،سلام بر رئیس دین،سلام بر نگهدار مؤمنان،سلام بر مقتدای اهل صدق،و رحمت و برکات خدا بر او باد.سلام

ص:562

بر حجّت نیکان،سلام بر پدر امامان پاک،سلام بر اختصاص یافته به شمشیر ذو الفقار،سلام بر ساقی دوستانش از حوضر پیامبر مختار،(درود خدا بر او و خاندانش باد)تا شب و روز از پی هم درآید،سلام بر خبر بزرگ،سلام بر کسی که خدا در حقّش این آیه را نازل کرد:به راستی در اصل کتاب نزد ما علّی حکیم است،سلام بر راه راست خدا،سلام بر وصف شده در تورات و انجیل و قرآن حکیم،و رحمت و برکات خدا بر او باد.

پس خود را بر ضریح می چسبانی و آن را می بوسی و می گویی:ای امین خدا،ای حجّت خدا،ای ولیّ خدا، ای راه خدا،زیارت کرد تو را بنده و دوستت،آنکه به قبرت پناه آورده،و بار حاجاتش را به درگاهت افکنده، به وسیلهٔ تو تقرّب جوی و شفیع خواه به درگاه خداست،زیارتش زیارت کسی است که به خاطر تو دست از رفیقان شسته،و تو را پس از خدا برای خویش کافی دانسته،شهادت می دهم که تو طور و کتاب مسطور ورق گشوده و دریای جوشان دانشی،ای ولیّ خدا برای هر زیارت شده ای نسبت به کسی که او را زیارت کرده،و قصد او را نموده و به زیارت وی آمده عنایتی است،و من دوست توام،و بارم را به درگاهت فرود آورده ام،و به حرمت پناهنده شده ام،و به پناه ضریحت آمده ام،به خاطر آگاهی ام به بزرگی مقامت،و شرافت پیشگاهت،درحالی که گناهان پشتم را سنگین کرده،و خوابم را در ربوده،در نتیجه پناهگاه و جای امن و ملجأی نمی یابم که به آن پناه برم جز

به خدای تعالی،و توسّلم به وسیلۀ تو به درگاهش،و شفاعت خواهی ام به تو در پیشگاهش،اینک همانم که به درگاهت فرود آمده ام،و تو را نزد خدا منزلت بزرگ و مقام کریم است،پس نزد خدا شفیع من باش ای مولای من.پس ضریح را ببوس،و رو به جانب قبله کن و بگو:

خدایا به پیشگاهت تقرّب می جویم،ای شنواترین شنوایان،ای بیناترین بینایان،ای سریع ترین حسابرسان، ای بخشنده ترین بخشندگان،به محمّد خاتم پیامبران فرستاده ات به جانب جهانیان،و به برادر و پسر عمویش،آن فراخ سینه،و عالم آشکارکننده،علی امیر مؤمنان،و حسن و حسین دو امام شهید،و به علی بن الحین زین العابدین،و به محمّد بن علی شکافنده دانش پیشینیان،و به جعفر بن محمّد آن پاکیزه گروه صدیقان،و به موسی بن جعفر فرو برندۀ خشم، و نمایان کنندۀ حق،و زندانی ستمکاران،و به علی بن موسی الرّضای امین،و به محمّد بن علی جواد پرچم راه یافتگان،و علی بن محمّد آن نیکوکار صادق،سرور عبادت کنندگان،و به حسن بن علی عسگری زمامدار مؤمنان،و به یادگار بزرگوار،آن حجّت صاحب امر،و آشکارکننده دلایل روشن، که اندوه های مرا برطرف کنی،و بلای حتمی را از من کفایت کنی،و از آتشی که دارای بادهای پر حرارت زهراگین است مرا پناه دهی،به مهربانی ات امی مهربان ترین مهربانان.پس برای هرچه بخواهی دعا کن و آن حضرت را وداع کن و بازگرد

ص:564

مؤلف گوید:سیّد عبد الکریم بن طاووس در کتاب«فرحه الغرّی»روایت کرده:حضرت زین العابدین علیه السّلام به شهر کوفه آمد،و وارد مسجد کوفه شد،ابو حمزه ثمالی که از زاهدان اهل کوفه و از بزرگان آن منطقه بود،در مسجد حضور داشت،امام سجّاد علیه السّلام دو رکعت نماز بجا اورد،ابو حمزه گفت:لهجه ای پاکیزه تر از لهجهٔ او نشنیدم،نزدیک او رفتم تا بشنوم چه می گوید:شنیدم می گوید:معبود من اگر تو را نافرمانی کرده ام در عوض تو را در محبوبترین چیزها به پیشگاهت اطاعت کرده ام.و این دعایی است معروف.

مؤلف گوید:ذکر این دعا پس از این در اعمال مسجد کوفه بیاید،و نز ذکر این مطلب هم بیاید که ابو حمزه گفت:آن بزرگوار کنار ستون هفتم آمد،و نعلین خود را از پا درآورد و ایستاد،و دستها را تا برابر گوش برداشت و تکبیر گفت:

که تمام موهای بدنم از ترس آن راست شد،پس چهار رکعت نماز خواند،و رکوع و سجودش را نیکو انجام داد، آنگاه این دعا را خواند:الهی ان کنت قد عصیتک...تا آخر دعا.موافق روایت چند سطر قبل ابو حمزه گفت:آن بزرگوار پس از دو رکعت نماز و دعا از جای برخاست و بیرون رفت،من تا مناخ کوفه:مکانی که شتران را در آنجا می خواباندند دنبال آن حضرت رفتم،در آنجا غلام سیاهی دیدم که شتر گزیده و ناقه ای با اوست،به او گفتم ای سیاه این مرد کیست؟گفت:از سیما و شمایلش او را نشناختی؟! او علی بن الحسین علیهما السّلام است.ابو حمزه گفت:خود را به روی قدمهای آن حضرت انداختم و آنها را بوسیدم،آن جناب مانع ادامهٔ این عمل شد و با دست مبارک خود سر مرا بلند کرد و فرمود:این کار را مکن،سجده جز برای خدای عزّ و جلّ نشاید،گفتم:یا ابن رسول اللّه برای چه اینجا آمده اید؟فرمود:برای آنچه دیدی،یعنی نماز در مسجد کوفه،اگر مردم بدانند چه فضیلتی در آن است،به سویش بیایند،گرچه به روش کودکان خود را به زمین کشند،یعنی راه رفتن برای ایشان هرچند در نهایت سختی باشد،مانند اطفالی که هنوز راه نیفتاده اند و نشسته حرکت می کنند.سپس فرمود:آیا میل داری با من قبر جدّم علی بن ابی طالب علیه السّلام را زیارت کنی؟ گفتم:آری،حضرت حرکت کرد،و من در سایهٔ ناقهٔ او بودم،و مرا حدیث می فرمود،تا به غریّین

رسیدیم،و آن بقعه ای بود سپید،که نورش می درخشید،انگاه از مرکبش پیاده شد،و دو طرف روی خود را بر آن زمین نهاد و فرمود:ای ابا حمزه این قبر جدّ من علی بن ابی طالب علیه السّلام است،پس زیارت کرد آن حضرت را به زیارتی که اول آن«السّلام علی اسم اللّه الرضی و نور وجهه المضیٔ»است،پس با آن قبر مطهّر وداع کرد.و به سوی مدینه رفت و من به جانب کوفه برگشتم.مؤلّف گوید:از اینکه سیّد این زیارت را در کتاب«فرحه الغریّ»ذکر نکرده است تأسّف می خوردم و در جستجوی آن بودم،تا یک یک زیاراتی که برای حضرت امیر علیه السّلام نقل شده بود ملاحظه کردم،زیارتی که در ابتدای آن این،دو جمله باشد نیافتم،مگر این زیارت شریف که جملۀ اوّلش موافق است و جملۀ دوّم مخالف[در اوائل زیارت هفتم به این صورت است:«السّلام علی اسم اللّه الرضی و وجهه العلی و شاید این زیارت که سیّد دو جمله اش را نقل کرده همان زیارت باشد،و این اختلاف اندک چنان اهمیتی ندارد اگر بگویی اوّل این زیارت:«سلام اللّه و سلام ملائکته»است نه:«السّلام علی اسم اللّه»گوییم:اوّل زیارت همان«السّلام علی اسم اللّه الرضی»است،و سلامهای سابق به منزله اذن دخول و طلب رخصت است،و شاهد بر این مطلب،مطابقت داشتن این زیارت است با زیارت روز مولود،که کمال شباهت را با هم دارند،به آنجا رجوع کن تا بر تو معلوم گردد،نیز آگاه باش در زیارت ششم«السّلام علی اسم اللّه الرضی و وجهه المضیٔ» و زیارت روز مولود،این جمله بدون لفظ نور است ولی نه در اول زیارت بلکه در اواخر زیارت ششم و اوایل زیارت هفتم.و اللّه العالم.در هر صورت از تمام زیارات مطلقه همین هفت زیارت را که نقل کردیم کافی است اگر کسی بیش از این بخواهد زیارات جامعه را بخواند،و نیز زیارت مبسوطی که پس از این برای روز غدیر نقل می کنیم قرائت کند،زیار به خواندن آن زیارت در هر زمان،و هرکجا که شخص قرار داشته باشد،روایت وارد شده و باید زیارت حضرت امیر مؤمنان علیه السّلام و نماز در آن حرم مطهّر را غنیمت شمرد،زیرا نماز نزد آن بزرگوار برابر دویست هزار نماز است.از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:هرکه امام واجب الطاعه را زیارت کند،و نزد او چهار رکعت نماز بخواند،برای او حجّ و عمره نوشته می شود،و ما در کتاب«هدیه الزائرین»به فضیلت مجاورت قبر امیر مؤمنان علیه السّلام اشاره کردیم،ولی به شرط آنکه

مجاور حق جوار آن حضرت را رعایت کند و این کار بسیار مشکلی است که برای هرکسی ممکن نیست و مقام را مقتضی ذکر آن نمی باشد، هرکه خواهد به کتاب«کلمهٔ طیّبه»مراجعه کند.

زیارت وداع امیر المؤمنین علیه السّلام

چون خواستی آن حضرت را وداع کنی،این دعای وداع را بخوان،که پس از زیارت پنجم آمده و در کتب علما نقل شده است: سلام و رحمت و برکات خدا بر تو،تو را به خدا می سپارم،و خواهان سرپرستی نسبت به خود هستم،و بر تو سلام می فرستم،ایمان آوردیم به خدا و پیامبران و به آنچه از جانب خدا آوردند،و به آن دعوت نموده و راهنمایی کردند،خدایا ما را همراه با گواهان بنویس.خدایا این زیارت مرا آخرین زیارت ایشان قرار مده،اگر مرا پیش از آن بمیرانی،پس از مرگم شهادت می دهم بر آنچه در زندگی شهادت دادم،شهادت می دهم که امیر مؤمنان علی و حسن و حسین،و علی بن الحسین و محمّد بن علی و جعفر بن محمّد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمّد بن علی و علی بن محمّد و حسن بن علی،و حجّت بن الحسن،(درود تو بر همهٔ ایشان)امامان من هستند،و گواهی می دهم:هرکه آنان را کشت و با آنان جنگید مشکر است،و هرکه سخنانشان را مردود دانست جایگاهش در پست ترین مرتبه از دوزخ است،و شهادت می دهم کسانی که با آنان جنگیدند دشمنان ما می باشند،و ما از آنان بیزاریم،و آنان حزب شیطانند،و لعنت خدا و فرشتگان خدا و همهٔ مردم بر کسانی که آنان را کشتند،و آنان که در ریختن خون ایشان شریک شدند،و از کشته شدنشان شاد گشتند.خدایا از تو می خواهم پس از

نماز و سلام درود فرستی بر محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین،و علی و محمّد،و جعفر و موسی و علی و محمّد و علی و حسن و حضرت حجّت،و آن را آخرین زیارت من از زیارت ایشان قرار مده،اگر قرارش دهی پس مرا با این امامان نام برده محشور کن، و قلوب ما را به طاعت و خیرخواهی و محبّت و کمک نیک و تسلیم شدن در برابر آنان فروتن فرما

[مقصد دوّم:در زیارات مخصوصهٔ حضرت امیر مؤمنان علیه السّلام]

اشاره

مقصد دوّم:در زیارات مخصوصهٔ حضرت امیر مؤمنان علیه السّلام و آن چند زیارت است.

[اول:زیارت روز غدیر]

اول:زیارت روز غدیر.از حضرت رضا علیه السّلام روایت شده که به ابن ابی نصر فرمود:هرجا که باشی،روز غدیر کنار قبر امیر المؤمنان علیه السّلام حاضر شو،به درستی که در این روز حق تعالی،از مرد مؤمن و زن مؤمنه گناه شصت سال را می آمرزد،و از آتش جهنم آزاد می کند و دو برابر آنچه در ماه رمضان و شب قدر و شب فطر آزاد کرده بدان که برای این روز شریف چند زیارت نقل شده است:

[اوّل:زیارت«امین اللّه»...]

اوّل:زیارت«امین اللّه»که بیان آن در زیارت دوّم مطلقه گذشت[صفحهٔ 548]

[دوم:زیارتی است که به سندهای معتبر از حضرت هادی علیه السّلام نقل شده...]

دوم:زیارتی است که به سندهای معتبر از حضرت هادی علیه السّلام نقل شده است،که با آن زیارت حضرت امیر مؤمنان علیه السّلام را در روز غدیر در سالی که معتصم آن حضرت را طلبیده بود زیارت کردند،و کیفیت آن به این نحو است:چون ارادهٔ زیارت نمایی بر بارگاه نورانی بایست.و رخصت بخواه،و شیخ شهید گفته:

غسل می کنی،و پاک ترین جامه های خود را می پوشی،و اذن دخول می طلبی و می گویی:اللّهم انّی وقفت علی باب و این همان اذن دخول اول است که ما در اول باب نقل کردیم،پس پای راست را پیش بگذار،و داخل شو به نزدیک ضریح مقدّس برو و پشت به قبله در برابر ضریح بایست و بگو:

سلام بر محمّد رسول خدا،خاتم پیامبران،و سرور رسولان،و برگزیدۀ پروردگار

جهانیان،امین خدا بر وحی و دستورات قطعی الهی،و ختم کنندۀ آنچه گذشته،و گشاینده آنچه خواهد آمد،و چیره بر همۀ اینها،و رحمت و برکات و درودها و تحیّات خدا بر او باد.سلام بر پیامبران خدا و رسولانش،و فرشتگان مقرّب و بندگان شایسته اش.سلام بر تو ای امیر مؤمنان و سرور جانشینان،و وارث دانش پیامبران،ولی پروردگار جهانیان و مولای من و مولای مؤمنان،و رحمت و برکات خدا بر او باد.سلام بر تو ای مولای من ای امیر مؤمنان،ای امین خدا بر روی زمینش،و سفیر او در خلقش،و حجّت رسایش بر بندگان.سلام بر تو ای دین معتدل خدا،و راه راستش.سلام بر تو ای خبر بزرگی که آنها در آن اختلاف کردند،و از آن بازخواست شوند.سلام بر تو ای امیر مؤمنان،به خدا ایمان آوردی،درحالی که همه شرک می ورزیدند،و حق را تصدیق گفتی وقتی که آنان را تکذیب می نمودند و جاد کردی و آنان از جهاد عقب نشینی می کردند،خدا را عبادت کردی،درحالی که خالص نمودی برای او دین را،صبر کردی و به حساب خدا گذاشتی،تا مرگ تو را دررسید،آگاه باشید لعنت خدا بر ستمکاران.سلام بر تو ای آقای مسلمانان و رئیس دین،و پیشوای اهل تقوا،و مقتدای سپیدرویان،و رحمت و برکات خدا بر تو باد شهادت می دهم که تویی برادر رسول خدا،جانشین،و وارث علمش،و امین او بر قانونش،و

ص:569

جانشین او در امّتش،و اوّل کسی که به خدا ایمان آورد،و آنچه را بر پیامبرش نازد شده بود تصدیق کرد،و شهادت می دهم که آن حضرت همهٔ آنچه را خدا دربارهٔ تو نازل کرد به مردم رساند،و امر خدا را دربارهٔ تو با صدای بلند اعلام کرد،و بر امّتش حتمی بودن طاعت و ولایتت را واجب نمود،و بیعت تو را بر عهدّ آنان نهاد،و حضرتت را نسبت به مؤمنان سزاوارتر از خودشان قرار داد،چنان که خدا خود او را این چنین قرار داد،سپس پیامبر اسلام خدا را بر مردم شاهد گرفت و فرمود:آیا من آن نیستم که رساندم.همه گفتند:

به خدا آری.پس فرمود:خدایا گواه باش،و تو برای گواهی و حاکمیت بین بندگان بسی.پس خدا لعنت کند منکر ولایتت را بعد از اقرار،و شکنندهٔ پیمانت را پس از پیمان بستن،و شهادت می دهم که تو به عهد خدای تعالی وفا کردی،و خدای تعالی وفا کنندهٔ به عهد خویش برای توست،و هرکس به آن پیمانی که با خدا بسته وفا کند،خدا پاداش بزرگی به او خواهد داد.و شهادت می دهم که تویی امیر مؤمنان آن حقّی که قرآن به ولایتت گویا شد،و رسول خدا در این زمینه برای تو از امّتت پیمان گرفت،و شهادت می دهم که تو و عمو و برادرت کسانی هستید که با خدا با جانهایتان معامله کردید،پس خدا این آیه را در حق شما نازل کرد:به درستی که خدا از مؤمنان خرید جانها و اموالشان را،که در عوض به آنها بهشت برای آنان باشد،و در راه خدا پیکار می کنند، پس می کشند و کشته می شوند،وعده ای است بر او،محقق شده در تورات و انجیل و قرآن،و کیست که به عهد خود وفادارتر از خدا باشد،پس شادی کنید به معامله ای که انجام دادید،و این است آن رستگاری بزرگ

آنانند توبه کنندگان،عبادت کنندگان،روزه گیران،رکوع کنندگان،سجودکنندگان،امرکنندگان به معروف،نهی کنندگان از منکر،و نگهبانان حدود خدا،و به مؤمنان بشارت ده،شهادت می دهم ای امیر مؤمنان،که شک کننده درباره تو به رسول امین ایمان نیآورده،و اینکه روی گرداننده از ولایت تو به ولایت غیر،معاندانه روی گردان از دین است،دین میانه ای که پروردگار جهانیان برای ما پسندیده،و آن را روز غدیر به ولایت تو کامل نموده است،و گواهی می دهم که در این گفته خدای عزیز رحیم،مقصود تویی:به حقیقت این است راه راست من،از آن پیروی کنید،و راههای دیگر را پیروی ننمایید،که شما را از راه او پراکنده کند،به خدا سوگند گمراه شد،و گمراه کرد کسی که از غیر تو پیروی نمود،و کسی که تو را دشمن داشت،ستیزه ورزان از حق روی گرداند.خدایا امرت را شنیدیم.و اطاعت کردیم و راه راست تو را پیروی نمودیم پروردگارا ما را هدایت کن،و بعد از اینکه ما را به طاعتت هدایت کردی دلهایمان را منحرف مساز،و ما را از سپاسگذاران نعمتهایت قرار ده،و شهادت می دهم که تو پیوسته با هوای نفس مخالف،و با پرهیزگاری هم پیمان،و به فرو خوردن خشم توانا و گذشت کننده از مردم و آمرزندۀ آنان بودی،و زمانی که خدا معصیت می شود خشمناک،و هنگامی که اطاعت می شود خشنودی به آنچه خدا با تو پیمان بسته بود عامل بودی،و آنچه نگهداری اش از تو خواسته شده بود رعایت نمودی،و آنچه به تو سپرده شده بود حفظ کردی،و آنچه از حق بر عهده ات نهاده شده بود رساندی،و آنچه را به آن وعده داده شدی به انتظار نشستی،و شهادت می دهم که از روی زبونی محافظه کاری نکردی،و در اثر بی تابی و عجز از گرفتن حقت باز نایستادی،و به خاطر ترس و وحشت،از پیکار با غصبان ولایتت قدم به عقب نگذاشتی،و به علّت سستی بر خلاف آنچه خدا

را خشنود می کند اظهار خشنودی ننموده،و برای آنچه در راه خدا به تو دررسیده سست نشدی،و به خاطر ترس و زبونی از خواستن حقّت ناتوان و درمانده نگشتی،پناه به خدا از اینکه چنین باشی،بلکه زمانی که مورد ستم واقع شدی.به حساب پروردگارت گذاشتی،و کارت را به او واگذار کردی،و ستمکاران را پند دادی ولی نپذیرفتند،و اندرز دادی ولی قبول نکردند،و آنان را از خدا ترساندی،ولی نترسیدند،و شهادت می دهم که تو ای امیر مؤمنان در راه خدا به حق جهاد کردی،تا اینکه خدا تو را بجوارش فرا خواند،و به اختیارش تو را به جانب خود قبض روح کرد،و حجّتت را بر دشمنانت ختم کرد، با به قتل رساندن تو را،تا حجّت به سود تو و زیان باشد همراه با آنچه برای تو بود از حجّتهای رسا بر همهٔ خلق.سلام بر تو ای امیر مؤمنان،خدا را خالصانه عبادت کردی،و صابرانه در راه خدا جهاد نمودی،و به حساب خدا جانبازی کردی،و به کتابش عمل نمودی،و روش پیامبرش را پیروی کردی،و نماز را بپا داشتی،و زکات را پرداختی،و به معروف امر کردی،و تا توانستی از منکر نهی نمودی طالب بودی آنچه را نزد خداست،راغب بودی در آنچه خدا وعده داد،کاسهٔ صبرت از پیش آمدها لبریز نشد،و هنگام سختیها سست نگشتی،از مقابل هیچ جنگجویی بازنگشتی،آنکه غیر این امور را به تو نسبت داد تهمت زد،و به باطل دروغ بر تو بست،و مرگ بر کسی که با اصرار بر مخالفت با تو از تو روی گرداند،به راستی در راه خدا به حق جهاد کردی،و بر آزار مردم به نیکی صبر کردی صبری به حساب خدا،تویی اوّل کسی که به خدا ایمان آوردی،و برای او نماز خواندی،و جهاد کردی،و خود را در

خانۀ شرک برای حق آشکار نمودی، درحالی که زمین انباشته به گمراهی بود،و شیطان آشکارا عبادت می شد،و تویی گویندۀ این سخن:کثرت مردم در پیرامونم عزّتی به من نیفزاید و پراکنده شدنشان ترسی به من اضافه نکند،اگر همۀ مردم از من دست بردارند،نالان نشوم،پناهنده به خدا شدی و عزّت یافتی،آخرت را بر دنیا برگزیدی و پارسا گشتی،خدا تأییدت نمود و راهنمایی فرمود،و در گردونۀ خلوص قرار داد،و تو را برگزید،کردارهایت ضد و نقیض نشد،گفتارهایت اختلاف نیافت،حالاتت زیر و رو نگشت،ادعای بیهوده نکردی،و بر خدا دروغ نبستی،و به متاع اندک دنیا طمع نورزیدی،گناهان تو را آلوده نساخت،همواره امورت بر پایۀ برهانی از سوی پروردگارت بود،در کارت بر یقین بودی،به سوی حق و راه مستقیم هدایت می نمودی،شهادت می دهم شهادت حق،و سوگند می خورم سوگند صدق،که محمّد و خاندانش(درود خدا بر آنان باد) سروران خلقند،و اینکه تو مولای من و مولای همۀ مؤمنانی،تو بندۀ خدا و ولیّ او و برادر جانشین و وارث او هستی،و او گویندۀ این سخن به حضرت توست:سوگند به کسی که مرا به حق برانگیخت به من ایمان نیاورد آنکه به تو کافر شد،و به خدا اقرار ننمود آنکه به انکار تو برخاست،گمراه شد کسی که مردم را از تو بازداشت،و به سوی خدا و به جانب من راه نیافت،و این گفتار پروردگار عزّ و جلّ من است:من آمرزنده ام آن کس را که توبه کرد،و ایمان آورد،و عمل شایسته انجام داد،سپس به سوی ولایت تو راه یابد.مولای من فضل تو مخفی نمی ماند،و نورت

خاموش نگردد،و آنکه تو را انکار کند ستمکار و بدبخت است،مولای من تو حجّت بر بندگانی و راهنمای به سوی راه راستی،و ذخیرهٔ روز معادی،مولای من خدا مقامت را در دنیا بلند کرد، و درجه ات را در آخرت والا گردانید،و بینایت نمود به آنچه بر کسی که با تو مخالفت کرد پوشیده ماند،و بین تو و موهبتهای خدا حجاب شد،لعنت خدا بر حلال شمارندگان حرمتت،و دفع کنندگان حقّت، و شهادت می دهم که آنان از زیانکارترین مردمی هستند که آتش چهرهٔ آنان را می سوزاند،و در میان دوزخ زشت و عبوس هستند، و شهادت می دهم که اقدام نکردی،و قدم به عقب نگذاشتی،و سخن نگفیتی و باز نایستادی مگر به فرمان خدا و رسولش.

خود فرمودی:سوگند به آنکه جانم در دست اوست،رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش باد)به من نظر کرد، درحالی که پیش قدمانه شمشیر می زدم،ایشان به من فرمود:ای علی تو نسبت به من به منزلهٔ هارونی نسبت به موسی،جز اینکه بعد از من پیغمبری نیست،و من تو را خبر می دهم که مرگ و زندگی تو با من و براساس راه و رسم من است،به خدا سوگند دروغ نگفتم،و به من دروغ گفته نشد،و گمراه نشدم و کسی به وسیلهٔ من گمراه نشده،و آنچه را پروردگارم با من عهد کرده فراموش نکردم،من بر برهانی از سوی پروردگارم هستم که برای پیامبرش بیان نموده و پیامبر نیز برای من بیان داشته است و من به راستی بر راه روشن هستم که آن را صریح می گویم با صراحت تمام،ای امیر مؤمنان به خدا سوگند راست گفتی،و حق گفتی.پس خدا لعنت کند کسی را که تو را با آنکه با تو دشمنی کرد برابر قرار داد،درحالی که خدا می فرماید:آیا کسانی که می دانند،با کسانی که نمی دانند برابرند؟پس خدا لعنت

کند کسی را که مساوی تو قرار داد،آن کس را که خدا ولایتت را بر او واجب کرد،و حال اینکه تو ولیّ خدایی،و برادر رسول خدایی و دفاع کننده از دین خدایی،و کسی هستی که قرآن به برتری اش گویاست،خدای تعالی فرمود:خدا جهادکنندگان را بر نشستگان برتری داد به اجری بزرگ،درجات و مغفرت و رحمت از جانب او برای جهادگنندگان است،و خدا همواره آمرزنده و مهربان است و خدای تعالی فرمود:آیا آب دهی به حاجیان و آباد دادن در مسجد الحرام را قرار داده اید همانند آن کس که به خدا و روز جزا ایمان آورده،و در راه خدا جهاد کرده است؟هرگز پیش خدا برابر نیستند،خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی کند.آنان که ایمان آورده اند و هجرت کردند،و در راه خدا با اموال و جانهایشان جهاد کردند،از جهت مقام به نزد خدا برترند،و ایشان رستگارانند،نویدشان می دهد پروردگارشان به رحمتی از جانب خود و خشنودی،و بهشتهایی که در آنها نعمت پایدار برای آنان باشد.در آن بهشتها جاودانند،به راستی که نزد خدا پاداشی بزرگ است.شهادت می دهم که تو به ستایش خدا مخصوص گشته ای،و مخلص در طاعت خدایی،برای هدایت جایگزینی نجستی،و در بندگی پروردگارت احدی را شریک نساختی،خدای تعالی دعای پیامبرش(درود خدا بر او و خاندانش)را در حق تو اجابت کرد،سپس اظهار آنچه تو را سزاوار حکومت بر ملّتش کرده بود به او فرمان داد،برای بالا بردن شأنت،و علنی ساختن برهانت،و دفع باطلها،و بریدن بهانه ها،پس زمانی که از آشوب اهل فسق بیمانک شد، و دربارۀ تو در برابر منافقان محافظکاری کرد،پروردگار جهانیان به او وحی کرد:ای رسول !آنچه از پروردگارت به تو نازل

شده به مردم برسان،اگر انجام ندهی پیام خدا را نرسانده ای،خدا تو را از مردم حفظ می کند پس او بارهای سنگین سفر را بر دوش جان نهاد،و در حرارت شدید نیمهٔ روز برخاست،سخنرانی کرد و شنواند،و فریاد زد،پس پیام حق را رساند،سپس از همهٔ آنها پرسید:آیا رساندم؟گفتند:به خدا قسم آری.فرمود:

خدایا شاهد باش.سپس به مردم خطاب کرد:آیا من آن نیستم که به مؤمنان از خود آنان سزاوارترم؟گفتند:آری،پس دست تو را گرفت،و فرمود:هرکه را که من مولای اویم،پس این علی مولای اوست،خدایا دوست بدار هرکه او را دوست دارد،و دشمن بدار هرکه او را دشمن دارد،و یاری کن کسی را که یاری اش کند،و خوار کن هرکه خوارش سازد.پس به آنچه خدا دربارهٔ تو بر پیامبرش نازل کرد،ایمان نیاورد جز عده ای اندک،و اکثرشان را نیفزود جز زیانکاری،پیش از آن نیز خدا در حق تو این آیه را نازل کرد درحالی که آنان دوست نداشتند:ای کسانی که ایمان آورده اید،هرکه از شما از دینش برگردد،خدا به زودی قومی را بیاورد،که آنها را دوست دارد،و آنها هم خدا را دوست دارند،بر مؤمنان نرمند،و بر کافران سخت،در راه خدا جهاد کنند،از سرزنش سرزنش کنندگان نمی ترسند،این است فضل خدا،به هر که بخواهد عنایت می کند،خدا گسترنده و دانا است.جز این نیست که شما ولیّ خدا و رسول او و همهٔ آنانی هستند که ایمان آورند،و آنانی که نماز را بر پا می دارند و زکات می دهند،درحالی که رکوع کننده اند،و هرکه با خدا و رسولش و کسانی که ایمان آوردند دوستی کند،پس حزب خدا حزب پیروز است.پروردگارا به آنچه نازل کردی ایمان آوردیم،و از پیامبر پیروی نمودیم،پس ما را با گواهان بنویس.پروردگارا

دلهای ما را پس از آنکه هدایتمان کردی منحرف مساز،و به ما از نزد خود رحمتی ببخش،که تو بسیار بخشنده ای خدایا ما می دانیم که این گفتار از نزد تو حق است،پس لعنت کن کسی را که با آن معارضه کرد،و به آن کبر ورزید،و آن را تکذیب کرد،و کافر شد،و زود است بدانند کسانی که ستم کردند،به چه بازگشتگاهی برگردند.سلام بر تو ای امیر مؤمنان و سروز جانشینان،و رأس عبادت کنندگان،و پارساترین پارسایان،و رحمت خدا و برکات و درودها و تحیّاتش بر تو باد،تویی خورانندۀ طعام در حال دوست داشتن آن،به درمانده و یتیم و اسیر تنها به خاطر خشنودی خدا،که از آنها پاداش و سپاسی نمی خواستی،و خدای تعالی در حق تو چنین گفت:دیگران را بر خود ترجیح می دهند،گرچه خود تهیدست باشند،هرکه از بخل وجودش محفوظ ماند پس آنانند از رستگاران، تویی فروبرندۀ خشم،و گذشت کننده از مردم،و خدا نیکوکاران را دوست دارد،تویی صبرکننده در تنگدستی و پریشان حالی و به هنگام جنگ،تویی بخش کننده به برابری،و دادگر در میان ملّت،و آگاه به مقرّرات خدا،از میان همۀ انسانها،خدای تعالی خبر داد از آنچه سزاوار کرده تو را از فضلش به گفته اش:آیا کسی که مؤمن است همانند کسی است که فاسق است؟هرگز برابر نیستند.امّا کسانی که ایمان آورده اند،و کار شایسته کردند،برای آنها بهشتهای خویش جایگاه جهت پذیرایی به پاداش آنچه انجام دادند،و تویی اختصاص یافته به علم قرآن،و حکم تأویل،و صریح گفتار پیامبر،و تو راست موقعیتهای

گواهی شده،و مقامات مشهور،و روزهای یاد شده،روز بدر،و روز احزاب آن زمان که چشمها منحرف،و جانها به گلوها رسید،و به خدا گمان می بردید،گمانهای گوناگجون،در آنجا اهل ایمان آزمایش شدند،و دچار تزلزل روحی گشتند تزلزل سخت.آن هنگام اهل نفاق و آنان که در دلهایشان بیماری بود گفتند:خدا و رسولش جز فریب به ما وعده ندادند.و در آن زمان گروهی از آنان گفتند:ای اهل مدینه جایی برای شما نیست،بازگردید،و جمعی از آنان از پیامبر اجازه می خواستند،می گفتند:خانه های ما باز و بی حفاظ است و حال آنکه بی حفاظ نبود،آنان جز فرار از جنگ قصدی نداشتند،و خدای تعالی فرمود:همین که اهل ایمان دسته های کفر و شرک را دیدند گفتند:این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داد،خدا و رسولش راست گفتند،و آنان را نیفزود مگر ایمان و تسلیم،پس عمرو قهرمان آنها را کشتی،و جمع آنان را فراری دادی،و خدا آنان را که کافر بودد با خشمشان بازگرداند،درحالی که به غنیمتی دست نیافتند،و خدا جنگ را از اهل ایمان کفایت کرد،و خدا نیرومند و عزیز است،و روز احد هنگامی که از اطراف پیامبر فرار می کردند،و به احدی اعتنا نمی نمودند،و پیامبر آنان را از پشت سرشان به کارزار دعوت می کرد، تو بودی که مشرکان را برای حفظ پیامبر به راست و چپ دفع می کردی،تا خدا گزند آنان را در حالی که ترسان بودند از شما دو بزرگوار برگرداند،و شکست خوردگان را به وسیلۀ تو یاری کرد.و روز حنین،بنابر آنچه قرآن در این آیه به آن گویا شد:

«زمانی که نفرات زیاد شما باعث شگفتی شما شد،ولی شما را به هیچ وجه بی نیاز نکرد،و زمین با آن فراخی اش بر شما تنگ شد،سپس

روی گردانده فرار کردید.آنگاه خدا آرامش خود را بر رسولش و بر مؤمنان نازل فرمود».«مؤمنان» تو بودی و همراهانت،و عمویت عباس شکست خوردگان را صدا می زد:ای اصحاب سورهٔ بقره،ای اهل بیت شجره،تا جماعتی به او پاسخ دادند،که تو رنج آنها را کفایت کردی،و به جای آنها کمک را عهده دار شدی،پس نومید از پاداش برگشتند،و امیدوار به وعدهٔ خدای تعالی به توبه،و این است سخن خدا که عظیم باد یادش:«آنگاه خدا توبه می پذیرد پس از آن،توبهٔ کسی را که بخواهد،درحالی که تو درجهٔ صبر را به دست آوردی،و به مزد بزرگ پیروز شدی،و روز خیبر که خدا شکست منافقان را آشکار کرد،و دنبالهٔ کافران را برید،و سپاس خدای را پروردگار جهانیان،درحالی که آنها از پیش با خدا پیمان بسته بودند که فرار نکنند،و به یقین پیمان خدا مورد بازخواست است.مولای من تویی حجّت رسا،و راه روشن،و نعمت کامل،و برهان تابناک،پس گوارا باد تو را،آنچه خدا از برتری به تو داد، و نابود باد دشمن نادانت،با پیامبر(درود خدا بر او و خاندانش)در تمام جنگها و لشگرکشیهایش حاضر بودی، پیشاپیش پرچم اسلام را به دوش می کشیدی،و در برابرش شمشیر می زدی،سپس تنها برای تدبیر و کاردانی مشهودت و بینایی ات در امور،در تمام میدانها تو را به فرماندهی می گماشت،و امیری بر تو نبود،چه بسیار کارهایی که تقوا مانع اجرای تصمیت در آنها شد،اما جز تو در مثل آن از هوای نفس پیروی کرد،پس نادانان گمان کردند،که تو از

آنچه او به آن رسید عاجز شدی،به خدا قسم گمان کنندۀ این چنین گمراه شد و را نیافت،و تو واضح ساختی آنچه مشکل شده بود از این امور،برای آنکه توهّم و تردید کرد به گفتارت،درود خدا بر تو که فرمودی:گاهی انسان زبردست و چیره روی چاره را می بیند،ولی در برابرش پرده ای از تقوای خداست،در نتیجه روی چاره را آشکار رها می کند، ولی فرصت آن را غنیمت می داند کسی در امر باکی ندارد،به خدا سوگند راست گفتی،و یاوه سرایان دچار زیان شدند،هنگامی که آن دو عهدشکن[طلحه و زبیر]با تو به فریبکاری برخاستند،و گفتند قصد عمره داریم،به آنان گفتی:به جان خودتان قسم:قصد عمره ندارید،بکله قصد خیانت دارید،در نتیجه از آن دو نفر بیعت گرفتی،و پیمان را محکم کردی،پس در نفاق کوشیدند،زمانی که بر کار نادرستشان آگاهشان کردی،بی توجّهی کردند،و به کار خویش بازگشتند،ولی بهره مند نشدند،و سرانجام کار هر دو خسران شد سپس اهل شام خیانت آن دو را دنبال کردند،و تو پس از بستن راه غدر بر آنان به سویشان حرکت کردی،ولی آنها به دین حق گردن ننهادند.

و در قرآن تدبّر ننمودند،بی خردان پست و گمراهان ناجوانمرد،به آنچه در حق تو بر محمّد نازل شده بود کافرند، و یاوران مخالف تو،درحالی که خدا به پیروی از تو امر کرد،و مؤمنان را به یاری تو فرا خواند،و فرمود خدای عزّ و جلّ:ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را پروا کنید،و با راستگویان باشید.

مولای من حق بر تو نمایان شد،درحالی که مردم آن را به یک سو انداختند،و تو روشهای دینی را پس از کهنگی و نابودی آشکار ساختی،تو راست پیشینۀ جهاد بر پایه تصدیق به قرآن،و تو راست فضیلت جهاد بر

ص:580

پایۀ تحقّق تأویل،و دشمن تو دشمن خدا،و انکارکنندۀ رسول خدا است،دعوت می کند دعوت باطل، حکومت می کند به ستم،فرمان می دهد غاصبانه،دارودسته اش را به دوزخ می خواند،درحالی که عمّار جهاد می کرد و میان دو لشگر فریاد می زد:

کوچ کنید،کوچ کنید به سوی بهشت،و زمانی که آب خواست،با شیر سیراب شد و تکبیر زد و گفت:رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش)به من فرمود:آخرین نوشیدنی ات از دنیا مخلوطی است از شیر،و تو را گروه متجاوز به قتل می رساند،پس ابو العادیه فزاری راه را بر عمّار گرفت و او را کشت،بر ابو العادیه لعنت خدا و لعنت فرشتگان خدا و همۀ پیامبران،و لعنت بر کسی که شمشیر به روی تو کشید،و تو به روی او شمشیر کشیدی،ای امیر مؤمنان،از مشرکان و منافقان تا روز قیامت،و بر آن که خشنود شد به آنچه تو را غمگین ساخت،و غم تو را ناخوش نداشت و دیده برهم نهاد و بی تفاوت گذشت،و علّت و عاملش را نکار نکرد، یا علیه تو به دست و زبان کمک کرد،یا از یاری ات دست کشید،یا از جهاد نمودن به همراه تو،کناره گیری کرد،یا فضل تو را کوچک شمرد، و حقّت را انکار کرد،یا با تو برابر نمود کسی را که خدا قرار داد تو را سزاوارتر به او از خود او،و درودهای خدا و رحمت و برکات و سلام و تحیّاتش بر تو و بر امامان از خاندان پاک تو، که خدا ستوده و بزرگوار است،کار شگفت تر و حادثۀ زشت تر،پس از انکار حق تو،غصب فدک صدّیقه طاهره زهرا سرور زنان،و نپذیرفتن گواهی تو و گواهی

دو سرور از نژادت و عترت مصطفی است!!(درود خدا بر شما باد)،و حال آنکه خدا درجۀ شما را بر امّت برتر گرداند،و منزلت شما را رفیع قرار داد،و فضل و شرفتان را بر جهانیان آشکار ساخت، و پلیدی را از شما برد،و پاکتان ساخت پاک ساختنی ویژه،خدا عزّ و جلّ فرمود:انسان بسیار حریص آفریده شده،چون گزندی به او در رسد بی صبری کند،و چون خیری به او در رسد دریغ ورزد،چز نمازگزاران،پس خدای متعالی،پیامبر برگزیده اش را و تو را،ای سرور جانشینان از همۀ خلق استثنا کرد،پس آنان که به تو ستم کردند،چقدر از دیدن حق کور بودند،سپس سهم خویشان پیامبر را از باب فریب برای تو مقرّر داشتند،ولی به جور و ستم از اهلش برگرداندند چون حکومت به تو برگشت با خویشان پیامبر درحالی که از آن دو نفر روی گردان بودی،بخاطر پاداشی که نزد خدا برای تو بود،به همان صورت عمل کردی که آن دو نفر عمل کردند،پس گرفتاری تو به آن دو نفر به گرفتاری پیامبران(درود خدا بر ایشان)در هنگام تنهایی و بی یاوری شبیه شد،و در آرمیدن در بستر پیامبر شبیه به اسماعیل ذبیح(درود بر او)شدی چه آنکه تو نیز مانند او قبول کردی،و اطاعت نمودی به همان صورت که اسماعیل صابرانه و پاداش خواهانه اطاعت کرد،وقتی که ابراهیم به او گفت:«پسرم در خواب دیدم که ترا ذبح می کنم،بنگر که رأی تو چیست»؟گفت:«پدر به آنچه دستور داده شده ای اقدام کن،اگر خدا بخواهد مرا از بردباران خواهید یافت»،و تو نیز زمانی که پیامبر(درود خدا بر او و خاندانش)در بسترش خواباندت و به تو فرمان داد در خوابگاهش بیارامی،و او را با جانت از شر دشمنانش حفظ کنی،فرمانبردارانه به پذیرش دعوتش شتافتی،و خو را برای کشته

شدن آماده کردی،در نتیجه خدا از فرمان برداریت قدردانی کرد،و از کار زیبایت به گفتارش جلّ ذکره در قرآن پرده برداشت،آنجا که فرمود:«و از مردم کسی است که جانش را برای بدست آوردن خوشنودی خدا می فروشد»سپس گرفتاریت در جنگ صفین،درحالی که قرآن ها از روی حیله و فریب به نیزه ها بالا رفته بود،در نتیجه شک و تردید پیدا شد،و حق به یک سو افتاد،و از گمان پیروی شد،این گرفتاری ات شبیه به گرفتاری هارون شد،زمانی که موسی او را بر قوم خود امارت داد،آنها از او پراکنده شدند،هارون بر سر آنان فریاد می زد و می گفت:

ای مردم شما به گوساله آزمایش شده اید به درستی که پروردگار شما خدای بخشنده است،از من پیروی کنید.و از دستورم پیروی نمایید،گفتند همچنان روی آور به گوساله خواهیم بود،تا موسی به سوی ما بازگردد!!و همچنین تو ای امیر مومنان،همین که قرآنها بالا رفت گفتی:ای ملّت شما به آن آزمایش شدید و گرفتار نیرنگ گشته اید،امّا از خواستۀ تو سرپیچی کردند،و با تو به مخالفت برخاستند،و گماشتن دو داور را از تو تقاضا نمودند، تو از تقاضای آنان سرباز زدی،و از عمل آنان به سوی خدا بیزاری جستی،و آن را به خودشان واگذاشتی،پس زمانی که حق آشکار شد، و خطای منکر روشن گشت،و به لغزش و انحراف از راه حق اعتراف کردند،پس از آن دچار اختلاف شدند،و از روی بی خردی تو را مجبور به پذیرفتن حکمیّت کردند،حکمیتی که از آن سرباز زدی و آنان می خواستند و تو از آن باز داشتی،روا دانستند گناهانشان را که مرتکب شدند، تو بر راه بینایی و هدایت بودی،و ایشان بر روشهای گمراهی و کوری،همچنان بر نفاق اصرار داشتند، و در گمراهی سرگردان بودند،تا خدا سنگینی کار ناپسندشان را به آنان چشاند،و کسی را که با تو دشمنی کرد با شمشیرت به نابودی کشید،پس بدبخت و نگونسار شد،و با حجّت تو زنده کرد کسی را که سعادت یافت،و راهنمایی شد.درود خدا

بر تو باد بامداد و شامگاه،در حضر و در سفر،بر وصفت مدح کننده ای احاطه نکند،و عیب جویی برتری ات را نابود ننماید،تو در عبادت بهترین خلقی،و در پارسایی خالص ترین آنانی،و در دفاع از دین سرسخت ترین ایشان،با کوششت حدود خدا را بپا داشتی،و با شمشیرت اردوهای خارج از دین را فراری دادی،با سرانگشتهایت شعلهٔ جنگها را خاموش ساختی،و با بیانت پرده های شبه را دریدی،و آمیختگی باطل را از حق روشن برطرف کردی،سرزنش هیچ سرزنش کننده ای تو را در راه خدا نگرفت،مدح خدای تعالی تو را بی نیاز کرد از مدح مدّاحان و ستایش وصف کنندگان،خدای تعالی فرمود:از مؤمنان مردانی هستند که به آنچه با خدا بر آن پیمان بسته بودند صادقانه وفا کردند،گروهی بر سر پیمان خود به شهادت رسیدند،و جمعی از آنان انتظار می شکند،و به هیچ روی تغییر نکردند.

زمانی که دیدی پیمان شکنان و ستمکاران و بیرون رفتگان از دین را کشتی،و رسول خدا(که درود خدا بر او و خاندانش باد)وعده اش را به تو راست گفته بود،و تو هم به عهدش وفا کردی،گفتی:آیا وقت آن نرسیده که این محاسن به خون سر رنگین شود؟،با چه زمان بدبخت ترین این ملّت برای این کار برانگیخته می شود،اطمینان داشتی به اینکه بر پایهٔ برهانی از پروردگارت و بصیرت از کارت هستی،وارد شونده بارگاه خدایی،شادان به معامله ای که انجام دادی،و این است آن راستگاری بزرگ.خدایا کشندگان پیامبرانت،و جانشینان انبیایت را به تمام لعنتهایت لعنت کن،و آنان را ملازم حرارت آتشت گردان،و لعنت کن کسی را که حقّ ولیّ ات را غصب کرد،و پیمانش را انکار نمود،و او را پس از یقین و

اقرار به ولایتش روزی که دین را برای او کامل کردی منکر شد،خدایا قاتلان امیر مؤمنان و کسانی که به او ستم کردند،و پیروان و یاران آنان را لعنت کن.خدایا ستم کنندگان بر حسین را لعنت کن،و همچنین قاتلانش،و پیروی کنندگان از دشمنش و یاوران دشمنش،و راضیان به قتلش،و دریغ کنندگان از یاری اش لعنتی شدید و سخت،خدایا لعنت کن اول ستمکاری که به خاندان محمّد ستم کرد،و آنان را از حقوقشان بازداشت،خدایا اوّل ستمکار و غاصب حق خاندان محمّد را به لعنت اختصاص ده،و هر پیروی کننده از آنچه او شیوه ساخت تا روز قیامت.خدایا درود فرست بر محمّد خاتم پیامبران،و بر علی سرور اوصیا،و خاندان پاکش،و ما را قرار ده از متمسّکین به آنان،و از کامیابان به ولایتشان،و ایمنانی که نه بیمی بر آنان است،و نه اندوهگین می شوند.

مؤلّف گوید:ما در کتاب«هدیه الزائرین»به سند این زیارت اشاره کردیم و اینکه این زیارت را هر روز از نزدیک و دور می شود خواند،و این فایدهٔ بزرگی است که البته مشتاقان به عبادت،و شائقان زیارت حضرت شاه ولایت علیه السّلام آن را غنیمت خواهند شمرد.

[سوّم:زیارتی است که در کتاب«اقبال»از امام صادق علیه السّلام روایت شده...]

سوّم:زیارتی است که در کتاب«اقبال»از امام صادق علیه السّلام روایت شده که فرمود:هرگاه در روز عید غدیر،کنار قبر شریف حضرت امیر مومنان علیه السّلام باشی،نزدیک قبر شریف آن جناب برو،و پس از نماز و دعا،و اگر در شهرهای دیگر باشی بعد از نماز اشاره کن به جانب آن حضرت،و دعا این است:خدایا درود فرست بر ولیّ ات،و برادر پیامبرت،و وزیر و حبیب و دوستش،و جایگاه راز،و برگزیده از

خانواده اش،و جانشینش،و پاک و خالص و امین و ولیّ اش و شریف ترین عترتش،آنان که به او ایمان آوردند،و پدر نسل و درگاه حکمت و گویای به حجّت و دعوت کننده به شریعتش،و رهرو روشش،و جانشین او بر ملّتش،سرور مسلمانان،و امیر مؤمنان،و پیشرو سپیدرویان،برترین درودی که بر یکی از خلق خود،و برگزیدگان و جانشینان پیامبرانت فرستادی،خدایا من شهادت می دهم که او از جانب پیامبرت(درود خدا بر او و خاندانش)آنچه را بر عهده داشت رساند،و آنچه رساند،و آنچه نگهداری اش از او خواسته شده بود رعایت کرد،و آنچه را به او سپرده شده بود حفظ کرد،حلال کرد حلالت را،و حرام کرد حرامت را،و بپاداشت احکامت را و فرا خواند به راهت،و دوست داشت دوستانت را،و دشمن داشت دشمنانت را،و با پیمان شکنان از راهت،و ستمکاران،و خارج شدگان از فرمانت نبرد کرد،درحالی که شکیبایی به خرج داد،و به حساب خدا گذاشت،روی کنان نه روی گردان،و از سرزنش کنندگان،در راه خدا باکی به خود راه نداد،تا در این زمینه به مقام رضا رسید،و قضا را تسلیم تو کرد،و خالصانه تو را پرستید،و با کوششی سخت خیرخواهی نمود،تا مرگ او فرا رسید،پس به سوی خود شهید و خوشبخت و ولی پرهیزگار و پسندیده و پاک و هدایتگر و هدایت شده قبض روحش نمودی.خدای بر محمّد و خاندان او درود فرست،برترین درودی که بر یکی از پیامبران و برگزیدگانت فرستادی،ای پروردگار جهانیان.

مؤلّف گوید:سیّد ابن طاووس در کتاب«مصابح الزائر»برای این روز شریف،زیارتی دیگر نقل کرده،که اختصاصش

به این روز معلوم نیست و آن زیارت مرکّب از دور زیارت است،که علاّمهٔ مجلسی آنها را زیارت دوم و سوم کتاب «تحفه»قرار داده است.

[دوم:زیارت امیر المؤمنین علیه السّلام در روز ولادت پیغمبر صلی اللّه علیه و آله]

زیارت امیر المؤمنین علیه السّلام در روز ولادت پیغمبر صلی اللّه علیه و آله دوّمین زیارت از زیارت مخصوصهٔ حضرت امیر مؤمنان علیه السّلام زیارت روز ولادت رسول خدا صلی اللّه علیه و آله است.شیخ مفید و شهید و سیّد ابن طاووس رحمه اللّه روایت کرده اند که حضرت صادق علیه السّلام امیر مؤمنان علیه السّلام را در هفدهم ربیع الاول زیارت کرد به این زیارت،و آن را به ثقهٔ جلیل القدر محمّد بن مسلم ثقفی رضی اللّه عنه تعلیم داد،و به او فرمود:چون به مشهد امیر مؤمنان علیه السّلام بیایی،غسل زیارت کن،و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش،و خویش را به بوی خوش معطّر کن،و به آرامی و وقار برو،چون به«باب السّلام»یعنی درگاه حرم مطهّر رسیدی،رو به قبله بایست و سی مرتبه اللّه اکبر بگو و پس از آن بخوان سلام بر رسول خدا،سلام بر برگزیدهٔ خدا،سلام بر مژده دهندهٔ بیم ده و چراغ نوربخش،و رحمت و برکات خدا،سلام بر پاک و پاکیزه،سلام بر پرچم درخشان، سلام بر یاری شدهٔ تأیید گشته،سلام بر ابو القاسم محمّد،و رحمت و برکات خدا سلام بر پیامبران مرسل خدا،و بندگان شایستهٔ حق،سلام بر فرشتگان خدا،که مقیم اطراف این حرم و این ضریح و پناهندگان به آنانند.سپس به نزدک قبر برو و بگو:

سلام بر تو ای جانشین جانشینان،سلام بر تو ای تکیه گاه اهل تقوا،سلام بر تو ای سرپرست اولیا،سلام بر تو ای آقای شهیدان،سلام بر تو ای نشانهٔ بزرگ

خدا،سلام بر تو ای پنجمین اهل عبا،سلام بر تو ای پیشوای سپیدرویان با تقوا،سلام بر تو ای پناه اولیا،سلام بر تو ای زینت یکتاپرستان برگزیده، سلام بر تو ای خالص دوستان،سلام بر تو ای پدر امامان امین،سلام بر تو ای صاحب حوض،و حمل کنندۀ پرچم،سلام بر تو ای بخش کنندۀ بهشت و دوزخ، سلام بر تو ای که مکّه و منی به او شرافت یافت،سلام بر تو ای دریای دانشها،و پناه تهیدستان،سلام بر تو ای که در کعبه به دنیا آمد،و در آسمان با سروز زنان ازدواج داده شد و گواهانش فرشتگان برگزیده بودند،سلام بر تو ای چراغ روشن،سلام بر تو ای که پیامبر به عطای بزرگ اختصاصش داد،سلام بر تو ای که بر بستر خاتم پیامبران خوابید،و او را با جانش از گزند دشمنان حفظ کرد،سلام بر تو ای که خورشید برایش بازگشت،و همطراز شمعون صفا شد،سلام بر تو ای که خدا کشتی نوح را به اسم او و برادرش نجات داد،آنجا که آب در پیرامونش به خروش آمد و لبریز شد،سلام بر تو ای که خدا به وسیلۀ او و برادرش توبۀ آدم را پذیرفت،زمانی که به بیراهه شد،سلام بر تو ای کشتی نجاتی که هرکس متمسّک به آن شد نجات یافت،و هر که از آن پس ماند سرنگون گشت،سلام بر تو ای که با اژدها و گرگ بیابان سخن گفت،سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای امیر مؤمنان،سلام بر تو ای حجّت خدا بر

ص:588

کسی که کافر شد،بازگشت،سلام بر تو ای پیشوای صاحبان خرد،سلام بر تو ای معدن حکمت و جداکننده بین حق و باطل،سلام بر تو ای که علم کتاب نزد اوست،سلام بر تو ای میزان روز حساب،سلام بر تو ای فیصله بخش حکم،و گویای به درستی سلام بر تو ای صدقه دهندهٔ انگشتر در محراب،سلام بر تو ای خدا در احزاب به وسیلهٔ تو جنگ را از اهل ایمان کفایت کرد،سلام بر تو،ای که یگانگی را برای خدا خالص نمود و بازگشت،سلام بر تو ای قاتل خیبر و کنندهٔ در،سلام بر تو ای که فرا خواند او را بهترین همهٔ خلق،برای خوابیدن در بسترش،و او جان خود را تسلیم مرگ کرد و دعوت پیامبر را به جان خرید،سلام بر تو ای که طوبی و سرانجام نیکو برای اوست،و رحمت و برکات خدا بر او باد،سلام بر تو ای ولیّ زمام دین، و ای آقای آقایان،سلام بر تو ای صاحب معجزات،سلام بر تو ای که در برتری اش سورهٔ عادیات نازل شد،سلام بر تو ای که نامش در آسمان بر سراپرده ها نوشته شده،سلام بر تو ای آشکارکنندهٔ معجزات و نشانه ها،سلام بر تو ای فرماندهٔ جنگها،سلام بر تو ای خبردهندهٔ از آنچه گذشته و از آنچه می آید،سلام بر تو ای خطاب کننده گرگ بیابانها،سلام بر تو ای مهرزننده به سنگ ریزه،و بیان کنندهٔ مسائل مشکل،سلام

ص:589

بر تو ای که فرشتگان آسمانها از حملاتش در جنگ تعجّب کردند،سلام بر تو ای که با پیامبر رازگویی نهان داشت و پیشاپیش رازگویی صدقه ها در راه خدا داد،سلام بر تو ای پدر امامان نیکوکار و سروران،و رحمت و برکات خدا بر او باد،سلام بر تو ای دنباله رو پیامبر،سلام بر تو ای وارث دانش بهترین میراث گذار،و رحمت و برکات خدا بر او باد،سلام بر تو ای سرور جانشینان،سلام بر تو ای پیشوای پرهیزگاران،سلام بر تو ای فریادرس حادثه دیدگان، سلام بر تو ای پناه مؤمنان،سلام بر تو ای آشکارکنندۀ دلایل،سلام بر تو ای طه و یس،سلام برت و ای ریسمان محکم خدا،سلام بر تو ای که انگشتر را در نماز به مسکین صدقه داد،سلام بر تو ای برکنندۀ سنگ از دهانۀ چاه،و ظاهرکنندۀ آب گوارا،سلام بر تو ای دیدۀ نگرندۀ خدا،و دست گشوده اش،و زبان تفسیرکنندۀ او در میان تمام آفریدگان،سلام بر تو ای وارث دانش پیامبران،و خزانۀ علم گذشتگان و آیندگان،و صاحب پرچم حمد،و ساقی اولیای خدا از حوض خاتم انبیا، سلام بر تو ای رییس دین،و پیشوای سپیدرویان،و پدر امامان پسندیدۀ، و رحمت و برکات خدا بر او باد،سلام بر نام پسندیدۀ خدا،و جمال نورانی اش،و طرف

ص:590

نیرومندش،و راه راستش.سلام بر امام پرهیزگار مخلص برگزیده.سلام بر ستاره درخشان،سلام بر امام ابو الحسن علیّ و رحمت و برکات خدا بر او باد.سلام بر امامان هدایت و چراغهای تاریکیها،و نشانه های پرهیزگاری،و مشعلهای هدایت،و صاحبان خرد،و پناهگاه مردم و دستاویز محکم و حجّت بر اهل دنیا،و رحمت و برکات خدا بر آنان،سلام بر نور انوار،و حجّت جبّار،و پدر امامان پاک،و قسمت کنندهٔ بهشت و دوزخ،خبردهنده از آثار،فروریزندهٔ مرگ بر کفّار،نجات دهندهٔ شیعیان مخلص از بارهای بزرگ گناهان.سلام بر اختصاص یافته به بانوی پاک پرهیزگار دختر پیامبر مختار،ولادت یافته در کعبهٔ صاحب پرده ها تزویج شده در آسمان به بانوی نیکوکار پاک پسندیده مرضیّه مادر امامان پاک،و رحمت و برکات خدا بر او باد.سلام بر خبر بزرگ که امّت در حقّش اختلاف کردند،و امّت بر آن عرضه شوند، و از آن بازخواست گردند.سلام بر نور انور خدا،و روشنایی روشن ترش،و رحمت و برکات خدا بر او باد،سلام بر تو ای ولیّ خدا،و حجّت و بندهٔ خالص و خاص حق،من گواهی می دهم که تو ای ولیّ خدا همانا در راه خدا جهاد کردی جهادی شایسته،و از راه رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش باد)پیروی نمودی،و حلال دانستی حلال خدا را،و حرام دانستی حرام

خدا را،و تشریع کردید احکام الهی را،و بپا داشتی نماز را،و پرداختی زکات را،و به معروف امر کردی و از منکر نهی نمودی،و در راه خدا به جهاد برخاستی با صبر و خیرخواهی و سخت کوشی،و حسابگر پاداش بزرگ نزد خدا،تا مرگ فرا رسید،خدا لعنت کند کسی را که از حقّت منع کرد،و از مقامت کنار گذاشت،و خدا لعنت کند کسی را که این اخبار به او رسید و به آن خشنود شد.خدا و فرشتگان و پیامبران و رسولانش را شاهد می گیرم،که من دوستم با کسی که تو را دوست دارد،و دشمنم با آنکه تو را دشمن دارد.سلام و رحمت و برکات خدا بر او باد.سپس خود را به قبر بچسبان،و آن را ببوس و بگو:شهادت می دهم که سخنم را می شنوی و جایم را می بینی،و درباره ات شهادت می دهم ای ولیّ خدا،به رساندن دین به مردم و ادا کردن وظیفه،ای مولای من.ای حجّت خدا،ای امین خدا،ای ولیّ خدا،همانا میان من و خدای عزّ و جلّ گناهانی است که پشتم را سنگین کرده،و از خواب آرام مانعم گشته،و یاد آنها اعضای درونم را می لرزاند،البته من به سوی خدای عزّ و جلّ و به جانب تو گریخته ام،به حق کسی که تو را امین بر راز خود نمود،و سرپرستی کار خلقش را به تو وانهاد،و طاعتش را به طاعت تو مقرون کرد،و دوستی اش را به دوستی تو پیوند داد،برایم به درگاه خدا شفیع،و از آتش دوزخ پناه،و در روزگار پیشتیبان باش.باز خود را به قبر بچسبان و آن را ببوس و بگو:ای ولیّ خدا،ای حجّت خدا،ای درگاه مغفرت خدا،دوستت و زائرت،و پناهنده به قبرت،و فرود آمده به درگاهت،و بارانداز در جوارت،از تو درخواست

می کند،که برایش به پیشگاه خدا،در برآمدن حاجتش،و کامیاب شدن به خواسته اش در دنیا و آخرت شفاعت کنی،همانا برای تو نزد خدا منزلتی بزرگ و شفاعت پذیرفته شده است،ای مولای من مرا از موارد توجّه خود قرار ده،و در حزب خود وارد کن،و سلام بر تو،و بر دو آرمیده در کنار تو آدم و نوح،و سلام بر تو و بر دو فرزندت حسن و حسین و بر امامان پاک از نسلت،و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

سپس شش رکعت نماز زیارت بجای آر،دو رکعت برای امیر مؤمنان علیه السّلام و دو رکعت برای جناب آدم علیه السّلام و دو رکعت برای حضرت نوح علیه السّلام و خدا را بسیار بخوان که به اجابت خواهد رسید ان شاء اللّه تعالی.مؤلّف گوید:صاحب کتاب «مزار کبیر»گفته:این زیارت را باید در هفدهم ربیع الاوّل هنگام طلوع آفتاب خواند و علاّمهٔ مجلسی قدس سره فرموده:این زیارت در میان زیارات بهترین زیارت است و به سندهای معتبر در کتب معتبره مذکور است و ظاهر بعضی از روایات است که اختصاصی به این روز ندارد،هروقت که این زیارت را بخوانند خوب است.مؤلّف گوید:اگر کسی بگوید:چگونه است که در روز ولادت پیامبر صلی اللّه علیه و آله یا مبعث آن حضرت،زیارت امیر مؤمنان علیه السّلام وارد شده و برای رسول خدا صلی اللّه علیه و آله در این دو روز زیارت نیست،با آنکه سزاوار بود،زیارت مخصوصی در این اوقات برای پیامبر صلی اللّه علیه و آله وارد شده باشد؟جواب گوییم که این به خاطر شدّت اتصال این دو بزرگوار و کمال اتّحاد این دو نور پاک با هم است،که هرکه امیر مؤمنان علیه السّلام را زیارت کند،رسول خدا صلی اللّه علیه و آله را زیارت کرده و شاهد بر این حقیقت از قرآن آیهٔ «أَنْفُسَنٰا» است،«و آن حضرت در آیه مباهله جان مصطفی است و غیر او جان وی نیست»و نیز شاهد آن از معارف اسلامی بسیاری از روایات است.از جمله شیخ محمّد بن مشهدی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده:مردی اعرابی خدمت رسول خدا صلی اللّه علیه و آله مشرّف شد،عرضه داشت:یا رسول اللّه،منزل من از منزل تو دور است،من مشتاق زیارت و دیدن تو می شوم،چون به دیدنت می آیم ملاقاتت

برایم حاصل نمی شود،علی بن ابی طالب علیه السّلام را زیارت می کنم،آن جناب مرا به حدیث و مواعظ خود مؤنوس می کند،پس از آن به خاطر ندیدند تو با حالت اندوه و حسرت برمی گردم،فرمود:هرکه علی را زیارت کند مرا زیارت کرده،و هرکه او را دوست بدارد،مرا دوست داشته و کسی که او را دشمن بدارد،مرا دشمن داشته،این مطالب را از جانب من به قوم خود ابلاغ کن و هرکه به زیارت او برود،به تحقیق نزد من آمده و من و جبرئیل و صالح مؤمنان،او را در روز قیامت جزا خواهیم داد.در حدیث معتبری از امام صادق علیه السّلام روایت شده:چون جانب نجف را زیارت کنی،زیارت کن استخوانهای آدم و بدن نوح و جسم علی بن ابی طالب را که به این زیارت،زیارت کرده ای پدران گذشته و محمّد خاتم پیامبران و علی بهترین اوصیا را و در زیارت ششم گذشت که فرمودند:رو به قبر امیر مؤمنان علیه السّلام بایست و بگو:«السّلام علیک یا رسول الله،السلام علیک یا صفوه الله»الی غیر ذلک،به راستی که زیبا سروده شیخ جابر در نوعی تضمین خود به قصیده ازرّیه در حال اشاره به گنبد علوی:

تکیه کن به بزرگترین قبر برای پیامبر*که در آن احمد پاک را چه جانی مدفون است* یا عرش خدا را یعنی که در آن نورانی ترین خورشید است*پس تواضع کن که آنجا خانۀ پاکی است* افلاک بوسیدن خاکش را آرزو کنند و حکیم سنایی گفته: مرتضایی که کرد یزدانش همره جان مصطفی جانش

هر دو یک قبله و خردشان دو هر دو یک روح کالبدشان دو

دو رونده چو اختر گردون دو برادر چو موسی و هارون

هر دو یک درّ یک صدف بودند هر دو پیرایۀ شرف بودند

تا نه بگشاد علم حیدر در ندهند سنّت پیمبر بر

[سوم:زیارت امیر المؤمنین علیه السّلام در مبعث]

زیارت امیر المؤمنین علیه السّلام در مبعث سومین زیارت از زیارات مخصوصهٔ حضرت امیر مؤمنان علیه السّلام زیارت شب مبعث و روز آن است،یعنی شب بیست و هفتم رجب و روز آنکه در آن سه زیارت وارد است:

[اوّل:زیارت رجبیّه]

اوّل:زیارت رجبیّه:الحمد للّه الّذی اشهدنا مشهد اولیائه که در اعمال ماه رجب گذشت و آن زیارتی است که در ماه رجب،در هر یک از مشاهد مشرّفه خوانده می شود،ولی صاحب کتاب«مزار قدیم»و شیخ محمّد بن مشهدی آن را نیز از زیارت مخصوصهٔ شب مبعث شمرده اند چون آن زیارت را خواندی،فرموده اند:بعد از آن دو رکعت نماز زیارت بجا آور،و هرچه خواهی دعا کن.

[دوم:زیارت(السّلام علی أب الائمه و معدن النبوه)...]

دوم:زیارت السّلام علی أب الائمه و معدن النبوه است،که علاّمهٔ مجلسی آن را زیارت هفتم کتاب«تحفه»قرار داده است.و صاحب کتاب«مزار قدیم»گفته است،مختص به شب بیست و هفتم رجب است،چنان که ما آن را در«هدیه الزائر» ذکر کردیم.

[سوم:زیارتی است که شیخ مفید و سیّد و شهید نقل کرده اند...]

سوم:زیارتی است که شیخ مفید و سیّد و شهید نقل کرده اند،به این صورت که چون در شب مبعث یا روز آن،خواستی امیر مؤمنان علیه السّلام را زیارت کنی،بر در بارگاه شریفش مقابل قبر آن حضرت بایست و بگو:

شهادت می دهم که معبودی جز خدا نیست،یگانه است و شریکی ندارد،و شهادت می دهم که محمّد بنده و فرستادهٔ اوست،و علی بن ابی طالب امیر مؤمنان بندهٔ خدا،و برادر رسول اوست،و امامان پاک از فرزندانش حجّتهای خدا بر خلق اویند.

پس وارد شو،و نزدیک قبر آن حضرت بایست،به طوری که رویت به جانب قبر،و پشت به قبله باشی،آنگاه صد مرتبه اللّه اکبر بگو و بخوان:سلام بر تو ای وارث آدم جانشین خدا،سلام بر تو ای وارث نوح برگزیدهٔ خدا،سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا،

سلام بر تو ای وارث موسی همسخن خدا،سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمّد سرور رسولان خدا،سلام بر تو ای امیر مؤمنان سلام بر تو ای پیشوای پرهیزگاران،سلام بر تو ای سرور جانشینان،سلام بر تو ای جانشین رسول پروردگار جهانیان،سلام بر تو ای وارث دانش پیشینیان، سلام بر تو ای خبر بزرگ سلام بر تو ای راه راست،سلام بر تو ای پیراستۀ بزرگوار،سلام بر تو ای جانشین پرهیزگار،سلام بر تو ای پسندیدۀ پاک،سلام بر تو ای ماه نوربخش،سلام بر تو ای بزرگترین صدّیق،سلام بر تو ای بزرگترین جداکنندۀ حق و باطل،سلام بر تو ای چراغ نورافشان،سلام بر تو ای امام هدایت،سلام بر تو ای پرچم پرهیزگاری،سلام بر تو ای حجّت بزرگتر خدا، سلام بر تو ای بندۀ خاص و خالص حق،و امین و برگزیدۀ خدا و درگاه خدا،و معدن حکم خدا،و راز و گنجینۀ علم و خزانه دار و سفیر خدا در میان بندگان،شهادت می دهم که تو نماز را بپا داشتی،و زکات را پرداختی،و امری به معروف و نهی از منکر کردی،و قرآن را تلاوت نموده آن گونه که شایسته تلاوت است،و از جانب خدا دین را به مردم رساندی،و به پیمان خدا وفا

ص:596

کردی،و کلمات خدا به وسیله تو کامل شد،و در راه خدا جهاد کردی جهادی شایسته،و برای خدا و رسولش (درود خدا بر او و خاندانش باد)خیرخواهی نمودی،و به جانبازی برخاستی،با صبر و برای خدا،درحالی که دفاع کننده بودی از دین خدا،و حفظ کنندۀ جان رسول خدا،خواهان آنچه نزد خداست،مشتاق به آنچه خدا وعده داد،و از جهاد رفتی بر روشنی که بر آن بودی،حاضر و گواه و گواهی شده،خدا پاداش دهد از جانب پیامبرش،و از سوی اسلام و اهلش از چنین صدّیقی!برترین پاداشها،شهادت می دهم تو اولین فرد ملّت بودی در اسلام،و خالص ترینشان در ایمان،و شدیدترینشان در یقین،و ترسنده ترینشان از خدا،و بزرگترینشان در قبول زحمت،و بااحیتاطترینشان نسبت به رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد)،و برترینشان در فضائل،و زیادترینشان در سوابق،و بلندترینشان در درجه،و شریف ترینشان در منزلت،و بزرگوارترینشان در پیشگاه او،پس نیرومند بودی هنگامی که مردم سست بودند،و لمازم بودی راه رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش باد)را،و شهادت می دهم که تو جانشین پیامبر بودی،جانشینی بر حق،در این امر به رغم خواهش منافقان و خشم کافران،و کینۀ فاسقان،و تو را کشمکشی نبود،به کار حکومت قیام کردی،هنگامی که آنها کاهلی کردند و نطق کردی،زمانی که آنان از سخن گفتن دم زدند،به نور خدا پیش رفتی،آن زمان که آنها توقّف کردند،پس هرکه تو را پیروی کرد راه یافت،تو اول آنان بودی در سخن گفتن،و سخت ترینشان در دفاع،و درست ترینشان در گفتار،و استوارترینشان در رأی،و شجاع ترینشان در قلب، و زیادترینشان در یقین،و نیکوترینشان در عمل،و آگاه ترینشان به امور،برای اهل ایمان پدری مهربان بودی،

زمانی که تدبیر امورشان به دست تو افتاد پس تو به دوش کشیدی،آنچه آنان از آن ناتوان شدند،و حفظ کردی آنچه را آنها ضایع نمودند،و رعایت کردی آنچه را آنها فرو گذاردند،و دامن همّت به کمر زدی زمانی که ترسیدند،و برتر شدی وقتی آزمند شدند،و صبر کردی آنگاه که صبر نکردند،بر کافران عذابی ریزان بودی و شدید،و خشمگین،و برای مومنان باران رحمت و نعمت فراوان و دانش بی پایان بودی،دلیلت کند نشد،دلت منحرف نگشت،بصیرتت به ناتوانی ننشست،وجودت نترسید،مانند کوه بودی که تندبادها حرکتش ندهد،و شکننده ها از جا برش ندارد،آن چنان بودی که رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش باد)فرمود:قوی در بدن،فروتن پیش خود،عظیم نزد خدا،بزرگ در زمین، با عظمت در آسمان،برای احدی دربارهٔ تو جای طعنه زدن نبود،و برای گوینده ای در حقت زمینهٔ عیب جویی وجود نداشت،و برای خلق نسبت به تو برای خواسته های باطلشان جای طمعی،و نه کسی را پیش تو توّقع نرمشی،ناتوان و خوار نزد تو،نیرومند و عزیز به حساب می آید، تا حقّش را به نفع او بگیری،و نیرومند و عزیز پیش تو،ناتوان و خوار شمرده می شد تا حق را از چنگ او درآوری نزدیک و دور نزد تو در این زمینه برابرند،کار تو حق و درستی و خوشرفتاری است،و گفته ات حکم و حتم،و دستورت بردباری و تصمیم،و رأیت دانش و تدبیر،دین به تو اعتدال یافت،و سختی به تو آسان شد،و آتشها به وسیلهٔ تو خاموش گشت،و ایمان به جناب تو نیرومندی یافت،و اسلام به تو پایدار شد،و مصیبتت مردم را درهم شکست،پس ما از آن خداییم و به سوی او باز می گردیم،خدا لعنت کند کس

ص:598

که تو را کشت،و آنکه با تو مخالفت ورزید،و آنکه به تو دروغ بست،و آنکه بر تو ستم روا داشت، و حقّت را غصب کرد،و خدا لعنت کند کسی را که این خبر به او رسید و به آن خشنود شد،ما با توجّه به خدا از ایشان بیزاریم،خدا لعنت کند ملّتی را که با تو مخالفت ورزیدند،و ولایتت را انکار نمودند،و بر علیه تو به هم کمک رساندند و تو را کشتند،و از تو منحرف شده، و از یاری ات دریغ کردند،خدا را سپاس که آتش را جایگاه آنان قرار داد،و چه جایگاهی است برای واردشدگان، برایت شهادت می دهم ای ولیّ خدا،و ولیّ رسولش(درود خدا بر او و خاندانش باد)به رساندن پیام حق، و ادای وظیفه،و شهادت می دهم که تو حبیب و درگاه و همراه خدایی،و سویه ای هستی که از آن به جانب خدا می آیند،و تویی راه خدا،و تویی بندۀ خدا،و برادر رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش باد) به نزدت آمده ام،یارت کننده به خاطر بزرگ بودن حال و منزلتت نزد خدا،و رسولش،و به زیارتت به سوی خدا تقرّب می جویم مشتاق به سوی توام،در شفاعت،به شفاعتت رهایی خویش را می طلبم،از آتش به تو پناهنده ام از گناهانم که بر پشت خود بار کرده ام گریزانم،هراسان به سوی توام،درحالی که امید به رحمت پروردگار دارم،به سوی تو آمده ام،تو را به جانب خدا به شفاعت می گیرم ای مولایم.تقرّب می جویم به وسیلۀ تو به خدا،تا به عنایت تو حاجاتم برآورده شود،ای امیر مؤمنان مرا به درگاه خدا شفاعت کن،من بندۀ خدا،و دوست و زائر تو هستم،برای تو نزد خدا مقام معلوم و منزلت و مقام بزرگ و شفاعت پذیرفته است.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست

ص:599

و درود فرست بر بنده و امین وفادارت،و دست آویز محکم و دوست برترت،و کلمهٔ نیکوتر و حجّت بر بندگانت و صدّیق اکبر و سرور جانشینان و پایهٔ اولیا و تکیه گاه برگزیدگان،امیر مومنان در پیش پرهیزگاران،و مقتدای صدّیقان،و پیشوای شایستگان،آن معصوم از لغزشها،و بریده از نقایص،و پیراسته از عیب،و پاک از شک،برادر پیامبرت،و جانشین رسولت،و خوابیده بر بسترش،و کمک دهنده به پیامبر با جانش،و برطرف کنندهٔ اندوه از چهره اش،آنکه او را قرار دادی شمیشیری برای نبوّتش و معجزه ای برای رسالتش و دلالتی روشن برای حجّتش،و حمل کنندهٔ پرچمش،و نگهدارندهٔ جانش،و راهنمایی امّتش،و قدت برای نبردش،و تاجی بر سرش و درگاهی برای یاری اش و کلیدی برای پیروزی اش،تا سپاهیان شرک را با یاری ات شکست داد،و اردوهای کفر را به دستورت نابود ساخت و جانش را در راه خشنودی تو و رسولت بخشید، و آن را وقف بر اطاعت او،و سپری در برابر گرفتاریهای پیامبر قرار داد،تا جان پیامبر(درود خدا بر او و خاندانش باد)در میان مشت او برآمد،و از خنکی آن را در ربود،و بر چهرهٔ خود کشید،و فرشتگان او را بر غسل و تجهیز رسول خدا کمک کردند،آن حضرت بر پیامبر نماز خواند،و جنازه اش را در خاک گذاشت،و قرض او را ادا کرد،و به وعده اش وفا نمود،و ملازم پیمانش شد،و پا جای پایش نهاد،و وصیّتش را حفظ کرد،و زمانی که یاورانی برای خود یافت،خود به

ص:600

کارهای سنگین خلافت قیام کرد،درحالی که با قدرت تمام بارهای گران امامت را به دوش کشید،پس پرچم هدایت را در میان بندگانت برافراشت،و جامۀ امنیّت را در کشورهایت گشود،و عدالت را در میان مخلوقاتت گستراند،در بین مردم به قرآنت حکومت کرد،و مقرّراتت را بر پا نمود،و انکار را مقهور و خوار کرد،کجی را راست نمود،و فتنه را آرام ساخت،و سستی را به نابودی کشید،و شکاف اجتماعی را بست،و پیمان شکنان و ستمکاران و خارج شدگان از دین را کشت،و همواره زندگی کرد بر راه و روش رسول خدا(درود خدا ب راو و خاندانش باد)و طریق او،و نرمی خوی او،و زیبایی روش او،درحالی که به روشش اقتدا کرد،و به عزّتش آویخت،و عهده دار طریق او شد،و نمونه های عالی کارهای حضرتش را نصب العین خود قرار داد.بندگانت را به آن کارها وادار می کرد،و به آن امور دعوت می نمود،تا وقتی که محاسنش به خون سرش رنگین شد.خدایا همچنان که او در طاعت تو شک را بر یقین ترجیح نداد،و به اندازۀ چشم برهم زدنی بر تو شرک نیاورد،بر او درود فرست درودی پاکیزه،روینده که به وسیلۀ آن در بهشت به درجۀ نبوت برسد،و از جانب ما به او درود و سلام برسان،و عنایت کن به ما از جانبت خود،در دوستی اش فضل و احسان و مغفرت و خشنودی را،که تو دارندۀ فضل تنومندی،به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

سپس ضریح را ببوس،و طرف راست صورت خود را بر آن بگذار و پس از آن جانب چپ را،آنگاه به سوی قبله برگرد، و نماز زیارت بجای آر،و پس از نماز هرچه خواهی دعا کن،و بعد از گفتن تسبیح حضرت فاطمۀ زهرا علیها السلام بگو:

ص:601

خدایا تو بر زبان پیامبر و رسولت محمّد(درود تو بر او و خاندانش)به من بشارت دادی و فرمودی:«و بشارت ده کسانی را که ایمان آوردند،که برای آنان است نزد پروردگارشان قدم راستی.خدای من به همۀ پیامبران و رسولانت (درود تو بر ایشان)مؤمنم،پس از معرفت به آنان در موقعیتی قرارم مده که در بر مردم رسوایم سازی،بلکه مرا با آنان قرار ده،و با تصدیق به آنان بمیران.خدایا تو آنان را مخصوص به کرامتت گرداندی،و مرا به پیروی از ایشان فرمان دادی.خدایا من بنده و زائر توام،و به تو تقرّب می جویم با زیارت برادر رسولت،و بر هر آمده ای و زیارت شده ای،برای کسی که به نزد او آمده و زیارت کرده حقیّ است،و تو بهترین دیدار شده،و بزرگوارترین زیارت شده ای،پس از تو درخواست می کنم ای خدا،ای مهربان،ای بخشنده،ای جواد،ای بزرگوار،ای یکتا، ای بی نیاز،ای کسی که نزاده و زائیده نشده،واحدی همتایش نبوده،و همسر و فرزندی برنگرفته،اینکه بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و قرار دهی تحفه ات را برایم در زیارتم نسبت به رسولت رهایی از آتش دوزخ، و قرارم دهی از آنان که به سوی خیرات می شتابند،و تو را با امید و بیم می خوانند،و از خشوع کنندگان برای خود مقرّرم داری.خدایا بر من منّت نهادی به زیارت مولایم علی بن ابی طالب و به ولایت و معرفتش،پس قرارم ده از کسانی که او را یاری می کنند،و از او یاری می ستانند،و بر من منّت بنه به یاری ات برای دین.خدایا مرا از شیعیانش قرار ده و بر دینش بمیران.خدایا برای من واجب گردان،از رحمت و خشنودی و مغفرت

ص:602

و احسان و روزی وسیع حلال پاکیزه،آن چنان که تو شایستۀ آنی،ای مهربان ترین مهربانان،و سپاس خدای را پروردگار جهانیان.مؤلف گوید:در روایت معتبر آمده حضرت خضر علیه السّلام روز شهادت امیر مؤمنان علیه السّلام گریه کنان و استرجاع انّا للّه و انّا الیه راجعون گویان به شتاب آمد،و بر در خانۀ آن حضرت ایستاد،پس گفت:

خدا رحمت کند ای ابو الحسن،تو اولین نفر ملّت در گرویدن به اسلام،و خالص ترینشان در ایمان،و سخت ترینشان در یقین و ترسنده ترینشان از خدا بودی و بسیاری از فضائل آن حضرت را نزدیک به این عباراتی که در همین زیارت است برشمرد پس اگر در این روز یعنی روز شهادت هم خوانده شود مناسب است،و اصل آن کلمات را که به منزلۀ زیارت روز شهادت است در کتاب هدیه ذکر کرده ایم،هرکه خواهد به آن کتاب مراجعه کند.بدان که ما پیش از این در ضمن اعمال شب مبعث کلامی از سفرنامۀ ابن بطوطه نقل کردیم که به این روضه شریفه«صلوات الله علی مشرفها»متعلّق بود،شایسته است به آنجا رجوع شود

فصل پنجم در فضیلت کوفه و مسجد بزرگ آن و اعمال آن مسجد و زیارت جناب مسلم

[فضیلت مسجد کوفه]

آگاه باش کوفه یکی از آن چهار شهری است که حق تعالی آن را اختیار فرموده و طور سینین تفسیر به آن شده،و در روایت آمده:کوفه حرم خدا،و حرم رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و حرم امیر مؤمنان علیه السّلام است،و یک درهم صدقه در آن،به صد درهم در جای دیگر حساب می شود و دو رکعت نماز در آن به صدر رکعت محاسبه می گردد.

فضیلت مسجد کوفه زیاده از آن است که ذکر شود،و در بیان شرافت آن کافی است که یکی از چهار مسجدی است که شایسته است برای درک فیوضاتشان به شتاب به سوی آنها کوچ کردن،و یکی از محل هایی است که مسافر بین قصر و اتمام نماز در آن مخیّر است.و نماز واجب در آن برابر حجّ مقبول و معادل هزار نماز است که

در جای دیگر بجا آورده شود.در روایات وارد شده:مسجد کوفه محّل نماز پیامبران است،و جایگاه نماز حضرت مهدی(عج) خواهد شد،و در روایتی است که هزار پیامبر و هزار جانشین پیامبر در آن،نماز بجا آورده اند،و از بعضی روایات استفاده می شود،که مسجد کوفه از مسجد اقصی که در بیت المقدس قرار دارد افضل است.ابن قولویه از حضرت امام باقر علیه السّلام روایت کرده:اگر مردم بدانند مسجد کوفه چه اندازه فضیلت دارد،هر آینه از شهرهای دور،تهیه زاد و راحله کنند،و به سوی این مسجد بیایند،و نیز فرمود:نماز واجب در آن،برابر است با حجّ مقبول،و نماز مستحب برابر است با عمرۀ مقبوله،به بیان روایت دیگر نماز واجب و مستحبّ در آن همانند حج و عمره ای است که با رسول خدا صلّی اللّه و علیه و آله بجا آورده باشند.شیخ کلینی و غیر او را از مشایخ عظام روایت کرده اند،از هارون بن خارجه که امام صادق علیه السّلام به من فرمود:ای هارون بین تو و مسجد کوفه چه اندازه مسافت است،یک میل میشود؟ گفتم:نه،فرمود:همۀ نمازهای خود را در آنجا می خوانی؟گفتم نه،فرمود:

اگر من نزدیک آن مسجد بودم امید داشتم از من یک نماز در آن فوت نمی شد،هیچ می دانی که فضیلت آن مکان چیست؟نبوده بندۀ صالحی و نه پیامبری مگر آنکه در مسجد کوفه نماز گذارده،حتی در شبی که رسول خدا را به معراج می بردند،جبرئیل به آن حضرت عرضه داشت می دانی کجایی؟اکنون در برابر مسجد کوفه ای،فرمود:از پروردگارم اجازه بخواه تا در آن مسجد بروم و دو رکعت نماز بگذارم،جبرئیل از حضرت حق اذن خواست،حق تعالی مرحمت فرمود،پس آن حضرت را فرود آورد و در آن دو رکعت نماز گذارد،بدرستی که جانب راست آن باغی است از باغهای بهشت و وسط آن باغی از باغهای بهشت و پشت آن باغی از باغهای بهشت،همانا نماز واجب در ان برابر است با هزار نماز،و نماز مستحب در ان برابر است با پانصد نماز،و نشستن در ان،بدون تلاوت قرآن و ذکر،عبادت است و اگر مردم بدانند چه اندازه فضیلت در آن است به جانب آن بیایند گرچه به روش کودکان،خود را به زمین کشند و در روایت دیگر آمده:نماز واجب در ان برابر حج است، و نماز مستحبّ به اندازۀ عمره در ذیل زیارت هفتم حضرت امیر علیه السّلام اشاره فضیلت این مسجد شریف گذشت،[صفحه 560]و از پاره ای روایات معلوم میشود که جانب راست این مسجد از جانب چپ آن افضل است.

اعمال مسجد بزرگ کوفه

اشاره

اعمال مسجد کوفه:به صورتی که در کتاب«مصباح الزائر»و غیر آن می باشد

[دعای ورود به شهر کوفه]

آن است که چون وارد کوفه شدی بگو:

ص:604

به نام خدا و به خدا،و در راه خدا،و بر آیین رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش باد) خدایا فرود آر مرا فرود آمدنی با برکت،که تو بهترین فرود آورندگانی.پس به سوی مسجد کوفه روانه شو،و در حال رفتن بگو:

خدا بزرگتر است و معبودی جز خدا نیست،و سپاس خدای را،و منزّه است خدا.

[دعای هنگام ورود به مسجد]

چون به در مسجد وارد شوی،نزد در بایست و بگو:سلام بر سرور ما رسول خدا،محمّد بن عبد الّه،و خاندان طاهرینش سلام و رحمت و برکات خدا بر امیر مؤمنان علی بن ابی طالب،و بر مجالس و جایگاه حضور،و مقام حکمتش،و آثار پدرانش آدم و نوح و ابراهیم و اسماعیل و بیان دلایلش،سلام بر امام حکیم،دادگر،صدّیق اکبر،جداکننده به داد که خدا به وسیلۀ او میان حق و باطل،و کفر و ایمان و شرک و توحید را جدا کرد، تا هر که هلاک گردد از روی دلیل هلاک شود،و هرکه زنده ماند از روی دلیل زنده ماند،شهادت می دهم که تویی امیر مؤمنان و خاصّۀ جان برگزیدگان،و زیور صدّیقان،و بردبار امتحان شدگان،و داور خدا بر روی زمین،و اداکنندۀ امر او،و درگاه حکمتش،و گره زنندۀ پیمانش،و گویای به وعده اش،و رشتۀ وصل شده بین او بندگانش،و پناهگاه نجات،و راه تقوی،و درجۀ برتر،و گواه داور عالی تر،ای امیر مؤمنان،به وسیلۀ تو تقرّب به خدا می جویم،تقرّب کامل،تو ولیّ و آقا و وسیلۀ من

ص:605

در دنیا و آخرتی.پس وارد مسجد می شوی.مؤلّف گوید:بهتر آن است از دری که در عقب مسجد است،و مشهور به باب الفیل است وارد شوی،آنگاه می گویی: خدا بزرگتر است،خدا بزرگتر است،خدا بزرگتر است،این است جایگاه پناهنده به خدا،و به محمّد حبیب خدا(درود خدا بر او و خاندانش باد)و به ولایت امیر مؤمنان و امامان آن ره یافتگان و صادقان و سخنوران و راشدان،آنان که خدا پلیدی را از ایشان دور کرد و پاکشان ساخت پاک ساختنی مخصوص،به آنان به عنوان امامان و هادیان و سرپرستان راضی شدم،تسلیم امر خدا گشتم به او شرک نیاورم چیزی،و همراه او سرپرستی نگیرم،شریک قراردهندگان برای خدا دروغ گفتند،و گمراه شدند گمراهی بس دور،کافی است مرا خدا و اولیای خدا،شهادت می دهم که معبودی جز خدا نیست،یگانه است،و برای او شریکی نیست،و شهادت می دهم که محمّد بنده و رسول اوست،و اینکه علی و امامان ره یافته از نسلش(درود خدا بر آنان باد) سرپرستان منند،و حجّتهای خدا بر بندگانش.

[اعمال ستون حضرت ابراهیم علیه السّلام]

سپس به جانب ستو چهارم،که در جنب باب انماط،و برابر ستون پنجم است برو،و آن ستون حضرت ابراهیم علیه السّلام است،پس چهار رکعت نماز بجای آر،دو رکعت ان را با(حمد)و(توحید)و دو رکعت دیگر را با(حمد)و سورۀ(قدر)،چون از نماز فارغ شدی،تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام را بگو و بخوان:

سلام بر بندگان شایسته راه یافته خدا،آنان که خدا پلیدی را از ایشان پرده،و پاکشان ساخته پاک کردنی خاص و قرارشان داده پیامبرانی مرسل،و حجّت بر همۀ بندگان،سلام بر

رسولان،و سپاس خدای را پروردگار جهانیان،این است اندازه بخشی عزیز علیم.و هفت مرتبه بگو:

سلام بر نوح در جهانیان.پس بگو:ما تعهّد به وصیّت توییم ای سرپرست مؤمنان ای نوح که ذریّه ات را به آن وصیّت کردی،از رسولان و صدّیقان،و ما از شیعیان تو و شیعیان پیامبرمان محمّدیم،درود خدا بر او و بر خاندانش،و بر همهٔ رسولان و پیامبران و صادقان،و ما بر آیین ابراهیم،و دین محمّد امیّ،و امامان ره یافته،و ولایت مولایمان علی امیر مؤمنان.سلام بر مژده دهنده و بیم ده،درودها و رحمت و رضوان و برکات خدا بر او،و بر وصی و جانشینش،آن شاهد برای خدا پس از او بر بندگانش علی امیر مؤمنان،صدّیق اکبر،و تمیزدهندهٔ روشن آنکه بیعتش را بر جهانیان گرفتی،به آنان خشنودم از جهت سرپرستی و سروری و حکمرانی در جانم و فرزندانم و خاندانم و مالم و نصیبم و آزادی و محدودیتم و اسلام و دینم و دنیا و آخرتم،و حیات و مرگم،شمایید امامان در کتاب خدا،و فیصله دهندهٔ هر مقام و جداکنندهٔ بین حق و باطل،و دیدگان آن زنده ای که نمی خوابد،شمایید حکیمان الهی،و به وسیلهٔ شما خدا حکم کرد و حق خدا به توسط شما شناخته شد،معبودی جز خدا نیست،محمّد رسول خداست،شما نور خدایید از پیش رو

ص:607

و پشت سر ما،شما آیین خدایید که حکم قطعی بر آن پیشی گرفت،ای امیر مؤمنان من تسلیم شمایم،تسلیمی که چیزی را شریک خدا نسازم،و جز او سرپرستی نگیرم،سپاس خدای را که به وسیلۀ شما مرا هدایت کرد،درحالی که من هدایت نمی یافتم،اگر خدا هدایتم نمی کرد،خدا بزرگتر است،خدا بزرگتر است.خدا بزرگتر است،سپاس خدای را برای آنکه ما را هدایت کرد.

[اعمال دکّه القضاء و بیت الطشت]

اشاره

اعمال دکّه القضاء و بیت الطشت:بدان که«دکّه القضا»دکّانچه ای در مسجد کوفه بوده که امیر مؤمنان علیه السّلام روی آن می نشستند و قضاوت می کردند و در آن محّل ستون کوتاهی وجود داشت که بر آن آیۀ کریمۀ (إِنَّ اللّٰهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسٰانِ) نوشته شده بود.

و بیت الطشت همان جایی است که معجزۀ امیر مؤمنان در حق آن دختر ظاهر شد،دختر بی شوهری که بر اثر نشستن میان آب،زالویی در شکمش وارد شد،و اندک اندک از مکیدن خون بزرگ،و شکم دختر را بمانند شکم زن حامله کرد،برادران دختر به او گمان فرزنددار شدن از راه نامشروع بردند و درصدد کشتن او برآمدند،برای قضاوت این مشکل نزد امیر مؤمنان آمدند،حضرت دستور داد در طرفی از مسجد پرده کشیدند و آن دختر را پشت پرده نشاندند،سپس قابلۀ کوفه را دستور داد،آن دختر را معاینه کند،زن قابله پس از معاینه عرضه داشت،یا امیر المؤمنین این دختر آبستن است و فرزندی در رحم دارد،حضرت دستور داد طشتی پر از لجن آوردند و دختر را به روی آن قرار دادند،زالو وقتی بوی لجن شنید از شکم دختر بیرون آمد.در بعضی از روایات است که حضرت دست دراز کرد و از کوههای شام قطعه برفی حاضر نمود و در آن طشت نهادند تا زالو از شکم دختر بیرون آمد.

بدان که مشهور در ترتیب اعمال مسجد آن است که پس از اعمال ستون چهارم به وسط مسجد می روند و اعمال آنجا را بجا می آورند و اعمال دکّه القضاء و بیت الطشت را در پایان همۀ اعمال پس از فراغت از دکّۀ امام صادق علیه السّلام به جا می آورند.امّا این فقیر به همان ترتیبی که سیّد ابن طاووس در کتاب«مصباح الزائر»و علاّمۀ مجلسی در«بحار»و شیخ

خضر در کتاب«مزار»نقل کرده اند ذکر می کنم.اگر کسی بخواهد بترتیب مشهور عمل نماید،اعمال دکّه القضا و بیت الطشت را بعد از اعمال ستون چهارم بجا نیاورد،در هر صورت بسوی دکّه القضا برو،و در آن محّل

ص:608

دو رکعت نماز،به حمد و هر سوره که خواهی بخوان،چون فارغ شدی،تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام را بجای آور و بگو:

ای مالک و مالک کننده ام،و پوشاننده ام به نعمتهای عظیم بدون داشتن شایستگی،رویم فروتن است برای آنچه قدمها بالای آن قرار می گیرد،برای عظمت ذات بزرگوارت،این سختی و نه این محنت را متّصل به هلاکت قرار مده،از فضلت به من ببخش،چیزی که بدون درخواست به کسی نبخشیدی،تویی،دیرین اوّل که همواره بوده ای،و خواهی بود،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا بیامرز و به من رحم کن،عملم را پاک نما،و در عمرم برکت ده،و مرا از آزادشدگان و رها شدگان از آتش قرار ده،به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

[اعمال بیت الطشت]

اعمال بیت الطشت:این محّل متصّل به دکّه القضا است.در این جایگاه دو رکعت نماز بخوان و پس از سلام و تسبیح حضرت علیها السّلام بگو:خدایا من یکتاپرستی ام و معرفتم و اخلاصم نسبت به تو و اقرارم به ربوبیّت را ذخیره کنم،و نیز ولایت کسانی که به خاطر معرفتشان از میان مخلوقات به من نعمت دادی اندوخته قرار دادم،و آن ولایت محمّد و عترت او(درود خدا بر او و خاندانش باد)است،برای روز پناهندگی ام به تو در دنیا و آخرت،و اکنون به تو به آنان ای مولایم در این روز و در این موقعیتم پناه آورده ام،و از تو درخواستم تداوم نعمتت را بر خودم،و از بین بردن آنچه می ترسم از آن از کیفرت،و برکت در انچه نصیبم فرمود،و نگهداشتن سینه ام از هر نگرانی و سختی شدید،و

ص:609

گناهی در دین و دنیا و آخرتم،ای مهربان ترین مهربانان.روایت شده است که امام صادق علیه السّلام در بیت الطشت دو رکعت نماز بجا آوردند.

[اعمال دکه المعراج(وسط مسجد)]

انجام نماز و دعا در وسط مسجد:دو رکعت نماز در وسط مسجد بجا می آوری در رکعت او(حمد)و(توحید)و در رکعت دوم(حمد)و(کافرون)می خوانی پس از سلام و تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام بگو:

خدایا تویی سلام و از توست سلام و به تو برمی گردد سلام و خانهٔ توست خانه سلام،پروردگارا تحیّت ده ما را از جانب خود به سلام.خدایا من این نماز را تنها برای طلب رحمت و رضوان و آمرزشت و بخاطر مسجدت خواندم.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و این نماز را در محل بلند بهشت بالا ببر،و از من بپذیر،ای مهربان ترین مهربانان.مؤلف گوید:این مقام را که دکّه المعراج گفته اند و ظاهرا به ملاحظهٔ آن است که در شب معراج رسول خدا صلی اللّه علیه و آله از خدا اذن طلبید و در این محلّ فرود آمد و دو رکعت نماز خواند،البته در اول فصل به روایت آن اشاره شد.

[اعمال ستون هفتم(محلی که توبه آدم پذیرفته شد)]

اعمال ستون هفتم:این محّل مقامی است که حق تعالی در آن،توفیق توبه و بازگشت به آدم را عنایت فرمود، پس به جانب آن برو و پیش آن رو به قبله بایست و بگو:به نام خدا و با خدا و بر آیین رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش باد)،و معبودی جز خدا نیست،محمّد رسول خداست، سلام بر پدرمان آدم و مادرمان حوا،و سلام بر هابیل،کشته شده ستم و دشمنی از روی حسادت قابیل بر موهبتهای خدا و خشنودیش نسبت به هابیل،سلام بر شیث برگزیدهٔ خدا،آن انتخاب شده امین

و برگزیدۀ صادقان از نسل پاکش،آغاز و انجامشان.سلام بر ابراهیم و اسماعیل،و اسحاق و یعقوب و بر نسل انتخاب شدۀ آنان.سلام بر موسی همسخن خدا،سلام بر عیسی روح خدا،سلام بر محمّد بن عبد اللّٰه خاتم الانبیاء،سلام بر امیر مومنان و نسل پاکش،و رحمت و برکات خدا بر او باد،سلام بر شما در پیشینیان،سلام بر شما در پسینیان،سلام بر فاطمه زهرا،سلام بر امامان هدایت کننده،گواهان خدا بر بندگانش،سلام بر دیده بان و گواه بر امّتها برای خدا پروردگار جهانیان.سپس نزد این ستون چهار رکعت نماز می خوانی،در رکعت اول (حمد)و(قدر)و در بکعت دوم(حمد)و(توحید)بخوان و در رکعت سوم و چهارم هم به همین ترتیب عمل کن، پس از فراغت از چهار رکعت و تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام بگو:خدایا اگر کسی بوده ام که تو را معصیت کردم،در مقابل اطاعتت کردم در ایمانم به تو،از باب مّنتی که از سوی تو بر من است نه منّتی که از من بر توست،و اطاعتت کردم در محبوب ترین چیزها پیش تو،و آن اینکه مانند بی خردان فرزندی برای تو نگرفتم،و شریکی برایت نخواندم،البته در بسیاری از امور معصیت تو را مرتکب شدم نه از روی عناد و دشمنی،و نه از باب بیرون رفتن از عرضۀ بندگی ات،و نه از جهت انکار مقام ربوبیّتت،بلکه هوای نفسم را پیروی کردم و شیطان

ص:611

مرا لغزاند،آن هم بعد از حجّت و بیان تو بر من،پس اگر عذابم کنی،به خاطر گناهانم می باشد،و در این عذاب ستمکار به من نیستی و اگر از من گذشت کنی و ترحّم فرمایی تنها از روی جود و کرم توست ای کریم،خدایا برای گناهانم نمانده،مگر امید عفوت،و اینک تقدیم می کنم ابزار محرومیت را که تهیدستی و نیاز من است،پس از تو خواستارم چیزی را که سزاوار آن نیستم،و از تو می طلبم آنچه را که مستحقّش نمی باشم.خدایا اگر عذابم کنی به گناهانم عذاب کردی،و هیچ ستمی بر من روا نداشتی،و اگر مرا بیامرزی پس تو بهترین رحم کنندگانی ای آقای من.خدایا تو تویی و من منم،تو بسیار بازگشت کننده به آمرزشی،و من بسیار بازگشت کننده به گناهانم،و تو تفضّل کننده ای از روی بردباری،و من بازگشت کننده ام از روی نادانی.خدایا پس من از تو درخواست می کنم ای گنج ناتوانان،ای بزرگ امید،ای رهانندۀ غریقان،ای نجات هلاک شدگان،ای میرانندۀ زندگان ای زنده کنندۀ مردگان،تویی خدایی که معبودی جز تو نیست،تویی آنکه برایت سجده کردم شعاع خورشید و خروش آب،و صدای درخت،و نور ماه،و تاریکی شب و روشنایی روز،و حرکت بال پرندگان،پس از تو درخواست می کنم خدایا،ای بزرگ به حقی که بر محمّد و خاندان صادقش داری،و به حقیّ که محمّد و خاندان صادقش بر تو دارند،و به حقّ تو بر علی،و به حق علی بر تو،و به حقّ تو بر فاطمه،و به حق فاطمه بر تو،و به حق تو بر حسن،و به حق حسن بر تو،و به حق تو بر حسین،و به حق حسین بر تو،که حقوق ایشان بر تو از برترین نعمت دادن

ص:612

نعمت دادن،تو بر آنهاست،و به حق ش.نی که برای تو نزد ایشان است،و به شأنی که برای آنان نزد توست بر ایشان درود فرست ای پروردگار،درودی پاینده تا نهایت خشنودی ات،و به حق آنان بر من بیامرز گناهانی را که بین من و توست،و بندگانت را از من راضی کن،و نعمتت را بر من کامل فرما،چنان که از پیش بر پدرانم کامل کردی،و برای احدی از بندگانت در آن بر من منّتی قرار مده،و بر من منّت نه،چنان که از پیش بر پدرانم منّت نهادی،ای کهیعص.خدایا چنان که بر محمّد و خاندانش درود فرستی،دعایم را در آنچه از تو درخواست کردم اجابت کن،ای کریم،ای کریم،ای کریم.پس به سجده برو،و در سجده بگو:ای آنکه بر برآوردن حاجات خواهندگان قدرت دارد،و آنچه در نهاد لب فروبستگان است می داند،ای به آنکه به تفسیر محتاج نمی گردد،ای آنکه می داند خیانت دیده ها را و آنچه که سینه ها پنهان کند،ای آنکه عذاب را بر قوم یونس فرو فرستاد،و اراده داشت آنان را عذاب کند،ولی او را خواندند،و به درگاهش زاری کردند پس عذاب را از آنان برطرف ساخت و تا مدّتی از زندگی بهره مندشان نمود البته جایم را می بینی،و دعایم را می شنوی،و نهان و آشکار حالم را می دانی،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و مرا کفایت کن از آنچه به اندوهم برده،از کار دین و دنیا و آخرتم.پس هفتاد مرتبه بگو:

یا سیّدی آنگاه سر از سجده بردار و بگو:پروردگارا از تو درخواست می کنم برکت جایگاه،و برکت اهلش را،و از تو درخواست می خواهم که نصیبم کنی از روزی ات روزی حلال و پاکیزه،که سوق دهی آن را به سوی من،به

؟؟؟و نیرویت،درحالی که من در تندرستی کامل فرو رفته باشم ای مهربان ترین مهربانان.

مؤلف گوید:در کتاب«مزار قدیم»در دعای این مقام بعد از«یا کریم یا کریم یا کریم»و پیش از سجده ذکر شده دعای «اللّهم یا من تحلّ به عقد المکاره»که از دعاهای سجّادیّه است و متن آن در باب اول در ضمن دعاهای ایمنی از شرّ دشمنان و بلاها و ترس گذشت[صفحهٔ 192].پس از آن فرمود:آنگاه بگو:

خدایا تو می دانی و من نمی دانم و تو می توانی و من نمی توانم،و تو دانای غیبهایی،خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و مرا بیامرز و به من رحم کن،و از من درگذر،و بر من تصّدق کن آنچه را تو سزاوار آنی ای مهربان ترین مهربانان.سپس به سجده برو و بگو:«یا من یقدر علی حوائج السّائلین»تا آخر دعا.و نیز آگاه باش احادیث بسیار در فضیلت ستون هفتم،وارد شده.شیخ کلینی به سند معتبر روایت کرده:امیر مؤمنان علیه السّلام،رو به این ستون نماز میخواند و چنان نزدیک به آن می ایستاد،که بین آن حضرت و ستون فاصله در حدّی بود که بزی عبور کند و در روایت معتبر دیگر وارد شده:هر شب شصت هزار فرشته،از عالم بالا نازل می شوند و کنار ستون هفتم نماز می خوانند و این به صورتی است که تا قیامت به هر شصت هزار نفر یک بار نوبت می رسد و فرصتی برای مراجعهٔ دوبارهٔ آنان نیست،در حدیث معتبر از امام صادق علیه السّلام آمده:که ستون هفتم مقام حضرت ابراهیم است.شیخ کلینی در کتاب کافی به سند صحیح از ابو اسماعیل سرّاج روایت کرده:معاویه بن وهب دست مرا گرفت و گفت:ابو حمزه ثمالی دست مرا گرفت و گفت:اصبغ بن نباته دست مرا گرفت و ستون هفتم را به من نشان داد و گفت:این ستون مقام حضرت امیر مؤمنان علیه السّلام است که نزد آن نماز می خواند و امام مجتبی علیه السّلام کنار ستون پنجم نماز می خواند و وقتی امیر مؤمنان علیه السّلام حضور نداشت امام مجتبی علیه السّلام به جای آن حضرت نماز اقامه می کرد و آن از در کنده است درهرصورت ،اخبار در فضیلت این ستون بسیار است و بنای ما بر اختصار می باشد.

[عمل ستون پنجم(مقام حضرت ابراهیم علیه السلام)]

عمل ستون پنجم:از جمله مواضع ممتاز مسجد کوفه ستون پنجم است،که باید کنار آن نماز بخوانند و حاجات خود را از خدا بطلبند

ص:614

زیرا در روایات معتبر وارد شده:محّل نماز حضرت ابراهیم خلیل بوده و با روایات دیگر منافات ندارد،زیرا ممکن است آن حضرت در همۀ این مواضع نماز خوانده باشد،در حدیث معتبر از امام صادق علیه السّلام روایت شده:ستون پنجم مقام جبرییل است و از روایت سطور گذشته استفاده می شود که مقام امام مجتبی علیه السّلام است،در نهایت آنچه از احادیث فهمیده می شود،این است که محل ستون هفتم و پنجم از سایر مواضع مسجد شریف تر است.سیّد ابن طاووس گفته است:نزد ستون پنجم دو رکعت نماز بخوان به حمد و هر سوره ای که خواهی،و پس از سلام و تسبیح بگو:خدایا از تو می خواهم،به حق تمام نامهایت آنچه از آنها دانسته ایم و آنچه نمی دانیم،و از تو درخواست می کنم به حق نام بزرگت و بزرگترت و کبیر و اکبرت،که هرکس تو را به آن خواند،جوابش را دادی،و هرکه به آن از تو درخواست کرد عطایش نمودی،و هرکه به آن از تو یاری طلبید یاری اش کردی،و هرکه به آن از تو آمرزش خواست او را آمرزیدی،و هرکه به آن از تو کمک طلبید کمکش کردی،و هرکه به آن از تو درخواست روزی کرد روزی اش دادی،و هرکه به آن از تو فریادرسی طلبید به فریادش رسیدی،و هرکه به آن از تو رحم خواست رحمتش فرمودی،و هرکه به آن از تو پناه جست پناهش دادی،و هرکه به آن بر تو توکّل کرد،کفایتش نمودی،و هرکه به آن از تو نگهداری خواست،نگهداری اش کردی،و هرکه به آن از تو رهایی از آتش خواست نجاتش دادی،و هرکه به آن از تو تقاضای عطوفت نمود،به او عطوفت فرمودی،و هرکه به آن تو را آرزو کرد،عطایش کردی،نامی که با آن آدم را برگزیده،و نوح را رهایی یافته،و ابراهیم را دوست،و موسی را همسخن،و عیسی را روح،و محمّد را محبوب،و علی را جانشین برگرفتی،درود خدا بر همۀ آنها به حق آن نامها که حاجاتم را برآوردی،و از آنچه از گناهان از من گذشته درگذری،و بر من تفضّل کنی به آنچه تو

سزاوار آنی،و نیز به تمام مردان و زنان با ایمان در دنیا و آخرت،ای زدایندهٔ اندوه اندوهگینان،ای فریادرس ستمدیدگان،معبودی جز تو نیست،منزّهی تو ای پروردگار جهانیان.مؤلّف گوید:از امام صادق علیه السّلام روایت شده:به بعضی از اصحاب خود فرمودند:نزد ستون پنجم دو رکعت نماز بخوان،که آن مصلاّی ابراهیم است و بگو:السّلام علی ابنیا ادم و امّنا حوّاء تا آخر،نزدیک به آنچه که کنار ستون هفتم،به طرف قبله خواندی.

[عمل ستون سوم(مقام امام زین العابدین علیه السّلام)]

عمل ستون سوم:که مقام حضرت زین العابدین علیه السّلام است.آنگاه به جانب دکّه زین العابدین علیه السّلام حرکت کن و آن در کنار ستون سوم است،از جانب متصّل به باب کنده.مؤلّف گوید:این مقام از طرف قبله برابر با دکّهٔ بابد امیر مؤمنان علیه السّلام و از طرف غرب مقابل با باب کنده بوده که مسدود شده است و گفته شده که شایسته است نماز به اندازهٔ پنج زراع دورتر از ستون خوانده شود،زیرا دکّه در آن محل بوده است.به هر حال در آنجا دو رکعت نماز به حمد و هر سوره ای که خواهی بجای آر و پس از سلام و تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام بگو:به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،خدایا گناهانم زیاد شده،و برای آنها جز امیدت عفوت نمانده،اکنون ابزار محرومیت را که تهیدستی و نیازمندی است تقدیم کردم خدایا از تو می خواهم آنچه را سزاوارش نیستم،و از تو می طلبم آنچه را مستحقّش نمی باشم.خدایا اگر عذابم کنی علّت عذاب گناهان من است،به من هیچ ستمی نکردی،و اگر مرا ببخشی،پس تو بهترین رحم کنندگانی،ای آقای من،خدایا تو تویی و من منم،تو بسیار معتاد به آمرزشی،و من بسیار معتاد به گناهانم،تویی که تفضّل می کنی به بردباری،منم که بسیار معتادم به نادانی.خدایا از تو درخواست می کنم ای گنج ناتوانان،ای بزرگ امید ای دستگیر غریقان،ای نجات دهندهٔ هلاک شدگان،ای میرانندهٔ زندگان،ای زنده کنندهٔ مردگان،تویی خدایی

که معبودی جز تو نیست،تویی که سجده کرد برایت شعاع خورشید،و نور ماه،و تاریکی شب،و روشنی روز،و حرکت بال پرندگان،از تو می خواهم ای بزرگ به حق تو ای کریم بر محمّد و اهل بیت صادقش،و به حق محمّد و اهل بیت صادقش بر تو،و به حق تو بر علی و به حق علی بر تو،و به حق تو بر فاطمه و به حق فاطمه بر تو و به حق تو بر حسن و به حق حسن بر تو،و به حق تو بر حسین،و به حق حسین بر تو،همانا حقوق ایشان از برترین نعمت بخشیهای تو بر آنان است،و به حق شأنی که برای تو نزد آنان است،و شأنی که برای آنان نزد توست،درود فرست ای پروردگار بر ایشان،درودی دائمی تا نهایت خشنودی ات،و به حق ایشان گناهانی که بین من و توست بر من ببخش،و نعمتت را بر من کامل کن چنان که بر پدرانم از پیش کامل کردی ای کهیعص.خدایا چنان که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستادی،در آنچه از تو خواستم دعایم را اجابت کن.پس به سجده برو و طرف راست صورت را بر زمین بگذار و بگو:

ای آقای من،ای آقای من،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و مرا بیامرز و مرا بیامرز و این کلمات را با خشوع و گریه بسیار بگو،آنگاه طرف چپ صورت را بر زمین بگذار و باز این کلمات را بگو،پس دعا کن به آنچه که خواهی.مولّف گوید:بر پایۀ بعضی مجموعه های غیر معتبر و مشهوری بین مردم،آن است که در این مقام بجا می آورند عملی را که امام صادق علیه السّلام تعلیم یکی از اصحاب خود نموده،ولی این عمل مقیّد به این مقام نیست.و کیفیّت آن این است که از

آن حضرت نقل شده که به بعضی از اصحاب خود فرمودند:آیا بامداد دنبال حاجتی نمی روی که به مسجد بزرگ کوفه گذر کنی؟عرض کرد چرا،فرمود:در آن مسجد چهار رکعت نماز بخوان و بگو:معبودم اگر من کسی بوده ام که تو را معصیت کردم،در مقابل در محبوب ترین چیزها به نزد تو اطاعتت کردم،و آن اینکه در اعتقادم برای تو فرزندی نگرفتم،و شریک برایت نخواندم البته در بسیاری از امور معصیت تو را کرده ام،نه به رسم دشمنی با تو،و نه از باب تکبّر کردن از بندگی ات،و نه از جهت انکار ربوبّیت و نه به خاطر خروج از عرصۀ بندگی،ولی از هوای نفسم پیروی کرده ام و بعد از برهان و بیان شیطان مرا لغزاند،در نتیجه اگر عذابم کنی،به گناهانم عذابم کردی و ستمکار بر من نیستی،و اگر از من گذشت کنی و به من ترحّم فرمایی به جود و کرمت با من معامله کردی ای کریم.و همچنین می گویی:

صبح کردم به نیرو و قدرت خدا،صبح کردم بدون حول و قوّت خویش،ولی به حول و قوت خدا،ای پروردگار از تو می خواهم برکت این خانه و اهلش را،و از تو درخواست می کنم که روزی حلال و پاکیزه نصیبم کنی،که مرا به جانب حول و قوّت تو سوق دهد درحالی که من در سلامتی کاملت غوطه ور باشم.

شیخ شهید و محمّد بن مشهدی این عمل را برای صحن مسجد پس از عمل ستون چهارم ذکر کرده اند،در دو رکعت اول حمد و توحید و در دو رکعت دیگر حمد و انّا انزلناه و پس از سلام،تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام را بگو.در حدیث معتبر از ابو حمزه ثمالی نقل شده:

که روزی در مسجد کوفه نشسته بودم،ناگاه دیدم شخصی از در کنده وارد شد،از همه کس خوش روتر و خشبوتر و پاکیزه جامه تر عمامه به سر بسته و پیراهن و درّاعه پوشیده و دو نعل عربی در پای مبارکش بود،نعلین را از پا درآورد،و نزد ستون هفتم

ایستاد و دستها را تا برابر گوش بالا برد،و تکبیری گفت که تمام موهای من از دشهت آن راست ایستاد،پس چهار رکعت نماز خواند،و رکوع و سجودش را نیکو انجام داد،سپس این دعا را خواند:الهی ان کنت قد عصیتک دعا را ادامه داد تا رسید به یا کریم در اینجا به سجده رفت و مکرّر یا کریم گفت به اندازه ای که یک نفس را پر کند،آنگاه در سجده اش گفت یا من یقدر علی حوائج السّائلین و دعا را ادامه داد تا هفتاد مرتبه یا سیّدی که در اعمال ستون هفتم ذکر شد،چون سر از سجده برداشت و من به دقّت ملاحظه کردم،دیدم حضرت زین العابدین علیه السّلام است،دستهای مبارکش را بوسیدم و پرسیدم برای چه اینجا آمدید،فرمود برای آنچه دیدی یعنی نماز در مسجد کوفه.در روایتی که در زیل زیارت هفتم[صفحه 560] نقل کردیم این مطلب هم بود که ابو حمزه را با خود به زیارت امیر مؤمنان علیه السّلام برد.

[اعمال باب الفرج معروف به مقام نوح علیه السّلام]

اشاره

اعمال باب الفرج معروف به مقام نوح علیه السّلام:چون از عمل ستون سوم فارغ شدی،به دکّهٔ باب امیر مؤمنان علیه السّلام برو،و آن صفّه ای است متصّل به دری که از مسجد،به سوی خانهٔ امیر مؤمنان علیه السّلام باز می شده است.پس چهار رکعت نماز بخوان به حمد و هر سوره که خواستی،چون فارغ شدی،تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام را بجا آورد،و بگو:

خدایا درود فرست بر محمّد و خاندان محمّد،و حاجتم را برآور ای خدا،ای آنکه سؤال کننده اش هرگز ناامید نمی شود و عطایش به پایان نمی رسد،ای برآورنده حاجات،ای اجابت کننده دعاها،ای پروردگار زمینها و آسمانها ای برطرف کننده گرفتاریها،ای بخشایشگر عطاها،ای دفع کننده کیفرها،ای تبدیل کننده بدیها به خوبیها،با عطا و فضل و احسانت به سوی من بازگرد،و اجابت کن دعایم را،در آنچه از تو خواستم و از تو طلبیدم،به حق پیامبر و وصیّ و اولیا شایسته ات.

[چگونگی نمازی دیگر در این مقام]

چگونگی نمازی دیگر در این مقام:و آن دو رکعت است،پس از سلام و تسبیح بگو:

خدایا به آستانت فرود آمدم،به خاطر دانشم به یگانگی و بی نیازی ات،و اینکه توانایی نیست جز تو بر برآوردن حاجتم،ای پروردگارم دانستم که هر زمان نعمت را بر خود مشاهده کردم،نیازمندی ام به تو فوق العاده تر شده،اینک ای پروردگارم از کارهای مهم چیزی عارض من شده که تو آن را می دانی،زیرا تو عالم بدون معلّمی از تو درخواست می کنم به حق آن نامی که بر آسمانها نهادی و شکافته شدند،و بر زمینها نهادی و گسترده گشتند و بر ستارگان نهادی و پخش شدند،و بر کوهها نهادی و مستقر گشتند،و از تو درخواست می کنم به حق نامی که قرار دادی نزد محمّد و علی و نزد حسن و حسین و همۀ امامان درود خدا بر همۀ ایشان،اینکه بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و ای پروردگار حاجتم را برایم برآوری و آسان کنی دشوار آن را،و مهمّ آن را کفایت نمایی،و قفل آن را برایم بگشایی،اگر این کار را انجام دهی پس تو را سپاس،و اگر انجام ندهی باز هم تو را سپاس،که ستمکار در حکم،و متجاوز از عدلت نیستی پس طرف راست صورت را بر زمین می گذاری و می گویی:خدایا یونس بن متی بنده و پیامبرت تو را در شکم ماهی خواند،دعایش را اجابت کردی،و من هم تو را می خوانم پس دعایم را اجابت کن به حق محمّد و خاندان محمّد آنگاه به آنچه می خواهی دعا کن،سپس طرف چپ صورت را بر زمین بگذار و بگو:خدایا به دعا امر

کردی،و اجابتش را عهده دار شدی،و من چنان که دستورم دادی دعا می کنم،پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و آن طور که وعده نمودی دعایم را مستجاب کن ای کریم.سپس پیشانی خود را بر زمین بگذار و بگو ای عزیزکنندهٔ هر خوار،و خوارکنندهٔ هر عزیز،گرفتاری ام را می دانی،پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و به من گشایش ده ای کریم.

[ذکر نمازی برای رفع حاجت در محلّ مذکور]

ذکر نمازی برای رفع حاجت در محلّ مذکور:و آن چنان است که چهار رکعت نماز می گذاری،پس از سلام و تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام بگو:

خدایا از تو می خواهم،ای آنکه چشمها نبینندش،و گمانها فرانگیرندش،و وصف نکنند وصف کنندگان او را و حوادث دگرگونش ننمایند،و روزگاران فانی اش نکند،تو می دانی سنگینی کوهها را،و پیمانهٔ دریاها را و برگهای درختان را،و ریگهای صحراها را،و آنچه را روشنی دهد خورشید و ماه،و شب بر آن تاریکی اندازد،و روز بر آن روشن گردد،از تو پنهان نمی کند آسمانی آسمان دیگر را،و نه زمینی زمین دیگر را،و نه کوهی آنچه را در ریشهٔ آن است،و نه دریایی آنچه را در قعر ان است،از تو درخواست می کنم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و اینکه بهترین کارم را آخرین کار،و بهترین اعمالم را سرانجام آنها،و بهترین روزهایم را روزی که ملاقاتت کنم قرار ده،البته تو بر هر چیز توانایی.خدایا هرکه به بدی قصد من کند قصدش کن،و هرکه به من بداندیشی کند با او بداندیشی کن،و هرکه به عامل هلاکتی تجاوز به من نماید او را هلاک کن،و مرا آنچه نگران کرده،از کسی که نگرانش بر من وارد شده کفایت کن.خدایا مرا در زره محکمت در آور،

ص:621

و مرا با پوشش حفظ کننده ات بپوشان،ای آنکه از همه چیز کفایت کند،و از او چیزی کفایت ننماید،از انچه از کار دنیا و آخرت مرا نگران کرده کفایتم کن،گفتار و کردارم را تصدیق کن،ای غمخوار،ای رفیق،تنگنایی را از من گشایش ده،و چیزی که طاقتش را ندارم بر من تحمیل مکن.خدایا با دیده ات مرا نگهبانی کن،که هرگز نمی خوابد،و به قدرتت بر من رحم فرما،ای مهربان ترین مهربانان،ای والا،ای بزرگ،تو به حاجت من دانایی و بر برآوردنش توانایی،و این کار نزد تو آسان است،و من به تو نیازمندم،پس در بر آوردن حاجتم بر من منّت گذار،ای بزرگوار،البته تو بر هر چیز توانایی.

سپس به سجده می روی و می گویی:معبود من تو حاجاتم را دانسته ای،پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و آنها را بر آور،البته تو گناهانم را شمرده ای،پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و آنها را بیامرز ای کریم.سپس طرف راست صورت خود را بر زمین می گذاری و می گویی:اگر بد بنده ای بودم،تو خوب پروردگاری هستی،با من آن کن که شایستهٔ آنی،و آن مکن که من سزاوار آنم،ای مهربان ترین مهربانان سپس طرف چپ صورت خود را بر زمین می گذاری و می گویی:خدایا اگر گناه بزرگ شد از بنده ات،باید گذشت از جانب تو نیکو شد ای کریم.پس پیشانی را بر زمین می گذاری و می گویی:

رحم کن به کسی که بد کرده،و مرتکب گناه شده،و درمانده گشته و به اعتراف برخاسته.

مؤلّف گوید:این دعاها تا و اغفرها یا کریم همان دعایی است که در کتاب«مزار قدیم»در اعمال صحن مسجد سهله در مقام امام زین العابدین علیه السّلام نقل شده

ص:622

[اعمال محراب امير مؤمنان عليه السّلام]

اشاره

اعمال محراب امير مؤمنان عليه السّلام:در مكانى كه امير مؤمنان عليه السّلام را ضربت زدند،دو ركعت نماز بخوان، و پس از سلام و تسبيح حضرت زهرا عليه السّلام بگو: اى آنكه زيبا را آشكار ساخت،و كار زشت را پوشاند،اى آنكه بر معصيت سرزنش نكرد،و پرده و باطن را ندريد،اى بزرگ گذشت،اى نيكو درگذر،اى پهناور آمرزش،اى هر دو دست به رحمت گسترده،اى صاحب هر راز،اى نهايت هر شكايت اى بزرگوار چشم پوش،اى بزرگ اميد،اى آقاى من،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و با من آن كن كه تو شايستۀ آنى اى كريم.

[مناجات حضرت امير مؤمنان عليه السّلام]

مناجات حضرت امير مؤمنان عليه السّلام:خداى از تو امان مى خواهم،روزى كه سودى ندهد مال و فرزندان مگر كسى كه ولى به تمام معنى سالم نزد خدا آرد،و از تو امان مى خواهم روزى كه ستمكار مى گزد هر دو دستش را،و مى گويد اى كاش همراه پيامبر راه خدا را انتخاب مى كردم،و از تو امان مى خواهم روزى كه شناخته شوند گناهكاران به نشانه هايشان،و به پيشانيها و قدمها بگيرندشان و از تو امان مى خواهم روزى كه كفايت نمى كند پدرى از فرزندش،و نه فرزندى كفايت كننده است از پدرش به هيچ وجه،البته وعده خدا حق است.و از تو امان مى خواهم روزى كه عذرخواهى ستمكاران سود نمى دهد،و بر ايشان است لعنت،و عذاب و شكنجه سراى آخرت و از تو امان ميخواهم روزى كه كسى براى كسى اختيار چيزى را ندارد،و اختيار همه چيز در آن روز براى خداست،و از تو امان مى خواهم روزى كه

انسان فرار می کند از برادر و پدر و مادر و همسر و فرزندانش،و برای هرکدام از آنها در آن روز کاری است،که آن کار او را بس است،و از تو امان می خواهم روزی که گنهکار دوست دارد،اگر بتواند از عذاب آن روز،پسرانش و همسرش و برادرش و خویشانش که او را در بر می گیرند و هرکه در روی زمین است بها بدهد سپس این بها دادن او را نجات دهد هرگز!همانا عذاب الهی آتشی شعله ور است،برکنندۀ پوست اعضا برای سوزاندن است!مولایم ای مولای من،تو مولایی و من بنده ام،آیا رحم می کند به بنده جز مولا؟مولایم ای مولای من،تو مالکی و من مملوکم،آیا رحم می کند به بنده جز مولا؟مولایم ای مولای من،تو عزیزی و من خوار،آیا رحم می کند به خوار جز عزیز؟ مولایم ای مولای من،تو خالقی،من مخلوق،آیا رحم می کند به مخلوق جز خالق؟مولایم ای مولای من تو باعظمتی و من ناچیز،آیا رحم می کند به ناچیز جز باعظمت؟مولایم ای مولای من،تو نیرومندی و من ناتوان آیا رحم می کند به ناتوان جز نیرومند؟،مولایم ای مولای من تو بی نیازی و من نیازمند،آیا رحم می کند به نیازمند جز بی نیاز؟مولایم ای مولای من،تو عطا بخشی و من سائل،آیا رحم می کند به سائل جز عطابخش؟مولایم ای مولای من،تو زنده ای و من مرده آیا رحم می کند به مرده جز زنده؟،مولایم مولای من تو باقی هستی و من فانی،آیا رحم می کند به فانی جز باقی؟،مولایم ای مولای من تو پاینده ای و من از بین رونده،آیا رحم می کند به از بین رونده

ص:624

جز پاینده؟مولایم ای مولای من،تو روزی دهنده ای و من روزی داده شده،آیا رحم می کند به روزی داده شده جز روزی دهنده؟مولایم ای مولای من،تو جودمندی و من بخیل،آیا رحم می کند به بخیل جز جودمند؟مولایم ای مولای من،تو عافیت بخشی و من گرفتار،آیا رحم می کند به گرفتار جز عافیت بخش؟مولایم ای مولای من تو بزرگی و من کوچکم،آیا رحم می کند به کوچک جز بزرگ؟مولایم ای مولای من،تو راهنمایی و من گمراه،آیا رحم می کند به گمراه جز راهنما؟مولایم ای مولای من تو رحم کننده ای و من رحم شده،آیا رحم می کند به رحم شده جز رحم کننده؟مولایم ای مولایم من،تو سلطانی و من آزمایش شده به بلاها،آیا رحم می کند به آزمایش شده به بلاها جز سلطان؟،مولایم ای مولای من تو دلیلی و رهنما و من سرگردان،آیا رحم می کند به سرگردان جز دلیل و رهنما؟،مولایم ای مولای من تو آمرزنده ای و من گناهکار،آیا رحم می کند به گناهکار جز آمرزنده؟،مولایم ای مولای من،تو غالبی و من مغلوب،آیا رحم می کند به مغلوب جز غالب؟،مولایم ای مولای من تو پرورنده ای و من پروریده،آیا رحم می کند به پروریده جز پرورنده؟مولایم ای مولای من،تو بزرگمنشی و من فروتن،آیا رحم می کند به فروتن جز بزرگمنش؟مولایم ای مولای من به من رحم کن به رحمتت و به جود و کرم،و فضلت از من راضی شو،ای دارای جود و احسان و عطا و بخشندگی،

ص:625

به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.مؤلّف گوید:سیّد ابن طاووس بعد از این مناجات،دعایی طولانی از آن حضرت روایت کرده،به نام دعای امان،مقام را گنجایش ذکر آن نیست.و همچنین در این مقام شریف می خوانی دعایی را که در برنامهٔ مسجد زید ذکر می کنیم ان شاء اللّه[صفحهٔ 637].آگاه باش ما در کتاب«هدیه الزائرین» به اختلاف در محرابی که محّل ضربت خوردن امیر مؤمنان علیه السّلام است اشاره کردیم،که آیا همین محراب معروف است یا آن محراب متروک و گفتم نهایت احتیاط در این است که اعمال محراب را در هر دو محل بجا آورند یا گاهی در موضع معروف،گاهی در محّل متروک،

[اعمال دکّهٔ امام صادق علیه السّلام(مقام امام صادق علیه السّلام)]

اعمال دکّهٔ امام صادق علیه السّلام:مقام امام صادق علیه السّلام در نزدیکی مسلم بن عقیل رحمه اللّه است،در انجا دو رکعت نماز بجای آر،و پس از سلام و تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام بگو:

ای سازندهٔ هر ساخته،ای جبران کنندهٔ هر شکسته،و ای حاضر هر انجمن،و ای گواه هر گفتگوی نهان،و ای دانای هر پنهان،و ای حاضر غیر غایب،و ای غالب غیر مغلوب،و ای نزدیک غیر دور،و ای همدم هر تنها،و ای زنده آن زمان که زنده ای نبود غیز از او،ای زنده کنندهٔ مردگان و ای میرانندهٔ زندگان،ای مراقب هرکس به آنچه انجام داده،نیست معبودی جز تو،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.پس بخوان هرچه خواهی.

مؤلّف گوید:من پیش از این گفتم،در اینجا باز هم می گویم که در کتاب«مزار قدیم»و مشهور بین مردم در ترتیب اعمال مسجد آن است که بعد از این مقام،اعمال دکّه القضا و بیت الطشت را بجا می آورند،که ما این اعمال را موافق کتاب «مصباح»و«بحار»و کتب دیگران بعد از اعمال ستون چهارم نقل کردیم،اگر خواستی به کیفیت مشهور عمل کنی به کتاب «مزار قدیم»مراجعه کن و اعمال این دو مقام را ان شاء اللّه بجا آر.

ذکر نماز برای رفع حاجت در جامع کوفه:از امام صادق علیه السّلام روایت شده:کسی که در مسجد کوفه دو رکعت نماز بخواند

در هر رکعت سوره های حمد و الفلق و النّاس و قل هو اللّه احد و قدر و سبّح اسم ربّک الاعلی را خوانده و سلام دهد و تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام بگوید،از خدا هر حاجتی را بطلبد،خدا حاجتش را برآورده و دعایش را مستجاب خواهد کرد.مؤلف گوید:ترتیب در سوره های در این دو رکعت،موافق روایت سیّد ابن طاووس در کتاب«مصباح»است و در روایت شیخ طوسی در کتاب«امالی»سورۀ قدر بعد از سبّح اسم است و شاید ترتیب در آنها لازم نباشد،عمده این است که پس از سورۀ حمد این هفت سوره خوانده شود،و اللّه العالم.

زیارت جناب مسلم بن عقیل(قدس اللّه روحه و نور ضریحه)

چون از اعمال مسجد کوفه فراغت یافتی،به جانب قبر مسلم بن عقیل برو،و کنار قبر بایست و بگو:

سپاس خدای را،آن پادشاه حق آشکار،که گردنکشان متجاوز،خود را در برابر عظمتش ناچیز شمارند،و همۀ اهل آسمانها و زمینها به پروردگاری اش اعتراف کننده اند،و اقرارکننده اند دیگر مخلوقات همه به توحیدش و درود خدا بر سرور تمام انسانها،و اهل بیت گرامش،درودی که دیدگانشان به آن روشن گردد،و بینی بدگویشان به خاک مالیده شود،بدگویان از جنّ و انس همگی،سلام خدای والای بزرگ،و سلام فرشتگان مقرّبش،و انبیای مرسلش،و امامان برگزیده اش و بندگان شایسته اش،و همۀ شهیدان و صدّیقان،و درودهای پاک و پاکیزه در آنچه می آید و می رود،بر تو باد ای مسلم

ص:627

بن عقیل بن ابی طالب و رحمت و برکات خدا بر تو باد،شهادت می دهم که تو نماز را بپا داشتی،و پرداختی زکات را،و امر به معروف و نهی از منکر کردی،و در راه خدا جهاد نمودی جهادی شایسته و به راه و روش مجاهدان در راه او کشته شدی،تا خدای عزّ و جل را درحالی که از تو راضی بود،ملاقات نمودی و شهادت می دهم که تو به عهد خدا وفا کردی،و جانت را در راه یاری حجّت خدا و پسر حجّت خدا دادی تا مرگ تو دررسید،شهادت می دهم برای تو،به تسلیم و وفاداری و خیرخواهی،برای یادگار نبیّ مرسل،و نوۀ برگزیده،و راهنمای عالم،و جانشین تبلیغ کننده و ستمدیده حق غارت شده،خدایا پاداشت دهد از جانب رسولش و امیر مؤمنان و حسن و حسین بهترین پاداش به خاطر آنکه صبر کردی و کارت را به حساب حق گذاشتی و کمک کردی.چه خوب است سرانجام سرای آخرت،خدا لعنت کند کسی که تو را کشت،و کسی که به کشتنت فرمان داد،و کسی که به تو ستم کرد،و کسی که بر تو دروغ بست،و حقّت را جاهل شد،و حرمتت را سبک شمرد،و خدا لعنت کند کسی را که با تو بیعت کرد،ولی به حضرتت خیانت ورزید و از یاری ات دست کشید و تو را وا گذاشت و تشویق به جنگ علیه تو داد و تو را یاری نداد،خدا را شکر که آتش را جایگاه آنان قرار داد،که برای واردان بد جایگاهی است،شهادت می دهم که تو مظلوم کشته شدی،و همانا خدا وفا کند آنچه را به شما وعده داد،من زائر و عارف به حق شما به درگاهت آمده ام،تسلیم شما و پیرو روش شمایم،یاری ام برای شما مهیّاست،تا خدا حکم کند و او

بهترین حکم کنندگان است،پس با شمایم با شما،نه با دشمن شما،درود خدا بر شما و بر ارواح و اجساد و حاضر و غائب شما،و سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد،خدا بکشد امّتی را که شما را با دستها و زبانها کشتند.

در کتاب«مزار کبیر»این متن را به منزلۀ اذن دخول قرار داده،و با گفتن آن وارد شو،و خود را به قبر بچسبان و به روایت سابقه است که به ضریح آن جناب اشاره کن و بگو:

سلام بر تو ای بندۀ شایسته فرمانبر خدا و رسولش و امیر مؤمنان و حسن و حسین(درود خدا بر آنان باد)خدا را سپاس و سلام بر بندگان برگزیدۀ خدا،محمّد و خاندانش،و سلام و رحمت و برکات و مغفرت خدا بر شما،و بر روح و بدن تو ای مسلم،شهادت می دهم که تو بر آن راهی رفتی،که بر آن راه بدریّون رفتند،آن جهادکنندگان در راه خدا و کوشش کنندگان در جهاد با دشمنان خدا و یاری اولیایش،خدا تو را بهترین پاداش و بیشترین پاداش و وافرترین پاداشی که به یکی از آنان که به بیعتش وفا کرد،و دعوتش را پاسخ گفت،و از اولیان امر اطاعت کرد،بدهد.شهادت می دهم که تو در خیرخواهی مبالغه نمودی،و نهایت کوشش را عطا کردی،تا خدا تو را در میان شهیدان برانگیخت،و روحت را با ارواح اهل سعادت قرار داد،و از بهشتهایش به تو بخشید،از نظر منزل وسیع ترینش را،و از جهت غرفه

برترینش را،و نامت را در علیّین بالا برد،و تو را با پیامبران و صدّیقان و شهیدان،و شایستگان محشور کرد،و آنان نیکو رفیقانی هستند،شهادت می دهم که تو سستی نکردی،و کندی ننمودی و بر بینایی از کارت درگذشتی،درحالی که به شایستگان اقتدا کردی،و از پیامبران متابعت نمودی،خدا بین ما و تو را و بین رسول و اولیایش در منزلهای فروتنان گرد آورد که او مهربان ترین مهربانان است.آنگاه در طرف سر دو رکعت نماز بجای آری و آن را به آن جناب هدیه کن و بگو:اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد و لا تدع لی ذنبا و این همان دعایی است که در حرم قمر بنی هاشم خوانده می شود و ذکرش بیاید و اگر خواستی حضرت مسلم را وداع کنی، همان و داعی را بخوان که در زیارت حضرت عباس علیه السّلام ذکر می شود.

زیارت هانی بن عروه(رحمه اللّه)

کنار قبر او می ایستی و به رسول خدا صلی اللّه علی و آله و سلّم سلام می کنی و می گویی:سلام خدای بزرگ،و درودهایش بر تو ای هانی بن عروه،سلام بر تو ای عبد شایسته و خیرخواه برای خدا و رسولش و امیر مؤمنان و حسن و حسین(درود خدا بر آنان باد)،شهادت می دهم که مظلوم کشته شدی خدا لعنت کند کسانی که تو را کشتند،و خونت را حلال شمردند،گورهایشان را آکنده از آتش کند،شهادت می دهم که تو خدا را ملاقات و او از تو خشنود بود،بخاطر آنچه انجام دادی و خیرخواهی که نمودی،و شهادت می دهم که تو به درجۀ شهیدان رسیدی و روحت با ارواح اهل سعادت قرار داده شد،به خاطر آنکه خیرخواهی کردی برای خدا و رسولش،درحالی که

دربارۀ خدا و خشنودی اش بذل نمودی،پس خدا تو را رحمت کند و از تو راضی شود و با محمّد و خاندان پاکش محشور فرماید،و جمع کند ما را و شما را با محمّد و خاندان محمّد در خانۀ نعمت و سلامت،و رحمت و برکات خدا بر تو باد.پس دو رکعت نماز بگذار،و آن را به روح هانی هدیه کن و به آنچه خواهی برای خود دعا کن و وداع کن و او را به آنچه مسلم را به آن وداع کردی.

فصل ششم

اشاره

در فضیلت و اعمال مسجد سهله و اعمال مسجد زید و صعصعه

[فضیلت مسجد سهله]

آگاه باش پس از مسجد کبیر کوفه،مسجدی به فضیلت مسجد سهله در آن منطقه نیست،آن محّل مبارک،خانه حضرت ادریس علیه السّلام و حضرت ابراهیم علیه السّلام و محل ورود حضرت خضر علیه السّلام و مسکن آن حضرت است.از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:به ابو بصیر فرمود:ای ابو محمّد گویا می بینم حضرت صاحب الأمر با اهل و عیالش در مسجد سهله فرود آید و منزل آن حضرت باشد و حق تعالی هیچ پیامبر نفرستاده،مگر آنکه در ان مسجد نماز گذارده و هرکه در آن مسجد اقامت نماید،چنان است که در خیمه رسول خدا صلّی اللّه و علیه و آله و سلّم اقامت کرده و هیچ مرد و زن مؤمنی نیست مگر آنکه دلش به سوی آن مسجد مایل است و در آن مسجد سنگی است که در آن صورت هر پیامبر هست و هیچکس در ان مسجد با نیّت صادقه نماز و دعا نمی کند،مگر آنکه با حاجت برآمده بر می گردد و هیچکس در آن مسجد امان نمی طلبد،مگر آنکه از هرچه می ترسد امان می یابد،گفتم این است فضیلتی که برای این مسجد است؟حضرت فرمود:زیادتر بگویم؟عرض کردم:آری فرمود:این مسجد از جمله بقعه هایی است که خدا دوست دارد او را در آنها بخوانند و هیچ شب و روزی نیست مگر آنکه فرشتگان به زیارت آن می آیند و خدا را در آن مسجد عبادت می کنند،سپس فرمود:اگر من به شما نزدیک بودم همه نمازهایم را در آن مسجد بجا می آوردم.آنگاه فرمود:ای ابا محمّد آنچه را فضیلت این مسجد،وصف نکردم،

بیش از آن است که گفتم،عرضه داشتم:فدایت شوم،حضرت قائم علیه السّلام همیشه در آن مسجد خواهد بود؟فرمود:آری...تا آخر خبر

[اعمال مسجد سهله]

اعمال مسجد سهله:دو رکعت نماز بین شام و خفتن مستحب است.

از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:هر غمناکی چنین کند و دعا نماید،حق تعالی غمش را برطرف کند و از بعض کتب مزاریه نقل شده:که چون خواستی وارد مسجد شوی،نزد درگاه بایست و بگو:

به نام خدا و به خدا و از خدا،و به سوی خدا و آنچه خدا خواست،و بهترین نامها از آن خداست،بر خدا توکل کردم و جنبش و نیرویی نیست مگر به خدای والای بزرگ.خدایا مرا از آبادکنندگان مساجد و خانه هایت قرار ده.خدایا من به وسیلۀ محمّد و خاندان محمّد به تو رو می کنم و آنان را پیشاپیش حوایجم پیش می اندازم خدایا به حق آنان مرا در پیشگاهت آبرومند دنیا و آخرت و از مقرّبان قرار ده.خدایا به حق آنان قرار ده نمازم را پذیرفته و گناهم را آمرزیده و روزی ام را گسترده،و دعایم را مستجاب،و حاجاتم را برآورده ساز،و به حق ذاتت به من نظر کن نظری رحیمانه،که به سبب آن در پیشگاهت مستحق کرامت شوم،سپس آن نظر را هیچگاه از من باز نگردان،ای مهربان ترین مهربانان،ای زیروروکننده دلها و دیده ها،دلم را بر دینت و دین پیامبرت و ولیّ ات پابرجا کن،و قلبم را پس از این که هدایتم نمودی منحرف مساز،و از نزد خویش به من رحمتی ببخش،که تو بسیار بخشنده ای.خدایا به جانب تو رو کردم و خشنودی ات را طلبیدم،و پاداشت را جستم،و به تو ایمان آوردم و بر تو توکّل کردم.خدایا رویت را

به سويم كن،و رويم را به جانبت قرار ده.سپس(ايد الكرسى)و سوره(فلق)و سورۀ(ناس)را بخوان و خدا را هفت مرتبه تسبيح و هفت مرتبه حمد و هفت مرتبه تهليل و هفت مرتبه تكبير بگو يعنى هريک از سبحان اللّه و الحمد للّه و لا اله الاّ اللّه و اللّه اكبر را هفت مرتبه بگو و بخوان:

خدايا تو را سپاس بر اينكه مرا هدايت كردى،و تو را سپاس بر اينكه به من برترى دادى،و تو را سپاس بر اينكه به من شرافت بخشيدى،و تو را سپاس بر هر پيش آمد نيكويى كه مرا با آن آزمودى.خدايا نماز و دعايم را بپذير،و دلم را پاک كن و سينه ام را بازگردان،و توبه ام را بپذير كه تو بسيار توبه پذير مهربانى.

سيد ابن طاووس رحمه اللّه عليه فرموده:چون اراده كردى به مسجد سهله بروى،در شب چهارشنبه بين مغرب و عشا وارد آن مسجد شو.كه فضيلت آن از اوقات ديگر بيشتر است همين كه وارد مسجد شدى نماز مغرب و نافلۀ آن را بجا آور،آنگاه دو ركعت نماز تحيّت مسجد قربه الى اللّه بخوان،چون فارغ شدى دستها را به جانب آسمان بلند كن و بگو:

تويى خدا،معبودى جز تو نيست،آغازكنندۀ خلق و بازگردانندۀ آنهايى و تويى خدا،معبودى جز تو نيست آفرينندۀ خلق و روزى دهندۀ آنانى،و تويى خدا،معبودى جز تو نيست،گيرنده و گسترنده اى7و تويى خدا،معبودى جز تو نيست،تدبيركنندۀ امورى،و برانگيزانندۀ كسانى كه در گورهايند،تويى وارث زمين و هركه روى آن است از تو درخواست مى كنم به حق نام محفوظ و مستور و زنده و پاينده ات،و تويى خدا،معبودى جز تو نيست،داناى پنهان و پنهان ترى.از تو درخواست مى كنم به حق نامت كه چون به آن خوانده شوى اجابت كنى،و هرگاه به آن درخواست شوى عطا نمايى

و از تو درخواست می کنم به حقّت بر محمّد و اهل بیتش،و به حق آنان که آن را بر خود واجب نموده ای،اینکه بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و در همین ساعت و همین ساعت حاجتم را برآوری،ای شنوندۀ دعا ای آقای من،ای مولای من،ای فریادرس من،از تو درخواست می کنم به هر نامی که خودت را به آن نام نامیدی،یا در علم غیب نزد خود آن نام را تنها برای خود برگزیدی،اینکه بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و در گشایش کار ما در همین ساعت شتاب نمایی،ای زیروروکنندۀ دلها و دیده ها،ای شنوندۀ دعا.سپس به سجده برو و خشوع کن،و خدا را به جهت هرچه خواهی بخوان پس از ان دو رکعت نماز در گوشه ای که طرف مغرب و شمال است بخوان،که آن محل خانۀ حضرت ابراهیم علیه السّلام است و از آنجا به جنگ«عمالقه»رفت،چون از نماز و تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام فارغ شدی چنین بگو:

خدایا به حق این بقعه شریف،و به حق کسانی که تو را در آن عبادت کردند،به یقین حوائجم را دانسته ای پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و آنها را برآور،و گناهانم را شمرده ای،پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و آنها را بیامرز.خدایا زنده ام بدار تا وقتی که زنده بودن برایم خیر است،و بمیران آن هنگام که مردن برایم خیر باشد براساس دوستی با دوستانت،و دشمنی با دشمنانت،و با من آن کن که شایستۀ آنی،ای ای مهربان ترین مهربانان

پس در گوشه ای دیگر که سمت مغرب و قبله است دو رکعت نماز بگذار،و دستها را بردار و بگو:

خدایا من این نماز را خواندم برای جستن خشنودی ات و طلب عطایت،و امید کمک و

و هدایایت،پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و به نیکو پذیرفتن از من بپذیر و به رحمتت مرا به آرزویم برسان و با من آن کن که شایستهٔ آنی.ای مهربان ترین مهربانان.سپس به سجده برو،و دو طرف صورت خویش را به خاک بگذار،انگاه به گوشه ای که بر طرف مشرق است برو،و در آنجا دو رکعت نماز بخوان و دستهایت را بگشا و بگو:خدایا اگر گناهان و خطاها مرا نزد تو بی آبرو ساخته و در اثر آن نگذاشتی ناله ام به سویت بلند شود،و دعایم را مستجاب نکردی،از تو درخواست می کنم ای خدایی که احدی همانندت نیست،و به محمّد و خاندان محمّد به تو توسل می جویم،و از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و با روی کریمانه ات به من روی آوری،و رویم را به سویت بگردانی،و هنگامی که تو را می خوانم نا امیدم نسازی و وقتی به تو امید می بندم محرومم نکنی،ای مهربان ترین مهربانان.مؤلف گوید:از بعض کتب مزاریه[مربوط به زیارت]غیر معروفه نقل شده:که پس از آن می روی به گوشه ی دیگر که در جانب مشرق قرار گرفته،و در آنجا دو رکعت نماز می خوانی و میگویی:خدایا از تو درخواست می کنم به حق نامت که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی، و قرار دهی بهترین زمان عمرم را پایانش،و بهترین اعمالم را سرانجامش،و بهترین ایّامم را روزی که تو را در آن ملاقات می کنم تو بر هر چیز توانایی.خدایا دعایم را بپذیر،و رازم را بشنو،ای والا،ای بزرگ، ای توانا،ای چیره،ای زنده ای که هرگز نمی میرد،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و گناهانی را که میان من و توست

بیامرز،و در حضور مردم رسوایم مکن،و به دیده ات که هرگز نمی خوابد نگهبانی ام فرما،و با قدرتت به من رحم کن،ای مهربان ترین مهربانان،و درود خدا بر آقای ما محمّد و اهل بیت پاکش ای پروردگار جهانیان.پس از آن دو رکعت نماز در خانه ای که میان مسجد است بجا می آوری و می گویی:

ای آنکه به من از رگ گردن نزدیک تر است،ای که انجام دهنده است،آنچه را که می خواهد،ای که پرده می شود میان انسان و دلش،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و پرده شو میان ما و کسانی که ما را آزار می دهند،به حول و نیرویت ای کفایت کننده از هر چیز که کفایت نمی کند از تو چیزی،مهم ترین کارهای دنیا و آخرت ما را کفایت کن،ای مهربان ترین مهربانان.

سپس دو طرف صورت خود را بر خاک بگذار.مؤلّف گوید:این مکان شریف در این زمان معروف به مقام امام زین العابدین علیه السّلام است و در کتاب«مزار قدیم»نقل کرده:بعد از دو رکعت نماز در این مقام بخواند دعای:اللّهمّ انّی اسالک یا من لا تراه العیون را و این دعا در اعمال دکّۀ باب امیر مؤمنّان علیه السّلام در مسجد کوفه ذکر شد،به آنجا[صفحۀ 621] رجوع شود و در نزدیک همین مکان بقعه ای است معروف به مقام مهدی علیه السّلام زیارت آن حضرت در آن محل شریف مناسب است و از بعض کتب مزاریه نقل شده که شایسته است آن حضرت را در حال ایستاده،به زیارت سلام اللّه الکامل التّامّ زیارت کنند،و این همان استغاثه ای است که ما در فصل هفتم از باب اوّل[صفحۀ 195]از کتاب«کلم طیّب»نقل کردیم،و تکرارش را مناسب نمی دانیم.سیّد ابن طاووس آن را بعد از دو رکعت نماز یکی از زیارات سرداب مقدّس بر شمرده است.

[اعمال مسجد زید]

ذکر نماز و دعا در مسجد زید:سپس به مسجد زد می روی که نزدیک سهله است،و در آن دو رکعت نماز می گذاری،و دستها را می گشایی و می گویی:

ص:636

معبودم این بندۀ خطاکار گنهکار دستهایش را به جانب تو دراز کرده،به خاطر خوش گمانی اش به تو،معبودم این بدکار در برابرت نشسته درحالی که به بدی عملش اقرار دارد،و چشم پوشی از لغزشش را از تو امیدوار است،معبودم این بنده ستمکار دو دستش را به سوی تو برداشته به امید آنچه پیش توست،به حق رحمتت او را از فضلت ناامید مکن،معبودم،بازگشت کننده به سوی گناهان در برابرت زانو زده،درحالی که ترسناک از روزی است که خلایق در آن روز در برابرت زانو می زنند،معبودم بندۀ خطاکار به محضرت آمده،بی تاب و بیمناک،حذرکنان و امیدوار گوشه چشمش را به تو دوخته،و آمرزش خواه و پشیمان اشکش جاری شده،سوگند به عزّت و جلالت،من با نافرمانی کردنم قصد مخالفت با تو را نداشتم،و گناه نکردم آن زمانی که گناه کردم درحالی که نسبت به تو نادان بودم و نه بخاطر اینکه متعرّض کیفرت کردم،و نه اینکه نظرت را سبک شمارنده بوده باشم،بلکه نفس همه اینها را برایم بیاراست،و شقاوتم بر انجام آنها مرا یاری کرد،و آبروداری ات نسبت به من مغرورم ساخت،پس الان چه کسی مرا از عذابت نجات می دهد،و به ریسمان چه کسی جنگ زنم،اگر ریسمانت را از من قطع کنی،پس ای وای فردای قیامت از رسوایی هنگام ایستادن در برابرت،وقتی به سبکباران گفته شود بگذرید،و به سنگین باران امر شود به آتش فروریزید،آیا با سبکباران خواهم گذشت،یا با سنگین باران فرو خواهم،ریخت؟،وای بر من هرچه سنّم بیشتر شد گناهانم زیاد شد،وای بر من،هرچه عمرم طولانی شد،نافرمانی ام فزونی یافت،چقدر توبه کنم،چه اندازه برگردم؟آیا مرا وقت آن نرسیده،که از پروردگارم حیا کنم،خدایا به حق محمّد و خاندان محمّد مرا بیامرز و به من رحم کن،ای مهربان ترین مهربانان

ص:637

و بهترین آمرزندگان.سپس گریه کن و صورت به خاک بگذار و بگو:رحم کن به کسی که بد کرده و مرتکب گناه شده و درمانده شده و به اعتراف برخاسته.پس از آن طرف راست صورت خود را به خاک بگذار و بگو:

اگر من بد بنده ای بودم،تو خوب پروردگاری هستی.بعد طرف چپ را به خاک بگذار و بگو:

گناه از بنده ات بزرگ بشد،پس گذشت از تو نیکو باشد ای کریم.

آنگاه به حال سجده برگرد و صد مرتبه بگو العفو:[از من درگذر].

[فضیلت مسجد زید و صعصعه و ذکر اعمال مسجد صعصعه]

مؤلّف گوید:این مسجد از مساجد شریف کوفه است،و منسوب به زید بن صوحان می باشد،که از بزرگان اصحاب امیر مؤمنان علیه السّلام و از ابدال به شمار می رفته،و در جنگ جمل در یاری حضرت شهید شد و دعایی که در چند سطر قبل ذکر شد دعالی او بوده که در نماز شب می خوانده و در نزدیکی مسجد او مسجد برادرش صعصعه بن صوحان است که او نیز از اصحاب امیر مؤمنان علیه السّلام و از عارفان به حق آن حضرت است،و از بزرگان اهل ایمان است و آن قدر فصیح و بلیغ بوده که امیر مؤمنان او را خطیب شحشح[روان در گفتار سخنرانی] گفته و به مهارت در سخنرانیها و فصاحت در زبان از او تعریف کرده و هم او را به قلّت مؤونه[قانع و بی نیاز از مردم]،و کثرت معونه[یاری دهنده به مردم در حدّ زیاد]مدح فرموده و در شبی که امیر مؤمنان علیه السّلام از دنیا رفت و فرزندان آن حضرت جنازۀ نازنینش را از کوفه به نجف حمل کردند،صعصعه از جمله مشایعت کنندگان جنازۀ آن جناب بود و چون اهل بیت از کار دفن امام فارغ شدند،صعصعه کنار قبر مقدّس ایستاد و مشتی از خاک قبر بر گرفت و بر سر خود ریخت و گفت:پدر و مادرم فدایت ای امیر مؤمنان علیه السّلام گوارا باد تو را کرامتهای خدا ای ابو الحسن،به راستی زادگاه تو پاکیزه و صبر تو نیرومند و جهادت بزرگ بود و به آنچه آرزو داشتی رسیدی و تجارت سودمندی کردی و به نزد پروردگار خود رفتی،و از این نوع کلمات بسیار گفت و به سختی گریست و دیگران را به گریه وا داشت و در حقیقت کنار قبر آن حضرت در ان دل شب مجلس روضه برقرار شد و صعصعه به منزلۀ روضه خوان بود،و مستمعین او جناب امام حسن و امام حسین علیهما السّلام و محمّد حنفیه

و قمر بنی هاشم و سایر فرزندان و بستگان آن حضرت بودند و چون این کلمات به پایان رسید،رو به جانب امام حسن و امام حسین علیهم السّلام و سایر آقازادگان کرد و ایشان را تعزیت و تسلیت گفت،سپس همگی به کوفه بازگشتند،در هر صورت مسجد صعصعه از مساجد شریف کوفه است و جماعتی امام زمان(صلوات اللّه علیه)را در ماه رجب،در آن مسجد مبارک مشاهده کرده اند،که دو رکعت نماز بجا آورده و این دعا را خوانده است:«اللّهمّ یا ذا المنن السّابغه و الالاء الوازعه...» و ظاهر عمل آن حضرت نشان می دهد که این دعا مخصوص این مسجد شریف و از اعمال آن است،نظیر دعاهای مسجد سهله و زید،اما چون در ماه رجب بوده است این دعا را خوانده اند و احتمال داده شده که شاید این دعا از دعاهای ایام رجب باشد،بنابراین در کتب علما در اعمال ماه رجب ذکر شده و ما نیز چون این دعا را در اعمال ماه رجب ذکر کرده بودیم به همان جمله اکتفا کردیم و به تکرارش نپرداختیم،هرکه بخواهد می تواند مراجعه کند ان شاء اللّه تعالی.

[فصل هفتم در بیان فضیلت،آداب و کیفیت زیارت ابا عبد الله الحسین علیه السلام]

اشاره

فصل هفتم در فضیلت زیارت حضرت ابی عبد اللّه الحسین علیه السّلام و آدابی که زائر آن جنابر باید در راه زیارت و در آن حرم مطهر رعایت کند و کیفیت زیارت آن حضرت و آن در صه مقصد است:

مقصد اول:در فضیلت زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام

بدان که فضیلت زیارت امام حسین علیه السّلام از دایرۀ بیان بیرون است و در روایات بسیاری وارد شده که معادل حجّ عمره و جهاد و بلکه به مراتب بالاتر و افضل است و باعث مغفرت و سبکی حساب و بالا رفتن درجات و اجابت دعاها گشته و موجب طول عمر و حفظ بدن و مال و زیاد شدن روزی و برآمدن حاجات و برطرف شدن غصّه ها و گرفتاریهاست و ترک آن سبب نقصان دین و ایمان و ترک حقّ بزرگی از حقوق پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم است و دست کم ثوابی که نصیب زائر آن قبر شریف می شود،این است که گناهانش آمرزیده شده و حق تعالی جان و مالش را حفظ کند،تا او را به اهلش

بازگرداند و چون روز قیامت شود،خدا او را حافظتر از دنیا خواهد بود و در روایت بسیاری آمده:زیارت آن حضرت غم را زایل و شدّت جان دادن و هراس قبر را برطرف می کند و هر مالی که در راه زیارت آن حضرت خرج شود،هر درهمی برای او به هزار درهم،بلکه به ده هزار درهم حساب می شود،و چون به طرف قبر آن حضرت رود،چهار هزار فرشته از او استقبال کنند و چون بازگردد،او را مشایعت می کنند.پیامبران و اوصیای آنها و امامان معصوم و ملائکه سلام اللّه علیهم اجمعین به زیارت آن حضرت می آیند و برای زائران آن حضرت دعا می کنند و ایشان را بشارتهای می دهند و حضرت حق به جانب زائران آن حضرت،پیش از نظر به اهل عرفات نظر می فرماید و هرکسی در روز قیامت آرزو می کند،ای کاش زائر آن حضرت بود،بخاطر بسیاری کرامت و بزرگواری زائران آن جناب که در آن روز مشاهده می کند،روایات در این باب بی اندازه است و ما در ضمن زیارات مخصوصه[صفحه 680]اشاره به بخشی از فضیلت زیارت آن حضرت خواهیم کرد در این قسمت فقط اکتفا به ذکر یک روایت می کنیم:

ابن قولویه و کلینی و سیّد ابن طاووس و دیگران به سندهای معتبر از ثقۀ جلیل القدر معاویه بن وهب بجلّی کوفی،روایت کرده اند که گفته:زمانی خدمت امام صادق علیه السّلام رفتم،آن حضرت را در مصلاّی خویش مشغول نماز دیدم،صبر کردم تا نمازش به پایان رسید،پس از آن شنیدم با پروردگار خود مناجات می کرد و می گفت:ای خدایی که ما را به کرامت مخصوص کردی و به ما وعدۀ شفاعت دادی و علوم رسالت را به ما عنایت کردی و ما را وارث انبیا قرار دادی،و امّتهای گذشته را به ما ختم فرموده و ما را به وصیّت پیامبر اختصاص داده و علم گذشته و آینده را به ما عطا فرموده و دلهای مردم را به جانب ما میل داده ای اغفر لی و لاخوانی و زوّار قبر ابی الحسین بن علیّ صلوات اللّه علیهما آنان که اموال خود را خرج کرده اند و بدنهای خود را از شهرها بیرون آورده اند،به خاطر رغبت در نیکی ما و امید به ثوابهای تو،در امر صله به ما و برای شاد نمودن پیامبرت و اجابت کردن امر ما و به علّت خشمی که بر دشمنان وارد کرده اند و قصد ایشان از این عمل خشنودی توست،پس ایشان را از جانب ما به خشنودی جزا ده،و شب و روز آنها را حفظ کن و در اهل و اولادشان که در وطن گذاشته اند خلیفۀ آنان باش به خلافت نیکو،و رفیق ایشان باش و شرّ هر جبّار معاند و هر ضعیف و شدید از

آفریدگانت و شرّ شیاطین جن و انس را از آنان دفع فرما،و به ایشان زیاده از آنچه از تو امید دارند عنایت کن،امید به تو در دور شدن از وطنهایشان،و اختیار کردنشان ما را،بر فرزندان و اهالی و خویشان خود.خدایا دشمنان،بیرون آمدن آنان را به زیارت ما عیب گرفتند،و این مخالفت دشمنان مانع ایشان از قصد و بیرون آمدن بسوی ما نشد، پس رحم کن آن صورتها را که آفتاب تغییر داده و رحم کن گونه های آنان را که بر قبر امام حسین علیه السلام می گردانند.

و رحم کن آن دیده ها را که برای دلسوزی بر ما اشکشان جاری شد و رحم کن آن دلها را که زاری کردند،و سوختند برای مصیبت ما، و رحم کن آن صداها را که در مصیبت ما بلند کرده اند.خدایا آن جانها و بدنها را به تو می سپارم،تا آنها را از حوض کوثر در روز تشنگی سیراب کنی و پیوسته آن حضرت به این صورت در سجده دعا می کرد،چون فارغ شدی،عرضه داشتم،این دعایی که من از شما شنیدم،اگر در حق کسی می کردید که خدا را نمی شناخت،گمان داشتم هرگز آتش دوزخ به او نرسد،و اللّه آرزو کردم که آن حضرت را زیارت کرده بودم و حجّ انجام نداده بودم!!امام فرمود:تو چه بسیار نزدیکی به آن حضرت تو را از زیارت چه چیز مانع است؟معاویه ترک زیارت مکن،گفتم:فدایت شوم،نمی دانستم این اندازه فضیلت دارد،فرمود:ای معاویه،آنها که در آسمان برای زیارت کنندگان آن حضرت دعا می کنند،زیاده از آنهایند که در زمین دعا می کنند،زیارت آن حضرت را برای ترس از احدی ترک مکن،که هرکس به خاطر ترس،ترک زیارت کند آن قدر حسرت میبرد،که آرزو می کند ای کاش به اندازه ای نزد قبر آن حضرت می ماندم که در آنجا دفن می شدم!آیا دوست نداری خدا تو را در میان آنهایی که رسول خدا و علی و فاطمه و امامان معصوم علیهم السّلام بر آنها دعا می کنند؟ببیند آیا نمی خواهی از آنها باشی که ملائکه در قیامت با آنان مصافحه می کنند؟آیا نمی خواهی از آنها باشی که در قیامت وارد شوند و هیچ گناهی بر آنها نباشد؟آیا نمی خواهی از آنها باشی که در قیامت رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم با آنان مصافحه می کند؟!

مقصد دوم:در آدابی است که زائر حضرت

اشاره

سیّدالشّهدا علیه السّلام باید آنها را در راه زیارت و در آن حرم مطهر مراعات کند

و آن چند چیز است:

[اوّل:پیش از آنکه از خانه بیرون رود،سه روز روزه بدارد و روز سوم غسل کند]

اوّل:پیش از آنکه از خانه بیرون رود،سه روز روزه بدارد و روز سوم غسل کند،چنان که امام صادق علیه السّلام به صفوان دستور العمل دادند و در ذکر زیارت هفتم [صفحه 664]خواهد آمد و شیخ محمّد بن مشهدی در مقدمات زیارت«عیدین»ذکر فرموده که چون زیارت آن حضرت را اراده کنی،سه روز روزه بدار و روز سوم غسل کن و اهل و عیال خود را نزد خود جمع کن و بگو:

خدایا من امروز به تو می سپارم خودم و خاندانم و مال و فرزندم،و هرکه را به شکلی از من بوده،حاضرشان و غیبشان را.خدایا نگهدار ما را با نگهداری ات،به نگهداری ایمان و بر ما حافظ باش.خدایا ما را در پناهت قرار ده،و نعمتت را از ما مگیر،و آنچه ما راست از نعمت و سلامت کامل تغییر مده،و از فضلت بر ما بیفزا،که ما مشتاق به سوی توایم.آنگاه از منزل خود با حال خشوع بیرون رو و بسیار بگو:لا اله الاّ اللّه و اللّه اکبر و الحمد للّهو ثنای خدا بر زبان جاری کن و بر پیامبر و آلش صلّی اللّه علیه و آله و سلّم صلوات فرست و به آرامی و وقار حرکت کن،روایت شده:خدا از عرق زائر امام حسین علیه السّلام از هر قطره ای هفتاد هزار فرشته خلق می کند،که خدای تعالی را تسبیح می کنند و از خدا آمرزش می خواهند برای او و زائران آن حضرت تا روز قیامت برپا شود.

[دوم:آن حضرت را محزون و غمناک و ژولیده مو و غبارآلود و گرسنه و تشنه زیارت کند]

دوم:از حضرت امام صادق علیه السّلام نقل شده چون به زیارت امام حسین علیه السّلام بروی،آن حضرت را محزون و غمناک و ژولیده مو و غبارآلود و گرسنه و تشنه زیارت کن که آن جناب با این احوال شهید شد و حاجات خود را بخواه و از کربلا بازگرد،و آن را وطن خود قرار مده.

[سوم:توشۀ خود را از غذاهای لذیذ قرار ندهد]

سوم:زائر در سفر زیارت آن حضرت توشۀ خود را از غذاهای لذیذ مانند بریانی و حلواجات قرار ندهد،بلکه خوارکش را نان با شیر یا ماست تهیّه ببیند.

ص:642

از امام صادق علیه السّلام روایت شده که فرمود:شنیدم جماعتی به زیارت امام حسین علیه السّلام می روند،و با خود سفره هایی برمی دارند که در آنها بزغاله های بریان و حلواجات هست،اگر به زیارت قبر پدران یا دوستان خود بروند قطعا این خوراکیها را با خود برنمی دارند.در حدیث معتبر دیگری نقل شده است که امام صادق علیه السّلام به مفضل بن عمر فرمود:زیارت کنید امام حسین علیه السّلام را بهتر از آن است که زیارت نکنید،و زیارت نکنید بهتر از آن است که زیارت کنید،مفّضل عرضه داشت:پشتم را شکستی!فرمود:و اللّه اگر به زیارت قبر پدران خود بروید،اندوهگین و غمناک می روید،و به زیارت آن حضرت که می روید سفره ها با خود برمی دارید،درحالی که باید ژولیده مو و گردآلود بروید.

مولّف گوید:پس برای اغنیا و تجّار چه اندازه شایسته است،که این مطلب را در این سفر ملاحظه کنند و هرگاه در شهرهایی که تا کربلا بین راه ایشان است،عدّه ای از دوستانشان ایشان را دعوت و میهمانی می کنند و در زمان حرکت سفره های آنان را از پخته های لذیذ،و مرغ بریان و سایر غذاها پر می کنند،نپذیرند و بگویند:ما مسافر کربلا هستیم،و برای ما تغذیه به این غذاها شایسته نیست.شیخ کلینی روایت کرده:بعد از شهادت حضرت سیّدالشّهدا علیه السّلام همسر کلبیّه آن حضرت اقامۀ عزا نمود،گریست و سایر زنها و خدمتکاران گریستند،تا حدی که اشکهای آنها خشک شد،از جایی برای آن مخدّره«جونی»هدیه فرستادند،که معنی آن را مرغ قطا گفته اند،این هدیه برای این بود که از خوردن آن در گریستن بر امام حسین علیه السّلام قوّت بگیرند،چون آن بانوی محترمه آن را دید پرسید چیست؟گفتند:

هدیه ای است که فلانی برای شما فرستاده،تا در ماتم امام حسین علیه السّلام به آن استعانت بجویید،فرمود:«ما که در جشن عروسی نیستیم،ما را چه به این خوراک؟»پس دستور داد تا آن را از خانه بیرون بردند.

[چهارم:در حین سفر تواضع و فروتنی و خشوع داشته باشد و راه رفتنش همانند بندۀ ذلیل باشد]

چهارم:از مسائلی که در سفر زیارت امام حسین علیه السّلام مستحب است،تواضع و فروتنی و خشوع و راه رفتن همانند بندۀ ذلیل است،پس کسانی که در راه زیارت آن حضرت،بر این مرکبهای جدید سوار می شوند،باید خیلی متوجه خود باشند،که بر سایر زائران و بندگان خدا،که به

سختی و مشقّت به کربلا می روند،بزرگی ننمایند و تکبّر نورزند و آنان را زه چشم حقارت نبینند.علما در احوال اصحاب کهف نقل کرده اند که آنها از خاصان دقیانوس و به منزله و زاری او بودند

ص:643

وقتی حق تعالی رحمت خود را شامل حال آنها فرمود،و به فکر خداپرستی و اصلاح کار خود برآمدند،مصلحت خویش را در این دیدند،که از مردم کناره گیرند،و در غاری پناه گرفته به عبادت حق مشغول شوند،به این خاطر سوار بر اسبها شده، از شهر بیرون آمدند،همین که سه میل راه رفتند،تملیخا که یکی از آنان بود گفت:«برادران این راه،راه آخرت است و باید به صورت نداری و مسکنت رفت،و ملک و ریاست دنیا را کنار گذاشت،اکنون از اسبها پیاده شوید،و با پای پیاده به درگاه حق روید،شاید خدا به شما رحم کند،و در کار شما گشایشی نصیب شما فرماید،همگی از اسبها خود پیاده شدند،و آن افراد محترم و معظّم در آن روز،هفت فرسخ با پای پیاده راه رفتند،تا پاهایشان مجروح و خون چکان شد! پس زائران قبر مطهر امام حسین علیه السّلام این واقعیت را در نظر داشته باشند،و بدانند شخص در این راه هرچه برای خدا تواضع کند،باعث رفعت مقام او خواهد شد،بنابراین در آداب زیارت آن جناب از امام صادق علیه السّلام روایت شده:هرکه پیاده به زیارت قبر امام حسین علیه السّلام برود،حق تعالی برای او به عدد هر گام هزار حسنه می نویسد،و هزار گناه را از او محو می کند،و برای او هزار درجه در بهشت بلند می کند،چون به شطّ فرات رسیدی غسل کن و پایت را برهنه نما،و کفشهای خود را در دست گیر،و راه برو همانند راه رفتن بنده ای خوار.

[پنجم:اگر در بین راه زائر پیاده ای را دید،که وامانده و خسته شده،او را یاری دهد]

پنجم:اگر در بین راه زائر پیاده ای را دید،که وامانده و خسته شده،و از او کمک خواست تا تواند در کار او اهتمام ورزد و او را به منزل رساند،و مبادا که او را سبک شمارد،و به او بی اعتنایی کند.شیخ کلینی به سند معتبر از ابو هارون روایت کرده:من در خدمت امام صادق علیه السّلام بودم،به جمعیتی که نزد ایشان بودند فرمود:شما را چه شده که به ما استخفاف می نمایید؟از میان آنها مردی از اهل خراسان برخاست و گفت:پناه می بریم به خدا از این که ما به شما یا به چیزی از امر شما استخفاف کنیم و آن را کوچک شماریم،فرمود:آری تو خودت یکی از آنانی هستی،که سبک شمردی و خوار کردی مرا !آن مرد گفت:به خدا پناه می برم که من شما را خوار کرده باشم.فرمود:وای بر تو،وقتی که نزدیک به جحفه بودیم،آیا نشنیدی که فلان کس به تو گفت:مرا به اندازه یک میل راه سوار کن،به خدا سوگند من از پیمودن راه خسته شدم،به خدا قسم تو سر به سوی او

بلند نکردی،و او را سبک شمردی،و هرکه مؤمنی را خوار کند ما را خوار کرده،و

ص:644

حرمت ما را تباه کرده است!!مؤلف گوید:ما در فصول گذشته در آداب زیارت،در ادب نهم کلامی با روایتی از علی بن یقطین که مناسب با این مقام است ذکر کردیم،به آنجا رجوع کن،که در آن روایت موعظۀ نیکویی است و این ادب که در اینجا ذکر شد،اختصاص به زائران امام حسین علیه السّلام ندارد،ولی چون این مطلب در راه زیارت آن حضرت بسیار اتفاق می افتد،به این خاطر آن را در اینجا ذکر کردیم.

[ششم:به این روایت امام باقر علیه السلام عمل کند...]

ششم:از ثقۀ جلیل القدر محمّد بن مسلم روایت شده است که به حضرت باقر علیه السّلام عرض کرد:ما زمانی که به زیارت پدرتان حسین بن علی علیه السّلام می رویم آیا چنین است که در حج خانه خداییم؟ فرمود:آری،عرضه داشت:پس آنچه بر حاجیان لازم است بر ما لازم است؟ فرمود:بر تو لازم است با هرکه رفیق توست نیکو مصاحبت کنی،و بر تو لازم است که کم سخن بگویی،مگر سخن خیر،و بر تو لازم است که بسیار یاد خدا کنی و لازم است که جامه هایت پاکیزه باشد،و پیش از آنکه داخل حایر شوی غسل کنی،و لازم است که با خشوع و رقّت باشی و نماز بسیار بخوانی و بر محمّد و آل محمّد صلوات بسیار فرستی،و باید خود را از چیزهایی که سزاوار تو نیست حفظ کنی،و دیده ات را از حرام و شبهه بپوشانی،و به برادران مؤمن پریشان خود احسان کنی،و اگر کسی را ببینی که خرجی اش تمام شده از او دستگیری کرده،و خرجی خود را بین او و خود به طور برابر قسمت کنی و تقیّه بر تو لازم است که قوام دین تو به آن است،و همچنین پرهیز از اموری که خدا از آنها نهی فرموده و خصومت و بسیار قسم خوردن و مجادله و منازعه ای که در آن سوگند باشد ترک کنی،چون چنین رفتار کنی به اندازه ثواب حج و عمره برای تو تمام می شود و از جانب کسی که به مال خرج کردن،و از اهل خود دور افتادن طلب ثواب او کرده ای،مستوجب می شوی به اینکه به آمرزش گناهان و رحمت و خشنودی خدا به وطن بازگردی.

[هفتم:تا در کربلا اقامت دارد به خود روغن نمالد،و به چشم سرمه مکشد،و گوشت مخورد]

هفتم:در روایت ابو حمزه ثمالی(رضوان اللّه علیه)،از امام صادق علیه السّلام باب زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام نقل شده:

چون به نینوا رسیدی بارهای خود را در آنجا بگذار،و به خود روغن ممال،و به چشم سرمه مکش،و گوشت مخور،البته تا زمانی که در آنجا اقامت داری.

[هشتم:غسل کردن با آب فرات]

هشتم:غسل کردن با آب فرات است،که روایات در فضیلت آن بسیار وارد شده،در حدیثی از امام صادق علیه السّلام

نقل شده:هرکه به آب فرات غسل کند و قبر امام حسین علیه السّلام را زیارت کند،از گناهان خالی شود،همانند روزی که از مادر متولد شده اگرچه گناهانش از گناهان کبیره بوده باشد و روایت شده:خدمت آن حضرت عرض شد،که بسا شود که ما به زیارت قبر امام حسین علیه السّلام برویم و غسل زیارت به سبب سروری هوا یا غیر آن بر ما دشوار باشد،فرمود:هرکه در فرات غسل کند و حضرت حسین علیه السّلام را زیارت نماید،آن قدر از فضیلت برای او نوشته شود که به شماره درنیاید.از بشیر دهّان روایت شده:امام صادق علیه السّلام فرمود:هرکه به زیارت قبر حسین بن علی علیه السّلام برود،پس وضو بگیرد و در فرات غسل کند،قدمی بر ندارد و قدمی نگذارد مگر آنکه حق تعالی برای او حجّ و عمره بنویسد و در بعضی از روایات آمده:غسل کن از فرات،از جایی که برابر قبر آن حضرت واقع شود و چنان که از بعضی روایات استفاده می شود خوب است چون به فرات برسد صد مرتبه اللّه اکبر و صد مرتبه لا اله الاّ اللّه و صد مرتبه صلوات بر پیامبر و آل آن حضرت فرستد.

[نهم:هنگام ورود به حایر مقدس از دری که در جانب مشرق قرار دارد وارد شود]

نهم:چون خواستی وارد حایر مقدّس شوی،از دری که در جانب مشرق قرار دارد وارد شو،چنان که امام صادق علیه السّلام به یوسف کنّاسی فرمودند.

[دهم:بر در روضه بایستد و این کلمات را بخواند...]

دهم:در روایت ابن قولویه آمده:امام صادق علیه السلام به مفضل بن عمر فرمود:ای مفضّل چون به قبر امام حسین علیه السّلام رسیدی بر در روضه بایست و این کلمات را بخوان که تو را به هر کلمه نصیبی از رحمت الهی خواهد بود:

سلام بر تو ای وارث آدم برگزیدۀ خدا،سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا،سلام بر تو ای وارث موسی همسخن خدا،سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا،سلام بر تو ای وارث محمّد حبیب خدا،سلام بر تو ای وارث علی،جانشین رسول خدا،سلام بر تو ای وارث حسن آن پیشوای پسندیده،سلام بر تو ای وارث فاطمه دختر رسول خدا،سلام بر تو ای شهید صدّیق،سلام بر تو ای جانشین نیکوکار با تقوا،سلام بر ارواحی که به

آستانت فرود آمدند،و به درگاهت بار انداختند،سلام بر فرشتگان خدا که گرداگرد تواند،شهادت می دهم که تو نماز برپاداشتی،و زکات پرداختی،و امر به معروف و نهی از منکر نمودی و خدا را خالصانه عبادت کردی،تا مرگ تو را دررسید،سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد.سپس به سوی قبر روانه می شوی،و به هر گامی که بر می داری یا می گذاری،همانند ثواب کسی را داری که در راه خدا در خون خود دست و پا زده باشد چون نزدیک قبر رسیدی به قبر دست بمال و بگو:سلام بر تو ای حجّت خدا در زمین و آسمانش.پس از آن از قبر فاصله گرفته متوجه نماز می شوی،و به هر رکعت که نزد آن حضرت بجا می آوری همانند ثواب کسی را داری،که هزار مرتبه حج و عمره انجام داده و هزار بنده آزاد کرده و هزار مرتبه همراه پیامبر مرسل،برای خدا به جهاد برخاسته باشد.

[یازدهم:این تسبیحهایی را که از امام صادق علیه السلام روایت شده است را بخواند...]

یازدهم:از ابو سعید مدائنی نقل شده:خدمت امام صادق علیه السّلام مشرّف شده،پرسیدم:به زیارت قبر امام حسین علیه السّلام بروم؟آری برو به زیارت قبر امام حسین علیه السّلام فرزند رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نیک ترین نیکان و پاکیزه ترین پاکیزگان و نیکوکارترین نیکوکاران و چون آن حضرت را زیارت کنی،نزد سر آن حضرت هزار مرتبه تسبیح امیر مؤمنان علیه السّلام و نزد پای آن حضرت هزار مرتبه تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام را بخوان،پس کنار آن حضرت دو رکعت نماز بخوان و در آن دو رکعت سوره های(یس)و(الرّحمن)را قرائت کن چون این عمل را بجا آوری ثواب بزرگی برای تو خواهد بود،گفتم:فدایت شودم:تسبیح علی و فاطمه علیهما السّلام را به من بیاموز،فرمود:باشد ای، ابو سعید،تسبیح علی علیه السّلام این است: منزّه است آنکه خزانه هایش تمام نمی شود،منزّه است آنکه نشانه هایش نابود نمی گردد،منزّه است آنکه هرچه نزد اوست فنا نمی پذیرد،منزّه است آنکه هیچ کس را در حکمش شریک قرار

نمی دهد،منزّه است آنکه برای فخرش از هم پاشیدگی نیست،منزّه است آنکه برای دورانش انقطاعی وجود ندارد،منزّه است آنکه معبودی جز او نیست.و تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام چنین است منزّه است صاحب شوکت و والایی و بزرگی نزّه است صاحب عزّت بلند مقام فرازمند،منزّه است صاحب فرمانروایی گرانمایۀ ازلی،منزّه است صاحب حسن و جمال،منزّه است آنکه خود را با نور و وقار پوشانده،منزّه است آنکه جای پای مورچه را بر سنگ صاف،و ردّ پای عبور پرنده را در هوا می بیند.

[دوازدهم:نماز واجب و مستحبّ را نزد قبر امام حسین علیه السّلام بخواند]

دوازدهم:نماز واجب و مستحبّ را نزد قبر امام حسین علیه السّلام بخواند،زیرا نماز نزد آن حضرت مورد قبول است.سیّد ابن طاووس فرموده:با تمام وجود بکوش که نماز واجب و مستحب در حایر شریف از تو فوت نشود،همانا روایت شده:نماز واجب نزد آن حضرت برابر است با حج و نماز مستحب مساوی است با عمره.مؤلف گوید:ثواب بسیاری برای نماز در حایر شریف در روایت مفصّل گذشت.در روایت معتبری از امام صادق علیه السّلام نقل شده:هرکه آن حضرت را زیارت کند و دو رکعت یا چهار رکعت نماز نزد آن حضرت بجا آورد ثواب حج و عمره برای او نوشته می شود.آنچه از روایات ظاهر می شود این است که نماز زیارت و غیر آن را در پشت قبر و بالای سر بجا آوردن،هر دو خوب است،و اگر بنای خواندن در بالای سر را دارد،عقب تر بایستد که محاذی اصل قبر مقدّس نباشد.در روایت ابو حمزه ثمالی از امام صادق علیه السّلام آمده:نزد سر آن حضرت دو رکعت نماز بگذارد،در رکعت اول پس از سورۀ حمد سورۀ یس و در رکعت دوم پس از سوره حمد سوری الرّحمن بخوان و اگر خواهی پشت قبر این نماز را به جای آر.و البته در بالای سر بهتر است،چون از این نماز فراغت یافتی،هرچه نماز می خواهی بخوان،ولی از این دو رکعت نماز زیارت،نزد هر قبری که زیارت کنند نباید غفلت ورزید.ابن قولویه از امام باقر علیه السّلام روایت کرده که به شخصی فرمود:ای فلان تو را چه مانع است،که هرگاه حاجتی برایت روی دهد،نزد قبر حسین صلوات اللّٰه علیه بروی،و چهار رکعت نماز نزد او بخوانی،آنگاه حاجت خود را از خدا بخواهی

به درتی که نماز واجب نزد آن حضرت برابر با حجّ،و نماز مستحبّ مساوی با عمره است.

[سیزدهم:دعا بسیار کند...]

سیزدهم:بدان که عمده اعمال در روضهٔ مطهرهٔ امام حسین علیه السّلام دعاست،زیرا اجابت دعا در زیر آن قبّه با رفعت یکی از اموری است که خدا به عوض شهادت به آن حضرت ارزانی داشته و زائر باید آن را غنیمت دانسته،در تضرّع و انابه و توبه و عرض حاجات کوتاهی نکند و در طی زیارات آن حضرت دعاهای بسیار،با مضامین عالیه وارد شده که اگر بنای اختصار نبود،چند دعایی در اینجا ذکر می کردم و بهتر آن است که زائر آنچه بتواند از دعاهای صحیفه کامله بخواند،که بهترین دعاها است و ما در اواخر این باب بعد از زیارات جامعه دعایی نقل می کنیم،که در همه حرمهای شریفه خوانده می شود[بدان که در ملحقات این کتاب دعایی ذکر می شود که جامع ترین دعاهاست و در روضات ائمه خوانده می شود،از خواندن آن غفلت ننمایی]و برای اینکه این قسمت را خالی نگذاریم،این دعای مختصر را که در ضمن یکی از زیارات نقل شده ذکر می کنیم و آن دعا این است:که در آن حرم شریف درحالی که دستها را به جانب آسمان برداشته باشی بگو:

خدایا همانا جایم را می بینی و سخنم را می شنوی و موقعیتم و زاری ام و پناه آوردنم به قبر حجّتت و فرزند پیامبرت را می نگری ای آقای من حاجتهایم را دانسته ای،و حالم بر تو پوشیده نیست اینک به وسیله فرزند پیامبر و حجّت و امینت به تو رو کرده ام،و به واسطه او تقرّب جویان به درگاه تو و پیامبرت آمدم،به حق او مرا در پیشگاهت در دنیا و آخرت آبرومند و از نزدیکان خویش گردان،و با زیارتم خواسته ام را به من عطا کن،و آرمانم را به من ببخش،و به خواسته و رغبتم بر من تفضّل کن،و حاجاتم را برآور و مرا ناامید بازمگردان،و رشتهٔ امیدم را قطع نکن،و دعایم را از هدف اجابت محروم مفرما،و در آنچه که در کار دین و دنیا و آخرت،به درگاهت دعا کردم،اجابتش را به من بشناسان،و مرا از آن بندگانی قرار ده که بلاها و

بیماریها و فتنه ها و عارضه ها را از آنان بازگرداندی،از آنان که در سلامت کامل زنده می داریشان و در سلامت کامل می میرانیشان،و در سلامت کامل وارد بهشتیان می نمایی،و در سلامت کامل از آتش پناهشان می دهی.و برایم به منّتی از سوی خود فراهم کن:صلاح آنچه آرزو می کنم دربارۀ خودم و خاندانم و فرزندانم و برادرانم و مالم و آنچه نعمت به من عنایت کردی ای مهربان ترین مهربانان.

[چهاردهم:صلواتهای وارده بر آن حضرت را بخواند...]

چهاردهم:از جمله اعمال در حرم امام حسین علیه السّلام صلوات فرستادن بر آن حضرت است.روایت شده:پشت سر نزد کتف شریف آن حضرت می ایستی و بر پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و امام حسین علیه السّلام صلوات می فرستی.سیّد ابن طاووس در کتاب «مصباح الزائر»در ضمن یکی از زیارات این صلوات را بر آن حضرت نقل کرده است:

خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و درود فرست بر حسین ستم کشیده و شهید و کشتۀ اشکها و دچار گرفتاریها،درودی فزاینده،پاکیزه،با برکت،درحالی که آغازش بالا رود و انجامش سپری نشود،برتری درودی که بر یکی از فرزندان پیامبران و رسولان فرستادی،ای پروردگار جهانیان.خدایا درود فرست بر امام،شهید،کشته،ستم کشیده،بی یار،آقا،پیشوا،عابد،زاهد، جانشین،خلیفه،امام راستی پیشه،پاک،پاکیزه،طیّب،با برکت،خدا از او خشنود،پسندیدۀ حق،پرهیزگار،هدایت گر،راه یافته،زاهد،مدافع دین،جهادگر،عالم،پیشوای هدایت،فرزندزاده رسول،نور چشم بتول،درود و سلام خدا بر او و خاندانش.خدایا بر آقا و مولای من درود فرست

چنانچه به اطاعتت عمل کرد،و از معصیتت نهی فرمود،و در راه خشنودی ات کوشید،و بر ایمانت روی آورد،بی آنکه درباره تو پذیرندۀ بهانه ای باشد،چه در پنهان و چه در آشکار،بندگان را به جانب تو می خواند،و به سوی تو دلالت می نماید و پیش روی تو قیام کرد،ستم را ویران می کند با درستی،و روش پیامبر را زنده می کند با قرآن،پس با مشقّت و سختی در خشنودی ات زندگی کرد،و بر طاعتت و در زمرۀ اولیایت،در حال رنج و ناراحتی از دنیا گذشت،و چون عزیزی گم گشته به تو جان داد تو را معصیت نکرد نه در شبی و نه در روزی،بلکه در راه تو با منافقان و کافران جنگید.خدایا جزایش ده،بهترین جزای صادقان نیکوکار،و عذاب را بر منافقان و کافران و کشنده گان او دوچندان کن.به راستی جوانمردانه پیکار کرد،و مظلومانه کشته شد،و غرق در رحمت خدا درگذشت،درحالی که می گفت:منم فرزند رسول خدا محمّد،و فرزند کسی که پاک پرورید و بندگی کرد،پس او را دانسته و از به عمد کشتند،آری بر حال ایمان او را کشتند،و در کشتنش از شیطان اطاعت کردند و دربارۀ او خدای رحمن را ملاحظه ننمودند.خدایا پس بر آقا و مولایم درود فرست،درودی که یادش را با آن بلند گردانی و امرش را با آن آشکار نمایی،و پیروزی اش را با آن شتاب ورزی،و او را در روز قیامت به برترین اقسام فضایل خاصش گردان و در بلندترین درجات شرفش را بیفزا،و او را به عالی ترین مقام ارجمندان برسان،و بالا بر او را از شرف رحمتت در شرف مقرّبان در مقام رفیع برتر،و او را به وسیله،و منزلت بزرگ و برتری و فضیلت،و کرامت برجسته برسان.خدایا او را از جانب ما جزا ده،به برترین پاداشی که به پیشوایی از طرف رعیتش داده ای

و بر آقا و مولای من درود فرست،هرگاه که یاد شود،و هر زمان که یاد نشود،ای آقای و مولای من،مرا در حزب و گروهت وارد کن،و بخششم را از پروردگارت و پروردگام بخواه،زیرا تو را در پیشگاه خدا آبرو و قدر و منزلت بلند است،اگر بخواهی عطا شوی،و اگر شفاعت کنی شفاعتت پذیرفته شود،خدا را خدا را دربارهٔ بنده و دوستدارت،هنگام سختیها و هراسها رهایم مکن آن هم به خاطر بدی کارم و زشتی کردارم،و بزرگی جرمم که تو آرزو و امید و تکیه گاه و محل اعتماد منی،و وسیلهٔ من به درگاه خدا پروردگارم و پروردگار تو تویی،توسّل کنندگان به درگاه خدا متوسّل نشدند نزد او،به وسیله ای از نظر حق بزرگتر،و از جهت حرمت لازم تر،و از حیث مقام برجسته تر از شما اهل بیت،خدا به خاطر گناهانم مرا از شما محروم نکند،و میان من و شما را در بهشت عدن که برای شما و دوستانتان آماده نموده جمع کند،او بهترین آمرزندگان،و مهربان ترین مهربانان است.خدایا به آقا و مولایم تحیّت و سلام بسیار برسان،و از جانب او سلام بسیار به ما بازگردان،که تو بخشنده و کریمی،و بر او درود فرست،هر زمان که سلام یاد شود،و هر زمان که یاد نشود،ای پروردگار جهانیان.

مؤلّف گوید:ما آن زیارات را در اعمال روز عاشورا نقل کرده ایم[صفحه 456]و در اواخر این باب صلواتی بر حجج طاهره علیهم السّلام نقل خواهیم کرد که صلوات مختصری بر امام حسین علیه السّلام نیز در آن مندرج است خواندن آن را نیز ترک نکن.

[پانزدهم:این دعا که دعای مظلوم علیه ظالم است را بخواند...]

پانزدهم:از جمله اعمال این روضهٔ منورهٔ دعای مظلوم علیه ظالم است یعنی سزاوار است برای کسی که از ستم ستمکاری مضطّر شده این دعا را در آن حرم نورانی بخواند و دعا چنان است که شیخ الطائفه در«مصباح المتهجّد» در اعمال روز جمعه ذکر کرده که مستحبّ است دعای مظلوم را نزد قبر ابی عبد اللّه الحسین علیه السّلام بخوانند،و آن دعا این است:

خدایا من خود را به دینت عزیز می شمارم،و به هدایتت گرامی می دانم،فلانی مرا با شرّش خوار می دارد،و به آزارش پستم می کند و به خاطر دوستی اولیایت،از من عیب می گیرد،و با ادّعای پوچش مبهوتم می کند،من به جایگاه دعا و عهده داری ات به اجابت آن آمدم،خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و مرا در همین ساعت بر او پیروز گردان.

پس خود را بر روی قبر انداخته و بگوید:مولایم،امامم ستمیده ای علیه ستمگرش یاری می طلبد،یاری ده،یاری ده.آن قدر تکرار کند که عبارت النّصر النّصر را تا نفس قطع شود.

[شانزدهم:برای رفع حاجت این کلمات را نزد سر مطهر بگوید...]

شانزدهم:از جمله اعمال در آن حرم دعایی است که ابن فهد قدّس سرّه در کتاب«عدّه الداعی»از امام صادق علیه السّلام روایت کرده که حضرت فرمودند هرکه حاجتی به درگاه خدا برای او باشد،نزد سر امام حسین علیه السّلام بایستد و بگوید:ای ابا عبد اللّه گواهی می دهم که جای مرا می نگری،و سخنم را می شنوی،و تو نزد پروردگارت زنده ای و روزی داده می شوی،از پروردگارت و پروردگارم،برآورده شدن حاجاتم را بخواه.ان شاء اللّه تعالی حاجت او برآورده می شود.

[هفدهم:دو رکعت نماز بخواند به این کیفیت...]

هفدهم:از جمله اعمال دو رکعت نماز،در آن حرم مطهّر نزد سر مقدّس با سورهٔ الرّحمن و سورهٔ تبارک است.سیّد ابن طاووس روایت کرده هرکه این نماز را بخواند،خداوند عطابخش برای او بیست و پنج حجّ پذیرفته و نیکو که با رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم انجام داده باشد می نویسد.

[هیجدهم:از جمله اعمال در آن بارگاه بلند ارج استخاره است]

هیجدهم:از جمله اعمال در آن بارگاه بلند ارج استخاره است،علاّمهٔ مجلسی کیفیّت آن را ذکر کرده و اصل روایت به سند صحیح از امام صادق علیه السّلام در کتاب«قرب الإسناد»حمیری است،که هرکسی در امری از

امور درحالی که نزد حضرت امام حسین علیه السّلام بایستد،و از خدای عالمیان صد مرتبه طلب خیر کند،و بگوید:الحمد للّه و لا اله الاّ اللّه و سبحان اللّه

و خدا را به عظمت یاد کند،و حمد و ثنای حضرتش را بگوید،چنان که سزاوار شأن حق است،البته حق تعالی آنچه در آن امر خیر اوست به او می نمایاند،و برای او پیش می آورد،و موافق روایات دیگر،به این صورت طلب خیر می کند که صد مرتبه می گوید:استخیر اللّه برحمته خیره فی عافیه

[نوزدهم:در هنگام زیارت ملازم سکوت باشد مگر از خیر]

نوزدهم:شیخ اجل کامل ابو القاسم جعفر بن قولویه قمی رحمه الله از امام صادق علیه السّلام روایت کرده:هرگاه حضرت ابو عبد اللّه را زیارت کردید،ملازم سکوت باشید مگر از خیر،به درستی که ملائکه شب و روز،از گروه حفظ،نزد ملائکه ای که در حایرند حاضر می شوند و با ایشان مصافحه می کنند،و ملائکه ای که در حایرند از شدّت گریستن جواب ایشان را نمی دهند و پیوسته مشغول گریه و زاری اند،مگر در وقت زوال شمس،و وقت طلوع فجر،که در این دو موقعیت ساکت می شوند،پس ملائکۀ حفظ منتظر می مانند تا ظهر شود و فجر ظاهر گردد،در این دو وقت با ایشان سخن می گویند و ایشان را چیزهایی از امر آسمان از آنها سؤال می کنند،ولی در بین این دو وقت ملائکه حائر نطق نمی کنند،و از دعا و گریستن آرام نمی گیرند،و نیز از آن حضرت روایت کرده اند:حق تعالی تنها برای قبر امام حسین علیه السّلام چهار هزار فرشته را ژولیده مو،و گردآلود موکل نموده و به شکل اصحاب مصیبت از طلوع صبح تا ظهر بر آن حضرت گریه می کنند،و احادیث به این مضمون بسیار است،و از این روایات ظاهر می شود که گریستن بر آن حضرت در آن حرم مطّهر محبوب،و بلکه شایسته است که از اعمال آن بارگاه مبارک که«بیت الاحزان»شیعیان است شمرده شود.و از حدیثی که از امام صادق علیه السّلام است و به وسیله صفوان روایت شده استفاده می شود،که زاری ملائکه در درگاه خدا،در لعنت کردن بر قاتلان امیر مؤمنان علیه السّلام، و بر قاتلان امام حسین علیه السّلام و نوحه نمودن پریان بر آنان،و گریه کردن ملائکه،که گرداگرد ضریح امام حسین علیه السّلام اند،و بسیاری اندوه ایشان،به حدّی است،که اگر کسی آنها را بشنود،خوردن و آشامیدن،و خواب بر او گوارا نخواهد بود در حدیث عبد اللّه بن حمّاد بصری است،که امام صادق علیه السّلام به او فرمود:به من خبر رسیده،که گروهی از اطراف کوفه و مردمانی غیر ایشان و زنانی که برای آن حضرت نوحه گری می کنند،کنار قبر امام حسین علیه السّلام می آیند،و این کار در نیمۀ ماه

شعبان است،پس بعضی قرائت می کنند و گروهی داستان می خوانند(یعنی کیفیت شهادت و سایر مصایب را

ص:654

ذکر می کنند)و عدّه ای نوحه گری دارند،و بعضی مرثیه می خوانند،گفتم:آری فدایت شوم،قسمتی از آنچه را بیان فرمودی من مشاهده کرده ام.امام فرمود:حمد خدایی را که در میان مردم کسانی را قرار داد،که نزد ما می آیند،و ما را مدح می کنند و برای ما مرثیه می خوانند،و قرار داد دشمن ما را،کسانی که به شیعیان ما طعنه می زنند،از خویشان ما یا غیر ایشان،و آنان را تهدید می کنند،و کارشان را زشت می شمارند.و در صدر همین حدیث آمده:هرکه به زیارت او می رود می گرید، و هرکه نمی رود،بر مصیبت او اندوهناک می باشد،و هرکه او را به یاد می آورد،دلش می سوزد،و نیز هرکه به جانب قبر پسرش که در پایین پای او قرار دارد و نظر می اندازد ترحّم می کند،در بیابانی که خویشی و دوستی نزد او نیست،و حق او را غصب کردند و جمعی از کافران و مرتدان از دین اجتماع کردند و یکدیگر کمک دادند،تا او را کشتند و دفن نکرده در بیابان رها کردندو او را از آب فراتی که حیوانات می خوردند منع کردند و حق رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و وصیّتی که درباره حسین و اهل بیتش کرده بود ضایع نمودند!!و نیز ابن قولویه از حارث اعور روایت کرده:امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود:پدر و مادرم فدای حسین شهید در پشت کوفه،به خدا قسم گویا می بینم جانوران وحشی را،از هر نوعی که گردنها را به سوی قبر او کشیده اند و بر او شب تا به صبح می گریند،پس حالا که چنین بوده،مبادا شما جفا کنید و اخبار در این باب بسیار است.

[بیستم:در موقع خروج از روضه مقدسه این عمل را بجا آورد...]

بیستم:سیّد ابن طاووس فرموده:بر زائر مستحب است هروقت از زیارت آن حضرت فارغ شود و بخواهد از روضۀ مقدسه بیرون رود،خود را به ضریح بچسباند و آن را ببوسد و بگوید:

سلام بر تو ای مولایم،سلام بر تو ای حجّت خدا،سلام بر تو ای برگزیدۀ خدا سلام بر تو ای خالص شده از سوی خدا،سلام بر تو ای کشتۀ تشنگی،سلام بر تو ای غریب غریبان،سلام بر تو ای وداع کننده ای که نه خسته است و نه دلتنگ،پس اگر بروم نه از روی ملالت است و اگر بمانم نه از روی بدگمانی به آنچه خدا به صابران وعده داده،خدا این زیارت را آخرین عهد من از زیارتت قرار ندهد و بازگشت به سوی زیارتگاهت و ماندن در آستانت و ایستادن در حرمت را روزی من کند،و از او می خواهم که مرا

به وسیلهٔ شما خوشبخت نماید و در دنیا و آخرت با شما قرار دهد.

مقصد سوّم:در کیفیت زیارت حضرت سیّدالشهدا علیه السّلام

اشاره

و زیارت حضرت عباس(قدس اللّه روحه)است

بدان که زیارات بیان شده برای امام حسین علیه السّلام بر دو صورت است:یکی مطلقه،که مقیّد به وقتی نیست و دیگری مخصوصه که مقیّد به اوقات معیّنی است،و ذکر این زارات در ضمن سه بخش خواهد آمد:

«بخش اول در زیارات مطلقهٔ حضرت امام حسین علیه السّلام است»

اشاره

زیارات مطلقه بسیار است،و ما در این فصل به ذکر چند زیارت از آن زیارات اکتفا می کنیم.

زیارت اول حضرت ابی عبد اللّه الحسین علیه السّلام [مروی از امام صادق علیه السلام]

شیخ کلینی در کتاب«کافی»به سند خود،از حسین بن ثویر روایت کرده که گفت:من و یونس بن ظبیان و مفضّل بن عمر و ابو سلمه سرّاج،در محضر حضرت ابی عبد اللّه جعفر بن محمّد علیهما السّلام نشسته بودیم،در میان ما،سخنگو یونس بود،که از نظر سنئ از همهٔ ما بزرگتر بود.پس به حضرت عرضه داشت:فدایت شوم من در مجلس این قوم،یعنی اولا عباس بن عبد المطلب،حاضر می شوم،پس چه بگویم؟فرمود:هرگاه حاضر شدی و ما را به یاد آوردی بگو:اللّهم ارنا الرّخاء و السّرور که آنچه از ثواب و بازگشت به وطن خواهی در هنگام بازگشت،به دریافتش نایل گردی.گفت:فدایتم شوم بسیار می شود که امام حسین علیه السّلام را یاد می کنم،آن وقت چه بگویم؟فرمود:سه مرتبه بگو:صلی اللّه علیک یا ابا عبد اللّه سلام به آن حضرت از نزدیک و دور می رسد،آنگاه حضرت فرمود:زمانی که حضرت ابو عبد اللّه الحسین شهید شد،بر آن حضرت آسمانهای هفتگانه و هفت زمین،و آنچه در آنهاست گریست،و هرکه در بهشت و دوزخ است از آفریدگان پروردگارمان،و آنچه دیده می شود،و دیده نمی شود،همه بر ابو

عبد اللّه الحسين علیه السّلام گریستند مگر سه چیز.گفتم:فدایت شوم آن سه چیز کدام اند؟

ص:656

فرمودند بصره و دمشق و آل عثمان بر آن حضرت گریه نکردند.گفتم فدایت شوم،می خواهم به زیارت آن حضرت بروم،چه بگویم و چه کاری انجام دهم؟فرمود:چون به زیارت آن حضرت روی،در کنار فرات غسل کن، و جامه های پاک خود را بپوش،آنگاه با پای برهنه روانه شو،به درستی که تو در حرمی هستی از حرمهای خدا و حرم رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و در وقت رفتن بسیار بگو:اللّه اکبر و لا اله الاّ اللّه و سبحان اللّه و هم چنین هر ذکری که متضمّن تمجید و تعظیم حق تعالی باشد،و بر محمّد و اهل بیت او صلوات فرست،تا به درگاه حائر برسی،پس بگو:

سلام بر تو ای حجّت خدا و فرزند حجّت خدا،سلام بر شما ای فرشتگان خدا،و زیارت کنندگان قبر فرزند پیامبر خدا.سپس ده گام بردار،آنگاه بایست و سی مرتبه بگو:اللّه اکبر به دنبال آن از پیش رو به جانب قبر برو روی خود را با روی آن حضرت مقابل کن،به عبارت دیگر پشت به قبله و روبروی آن جناب باش و بگو:

سلام بر تو ای حجّت خدا و فرزند حجّت خدا،سلام بر تو ای کشتۀ خدا و فرزند کشتۀ خدا،سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خون خدا،سلام بر تو ای فرد خدایی در آسمانها و زمین،ای ستمدیده،شهادت می دهم که خونت در بهشت جاوید جا گرفت،و برای آن سقفهای عرش لرزید و برایش تمام آفریدگان گریستند،و به خاطر آن آسمانهای هفتگانه و زمینهای هفت گانه گریست،و آنچه در آنها و بین آنها نیز،و هرکه در بهشت و دوزخ از مخلوقات پروردگار ما زیر و رو می گردد،و آنچه دیده شود،و دیده نشود برای آن خون گریه کرد!!شهادت می دهم که تو حجّت خدا و فرزند حجّت خدایی،و شهادت می دهم که تو کشتۀ راه خدایی و فرزند کشتۀ راه خدایی،و شهادت می دهم که

تو خون خدا،و فرزند خون خدایی،و شهادت می دهم که تو فرد خدایی ستمدیده در آسمانها و زمینی،و شهادت می دهم که تو فرامین حق را رساندی،و خیرخواهی کردی،و وفا نمودی،در وفاداری پایداری داشتی،و در راه خدا جهاد کردی،و از جهان بر پایۀ آ چه بر آن شهید و شهادت جو و شاهد بودی گذشتی،من بنده و دوستدار توام،و در قید طاعت تو و وارد به درگاه تو هستم،درخواست می کنم کمال منزلت نزد خدا را،و استواری قدم در هجرت به سویت را،و راهی که از رسیدن به تو قطع نمی گردد،و از وارد شدن در سایۀ سرپرستی ات که مأمور شده ای به آن هرکه خدا را خواست،از شما شروع کرد،خدا به وسیلۀ شما دروغ را آشکار کند،و خدا به خاطر شما دور نماید روزگار گزینده را،و به شما بگشاید،و به شما ببندد،و به شما آنچه بخواهد محو کند،و پابرجا نماید،و به شما رشته خواری را از گردن ما باز کند انتقام خون هر مؤمنی را که مورد مطالبه است به شما بگیرد،به شما زمین درختانش را برویاند،و به شما زمین میوه هایش را بیرون آورد،و آسمان به شما نازل نماید باران و روزی اش را،خدا به شما گرفتاریها را برطرف کند،و به شما باران فرو بارد،و به شما تسبیح می گوید زمینی که حامل بدنهای شماست،و کوهایش به وسیلۀ لنگرهای آن مستقر می گردد،خواست پروردگار در اندازه گیریهای امورش به سوی شما فرود می آید،و از خانه های شما صادر می گردد،و صادر شونده از شماست آنچه به تفضیل بیان شده از احکام بندگان،ملعون باد امتی که شما را کشت،و امتی که با شما مخالفت نمود،و امتی که ولایت شما را انکار کرد،و امتی که علیه شما یکدیگر را پشتیبانی نمود،و امّتی که حاضر بود و شهادت خواهی ننمود،خدا را سپاس که قرار داد آتش

را جایگاهشان،و بد جایی است برای واردشوندگان،و بد است آن ورودگاه وارد شده،و خدا را سپاس پروردگار جهانیان سپس سه مرتبه بگو:و درود خدا بر تو ای ابا عبد اللّٰه بعد سه مرتبه بگو:من به جانب خدا از کسانی که با تو مخالفت کردند بیزاری می جویم پس از آن به نزد قبر فرزند آن حضرت،علی بن الحسین علیه السّلام که پائین پای پدر مدفون است می روی و می گویی:سلام بر تو ای فرزند رسول خدا،سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان،سلام بر تو ای فرزند حسن و حسین،سلام بر تو ای فرزند خدیجه و فاطمه،درود خدا بر تو درود خدا بر تو،درود خدا بر تو،خدا لعنت کند کسانی را که تو را کشتند.این لعن را سه مرتبه می گویی،و نیز سه مرتبه می گویی:ما به جانب خدا از آنان بیزارم.آنگاه برمی خیزی و به دست خود به جانب شهدا(رضی اللّه عنهم)اشاره می کنی و می گویی:سلام بر شما،سلام بر شما،سلام بر شما،به خدا رستگار شدید،به خدا رستگار شدید،به خدا رستگار شدید،ای کاش من هم با شما بودم،و به رستگاری بزرگ نایل می شدم.پس برمی گردی،و قبر ابو عبد اللّه علیه السّلام را مقابل خود قرار می دهی،یعنی پشت قبر مطهّر می ایستی،و شش رکعت نماز می گذاری،چون این کار را انجام دادی زیارتت تمام شده،اگر خواستی برگردید برگرد.مؤلّف گوید:شیخ طوسی در«تهذیب»،و صدوق در کتاب«من لا یحضره الفقیه»نیز این زیارت را نقل کرده اند،و شیخ صدوق فرموده:من در کتاب«مزار و مقتل»انواعی از زیارات را نقل کردم،و برای کتاب«من لا یحضر الفقیه»این زیارت را انتخاب کردم،زیرا به اعتبار سند،صحیح ترین زیارت نزد من است،و همین زیارت شریف ما را کافی و وافی است.

ص:659

زیارت دوم حضرت ابی عبد اللّه الحسین علیه السّلام [مروی از امام هادی علیه السلام]

شیخ کلینی از امام علی النقی علیه السّلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود:نزد امام حسین علیه السّلام می گویی:

سلام بر تو ای ابا عبد اللّه،سلام بر تو ای حجّت خدا بر روی زمین،و گواه او بر خلق سلام بر تو ای فرزند رسول خدا،سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی،سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا،شهادت می دهم که تو نماز را برپا داشتی،و زکات را پرداختی،و امر به معروف،و نهی از منکر نمودی،و در راه خدا جهاد کردی،تا مرگ تو دررسید،پس درود خدا بر تو در زندگی و پس از مرگ.آنگاه گونۀ راست صورت را بر قبر بگذار و بگو:شهادتم دهم که تو در همه کارهایت بر برهانی از پروردگارت هستی،به درگاه تو با اقرار به گناهان آمدم،تا نزد پروردگارت ای فرزند رسول خدا برای من شفاعت کنی پس یک یک امامان را به نامهایشان یاد کن و بگو:شهادت می دهم که شما حجتهای خدایی آنگاه بگو:نزد خود برای من پیمان محکم و عهدی بنویس،که من برای تجدید کردن پیمان نزد تو آمدم،پس شهادت ده برای من نزد پروردگارت،زیرا که تو نیکو شاهدی هستی.

زیارت سوم حضرت ابی عبد اللّه الحسین علیه السّلام [مروی از امام صادق علیه السلام]

زیارت مختصری است که سیّد ابن طاووس،در کتاب«مزار»نقل کرده،و در آن فضل بسیاری آمده است، فرمود[با حذف اسناد روایت]:از جابر جعفی،از امام صادق علیه السّلام روایت شده:که به جابر فرمود:بین شما و قبر حسین علیه السّلام چه

اندازه مسافت است؟عرضه داشتم:یک روز و پاره ای از روز،فرمود:آن حضرت را زیارت می کنی؟گفتم:آری فرمود:آیا تو را خشنود نکنم،آیا تو را به ثواب ایشان بشارت ندهم؟گفتم:آری فدایت شوم،فرمود:مردی از شما،چون برای زیارت او مهیّا شود،اهل آسمان یکدیگر را مژده دهند،و چو از منزلش،سوار یا پیاده بیرون رود،حق تعالی هزار فرشته از فرشتگان را بر او بگمارد،که بر او صلوات فرستند،تا به قبر امام حسین علیه السّلام آمدی،بر درگاه روضه بایست و این کلمات را بگو،که برای توبه عوض هر کلمه از آن،بهره ای از رحمت الهی خواهد بود.عرضه داشتم:فدایت شوم آن کلمات کدام است؟فرمود:می گویی:

سلام بر تو ای وارث آدم برگزیدهٔ خدا،سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا،سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا،سلام بر تو ای وارث موسی همسخن خدا،سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا،سلام بر تو ای وارث محمّد حبیب خدا، سلام بر تو ای وارث علی امیر مؤمنان و بهترین جانشینان،سلام بر تو ای وارث حسن پسندیده،و پاک و راضی و مورد خشنودی حق،سلام بر تو ای صدیق اکبر،سلام بر تو ای جانشین نیکوکار پرهیزگار،سلام بر تو و بر ارواحی که به درگاهت فرود آمدند،و مرکب به بارگاهت خواباندند،سلام بر تو و فرشتگان چرخنده گرداگردت،شهادت می دهم که ماز به پا داشتی،و زکات پرداختی،و امر نمودی به معروف و از منکر نهی کردی،با ملحدان جهاد کردی و خدا را پرستیدی تا مرگت دررسید،سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد.آنگاه به جانب

قبر مطهر می روی،و برای تو به هر قدمی که برداری و بگذاری،ثواب کسی که در راه خدا کشته شده و در خون خود غلطیده خواهد بود.چون به قبر رسیدی،دست خود را به قبر بمال و بگو:السّلام علیک یا حجّه اللّه فی ارضه سپس برای انجام نماز برو،به هر رکعتی که نزد آن حضرت بجا آوری،برای تو همانند ثواب کسی که هزار حج و عمره بجا آورده،و هزار بنده آزاد کرده خواهد بود،و همانند کسی که هزار موقف با پیامبر مرسلی ایستاده باشد پاداشی می گیری...تا آخر خبر.و این روایت با اختلاف کمی به روایت مفضّل بن عمر،در آداب زیارت امام حسین علیه السّلام گذشت.

زیارت چهارم حضرت ابی عبد اللّه الحسین علیه السّلام [مروی از امام صادق علیه السلام]

از معاویه بن عمّار نقل شده:خدمت امام صادق علیه السّلام عرضه داشتم:چون به زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام بروم چه بگویم؟فرمود:بگو: سلام بر تو ای ابا عبد اللّه،درود خدا بر تو ای ابا عبد اللّه،خدا رحمتت کند ای ابا عبد اللّه،خدا لعنت کند کسی را که در خونت شریک شد،و خدا لعنت کند کسی را که این واقعه به او رسید،و با آن خشنود شد،من به سوی خدا از این واقعۀ هولناک بیزارم.

زیارت پنجم حضرت ابی عبد اللّه الحسین علیه السّلام [مروی از امام کاظم علیه السلام]

به سند معتبر روایت شده:حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام به ابراهیم بن ابی البلاد فرمود:هنگامی که به زیارت امام حسین علیه السّلام می روی چه می گویی؟گفت می گویم: سلام بر تو ای ابا عبد اللّه سلام بر تو ای فرزند رسول خدا،شهادت می دهم که تو نماز بپا داشتی،و زکات پرداختی

و به خوبی امر کردی،و از بدی نهی نمودی،و به سوی راه پروردگارت با حکمت و موعظهٔ نیکو فرا خواندی،و شهادت می دهم آنان که خونت را ریختند،و حرمتت را حلال شمردند،در لعنت و شکنجه بر زبان داود و عیسی پسر مریم اند،به خاطر گناهی که مرتکب شدند،و اهل ستم و تجاوز بودند.حضرت فرمود آری چنین است.

زارت ششم حضرت ابی عبد اللّه الحسین علیه السّلام [مروی از امام صادق علیه السلام]

از امام صادق علیه السّلام روایت شده:به عمار ساباطی فرمود:چون به قبر امام حسین علیه السّلام برسی بگو:

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا،سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان،سلام بر تو ای ابا عبد اللّه،سلام بر تو ای سرور جوانان اهل بهشت،و رحمت و برکات خدا بر تو باد ای آنکه خشنودی اش از خشنودی خدای رحمن،و خشمش از خشم خدای رحمن است،سلام بر تو ای امین خدا،و حجّت خدا و باب خدا،و راهنمای به راه خدا،و دعوت کنندهٔ خدا،شهادت می دهم که تو حلال خدا را حلال کردی،و حرام خدا را حرام نمودی،و نماز را برپا داشتی،و زکات دادی،و امر به معروف،و نهی از منکر نمودی،و به سوی راه پروردگارت با حکمت و موعظه نیکو فرا خواندی،و شهادت می دهم که تو و کسانی که کشته شدند،با همه شهیدند،نزد پروردگارتان زنده اید و روزی داده می شوید،و شهادت می دهم که قاتل تو در آتش دوزخ است،خدا را پیروی می کنم،با بیزاری از کسی که با تو جنگید،و بر علیه تو از دشمن پیروی کرد،و از کسی

که بر علیه تو گرد آمد،و از کسی که صدایت را شنید،و یاری ات ننمود،ای کاش با شما بودم،و به رستگاری بزرگ می رسیدم.

مؤلّف گوید:این سه زیارت[چهارم و پنجم و ششم]از کتاب«مزار»ابن قولویه منقول است.

زیارت هفتم حضرت ابی عبد اللّه الحسین علیه السّلام

(زیارت وارث)

شیخ طوسی در کتاب«مصباح»از صفوان جمّال روایت کرده:از امام صادق علیه السّلام برای زیارت مولایمان حسین علیه السّلام اجازه خواستم،و استدعا نمودم،برای من جهت زیارت آن حضرت دستور العملی ذکر کند،که به آن صورت به زیارت اقدام کنم،فرمود:ای صفوان،پیش از حرکت به سفر،سه روز روزه بدار،و روز سوم غسل کن،پس اهل و عیال خود را نزد خویش جمع کن و چنین بگو اللّهم انیّ استودعک تا آخر دعا که قبلا ذکر شد.آنگاه دعایی تعلیم او فرمود که وقتی به فرات برسد بگوید.سپس فرمود:با آب فرات غسل کن،به درستی که پدرم مرا از پدرانش علیهم السّلام خبر داد که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود:همانا فرزند من حسین،پس از من در کنار فرات کشته خواهد شد،هرکه او را زیارت کند،و از فرات غسل نماید،گناهان او بریزد و مانند روزی شود که مادر او را به دنیا آورده است.

چون غسل کنی در حال انجام غسل بگو:به خدا،و با خدا.خدایا آن را قرار ده روشنی و پاک کننده و نگهدارنده،و شفای از هر درد و بیماری و آفت و آسیب،خدایا دلم را با آن پاک کن،و سینه ام را بگشای،و کارم را با ان آسان گردان.چون از غسل فارغ شوی دو جامه پاکیزه بپوش،و در مشرعه دو رکعت نماز بجای آر،که آن همان مکانی است که حق تعالی دربارهٔ شأنش فرمود:«در زمین قطعه هایی است نزدیک

یکدیگر،و بوستانهاست از انواع انگور،و کشتزار و باغستانهایی است از خرما،دو تا از یک ریشه رسته،و غیر دو تا از یک اصل روییده شده،به یک آب،آبخورده می شوند،و بعضی از آنها را بر بعض دیگر از میوه زیادتی می دهیم».

چون از نماز فارغ شوی،با حالتی آرام،و همراه با وقار به جانب حائر حرکت کن،و گامهای خود را کوتاه بردار،به درستی که خدای تعالی برای گامی که برمی داری برایت حجّ و عمره می نویسد،و با دل فروتن و دیدهٔ گریان راه برو و بسیار کن ذکر اللّه اکبر و لا اله الاّ اللّه و ثنا بر خدا،و صلوات بر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و به ویژه صلوات بر حسین علیه السّلام را.و بسیار کن لعنت بر قاتلان آن حضرت و بیزاری جستن از کسانی که در ابتدا،پایهٔ ظلم و جور بر اهل بیت علیهم السّلام را بنا گذاشتند.هرگاه به درگاه حائر رسیدی بایست و بگو:

خدا بزرگتر است بزرگتر،و سپاس خدا راست بسیار،و منزّه است خدا هر صبح و شب،سپاس خدای را که ما را به این مسیر هدایت کرد،و ما نبودیم کسانی که هدایت شویم،اگر خدا هدایتمان نمی کرد،همانا رسولان پروردگار ما به حق آمدند.پس بگو:

سلام بر تو ای رسول خدا،سلام بر تو ای پیامبر خدا،سلام بر تو ای خاتم پیامبران،سلام بر تو ای سرور رسولان،سلام بر تو ای حبیب خدا،سلام بر تو ای امیر مؤمنان،سلام بر تو ای آقای جانشینان،سلام بر تو ای پیشوای سپیدرویان،سلام بر تو ای فرزند فاطمه،سرور زنان جهانیان،سلام بر تو و بر امامان از فرزندانت،سلام بر تو ای جانشین امیر مؤمنان،سلام بر تو ای صدّیق شهید،سلام بر شما ای فرشتگان که مقیّم در این مقام شریفید،

سلام بر شما ای فرشتگان پروردگارم،که گرداگرد قبر حسین(درود بر او)هستید،سلام بر شما از سوی من همیشه تا هستم و شب و روز برپاست.سپس می گویی سلام بر تو ای ابا عبد اللّه سلام بر تو ای فرزند رسول خدا،سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان،بنده ات و فرزند بنده ات و فرزند کنیزت هستم،اقرار به غلامی شما دارم،و ترک کننده مخالفت با شمایم،دوستدار دوستانتان،و دشمن دشمنانتان می باشم،حرمت را قصد کرده،و به زیارتگاهت پناه آورده،و به سوی تو با قصد کردنت تقرّب جسته،آیا وارد شوم ای رسول خدا؟،آیا وارد شوم ای پیامبر خدا،آیا وارد شوم ای امیر مؤمنان،آیا وارد شوم ای سرور جانشینان آیا وارد شوم ای فاطمه سرور زنان جهانیان،آیا وارد شوم ای مولایم ای ابا عبد اللّه،آیا وارد شوم ای مولایم ای فرزند رسول خدا!پس اگر دلت فروتن و دیده ات گریان شد،نشانۀ اجازه ورود است،پس وارد شو و بگو:سپاس خدای را آن یگانه و یکتا و فرد و بی نیازی که مرا به ولایتت هدایت نمود،و به زیارتت اختصاص داد،و آهنگ به سوی تو را برایم آسان نمود.آنگاه تا درگاه قبّه مطهره برو،و برابر بالا سر بایست و بگو:

سلام بر تو ای وارث آدم برگزیدۀ خدا،سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا،سلام بر تو ای وارث موسی همسخن خدا،سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا،سلام بر تو ای وارث محمّد

حبیب خدا،سلام بر تو ای وارث امیر مؤمنان ولیّ خدا،سلام بر تو ای فرزند محمّد مصطفی،سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی،سلام بر تو ای فرزند فاطمۀ زهرا،سلام بر تو ای فرزند خدیجۀ کبری،سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خون خدا،و تنهای ستمدیده،شهادت می دهم که تو نماز بپا داشتی،و زکات پرداختی،و امر به معروف و نهی از منکر نمودی،و خدا و رسولش را اطاعت کردی،تا مرگ تو را دررسید،خدا لعنت کند ملتی را که تو را کشتند و لعنت کند مردمی را که به تو ستم نمودند،و لعنت کند ملّتی را که این واقعه را شنیدند و به آن راضی شدند،ای مولای من ای ابا عبد اللّه،شهادت می دهم که تو نوری بودی در صلبهای شامخ،و رحمهای پاکیزه جاهیت با ناپاکیهایش،آلوده ات نکرد،و به تو نپوشاند از جامه های تیره و تارش،و شهادت می دهم که تو از ستونهای دین،و پایه های مردم با ایمانی،و شهادت می دهم که تویی پیشوای نیکوکار با تقوای پسندیده پاکیزه هدایتگر و ره یافته و شهادت می دهم که امامان از فرزندانت ریشۀ تقوا،و نشانه های هدایت،و دستاویز محکم،و حجّت بر اهل دنیا هستند،و گواه می گیرم خدا و فرشتگان و پیامبران و رسولاش را که من به شما ایمان دارم و بر یقین به بازگشت شمایم،براساس قوانین دینم و عواقب عملم،و دلم تسلیم دل شما،و کارم پیرو کار شماست درود خدا بر شما،و بر ارواح و اجساد و پیکرهایتان و بر

حاضر و غایب و آشکار و باطنتان.پس خود را به روی قبر بینداز،و آن را ببوس و بگو:پدر و مادرم فدایت ای فرزند رسول خدا،پدر و مادرم فدایت ای ابا عبد اللّٰه،بزرگ شد عزا و مصیبت تو بر ما و بر همۀ اهل آسمانها و زمین خدا لعنت کند قومی که اسبها را زین کردند،و دهانه زدند،و آماده پیکار با تو شدند،ای مولایم ای ابا عبد اللّه،آهنگ حرمت نمودم،و به زیارتگاهت آمدم،از خدا درخواست می کنم به مقامی که برایت و نزد اوست،و منزلتی که برای تو پیش اوست،که درود فرستد بر محمّد و خاندان محمّد،و مرا در دنیا و آخرت همراه شما قرار دهد.

آنگاه برخیز و بالای سر دو رکعت نماز بگذار،و در آن دو رکعت پس از سورۀ حمد هر سوره ای را که می خواهی بخوان،و پس از نماز بگو:خدایا نماز خواندم و برای تو که یگانه و بی شریکی رکوع و سجود نمودم،زیرا نماز و رکوع و سجود،نمی باشد مگر برای تو،همانا تویی خدا که معبودی جز تو نیست.خدای درود فرست بر محمّد و خاندان محمّد،و از جانب من به آنها بهترین سلام و تحیّت را برسان،و بر من بازگردان از جانب آنان سلام را.خدایا این دو رکعت نماز هدیه ای است از سوی من به مولایم حسین بن علی(درود خدا بر آنان باد)خدایا بر محمّد و آن حضرت درود فرست،و از من بپذیر و پاداشم ده بر آن،براساس بهترین آرزو و امیدم دربارۀ تو و ولّی ات ای سرپرست مؤمنان.

ص:668

پس برخیز،و به طرف پایین قبر آن حضرت برو،و نزد سر علی بن الحسن علیه السّلام بایست و بگو:

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا،سلام بر تو ای فرزند پیامبر خدا،سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان،سلام بر تو ای فرزند حسین شهید،سلام بر تو ای شهید، سلام بر تو ای ستمدیده،و پسر ستمدیده،خدا لعنت کند امّتی را که تو را کشت،و خدا لعنت امّتی را که به تو ستم روا داشت و خدا لعنت کند امّتی که این واقعه را شنید و به آن رضایت داد.پس خود را بر قبرش بینداز،و آن را ببوس و بگو:

سلام بر تو ای ولیّ خدا و پسر خدا،همانا مصیبت و عزای تو بر ما و بر همۀ مسلمانان بزرگ شد،پس خدا لعنت کند امّتی را که تو را کشت،و من به جانب خدا و به سوی تو از آنان بیزاری می جویم سپس از دری که پایین پای علی بن الحسین علیهما السّلام است بیرون بیا،و به سوی شهدا متوجه شود و بگو:

سلام بر شما ای اولیای خدا و عاشقانش،سلام بر شما ای برگزیدگان خدا و دوستدارانش،سلام بر شما ای یاران دین خدا،سلام بر شما ای یاران رسول خدا،سلام بر شما ای یاران امیر مؤمنان،سلام بر شما ای یاران فاطمه سرور زنان جهانیان،سلام بر شما ای یاران ابی محمّد حسن بن علی آن ولیّ خیرخواه،سلام بر شما ای یاران ابا عبد اللّه پدر و مادرم فدای شما،پاکیزه شدید،و پاکیزه شد زمینی که شما در آن دفن شدید،و به رستگاری بزرگی رسیدید،ای کاش منهم

با شما بودم تا همراه شما به رستگاری می رسیدیم.آنگاه به جانب بالای سر امام حسین علیه السّلام برگرد،و برای خود و اهل و اولاد و پدر و مادر و برادران خود،بسیار دعا کن،زیرا در آن روضهٔ مطهره دعای دعاکننده،و درخواست درخواست کننده ردّ نمی شود.

[بیان آنچه به زیارت وارث اضافه شده و مجعولیت دعای حبی]

مؤلّف گوید:این زیارت،معروب به زیارت وارث است و مأخذش کتاب«مصباح المتهجد» شیخ طوسی می باشد،که از کتب بسیار معتبر و معروف نزد علماست،من این زیارت را بدون واسطه،از همان کتاب شریف نقل کردم،و پایان زیارت شهدا همان بود که ذکر شد:فیا لیتنی کنت معکم فافوز معکم پس این اضافه هایی که بعضی بعد از فافوز معکم ذکر نموده اند:فی الجنان مع النّبیّین و الصّدیقین و الشّهداء و الصّالحین و حسن اولئک رفیقا.السّلام علی من کان فی الحائر معکم و علی من لم یکن فی الحائر معکم الخ....

تمامی آنها زیادی و اضافی است.شیخ ما در کتاب«لؤلؤ مرجان»فرموده است که این کلمات متضمّن چند دروغ واضح است،علاوه بر جسارت ارتکاب بدعت،و جسارت افزودن بر فرمودهٔ امام علیه السّلام چنان شایع و متعارف شده،که چند هزار مرتبه در شب و روز،در عرصه گاه مرقد منوّر ابی عبد اللّه الحسین علیه السّلام و محضر فرشتگان مقرّب و مطاف پیامبران مرسل علیهم السّلام به آواز بلند خوانده می شود،و احدی به این خوانندگان ایراد نمی گیرد،و از گفتن این دروغ و ارتکاب این معصیت نهی نمی کند،و کم کم این کلمات،در مجموعه هایی که در زیارت و ادعیه نادانان از عوام جمع می کنند،و گاهی اسمی برای آن می گذارند،راه پیدا کرده و به چاپ رسیده است.و از مجموعه این نادانان،به مجموعهٔ آن نادان نقل شده،و کار به جایی رسیده که بر بعضی از طلاّب نیز امر مشتبه شده است.روزی طلبه ای را دیدم که آن دروغهای ناروا را برای شهدا می خواند،دست بر کتفش گذاشتم،ملتفت من شد،گفتم:از اهل علم چنین اکاذیب در چنین محضری قبیح نیست؟گفت:مگر روایت نشده؟تعجب کردم گفتم،نه،گفت:در کتابی دیدم،گفتم در کدام کتاب؟گفت:«مفتاح الجنان»،ساکت شدم،چه اینکه کسی در بی اطلاعی کارش به اینجا رسد،که جمع آوری بعضی عوام را کتاب بشمارد،و مستند قرار دهد،قابل سخن گفتن نیست،سپس شیخ مرحوم کلام را در این مقام طول داده،و

فرموده است:به حال خود گذاشتن عوام در امثال این امور جزئی و بدعتهای مختصر مثل غسل اویس قرن

ص:670

و آش ابو الدرداء که تابع و مخلص حقیقی معاویه بوده،و روزه صمت که در روز سخن نگویند،و غیر آنها که احدی در مقام نهی برنیامده،سبب جسارت و جرت شده است،که در هر ماه و سال پیامبر و امام تازه ای پیدا می شود،و دسته دسته از دین خدا بیرون می روند،انتهی کلامه رفع مقامه.این فقیر گوید:در فرمایش این عالم بزرگ که به مذاق شرع مقدم آگاه است،خوب تأمّل کن،چگونه این مطلب غمی بزرگ و عقده ای گلوگیر در دل او شده،چه او به طور کامل مفاسد این کار را می داند،به خلاف آنان که از علوم اهل بیت علیهم السّلام محروم و بی بهره ماندند،و به دانستن سخنی وفق آن عمل کنند،لا جرم کار به جایی می رسد که کتابهایی همچون«مصباح المتهجد،اقبال،مهج الدعوات،جماع الاسبوع،مصباح الزائر،بلد الامین،جنه الواقیه،مفتاح الفلاح،مقیاس،ربیع الاسابیع،تحفه،زاد المعاد».

و امثال این کتب متروک و مهجور شود،و این مجموعه های احمقانه شایع شود،که در دعای مجیر که از دعاهای معتبره مروّیه است،در هشتاد موضع آن کلمه بعفوک زیاد کنند،و کسی انکار نکند،و در دعای جوشن که مشتمل بر صد فصل است،برای هر فصلی یک خاصیتی وضع کنند،و با بودن این همه زیارت مأثوره،زیارت مفجعه جعل نمایند،و با بودن این همه دعاهای معتبر مروّیه با مضامین عالیه و کلمات فصیحه بلیغه،دعایی بی ربط در کمال برودت جعل کنند،و نام آن را دعای حبّی گذارند،و از کنگره عرش آن را ناز کنند،و چندان فضیلت برای آن وضع نمایند که انسان را متحیّر و سراسیمه کنند.از جمله آنکه العیاذ باللّه،جبرئیل از جانب حق سبحانه و تعالی به رسول خدا صلّی اللّه و علیه و آله و سلّم گفته باشد:هر بنده ای که این دعا را با خود دارد،او را عذاب نکنم،اگرچه مستوجب دوزخ باشد،و عمرش را به معصیت گذرانده،و مرا هیچ وقت سجده نکرده باشد،و عنایت کنم آن بنده را ثواب هفتاد هزار پیغمبر،و ثواب هفتاد هزار زاهد،و ثواب هفتاد هزار شهید،و ثواب هفتاد هزار نمازگزار،و ثواب پوشاندن هفتاد هزار برهنه،و ثواب سیر کردن هفتاد هزار گرسنه،و ثوابی مطابق ریگهای بیابان،و ثواب هفتاد هزار بقعه زمین،و ثواب مهر نبوت رسالت پناه و ثواب عیسی روح اللّه و ابراهیم خلیل اللّه،و اسماعیل ذبیح اللّه،و موسی کلیم اللّه،و یعقوب نبی اللّه،و آدم

صفی اللّه،و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و دیگر فرشتگان،یا محمّد هرکه این دعای بزرگوار حبّی را بخواند یا با خود بردارد،او را بیامرزم،و شرم دارم که او را عذاب کنم...الخ!!و سزاوار است،انسان از شنیدن اینها عوض خنده بگرید.کتابهای دعای شیعه،به مرتبه ای متقن و محکم بوده،که غالب آنها که استنساخ می کردند، خودشان از اهل علم بودند،و از روی نسخه هایی که به خط اهل علم و تصحیح شده علما بوده مقابله و تصیحیح می نمودند و اگر اختلافی بود،در حاشیه اش به آن اختلاف اشاره می کردند،مثلا در دعای مکارم الاخلاق،«و بلّغ ایمانی»در حاشیه اش اشاره می کنند،در نسخه ابن اشناس و ابلغ بایمانی است،و در روایت ابن شاذان اللّهم ابلغ ایمانی است،یا مثلا فلان کلمه به خط ابن سکون چنین است،و به خط شهید چنین،و همچنین کار کتابهای معتبر دعا به جایی رسیده،که منحصر به کتاب مفتاح شده که فی الجمله وصفش را شنیدی،و این کتاب مرجع عوام و خواص و عرب و عجم شده،و این نیست،جز از بی اعتنایی اهل علم به حدیث،و اخبار،و رجوع ننمودن به کتب علما و فقهای اهل بیت اطهار و نهی نکردن از امثال این بدعتها،و اضافات،و دسیسه وضّاعان[آنان که از پیش خود جعل حدیث می کنند،و به پیامبر و امام می بندند]و تحریف جاهلان،و جلو نگرفتن از نااهلان،و از تصرّفات بی خردان،تا کار به جایی رسیده که دعاها موافق سلیقه ها تلفیق شده،و زیارتها و مفجعه ها و صلواتها اختراع گشته،و مجموعه های بسیار از دعاهای ساختگی و قلابی چاپ شده،و بچّه مفتاحها متولد گشته،و کم کم سرایت کرده،به سایر کتب رسیده،و شایع و رواج یافته است.مثلا کتاب منتهی الآمال این احقر را تازه طبع کرده اند،بعضی از خطّاطان آن،به سلیقی خود تصرّفاتی در آن نموده،از جمله در احوال مالک بن یسر ملعون نوشته:از دعای امام حسین علیه السّلام هر دو دست او از کار افتاده بود،الحمد للّه،در تابستان همانند دو چوب خشک می گردید الحمد للّه،در زمستان خون از آنها می چکید الحمد للّه،و بر این حال خسران مآل بود الحمد للّه در این دو سطر عبارت،چهار لفظ«الحمد للّه»را کاتب موافق سلیقۀ خود جزو عبارت کرده است،و نیز در بعضی از مواضع کتاب پس از نام جناب زینب یا امّ کلثوم،به سلیقۀ خود لفظ خانم اضافه کرده،که زینب خانم،و امّ کلثوم خانم گفته شود،به خاطر آنکه از آن مخدّرات تجلیل شود،و کاتب حمید بن قحطبه را چون دشمن داشته،به علت بدی او

حمید بن قحبه نوشته،ولی احتیاط نموده قحطبه را به عنوان نسخه بدل آن یادداشت کرده،و عبد ربّه را صلاح دیده عبد اللّه نوشته،و زحر بن قیس را که حاء بی نقطه است،در هر کجای کتاب بوده،به جیم نوشته،و امّ سلمه را غلط دانسته،و تا در امکانش بوده ام ام السلمه کرده،الی غیر ذلک،غرضم از ذکر این مطلب در اینجا دو چیز بود:

یکی آنکه تصرفاتی که این شخص به سلیقهٔ خود کرده،آن را کمال دانسته،و خلافش را نقص فرض کرده،درحالی که آن چیزی که او کمال دانسته باعث نقصان شده است،بنابراین از اینجا قیاس کنیم به چیزهایی که ما از روی جهل و نادانی در دعاها داخل می کنیم،یا به سلیقهٔ ناقص خود بعض تصرفات می نماییم،و آن را کمال فرض می کنیم بدانیم که همان چیزها نزد اهلش سبب نقصان،و بی اعتباری آن دعاها،یا زیارت خواهد بود،پس شایسته است،که ما به هیچ وجه در این باب مداخله نکنیم،و هرچه دستور العمل دادند،به همان رفتار کرده و از آن تخطّی نکنیم،و دیگر غرضم آن بود که معلوم گردد هرگاه نسخه ای که مؤلفش زنده،و حاضر،و نگهبان او باشد،با آن این گونه رفتار کنند،پس با سایر نسخه ها چه کردند، و به کتابهای چاپی دیگر چه اعتماد است؟مگر کتابی که از مصنّفات مشهور علمای معروف باشد،و به نظر ثقه ای از علمای آن فن رسیده،و امضا فرموده باشد.در حال ثقهٔ جلیل،فقیه پیشین در اصحاب ائمه علیهم السّلام یونس بن عبد الرحمن روایت شده است که کتابی در اعمال شبانه روز نوشته بود،جناب ابو هاشم جعفری آن کتاب را به نظر مبارک حضرت عسگری رساند،حضرت تمام آن را مطالعه و به دقت بررسی نمود،پس از آن فرمود:هذا دینی و دین ابائی کلّه و هو الحقّ کلّه این دین من و دین پدران من است،و تمامش حق می باشد،ملاحظ کن که ابو هاشم جعفری،با آنکه بر کثرت علم و فقاهت و جلالت و دیانت جناب یونس مطلّع بوده،در عمل کردن به کتاب او اکتفا نکرده،تا آنکه آن را به نظر مبارک امام خود رسانید.و نیز روایت شده از بورق شنجانی هراتی که مردی معروف به صدق و صلاح و ورع بوده،در سامره خدمت امام حسن عسگری علیه السّلام رسید،و کتاب«یوم و لیله»شیخ جلیل القدر فضل بن شاذان نیشابوری را به آن حضرت داد و گفت:فدایت شوم،می خواهم در این کتاب نظر فرمایی،و ورق ورق آن را ملاحظه کنی،حضرت فرمود:

هذا صحیح ینبغی ان تعمل به این کتاب صحیح است و شایسته است به آن عمل کنی الی غیر ذلک.و این احقر با این

که مذاق مردم این زمان،و عدم اهتمامشان را در امثال این امرو می دانستم،برای اتمام حجت سعی و کوشش بسیار کردم که دعاها و زیارات منقول در این کتاب حتی الامکان،از نسخه های اصل نقل شود،و بر نسخه های متعددی عرضه گردد و به اندازه ای که از عهده بر آید تصحیح آن نمایم،تا عامل به آن از روی اطمینان عمل کند ان شاء اللّه،به شرط آنکه کاتبان و ناسخان،در آن تصرف ننمایند،و خوانندگان،اختراع و سلیقه های خو را کنار گذارند.شیخ کلینی رحمه اللّه از عبد الرحیم قصیر نقل کرده:خدمت امام صادق علیه السّلام رسید،و عرض کرد:فدایت شوم،من از پیش خود دعایی اختراع کرده ام،حضرت فرمود:مرا از اختراع خود بگذار،یعنی آن را کنار گذار،و برای من نقل مکن،و اجازه نداد،دعای جمع کرده اش را نقل کند و خود حضرت برای او دستور العملی عنایت فرمود.شیخ صدوق رحمه اللّه از عبد اللّه بن سنان روایت کرده:امام صادق علیه السّلام فرمود:به همین زودی به شما شبهه ای می رسد،پس می مانید بدون نشانه و راهنما و پیشوای هدایت گر و در آن شبه نجات نمی یابد مگر کسی که دعای غریق را بخواند،گفتم:دعای غریق چگونه است؟فرمود:می گویی:

ای خدا،ای بخشنده،ای مهربان،ای زیروروکنندۀ دلها،دلم را بر دینت پا برجا کن.پس گفتم:ای زیر و رو کنندۀ دلها و دیده ها،دلم را بر دینت پا برجا کن.حضرت فرمود:خدای عزّ و جلّ مقلّب قلوب و ابصار است،ولی چنان که من می گویم بگو:یا مقلّب القلوب ثبّت قلبی علی دینک تأمل در این دو حدیث شریف،برای بیداری کسانی که در دعاها به سلیقۀ خود،بعضی کلمات را زیاد می کنند،و پاره ای تصرّفات می نمایند کافی است،و اللّه العاصم.

بخش دوم:در زیارت حضرت عباس بن علی بن ابی طالب علیه السّلام

شیخ اجل،جعفر بن قولویه قمی به سند معتبر از ابو حمزه ثمالی روایت کرده:امام صادق علیه السّلام فرموده:هرگاه قصد کردی که قبر عبّاس بن علی علیه السّلام را زیارت کنی که در کنار فرات برابر حایر است،بر در روضه می ایستی

و می گویی:سلام خدا و سلام فرشتگان مقرّبش،و پیامبران مرسلش،و بندگان شایسته اش،و همهٔ شهیدان و صدّیقان و درودهای پاک و پاکیزه در آنچه می آید و می رود بر تو باد ای فرزند امیر مؤمنان،شهادت می دهم برای حضرتت به تسلیم و تصدیق و وفا،و خیرخواهی،برای یادگار پیامبر مرسل(درود خدا بر او و خاندانش باد)،و فرزندزادهٔ برگزیده،و راهنمای دانا،و جانشین تبلیغ گر،و ستمدیدهٔ غارت زاده،خدا از جانب پیامبر و امیر مؤمنان و حسن و حسین(درود خدا بر ایشان)جزایت دهد برترین جزا به خاطر این که صبر کردی و کار خویش را تنها به حساب خدا گذاشتی،و یاری نمودی پس چه نیکو سرانجامی است خانه آخرت.خدا لعنت کند کند کسی را که کشت،و لعنت کند کسی را که جاهل بود به حقّت،و حرمتت را سبک شمرد،و خدا لعنت کند کسی را که بین تو و آب فرات پرده شد،شهادت می دهم که تو مظلومانه کشته شدی،و خدا به وعده ای که به شما داده وفا می کند،به سوی تو آمدم ای فرزند امیر مؤمنان دارد به محضر شمایم دلم تسلیم و پیرو شماست،و خود نیز پیرو شمایم،یاری ام برای شما مهیّاست،تا خدا حکم کند،و او بهترین حکم کنندگان است،پس با شمایم تنها با شما نه با دشمن شما،من به شما و بازگشتتان مؤمن،و به آنان که با شما مخالفت کردند،و شمار را کشتند کافرم،خدا بکشد امّتی را که شما را با دستها و زبانهایشان کشتند.

سپس وارد روضه شو،و خود را به ضریح بچسبان و بگو:

سلام بر تو ای بندۀ شایستۀ فرمانبر خدا و رسول خدا،و امیر مؤمنان و حسن و حسین(درود خدا بر آنان باد)،سلام و رحمت خدا و برکات و مغفرت و رضوانش بر تو بر روان و تن تو،شهادت می دهم و خدا را شاهد می گیرم،که تو به همان مسیری رفتی که اهل بدر رفتند،و در آن راه از دنیا گذشتند،آن مجاهدان در راه خدا،و خیرخواهان برای خدا،در مبارزه با دشمنان خدا،و تلاش گران در یاری اولیایش،آن دفاع کنندگان از عاشقانش،خدا پاداشت دهد،به برترین و بیشترین،و کامل ترین پاداش،و وفاکننده ترین پاداش،یکی از آنان که به بیعت او وفا کرد،و دعوتش را اجابت نمود،و از والیان امر اطاعت کرد شهادت می دهم،که در خیرخواهی کوشیدی،و نهایت تلاش را انجام دادی،خدا تو را در زمرۀ شهیدان برانگیزد و روحت را در کنار ارواح نیکبختان قرار دهد،و از بهشتش وسیع ترین منزل را به تو عطا کند،و برترین غرفه ها را ارزانی نماید،و نامت را در بالاترین درجات بالا برد،و با پیامبران و صدّیقان و شهدا و شایستگان مشحور نماید،آنها خوب رفیقانی هستند،شهادت می دهم که تو سستی نورزیدی،و باز نایستادی،و بر آگاهی از کارت از دنیا رفتی،در حال پیروی از شایستگان،و پیروی از پیامبران پس خدا بین ما و رسول خود و اولیایش در جایگاهای فروتنان گرد آورد که او مهربان ترین مهربانان است.

مؤلف گوید:خوب است این زیارت را،پشت سر قبر،به طرف قبله بخوانی،چنان که شیخ در«تهذیب»

ص:676

چنین فرموده:سپس وارد شو.و خود را با رو به قبر بیانداز،و چنین بگو درحالی که رو به جانب قبله ای السّلام علیک ایّها العبد الصّالح و بدان که زیارت قمر بنی هاشم موافق روایت مذکور،همین بود که ذکر شد،ولی سید ابن طاووس و شیخ مفید و دیگران پس از این زیارت فرموده اند که به سمت بالا سر برو،و دو رکعت نماز بخوان،و بعد از آن هرچه خواهی نماز بجا آور،و بسیار خدا را بخوان و پس از نماز بگو:خدایا درود فرست بر محمّد و خاندان محمّد،و در این مکان مکرّم،و زیارتگاه بزرگ،برای من گناهی مگذار جز آنکه بیامرزی،و نه اندوهی جز آنکه برطرف نمایی،و نه بیماری جز آنکه شفا دهی،و نه عیبی جز آنکه بپوشانی،و نه رزقی جز آنکه بگسترانی،و نه ترسی جز آنکه ایمنی دهی،و نه پراکندگی جز آنکه گرد آوری،و نه دور از نظری جز آنکه حفظ کنی و دیدارش را نزدیک نمایی،و نه حاجتی از حاجتهای دنیا و آخرت،که تو را در آن رضایت و مرا در آن مصلحت است جز آنکه برآوری،ای مهربان ترین مهربانان.بعد به جانب ضریح بازگرد،و نزد پاهای مبارک بایست و بگو:سلام بر تو ای ابا الفضل العباس فرزند امیر مؤمنان،سلام بر تو ای فرزند سرور جانشینان،سلام بر تو ای فرزند اولین نفر امت در اسلام آوردن،و پیشترینشان در ایمان و استوارترینشان در پای بندی به دین خدا،و بااحتیاطترینشان بر اسلام،شهادت می دهم که تو برای خدا و رسولش و برادرت خیرخواهی نمودی،پس چه خوب برادر همدردی بودی،خدا لعنت کند امتی را که تو را کشت،و لعنت کند امتی را که به تو ستم روا داشت،و لعنت کند امتی را که حرمتهای تو را حلال شمرد،و پردۀ احترام اسلام را درید،پس چه نیکو صبرکننده،جهادگر حامی،یاری دهنده و برادر دفاع کننده از برادرش بودی،و پاسخ دهنده طاعت پروردگارش،و علاقمند به آنچه دیگران به

بی رغبت شدند،که همان پاداش بزرگ،و ستایش زیباست،و خدا تو را به درجهٔ پدرانت،در بهشتهای پرنعمت ملحق کرد.خدایا معترض زیارت اولیایت شدم به خاطر رغبت در پاداشت،و امید به آمرزشت،و احسان فراوانت،پس از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان پاکش درود فرستی،و روزی ام را به خاطر ایشان زیاد نمایی و زندگی ام را به خاطر آنان برقرار داری،و زیارتم را به حق آنان مقبول قرار دهی،و حیاتم را دلپسند فرمایی،و مرا با گروه اهل کرامت همراه نمایی و از کسانی قرار دهی که از زیارت زیارتگاه های عاشقانت رستگار و کامیاب بازمی گردند،درحالی که مستوجب آمرزش گناهان،و پوشیدن عیبها،و برطرف شدن گرفتاریها شده باشد،به راستی تو اهل پروا و آمرزشی.

چون بخواهی آن حضرت را وداع کنی،به نزد قبر شریف برو،و این جملات را که در روایت ابو حمزه ثمالی است،و علما هم ذکر کرده اند بگو:تو را به خدا می سپارم و خواستار رعایت توأم،و بر تو سلام می فرستم،ایمان آوردیم به خدا و رسول و کتابش،و به آنچه پیامبر از پیش خدا آورد،خدایا ما را با گواهان این حوادث بنویس،خدا آن را آخر عهد من از زیارت قبر فرزند برادر رسولت(درود خدا بر او و خاندانش باد)قرار مده،و زیارتش را همواره تا زنده ام می داری روزی من فرما،و مرا با او و با پدرانش در بهشت محشور گردان،و میان من و او و رسول و اولیایت شناسایی ایجاد کن.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و مرا بمیران،بر پایهٔ ایمان به خود،و باور نسبت به پیامبرت،و ولایت امیر مؤمنان

و امامان از فرزندانش(درود بر آنان باد)و بیزاری از دشمنانشان،که من ای پروردگارم همانا به این امر خشنودم،و درود خدا بر محمّد و خاندان محمّد.پس برای خود،و برای پدر و مادر و مؤمنان و مسلمانان دعا کن،و از دعاها هر دعایی را که می خواهی اختیار کن.

مؤلّف گوید:در خبری از حضرت سجاد علیه السّلام آنچه حاصلش این است روایت شده:خدا رحمت کند عباس علیه السّلام را که نسبت به برادر خود ایثار کرد،و جانش را فدای آن حضرت نمود،تا این که در راه یاری او دو دستش را از بدن جدا کردند و خدا به جای دو دست او دو بال به آن جناب عنایت فرمود،که مانند جعفر بن ابی طالب با آن دو بال همراه فرشتگان در بهشت پرواز می کند،و برای عباس در قیامت نزد خدا مقامی است که مورد غبطه همهٔ شهداست،و تمام شهیدان را آرزوی مقام اوست،روایت شده:قمر بنی هاشم به هنگام شهادت سی و چهار ساله بود،و امّ البنین مادر آن حضرت در ماتم او و سه برادر دیگر عباس به بقیع می رفت و چنان ندبه و گریه می کرد،که هر شخصی از آنجا می گذشت گریان می شد،گریستن دوستان عجبی نیست،مروان بن حکم که از بزرگترین دشمنان خاندان نبوّت بود،چون بر ماتم امّ البنین عبور می کرد،از اثر گریهٔ او گریه می کرد و این اشعار از امّ البنین در مرثیهٔ قمر بنی هاشم و دیگر پسرانش نقل شده است:

ای که عباس را دیدی حمله می کرد بر توده های فرومایه*و از فرزندان حیدر هر شیر یال داری دنبال او بود* خبردار شده ام که به سر فرزندم ضربت وارد شده درحالی که بریده دست بود*وای بر من بر شیر بچه ام که ضربت عمود سرش را خمیده کرد* اگر شمشیرت در دستت بود کسی نمی توانست به تو نزدیک شود و نیز از اوست:

وای بر تو مرا دیگر مادر پسران مخوان*که مرا به یاد شیران بیشه ام می اندازی*

مرا پسرانی بود،که به آنان خوانده می شوم*اما امروز برای من پسرانی نیست* چهار پسر مانند کرکسان بلندیها*که با بریده شدن رگ حیات یکی پس از دیگری به مرگ پیوستند* نیزه ها بر پیکرهایشان ستیزه داشتند*همه آنان با تن مجروح به خاک افتادند* ای کاش می دانستم آن چنان است که خبر دادند*این که دست عباسم بریده شده بود

بخش سوم:در زیارات مخصوصه حضرت ابو عبد اللّه الحسین علیه السّلام

اشاره

و آن چند زیارت است:

اول:زیارت اول رجب و نیمۀ آن و نیمۀ شعبان

از امام صادق علیه السّلام روایت شده:هرکه در روز اول ماه رجب امام حسین علیه السّلام را زیارت کند.البته حق تعالی او را بیامرزد،از ابن ابی نصر نقل شده:از حضرت رضا علیه السّلام پرسید،در کدام وقت بهتر است امام حسین علیه السّلام را زیارت کنیم،ایشان فرمود:در نیمۀ رجب و نیمۀ شعبان.شیخ مفید و سیّد ابن طاووس گفته اند:این زیارت که ذکر می شود برای روز اول رجب و شب نیمۀ شعبان است،ولی شهید شب اول رجب و شب و روز نیمۀ رجب و روز نیمۀ شعبان را،بر آن افزوده.پس بنا بر فرموده شهید،این زیارت برای شش وقت است.کیفیت این زیارت چنین است:هرگاه در این اوقات خواستی ابو عبد اللّه الحسین علیه السّلام را زیارت کنی.غسل کنی.و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و بر در بارگاه آن حضرت به طرف قبله بایست و سلام کن بر جناب رسول خدا صلّی اللّه و علیه و آله و سلّم و بر امیر مؤمنان علیه السّلام و بر حضرت فاطمه و بر امام حسن و امام حسین و بر دیگر امامان علیهم السّلام،پس از این در اذن دخول زیارت عرفه،کیفیّت سلام کردن بر این بزرگواران خواهد آمد[صفحۀ 698]،سپس وارد شو،و نزد ضریح مقدّس بایست و صد مرتبه بگو:اللّه اکبر آنگاه بخوان:

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا،سلام بر تو ای فرزند خاتم پیامبران،سلام بر تو

ای فرزند آقای رسولان،سلام بر تو ای فرزند آقای جانشینان،سلام بر تو ای ابا عبد اللّه،سلام بر تو ای حسین بن علی،سلام بر تو ای فرزند فاطمه سرور بانوان جهانیان سلام بر تو ای ولیّ خدا و فرزند ولیّ خدا،سلام بر تو ای برگزیدۀ خدا،و فرزند برگزیدۀ خدا،سلام بر تو ای حجّت خدا و فرزند حجّت خدا،سلام بر تو ای حبیب خدا و فرزند حبیب خدا،سلام بر تو ای نمایندۀ خدا و فرزند نمایندۀ خدا،سلام بر تو ای خزانه دار کتاب بر نوشته،سلام بر تو ای وارث تورات و انجیل و زبور،سلام بر تو ای امین رحمان،سلام تو ای همردیف قرآن،سلام بر تو ای ستون دین،سلام بر تو این دروازۀ حکمت پروردگار جهانیان،سلام بر تو ای دروازه و فروریزی گناهان،که هرکه بر آن وارد شد،از ایمنان بوده سلام بر تو ای خزانه دار علم خدا،سلام بر تو ای جایگاه راز خدا،سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خون خدا،و ای تنهای مظلوم،سلام بر تو و بر ارواحی که به درگاهت فرود آمدند و به بارگاهت بار انداختند،پدر و مادر و جانم به فدایت ای ابا عبد اللّه هر آینه مصیبتت بر ما و همۀ اهل اسلام بزرگ شده و عزایت برجسته گشته،خدا لعنت کند امّتی را که اساس ستم ولی عدالتی را بر شما اهل بیت بنیان نهاد،خدا لعنت کند امتی را که شما را از مقامتان دور کرد،و از مرتبه هایتان

ص:681

که خدا برای شما چیده بود برکنار نمود،پدر و مادر و جانم به فدایت ای ابا عبد اللّه،هر آینه به خاطر خونهای شما سقفهای عرش،با نهادهای خلایق به لرزه افتاد،و آسمان و زمین و ساکنان بهشت،و خشکی و دریا بر شما گریست،درود خدا بر تو،به شمارۀ آنچه در عالم خداست،لبیّک خوانندۀ خدا،اگر بدنم هنگام استغاثه ات،و زبانم وقت یاری خواستنت،پاسخت را نداد هر آینه دل و گوش و چشمم پاسخت را داد،منزّه است پروردگار ما که وعده پروردگار ما به راستی انجام شدنی است،گواهی می دهم که تو پاک و پاکیزه پاک شده ای،از نسل پاک و پاکیزه و پاک گشته،پاک شدی و شهرها به وسیلۀ تو پاک شد،و پاک شد زمینی که تو در آن هستی،و پاک شد حرمت،گواهی می دهم که تو امر به عدل و داد نمودی،و دعوت کردی به آن دو حقیقت،و هر آینه تو راستگو و راست پیشه ای،در آنچه به سوی آن دعوت کردی راست گفتی،و تو خون خدا در زمین هستی،و شهادت می دهم که آنچه وظیفه ات بود به خوبی رساندی از جانب خدا،و جدّت رسول خدا،و پدرت امیر مؤمنان،و برادرت حسن و خیرخواهی نمودی،و در راه خدا جهاد کردی،و خدا را مخلصانۀ بندگی نمودی تا مرگ تو را دررسید،خدا پاداشت دهد،بهترین پاداشت پیشی گیران،درود و سلام کامل خدا بر تو،خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و درود فرست بر حسین مظلوم،حسین شهید و رشید،کشتۀ اشکها و دچار اندوه ها و نارحتیها،درودی فزاینده،مبارک،که بالا رود آغازش،و سپری نگردد انجامش،برترین

ص:682

درودی که بر یکی از فرزندان پیامبران مرسلت فرستادی،ای معبود جهانیان.آنگاه قبر مطهّر را ببوس و طرف راست صورت خود را بر قبر بگذار،و پس از آن طرف چپ را،سپس دور قبر بگرد،و چهار جانب قبر را ببوس،شیخ مفید رحمه اللّه فرموده است:آنگاه به سوی قبر علی بن الحسین علیه السّلام برو،و نزد قبر آن جانب بایست و بگو:

سلام بر تو ای صدّیق پاک و پاکیزه،محبوب و مقرّب،و فرزند گل معطّر رسول خدا،سلام بر تو ازآن رو که شهیدی و عامل در راه خدا،و رحمت و برکات خدا بر تو باد،چه گرامی است مقاومت و چه باشرافت است بازگشتگاهت،گواهی می دهم که خدا از کوششت قدردانی نمود،و پاداشت را شایان ساخت،و به مرتبه ای بس بلند ملحقت نمود،جایی که شرف است،همهٔ شرف،و در غرفه های بلند چنان که از پیش بر تو منّت نهاد،و تو را از اهل بیتی قرار داد،که خدا،پلیدی را از آنها دور ساخت و پاکشان نمود،پاک ساختنی کامل،درود و رحمت و برکات و خشنودی خدا بر تو باد،به سوی پروردگارت،ای آقای پاک شفیع شو،در فرو ریختن گناهان از پرونده ام،و سبک شدن آنها از من،رحم کن به خواری و فروتنی ام در برابرت،و در برابر سرور پدرت،درود خدا بر شما هر دو باد.پس خود را به قبر بچسبان و بگو:خدا در شرفتان در آخرت بیفزاید،چنان که در دنیا شما را شرافت داد،و خوشبختتان کند چنان که خوشبخت گردانید،و من گواهی می دهم که شما نشانه های دین و ستارگان جهانید و سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد.سپس به جانب شهدا رو کن و بگو:

سلام بر شما ای یاوران خدا،و یاوران رسول خدا،و یاوران علی بن ابی طالب،و یاوران فاطمه،و یاوران حسن و حسین،و یاوران اسلام،گواهی می دهم که شما برای خدا خیرخواهی نمودید،و در راهش جهاد گردید،پس خدا شما را از سوی اسلام و اهلش،پاداش ارزنده دهد،برترین پاداش،به رستگاری رسیدید به خدا قسم،رستگاری بزرگ،ای کاش من هم با شما بودم،و به رستگاری بزرگ می رسیدم،گواهی می دهم که شما نزد خدا زنده هستید و روزی داده می شوید،و گواهی می دهم که شما شهیدان و سعادتمندانید،و رستگاران در درجات بلند،سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد.پس از آن بازگرد،و نزدیک سر مبارک آن حضرت بیا،و نماز زیارت بخوان و برای خود و پدر و مادر و برادران مؤمن دعا کن.بدان که سیّد ابن طاووس برای حضرت علی اکبر و دیگر شهدا(قدّس اللّه ارواحهم)زیارتی مشتمل بر اسامی آنان نقل کرده که ما به ملاحظۀ اختصار و شایع بودن و اشتهار ان زیارت،از ذکر ان خودداری کردیم.

دوم:زیارت امام حسین علیه السّلام در نیمۀ رجب

غیر زیارتی که گذشت،و آن زیارتی است که شیخ مفید رحمه اللّه در کتاب«مزار»نقل کرده،و از زیارات مخصوصۀ نیمۀ رجب است،نیمۀ رجبی که آن را«غفیله»می گویند،به سبب غفلت عموم مردم از فضیلت آن،چون در این وقت زیارت آن حضرت را قصد کردی،وارد حرم مطهّر شو و سه مرتبه بگو:اللّه اکبر و نزد قبر نورانی حضرت بایست و بگو:

سلام بر شما ای خاندان خدا،سلام بر شما ای برگزیدگان خدا،سلام بر شما ای انتخاب گشته های خدا از میان خلق،سلام بر شما ای آقایان آقاها،سلام بر شما ای شیران بیشه ها،

سلام بر شما ای کشتیهای نجات،سلام بر تو ای ابا عبد اللّه الحسین،سلام بر تو ای وارث دانش پیامبران،رحمت و برکات خدا بر تو باد،سلام بر تو ای وارث آدم برگزیدۀ خدا سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا،سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا سلام بر تو ای وارث اسماعیل قربانی خدا،سلام بر تو ای وارث موسی همسخن خدا سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا،سلام بر تو ای وارث محمّد حبیب خدا سلام بر تو ای فرزند محمّد مصطفی،سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی،سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا،سلام بر تو ای فرزند خدیجه کبری،سلام بر تو ای شهید فرزند شهید،سلام بر تو ای کشته فرزند کشته،سلام بر تو ای ولیّ خدا و فرزند ولیّ خدا سلام بر تو ای حجّت خدا و فرزند حجّت خدا بر خلقش،گواهی می دهم که تو نماز بپا داشتی،و زکات پرداختی،و به معروف امر کردی،و از منکر نهی نمودی،و مصیبت زدۀ پدر و مادر شدی،و با دشمنت جهاد کردی،و گواهی می دهم که تو سخن را می شنوی،و پاسخ می دهی،و تو حبیب و دوست و بندۀ نجیب و برگزیده و فرزند برگزیدۀ خدایی،ای مولای من و فرزند مولای من مشتاقانه تو را زیارت نمودم.ای آقای من به درگاه خدا شفیع من باش،ای آقای من،به درگاه خدا طلب شفاعت می کنم به وسیلۀ جدّت سرور پیامبران،و پدرت سرور

ص:685

جانشینان،و مادرت فاطمه سرور بانوان جهانیان،خدایا لعنت کند قاتل و ستمگر و غارت گر و دشمنت را از گذشتگان و آیندگان،و درود خدا بر آقای ما محمّد و خاندان پاک و پاکیزه اش.سپس قبر مطهّر را ببوس و رو به جانب علی بن الحسین علیه السّلام کن و در زیارت آن جناب بگو:سلام بر تو ای مولای من و فرزند مولای من،خدا لعنت کند کشندهٔ تو و ستم کننده بر تو را،من به زیارت شما و محبتّتان به خدا تقرب می جویم،و از دشمنانتان اعلام بیزاری می کنم سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای مولایم.بعد برو تا به قبور شهدا(رضوان اللّه علیهم)برسی آنجا بایست و بگو:سلام بر ارواح خفته در کنار قبر ابی عبد اللّه الحسین (درود بر او)،سلام بر شما ای پاکان از آلودگی،سلام بر شما ای هدایت شده گان سلام بر شما ای نیکان خدا،سلام بر شما و بر همهٔ فرشتگان پیرامون قبرهایتان خدا ما و شما را در جایگاه رحمتش و زیر عرشش گرد آورد،که او مهربان ترین مهربانان است،و سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد.

بعد از آن به حرم عباس بن امیر المؤمنین رفته و چون به آنجا رسیدی بر در بارگاه آن جناب بایست و بگو:

سلام اللّه و سلام ملائکته المقربّین تا آخر زیارت آن حضرت که پیش از این گذشت[صفحهٔ 675]

ص:686

سوم:زیارت امام حسین علیه السّلام در نیمه شعبان

بدان که احادیث بسیاری در فضیلت زیارت آن حضرت،در نیمۀ شعبان وارد شده که در این باب کافی است تنها به برخی از آنها اشاره شود.از جمله به چندین سند معتبر از حضرت زین العابدین و امام صادق علیهما السّلام نقل شده:هرکه می خواهد صد و بیست و چهار هزار پیامبر با او مصافحه کنند،باید قبر ابی عبد اللّه الحسین علیه السّلام را در نیمۀ شعبان زیارت کند به درستی که فرشتگان و ارواح پیامبران رخصت می طلبند،و به زیارت آن حضرت می آیند،پس خوشا به حال آنکه مصافحه کند با ایشان،و ایشان مصافحه کنند با او،و با آنانند پنج پیامبر اولوالعزم:نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمّد صلّی اللّه علی و آله و علیهم اجمعین).راوی گفت:پرسیدم،برای چه آنان را اولوالعزم می نامند؟فرمود:به خاطر اینکه ایشان به مشرق و مغرب و جنّ و انس مبعوث شده اند.و اما الفاظ زیارت،پس به دو صورت نقل شده:

یکی همان زیارت که برای اوّل رجب روایت شده بود و دیگر زیارتی است که شیخ کفعمی در کتاب«بلد الأمین»از امام صادق علیه السّلام آورده،و آن زیارت چنین است:نزد قبر آن حضرت می ایستی و می گویی: سپاس خدای والای بزرگ را و سلام بر تو ای بندۀ شایسته پاکیزه،گواهی و شهادتی را از جانب خود به تو می سپارم،تا در روز شفاعتت به تو نزدیکم کند،گواهی می داهم که تو کشته شدی،و هرگز نمردی،بلکه به امید زنده بودنت دلهای شیعیانت زنده شد،و خواهندگان به روشنایی نورت،به سوی تو راه یافتند،و گواهی می دهم که تویی نور خدا،که هرگز خاموش نشد و هیچگاه نخواهد شد،و اینکه تویی جلوۀ خدا که نابود نشد،و هرگز نمی شود،و گواهی می دهم که این تربت،تربت توست،و این حرم،حرم توست،و این جایگاه،جایگاه توست،به خدا قسم،خوار

نیست عزیز دارنده ات،و مغلوب نیست یارت،این شهادتی است برای من نزد تو،تا روز تسلیم جانم در حضورت،و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

چهارم:زیارت امام حسین علیه السّلام در شبهای قدر

بدان که احادیث در فضیلت زیارت امام حسین علیه السّلام در ماه مبارک رمضان به ویژه شب اوّل و نیمه و آخر و در خصوص شب قدر بسیار است.از امام جواد علیه السّلام نقل شده هر که امام حسین علیه السّلام را در شب بیست و سوم ماه رمضان زیارت کند،و آن شبی است که امید می رود شب قدر باشد،و در آن شب هر امر محکمی جدا و مقدّر می گردد،روح بیست و چهار هزار فرشته و پیغمبر،که همه از خدا در این شب برای زیارت آن حضرت رخصت می طلبند،با او مصافحه کنند.و در حدیث معتبر دیگری از امام صادق علیه السّلام روایت شده:چون شب قدر می شود،منادی از آسمان هفتم از پشت عرش ندا سر می دهد:حقتعالی آمرزید هرکه را به زیارت قبر حسین علیه السّلام آمده و در روایت دیگری است هر که شب قدر نزد قبر آن حضرت باشد و دو رکعت نماز یا آنچه میسیر میشود نزد آن حضرت بخواند و از خدا بهشت درخواست کند و از آتش پناه ببرد حقتعالی خواهش او را به او عطا فرماید و از آتش پناهش دهد.ابن قولویه از امام صادق علیه السّلام روایت کرده هر که در ماه رمضان قبر امام حسین علیه السّلام را زیارت کند و در راه زیارت بمیرد و برای او عرض و حسابی نخواهد بود و به او بگویند بدون ترس و بیم وارد بهشت شود اما متنی که در شب قدر امام حسین علیه السّلام به آن زیارت میشود چنان است که شیخ مفید و محمّد بن مشهدی و ابن طاووس و شهید رحمهم اللّه در کتب«مزار»ذکر کرده اند و آن زیارت را مختصّ به این شب و روزهای عید فطر و قربان قرار داده اند و شیخ محمّد بن مشهدی به اسناد معتبر خود آن را از امام صادق علیه السّلام روایت کرده و گفته که آن حضرت فرمودند:وقتی خواستی ابو عبد اللّه الحسین علیه السّلام را زیارت کنی به مشهد آن حضرت برو البته بعد از آنکه غسل کرده و پاکیزه ترین جامه های خود را پوشیده باشی چون نزد قبر آن حضرت ایستادی،روی خود را به جانب آن حضرت کن و قبله را میان دو کتف خود قرار ده و بگو:

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا،سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان،سلام بر تو ای فرزند صدّیقه طاهره فاطمه،سرور زنان جهانیان،سلام و رحمت و

برکات خدا بر

ص:688

تو ای مولایم ابا عبد اللّه،گواهی می دهم که تو نماز بپا داشتی،و زکات پرداختی،و امر به معروف نمودی،و نهی از منکر کردی،و قرآن را تلاوت نمودی تلاوتی شایسته،و برای خدا جهاد کردی جهادی درخور،دربارۀ خدا بر آزارها صبر کردی.درحالی که به حساب خدا گذاشتی،تا مرگت دررسید،گواهی می دهم انان که با تو مخالفت کردند و جنگیدند،و از یاری ات دریغ ورزیدند و تو را کشتند،بر زبان پیامبر درس ناخوانده معلونند و البته زیانکار است کسی که دروغ است،خدا ستمکاران بر شما را از گذشتگان و آیندگان لعنت کند،و عذاب دردناک را بر آنان دو چندان نماید،ای مولایم ای فرزند رسول خدا به زیارتت آمدم،عارف به حقّت،دوستدار دوستانت،دشمن دشمنانت،بینا بر آن هدایتی که بر آن بودی،آگاه به گمراهی کسی که با تو مخالفت ورزید،پس برایم نزد پروردگارت.انگاه خود را به قبر بچسبان،و صورت خویش را بر آن گذار،سپس به جانب سر مقدس رفته و بگو:سلام بر تو ای حجّت خدا در زمین و آسمان،درود خدا بر روح پاک و پیکر پاکیزه ات،و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای مولایم.پس خود را به قبر مبارک بچسبان،و آن را ببوس،و صورت خود را بر آن بگذار،و به جانب سر مبارک بازگرد،آنگاه دو رکعت نماز زیارت بجای آر،و بعد از آن به هر اندازه ای که توانستی نماز بخوان،پس از آن به سمت پایین پا برو و علی بن الحسین علیهما السّلام را زیارت کن و بگو:

سلام و رحمت و برکات خدا بر تو،ای مولای من و پسر مولای من،خدا لعنت کند کسی را که به تو ستم کرد

خدا لعنت کند کسی را که تو را کشت،و عذاب دردناک را بر آنان دو چندان کند.و به آنچه می خواهی دعا کن سپس شهدا را درحالی که میل کنی از سمت پا به طرف قبله،زیارت کن و بگو:سلام بر شما ای راستی پیشگان سلام بر شما ای شهیدان شکیبا،گواهی می دهم که شما در راه خدا جهاد کردید،و در بارۀ خدا بر آزارها صبر کردید،و برای خدا و رسولش خیرخواهی نمودید،تا مرگتان فرا رسید،گواهی می دهم که شما نزد پروردگارتان زنده اید و روزی داده می شوید،خدا از سوی اسلام و اهلش،به شما پاداش دهد،برترین پاداش نیکوکاران، و در جایگاه ناز و نعمت میان ما و شما جمع کند.پس به زیارت قمر بنی هاشم می روی،همین که آنجا رسیدی و نزد آن جناب ایستادی و بگو:سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان،سلام بر تو ای بندۀ شایسته، فرمانبردار خدا و رسول خدا،گواهی می دهم که تو جهاد کردی و خیرخواهی نمودی و شکیبایی ورزیدی تا مرگ تو را دررسید خدا ستم کنندگان به شما را،از گذشتگان و آیندگان لعنت کند،و به هلاکتگاه دوزخ ملحق نماید.

آنگاه زائر در مسجد آن جناب هرچه که خواهد نماز مستحبّی بجا آورد،و سپس بیرون رود.

پنجم:زیارت امام حسین علیه السّلام در عید فطر و قربان

به سند معتبر از امام صادق علیه السّلام روایت شده:هرکه در یک شب از سه شب ذیل قبر امام حسین علیه السّلام را زیارت کند، گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود:شب عید فطر یا قربان یا نیمۀ شعبان.و به روایت معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام روایت شده:سه شب است که هر که در آنها حضرت امام حسین علیه السّلام را زیارت کند،گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده

می شود:شب نیمهٔ شعبان و شب بیست و سوم ماه رمضان و شب عید فطر،از امام صادق علیه السّلام روایت شده:کسی که امام حسین علیه السّلام را در شب نیمهٔ شعبان و شب عید فطر و شب عرفه زیارت کند،حق تعالی برای او در یک سال:هزار حجّ پذیرفته و هزار عمره پذیرفته بنویسد و برای او هزار حاجت دنیا و آخرت را برآورده کند.و از امام باقر علیه السّلام روایت شده:هرکه شب عرفه در زمین کربلا باشد و آنجا بماند تا زیارت روز عید قربان کند و برگردد حقتعالی او را از شرّ آن سال نگاه دارد.بدان که علما برای این دو عید شریف دو زیارت نقل کرده اند:یکی زیارتی که برای شبهای قدر ذکر شده و دیگر این زیارت است که ذکر میشود و از کلمات ایشان ظاهر میگردد که زیارتی که گذشت برای روزهای عید فطر و عید قربان است و زیارتی که ذکر می شود برای شبهای عید فطر و قربان در هر صورت فرموده اند:چون در این دو شب زیارت آن حضرت را اراده کنی بر در بارگاه بایست و به جانب قبر نظر کن و برای اذن دخول بگو:

ای مولای من ای ابا عبد اللّه،ای فرزند رسول خدا،بنده ات و فرزند کنیزت،خوار در برابرت،و کوچک شده در برابر بلندی مقامت،و اعتراف کننده به حقّت،پناه خواه به سویت آمد،آهنگ حرمت نموده رو به سوی مقامت کرده،به وسیلهٔ تو متوسّل به خدای تعالی است،آیا وارد شوم ای مولای من،آیا وارد شوم ای ولی خدا،آیا وارد شوم ای فرشتگان خدا،ای در بر گیرندگان این حرم،ای مأوی گزیدگان در این زیارتگاه.

پس اگر دلت خاشع شد،و دیده ات گریان گشت،وارد شو،و پای راست را بر پای چپ مقدّم بدار و بگو:

به نام خدا و در راه خدا،و بر آیین رسول خدا.خدایا مرا در منزلی با برکت فرود آر،که تو بهترین فرود آورندگانی.خدا بزرگتر است بزرگتر،و سپاس بسیار خدای را،و منزّه است در هر بامداد شامگاه،سپاس خدای را،خدای فرد،بی نیاز،بزرگوار،تفضّل کننده،نعمت بخش،بزرگوار به بخشش

به بخشش،بسیار مهربان،آنکه از بزرگواری در بخشش،زیارت مولایم را به احسانش بر من آسان نمود،و از زیارتش مرا باز نداشت و از پناهش دورم ننمود،بلکه بر من لطف و احسان فرمود.پس وارد شو،چون به میان روضه رسیدی با حال خضوع و گریه و تضرّع،برابر قبر مطهّر بایست و بگو:سلام بر تو ای وارث آدم برگزیدۀ خدا،سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا،سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا،سلام بر تو ای وارث موسی همنشین خدا،سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا،سلام بر تو ای وارث محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)حبیب خدا،سلام بر تو ای وارث علی حجّت خدا،سلام بر تو ای جانشین نیکوکار باتقوا،سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خون خدا،و ای تنهایی ستمدیده،گواهی می دهم که تو نماز بپا داشتی،و زکات پرداختی،و امر به معروف نمودی و نهی از منکر کردی،و در راه خدا به جهاد برخواستی،جادی شایسته،تا حرم تو مباح شمرده شد،و مظلومانه کشته شدی.

پس با دلی خاشع و چشمی گریان نزد سر مقدس بایست و بگو:

سلام بر تو ای ابا عبد اللّه،سلام بر تو ای فرزند رسول خدا،سلام بر تو ای فرزند آقای جانشینان،سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا،سرور بانوان جهانیان،سلام بر تو ای قهرمان مسلمانان،ای مولای من،گواهی می دهم که تو نوری بودی در صلبهای بلندمرتبه،و

رحمهای پاکیزه،جاهلیت تو را نیالود به ناپاکیهایش،و از جامه های تیره و تارش به تو نپوشانید و گواهی می دهم،که تو از استوانه های دین و پایه های مسلمانان،و پناهگاه مردم مؤمنی،و گواهی می دهم که تویی پیشوای نیکوکار،باتقوا،خشنودکنندۀ حق،پاک،هدایت گر،هدایت شده،و گواهی می دهم که امامان از فرزندانت پایه های تقوا،و نشانه های هدایت،و دستاویز محکم،و حجّت بر اهل دنیا هستند.

پس خود را به قبر بچسبان و بگو:ما از خداییم و به سوی او باز می گردیم،ای مولای من،من دوستدار دوست شما،و دشمن دشمن شماییم،به شما مؤمنم،به بازگشتتان یقین دارم،بر پایۀ قوانین دین و عواقب عملم،لدم نسبت به دل شما تسلیم و کارم پیرو کار شماست،ای مولای من ترسان به نزدت آمدم،پس مرا ایمین ده،و آمدم پناهنده،پس پناهم ده و تهیدست آمدم،پس بی نیازم گردان،آقا و مولای من،تو مولای منی،حجّت خدا بر همۀ خلقی، ایمان آوردم به نها و آشکارتان،به ظاهر و باطنتان،و اوّل و آخرتان،و گواهی می دهم که تو البته تلاوت کنندۀ کتاب خدایی و امین خدا،و دعوت کننده به سوی خدا با حکمت و موظعه حسنه ای،خدا لعنت کند امّتی را که به تو ستم کردند،و تو را کشتند،و خدا لعنت کند امّتی را که این حادثه را شنیدند و به آن خشنود شدند.سپس دو رکعت نماز،نزد سر آن حضرت بخوان و چون سلام دادی بگو:خدایا برای تو نماز خواندم،و برای تو رکوع کردم،و برای تو سجده نمودم،یکتایی و شریکی نداری،همانا نماز و رکوع و سجود،جز برای تو

ص:693

جایز نمی باشد،زیرا تو خدایی که معبودی جز تو نیست.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و برترین سلام و تحیّت را از سوی من به ایشان برسان،و سلام ایشان را به من بازگردان.خدایا و این دو رکعت هدیه ای است از جانب من به آقایم حسین بن علی(درود بر ایشان).خدایا بر محمّد و بر او درود فرست این دو رکعت نماز را از من بپذیر،و بر آن دو رکعت پاداشم ده به برترین امید و آرزویم نسبت به تو و ولیّ و ولیّ ات ای ولیّ مردم مومن

پس خود را به قبر بچسبان و آن را ببوس و بگو:سلام بر حسین بن علی مظلوم شهید کشتهٔ اشکها،گرفتار غمها و غصه ها.خدایا شهادت می دهم او ولیّ تو و فرزند ولیّ تو،و برگزیدی تو و قیام کننده به حق تو است،او را گرامی داشتی به کرامتت،و برای او به شهادت ختم کردی،و او را آقایی از آقایان و پیشوایی از پیشوایان قرار دادی،و به پاکی ولادت گرامی اش داشتی،و میراثهای پیامبران را به او اعطا نمودی،و قرار دادی او را حجّت بر خلق از میان پیشوایان،پس در دعوت به خدا،برهان وحّت را القاء کرد،و در خیرخواهی کوتاهی ننمود،و نثار کرد جانش را در راه تو،تا بنگانت را از نادانی و سرگردانی و گمراهی نجات داد،در صورتی که بر ضدّش همدست شدند،کسانی که دنیا فریبشان داد و بهره خود را از آخرت به پایین ترین چیزی فروختند،و خود را در هوای نفس خویش سرنگون کردند،و تو را و پیامبرت را به خشم آوردند،و از میان بندگانت از شکاف اندازان دورو و آنان که بارکشان گناه،و سزاوار آتش دوزخ بودند اطاعت کردند،پس با آنها برای تو شکیبایی و به حساب تو جهاد کرد،بدون اینکه از دشمن رو برگرداند،برای تو سرزنش ملامت گران را

به چیزی نگرفت،تا جایی که خونش در طاعت تو ریخته شد،و هتک حریمش حلال شمرده شد.خدایا آنان را لعنت کن لعنتی ناگوار و سخت و عذابشان کن عذابی دردناک.بعد به جانب علی بن الحسین علیهما السّلام برگرد،و آن جناب در طرف پای مبارک حضرت حسین علیه السّلام است،آنگاه بگو:سلام بر تو ای ولیّ خدا،سلام بر تو ای فرزند رسول خدا،سلام بر تو ای فرزند خاتم انبیا،سلام بر تو ای فرزند فاطمه،سرور بانوان جهانیان،سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان،سلام بر تو ای مظلوم شهید پدر و مادرم به فدایت،خوشبخت زندگی کردی،و مظلوم و شهید کشته شدی.پس به جانب قبر سایر شهدا رضوان اللّه علیهم رو کن و بگو:سلام بر شما ای دفاع کنندگان از توحید خدا،سلام بر شما در برابر آنچه که صبر کردید،چه نیکو سرانجامی است خانۀ آخرت،پدر و مادرم به فدایتان،به رستگاری رسیدید،رستگاری بس بزرگ.سپس به مشهد عباس بن علی علیهما السّلام برو و نزد ضریح شریف آن جناب بایست و بگو:سلام بر تو ای بندۀ شایسته و صدّیق همدرد،گواهی می دهم که ایمان آوردی به خدا،و فرزند رسول خدا را یاری نمودی،و به راه خدا دعوت کردی،و با جانت به فداکاری برخاستی،از جانب خدا برترین تحیّت و سلام بر تو باد

سپس خود را به قبر بچسبان و بگو:پدرم و مادرم فدایت،ای یاور دین خدا،سلام بر تو ای یاور حسین صدّیق،سلام بر تو ای یاور حسین شهید،از سوی من سلام بر تو باد

ص:695

تا زنده ام و تا باقی است شب و روز.بعد نزد سر آن حضرت دو رکعت نماز بخوان و دعای«اللّهمّ انّی صلّیت...»را که بالای سر حضرت امام حسین علیه السّلام بعد از دو رکعت نماز زیارت خواندی،در اینجا هم بخوان.آنگاه به جانب مشهد حسین علیه السّلام بازگردد و آنچه خواهی نزد آن حضرت بمان،جز اینکه مستحب است آنجا را خوابگاه خود قرار ندهی،و چون بخواهی آن حضرت را وداع کنی،نزد سر بایست و گریه کن و بگو:

سلام بر تو ای مولای من،سلام وداع کننده ای که،او را نه کراهت است نه خستگی،اگر بازگردم از روی ملالت نیست،و اگر بمانم نه از جهت بدگمانی به آنچه خدا صابران را وعده داد،ای مولای من،خدا این زیارتم را آخرین بار از زیارتم قرار ندهد،و بازگشت به سویت و توقف در حرمت و بودن در مشهدت را روزی ام کند،آمین ای پروردگار جهانیان.پس ضریح را ببوس و تمام بدنت را به آن بمال،که باعث امان و حفظ است و از نزد سر آن حضرت بیورن برو،به طوری که رویت به جانب قبر باشد و تا خروج از حرم پشت به قبر مکن،و در همان حال بگو:

سلام بر تو ای درگاه مقام،سلام بر تو ای همردیف قرآن،سلام بر تو ای حجّت بر اهل دشمنی،سلام بر تو ای کشتی نجات،سلام بر شما ای فرشتگان پروردگارم که بر گرد این حرم هستید،سلام بر تو همیشه،تا زنده ام و شب و روز باقی است.ما از خداییم و به سوی او باز می گردیم،و جنبش و نیرویی نیست جز به خدای بزرگ.آنگاه بیرون رو سیّد بن طاووس و محمّد بن مشهدی گفته اند:وقتی که این گونه اعمال را انجام دادی،همانند کسی هستی که خدا را در عرش زیارت کرده باشد.

ششم:زیارت امام حسین علیه السّلام در روز عرفه

بدان که آنچه از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السّلام در مورد زیارت عرفه رسیده،از زیادتی روایات،و بسیاری فضیلت و ثواب،بیشتر از آن است که شمرده شود،و ما به خاطر تشویق زائران،به ذکر چند حدیث اکتفا می کنیم.از بشیر دّهان به سند معتبر روایت شده:خدمت امام صادق علیه السّلام عرض کردم:گاه هست که حجّ از من فوت می شود،و روز عرفه را نزد قبر امام علیه السّلام می گذارانم،فرمود:ای بشیر کار خوبی انجام می دهی،هر مؤمنی که در روز غیر عید با معرفت به حق آن حضرت به زیارت قبر حضرتش برود،ثواب بیست حجّ و بیست عمره پسندیدۀ پذیرفته،و بیست جهاد همراه پیامبر مرسل یا امام عادل برای او نوشته می شود و هرکه آن حضرت را در روز عید زیارت کند،حق تعالی برای او ثواب صد حجّ و صد عمره و صد جهاد همراه با پیامبر مرسل یا امام عادل را می نویسد و هر که آن حضرت را در روز عرفه با معرفت به حق حضرتش زیارت کند،برای او ثواب هزار حجّ و هزار عمره پسندیدۀ پذیرفته،و هزار جهاد با پیامبر مرسل یا امام عادل بنویسد.به حضرت گفتم:ثواب موقف عرفات برای من کجا حاصل می شود؟آن حضرت به جانب من نظر کرد،مانند کسی که خشمناک باشد و فرمود:ای بشیر،هرگاه مؤمنی در روز عرفه،به زیارت قبر امام حسین علیه السّلام برود،و در رود فرات غسل کند،سپس به سوی قبر آن حضرت متوجّه شود،حق تعالی به هر گامی که بر می دارد،برای او ثواب حجّی که با همۀ مناسک به طور کامل انجام داده باشد می نویسد،و چنین گمان دارم که فرمود«و عمره».و در احادیث بسیار به نهایت معتبر وارد شده:حق تعالی در روز عرفه،پیش از آنکه نظر به اهل موقف عرفات کند،ابتدا نظر رحمت به سوی زائران قبر حسین علیه السّلام می افکند.در حدیث معتبر از رفاعه روایت شده است که حضرت امام صادق علیه السّلام به من فرمود:امسال حجّ کردی؟گفتم:فدایت شوم،مالی نداشتم که به حج روم،ولی عرفه را نزد قبر امام حسین علیه السّلام گذراندم،فرمود:ای رفاعه از آنچه اهل منی در آن بودند،هیچ کوتاهی نکردی،اگر نه این بود،که کراهت دارم مردم ترک حج کنند،هر آینه برای تو حدیثی می گفتم،که هرگز زیارت قبر آن حضرت را ترک نکنی،پس ساعتی

ساکت شد،بعد از آن فرمود:پدرم به من خبر داد،هر که به سوی قبر امام حسین علیه السّلام بیرون رود،و با تکبّر حرکت نکند،عارف به حق آن حضرت باشد،هزار فرشته از طرف راست و هزار فرشته از طرف چپ همراه او می شوند و برای او ثواب هزار حجّ و هزار عمره که با پیغمبر یا وصیّ پیغمبر بجا آورده باشد نوشته می شود.امّا کیفیّت زیارت آن حضرت،چنان است که علمای بزرگوار،و رؤسای مذهب و ملّت فرموده اند:چون خواستی حضرت را در این روز زیارت کنی،اگر توانستی از فرات غسل کن وگرنه از هر آبی که برایت میسّر شد،و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و زیارت آن حضرت را قصد کن،درحالی که به آرامی و وقار و دقّت باشی،چون به در حائر رسیدی بگو:اللّه اکبر و بخوان:

خدا بزرگتر است بزرگتر،خدا را سپاس بسیار،منزّه است خدای صبح و شام،سپاس خدای را که ما را به این راه هدایت نمود،و ما آن گونه نبودیم که هدایت شویم،اگر خدا ما را راهنمایی نمی کرد،همانا رسولان پروردگار ما به حق آمدند.سلام بر رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش).سلام بر امیر مؤمنان،سلام بر فاطمه زهرا سرور بانوان جهانیان،سلام بر حسن و حسین،سلام بر علی بن الحسین،سلام بر محمّد بن علی،سلام بر جعفر بن محمّد،سلام بر موسی بن جعفر،سلام بر علی بن موسی،سلام بر محمّد بن علی،سلام بر علی بن محمّد،سلام بر حسن بن علی،سلام بر یادگار شایسته،آن امام مورد انتظار،سلام بر تو ای ابا عبد اللّه،سلام بر تو ای فرزند رسول خدا،بنده و فرزند بنده ات و فرزند کنیزت هستم،دوستدار دوستت،و دشمن دشمنت می باشم،به زیارتگاهت پناه آورده،و با آهنگ به سویت تقرّب جسته

به خدا،سپاس خدای را که مرا به ولایتت هدایت کرد و به زیارتت اختصاص داد،و برایم هموار ساخت آهنگ کردنت را پس داخل روضه شو،و برابر بایست و بگو سلام بر تو ای وارث آدم برگزیدۀ خدا،سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا،سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا،سلام بر تو ای وارث موسی همسخن خدا،سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا،سلام بر تو ای وارث محمّد حبیب خدا،سلام بر او ای وارث امیر مؤمنان،سلام بر تو ای وارث فاطمه زهرا،سلام تو ای فرزند محمّد مصطفی،سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی،سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا،سلام بر تو ای فرزند خدیجه کبری،سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خون خدا،و ای تنهای ستمدیده،گواهی می دهم که تو بپا داشتی نماز را،و زکات دادی،و امر به معروف کردی،و نهی از منکر نمودی،و خدا را اطاعت کردی تا مرگ تو را دررسید،خدا لعنت کند امّتی که تو را کشتند،و لعنت،لعنت کند امّتی را که به تو ستم کردند،و لعنت کند امّتی را که این واقعه را شیدند،و به آن خشنود شدند،ای مولای من ای ابا عبد اللّه،گواه می گیرم خدا و فرشتگان و پیامبران و رسولانش را که مؤمن به شمایم،و به بازگشتتان یقین دارم،بر پایۀ قوانین دینم،و عواقب عملم،و بازگشتگاهم به جانب پروردگارم،پس درود خدا بر جانهایتان،و تن هایتان و حاضران،و غایبتان،و ظاهرتان،

ص:699

و باطنتان،سلام بر تو ای فرزند خاتم پیامبران،و فرزند آقای پیشوایان،و فرزند پیشوای پرهیزکاران و فرزند پیشوای سپیدرویان به جانب بهشتهای پر نعمت،و چگونه این چنین نباشی؟،در صورتی که تو درگاه هدایت و پیشوای تقوا،و دستاویز محکم خدا،و حجّت بر اهل دنیا،و پنجم اصحاب کسایی دست رحمت غذایت داد،و از سینه ایمان شیر داده شدی،و در دامن اسلام پرورش یافتی،دل به فراقت راضی نیست،و تردیدی در زنده بودنت نمی باشد،درود خدا بر تو و بر پدران و فرزندانت سلام بر تو ای به خاک افتادۀ اشک روان،و همدم مصیبت پی درپی،خدا لعنت کند امّتی را که حلال شمردند حرمتهای تو را«و درباره تو پرده حرمت اسلام را دریدند»کشته شدی(درود خدا بر تو)به قهر،رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش)به تو مظلوم گشت،و کتاب خدا به فقدانت مهجور شد سلام بر تو و جد و پدر و مادر و برادر و امامان از فرزندانت،و شهید شدگان به همراهت،و بر فرشتگان دربرگیرندۀ قبرت،و حاضران از زائران،آمین گوی برای قبولی دعای شیعیانت،و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد،پدر و مادرم به فدایت ای فرزند رسول خدا،پدر و مادرم فدایت ای ابا عبد اللّه،عزایت بزرگ شد،و عظیم گشت مصیبتت،بر ما و همۀ اهل آسمانها و زمین،خدا لعنت کند امّتی را که برای

ص:700

کشتنت اسبها را زین کرده،و درنه زدند و آماده شدند.ای مولایم ای ابا عبد اللّه،قصد حرمت کردم،و به زیارتگاهت آمدم،از خدا می خواهم به مقامی که برای تو نزد اوست،و جایگاهی که پیش او داری،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستد و مرا در دنیا و آخرت با شما قرار دهی،به منّت و جود و کرمش.

آنگاه ضریح را ببوس،و بالای سر دو رکعت نماز،به هر سوره که بعد از سورۀ«حمد»خواستی بجا آور، و چون فارغ شدی بگو:خدایا برای تو نماز خواندم و رکوع و سجود بجا آوردم یگانه ای و شریکی برایت نیست،به درستی که نماز و رکوع و سجود جز برای تو نیست،زیرا تویی خدا معبودی جز تو نیست.خدایا درود فرست بر محمّد و خندان محمّد،برترین تحیّت و سلام را از جانب من به ایشان برسان و به سوی من برگردان از جانب آنان تحیّت و سلام،خدایا این دو رکعت،هدیه ای است از سوی من به مولایم و آقا و امامم حسین بن علی(درود بر ایشان)،خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و آن را از من بپذیر،و بر آن نماز به من پاداش ده،به برترین آرزو و امیدم دربارۀ تو و ولی ات،ای مهربان ترین مهربانان.سپس به جانب پای مبارک حضرت امام حسین علیه السّلام رفته و علی بن الحسین علیهما السّلام را که قبرشان پایین پای ابی عبد اللّه است زیارت کن و در زیارت حضرتش بگو:سلام بر تو ای فرزند فرستاده خدا،سلام بر تو ای فرزند پیامبر خدا،سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان،سلام

بر تو ای فرزند حسین شهید،سلام بر تو ای شهید فرزند شهید،سلام بر تو ای ستمدیده،فرزند ستمدیده،خدا لعنت کند امّتی را که تو را کشتند،و بر تو ستم ورزیدند،و این واقعه را شنیدند و به آن خشنود شدند،سلام بر تو ای مولایم،سلام بر تو ای ولیّ خدا و فرزند ولیّ خدا،این مصیبت بزرگ شد بر ما و همه مؤمنان،و این عزا عظیم گشت،خدا لعنت کند امّتی را که تو را کشتند،به سوی خدا به جانب تو،از ایشان در دنیا و آخرت بیزاری می جویم.بعد به جانب سایر شهدا رو کن و ایشان را به این صورت زیارت کن سلام بر شما ای اولیای خدا و عاشقانش،سلام بر شما ای برگزیدگان خدا و دوستانش،سلام بر شما ای یاران دین خدا،و یاران پیامبر خدا،و یاران امیر مؤمنان،و یاران فاطمه سرور بانوان جهانیان،سلام بر شما ای یاران ابی محمّد حسن ولّی خیرخواه،سلام بر شما ای یاران ابی عبد اللّه حسین شهید مظلوم درود خدا بر همهٔ آنان باد،پدر و مادرم فدایتان،پاک گشتید،و همچنین زمینی که در آن دفن هستید سوگند به خدا که به رستگاری رسیدید،رستگاری بزرگ،ای کاش من هم با شما بودم،و با شما در بهشت رستگار می شدم با شهیدان و شایستگان و چه خوب رفقایی هستید،و سلام و برکات خدا بر شما باد.آنگاه به جانب سر امام حسین علیه السّلام برگرد،و برای خود و اهل و عیال و برادران با ایمانت بسیار دعا کن.سیّد ابن طاووس و شهید

ص:702

فرموده اند،سپس به مشهد جناب عباس رضی اللّه عنه برو،همین که به آنجا رسیدی،نزد قبر آن حضرت بایست و بگو:سلام بر تو ای ابا الفضل عباس فرزند امیر مؤمنان،سلام بر تو ای فرزند سرور جانشینان،سلام بر تو ای فرزند نخستین مؤمن این امّت،در قبول اسلام،و پیش ترین آنان در ایمان،و پابرجاترینشان در دین خدا،و مراقب ترینشان بر اسلام،گواهی می دهم که تو برای خدا و رسول خدا و برادرت خیرخواهی کردی،پس چه نیکو برادر همدردی بودی،خدا لعنت کند امّتی را که تو را کشت و به تو ستم روا داشت،و حلال شمرد از تو حرمتها را،و در کشتنت پردهٔ حرمت اسلام را درید،پس چه نیکو برادر شکیبا،مجاهد،پشتیبان،یاور،مدافع از برادرش بود،پاسخ دهنده به طاعت پروردگارش،مشتاق به آنچه دیگران بی رغبت به آن بودند،از پاداش برجسته،و ستایش زیبا،و خدا تو را در خانهٔ نعمت جاودان به مقام پدرانت برساند،که خدا ستوده و بزرگوار است.پس خود را به قبر بیفکن،و بگو:خدایا من متعرّض تو و زیارت اولیایت شدم،قصد کردم آن را از روی اشتیاق به ثوابت و امید به آمرزشت،و بسیاری احسانت از تو درخواست می کنم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و قرار د هی روزی ام را به حق ایشان سرشار،و خوشی ام را پابرجا و زیارتم را پذیرفته،و گناهم را آمرزیده،و به حق ایشان بازگردان مرا رستگار و موفق،در حال اجابت دعایم،به برترین صورتی که یکی از زائران حضرتش،و آهنگ کنندگان به سویش،بازمی گردد،به مهربانی ات،ای مهربانترین

مهربانان.پس ضریح را ببوس و نزد آن حضرت نماز زیارت بخوان و نیز آنچه خواسته باشی از دعا و قرآن و ذکر بجای آر و چون خواستی آن حضرت را وداع کنی،آنچه را که پیش از این[صفحهٔ 696]ذکر کردیم،در وداع آن حضرت بگو.

هفتم:زیارت عاشورا

بدان که زیارت نقل شده برای روز عاشورا چند زیارت است،و ما در اینجا به ملاحظهٔ اختصار تنها به ذکر دو زیارت اکتفا می کنیم و البته در باب دوّم در بیان اعمال روز عاشورا نیز زیارتی را نقل کردیم[صفحه 456]-با مطالبی دیگر که مناسب این مقام است.امّا آن دو زیارت

[اول:زیارت عاشورای معروفه]

اول:زیارت عاشورای معروفه است:که از نزدیک و دور خوانده می شود،و شرح آن چنان که شیخ ابو جعفر طوسی در«مصباح»ذکر فرموده چنین است:محمّد ابن اسماعیل بن بزیع،از صالح بن عقبه،از پدرش،از حضرت باقر علیه السّلام روایت کرده:هرکه حسین بن علی علیهما السّلام را در روز دهم محرّم نزد قبر آن حضرت زیارت کند تا آنکه گریان شود،خدا را در روز قیامت ملاقات کند،با ثوابی به اندازهٔ ثواب دو هزار عمره،و دو هزار جهاد،که ثواب آنها همانند ثواب کسی می باشد که در خدمت رسول خدا و ائمهٔ طاهرین علیهم السّلام جهاد کرده باشد.راوی گفت:فدایت شوم چه ثوابی است،برای کسی که در شهرهای دور از کربلا باشد،و برایش در مانند این روز رفتن به سوی قبر آن حضرت ممکن نباشد؟فرمود:هرگاه چنین باشد به سوی صحرا بیرون رود،یا در خانه خود،بر بام بلندی بالا رود،و به سوی آن حضرت به سلام اشاره کند،و در نفرین کردن بر قاتلین آن حضرت بکوشد و پس از آن دو رکعت نماز بخواند.و این کار را در اوایل روز،پیش از زوال آفتاب انجام دهد،پس بر امام حسین علیه السّلام زاری و گریه کند و کسانی را که در خانه اش هستند،هرگاه از ایشان تقیه نمی کند،به گریه کردن بر آن حضرت امر کند،و در خانهٔ خود به اظهار جزع بر آن حضرت عزا بپا دارد و یکدیگر را به مصیبتشان به حسین علیه السّلام تعزیت گویند،و من بر خدا برای ایشان همهٔ آن ثوابها را ضامنم،هرگاه این عمل را بیاورند.گفتم:فدایت شوم این ثوابها را برای ایشان ضامن می شوی،و آنها را کفیل می گردی؟فرمود:

آری من ضامن و کفیلم برای کسی که این عمل را بجا آورد.گفتم:یکدیگر را چگونه تعزیت گویند؟فرمود:بگویند:

خدای بزرگ فرماید اجرهایمان را به مصیبتمان بر حسین(درود بر او)،و ما و شما را از خواهندگان خون او همراه با ولیّ اش امام مهدی از خاندان محمّد(درود بر ایشان)قرار دهد.و اگر بتوانی آن روز را به دنبال حاجتی بیرون نروی،بیرون نرو،زیرا روز نحسی است،که در آن حاجت مؤمن برآورده نمی شود،و اگر برآورده شود برای او مبارک نخواهد بود،و در آن خیر و رشدی نخواهد دید،و در آن روز هیچ کدام از شما برای منزلش،البته چیزی ذخیره نکند،چرا که هرکه در آن روز چیزی ذخیره کند،در آن چیز برکت نخواهد دید،و برای او و اهلش که جهت آنها ذخیره کرده گویا همه را با رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلّم انجام داده باشد و برای اوست مزد و پاداش مصیبت هر پیامبر و رسول و وصیّ و صدّیق و شهیدی که مرده یا کشته شده باشد،از زمانی که حق تعالی خلق فرموده دنیا را تا زمانی که قیامت بر پا شود.صالح بن عقبه و سیف بن عمیری گفته اند:علقمه بن محمّد حضرمی گفت:به حضرت باقر علیه السّلام گفتم:به من دعایی تعلیم فرما که آن در این روز بخوانم هرگاه آن جناب را از نزدیک زیارت کنم،و دعایی که آن را بخوانم هرگاه او را از نزدیک زیارت ننمایم و بخواهم به سلام به جانب او از شهرهای دور از خانه ام اشاره کنم.به من فرمود:ای علقمه هرگاه آن دو رکعت نماز را بجای آوردی به سوی آن حضرت به سلام اشاره کن و در وقت اشاره به آن حضرت پس از گفتن تکبیر این کلام را بگو:[زیارتی که چند سطر بعد ذکر می شود]به درستی که هرگاه این کلام را گفتی،دعا کرده ای به آن چیزی که دعا می کنند،به آن زائران آن حضرت از ملائکه و خدا برای تو صد هزار هزار درجه بنویسد و همانند کسی باشی که با امام حسین علیه السّلام شهید شده باشد تا مشارکت کنی با ایشان در درجاتشان و شناخته نشوی مگر در زمرۀ شهیدانی که با آن حضرت شهید شده اند و برای تو نوشته شود و زیارت هر پیامبر و رسولی و پاداش زیارت هرکه زیارت کرده امام حسین علیه السّلام را از روزی که شهید شده،سلام خدا بر آن حضرت و اهل بیتش باد،می گویی:

سلام بر تو ای ابا عبد اللّه،سلام بر تو ای فرزند رسول خدا،

سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان،و فرزند سرور جانشینان،سلام بر تو ای فرزند فاطمه سرور بانوان جهانیان،سلام بر تو ای خون خدا،و فرزند خون خدا و ای تنهای مظلوم،سلام بر تو و جانهایی که به درگاهت فرود آمدند،از جانب من بر همگی شما سلام خدا برای همیشه،تا هستم و تا شب و روز باقی است،ای ابا عبد اللّه،هرآینه عزایت بزرگ و سنگین شد،و مصیبت تو بر ما و بر همهٔ اهل اسلام بس بزرگ گشت،و سنگین و بزرگ شد مصیبتت در آسمانها بر همهٔ اهل آسمان،خدا لعنت کند امّتی را که بنای ستم و بی داد را بر شما اهل بیت بنیان نهادند،و خدا لعنت کند قومی را که شما را از مقامتان دور کرد،و از مرتبه هایتان برکنار نمود،مرتبه هایی که خدا شما را در آنها جای داد و خدا لعنت کند امّتی را که شما را کشتند،و خدا لعنت کند آنان را که امکان و توان جنگ با شما را برای ایشان تدارک دیدند من بیزاری می جویم به سوی خدا و به جانب شما از ایشان و از شیعیان و پیروان و دوستدارانشان،ای ابا عبد اللّه من در صلحم ما کسی که با شما صلح کرد،و در جنگم با کسی که با شما جنگید تا روز قیامت،و خدا لعنت کند خاندان زیاد و خاندان مردان را و خدا همهٔ بنی امیه را لعنت کند،و لعنت کند پسر مرجانه و عمر بن سعد و شمر را،و لعنت کند امّتی را که مرکبها را زین کردند و لگام زدند و جنگ با تو را دنبال کردند،پدر و مادرم به فدایت همانا مصیبت بر من سنگین شد،از خدا که مقامت را گرامی داشت،و مرا به وسیلهٔ تو کرامت بخشید،درخواست می کنم،که

خون خواهی تو را همراه پیشوای یاری شده از اهل بیت محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)روزی من کند،خدایا به حق حسین مرا نزد خود در دنیا و آخرت آبرومند قرار ده،ای ابا عبد اللّه من به خدا و رسولش و امیر مؤمنان،و فاطمه و حسن تقرّب می جویم،به دوستی تو و به بیزاری.از کسی که پایه گذاری کرد اساس این واقعه را،و بنا نهاد بر آن بنیانش را،و روان شد در ستم و بیدادش بر شما،و شیعیان شما،از ایشان به سوی خدا و شما بیزارم و به خدا تقرّب می جویم،و پس از آن به شما نیز با دوستی نسبت به شما و دوستی نسبت به دوستان شما،و به بیزاری از دشمنانتان شما،و به بیزاری از دشمنانتان،و برپاکنندگان جنگ با شما،و به بیزاری از شیعیان و پیروان آنها،من در صلحم با کسی که با شما صلح کرد،و در جنگم با کسی که با شما جنگید،و دوستم با کسی که شما را دوست داشت،و دشمنم با کسی که شما را دشمن داشت،پس درخواست می کنم از خدا که مرا به معرفت و دوستان شما گرامی داشت و بیزاری از دشمنان شما را نصیب من کرد،اینکه مرا در دنیا و آخرت با شما قرار دهد،و جایگاهم را نزد شما استوار بدارد،و از او می خواهم که مرا برساند به مقام ستوده ای که برای شما نزد خداست و روزی کند خون خواهی ام را به همراه امام هدایت گر آشکار و گویای به حق از خاندان شما،و از خدا درخواست می کنم به حق شما،و شأنی که برای شما نزد اوست،که عطا کند به من به خاطر مصیبت زدگی ام به شما برترین چیزی را که عطا

کند به مصیبت زده ای به خاطر مصیبتش،چه مصیبتی بزرگ است آن مصیبت،و چه عظیم است آن عزا در اسلام،و در همهٔ آسمانها و زمین.خدایا در این جایگاه مرا از کسانی قرار ده،که از جانب تو به آنان درود و رحمت و آمرزش می رسد خدایا حیاتم را حیات[آمیخته به عشق]محمّد و خاندان محمّد،و مرگم را مرگ[در حال شیفتگی به]محمّد و خاندان محمّد قرار دهد.خدایا این روز روزی است که به آن تبرّک جستند بنی امیّه،و فرزند جگرخوار،آن لعنت شده فرزند لعنت شده بر زبان تو و زبان پیامبرت(درود خدا بر او و خاندانش)در هر کجا و هر موقفی که پیامبرت(درود خدا بر او و خاندانش)در آن ایستاد.خدایا لعنت کن ابا سفیان،و معاویه و یزید فرزند معاویه را،که از جانب تو بر آنان لعنت باد به جاودانگی جاودانها،و امروز روزی است که خوشحال شدند به این روز خاندان زیاد و خاندان مردان،بخاطر کشتن حضرت امام حسین را(درود خدا بر او)خدایا پس لعنت و شکنجه ات را بر آنان دوچندان کن،خدای من در این روز و در این جایگاه و همهٔ روزهای زندگی ام به تو تقرّب می جویم،به بیزاری ام از اینان و لعنت بر ایشان،و به دوستی پیامبر و خاندان پیامبرت(درود بر او و ایشان)سپس صد مرتبه می گویی خدا لعنت کن نخستین ستمکاری را که به حق محمّد و خاندان محمّد ستم کرد،و آخرین کسی را که در این ستم از او پیروی نمود.خدایا لعنت کن جمعیتی را که با حسین کردند،و همراهی نمودند و پیمان بستند،و پیروی کردند بر کشتن آن حضرت،خدایا همهٔ آنان را لعنت کن،بعد صد مرتبه می گویی:سلام بر تو ای ابا عبد اللّه،و بر

جانهایی که به درگاهت فرود آمدند،از جانب من سلام خدا بر تو باد همیشه تا هستم و تا شب و روز باقی است و خدا زیارت شما آخرین زیارت از سوی من قرار ندهد،سلام بر حسین و بر علی بن الحسین و فرزندان حسین،و یاران حسین.آنگاه می گویی:خدایا اختصاص ده،اوّلین ستمکار را از جانب من به لعنت،و آغاز کن به آن لعنت اولین را،سپس دومین و سومین و چهارمین را،خدایا یزید پنجم آنان را لعنت کن،و لعنت کن عبید اللّه بن زیاد و پسر مرجانه و عمر بن سعد و شمر و خاندان ابو سفیان خاندان زیاد و خاندان مروان را تا روز قیامت.سپس به سجده می روی و می گویی:

خدایا سپاس تو را سپاس شکرگزاران بر مصیبت زدگی آنان،خدای را سپاس بر بزرگی عزایم، خدایا شفاعت حسین را در روز ورود[به قیامت]نصیبم کن،و ثابت بدار قدم صدق مرا نزد خود به همراه حسین و یاران حسین،آنان که جانشان را در دفاع از حسین(درود بر او)بخشیدند.علقمه گفت:

حضرت باقر علیه السّلام فرمود:اگر بتوانی آن حضرت را هر روز به این زیارت در خانۀ خود زیارت کنی زیارت کن،که تمام این ثوابها برای تو خواهد بود.محمّد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره روایت کرده:با صفوان بن مهران و جمعی دیگر از اصحاب خودمان به سوی نجف بیرون رفتیم پس از خروج حضرت صادق علیه السّلام از حیره به جانب مدینه زمانی که از زیارت امیر مؤمنان فارغ شدیم،صفوان صورت خود را به جانب مشهد ابا عبد اللّه گردانید،آنگاه به ما گفت:از نزد سر مقدّس امیر مؤمنان،حسین علیه السّلام را زیارت کنید،که از اینجا امام صادق علیه السّلام ایما و اشاره کرد،به سلام بر آن حضرت و من در آن وقت خدمت آن حضرت بودم.سیف گفت:صفوان همان زیارتی را خواند،که علقمه بن محمّد حضرمی

از امام باقر علیه السّلام در روز عاشورا روایت کرده بود،سپس دو رکعت نماز نزد سر امیر مؤمنان علیه السّلام بجا آورد،و پس از آن نماز،امیر مؤمنان علیه السّلام را وداع کرد و اشاره کرد به جانب قبر امام حسین علیه السّلام درحالی که روی خود را به جانب او کرده بود و پس از زیارت او وداع گفت،و از جمله دعاهایی که بعد از نماز خواندن این بود:

[دعای بعد از نماز زیارت عاشورا]

ای خدا،ای خدا،ای پاسخ دهندۀ خواسته بیچارگان،ای برطرف کنندۀ اندوه اندوهگینان،ای فریادرس داخواهان،ای دادرس دادجویان،ای آنکه به من از رگ گردن نزدیک است،ای آنکه میان شخص و دلش پرده می شود،ای آنکه بر دیدگاه برتر است،و بر سپهبد روش،ای آنکه بخشنده و مهربان است،و بر حکومت کشور هستی استیلا دارد،ای آنکه خیانت چشمها،و آنچه را سینه ها پنهان کنند می داند،ای آنکه هیچ پوشیده ای بر او مخفی نیست،ای آنکه صداها بر او مشتبه نشود،ای آنکه نیازمندیها،او را به اشتباه نیندازند ای آنکه اصرار اصرارکنندگان او را به ستون نیاورد،ای دریابنده هر از دست رفته،ای گردآورندۀ هر پراکنده،ای آفرینندۀ جانها پس از مرگ،ای آنکه هر روز در کاری است،ای برآورندۀ حاجات،ای بیرون آورندۀ غمها از دلها،ای بخشندۀ خواهشها،ای سرپرست رغبتها،ای کفایت کنندۀ امور مهمّ،ای آنکه از هر چیز کفایت کند،و کفایت نکند از او چیزی در آسمانها و زمین،از تو درخواست می کنم به حق محمّد خاتم پیامبران،و علی امیر مؤمنان و به حق فاطمه دختر پیامبرت،و به حق حسین و حسین،من در این جایگاه به وسیلۀ آنان به تو توجه می کنم و به ایشان متوسّل می شوم،و به آنان به درگاه شفاعت می خواهم،و به حق آنان از تو درخواست می کنم و سوگند می خورم و تو را سوگند می دهم و

به شأنی كه برای آنان نزد توست،و به حق قدری كه برای آنان پیش تو است،و به آنچه آنان را بر جهانیان برتری دادی،و به حق نامت كه آن را نزد آنان قرار دادی،و از میان جهانیان،آنان را به آن نام اختصاص دادی،و به آن نام وجودشان و فضلشان را از فضل جهانیان آشكار نمودی،تا فضل آنان بر فضل همۀ جهانیان برتری گرفت،از تو می خواهم بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و غم و نگرانی و گرفتاریم را برطرف كنی،و مرا از مهمّ امورم كفایت نمایی و قرضم را ادا كنی،و از تهیدستی و درماندگی پناهم دهی،و از درخواست نمودن از مخلوقات بی نیازم نمایی،و از من كفایت كنی اندوه كسی را كه از اندوهش می ترسم،و دشواری كسی را كه از دشواری هراس دارم، و ناهمواری كسی را كه از ناهمواریش بیم دارم،و شر كسی كه از شرش می ترسم،و فریب كسی كه از فریبش وحشت دارم، و تجاوز كسی كه از تجاوزش بیم دارم،و بی عدالتی كسی كه از بی عدالتی اش می ترسم،و سلطه كسی كه از سلطه كسی كه از سلطه اش وحشت دارم،و نقشه كسی كه از نقشه اش بیم دارم،و قدرت كسی كه از قدرتش به خود می ترسم،و از تو می خواهم كه بداندیشی بداندیشان مكر مكّاران را امن بگردانی خدایا هركه قصد من كرده قصدش كن،و هركه دربارۀ من بداندیشی كرد،در حقش بداندیشی كن،و از من حیله و نیرنگ و نیرو و آرزویش را بازگردان،و او را از من بازدار هرگونه كه خواهی،و هر كجا كه خواهی،خدایا او را از من سرگرم كن به فقری كه جبرانش نكنی،و به بلایی كه نپوشانی اش،و به نیازی كه سدّش نكنی،و به دردی كه عافیتش ندهی،و ذلّتی كه عزیزش ننمایی،و مسكنتی كه جبرانش نفرمایی.خدایا بزن خواری كه در برابر دو چشمش،و وارد كن تهیدستی را

بر او در منزلش،و بیماری و درد را در بدنش،تا او را از من سرگرم کننده ای که فراغتی برایش نباشد،و یاد مرا از یادش ببر،همچنان که یاد خودت را از یادش بردی و نگاهدار از من گوش و چشم و زبان و دست و پا و قلب و همهٔ اعضایش را،و در همهٔ آنها بر او بیماری وارد کن،و شفایش مده،تا آن را قرار دهی برای او سرگرمی سرگرم کننده ای،از من و یاد من،و کفایت کن ای کفایت کننده،آنچه را که غیر تو کفایت نکند،به درستی که تویی کفایت کننده ای که کفایت کننده ای جز تو نیست،و گشاینده ای جز تو نیست،و پناه دهنده ای جز تو نیست نومید گشت کسی که پناه دهنده اش جز تو،و فریادرسش جز تو،و پناهگاهش جز تو،و گریزگاهش جز تو،و ملجأش جز تو،و جای نجاتش از مخلوق غیر توست،پس تویی آرامش و امیدم،و پناهگاه و گریزگاهم و ملجأ و جای نجاتم،به تو گشایش میخواهم،و به تو رستگاری می جویم،و به محمّد و خاندان محمّد سوی تو رو می کنم،و متوسّل می شوم،و شفاعت می خواهم،ای خدا،ای خدا،ای خدا،سپاس و شکر تو راست،شکایت تنها به سوی توست،و تویی که به یاری خواسته شده ای،از تو می خواهم ای خدا،ای خدا،ای خدا،به حق محمّد و خاندان محمّد،که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و غم و نگرانی و اندوه شدید مرا در این حالت برطرف کنی،همچنان که از پیامبرت نگرانی و غم و اندوه را برطرف نمودی،و او را از هراس دشمنش کفایت کردی از من برطرف کن همچنان که از او برطرف نمودی،و از من بگشای همچنان که از او گشودی،و مرا کفایت کن همچنان که او را کفایت کردی

از من برگردان هراس آنچه را که از هراسش می ترسم،و هزینۀ آنچه را که از هزینه اش می ترسم،و نگرانی آنچه را که از نگرانی اش بیم دارم،بدون هیچ زحمتی از این بابت بر هستی ام،و مرا بازگردان به برآوردن حاجاتم،و کفایت آنچه مرا نگران کرده،نگرانی اش از کار آخرت و دنیایم،ای امیر مومنان و ای ابا عبد اللّه،بر شما از جانب من سلام خدا همیشه تا هستم و تا شب و روز هست،و خدا این زیارت را آخرین بار از زیارت شما قرار ندهد،و بین من و شما جدایی نیندازد،خدایا زنده بدار مرا چون زندگی محمّد و فرزندان او،و بمیران مرا چون مرگ آنان،و جانم را بگیر بر آیین ایشان،و محشور کن مرا در زمرۀ آنان،و بین من و ایشان هیچگاه جدایی مینداز،حتی به اندازۀ چشم برهم زدنی در دنیا و آخرت.

ای امیر مؤمنان،و ای ابا عبد اللّه،به خاطر زیارتتان به جانب شما آمدم،و به خدای پروردگارم و پروردگارتان متوسّلم،و به وسیلۀ شما متوجّه به سوی اویم،و به پیشگاه خدا به وسیلۀ شما دربارۀ این حاجتم خواستار شفاعتم،پس شما برای من شفاعت کنید،که برای شما نزد خدا مقام ستوده و منزلتی آبرومند و جایگاهی بلند و وسیله است،من از نزد شما باز می گردم،درحالی که چشم به راه تحقق حاجت،و برآمدن و به انجام رسیدنش،از جانب خدا،به شفاعت شما به درگاه خدا برای خدا برای خود دربارۀ آن هستم،پس ناامید نگردم و نمی باشد بازگشتگاهم نومیدانه و زیانکارانه،بلکه بازگشتگاهم بازگشتم بر آنچه خدا خواست در جنبش و نیرویی نیست مگر به خدا،واگذار کننده ام،کارم را به خدا،با تکیه دادنم به خدا،در حال توکّل

ص:713

بر خدا،و می گویم خدا مرا بس است و کافی است،می شنود خدا صدای کسی را که او را خواند،برای من ورای خدا و ورای شما ای سرورانم سرحدّی نیست،آنچه پروردگارم خواست شد،و آنچه نخواهد نمی شود،جنبش و نیرویی نیست جز به خدا شما را به خدا می سپارم،و خدا این زیارت را آخرین زیارت من از شما قرار ندهد،بازگشتم،ای آقای من ای امیر مؤمنان و مولای من،و تو ای ابا عبد اللّه ای سرور من و سلامم بر شما پیوسته باد،تا شب و روز پیوسته است،این سلام به شما رسنده است،نه اینکه سلامم از شما پوشیده باشد اگر خدا خواهد،و از او می خواهم به حق شما اینکه بخواهد آن را و انجام دهد،زیرا او ستوده و بزرگوار است،ای دو سرورم از نزد شما بازگشتم،در حال توبه و سپاس برای خدا،و شکرگذاری و امیدوار به اجابت،بدون یأس و ناامیدی،درحالی که بازگردنده و بازگشت کننده و رجوع کننده به سوی زیارت شمایم،نه روگردان از شما،و نه از زیارتتان،بلکه رجوع کننده و بازگشت کننده ام اگر خدا بخواهد،و جنبش و نیرویی نیست جز بخدا،ای آقایانم به سوی شما و زیارتتان رغبت نمودم،پس از آنکه اهل دنیا نسبت به شما و زیارتتان بی رغبت شدند،خدا مرا از آنچه در زیارت شما امید و آرزو کردم ناامید نسازد به درستی که او نزدیک و پاسخ دهنده است.

[خبر صفوان در فضیلت زیارت عاشورا]

سیف بن عمیره می گوید:به صفوان گفتم:علقمه بن محمّد،این دعا را برای ما از حضرت باقر علیه السّلام روایت نکرد،بلکه همان زیارت را حدیث کرد.صفوان گفت:با سیّد خودم امام صادق علیه السّلام به این مکان وارد شدم،آن حضرت زیارت بجا آورد، مثل آنچه را که ما بجا آوردیم،و دعا کرد به این دعا هنگام وداع،پس از اینکه دو رکعت نماز بجا آورد،چنان که ما نماز

بجا آوردیم و وداع کرد چنان که ما وداع کردیم.آنگاه صفوان گفت:امام صادق علیه السّلام به من فرمود:بر این زیارت مواظبت کن و این دعا را بخوان و به آن زیارت کن،به درستی که من بر خدا ضامنم،برای هرکه زیارت کند به این زیارت و دعا کند به این دعا،از نزدیک یا دور،به اینکه زیارتش پذیرفته و سعیش پسندیده باشد و سلامش به آن حضرت برسد و آن سلام از آن جناب پوشیده نماند و حاجت او از جانب خدای تعالی روا شود،به هر مرتبه که خواهد برسد و او را ناامید باز نگرداند.ای صفوان این زیارت را به این ضمان یافتم از پدرم و پدرم از پدرش علی بن الحسین علیهم السّلام به مین ضمان و او از حسین علیه السّلام به همین ضمان و حسین علیه السّلام از برادرش حسن علیه السّلام به همین ضمان و حسن از پدرش امیر مؤمنان علیهما السّلام از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلم با همین ضمان و رسول خدا صلی اللّه علیه و آله از جبراییل با همین ضمان و جبراییل از خدای تعالی با همین ضمان.به تحقیق خدای عزّ و جلّ به ذات مقدّس خود سوگند یاد کرده که هرکه حسین علیه السّلام را به این زیارت زیارت کند،از نزدیک یا دور،و دعا کند به این دعا،زیارت او را قبول میکنم و خواهش او را می پذیرم هر اندازه که باشد و خواسته اش را عنایت میکنم و از حضرت من با ناامیدی و خسارت باز نگردد و با خوشحالی بازش گردانم به برآوردن حاجت و رسیدن به بهشت و آزادی از دوزخ و شفاعت او را در حقّ هرکس که شفاعت کند می پذیرم،حضرت فرمود:جز دشمن ما اهل بیت که شفاعت در حق او قبول نشود.حق تعالی به این واقعیت بر ذات اقدسش سوگند خورده و ما را گواه گرفته بر آنچه ملائکه ملکوت به آن گواهی دادند.پس جبرائیل گفت:یا رسول اللّه خدا مرا بسوی تو فرستاده برای سرور و بشارت تو و شادی و بشارت علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان از اولاد تو علیهم السّلام تا روز قیامت مستّمر و پاینده باد شادمانی تو و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان علیهم السّلام و شیعۀ شما تا روز رستاخیز آنگاه صفوان گفت:امام صادق علیه السّلام به من فرمود:هرگاه برایت بسوی خدای عزّ و جلّ حاجتی روی داد،زیارت کن به این زیارت از هر مکانی که بودی و این دعا را بخوان و حاجتت را از پروردگار خود بخواه از جانب خدا برآورده میشود و خدا وعدۀ خود را به رسول خود خلاف نخواهد فرمود،به جود و امتنانش و الحمد للّه.مؤلف گوید:در کتاب«نجم الثاقب»در زیل تشرّف جناب حاج سید احمد رشتی به محضر امام عصر ارواحنا فداه در سفر حجّ و فرمایش آن حضرت به او که شما چرا عاشورا نمی خوانید،عاشورا،عاشورا،عاشورا،«دلیل بر فضیلت و آثار و فواید این زیارت است»و ما آن حکایت را ان شاء اللّه پس از زیارت جامعه کبیره نقل خواهید کرد.[صفحه 839]شیخ ما ثقه الاسلام

نوری رحمه اللّه علیه فرموده:اما زیارت عاشورا،در فضل و مقام آن بس که از سنخ سایر زیارات نیست که به ظاهر از انشاء و املای معصومی باشد،هر چند که از قلوب مطهّره ایشان چیزی جز آنچه از عالم بالا به آن رسد بیرون نیاید بلکه از سنخ احادیث قدسیّه است که به همین ترتیب از زیارت و لعن و سلام و دعا،از حضرت احدیّت جلّت عظمته به جبراییل امین و از او به خاتم انبیا صلی اللّه علیه و آله و سلّم رسیده و بنا بر تجربه،مداومت به آن در چهل روز یا کمتر در قضای حاجات و رسیدن به مقاصد و دفع دشمنان بی نظیر است اما از بهترین فواید آنکه از مواظبت و مداومت بر آن

ص:715

به دست آمده،فایده ای است که:ثقهٔ صالح متقّی،حاج ملاّ حسین یزدی که از نیکان مجاور نجف اشرف است و پیوسته مشغول عبادت و زیارت از ثقهٔ امین حاج محمّد یزدی نقل کرد که در شهر یزد مرد فاضل صالحی بود که همواره اشتغال به اصلاح امر آخرت خود داشت و شبها در مقبرهٔ خارج یزد که در آن جماعتی از صالحان مدفونند و معروف به مزار است به سر می برد و او را همسایه ای بود که از کودکی با هم بزرگ شده بودند و برای درس پیش یک معلّم می رفتند،تا آنکه بزرگ شد و شغل عشّاری[ده یک گرفتن به زور و به ناحق مأمور مالیات]پیش گرفت تا از دنیا رفت و در همان مقبره نزدیک محلّی که آن مرد صالح بیتوته می کرد دفن کردند،پس از گذشتن کمتر از ماهی او را در خواب دید که در هیئت نیکویی است،به نزد او رفت و گفت:من آغاز و انجام و ظاهر و باطن کار تو را می دانم و می دانم از آنهایی نبودی که نیکی در باطن ایشان احتمال رود و شغل تو جز عذاب را نمی طلبد،پس به کدام عمل به این مقام رسیدی؟گفت:چنان است که گفتی،من از روز مردن در شدیدترین عذاب بودم، تا دیروز که زوجهٔ استاد اشرف حدّاد فورت شد،و او را در این مکان دفن کردندو اشاره کرد به موضعی که قریب صدر ذرع از او دور بود و در شب وفات او،حضرت ابو عبد اللّه الحسین علیه السّلام سه مرتبه او را زیارت کرد و در مرتبهٔ سوم به برداشته شدن عذاب این مقبره امر فرمود،پس حالت ما نیکو شد و در سعه و نعمت افتادیم،آن مرد صالح متحیّرانه از خواب بیدار شد،درحالی که حدّاد را نمی شناخت و محّل او را نمی دانست،در بازار حدّادان از او پرسید،و او را یافت،از او پرسید:آیا برای تو همسری بود؟ گفت آری دیروز وفات کرد،و او را در فلان مکان(و همان موضع را اسم برد)دفن کردیم،پرسید:او به زیارت ابی عبد اللّه علیه السّلام رفته بود؟ گفت نه:گفت:ذکر مصائب او می کرد؟گفت:نه،گفت مجلس عزاداری داشت؟گفت:نه،حدّاد پرسید چه می جویی؟خواب را نقل کرد،گفت آن زن به خواندن زیارت عاشورا مواظبت و مداومت داشت.

[دوم:زیارت عاشورای غیر معروفه]

دوم:زیارت عاشورای غیر معروفه:این زیارت،با زیارت معروفه متداوله در اجر و ثواب همسان است،و مشقّت گفتن صد مرتبه لعن،و صد مرتبه سلام را ندارد،و صورت آنکه در کتاب«مزار قدیم»نقل شده،بدون ذکر شرح آن،چنین است:هرکس دوست دارد آن حضرت را از شهرهای دور یا نزدیک زیارت کند،غسل نماید و به صحرا یا بام خانهٔ خود رود، آنگاه دو رکعت نماز بجا آورد،و در آن سورهٔ«توحید»را بخواند،چون سلام داد،به سوی آن

حضرت به سلام اشاره کند و به این سلام و اشاره و نیّت،متوجّه شود به آن جهتی که ابو عبد اللّه الحسین علیه السّلام در آن است،یعنی رو به کربلای معلّی کند،آنگاه

ص:716

با خشوع و استکانت بگوید:

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا،سلام بر او ای فرزند مژده دهنده و بیم دهنده،و فرزند آقای جانشینان،سلام بر تو ای فرزند فاطمه سرور بانوان جهانیان،سلام بر تو ای منتخب خدا و فرزند منتخبش،سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خون خدا،سلام بر تو ای تنهای مظلوم،سلام بر تو ای پیشوای هدایتگر پاک،و بر جانهایی که به درگاهت فرود آمدند و در جوارت اقامت کردند،و وارد شدند همراه زیارت کنندگانت،از سوی من سلام بر تو تا هستم،و تا شب و روز هست به راستی که مصیبت به تو بزرگ شد،و در میان مؤمنان و مسلمانان و همۀ اهل آسمانها و زمینها عظیم گشت،پس ما از خداییم و بسوی او باز می گردیم درودها و برکات و تحیّات خدا بر تو ای ابا عبد اللّه الحسین،و بر پدران اک و نجیبت،و بر نسلهای راهنما و رهیافتۀ شما،خدا لعنت کند امّتی را که از یاری ات دریغ کردندو نصرت و کمک به تو را رها نمودند،و خدا لعنت کند امّتی را که بنیان ستم بر شما را بنا نهادند و زمینۀ بی عدالتی بر شما را آماده کردند،و برای آزار و ظلم به شما،راه را باز کردند و این ظلم و جور را در شهرهای شما و شیعیانتان جاری ساختند،به سوی خدا و شما ای آقایان و سرپرستانم،بیزار شدم از اینان و شیعیان و پیروانشان،از خدا ای سرپرستانم،که گرامی داشت

ص:717

مقامتان را،و شرافت داد منزلت و شأنتان را،درخواست می کنم،که مرا به ولایت و اقتدای به شما و برائت از دشمنانتان گرامی بدارد،و از خدای نیکوکار مهربان می خواهم که دوستی شما را روزی من کند،و به طلب خونخواهی شما همراه امام مورد انتظار هدایتگر از خاندان محمّد موفّق نماید،و اینکه در دنیا و آخرت مرا با شما همراه کند،و به مقام پسندیده ای که برای شما نزد خداست برساند،و از خدای عزّ و جلّ درخواست می کنم،به حق شما،و به شأنی که برای قرار داده،که عطا کند به من به خاطر مصیبت زدگی ام به شما،برترین چیزی را که به مصیبت زده ای به خاطر مصیبتش عطا کرد،و ما از خدایی و به سوی او باز می گردیم،و ای از مصیبتی که چه دردناک و سخت بود،برای دلهای مؤمنان و مسلمانان،پس ما از خداییم و به سوی او باز می گردیم.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و مرا در این حالت از آنانی قرار ده که از جانب تو به آنها درودها و رحمت و آمرزش می رسد،و مرا در دنیا و آخرت در پیش خود آبرومند و از مقرّبان بدار،زیرا من به محمّد و خاندان محمّد(درود تو بر او و همهٔ ایشان)به تو تقرّب می جوییم.خدایا من متوسّل می شوم،به برگزیده از خلقت،و منتخب از آفریدگانت محمّد و علی و پاکان از فرزندان آن دو بزرگوار.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و زندگی مرا زندگی(آمیخته به عشق)آنان و مردن مرا مردن(با شیفتگی به)آنان قرار ده،و در دنیا و آخرت بین من و آنان جدایی مینداز،که تو شنونده دعایی،خدایا امروز روزی است که انتقام در آن تازه می شود،و لعنت فرود می آید در آن بر لعنت شدگان

یزید و خاندان یزید،و بر خاندان زیاد،و عمر بن سعد و شمر،خدایا آنان را لعنت کن،و لعنت کن کسی که به گفتار و کردارشان راضی شد،از آغاز تا پایان لعنتی بسیار،و آنان را در آتش سوزانت وارد کن،و در دوزخ جایشان ده،دوزخی که بد جایگاهی است،و دوزخ را واجب گردان بر آنان و هرکه با آنان همکاری کرد،و با آنان هم پیمان شد،و به آنان مساعدت نمود،و به کردارشان راضی شد،و باز کن بر روی ایشان و بر آنان،و بر هر که به این حادثه راضی شد لعنت هایت را که به آن لعنت کردی هر ستمکار،و هر غاصب و هر منکر و هر کافر و هر مشرک و هر شیطان رانده شده و هر گردنکش لجبازی را،خدایا یزید و خاندانش و فرزندان مروان همه را لعنت کن.دوچندان کن غضب و خشم و عذاب و انتقامت را بر اول ستمگری که به اهل بیت پیامبرت ستم کرد،خدایا تمام ستم کنندگان بر آنها را لعنت کن،و از آنان انتقام بگیر،زیرا تو صاحب انتقام از تبهکاران هستی،خدایا و لعنت کن اولین ستمکاری را که به خاندان محمّد ستم کرد،و لعنت کن ارواح و شهرها و گورهایشان را،و خدایا لعنت کن جمعیتی را که به کارزار با حسین فرزند دختر پیامبرت فرود آمدند،و با او جنگیدند،و یاران و یاوران و کمک کاران و دوستان و شیعیان و دوستداران اهل بیت و فرزندانش را کشتند،و خدایا لعنت کن کسانی را که مالش را غارت کردند،و حریمش را ربودند،و سخن و گفتارش را نشنیدند،و خدایا لعنت کن هرکه این حادثه به اوء رسید و به آن راضی شد از گذشتگان و آیندگان و همهٔ خلایق تا روز قیامت سلام بر تو ای ابا عبد اللّه الحسین،و بر آنان که با تو همراهی کردند و یاری ات نمودند،و با جانشان با تو به مواسات برخاستند،و جانشان را در دفاع از تو بخشیدند،سلام بر تو ای مولایم و بر آنان،و بر روح تو

و بر ارواحشان،و بر خاک تو و بر خاکشان،خدایا رحمت و رضوان و راحت و ریحان به آنان عطا کن،سلام بر تو ای مولایم ای ابا عبد اللّه،ای فرزند خاتم پیامبران،و ای فرزند سرور جانشینان،و از فرزند سرور بانوان جهانیان،سلام بر تو ای شهید،ای فرزند شهید.خدایا در این ساعت،و در این روز،و در این وقت،و هروقت از جانب من تحیّت و سلام به او برسان،سلام بر تو ای فرزند سرور جهانیان،و بر کشته شدگان به همراه تو،سلامی پیوسته تا شب و روز پیوسته است،سلام بر حسین بن علی شهید،سلام بر علی بن حسین شهید،سلام بر عباس فرزند شهید امیر مؤمنان،سلام بر شهیدان از فرزندان امیر مؤمنان،سلام بر شهیدان از فرزندان جعفر و عقیل سلام بر هر شهید گشته از مؤمنان.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و به آنان از جانب من تحیّت و سلام برسان.سلام بر تو ای رسول خدا،و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد،خدایا پاداشت را در مصیبت فرزندت حسین نیکو گرداند،سلام بر تو ای ابا الحسن ای امیر مؤمنان،و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد،خدا پاداشت را در مصیبت فرزندت حسین نیکو گرداند،سلام بر تو فاطمه دختر رسول پروردگار جهانیان،

ص:720

سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد،خدا پاداشت را در مصیبت فرزندت حسین نیکو گرداند سلام بر تو ای ابا محمّد ای حسن،و سلام و رحمت و برکات بر تو باد،خدا پاداشت را در مصیبت برادرت حسین نیکو گرداند،سلام بر ارواح مردان و زنان با ایمان زنده ها و مرده هایشان،سلام و رحمت خدا و برکات خدا بر آنان باد،خدا پاداش آنان را در مصیبت مولایشان حسین نیکو گرداند،خدایا قرار ده ما را از خواستاران خونخواهی او به همراه امام دادگر،که اسلام و اهلش را به او عزیز گردانی،ای پروردگار جهانیان.بعد به سجده رو و بگو:خدایا تو را سپاس بر همۀ آنچه از امر عظیم نازل شد،و تو را سپاس بر هر امری و به سوی توست شکایت در امور بس مهم بزرگ،که به برگزیدگان و اولیایت اصابت کرد،و این به خاطر کرامت و فضل بسیاری است که بر آنان واجب کرده ای.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و شفاعت حسین(درود بر او)را نصیب من کن،روز ورود به قیامت،و مقام مشهود،و حوض وارد شده،و برایم نزد خود قدم صدق قرار ده با حسین و یاران حسین(درود بر ایشان)آنان که با وجودشان با او مواسات نمودند، و جانشان را در برابر او بخشیدند،و همراه او با دشمنانت جهاد نمودند،به خاطر به دست آوردن خشنودی ات و امید به تو،تصدیق به وعده ات،و ترس از تهدیدت،زیرا که تو لطف کننده ای به هر که بخواهی،ای مهربان ترین مهربانان.

ص:721

هشتم:زیارت اربعین

اربعین سیّدالشّهدا علیه السّلام مصادف با روز بیستم صفر است،شیخ طوسی در کتاب تهذیب و مصباح از حضرت حسن عسگری علیه السّلام روایت کرده:نشانه های مؤمن پنج چیز است:پنجاه و یک رکعت نماز گذاردن،که مراد هفده رکعت واجب،و سی و چهار رکعت نافله[مستحب]در هر شب و روز است،و زیارت اربعین،و انگشتر به دست راست نمودن،و پیشانی را در سجده بر خاک نهادن،و بلند گفتن«بسم اللّه الرّحمن الرّحیم» کیفیت زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام در روز اربعین به دو صورت رسیده:

[اول:زیارتی است که شیخ در دو کتاب تهذیب و مصباح از صفوان جمّال روایت کرده...]

اول:زیارتی است که شیخ در دو کتاب تهذیب و مصباح از صفوان جمّال روایت کرده،که صفوان گفت:مولایم امام صادق علیه السّلام دربارۀ زیارت اربعین به من گفت:هنگامی که قسمت قابل توجهی از روز برآمده،بخوان:

سلام بر ولیّ خدا و حبیبش،سلام بر دوست خدا و نجیبش،سلام بر بندۀ برگزیدۀ خدا و فرزند برگزیده اش،سلام بر حسین مظلوم شهید،سلام بر آن دچار گرفتاریها و کشتۀ اشکها،خدایا من گواهی می دهم که حسین ولیّ تو و فرزند ولیّ تو،و فرزند برگزیدۀ توست حسینی که به کرامتت رسیده،او را به شهادت گرامی داشتی،و به خوشبختی اختصاصش دادی،و به پاکی ولادت برگزیدی،و او را آقایی از آقایان،و پیشروی از پیشرویان،و مدافعی از مدافعان حق قرار دادی،و میراثهای پیامبران را به او عطا فرمودی،و او را از میان جانشینان حجّت بر بندگانت قرار دادی،و در دعوتش جای عذری باقی نگذاشت،و از خیرخواهی دریغ نورزید،و جانش را در راه تو بذل کرد،تا بندگانت را از جهالت و سرگردانی

گمراهی برهاند،درحالی که بر علیه او به کمک هم برخاستند،کسانی که دنیا مغرورشان کرد،و بهره واقعی خود را به فرومایه تر و پست تر چیز فروختند،و و آخرتشان را به کمترین بها به گردونه فروش گذاشتند،تکبّر کردند و خود را در دامن هوای نفس انداختند،تو را و پیامبرت را به خشم آوردند،و اطاعت کردند از میان بندگانت،اهل شکاف افکنی و نفاق و بارکشان گناهان سنگین،و سزواران آتش را پس با آنان دربارهٔ تو صابرانه و به حساب تو جهاد کرد،تا در طاعت تو خونش ریخته شد و حریمش مباح گشت خدایا آنان را لعنت کن لعنتی سنگین،و عذابشان کن عذابی دردناک،سلام بر تو ای فرزند رسول خدا،سلام بر تو ای فرزند سرور جانشینان،شهادت می دهم که تو امین خدا و فرزند امین اویی،خوشبخت زیستی،و ستوده درگذشتی،و از دنیا رفتی گم گشته،و مظلوم و شهید،گواهی می دهم که خدا وفاکننده است آنچه را به تو وعده داده،و نابودکنندهٔ کسانی را که از یاری ات دریغ ورزیدند،و عذاب کنندهٔ کسانی را که تو را کشتند،و گواهی می دهم که تو به عهد خدا وفا کردید و در راهش به به جهاد برخاستی تا مرگ فرا رسید،پس خدا لعنت کند کسانی را که تو را کشتند،و به تو ستم کردند،و این جریان را شنیدند و به آن خشنود شدند،خدای من تو را شاهد می گیرم که من دوستم با آنان که او را دوست دارند،و دشمن با آنان که با او دشمنند،پدر و مادرم فدایت ای فرزند رسول خدا،گواهی می دهم که تو در صلبهای بلندمرتبه و رحمهای پاک نوری بودی،جاهلیت با ناپاکیهایش تو را آلوده نکرد،و از جامه های تیره و تارش به تو نپوشاند،و گواهی می دهم که تو از ستونهای دین،و پایه های مسلمانان،و پناهگاه مردم مؤمنی،و

ص:723

گواهی می دهم که پیشوای نیکوکار،با تقوا،راضی به مقدرات حق،پاکیزه،هدایت کننده،و هدایت شده ای،و گواهی می دهم که امامان از فرزندانت،اصل تقوا،و نشانه های هدایت،و دستگیره محکم،و حجّت بر اهل دنیا هستند و گواهی می دهم که من به یقین مؤمن به شمایم،و به بازگشتتان یقین دارم،براساس قوانین دینم،و عواقب عملم،و قبلم با قلبتان در در صلح،و کارم پیرو کارتان،و یاری ام برای شما آماده است،تا خدا به شما اجازه دهد،پس با شمایم نه با دشمنانتان،درودهای خدا بر شما،و بر ارواح و پیکرهایتان،و بر حاضر و غایبتان،و بر ظاهر و باطنتان،آمین ای پروردگار جهانیان.

پس دو رکعت نماز می خوانی،و به آنچه می خواهی دعا می کنی و برمی گردی.

[دوم:زیارتی است که از جابر روایت شده...]

دوم:زیارتی است که از جابر روایت شده،و کیفیت آن چنان است که از عطا[ظاهرا همان عطیه عوفی کوفی همسفر جابر در اربعین برای زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام است]نقل شده:در روز بیستم ماه صفر با جابر بن عبد اللّه انصاری بودم،چون به غاضریه رسیدیم در آب فرات غسل کرد،و پیراهن پاکیزه ای که با خود داشت پوشیده،آنگاه به من گفت:آیا از بوی خوش چیزی،با تو هست ای عطا؟گفتم:سعد با من هست،قدری از آن گرفت و بر سر و بدن پاشید،و پابرهنه روانه شد،تا نزد سر مبارک امام حسین علیه السّلام ایستاد،و سه مرتبه اللّه اکبر گفت.پس افتاد و بیهوش شد،چون به هوش آمد شنیدم می گفت:«السّلام علیکم یا آل اللّه...»که درست همان زیارت نیمۀ رجب است که قبلان ذکر کردیم،و با آن جز در چند کلمه تفاوت ندارد،که آن هم احتمالا ناشی از اختلاف نسخه هاست،چنان که شیخ مرحوم احتمال داده.در هر صورت اگر کسی بخواهد آن را هم بخواند،به زیارت نیمۀ رجب رجوع کند،و همان را بخواند.

[اوقات شریفه زیارت امام حسین علیه السلام]

مؤلف گوید:زیارت امام حسین علیه السّلام در اوقات شریفه و شبها و روزهای متبرکه،به غیر این اوقات که ذکر شد،نیز افضل است،به ویژه اوقاتی که به آن حضرت نسبتی داشته باشد،مانند

روز مباهله و روز نزولا هل اتی و روز ولادت آن حضرت و نیز شبهای جمعه.و از روایتی استفاده می شود که حق تعالی در هر شب جمعه نظر لطفی بر آن حضرت می نماید،و همهٔ پیامبران و اوصیای ایشان را به زیارت حضرتش می فرستد.ابن قولویه از امام صادق علیه السّلام روایت کرده:هرکه قبر امام حسین علیه السّلام را در هر جمعه زیارت کند،البته آمرزیده می شود،و از دنیا با حالت حسرت بیرون نرود،و مسکنش در بهشت با امام حسین علیه السّلام باشد.در خبر اعمش آمده:همسایهٔ او برایش گفت:در خواب دیدم رقعه هایی از آسمان فرو می ریزد،که در آنها برای هرکه امام حسین علیه السّلام را در شب جمعه زیارت کند امان نوشته اند،و بعد از این در اعمال کاظمین در ضمن حکایت حاج علی بغدادی[صفحه 746]به این مطلب اشاره خواهد شد.و در غیر این اوقات از اوقات شریفه دیگر نیز خوب است آن حضرت زیارت شود.روایت شده از امام صادق علیه السّلام پرسیدند:آیا برای زیارت امام حسین علیه السّلام خاصی است که بهتر از زمانهای دیگر باشد؟فرمود:آن حضرت را در هروقت و هر زمان زیارت کنید که در زیارت آن حضرت خیر مقرّری است،هرکه آن را بیشتر به عمل آورد،خیر بیشتری خواهد یافت و هرکه کمتر انجام دهد خیر کمتری به دست می آورد،و در زیارت کردن آن حضرت در اوقات شریفه بکوشید،که اعمال صالحه در آن اوقات ثوابش دو چندان است و در آن اوقات شریفه فرشتگان الهی برای زیارت آن حضرت از آسمان نازل می شوند الخ.و برای خصوص این اوقات یاد شده زیارت منقولی یافت نشده،تنها برای روز سوم شعبان که روز ولادت حضرت امام حسین علیه السّلام است،دعایی از ناحیهٔ مبارکه بیرون آمده که باید آن را خواند،و ما آن را در ضمن اعمال ماه شعبان ذکر کردیم،و همچنین بدان که زیارت آن حضرت در غیر کربلا،از شهرهای دور فضیلت زیادی دارد،و ما در اینجا به ذکر دو روایت که در کتابهای«کافی»،«تهذیب»و«من لا یحضره الفقیه»است قناعت می کنیم.

روایت اوّل: ابن ابی عمیر از هشام روایت کرده:امام صادق علیه السّلام فرمود:هرگاه راه یکی از شما دور،و از خانه اش تا قبور ما مسافت زیادی باشد،به پشت بام بلندتر منزل خود بالا رود،و دو رکعت نماز بجا آورد،و به سلام کردن به سوی قبرهای ما اشاره کند،به درستی که آن نماز و سلام به ما می رسد.

روایت دوم: از حنّان بن سدیر از پدرش نقل شده:امام صادق علیه السّلام به من فرمود:ای سدیر آیا هر روز قبر حسین علیه السّلام

را زیارت می کنی؟عرض کردم:فدایت شوم نه،فرمود:شما جفاکارید،آیا در هر جمعه او را زیارت می کنید؟گفتم:نه،فرمود آیا در هر ماهی زیارت می کنید؟گفتم:نه،فرمود:آیا در هر سالی زیارت می کنید؟گفتم:گاهی از سالها شده که زیارت کرده ام فرمود:ای سدیر شما به امام حسین علیه السّلام چه جفاکارید!آیا نمی دانید که حق تعالی دو هزارهزار فرشته[در کتاب«تهذیب»و «فقیه»هزارهزار فرتشه آمده است]ژولیده موی و غبارآلود گمارده تا بر آن حضرت گریه کنند و زیارت نمایند که هرگز سست نمی شوند،و برای تو ای سدیر چه می شود،که زیارت کنی قبر امام حسین علیه السّلام را در هر جمعه پنج مرتبه،و در هر روزی یک مرتبه؟گفتم:فدایت شوم بین ما و او فاصله بسیاری است،فرمود:به بام خانه ات بالا رو و سپس به راست و چپ نظر کن،آنگاه سر خود را به سوی آسمان بردار،سپس قصد کن جانب قبر آن حضرت را و بگو:السّلام علیک یا ابا عبد اللّه،السّلام علیک و رحمه اللّه و برکاته به خاطر این عمل زیارتی برای تو نوشته می شود،و آن زیارت حجّ و عمره است.سدیر گفت:باشد که این را در ماه بیش از بیست مرتبه بجا آوردم،و در آغاز زیارت اوّل از زیارت مطلقه[صفحه 656]مطلبی که مناسب این مقام بود گذشت،مراجعه کنید.

«پی نوشت»

در فضیلت و آداب تربت مقدسهٔ امام حسین علیه السّلام

بدان که روایات بسیاری وارد شده که در تربت آن حضرت شفای هر درد و بیماری است بجز مرگ،و امان است از هر بلا،و باعث ایمنی است از هر خوف و بیم،و اخبار در این باب متواتر[یعنی از طرق بسیاری نقل شده]است،و معجزاتی که به سبب این تربت مقدّسه ظاهر گردیده بیشتر از آن است که به ذکر آید،و من در کتاب«الفوائد الرضویه»که که در تراجم علمای امامیه است،در احوال سیّد محدّث متبحّر آقا سیّد نعمت اللّه جزایری(ره)نوشتم،که آن سیّد جلیل القدر در تحصیل علم زحمت بسیار کشیده،و سختی و رنج فراوان برده است و حتی در اوایل تحصیل چون قادر به تهیه چراغ نبوده،در روشنی ماه مطالعه می کرده،لا جزم از کثرت مطالعه در پرتو نور مهتاب و بسیار نوشتن،چشمانش ضعیف شده

بود،بنابراین برای روشنی چشم خود،به تربت مقدّسه حضرت سید الشهداء علیه السّلام،و تربتهای سایر مراقد شریفۀ ائمه عراق اکتحال می کرد[مانند سرمه،به چشم می کشید]و به برکت آن تربتها چشمانش روشن می شد،و برای اینکه مبادا اهالی زمان ما به واسطۀ معاشرت با کفّار و افراد بی دین،این واقعیت را عجیب بشمارند،نگاشتم:همانا کمال الدین دمیری در کتاب «حیات الحیوان»نقل کرد:افعی هرگاه از عمرش هزار سال بگذرد،چشمانش کور می شود،حق تعالی به او الهام کرده است که برای رفع کوری خود،چشمانش را به رازیانۀ تر(نمناک)بمالد،او هم با چشم کور از بیابان به قصد باغها،و محلهایی ک در آنجا رازیانه باشد بیرون می آید،گرچه مسافیتی طولانی در بین باشد تا خود را به ان گیاه رسانده و چشم خویش را بر آن بمالد و روشنی چشمش بازگردد،و این مطلب را زمخشری و غیر او نیز نقل کرده اند.پس هرگاه حق تعالی در گیاه تری این خاصیت را قرار داده باشد،که مار کور به آن پی ببرد،و بهره خود را از آن بگیرد،چه جای تعجّب و شگفتی دارد،که خدا در تربت پسر پیامبر صلی اللّه علیه و آله که خود و عترتش در راه خدا کشته شدند،شفایی از همۀ امراض و فوائد و برکاتی قرار داده باشد،که شیعیان و محبّان از آن بهره ها ببرند،و ما در این مقام به ذکر چند خبر اکتفا می کنیم:

اوّل: روایت شده،حوریان بهشت،چون یکی از ملائکه را می بینند که برای کاری به زمین می آید،از او التماس می کنند که برای ما تسبیح و تربت قبر امام حسین علیه السّلام را به عنوان هدیه بیاور. دوم: به سند معتبر روایت شده است که شخصی گفت:

حضرت رضا علیه السّلام برای من از خراسان بسته ای متاع فرستاد،چون گشودم در میان آن خاکی بود،از کسی که آورده بود پرسیدم این خاک چیست؟گفت:خاک قبر امام حسین علیه السّلام است و امام رضا علیه السّلام هرگز از جام و غیر جامه چیزی به جایی نمی فرستد مگر آنکه این خاک را در میانش می گذارد و می فرماید:این به اذن و مشیّت خدا،امان از بلاهاست. سوم: روایت شده عبد اللّه بن ابی یعفور خدمت امام صادق علیه السّلام عرض کرد:شخصی از خاک قبر امام حسین علیه السّلام برمی دارد،و بهره مند می شود و دیگری برمی دارد،و سودی نمی برد،فرمود:نه و اللّه هرکه بردارد و اعتقاد داشته باشد که به او سود می بخشد،البته سودی می برد، چهارم:

از ابو حمزه ثمالی روایت شده:به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم:می بینم اصحاب ما،خاک قبر امام حسین علیه السّلام را می گیرند،و از آن طلب شفا می کنند،آیا در آن شفایی هست؟فرمود:می توان طلب شفا کرد،از خاکی که از فاصله میان قبر تا چهار میل

ص:727

بردارند.و همچنین است خاک قبر جدّم رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و قبر امام حسن علیه السّلام و امام زین العابدین علیه السّلام و امام محمّد باقر علیه السّلام،پس بگیر از آن خاک که شفای هر درد است و سپری است برای دفع هرچه از آن می ترسی و هیچ چیز از چیزهایی که از آن طلب شفا می کنند با آن برابری نمی کند به غیز از دعا و چیزی که آن را فاسد می کند آن است که در ظرفها و جاهای بد می گذارند و آنها که با آن معالجه می کنند،یقینشان کم است،هرکه یقین داشته باشد که این تربت برای او شفاست،هرگاه با آن معالجه کند برایش کافی است و محتاج به دوای دیگر نخواهد شد.و آن تربت را شیاطین و کافران از جنّیان،که خود را بر آن می مالند فاسد می گردانند و نیز هر چیز را که آن تربت از آن می گذرد،بو می کنند،و امّا شیاطین و کافران جنّ به فرزندان آدم بر آن حسد می برند،به همین دلیل خود را بر آن می مالند،که اکثر نیکی و بوی خوشش برطرف می شود.و هیچ تربتی از حایر بیرون نمی آید،مگر اینکه مهیّا می شوند از شیاطین و کافران جنّ برای آن تربت،به اندازه ای که عدد آنها را کسی به غیر از خدا نمی شمارد،و آن تربت در دست صاحب آن است و ایشان خود را بر آن می مالند و ملائکه نمی گذارند ایشان داخل حایر مطهّر شوند و اگر تربت از گزند آنان سالم بماند،هر بیمار را که با آن معالجه نمایند،البته در آن ساعت شفا می یابد.بنابراین چون تربت را برداشتی پنهان کن و نام خدا را بر آن بسیار بخوان و شنیده ام که بعضی از مردم که تربت را بر می دارند،حتی عده ای از ایشان،آن را در توبرهٔ چهارپایان،یا در ظرف طعام یا چیزهایی که دست به آن بسیار مالیده می شود،از خورجینها و جوالها می اندازند،پس چگونه از آن تربت شفا یابد کسی که به این نوع با این گوهر گرانبها معامله می کند؟البته دلی که در آن یقین نیست و سبک می شمارد چیزی را که صلاحش در آن است عمل خود را فاسد می کند. پنجم: روایت شده:هرگاه یکی از شما بخواهد تربت بردارد و با نوک انگشتان خویش بردارد،آن هم به اندازهٔ یک نخود.پس آن را ببوسد و بر هر دو دیده گذارد و بر سایر بدن نیز بمالد و بگوید:

خدایا به حق این تربت،و به حق آنکه در آن فرود آمد،و در آن دفن شد،و به حق جدّ و پدر و مادر و برادرش و امامان از فرزندانش،و به حق ملائکهٔ در برگیرنده اش از تو می خواهم که آن تربت را شفای از هر درد،و بهبود از

هر بیماری،و نجات از هر آفت،و پناه از آنچه می ترسم و حذر می کنم قرار دهدی.سپس از آن استفاده کند.

روایت شده:که مهر کردن تربت امام حسین علیه السّلام آن است،که بر آن سورۀ انّا انزلناه بخوانی.و نیز روایت شده،هرگاه خواستی تربت را بخوری،یا به کسی بخورانی بگو:

به نام خدا و به خدا،خدایا ان را روزی فراخ،و دانش سودمند،و شفا از هر درد قرار بده،و درستی که تو بر هر چیز توانایی مؤلف گوید:فوائد تربت شریفۀ آن حضرت بسیار است،از جملۀ گذاشتن آن همراه میّت در قبر،و نوشتن کفن با آن مستحبّ است و دیگر سجده کردن بر آن است،روایت شده سجده بر آن،هفت حجاب را برمی دارد،یعنی باعث قبولی نماز می شود،نمازی که به عوالم بالا صعود کند و نیز ساختن تسبیح از تربت آن حضرت و ذکر گفتن با آن تسبیح و در دست داشتن آن است،که فضیلت بسیاری دارد،و از خاصیت آن تسبیح این است،که در دست آدمی تسبیح می گوید:بی آنکه صاحبش تسبیح گوید و معلوم است که این تسبیح غیر از آن تسبیحی است که در تمام موجودات است چنان که خدای تعالی فرموده:«هیچ موجودی نیست جز آنکه تسبیح می گوید همراه با سپاس خدا،ولی شما تسبیح آنها را نمی فهمید»و عارف رومی در بیان آن چنین گفته:

گر تو را از غیب چشمی باز شد با تو ذرّات جهان هم راز شد

نطق خاک و نطق آب و نطق گل هست محسوس حواس اهل دل

جملۀ ذرّات در عالم نهان با تو می گویند روزان و شبان

ما سمیعیم و بصیریم و هشیم با شما نامحرمان ما خامشیم

از جمادی سوی جان جان شوید غلغل اجزای عالم بشنوید

فاش تسبیح جمادات آیدت وسوسۀ تاویلها بزدایدت

در هر صورت این تسبیحی که در این روایت است،تسبیحی است که از خصوصیات تربت حضرت سید الشهداء(ارواحنا له الفداء)

است. ششم: از حضرت رضا علیه السّلام روایت شده:هرکه تسبیح ساخته شدهٔ از تربت امام حسین علیه السّلام را در دست بگرداند و بگوید:سبحان اللّه و الحمد للّه و لا اله الاّ اللّه و اللّه اکبر»حق تعالی عوض هر دانه برای او شش هزار حسنه بنویسد،و از او شش هزار گناه محو کند،و به او شش هزار درجه ترفیع دهد و برای او شش هزار شفاعت ثبت کند.از امام صادق علیه السّلام روایت شده:هرکه در دست خود بگرداند سنگهایی که از تربت امام حسین علیه السّلام می رساند،یعنی تسبیح پخته،پس یک بار استغفار کند،هفتاد استغفار برای او نوشته می شود،و اگر تسبیحی را در دست نگاه دارد،و تسبیح نگوید به عدد هر دانه هفت مرتبه برای او نوشته می شود. هفتم: در حدیث معتبری نقل شده:چون امام صادق علیه السّلام به عراق تشریف آوردند،گروهی خدمت حضرت رسیدند و عرض کردند:دانسته ایم که تربت امام حسین علیه السّلام موجب شفای هر درد است،آیا باعث ایمی از هر خوف نیز هست؟فرمود:آری،هرگاه کسی بخواهد که او را از هر بیمی امان بخشد،باید تسبیحی که از تربت آن حضرت ساخته باشند،در دست بگیرد،و سه مرتبه این دعا را بخواند:

صبح کردم خدایا چنگ زنان به پیمان و جوار محکمت،که مورد دستبرد واقع نگردد،و از دست قدرتت گرفته نشود،از شرّ هر زورگو و شبیخون زننده در شب،از همهٔ آنان که آفریدی،و آنچه آفریدی از مخلوقاتت،خاموش و گویا،در سپری محکم از هر موجود ترسناک،با پوششی سرشار و قلعه دار،و آن سپر ولایت اهل بیت پیامبرت محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)است درحالی که نگاهدار خود هستم از هرکه قصد آزارم را دارد، با دیوار محکم اخلاص،در اعتراف به حقّشان،و چنگ زدن به رشتهٔ ولایت تمامی آنان،درحالی که یقین دارم که حق برای آنان و با آنان،و از سوی آنان،و در میان آنان و به واسطهٔ آنان است.دوست دارم کسی را که آنان دوست دارند،و دشمن دارم کسی را که آنان دشمن دارند و کناره گیری میکنم از هرکه آنها از او کناره گرفتند،پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا نگهدار،خدایا به حق ایشان از شرّ هر چه از آن

می پرهیزم،ای بزرگ دور ساختم دشمنانم را از خود به وسیلۀ پدیدآورندۀ آسمانها و زمین،ما را از پیش روی ایشان و پشت سرشان سدی قرار داریم پس ایشان نمی بینند.پس تسبیح را ببوسد و بر هر دو چشم بمالد و بگوید:خدایا از تو می خواهم به حق این تربت مبارک،و به حق صاحبش،و به حق جدّ و پدر و مادر و برادرش،و به حق فرزندان پاکش،آن را شفایی از هر درد، و ایمنی از هر بیم،و نگهدار از هر بدی قرار ده.بعد تسبیح را بر جبین خود بگذارد،اگر در صبح چنین کند،تا شام در امان خدا باشد و اگر در شام چنین کند تا صبح در امان خدا باشد.در روایت دیگری نقل شده:هرکه از پادشاهی یا غیر او بترسد،چون از خانه بیرون آید،این عمل را انجام دهد،تا نگهداری و حافظی از شرّ ایشان برای او باشد.مؤلف گوید:

مشهور میان علما آن است که خوردن گل و خاک مطلقا جایز نیست،مگر تربت مقدّسۀ امام حسین علیه السّلام به قصد شفا بدون قصد لذّت.آن هم به اندازۀ یک نخود،بلکه احوط آن است که به اندازۀ یک عدس باشد،و خوب است تربت را در دهان بگذارد،و پس از آن جرعه ای از آب بخورد و بگوید:

خدایا آن را روزی فراخ،و دانش سودمند،و شفای از هر درد و بیماری قرار ده.

علاّمۀ مجلسی رحمه اللّه فرموده:احوط آن است که مهر و تسبیح و تربت آن حضرت را خرید و فروش نکنند،بلکه به هدیه و بخشش بدهند و در برابر آنها اگر تراضی کنند،بی آنکه اوّل شرط کرده باشند شاید بد نباشد،چنان که در حدیث معتبری از امام صادق علیه السّلام نقل شده:هرکه خاک قبر امام حسین علیه السّلام را بفروشد،چنان است که گوشت آن حضرت را فروخته و خریده.

مؤلف گوید:شیخ ما محدّث چیره دست ثقه الاسلام نوری رحمه اللّه در کتاب«دار السلام»نقل کرده:روزی یکی از برادران

من خدمت مرحومه والده ام رسید،مادرم دید تربت امام حسین علیه السّلام را،در جیب پایین قبای خود گذاشته،مادرم او را نهی کرد،که این بی ادبی به تربت مقدّسه است،چه اینکه بسا شود زیر ران قرار گیرد و شکسته شود،برادرم گفت:چنین است که فرمودی و تاکنون دو مهر شکسته ام،ولی عهد کرد که پس از آن تربت را در جیب پایین خود نگذارد،چند روزی از این قضیّه گذشت،علاّمه و الدم بدون اینکه از این مطلب اطلاع داشته باشد،خواب دید که مولای ما حضرت ابا عبد اللّه السحین علیه السّلام برای دیدن او به خانه تشریف آورد،و در اطاق کتابخانه نشست،و ملاطفت و مهربانی بسیار کرد و فرمود:پسران خود را دعوت کن بیایند تا آنها را اکرام کنم.پس پسرها را خواست،و با من پنج نفر بودند،همهٔ آنها کنار در مقابل آن حضرت ایستادند،و نزد حضرت جامه ها و چیزهای دیگری بود،یک یک را می خواند،و چیزی از آنها به او می داد،نوبت به برادر مزبور رحمه اللّه رسید،حضرت نظری به او انداخت،مانند کسی که در غضب باشد.و التفات به پدرم نمود و فرمود:این پسر تو دو تربت از تربتهای قبر مرا در زیر ران خود شکسته،پس آن حضرت او را مثل برادران دیگر نخواند،بلکه چیزی به سوی او افکند،و الآن در ذهن من است که گویا قاب شانهٔ ترمه به او داد،بعد علاّمهٔ والد بیدار شد و خواب خود را برای مرحومه والده نقل کرد،و والده حکایت برادرم را برای او بیان نمود،ولاد از صدق این خواب شگفت زده شد.

فصل هشتم

اشاره

در فضیلت و کیفیت زیارت کاظمین یعنی امام موسی کاظم و امام محمّد تقی علیهما السّلام و ذکر مسجد براثا

و زیارت نواب اربعه و زیارت جناب سلمان و مشتمل بر چند بخش است:

بخش اول:در فضیلت و کیفیت زیارت کاظمین علیهما السّلام

[فضیلت زیارت کاظمین علیهما السّلام]

بدان که برای زیارت این دو امام معصوم علیهما السّلام فضیلت بسیاری ذکر شده،و در اخبار بی شماری وارد شده که زیارت موسی بن جعفر

علیهما السّلام مثل زیارت پیامبر صلی اللّه علیه و آله است.و در روایتی است:هرکه او را زیارت کند،مانند آن است که حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله و امیر مؤمنان را زیارت کرده،و در روایت دیگری:مثل آن است که امام حسین علیه السّلام را زیارت کرده

باشد،و در حدیث دیگری:هرکه او را زیارت کند،بهشت برای اوست.

شیخ جلیل محمّد بن شهر آشوب در«مناقب»از تاریخ بغداد نقل کرده:که خطیب مؤلّف آن کتاب به سند خود از علی بن خلال روایت نموده:هیچ امر دشواری مرا روی نداد،که بعد از آن به نزد قبر حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام روم،و متوسّل به آن جناب شوم،مگر آنکه خدا،آن را برایم آسان کرد.و نیز گفته است:زنی در بغداد دیده شد که می دوید به و گفتند:کجا می روی؟گفت:به سوی قبر موسی بن جعفر علیها السّلام می روم،برای پسرم که او را حبس کرده اند دعا کنم،مردی حنبلی مذهب در آنجا حاضر بود،آن زن را مسخره کرد،و گفت:پسرت در زندان از دنیا رفت، آن زن گفت:خدایا از تو درخواست می کنم،به حق کسی که در زندان شهیدش کردند[مرادش موسی بن جعفر علیه السّلام بود] قدرت خود را به من بنما،به ناگاه پسر آن زن را رها کردند،و فرزند آن مرد حنبلی را که مسخره کرده بود،به جنایت او گرفتند شیخ صدوق از ابراهیم بن عقبه روایت کرده:

خدمت امام هادی علیه السّلام نامه ای نوشتم،و در نامه پرسیدم از زیارت ابی عبد اللّه السحین علیه السّلام،و از زیارت حضرت موسی بن جعفر و حضرت جواد علیهما السّلام،منظور از پرسش آن بود که بدانم کدام یک از این دو زیارت افضل است؟ حضرت در جواب نوشته بودند:ابو عبد اللّه علیه السّلام مقدم است،و زیارت این دو معصوم جامع تر،و ثوابش عظیم تر است.

[کیفیّت زیارت کاظمین علیهما السّلام]

اشاره

اما کیفیّت زیارت کاظمین علیهما السّلام:بدان که زیارات آن حرم شریف،بعضی اختصاص به هر یک از آن دو بزرگوار دارد،و بعضی مشترک ما بین آن دو امام است.

[زیارت مختصّ به حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام]

اما زیارت مختصّ به حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام چنان که سیّد ابن طاووس در کتاب«مزار»نقل کرده:آن است که چون خواستی آن

حضرت را زیارت کنی،سزاوار است غسل کنی و بعد با آرامش و وقار به زیارت،روانه شوی همین که به در حرم رسیدی بایست و بگو:

خدا بزرگتر است،خدا بزرگتر است،معبودی جز خدا نیست،و خدا بزرگتر است،خدا را سپاس بر هدایت نمودن به سوی دینش،و موفق نمودن بر

ص:733

آنچه فرا خواند به سوی آن از راهش.خدایا تویی کریم ترین قصد شده،و کریم ترین آمده شده،نزد تو آمده ام درحالی که به تو تقرّب می جویم،به وسیلۀ فرزند دختر پیامبرت،درودهایت بر او،و بر پدران پاک،و فرزندان پاکیزه اش باد.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و کوششم را بی ثمر مکن،و امیدم را قطع مساز،و مرا نزد خود در دنیا و آخرت آبرومند و از مقرّبان قرار ده.بعد وارد شو،و پای راست خود را مقدّم دار و بگو:

به نام خدا و با خدا،و در راه خدا،و بر آیین رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش باد)،خدایا بیامرز مرا و پدرم و مادرم و همۀ مردان و زنان مؤمن را.همین که به در بارگاه شریف رسیدی بایست،و طلب اذن کن و بگو:آیا وارد شوم ای رسول خدا،آیا وارد شوم ای پیامبر خدا آیا وارد شوم ای محمّد بن عبد اللّه،آیا وارد شوم ای امیر مؤمنان،آیا وارد شوم ای ابا محمّد حسن،آیا وارد شوم ای ابا عبد اللّه الحسین،آیا وارد شوم ای ابا محمّد علی بن السحین،آیا وارد شوم ای ابا جعفر محمّد بن علی،آیا وارد شوم ای ابا عبد اللّه جعفر بن محمّد،آیا وارد شوم ای مولایم ای ابا الحسن موسی بن جعفر،آیا وارد شوم ای مولای من ای ابا جعفر،آیا وارد شوم ای مولای من ای محمّد بن علی.سپس وارد شو،و چهار مرتبه بگو:اللّه اکبر و مقابل قبر بایست،و قبله را پشت کتف خود قرار بده،آنگاه بگو:

سلام بر تو ای ولیّ خدا،و فرزند ولیّ خدا،سلام بر تو ای حجّت خدا،و فرزند حجّت خدا،سلام بر

تو ای برگزیدۀ خدا و فرزند برگزیدۀ خدا،سلام بر تو ای امین خدا و فرزند امین خدا،سلام بر تو ای نور خدا در تاریکیهای زمین،سلام بر تو ای پیشوای هدایت،سلام بر تو ای پرچم دین و تقوا،سلام بر تو ای خزانه دار دانش پیامبران،سلام بر تو ای خزانه دار دانش رسولان،سلام بر تو ای جانشین اوصیای گذشته،سلام بر تو ای معدن وحی آشکار،سلام بر تو ای صاحب دانش یقینی،سلام بر تو ای خزانۀ دانش رسولان،سلام بر تو ای امام شایسته،سلام بر تو ای پیشوای زاهد،سلام بر تو ای امام عابد،سلام بر تو ای امام سرور و رشید،سلام بر تو ای کشتۀ شهید گشته،سلام بر تو ای فرزند رسول خدا و فرزند جانشینش،سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای مولای من موسی بن جعفر، گواهی می دهم که تو از جانب خدا آنچه را بر عهده داشتی رساندی،و از آنچه به تو سپرده بود نگهداری نمودی،و حلال خدا را حلال،و حرام خدا را حرام کردی،و احکام خدا را بپا داشتی،و کتاب خدا را تلاوت نمودی،و در راه خدا بر آزار مردم صبر کردی،و در راه خدا آن گونه که باید جهاد کردی تا مرگ تو را دررسید،و گواهی می دهم که درگذشتی،بر آنچه پدران پاک،و اجداد پاکیزه،و جانشینان راهنما،آن پیشوایان هدایت یافته درگذشتند،گمراهی را بر هدایت ترجیح ندادی،و از حق به جانب باطل منحرف نشدی،و

گواهی می دهم که برای خدا و رسول خدا و امیر مومنان خیرخواهی کردی،و امانت را ادا نمودی،و از خیانت دوری گزیدی،و نماز بپا داشتی،و زکات دادی،و امر به معروف و نهی از منکر نمودی،و خدا را تنها از روی اخلاص،و اجتهاد و تنها برای او عبادت کردی،تا مرگت فرا رسید،پس خدا از سوی اسلام و اهلش پاداشت دهد،برترین و شریفترین پاداش ای فرزند رسول خدا،به سویت آمدم برای زیارت،درحالی که،عارف به حقّت هستم،و به فضلت اقرار دارم،متحمّل دانشت می باشم،پوشیده به پیمانت،و پناه آورنده به قبرت،زره گزیده به ضریحت،شفاعت خواه به واسطهٔ تو به سوی خدا،دوستدار دوستانت،دشمن دشمنانت،بینای به مقامت،و هدایتی که تو بر آن هستی،دانای به گمراهی کسی که با تو مخالفت کرد،و کوردلی ای که آنان برآنند،پدر و مادر و جان و خاندان و مال و فرزندانم فدایت ای پسر رسول خدا،به سوی تو آمدم درحالی که به زیارتت به سوی خدای تعالی تقرّب می جویم،و به پیشگاهش به وسیلهٔ تو طلب شفاعت می کنم،پس مرا نزد پروردگارت شفاعت کن،تا گناهانم را بیامرزد،و از جرمم درگذرد،و از بدیهایم چشم بپوشد،و خطاهایم را محو نماید،و وارد بهشتم کند،و بر من آن گونه که او شایستهٔ آن است تفّضل نماید،و مرا و پدران و برادران و خواهرانم و همهٔ مردان و زنان با ایمان را در مشارق و مغارب زمین بیامرزد،به فضل وجود و احسانش.سپس خود را بر قبر بینداز،و آن را ببوس،و دو طرف صورت خود را بر آن بگذار،و به آنچه که خواهی دعا کن،آنگاه رو به جانب سر برگرد و بگو:

سلام بر تو ای مولای من ای موسی بن جعفر و رحمت و برکات خدا بر تو باد،گواهی می دهم که تویی پیشوای راهنما و سرپرست ارشاد کننده،و تویی معدن تنزیل،و صاحب تأویل،و حامل تورات و انجیل،و عالم عادل،و راستگوی عمل کننده،ای مولای من،من به سوی خدا از دشمنانت بیزاری می جویم،و به دوستی ات به خدا تقرّب می نمایم،پس درود و رحمت و برکات خدا بر تو و پدران و اجداد و فرزندان و شیعیان و دوستدارانت باد.آنگاه دو رکعت نماز زیارت بجا آر،و در آن دو رکعت سورۀ یس و الرّحمن یا هر سوره ای از قرآن که برایت آسان باشد بخوان،سپس به آنچه می خواهی دعا کن.

[زیارت دیگر برای موسی بن جعفر علیهم السلام منقول از شیخ مفید و شیخ شهید و محمّد بن مشهدی]

زیارت دیگر:شیخ مفید و شیخ شهید و محمّد بن مشهدی فرموده اند:چون خواستی موسی بن جعفر علیهما السّلام را در بغداد زیارت کنی، غسل کن،و حرم شریف را قصد نما،و بر در حرم بایست،و اذن دخول بطلب، آنگاه وارد حرم شو،درحالی که می گویی:به نام خدا و با خدا و در راه خدا،و بر آیین رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش)و سلام بر اولیای خدا سپس برو تا برابر قبر حضرت موسی بن جعفر قرار گیری،چون نزد قبر ایستادی بگو:

سلام بر تو ای نوز خدا در تاریکیهای زمین،سلام بر تو ای ولیّ خدا،سلام بر تو ای حجّت خدا،سلم بر تو ای باب خدا.گواهی می دهم که تو نماز بپا داشتی،و زکات پرداخیت،و امر به معروف و نهی از منکر نمودی،و کتاب خدا را آن گونه که باید تلاوت کردی،و در راه خدا

کوشیدی کوشش شایسته،و بر آزار و اذیت در راه خدا تنها برای خدا صبر نمودی،و او را خالصانه عبادت کردی،تا مرگ تو را دررسید،گواهی می دهم که تو به خدا و رسول خدا سزاوارتری،و اینکه تو به حق فرزند رسول خدایی،به سوی خدا از دشمنانت بیزاری می جویم،و با دوستی ات به خدا تقرّب می نمایم،ای مولای من به حضورت آمدم عارف به حقّت،دوستدار دوستانت،دشمن دشمنانت،پس مرا نزد خدا شفاعت کن.پس خود را بر قبر بینداز،و آن را ببوس و گونه هایت را به روی آن بگذار،آنگاه برگرد و به جانب سر بیا و بایست و بگو:

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا،گواهی می دهم که تو صادق،خیرخواهانه،ادای وظیفه کردی،و امینانه گفتی،و به حال شهادت درگذشتی،و کوردلی را بر هدایت ترجیح ندادی،و از حق به جانب باطل منحرف نشدی،درود خدا بر تو و پدران و فرزندان پاک تو.پس قبر نورانی را ببوس و دو رکعت نماز زیارت بجای آر،و بعد از این دو رکعت،هر نمازی که خواستی بخوان،آنگاه به سجده رو و بگو:

خدایا به تو اعتماد نمودم،و آهنگ تو کردم،و به فضلت امیدوار شدم،و قبر امامم را که اطاعتش را بر من واجب نمودی زیارت کردم،و به وسیلهٔ او به سوی تو توسّل جستم،پس به حق آنان که بر خود واجب نموده ای مرا و پدر و مادرم و همه اهل ایمان را بیامرز،ای کریم.پس طرف راست صورت خود را بر قبر بگذار و بگو:

خدایا حاجات مرا دانسته ای پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و آنها را برآور.آنگاه جانب چپ صورت را بر قبر بگذار و بگو:

خدایا تو گناهانم را برشمرده ای،پس به حق محمّد و خاندان محمّد،درود فرست بر محمّد و خاندان محمّد،و آنها را بیامرز و به آنچه تو شایستۀ آنی بر من تصدّق فرما.سپس به سجده برو،و صد مرتبه بگو:شکرا شکرا آنگاه سر از سجده بردار،و به آنچه خواهی و برای هرکه خواهی و او را دوست داری،دعا کن.

[صلوات موسی بن جعفر علیهم السلام]

مؤلّف گوید:سیّد جلیل علی بن طاووس رضی اللّه عنه در کتاب «مصباح الزائر»در یکی از زیارت حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام این صلوات بر حضرت را که مشتمل بر شمّه ای از فضایل و مناقب و عبادات و مصائب آن جناب است نقل کرده:البته زائر،خود را از فیض خواندن آن محروم نسازد.

خدایا درود فرست بر محمّد و اهل بیتش،و درود فرست بر موسی بن جعفر،جانشین نیکوکاران،و پیشوای خوبان و خزانۀ انوار،و وارث آرامش و متانت و حکمتها و آثار،آنکه همواره شب را با بیداری تا سحر،با به هم پیوستن استغفار زنده می داشت،هم پیمان سجده های طولانی،و اشکهای سرشار و راز و نیاز بسیار،و ناله های به هم پیوسته،و قرارگاه خرد و عدالت و خوبی و کرم و بذل،و خو گرفته به بلا و صبر،پایمال شده به ستم،و دفن شده به بی عدالتی و معذّب در عمق زندانها و تاریکیهای زیرزمینها،با ساق کوبیده،به حلقه های زنجیرها،و جنازه ای که با خواری و سبک انگاشتن بر آن جار زده شده،وارد شونده بر جدّش مصطفی و پدرش مرتضی و مادرش سرور بانوان،با ارثی غصب شده،و حکومتی ربوده،و فرمانی مغلوب،و خونی خواسته،و زهری نوشانده،خدایا همچنان که او بر سختی محنتها صبر کرد،جام اندوه گرفتاریها را نوشید،و در برابر خشنودی ات

تسلیم شد،و طاعت را برایت خالص نمود،و خشوع را بی آلایش کرد،و فروتنی را شعار خود ساخت،و با بدعت و اهلش دشمنی نمود،و ملامت ملامتگری در چیزی از اوامر و نواهی تو در او اثر نکرد،بر او درود فرست درودی بالنده عالی،پاک،که با آن درود باری او واجب گردانی شفاعت امتهایی از آفریدگانت،و گروه هایی از مخلوقت،و از جانب ما به او تحیت و سلام برسان،و از نزد خود در موالاتش به ما فضل و احسان و آمرزش و رضوان عنایت کن،که تو دارای فضل فراگیر و گذشت فراوان هستی،به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

زیارت مختص به امام محمّد تقی علیه السّلام

همان سه عالم بزرگوار فرموده اند:متوجه به جانب قبر ابی جعفر محمّد بن علیّ الجواد علیه السّلام شو،که پشت سر جدّ بزرگوار خود مدفون است.چون نزد قبر آن حضرت ایستادگی بگو:سلام بر تو ای ولیّ خدا،سلام بر تو ای حجّت خدا،سلام بر تو ای نور خدا در تاریکیهای روی زمین،سلام بر تو ای فرزند رسول خدا،سلام بر تو و بر پدرانت،سلام بر تو و بر فرزندانت سلام بر تو و بر دوستانت.گواهی می دهم که نماز بپا داشتی،و زکات پرداختی،و امر به معروف و نهی از منکر نمودی،و کتاب خدا را آن گونه که باید تلاوت کردی،و در راه خدا جهاد کردی جهادی شایسته،و در راه او بر آزار صبر نمودی تا مرگ تو را دررسید،زائر به سویت آمده ام،و به حقّت عارفم

دوستدار دوستانت،و دشمن دشمنانت هستم،مرا نزد پروردگارت شفاعت کند.آنگاه قبر را ببوس و صورت خود را بر آن بگذار،سپس دو رکعت نماز زیارت بجا آر،و بعد از آن هر نمازی که خواهی بخوان،پس به سجده رو و بگو:به کسی که بد کرده و مرتکب گناه شده و درمانده گشته،و اعتراف نموده رحم کن.آنگاه طرف راست صورت را بر زمین بگذار و بگو اگر من بنده ای بودم،تو نیکو پروردگاری هستی.سپس طرف چپ صورت را روی زمین بگذارد و بگو:بزرگ شده گناه از بنده ات،پس باشد نیکو گذاشت از جانبت ای کریم.

آنگاه به سجده بازگرد و صد مرتبه بگو:شکرا شکرا[سپاس سپاس].

[زیارتی دیگر مختص امام جواد علیه السلام منقول از سیّد ابن طاووس]

زیارتی دیگر:سیّد ابن طاووس در کتاب«مزار»فرموده:چون موسی بن جعفر علیهما السّلام را زیارت کردی،نزد قبر حضرت جواد علیه السّلام می ایستی،و آن را می بوسی و می گویی:

سلام بر تو ای ابا جعفر محمّد بن علی نیکوکار پرهیزگار،پیشوای وفادار،سلام بر تو ای خشنود از خدا و پاکیزه،سلام بر تو ای ولیّ خدا،سلام بر تو ای محرم راز خدا،سلام بر تو ای سفیر خدا،سلام بر تو ای راز خدا،سلام بر تو ای روشنایی خدا،سلام بر تو ای تابش خدا،سلام بر تو ای کلمۀ خدا،سلام بر تو ای رحمت خدا،سلام بر تو ای نور درخشان،سلام بر تو ای ماه برآمده،سلام بر تو ای پاکزاد از پاکزادان سلام بر تو ای پاک از پاکان،سلام بر تو ای نشانۀ بزرگتر،سلام بر

بر تو ای حجّت اکبر،سلام بر تو ای پاک و پاکیزه از لغزشها،سلام بر تو ای منزّه از دشواریها،سلام بر تو ای برتر از نقص اوصاف،سلام بر تو ای پسندیده نزد مردم شرافتمند،سلام بر تو ای ستون دین،گواهی می دهم که تو ولیّ خدا و حجّت او در زمینش هستی،و تو مقرّب خدا و منتخب حق،و سپردگاه علم خدا،و پیامبران،و پایۀ ایمان،و ترجمان قرآنی،گواهی می دهم هرکه از تو پیروی کرد بر حق و هدایت است و هرکه تو را انکار کرد و با تو از در دشمنی درآمد بر گمراهی و هلاکت است،به خدا و به تو،در دنیا و آخرت از آنان بیزاری می جویم،سلام بر تو تا هستم و تا شب و روز هست.و در صلوات بر آن حضرت بگو:خدایا درود فرست بر محمّد و اهل بیتش،و درود فرست بر محمّد بن علی پاک،پرهیزگار،نیکوکار وفادار،پیراسته،بی عیب،راهنمای امّت،و وارث امامان،و خزانه دار رحمت،و چشمه های حکمت،و پیشرو برکت،و همسان قرآن در وجوب از او،و یگانۀ جانشینان در اخلاص و عبادت،و حجّت والایت،و نمونه برترت،و کلمۀ زیباترت،دعوت کننده به سویت،و دلالت کننده بر وجودت،که او را چونان پرچی برای بندگانت نصب کردی،و او را قرار دادی مترجم کتابت،و آشکارا اجرا کننده امرا،و یاور دینت،و حجّت بر بندگانت،و نوری که به وسیلۀ او پردۀ تاریکیها دریده شود،و مقتدایی که هدایت به وسیلۀ او دریافت گردد

و شفیعی که به وسیلۀ آن به بهشت توان رسید.خدایا همچنان که در خشوع برای تو بهره اش را گرفت،و از خشیت تو سهمش را کامل نمود پس بر او درود فرست،چندین برابر آنچه درود فرستادی،بر نماینده ای که طاعتش را پسندیدی،و خدمتش را پذیرفتی و از جانب ما به او تحیّت و سلام برسان،و به ما از پیش خود،در دوستی اش فضل و احسان و آمرزش و رضوان عنایت کن تو صاحب احسان دیرینه،و چشم پوشی زیبا هستی.آنگاه نماز زیارت بخوان و پس از سلام بگو:تویی پروردگار و منم پروریده تا آخر دعا که در کتابهای زیارتی معتبر روایت شده است.

[زیارتی دیگر برای امام محمدتقی علیه السلام منقول از شیخ صدوق]

زیارتی دیگر:شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه روایت کرده:چون خواستی آن حضرت را زیارت کنی،غسل کن،و خود را پاکیزه نما،و دو جامۀ پاک بپوش،و در زیارت آن جناب بگو:

خدایا درود فرست بر محمّد بن علی پیشوای با تقوا،بی عیب،راضی به حق،پسندیده،و حجّت بر هر که روی زمین و زیر زمین است،درودی بسیار،بالنده،پاکیزه،مبارک،پیوسته،پی درپی پیاپی همانند برترین درودی که بر یکی از اولیایت فرستادی،و سلام بر تو ای ولیّ خدا،سلام بر تو ای نور خدا،سلام بر تو ای حجّت خدا،سلام بر تو ای پیشوای مومنان،و وارث علم پیامبران،و چکیدۀ جانشینان،سلام بر تو ای نور خدا در تاریکیهای زمین،زائر به سویت آمدم،عارف به حقّت،دشمن دشمنانت،دوستدار دوستانت،پس مرا نزد پروردگارت شفاعت کن.

ص:743

آنگاه حاجت خود را بخواه،و بعد از آن در بارگاهی که قبر حضرت جواد علیه السّلام است چهار رکعت نماز بالای سر بخوان،دو رکعت برای حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام،دو رکعت برای حضرت جواد علیه السّلام و نزد سر حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام که مقابل قبور قریش است نماز بجا نیاور،که آنها را قبله خود قرار دادن جایز نیست.مؤلّف گوید:از کلام شیخ صدوق،ظاهر می شود،که در آن زمانها قبر شریف موسی بن جعفر علیهما السّلام جدا بود،و بارگاه و در جداگانه داشته،مردم پس از زیارت موسی بن جعفر علیهما السّلام بیرون رفته و در بارگاه حضرت جواد علیه السّلام وارد می شدند.

امّا زیارت مشترک میان دو امام همام علیهما السّلام بر دو بخش است

[بخش اوّل:آنکه برای هر کدام جداگانه باید خواند]

بخش اوّل:آنکه برای هر کدام جداگانه باید خواند.شیخ جلیل جعفر بن محمّد قولویه در کتاب«کامل الزیارات»از حضرت هادی علیه السّلام روایت کرده:در زیارت هر یک از آن دو امام بگو:

سلام بر تو ای ولیّ خدا،سلام بر تو ای حجّت خدا،سلام بر تو ای نور خدا در تاریکیهای زمین،سلام بر تو ای آنکه اراده خدا درباره اش تغییر کرد،زائر به حضورت آمدم،عارف به حقّت دشمن با دشمنانت،دوست با دوستانت،ای مولای من نزد پروردگارت برای من شفاعت کن.این زیارت در نهایت اعتبار است و شیخ صدوق و شیخ کلینی و شیخ طوسی هم با اختلاف کمی آن را ذکر کرده اند.

[بخش دوم:زیارتی است که به قرائتش،آن دو امام دو امام علیهما السّلام زیارت می شوند]

بخش دوم:زیارتی است که به قرائتش،آن دو امام دو امام علیهما السّلام زیارت می شوند،و آن چنان است که شیخ مفید و شهید و محمّد بن مشهدی ذکر کرده اند،که در زیارت آن بزرگواران،همین که نزد ضریح ایستادی می گویی:

سلام بر شما ای دو نمایندۀ خدا،سلام بر شما ای دو حجّت خدا،سلام بر شما ای دو نور خدا در تاریکیهای زمین.گواهی می دهم که شما از سوی خدا آنچه را بر عهدۀ هر دو وجود شریفتان گذاشته شده بود رسانیدید،و آنچه بر آنچه سپرده شده بود

ص:744

حفظ کردید،حلال نمودید حلال خدا را،و حرام کردید حرام خدا را،و بپا نمودید حدود خدا را،و تلاوت کردید کتاب خدا را،و در راه او بر آزار مردم شکیبایی ورزیدید،و به حساب خدا گذاشتید تا مرگ شما را دررسید،از دشمنانتان به خدا بیزاری می جویم،و به دوستی شما متقرّب به خدا می شوم،زائر به حضورتان آمدم،عارف به حقّتان،دوستدار دوستانتان،دشمن دشمنانتان،بینا به هدایتی که بر آن هستید،آگاه به گمراهی کسی که با شما مخالفت ورزید،پس نزد شما نزد پروردگارتان برای من شفاعت کنید،که برای شما پیش خدا آبرویی بس عظیم و مقامی بس ستوده است.آنگاه تربت شریف آنجا را ببوس و سمت راست صورت خویش را بر آن بگذار،سپس به جانب سر مقدس آن بزرگواران برو و بگو:سلام بر شما دو تن،ای دو حجّت خدا در زمین و آسمان،بنده و دوست شمایم،زیارت کننده شما دو امامم،به زیارتتان به سوی خدا تقرّب می جویم،خدایا برای من در میان اولیای برگزیده ات،زبان راستی قرار بده،و زیارتگاه های آنان را محبوبم گردان،و در دنیا و آخرت با آنان همراهم کن،ای مهربان ترین مهربانان.

آنگاه برای هر یک دو رکعت نماز بجا آر،و خدا را به آنچه می خواهی بخوان.

[در وداع آن دو امام بزرگوار علیهم السلام]

مؤلّف گوید:چون در گذشته تقیّه بسیار شدید بود،برای زیارت این دو امام همام علیهما السّلام زیارتهای مختصر و کوتاه تعلیم می دادند برای اینکه شیعیان از آسیب طاغوتیان محفوظ باشند،و اگر زائری خواهان زیارت مفصّل و بلند باشد زیارت جامعه را بخواند که برای ایشان بهترین زیارت است،به ویژه یکی از زیارات جامعه که از روایتش ظاهر می شود اختصاص بیشتری به حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام دارد،و آن زیارت،پس از این در آغاز زیارات جامعه خواهد آمد.[صفحه 829]چون زائر قصد خروج از شهر را کرد آن دو بزرگوار را وداع کند،با دعاهای و داعی که از جملۀ آنها دعایی است که شیخ طوسی علیه الرّحمه در کتاب«تهذیب»

ذکر فرموده:که چون خواستی حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام را وداع گویی نزد قبر بایست و بگو:سلام بر تو ای مولایم ای ابا الحسن،و رحمت و برکات خدا بر تو باد،به خدا می سپارمت،و بر تو سلام می فرستم،به خدا و رسول و به آنچه تو آورده ای،و بر آن نشانه نهادی ایمان آوردیم.خدایا ما را در شمار گواهان بنویس.

همچنین در وداع حضرت جواد علیه السّلام می گویی:سلام بر تو ای مولایم ای ابا الحسن،و رحمت و برکات خدا بر تو،به خدا می سپارمت و بر تو سلام می فرستم،به خدا و رسول و آنچه تو آورده ای و بر آن نشانه نهادی ایمان آوردیم.خدایا ما را در شمار گواهان بنویس.آنگاه از خدا بخواه،که این آخرین زیارت تو نباشد و دوباره توفیق بازگشتن به دست آوری،و قبر را ببوس و دو سمت صورتت را بر قبر بگذار.

[حکایت حاج علی بغدادی]

مؤلف گوید:از اموری که مناسب است در اینجا نقل شود،داستان سعید صالح صفیّ متقیّ حاج علی بغدادی است که شیخ ما در کتاب جنّه المأوی و النّجم الثاقب نقل کرده،و در النّجم الثّاقب فرموده:اگر نبود در این کتاب شریف،جز این حکایت معتبر صحیح که در آن فواید بسیاری است،و در همین نزدیکیها واقع شده،هرآینه در شرافت و نفاست آن کافی بود،آنگاه بعد از مقدماتی فرموده:حاجی مذکور ایّده اللّه نقل کرده:بر گردن من هشتاد تومان سهم امام جمع شد.به نجف اشراف رفتم بیست تومان آن را به جناب علم الهدی و التّقی شیخ مرتضی اعلی اللّه مقامه و بیست تومان به جناب شیخ محمّد حسین مجتهد کاظمینی،و بیست تومان به جناب شیخ محمّد حسن شروقی دادم،و بر عهده ام بیست تومان باقی ماند،که قصد داشتم،در بازگشت به جناب شیخ محمّد حسن کاظمینی آل یاسین بدهم،چون به بغداد بازگشتم،خوش داشتم در ادای آنچه بر گردن من بود شتاب کنم،روز پنجشنبه بود،که به زیارت دو امام همام کاظمین علیهما السّلام مشرف شدم،پس از آن خدمت جناب شیخ سلّه اللّه رفتم و مقداری از آن بیست تومان را به ایشان دادم،و بقیّه را وعده کردم که پس از فروش بعضی از اجناس به تدریج به من حواله کنند،

تا به اهلش برسانم،در بعد از ظهر آن روز تصمیم به بازگشت به بغداد گرفتم،ولی جناب شیخ فرمود بمانم،عذر آوردم که باید مزد کارگران کارخانۀ ریسبافی خود را بدهم،چون شیوه ام با پرداخت مزد آنان در عصر هر پنجشنبه بود،بر این پایه برگشتم چون یک سوم راه را تقریبا پیمودم،سید جلیلی را دیدم که از جانب بغداد رو به من می آید،چون نزدیک شد سلام کرد و دستهای خود را برای مصافحه و معانقه گشود،و فرمود:اهلا و سهلا،سپس مرا در آغوش گرفت،معانقه کردیم،و هر دو یکدیگر را بوسیدیم،بر سر عمامه سبز روشنی داشت،و بر رخسار مبارکش خال سیاه بزرگی بود،پس ایستاد و فرمود:حاج علی خیر است،کجا می روی؟ گفتم:کاظمین علیهما السّلام را زیارت کردم،و به بغداد باز می گردم،فرمود:امشب شب جمعه است برگرد،گفتم:ای سرور من،متمکّن نیستم،فرمود:هستی،برگرد تا برای تو گواهی دهم که از موالیان جدّ من امیر مؤمنان علیه السّلام و از موالیان مایی،و نیز شیخ گواهی دهد،زیرا خدای تعالی امر فرموده:دو شاهد بگیرید.و این اشاره به مطلبی بود که در خاطر داشتم،که از جناب شیخ خواهش کنم،نوشته ای به من بدهد،که من از موالیان اهل بیت علیهم السّلام هستم و آن را در کفن خود بگذارم.پس گفتم:تو چه می دانی،و چگونه شهادت می دهی؟فرمود:کسی که حق او را به او می رسانند،چگونه آن رساننده را نمی شناسد؟گفتم:کدام حق؟ فرمود:آنچه به وکیل من رساندی،گفتم:وکیل تو کیست؟فرمود:شیخ محمّد حسن،گفتم وکیل توست؟فرمود:وکیل من است،و به جناب آقا سید محمّد گفته بود،که ناگهان در خاطرم خطور کرد این سیّد بزرگوار،مرا به اسم خواند،با آنکه او را نمی شناسم؟به خود گفتم شاید او مرا می شناسد،ولی من او را فراموش کرده ام باز در باطن خود گفتم:این سید از حق سادات،چیزی از من می خواهد،خوش دارم از سهم امام چیزی به او برسانم،گفتم:

ای سیّد،نزد من از حق شما چیزی مانده،در امر آن به جناب شیخ محمّد حسن مراجعه کردم،تا حق شما را[یعنی حق سادات]به اجازۀ او ادا کنم،پس بر چهرۀ من تبسمی کرد و فرمود:آری بعضی از حق ما را به وکلای ما در نجف اشرف رساندی،گفتم:آنچه ادا کردم پذیرفته شد؟ فرمود:آری.پس در خاطرم گذشت که این سیّد،نسبت به علمای اعلام می گوید:«وکلای ما!»و این در نظرم گران آمد،به خود گفتم:علما در گرفتن حقوق سادات،وکلایند و مرا غفلت گرفت.آنگاه فرمود:بازگرد جدّم را زیارت کن،بازگشتم درحالی که دست راست او،در دست چپ من بود.چون به راه افتادیم،دیدم طرف راست

نهر آب سپید صافی جاری است،و درختان لیمو و نارنج و انار و انگور و غیر آن،همه با میوه همزمان،بی آنکه فصل آنها باشد بالای سر ما سایه انداخته،گفتم:این نهر و این درختان چیست؟فرمود:هرکس از موالیان ما زیارت کند جدّ ما را و نیز خود ما را،اینها با او خواهد بود.گفتم:می خواهم سؤالی بپرسم،فرمود:بپرس،گفتم:شیخ عبد الرّزاق مرحوم،مردی مدرّس بود،روزی نزد او رفتم،شنیدم می گفت:کسی که در طول عمر خود،روزها را روزه باشد،و شبها را به عبادت به سر برد،و چهل حج و چهل عمره بجا آورد،و در میان صفا و مروه بمیرد،و از موالیان امیر مؤمنان علیه السّلام نباشد،برای او چیزی نیست،فرمود:آری و اللّه برای او چیزی نیست،آنگاه از حال یکی از خویشان خود پرسیدم،که آیا او از موالیان امیر مؤمنان علیه السّلام است؟فرمود:آری او و هر که متعلق به توست،گفتم:آقای ما،برای من پرسشی است،فرمود:بپرس،گفتم:تعزیه خوانان امام حسین علیه السّلام می خوانند که سلیمان اعمش نزد شخصی آمد،و از زیارت سید الشهداء علیه السّلام پرسید،گفت:بدعت است!پس در خواب هودجی را میان زمین و آسمان دید،پرسید:در آن هودج کیست؟گفتند:فاطمه زهرا و خدیجه کبری علیهما السّلام گفت:کجا می روند؟گفتند:

در این شب که شب جمعه است به زیارت امام حسین علیه السّلام می روند،آنگاه نوشته هایی را دید که از هودج فرو می ریزد،و در آن نوشته شده:

امانی است از آتش برای زائران حسین(درود بر او)در شب جمعه،امانی است از آتش در روز قیامت آیا این حدیث صحیح است؟فرمود:آری خبری راست و تمام است.گفتم:آقای ما آیا صحیح است که می گویند هرکه حسین علیه السّلام را در شب جمعه زیارت کند،برای او امان است؟ فرمود:آری و اللّه،سپس اشک از دیدگان مبارکش جاری شد و گریست.گفتم:آقای ما پرسشی دیگر.فرمود:بپرس،گفتم:سال هزار و دویست و شصت و نه امام رضا علیه السّلام را زیارت کردیم،و در درّود یکی از عربهای شروقیّه را،که از بادیه نشینان طرف شرقی نجف اشرفند،ملاقات کرده و او را مهمان کرده،از او پرسیدم ولایت امام رضا علیه السّلام چگونه است؟گفت:بهشت،امروز پانزده روز است که من

از مال مولایم امام رضا علیه السّلام خورده ام،نکیر و منکر را چه رسد که در قبر نزد من آیند!!گوشت و خون من از طعام آن حضرت در مهمانخانه اش روییده،این صحیح است؟علی بن موسی الرضا علیه السّلام می آید،و او را از منکر و نکیر خلاص میکند؟ فرمود:آری و اللّه جدّ من ضامن است.گفتم:آقای ما پرسشش کوچکی است که می خواهم بپرسم،فرمود:بپرس گفتم:زیارت من از امام رضا علیه السّلام پذیرفته است؟فرمود:پذیرفته است ان شاء اللّه تعالی،گفتم آقای ما پرسشی دیگر،فرمود:بسم اللّه،گفتم:حاج محمّد حسین بزّازباشی فرزند محروم حاج احمد بزّاز باشی آیا زیارتش پذیرفته است یا نه، و او با من در راه مشهد رضا علیه السّلام رفیق و شریک در هزینه ها بوده است؟فرمود:عبد صالح زیارتش پذیرفته است.

گفتم:آقای ما پرسشی دیگر.فرمود:بسم اللّه،گفتم:فلان که از اهل بغداد همسفر ما بود آیا زیارتش پذیرفته است؟سکوت کرد،گفتم:آقای ما پرسش دیگر،فرمود:بسم اللّه،گفتم:سخنم را شنیدی یا نه؟زیارتش پذیرفته است،یا پذیرفته نیست؟باز جوابی نداد!حاجی مذکور نقل کرد که آنان چند نفر از مرفهّین اهل بغداد بودند که در این سفر پیوسته به لهو و لعب مشغول بودند،و آن شخص هم مادر خود را کشته بود،پس در راه به موضعی وسیع از جادّه رسیدیم که دو طرف آن باغها و روبروی شهر شریف کاظمین است،و موضعی از آن جادّه از طرف راست پیوسته به باغهاست که از بغداد می آید،و آن متعلّق به بعضی از یتیمان سادات بود،که حکومت آن را به ستم داخل در جادّه کرد،و اهل تقوا و ورع ساکن این دو شهر[بغداد و کاظمین]همیشه از راه رفتن در آن در آن قطعه از زمین کناره می گیرند،ولی آن جناب را دیدم در آن قطعه راه می رود! گفتم:ای سید من این موضع مالع بعضی از یتیمان سادات است،تصرّف در آن روا نیست.فرمود:این موضع از اموال جدّ ما امیر مؤمنان علیه السّلام و فرزندان او و اولاد ماست،تصرّف در آن برای موالیان ما حلال است.در نزدیکی آن مکان در طرف راست باغی است متعلّق به شخصی که او را حاجی میرزا هادی می گفتند،و او از ثروتمندان غیر عرب در بغداد بود،گفتم:آقای ما آیا راست است که می گویند زمین باغ حاج میرزا هادی متعلّق به موسی بن جعفر علیهما السّلام است؟ فرموده:به این مسئله چه کار داری و از جواب روی گرداند.پس به نهر آبی که از رود دجله برای آبیاری مزارع و باغهای آن حدود جدا می کنند و از جاده می گذرد رسیدیم،آنجا به طرف شهر دو راه وجود دارد:یکی راه سلطانی و دیگر راه سادات و آن جناب به راه سادات

میل فرمود،گفتم بیار از راه سلطانی برویم.فرمود:نه از این راه مربوط به خود میرویم،پس آمدیم،چند قدمی نرفتیم که خود را بدون دیدن کوچه و بازار در صحن مقدّس موسی بن جعفر علیهما السّلام نزد کفشداری دیدیم،از طرف باب المراد که از سمت مشرق و طرف پایین پاست وارد ایوان شدیم و کنار در رواق مطهّر مکث نفرمود،و اذن دخول نخواند،داخل شد و کنار در حرم ایستاد سپس فرمود:زیارت کن،گفتم قاری نیستم،فرمود:برایت بخوانم؟گفتم:آری،فرموده:

ای خدا آیا وارد شوم،سلام بر تو ای رسول خدا،سلام بر تو ای امیر مؤمنان.

همچنین بر یک یک امامان سلام کردند تا رسیدند به حضرت امام حسن عسگری علیه السّلام،فرمودند:سلام بر تو ای ابا محمّد حسن عسگری.آنگاه فرمود:امام زمان خود را می شناسی؟گفتم:چرا نمی شناسم!فرمود:بر امام زمان خود سلام کن،گفتم:سلام بر تو ای حجّت خدا،ای صاحب زمان،ای فرزند حسن.

پس تبسّم نمود و فرمود:سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد.پس داخل حرم مطهر شدیم،و به ضریح مقدّس چسبیدیم و آن را بوسیدیم،آنگاه به من فرمود:زیارت کن،گفتم:من قاری نیستم.فرمود:برای تو زیارت بخوانم؟ گفتم:آری،فرمود کدام زیارت را می خواهی؟گفتم:هر زیارت که افضل است مرا به آن زیارت ده،فرمود:

زیارت«امین اللّه»افضل است،مشغول به خواندن شد و فرمود:

سلام بر سما ای دو امین خدا بر روی زمین،و دو حجّت خدا بر بندگانش.در این حال چراغهای حرم را روشن کردند،من دیدم شمعها روشن است،ولی حرم نورانی به نوری دیگر است،نوری همانند نور آفتاب و شمعها همانند چراغی بودند که روز در آفتاب روشن کنند و من آن چنان در غفلت بودم،که هیچ ملتفت این آیات نمی شدم،چون از زیارت فارغ شدند،از سمت پایین پا به پشت سر آمدند،و در طرف شرق ایستادند و فرمودند:آیا جدّم حسین علیه السّلام را زیارت میکنی؟ گفتم:آری شب جمعه است زیارت می کنم،پس زیارت وارث را خواندند،درحالی که اذان گوها از اذان مغرب فارغ

شدند و به من فرمود:به جماعت ملحق شو و نماز بخوان،و خود تشریف آورد،در مسجد پشت سر حرم مطهر در آنجا نماز جماعت منعقد بود،ولی ایشان در سمت راست امام جماعت،محاذی او ایستادند،و من وارد صف اول شدم و برایم برای ادای نماز جایی باز شد،چون فارغ شدم ایشنان را ندیدم،از مسجد بیرون آمدم،در حرم جستجو کردم ایشان را نیافتم، قصد داشتم ایشان را ملاقات کنم،و چند ریالی به ایشان بدهم،و شب نیز ایشان را نزد خود نگاه دارم که مهمان من باشد ناگاه از خود پرسیدم که آن سیّد که بود؟و آیات و معجزات گذشته را مورد توجه قرار دادم،از اطاعتم نسبت به او،در بازگشتن به کاظمین،با آن کار مهمی که در بغداد داشتم،و مرا به اسم خواندن با اینکه او را ندیده بودم،و گفتار او که گفت:

موالیان ما و اینکه من شهادت می دهم،و دیدن نهر جاری،و درختان میوه ها در غیر فصل مناسب و وقایع دیگری که گذشت همه سبب یقین من شد،که او حضرت مهدی علیه السّلام است،به ویژه در قسمت اذن دخول،و سؤال از من،بعد از سلام بر امام عسگری علیه السّلام که امام زمان خود را می شناسی؟چون پاسخ دادم می شناسم،فرمود:سلام کن،چون سلام کردم تبسّم کرد و جواب داد.با شتاب نزد کفشدار آمدم،و از حال حضرتش پرسیدم،گفت:بیرون رفت،سپس پرسید این سیّد رفیق تو بود؟ گفتم:آری.در هر صورت به خانهٔ مهماندار خود آمدم،و شب را در آنجا ماندم،چون صبح شد،نزد جناب شیخ محمّد حسن رفتم،و آنچه را دیده بودم نقل کردم،شیخ دستش را بر دهان خود گذاشت،و از اظهار این قصه و افشایر این سرّ نهی کرد،و و فرمود:خدا تو را موفّق کند.من این واقعه را مخفی می داشتم،و برای هیچ کس اظهار نمی کردم،تا یک ماه از این قضیه گذشت،روزی در حرم مطهر بودم،سیّد بزرگواری را دیدم،که نزدیک من آمد و پرسید چه دیدی؟و به داستان آن روز اشاره کرد،گفتم:چیزی ندیدم،باز آن سخن را تکرار کرد،و من به شدت انکار کردم،ناگهان از نظرم ناپدید شد و دیگر او را ندیم.

بخش دوم:رفتن به مسجد شریف براثا و نماز خواندن در آن

بدان که مسجد براثا از مساجد معروف و متبرّک است،و در بین بغداد و کاظمین در راه زائران واقع شده،ولی غالبا از فیض آن محروم بوده و با همه فضایل و شرافتی که برای آن نقل شده مورد بی اعتنایی است.حموی که از مورّخان سال

ششصد است،در کتاب«معجم البلدان»گفته:براثا محله ای بود در طرف بغداد،در قبلۀ کرخ،و در جنوب باب محول،و در آن مسجد جامعی بوده که شیعیان در آن نماز می خواندند که خراب شده و نیز گفته:شیعیان ما از زمان راضی باللّه خلیفۀ عباسی،در آن مسجد جمع می شدند،و سبّ[بدگویی]صحابه می کردند ولی به دستور راضی باللّه،ناگهان در آن مسجد ریختند، و هرکه را یافتند گرفتند و حبس کردند،و مسجد را خراب و با خاک یکسان کردند.شیعیان این خبر را به امیر الامرای بغداد «بحکم ما کافی»رساندند،او هم به تجدید بنا،و گسترش بنای مسجد،و محکم ساختن آن فرمان داد،و در بالای مسجد اسم راضی باللّه را نوشت.پیوسته آن مسجد آباد و محّل اقامۀ نماز بود،ولی پس از سال چهارصد و پنجاه تا الآن معطّل مانده! براثا پیش از بنای بغداد روستایی بوده،که گمان مردم آن است که حضرت امیر مؤمنان علیه السّلام در زمانی که به جنگ خوارج نهروان می رفت گذارش به آنجا افتاد،و در مسجد جامع مذکور نماز خواند،و در حمّامی که در آن روستا بود وارد شد.«براثا»منسوب به او شعیب براثی عابد است،و او نخستین کسی بود که در«براثا»در کوخی[یعنی خانه ای که از نی ساخته بود] ساکن شد،و در آن کوخ خدا را عبادت می کرد،تا دختری از اولاد مستوفیان بزرگ که تربیت شدۀ قصرها بود،گذارش به کوخ او افتاد،همین که به ابو شعیب افتاد و حال او را دید،از آن حال معنوی بسیار لذّت برد،و جذبه ابو شعیب او را در ربود،به اندازه ای که پای بند او شد،به ناچار نزد آن عابد زاهد آمد و گفت:می خواهم خادم تو باشم،گفت:می پذیرم به شرط اینکه از این شک و هیئت خارج شوی،آن سعادتمند پذیرفت و از آنچه در اختیار داشت چشم پوشید،و آراسته به لباس عابدان شد.ابو شعیب او را به همسری برگزید،همین که آن دختر وارد کوخ شد،قطعۀ حصیری دید،که ابو شعیب آن را برای حفظ خویش از رطوبت زمین زیر بدن خود انداخته بود،دختر گفت:

من نزد تو نخواهم ماند،مگر وقتی که این قطعه حصیر را از زیر خود دور اندازی،زیرا از تو شنیدم که می گفتی زمین می گوید:

پسر آدم بین من و خود حجاب قرار می دهی،و حال آنکه فردا در شکم من خواهی بود.ابو شعیب آن حصیر را دور انداخت

و آن دختر چند سالی نزد او ماند و با هم به بهترین وجه عبادت می کردند،تا از دنیا رخت بربستند.

مؤلّف گوید:ما د رکتاب«هدیه الزائرین»تعدادی از روایاتی را که در فضیلت این مسجد شریف است ذکر کردیم و گفتیم:از مجموع این اخبار چند فضیلت برای این مسجد به دست می آید که اگر هریک از آنها در هر مسجد باشد، سزاوار است انسان کوله بار خود برگیرد،و سختی راه را به جان بخرد،تا به فیض نماز و دعای در آن نائل و بهره مند شود:

اول: حق تعالی مقرّر فرموده که در آن زمین فرو نیاید،هیچ رهبری با لشگرش جز پیغمبر یا وصی او. دوم: خانۀ حضرت مریم سلام الله علیها است. سوم: زمین حضرت عیسی علیه السّلام است. چهارم: اینکه چشمه ای در آنجاست که برای حضرت مریم سلام الله علیها ظاهر شده.

پنجم: ظاهر ساختن حضرت امیر علیه السّلام آن چشمه را به اعجاز خویش. ششم: بودن سنگ سپید متبرکی که مریم سلام الله علیها حضرت عیسی علیه السّلام را در آن محل بر آن سنگ نهاده بود. هفتم: بیرون آوردن امیر مؤمنان آن سنگ را با اعجاز و نصب آن به سمت قبله،و خواندن نماز به سوی آن. هشتم: اینکه حضرت امیر مومنان علیه السّلام و دو نوباوۀ او حضرت مجتبی و سیّدالشّهدا علیهم السّلام در آن مکان نماز بجا آوردند. نهم: توقف امیر مؤمنان علیه السّلام به مدت چهار روز در آنجا،به خاطر شرافت مکان و قداست آن زمین. دهم: اینکه انبیا به ویژه حضرت ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام در آنجا نماز خواندند. یازدهم: اینکه قبر پیامبری در آنجا است.و شاید آن پیامبر حضرت یوشع باشد،که شیخ مرحوم فرموده:قبرش در خارج کاظمین در قبلۀ مسجد براثاست. دوازدهم: برگشتن آفتاب برای حضرت امیر علیه السّلام در آنجا.با این شرافت و فضیلت،و بروز آیات الهی و معجزات حیدری در آن مکان،معلوم نیست از هزار نفر زائر یکی هم به آنجا برود،با اینکه مسجد سر راه آنان است و به کرّات از آنجا عبور می کنند،و اگر به طور اتفاق کسی بخواهد آن مواهب را درک کند،چون به آنجا برسد و ببیند در مسجد بسته است،از دادن اندکی پول،برای بازکردن آن دریغ می کند،و خود را از این همه مواهب بزرگ محروم می کند،و حال آنکه گاهی برای تماشای بغداد،و عمارات ستمگران پولهای گزافی می پردازند.چه رسد به پرداخت پولهای بسیاری که برای تنوع در معاش و خرید اجناس نحس نجس یهودیان

بغداد،که گویا این مصارف سنگین،و خرجهای فوق العاده،و پرداختهای اضافی،از شرایط کامل شدن زیارت بیشتر زائران است و اللّه المستعان!

ص:753

بخش سوم:زیارت نواب اربعه رضی اللّه عنهم

[فضیلت زیارت ایشان]

یعنی،جناب ابو عمرو عثمان بن سعید اسدی،و جناب ابو جعفر محمّد بن عثمان،و شیخ ابو القاسم حسین بن روح نوبختی،و شیخ جلیل ابو الحسن علی بن محمّد سمری(رضی اللّه عنهم).بدان که از جمله تکالیف زائران در ایّام توقّف در شهر مقدّس کاظمین رفتن به بغداد،برای زیارت این چهار نایب خاص امام عصر(صلوات اللّه علیه)است،که حتی اگر قبر هر یک از آنها در شهرهای دوردست قرار می داشت،شایسته بود انسان راههای سخت و طولانی را طی کند و رنج و سختی سفر را به جان بپذیرد،و به فیض زیارت آنها نایل گردد،زیرا در میان همه اصحاب خاصّ امامان علیهم السّلام کسی به بزرگی و جلالت قدر ایشان نمی رسد.اینان نزدیک هفتاد سال به منصب سفارت و وساطت میان امام علیه السّلام و مؤمنان فایز شدند،و بر دست ایشان کرامات بسیار و خوارق عادات بی شمار جاری گردید،و گفته شده:

بعضی از علما قایل به عصمت ایشان شده اند،و مخفی نیست که همچنان که این بزرگواران در زمان حیات خود،واسط میان ولی عصر(صلوات اللّه علیه)و مردم بودند،و از جمله مناصب ایشان،رساندن درخواستها و نامه های حاجات مردم به آن حضرت بود،اکنون هم به همان منصب شریف مفتخرند،و باید نامه های حاجات،که در سختیها نوشته می شود توسط ایشان،به آن حضرت برسد،چنان که در جای خود معلوم گریده.خلاصه،فضایل و مناقب ایشان بیشتر از آن است که ذکر شود،و همین اندازه برای ترغیب زائران،برای درک فیض زیارتشان کافی است.

[کیفیّت زیارت ایشان]

اما کیفیّت زیارت ایشان:به صورتی است که شیخ طوسی در کتاب«تهذیب»و سیّد ابن طاووس در«مصباح الزائر»ذکر کرده اند،و آن را به جناب ابو القاسم حسین بن روح(رحمه اللّه علیه)نسبت داده اند که فرموه است در زیارت ایشان بر رسول خدا سلام می کنی،و بعد از آن حضرت،به امیر مومنان و خدیجه کبری و فاطمه زهرا و امام حسن و امام

حسین و بر هر یک از امامان علیهم السّلام تا صاحب الزمان(صلوات اللّه علیه)و آنگاه می گویی:

سلام بر تو ای فلان بن فلان و به جای«فلان بن فلان»اسم صاحب قبر و پدر او را ذکر می کنی

ص:754

گواهی می دهم که تو دروازه فیض مولایی،از جانب او انجام وظیفه کردی،و نسبت به ادای تکلیف نمودی،با او مخالفت نکردی،و علیه او به مخالفت برنخاستی به نیابت خاص قیام نمودی،و پیشی گیرنده بازگشتی،نزد تو آمدم شناسای به حقی که تو بر آنی،و اینکه در ادای وظیفه و سفارت خیانت نکردی،سلام بر تو در دریچه فیض امام بودن،چقدر پهناور است آن دریچه،و در سفیر بودن،چه اندازه تو امینی،و در مورد اطمینان بودن،چه بسیار با اقتداری تو،گواهی می دهم که خدا تو را به نورش اختصاص داد،تا آن حضرت را به وضوح دیدی پس از جانب او و نسبت به او ادای وظیفه کردی.بعد باز می گردی و دوباره بر معصومان از رسول خدا تا صاحب الزمان علیهم السّلام سلام می کنی،و پس از آن می گویی:به خدمتت آمدم،در حال اخلاص به یگانگی خدا،و دوستی با اولیای خدا،و بیزاری از دشمنان ایشان،و از کسانی که با تو مخالفت کردند،ای حجّت مولا،روی من به وسیلۀ تو به سوی ایشان است،و به آنان است توسّلم به سوی خدا.سپس دعا می کنی و از حق تعالی می طلبی آنچه را که می خواهی،که ان شاء اللّه اجابت می شود.

مؤلّف گوید:سزاوار است در بغداد زیارت شود،شیخ اجلّ عالی مقام ثقه الاسلام محمّد بن یعقوب کلینی عطر الله مرقده که شیخ و رئیس شیعیه و أوثق و أثبت ایشان در حدیث بود،و کتاب شریف کافی را که روشنی چشم شیعه است،در مدت بیست سال تألیف کرد،و الحق منّت عظیم بر شیعه،به ویژه بر اهل علم نهاد،و به خاطر جلالت و عظمت شأن آن بزرگ،ابن اثیر او را احیا کنندۀ مذهب امامیه در آغاز سال سیصد هجری برشمرده است،پس از آنکه مولای ما حضرت ثامن الائمه صلوات اللّه علیه را احیاگر این مذهب در آغاز سال دویست هجری به حساب آورده است و ما در کتاب«مدّیه»بیشتر علمایی را که در مشاهد مشرّفه مدفونند ذکر کردیم،به آنجا رجوع کنید.

بخش چهارم:زیارت جناب سلمان رضی اللّه عنه

[فضیلت زیارت جناب سلمان رضی اللّه عنه]

بدان که از تکالیف زائران در شهر کاظمین،رفتن به مدائن است،برای زیارت عبد صالح الهی،جناب سلمان

محمّدی رضوان اللّه علیه که نخستین ارکان اربعه است،و خاص به شرافت سلمان منّا اهل البیت و درآمده در شمار اهل بیت نبوّت و عصمت است.در فضیلت او جناب رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود:«سلمانی دریایی است که نخشکد،و گنجی است که پایان نپذیرد،سلمان از ما اهل بیت است،حکمت می بخشد و برهان می آورد.»حضرت امیر علیه السّلام او را مانند لقمان،بلکه امام صادق علیه السّلام او را بهتر از لقمان دانسته،و حضرت باقر علیه السّلام او را از متوسّمین[کسانی که با تمام وجودشان در صدد شناخت حق و در جستجوی حقایق الهی اند]برشمرده.

از روایات استفاده می شود که آن جناب اسم اعظم را می دانست و از محدّثین به فتح دال-[کسی که فرشتگان با او سخن می گویند]بوده است.

برای ایمان ده درجه است و او در درجۀ دهم قرار داشت و عالم به غیب و زمان مرگ افراد بود،و در دنیا از خوراکیهای بهشت تناول فرمود و بهشت مشتاق و عاشق او بود و خدا و رسول او را دوست داشتند و حق تعالی پیامبر صلی اللّه علیه و آله را به محبّت چهار نفر امر فرمود که سلمان یکی از ایشان است و آیاتی در مدح او و همتایان او نازل شد و جبراییل هرگاه بر حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله فرود می آمد امر میکرد از جانب پروردگار به سلمان سلام برساند و او را به علم منایا[زمان مرگ افراد]و بلایا و انساب مطلّع گرداند و شبها برای او در خدمت پیامبر صلی اللّه علیه و آله مجلس انسی بوده حضرت رسول و امیر مؤمنان علیهما السّلام چیزهایی از مخزون و مکنون علم خدا به او تعلیم کردند که غیر او قابلیت و قدرت تحمّل آن را نداشتنه و به مرتبه ای رسید که امام صادق علیه السّلام فرمود:«سلمان دانش اول و آخر را یافت و او دریایی است که هرچه از او برگرفته شود پایان نپذیرد و او از ما اهلبیت است»برای شوق زائران و رغبتشان به زیات آن جناب کافی است تفکّر کردن در اختصاص و امتیازش در میان تمام صحابه و جمیع امّت به اینکه حضرت امیر مؤمنان علیه السّلام در یک شب از مدینه به مدان رفت،و به دست مبارک خود او را غسل داد و کفن کرد و بر او با صفوفی بسیار از ملائکه نماز خواند و در همان شب به مدینه بازگشت زهی شرافت و مودّت و محبّت به خانوادۀ رسالت که انسان را به این مرتبه از شکوه و عظمت میرساند

[کیفیّت زیارت آن جناب]

امّا کیفیّت زیارت آن جناب:بدان که سیّد ابن طاووس در کتاب «مصباح الزّائر»برای آن بزرگوار چهار زیارت نقل کرده و ما در اینجا به همان زیارت اول اکتفا می کنیم و در کتاب«مدّیه»زیارت چهارم را که شیخ در«تهذیب» ذکر فرموده نقل کردیم.چون خواستی آن جناب را زیارت کنی،نزد قبر او به طرف قبله می ایستی و می گویی:

سلام بر رسول خدا،محمّد بن عبد اللّه خاتم پیامبران،سلام بر امیر مؤمنان سرور جانشینان،سلام بر امامان معصوم هدایت گر،سلام بر فرشتگان مقرّب

ص:756

سلام بر تو ای یار امین رسول خدا،سلام بر تو ای دوست امیر مؤمنان سلام بر تو ای سپرده شدۀ اسرار پرمیمنت،سلام بر تو ای باقیماندۀ خدا،از نیکان پیشین،سلام بر تو ای ابا عبد اللّه و رحمت و برکات خدا.گواهی می دهم که تو خدا را آن گونه که فرمان داد فرمان بردی،و از رسولش آن طور که تو را فرا خواند پیروی نمودی،و خلیفه اش را متابعت کردی چنان که بر تو واجب نمود،و به نکوداشت فرزندانش دعوت کردی،آن چنان که تو را آگاه ساخت،و حق را به یقین دانستی،و به آن چنان که فرمان دادی اعتماد کردی،گواهی می دهم که تو درگاه جانشین مصطفی،و راه حجّت خدا مرتضی،و امین خدایی در آنچه از علوم برگزیدگان به تو سپرده شده،گواهی می دهم که تو از اهل بیت پیامبری،آن شرافتمندان برگزیده برای یاری جانشین آن حضرت گواهی می دهم که تو صاحب درجات دهگانۀ ایمان،و دلایل مغلوب کننده ای،و تو نماز را به پا داشتی،و زکات را دادی و امر به معروف و نهی از منکر کردی،و امانت الهی را ادا نمودی،و برای خدا و رسولش خیرخواهی کردی،و در جنب خدا بر آزار مردم صبر نمودی،تا مرگ تو را دررسید،خدا لعنت کند کسی را که حق تو را انکار کرد،و از مقامت کاست،خدا لعنت کند کسی را که تو دربارۀ سرورانت آزرد،خدا لعنت کند کسی را که تو دربارۀ خانواده ات به زحمت افکند.خدا لعنت کند کسی را که تو را دربارۀ سرورانت سرزنش نمود،خدا لعنت کند دشمن خاندان محمّد را،از پری و آدمی،از پیشینیان و پسینیان،و بر آنان عذاب دردناک را دوچندان گرداند،درود خدا بر تو ای ابا عبد اللّه،درود

خدا بر تو ای یار رسول خدا،(درود خدا بر او و خاندانش)،و بر تو ای دوست امیر مؤمنان و درود خدا بر روح پاکیزه و پیکر پاک تو،و خدا هنگامی که ما را می میراند،به منّت و مهرش به تو و به جایگاه سروران با میمنت ملحق سازد،و ما را همراه آنان و جوار ایشان در بهشتهای پرنعمت گرد آورد،درود خدا بر تو ای ابا عبد اللّه،و درود خدا بر برادرانت شیعیان نیکوکار از گذشتگان پر میمنت،و وارد کن نسیم رحمت و رضوان را،بر بازماندگان از اهل ایمان،و ملحق کند ما و آنان را به کسانی که سلمان دوست داشت از عترت پاک و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو و بر ایشان.آنگاه سورهٔ انّا انزلناه فی لیله القدر را هفت مرتبه بخوان،سپس هرچه خواهی نماز مستحبّ بجا آر.

مؤلّف گوید:چون خواستی از زیارت سلمان بازگردی،به جهت وداع نزد قبر بایست،و این وداع را که سیّد در آخر زیارت چهارم ذکر فرموده است بگو:

سلام بر تو ای ابا عبد اللّه،تو درگاه خدایی که از آن درآیند،و از آن برگیرند،گواهی می دهم که حق گفتی،و صادقانه سخن راندی،و به سوی مولایم در آشکار و نهان دعوت کردی،زائر به جانب تو آمدم،درحالی که سپارنده حاجاتم به توام،و من اینک تو را وداع می گویم،دین و امانت و عواقب کار و همهٔ آرزویم را در طول عمرم به تو می سپارم،و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد، و درود خدا بر محمّد و خاندان نیکویش.آنگاه خدا را بسیار بخوان و بازگرد.

[نماز خواندن در طاق کسری]

مؤلّف گوید:چون زائر به زیارت

ص:758

سلمان مشرّف شد،پس از زیارت دو وظیفۀ دیگر دارد:اول:نماز خواندن در طاق کسری،دو رکعت یا بیشتر،چون آنجا مصلاّی حضرت امیر مؤمنان علیه السّلام است.از عمّار ساباطی روایت شده:امیر مؤمنان به مدائن آمد و در ایوان کسری نزول فرمود،درحالی که ابو دلف بن بحیر با او بود،در آنجا نماز خواند،پس از آن برخاست و به دلف فرمود:

با من برخیز.و جماعتی از اهل ساباط در خدمت آن حضرت بود،در منازل کسری گردش کرد و به دلف می فرمود:برای کسری در این مکان چنین و چنان بوده،و دلف می گفت:به خدا قسم چنین است که می فرمایی،پس با آن جماعت در تمام آن مواضع گردش کرد،و دلف می گفت:ای سیّد و مولای من،شما چنان به این مکانها آگاهی دارید،که گویا شما این چیزها را در این مکانها نهاده اید!!روایت شده وقتی حضرت بر مداین مرور فرمود،و آثار کسری و خرابی آن را مشاهده می کرد،یکی از افرادی که در خدمت آن حضرت بود،از روی عبرت این شعر را خواند:

بادها بر خرابه های دیارشان وزید*گویا اینان بر وعده گاهی بوده اند حضرت فرمود:چرا نخواندی چه بسیار باغها و چشمه ها،و مقام کریم.و نعمتی که در آن کامیاب بودند و واگذاشتند.چنین بود،و ما آنها را به مردمان دیگری ارث دادیم.پس گریه نکرد بر آنها آسمان و زمین،و نبودند مهلت داده شده.پس از آن فرمود:البته آنان ارث بودند،اما اکنون ارث برده شده اند،نعمت را شکر نکردند،در نتیجه دنیایشان بر اثر معصیت از دستشان گرفته شد،از ناسپاسی نسبت به نعمت بپرهیزید،تا انتقامهای بر شما فرود نیاید.فقیر گوید:حاصل این معنی را حکیم خاقانی،در قالب شعر آورده،آنجا که فرموده:

هان ای دل عبرت بین از دیده نظر کن هان ایوان مدائن را آیینه عبر دان

پرویز که بنهادی بر خوان تره زرّین زرّین تره کو بر خوان،رو«کم ترکوا»برخوان

ص:759

[زیارت جناب حذیفه بن الیمان]

دوم:زیارت جناب حذیفه بن الیمان می باشد،که از بزرگان اصحاب رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله و خاصان امیر مؤمنان علیه السّلام است،و در میان صحابه به شناختن منافقان و آگاهی بر اسامی آنان جایگاه خاصی داشت،و اگر در نماز جنازۀ کسی حاضر نمی شد،خلیفه ثانی بر او نماز نمی خواند.او از جانب خلیفه ثانی سالها والی مداین بود،و پس از عزل کردندش جناب سلمان والی آنجا شد.چون سلمان از دنیا رفت دوباره حذیفه والی مداین شد،و ولایتش مستقر گشت تا نوبت خلافت به شاه ولایت علیه السّلام رسید،از جانب حضرت از مدینه فرمانی مبارک به او و به اهل مداین صادر شد،که در آن فرمان مبارک،از خلافت خود،و استقرار حکومت حذیفه بر مداین اطلاع دادند.ولی حذیفه پس از حرکت آن حضرت از مدینه به جانب بصره،به خاطر دفع شرّ اصحاب جمل و پیش از نزول موکب همایون امیر مؤمنان به کوفه وفات یافت و در همان مدائن دفن شد.از ابو حمزه ثمالی روایت شده:چون حذیفه مشرف به وفات شد فرزند خود را خواست و او را به عمل کردن به این نصیحتهای پرفایده وصیت کرد:پسر جان من،آشکار کن ناامیدی خویش از آنچه را در دست مردم است،که در این ناامیدی بی نیازی و توانگری است،و از مردم حاجات خود را مخواه،که در آن فقر هویدا است،و همواره چنان باش،که روزی که در آن هستی،از روز گذشته ات بهتر باشد،و هرگاه نماز می خوانی، چنان بخوان که گویا نماز وداع و آخرین نماز توست،و کاری مکن که از آن پوزش بخواهی.و بدان که در جنب حرم جناب سلمان مسجد جامع مداین می باشد که منسوب به حضرت عسگری علیه السّلام است،معلوم نیست چه کسی آن را ساخته یا در آنجا نماز خوانده،شایسته است زائر در آن محل شریف خود را از فیض دو رکعت نماز تحیّت محروم نکند.

ص:760

فصل نهم

اشاره

در بیان فضیلت و کیفیت زیارت امام الانس و الجنّه المدفون بارض الغربه بضعه

سید الوری،مولانان ابو الحسن علی بن موسی الرضا(صلوات اللّه علیه و علی آبائه و اولاده ائمه الهدی)

[فضیلت زیارت آن حضرت]

فضیلت زیارت آن حضرت بیش از آن است که به شمار آید،و ما در اینجا تنها به ذکر چند خبر تبرّک می جوییم،و بیشتر آن را از«تحفه الزائر»نقل می کنیم. اول: از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله روایت شده:زود باشد که پاره ای از تن من،در زمین خراسان مدفون شود،هیچ مؤمنی او را زیارت نکند،مگر آنکه حق تعالی بهشت را برای او واجب کند و بدنش را بر آتش دوزخ حرام سازد،و در حدیث معتبر دیگری فرمود:پاره ای از بدن من در خراسان مدفون خواهد شد،هر غمناکی او را زیارت کند،البته حق تعالی اندوهش را برطرف کند،و هر گناهکاری او را زیارت نماید،البته گناهانش را بیامرزد. دوم: به سند معتبر روایت حج پذیرفته باشد.راوی بعید دانست و گفت:هفتاد حجّ پذیرفته؟!حضرت فرمود:آری هفتاد هزار حج،گفت:هفتاد هزار حجّ؟!فرمود:چه بسا حجّی که پذیرفته نباشد،هرکه آن حضرت را زیارت کند یا یک شب نزد آن حضرت بیتوته کند چنان باشد که خدا را در عرش زیارت کرده باشد،گفت:چنان که خدا را در عرش زیارت کرده باشد؟ فرمود:آری چون روز قیامت شود،چهار نفر از پیشینیان و چهار نفر از پسینیان بر عرش الهی خواهند بود،اما پیشینیان،نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السّلام هستند و اما پسینیان،محمّد و علی و حسن و حسین علیهم السّلام اند،آنگاه ریسمانی در پای عرش می کشند،پس زیارت کنندگان قبور امامان با ما می نشینند و به تحقیق زیارت کنندگان قبر فرزندم علی،درجۀ ایشان از همه بالاتر و عطایشان از همه بیشتر خواهد بود. سوم: از حضرت رضا علیه السّلام روایت شده:در خراسان بقعه ای است،که زمانی بر آن خواهد آمد،که محل رفت و آمد ملائکه شود پس پیوسته گروههایی از ملائکه از آسمان فرود خواهند آمد و گروههایی بالا

خواهند رفت تا در صور بدمند،پرسیدند:یا ابن رسول اللّه کدام بقعه است؟ فرمود:آن

ص:761

بقعه در زمین طوس است و آن و اللّه باغی است از باغهای بهشت،هرکه مرا در آن بقعه زیارت کند،چنان است که رسول خدا صلی اللّه علیه و آله را زیارت کرده و حق تعالی برای او به سبب آن زیارت،ثواب هزار حجّ پسندیده و هزار عمرۀ پذیرفته بنویسد و من و پدرانم در روز قیامت شفیع او باشیم. چهارم: به چندین سند صحیح از ابن ابی نصر نقل شده که گفت:نامۀ امام رضا علیه السّلام را خواندم در آن نوشته شده بود:به شیعیان من برسانید،که زیارت من نزد خدا برابر است با هزار حج،پس من این حدیث را خدمت حضرت جواد علیه السّلام عرض کردم،فرمود:آری و اللّه هزار حج است،برای کسی که آن حضرت را زیارت کند و حق او را بشناسد. پنجم: به دو سند معتبر روایت شده:حضرت رضا علیه السّلام فرمود:هرکه مرا با این دوری بارگاه زیارت کند،من در سه موطن روز قیامت نزد او آیم تا او را از اهوال آنها خلاصی بخشم:نخست وقتی که نامه های نیکوکاران در دست راست ایشان و نامه هاب بدکاران در دست چپ ایشان پرواز کند و دیگر نز صراط و سوم نزد ترازوی اعمال. ششم: در حدیث معتبر دیگری فرمود زود باشد که بر اثر ظلم و ستم با زهر به قتل برسم و کنار هارون الرشید به خاک سپرده شوم و خدا تربت مرا محلّ تردّد شیعیان و دوستان من گرداند پس هرکه مرا در این غربت زیارت کند،برای او واجب میشود،که من او را در روز قیامت زیارت کنم و سوگند می خورم،به خدایی که محمّد صلی اللّه علیه و آله را به پیامبری گرامی داشته و او را بر تمام حلایق برگزیده،که هرکه از شما شیعیان نزد قبر من دو رکعت بجا آورد،البته از جانب خدای عالمیان در روز قیامت آمرزش گناهان را مستحقّ شود و به حق آن خدایی که ما بعد از محمّد صلی اللّه علیه و آله به امامت گرامی داشته،و به وصیّت آن حضرت مخصوص گردانید،سوگند یاد می کنم که زیارت کنندگان قبر من در روز قیامت بر خدا گرامی تر از هر گروه دیگری هستند و هر مؤمنی که مرا زیارت کند و بر روی او قطره ای از باران برسد،البته حق تعالی جسم او را بر آتش دوزخ حرام گرداند. هفتم: به سند معتبر روایت شده:محمّ بن سلیمان از حضرت جواد علیه السّلام پرسید:شخصی به عنوان حج تمتع،حج واجب خود را انجام داد و پس از آن به مدینه رفت و حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله را زیارت نمود،آنگاه به نجف رفت و پدرتان امیر مؤمنان علیه السّلام را زیات کرد،درحالی که حق او را می شناخت و می دانست که او حجت خدا بر خلق و باب اللّه است که از آن باب باید به خدا رسید،بر آن حضرت سلام کرد و به کربلا رفت و حضرت امام حسین علیه السّلام را زیارت کرد.سپس به بغداد رفت و حضرت امام موسی کاظم علیه السّلام را زیارت کرد و پس از این زیارتها به شهر خود بازگشت، در این وقت خدا آن

قدر مال به او روزی کرد که می تواند به حج برود،برای این مرد که حج واجب

ص:762

خود را انجام داده کدام یک از این دو عمل بهتر است،آیا برگردد و دوباره حج کند،یا به خراسان رفته و پدرتان حضرت رضا علیه السّلام را زیارت کند؟فرمود:بلکه برود بر پدرم سلام کند که این افضل است و باید که در ماه رجب باشد و در این زمان انجام ندهید،که بر ما و شما از خلیفۀ زمان خوف رسوا ساختن و عیب جویی است. هشتم: شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت امام جواد علیه السّلام روایت کرده:در میان دو کوه طوس قطعه ای از زمین است که از بهشت برداشته شده،هرکه وارد آن شود در روز قیامت از آتشی ایمنی یابد. نهم: و نیز از آن حضرت روایت کرده:من از جانب حق تعالی بهشت را ضمانت می کنم برای هرکه قبر پدرم را در طوس زیارت کند،درحالی که عارف به حق آن حضرت باشد. دهم: شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرّضا روایت کرده:مردی از نیکان، حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله را در خواب دید،خدمت آن حضرت عرضه داشت:یا رسول اللّه از فرزندانت کدام یک را زیارت کنم؟فرمود بعضی از فرزندان من زهر نوشیده و برخی کشته شده پیش من آمدند.گفتم:با پراکنده شدن مشاهد ایشان کدامیک از آنان را زیارت کنم؟ فرمود:آن را که به تو نزدیکتر است زیارت کن.یعنی آن را که محل تو به بارگاهش نزدیک تر است و او را در زمین غربت به خاک سپرده اند، گفتم:یا رسول اللّه از این فرمایش«رضا»را قصد کردید،فرمود:بگو صلی اللّه علیه بگو:صلی اللّه علیه بگو:صلی اللّه علیه،این جمله را سه بار فرمود.مؤلّف گوید:در کتاب«وسائل»و«مستدرک»فصول و ابوابی ذکر شده در مورد استحباب تبرّک به مشهد امام رضا و مشاهد امامان علیهم السّلام و استحباب اختیار زیارت امام رضا بر زیارت امام حسین علیهما السّلام و بر زیارت دیگر امامان علیهم السّلام و بر حجّ مستحب و عمرۀ مستحب و چون این کتاب گنجایش بسط مطلب را ندارد،ما به همین چند روایت که عشرۀ کامله است اکتفا کردید.

کیفیت زیارت حضرت رضا علیه السّلام

[زیارت مشهور آن حضرت]

بدان که برای آن بزرگوار زیارات چندی نقل شده و زیارت مشهور آن حضرت زیارتی است که در کتب معتبر مذکور است و به شیخ جلیل القدر محمّد بن حسن بن ولید که از مشایخ جناب صدوق است منسوب کرده اند و از کتاب«مزار»ابن قولویه معلوم می شود که از ائمه علیهم السّلام

روایت شده و کیفیّت آن موافق کتاب من لا یحضره الفقیه چنان است که:چون زیارت قبر امام رضا علیه السّلام را در طوس قصد کنی،پیش از آنکه از خانه بیرون روی غسل کن،و وقتی که غسل می کنی بگو:

ص:763

خدایا مرا پا کن،و دلم را پاک گردان،و سینه ام را بگشا،و مدح و ثنای خودت را بر زبانم جاری ساز،که نیرویی نیست جز به تو.خدایا این غسل را برایم پاک کننده و شفابخش قرار ده.

و در وقت بیرون رفتن از خانه می گویی:به نام خدا و با خدا و به سوی خدا،و به جانب فرزند رسول خدا خدا مرا بس است،بر خدا توکّل نمودم.خدایا به سوی تو رو نمودم،و به جانب تو قصد کردم،و آنچه را نزد توست خواستم.چون بیرون رفتی بر در خانۀ خود بایست و بگو:خدایا رویم را به سوی تو کردم،و به امید تو پشت سر گذاشتم خاندان و مال و آنچه را به من بخشیدی،و به تو اعتماد کردم،پس مرا محروم مکن،ای آنکه هرکه او را قصد کند محرومش نسازد،و کسی را که حفظ کرد تباهش نسازد،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و مرا به نگهداری ات نگاهدار،که هرکه را تو حفظ کردی تباه نشود.چون به سلام رسیدی ان شاء اللّه،هرگاه خواستی به زیارت بروی غسل کن و وقتی که غسل می کنی بگو:خدایا مرا پاک کن،و دلم را پاک گردان،و سینه ام را بگشا،و مدح و و محبّت و ثنایت را بر زبانم جاری ساز،که نیوزیی جز به تو نیست،به یقین دانستم که پایه و اساس دین من تسلیم بودن به فرمان تو،و پیروی از راه و رسم پیامبرت،و گواهی بر تمام خلق توست.خدایا این این غسل را برای من شفا و نور قرار ده،که تو بر چیز توانایی پس پاکیزه ترین جامه های خویش را بپوش،و با پای برهنه به آرامی و وقار راه برو،و دلت به یاد خدا باشد،و اللّه اکبر و لا اله الاّ اللّه و سبحان اللّه و الحمد للّه بگو،و گامهای

خود را کوتا بردار،و زمانی که وارد روضۀ مقدّسه شوی بگو:

به نام خدا،و با خدا،و بر آیین رسول خدا،درود خدا بر او و خاندانش،گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست،و شریکی برای او نیست،و گواهی می دهم که محمّد بنده و فرستاده اوست،و اینکه لی ولیّ خداست آنگاه به نزد ضریح برو و قبله را پشت سر خود قرار بده و روبروی آن حضرت بایست و بگو:

گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست،یگانه است و شریکی برایش نمی باشد،و گواهی می دهم که محمّد بنده و رسول اوست،و اینکه او آقای پیشینیان و پسینیان،و آقای پیامبران و رسولان است.خدایا درود فرست بر محمّد بنده و رسول و پیامبر و آقای تمام آفریدگانت،درودی که نیروی شمردن آن را کسی جز تو نداشته باشد.خدایا درود فرست بر امیر مؤمنان علی بن ابی طالب بنده ات و برادر رسولت،آن وجود مبارکی که او را به علم خود برگزیدی،و برای هرکه از بندگانت خواستی او را راهنما قرار دادی،و دلیل بر وجود پیامبری که او را با رسالتهایت برانگیختی و او را به عدالتت داور دین و فیصله بخش حکم خود در میان بندگانت نهادی،و بر تمام اینها مسلّط نمودی،سلام و رحمت و برکات خدا بر او باد.خدایا درود فرست بر فاطمه دختر پیامبرت،و همسر ولیّ ات،و مادر دو فرزندزاده پیامبره،حسن و حسین،دو سرور جوانان اهل بهشت،آن بانوی پاک و پاکیزه و پاک گشته و بی عیب و پسندیه و زکیّه،سرور بانوان همۀ اهل بهشت،درودی که توان شمردن آن

ص:765

را کسی جز تو نداشته باشد.خدایا درود فرست بر حسن و حسین،دو فرزندزادۀ پیامبرت،و دو سرور جوانان اهل بهشت،دو قیام کننده در میان بندگانت،و دو راهنما بر وجود پیامبری که او را به رسالتهایت برگزیدی و دو داور دین به دادگری و دو فیصله بخش حکم خود در میان بندگانت.خدایا درود فرست بر علی بن الحسین بندۀ قیام کننده در میان بندگانت،و راهنما بر پیامبری که او را به رسالتهایت برگزیدی،و داور دین به دادگری و فیصله بخش حکم خود در میان بندگانت،سرور بندگی کنندگانت.خدایا درود فرست بر محمّد بن علی بنده و خلیفه ات در زمین،شکافندۀ دانش پیامبران.خدایا درود فرست بر جعفر بن محمّد صادق،بنده و ولی دینت،و حجّت بر همۀ بندگان،آن راستگوی نیکوکار.خدایا درود فرست بر موسی بن جعفر،بندۀ ش ایسته ات،و زبانت در بین بندگانت،آن گویای به قانون و فرمانت و حجّت بر مخلوقاتت.خدایا درود فرست بر علی بن موسی الرضا،آن پسندیده پیشگاهت و بنده و ولیّ دینت،قیام کننده به دادگری و دعوت کننده به سوی دین تو،و دین پدران راستگویش،درودی که توان شمردن آن را کسی جز تو نداشته باشد.خدایا درود فرست بر محمّد بن علی بنده و ولیّ ات قیام کننده به امرت،و دعوت کننده به راهت خدایا درود فرست بر علی بن محمّد بنده و ولیّ دینت.خدایا درود فرست بر حسن بن علی عمل کننده به فرمانت،قیام کننده در میان بندگانت،و حجّت که ادا کننده بود از طرف پیامبرت،و گواهت بر بندگانت

اختصاص یافته به کرامتت،دعوت کننده به طاعتت و طاعت رسولت،درودهایت بر همهٔ آنان باد خدایا درود فرست بر حجّت و ولیّ ات،قیام کننده در میان بندگانت،درودی کامل،رونده،پایدار که به آن درود در گشایش امرش شتاب کنی،و به آن یاری اش نمایی،و ما را در دنیا و آخرت با او قرار دهی.خدای من به محبّت ایشان به تو تقرّب می جویم و دوست دارم دوست ایشان را،و دشمن دارم دشمن آنان را،پس به حق آنان خیر دنیا و آخرت را نصیبم کن،و شرّ دنیا و آخرت و هراسهای روز قیامت را از من بازگردان.سپس نزد سر آن حضرت می نشینی و می گویی:

سلام بر تو ای ولیّ خدا،سلام بر تو ای حجّت خدا،سلام بر تو ای نور خدا در تاریکیهای زمین،سلام بر تو ای ستون دین،سلام بر تو ای وارث آدم برگزیدهٔ خدا،سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا،سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا سلام بر تو ای وارث اسماعیل قربانی خدا،سلام بر تو ای وارث موسی همسخن خدا سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا،سلام بر تو ای وارث محمّد فرستادهٔ خدا سلام بر تو ای وارث امیر مؤمنان علی ولّی خدا،و جانشین فرستادهٔ پروردگار جهانیان سلام بر تو ای وارث فاطمهٔ زهرا،سلام بر تو ای وارث حسن و حسین دو سرور جوانان اهل بهشت،سلام بر تو ای وارث علی بن الحسین زیور پرستندگان

سلام بر تو ای وارث محمّد بن علی،شکافندۀ دانش پیشینیان و پسینیان،سلام بر تو ای وارث جعفر بن محمّد،راستگوی نیکوکار،سلام بر تو ای وارث موسی بن جعفر،سلام بر تو ای راستگوی شهید،سلام بر تو ای جانشین نیکوکار پرهیزگار.گواهی می دهم که تو نماز را بپا داشتی،و زکات دادی،و امر به معروف و نهی از منکر نمودی،و خدا را(خالصانه)عبادت کردی،تا مرگ تو را دررسید،سلام بر تو باد ای ابا الحسن و رحمت و برکات خدا.بعد خود را به ضریح می چسبانی و می گویی:خدایا از وطنم آهنگ تو کردم،و به امید رحمتت شهرها را پشت سر گذاشتم،پس ناامیدم مکن،و بدون برآوردن حاجتم،بازم مگردان،و رفت و آمدم را بر قبر برادر فرزند فرستاده ات،(درود تو بر او و خاندانش)رحم کن،پدر و مادرم فدایت ای مولایم،به سوی تو برای زیارت آمدم،بر تو واردم،از آنچه خود جنایت کرده ام،و بر پشتم بار کرده ام به تو پناه آوردم،به درگاه خدا شفیع من باش در روز تهیدستی و نداری،برای تو نزد خدا مقامی بس ستوده است،و تو نزد او بس آبرومندی.پس دست راست را بلند می کنی و دست چپ را بر قبر می گشایی و می گویی خدایا به سوی تو تقرب می جویم با دوستی و ولایت ایشان،آخرین آنها را دوست دارم،آن گونه که دوست داشتم اولین آنها را،و بیزاری می جویم از هر یاری غیر ایشان.خدایا لعنت کن کسانی را که نعمتت را دگرگون کردند،و پیامبرت را متهمّ نمودند،و آیاتت را منکر شدند،و امام برگزیده ات را ریشخند زدند،و مردم را علیه خاندان محمّد مسلط کردند،خدایا من با لعنت بر آنان و

بیزاری از ایشان در دنیا و آخرت به تو تقرّب می جویم ای مهربان.آنگاه بازمی گردی،و به نزد پای آن حضرت می روی و می گویی درود خدا بر تو ای ابا الحسن،درود خدا بر روح و پیکرت شکیبایی نمودی،تویی راستگوی تصدیق شده،خدا بکشد کسانی را که تو را با دستها و زبانهایشان کشتند.

سپس زاری کن و در لعنت بر قاتل امیر مؤمنان علیه السّلام و قاتلان حسن و حسین علیهم السّلام و قاتلان همهٔ اهل بیت رسول خدا صلی اللّه علیه و آله بیفزای،آنگاه از پشت قبر برو،و بالای سر آن حضرت دو رکعت نماز بجا آر،در رکعت اول سورهٔ یس،و در رکعت دوم سورهٔ الرّحمن را بخوان و در دعا و زاری بکوش و برای خود و پدر و مادرت و همه برادران اهل ایمان خویش،بسیار دعا کن و آنچه خواهی نزد سر آن حضرت توقف کن،و توجه داشته باش که باید نمازهای خود را نزد قبر بجا آوری.

مولّف گوید:این زیارت،بهترین زیارات آن حضرت است.در کتاب«فقیه»و«عیون»و کتب علاّمهٔ مجلسی و غیر ایشان و سخروا بامامک که در آخر زیارت است با دو میم است،یعنی خدایا لعنت کن،کسانی را که استهزا نمودند به امامی که برای ایشان قرار دادی،ولی در کتاب مصباح الزائر؛سخروا بایّامک است،که این نیز صحیح است،بلکه شاید از جهتی اولی باشد،چه آنکه مراد از ایّام ائمه علیهم السّلا هستند،همان طور که در روایت صقر بن ابی دلف در فصل پنجم از باب اول گذشت[صفحهٔ 93]این را هم بدان،که لعنت کردن بر قاتلان ائمه علیهم السّلام به هر زبانی انجام گیرد خوب است و اگر زائرین این عبارت را که از بعضی دعاها گرفته شده بخواند،شاید مناسب تر باشد:

خدایا قاتلان امیر مؤمنان،و قاتلان حسن و حسین(درود بر ایشان)و قاتلان اهل بیت پیامبرت را لعنت کن.خدایا دشمنان و قاتلان خاندان محمّد را لعنت کن،و بر آنان بیفزا عذابی بر عذاب،و خواری بر خواری،و زبونی بر زبونی،و رسوایی بر رسوایی.خدایا آنان را به سوی آتش پرتاب کن،پرتابی سخت

و در عذاب دردناکت نگونسارشان گردان نگونساری شدید،و ایشان و پیروانشان را گروه گروه به سوی دوزخ محشور کن.

شیخ مفید ذکر کرده:پس از نماز زیارت حضرت امام رضا علیه السّلام مستحب است این دعا را بخوانند:

خدایا از تو درخواست می کنم،ای خدایی که در فرمانروایی اش پاینده،و در شکوهش پا برجا،و در سلطنتش مطاع،و در کبریایی اش یکتا،و در دوام همیشگی اش بی همتا است،در مخلوقاتش دادگر،و در داوری اش دانا،و در به تأخیر انداختن کیفرش بزرگوار است.خدایا حاجاتم بازگردانده به سوی تو،و آرزوهایم ایستاده در پیشگاه توست،و هر زمان مرا به کار نیکی توفیق دادی،راهنمایم بر آن،و راهم به سوی آن تو بودی،ای توانایی که خواسته ها درمانده اش نکند،ای عطابخش دائمی که هر مشتاقی به جانب او پناه می آورد،همواره از جانب تو همنشین با نعمتهایت بوده ام،روان بر عادت احسان و کرم،از تو می خواهم به آن نیروی نافذ در تمام اشیا و حکم استوارت که آن را با آسان ترین دعا باز می داری،و به آن نظری که به وسیلۀ آن به جانب کوهها نظر کردی و کوهها بلندی گرفتند،و به زمینها توجه کردی و آنها مسطّح شدد و با آسمانها عنایت فرمودی پس مرتفع گردید،و به دیارها نگریستی پس روان شدند،ای که از ابزارهای نگاه های بشر بالاتری و از دسترس دقایق افکار دوری،ای آقای من سپاس نشوی مگر به توفیقی از سوی خودت،که آن نیز موجب سپاس دیگری است،و بر کوچک ترین نعمت شکر نشوی مگر آنکه به آن شکر،شکری دیگر را سزاوار گردی،پس چه زمانی نعمتهایت برشمرده شود ای خدای من،و به عطاهایت جزا داده شود ای مولای من،و پاداش متقابل به ساخته هایت داده شود،ای آقای من،از نعمتهای توست که سپاس کنندگان

ص:770

سپاس می نمایند،و از شکرپذیری توست که شاکران شکرگذاری می کنند،تویی مورد اعتماد،در امر گذشت بر گناهان،و تویی گسترندۀ بال پرده پوشی است بر خطاکاران،و تویی برطرف کنندۀ سختی با دست قدرتت،چه بسیار زشتی که آن را با بردباری ات پوشاندی،تا از بین رفت،و چه بسیار خوبی ای که آن را فضلت چندین برابر کرد،تا پاداش دادنت بر آن بزرگ شد،بزرگی از اینکه از تو ترسیده شود جز به عدل،و امید رود مگر احسان و فضل تو،بر من به آنچه که فضلت آن را واجب نموده منّت گذار،و به آنچه عدالتت به آن حکم می کند خوارم مکن،آقای من اگر زمین گناهان مرا می دانست هرآینه فرو می بردم،یا اگر کوهها خبر می داشتند مرا درهم می شکستند،یا آسمانها مطلع می بودند مرا می بردند،یا دریاها آگاه می بودند مرا غرق می کردند،آقای من،آقای من آقای من،مولایم،مولایم،مولایم،توقفم برای میهمانی ات تکرار شده،پس مرا از آنچه به درخواست کنندگان از حضرتت وعده دادی محروم مکن،ای شناختۀ عارفان،ای پرستیدۀ پرستندگان،ای سپاس شدۀ سپاسگذاران ای همنشین یادکنندگان،ای ستودۀ کسی که او را ستوده،ای موجود برای کسی که او را جست،ای وصف شده کسی که او را به وحدانیّت وصف نمود،ای محبوب کسی که او را دوست داشت،ای فریادرس کسی که او را اراده کرد،ای مقصود کسی که به سویش باز آمد،ای که غیب را جز او نداند،ای که بدی را جز او باز نگرداند،ای آنکه امر را جز او تدبیر نکند،ای که نیامرزد گناهان را جز او،ای که پدید نیاورد مخلوق را جز او،ای که نازل نمی کند باران را جز او،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا بیامرز ای بهترین آمرزندگان،پروردگارا من از تو درخواست آمرزش می کنم،آمرزش شرمساری،و درخواست آمرزش می کنم،آمرزش

امیدواری،و درخواست آمرزش می کنم،آمرزش بازگشتن،و درخواست آمرزش می کنم،آمرزش شوق،و درخواست آمرزش می کنم،آمرزش بیم،و درخواست آمرزش می کنم،آمرزش طاعت،و درخواست آمرزش می کنم،آمرزش ایمان،و درخواست آمرزش می کنم آمرزش اقرار،و درخواست آمرزش می کنم،آمرزش اخلاص،و درخواست آمرزش می کنم،آمرزش تقوا،و درخواست آمرزش می کنم،آمرزش توکّل،و درخواست آمرزش می کنم،آمرزش خواری،و درخواست آمرزش می کنم،آمرزش عمل کننده برای تو،گریزان از تو به سوی تو پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و بر من و پدر و مادرم پذیرای توبه باش،به آنچه بر تمام بندگانت توبه پذیرفتنی و می پذیری ای مهربان ترین مهربانان،ای آنکه به آمرزنده و مهربان نامیده شوی،ای آنکه به آمرزنده مهربان نامیده شدی،ای آنکه به آمرزنده و مهربان نامیده شدی،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و توبه ام را بپذیر،و عملم را پاک کن،و از کوششم قدردانی فرما،و به زاری ام رحم کن،و صدایم را در پرده قرار مده،و درخواستم را ناامید مکن،ای فریادرس دادخواهان،و سلام و دعایم را به امامان برسان،و در تمام آنچه از تو درخواست کردم،آنان را شفیع من قرار ده،و هدیهٔ مرا به آنان برسان،آن چنان که سزاوار ایشا است،و از این هدیه برای ایشان به چندین برابر بیفزا،چنان که سزاوار توست،افزایشی که آن را جز تو شماره نکند،جنبش و نیرویی نیست جز به خدای برتر و بزرگ،و درود خدا بر پاکترین فرستادگان محمّد و خاندان پاک او.

[زیارت معروف به جوادیّه]

مؤلّف گوید:علاّمهٔ مجلسی در«بحار الانوار»،از برخی نوشته های قدمای اصحاب زیارتی برای حضرت امام رضا علیه السّلام نقل کرده که معروف به«جوادیّه»است،و در آخر آن زیارت است که نماز زیارت و تسبیح بجا آر،و آن را به آن حضرت هدیه کن،آنگاه بگو:«اللّهم انّی اسالک یا اللّه الدّائم...»و این دعا را تا آخر آن نقل کرده،پس هر زمان

آن زیارت را در آن مشهد مقدسّ خواندی،این دعا را ترک مکن.

[زیارتی دیگر منقول از ابن قولویه]

زیارتی دیگر:این زیارتی است که ابن قولویه از بعضی ائمه علیهم السّلام روایت کرده که فرمودند:چون به نزد قبر امام رضا علیه السّلام رفتی بگو:

خدایا درود فرست بر علی بن موسی الرّضا،امام پسندیده با تقوای بی عیب،و حجّتت بر هر که بر زمین،و هر که زیر زمین است،آن راستگوی شهید،درودی بسیار و کامل،و پاک و به هم پیوسته و پیاپی و در پی هم،مانند برترین درودی که بر یکی از اولیایت فرستادی.

[زیارتی دیگر منقول از شیخ مفید]

زیارت دیگر:زیارتی است که شیخ مفید در کتاب«مقنعه»نقل کرده و فرموده:پس از آنکه غسل زیارت کردی و پاکیزه ترین جامه های خود را در بر کردی نزد قبر آن حضرت می ایستی و می گویی:سلام بر تو ای ولیّ خدا و فرزند ولیّ خدا،سلام بر تو ای حجّت خدا و فرزند حجّت خدا،سلام بر تو ای امام هدایت،و دستاویز استوارتر،و رحمت و برکات خدا بر تو باد،گواهی می دهم که تو گذشتی بر آنچه پدران پاک تو گذشتند،کوردلی را بر هدایت ترجیح ندادی،و از حق به باطل منحرف نگشتی،و برای خدا و رسولش خیرخواهی نمودی،و امانت را ادا کردی،خدا از سوی اسلام و اهلش تو را پاداش دهد،بهترین پاداش،من زائر به حضورت آمدم،به حقّت عارفم،دوستدار دوستانت،و دشمن دشمنانت هستم،مرا نزد پروردگارت شفاعت کن.سپس خود را به قبر بچسبان،و آن را ببوس و دو طرف صورت

خود را بر آن بگذار،آنگاه به جانب سر بازگرد و بگو:سلام بر تو ای مولایم ای فرزند رسول خدا و رحمت و برکات خدا بر تو باد.گواهی می دهم که تو پیشوای راهنما،و سرپرست ارشاد کننده ای،به سوی خدا از دشمنانت بیزاری می نمایم،و به ولایتت به جانب خدا تقرّب می جویم،درود و رحمت و برکات خدا بر تو باد، آنگاه دو رکعت نماز زیارت به جای آر،و بعد از آن هرچه خواستی نماز بخوان،و به طرف پایین پا بازگرد،و به آنچه می خواهی دعا کن،ان شاء اللّه.

[در وداع حضرت رضا علیه السلام]

مؤلّف گوید:زیارت آن حضرت در ایّام و اوقات شریفۀ خاصه به آن جناب فضیلت بسیار دارد،به ویژه در ماه رجب و بیست و سوم و بیست و پنجم ذوالقعده،و ششم ماه رمضان، چنان که در محل خود در اعمال ماهها ذکر شد،و غیر این روزها از ایام دیگر،که به آن حضرت اختصاصی دارد.چون خواستی آن حضرت را وداع کنی،آنچه را در وداع حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله می گفتی بگو:«لا جلعه اللّه آخر تسلیمی علیک...»و اگر خواستی بگو:

سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد ای ولیّ خدا.خدایا این زیارت را آخرین بار از زیارت من فرزند پیامبرت،و حجّت بر بندگانت قرا رمده،و من و او را در بهشت گردآور،و با او در حزبش محشور کن همراه با شهدا و شایستگان،و آنان از جهت رفیق بودن خوبند،و به خدا می سپارمت،و خواستار رعایت توام،و بر تو سلام می خوانم،به خدا و به پیامبر و به آنچه تو آوردی و بر آن دلالت نمودی ایمان آوردیم،پس ما را با گواهان بنویس.

[بیان چند مطلب که مناسب این مقام است]

اشاره

مؤلّف گوید:در اینجا به ذکر چند مطلب می پردازیم که ذکر آنها شایسته و مناسب است.

[اوّل:بیان نمازی برای قضاء حاجت در حرم مطهر رضوی منقول از حضرت هادی علیه السلام]

اوّل:به سند معتبر از حضرت هادی علیه السّلام نقل شده:هرکه را به سوی خدا حاجتی باشد،قبر جدّم حضرت رضا علیه السّلام را

ص:774

در شهر طوس زیارت کند،درحالی که غسل کرده باشد،و نزد سر آن حضرت دو رکعت نماز بخواند،و در قنوت نماز حاجت خود را بخواهد،به درستی که مستجاب می شود،مگر آنکه خواسته او برای گناه یا قطع رحمی باشد.به تحقیق موضع قبر آن حضرت بارگاهی است از بارگاه های بهشت،و هیچ مؤمنی او را زیارت نمی کند مگر آنکه حق تعالی او را از آتش دوزخ آزاد می کند،و وارد بهشت می نماید.

[دوم:فضیلت نماز جعفر در حرم امام رضا علیه السلام]

دوم:علاّمهٔ مجلسی از خط شیخ جلیل حسین بن عبد الصمد،پدر شیخ بهایی نقل کرده:شیخ ابو الطّیب حسین بن احمد فقیه رازی ذکر کرده:هرکس حضرت امام رضا علیه السّلام یا دیگر از امامان را زیارت کند،آنگاه نزد آن امام نماز جعفر بجای آورد،برای او به هر رکعتی نوشته می شود،ثواب کسی که هزار حجّ و هزار عمره بجا آورده،و هزار بنده در راه خدا آزاد کرده،و هزار مرتبه همراه با پیامبر مرسل به جهاد برخاسته و به هر گامی که بر می دارد، برای اوست ثواب صد حجّ و عمره،و صد بنده آزاد کردن،در راه خدای تعالی،و برای او نوشته می شود صد کار نیک و از او محو می شود صد گناه،و کیفیّت نماز جعفر در اعمال روز جمعه گذشت[صفحهٔ 81].

[سوم:سفر حضرت رضا علیه السلام به خراسان]

سوم:از محوّل سجستانی روایت شده است:چون مأمون حضرت رضا علیه السّلام را از مدینه به خراسان خواست.حضرت برای وداع با قبر پیامبر صلی اللّه علیه و آله وارد مسجد شد،و مکرّر با قبر آن حضرت وداع می کرد،و بیرون می آمد و نزد قبر برمی گشت و هر بار صدای مبارکش به گریه بلند بود،من نزدیک آن حضرت رفته و سلام کردم و آن جناب جواب داد،آنگاه حضرت را به آن سفر تهنیت گفتم،فرمود:مرا زیات کن،همانا از جوار جدّم بیرون می شوم،و در غربت می میرم،و مجاور هارون مدفون می شوم.شیخ یوسف بن حاتم شامی در کتاب«درّ النظیم»فرموده:جماعتی از اصحاب امام رضا علیه السّلام روایت کردند که آن حضرت فرمود:زمانی که خواستم از مدینه به جانب خراسان بیرون بیایم،عیال خود را جمع کردم آنان را دستور دادم که بر من گریه کنند،تا گریهٔ آنان را بشنوم،آنگاه دوازده هزار دینار بین ایشان تقسیم کردم،و به آنها گفتم من هرگز به سوی عیالم

برنمی گردم،سپس ابو جعفر جواد را برگرفتم و او را به مسجد پیامبر صلی اللّه علیه و آله بروم،و دست او را کنار قبر گذاشتم، و وی را به آن قبر شریف چسبانیدم،و حفظ او را به سبب رسول خدا صلی اللّه علیه و آله خواستم،و جمیع وکلا و خدمتکاران خود را به شنیدن،و اطاعت فرمایش اوامر کردم،و اینکه با او مخالفت نکنند و به آنان فهماندم که او جانشین من است.سیّد عبد الکریم

ص:775

بن طاووس روایت کرده:

زمانی که مأمون امام رضا علیه السّلام را از مدینه به خراسان طلبید،حضرت از مدینه به جانب بصره حرکت کرد،و به کوفه نرفت و از بصره بر طریق کوفه به بغداد توجّه نمود،و از آنجا به شهر قم و سپس وارد قم شد،اهل قم به استقبال حضرت آمدند، و برای مهمانی کردن آن حضرت با هم مخاصمه می نمودند،و هرکدام میل داشتند،آن بزرگوار به خانۀ او وارد شود، حضرت فرمود:شتر من مأمور است!یعنی هر کجا زانو زد،من آنجا وارد می شوم،پس آن شتر آمد تا در یک خانه خوابید،و صاحب آن خانه،در شب آن روز خواب دیده بود که حضرت رضا علیه السّلام فردا میهمان او خواهد بود!چندی نگذشت که آن محلّ مقام رفیعی یافت و در زمان ما مدرسه ای آباد است.

شیخ صدوق به سند خود از اسحاق بن راهویه نقل کرده:چون حضرت رضا علیه السّلام به نیشابور آمد،و خواست از آنجا حرکت کند،اصحاب حدیث خدمت آن حضرت جمع شدند،و عرضه داشتند:یا ابن رسول اللّه از نزد ما می روی و برای ما حدیثی نمی فرمایی که با واسطۀ آن از حضورتان استفاده کنیم؟آن حضرت در آن هنگام در عماری نشسته بود،سر خود را بیرون کرد و فرمود:شنیدم پدرم موسی بن جعفر علیهما السّلام فرمود:شنیدم پدرم جعفر بن محمّد فرمود:

شنیدم پدرم محمّد بن علی فرمود:شنیدم پدرم علی بن الحسین فرمود:شنیدم پدرم حسین بن علی فرمود:شنیدم پدرم امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیهم السّلام فرمود:شنیدم رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود:شنیدم جبرئیل می گفت:شنیدم خدا عزّ و جلّ فرمود:

توحید قلعه من است،هرکه وارد قلعه من شد از عذابم ایمن گشت.این حدیث شریف را فرمود و حرکت کرد،چون شتر به راه افتاد،ما را خواند و فرمود:به شرطهای آن،و من از از شرطهای آن هستم ابو الصلت روایت کرده:امام رضا علیه السّلام زمانی که به نزد مأمون می رفت چون به منطقه ده سرخ رسید،گفتند:یا ابن رسول اللّه ظهر شده،نماز می خوانید؟حضرت پیاده شد و آب طلبید،عرضه داشتند آب به همراه نداریم،پس به دست مبارک خود،زمین را کاوید،به اندازه ای که آب جوشید،که آن حضرت و هرکه با او بود وضو ساختند،و اثرش تا امروز باقی

است،چون وارد سناباد شد،پشت مبارک خود را به کوهی گذاشت،که از آن دیگها می تراشند،و فرمود:

خدایا به این کوه سود ببخش،و در ظرفی از این کوه تراشند،هرچه گذارند،برکت ده،و فرمود:برای آن حضرت دیگها از سنگ تراشیدند،و دستور داد طعامش را جز در آن دیگها نپزند،مردم از آن روز به بعد،دیگها و ظرفها از آن تراشیدند و برکت یافتند.

[چهارم:پیاده رفتن شاه عباس به زیارت حضرت امام رضا علیه السلام]

چهارم:صاحب«مطلع الشمس»نقل کرده:در بیست و پنجم ذو الحجه سال هزار و شش،شاه عباس اول وارد مشهد مقدس شد،مشاهد کرد،عبد المؤمن خان اوزبکی حرم مطهر را غارت کرده،و غیر از محجّر طلا چیز دیگری در آنجا نگذاشته،در بیست و هشتم ذو الحجه از مشهد به هرات رفت،و هرات را به ایران بازگرداند و پس از ساماندهی آنجا،به مشهد بازگشت و یک ماه در آنجا ماند،و صحن مقدّس را مرمّت کرد،و خدّام بارگاه مبارک را مورد احسان و لطف خویش قرار داد،و به عراق بازگشت،و در اواخر سال هزار و هشت،دوباره به مشهد مقدّس رفته،زمستان را در آنجا گذرانید،و خدمت افتخاری آستانه را خود به گردن گرفت و مشغول بود،چنان که شبی با قیچی سر شمعها را می گرفت،شیخ بهایی علیه الرحمه«بالبداهه»این رباعی را سرود:

پیوسته بود ملائک علیّین پروانۀ شمع روضۀ خلد آیین

مقراض به احتیاط زن ای خادم ترسم ببری شهپر جبریل امین

و در سال هزار و نه،بنا به نذری که شاه عباس کرده بود تا پیاده به مشهد برود،پیاده به مشهد مشرّف شد،و آن مسافت دور را در بیست و هشت روز طی کرد.صاحب تاریخ«عالم آرا»این اشعار را به همین مناسبت نگاشته است:

غلام شاه مردان شاه عباس شه والا گهر خاقان امجد

به طوف مرقد شاه خراسان پیاده رفت با اخلاص بی حدّ

تا آنجا که گفته است:

پیاده رفت شد تاریخ رفتن ز اصفاهان پیاده تا به مشهد

[1009 به حروف ابجد] چون به مشهد مقدّس رسید،صحن مبارک را وسعت داد،و ایوان علی شیر،که درگاه روضهٔ متبرکه از آنجا بوده،و در یک

ص:777

گوشۀ صحن قرار داشت و بد نما بود،در وسط قرار داد،و ایوانی برابر آن در طرف دیگر ساخت و خیابانی از دروازۀ غربی شهر تا شرقی طرح کرد که از هر طرف به صحن رسیده از میان ایوانها بگذشت و چشمه ها و قناتها احداث کرد و به شهر آورد،و نهری از میان خیابان و حوضی بزرگ در وسط ایجاد کرد،که آب از حوض گذشته به خیابان شرقی جاری گردد،و در بناهای مذکور کتیبه ها به خط میرزا محمّد رضا«صدر الکتاب»و علیرضا عبّاسی و محمّد رضا امامی رسم شد و بارگاه مطهّر را به طلا تذهیب کرد،چنان که در کتیبۀ بارگاه مطهر به آن اشاره شده و نوشتۀ آن کتیبه چنین است:

به نام خدا که رحمتش بسیار مهربانی اش همیشگی است،از بزرگ توفیقات خدای سبحان اینکه موفق نمود سلطان اعظم سرور پادشاهان عرب و عجم،دارندۀ نسب پاک نبوی،و حسب تابناک علوی خاک قدمهای خدمتکاران این قبّۀ مطهّر لاهوتی،غبار کفشهای زائران این گلشن نورانی،رواج دهندۀ آثار اجداد معصومینش،سلطان فرزند سلطان،ابو المظفر شاه عباس حسینی موسوی صفوی بهادر خان،پس سعادت یافت به آمدن با پای پیاده از اصفهان پایتخت کشور،به زیارت این حرم شریف و به طلاکاری این گنبد از مال خالصش در سال هزار و ده تشرّف پیدا کرد و در سال هزار و شانزده به پایان رسید.

[پنجم:معجزات حضرت امام رضا علیه السلام]

شیخ طبرسی در کتاب«اعلام الوری»،پس از بیان پاره ای از معجزات حضرت رضا علیه السّلام گفته:اما آنچه برای مردم پس از شهادت آن حضرت تا زمان ما ظاهر شده،از برکت مشهد مقدّس آن حضرت و علامات و عجایبی که مردم بسیار مشاهده نمودد،و عام و خاص تصدیقش کردند،و مخالف و موافق به آن اقرار نمودند،بسیار بلکه خارج از شماره است،و همانا در آن مشهد مقدّس کور مادرزاد،و ابرص[نوعی بیماری پوستی]شفا یافتند،و دعاها مستجاب

شده و حاجات برآورده گشته و شداید و مصایب برطرف شده است و ما بسیاری از اینها را خود مشاهده کردیم و علم و یقینی یافتیم که شک در آن راه نیابد.شیخ بزرگوار حرّ عاملی در کتاب«اثبات الهداه»پس از نقل این کلام از شیخ طبرسی فرموده:که مؤلّف این کتاب محمّد بن الحسن الحرّ می گوید:

من بسیاری از این معجزات را دیدم و مشاهد کردم همچنان که شیخ طبرسی مشاهده کرده است و برای من یقین حاصل شد همچنان که برای او یقین حاصل شده و در مدت مجاورت من در مشهد مقدس که 26 سال میشود چیزهایی در این باب شنیدم که از حدّ تواتر گذشته و من در خاطر ندارم که در این مشهد دعا کرده باشم و از خدا حاجتی خواسته باشم مگر آنکه الحمد للّه برآورده شد و مقام را گنجایش تفصیل نیست،لهذا به اجمال اکتفا کردیم.مؤلّف این کتاب عباس قمی گوید:در هر زمان آن قدر کرامات و معجزات از این روضهٔ مقدّسهٔ ظاهر میشود،که نیاز به نقل وقایع گذشته نیست و ما در باب دوم در اعمال شب بیست و هفتم رجب به برخی مطالب که مناسب این مقام بود اشاره کردیم[صفحهٔ 248]و فعلا مقام را گنجایش تطویل نیست بهتر است آنکه این فصل را به همین جا ختم کنیم و این چند بیت شعر را که از جامی در مدح آن حضرت نقل شده است ذکر نماییم.

سلام علی ال طه و یس سلام علی ال خیر النّبیین

سلام علی روضه حلّ فیها امام یباهی به الملک و الدّین

امام به حق شاه مطلق که آمد حریم درش قبله گاه سلاطین

شه کاخ عرفان گل شاخ احسان در درج امکان مه برج تمکین

علی بن موسی الرضا کز خدایش رضا شد لقب چون رضا بودش آیین

ز فضل و شرف بینی او را جهانی اگر نبودت تیره چشم جهان بین

پی عطر روبند حوران جنّت غبار درش را به گیسوی مشگین

اگر خواهی آری به کف دامن او برو دامن از هرچه جز اوست برچین

فصل دهم

اشاره

در زیارت ائمه سرمن رأی و اعمال سرداب مطهر و آن در دو مقام است

ص:779

[مقام اول:در زیارت دو امام معصوم حضرت هادی و حضرت حسن عسگری صلوات اللّه علیهما]

اشاره

مقام اول:در زیارت دو امام معصوم حضرت هادی و حضرت حسن عسگری صلوات اللّه علیهما.

[زیارت مشترک عسگریین علیهما السلام]

هرگاه ان شاء اللّه بر سرّمن رای وارد شدی،و خواستی آن دو امام همام علیهما السّلام را زیارت کنی،غسل کن،و پس از رعایت آداب ورود به حرمهای شریفه،تا در حرم مطهر با آرامش و وقار روانه شو،و اذن دخول عامّی را که در اوایل این باب ذکر شد بخوان،آنگاه وارد حرم مطهر شو،و آن دو بزرگوار را به این عبارت که صحیح ترین زیارات است زیارت کن سلام بر شما ای دو نمایندهٔ خدا،سلام بر شما ای دو حجّت خدا،سلام بر شما این دو نور خدا در تاریکیهای زمین،سلام بر شما ای آنان که خدا اراده اش را دربارهٔ شما تغییر داد،زیارت کنان به حضور شما آمدم،به حق شما آگاهم دشمن دارم دشمنانتان را،و دوستدار دوستانتان هستم،به آنچه به آن ایمان آوردیم مؤمنم،و به آنچه به آن کافر شدید کافرم،حق می دانم آنچه را حق دانستید،و باطل می دانم آنچه را باطل دانستید،از خدا،پروردگارم و پروردگارتان درخواست می کنم،بهره ام را از زیارت شما دو تن درود بر محمّد و خاندانش قرار دهد،و همراهی شما را در بهشتها نصیب من کند همراه پدران شایستهٔ شما،و از او می خواهم که مرا از آتش دوزخ آزاد گرداند،و روزی من فرماید شفاعت و مصاحبت شما را،و بین من و شما شناسایی پدید آورد،و دوستی پدران شایستهٔ شما را از من نگیرد،و این زیارت مرا آخرین بار از زیارت شما قرار ندهد،و مرا به رحمتش با شما محشور کند در بهشت.خدایا دوستی این دو بزرگوار را نصیبم کن،و مرا بر آیین آن دو امام بمیران.خدایا ستم کنندگان به حق خاندان محمّد را لعنت کن،و از آنان انتقام بگیر.خدایا اوّلین و آخرینشان را لعنت نما،و عذاب را بر آنان دوچندان کن،و آنان و شیعیان و دوستدران و پیروانشان را به پست ترین گودی دوزخ برسان،چه تو بر هر چیز توانایی.خدایا در گشایش کار ولیّ ات و فرزند ولیّ ات شتاب کن،و گشایش کار ما را با گشایش کار ایشان

قرار ده،ای مهربان ترین مهربانان.و در دعا کردن برای خود،و پدر و مادرت بکوش و دعا کن به هر دعایی که می خواهی، و اگر بتوانی نزدیک قبر ایشان بروی،برو،و دو رکعت نماز قبر بخوان،و اگر نتوانی وارد مسجد شو و دو رکعت نماز بجا آر،و دعا کن به هر دعایی که خواستی که مستجاب است،و این مسجد مجاور خانۀ ایشان است،و حضرت امام هادی و محمّد بن المشهدی و شیخ مفید و شهید نیز این زیارت را در کتاب«مزار»خود،با اختلافی اندک نقل کرده اند.و بعد از جملۀ «فی الجنّه برحمته»فرموده اند:آنگاه برو،و خود را بر هر یک از آن دو قبر بینداز و آن را ببوس و طرف راست و چپ صورت خود را بر قبر بگذار،و پس از آن سر بردار و بگو:«اللّهمّ ارزقنی حبّهم و توفّنی علی ملّتهم...تا آخر زیارت.و گفته اند نزدیک سر مقدّس چهار رکعت نماز بخوان،و پس از نماز زیارت،هر اندازه خواهی نماز بگذار و پوشیده نماند که آن دو بزگوار در خانۀ خود دفن شدند،و برای آن خانه دری بود،که گاهی باز می کردند و شیعیان وارد می شدند،و کنار قبر زیارت می کردند،و گاهی بسته بود از بیرون مقابل پنجره ای که بر دیوار،روبروی قبر مطهّر بود زیارت می کردند،در صدر همین روایت مربوطه به زیارت ذکر شده است که غسل می کنی و اگر بتوانی نزد قبر ایشان می روی وگرنه،از برابر پنجره ای که به سور قبر باز می شود به سلام اشاره می کنی،و چنین زائری نماز زیارت خود را در مسجد بجای آورد.چون به همّت دوستان آن خانه برداشته شد،و به جای آن بارگاه و حرم و رواق قرار گرفت،آن مسجد داخل در فضای حرم شد،و اکنون در بین مردم معروف است،که ایوان مستطیل،که در صحن پشت سر عسگریّین علیهما السّلام به رواق متصّل است،همان مسجد مذکور است.در هر صورت،زائران از این جهت آسوده شدند.برای آن دو بزرگوار زیارت مخصوص به هر کدام،و مشترک میان هر دو امام،در کتابهای زیارتی ذکر شده است که زائران اگر خواستند،نسخۀ آن کتابها فراوان است،و اگر زائر را حالی و مجالی باشد،مناسب است زیارت جامعه کبیره را،که پس از این ان شاء اللّه تعالی ذکر می شود[صفحه 830]بخواند،زیرا که صدور آن کلمات رسا،که دارای تمام مراتب اظهار بندگی و تذلّل،و اعتراف به عظمت و جلالت امامان است،از مصدر جلال حضرت هادی علیه السّلام می باشد.

[زیارت حضرت امام علی النقی علیه السلام]

سیّد ابن طاووس در کتاب«مصباح الزائر»برای هر یک از این دو بزرگوار

زیارت مبسوط،با صلوات بر آنان و دعای پس از نماز زیارت نقل کرده،که آوردنش در این کتاب،گرچه موجب تطویل می باشد،شایسته است،زیرا فواید بسیاری در آن مندرج است.فرمود:هرگاه به«سرّمن رای»رسیدی،غسل کن،غسل زیارت و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و با آرامی و وقار روانه شو،تا به درگاه حرم شریف برسی،وقتی رسیدی،طلب رخصت کن و بگو:

آیا وارد شوم ای پیامبر خدا،آیا وارد شوم ای امیر مؤمنان،آیا وارد شوم ای فاطمه زهرا،سرور بانوان جهانیان آیا وارد شوم ای مولایم حسن بن علی،آیا وارد شوم ای مولایم حسین بن علی،آیا وارد شوم ای مولایم علی بن الحسین،آیا وارد شوم ای مولایم محمّد بن علی،آیا وارد شوم ای مولایم جعفر بن محمّد،آیا وارد شوم ای مولایم موسی بن جعفر،آیا وارد شوم ای مولایم علی بن موسی،آیا وارد شوم ای مولایم محمّد بن علی آیا وارد شوم ای مولایم ای ابا الحسن علی بن محمّد،آیا وارد شوم ای مولایم ای ابا محمّد حسن بن علی آیا وارد شوم ای فرشتگان خدا،ای گماشتگان به آستان این حرف شریف.آنگاه وارد شو،و در وقت وارد شدن پای راست را پیش گذار،و نزد ضریح حضرت امام هادی علیه السّلام رو به قبر،و پشت به قبله بایست و صدر مرتبه«اللّه اکبر»بگو و بخوان:

سلام بر تو ای ابا الحسن علی بن محمّد،امام پاک و راهنما و نور تابان و رحمت و برکات خدا بر تو باد،سلام بر تو ای برگزیدۀ خدا،سلام بر تو ای سرّ خدا،سلام بر تو ای ریسمان خدا،سلام بر تو ای خاندان خدا،سلام بر تو ای منتخب خدا،سلام بر تو ای برگزیدۀ خدا،سلام بر تو ای امین خدا،سلام بر تو ای حق خدا،سلام بر تو ای حبیب

خدا،سلام بر تو ای نور نورها،سلام بر تو ای زیور نیکان،سلام بر تو ای چکیدۀ خوبان،سلام بر تو ای عنصر پاکان،سلام بر تو ای حجت رحمن،سلام بر تو ای اساس ایمان،سلام بر تو ای مولای مؤمنان،سلام بر تو ای سرپرست شایستگان سلام بر تو ای پرچم هدایت،سلام بر تو ای هم پیمان تقوا،سلام بر تو ای ستون دین سلام بر تو ای فرزند خاتم پیامبران،سلام بر تو ای فرزند آقای جانشینان،سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا،سرور بانوان جهانیان،سلام بر تو ای امین وفادار،سلام بر تو ای پرچم خشنود،سلام بر تو ای زاهد باتقوا،سلام بر تو ای حجت بر همۀ خلق،سلام بر تو ای تلاوت کنندۀ قرآن،سلام بر تو ای بیان کنندۀ حلال از حرام سلام بر تو ای سرپرست خیرخواه،سلام بر تو ای راه روشن،سلام بر تو ای ستاره درخشان.گواهی می دهم ای مولایم،ای ابا الحسن که تویی حجت خدا بر خلق،و جانشین او در میان آفریدگان،و امین او در شهرها،و گواه او بر بندگان،و گواهی می دهم که تویی کلمۀ تقوا،و دروازۀ هدایت و رشتۀ استوارتر،و حجّت بر هرکه بر زمین و در زمین است،و گواهی می دهم که تویی پاک از گناهان،و مبرّای از عیوب،و اختصاص یافته به کرامت خدا،و تکریم شده به برهان خدا،و کسی که کلمۀ خدا

ص:783

به او بخشیده شده،و پایه ای که بندگان خدا به او پناه می برند،و شهرها به وسیلۀ او زنده می شود،و گواهی می دهم ای مولایم که من نسبت به تو و پدرانت و فرزندانت،دارای یقین و اقرار و تابع شمایم،در کنه وجودم و احکام دینم،و سرانجام کارم و بازگشتگاه و منزلم،و دوستم با کسی که شما را دوست بدارد،و دشمنم با آنکه شما را دشمن بدارد،مؤمنم به نهان و آشکار و آغاز و انجام شما،پدر و مادرم به فدایت،سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد.آنگاه ضریح را ببوس،و طرف راست صورت خود،و سپس طرف چپ آن را بر ضریح بگذار و بگو:خدایا بر محمّد و خاندان و خاندان محمّد درود فرست،و درود خدا بر حجّت وفادارت،ولیّ پاکیزه ات،و امین پسندیده ات،و راهنمای برگزیده ات،و راه راستت،و آن جاده بزرگتر،و راه میانه تر،روشنی دلهای اهل ایمان و سرپرست پرهیزکاران،و یار مخلصان،خدایا بر آقای ما محمّد و اهل بیتش درود فرست،و درود فرست بر علی بن محمّد آن راهنمای معصوم از لغزش،و پاک از نقایص،و آرزو بریده از مردم به سوی تو،گرفتار آشوبها،و آزموده به مصایب سخت،و سنجیده به آزمون نیکو،و شکیبای در شکایت،و راهنمای بندگانت،و برکت شهرهایت،و جایگاه رحمتت،و جای سپردن حکمتت،و پیشرو به سوی بهشتت آگاه در میان آفریدگانت،و راهنمای در میان خلقت،که پسندیدی و برگزیدی و انتخاب نمودی،و او را برای جانشینی پیامبرت در میان امّت به نگهداری شریعتش ملزم نمودی،پس او نیز به تنهایی به انجام وظایف سنگین جانشینی اقدام کرد،و به آن قیام نمود

و مقتدرانه به دوش کشید،نه در مشکلی لغزید،و نه در کار دشواری،بلکه اندوه را برطرف ساخت،و هر رخنه را سدّ نمود و هر فریضه ای را ادا کرد،خدایا چنان که دردگانت پیامبرت را به او روشن ساختی،بالا بر درجه اش را،و پاداشش را نزد خود زیاد گردان،و بر او درود فرست،و از جانب ما به او تحیّت و سلام برسان،و به ما از نزد خود در دوستی او فضل و احسان و آمرزش و رضوان بخش،به درستی که تو دارای فضل بزرگی.سپس نماز زیارت بخوان و چون سلام نماز دادی بگو:ای صاحب قدرت همه جانبه،و رحمت گسترده،و نعمتهای پیوسته،و عطاهای پی درپی و بخششهای بزرگ،و موهبتهای شایان،بر محمّد و خاندان محمّد،آن راستگویان درود فرست،و عطا کن خواسته ام را،و پراکندگی ام را گرد آور،و آنچه از کار من متفرق شده جمع کن،و عملم را پاک گردان،و قلبم را پس از اینکه هدایت نمودی منحرف مساز،و گامم را نلغزان و چشم بر هم زدنی،مرا به خویشتن وامگذار،و طعمم را به حضرتت نااميد مکن،و عیبم را آشکار نساز،و پرده ام را ندر و به وحشتم مینداز و نااميدم مکن،و نسبت به من مهربان و بخشنه باش،و راهنمایی ام فرما،و پاک و پاکیزه ام کن،و تصفیه ام نما و مرا برگزین،و خلاص و خالصم کن و نیکویم ساز و به آداب خود مؤدبم فرما،و به خود نزدیک کن،و از خود دور مفرما،و به من لطف آر، و از درگاهت دور مکن،و گرامی ام بدار و خوارم مساز و نسبت به آنچه از تو درخواست می کنم محرومم مکن،و آنچه را از تو نمی خواهم،برایم جمع فرما،ای مهربان ترین مهربانان،از تو می خواهم به حرمت ذات کریمت،و به حرمت پیامبرت محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)،و به حرمت اهل بیت رسولت امیر مؤمنان علی و حسن

و حسی و علی و محمّد و جعفر و موسی و علی و محمّد بن علی و حسن و یادگار باقی مانده درودها و برکاتت بر ایشان،که بر همهٔ آنان درود فرستی،و گشایش کار قیام کنندهٔ ایشان را به امرت شتاب کنی،و یاری اش دهی،و به او برای دینت یاری ستانی،و مرا در گروه نجات یافتگان به او،مخلصان در طاعتش قرار دهی،و و به حق ایشان از تو می خواهم،که دعایم را مستجاب نمایی،و حاجتم را برآوری،و عطا کنی خواسته ام را،و آنچه مرا از کار دنیا و آخرتم به اندیشه برده کفایت فرمایی،ای مهربان ترین مهربانان،ای نور برهان،ای نوربخش، ای آشکار کننده،ای پروردگار،شرّ شرور و آفات روزگاران را از من کفایت کن،و از تو نجات می خواهم روزی که در صور دمیده شود.

سپس برای هرچه خواهی دعا کن،و بسیار بگو:ای توشه ام پیش توشه ها،و ای امید و مورد اعتمادم،و ای پناهگاه و تکیه گاهم،ای یگانه،ای یکتا،ای که گفتی:بگو،او خدای یکتاست.خدایا از تو می خواهم،بحق کسانی که آفریدی از آفریده هایت،و در آفریده هایت کسی را مانند آنها قرار ندادی،بر همگی آنان درود فرست،و با من چنین و چنان کن.و به جای این جلمه[کذا و کذا]حاجت خویش را بخواه،همانا از آن حضرت روایت شده:من از خدای عزّ و جلّ خواسته ام:کسی را که این دعا را در روضهٔ من،پس از من بخواند،ناامید بازنگرداند.

زیارت حضرت امام حسن عسگری علیه السّلام

شیخ به سند معتبر از آن حضرت روایت کرده:قبر من در سرّمن رأی[سامرّای کنونی در عراق]برای اهل دو جانب،از بلاها و عذاب خدا،امان است.مجلسی اوّل«اهل دو جانب»را به شیعه و سنیّ معنا کرده و فرموده است:برکت آن حضرت

دوست و دشمن را احاطه کرده،چنان که قبر کاظمین[امام کاظم علیه السّلام و امام جواد علیه السّلام]سبب امان بغداد شد تا آخر مطلب.سید ابن طاووس فرموده:چون خواستی حضرت عسگری علیه السّلام را زیارت کنی،جمیع آنچه را در زیات پدرش حضرت هادی بجا آوردی،بجا آر،آنگاه نزد ضریح آن حضرت بایست و بگو:

سلام بر تو ای مولایم ای ابا محمّد حسن بن علی،راهنمای راه یافته،و رحمت و برکات خدا بر تو باد سلام بر تو ای ولیّ خدا و فرزند اولیای خدا،سلام بر تو ای حجّت خدا و فرزند حجتهایش،سلام بر بر تو ای برگزیدۀ خدا و فرزند برگزیدگانش،سلام بر تو ای خلیفۀ خدا و فرزند خلیفه های خدا و پدر خلیفه خدا سلام بر تو ای فرزند خاتم پیامبران،سلام بر تو ای فرزند آقای جانشینان،سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان،سلام بر تو ای فرزند سرور بانوان جهانیان،سلام بر تو ای فرزند امامان هدایتگر،سلام بر تو ای فرزند جانشینان راشد،سلام بر تو ای امان پرهیزگاران سلام بر تو ای پیشوای رستگاران،سلام بر تو ای پایۀ اهل ایمان،سلام بر تو ای گشایش اندوهناکان،سلام بر تو ای وارث پیامبران برگزیده،سلام بر تو ای خزانه دار دانش جانشین رسول خدا،سلام بر تو ای دعوت کننده به حکم خدا،سلام بر تو ای گویای به کتاب خدا،سلام بر تو ای حجت حجتها،سلام بر تو ای هدایتگر امتها،سلام بر تو ای صاحب نعمتها،سلام بر تو ای گنجینه دانش،سلام بر تو ای کشتی بردباری،سلام بر

تو ای پدر امام مورد انتظار،آن امامی که برهانش برای خردمند آشکار،و شناختنش در عرصهٔ یقین ثابت است،آنکه از دید ستمکاران پوشیده،و از دسترس دولت بدکاران پنهان است،بزرگواری که پروردگارمان دین اسلام را به وسیلهٔ او پس از نابودی دوباره تازه گرداند،و قرآن را پس از کهنگی بازآورد،من گواهیم می دهم ای مولایم که تو نماز بپا داشتی و زکات پرداختی،و امر به معروف و نهی از منکر نمودی،و مردم را به راه خدا،با حکمت و موعظهٔ پسندیده دعوت کردی،و پرستیدی خدا را خالصانه،تا تو را مرگ دررسید،از خدا درخواست می کنم به حق مقامی که برای شما نزد اوست،اینکه زیارتم را نسبت به شما بپذیرد،و از کوششم در کنار شما قدردانی نماید،و دعایم را به خاطر شما مستجاب کند،و مرا از یاران و پیروان و شیعیان و دوستان حق قرار دهد،و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد آنگاه ضریح را ببوس،و دو طرف صورت خود را بر آن بگذار و بگو:خدایا درود فرست بر آقای ما محمّد و اهل بیتش،و درود فرست بر حسن بن علی،هدایت کننده به سوی دینت،و دعوت کننده به راهت،آن پرچم هدایت،و علامت تقوا،و سرچشمهٔ خرد،و جایگاه عقول،و باران عنایت و خیر برای آفریدگان،و ابر حکمت،و دریای پند،و وارث امامان و گواه بر امت،معصوم پیراسته،فاضل مقرّب،پاک از پلیدی،آنکه دانش قرآن را به او ارث دادی،و جداسازی بین حق و باطل را به او الهام نمودی و او را به عنوان پرچم اهل قبله ات نصب کردی،و طاعتش را به طاعتت مقرون نمودی،و واجب نمودی مؤدّتش را بر همهٔ

آفریدگانت واجب فرمودی.خدایا چنان که آن حضرت با نیکی اخلاص در یکتاپرستی ات باز آمد،و کسانی که در چاه خیال تشبیه توبه مخلوقاتت فرو رفته بودند هلاک کرد،و اهل ایمان به تو را حمایت نمود،پس تو ای پروردگارم بر او درود فرست،درودی که به وسیلۀ آن به جایگاه فروتنان ملحق گردد،و در بهشت به درجۀ جدم خاتم پیامبران برآید،و به او از جانب ما،تحیّت و سلام برسان، و به ما در دوستی اش از جانب خود،فضل و احسان،و آمرزش و رضوان عنایت کن،که تو دارای فضل بزرگ و احسان تن آوری.آنگاه نماز زیارت بجا آور.و هنگامی که فارغ شدی بگو:ای همیشگی،ای ابدی، ای زنده،ای پایدار،ای برطرف کنندۀ مشکل و اندوه،ای زدایندۀ غم،و ای برانگیزندۀ رسولان،ای راست وعده،و ای زنده،معبودی جز تو نیست،به درگاهت توسل می جویم به وسیلۀ حبیبت محمّد،و جانشینش علی پسر عمویش،و دامادش آن همسر دخترش،که شریعتها را به آن دو تن ختم کردی،و گشودی تأویل آیات و ابتدای هر چیز را به آن دو،پس بر هر دو بزرگوار درود فرست درودی که پیشینیان و پسینیان به آن گواهی دهند،و نجات یابند به آن دوستان و شایستگان،و به درگاهت توسل م جویم،به فاطمه زهرا،مادر پیشوایان ره یافته،و سرور بانوان جهانیان،آن شفاع پذیرفته دربارۀ شیعه و فرزندان پاکش،پس بر او درود فرست درودی همواره به هموارگی جاودانان و پرپایی روزگاران،و به درگاهت توسل می جویم به حسن آن راضی به قضا،و پاک و پاکیزه،و حسین مظلوم پسندیده نیکوکار،پرهیزگار،دو سرور جوانان اهل بهشت،دو امام برگزیده پاک باتقوا،بی عیب،پاکیزه

شهید،ستم کشیده،کشته شده،پس بر آن دو بزرگوار درود فرست،تا که خورشیدی طلوع کند و غروب نماید،درودی پیوسته و پی درپی،و به درگاهت توسل می جویم به علی بن الحسین سرور عبادت کنندگان،مستور از بیم ستمکاران و به محمّد بن علی الباقر،آن پاک و نور تابناک،و دو پیشوا،دو سرور،دو کلید برکات،و دو چراغ تاریکیها،پس درود فرست بر آن دو بزرگوار،تا تاریک گردد شبی،و روشن شود روزی،درودی تا روز و شب برآید و به درگاهت توسل می جویم به جعفر بن محمّد آن راستگوی از سوی خدا،و گویای به دانش حق،و به موسی بن جعفر آن بندۀ شایسته در نهادش،و جانشین خیرخواه،دو پیشوا،دو هدایت کننده،دو هدایت یافته،دو کامل کنندۀ وظیفه،دو کفایت کننده،پس بر آنان درود فرست،تا تو را تسبیح نماید ملکی،و حرکت کند برای تو فلکی،درودی که نما یابد و افزون شود،و فانی نگردد،و تباه نشود،و به درگاهت توسل می جویم به علی بن موسی الرضا،و به محمّد بن علی آن نفس پسندیده،دو امام،دو پاک دو برگزیده،پس بر آنان درود فرست،تا روشنی دهد بامدادی،و دوام یابد درودی،درودی که آن دو بزرگوار را به سوی رضوانت،در بلندترین جای بهشت بالا برد،و به درگاهت توسل می جویم به علی بن محمّد هدایتگر،و حسن بن علی آن راهنما،دو قیام کننده به کار بندگانت،و آزموده به مصایب هراس انگیز،و دو صبرپیشه در دشمنیهای گوناگون،پس بر آن دو بزرگوار درود فرست،همتای پاداش صابران،و برابر ثواب رستگاران،درودی که بلندی مقام را برای آن دو امام آماده سازد،و به درگاهت توسل می جویم ای پروردگار،به پیشوای ایمان و محقق زمانمان،آن روز موعود،و شاهد و شهادت یافته،و نور

درخشنده تر،و روشنایی تابنده تر،یاری شده،با نهادن بیم در دلها،و پیروزی یافته به خوشبختی،پس بر او درود فرست به عدد میوه،و برگهای درختان،و جزءجزء ریگها،و به عدد موها و کرکها،و عدد آنچه دانشت به آن احاطه دارد و کتاب تو آن را برمی شمارد،درودی که پیشینیان و پسینیان به آن غبط خورند.خدایا ما را در گروه او محشور کن و ما را بر طاعتش نگهدار،و به دولتش محفوظمان بدار،و به ولایتش ما را گرامی بدار،و به شوکتش ما را به دشمنانمان پیروز کن و ما را ای پروردگار،از توبه کنندگان قرار ده،ای مهربان ترین مهربانان.خدایا ابلیس سرکش ملعون از تو برای گمراه کردن آفریدگانت فرصت خواست،و تو فرصتش دادی،و از تو برای بدر بردن از راه بندگانت،مهلت خواست،تو از روی علمت که از پیش دربارۀ او گذشته بود مهلتش دادی،به تحقیق او آشیانه کرده،و سپاهش فزونی یافته،و لشگریانش انبوه گشته،و دعوت کنندگان به سوی او در اطراف زمین پخش شده،در نتیجه بندگانت را گمراه کردند،و آیینت را فاسد نمودند و واقعیتها را از جایگاهش منحرف کردند،و بندگانت را گروه گروه پراکنده کردند،و قرار دادند دسته های سرکش، درحالی که درهم شکستن بنیادش و از هم پاشیدن شأنش را وعده دادی،پس فرزندان و لشگریان را نابود کن،و کشورها را از بدعتها و اختلافاتش پاک فرما،و بندگانت را از روشها و سنجشهای غلط او راحت کن،و گردش ناروای روزگار را علیه آنان قرار ده،و عدالتت را بگستران،و دینت را نمایان کن،و اولیایت را نیرومند ساز،و دشمنانت را ناتوان کن،و سرزمینهای ابلیس و دوستانش را به او اولیایت واگذار فرما،و ابلیس و پیروانش را در دوزخ ابدی کن،و به آنان از عذاب دردناکت

بچشان،و لعنتهای به ودیعت گذاشته در مراکز نحس آفرینش،و مناظر زشت طبیعت را،گردش کننده و گماشته بر آنان قرار ده،درحالی که آن لعنتها هر صبح و شام،و هر چاشت و پسین،بر آنان جریان داشته باشد،پروردگارا در دنیا و آخرت،به ما حسنه عنایت کن،و ما را به مهربان ات از شکنجۀ آتش نگاه بدار،ای مهربان ترین مهربانان.

آنگاه به آنچه برای خود و برادرانت خواهی دعا کن،

[زیارت حضرت نرجس خاتون(مادر حضرت مهدی عجل الله فرجه)]

سپس ملکۀ دنیا و آخرت،مادر بزرگوار امام قائم علیهم السّلام را،که قبرش پشت ضریح مولایمان امام عسگری علیه السّلام است زیارت کن،و در زیارت آن بزرگ بانو بگو:سلام بر رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش)آن راستگوی امین،سلام بر مولایمان امیر مؤمنان سلام بر پیشوایان پاک،حجّتهای مبارک،سلام بر مادر امام،و مأمن اسرار فرمانروای بسیار دانا،و باردار به شریفترین مخلوقات،سلام بر تو ای صدّیقه پسندیده سلام بر تو ای همانند مادر موسی،و دختر یاران عیسی،سلام بر تو ای پرهیزکار بی عیب،سلام بر تو ای خرسند به قضای حق و ای بانوی پسندیده،سلام بر تو ای وصف شده در انجیل و خواستگاری شده از روح اللّه امین،و ای کسی که محمّد سرور رسولان در پیوند با او علاقمند شد،و ای مأمن اسرار پروردگار جهانیان،سلام بر تو و پدران حواریّ تو،سلام بر تو و بر همسر و فرزندت،سلام بر تو و بر روح و جسم پاکیزه ات.گواهی می دهم که تو

ص:792

از امام زمان نیکو کفالت کردی،و ادا نمودی امانت را،و در عرصهٔ خشنودی خدا کوشیدی،و در بارهٔ خدا صبر کردی و راز خدا را نگاه داشتی،و ولیّ خدا را باردار شدی،و در نگهداری حجّت خدا سخت کوشیدی،و نسبت به پیوند با فرزندان رسول خدا رغبت ورزیدی،درحالی که به حقّشان عارف،و به صدقشان مؤمن،و به مقامشان معترف،و به کارشان بینا و بر آنان غمخوار بودی،و محّبت آنان را بر محبّت دیگران ترجیح دادی،و گواهی می دهم که تو از دنیا بر پایهٔ بینایی از کارت درگذشتی،درحالی که به شایستگان اقتدا نمودی،راضی به قضای حق،پسندیده،پرهیزگار،بی عیب،پاکیزه،خدا از تو خشنود باشد،و تو را خشنود نماید،و بهشت را جایگاه و نادای تو گرداند،او تو را سزاوار همه خوبیها کرد،به آنچه سزاوار نمود،و به تو بخشید از شرافت،آنچه که به سبب آن تو را بی نیاز نمود،خدا آن کرامتی را که به تو بخشید،بر تو گوارا و سودمند گرداند.آنگاه سر خود را بالا کرده و می گویی:

خدایا به تو اعتماد کردم،و خشنودی ات را خواستم،و به اولیایت به سوی تو متوسّل شدم،و بر آمرزش و بردباری ات توکل نمودم،و در پناه تو آمدم،و به قبر مادر ولیّ تو پناهنده شدم،پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست، و مرا به وسیلهٔ زیارتش منفعت بخش،و بر دوستی اش ثابت بدار،و از شفاعتش و شفاعت فرزندش محرومم مکن،و هم جواری اش را نصیبم فرما،و محشورم نما با او و با فرزندش،چنان که به زیارت فرزندش و خودش موفقّم نمودی.خدایا به سویت به وسیلهٔ امامان پاک توجه می کنم،به حجّتهای با میمنت از خاندان طه و یس توسل به جانب تو می جویم از تو می خواهم بر محمّد و خاندان پاک او درود فرستی،و قرار دهی مرا از آرام گرفتگان،رستگاران،شادمانان

مژده گیرندگان،که هیچ بیمی بر آنان نیست و هرگز اندوهگین نمی شوند،و قرار ده مرا از آنان که سعیشان را پذیرفته،و کارشان را آسان نموده،و گرفتاریشان را بر طرف ساخته،و ترسشان را ایمین داده.خدایا به حق محمّد و خاندان محمّد،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و این زیارت را آخرین بار من از زیارت این بانوی بزرگوار قرار مده،و برگشت به زیارتش را تا زنده ام داشتی نصیبم فرما و هنگامی که مرا بمیرانی،محشورم نما در گروهش،و در شفاعت فرزندش و خودش واردم فرما،و مرا و پدر و مادرم و مردان و زنان با ایمان را بیامرز،و به ما در دنیا و آخرت خوبی عنایت کن،و نگهدار ما را به رحمتت از عذاب دوزخ،ای سرورانم،سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد.

مؤلّف گوید:از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:وقتی که زید شحّام خدمت آن جناب عرضه داشت،برای کسی که یکی از شما امامان را زیارت کند،چه ثوابی است؟فرمود:مانند این است که رسول خدا صلّی اللّه و علیه و آله را زیارت کرده باشد.ما در صفحات گذشته نوشتیم،که روایتی از حضرت صادق علیه السّلام به این مضمون نقل شده:هر که امام واجب الطاعه را زیارت کند،و چهار رکعت نماز کنار قبرش بجا آورد،برای او ثواب حج و عمره نوشته می شود،

[زیارت جناب حکیمه(دختر امام جواد علیه السلام)]

و در کتاب «هدیه الزائرین»فضایل جناب حکیمه دختر امام محمّد تقی علیه السّلام را،که قبرش پایین پا،متصل به ضریح عسگریّین علیهما السّلام است نقل کردیم و گفتیم با مرتبه والایی که برای اوست،در کتابهای زیارتی،برای آن بانوی بزرگ زیارتی ذکر نشده بنابراین شایسته است او را به جملاتی که در زیارت اولاد امامان علیهما السّلام نقل شده زیارت کنند،یا او را از زیارت نمایند به این جملات که در زیارت عمّهٔ مکرّمه اش حضرت فاطمه دختر موسی بن جعفر علیه السّلام وارد شده است،و آن به این صورت است،که به طرف قبله می ایستی و می گویی:

سلام بر آدم برگزیدهٔ خدا،سلام بر نوح پیامبر خدا،سلام بر ابراهیم دوست خدا،سلام

موسی همسخن خدا،سلام بر عیسی روح خدا،سلام بر تو ای رسول خدا،سلام بر تو ای بهترین خلق خدا،سلام بر تو ای برگزیدۀ خدا،سلام بر تو ای محمّد بن عبد اللّه خاتم پیامبران،سلام بر تو ای امیر مؤمنان علی بن ابی طالب،جانشین رسول خدا،سلام بر تو ای فاطمه سرور بانوان جهانیان،سلام بر شما ای دو فرزندزادۀ پیامبر رحمت،و دو سرور جوانان اهل بهشت سلام بر تو ای علی بن الحسین،آقای پرستندگان،و نور چشم بینندگان،سلام بر تو ای محمّد بن علی،شکافندۀ دانش پس از نبی،سلام بر تو ای جعفر بن محمد،راستگوی نیکوکار و امین سلام بر تو ای موسی بن جعفر،ای پاک و پاکیزه،سلام بر تو ای علی بن موسی الرضا،ای امام پسندیده،سلام بر تو ای محمد بن علی تقی،سلام بر تو ای علی بن محمد نقی،ای خیرخواه امین سلام بر تو ای حسن بن علی،سلام بر جانشین بعد از او،خدایا درود فرست بر نورت و چراغت و نمایندۀ نماینده ات،و جانشین جانشین پیامبرت،و حجّتت بر بندگانت،سلام بر تو ای دختر رسول خدا سلام بر تو ای دختر فاطمه و خدیجه،سلام بر تو ای دختر امیر مؤمنان،سلام بر تو ای دختر حسن و حسین،سلام بر تو ای دختر ولیّ خدا،سلام بر تو ای خواهر ولیّ خدا،سلام بر تو ای عمّۀ ولیّ خدا،سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای دختر محمد بن علیّ

پرهیزکار،سلام بر تو،خدا بین من و شما در بهشت آشنایی برقرار کند،و ما را در گروه شما محشور نماید،و وارد کند به حوض پیامبرتان،و با جام جدّتان از دست علی بن ابی طالب سیراب نماید،درود خدا بر شما باد،از خدا می خواهم که در بارۀ شما،خوشحالی و گشایش را به ما بنمایاند،و ما و شما را در گروه جدّتان محمّد(درود خدا بر او و خاندانش) گرد آورد،و معرفت شما را از ما نگیرد،که او سرپرستی تواناست،به خدا نزدیکی می جویم،به دوستی شما،و بیزاری از دشمنانتان،و تسلیم بودن به خدا،در حالی خشنودی به آن،بدون انکار و تکبّر،و براساس یقین به آنچه محمد آن را آورده،و به آن خشنودم،درحالی که می طلبم به وسیلۀ آن رضای تو را ای آقای من،خدایا و خواستار خشنودی تو و سرای آخرتم،ای حکیمه شفاعت کن برایم در بهشت،به درستی که تو را نزد خدا مقامی از مقامات بلند است.خدایا از تو می خواهم سرانجام را ختم کنی به خوشبختی،و آنچه را که در آنم از من باز نگیری،و جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ،خدایا دعایمان را مستجاب کن،و به کرم و عزّت و رحمت و عافیتت از ما بپذیر،و درود و سلام کامل بر محمد و همگی خاندانش،ای مهربان ترین مهربانان.

[اشاره به جلالت سید حسین و سید محمد فرزندان امام علی النقی علیه السلام]

مؤلف گوید:معروف است که در کنار قبر عسگریین علیهما السّلام قبور عدّه ای از سادات عظام است،که از جمله آنها حسین پسر حضرت هادی علیه السّلام است و من بر حال حسین آگاه نشدم،ولی آنچه به نظرم می رسد آن است که سیّدی جلیل القدر و عظیم الشأن بوده،زیرا از بعضی روایات استفاده می شود که از مولای ما حضرت عسگری علیه السّلام و برادرش حسین بن علی تعبیر به سبطین می کردند،و این دو برادر را به دو جدّشان،دو سبط پیامبر رحمت حسن و حسین علیهما السّلام تشبیه می کردند،و در

روایت ابو الطیّب است،که صدای حضرت حجّت شبیه به صدای حسین بود.در کتاب«شجره الاولیا»نوشتهٔ سید فقیه محدّث حکیم سیّد احمد اردکانی یزدی،در ذکر اولاد حضرت هادی علیه السّلام است،که حسین فرزند آن حضرت از زاهدان و عابدان بود،و به امامت برادرش اعتراف داشت و شاید جستجوگر ماهر،غیر از آنچه ذکر شد،چیزی را بیابد که دلالت بر جلالت حسین کند،و همچنین امام زاده سید محمّد،فرزند حضرت هادی علیه السّلام را در نزدیکی قریه بلد،یک منزلی سامره،مزاری است مشهور و به جلالت مقام و بروز کرامات معروف،عموم مردم به زیارتش مشرّف می شوند و نذرها و هدایای بسیار به آنجا می برند،و حاجات می طلبند و تمامی اعراب آن حدود از او بیم دارند و حساب می برند،کرامات بسیار از آن بزرگوار نقل شده که این مختصر جای ذکرش نیست و در جلالت آن جناب بس است که قابلیت و صلاحیت مقام امامت داشت و فرزند بزرگتر حضرت هادی علیه السّلام بود،و حضرت عسگری علیه السّلام در مرگ او گریبان چاک زد!شیخ ما ثقه الاسلام نوری اعتقاد عظیمی به زیارت آن بزرگوار داشته و در تعمیر بقعه و ضریح مبارکش کوشش کرده است و صورت کتیبه ای که بر ضریح شریفش نوشته چنین است:

این آرامگاه سیّد بزرگوار ابی جعفر محمد فرزند امام ابی الحسن علیّ هادی(درود بر او)است وی را شأنی عظیم و منزلتی والا است،شیعه گمان می کرده او پس از پدرش(درود بر او)امام می باشد،زمانی که از دنیا رفت،پدر او،بر امامت برادرش ابی محمد زکیّ(درود بر او)تصریح کرد و به او فرمود:برای خدا شکری تازه کن،که دستورش را درباره تو تازه کرد،پدرش او را درحالی که کودک بود،در مدینه گذاشت و او پس از اینکه جوانی برومند شد در سامّرا به حضور پدر رسید،آن گاه تصمیم به بازگشت به حجاز گرفت،زمانی که به منطقه«بلد»در نه فرسنگی سامرا رسید بیمار شد و از دنیا رفت،و زیارتگاهش در همان جاست همین که وفات یافت ابو محمد برای او گریبان چاک کرد،و در پاسخ کسانی که بر او عیب گرفتند فرمود:موسی هم برای برادرش هارون گریبان چاک زد،و سال وفاتش در حدود دویست و پنجاه و دو بود.

[در وداع عسگریین علیهما السلام]

در هر صورت چون

خواستی عسگریّین را وداع کنی،نزد قبر مطهر بایست و بگو: سلام بر تو ای دو نماینده خدا به خدا می سپارمتان و بر شما سلام می رسانم،به خدا و پیامبر،و آنچه شما آوردید،و بر آن راهنمایی کردید ایمان آوردیم،خدایا ما را در گروه گواهان بنویس.خدایا این زیارت را آخرین زیارت من از این دو بزرگوار قرار مده،و بازگشت:

زیارتشان را نصیبم کن،و با این دو امام و پدران پاکشان و حضرت قائم حجت از نسل این دو بزرگوار محشورم فرما ای مهربان ترین مهربانان.

مقام دوم:در آداب سرداب مطهر و کیفیت زیارت حجه اللّه علی العباد و

اشاره

بقیه اللّه فی البلاد و الامام المهدی حضرت حجه بن الحسن صاحب الزمان(صلوات اللّه علیه و علی آبائه)است

پیش از شروع بر مطلبی آگاهی می دهم،که در کتاب«هدّیه»،از کتاب«تحیّه»نقل کردیم و آن مطلب این است که سرداب مطهّر داخل در خانۀ ان بزرگواران بود،و راه ورود به آن سرداب در قدیم،یعنی پیش از بنای جدید،و ساختن صحن و قبّه و حرم،از پشت سر،نزدیک به قبر نرجس خاتون بود،و شاید الآن در رواق باشد،از آنجا پایین می رفتند،دالان طولانی تاریکی داشت،چون از انجا می گذشتند به در سرداب غیبت می رسیدند،که اکنون آینه کاری شده،و از طرف قبله پنجره ای به صحن عسکریّین باز می شود،و آن در از وسط این سرداب باز می شد،که اکنون جای کاشی کاری دیوار آن را به صورت محرابی ساخته اند،و همه اعمال این سه امام علیهم السّلام از یک حرم انجام می شد،لذا شهید اول در کتاب«مزار»بعد از زیارت عسگریین علیهما السّلام زیارت سرداب را ذکر کرده پس از آن زیارت نرجس خاتون را.در حدود یک صد سال و اندی پیش از این،مؤمن مؤید،و انسان مسدّد،احمد خان دنبلی،صحن آن دو امام علیهما السّلام را به صورتی که اکنون موجود است با هزینه کردن مبلغی گزاف جدا کرد،و برای آن روضه و قبّۀ عالیه ای ساخت،و برای سرداب مطهّر،صحنی جداگانه،و ایوان و راه

و پلّه ای مستقل و دهلیز و سردابی جدا،برای زنان بنا کرد،به شکلی که الآن دیده می شود،و راه اولیّه و پله ها و در سرداب به کلّی بسته شد،و نشانی از آنها نیست،و جایی برای بجا آوردن بعضی از آداب وارده نمانده است،ولی جایگاه قسمتی از زیارت،که اصل سرداب شریف است تغییری نکرده.اما درخواست اجازه ورود،و خواندن اذن دخول پس باید بگویم براساس پی جویی در تمام زیارات و تصریح علما بر این مسئله که از هر دری که ورود به حرم شریف هر امامی از انجا رسم شده خواندن اذن دخول را باید رعایت کرد و در آن حرم محترم نباید بدون اذن وارد شد.

[زیارت معروف به آل یاسین]

اکنون شروع به بیان کیفیت زیارت می کنم،بدان که اذن دخول ویژه سرداب مطهّر،همان زیارتی است که پس از این خواهد آمد و ابتدای آن«السّلام علیک یا خلیفه اللّه »است.و در پایان آن اذن دخول گرفته می شود،و باید آن زیارت را،در کنار در سرداب،پیش از پایین رفتن دوم از باب زیارات نقل کردیم و اذن دخولی دیگر،علاّمۀ مجلسی از نسخه ای قدیمی نقل فرموده:که اول آن این عبارات است:

«اللّهمّ انّ هذه بقعه طهّرتها و عقوه شرّفتها»که ما نیز آن را پس از اذن دخول عام نقل کردیم،به آنجا رجوع کن[صفحۀ 490]و به آن جملات اذن دخول بطلب،پس از آن وارد سرداب مطهّر شو،و حضرت را به آنچه خود دستور العمل داده اند زیارت کن، چنان که شیخ جلیل احمد بن ابی طالب طبرسی در کتاب شریف«احتجاج»روایت کرده که از ناحیه مقدّسه،به سوی محمّد حمیری پس از جواب مسائلی که از آن حضرت پرسیده بود،این مضمون شرف صدور یافت:

به نام خدا که رحمتش بسیار و رحمتش همیشگی است،نه فرمانش را تعقل می کنید،و نه از اولیایش می پذیرید،حکمتی است رسا،ولی بیم دادنها سودشان ندهد،سلام بر ما و بر بندگان شایستۀ خدا.هرگاه خواستید به وسیلۀ ما به سوی خدای تبارک و تعالی و به سوی ما توجه کنید،پس بگویید چنان که خدای تعالی فرموده است:

سلام بر خاندان یس،سلام بر تو ای دعوت کننده به سوی خدا،و آگاه به آیاتش،سلام بر تو ای باب خدا

و سیاستمدار دینش،سلام بر تو ای خلیفۀ خدا و یاور حقّش،سلام بر تو ای حجّت خدا،و راهنما به سوی اراده اش،سلام بر تو ای تلاوت کنندۀ کتاب خدا و تفسیرکننده اش،سلام بر تو در تمام ساعات شب و روز،سلام بر تو ای بجا ماندۀ خدا در زمینش،سلام بر تو ای پیمان خدا که آن را برگرفت و محکمش کرد،سلام بر تو ای وعدۀ خدا که آن را ضمانت نمود،سلام بر تو ای پرچم برافراشته و دانش سرریز،و فریادرس و رحمت گسترده،و وعدۀ بی دروغ،سلام بر تو هنگامی که بر می خیزی،سلام بر تو زمانی که می نشینی،سلام بر تو وقتی که می خوانی و بیان می کنی،سلام بر تو هنگامی که نماز می خوانی و قنوت بجا می آوری،سلام بر تو زمانی که رکوع و سجود می نمایی،سلام بر تو وقتی که تهلیل و تکبیر می گویی سلام بر تو هنگامی که سپاس و استغفار می نمایی،سلام بر تو زمانی که صبح و شام می کنی،سلام بر تو در شب هنگامی که می پوشاند،و در روز وقتی که آشکار می شود،سلام بر تو ای پیشوای امین،سلام بر تو ای پیش نهاده آرزو شده،سلام بر تو به همۀ سلامها،تو را گواه می گیرم ای مولایم،که گواهی می دهم معبودی جز خدا نیست،یگانه است و شریکی ندارد،و محمد بنده و فرستادۀ اوست،محبوبی جز او و اهل بیتش نیست و تو را گواه می گیرم ای مولایم،بر اینکه علی امیر مؤمنان و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر،و

علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی،حجّتهای خدایند و گواهی می دهم که تو حجّت خدایی،شما آغاز و انجام هستید،و همانا بازگشت شما حق است،تردیدی در آن نیست،روزی که کسی را ایمانش سود نبخشد،که پیش از این ایمان نیاورده بود یا در ایمانش کسب خیری نکرده بود،و گواهی می دهم که مرگ،و ناکر و نکیر و زنده شدن و برانگیختن و صراط و کمینگاه و میزان و گره آوردن و حساب و بهشت و دوزخ و وعده تهدید به هر دو حق است ای مولای من،بدبخت شد کسی که با شما مخالفت ورزید،و خوشبخت شد کسی که از شما اطاعت کرد،پس گواه باش بر آنچه تو را بر آن گواه گرفتم،و من دوست تو،و بیزار از دشمن توام،پس حق آن است که شما به آن خشنود شدید،و باطل آن است که شما از ان ناخشنود گشتید،و معروف آن است که شما به آن امر فرمودید،و منکر آن است که شما از آن نهی کردید،پس نهاد من مؤمن به خدای یگانه بی شریک،و به رسول او،و به امیر مؤمنان و به شماست ای مولای من،به آغاز و انجام شما،و یاری ام برای شما آماده،و دوستی ام نسبت به شما بی آلایش است،اجابت فرما،اجابت فرما.و پس از آن،این دعا خوانده شود:خدایا من از تو می خواهم که بر محمّد پیامبر رحمتت،و کلمۀ نورت درود فرستی،و پر کنی دلم را با نور یقین،و سینه ام را با نور ایمان،و فکرم را با نور تصمیم،و اراده ام را با نور دانش،و نیرویم را با نور عمل،و زبانم را با نور راستی،و دینم را با نور بینایی از سوی خود،و دیده ام را با نور روشنایی،و گوشم را با نور حکمت،و مؤدّتم را با نور دوستی

محمّد و خاندانش(درود بر ایشان)تا دیدارت کنم درحالی که به عهد و پیمانت وفا کرده ام،پس فرا بگیرد رحمتت مرا ای سرپرست و ای ستوده،خدایا درود فرست بر محمّد[نامبارک امام دوازدهم]،حجّتت در زمینت،و خلیفه ات در کشورهایت،و دعوت کننده به راهت،و قیام کننده به عدلت،و انقلاب کننده به فرمانت،دوست اهل ایمان و نابودکنندۀ کافران،و زدایندۀ تاریکی،و روشنی بخش حق،و گویای به حکمت و راستی،و کلمۀ کاملت در زمین،آن منتظر بیمناک،و ولیّ خیرخواه،کشتی نجات،و پرچم هدایت،و روشنی دیدگان مردم،و بهترین کسی که جامه و ردای خلافت پوشید،و زدایندۀ کوردلی،که زمین را پر از عدل و داد می کند،چنان که از ستم ستمکاران پر شده که تو بر هر چیز توانایی.خدایا درود فرست بر ولیّ ات و فرزند اولیایت،آنان که اطاعتشان را لازم نمودی و حقّشان را واجب کردی،و پلیدی را از ایشان زدودی،و پاکشان نمودی پاک ساختنی درخور.خدایا او را یاری کن،و به وسیلۀ او برای دینت پیروزی آور،و اولیایت،و اولیایش،و پیروان و یارانش را،به سبب او یاری ده.خدایا پناهش ده از شرّ هر متجاوز و سرکش،و از شرّ تمام آفریدگانت،و او را محافظت فرما از پیش رو و پشت سرش،و از راست و چپ،و از او پاسداری کن،و از اینکه به او آسیبی رسد نگهداری اش فرما،و حفظ کن بوسیلۀ او رسول و خاندان رسولت را،و عدالت را به وسیلۀ او آشکار نما،و او را به پیروزی تایید کن،و یاورش را یاری ده،و واگذارنده اش را به خواری نشان و شکننده اش را بشکن،و به وسیلۀ او گردنکشان کفر را درهم بکوب،و کافران را به قتل برسان و منافقان و همۀ بی دینان را از میان برادر

هر کجا که باشند،از مشارق و مغارب زمین،و خشکی و دریای کرۀ خاک،و به وسیلۀ او زمین را از عدالت پر کن،و دین پیامبرت را به او نمایان ساز،خدایا قرار ده مرا از یاوران،و کمک کاران و پیروان و شیعیانش،و به من بنمایان در بارۀ خاندان محمد(درود بر ایشان)،آنچه آنان آرزو دارند،و دربارۀ دشمنانشان آنچه از ان پرهیز می نمایند ای معبود حق آمین،ای صاحب بزرگی و بزرگواری،ای مهربان ترین مهربانان.

[زیارتی دیگر به نقل از کتابهای معتبر علما]

زیارتی دیگر:به نقل از کتابهای معتبر علما،و ان اینکه بر در حرم آن حضرت بایست و بگو:

سلام بر تو ای خلیفۀ خدا و خلیفۀ پدران راه یافته اش،سلام بر تو ای وصیّ جانشینان گذشته،سلام بر تو ای نگهبان رازهای پروردگار جهانیان،سلام بر تو ای باقیماندۀ خدا از زبده برگزیدگان،سلام بر تو ای فرزند نورهای درخشان،سلام بر تو ای فرزند پرچمهای خوش نما،سلام بر تو ای فرزند عترت پاکیزه،سلام بر تو ای سرچشمۀ علوم نبوی سلام بر تو ای درگاه خدا که آمده نشود جز از آن،سلام بر تو ای راه خدا،که هر که جز آن پیمود،هلاک شد،سلام بر تو ای نظرکننده به درخت طوبی و سدره المنتهی،سلام بر تو ای نور خدا که خاموش نگردد،سلام بر تو ای حجّت خدا که پنهان نماند،سلام بر تو ای حجّت خدا بر هر که در زمین و آسمان است،سلام بر تو سلام کسی که تو را شناخته،به آن گونه که خدا تو

را به آن شناسانده،و تو را وصف کرد،به برخی اوصافت،که تو سزاوار آنی،و برتر از آنی.گواهی می دهم که تو حجّتی بر آنان که در گذشته اند و آنان که مانده اند،و اینکه گروه تو گروه پیروز،و دوستانت دوستان رستگار،و دشمنانت زیانکارند و تو خزانه دار هر دانشی،و گشایندهٔ هر بسته ای،و بپادارندهٔ هر حقیّ،و باطل کنندهٔ هر باطلی،من به تو راضی شدم ای مولایم برای پیشوا بودن،و راهنما و سرپرست و رهبری،و دیگری را به جای تو نجویم،و به غیر تو سرپرستی نگیرم گواهی می دهم که تویی آن حق ثابت،که عیبی در آن نیست،و وعدهٔ خدا درباره تو حقّ است،و من به خاطر طول غیبت و درازای مدت،شک نمی کنم،و با آنان که تو را نشناختند و به تو جهل ورزیدند،سرگردان نشوم،منتظر و متوّقع روزهای توام و تویی شفاعت کننده ای که با تو نزاع نشود،و سرپرستی که مزاحمتی برایت ایجاد نگردد،خدا تو را برای دین،و عزّت مؤمنان،و انتقام از منکران بیرون رفته از دین مهیّا نمود.گواهی می دهم که به وسیلهٔ ولایتت اعمال پذیرفته می شود، و کردار پاک می گردد،و خوبیها چند برابر گردد،و بدیها از بین می رود،پس هرکه ولایتت را آورد و به امامتت اعتراف نمود،اعمالش پذیرفته شود،و گفته هایش مورد تصدیق قرار گیرد،و خوبیهایش چند برابر گردد،و بدیهایش محو شود، و هرکه از ولایتت منحرف شد،و به شناختت جهل ورزید،و تو را با دیگری عوض کرد خدا او را با صورتت به آتش دراندازد،و عملی را از او نپذیرد،و برای او در قیامت میزان سنجشی بر پا نکند خدا و فرشتگان و تو را ای مولایم به این حقایق،که ظاهرش مانند باطن آن و نهانش چون آشکار آن است گواه می گیرم

ص:804

و تو ر این و بر آن گواهی،و آن عهد من با تو،و پیمانم نزد توست،زیرا تویی نظام دین و رییس پرهیزگاران،و عزّت یکتاپرستان،و به همین معنا پروردگار جهانیان به من دستور داده،پس اگر روزگارها طولانی گردد و عمرها امتداد یابد،مرا نیفزاید دربارۀ تو جز یقین،و نسبت به تو جز محبت،و بر تو جز توکل،و اعتماد،و برای ظهورت جز توقع و انتظار،و برای جهادم در پیشگاهت چشم براهی،پس جان و مال و فرزند و خاندام و همۀ آنچه را خدا به من داده، پیش رویت و در مقابل امر و نهیت نثار می کنم،مولای من،اگر دوران درخشان و پرچمهای روشنت را درک کنم پس من همان بندۀ دست به کار امر و نهی توام،که شهادت پیش رویت و کامیابی تو را به آن آرزو می کنم،مولای من اگر مرگ پیش از ظهور تو مرا دریابد،من به تو و پدران پاک تو به خدا متوسل می شوم،و از او می خواهم که بر محمّد و خاندان محمد درود فرستد،و برای من بازگشت دوباره به دنیا در زمان ظهورت، و رجوعی در دورانت منت فرماید،تا به خاطر طاعتت به مقصودم برسم،و زخم قلبم را از دشمنانت شفا دهم،مولای من،برای زیارتت ایستاده ام،ایستادن خطاکاران،پشیمانان،بیمناکان،ترسیدگان از عذاب پروردگار جهانیان،و حال اینکه به شفاعتت اعتماد کرده ام،و به دوستی و شفاعتت امیدوار شده ام،به خاطر محو شدن گناهانم،و پرده پوشی عیبهایم،و آمرزش لغزشهایم،پس برای دوستت ای مولای من،در مقام تحقق آروزیش یار باش،و آمرزش لغزشش را از خدا بخواه،که او به ریسمان محبّتت

آویخته،و به ولایتت تمسّک جسته،و از دشمنانت بیزاری نموده.خدایا بر محمد و خاندانش درود فرست،و آنچه را به ولیّ ات وعده داده ای وفا کن.خدایا سخنش را آشکار کن،و دعوتش را والا گردان،و بر دشمنش و دشمنت پیروز فرما،ای پروردگار جهانیان.خدایا درود فرست بر محمد و خاندان محمد،و سخن کاملت و پنهان شده در زمینت آن بیمناک نگران را آشکار کن.خدایا او را یاری ده یاری نیرومند،و بگشا برایش گشایشی آسان،خدایا دین را پس از گمنامی به وسیلۀ او نیرومند گردان،و حق را پس از غروب،به دست او طالع فرما،و تاریکی را به وسیلۀ او برطرف نما،و سختی را به وسیلۀ او برطرف کن،خدایا کشورها را به او ایمن گردان،و بندگان را به وسیلۀ او هدایت کن.خدایا پر کن زمین را به وجود او از عدل و داد،چنان که از ستم و بیداد پر شده،که تو شنوا و پاسخ دهنده ای.سلام بر تو ای ولیّ خدا،به دوستت برای ورود به حرمت اجازه ده،درودها،و رحمت و برکات خدا بر تو و پدران پاک تو.

آنگاه نزد سرداب غیبت آن حضرت برو،و بین دو در بایست،و درها را با دست خود بگیر،و صدا را در سینه رفت و برگشت بده،همانند کسی که اجازه وارد شدن می خواهد،و «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ» بگو،و به آرامی،و با حضور قلب پایین برو،و در فضای سرداب دو رکعت نماز بخوان،سپس بگو:

خدا بزرگتر است،خدایا بزرگتر است،خدا بزرگتر است،معبودی جز خدا نیست،و خدا بزرگتر است،و سپاس خاص خدا است،سپاس خدا را،که ما را به سوی این حقیقت راهنمایی فرمود،و دوستان و دوشمنانش را به ما شناساند،و ما را به زیارت امامانمان موّفق نمود،و ما را از دشمنان و کینه ورزان،و از غلوکنندگان و معتقدان به واگذاری همه امور هستی به اهل بیت،و از شک داران و کوتاهی کنندگان در حق امامان قرار نداد.سلام بر ولیّ خدا،و فرزند

اولیایش،سلام بر ذخیرۀ الهی برای کرامت اولیای حق،و تارومار نمودن دشمنان خدا،سلام بر نوری که اهل کفر خاموشی اش را خواستند،ولی خدا نخواست جز آنکه نورش را در عین ناخوش داشتن آنان کامل گرداند،و آن را با زندگی طولانی تأیید کند،تا حق را به دست او و علی رغم دشمنان ظاهر نماید،گواهی می دهم که خدا تو را در خردسالی برگزید،و علومش را برای تو در بزرگسالی کامل کرد،و تو زنده ای و نمی میری،تا معبودی ساختگی،و سرکشان را از میان برداری.خدایا درود فرست بر او و بر خدمتکاران،و یارانش،به گاه غیبت و دوری اش،و او را بپوشان پوشاندنی نیرومند،و برای او پناهگاه محکمی قرار ده،او پایمالی و فشارت از خدا بر دشمنانش سخت گردان،و دوستان و زائرانش را نگهبان باش،خدایا چنان که دلم را با یادش آباد قرار دادی،پس اسلحه ام را در جهت یاری اش برکشیده گردان،و اگر مگی که بر بندگانت حتم قرار دادری و با آن بر آفریده هایت علی رغم آنان قدرت نمایی کردی،بین من و دیدارش پرده گردد،پس مرا به هنگام ظهورش برانگیز،تا از گورم سر برآورم،درحالی که کفن پوشیده ام،در پیش رویش به جهاد برخیزم،در صفی که در قرآنت،بر اهل آن ستایش نمودی،و فرمودی گویی آنان بنای استوارند.خدایا انتظار ما طولانی شد،و ناپاکان ما را شماتت کردند،و به دست آوردن پیروزی بر ما سخت گشت.خدایا جمال بامیمنت ولیّ ات را در زنده بودنمان،و پس از مرگ به ما بنمایان.خدایا به تو تسلیم می شوم به بازگشت پیش روی صاحب این بارگاه،فریاد،فریاد،فریاد،ای صاحب زمان در مسیر پیوند با تو،از دوستان صمیمی ام بریدم،و برای زیارت تو،وطنها را ترک کردم،و کارهایم را از اهل شهرها پنهان

نمودم،تا تو شفیع باشی نزد پروردگارت و پروردگارم،و پیش پدرانت و سرورانم،در خوبی توفیق برای من، و فراوانی نعمت برایم،و روان شدن احسان به سویم.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد ملازمان حق و راهبران خلق درود فرست،و آنچه از تو خواستم به اجابت رسان،و آنچه در دعایم به زبان نیاوردم،از صلاح دین و دنیایم به من عطا کن،به درستی که تو ستوده و بزرگواری،و درود خدا بر محمّد و خاندان پاکش باد.آنگاه وارد صفّه شو،و دو رکعت نماز بخوان و بگو: خدایا بندۀ زائرت در درگاه ولی زیارت شده توست،که اطاعت او را بر همگان از برده و آزاد واجب ساختی،و دوستانت را به وسیلۀ او از عذاب دوزخ نجات دادی،خدایا این زیارت را زیارتی پذیرفته قرار ده زیارتی با دعای مستجاب،از تصدیق کننده به ولیّ ات،تصدیقی بدون شک و تردید،خدایا آن را آخرین عهد و زیارت نسبت به او قرار مده،و آمدنم را به زیارتگاه او و زیارت پدر و جدّش را قطع مکن،خدایا عوض آنچه در این مسیر خرج کردم به من عنایت کن،و برای من سودبخش قرار ده آنچه در دنیا و آخرتم نصیب من کردی،و نیز سودمند قرار ده برای برادرانم و پدر و مادرم،و همۀ خانواده ام تو را به خدا می سپارم،ای امامی که به وسیلۀ او اهل ایمان رستگار می شوند،و به دست او کافران و تکذیب کنندگان به هلاکت می رسند،ای مولای من ای فرزند حسن بن علی،به جانب تو و پدر و جدّت برای زیارت آمدم،درحالی که به رستگاری به وسیلۀ شما یقین دارم،و به امامت شما معتقدم،خدایا این شهادت و این زیارت را برای من،نزد خوت در برترین جایگاه ها ثبت کن،و مرا به آنجا که شایستگان رسیدند برسان،و مرا به دوستی آنان منفعت بخش،ای پروردگار جهانیان.

ص:808

[زیارتی دیگر از زیارتهای حضرت صاحب الامر منقول از سید ابن طاووس]

زیارت دیگر:از زیارتهای حضرت صاحب الامر:زیارتی است که سید ابن طاووس نقل کرده است که در آن می گویی:

سلام بر حق تازه،و عالمی که دانشش نابود نگردد،سلام بر حیات بخش مؤمنان،و نابودکننده کافران،سلام بر مهدی امّتها،و جمع کنندهٔ سخنها،سلام بر یادگار گذشتگان و صاحب شرافت،سلام بر حجّت معبود،و سخن[خدای]ستوده،سلام بر عزیزکنندهٔ دوستان و خوارکنندهٔ دشمنان،سلام بر وارث پیامبران،و خاتم جانشینان،سلام بر قیام کنندهٔ مورد انتظار،و عدل آشکار،سلام بر شمشیر برکشیده،و ماه درخشان،و نور غالب سلام بر آفتاب تاریکی،و ماه تمام،سلام بر بهار مردمان،و شادابی و سرسبزی ایام،سلام بر شمشیر برّان،و شکافندهٔ سرها،سلام بر دین رسیده از جانب حق،و کتاب نگاشته،سلام بر باقی ماندهٔ خدا در کشورهایش،و حجّت او بر بندگانش،آنکه میراث پیامبران به او رسیده،و آثار برگزیدگان نزد او سپرده است،آن امین بر راز،و ولیّ امر،سلام بر مهدی که خدای عزّ و جلّ امّتها را به وجود او وعده داد،که به وسیلهٔ او سخنها را جمع کند،و پراکنده ها را گرد آورد،و زمین را به او پر از عدل و داد نماید،و به او جایگاه و قدرت دهد،و وعده اش را به اهل ایمان به وسیلهٔ او وفا کند،ای مولای من،گواهی می دهم که تو و امامان از پدرانت،امامان و سرپرستان من هستید،هم در دنیا و هم روزی که

ص:809

گواهان بپا می خیزند،از تو می خواهم ای مولای من که از خدای تبارک و تعالی بخواهی،اصلاح کارم، و برآمده شدن حاجاتم،و آمرزش گناهانم را،و اینکه دستم را بگیری،در دین و دنیا و آخرتم،و همچنین دست برادران و خواهرانم،و همه مردان و زنان مؤمن را،به درستی که او آمرزنده و مهربان است.

آنگاه نماز زیارت را آن چنان که پیش از این ذکر کردیم بجای آر،یعنی دوازده رکعت که پس از هر دو رکعت سلام داده،و پس از پایان نمازها تسبیح حضرت زهرا،و هدیه نمودن آن به محضر حضرت است و پس از فراغت نمازها بگو:

خدایا درود فرست بر حجّتت در زمینت،و خلیفه ات در کشورهایت،و دعوت کننده به راهت،و قیام کننده به عدالتت،و کامیاب به فرمانت،و سرپرست مؤمنان،و نابودکنندۀ کافران،و زدایندۀ تاریکی،و نوربخش حق، و آشکارگوی به حکمت و پند نیکو و راستی،و کلمه ات و گنجینه ات،و دیده ات در زمین آن نگران بیمناک،و ولیّ خیرخواه،کشتی نجات،و پرچم هدایت،و نور دیدگان مردم،و بهترین کسی که پیراهن و قبای خلافت پوشید،و تنها،و انتقام گیرنده خون مظلوم،و گشایندۀ غم،و زدایندۀ اندوه،و برطرف کنندۀ بلا درودهای خدا بر او و پدرانش،امامان راهنما،و پیشروان با میمنت،تا گاهی که ستارگان سحر سرزند،و درختان برگ دهد،و میوه ها برسد،و شب و روز رفت و آمد نماید،و پرندگان نغمه سرایی کنند.خدایا ما را به دوستی اش منفعت ده،و در گروهش و زیر پرچمش محشور کن،ای معبود حق،آمین ای پروردگار جهانیان.

ص:810

صلوات بر آن حضرت

خدایا بر محمد و اهل بیتش درود فرست،و بر نماینده و جانشین و وارث حسن درود فرست،آن قیام کننده به فرمانت و پنهان در میان بندگانت،و چشم انتظار اجازه ات،خدایا بر او درود فرست،و دوری اش را نزدیک ساز،و وعده اش را به انجام رسان و عهدش را وفا کن،و از سطوتش پردۀ غیبت را برطرف فرما،و به ظهورش اوراق محنت را پشت سر انداز،و ترس در دل دشمنان را پیش رویش پیش انداز،و دل را به او آرامش ده،و جنگ با سرکشان را به او برپا کن،و به لشگری از فرشتگان نشان دار تأییدش نما و بر تمام دشمنان دینت،چیره اش ساز،و به او الهام کن،که پایه ای از دشمنان را نگذارد جز اینکه درهم کوبد،و سری را مگر دو نیم کند،و نیرنگی را مگر بازگرداند،و بدکاری را مگر حدّ بزند،و فرعون مسلکی را مگر هلاک کند،و پرده ای را مگر بدرد،و پرچمی را مگر سرنگون نماید،و قدرتی را مگر به دست گیرد،و نیزه ای را مگر دو نیم کند،و زد بینی را مگر پاره کند،و لشگری را مگر پارکنده سازد،و منبری را مگر بسوزاند،و شمشیری را مگر بشکند،و بتی را مگر لگدکوب نماید،و خونی را مگر بریزد،و ستمی را مگر از میان بردارد،و قلعه ای را مگر ویران کند،و دری را مگر ببندد،و کاخی را مگر خراب کند،و مسکنی را مگر بازرسی نماید،و زمین همواری را مگر زیر پا گذارد،و کوهی را مگر بالا رود،و گنجی را مگر بیرون آورد،به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

[زیارتی دیگر منقول از شیخ مفید]

مؤلّف گوید:شیخ مفید پس از نقل زیارت سابق که اول آن«اللّه اکبر اللّه اکبر لا اله الاّ اللّه و اللّه اکبر»است فرموده:

به روایت دیگر نقل است:پس از وارد شدن در سرداب مقدس چنین می خوانی:السّلام علی الحقّ الجدید»و سپس آن زیارت را تا انجام نماز زیارت نقل کرد و فرمود:دوازده رکعت نماز زیارت می خوانی،هر دو رکعت به یک سلام و پس از آن دعایی را که از ان حضرت روایت شده است می خوانی:

خدایا بلا بزرگ شد،و پنهان آشکار گشت،و پرده بر افتاد،و زمین تنگ شد،و آسمان خودداری کرد به درگاه تو شکایت است ای پروردگار،و در سختی و آسانی بر تو اعتماد است.خدایا بر محمّد و خاندانش درود فرست آنان که اطاعتشان را بر ما واجب کردی،و به این وسیله مقامشان را به ما شناساندی،به حق ایشان به ما گشایشی ده،گشایشی فوری،چون چشم به هم زدن،یا نزدیک تر از آن،ای محمّد ای علی،ای علی ای محمّد،مرا یاری دهید که شما یاور من هستید و کفایتم کنید،که شما کفایت کنندهٔ من می باشید،ای مولایم ای صاحب الزمان،فریاد،فریاد،فریاد، مرا دریاب،دریاب،دریاب.مؤلّف گوید:این دعا دعای شریفی است،و خواندن آن در سرداب،به طور مکرّر،و در غیر آنجا،سزاوار است،و ما این دعا را با اندکی تفاوت،در باب او لذکر نمودیم.

[زیارتی دیگر منقول از سید ابن طاووس]

زیارت دیگر:زیارتی است که سیّد ابن طاوس نقل کرده،و فرموده:زائر دو رکعت نماز بخواند،و پس از آن بگوید:

«سلام اللّه الکامل التّامّ الشّامل»تا آخر،و ما این زیارت را در فصل هفتم از باب اول،[صفحه 195]به عنوان استغاثه به آن حضرت از کتاب«کلم طیّب»نقل کردیم،به آنجا رجوع شود.

[دعای ندبه،زیارت پس از نماز صبح،دعای عهد و دعای هنگام خروج از حرم]

اشاره

مؤلّف گوید:سیّد ابن طاووس در کتاب«مصباح الزائر»فصلی در اعمال سرداب مقدّس آورده و در آن فصل شش زیارت نقل کرده،پس از آن فرموده:دعای ندبه به این فصل ملحق می شود،و همچنین زیارتی که هر

روز،مولای ما صاحب الامر پس از نماز صبح به آن زیارت می شود،و آن زیارت هفتم حساب می شود،و دعای عهدی که به خواندن آن در حال غیبت امر شده،و دعایی که آن را وقتی که می خواهند از آن حرم

ص:812

شریف بازگردند بخوانند،آنگاه در کتاب خود به ذکر این چهار عمل شروع کرده است[چهار عمل عبارتند از:1-دعای ندبه، 2-زیارت پس از نماز صبح،3-دعای عهد،4-دعای هنگام خروج از حرم]ما هم در این کتاب مبارک از آن بزرگوار پیروی کرده و آن چهار عمل را ذکر می کنیم:

[عمل اول:دعای ندبه]

عمل اول:دعای ندبه است.مستحب است دعای ندبه را در چهار عید،یعنی فطر و قربان و غدیر و روز جمعه بخوانند،و دعا این است:

ستایش خاص خدا،پروردگار جهانیان است،و درود و سلام خدا،سلامی کامل،بر سرور ما محمد،پیامبرش و اهل بیت او،خدایا تو را ستایش،بر آنچه به آن جاری شد قضای تو دربارۀ اولیایت،آنان که تنها برای خود دینت برگزیدی،آنگاه که برای ایشان اختیار کردی،فراوانی نعمت پابرجایی که نزد توست،نعمتی که تباهی و نابودی ندارد،پس از آنکه بی میل بودن نسبت به رتبه های این دنیای فرومیاه،و زیب و زیورش را با آنان شرط نمودی،آنان هم آن شرط را از تو پذیرفتند،و تو هم وفا نمودن به آن را از جانب آنان دانستی،پس قبولشان کردی،و مقرّب درگاهشان نمودی،و برای آنان یاد والا،و ثنای روشن پیش آوردی،و فرشتگانت را بر آنها فرو فرستادی،و به وحی ات اکرامشان فرمودی،و به دانشت به آنان عطا کردی،و ایشان را دست آویز به سویت و وسیله به جانب خشنودی ات قرار دادی،پس بعضی را در بهشت جای دادی،و بعضی را برای خود دوست صمیمی گرفتی،و از تو درخواست نام نیک،در میان آیندگان کرد،و تو درخواست او را اجابت نمودی،و نامش را بلند آوازه کردی،و با بعضی از میان درخت سخن گفتی،سخن گفتنی خاص،و برای او برادرش را یاور و وزیر قرار دادی،و بعضی را بدون پدر

به وجود آوردی،و دلایل آشکار به او عنایت فرمودی و به روح القدس او را تأیید نمودی،و برای همهٔ آنان شریعت مقرّر کردی،و راه را روشن و واضح ساختی،و جانشینانی اختیار کردی،نگهبانی پس از نگهبان،از زمانی تا زمانی دیگر،برای برپا داشتن دینت،و حجّتی بر بندگانت،برای اینکه حق از جایگاهش برداشته نشود،و باطل بر اهل حق پیروز نگردد،و احدی نگوید چه می شد اگر برای ما پیامبری بیم دهنده می فرستادی،و پرچم هدایت برای ما برپا می نمودی تا بر این اساس از آیاتت پیروی می کردیم،پیش از آنکه خوار و رسوا شویم،تا اینکه مقام رسالت و هدایت را به حبیب و برگزیده ات محمد(درود خدا بر او و خاندانش)را رساندی،پس بود همان گونه که او را برگزیدی،سرور مخلوقاتت،و برگزیدهٔ برگزیدگانت،و برترین انتخاب شدگانت،و گرامی ترین معتمدانت،او را بر پیامبرانت مقدم نمودی،و بر جنّ و انس از بندگانت برانگیختی و مشرقها و مغربهایت را زیر پایش گذاردی،و براق را برایش مسخّر ساختی،و آن شخصیت بزرگ را به آسمانت بالا بردی،و دانش آنچه بوده،و خواهد بود تا سپری شدن آفرینشت به او سپردی،سپس او را با فرو انداختن هراس در دل دشمن یاری دادی،و به جبرائیل و میکائیل و نشان داران از فرشتگانت قرار گرفتی،و به او وعده دادی که دینش را بر همه دینها پیروز گردانی گرچه مشرکان را خوش نیاید،و این کار پس از آن بود که در جایگاه راستی از اهلش جایش دادی،و قرار دادی برای او و ایشان نخستین خانه ای که برای مردم بنا شد،که در مکه است،خانهٔ بابرکت،و مایهٔ راهنمایی برای جهانیان،در آن خانه نشانه های آشکاری است،مقام ابراهیم،و هرکه وارد آن شد،در امان بود،در حق آنان فرمودی:جز این نیست که خدا اراده فرموده،پلیدی را از شما خانواده ببرد،و شما را پاک

گرداند،پاک کردنی شایسته،سپس پاداش محمد را در قرآنت موّدت اهل بیت او قرار دادی،و فرمودی بگو من از شما برای رسالت پاداشی جز مودّت نزدیکانم نمی خواهم،و فرمودی:آنچه به عنوان پاداش از شما خواستم،آن هم به سود شماست،و فرمودی:من از شما برای رسالت پاداشی نمی خواهم،جز کسی که بخواهد،راهی به جانب پروردگارش بگیرد،پس آنان راه به سوی تو بودند،و راه به حریم خشنودی ات،انگاه که روزگار آن حضرت سپری شد،نماینده اش علی بن ابی طالب(درود تو بر آن دو و خاندانشان باد)را،برای راهنمایی برگماشت،چرا که او بیم دهنده،و برای هر قومی راهنما بود،پس درحالی که انبوهی از مردم در برابرش بودند فرمود:هرکه من سرپرست او بودم،پس علی سرپرست اوست،خدایا دوست بدار کسی که علی را دوست دارد،و دشمن بدار کسی را که دشمن علی است،و یاری کن هرکه او را یاری کند،و خوار کن هرکه او را وا گذارد،و فرمود:هر که من پیامبرش بودم،پس علی فرمانروای اوست،و فرمود:من و علی از یک درخت هستیم،و سایر مردم از درختهای گوناگونند،و جایگاه او را نسبت به خود همچون جایگاه هارون به موسی قرار داد،و به او فرمود:تو نسبت به من به منزلۀ هارون نسبت به موسایی،جز اینکه پس از من پیامبر نیست،و دخترش سرور بانوان جهانیان را به همسری او در آورد،و از مسجدش برای او حلال کرد،آنچه را برای خودش حلال بود،و همه درهایی را که به مسجد باز می شد بست مگر در خانۀ او را،آنگاه علم و حکمتش را به او سپرد،و فرمود:من شهر علمم و علی در آن شهر است،پس هر که اراده شهر علم و حکمت کند،باید از در آن وارد شود،سپس گفت:تو برادر و جانشین و وارث منی،گوشتت از گوشت من،و خونت از خون من،و آشتی با تو،آشتی با من،و جنگ با تو،جنگ با من است،و ایمان با گوشت و خونت آمیخته شده،چنان که با گوشت و خون من درآمیخته

و تو فردای قیامت کنار حوض کوثر جانشین منی،و تو قرضم را می پردازی،و به وعده های من وفا می کنی،و شیعیان تو بر منبرهایی از نورند،درحالی که رویشان سپید،و در بهشت پیرامون من،و همسایگان منند،و اگر تو ای علی نبودی،اهل ایمان پس از من شناخته نمی شدند،و آن حضرت پس از پیامبر،مایۀ هدایت از گمراهی،و نور از نابینایی و ریسمان استوار خدا و راه راست او بود،با نزدیک اش در خویشاوندی به رسول خدا،کسی بر او پیشی نگرفت،و همچنین با سابقه اش در دین،کسی بر او مقدم نبود،و در فضیلتی از فضائل هیچکس به او نرسید،کار پیامبر(درود خدا بر او خاندانش)را پی گرفت،و براساس تأویل قران جنگ می کرد،و دربارۀ خدا سرزنش هیچ سرزنش کننده ای را به خود نمی گرفت،خون شجاعان عرب را،در راه خدا به زمین ریخت،و دلاورانشان را از دم تیغ گذراند و با گرگانشان در افتاد،پس به دلهایشان کینه سپرد،کینه جنگ بدر و خیبر و حنین و غیر آنها را،پس دشمنی او را در نهاد خود جا دادند و به جنگ با او رو آوردند،تا پیمان شکنان و جفا پیشگان و خارج شدگان از دایره دین را کشت،و هنگامی که درگذشت و او را بدبخت ترین پسینیان،که از بدبخت ترین پیشینیان کرد،به قتل رساند،دستور رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش) درباره هدایت کنندگان،از پس هدایت کنندگان[امامان بعد از پیامبر]اطاعت نشد،دامّت بر دشمنی نسبت به آن حضرت پافشاری کردند،و برای قطع رحم او،و تبعید فرزندانش گرد آمدند،مگر اندکی از کسانی که برای رعایت حق دربارۀ ایشان به پیمان پیامبر وفا کردند پس کشته شد آنکه کشته شد،و اسیر گشت آنکه اسیر گشت،و تبعید شد آنکه تبعید شد،و قضا بر آنان جاری شد به آنچه که بر آن امید پاداش نیک می رود،زیرا زمین از خداست،آن را به هرکه از بندگانش بخواهد به ارث می دهد،و سرانجام از آن پرهیزگاران است

ص:816

و منزّه است پروردگار ما که به یقین وعده پرورگارمان انجام شدنی است،و خدا هرگز از وعده خویش تخلّف نمی کند و او نیرومند حکیم است، پس بر پاکیزگان از اهل بیت محمّد و علی(درود خدا بر ایشان و خاندانشان)،باید گریه کنندکان بگریند،و زاری کنندگان بر ایشان زاری کنند،و برای مانند آنان باید اشکها روان شود،و فریادکنندگان فریاد زنند،و شیون کنندگان شیون کنند،و خروشندگان بخروشند،حسن کجاست؟حسین کجاست؟فرزندان حسین کجایند؟شایسته ای پس از شایستهٔ دیگر راستگویی پس از راستگویی دیگر،راه از پس راه کجاست؟کجاست بهترین برگزیده بعد از بهترین برگزید؟کجایند خورشیدهای تابان،کجایند ماههای نورافشان،کجایند ستارگان فروزان،کجایند پرچمهای دین،و پایه های دانش،کجاست آن باقیماندهٔ خدا که از عترت هدایتگر خالی نشود،کجاست آن مهیّا گشته برای ریشه کن کردن ستمکاران،کجاست آنکه برای راست نمودن انحراف و کجی به انتظار اویند،کجاست آن امید شدهٔ برای از بین بردن ستم و دشمنی،کجاست آن ذخیره برای تجدید فریضه ها و سنّتها،کجاست آن برگزیده برای بازگرداندن دین و شریعت،کجاست آن آرزو شده برای زنده کردن قرآن و حدود آن،کجاست احیاگر نشانه های دین و اهل دین،کجاست درهم شکنندهٔ شوکت متجاوزان،کجاست ویران کنندهٔ بناهای شرک و دورویی،کجاست نابودکنندهٔ اهل فسق و عصیان و طغیان،کجاست دروکنندهٔ شاخه های گمراهی و شکاف اندازی،کجاست محوکنندهٔ آثار انحراف و هواهای نفسانی،کجاست قطع کنندهٔ دامهای دروغ و بهتان،کجاست نابودکنندهٔ سرکشان و سرپیچی کنندگان،کجاست ریشه کن کنندهٔ اهل لجاجت و گمراهی،و بی دینی

ص:817

کجاست عزّت بخش دوستان،و خوارکنندۀ دشمنان،کجاست گردآورندۀ سخن بر پایۀ تقوا،کجاست در راه خدا که از آن آمده شود،کجاست جلوۀ خدا،که دوستان به سویش روی آورند،کجاست آن وسیلۀ پیوند بین زمین و آسمان،کجاست صاحب روز پیروزی،و گسترندۀ پرچم هدایت،کجاست گردآورندۀ پراکندگی صلاح و رضا،کجاست خواهندۀ خون پیامبران و فرزندان پیامبران،کجاست خواهندۀ خون کشته در کربلا،کجاست آن پیروز شده بر هر که به او ستم کرد و بهتان زد،کجاست آن مضطّری که اجابت شود هنگامی که دعا کند،کجاست سرسلسلۀ مخلوقات،دارای نیکی و تقوا،کجاست فرزند پیامبر برگزیده،و فرزند علی مرتضی،و فرزند خدیجه روشن جبین،و فرزند فاطمه کبری؟،پدر و مادر و جانم فردایت شود،برایت سپر و حصار باشم،ای فرزند سروران مقرّب،ای فرزند نجیبان گرامی،ای فرزند راهنمایان راه یافته،ای فرزند برگزیدگان پاکیزه،ای فرزند بزرگواران نجیب،ای فرزند پاکان پاکیزه،ای فرزند بزرگواران برگزیده،ای فرزند دریاهای بی کران بخشش گرامی تر،ای فرزند ماههای نورافشان،ای فرزند چراغهای تابان،ای فرزند ستارگان فروزان،ای فرزند اختران درخشان،ای فرزند راههای روشن،ای فرزند نشانه های آشکار،ای فرزند دانشهای کامل،ای فرزند آیینهای مشهور،ای فرزند نشانه های حفظ شده،ای معجزات موجود،ای فرزند دلیلهای محسوس،ای فرزند راه مستقیم،ای فرزند خبر بزرگ،

ص:818

ای فرزند کسی که در امّ الکتاب،نزد خدا،والا و حکیم است،ای فرزند آیات و نشانه ها،ای فرزند دلیلهای آشکار،ای فرزند برهانهای نمایان،ای فرزند حجّتهای رسا،ای فرزند نعمتهای کامل،ای فرزند طه و آیات محکم،ای فرزند یس و ذاریات،ای فرزند طور و عادیات،ای فرزند کسی که نزدیک شد،آنگاه درآویخت،تا آنکه در دسترسی و نزدیکی به خدای علیّ اعلی،به فاصله دو کمان یا کمتر بود،ای کاش می دانستم خانه ات در کجا قرار گرفته،بلکه می دانستم کدام زمین تو را برداشته،یا چه خاکی؟آیا در کوه رضوایی یا در غیر آن،یا در زمین ذی طوایی؟بر من سخت است که مردم را می بینم،ولی تو دیده نمی شوی،و از تو نمی شنوم صدای محسوسی و نه راز و نیازی،بر من سخت است که تو را بدون من گرفتاری فرا گیرد،و از من به تو فریاد و شکایتی نرسد،جانم فدایت،تو پنهان شده ای هستی که از میان ما بیرون نیستی،جانم فدایت،تو دوری هستی که از ما دور نیست،جانم فدایت،تو آرزوی هر مشتاقی که آرزو کند،از مردان و زنان مؤمن که تو را یاد کرده،از فراقت ناله کنند،جانم فدایت،تو قرین عزّتی،که کسی بر او برتری نگیرد،جانم فدایت،تو درخت ریشه دار مجدی که هم طرازی نپذیرد،جانم فدایت،تو نعمت دیرینه ای،که او را مانندی نیست،جانم فدایت،تو قرین شرفی،که وی را برابری نیست،تا چه زمانی نسبت به تو سرگردان باشم،ای مولایم،و تا چه زمان،و با کدام بیان،تو را وصف کنم،و با چه راز و نیازی؟،بر من سخت است که از سوی غیر تو پاسخ داده شوم،و سخن مسرّت بخش بشنوم،بر من سخت است که برای تو گریه کنم،ولی مردم تو را وا گذارند،بر من سخت است،که بر تو بگذرد و نه بر دیگران آنچه گذشت،آیا کمک کننده ای هست،که فریاد و گریه را در کنارش طولانی کنم؟

آیا بی تابی هست؟که او را در بی تابی اش،هنگامی که خلوت کند یاری رسانم،آیا چشمی هست که خار فراق در آنجا گرفته،پس چشم من او را بر آن خار خلیدگی مساعدت کند،آیا به جانب تو ای پسر احمد راهی هست،تا ملاقات شوی،آیا روز ما به تو با وعده ای در می پیوندد تا بهره مند گردیم،چه زمان به چشمه های پر آبت وارد می شویم،تا سیراب گردیم،چه زمان از آب وصل خشگوارت بهره مند می شویم؟که تشنگی ما طولانی شد،چه زمان با تو صبح و شام می کنیم،تا دیده از این کار روشن کنیم،چه زمان مارا می بینی و ما تو را می بینیم،درحالی که پرچم پیروزی را گسترده ای،آیا آن روز در می رسد که ما را ببینی که تو را احاطه کنیم،و تو جامعۀ جهانی را پیشوا می شوی درحالی که زمین را از عدالت انباشتی،و دشمنانت را خواری و کیفر چشانده ای،و متکبّران و منکران حق را نابود کرده ای و ریشۀ سرکشان را قطع نموده ای،و بیخ و بن ستمکاران را برکنده ای،تا ما بگوییم:ستایش خاص خدا،پروردگار جهانیان است.خدایا تو برطرف کنندۀ سختیها و حوادث ناگواری،از تو یاری می طلبم،که یاری و کمک تنها نزد توست،و تو پروردگار آخرت و دنیایی،پس ای فریادرس درماندگان،به فریاد بندۀ کوچک گرفتارت برس،و سرورش را به او نشان بده ای صاحب نیروهای شگرف،و به دیدار سرورش،اندوه و سوز دل را از او بزدای،و آتش تشنگی اش را خاموش کن،ای که بر عرش چیره ای،و بازگشت و سرانجام به سوی اوست،خدایا،ما بندگان به شدّت مشتاق به سوی ولیّ تو هستیم،آنکه مردم را به یاد تو و پیامبرت اندازد،و تو او را برای ما نگهبان و پناهگاه آفریدی،و او را قوم و امان ما قرار دادی،و او را پیشوای اهل ایمان از ما گرداندی،از جانب ما به او تحیّت و سلام برسان،و به این وسیله اکرام بر ما را ای پروردگار بیفزا،و جایگاه او را،جایگاه و اقامتگاه ما قرار ده،و نعمتت را با پیش انداختن او در پیش روی ما کامل گردان،تا ما

را وارد بهشتهایت نماید،و به همنشینی شهیدان از بندگان خالصت نایل نماید.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و درود فرست بر محمّد جدّ او و رسولت،آن سرور بزرگتر،و بر پدرش آن سرور پس از پیامبر و بر جدّه اش صدّیقۀ کبری،فاطمه دختر محمّد،و بر کسانی که بزگزیدی،از پدران نیکوکار و بر خودش،برترین و کامل ترین و تمام ترین و بادوام ترین و بیشترین و فراوان ترین درودی که بر یکی از برگزیدگانت و انتخاب شدگانت از میان آفریدگانت فرستادی،و بر او درود فرست،درودی که پایانی برای عدوش،و نهایتی برای مدتش،و به آخر رسیدنی برای زمانش نباشد،خدایا حق را به وسیلۀ او برپا دار،و باطل را به او نابود کن،و دوستانت را به سبب آن جناب به دولت برسان،و دشمنانت را به دست او خوار گردان،و پیوند خدایا بین ما و او،پیوندی که ما را به رفاقت گذشتگان او برساند،و ما را از آنانی قرار ده که به دامان عنایتشان چنگ زنند و در سایۀ لطفشان اقامت کنند،و ما را بر پرداخت حقوقش،و کوشش در فرمانبرداری اش،و دوری از نافرمانی اش کمک کن،و بر ما به خشنودی اش منّت نه،و رأفت و رحمت و دعای خیر آن حضرت را به ما ببخش،تا حدّی که به سبب آن به رحمت گسترده ات،و رستگاری در پیشگاهت برسیم،خدایا به وسیلۀ او نمازمان را پذیرفته،و گناهانمان را آمرزیده و دعاهایمان را مستجاب گردان،خدایا روزیهایمان را به سبب او گسترده،و اندوهمان را برطرف شده،و حاجتهایمان را برآورده فرما،و به جانب ما به جلوۀ کریمت روی آور،و تقرّبان را به سویت بپذیر،و به ما نظر کن نظری مهربانانه که کرامت را نزد تو،به وسیلۀ آن نظر به کمال برسانیم،و آن نظر مهربانانه را به حق جودت از ما مگردان،و از حوض جدّش(درود خدا بر او

و خاندانش)با جام او و به دست او،سیرابمان کن،سراب شدنی کامل،و گوارا و خوش،که پس از آن تشنگی نباشد،ای مهربان ترین مهربانان آنگاه به صورتی که گذشت نماز زیارت بجا می آوری و به آن چه خواهی دعا می کنی،که ان شاء اللّٰه به اجابت خواهد رسید.

[عمل دوم:زیارتی است،که هر روز پس از نماز صبح مولای ما صاحب الزمان علیه السّلام به آن زیارت می شود]

عمل دوم:زیارتی است،که هر روز پس از نماز صبح مولای ما صاحب الزمان علیه السّلام به آن زیارت می شود،و آن زیارت چنین است:

خدایا برسان به مولایم صاحب الزمان،(درود خدا بر او)از جانب همه مردان و زنان مؤمن در مشرقها و مغربهای زمین،و خشکیها و دریاهایش،و همواریها و کوهها‌یش،زنده و مردۀ آنان،و همچنین از طرف پدر و مادرم و فرزندانم و خودم،درودها و تحیتهایی به گرانی عرش خدا و کشیدگی کلماتش،و نهایت خشنودی اش،و شمار آنچه کتابش برشمرده،و دانشش به آن احاطه یافته است.خدایا در این روز و در هر روز برای آن حضرت،عهد و پیمان و بیعت،بر عهده ام تجدید می کنم.خدایا همچنان که مرا به این شرافت نمودی،و به این فضیلت برتری ام دادی،و به این نعمت خاصم فرمودی،پس درود فرست بر مولا و سرورم صاحب الزمان،و مرا قرار ده از یاران و پیروان و دفاع کنندگان از آن حضرت،و از کشته شدگان پیش رویش،از روی میل و رغبت،نه ناراحتی و اکراه،در صفی که اهل آن را در قرآنت وصف نموده،فرموده ای:گویی آنان بنایی محکم و استوارند.این عمل را از من بر پایۀ اطاعتت،و اطاعت رسولت و خاندانش(درود بر ایشان)قرار ده.خدایا این بیعتی است بر او،بر عهدۀ من تا روز قیامت.

ص:822

مؤلّف گوید:علاّمهٔ مجلسی رحمه اللّه در کتاب«بحار الانوار»فرموده:من در بعضی از کتابهای قدیمی دیده ام،که پس از این زیارت،دست راست را به دست چپ بگذارند،مانند قراردادن در بیعت.و نیز بدان که ما در اعمال سرداب مقدّس چهار زیارت نقل کردیم،و این زیارت،پنجمین زیارت کتاب ما محسوب می گردد،و در باب اول،در ذکر زیارات حجج طاهره،در ایام هفته،زیارتی برای آن حضرت نقل کردیم،که در روزهای جمعه به آن زیارت می شود.

[عمل سوم:دعای عهد]

عمل سوم:دعای عهد است:از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:هرکه چهل صبحگاه این عهد را بخواند،از یاوران قائم ما باشد،و اگر پیش از ظهور آن حضرت از دنیا برود،خدا او را از قبر بیرون آورد،که در خدمت آن حضرت باشد،و حق تعالی بر هر کلمه هزار حسنه به او کرامت فرماید،و هزار گناه از او محو سازد،و آن عهد این است:

خدای ای پروردگار نور بزرگ،و پروردگار کرسی بلند،و پروردگار دریای جوشان،و فرو فرستندهٔ تورات و انجیل و زبور،و پروردگار سایه و حرارت آفتاب،و نازل کنندهٔ قرآن بزرگ،و پروردگار فرشتگان مقرّب،و پیامبران و رسولان.خدایا از تو می خواهم به روی کریمت،و به نور وجه نوربخشت،و فرمانروایی دیرینه ات،ای زنده و پا برجای دائم،از تو می خواهم به حق نامت،که به آن آسمانها و زمینها روشن شد،و به حق نامت که پیشینیا و پسینیان به آن شایسته می شوند،ای زنده پیش از هر زنده،ای زنده پس از هر زنده،ای زنده در آن وقتی که زنده ای نبود،ای زنده کنندهٔ مردگان،و میرانندهٔ زندگان،ای زنده،معبودی جز تو نیست خدایا برسان به مولای ما امام راهنمای راه یافته،قیام کننده به فرمانت که درودهای خدا بر او و پدران پاکش،از جانب همهٔ مردان و زنان مؤمن،در مشرقها زمین و مغربهایش،همواریها

و کوههایش،خشکیها و دریاهایش،و از طرف من و پدر و مادرم،از درودها به گرانی عرش خدا،و کشش کلماتش،و آنچه دانشش برشمرده،و کتابش به آن احاطه یافته،خدایا در صبح این روز و تا زندگی کنم از روزهایم،برای آن حضرت بر عهده ام،عهد و پیمان و بیعت تجدید می کنم،که ازآن رو نگردانم،و هیچ گاه دست برندارم.خدایا مرا،از یاران و مددکاران و دفاع کنندگان از او قرار ده،و از شتابندگان به سویش،در برآوردن خواسته هایش،و اطاعت کنندگان اوامرش،و مدافعان حضرتش،و پیش گیرندگان به جانب خواسته اش،و کشته شدگان در پیشگاهش.خدایا اگر بین من و او مرگی که بر بندگانت حتم و قطعی ساختی حائل شد، کفن پوشیده از قبر مرا بیرون آور،با شمشیر از نیام برکشیده،و نیزهٔ برهنه،پاسخگو به دعوت آن دعوت کننده،در میان شهرنشین و بادیه نشین.خدایا آن جمال با رشادت،و پیشانی ستوده را به من بنمایان،و با نگاهی از من به او دیده ام را سرمه بنه،و در گشایش امرش شتاب کن،و درآمدنش را آسان گردان،و راهش را وسعت بخش،و مرا به راهش در آور،و فرمانش را نافذ کن و پشتش را محکم گردان،خدای به دست او کشورهایت را آباد کن،و بندگانت را به وسیلهٔ او زنده فرما،به درستی که تو فرمودی،و گفته ات حق است که:فساد در خشکی و دریا،در اثر اعمال مردم نمایان شد،خدایا ولیّ ات،و فرزند دختر پیامبرت که به نام رسولت نامیده شده،برای ما آشکار کن،تا به چیزی از باطل دست نیابد،مگر آن را از هم بپاشد،و حق را پابرجا و ثابت نماید،خدایا او را قرار ده پناهگاهی برای ستمدیدگان از بندگانت،و یاور برای کسی که یاری برای خود جز تو نمی یابد،و

تجدیدکنندۀ آنچه از احکام کتابت تعطیل شده،و محکم کنندۀ آنچه از نشانه های دینت و روشهای پیامبرت (درود خدا بر او و خاندانش)رسیده است،و او را قرار ده،خدایا،از آنان که از حملۀ متجاوزان،نگاهش داری،خدایا پیامبرت محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)را به دیدار او،و کسانی که بر پایه دعوتش از او پیروی کردند شاد کن،و پس از او به درماندگی ما رحم فرما،خدایا این اندوه را از این امت به حضور آن حضرت برطرف کن،و در ظهورش برای ما شتاب فرما،که دیگران ظهورش را دور می بینند،و ما نزدیک می بینیم،به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

آنگاه سه بار بر ران خود دست می زنی،و در هر مرتبه می گویی:العجل،العجل،یا مولای یا صاحب الزّمان

[عمل چهارم:هنگام خروج از سرداب مطهر]

عمل چهارم:سیّد ابن طاووس فرموده:چون خواستی از حرم مطهّر آن حضرت مرخصّ شوی،به سوی سرداب شریف برگرد،و در آنجا هرچه می خواهی نماز بخوان،آنگاه رو به قبله بایست و بگو:«اللّهم ادفع عن ولیّک...»و این دعا را تا پایان آن ذکر کرد و سپس فرمود:خدا را بسیار بخوان،و با خوشبختی بازگرد ان شاء اللّه تعالی.

مؤلّف گوید:شیخ در کتاب«مصباح»این دعا را در اعمال روز جمعه از حضرت رضا علیه السّلام نقل کرده،و ما هم این دعا را به صورتی که شیخ از آن حضرت نقل نموده،در اینجا می آوریم،شیخ فرموده:یونس بن عبد الرحمن روایت کرده که حضرت رضا علیه السّلام امر می فرمودند به دعا نمودن،برای حضرت صاحب الامر عجل اللّه تعالی فرجه به این دعا:

خدایا دفاع کن،از ولیّ ات،و خلیفه ات و حجّت بر آفریدگانت،و زبان سخنگوی از جانبت،و گویای به حکمتت،و دیدۀ نگرنده به اجازه ات،و گواه بر بندگانت،آن سرور بزرگوار مجاهد،پناهنده به تو،عبادت کننده نزد تو،و پناهش ده از شرّ تمام آنچه آفریدی و پدید کردی و پروردی،و صورت دادی،و او را نگهدار

ص:825

از پیش رویش،و پشت سرش،و از جانب راست و چپش،و بالای سر،و زیر پایش،به نگهداری ات که تباه نشود هر که را به آن نگهداری،و حفظ کن در وجود او پیامبرت،و پدرانش،آن امامان از جانب تو،و پایه های دینت و او را قرار ده در سپردۀ خود که تباه نمی شود،و در جوارت که امنیتش از بین نمی رود،و در بازدارندگی و نیرومندی ات که مقهور نگردد،و او را ایمن دار،و به امان محکمت،که هرکه را به آن ایمن نمودی،هرگز خوار نمی شود،و قرارش ده در حمایتت،که هرکه در آن باشد،مورد دستبرد واقع نگردد،و یاری اش ده به یاری نیرومندت،و کمکش کن،با لشگر چیره ات و نیرومندش ساز به نیرویت،و پشت سر او قرار بده فرشتگانت را،و دوست بدار کسی را که دوستش دارد،و دشمن بدار کسی را که دشمنش دارد،و زره محکمت را به او بپوشان،و او را به احاطۀ فرشتگان در آور،احاطه ای سامان یافته،خدایا شکاف در هر امور را به او اصلاح کن،و گسیختگی را به او پیوند ده،و ستم را به دستش نابود گردان،و عدالت را به او بنمایان،و زمین را با طول ماندش بیارای،و او را به پیروزی کمک کن،و به وسیلۀ در انداختن ترس در دل دشمنان یاری اش ده،و یاورانش را نیرومند ساز،و واگذارنده اش را خوار کن،و کسی را که نسبت به او دشمنی ورزد هلاک ساز،و هرکه به او خیانت کند نابود گردان،و به دست او گردنکشان کفر،و تکیه گاهها و ستونهای آن را به قتل برسان،و به وسیلۀ او سران گمراهی،و پدیدآورندگان بدعت،و میرانندگان سنّت،و تقویت کنندگان باطل را درهم شکن،و به دست او گردنکشان را خوار کن،و کافران و تمام بی دینان را نابود ساز،در مشرقهای زمین و مغربهایش،و خشکیها و دریاهایش،و هموارها و کوههایش،تا دیاری از آنان،و آثاری از ایشان را باقی نگذاری.خدایا کشورهایت را از وجود آلودۀ آنان پاک کن،و با محو ایشان شفا ده بندگانت را،و مؤمنان را به وجود آن حضرت عزیز گردان،و روشهای رسولان و احکام کهنۀ پیامبران را

به او زنده کن،و به وسیلۀ او آنچه را از دینت محو شده و از قانونت تغییر یافته،تجدید فرما،تا دینت را به وجود او بازگردانی،و بر دو دست او جدید و تازه و خالص و صحیح نمایی که کجی در آن دیده نشود و بدعت و پیرایه ای همراهش نباشد،تا اینکه با عدالتش تاریکیهای نابرابری را روشن کنی،و به وسیلۀ او آتشهای کفر را خاموش نمایی،و گره بندهای حق،و ناشناخته عدالت را به او روشن سازی،زیرا او بندۀ توست،بنده ای که او را برای خود برگزیدی،و او را برای غیب خود انتخاب نمودی،و از گناهان بازش داشتی و از عیبها پاکیزه اش کردی،و از آلودگی پاکش فرمودی،و از چرکینی سالمش نمودی.خدایا ما در روز قیامت،و روز فرارسیدن حادثۀ بزرگ،برای او گواهی می دهیم،که گناهی انجام نداد،و بزمی نیاورد،و مرتکب معصیتی نشد،و طاعتی را در پیشگاه تو تباه نکرد،و حرمتی را از تو هتک نکرد،و فریضه ای را دگرگون نساخت،و آیینی را تغییر نداد،و به درستی که اوست راهنمای،راه یافته،پاک،پرهیزگار،بی عیب،دوستدار،پاکیزه،خدایا به او عطا کن،در وجودش و اهلش،و فرزندان و نژادش و امت و همه رعیتش،چیزی که چشمش را به آن روشن کنی،و وجودش را به آن خوشحال نمایی،و برای او گردآوری،فرمانروایی همۀ مملکتها را نزدیک و دورش را،و نیرومند و خوارش را،تا فرمانش را بر فراز هر فرمانی جاری سازی،و حق او را بر هر باطلی چیره گردانی.خدایا ما را به دو دست آن بزرگوار به راه هدایت،و جادّه بزرگتر،و طریقۀ معتدل بدار،که گمراه تندرو به آن بار گردد،و عقب مانده،خود را به آن ملحق نماید،و بر طاعتش نیرویمان بخش،و بر پیروی اش پابرجایمان کن و به متابعتش بر ما منّت بنه،و ما را در گروه او قرار بده،آن گروهی که به شدّت قیام کننده به دستورش هستند،و همراه او شکیبا می باشند،و با خیرخواهی اش

جویندگان خشنودی تواند،تا ما را در روز قیامت،در شمار یاران و مددکاران،و تقویت کنندگان حکومتش محشور نمایی و این واقعیت را برای ما،خالص از هر شک و شبهه و خودنمایی،و شهرت طلبی قرار بده،تا در این کار به غیر تو اعتماد نکنیم،و به آن جز خشنودی تو را نخواهیم،و تا جایی ما را به جایگاه او وارد کنی،و در بهشت با او قرار دهی،و از خستگی و کسالت و سیتی پناهمان ده،و ما را از کسانی قرار ده که به دست آنها برای دینت پیروزی آوری،و یاری ولیّ ات را به آنها نیرومند سازی،و ما در این زمینه با دیگران عوض مکن،زیرا عوض کردن ما با دیگران بر تو آسان،ولی بر ما کار بسیار دشوار است.خدایا بر متولّیان عهدش،و پیشوایان پس از او درود فرست،و آنان را به آرزوهایشان برسان،و در عمرش بیفزا،و پیروزیشان را نیرومند ساز،و برای آنان کامل کن،آنچه از دستوراتت به آنان مستند کردی،و پایه های حکومتشان را ثابت بدار،و ما را از مددکاران آنان،و نسبت به دینت از یاوران قرار ده،به درستی که آنانند،معادن کلماتت،و خزانه داران دانشت،و پایه های توحیدت،و استوانه های دینت،و زبده های از بندگانت، و برگزیدگان از آفریدگانت،و اولیایت و گزیده های دوستانت،و انتخاب شده فرزندان پیامبرت و سلام و رحمت و برکات خدا بر او و بر آنان باد.

فصل در زیارات جامعه و دعایی که پس از آن زیارت خوانده می شود و صلوات بر حجج طاهره علیهم السّلام و این فصل دربر دارندهٔ چند مقام است:

اشاره

ص:828

[مقام اول:در زیارات جامعه(هر امامی را می توان به آن زیارت کرد)]

اشاره

مقام اول:در زیارات جامعه:که هر امامی را می توان به آن زیارت کرد و این زیارات بسیار است که ما به ذکر چند نمونه از میان آنها اکتفا می کنیم

[زیارت اول:زیارتی که شیخ صدوق از امام رضا علیه السلام نقل کرده...]

زیارت اول:شیخ صدوق در کتاب«من لا یحضره الفقیه»روایت کرده:که از حضرت رضا علیه السّلام در باب آمدن نزد قبر حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام پرسیدند،آن حضرت فرمود:در مساجدی که در اطراف آن قبر آن حضرت است نماز بگذارید.و در همهٔ مواضع جایز است:یعنی در زیارت هر یک از امامان علیهم السّلام یا مطلق مزارهای شریفهٔ مقدّسه،مانند مراقد[آرامگاههای] پیامبران و سایر اوصیا علیهم السّلام کما هو الظاهر،و اینکه بگوئید:سلام بر اولیای خدا و برگزیدگانش،سلام بر امینان خدا و دوستانش،سلام بر یاران خدا و خلیفه گانش،سلام بر امینان خدا و دوستانش،سلام بر یاران خدا و خلیفه هایش،سلام بر جاهگاه های معرفت خدا، سلام بر خانه های ذکر خدا،سلام بر آشکارکنندگان امر و نهی خدا،سلام بر دعوت کنندگان به سوی خدا،سلام بر استقراریافتگان در عرصهٔ رضایت خدا،سلام بر مخلصان در طاعت خدا،سلام بر راهنمایان به سوی خدا،سلام بر آنان که هرکه دوستشان داشته،خدا را دوست داشته،و هرکه دشمنشان داشته،خدا را دشمن داشته،و هرکه آنان را شناخت،خدا را شناخته،و هرکه آنان را نشناخت،خدا را نشناخته و هر که به آنان چنگ زد،در حقیقت به خدا چنگ زده،و هرکه آنان را ترک گفت،همان خدای عزّ و جلّ را ترک گفته است،و خدا را گواه می گیرم که من در صلحم با هر که شما با او در صلح هستید،و در جنگم با هر که شما با او در جنگید،به پنهان و آشکار شما ایمان دارم،و اختیار همهٔ این امور را واگذارنده به شمایم،خدا دشمن خاندان محمد را،از جنّ و انس لعنت کند،از ایشان به جانب خدا بیزاری می جویم،و درود خدا بر محمّد و خاندانش.این زیارت در کتابهای«کافی»و«تهذیب»و«کامل الزیارت»نقل شده،و در همهٔ کتابها پس از پایان

زیارت،مذکور است،که این یعنی این کلماتی که ذکر شد در همهٔ زیارتها مجزی است.و بر محمّد و خاندان محمّد علیهم السّلام بسیار صلوات می فرستی،و یک یک را به نامهای خودشان نام می بری و از دشمنانشان بیزاری می جویی،و هر دعایی که می خواهی برای خود،و مردان و زنان با ایمان اختیار می کنی.مؤلّف گوید:ظاهرا این باقیمانده«یعنی جملهٔ:در همهٔ زیارتها مجزی است» جزو روایت و از کلام معصوم علیه السّلام است،ولی اگر فرض کنیم این باقیمانده خارج از روایت باشد و بگوییم عبارت و کلام بعضی از راویان است،باز هم مطمئن هستیم به اینکه زیارت،زیارت جامعه است،چون بزرگان مشایخ حدیث،چنین فهمیده اند،که در همهٔ زیارتها مجزی است چنان که ظاهر ابتدای حدیث بر آن دلالت دارد،پس آن را در باب زیارات جامعه نقل کرده اند،و تعابیر وارده در زیارت،نیز تماما از صفات جامعه است،که اختصاص به بعضی غیر بعض دیگر ندارد، پس مناسب است در تمام مشاهد مشرّفه،به آن زیارت،زیارت شود،حتی مشاهد انبیا و اوصیا چنان که جمعی از علما در مشهد جناب یونس علیه السّلام نقل کرده اند.و چون در ذیل زیارت،امر به صلوات بر هر یک از امامان علیهم السّلام شد،صلواتی مخصوص به خود آن امام وارد شده است،اگر صلوات منسبوب به ابو الحسن ضرّاب اصفهانی را،که در آخر اعمال روز جمعه نقل کردیم[صحفه 63]بخوانی، بسیار مناسب است.

[زیارت دوم:زیارت جامعه کبیره]

اشاره

زیارت جامعهٔ کبیره زیارت دوم:شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه و عیون اخبار الرضا از موسی بن عبد اللّه نخعی روایت کرده که گفت خدمت حضرت هادی علیه السّلام عرض کردم:یا ابن رسول اللّه،مرا زیارتی با بلاغت تعلیم فرما که کامل باشد،تا اینکه هرگاه خواستم یکی از شما را زیارت کنم،آن را بخوانم.فرمود:چون به درگاه حرم رسیدی،بیایست و شهادتین را بگو یعنی:

گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست،یگانه و شریکی ندارد،و گواهی که محمد بنده و فرستادهٔ اوست.در این هنگام باید با حالت غسل باشی،چون داخل حرم شوی،و قبر را ببینی بایست و سی مرتبه اللّه اکبر بگو،سپس اندکی با آرامش و وقار راه برو،و در این راه رفتن،گامها را نزدیک یکدیگر گذار،آنگاه بایست و سی مرتبه اللّه اکبر بگو،پس نزدیک قبر

مطهّر برو و چهل مرتبه اللّه اکبر بگو،تا صد تکبیر کامل شود.و شاید چنان که مجلسی اول فرموده:وجه این صد تکبیر این باشد،که اکثر

ص:830

طبایع مردم مایل به غلّو در حق محبوبان خود هستند،مبادا از عبارات امثال این زیارت گرفتار غلو و افراط در اعتقاد و سخن شوند،یا از بزرگی حق تعالی غافل گردند یا غیر این امور.پس بگو:

سلام بر شما ای اهل بیت نبوّت،و جایگاه رسالت،و عرصهٔ رفت و آمد فرشتگان،و مرکز فرود آمدن وحی و معدن رحمت،و خزانه داران بهشت،و نهایت بردباری،و ریشه های کرم،و رهبران امّتها،و سرپرستان نعمتها،و بنیادهای نیکان،و استوانه های خوبان،و رهبران سیاسی بندگان،و پایه های کشورها،و درهای ایمان،و امینان خدای رحمان،و چکیدهٔ پیامبران،و برگزیدهٔ رسولان،و عترت بهترین گزیدهٔ پروردگار جهانیان و رحمت و برکات خدا بر آنان باد،سلام بر پیشوایان هدایت،و چراغهای تاریکی،و پرچمهای پرهیزگاری،و صاحبان خرد،و دارندگان خد زیرکی،و پناهگاه مردمان،و وارثان پیامبران،و نمونهٔ برتر،و دعوت نیکوتر و حجّتهای خدا بر اهل دنیا و آخرت و این جهان،و رحمت و برکات خدا بر آنان باد،سلام بر جایگاههای شناخت خدا،و مسکنهای برکت خدا،و معدنهای حکمت خدا،و نگهبانان راز خدا،و حاملان کتاب خدا،و جانشینان پیامبر خدا،و فرزندان رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش)،و رحمت و برکات خدا بر آنان باد سلام بر دعوت کنندگان به سوی خدا،و راهنمایان بر خشنودی خدا،و استقراریافتگان در امر خدا،و کاملان در محبّت خدا،و مخلصان در توحید خدا،و آشکارکنندگان امر و نهی خدا،و بندگان گرامی خدا

ص:831

آنان که به گفتار بر خدا پیشی نمی گیرند،و به دستورش عمل می کنند،و رحمت و برکات خدا بر آنان باد،سلام بر پیشوایان دعوت کننده،و پیشروان هدایت کننده،و سروران سرپرست،و مدافعان حمایت کننده،و اهل ذکر و صاحبان فرمان و باقیمانۀ خدا و برگزیدگان او،و گروه و صندوق دانش حق،و حجّت و راه و نور و برهان خدا،و رحمت و برکات خدا بر آنان باد،گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست،یگانه است،و برای او شریکی نیست،چنان که خدا برای خویش گواهی داده، فرشتگانش و دانشمندان از بندگانش برای او گواهی دادند،معبودی جز او نیست،عزیز و حکیم است،و گواهی می دهم که محمد بندۀ برگزیده،و فرستادۀ پسندیده اوست،او را به هدایت و دین حق فرستاد،تا بر همۀ آیینها پیروزش گرداند هرچند مشرکان ناخوش دارند،و گواهی می دهم که شمایید پیشوایان راهنما،راه یافته،معصوم،مکرّم،مقرّب پرهیزگار،راستگو،برگزیده،فرمانبردار خدا،قیام کننده به فرمانش،عمل کننده به خواسته اش دست یافته به کرامتش،شما را با دانشش برگزید،و برای غیبش پسندید،و برای رازش انتخاب کرد،و به قدرتش اختیار کرد،و به هدایتش عزیز نمود،و برهانش اختصاص داد،و برای نورش برگزید،و به روحش تأیید فرمود و شما را پسندید برای جانشینی در زمینش،و دلایل محکمی بر مخلوقاتش،و یاورانی برای دینش،و نگهبانانی برای رازش،و خزانه دارانی برای دانشش،و محل نگهداری برای حکمتش،و مفسّران وحیش،و پایه های یگانه پرستی اش،و گواهانی بر خلقش و پرچمهایی برای بندگانش،و مراکز نوری در کشورهایش،و راهنمایانی بر راهش،خدا شما را از لغزشها حفظ کرد،و

از فتنه ها ایمن داشت،و از آلودگی پاک کرد،و پلیدی را از شما ببرد،و پاکتان نمود،پاک کردنی شایسته پس شما هم عظیم شمردید،شوکتش را،و بزرگ دانستید مقامش را،و ستودید کرمش را،و ادامه دادید ذکرش را،و استوار نمودید پیمانش را،و محکم کردید گره طاعتش را،و در نهان و آشکار برای او خیرخواهی نمودید،و مردم را با حکمت و پند نیکو به راه او دعوت کردید،و جان خود را در خشنودی او نثار نمودید،و بر آنچه در کنار او به شما دررسید صبر کردید و نماز را بپا داشتید،و زکات پرداختید،و به معروف امر نمودید،و از منکر نهی کردید،و جهاد فی اللّه نمودید،آن گونه که شایسته بود،تا دعوتش را آشکار کردید،و واجباتش را بیان فرمودید،و حدودش را بر پا داشتید،و قوانین احکامش را پخش نمودید،و روش او را انجام دادید،و در این امور از جانب خدا به مقام رضا دررسیدید،و تسلیم قضای او گشتید،و رسولان گذشته او را تصدیق نمودید،پس روگردان از شما خارج از دین،و ملازمتان ملحق شونده به شما،و کوتاهی کننده در حقّتان قرین نابودی است،و حق همراه شما و در شما و از شما و به سوی شماست،و شما اهل حق و سرچشمۀ آن هستید و میراث نبوّت نزد شماست،و بازگشت خلق به سوی شما،و حسابشان با شماست،و سخن جدا کنندۀ حق از باطل نزد شماست،آیات خدا پیش شما،و تصیمات قطعی اش در شما،و نور و برهانش نزد شماست،و امر او متوجه شماست،آن که شما را دوست داشت،خدا را دوست داشته،و هر که شما را دشمن داشت خدا را دشمن داشته،و هر که به شما محبّت ورزید به خدا محبت ورزیده و هرکه با شما کینه توزی نمود،با خدا کینه ورزی نموده است،و هرکه به شما چنگ زد،به خدا چنگ زده است،شمایید راه راست تر

و گواهان خانۀ فنا،و شفیعان خانۀ بقا،و رحمت پیوسته،و نشانۀ انباشته و امانت نگاه داشته،و درگاه حقّی که مردم به آن آزموده می شوند،آنکه به سوی شما آمد نجات یافت،و هرکه نیامد هلاک شد،شما مردم را به سوی خدا می خوانید،و به وجود او راهنمایی می کنید،و همواره در حال ایمان به او هستید،و تسلیم او می باشید،و به فرمانش عمل می کنید،و به راهش ارشاد می نمایید و به گفته اش حکم می کنید،هرکه شما را دوست داشت،خوشبخت شد،و هرکه شما را دشمن داشت به هلاکت رسید،و هر که شما را انکار کرد زیانکار شد و هرکه از شما جدایی نمود گمراه گشت،هرکه به شما تمسّک جست به رستگاری رسید،و هرکه به شما پناه آورد ایمنی یافت،کسی که شما را تصدیق نمود سالم ماند،و هرکه متمسّک به شما شد هدایت یافت،کسی که از شما پیروز کرد،بهشت جای اوست،و هرکه با شما مخالفت ورزید،آتش جایگاه اوست،هرکه منکر شما شد کافر است،و هر که با شما جنگید مشرک است،و هر که شما را ردّ کرد،در پست ترین جایگاه از دوزخ است،گواهی می دهم که این شأن و مقام درگذشته برای شما پیشی داشت و برایتان در آیندۀ زمان جاری است،و همانا ارواح و نور و سرشت شما یکی است،پاکیزه و پاک شد،برخی از آن از برخی دیگر است،خدا شما را نورهایی آفرید،و گرداگرد،عرش خود قرار داد،تا با آوردشان به دنیا بر ما منّت نهاد،و قرارتان داد در خانه هایی که اجازه داد رفعت یابند و نام او در آنها ذکر شود،و درودهای ما بر شما قرار داد،و آنچه ما را از ولایت شما به آن مخصوص داشت،مایۀ پاکی برای خلقت ما،و طهارت برای جان ما،و تزکیه برای وجود ما،و کفارۀ گناهان ماست،پس ما در نزد خدا از تسلیم شدگان به فضل شما،و شناخته شدگان به تصدیق جایگاه شما بودیم،خدا شما را به شریفترین جایگاه گرامیان و برترین منازل مقرّبان،و رفیع ترین درجات فرستادگان برساند،چنان که از پی رسنده ای به آن نرسد،و بالا رونده ای به

آن راه نیابد،و سبقت گیرنده ای از آن پیشی نجوید،و طمع کننده ای در یافتن آن طمع نورزد،از آنجا که باقی نمی ماند ملک مقرّبی،و نه پیامبر مرسلی،و نه صدّیقی و نه شهیدی و نه دانایی و نه نادانی و نه پستی و نه والایی،و نه مؤمن شایسته ای،و نه فاجر بدکاری،و نه گردنکش لجوجی،و نه شیطان نافرمانی،و نه خلق دیگری که در این میان گواه باشد مگر اینکه خدا بر آنان بشناساند،جلالت امر شما،و عظمت مقام،و بزرگی شأن،و کامل بودن نور،و درستی مسندها و ثابت بودن مقام،و شرافت موقعیت،و منزلت شما را نزد خویش،و کرامتتان را بر او،و خصوصیتی که نزد او دارید و نزدیکی مقامی که نسبت به او برای شماست،پدر و مادرم و اهل و مال و طایفه ام فدای شما،خدا و شما را گواه می گیرم،که من به شما و به آنچه شما ایمان آوردید باور دارم،نسبت به دشمنتان و آنچه را شما به آن کفر ورزیدید کافرم،بینایم به مقام شما،و به گمراهی آنکه با شما مخالفت کرد،دوستدار شما و دوستان شمایم،خشمناک نسبت به دشمنان شما و دشمن آنانم،در صلحم با هرکه با شما در صلح است و در جنگم با هر که با شما جنگید،حق می دانم آنچه را شما حق دانستید،و باطل می دانم آنچه را شما باطل دانستید،به فرمان شمایم،عارف به حقّتان هستم،به برتری شما اقرار دارم،تحملّ کنندۀ دانش شمایم،پرده نشین پیمان و حرمت شما می باشم،به شما معترفم،به بازگشتتان مؤمنم،رجعتتان را تصدیق دارم چشم به راه فرمان شمایم،در انتظار حکومت شما به سر می برم،گیرنده گفتۀ شما هستم،عمل کننده به فرمان شما می باشم،پناهنده به شمایم،زائر شما هستم،ملتجی و پناهنده به قبر شمایم،خواهنده شفاعت به درگاه خدای عزّ و جلّ به وسیلۀ شما می باشم،و به سوی او به سبب شما تقرّب می جویم،و مقدّم کنندۀ شما پیش روزی خواسته ام و حاجاتم و ارادتم در همۀ احوال و امورم،به نهان و آشکارتان،و حاضر و

غائبتان،و اوّل و آخرتان ایمان دارم،و در همۀ اینها واگذارندۀ کار به شمایم،و در اینها به همراه شما تسلیم،دلم تسلیم شماست،رأیم تابع شماست،و یاری ام برای شما مهیّاست،تا زمانی که خدا دینش را به وسیلۀ شما زنده کند،و شما را در ایّامش بازگرداند،و برای عدالتش آشکارتان نماید،و در زمینش پابرجایتان فرماید،پس با شمایم با شما،نه با غیر شما به شما ایمان آوردم،آخری شما را دوست دارم،همان طور که اوّلین شما را دوست داشتم،به سوی خدا از دشمنانتان بیزاری می جویم و و نیز بیزاری نمودم از جبت و طاغوت و شیاطین و گروهشان،آن ستم کنندگان به شما،و منکران حقّتان،و خارج شدگان از ولایتتان،و غصب کنندگان میراثتان،و شک کنندگان در حقانیتتان،و منحرف شوندگان از حضرتتان،و از هر آنچه به غیر شما وارد در دین شده و از دین نیست،و از هر اطاعت شده ای جز شما،و از رهبرانی که مردم را به آتش دوزخ می خوانند،پس خدا همیشه پابرجایم بدارد،تا که زنده ام بر مولات و محبّت و دین شما،و به اطاعت از شما موفّقم فرماید،و شفاعت شما را نصیبم کند و مرا از برگزیدگان دوستان قرار دهد،و از پیروی کنندگان نسبت به آنچه شما به آن دعوت کردید،و مرا از آنانی قرار دهد که از آثار شما متابعت می کنند و به راه شما می روند،و به هدایت شما هدایت می جویند،و در گروه شما محشور می شوند،و در زمان رجعتتان دوباره به دنیا بازمی گردد،و در دولت شما به فرمانروایی می رسند،و در دوران سلامت کامل شما مفتخر می گردند،و در روزگار شما اقتدار می یابند،و فردا چشمشان به دیدار شما روشن می شود،پدر و مادر و جان و خانواده و مالم فدای شما،هرکه آهنگ خدا کند،به وسیلۀ شما آغاز می کند،و هرکه او را به یکتایی پرستد،طریق توحیدش را از شما می پذیرد،و هرکه قصد حق کند.به شما توجه می نماید،ای سرورانم،نمی توانم ثنای شما را شماره کنم،و در امر مداح گفتن قدرت رسیدن به حقیقت شما را ندارم،و در مقام وصف نمودن،توانایی

بیان منزلت شما در من نیست،و حال آنکه شما نور خوبان و هادیان نیکان و حجّتهای خدای جبّارید،خدا با شما آغاز کرد،و با شما ختم می کند،و به خاطر شما باران فرو می ریزد،و تنها برای شما آسمان را از اینکه بر زمین فرو افتد نگاه می دارد،مگر با اجازه خودش،و به وسیله شما اندوه را می زداید،و سختی را برطرف می نماید،و نزد شماست آنچه را بر رسولانش نازل فرموده،و فرشتگانش به زمین فرود آورده اند،و به جانب جد شما(و اگر زیارت امیر مؤمنان علیه السّلام باشد،به جای«والی جدّکم»بگو:و به سوی برادرت)روح المین برانگیخته شد،خدا آنچه به شما عنایت کرده به احدی از جهانیان مرحمت نفرموده،هر شرافتمندی در برابر شما سر به زیر انداخته،و هر متکبّری در مقابل طاعت شما گردن نهاده،و هر جبّاری نسبت به برتری شما فروتن گشته است،و هر چیزی برای شما خوار شده است،و زمین به نورتان روشن گشت،و رسیدگان به ولایت شما رستگار شدند با شما راه به سوی بهشت را می توان پیمود،خشم حضرت رحمان است بر کسی که منکر ولایت شما شد،پدر و مادر و جان و اهل و مالم فدای شما باد،یاد شما در قلوب یادکنندگان،و نامتان در نامها،و تن هایتان در تن ها،و ارواحتان در ارواح،و جانهایتان در جانها،و آثارتان در آثار،و قبرهایتان در قبرهاست،چه شیرین است نامهایتان،و گرامی است جانهایتان،و بزرگ است مقامتان،و عظیم است مرتبه بلندتان،و با وفاست پیمانتان،و راست است وعده تان،سخن شما نور،و دستورتان راهنما،و سفارشتان تقوا،و کارتان،خیر،و روشتان احسان،و اخلاق و خویتان بزرگواری،و کار و رفتارتان حق و راستی و مدارا،و گفتارتان حکم و حتم،و رأیتان دانش و بردباری و دوراندیشی است،اگر از خوبی یاد شود،آغاز و ریشه و شاخه و سرچشمه و جایگاه و نهایتش شمایید،پدر و

ص:837

و مادر و جانم فدای شما،چگونه ثنای نیکوی شما را وصف کنم،و آزمایشهای زیبای شما را بشمارم،خدا ما را به وسیلۀ شما از خواری درآورد،و غمهای غرق کننده را از ما زدود،و ما را از پرتگاه هلاکتها و آتش دوزخ رهانید،پدر و مادر و جانم فدای شما،خدا در پرتو دوستی شما،دستورات دینمان را به ما آموخت،و از دنیایمان آنچه که فاسد شده بود،اصلاح نموده، و به موالات شما دین کامل شد،و نعمت عظمت یافت،و جدایی به گردهمایی رسید،و به مولات شما طاعت واجب شده پذیرفته می گردد،و برای شماست موّدت واجب،و درجات بلند،و مقام پسندیده،و جایگاه معلوم نزد خدای عزّ و جلّ،و شرف عظیم،و رتبۀ کبیر،و شفاعت پذیرفته،ای پروردگار ما به آنچه نازل فرمودی ایمان آوردیم،و از پیامبر پیروی کردیم،پس ما را در شمار گواهان بنویس،ای پروردگار ما،دلهای ما را پس از اینکه هدایت نمودی منحرف مکن،و به ما از نزد خود رحمت ببخش،همانا تو بسیار بخشنده ای،منزّه است پروردگار ما،که وعدۀ پروردگار ما امری انجام یافته است ای ولیّ خدا به درستی که بین من و خدای عزّ و جلّ گناهانی است که آنها را جز رضایت شما پاک نمی کند،پس به حقّ خدایی که شما را امین بر راز خود قرار داد،و زیر نظر گرفتن،زندگی بندگانش را از شما خواست،و طاعت خود را به طاعت شما مقرون نمود،هرآینه بخشش گناهانم را از خدا بخواهید و شفیعان من شوید،که من فرمانبردار شمایم،کسی که شما را اطاعت کرد،خدا را اطاعت نموده،و هر که از شما نافرمانی نمود،خدا را نافرمانی کرده است،و هرکه شما را دوست داشت،خدا را دوست داشته،و هر که شما را دشمن داشت خدا را دشمن داشته است.خدایا اگر من شفیعانی را به درگاه تو نزدیک تر از محمّد و اهل بیتش،آن خوبان و پیشوایان و نیکان می یافتم،آنها را شفیعان خود قرار می دادم

ص:838

پس به حقشّان که برای آنان بر خود واجب کرده ای،مرا در گروه عارفان به آنها و آشنای به حقّشان،و در شمار رحم شدگان به شفاعت آن بزرگواران وارد کن،به درستی که تو مهربان ترین مهربانانی،و درود خدا بر محمّد و خاندان پاکش و سلام خدا،سلامی بسیار،بر آنان باد،و خدا ما را بس است،و نیکو کارگشایی است.

[حکایت سید رشتی]

مؤلّف گوید:این زیارت را شیخ هم در کتاب«تهذیب»نقل کرده،و علما بعد از این دعا دعای و داعی نقل کرده اند که ما آن را به ملاحظ اختصار ذکر نکردیم.این زیارت چنان که،علاّمۀ مجلسی فرموده،بهترین زیارات جامعه،از جهت متن و سند و فصاحت و بلاغت است،و والد بزرگوارش در شرح من لا یحضره الفقیه فرموده:این زیارت احسن و اکمل زیارات است.و من تا در عتبات عالیات بودم،ائمه علیهم السّلام را زیارت نکردم،مگر با این زیارت.شیخ ما در کتاب «نجم الثاقب»حکاتی نقل کرده که از آن استفاده می شود،باید به خواندن این زیارت مواظبت کرد،و از آن غافل نشد،و آن حکایت چنین است:جناب مستطاب تقیّ صالح،سید احمد بن سیّد هاشم بن سیّد حسن موسوی رشتی،تاجر ساکن رشت(ایّده اللّه)تقریبا در هفتده سال پیش،به نجف اشرف مشرّف شد،و با عالم ربّانی و فاضل صمدانی،شیخ علی رشتی(طاب ثراه) که در حکایت آینده ان شاء اللّه ذکر خواهند شد به منزل حقیر آمدند،چون برخاستند،شیخ به صلاح و سداد سیّد احمد بن هاشم اشاره کرد،و فرمود داستان شگفتی دارد،ولی در آن وقت مجال بیان نبود.پس از چند روزی شیخ علی را ملاقات کردم،فرمود سیّد رفت،اما داستان را با قسمتی از حالات سیّد برایم نقل کرد،از نشنیدن آنها از خود او،بسیار تأسف خوردم،گرچه مقام شیخ(رحمه اللّه علیه)بزرگتر از آن بود،که اندکی احتمال خلاف در نقل ایشان برود،و از آن سال تا چند ماه قبل این مطلب در خاطرم بود،تا در ماه جمادی الآخر این سال،از نجف اشرف برگشته بودم،در کاظمین سیّد صالح سیّد احمد بن سید هاشم را ملاقات کردم،که از سامره بازگشته،عازم ایران بود،پس شرح حال او را چنان که شنیده بودم پرسیدم،از آن جمله داستان معهود را مطابق شنیده من بیان کرد،و آن داستان این است که گفت:در سال هزار و دویست و هشتاد به قصد حجّ بیت اللّه الحرام از دار المرز رشت،به تبریز آمدم،و در خانۀ حاج صفر علی تاجر معروف تبریزی منزل کردم

چون قافله نبود سرگردان ماندم،تا حاجی جبّار جلودار سدهی اصفهانی قافله ای را جهت رفتن به«طرابوزن»حرکت داد،به تنهایی از او مرکبی را کرایه نمودم و حرکت کردم.وقتی به منزل اول رسیدیم،سه نفر دیگر به تشویق حاج صفر علی به من ملحق شدند،حاج ملاّ باقر تبریزی،که به نیابت از جانب دیگران حج انجام می داد،و نزد علما معروف بود، و حاج سید حسین تاجر تبریزی،و مردی به نام حاج علی،که کارش خدمت به افراد بود،به اتفاق روانه شدیم تا به«ارزنه الروم»رسیدیم،و از آنجا عازم«طرابوزن»شدیم،در یکی از منازل بین این دو شهر،حاجی جبّار جلودار نزد ما آمد و گفت:این منزل که در پیش داریم بس ترسناک است،زودتر بار کنید که همراه قافله باشید،چون در سایر منازل غالبا با رعایت مقداری فاصله،به دنبال قافله حرکت می کردیم،ما هم حدود دو ساعت و نیم،یا سه ساعت به صبح مانده به اتّفاق قافله حرکت کردیم،به اندازۀ نیم یا سه ربع فرسخ از محل حرکت دور شده بودیم،که هوا تاریک شد،و به طوری برف گرفت،که دوستان هر کدام سر خود را پوشانده به سرعت راندند،من هرچه تلاش کردم با آنها بروم ممکن نشد تا آنکه آنها رفتند و من تنها شدم،از اسب فرو آمده،در کنار راه نشستم،درحالی که به شدت مضطرب بودم،زیرا نزدیک به ششصد تومان برای مخارج راه همراه داشتم،و نمی دانستم عاقبت کار چه خواهد شد؟!پس از تأمّل و تفکّر،بنا را بر این گذاشتم که در همین موضع بمانم،تا سپیده طلوع کند،سپس به همان محلی که از آنجا حرکت کردیم بازگردم،و از آنجا چند نفر نگهبان همراه خود برداشته،به قافله ملحق شوم،در آن حال در برابر خود باغی دیدم،و در آن باغ باغبانی بیل به دست به درختان بیل می زد که برفش بریزد،به طرف من آمد،به اندازۀ فاصلۀ کمی ایستاد و فرمود:کیستی؟ عرض کردم:دوستان رفتند،و من جا مانده ام،اطلاعی از جاده ندارم،مسیر را گم کرده ام،به زبان فارسی فرمود:نافله بخوان تا راه پیدا کنی من مشغول نافله شدم،پس از فراغت از تهجّد،دوباره آمد و فرمود:نرفتی،گفتم:و اللّه راه را نمی دانم،فرمود:جامعه بخوان،من جامعه را حفظ نداشتم،و تاکنون هم حفظ ندارم،با آنکه مکرّر به زیارت عتبات مشرّف شده ام،از جای برخاستم و تمام زیارت جامعه را از حفظ خواندم،باز نمایان شد و فرمود:نرفتی،هنوز هستی؟بی اختیار گریستم و گفتم:هستم راه را نمی دانم،فرمود:عاشورا بخوان،و عاشورا را نیز از حفظ نداشتم،و تاکنون نیز ندارم،پس برخاستم و از حفظ مشغول زیارت

عاشورا شدم،تا آنکه تمام لعن و سلام و دعای علقمه را خواندم،دیدم باز آمد و فرمود:نرفتی،هستی؟گفتم:

نه تا صبح هستم،فرمود:من اکنون تا را به قافله می رسانم،رفت بر الاغی سوار شد،و بیل خود را به دوش گرفت،و فرمود:ردیف من بر الاغ سوار شو.سوار شدم،آنگاه عنان اسب خود را کشیدم،مقاومت کرد،و حرکت نکرد،فرمود عنان اسب را به من بده،دادم،پس بیل را به دوش چپ گذاشت،و عنان اسب را به دست راست گرفت،و به راه افتاد،اسب در نهایت تمکین متابعت کرد،آنگاه دست خود را بر زانوی من گذاشت و فرمود:شما چرا نافله نمی خوانید؟سه مرتبه فرمود:

نافله،نافله،نافله

و باز فرمود:شما چرا عاشورا نمی خوانید؟سه مرتبه فرمود:

عاشورا،عاشورا،عاشورا

و بعد فرمود:شما چرا جامعه نمی خوانید؟

جامعه،جامعه،جامعه

و در هنگامی طی مسافت دایره وار راه را پیمود،یک مرتبه برگشت و فرمود:اینانند دوستان شما،که در کنار نهر آبی فرود آمده،مشغول وضو برای نماز صبح هستند!من از الاغ پیاده شدم،که سوار مرکب خود شوم ولی نتوانستم،پس آن جناب پیاده شد و بیل را در برف فرو برد،و مرا بر مرکب نشاند،و سر اسب را به جانب دوستان بازگرداند،من در آن حال به این خیال افتادم که این شخص کیست که با من به زبان فارسی حرف زد؟ و حال آنکه در آن حدود زبانی جز ترکی و غالبا مذهبی جز مذهب عیسوی نبود،و او چگونه به این سرعت مرا به دوستانم رساند؟!پس به پشت سر خود نظر کردم،کسی را ندیدم،و از او اثری نیافتم،آنگاه به دوستان خود ملحق شدم.

ص:841

[زیارت سوم:زیارتی که سید ابن طاووس از امام صادق علیه السلام روایت کرده...]

زیارت سوم:زیارتی است که علاّمهٔ مجلسی آن را در کتاب تحفه الزائر،زیارت هشتم از زیارتهای جامعه قرار داده،و فرموده:این زیارتی است که سیّد ابن طاووس،در ضمن دعاهای عرفه از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده،و در هر زمان،و هر مکان که باشد می توان آن را خواند به ویژه در روز عرفه،و زیارت این است:

سلام بر تو ای رسول خدا،سلام بر تو ای پیامبر خدا،سلام بر تو ای برگزیدهٔ خدا از میان آفریدگان،و امین او بر وحی،سلام بر تو ای مولایم،ای امیر مؤمنان،سلام بر تو ای مولایم،تویی حجّت خدا بر بندگان خدا،و دروازهٔ علم خدا،و جانشین پیامبر خدا،و خلیفهٔ پس از او در امّتش خدا لعنت کند امّتی را که حق تو را غصب کردند،و به جای تو نشستند،من از آنان و پیروانشان بیزارم،سلام بر تو ای فاطمهٔ بتو،سلام بر تو ای زینت بانوان جهانیان سلام بر تو ای دختر رسول پروردگار جهانیان،درود خدا بر تو و بر او باد،سلام بر تو ای مادر حسن و حسین،خدا لعنت کند امّتی را که حقّ تو را غصب کردند،و تو را از آنچه خدا برایت حلال کرد منع نمودند،من به پیشگاه تو،از آنان و پیروانشان بیزارم،سلام بر تو ای مولایم،ای ابا محمّد حسن زکیّ،سلام بر تو ای مولایم،خدا لعنت کند امّتی را که تو را کشتند،و در کار کشتن تو با یکدیگر همدست و همکار شدند،من در درگاه تو از آنان و پیروانشان بیزارم،سلام بر تو ای مولایم،ای ابا عبد اللّه ای حسین بن علی،درود خدا بر تو،و بر پدر و جدّت محمّد(درود خدا بر او و

و خاندانش،خدا لعنت کند امّتی را که خون تو را حلال شمردند،و خدا لعنت کند امّتی را که تو را کشتند،و هتک حرمتت را مباح دانستند،و خدا لعنت کند همراهان و پیروانشان را،و خدا لعنت کند آنان را که زمینه های کار را برای قاتلان تو فراهم کردند،من به پیشگاه خدا و به محضر تو از آنان بیزارم،سلام بر تو ای مولایم ای ابا محمّد علی بن الحسین،سلام بر تو ای مولایم ای ابا جعفر محمد بن علی،سلام بر تو ای مولایم ای ابا عبد اللّه جعفر بن محمّد،سلام بر تو ای مولایم ای ابا الحسن موسی بن جعفر،سلام بر تو ای مولایم ای ابا الحسن علی بن موسی،سلام بر تو ای مولایم ای ابا جعفر محمد بن علی،سلام بر تو ای مولایم ای ابا الحسن علی بن محمّد،سلام بر تو ای مولایم ای ابا محمد حسن بن علی،سلام بر تو ای مولایم ای ابا القاسم،محمد بن حسن صاحب زمان،درود خدا بر تو بر عترت پاک و پاکیزه ات،ای سرپرستان من،شما در ریختن بار گناه و خطاهایم شفیعان من باشید،من به خدا و آنچه به شما نازل شده،ایمان آوردم،و دوست دارم آخرین شما را همان گونه که دوست دارم اولین شما را،و از جبت و طاغوت و لات و عزّی(نام بتهای زمان جاهلی در مکّه)بیزار شدم،ای سرپرستانم من در صلحم،با آنکه با شما صلح کرد،و در جنگم با آنکه با شما جنگید و دشمنم با کسی که با شما دشمنی ورزید،و دوستم با کسی که با شما دوستی کرد،تا روز قیامت،خدا ستم کنندگان بر شما و غاصبان حق شما را لعنت کند و خدا شیعیان و پیروان اهل مذهب آنان را لعنت نماید،من به پیشگاه خدا و شما،از آنان بیزاری می جویم.

[زیارت چهارم:زیارت معروف به امین اللّه]

زیارت چهارم:زیارت معروف به امین اللّه می باشد،که ابتدایش:السّلام علیک یا امین اللّه فی ارضه و حجته علی عباده اشهد انّک جاهدت فی اللّه تا پایان زیارت،که در زیارتهای حضرت امیر مؤمنان علیه السّلام گذشت،زیرا ما آن را زیارت دوم آن حضرت قرار دادیم

[زیارت پنجم:زیارت الحمد للّه الذی اشهدنا مشهد اولیائه فی رجب...]

زیارت پنجم:زیارت الحمد للّه الذی اشهدنا مشهد اولیائه فی رجب است که در اعمال ماه رجب ذکر شد.پس آنچه از زیارات جامعه در این کتاب مبارک است پنج زیارت است،و ان شاء اللّه تعالی کفایت می کند.

مقام دوم:در رابطه با دعایی است که پس از زیارت هر یک از امامان خوانده می شود

سیّد ابن طاووس فرموده:مستحب است این دعا بعد از زیارت ائمه علیهم السّلام خوانده شود:

خدایا اگر گناهانم مرا در پیشگاه تو بی آبرو نموده،و دعایم را از تو پوشانده،و میان من و تو پرده گشته،از تو می خواهم،که به سوی من با جلوهٔ کریمت رو آوری،و رحمتت را بر من بگسترانی،و برکاتت بر من نازل کنی،و اگر گناهانم مانع شده،که از من به جانب خود صدایی را بالا بری،یا برایم گناهی را بیامرزی،یا از خطای هلاک کننده ای گذشت کنی،اینک من آنم،که پناه جوینده به کرم جلوه،و عزّت توام،متوسّل به سوی تو،و متقرّب به جانب توام،به محبوبترین آفریده ات در پیشگاه تو،و گرامی ترینشان نزد تو،و شایسته ترینشان به تو،و فرمان بردارترینشان برای تو،و بزرگترینشان در منزلت و موقعیت نزد تو،محمّد،و به عترت پاکش،پیشوایان رهنما و ره یافته،آنان که طاعتشان را بر بندگانت واجب نمودی،و به مودّتشان امر فرمودی،و آنان را پس از پیامبرت،درود خدا بر بر او و خاندانش،متولیّان حکومت قرار دادی،ای خوارکننده هر گردنکش لجوج،و ای عزیز کننده مؤمنان،تاب و توانم به سر رسید،پس همین ساعت مرا ببخش،و رحمتی را از جانب خود به من عنایت کن،که با آن بر من منّت نهی،ای مهربان ترین مهربانان.پس ضریح را ببوس،و هر دو

طرف صورت خود را بر آن گذار و بگو:خدایا به درستی که این محل،زیارتگاهی است،که اگر کسی در اینجا رحمتت به او نرسد امید ندارد،که در جای دیگر به او رسد،و نه احدی بدبخت تر از کسی است،آرزوکنان اینجا را قصد کند،و از آن ناامید بازگردد.خدایا به تو پناه می آورم از شرّ چنان بازگشتی،و از نومیدی محلّ مراجعت[قیامت]و سخت گیری به هنگام حساب،از تو بعید است ای پروردگارم،که مقرون سازی طاعت،ولیّ ات را به طاعتت،و دوستی اش را به دوستی ات،و نافرمانی اش را به نافرمانی ات،سپس زائر او را ناامید کنی،و کسی که دوری شهرها را برای زیارت قبرش تحمّل نموده ناامید نمایی!!به عزّتت سوگند ای پروردگارم،که نهادم بر این کار منعقد نمی شود زیرا دلها به جانب تو به احسان اشاره کرده اند.سپس نماز زیارت بخوان،و چون خواستی وداع گویی،و از آنجا بازگردی بگو:سلام بر شما ای اهل بیت نبوّت،و سرچشمه رسالت،سلام وداع کننده،نه سلام خسته و خشمگین،و رحمت و برکات خدا بر شما باد.تا آخر،و شیخ مفید هم این دعا را نقل کرده است،ولی بعد از بالجمیل تشیر فرموده است:پس بگو:ای ولیّ خدا،همانا بین من و خدای عزّ و جلّ گناهانی است،که آنها را جز خشنودی تو از بین نمی برد،پس به جق آنکه تو را بر رازش امین قرار داده،و زیر نظر داشتن کار بندگانش را از تو خواسته،و طاعت تو را به طاعتش،و دوستی ات را به دوستی اش مقرون نموده،اصلاح حال مرا با خدای عزّ و جلّ به عهده گیر،و بهرۀ مرا از زیارتت،آمیختنم با زائران خالصت قرار ده،آنان که آزادی آنها را از عذاب قیامت،از خدا درخواست می کنی،و به او در خوبی پاداششان رغبت می نمایی،اینک من امروز به قبر تو پناهنده شده ام،و به خوبی دفاعت از من،به قبر تو پناه جسته ام،پس کار مرا تدارک کن ای مولایم و مرا دریاب،و از خدای

عزّ و جلّ،اصلاح در کارم را بخواه،که برای تو نزد خدای مقام کریم،و منزلتی عظیم است،درود و سلام خدا بر تو سلامی خاص و شایسته.

مؤلّف گوید:بهتر آن است که زائر در مشاهد مشرفه،چون بخواهد دعا کند،بلکه هر دعاکننده ای،در هر کجا که باشد،برای هر مطلب و حاجتی که بخواهد دعا نماید،بر دعای خود مقدم کند،دعا برای سلامتی وجود مقدّس حجّت عصر،حضرت صاحب الامر علیه السّلام را،و این مطلب،مطلبی بسیار مهم و دارای فواید فوق العاده است،که شرحش مناسب اینجا نیست.و مرحوم شیخ نوری،در باب دهم کتاب«نجم ثاقب»،این مطلب را مشروحان ذکر کرده،و بعضی از دعاهای مخصوص به این مقام را نوشته،هرکه می خواهد به آنجا رجوع کند،و مختصرترین آنها دعایی است،که در اعمال شب بیست و سوم ماه رمضان،در ضمن دعاهای شبهای دهۀ آخر ذکر شد،و نیز در ذکر آداب زائر امام حسین علیه السّلام دعایی نقل کردیم،که در همۀ مشاهد مشرّفه خوانده می شود.

مقام سوم:در صلوات بر حجج طاهره علیهم السّلام است.

اشاره

شیخ طوسی در کتاب«مصباح»در اعمال روز جمعه فرموده:جماعتی از اصحابمان،از ابو المفضّل شیبانی خبر دادند،که گفت:ابو محمّد عبد اللّه بن محمّد عابد بدالیه حدیثی نقل کرد و به زبان خویش گفت:از مولای خود امام حسن عسگری علیه السّلام در منزلشان در سرّمن رأی،سال دویست و پنجاه و پنج خواسته ام،که بر من املا فرماید،[یعنی کلمه کلمه بگوید]،کیفیّت فرستادن صلوات بر پیامبر و جانشینان آن حضرت را(صلوات اللّه علیهم)،و با خود کاغذ بزرگی حاضر کردم،پس بر من املا کرد با لفظ خود،بدون آنکه از کتابی ببیند.فرمود:

صلوات بر پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلم

خدایا بر محمّد درود فرست،چنان که وحی ات را به دوش جان کشید،و رسالات تو را به مردم رساند.و بر محمّد درود فرست همچنان که حلال کرد حلالت را

و حرام نمود حرامت را،و قرآنت را به مردم آموخت،و بر محمّد درود فرست،همچنان که نماز را بپا داشت،و زکات پرداخت،و به دینت دعوت نمود،و بر محمّد درود فرست،چنان که وعده ات را تصدیق کرد،و مردم را از تهدیدات بیم داد،و بر محمّد درود فرست،چنان که به خاطر او گناهان را آمرزیدی،و عیوب را پوشاندی،و گرفتاریها را برطرف ساختی،و بر محمّد درود فرست،چنان که بدبختی را به او دفع کردی،و غمگینی را به سبب وجود او زدودی،و دعا را اجابت فرمودی،و از بلا نجات دادی،و بر محمّد درود فرست،چنان که بندگان را به خاطر او رحم کردی،و کشورها را به او زنده نمودی،و گردنکشان را به وسیلهٔ او درهم شکستی،و فرعونها را هلاک کردی،و بر محمّد درود فرست،چنان که اموال را به او چند برادر فرمودی،و از هراسها پناه دادی،و بتها را شکستی،و به مردمان رحم نمودی،و بر محمّد درود فرست،چنان که او به بهترین دینها برانگیختی،و ایمان را به او عزّت دادی،و بتها را به وسیلهٔ او نابود کردی،و خانهٔ کعبه را به او عظمت دادی،و بر محمّد و اهل بیت پاک نیکوکارش درود و سلام فرست سلامی خاص و شایسته.

صلوات بر امیر مؤمنان علیه السّلام

خدایا بر امیر مؤمنان علی بن ابی طالب درود فرست،برادر پیامبرت و ولیّ و برگزیده اش،و وزیر و جایگاه سپردن دانشش،و موضع راز و درگاه حکمتش،و گویای به حجّت،و دعوت کننده به شریعتش و جانشین او در امّتش،و برطرف کنندهٔ رنج و اندوه از چهره اش،و درهم شکنندهٔ کافران،و به خاک مالندهٔ بینی بدکاران،آنکه

او را نسبت به پیامبرت به منزلۀ هارون از موسی قرار دادی.خدای دوست بدار هرکه دوستش دارد،و دشمن بدار هرکه دشمنش دارد،و یاری کن هر که یاری اش نماید،و خوار کن هرکه او را واگذارد،و لعنت کن هرکه به دشمنی اش برخاست،از پیشینیان و پسینیان،و بر او درود فرست برترین درودی که بر یکی از جانشینیان پیامبرت فرستادی،ای پروردگار جهانیان.

صلوات بر سرور بانوان فاطمه علیها السّلام

خدایا درود فرست،بر صدّیقه فاطمه زکیّه،محبوبۀ حبیبت،و پیامبرت،و مادر دوستانت و برگزیدگانت که او را انتخاب نمودی،و برتری دادی و برگزیدی،بر فراز بانوان جهانیان.خدای از کسانی که به او ستم کردند،و حق او را سبک شمردند،انتقامش را بگیر،و خونخواه خون فرزندانش باش.خدایا همچنان که او را مادر امامان هدایت و همسر صاحب پرچم در قیامت،و گرامی در انجمن والاتر قرار دادی،پس بر او و مادرش درود فرست،درودی که آبروی محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)را به آن گرامی بداری،و دیدۀ فرزندانش را روشن کنی،و برسان به ایشان از جانب من،در این ساعت برترین تحیّت و سلام را.

صلوات بر حسن و حسین علیهما السّلام

خدایا بر حسن و حسین درود فرست،دو بنده ات و دو نماینده ات،دو فرزند رسولت،دو فرزندزادۀ رحمت و دو سرور جوانان اهل بهشت،برترین درودی که بر یکی از فرزندان پیامبران و رسولان فرستادی

خدایا بر حسن درود فرست،فرزند سرور پیامبران،و جانشین امیر مؤمنان،سلام بر تو ای فرزند رسول خدا،سلام بر تو ای فرزند سرور جانشینان،گواهی می دهم ای فرزند امیر مؤمنان،که تو امین خدا و فرزند امین خدایی،مظلومانه زیستی،و شهید از دنیا رفتی،و گواهی می دهم که تویی امام پاکیزه راهنما،راه یافته.خدایا بر او درود فرست،و از جانب من در این ساعت به روح و جسدش بهترین تحیّت و سلام را برسان.خدایا بر حسین بن علی درود فرست،آن مظلوم شهید،کشتهٔ کافران،به خاک افتادهٔ بدکاران،سلام بر تو ای ابا عبد اللّه،سلام بر تو ای فرزند رسول خدا،سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان،به یقین گواهی می دهم که تو امین خدا،و فرزند امین خدایی،مظلومانه کشته شدی،و شهید از دنیا رفتی،و گوهی می دهم که خدای تعالی خواستار انتقام توست،و وفا کننده به وعده ای که به تو داده،بر یاری ات،و تأیید در نابودی دشمنت،و آشکار ساختن دعوتت.و گواهی می دهم که تو به عهد خدا وفا کردی،و در راه خدا جهاد نمودی،و مخلصانه خدا را عبادت کردی،تا مرگ تو را دررسید،خدا لعنت کند امّتی که تو را کشتند،و خدا لعنت کند امّتی را که دست از یاری ات کشیدند،و خدا لعنت کند امّتی که دیگران را علیه تو ترغیب کردند،به پیشگاه خدا بیزاری می جویم،از کسی که تو را تکذیب کرد،و حق تو را سبک شمرد،و خونت را حلا دانست،پدر و مادرم به فدایت ای ابا عبد اللّه،خدا لعنت کند قاتلت را،و لعنت کند دریغ کننده از یاری ات را،و خدا لعنت کند کسی را که فریادت را شنید و پاسخت را نداد،و یاری ات نکرد،و خدا لعنت کند کسی را که زنانت را اسیر کرد

ص:849

من به سوی خدا،از اینان بیزارم،و از هرکه دوستشان داشت،و از آنان پیروی نمود و یاری شان داد،و گواهی می دهم که تو و امامان از فرزندانت،کلمۀ تقوا و درگاه هدایت،و دستاویز محکم،و حجّت بر اهل دنیایید،و گواهی می دهم که من به شما مؤمن،و به مقام شما یقین دارم،و پیرو شمایم با تمام وجودم،و در قوانین دینم،و سرانجام عملم و بازگشتگاهم،در دنیا و آخرتم.

صلوات بر علی بن الحسین علیه السّلام

خدایا بر علی بن الحسین،سرور عبادت کنندگان درود فرست،که او را برای خود برگزیدی،و از نسل او امان هدایت را قرار دادی،امامانی که به حق هدایت می کنند،و به حق باز می گردند،او را برای خود انتخاب کردی،و از پلیدی پاکش ساختی،و برگزیدی،و او را راهنما و راه یافته قرار دادی.پس بر او درود فرست،بهترین درودی که بر یکی از فرزندان پیامبرانت فرستادی،تا او را به مقامی رسانی،که دیده اش به آن در دنیا آخرت روشن شود،که تو عزیز و حلیمی.

صلوات بر محمّد بن علی علیه السّلام

خدایا درود فرست بر محمّد بن علی،شکافندۀ دانش،و پیشوای هدایت،و رهبر اهل تقوا،و برگزیده از بندگانت.خدایا چنان که او را قرار دادی برای بندگانت نشانه،و برای کشورهایت مشعل نور،و محلّ سپردن حکمتت و تفسیرگرت وحی ات،و به فرمان بردن از او فرمان دادی،و از نافرمانی اش برحذر داشتی،پس بر او درود فرست،ای پروردگار

ص:850

برترین درودی که بر یکی از فرزندان پیامبرانت و برگزیدگانت،و رسولانت و امینهایت فرستادی،ای پروردگار جهانیان

صلوات بر جعفر بن محمد علیه السّلام

خدایا درود فرست،بر جعفر بن محمد صادق،خزانه دار دانش،دعوت کننده به سوی تو بر پایۀ حق،آن نور آشکار خدایا چنان که او را قرار دادی معدن کلامت،و وحی ات،و خزانه دار دانشت،و زبان توحیدت و سرپرست فرمانت،و نگهدارنده دینت،پس بر او درود فرست،بهترین درودی که بر یکی از برگزیدگانت،و حجّتهایت فرستادی که تو ستوده و بزرگواری.

صلوات بر موسی بن جعفر علیه السّلام

خدایا درود فرست بر امین مورد اعتماد،موسی بن جعفر،نیکوکار وفادار،پاک و پاکیزه،نور آشکار تلاش کننده،و عمل کننده،برای خدا،شکیبا بر آزار در راه تو.خدایا چنان که از سوی پدرانش،آنچه از امر و نهی تو،به او سپرده شده بود،به مردم رساند،و بندگانت را به راه روشن واداشت،و از اهل تکبّر و سرسختی،در اموری که از نادانان ملّت خود می دید،متحملّ زحمت و مصیبت شد،پس بر او درود فرست،برترین و کاملترین درودی که بر یکی از فرمانبران و خیرخواهان بندگانت فرستادی،به درستی که تو آمرزنده و مهربانی.

صلوات بر علی بن موسی علیه السّلام

خدایا درود فرست بر علی بن موسی،که او پسندیدی،و به وسیلهٔ او هرکه را از آفریدگانت خواستی،خشنود ساختی.و همچنان که او را قرار دادی،حجّت بر بندگانت،و قیام کننده به فرمانت،و یاور دینت،و گواه بر بندگانت،و چنان که برای آنان،در نهان و آشکار خیرخواهی نمود،و با حکمت و اندرز پسندیده،به راهت خواند،پس بر او درود فرست،برترین درودی که بر یکی از اولیایت،و برگزیدگان از آفریدگانت فرستادی،که تو بخشندهٔ کریمی.

صلوات بر محمد بن علی علیه السّلام

خدایا درود فرست بر محمّد بن علی بن موسی،نشانهٔ تقوا،و نور هدایت،و معدن وفا،و نژاد پاکان،و جانشین اوصیا،و امین تو بر وحی.خدایا چنان که به وسیلهٔ و مردم را از گمراهی به عرصه هدایت آوردی،و از سرگردانی رهایی بخشیدی،و به وجود او راهنمایی کردی هرکه را که هدایت یافت،و تربیت نمودی هرکه را که تربیت شد،پس بر او درود فرست،برترین درودی که بر یکی از اولیایت،و باقیماندهٔ اوصیایت فرستادی،به درستی که تو عزیز حکیمی.

صلوات بر علی بن محمد علیه السّلام

خدایا درود فرست بر علی بن محمد،جانشین اوصیا،و پیشوای پرهیزگاران،و یادگار امامان دین،و حجّت بر همهٔ آفریدگان.خدایا چنان که او را نوری قرار دادی،که مؤمنان به وسیلهٔ او روشنی جویند،پس به پاداش شایانت مژده داد،و به کیفر دردناکت بیم داد،و از صولتت برحذر داشت،و آیاتت را به یاد مردم انداخت،و حلالت را حلال و حرامت

را حرام کرد،و قوانین و واجباتت را بیان فرمود،و مردم را به بندگی ات ترغیب نمود و به طاعتت فرمان داد،و از نافرمانی ات بازداشت،پس بر او درود فرست،برترین درودی که بر یکی از اولیایت،و نسل پیامبرانت فرستادی،ای معبود جهانیان راوی این صلوات،ابو محمد یمنی گفت:چون حضرت عسگری علیه السّلام از ذکر صلوات بر پدرشان فارغ شد،و نوبت به خود آن جناب رسید،ساکت ماند،عرضه داشتم:کیفیت صلوات بر باقی را بفرمایید،فرمود:اگر نه این بود،که ذکر این نکته از نشانه های دین است و خدا ما را امر فرموده که به اهلش برسانیم،هرآینه دوست داشتم ساکت بمانم،ولی چون در بیان دین است پس بنویس.

صلوات بر حسن بن علی علیه السّلام

خدایا درود فرست بر حسن بن علی بن محمّد،نیکوکار،پرهیزگار،صادق،وفادار،نور تابنده،خزانه دار دانشت،به یاد اندازۀ توحیدت،و ولیّ امرت،و یادگار پیشوایان دین،آن راهنمایان رشد یافته،و حجّت بر اهل دنیا،پس بر او درود فرست،ای پروردگار،برترین درودی که بر یکی از برگزیدگان و حجّتهایت،و اولاد رسولانت فرستادی،ای معبود جهانیان.

صلوات بر ولی الامر المنتظر علیه السّلام

خدایا درود فرست بر نماینده ات و فرزند نمایندگانت،آنان که فرمانبرداری از آنها را لازم نمودی،و حقّشان را واجب گرداندی،و پلیدی را از آنها بردی،و پاکشان نمودی،پاک کردنی درخور و شایسته.خدایا یاری اش کن،و به وسیلۀ او برای دینت یاری رسان،و به دست او یاری فرما دوستانت و دوستانش و شیعیان و یاورانش را،و ما را از آنان قرار ده.خدایا به او پناه ده.از شرّ هر متجاوز و سرکش،و از شرّ همۀ

آفریدگانت،و او را حفظ کن،از پیش رویش و از پشت سرش،و از جانب راستش،و از طرف چپش،و نگهبانی اش کن و جلوگیری فرما از اینکه پیش آمد بدی به او در رسد،و پیامبرت و خاندان پیامبرت را در وجود او حفظ فرما،و عدالت را به او آشکار کن،و وی را با پیروزی تأیید کن،یاورش را یاری ده،و دریغ کننده از یاری اش را خوار گردان،و به دست او گردنکشان کفر را درهم شکن،و کافران و منافقان و تمام بی دینان را به قتل برسان،هر کجا هستند،در مشرقهای زمین و مغربهایش،در خشیها و دریاهایش و به وسیلهٔ او زمین را از عدالت پر کن،و دین پیامبرت(بر او و خاندانش درود باد)را به او نمایان فرما،و قرار ده مرا خدایا از یاران و مددکاران و پیروان و شیعیانش،و دربارهٔ خاندان محمّد به من بنمایان،آنچه را که آرزو دارند،و درباره دشمنانشان آنچه را که بیم دارند،ای معبود حق آمین.

خاتمه

اشاره

در بیان زیارت پیامبران عظام و امامزادگان عالی مقام و زیارت قبور مؤمنان اسکن اللّه دار السلام و مشتمل است،

بر سه بخش:

[بخش اول:در زیارت پیامبران عظام]

اشاره

بخش اول:در زیارت پیامبران عظام است.بدان که تکریم و تعظیم پیامبران علیهم السّلام عقلا و شرعا لازم(لا نفرّق بی احد من رسله)و زیارتشان،پسندیده و راجح است.علما به استحباب زیارت آن بزرگواران تصریح فرموده اند،و عدد آن بزرگواران گرچه بسیار،ولی قبرهای معلوم آنان بسیار اندک است،و قبور آنهایی که فعلا در خاطر خود حاضر دارم از این قرار است:حضرت آدم و حضرت نوح که این دو بزرگوار در مرقد منوّر حضرت امیر مؤمنان علیه السّلام مدفونند.حضر ابراهیم علیه السّلام در قدس خلیل،که نزدیکی بیت المقدس قرار دارد،مدفون است،و در جوار آن حضرت جناب ساره زوجهٔ او،و جناب اسحاق

و یعقوب و یوسف علیهم السّلام مدفونند.و حضرت اسماعیل علیه السّلام و مادرش هاجر در مسجد الحرام در پیرامون حجر مدفونند.و نیز قبور بعضی از پیامبران علیهم السّلام در آنجاست.از حضرت باقر علیه السّلام روایت شده:ما بین رکن و مقام مملو از قبور پیامبران است،و از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:ما بین رکن یمانی و حجر الاسود،هفتاد پیامبر مدفونند.در بیت المقدس،قبور عده ای از پیامبران مانند حضرت داود و سلیمان علیهما السّلام و غیر آن دو بزرگوار قرار دارد،که نزد اهل آنجا معروفند.قبر جناب زکریا علیه السّلام در شهر حلب مشهور است،و برای جناب یونس علیه السّلام در شریعۀ کوفه بقعه و قبه ای معروف است،و قبر حضرت هود و صالح علیه السّلام در نجف اشرف مشهور،و مرقد حضرت ذی الکفل علیه السّلام در کنار شطّ فراط نزدیک کوفه به مساحت چند فرسخ معروف و در شهر موصل مرقد جرجیس پیغمبر علیه السّلام،و در بیرون شهر قبر شیث هبه اللّه علیه السّلام،و در شهر شوش قبر دانیال علیه السّلام،و در برابر مسجد براثا قبر جناب یوشع و غیر اینها سلام اللّه علیهم اجمعین واقع شده است.

[کیفیت زیارت پیامبران]

کیفیت زیارت پیامبران:در اخبار،زیارت ویژه ای برای این بزرگواران به نظر نرسیده مگر زیارت آدم و نوح علیهما السّلام که در باب زیارت حضرت امیر مؤمنان علیه السّلام گذشت،ولی از روایت زیارت جامعه که ما آن را اول زیارات جامعه قرار دادیم،استفاده می شود،که پیامبران هم به آن زیارت می شوند.شاید بر این مطلب آن شیخ بزرگوار محمد بن مشهدی در کتاب مزار،و سیّد اجلّ علی ابن طاووس در کتاب«مصباح الزائر»و غیر ایشان رضوان اللّه علیهم در آداب ورود به کوفه،همین زیارت شریفه را برای مشهد حضرت یونس علیه السّلام ذکر کرده اند.و گمان آن است که نقل زیارت مذکور توسط ایشان،از مفهوم عامّ روایت استفاده شده.در هر صورت،اگر کسی آن زیارت جامعه را در آرامگاه های شریف پیامبران علیهم السّلام بخواند مناسب است،و چون زیارت در صفحات گذشته ذکر شد،نیازمند به نقل آن در اینجا نیستیم،هرکه می خواهد،به زیارت اول زیارات جامعه[صفحۀ 829]مراجعه کند،و از فیض عظیم آن،خود را بهره مند سازد.

[بخش دوم:در زیارت امامزادگان عظام]

اشاره

بخش دوم:در زیارت امامزادگان عظام:که قبورشان محلّ فیوضات و برکات،و موضع نزول رحمت و عنایات الهیّه است،و علمای اعلام به استحباب زیارت قبور ایشان تصریح فرموده اند.و بحمد اللّه تعالی در اکثر شهرهای

ص:855

شیعه قبورشان موجود،بلکه در روستاها و بیابانها،و اطراف کوهها و درّه ها،پیوسته پناهگاه درماندگان،و مأوای واماندگان و پناه ستمدیدگان،و موجب تسلّی دلهای پژمردگان بوده است.و تا روز قیامت خواهد بود،و از بسیاری از ایشان کرامات و خوارق عادات مشاهده شده.ولی پوشیده نماند که امامزاده ای که انسان،با اطمینان خاطر،به خاطر درک فیوضات،و زدودن رنجها و غصه ها،به جانب قبر شریفش،بار سفر ببندد،و شدّ رحال کند،باید نسبت به او دو مطلب را رعایت کند،آنگاه به قصد زیارت حرکت کند.اول:جلالت مقام،و عظمت شأن صاحب آن مرقد،علاوه بر شرافت نسب او،که این دو معنا،از کتابهای حدیث و انساب[علم نسب شناسی]و تاریخ شناخته می شود.دوم:معلوم بودن قبر آن سیّد جلیل و صحت نسبت قبر به او،و زمینۀ جمع بین این دو مطلب بسیار کم است.و ما در کتاب«هدیه الزائر»به ذکر جمعی از ایشان اشاره کرده ایم.و در کتاب«نفثه المصدور»و«منتهی الآمال»اشاره به محسن بن حسین علیه السّلام نمودیم،و چون در این کتاب گنجایش ذکر نیست،تنها به ذکر دو نفر از ایشان اکتفا می نماییم.

اول:زیارت حضرت فاطمۀ معصومه علیها السّلام

[فضیلت زیارت بانوی کرامت علیها السلام]

اول:سیّدۀ جلیله معظّمه حضرت فاطمه دختر موسی بن جعفر علیه السّلام که به حضرت معصومه علیها السّلام شهرت دارد و قبر شریفش در شهر مقدس قم،معروف و مشهور است و دارای بارگاه والا و ضریح متعدد و خدمۀ بسیار،و موقوفات زیادی می باشد و روشنی چشم اهل قم و مأوی و پناهگاه عموم مردم است و هر سال جمیعتی فراوان از شهرهای دور،بار سفر می بندند و رنج راه می کشند،تا به درک فیوضات از زیارت آن معظّمه نایل گردند و فضیلت و جلالت آن حضرت از اخبار بسیار،استفاده می شود.شیخ صدوق به سند حسن،[سندی در حد صحیح]از سعد بن سعد روایت کرده که از حضرت رضا علیه السّلام دربارۀ فاطمۀ دختر موسی بن جعفر علیه السّلام سؤال کرد؟حضرت فرمود:هر که او را زیارت کند،برای او بهشت است.و به سند معتبر دیگر،از فرزند آن حضرت،امام جواد علیه السّلام روایت شده که هرکه مرا در قم زیارت کند،بهشت برای اوست.علاّمۀ مجلسی رحمه اللّه از بعضی کتابهای زیارات،نقل کرده:علی بن ابراهیم،از پدرش،از سعد اشعری قمی،از حضرت رضا علیه السّلام

روایت کرده که آن حضرت فرمود:ای سعد،از ما نزد شما قبری هست،گفتم فدایت شوم قبر فاطمه،دختر امام موسی علیه السّلام را می فرمایی؟فرمود:

آری هرکه او را زیارت کند،درحالی که عارف به حقش باشد،بهشت برای اوست.

[کیفیت زیارت آن حضرت سلام الله علیها]

چون به نزد قبر آن حضرت برسی،بالای سر،رو به قبره بایست،و سی و چهار مرتبه اللّه اکبر و سی و سه مرتبه سبحان اللّه و سی و سه مرتبه الحمد للّه بگو،آنگاه بخوان:

سلام بر آدم برگزیدۀ خدا،سلام بر نوح پیامبر خدا،سلام بر ابراهیم دوست خدا سلام بر موسی همسخن خدا،سلام بر عیسی روح خدا،سلام بر تو ای رسول خدا سلام بر تو ای بهترین خلق خدا،سلام بر تو ای برگزیدۀ خدا،سلام بر تو ای محمد بن عبد اللّه خاتم پیامبران،سلام بر تو ای امیر مؤمنان علی بن ابی طالب،جانشین رسول خدا،سلام بر تو ای فاطمه سرور بانوان جهانیان،سلام بر شما ای دو فرزندزادۀ پیامبر رحمت،و دو سرور جوانان اهل بهشت،سلام بر تو ای علی بن الحسین،سرور عبادکنندگان،و روشنی چشم بینندگان،سلام بر تو ای محمد بن علی،شکافندۀ دانش پس از پیامبر،سلام بر تو ای جعفر بن محمد،راستگوی نیکوکار امین،سلام بر تو ای موسی بن جعفر،امام پاک و پاکیزه،سلام بر تو ای علی بن موسی الرضا امام پسندیده،سلام بر تو ای محمد بن علی تقی،سلام بر تو ای علی بن محمّد نقی اندرزگوی امین،سلام بر تو ای حسن بن علی،سلام بر وصی پس از او.خدایا درود فرست بر نورت،و چراغت،و نمایندۀ نماینده ات،و جانشین جانشینت،حجّتت بر آفریدگانت،سلام بر تو

ای دختر رسول خدا،سلام بر تو ای دختر فاطمه و خدیجه،سلام بر تو ای دختر امیر مؤمنان،سلام بر تو ای دخرت حسن و حسین،سلام بر تو ای دختر ولیّ خدا،سلام بر تو ای خواهر ولیّ خدا،سلام بر تو ای عمّهٔ ولیّ خدا،سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای دختر موسی بن جعفر،سلام بر تو،خدا بین ما و شما در بهشت شناسایی برقرار کند،و در گروهتان محشور دارد،و بر حوض پیامبرتان واردمان نماید،و به ما با جام جدّتان،از دست علی بن ابی طالب بنوشاند درودهای خدا بر شما باد،از خدا خواستارم که به ما دربارهٔ شما خوشحالی و گشایش بنمایاند،و ما و شما را در گروه جدّتان محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)گرد آورد،و معرفت شما را از ما باز نگیرد،به راستی او سرپرستی تواناست.به درگاه خدا به سبب دوستی شما،و بیزاری از دشمنانتان،و تسلیم بودن به خدا،تقرّب می جویم،در حال خشنودی به آن،نه با انکار و تکبّر بلکه بر پایهٔ یقین به آنچه محمد آن را آورده،و به آن خشنودم،به این امور خاطر تو را می خواهم ای آقای من،خدایا خشنودی ات و خانهٔ آخرت را می خواهم،ای فاطمه دربارهٔ بهشت برایم شفاعت کن،به درستی که برای تو نزد خدا مقامی از مقامات بلند است.خدایا از تو می خواهم،که سرانجام کارم را به خوشبختی ختم کنی،و آنچه را در آنم از دستم مگیری،و جنبش و نیرویی جز به خدای والای بزرگ نیست.خدایا برای ما اجابت کن،و آن را به کرم و عزّتت و به رحمت و عافیت بپذیر،و درود خدا بر محمّد و همهٔ خاندان او،و بر آنان سلام،سلامی کامل،ای مهربان ترین مهربانان.

[دوم:زیارت حضرت عبد العظیم علیه السلام]

[فضیلت زیارت جناب عبد العظیم علیه السلام]

دوم:امام زاده لازم التعظیم،جناب عبد العظیم،که نسب شریفش به چهار واسطه،به سبط جلیل حضرت خیر الوری امام حسن مجتبی علیه السّلام به این طریق منتهی می گردد:عبد العظیم بن عبد اللّه بن علیّ بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب.قبر شریفش در منطقه ری معلوم و مشهور،و مأوی و پناهگاه عموم مردم است،و بلندی مقام و جلالت شأن آن حضرت،روشن تر از آفتاب است،چه آن جناب علاوه بر آنکه از دودمان حضرت خاتم النبیین صلی اللّه علیه و آله می باشد از بزرگان راویان و اعاظم علما و زاهدان و عابدان و صاحب تقوا و پرهیز و از اصحاب حضرت جواد،و حضرت هادی علیهما السّلام است،و به خدمت ایشان،نهایت توسّل و انقطاع را داشته است،و زا آن بزرگواران،احادیث بسیار روایت کرده.صاحب کتاب«خطب امیر المؤمنین»و کتاب«یوم و لیله»است و اوست که دین خود را بر امام زمانش حضرت هادی علیه السّلام عرضه کرد و حضرت او را تصدیق کرد و فرمود:ای ابا القاسم،این است به خدا قسم دین خدا،که برای بندگانش پسندیده،پس بر آن پایدار باش،خدا تو را در دنیا و آخرت بر گفتار پایدار،پاینده بدارد.صاحب بن عبّاد، رسالۀ مختصری در حالات آن جناب نوشته که شیخ ما،مرحوم ثقه الاسلام نوری،در خاتمۀ مستدرک،آن را نقل کرده در آن کتاب و در رجال شیخ نجاشی آمده:حضرت عبد العظیم از سلطان زمان خود ترسید،و گریخت،و به عنوان آنکه قاصد و پیک است،در شهرها گردش می کرد تا به ری آمد،و در ساربانان مخفی شد،و بنا بر روایت نجاشی در سردابی در خانۀ یکی از شیعیان،در سکّه الموالی پنهان گشت،و در آنجا عبادت خدا می کرد و روزها را روزه می داشت و شبها به نماز می ایستاد،و پنهان از دید مردم بیرون می آمد،و قبری را که برابر قبر او به فاصله یک راهرو است زیارت می کرد،و می گفت:این قبر مردی از فرزندان موسی بن جعفر علیه السّلام است،و پیوسته در آنجا بود و یکی دو نفر از شیعه،از احوال او با خبر می شدند،تا آنکه بیشتر مردم ری او را شناختند،پس شخصی از شیعیان،حضرت رسالت پناه را در خواب دید،که فرمود:مردی از فرزندان مرا،از سکّه الموالی برخواهند داشت،و کنار درخت سیب،در باغ عبد الجبّار بن عبد الوّهاب،دفن خواهند کرد،و اشاره فرمود به همان مکانی که در آنجا دفن شد،بیننده خواب نزد صاحب

باغر رفت،تا آن درخت و جایش را از صاحب باغ بخرد،مالک باغ به او گفت:این درخت و جایش را برای چه می خری؟خریدار خوابش را تعریف کرد،صاحب باغ گفت:من نیز چنین خوابی دیده ام،و جای این درخت را با تمام باغ وقف بر آن سیّد،و سایر شیعیان کرده ام،که اموات خود را در آنجا دفن کنند.حضرت عبد العظیم پس از مدتی بیمار شد،و بر اثر آن بیماری به رحمت ایزدی پیوست،چون او را برای غسل دادن برهنه کردند،در جیب لباسش ورقه ای یافتند،که نسب شریف خود را در آن نوشته بود:منم ابو القاسم عبد العظیم فرزند عبد اللّه فرزند علی،فرزند حسن،فرزند زید،فرزند امام حسن،فرزند علی بن ابی طالب علیهم السّلام.

صاحب بن عبّاد،در وصف دانش عبد العظیم فرموده:ابو تراب رویانی روایت کرده که گفت:از ابو حمّاد رازی شنیدم که می گفت:در شهر سرّمن رأی بر حضرت امام علیّ النقی علیه السّلام وارد شدم،پس پاره ای از مسائل حلال و حرام خود را،از آن حضرت پرسیدم.سؤالات مرا پاسخ دادند،زمانی که برای بیرون آمدن از سرّمن رای،با آن حضرت وداع کردم به من فرمودند:ای حمّاد هرگاه چیزی از امور دینت بر تو مشکل شد،در ناحیه خود،یعنی در شهر ری،از عبد العظیم بن عبد اللّه حسنی بپرس،و سلام مرا به او برسان.محقّق داماد در کتاب«رواشح»گفته،احادیث بسیاری در فضیلت زیارت حضرت عبد العظیم روایت شده،از جمله آمده است:هرکه قبر او را زیارت کند،بهشت بر او واجب می شود،و شیخ بزرگوار شهید ثانی در حواشی کتاب«خلاصه»همین روایت را از بعض نسب شناسان نقل فرموده،و ابن بابویه و ابن قولویه به سند معتبر روایت کرده اند،که مردی از اهل ری،خدمت حضرت امام علی النقی علیه السّلام رفت،حضرت پرسید کجا بودی؟عرض کرد به زیارت امام حسین علیه السّلام رفته بودم،فرمود:اگر قبر عبد العظیم را که نزد شماست،زیارت می کردی،هرآینه مانند کسی بودی که امام حسین علیه السّلام را زیارت کرده باشد.

[کیفیت زیارت ایشان]

فقیر گوید:علما برای آن بزرگوار زیاراتی نقل نکرده اند،مگر فخر المحققین آقا جمال الدین،که در کتاب«مزار»خود فرموده زیارت آن حضرت به این صورت مناسب است:

سلام بر آدم برگزیدهٔ خدا،سلام بر نوح پیامبر خدا،سلام بر ابراهیم دوست خدا

سلام بر موسی همسخن خدا،سلام بر عیسی روح خدا،سلام بر تو ای رسول خدا سلام بر تو ای بهترین خلق خدا،سلام بر تو ای برگزیدۀ خدا،سلام بر تو ای محمّد بن عبد اللّه خاتم پیامبران،سلام بر تو ای امیر مؤمنان علی بن ابی طالب،جانشین رسول خدا سلام بر تو ای فاطمه سرور بانوان جهانیان،سلام بر شما ای دو فرزندزادۀ پیامبر رحمت،و دو سرور جوانان اهل بهشت،سلام بر تو ای علی بن الحسین سرور عبادکنندگان،و نور چشم بینندگان،سلام بر تو ای محمد بن علی،شکافنده دانش،پس از پیامبر،سلام بر تو ای جعفر بن محمد راستگوی نیکوکار امین،سلام بر تو ای موسی بن جعفر،پاک و پاکیزه،سلام بر تو ای علی بن موسی الرضا،امام پسندیده،سلام بر تو ای محمد بن علی پرهیزگار،سلم بر تو ای علی بن محمد النّقی،خیرخواه امین،سلام بر تو ای حسن بن علی،سلام بر جانشین پس از او،پروردگارا درود فرست بر نورت و چراغت،و نمایندۀ نماینده ات،و جانشین جانشینت،و حجّتت بر آفریدگانت،سلام بر تو ای سرور پاکیزه و پاک و برگزیده،سلام بر تو ای فرزند سروران پاک،سلام بر تو ای فرزند برگزیدگان و خوبان،سلام و رحمت و برکات خدا بر رسول خدا و بر فرزندان رسول خدا.سلام بر بندۀ شایسته،فرمانبردار پروردگار

ص:861

جهانیان،و پیرو رسول او و امیر مؤمنان،سلام بر تو ای ابا القاسم فرزند سبط نجیب برگزیده،سلام بر تو ای کسی که به زیارتش،ثواب زیارت سیّدالشّهدا امید می رود،سلام بر تو، خدا میان ما و شما در بهشت،شناسایی برقرار کند،و در گروهتان محشور فرماید،و به حوض پیامبرتان وارد سازد،و به ما با جام جدّتان از دست علی بن ابی طالب بنوشاند،درود خدا بر شما،از خدا می خواهم که به ما دربارۀ شما، خوشحالی و گشایش بنمایاند،و ما و شما را در گروه جدّتان محمد درود خدا بر او و خاندانش گرد آورد،و معرفت شما را از ما باز نگیرد،به درستی که او سرپرست توانایی است،من با دوستی شما،و بیزاری از دشمنانتان،و تسلیم بودن به خدا، تقرّب به خدا می جویم،با خشنود بودن به آن،بدون انکار و تکبّر،و به یقین به آنچه محمّد آن را آورده،به این امر و خاطر تو را می جویم ای سرور من،خدایا خشنودی تو،و خانۀ آخرت را می خواهم،ای سرور من و فرزند سرور من،برایم دربارۀ بهشت شفاعت کن، زیرا برای تو نزد خدا مقامی از مقامات والا است.خدایا از تو می خواهم که سرانجام کارم را به خوشبختی ختم کنی،و آنچه را در آنم از دستم نگیری،جنبش و نیرویی جز به خدای والای بزرگ نیست.خدایا برای ما اجابت کن،و آن را به کرم و عزّتت،و رحمت و عافیتت بپذیر،و درود خدا بر محمّد و خاندان او و بر آنان سلام باد،سلامی کامل،ای مهربان ترین مهربانان.

فخر المحققین فرموده:در پاره ای از اخبار ذکر شده،که امام زاده عبد العظیم،در هنگام توقّف در شهر ری،به طور پنهان

از منزل بیرون می آمد،و قبری که برابر قبر او به فاصله یک راهرو قرار دارد،زیارت می کرد،و می فرمود:این قبر مردی از فرزندان موسی بن جعفر علیهما السّلام است،و اکنون قبری در آنجاست،منسوب به امام زاده حمزه،فرزند موسی بن جعفر علیهما السّلام،و ظاهرا همان قبری است که امام زاده عبد العظیم آن را زیارت می نمود،ان شاء اللّه او را هم باید زیارت کرد،و در زیارتش،همین زیارت را تا«المطیع للّه ربّ العالمین و لرسوله و لامیر المؤمنین»می توان خواند،و دنباله زیارت را که خاص حضرت عبد العظیم است نباید خواند.پایان سخن فخر المحقّقین.پنهان نباشد،که در صحن امام زاده حمزه،قبر شیخ جلیل سعید،قدوه المفسّرین،جمال الدین ابو الفتوح حسین بن علی خزاعی رحمه اللّه صاحب تفسیر معروف قرار دادر،باید آن جناب را هم زیارت نمود،و همچنین از زیارت جناب شیخ صدوق رئیس المحدثین،معروف به ابن بابویه،که در نزدیکی شهر حضرت عبد العظیم است،نباید غفلت کرد.

بخش سوم:در زیارت قبور مؤمنان(رضی اللّه عنهم اجمعین)

شیخ ثقه جلیل القدر،جعفر بن قولویه قمی،از عمرو بن عثمان رازی روایت کرده که گفت:از حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام شنیدم که می فرمود:هرکه بر زیارت ما قادر نباشد،پس زیارت کند صالحان از دوستان ما را،تا ثواب زیارت ما را برای او نوشته شود،و کسی که بر صله و نیکی به ما ناتوان باشد،با صالحان از دوستان ما از در صله و نیکی برآید،تا برای او ثواب صله و نیکی به ما نوشته شود.و نیز به سند صحیح از محمد بن احمد بن یحیی الاشعری روایت کرده که من در فید[جایی است در راه مکه]با علی بن بلال به جانب قبر محمّد بن اسماعیل بن بزیع روانه شدیم،علی بن بلال به من گفت:صاحب این قبر برای من،از حضرت رضا علیه السّلام روایت کرد:هرکه به نزد قبر برادر مؤمن خود بیاید،و دست بر قبر گذارد،و هفت بار سورۀ«قدر»را بخواند،و روز فزع اکبر[یعنی ترس بزرگ روز قیامت]ایمن شود.

و در روایت دیگری مانند همین مطلب را نقل کرده،جز آنکه در آن آمده:رو به قبله کند.فقیر گوید:این ایمن بودن که،روایت بر آن دلالت دارد،ممکن است برای خواننده باشد،چنانکه ظاهر حدیث چنین است و احتمال دارد برای صاحب قبر باشد چنانکه آن را تایید می کند حدیثی که بعد از این از سید ابن طاووس نقل میشود.و نیز در کامل الزیارات به سند معتبر نقل

شده،عبد الرحمن بن ابی عبد اللّه،به حضرت صادق علیه السّلام عرضه داشت،چگونه دست خود را بر قبور

ص:863

مسلمانان بگذارم؟پس حضرت با دست خود اشاره به زمین فرمود،و دست را بر زمین نهاد در حالی که مقابل قبله بودند.و نیز به سند صحیح روایت شده عبد اللّه بن سنان به حضرت صادق علیه السّلام عرض کرد،چگونه باید بر اهل قبور سلام کرد؟فرمود:می گویی:سلام بر اهل دیار از مؤمنان و مسلمانان،شما پیشروان ما بودید،و ما هم انشاء اللّه به شما ملحق می شویم.

و از حضرت حسین علیه السّلام روایت شده:هرکه وارد قبرستان شود و بگوید:ای پروردگار این ارواح فناپذیر و پیکرهای پوسیده و استخوانهای خاکسترشده ای که از دنیا خارج شدند،درحالی که مؤمن به تو بودند،نسیم رحمتی از جانب خود،و سلامی از من بر آنان وارد کن.حق تعالی برای او به عدد خلق،از زمان آدم تا قیام قیامت،حسنات بنویسد،و از امیر مؤمنان علیه السّلام روایت شده است،هرکه وارد قبرستان شود و بگوید:

سلام بر اهل لا اله الا اللّه،از اهل لا اله الا اللّه،ای اهل لا اله الا اللّه،به حق لا اله الا اللّه،چگونه یافتید سخن لا اله الا اللّه،را از لا اله الا اللّه،ای لا اله الا اللّه،به حق لا اله الا اللّه،بیامرز هرکه را گفت لا اله الا اللّه،و ما را محشور کن در گروه آنان که گفتند:لا اله الا اللّه،محمد رسول اللّه علی ولی اللّه.حق سبحانه و تعالی ثواب پنجاه سال عبادت را برای او بنویسد و گناه پنجاه ساله را از او و پدر و مادرش محو نماید.و در روایت دیگری وارد شده است:بهتر سخنی که در قبرستان بگویی،وقتی که از آنجا بگذری،این است که بایستی و بگویی:خدایا دوست آنان گردان،آنچه را دوست داشتند،و آنان را با هرکه دوست داشتند محشور فرما.

سیّد ابن طاووس در«مصباح الزائر»گفته:چون زیارت اهل ایمان را قصد کنی،شایسته است روز پنجشنبه باشد،و گرنه هر وقت که خواستی،و کیفیت زیارت ایشان چنین است،که رو به جانب قبله نمایی،و دست خود را بر قبر گذاری، و بگویی:خدایا به غربتش رحم کن،و به تنهایی اش برس،و وحشتش را همدم باش،و ترسش را ایمنی ده، و از رحمتت به او آرامش ده،رحمتی که به سبب آن از رحمت غیر تو بی نیاز گردد،و او را به هرکه دوستش دارد ملحق کن سپس سوره«قدر»را هفت بار می خوانی.و در صفت زیارتشان،و ثواب آن،حدیث دیگری از فضیل روایت شده است که هرکه سوره«قدر»را هفت بار نزد قبر مؤمنی بخواند،حق تعالی فرشته ای به سوی قبر او بفرستد،که خدا را نزد قبر او عبادت کند،و حق تعالی ثواب عمل این فرشته را برای آن مرده بنویسد،پس زمانی که از قبرش برانگیخته شود،به هیچ هراسی از هراسهای قیامت نگذرد،جز آنکه خدا آن هراس را به سبب آن فرشته از او ب گرداند،تا خدا او را وارد بهشت سازد،و با هفت بار«قدر»،سورۀ«حمد»و«فلق»و«ناس»و«توحید»و«آیه الکرسی»را هر کدام سه بار بخواند.

و نیز در صفت زیارت آنها،روایت دیگری از محمد بن مسلم روایت شده که گفت:خدمت حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم:مردگان را زیارت کنیم؟فرمود:آری،گفتم:آیا آنها می دانند که ما به زیارتشان رفته ایم؟ فرمود:آری به خدا قسم می دانند،و شاد می شوند،و به شما انس می گیرند،عرض کردم وقتی به زیارتشان می رویم چه بگوییم؟ فرمود بگو:

خدایا زمین را از پهلوهایشان خالی گذار،و ارواحشان را به سوی خود بالا ببر،و از خشنودی خود به آنها عنایت کن، و از رحمتت به آنان آرامش ده،به طوری که با آنان تنهایی شان را برطرف کنی،و به وسیلۀ آن ترسشان را همدم شوی به درستی که تو بر هر کار توانایی.سپس سیّد ابن طاووس فرموده است:وقتی که بین قبرهای مؤمنان می باشی،یازده مرتبه «توحید»بخوان،و آن را برای ایشان هدیه کن،به تحقیق روایت شده:که خدا به خواننده آن به عدد مردگان ثواب

می دهد.در کتاب«کامل الزیارات»از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:چون مردگان را پیش از طلوع آفتاب زیارت کنید می شنوند،و به شما پاسخ می دهند،و اگر پس از طلوع آفتاب زیارت کنید،می شنوند و پاسخ نمی دهند.در کتاب دعوات راوندی حدیثی در کراهت زیارت مردگان در شب از حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله روایت شده،چنانکه به حضرت ابی ذر فرمود:

آنان را احیانا در شب زیارت مکن.در مجموعهٔ شیخ شهید از حضرت رسول صلی اللّه علیه و آل روایت شده:که هیچ کس نزد قبر مرده ای سه مرتبه نمی گوید:خدایا از تو می خواهم به حق محمّد و خاندان محمّد،که این مرده را عذاب نکنی.مگر اینکه خدای تعالی عذاب را در روز قیامت،از او دور گرداند.از کتاب«جامع الاخبار»نقل شده:بعضی از صحابه،از حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله نقل کرده اند:که آن حضرت فرمود:برای اموات خود هدیه بفرستید،پرسیدیم:هدیه برای اموات چیست؟ فرمود:صدقه و دعا.و فرمود:هر جمعه ارواح مؤمنان به آسمان دنیا می آیند،و در برابر خانه ها و منازل خود قرار می گیرند،و هر یک از ایشان به آواز حزین با گریه فریاد می کنند:ای اهل من، و اولاد من،ای پدر و مادر من،ای خویشان من،به ما به آنچه در دنیا در دست ما بود مهربانی کنید،عذاب و حساب آن بر ما،و سودش برای غیر ماست،و هر یک خویشان خود را فریاد می کنند:به ما مهربانی کنید به درهمی،یا قرص نانی، یا جامه ای،که خدا شمار را از جامهٔ بهشت بپوشاند.پس رسول خدا صلی اللّه علیه و آله گریه کرد،و ما گریه کردیم،و آن حضرت از زیادی گریستن قدرت بر سخن گفتن نداشت،آنگاه فرمود:اینان برادران دینی شمایند،که پس از شادی و نعمت،تبدیل به خاک پوسیده شده اند،اینان به عذاب و هلاکت بر جانهای خود فریاد می کنند،و می گویند:وای بر ما،اگر آنچه در دست ما بود در طاعت و رضای خدا انفاق می کردیم،نیازمند به شما نبودیم،پس با حسرت و پشیمانی باز می گردند،و فریاد می زنند، صدقهٔ مردگان را زود بفرستید،و نیز از آن حضرت روایت کرده:هر صدقه ای که برای میّت داده می شود،فرشته ای آن را در طبقی می گیرد،که شعاع آن درخشان است،و به هفت آسمان می رسد،پس لب قبر می ایستد،و فریاد می کند:

السّلام علیکم یا اهل القبور اهل شما این هدیه را به سوی شما فرستادند،پس میّت آن را می گیرد،و وارد قبر خود می کند،و

خوابگاهش با آن گسترده می شود،سپس فرمود:هرکس میّت را با دادن صدقه مهربانی کند،برای اوست نزد خدا از پاداش،مانند کوه احد،و روز قیامت در سایهٔ عرش خدا می باشد،روزی که سایه ای جز سایهٔ عرش خدا نیست.زنده و و مرده به این صدقه نجات می یابند.حکایت شده:امیر خراسان را در خواب دیدند،که می گفت:برای من آنچه را که برای سگان خود می اندازید بفرستید،که به آن نیازمندم.بدان که زیارت قبور مؤمنان ثواب بسیار دارد،و علاوه بر فواید عظیمه ای که بر آن مترتّب است،باعث عبرت و آگاهی و زهد و بی میلی به دنیا،و رغبت در آخرت می شود،و به هنگام اندوه بسیار،و شادی فراوان،باید به قبرستان رفت،عاقل آن است که در قبرستان از اموات عبرت بگیرد،تا حلاوت دنیا از دلش بیرون رود،و شهد کالای دنیوی در کامش تلخ گردد،و در فنای دنیا و دگرگونی احوال آن تفکر کند و توجه کند که او نیز به نزدیکترین زمان مثل ایشان خواهد شد و دستش از عمل کوتاه و باعث عبرت دیگران شود.راستی که شیخ نظامی در گفته اش زیبا سروده است:

زنده ولی در صف افسردگان رفت به همسایگی مردگان

حرف فنا خوان ز هر لوح پاک روح بقا جست ز هر روح پاک

کارشناسی پی تفتیش حال کرد از او بر سر راهی سؤال

کین همه از زنده رمیدن چراست رخت سوی مرده کشیدن چراست

گفت پلیدان به مغاک اندرند پاک نهادان ته خاک اندرند

مرده دلالنند به روی زمین بهر چه با مرده شوم همنشین

همدمی مرده دهد مردگی صبحت افسرده دل افسردگی

زیر گل آنان که پراکنده اند گرچه به تن مرده به دل زنده اند

مرده دلی بود مرا پیش از این بسته هر چون وچرا پیش از این

زنده شدم از نظر پاکشان آب حیات است مرا خاکشان

روایت شده است که خدای متعالی به عیسی(دورد بر او)وحی فرمود:از دیده ات به من اشک ببخش،

و از دلت به من فروتنی واگذار،آن هنگام که بیکاره ها می خندند با میله حزن چشمانت را سرمه بکش،بالای سر قبر مردگان بایست،و آنان را با صدای بلند صدا کن،شاید موعظه ات را از آنان بگیری،و بگو من هم در گروه ملحق شوندگان به آنان ملحق می شوم.

«آنچه ثبت آن در این کتاب شریف مقدر شده بود،در شب یکشنبه دهم ذو القعده الحرام سال هراز و سیصد و چهل و چهار قمری،شب ولادت باسعادت حضرت ثامن الائمه مولانا ابو الحسن الرضا(صلوات اللّه علیه)پایان یافت،و چون در این روز بوسیله نامه خبر فوت مادرم به من رسید،از برادران ایمانی که از این کتاب بهره مند می شوند،برای آن مرحومه مغفوره و برای خودم و و الدم در حیات و ممات،التماس دعا و زیارت دارم.و الحمد للّه أوّلا و آخرا و صلّی اللّه علی محمّد و آله الطاهرین».

ملحقات مفاتیح الجنان

[مقدمه]

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم الحمد للّه و سلام علی عباده الّذین اصطفی چنین گوید این گنهکار روسیاه،عبّاس قمی که خدا او را ببخشاید:پس از آنکه به کمک خدای تعالی کتاب«مفاتیح الجنان»را تألیف کردم،و در گوشه و کنار منتشر شد،به خاطرم رسید،که در چاپ دومش،برای آن موارد زیر را بیفزایم:دعای وداعی برای ماه رمضان،و خطبۀ روز عید فطر،و زیارت جامعه ائمه مؤمنان،و دعای«اللّهمّ انّی رزت هذا الامر»که بعد از زیارتها خوانده می شود،و زیارت و داعی که هر یک از ائمه علیهم السّلام را،به آن وداع کنند،و نوشته هایی که برای رفع حاجت می نویسند،و دعایی که در غیبت امام عصر عج اللّه تعالی فرجه باید خوانده شود،و آداب زیارت به نیابت،به سبب کثرت نیاز به اینها.ولی از سویی دیدم هرگاه چنین کاری را انجام دهم،فتح بابی می شود،برای تصرّف در کتاب«مفاتیح»،و بسا شود که بعضی از فضولان،بعد از این در این کتاب،بعضی از دعاهای دیگر بیفزایند،یا از آن کم کنند،و به اسم«مفاتیح الجنان»در میان مردم رواج دهند،چنان که در کتاب «مفاتیح الجنان»مشاهده می شود.به ناچار کتاب را به همان وضع خود گذاشتم.و این هشت مطلب را پس از پایان مفاتیح، ملحق به آن کردم،و به لعنت خدای قهّار و نفرین رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السّلام واگذار و حواله نمودم کسی را که در «مفاتیح»تصرف کند.اینک به ذکر آن هشت مطلب می پردازم:

[مطلب اول:دعای وداع ماه مبارک رمضان]

مطلب اول:دعای وداع ماه مبارک رمضان:شیخ کلینی رضوان اللّه علیه در کتاب«کافی»از ابو بصیر،از امام صادق علیه السّلام این دعا را برای وداع ماه رمضان روایت کرده:

خدایا تو در کتاب فرو فرستاده ات فرمود:«ماه رمضان که در آن قرآن نازل شده»،و این است ماه رمضان که گذشت،به جلوۀ کریمت،و کلمات کاملت،از تو می خواهم،اگر بر من گناهی باقی مانده،که نیامرزیده ای،یا می خواهی بر آن عذابم کنی،یا به آن مرا بسنجی،اینکه سپیده امشب طلوع نکند،یا این ماه بگذرد، مگر اینکه آن گناه را از من آمرزیده باشی،ای مهربان ترین مهربانان،خدایا تو را ستایش به همۀ ستایشهایت آغاز و انجام آن،چه آن ستایشهایی که برای خود گفتی،و چه آنچه آفریدگان ستایش کننده و کوشنده و شمارنده و فراوان بجا آورنده ذکر و سپاست گفته اند،آنان که بر ادای حقّت،یاری شان نمودی،از گروههای آفریدگانت:از فرشتگان مقرّب،و پیامبران،و رسولان،و طبقات گویندگان،و تسبیح کنندگان حضرتت،از همۀ جهانیان.آری ستایش می کنم بر اینکه ما را به ماه رمضان رساندی،و حال آنکه نعمتهایت بر عهده ما بود، و بهره ها و احسانت،و نیکیهای پی درپی ات پیش ما بود،به این خاطر تنها برای تو است آخرین حدّ ستایش،ستایشی جاودان،همواره،پایدار، همیشگی،بی نهایت،تا در ابدیت پایانی نداشته باشد،بزرگ است ثنایت،ما را بر انجام تکالیف ماه رمضان یاری دادی تا از ما روزه و به پا داشتن نمازش را گذراندی،و نیز آنچه از ما در آن انجام گرفته،از کار نیک و سپاس و ذکر،خدایا آن را از ما به

نیکوترین پذیرش،و گذشت و عفو و چشم پوشی و آمرزش و خشنودی ات بپذیر،تا جایی که ما را در این ماه،به هر خیر خواسته و شایان عطای بخشیده شده برسانی،و از هر امر هراسناک و بلای فرود آمده و گناه پیشه شده نگاه داری.خدایا از تو می خواهم،به حق بزرگترین چیزی که یکی از آفریدگانت از تو خواست،از نامهای گرامی ات،و ثنای زیبایت،و دعای خاصت،که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و این ماه را بزرگترین ماه رمضانی قرار دهی که بر ما گذشته،از زمانی که ما را به دنیا آوردی تاکنون از جهت برکت در حفظ دینم،و رهایی جانم،و برآمدن حاجتم،و اینکه شفاعتم را در خواسته هایم بپذیری،و در کامل کردن نعمتت بر من،و برگرداندن پیش آمد بد از من و پوشاندن لباس عافیت به من،و مرا به رحمتت از کسانی قرار دهی،که شب قدر را برای آنان اختیار نمودی،و آن شب را برای آنها بهتر از هزار ماه قرار دادی،در بزرگترین پاداش،و اندوخته های با ارزش،و نیکی شکر،و درازی عمر، و پایندگی آسایش،خدایا و از تو می خواهم به رحمت و بخشش و گذشتت،و نعمتها و جلالت،و دیرینۀ احسان و عطایت،اینکه آن را آخرین بهره از ماه رمضان قرار ندهی،تا ما در سال آینده به آن برسانی،آن هم بر پایۀ بهترین حال،و هلال ماهش را همراه بینندگان به سوی آن و اعتراف کنندگان به آن به من بشناسانی در کامل ترین عافیتت،و خوب ترین نعمتت،و گسترده ترین رحمتت،و برجسته ترین نصیبهایت،ای پروردگارم،که برایم پروردگاری غیر او نیست،این وداع نسبت به ماه رمضان وداع فنا و آخرین بهرۀ من از دیدار نباشد،

ص:871

تا آن را در سال آینده به من بنمایانی،در فراخترین نعمتها،و برترین امیدها،درحالی که من برای تو بر پایۀ بهترین وفاداری باشم،به درستی که تو شنوای دعایی.خدایا دعایم را بشنو،و به زاری و خواری و درماندگی،و توکّلم بر خویش رحم کن،من تسلیم توام،امید به موفقیت و سلامت کامل و شرافت و رسیدن به جایگاه رفیع،جز به تو و از جانب تو ندارم،بر من منّت بنه،ای که ثنایت بزرگ،و نامهایت مقدّس است،به رساندنم به ماه رمضان،و درحالی که از هر ناخوشایند و محذوری،و از همۀ ناگواریها سالم باشم،ستایش خدای را که بر روزه این ماه،و بپاداری عبادتش ما را یاری نمود تا مرا به آخرین شب آن رساند.

[مطلب دوم:خطبۀ روز عید فطر]

دوم:خطبۀ روز عید فطر است،که امام جماعت،پس از بجا آوردن نماز عید می خواند،و آن به صورتی که شیخ صدوق در کتاب«من لا یحضره الفقیه»از حضرت امیر مؤمنان علیه السّلام نقل کرده است چنین است:ستایش خدای را، که آسمانها و زمین را آفرید،و تاریکیها را قرار داد و نور را،پس آنان که به پروردگارشان کافر شدند،غیر او را با او برابر قرار می دهند!!ما چیزی را با خدا شریک نمی دهیم،و جز او برای خود سرپرستی برنمی گیریم،و ستایش خدای را که آنچه در آسمانها و زمین است از آن اوست،و ستایش در آخرت خاص اوست،و او حکیم و آگاه است،می داند آنچه را در زمین فرو می رود،و آنچه را از آن بیرون می آید،و آنچه را از آسمان نازل می گردد،و آنچه را در آن بالا می رود،و او مهربان و آمرزنده است، این چنین است خدا،معبودی جز او نیست،بازگشت همه به سوی اوست،ستایش خدای را،که آسمان را از اینکه بر زمین فرو افتد نگاه

می دارد جز به اجازه اش،خدا بر مردم رؤوف و مهربان است.خدایا به ما رحم کن به رحمتت،و فراگیر ما را به آمرزشت،به درستی که تو برتر و بزرگی،ستایش خدای را که ناامید شده ای از رحمتش،و تهیدستی از نعمتش،و مأیوسی از بخشایشش،و بازداشته ای از بندگی اش وجود ندارد،به فرمانش بر پا شد آسمانهای هفتگانه،و زمین گسترده استقرار یافت،و کوههای بلند بر پا گشت،و بادهای بارور کننده روان شد،و ابرها در فضای آسمان حرکت کردند،و دریاها بر کرانه های خود ایستادند،و او معبود آنهاست،و چیره ای است که عزّتمندان در برابرش خوار می شوند،و در مقابلش ناچیز می گردند بزرگمنشان،و جهانیان با اختیار و بی اختیار در پیشگاهش تسلیم می شوند،او را می ستاییم،چنان که او خود را ستود،و چنان که او شایستۀ آن است،و از او یاری می خواهیم،و آمرزش می جوییم،و راهنمایی می طلبیم، و گواهی می دهمی که معبودی جز خدا نیست،یگانه است و شریکی برای او نیست،می داند آنچه را نفوس پنهان می کنند،و آنچه را دریاها می پوشانند و تاریکی چیزی را از او در پرده نبرد،و غایبی از او غایب نگردد،و نیفتد برگی از درخت و نه دانه ای در تاریکی،جز آنکه آن را می داند،معبودی جز او نیست،و تروخشکی نیست،جز اینکه در کتابی روشن است، و می داند آنچه را عمل کنندگان انجام می دهند،و از کدام گذرگاه می گذرند،و به کدام بازگشتگاه باز می گردند،از خدا راهنمایی به سوی هدایت را می خواهیم،و گواهی می دهیم که محمّد بنده و پیامبر و فرستادۀ او به سوی آفریدگانش،و امینش بر وحی اوست، و اینکه او رسالات پروردگارش را رسانید،و در مورد خدا جهاد کرد،با کسانی که از حق کناره گرفتند،و برای حضرتش شریک قرار دادند،و خدا

را پرستید تا مرگ او را دررسید،درود و سلام خدا بر او و خاندان او باد،شما را به تقوای خدا سفارش می کنم،که همواره از جانب او نعمت بوده،و رحمت از سوی او پایان نمی پذیرد،و بندگان از او بی نیاز نمی شوند،و اعمال بندگان هرگز پاداش نعمتهای او نمی گردد.خدایی که مردم را به پرهیزگاری تشویق نمود،و به بی میلی نسبت به دنیا واداشت،و از گناهان برحذر کرد،و با پایندگی عزیز شد،و آفریدگانش را با مرگ و نیستی رام ساخت،و مرگ سرانجام آفریدگان،و راه جهانیان،و نوشته شده بر پیشانی بازماندگان است،او را درمانده نمی کند فرار فراریان،و به هنگام رسیدنش[یعنی مرگ]اهل هوا را گرفتار می نماید،بنای هر لذّتی را فرو می ریزد،و هر نعمتی را تباه می نماید،و هر نشاطی را قطع می کند،دنیا خانه ای است که خدا فنا را برای آن،و کوچ کردن اهلش را از آن مقرّر نموده است، پس اکثر مردم ماندنش را قصد می کنند،و بنایش را بزرگ می شمارند،به ظاهر شیرین و سبز و خرم است،به شتاب گذشته،هرآینه برای جوینده، و بر دل بیننده مشتبه گشته،صاحب ثروت ناتوان را به نزاری اندازد،و می داندش هراسان اندیشناک ناخوشایند.

پس کوچ کنید از آن،خدا شما را رحمت کند،به بهترین چیزی که نزد شما است[عمل صالح]بیش از اندک از آن[دنیا]نجویید،و بیشتر از نیاز از آن مخواهید،به اندک آن راضی شوید،و دیدگان خود را به آنچه خوش گذر آنها از آن بهره می گیرند ندوزید،دنیا را سبک شمارید،و آن را وطن خود قرار ندهید،و نسبت به آن خود را به رنج و زیان اندازید،شما را برحذر می دارم از رفاه طلبی و بازیگری و خوش گذرانی،به درستی که در اینها غفلت و غرور است،و بدانید دنیا خود را به بیگانگی زده،و پشت کرده و شیرین شده،و اعلام نموده است وداع را،بدانید آخرت حرکت کرده پس به شما روی آورده،و نمایان شده،و اعلام در آمدن کرده

است،بدانید به درستی که میدان تمرین امروز است،و گاه مسابقه فردا،و جایزه مسابقه بهشت،جایگاه بازنده دوزخ است، آیا کسی نیست که از خطایش،پیش از رسیدن روز مرگ توبه کند،آیا کسی نیست تا برای خویش،پیش از رسیدن روز فلاکت و تهیدستی اش کار کند؟خدا ما و شما را از کسانی قرار دهد که از او می ترسند،و پاداشش را امید دارند،بدانید،این روز،روزی است که خدا برای شما عید قرار داده،و شما را سزاوار آن نموده،پس خدا را یاد کنید،تا خدا شما را یاد کند،او را بخوانید تا شما را اجابت کند،زکات فطر خود را بپردازید،که سنّت پیامبر شما و فریضه و واجبی از پروردگار شماست،پس بپردازد،هر یک از شما از جانب خویش و همۀ نان خورانش،مرد و زنشان،و کوچک و بزرگشان،و آزاد و غیر آزادشان،از جانب هر انسانی از آنان نزدیک سه کیلو،از گندم،یا خرما،یا جو،و خدا را در آنچه به شما واجب نموده،و به آن امر فرموده،اطاعت کنید،از بپا داشتن نماز،و پرداختن زکات،و حجّ خانۀ خدا،و روزه ماه رمضان،و امر به معروف،و نهی از منکر، و نیکی کردن به زنان خود،و زیردستانتان،و خدا را اطاعت کنید در آنچه شما را از آن نهی فرموده است از تهمت زدن به پاکدامنان، و ارتکاب زشتی،و می گساری،و کم کردن جنس پیمانه ای،و کاستن ترازو،و شهادت به ناحق،و گریختن از جنگ،خدا ما و شما را به کمک تقوا حفظ کند،و آخرت را برای ما و شما،بهتر از دنیا قرار دهد، به درستی که بهترین سخن،و رساترین پند پرهیزگاران،کتاب خدا نیرومند حکیم است،پناه می برم به خدا از شیطان رانده شده،به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،بگو او خدای یکتا و بی نیاز است،نزاده و زاده نشده است،

ص:875

و احدی همتایش نبوده است.سپس اندکی پس از فراغ از خطبه،مانند کسی که شتاب داشته باشد می نشیند،آنگاه برخاسته، خطبهٔ دوم را می خواند و این همان خطبه ای است که حضرت امیر مؤمنان علیه السّلام در روز جمعه،پس از نشستن و برخاستن از خطبه اوّل می خواندند،و آن خطبه این است: ستایش خدای را،او را می ستاییم،و از او کمک می خواهیم،و به او ایمان می آوریم،و بر او توکل می کنیم،گواهی می دهیم که معبودی جز خدا نیست،یگانه است و شریکی برایش نیست،و گواهی می دهیم که محمد بنده و فرستاده اوست،درود و سلام و آمرزش و رضوان خدا بر او و بر خاندانش باد.خدایا درود فرست بر محمد بنده و رسول و پیامبرت،درورد‌ی افزاینده و پاکیزه،و پاکیزه،که درجه اش را به آن بالا بری،و برتری اش را آشکار نمایی،و درود فرست بر محمّد و خاندان محمّد، و برکت ده بر محمّد و خاندان محمّد،چنان که درود فرستادی و برکت دادی،و رحم کردی بر ابراهیم و خاندان ابراهیم، به درستی که تو ستوده و بزرگواری.خدایا عذاب کن کافران اهل کتاب را آنان که بندگانت را از راه تو باز می دارند،و آیاتت را انکار می کنند،و تکذیب می نمایند رسولانت را،خدای در میانشان اختلاف کلمه قرار ده،و در دلهایشهان هراس انداز،و فرود آور بر آنان عذاب و انتقام و شکنجه ات را،شکنجه ای که از مردم بدکار باز نگردانی.خدایا سپاهیان مسلمانان و گروه های آنان،و مرزدارانشان را،در مشرقها و مغربهای زمین یاری کن،به درستی که تو بر هر چیز توانایی،خدایا مردان و زنان مؤمن و مسلمان را بیامرز،خدایا تقوا را زادشان،و ایمان و حکمت را در دلهایشان قرار ده،و به آنان الهام فرما سپاسگذاری نعمتت را که به ایشان عنایت کردی،و

ص:876

وفاداری به عهدت را که با آنان عهد کردی،ای معبود،حق و آفریدگار خلق،خدایا بیامرز،آنانی را که در گذشته اند:

از مردان و زنان مؤمن و مسلمان،و هرکه پس از ایشان به آنها ملحق می شود، به درستی که تو نیرومند و حکیمی،همانا خدا امر می کند به عدالت و نیکی،و بخشش به خویشان،و نهی می کند، از بدی آشکار،و زشتی پنهان،و تجاوز،به شما پند می دهد،تا شاید متذکّر شوید،خدا را یاد کنید،تا یادتان کند،به درستی که او یاد کنندۀ کسی است که یادش کند،و از رحمت و فضل او بخواهید،که ناامید نشود از او هیچ خواننده ای که او را بخواند،پروردگارا به ما در دنیا خوبی عنایت کن،و در آخرت حسنه عطا فرما،و ما را از عذاب دوزخ حفظ کن.

[مطلب سوم:زیارت جامعه ائمه علیهم السلام]

سوم:زیارت جامعه ائمۀ مؤمنان است،که هر امامی را،در هر زمان از ماهها و ایام،می توان به آن زیارت کرد،و این زیارت را سیّد ابن طاووس در کتاب«مصباح الزائر»با مقدّماتی از دعا و نماز،در وقت رفتن به سفر زیارت،از ائمه علیهم السّلام روایت کرده و فرموده است:چون خواستی غسل زیارت کنی،در وقتی که غسل می کنی بگو:به نام خدا،و به خدا،و در راه خدا،و بر آیین رسول خدا،خدایا از من ناپاکی گناهان،و آلودگی عیوب را بشوی،و به آب توبه پاکیزه ام کن،و جامۀ خودداری بر وجودم بپوشان، و به لطفی از جانب خود یاری ام کن،که مرا موفق نماید به اعمال شایسته،به درستی که تو دارندۀ فضل بزرگی.پس هرگاه به در حرم مطهّر نزدیک شدی بگو:ستایش خدای را،که مرا به قصد ولیّ اش،و زیارت حجّتش موّفق نمود،و به حرم او وارد ساخت،و بهره ام را از زیارت بارگاهش،و فرود آمدن به کوی دور از انظارش،و آستانۀ تربتش،نکاست

ستايش خداى را،كه به محروميّت از آنچه آرزو داشتم داغدارم نكرد،و آنچه را به آن اميد داشتم از من بازنگرداند،و اميدم را در آنچه متوقّع بودم قطع نكرد،بلكه لباس عافيت را به وجودم پوشاند،و از نعمتش بهره مند نمود،و از كرامتش به من عنايت فرمود.پس هرگاه وارد حرم شدى در برابر ضريح مقدّس بايست و بگو:سلام بر شما پيشوايان مؤمنان،و سروران پرهيزگاران،و بزرگان صدّيقان،و اميران صالحان،و رهبران نيكوكاران،و نشانه هاى راه يافتگان،و نورهاى عارفان،و وارثان پيامبران،و برگزيدۀ جانشينان،و خورشيدهاى پرهيزگاران،و ماههاى كامل جانشينان،و بندگان رحمان،و شريكن قرآن،و راه ايمان،و سرچشمه هاى حقايق،و شفيعان خلايق،و رحمت و بركات خدا بر شما باد،گواهى مى دهم كه شماييد درگاههاى خدا،و كليدهاى رحمتش،و وسائل آمرزشش،و ابرهاى خشنودى اش،و چراغهاى بهشتش و حاملان قرآنش،و خزانه داران علمش،و حافظان رازش،و فرودگاه وحى اش،و امانتهاى نبوّت، و سپرده هاى رسالت نزد شماست،شماييد امينان خدا،و دوستان و بندگانش و برگزيدگانش و ياران توحيدش،و پايه هاى تمجيدش،و خوانندگان به سوى كتابهايش،و پاسداران خلايقش،و نگهبانان و وديعه هايش،ثناى فرشتگان نسبت به خدا،در اخلاص و فروتنى از شما پيشى نگيرد،و صاحب زارى و فروتنى با شما ضدّيت ننمايد،از كجا توانند؟و حال آنكه براى شما دلهايى است،كه خدا عهده دار تهذيب آنها با بيم و اميد شده است،و آنها را ظرفهايى براى شكر و ثنا قرار داد،و از عارضه هاى غفلت ايمن نموده،و از بدى سستى تصفيه كرده است،بلكه اهل آسمانها به خدا تقرّب مى جويند،به دوستى شما،و به بيزارى از دشمنانتان،و پى درپى گريستن

به مصیبتهایتان،و آمرزش خواهی برای شیعیان،و دوستانتان،من گواه می گیرم خدا را که آفرینندۀ من است،و گواه می گیرم فرشتگان و پیامبران را،و گواه می گیرم شما را ای سرپرستان من،که من به ولایت شما مؤمنم،و به امامت شما معتقدم،و به خلافت شما اقرار دارم،و به مقام شما عارفم،و به معصوم بودنتان یقین دارم،نسبت به ولایت شما فروتنم.به دوستی شما،و بیزاری از دشمنانتان،به سوی خدا تقرّب می جویم، آگاهم به اینکه خدا شما را پاک کرده از زشتیهای آشکار و پنهان،و از هر شک و دودلی،و آلودگی و پستی و پلیدی، و به شما عطا کرده پرچم حقّی را که هرکه بر آن پیشی جسته گمراه شده است،و هرکه از آن عقب مانده،لغزیده است،و طاعت شما را بر هر سیاه و سپیدی واجب نموده است،و گواهی می دهم که شما به عهد و پیمان خدا و به هر چه در کتابش بر شما شرط کرده بود وفا کردید،و به راه خدا خواندید،و نیروی خود را در خشنودی اش صرف نمودید،و خلایق را بر طریق نبوّت،و راههای رسالت واداشتید،و در این راه به روش پیامبران،و روشهای جانشینان قدم برداشتید،اما فرمانی از شما پیروی نشد،و گوشی در برابر سخنان شما برای گوش دادن قرار نگرفت،دوردهای خدا بر ارواح و اجسادتان.پس خود را به قبر منوّر می چسبانی و می گویی:پدر و مادرم به فدایت ای حجّت خدا،تو از سینۀ ایمان شیر داده شدی،و به نور اسلام از شیر بازت داشتند،و با خنکای یقین تغذیه شدی،و جامه های عصمت به تو پوشانده شد،و علم کتاب را وارث گشتی،و به جداسازی حق و باطل تلقین شدی،و با منزلتت معارف قرآن،و مشکلات تأویل روشن شد،و پرچم حق تسلیم

تو گشت،و هدایت بندگان به تو تکلیف شد،و عهد امامت،در اختیار تو قرار گرفت،و به حفظ شریعت ملزم شدی،و گواهی می دهم ای مولایم که تو به شرایط وصیت وفا کردی،و از حدّ اطاعت،آنچه را تکلیف داشتی انجام دادی،و به مسئولیتهای سنگین امامت قیام نمودی،و به مقام نبوّت اقتدا کردی،در صبر و کوشش و خیرخواهی نسبت به بندگان و فروخوردن خشم و گذشت از مردم و بر عدالت در میان مردم و انصاف در قضاوت مصمّم شدی،و حجّتها را بر امّت استوار ساختی با دلایل صادقانه،و شریعت گویا،و با حکمت رسا،و پند نیکو دعوت به خدا کردی،اما بازداشته شدی از راست کردن کجیها،و گرفتن رخنه ها،و اصلاح تباهی،و شکستن دشمن،و زنده نمودن سنّتها،و میراندن بدعتها،تا از دنیا جدا شدی درحالی که شهید بودی،و رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش)را ملاقات نمودی درحالی که ستوده بودی،درودهای خدا بر تو،پیاپی شود،و افزود گردد.سپس به طرف پایین پای مبارک برو و بگو:

ای سروران من،ای خاندان رسول خدا،به وسیلۀ شما به خدای جلّ و علا تقرّب می جویم،با مخالفت کردن با آنان که به شما خیانت کردند،و پیمان شما را شکستند،و ولایت و منزلت شما را منکر شدند،و کمند طاعت شما را از وجود خود برکندند، و وسایل دوستی شما را ترک نمودند،و به فرعونهایشان با بیزاری و روی گردانی از شما،نزدیک شدند، و شما را از اقامۀ حدود،و ریشه کن کردن انکارها،و پر کردن شکاف،و جمع کردن پراکندگی،و

بستن رخنه ها،و صاف کردن کجیها،و اجرای احکام،و بی پیرایه ساختن اسلام،و قلع و قمع کردن گناهان بازداشتید،و بر ضدّ شما برانگیختند گرد و غبار جنگها و آشوبها را،و شمشیرهای کینه را بر شما زدند،و پرده های حرمت شما را دریدند،و با خمس شما شرابها خریدند،و حقوق بیچارگان را در امر دلقکها و مسخره پیشگان خرج کردند،و این امور به خاطر این بود که برای آنان راه باز کردند بدکاران گمراه،و حسودان متجاوز،اهل پیمان شکنی و خیانت و خلافکاری و نیرنگ،و دلهای بویافته از آلودگی بت پرستی،و بدنهای انباشه از چرک کفر،آنان که سخت به نفاق چسبیدند،و به رشته های تفرقه روی آورند،زمانی که مصطفی(درود خدا بر او و خاندانش)درگذشت، غفلگیری را ربودند،و فرصت را غنیمت شمردند،و پردۀ حرمت را دریدند،و او را در کمال بی وفایی بر بستر مرگ وانهادند، و شتافتند،برای شکستن بیعت،و مخالفت پیمانهای محکم تأکیدشده،و خیانت نسبت به امانتی که به کوهها استوار پا برجا عرضه شده بود،و آنها از اینکه آن را حمل کنند،خودداری کردند،و آن را حمل کرد انسان به غایت ستمکار،و به شدت نادان،صاحب شکاف افکنی و مباهات به گناهان دردناک،و گردن فراز از گردن نهادن برای دستیابی به عاقبتی ستوده،پس گرد آورده شدند فرومایگان اعراب،و و باقی مانده دسته های کافر،به در خانۀ نبوّت و رسالت،و فرودگاه وحی و فرشتگان،و قرارگاه سلطنت ولایت،و معدن وصیت و خلافت و امامت،تا آنکه شکستند پیمان مصطفی را در حقّ برادرش،پرچم هدایت،و بیان کنند راه هدایت از راههای هلاکت،و جریحه دار کردند جگر بهترین خلق را،

ص:881

در ستم به دخترش،و لگدکوب کردن محبوبش،و غصب کردن حق عزیزش،پاره تنش،و جگرگوشه اش، و شوهرش را واگذاشتند،و مقامش را کوچک شمردند،و حرامهایش را حلال کردند،و رحمش را قطع نمودند،و برادری اش را انکار کردند و دوستی اش را ترک گفتند،و اطاعتش را شکستند،و ولایتش را منکر شدند،و بردگان را در خلافت او به طمع انداختند، و او را به طرف بیعتشان کشاندند،با شمشیرهای برکشیدۀ بیعت گران ناحق،و سرنیزه های برهنۀ عمّال حکومت،درحالی که او خشمگین دل، خروشیده غضب،سخت شکیب،و فروبرندۀ خشم خود بود،او را دعوت می کردند به بیعتشان،که شومی آن اسلام را فرا گرفت،و در دل اهل آن تخم گناهان را کاشت،و با سلمانش نامهربانی کرد،و مقدادش را طرد گفت و ابوذرش را به عرصۀ تبعید برد،و سینۀ عمّارش را شکافت،و مفاهیم قرآن را تحریف کرد،و احکام الهی را به احکامی دیگر تبدیل نمود،و مقام را دگرگون ساخت،و خمس را برای آزادشدگان فتح مکه مباح کرد،و اولاد لعنت شدگان را بر نوامیس و خون مردم مسلّط نمود، و حلال را با حرام مخلوط کرد،و ایمان و اسلام را سبک شمرد،و کعبه را ویران کرد،و غارتگرانه بر خانۀ هجرت روز حادثه جرّه حمله برد،و دختران مهاجران و انصار را،برای شکنجه سخت،و بی داد سنگین از پرده بیرون کشید،و جامۀ ننگ و رسوایی بر آنان پوشاند،و به اهل شبهه اجازه و آزادی داد، برای کشتن اهل بیت برگزیدۀ پیامبر،و نابود کردن نسلش،و ریشه کن کردن بیخ وبنش،و اسیر کردن حرمش،و به قتل رساندن یاورانش،و شکستن منبرش،و وارونه نمودن مایۀ فخرش،و پنهان کردن دینش،و از میان بردن نامش!!ای سروران من،چه حالی داشت

ص:882

محمّد مصطفی اگر شما را می دید درحالی که تیرهای ملت،در جگرهای شما فرو رفته،و نیزه هایشان در گلوهای شما قرار گرفتۀ و شمشیرهای خون آشامشان در خون شما نشسته بود،زنازادگان تشنگی شدید خود را به تبهکاری از پروای شما،و خشم بسیار سخت کفر خود را از میان شما فرو می نشانند،و شما بودید بین:به خاک افتاده در محرابی،که شمشیر تارک سرش را شکافته بود،و شهید بالای تابوت که کفنش با تیرهایی سوراخ سوراخ شده بود،و کشته در بیابان افتاده که سرش بالای نیزه ها رفته بود،و بکند و زنجیر کشیده شده در زندان،که با آهن اعضایش کوفته شده بود،و مسمومی که با جرعه های سمّ مهلک،روده هایش،پاره پاره گشته، و جمع شما در این سو و آن سو پراکنده شده،بردگان و برده زادگان آنها را نابود می کردند،پس ای سروان من آیا محنتها غیر آن است که ملازم شما شد،و مصایب جز آن است که شما را فرا گرفت،و فاجعه ها جز آن است که اختصاص به شما یافت،و حوادث کوبنده جز آن است که شما را کوبید؟ ! درود خدا بر شما و بر ارواح و پیکرهایتان،و رحمت و برکات خدا بر شما.پس از این،قبر منوّر را ببوس،و بگو:

پدر و مادرم فدای شما ای خاندان مصطفی،در دست ما چیزی نیست،جز اینکه پیرامون زیارتگاههای شما طواف کنیم،و به ارواح شما در آن زیارتگاهها تسلیت گوییم،بر این مصیبتهای بزرگی که به آستان شما دررسید،و پیش آمدهای گرانی که به ساحت شما فرود آمد،که در قلوب شیعیانتان زخمها ثبت کرد،و در جگرهایشان جراحتها به ارث گذاشت،و در سینه هایشان غصه ها کاشت،پس ما خدا را گواه می گیریم بر اینکه در حقیقت شرکت نمودیم با دوستان و یاران گذشتۀ شما،در ریختن خون پیمان شکنان،و متجاوزان،و بیرون رفتگان از دین،و کشندگان

ابی عبد اللّه،سرور جوانان اهل بهشت(درود بر او)در روز کربلا،به وسیلۀ نیّتها و دلهایمان،و تأسف بر از دست رفتن موقعیّتهایی که آنان برای یاری شما حاضر شدند،سلام و رحمت و برکات خدا از سوی ما بر شما باد.سپس قبر شریف را بین خود و قبله قرار بده و بگو:خدایا ای صاحب قدرتی که جهان از آن قدرت هستی یافت،و بر آن قدرت بدون عیب پدید آورده شد،و در زیر سایۀ عظمت آفریده گشت،شواهد آفرینشت در آن گویا شد،بر اینکه تویی خدا،معبودی جز تو نیست،پدیدآوردنده اش،و آفریننده اش و خلق کننده اش،جهان را پدید آوردی،نه از چیزی،و نه بر روی چیزی،و نه در چیزی،و نه به خاطر ترسی که بر تو وارد شده باشد،آنگاه که غیر از تو نبود،و نه به خاطر نیازی که در آفرینشش برای تو پیدا شده باشد،و نه برای اینکه پس از آفرینش جهان،به آن استعانت جویی،بلکه آن را به وجود آوردی تا راهنمایی بر تو باشد،به اینکه تو از ساختمان آفرینش جدایی،پس انصاف دهنده به عقلش،طاقت انکار تو را نمی آورد،و موسوم به سلامت معرفت تاب باور نکردن تو را ندارد،از تو می خواهم،به شرف اخلاص در یکتاپرستی ات،و حرمت علاقمندی به کتابت،و اهل بیت پیامبرت،اینکه درود فرستی بر آدم،پدیدۀ آفرینشت،و اول حجتت،و زبان قدرتت،و جانشین در زمین پهناورت،و بر محمّد زبدۀ برگزیدگانت،و کاوشگر معرفتت،و آن شناور امین بر راز پنهانت،به آنچه سزاوارش نمودی از نعمتت به یاری خویش،و بر آنانی که بین آدم و محمّد بودند،از پیامبران،و اکرام شدگان،و راستی پیشه گان،و اینکه مرا به این پیشوایم ببخشی.پس پهلوی

روی خود را بر ضریح مبارک بگذار و بگو:خدایا به جایگاه این آقا،بر طاعتت،و به مقامش در پیشگاهت، مرا ناگهان نمیران،و از توبه محرومم مساز،و پرهیز از حرامهایت را چه دینی و چه دنیایی نصیبم فرما،و از طلب دنیا، به آخرت مشغولم نما،و به آنچه دوست داری و خشنودی موفقم بدار،و از پیروی هوا،و فریب خوردن به امور باطل و آرزو برکنارم دار.خدایا قرار ده در گفتارم استواری،و در کردارم درستی،،و در پیمان و وعده ام راستی و وفا و حفظ و انس گیری را مقرون به پیمان و وعده ام،و نیکی و احسان را در شمار رفتار و اخلاقم،و قرار ده سلامتی را برایم فراگیر،و عافیت را بر من احاطه کننده و پیچیده،و رفتار لطیفت،و یاری ات را متوجه من،و حسن توفیقت و آسانی ات را بر من کامل شده،و زنده ام بدار پروردگارا خوشبخت،و بمیرانم شهید،و برای مرگ و پس از آن پاکم فرما.خدایا قرار بده سلامت و نور را در گوشم و دیده ام،و منفعت و خیر را در راههایم،و هدایت و بصیرت را در دین و آیینم، و میزان حق را همیشه در برابر چشم،و ذکر و پند را شعارم و جامۀ باطنم،و فکر و عبرت گرفتن را انیس و تکیه گاهم،و جای گیر فرما یقین را در دلم،و آن را قرار ده استوارترین چیزها در نهادم،و چیره کن آن را بر رأی و تصمیم،و قرار ده ارشاد را در کردارم،و تسلیم شدن به امرت را بستر و پشتوانه ام،و راضی بودن به قضا و قدرت را،آخرین کرانه تصمیم و نهایتم،و دورترین اندیشه و هدفم،تا از احدی از بندگانت در

امر دینم ملاحظه نکنم،و به آن جز آخرتم را نجویم،و از آن ثناگویی و تعریف را نجویم،و قرار ده بهترین عاقبتها را عاقبت من،و بهترین بازگشتگاه را،بازگشتگاه من،و با ناز و نعمت ترین زندگیها را،زندگی من،و برترین هدایتها را هدایت من،و کامل ترین بهره ها را بهرهٔ من،و شایان ترین نصیبها را نصیب من،و باش ای پروردگارم،برای من از هر پیش آمد بدی نگهدار،و به جانب هر خیری راهنما و راهبر،و از هر متجاوز حسودی پشتیبان و جلوگیر.خدایا به توست سازوبرگ و زمامم و اطمینان و توفیق و جنبش و نیرویم،و برای توست حیات و مرگم،و در کف توست آرامش،و حرکتم،و به دستاویز محکم تر توست چنگ زدن و پیوندم،و بر توست در همهٔ کارها اعتماد و توکّلم،و از عذاب دوزخ،و تماس آتش نجات و رهایی ام،و در خانهٔ امن و کرامت توست منزل و مأوایم،و به دست آقایان و سرورانم،خاندان مصطفی است رستگاری و گشایشم.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و بیامرز مردان و زنان مؤمن و مسلمان را،و بیامرز مرا و پدر و مادرم و آنچه زاده اند،و همسایگانم،و هر زن و مرد باایمانی را که حقّی بر گردن من دارد،همانا تو دارای فضل بزرگی.

[مطلب چهارم:دعای عالیه المضامین]

چهارم:دعایی است با مضامین بسیار بلند که پس از زیارت هر یک از امامان علیهم السّلام خوانده می شود،و این دعا را سیّد ابن طاووس در کتاب«مصباح الزائر» بعد از این زیارت جامعه نقل فرموده است،و آن دعای شریف این است:خدایا این امام را زیارت

کردم،به امامتش اقرار دارم،واجب بودن اطاعتش را معتقدم،پس زیارتگاهش را قصد کردم،با گناهان،و عیبها،و جرمهای هلاکت بار،و بسیاری بدیها و خطاهایم،و آنچه را تو از من خبر داری،پناهنده ام به گذشت،و بردباری ات، امیدوارم به رحمتت،پناه برده ام به پایۀ عنایتت،پناه آورنده ام به مهرت،خواهان شفاعتم،از ولیّ ات و فرزند اولیایت و برگزیده ات،فرزند برگزیدگانت،و امینت و فرزند امنایت و خلیفه ات،و فرزند خلیفه هایت، [هرگاه این دعا پس از زیارت امیر مؤمنان(ع) باشد به جای کلمه«ابن»در هر چهار موضع«آبی»بگوید]آنان که قرارشان دادی،وسیله ای به سوی رحمت و خشنودی ات.و سببی به جانب مهر و آمرزشت،خدای اول حاجتم به پیشگاه تو این است،که گناهان گذشتۀ مرا،در عین زیادبودنش بیامرزی،و در آنچه از عمرم باقی مانده،مرا حفظ کنی،و پاک نمایی دینم را از آنچه آلوده اش کند،و بد نمایش سازد،و معیوبش گرداند،و نگاهش داری،از شک و دودلی و تباهی و شرک،و پایدارم بداری بر طاعتت و طاعت رسولت،و فرزندان نجیب و خوشبختش،درود و رحمت و سلام و برکاتت فراوان بر ایشان،و زنده ام بداری،تا زنده ام می داری بر فرمانبرداری از ایشان،و بمیرانی ام، هرگاه بمیرانی بر طاعت از آنان،و از دلم پاک نکنی موّدت و دوستی آن بزرگواران،و کینۀ دشمنانتان را،و رفاقت دوستانشان،و به نیکی به آنان را نصیب من فرما،و از تو می خواهم،ای پروردگارم،که این زیارت را از من بپذیری،و عبادتت، و مواظبت بر آن را محبوب من گردانی،و برای بندگی به نشاطم آوری،و گناهان و محرّماتت را منفور من کنی،و از آنها بازم داری،و از کوتاهی کردن در نمازهایم،و سبک شمردم و کاهلی از آنها برکنارم داری،و موفقّم بداری بر ادای آنها،

همان طور که واجب کردی،و به آن بر پایهٔ روش رسولت فرمان دادی،درودها و رحمت و برکات تو بر او باد، نمازی با کمال خضوع و خشوع،و باز کنی سینه ام،را برای پرداخت زکات،دادن صدقات،و بذل خوبی و احسان به شیعهٔ خاندان محمّد(درود بر ایشان)و مواسات و همدردی با آنان،و مرا از دنیا نبرید مگر بعد از آنکه حجّ خانه ات،و زیارت قبر پیامبرت،و قبور امامان(درود بر ایشان)را نصیبم کنی،و از تو می خواهم ای پروردگارم توبه ای خالص،که آن را بپسندی،و نیّتی که آن را ستایش کنی،و عمل شایسته ای که بپذیری،و اینکه مرا بیامرزی،و به من رحم کنی،هنگامی که مرا بمیرانی،و سکرات مرگ را بر من آسان نمایی،و محشورم کنی،در گروه محمّد خاندان او(درود خدا بر او و خاندانش)،و به رحمتت مرا وارد بهشت فرمایی،و اشکم را در طاعتت فراوان کنی،و سرشکم را در آنچه مرا به تو نزدیک گرداند جاری سازی،و دلم را نسبت به دوستانت مهربان نمایی،و در این دنیا مصونم بداری، از آسیبها،و آفات،و بیماریهای سخت،و دردهای کهنه،و همهٔ انواع بلاها و حوادث،و دلم را از توجه به حرام بگردانی،و نافرمانیهایت را مورد خشم من قرار دهی،و حلال را نزد من محبوب گردانی،و درهای آن را به رویم بگشایی،و نیّت و کارم را بر آن استوار سازی،و عمرم را طولانی کنی،و به رویم درهای محنت ها را ببندی،و نعمتهایی را که به من عنایت کردی،از دستم نگیری،و چیزی از احسانهایت را از من پس نگیری،و نعمتهایی که به من دادی، از من جدا نسازی،و بر آنچه مرا مالک آن نمودی بیفزایی،و چندین برابر نمایی،و نصیبم کنی مال بسیار،

روان،گوارا،رویندە،رسا،و عزّتی پایدار کافی،و آبرویی پهناور بلند و نعمتی کامل و فراگیر،و به این امور بی نیازم کن از جستنیهای پر مشقت،و موارد دشوار،و از آنها رهایی ام ده، با سلامتی کامل در دین و جان و فرزندانم و آنچه به من عطا کردی،و بخشیده ای،و نگهداری برای من مالم،و آنچه مرا مالک آن نمودی،و از سر من برگیری دستهای ستم گردنکشان را،و به وطنم بازم گردانی،و به نهایت آرزویم،در دنیا و آخرتم برسانی،و قرار دهی سرانجام کارم را پسندیده و نیکو و سالم،و بگردانی مرا فراخ سینه،وسیع حال،نیکو اخلاق،دور از بخل و دریغ ورزی و دورویی و دروغ و بهتان،و زورگویی، و در قلبم ریشه دار کنی محبّت محمّد و خاندان محمّد و شیعیانشان را،و محافظتم فرمایی ای پروردگارم در خودم و خاندان و مال و فرزندان،و اهل غمخواری و برادران،و دوستان و نژادم،به مهربانی ذاتت.خدایا اینها حاجات من نزد تو،و اینکه زیادشان کردم به خاطر خوی فقر و حرص من است،ولی همهٔ آنها نزد تو کوچک و اندک و روا کردنش بر تو سهل و آسان است،پس از تو می خواهم به منزلت محمّد و خاندان محمّد(درود بر او و ایشان)نزد تو،و به حقّشان بر تو،و به آنچه بر آنان واجب کرده ای،و به حق پیامبران،و رسولان،و برگزیدگانت،و دوستان با اخلاص از بندگانت،و به حق بزرگترین اسم اعظمت که تمام این حاجتها را برایم برآوردی،و به آنها کامروایم فرمایی،و از آرزو و امیدم ناامیدم نکنی.خدایا و شفاعت صاحب این قبر را در حق من بپذیر،ای سرور من،ای ولیّ خدا،

ص:889

ای امین خدا،از تو می خواهم،که از من به درگاه خدای عزّ و جل،در تمام این حاجتها،شفاعت کنی،به حق پدران پاک،و به حق فرزندان برگزیده ات،به درستی که برای تو نزد خدا،که منزّه باد نامهایش،منزلتی شریف، و مرتبه ای عظیم،و مقامی پهناور است.خدایا،اگر من کسی را می شناختم که نزد تو آبرومندتر از این امام، و از پدران و فرزندان پاکیزه اش(درود بر ایشان)بود،هرآینه آنها را شفیعان خود قرار می دادم،و پیش روی حاجتم و خواسته هایم قرار می دادم،پس دعایم را بشنو،و برایم به اجابت برسان،و آنچه تو شایستۀ آنی،دربارۀ من انجام ده، ای مهربان ترین مهربانان.خدایا و هرچه را از آن کوتاه آمد درخواست من،و نیرویم از آن ناتوان شد،و هوشم به آن نرسید،از صلاح دین و دنیا و آخرتم،پس عطای آنها را بر من منّت گذار،و محافظم فرما،و نگهبانی ام کن،و بر من ببخش، و مرا بیامرز،و هرکه مرا قصد کند،به بدی،یا کاری ناخوش آیند،از شیطان سرپیچ،و لطان لجوج یا مخالف در دین یا ستیزه جویی در دنیا،یا حسدورز در نعمتی بر من،یا ستمکار،یا متجاوز،پس دستش را از سر من بردار، و نقشه اش را از من بگردان،و او را از من به خودش مشغول کن،و شر خود و پیروان و شیاطینش را از من کفایت فرما،و پناهم ده از هرچه به من زیان رساند،و احجاف و ظلم کند،و همۀ خیر را به من عطا کن،از آنچه می دانم،و از آنچه نمی دانم، خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و بیامرز مرا،و پدر و مادرم،و برادران و خواهرانم،و عموها و عمّه هایم،و داییها و خاله هایم،و اجداد و جدّه هایم،و فرزندان و نژادشان،و همسران،

و نژاد،و خویشان،و رفقا و همسایگانم،و برادران دینی ام را،از اهل شرق و غرب، و تمام اهل موّدتم،از مردان و زنان مومن،زنده و مردهٔ آنان را،و همهٔ آنهایی که خیری را به من یاد دادند،یا از من دانشی آموختند.خدایا آنان را شریک کن،در شایستهٔ دعایم،و زیارتم نسبت به زیارتگاه حجّت و ولیّ ات،و مرا نیز در شایستهٔ دعای ایشان شریک کن،ای مهربان ترین مهربانان،و از جانب ایشان به ولیّ ات سلام برسان،و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای سرور و مولای من ای فلان پسر فلان به جای این کلمه،نام امامی را که زیارت می کند،و نام پدر آن بزرگوار را بگوید) درود خدا بر تو،و بر روح و تنت،تویی وسیلهٔ من به سوی خدا،و واسطه ام به درگاهش، برای من است حق دوستی و آرزومندی،پس به پیشگاه خدای عزّ و جلّ شفیع من باش،در ایستادن بر این داستانم، و بازگرداندن من از این موقعیتم با کامیابی،به آنچه درخواست کرده ام،همه را به مهربانی و توان او،خدایا نصیبم کن عقلی کامل،و خردی ممتاز،و عزّتی پایدار،و دلی پاک،و عملی بسیار،و ادبی برتر،و همه ر ابه سود من قرار ده نه به زیان من،به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

[مطلب پنجم:زیارت وداع ائمه علیهم السلام]

پنجم:در ذکر زیارت وداع،هر یک از امامان به آن وداع می شوند.بدان که از جمله آداب زیارت،چنان که در محل خود ذکر شد،وداع زیارت کننده است،نسبت به زیارت شده،به وقت بیرون رفتن از شهر آن بزرگوار،آن هم به زیارت و داعی که از ایشان رسیده باشد،چنان که در اکثر زیارات مشاهده می شود،و ما در این کتاب شریف در ابواب زیارات

ص:891

امامان علیهم السّلام برای هر یک از ایشان و داعی نقل کردیم و در وداع حضرت سیّدالشّهدا علیه السّلام اکتفا نمودیم،به همان زیارت و داعی که در آداب بیستم از آداب زائر آن حضرت ذکر شد،و به هر صورت در اینجا ذکر می کنیم این زیارت وداع را که شیخ محمد بن المشهدی،آن را در باب وداع،کتاب مزار کبیر نقل کرده و سیّد ابن طاووس رحمه اللّه پس از زیارت جامعۀ مذکوره آورده است،و ما آن را از کتاب «مصباح الزائر»نقل می کنیم،سیّد فرموده:وقتی خواستی وداع کنی و برگردی،البته در هر یک ای مشاهد مشرّفه که باشی،بگو:

سلام بر شما ای اهل بیت نبوّت،و معدن رسالت،سالم وداع کننده نه به ستو آمده و عصبانی، و رحمت و برکات خدا بر شما اهل بیت،به درستی که خدا،ستوده و بزرگوار است،سلام دوستی که نه روگردان از شما،و نه منحرف از شماست،و نه عوض کنندۀ شما،و نه پیش اندازۀ کسی بر شما،و نه بی رغبت به قرب شما،خدا این زیارت را آخر زیارت قبورتان،و آمدن به زیارتگاههایتان قرار ندهد،سلام بر شما،و خدا مرا در گروه شما محشور کند،و به حوض شما وارد نماید،و شما را از من خشنود سازد،و تمکّنی در دولت شما به من بدهد،و در بازگشت شما زنده ام کند،و مرا در ایام شما فرمانروایم فرماید،و کوششم را برای شما قدردانی کند،و به شفاعت شما گناهانم را بیامرزد،و به محبت شما لغزشم را نادیده بگیرد،و به دوستی شما مقامم را بلند گرداند،و به طاعت شما مفتخرم نماید،و به هدایت شما عزیزم کند،و قرارم دهد از کسانی که بازگرداند رستگار کامیاب سالم بهره مند با عافیت توانگر،و رسیده به خشنودی خدا و فضل و کفایتش،به برترین وضعی که بازگردد به آن،یکی از زائران و دوستداران و عاشقان و شیعیان شما،و خدا نصیبم کند بازگشت به این حرم را،سپس بازگشت و باز هم بازگشت تا باقی ام داشته پروردگارم به نیّت صادقانه و ایمان و تقوا،و فروتین و روزی گستردۀ حلال پاک.

خدایا قرار مده این زیارت را آخرین زیارت من از ایشان و ذکر ایشان،و درود بر ایشان،و برای من واجب گردان آمرزش و رحمت و خیر و برکت،و نور و ایمان و حسن اجابت چنان که برای اولیایت واجب نمودی،آن آگاهان به حق ایشان و واجب شمارندگان طاعت آنان،و مشتاقان در زیارت ایشان،و تقرّب کنندگان به تو و به سوی ایشان،پدر و مادرم و خودم و مال و خاندانم فدای شما،مرا از جمله اندیشه هایتان قرار دهید،و از حزب خودتان گردانید،و در شفاعتتان واردم کنید،و نزد پروردگارتان یادم نمایید.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و از جانب من بر ارواح و اجسادشان برسان،تحیّت و درود بسیار،و سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد.

[مطلب ششم:رقعه حاجت]

ششم:در کتاب«تحفه الزائر»از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده،هرگاه تو را حاجتی به سوی خدای تعالی باشد،یا از امری بیمناک و ترسان باشی در کاغذی بنویس:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،خدایا به سوی تو رو می کنم با محبوب ترین نامها به پیشگاهت،و بزرگترین آنها در نزدت،و تقرّب و توسّل می جویم،به کسی که حقّش را بر خودت واجب کردی،به محمّد و علی و فاطمه،و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمّد بن علی و جعفر بن محمّد و موسی بن جعفر،و علی بن موسی،و محمّد بن علی و علی بن محمّد و حسن بن علی،و حجّت منتظر که درودهای خدا بر همهٔ ایشان باد،کفایت کن برایم چنین و چنان.به جای کذا و کذا حاجت خود را ذکر می کنی،سپس

کاغذ را تا کن و در میان تکّه ای از گل بگذار،و در میان آب جاری،یا چاهی بینداز،که حق تعالی به زودی گشایشی در مشگلت کرامت می کند.

[مطلب هفتم:دعا در غیبت امام زمان عجل الله فرجه]

هفتم:به سند معتبر روایت شده که شیخ ابو عمرو نایب اول امام عصر صلوات اللّه علیه به ابو علی محمد بن همّام املا فرمود،و به او امر کرد که آن را بخواند.سیّد ابن طاووس در کتاب(جمال الاسبوع،پس از ذکر دعاهای وارد بعد از نماز عصر جمعه،و صلوات کبیره،این دعا را ذکر کرده و گفته:اگر برای تو،از تمام آنچه ذکر کردیم عذری باشد،پس بپرهیز از اینکه خواندن این دعا را واگذاری،به دستی که ما داشتن این دعا را از فضل خدا«جل جلاله»می دانیم که ما را به آن ممتاز ساخته،پس به آن اعتماد کن.و دعا این است:

خدایا خود را به من بشناسان،اگر خود را به من نشناسانی،پیامبرت را نشناسم،خدایا پیامبرت را به من بشناسان،اگر پیامبرت را به من نشناسانی،حجّتت را نشناسم،خدایا حجّتت را به من بشناسان،اگر حجّتت را به من نشناسانی،از دینم گمراه شوم.خدایا مرا به مرگ جاهلیّت نمیران،و دلم را پس از اینکه هدایت نمودی،منحرف مکن.خدایا چنان که به ولایت کسی که طاعتش را بر من واجب کردی،از ولایت والیان امر خود پس از پیامبرت(درود تو بر او و خاندانش)تا زمامداری والیان امرت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب و حسن و حسین و علی و محمّد و جعفر و موسی و علی و محمّد و علی و حسن و حجّت قائم مهدی(درود تو بر همه ایشان)قبول کردم،خدایا پس مرا بر دینت ثابت بدار،و تحت فرمانم بکار گیر،و دلم را برای ولیّ امرت نرم کن،و در سلامت کاملم بدار،از آنچه بندگانت را به آن آزمودی،و بر طاعت ولیّ امرت استوارم کن آنکه او را از دیده بندگانت پوشیده داشتی،و به اذن تو از آفریدگانت پنهان شد،و فرمان تو را انتظار می کشد،و تو

دانای بدون تعلیمی به آن هنگامی که صلاح کار ولیّ امرت در آن است در اجازه دادن به او برای آشکار ساختن حکومتش،و برطرف نمودن پردهٔ غیبتش،پس مرا بر این حقیقت شکیبا گردان،تا دوست نداشته باشم پیش افتادن چیزی که به تأخیر انداختی،و به تأخیر انداختن چیزی که پیش انداختی،و نه آشکار نمودن چیزی که پنهان ساختی،و نه کنجکاوی در آنچه کتمان کردی،و نه با تو نزاع کنم در تدبیرت،و نه بگویم:برای چه،و چگونه، و چه شده ولی امر ظهور نمی کند،و حال آنکه زمین از ستم پر شده،و من واگذار می کنم همهٔ امورم را به تو،خدایا از تو می خواهم ولیّ امرت را آشکار و نافذ الامر به من بنمایانی،با اینکه می دانم تنها برای توست سلطنت و قدرت و برهان،و حجهٔ ت و مشیّت و حول و قوّت،این خواهش را نسبت به من و همهٔ اهل ایمان انجام ده، تا ولیّ امرت(درود تو بر او)را ببینم،نمایان گفتار،روشن دلالت،هدایتگر از گمراهی، شفابخش از نادانی،آشکار فرما ای پروردگارم دیدارش را،و استوار کن پایه های کارش را،و ما را از آنانی قرار ده که چشمش به دیدار حضرتش روشن شود،و ما را به خدمتش بگمار،و بر آیینش بمیران،و در گروهش محشور گردان،خدایا پناهش ده از شرّ همهٔ آنچه خلق کردی و آفریدی و پدید آوردی و پروریدی و صورت دادی،و او را نگاه دار از پیش رویش و از پشت سرش،و از طرف راست و چپش و بالای سر و زیر پایش،به نگاهداری خویش که تباه نمی گردد هر که را به آن نگاه داری،و حفظ کن در وجود او رسول و جانشین رسولت را(بر او و خاندانش درود باد)، خدایا عمرش را طولانی کن،و بر زندگی اش بیفزای،و بر آنچه سرپرستی اش دادی،و رعایتش را از او خواستی اری اش ده،و در کرامتت

بر او بیفزای،و به درستی که او هدایتگر و هدایت شده و پاینده و رهیافته،و پاک و پرهیزگار و پاکیزه و بی عیب،و خشنود و پسندیده و شکیبا و سپاسگذار و کوشاست،خدایا یقین را از ما مگیر،به خاطر طول زمان غیبتش،و قطع شدن خبرش و یادش را به فراموشی مسپار،و همچنین کشیدن انتظارش و ایمان به حضرتش و نیرومندی یقین در ظهورش،و دعا به وجودش،و درود بر او را از یاد ما مبر تا جایی که طول غیبت او از قیامش ناامیدمان نکند،و یقینمان در این موضوع همانند یقینمان در قیامت پیامبرت(درود تو بر او و خاندانش)،و آنچه از وحی و قرآنت آورده باشد،پس دلهای ما را بر ایمان به او نیرومند ساز،تا ببری ما را به دست او در مسیر هدایت،و بزرگراه بزرگتر،و راه میانه تر،و ما را بر طاعت او نیرومند کن،و بر پیروی اش استوار فرما،و قرارمان ده در گروه و یاوران و یاران او،و کسانی که به کار حضرتش خشنودند،و این حقایق را در زندگی و نه در هنگام مرگ از ما مگیر،تا ما را بمیرانی و ما بر این حقایق باشیم،و از شک کنندگان و پیمان شکنان و تردیدداران،و تکذیبگران نباشیم.خدایا در گشایش امرش شتاب کن،و به یاری خود تأییدش کن،و یارش را یاری ده،و واگذارکننده اش را خوار نما،و هلاک کن هرکه را که با او طرح دشمنی اندازد،و او را تکذیب کند،و حق را بر او آشکار کن،و ستم را به وسیلۀ او بمیران،و بندگان مؤمنت را به وسیله او از خواری رهایی ده،و کشورهایت را او زنده و سرسبز کن،و گردنکشان کفر را به دست او به قتل برسان،و سرکرده های گمراهی را به او درهم شکن،و جبّاران و کافران را به وسیلۀ او خوار کن،و به قدرت او نابود کن منافقان،و پیمان شکنان و همۀ مخالفان و بی دینان را

در مشرقهای زمین و مغربهایش،در خشکیها و دریاهایش،و همواریها و کوهها‌یش،تا نگذاری از آنان احدی را، و باقی نگذاری برای آنان آثاری را،کشورهایت را از این ناپاکان پاک کن،و با انتقام گرفتن از آنان،سینه های بندگانت را شفا بخش،و به وسیلهٔ او تازه کن،آنچه از دینت کهنه شده،و به او اصلاح کن آنچه از قانونت،به قانون دیگر تبدیل شده،و از آیینت دگرگون گشته،تا دین تو به وجود او،و به دست او بازگردد،با طراوت و تازه و بی عیب که نباشد در آن هیچ کجی،و نه همراه آن هیچ بدعت،تا به دادگری اش خاموش کنی،آتش کافران را،چه او بندهٔ توست بنده ای که برای خود برگزیدی،و او را برای دینت پسندیدی، و با دانشت اختیارش نمودی،و از گناهان نگاهش داشتی،و از عیوب مبّرایش کردی،و بر نهانها آگاهش فرمودی،و به او نعمت دادی،و از پلیدی پاکش ساختی،و از ناپاکی،نظیفش فرمودی.خدایا درود فرست بر او و بر پدرانش آن امامان پاک،و بر شیعیان نجیبش،و آنان را به آرزوهایشان،هر آنچه آرزو می کنند برسان،و این خواسته ها را از ما خالص گردان،از هر شک و شبهه و خودنمایی و شهرت طلبی،تا با آه غیر تو را نخواهیم،و جز خاطر تو را نجوییم.خدایا به تو شکایت می کنیم،از فقدان پیامبران،و غیبت امامان، و سختی زمانه علیه وجودمان،و فرود آمدن فتنه ها بر سرمان،و پشت به پشت هم دادن دشمنان به زیانمان،و بسیاری دشمنانمان،و کمی نفراتمان،خدایا این گرفتاریها را از ما بگشا،به گشایشی از جانب خویش که آن را زود برسانی،و نصرتی از سوی خود که با عزّت توأمش فرمایی،و پیشوای عدالتی که آشکارش سازی،ای پرستیدهٔ حق آمین،خدای از تو می خواهیم،به ولیّ ات برای آشکار کردن دادگری در

میان بندگانت،و کشتن دشمنان در کشورهایت اجازه دهی،تا ستونی برای ستم،ای پروردگارم باقی نگذاری مگر آنکه درهم شکنی،و نه باقی مانده ای جز آنکه نابود گردانی،و نه نیرویی مگر سستش نمایی،و نه پایه ای جز آنکه در هم فروریزی،و نه برّنده ای جز آنکه کند کنی،و نه اسلحه ای جز آنکه از کار اندازی،و نه پرچمی جز آنکه سرنگون سازی،و نه پهلوانی جز آنکه به قتل رسانی،و نه لشگری جز آنکه شکست دهی،و سنگ بارانشان کن،به سنگ درهم کوبنده ات،و بزن آنان را به شمشیر برنده ات،و انتقامت که آن را از مردمان بدکار بازنمی گردانی،و عذاب کن دشمنانت،و دشمنانت،و دشمنان ولیّ ات و دشمنان رسولت(درود تو بر او و خاندانش) به دست ولیت و دست بندگانت با ایمانت.خدایا کفایت کن ولیّ ات،و حجّتت را در زمین،از هراس دشمنش،و از نیرنگ هر که قصد او کند،و حیله کن با هرکه به او حیله ورزد،و بگردان گردشهای بد روزگار را علیه هرکس که به او قصد بد کند، و ریشهٔ آنها را از او قطع کن،و رعب او را در دلهای آنان درانداز،و قدمهایشان را بلغزان،و آنها را آشکارا و ناگهان بگیر، و عذابت را بر آنان سخت کن،و در میان بندگانت رسوایشان ساز،و در کشورهایت به لعنت گرفتارشان گردان،و در قعر آتش جایشان ده،و شدیدترین عذابت را بر آنان فرو انداز،و با آتش دوزخ ملازمشان نما،و گورهای مردگانشان را از آتش پر کن،و در سوز آتشت واردشان ساز،که اینان نماز را تباه کردند،و از شهوات پیروی نمودند،و بندگانت را به گمراهی کشیدند،و کشورهایت را ویران کردند.

خدایا به دست ولیّ ات قرآن را زنده کن،و همیشه نورش را به ما بنمایان که شبی در آن نباشد،و دلهای مرده را به وسیلهٔ او زنده کن، و سینه های آکنده از کینه را به او بهبودی بخش،و آرای پراکنده را به دست او بر پایهٔ حق گرد آورد،و حدود معطّل شده و احکام

فرو گذاشته را به او بر پا بدار،تا حقّی بجا نماند جز آنکه آشکار گردد،و نه عدالتی جز آنکه شکوفا شود،و قرار ده ما را ای پروردگار از یاران و نیرودهدنگان سلطنت و فرمانبرداران فرمان و خشنودان به عمل و تسلیم شوندگان به احکامش،و از آنانی که نیاز به پنهان کاری از بیم مردم نداشته باشند،و تو ای پروردگارم که گرفتاری را بر طرف می کنی،و بی چاره را اگر خواندت اجابت می کنی،و نجات می دهی از اندوه بزرگ،پس گرفتاری را از ولیّ ات برطرف کن،و او را خلیفۀ خود،در زمینت قرار ده،چنان که برای او تعهّد نموده ای.خدایا،ما را قرار مده،از رودروشدگان با خاندان محمّد(درود بر ایشان)،و از دشمنان خاندان محمّد(درود بر ایشان)،و از کینه توزان بر خاندان محمّد(درود بر ایشان)،که من از این امور به تو پناه می آورم،پس پناهم بده،و از تو پناه می خواهم پس در پناهم بگیر،خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و مرا از جانب خود به وسیلۀ ایشان رستگار کن،در دنیا و آخرت، و از مقرّبان درگاهت قرار ده،آمین ای پروردگار جهانیان.

[مطلب هشتم:آداب زیارت به نیابت]

هشتم:در آداب زیارت به نیابت است.بدان که ثواب زیارت هر یک از رسول خدا،و ائمۀ هدی علیهم السّلام را می توان هدیه به روح مقدّس هر یک از آنان نمود،و همچنین به روح هر یک از مؤمنان می توان هدیه کرد،و نیز می توان به نیابت از ایشان زیارت نمود،چنان که به سند معتبر نقل شده:داود صرمی به حضرت هادی علیه السّلام عرضه داشت:من پدر شما را زیارت کردم،و ثوابش را برای شما قرار دادم.فرمود:برای تو از جانب خدا،پاداش و ثواب بزرگی است، و از جانب ما ستایش و ثنا.و در حدیث دیگری وارد شده:حضرت هادی علیه السّلام شخصی را به حایر امام حسین علیه السّلام فرستاد که برای حضرت زیارت و دعا کند.هم به سند معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام روایت شده:چون به

زیارت مرقد منوّر رسول خدا صلی اللّه علیه و آله بروی و از اعمال زیارت فارغ شوی،دو رکعت نماز بخوان،و نزد سر رسول خدا صلی اللّه علیه و آله بایست و بگو:

سلام بر تو ای پیامبر خدا،از سوی پدر و مادر و همسر و فرزند و نزدیکانم و از سوی تمامی اهل شهرم،آزاد و برده شان و سپید و سیاهشان.پس به هرکس از شهر خود بگویی که من به نیابت از تو،به پیامبر صلی اللّه علیه و آله سلام دادم،راستگو خواهی بود.و در بعضی از روایات وارد شده:از بعضی از ائمه طاهرین پرسیدند:از مردی که دو رکعت نماز بجا می آورد،یا یک روز روزه می دارد،یا حجّ و عمره بجا می آورد،یا رسول خدا صلی اللّه علیه و آله یا یکی از ائمه طاهرین علیهم السّلام را زیارت می کند،و ثواب آن را برای پدر و مادر خود،یا برادر مؤمن خود هدیه می کند،آیا برای او ثوابی هست؟فرمود:ثواب آن عمل به آن شخص می رسد،بدون اینکه از ثواب نایب چیزی کم شود.شیخ طوسی قدّس سره در کتاب تهذیب فرموده:کسی که با گرفتن اجرت،به نیابت برادر مومن به زیارت می رود،چون از غسل فارغ شود،[و موافق بعضی از نسخه ها:از عمل زیارت فارغ گردد]بگوید:خدایا آنچه به من رسیده:از خستگی، ماندگی،ژولیدگی،کوفتگکی،پس به خاطر آن فلان فرزند فلان را پاداش ده،و مرا هم در بجا آوردنم از جانب او پاداش عنایت کن.

پس چون زیارت کند در آخر زیارت بگوید:درود بر تو ای سرورم از فلان فرزند فلان، آمدم نزد تو زیارت کننده از طرف او،پس برای او نزد خدا شفاعت کن.پس هر دعا را که خواهد برای او بنماید،و نیز فرموده:چون کسی بخواهد،به نیابت دیگری زیارت کند بگوید:خدایا فلان فرزند فلان مرا به نمایندگی،به جانب سرپرستانش و سرپرستانم فرستاده،تا از جانب او زیارت کنم،به امید پاداش فراوان،و گزیر از بدی حساب.

خدایا او به درگاهت توجّه می کند،به وسیلۀ سرورانش،آن دلیلان بر تو،در جهت آمرزش گناهان،و فروریزی بدیهایش،و به وسیلۀ ایشان به تو توسّل می جوید،کنار زیارتگاه امامش(درود خدا بر ایشان).خدایا از او بپذیر،و شفاعت سرورانش را(درود خدا بر ایشان)دربارۀ او قبول کن،خدایا پاداشش ده بر این خوبی نیّتش،و باور صحیحش،و درستی دوستی اش،بهترین پاداشی که به یکی از بندگانت مؤمنت عطا کنی،و تداوم بخش برای او آنچه که او را مالکش نمودی،و به شایستگی وادارش در آنچه به او مرحمت فرمودی،و مرا آخرین نماینده ای که می فرستد قرار مده،خدایا او را از آتش رهایی بخش،و از روزی حلال پاکیزه ات،بر او وسعت ده،و او را از رفقای محمّد و خاندان محمّد قرار بده، و به او در فرزندان مال و اهل و زیردستانش برکت ده،خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و میان او و نافرمانیهایت پرده شو،تا تو را نافرمانی نکند،و او را بر طاعت خویش و طاعت اولیایت یاری رسان،تا در جا فرمانش داده ای مفقودش نبینی،او را در هر جا نهی نموده ای مشاهده ننمایی.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و او را بیامرزد، و مورد رحمتش قرار ده،و از او و همۀ مردان و زنان مؤمن گذشت کن.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و پناهش ده از هراس روز جزا،و از وحشت روز قیامت و بدی بازگشتگاه و تاریکی و وحشت قبر،و از توقفگاههای خواری در دنیا و آخرت.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و جایزۀ او را در این جایی که ایستاده ام آمرزشت قرار بده،و تحفه اش در این جایگاهم نزد امام(درود بر او)این باشد

ص:901

که از لغزشش چشم بپوشی،و عذرش را بپذیری،و از خطایش درگذری،و تقوا را توشه اش قرار دهی، و آنچه نزد توست در معادش برای او خیر گردانی،و در گروه محمّد و خاندان محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)محشورش نمایی،و او را و پدر و مادرش را بیامرزی،تو بهترین کسی هستی که به سویت رغبت شده،و بزرگترین درخواست شده ای هستی که بندگان بر تو اعتماد می نمایند، خدایا برای هر پیکی جایزه ای است،و برای هر زیارت کننده ای کرامتی است،پس جایزهٔ او و همهٔ مردان و زنان مؤمن را در این حال آمرزش و بهشت قرار ده،خدایا و من بندهٔ خطاکار،گنهکار و معترف به گناهانم هستم، از تو می خواهم ای خدا،به حق محمّد و خاندان محمّد،که پس از این اجر و پاداش،از فزونی عطایت و کرم تفضلّت مرا محروم نکنی.آنگاه نزد ضریح مقدّس رفته و دستها را رو به قبله به سوی آسمان بردارد و بگوید:ای سرور من،ای پیشوای من،بنده ات،فلان فرزند فلان،مرا به نمایندگی به زیارت بارگاهت فرستاده،و با این عمل،به پیشگاه خدای عزّ و جلّ و رسولش و به سوی تو تقرّب می جوید،و با این عمل آزادی اش را از آتش،و از عقبوت امید دارد،پس او و همهٔ مردان و زنان مؤمن را بیامرز ای خدا،ای خدا،ای خدا،ای خدا ای خدا،ای خدا،معبودی نیست جز خدای بردبار کریم،معبودی نیست جز خدای والای بزرگ،از تو می خواهم بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و دعایم را دربارهٔ آنکه مرا نماینده خود قرار ده،و همهٔ برادران و خواهران و فرزندان و خانواده ام اجابت کنی،به جود کرمت،ای مهربان ترین مهربانان.

ص:902

[ترجمه رسالهٔ الباقیات الصّالحات «فی الأدعیه و الصّلوات المندوبات»]

[مقدمه]

«رسالهٔ»باقیات الصالحات در دعاها و نمازهای مستحب»

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

ستایش خدا را که آسمان را برافراشت،و بندگانش را به جانب دعا تشویق نمود،و درود و سلام بر وجود کسی که او را در برگزیدن مقدّم داشت،یعنی محمّد خاتم پیامبران،و بر خاندان پاکش،چراغهای تاریکی به ویژه بر قائم آنان خاتم جانشینان.

و بعد چنین گوید:این گنهکار روسیاه،و مقصّر درگاه اله،عبّاس بن محمّد رضا القمی که این مجموعه ای است،مشتمل بر مختصری از اعمال شبانه روز،و ذکر بعضی از نمازها که در روایات آمده،و پاره ای از عوذات و احراز[دعاهایی که برای پناه جستن از خطرات خوانده می شود]،و اذکار،و دعاهای کوتاه،و خواصّ بعضی از سوره ها و آیات،و چکیده ای از آداب اموات،آنها را جمع کردم،تا به«مفاتیح»ضمیمه گردد،و این کتاب شریف از هر جهت کامل و نفعش تمامتر شود،آن را نامیدم به «الباقیات الصّالحات فی الادعیّه و الصّلوات المندوبات»

خدای تعالی فرمود:باقیات صالحات[کارهای پایدار و شایسته]نزد پروردگارت،از جهت پاداش و آرزو بهتر است.[کهف،46].

ص:903

و آن را بر شش باب و یک خاتمه مرتّب ساختم:

باب اوّل:در بیان مختصری از اعمال شب و روز.

باب دوم:در ذکر بعضی از نمازهای مستحبّ.

باب سوم:در بیان دعاها و عوذات مربوط به دردها و بیماری ها و نقص و ناراحتی اعضای بدن و تب و غیره.

باب چهارم:در بیان دعاهایی که از کتاب شریف کافی انتخاب شده.

باب پنجم:در ذکر بعضی از احراز[جمع حرز به معنای دعای نگهداشت و پرهیز]و دعاهای کوتاه،که از کتاب«مهج الدّعوات»و کتاب«مجتبنی»گرفته شده.

باب ششم:در ذکر خواصّ بعضی از سوره ها و آیات،و ذکر برخی از دعاها و مطالب متفرّقه.

خاتمه:در مختصر و مجملی از احکام اموات.

رجای واثق و امید صادق که برادران مؤمن و شیعیان حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام این گنهکار عاصی را از دعا،و طلب مغفرت در حال حیات،و پس از ممات فراموش نفرمایند.

باب اول:در بیان مختصری از اعمال شب و روز که مشتمل بر چند فصل است

فصل اول:اعمال مربوط به ما بین طلوع فجر تا طلوع آفتاب

اشاره

بدان که از جملهٔ اوقات شریف بین الطلوعین[زمان بین طلوع فجر صادق و طلوع خورشید]است،و اخبار بسیاری از اهل بیت علیهم السّلام در فضیلت این وقت،و تشویق بر عبادت،و ذکر و تسبیح در آن وارد شده،و در برخی اخبار،از این وقت تعبیر به ساعت غفلت شده،چنان که از حضرت محمد باقر علیه السّلام روایت شده:ابلیس رانده شده لشگرهای خویش را، در دو وقت پراکنده می سازد:وقت غروب آفتاب،و زمان طلوع آن،پس

در این دو ساعت،خدا را بسیار یاد کنید،و از شرّ ابلیس و لشگرش،به خدا پناه بجویید،و در این دو ساعت کودکان خود را به پناه خدا درآورید،

ص:904

زیرا آن دو ساعت،ساعت غفلت است.و بدان که خواب در این دو وقت مکروه است.از حضرت باقر علیه السّلام روایت شده:خواب در وقت صبح خوابی است شوم و مانع روزی است،و رنگ رخسار را زرد و دگرگون می کند،و به درستی که حق تعالی روزی ها را در ما بین طلوع فجر،تا طلوع آفتاب قسمت می کند،بنابراین از خوابیدن در این وقت بپرهیزید شیخ طوسی این دعا را در کتاب«مصباح»نقل کرده است که در وقت طلوع فجر صادق خوانده شود.

خدایا تو یاور مایی،پس بر محمّد و خاندانش درود فرست،و برما فزونی بخش،خدایا به نعمت تو کارهای شایسته به پایان می رسد،پس بر محمّد و آل محمّد درود فرست،و آنها را برای ما به پایان رسان،پناهنده ام به خدا از آتش،پناهنده ام به خدا از آتش،پناهنده ام به خدا از آتش ای شکافندۀ سپیده از جایی که نمی بینم،و بیرون آورندۀ آن از جایی که می بینم،بر محمّد و خاندانش درود فرست،و قرار ده آغاز این روز را شایستگی،و میانه اش را رستگاری،و پایانش را کامیابی،آگاه ده مرتبه می گویی خدایا من تو را گواه می گیرم که هرچه سپیده دمان به من می رسد،از نعمت یا سلامت کامل در دین یا دنیا تنها از جانب توست،یگانه ای و برای تو شریکی نیست،تو را ستایش و بر من است سپاس بر آن،تا خشنود شوی، و بالاتر از خشنودی.و ذکرهای وارد بر این وقت،غیر از آنچه ذکر شد بسیار است،و بهترین آنها ذکر خدا پاک و منزّه است و ستایش تنها او را سزاست و خدایی جز او نیست و خدا بزرگ تر از هر وصفی است.است که از آن به«باقیات صالحات»تعبیر شده و نیز خواندن این دعاست:معبودی جز خدا نیست،یگانه است و شریکی ندارد،فرمانروایی و ستایش از آن اوست،زنده می کند،و می میراند و می میراند و زنده می کند،و او زندای است که نمی میرد،خیر تنها به دست اوست،و او بر هر چیز تواناست.چون ندای اذان

صبح را شنیدی می گویی: خدایا از تو می خواهم به آمدن روزت،و رفتن شبت،و رسیدن نمازهایت، و بانگهای دعایت و تسبیح فرشتگانت،اینکه بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و توبه ام را بپذیری که تویی توبه پذیر و بخشنده.

[آداب بیت الخلاء]

چون خواستی به نماز رو کنی،ولی به رفتن به بیت الخلاء نیازمندی،پس به آن ابتدا کن،و آداب آن بسیار است،و پاره ای از آن به طور اختصار این است که پای چپ را وقت وارد شدن مقدّم بداری و بگویی:

به نام خدا و به وسیلهٔ خدا،پناه می برم به خدا از پلید،ناپاک،آلوده،شیطان رانده شده.

چون لباس به یک سو قرار دادی به نام خدا می گویی،و واجب در این حال،بلکه در تمام حالات،پوشاندن عورت از بینندهٔ محترم است.و در این حال به طرف قبله،و پشت به قبله نشستن حرام می باشد،و مستحبّ است در حال قضای حاجت بگویی:خدا در تندرستی کامل غذای پاک به من بخوران،و در سلامت کامل،آن را از من،ناپاک خارج کن.

که بر آنچه از تو دفع شد.نگاهت افتاد بگو خدایا حلال روزی ام فرما،و از حرام برکنارم دار چون خواستی از بول تطهیر کنی، اول استبراء می نمایی،سپس دعای رؤیت آب را می خوانی ستایش خدای را که آب را پاک کننده قرار داد،و آن را ناپاک نگرداند و در وقت طهارت از بول می گویی،خدایا عضو جنسی ام را از گناه نگاهدار،و آن را عفیف گردان،و عورتم را بپوشان،و آتش را بر من حرام کن.و چون از جای خود برخاستی،دست راست را بر شکم خود می کشی و می گویی:ستایش خدای را،که آزار را از من دور ساخت،و خوراک و نوشیدنی ام را بر من گوارا نمود،و از بلا به سلامتم داشت.آن گاه با مقدّم نمودن پای راست

بر پای چپ از انجا بیرون می آیی،و این دعا را می خوانی: ستایش خدای را،که لذّت غذا را به من شناساند، و نیروی آن را در پیکرم باقی گذاشت،و آزارش را از من بیرون کرد،وه که چه نعمتی،وه که چه نعمتی،سنجش گران توان سنجیدن آن را ندارد.

[آداب وضو]

چون خواستی وضو بگیری،با مسواک آغاز کن،که دهان را پاکیزه،و بلغم را برطرف،و نیروی حافظه را زیاد می کند، و موجب فزونی حسنات و خشنودی حق تعالی است،و دو رکعت نماز با مسواک،بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون مسواک است،و اگر مسواک نباشد.انگشت نیز کفایت می کند.و سزاوار است وقت وضو گرفتن به طرف قبله بنشینی،و ظرف آب را در جانب راست خود گذاری،و چون نگاهت به آب افتاد،این دعا را بخوانی:

ستایش خدای را که آب را پاک کننده قرار داد،و آن را ناپاک نگردانید.پس دست خود را پیش از آنکه داخل ظرف آب کنی می شویی،و به هنگام وارد کردن دست در ظرف آب میگویی:به نام خدا،و به ذات خدا،خدایا مرا از توبه کنندگان،و پاکی طلبان قرار ده.پس سه بار به سه کف آب،مضمضه[آب در دهان گرداندن]می کنی و می گویی:خدایا روزی که ملاقاتت می کنم دلیل محکم را به من تلقین فرما،و زبانم را به ذات گویا کن.پس سه بار استنشاق می کنی و می گویی:خدایا بوی بهشت را بر من حرام مکن،و از کسانی قرارم ده که بو و نسیم و عطر آن را ببوید.و در آغاز شستن صورت می گویی:

خدایا چهره ام را سپید کن،روزی که چهره ها سیاه می شود،و چهره ام را سیاه مکن،روزی که چهره ها سپید می گردد.

در هنگام شستن دست راست می گویی:خدایا پرونده ام را به دست راستم بده،و نامۀ جاوید بودن در بهشت را به دست چپم،و حسابم را به حسابی آسان رسیدگی کن.و به وقت شستن دست چپ می گویی خدایا پرونده ام را به دست چپم

وا مگذار،و از پشت سرم در اختیارم قرار مده،و آن را بسته به گردنم ننما،و از پاره های آتش به تو پناه می برم.پس با رطوبت دست راست جلوی سر را مسح کن،و در آن حال بگو:خدایا رحمت و برکاتت را بر من بپوشان.آنگاه پاهای خود را مسح کن،و هنگام مسح بگو:خدایا مرا بر صراط ثابت بدار،روزی که قدمها می لغزد،و کوششم را در انچه تو را از من خشنود می کند قرار ده،ای دارای بزرگی و اکرام.چون از وضو فارغ شدی بگو:خدایا از تو می خواهم کمال وضو،و کمال نماز،و کمال خشنودی ات و بهشت را.و بگو:

ستایش خاص خدای پروردگار جهانیان است.و سورۀ«قدر»را سه مرتبه میخوانی

[آداب مسجد رفتن]

آنگاه پس از فراغت از وضو،بوی خوش استعمال می کنی،و با حالت آرامش و وقار به جانب مسجد روانه می شوی،و به وقت بیرون رفتن از خانه به قصد مسجد می گویی:به نام خدایی که مرا آفرید،پس مرا هدایت می کند،و به من می خوراند و می نوشاندم،و چون بیمار شوم شفایم می دهد،و آنکه مرا می میراند،سپس زنده می کند،و آنکه طمع دارم خطایم را در روز جزا بیامرزد،خدایا به من حکم ببخش،و به شایستگان ملحق کن،و نزد آیندگان خوش نامم فرما، و مرا از وارثان بهشت نعیم قرار ده،و پدرم را بیامرز.چون خواستی وارد مسجد شوی،ابتدا کف کفش خود را ملاحظه کن که آلودگی همراه آن نباشد بعد پای راست را مقدّم بدار،آنگاه این دعا را بخوان: به نام خدا، و به ذات خدا،و از خدا،و به سوی خدا،و بهترین همه نامها برای خداست،بر خدا توکّل نمودم،و جنبش و نیرویی نیست

مگر به خدا،خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و درهای رحمت و توبه ات را به روی من باز کن،و درهای نافرمانی ات را به روی من ببندد،و مرا از زائرانت و آبادکنندگان مساجدت قرار ده،و از کسانی که در شب و روز،با تو راز و نیاز می کنند،و از آنان که در نمازشان افتاده حالند،و شیطان رانده شده،و تمام لشگرهای ابلیس را از من دور کن.

[آداب نماز]

و چون اراده کردی نماز بخوانی بگو:خدایا من محمّد درود خدا بر او و خاندانش را پیشاپیش حاجتم به درگاهت پیش آرم،و به وسیلۀ او به سویت رو می کنم،پس مرا به خاطر او آبرومند نزد خود در دنیا و آخرت،و از مقرّبان قرار ده،و نمازم را به او پذیرفته،و گناهم را آمرزیده،و دعایم را مستجاب گردان،به درستی که تو آمرزنده و مهربانی.پس برای نماز،اذان و اقامه می گویی،و بین اذان و اقامه با یک سجده،یا نشستن فاصله می اندازی،و این دعا را می خوانی:خدایا قرار ده،دلم را شایسته،و زندگی ام را بر قرار،و روزی ام را فراوان،و قرار ده برایم،کنار آرامگاه رسولت(درود خدا بر او و خاندانش)جایگاه و قرارگاه.و آنچه خواهی دعا می کنی،و حاجتت را از حق تعالی درخواست می کنی،زیرا دعا بین اذان و اقامه ردّ نمی شود، خدایا به سوی تو رو کردم،و خشنودی تو را خواستم، و پاداش تو را اراده کردم،و به تو ایمان آوردم،و بر تو توکّل کردم،خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و گوشهای دلم را به ذکرت باز کن،و بر دینت و دین پیامبرت پایدارم بدار،و دلم را پس از آنکه هدایت کردی منحرف مساز،

و بر من از نزد خود رحمتی ببخش،به راستی که تو بسیار بخشنده ای.آنگاه برای نماز آماده می شوی،و قلب خود را حاضر می کنی،و خواری شأن خود،و عظمت و جلال مولایت را،که در مقام مناجات با او برآمده ای ملاحظه می کنی،و چنان باش که گویا او را می بینی،و حیا کن،از اینکه با او سخن گویی،و دلت متوجه جانب دیگر باشد!پس با وقار و خشوع می ایستی،در حالتی که دستهایت را بر رانهای خود،برابر سر زانو گذاشته باشی،و بین قدمهایت را،به اندازۀ سه انگشت،یا یک وجب باز کرده،گشادگی قرار می دهی،و نگاهت را به موضع سجده می اندازی،سپس قربه الی اللّه نیّت نماز واجب صبح کن،و تکبیره الاحرام بگو.و مستحبّ است پیش از تکبیره الاحرام نماز،شش تکبیر بر آن اضافه کنی، و هر تکبیری دستها را تا مقابل نرمی گوش بلند کنی،درحالی که کف دستها به طرف قبله و انگشتها،غیر از انگشت بزرگ،به هم چسبیده باشد،و بخوانی دعاهای تکبیرات را،به این صورت،که پس از تکبیر سوم بگویی:

خدایا تویی فرمانروای حق آشکار،معبودی جز تو نیست،منزّهی تو،من بر خود ستم کردم،گناه مرا ببخش که جز تو گناهان را نمی بخشد.و پس از تکبیر پنجم می گویی:آری،آمادۀ خدمتم،و خیر در دست توست،و شرّ از تو نیست،و هدایت یافته کسی است که تو هدایت کردی،بنده ات،و فرزند بنده ات،ذلیل است در برابرت، از تو،و به تو،و برای تو،و به سوی تو،نیست پناهگاهی،و نه راه رهایی،و نه گریزگاهی از تو مگر به سوی تو،منزّهی تو،پیاپی به من رحم کن، مبارک و برتری،منزّهی تو،ای پروردگار کعبه.و پس از تکبیر هفتم می گویی:رویم را به سوی وجودی نمودم، که آسمانها و زمین را آفرید،دانای پنهان و آشکار است،رو کردنی با حال اعتدال و تسلیم،و از بت پرستان نیستم،به درستی که نماز و عبادت و زندگی و مرگم برای خدا پروردگار جهانیان است،برای او شریکی نیست،به این امر

فرمان داده شدم،و من از مسلمانانم.چون بخواهی قرائت را شروع کنی،استعاذه اعوذ باللّه من الشّیطان الرّجیم را آهسته بگو، آنگاه سورۀ«حمد»را،با آداب تمام و حضور قلب و تفکّر در معانی ان بخوان،و پس از تمام شدن سورۀ«حمد»به اندازه یک نفس ساکت شو،و بعد از آن سوره های دیگر از قرآن را بخوان،و خوب است که سوره هایی مانند عمّ و هل اتی و لا اقسم باشد،پس از آن به اندازه یک نفس ساکت می ایستی،و سپس دستها را برای تکبیر،به طریقی که پیش از این ذکر شد بلند می کنی،بعد از آن به رکوع برو،و دست راست را سر زانوی راست می گذاری،پیش از آنکه دست چپ را بر زانوی چپ بگذاری،و انگشتان دو دست را باز کرده،و از زانوهای خود پر می کنی،و کمر را خم کرده،و گردن را کشیده، مساوی با کمر قرار می دهی،و نگاه خویش را بین قدمها انداخته و بگو:

منزّه است پروردگار بزرگم و ستایش از آن اوست.و سزاوار است این ذکر را هفت یا پنج یا سه مرتبه بگویی،و پیش از گفتن ذکر این دعا را بخوانی:خدایا برای تو رکوع کردم،و تسلیم تو شدم،و به تو ایمان آوردم،و بر تو توکّل نمودم،و تویی پروردگارم، فروتن شد برای تو گوشم و چششم و مویم و پوستم و گوشتم و خونم و مغزم و پی ام و استخوانهایم، و آنچه را قدمهایم با خود برداشته،بدون سرپیچی و نه برتری جویی و نه خستگی.آنگاه از رکوع برخیز و بایست، و در این حال بگو:سمع اللّه لمن حمده[خدا هرکس را که حمدش کند شنواست]بعد تکبیر بگو،و با نهایت خضوع و خشوع به سجده برو،در حال سجده کف دستها را پهن کرده،جلوتر از زانوها بر زمین بگذار،و بر تربت امام حسین علیه السّلام سجده کن،و ذکر سجود را بگو، و بهتر آن است که ذکر سجود را،هفت یا پنج یا سه بار بگویی،و پیش از گفتن ذکر،این دعا را بخوان:

خدایا برای تو سجده کردم،و به تو ایمان آوردم،و تسلیم تو شدم،و بر تو توکّل نمودم،و تو پروردگار منی،سجده کرد رویم،برای کسی که آن را آفرید،و گوش و چشمش را گشود،و ستایش خدای را پروردگار جهانیان،مبارک باد خدا،بهترین

آفرينندگان.پس ذکر را بگو،و سر از سجده بردار و بنشين،و مستحبّ است تکبير بگويى و روى کفل خود بنشينى و بگويى:

استغفر اللّه ربّى و اتوب اليه و نيز بگويى:خداوندا مرا بيامرز و به من رحم کن،و شکستگى ام را اصلاح فرما،و از من دفاع کن، و مرا سالم بدار،من نسبت به خيرى که برايم فرو فرستى نيازمندم،مبارک است خداوند پروردگار جهانيان.آنگاه تکبير مى گويى و به سجدۀ دوم مى روى و انجام مى دهى آنچه را که در سجدۀ اول انجام دادى،سپس سر از سجده برداشته و جلسه[نشستن] استراحت را بجا مى آورى،و براى رکعت دوم بر مى خيزى،و در حال برخاستن مى گويى:بحول اللّه و قوّته اقوم و اقعد [به نيرو و جنبش خدا برخيزم و بنشينم]چون به حالت آرامش قرار گرفتى حمد و سوره بخوان،و بهتر آن است که سورۀ توحيد را بخوانى،و پس از پايان آن،سه مرتبه گفتن:کذلک اللّه ربى مستحبّ است،بعد تکبير گفته،دستها را براى قنوت،تا برابر صورت بلند مى کنى،و باطن دستها را به سوى آسمان قرار مى دهى،و غير از انگشت بزرگ ساير انگشتان،را به هم مى چسبانى و خوب است براى قنوت خواندن کلمات فرج را برگزينى و پس از آن بگويى:

خداوندا،ما را بيامرز،و به ما رحم کن،و از عافيت بهره مندمان گردان و ما را در دنيا و آخرت بسلامت دار،بدرستى که تو بر هر چيز توانائى آنگاه مى گويى:خداوندا،هرکس که صبح کند و براى او تکيه گاه و اميدى جز تو باشد ولى تو پناه و اميد منى اى بخشنده ترين کسى که از او درخواست شده،و اى مهربان ترين کسى که از او طلب مهربانى شده،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و به ناتوانى و درماندگى و بيچارگى ام رحم کن و بر من به احسان از جانب خود به بهشت منّت گذار،و از آتش رهايم ساز،و در وجودم و همۀ امورم،سلامتم بدار، به مهربانى ات اى مهربان ترين مهربانان.و طول دادن قنوت سزاوار است،و دعاهايى که در قنوت خوانده مى شود بسيار است،آنگاه تکبير مى گويى و رکوع و سجود را به همان صورتى که ذکر شد به جا مى آورى و پس از

اتمام دو سجده،برای تشهّد و سلام بنشین،و مستحبّ است که روی کفل خود بنشینی،و پیش از تشهّد بگویی:

به نام خدا و به جلوۀ خدا،و همۀ نامهای نیکوتر برای خداست،و ستایش خدای را،و بهترین نامها برای خداست،گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست.تا آخر تشهّد.

[فضیلت تعقیب]

اشاره

و چون از نماز فارغ شدی،شروع به خواندن تعقیب کن که تأکید و امر بسیار بر آن شده،و حق تعالی فرموده:زمانی که فراغت یافتی در عبادت بکوش،و به جانب پروردگارت رغبت کن.

در تفسیر این آیه روایت شده:چون از نماز فارغ شوی،خود را در دعا به زحمت انداز،و به سوی پروردگار خود میل کن، و حاجات خود را از او بطلب،و امیدت را از غیر او قطع کن.و از حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام روایت شده:هر کدام از شما که از نماز فارغ شد،باید دستها را به سوی آسمان بلند کند،و خود را در دعا به سختی اندازد.از روایات استفاده می شود، که تعقیب زیاد کنندۀ روزی است،و مؤمن در نماز است،و ثواب نماز را دارد تا گاهی که مشغول به ذکر حق تعالی است،و خواندن دعا پس از نماز واجب،بهتر از خواندن نماز مستحبّ است.علاّمۀ مجلسی رحمه اللّه فرموده:از کلمه «تعقیب»ظاهر می شود،که قرآن و دعا و ذکر وقتی متصّل به نماز است،عرفا تعقیب می باشد،ولی بهتر آن است که با وضو،و در حال نشستن رو به قبله باشد،و افضل در وقت خواندن تعقیب نشستن بر طریق تشهّد[یعنی متورکّا و بروی کفل] است،و در اثنای تعقیب به ویژه در تعقیب نماز شام سخن نگوید،و بعضی گفته اند:تمام شرایط نماز را در تعقیب رعایت کنند،و ظاهر آن است که پس از نماز،به هر حالی که مشغول قرآن و ذکر و دعا باشد،ثوابی برای آن مقرّر است هر چند در حال راه رفتن انجام گیرد.مؤلف گوید:برای دین و دنیا،دعاهای بسیار،از ائمه اطهار علیهم السّلام در تعقیب نمازها وارد شده،و چون اشرف عبادات بدنی نماز است،و تعقیبات روایت شده را،در تکمیل نمازها دخالتی بس عظیم است،و همچنین موجب بالا رفتن درجات،و فرو ریختن گناهان،و

حصول خواسته ها،و حاجات می شود،به خاطر این دعاگو رسید،که قسمتی از آنها را در این رساله ذکر نمایم،و اکثر آن را از کتاب«بحار»و«مقباس»

ص:913

علاّمۀ مجلسی عطّر اللّه مرقده الشریف نقل می کنم،پس می گویم:تعقیبات بر دو قسم است:تعقیبات مشترک،و تعقیبات مختصّ.

[تعقیبات مشترک]

اشاره

اما مشترک:تعقیباتی است که پس از هر نماز خوانده می شود،و بسیار است،و ما در اینجا به چند قسمت از آن اکتفا می کنیم.

[اوّل:تسبیح حضرت فاطمۀ زهرا علیها السّلام]

اوّل:تسبیح حضرت فاطمۀ زهرا علیها السّلام است،و احادیث در فضیلت آن بیش از حدّ و خارج از شماره است، از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده است:ما کودکان خود را به تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام امر می کنیم،چنان که ایشان را به نماز دستور می دهیم،بنابراین آن را ترک مکن،که هرکه بر آن مداومت کند،شقّی و بدبخت نمی شود.

در روایات معتبر وارد شده:ذکر کثیری که خدا،در قرآن به آن امر فرموده،تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام است،و هرکه بعد از هر نماز،مداومت بر آن داشته باشد،خدا را بسیار یاد کرده،و به آیۀ اُذْکُرُوا اللّٰهَ ذِکْراً کَثِیراً عمل کرده است.به سند معتبر از حضرت باقر علیه السّلام روایت شده:هر که تسبیح فاطمه علیها السّلام را بگوید،و بعد از آن استغفار کند، خدا او را بیامرزد،و آن را بر زبان صد است،و در میزان عمل هزار،و شیطان را دور می کند،و خدا را خشنود می نماید.به سندهای صحیح از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:هرکه تسبیح فاطمه علیها السّلام را پس از هر نماز بگوید،پیش از آنکه پاها را از حالت نماز بگرداند،آمرزیده شود،و برایش بهشت واجب می شود.و در حدیث معتبر دیگری فرمود:

پس از هر نماز،تسبیح فاطمه را خواندن،نزد من بهتر است از آنکه در هر روز هزار رکعت نماز بخوانند.در روایت معتبری از حضرت باقر علیه السّلام نقل شده:به چیزی از تسبیح و تمجید،عبادت الهی انجام نشده که بهتر از تسبیح فاطمه علیها السّلام باشد،و اگر چیزی از آن بهتر بود،حضرت

رسول صلّی اللّه علیه و آله آن را به فاطمه علیها السّلام عطا می فرمود.و احادیث در فضل آن، زیاده از آن است،که بتوان در این رساله ایرا نمود،و در کیفیّت آن اختلافی در احادیث دیده می شود،و اشهر و اظهر[مشهورتر و محتملتر]آن است،که سی و چهار مرتبه اللّه اکبر و سی و سه مرتبه الحمد للّه و سی و سه مرتبه سبحان اللّه بگوید.

و در بعضی از روایات سبحان اللّه پیش از الحمد للّه وارد شده،و بعضی از علما به این صورت جمع بین روایات کرده اند،که پس از نماز به طریق اول بخواند،و هنگام خوابیدن به صورت دوم،و ظاهرا انجام دادنش در هر وقت، به طریق اول که مشهور است بهتر است.و مستحبّ است بعد از تمام شدن تسبیح،یک مرتبه لا اله الاّ اللّه بگوید،

چنان که از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:هرکه پس از هر نماز واجب،تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام را بجا آورد،و به دنبال آن یک مرتبه بگوید لا اله الاّ اللّه خدا او را بیامرزد،

[فضیلت تسبیح تربت]

و بهتر آن است که حساب آن را با تسبیح ساخته از تربت حضرت حسین علیه السّلام نگاه دارد،و نگاه داشتن حساب تمام ذکرها با تسبیح ترتب حضرت حسین علیه السّلام مستحبّ است،و با خود داشتن تربت آن حضرت به طور پیوسته،مستحبّ و نگهدار از بلاها،و باعث ثواب بی انتهاست.نقل شده:حضرت فاطمه علیها السّلام در ابتدا رشته ای از پشم تابیده،و بر آن گره ها زده بود،که به آن تسبیح می گفتند،تا حضرت حمزه بن عبد المطلّب رضی اللّه عنه شهید شد،پس حضرت فاطمه علیها السّلام از تربت قبر آن شهید بزرگوار،خاک برگرفت، و تسبیح ساخت،و به آن خدا را تسبیح می کرد،مردم نیز چنان کردند.چون حضرت حسین علیه السّلام به شهادت رسید،ساختن تسبیح و ذکر گفتن با آن از تربت آن امام مظلوم مستحبّ شد.از حضرت صاحب الامر علیه السّلام روایت شده:هرکه تسبیح تربت امام حسین علیه السّلام را در دست داشته باشد،و ذکر را فراموش کند،ثواب ذکر برای او نوشته می شود.از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده:تسبیح تربت آن حضرت خود ذکر می کند،بی آنکه آدمی بگوید:و فرمود:یک ذکر،یا استغفار،که با آن گفته می شود،برابر با هفتاد ذکر است،که با چیز دیگری گفته شود،و اگر بدون ذکر بگرداند،به هر دانه هفت تسبیح برای او نوشته می شود،و به روایت دیگر،اگر با ذکر بگرداند،به ازای هر دانه چهل حسنه برای او نوشته می شود،و روایت شده:حوریان بهشت،چون فرشته ای را می بینند به زمین می آید،از او درخواست می کنند که تسبیح و تربت حضرت امام حسین علیه السّلام برای ما بیاور.در حدیث صحیح از حضرت موسی بن جعفر علیهما لاسّلام نقل شده:مؤمن می باید خالی از پنج چیز نباشد:مسواک،شانه،سجّاده ای که بر روی آن نماز بجا آورد،و تسبیحی که در آن سی و چهار دانه باشد،و انگشتر عقیق.و ظاهر آن است که تسبیح خام و پخته هر دو خوب است،و خام بهتر است.از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده:هرکه با تسبیح تربت قبر امام حسین علیه السّلام یک تسبیح بگوید،حق تعالی برای او چهارصد حسنه بنویسد،و چهارصد گناه از او محو کند،و چهارصد حاجت او را برآورد،و چهارصد درجه برای او بالا برد.و نیز روایت شده:مستحب است رشتۀ تسبیح کبود باشد به

رنگ آسمان،و از بعضی روایات استفاده می شود،که اگر زنان عدد ذکر را به انگشتان خود بشمارند افضل است،ولی احادیث فضیلت تربت به طور مطلق اکثر و اقوی است.

[دوم:گفتن سه مرتبه تکبیر پس از سلام نماز به این کیفیت...]

دوم:مستحب است پس از سلام نماز واجب،سه مرتبه دست را تا روبروی صورت بلند کند و تا به زانو،یا نزدیک زانو بازگرداند،و با هر

ص:915

مرتبه یک اللّه اکبر بگوید،چنان که علیّ بن ابراهیم و سیّد ابن طاووس،و ابن بابویه،به سندهای معتبر،از حضرت امام صادق علیه السّلام روایت کرده اند:مفضّل بن عمر از آن حضرت پرسید:به چه علت نمازگزار،پس از سلام نماز سه مرتبه تکبیر می گوید و دست بر می دارد؟فرمود:

برای آنکه چون حضرت رسالت پناه صلی اللّه علیه و آله فتح مکه نمود،نماز ظهر را با اصحاب،کنار«حجر الأسود»بجا آورد،چون سلام نماز را به پایان برد،سه مرتبه تکبیر گفت،و با هر نوبت دست برداشت،آنگاه گفت:

معبودی جز خدا نیست،یکتاست،یکتاست،یکتاست،به وعده اش وفا کرد،و بنده اش را یاری نمود،و سپاهش را نیرومند گرداند،و بر گروههای کفر به تنهایی چیره شد،پس فرمانروایی و ستایش برای اوست،زنده می کند،و می میراند،و او بر هر چیز تواناست.

آنگاه رو به جانب اصحاب کرد و فرمود:این تکبیر و این دعا را،پس از هر نماز واجب ترک نکنید چه هر که پس از سلام نماز چنین کند،شکر نعمت خدا را بر تقویت اسلام و لشکر اسلام ادا کرده است.در حدیث صحیح نقل شده:چون حضرت صادق علیه السّلام از نماز فارغ می شدند،دستها را بالای سر مبارک خود بلند می کردند،و دعا می کردند.و از حضرت باقر علیه السّلام روایت شده:

هر بنده ای که دستها را به سوی خدا بردارد،حق تعالی حیا می کند،دستهای او را خالی بازگرداند،بنابراین وقتی که دعا می کنید،دستها را فرود نیاورید،مگر آنکه بر سر و روی خود بکشید.

[سوم:خواند این دعا پس از نماز که گناهان را بیامرزد...]

سوم:کینی به سند معتبر از حضرت باقر علیه السّلام روایت کرده هرکه پس از نماز واجب،پیش از آنکه پاهای خود را بگرداند،سه مرتبه این دعا را بخواند،خدا گناهان او را بیامرزد،هرچند در کثر مانند کف دریا باشند.آمرزش می طلبم از خدا،که معبودی جز او نیست،زنده و به خود پاینده و صاحب بزرگی و بزرگواری است و به سوی او باز می گردم.و در روایات دیگر وارد شده:هرکه این استغفار را،هر روز بخواند، حق تعالی چهل گناه کبیرۀ او را بیامرزد.

[چهارم:خواند این دعا...]

چهارم:کلینی به سند معتبر از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده:این دعا را پس از هر نماز ترک نکن: خودم را و آنچه پروردگارم روزی ام نموده پناه می دهم به خدای یگانه

ص:916

بی نیاز که نزاده،و زاده نشده است،و احدی همتای او نبوده،و خودم را و آنچه پروردگارم روزی ام نموده،پناه می دهم،به پروردگار سپیده مان از هرچه آفرید،و از گزند شب تیره زمانی که تاریکی اش درآید،و از شرّ دمندگان در گره ها،و از شر حسود هنگامی که حسد ورزد،خود را و آنچه پروردگارم روزی ام نمود پناه می دهم به پروردگار آدمیان،فرماندهٔ آدمیان،پرستیده آدمیان،از گزند وسوسه گر پنهانکار،که وسوسه می کند در سینه های مردم از جنّ،و آدمی.

[پنجم:خواندن این دعا...]

پنجم:شیخ کلینی به سند معتبر از علی بن مهزیار روایت کرده:محمد بن ابراهیم به حضرت هادی علیه السّلام نوشت:ای سیّد من،اگر مصلحت می دانی،دعایی به من بیاموز،که بعد از هر نماز بخوانم،تا حق تعالی به سبب آن،خیر دنیا و آخرت را برای من گرد آورد.آن حضرت در پاسخ او نوشت،می گویی:

پناه می آورم به جلوهٔ بزرگوارت،و عزّتت که نسبت به آن سوءقصد نشود،و قدرتت که چیزی از آن امتناع نورزد،از شر دنیا و آخرت،و از شرّ همهٔ دردها.و در بعضی از روایات این دنباله را دارد:

و جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ.

[ششم:خواندن این دعا...]

ششم:کلینی و ابن بابویه به سندهای صحیح و غیر صحیح از حضرت باقر و صادق علیهما السّلام روایت کرده اند:کمتر چیزی که تو را پس از نماز واجب از دعا مجزی است، این است که بگویی:خدایا از تو می خواهم،از هر چیزی که دانشت آن را فرا گرفته،و پناه می آورم به تو،از هر شرّی که دانشت آن را فرا گرفته است،خدایا سلامتی کامل را در همه امورم از تو می خواهم،و به تو پناه می آورم از خواری دنیا و عذاب آخرت.و در روایت ابن بابویه است:خدایا درود فرست بر محمّد و خاندان محمد.

ص:917

خدایا از تو می خواهم.تا آخر دعا.

[هفتم:گفتن این کلمات...]

هفتم،مستحبّ است نمازگزار چون از نماز فارغ شود،بگوید:

خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و مرا از آتش امان ده،و وارد بهشت کن،و حور العین را به همسری ام در آور، چنان که در حدیث معتبر از حضرت امیر مؤمنان علیه السّلام نقل شده:بنده باید از نماز فارغ نشود،تا از خدا بهشت را بخواهد،و از دوزخ به او پناه برد،و نیز بخواهد که حور العین را به همسری او درآورد.

[هشتم:حمد و آیه الکرسی و آیه شهادت و آیه ملک...]

هشتم:به سند موّثق از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:

چون حق تعالی فرمان داد،این آیات را به زمین آورند،به عرش الهی چنگ زدند،و گفتند:پروردگارا،ما را به سوی اهل خطا و گناهکاران می فرستی؟ حق تعالی به سوی ایشان وحی کرد،به جانب زمین بروید،به عزّت و جلالم سوگند یاد می کنم،که تلاوت نکند شما را،احدی از آل محمّد و شیعیان ایشان،جز آنکه نظر رحمت کنم به سوی آنان،از رحمتهای پنهان خود،هر روز هفتاد نظر،در هر نظری هفتاد حاجت او را برآورم،و او را بپذیرم هرچند نافرمانی بسیار نموده باشد، و طبق روایتی دیگر:هرکه این آیات را بعد از هر نماز بخواند،او را در خطیرۀ قدس[منظور استراحتگاه بهشت است]ساکن گردانم، با هر گناهی که داشته باشد،و اگر ساکن نکنم،به سوی او نظر کنم،به نظر رحمت خاصّ خود،در هر روز هفتاد نظر،و اگر چنین نکنم،هر روز هفتاد حاجت او را برآورم،که کمتر آنها آمرزیدن گناهان باشد،و اگر چنین نکنم،او را از شرّ شیطان و از شرّ هر دشمنی پناه دهم،و به او بر ایشان یاری رسانم و او را از داخل شدن بهشت مانع نشود مگر مرگ.و آن آیات به شرح زیر است سورۀ فاتح تا آخر،و ایه الکرسی که تا«هم فیها خالدون»بخواند بهتر است،و آیۀ شهادت،یعنی:

خدا گواهی داد:اینکه معبودی جز او نیست،و فرشتگان و صاحبان دانش نیز گواهی دادند،درحالی که قائم به عدالت است،معبودی جز او نیست،عزیز و

حکیم است،همانا دین نزد خدا اسلام است،آنانی که به آن کتاب آسمانی داده شده،اختلاف نکردند،مگر پس از آنکه دانش به نزدشان دررسید،این اختلاف به خاطر ستمگری در میانشان بود،کسی که به آیات خدا کفر ورزد،به یقین خدا سریع الحساب است.

ص:918

و آيۀ ملک يعنی:بگو خدا ای مالک پادشاهی،پادشاهی را به هر که بخواهی می دهی،و از هرکه بخواهی می ستانی، و هرکه را بخواهی عزيز می نمايی،و هرکه را بخواهی ذليل می کنی،خير به دست توست تو بر هر چيز توانايی،شب را در روز درآوردی، و روز را در شب،و زنده را از مرده بيرون می آوری،و مرده را از زنده خارج می سازی،و هرکه را بخواهی،بی حساب روزی می دهی.

به سند معتبر از حضرت موسی بن جعفر عليه السّلام روات شده:هرکه بعد از نماز واجب ايه الکرسی را بخواند،گزنده ای به او ضرر نرساند.و در حديث معتبر ديگر فرمود:رسول خدا صلی اللّه عليه و آله فرمودند:يا علی بر تو باد به تلاوت نمودن ايه الکرسی پس از هر نماز واجب،به درستی که بر خواندن آن محافظت نکند،مگر پيغمبر،يا صدّيق،يا شهيد.و از حضرت رسالت پناه روايت شده:هرکه ايه الکرسی را پس از هر نماز بخواند او را از وارد شدن به بهشت جز مرگ مانعی نباشد.و طبق روايت ديگر:هرکه ايه الکرسی را بعد از هر نماز واجب بخواند،نمازش پذيرفته شود،و در امان خدا باشد،و خدا او را از بلاها و گناهان حفظ کند.

[نهم:خواندن دعای شيبۀ هذلی...]

نهم:کلينی و ابن بابويه و ديگران به سندهای معتبر از حضرت باقر عليه السّلام روايت کرده اند:شيبۀ هذلی به محضر حضرت رسول خدا صلی اللّه عليه و آله آمد و عرضه داشت:يا رسول اللّه من پير شده ام،و به اعمالی که پيش از اين خود را به آن عادت داده بودم همچون نماز و روزه و حج و جهاد قدرتم وفا نمی کند،بنابراين گفتاری به من بياموز که خدا مرا به آن سود بخشد،و انجامش برايم سبک و آسان باشد.حضرت فرمودند:سخنت را بار ديگر بگو،شيبه سه مرتبه سخنش را تکرار کرد.حضرت فرمودند:درخت و کلوخی در اطراف تو نماند،مگر اينکه از باب ترحّم بر تو گريست،هرگاه از نماز صبح فارغ شوی ده مرتبه بگو:

منزّه است خدای بزرگ،و ستايش از آن اوست،و جنبش و نيرويی نيست مگر به خداوند والای بزرگ تا خدا به برکت اين دعا،تو را از کوری و ديوانگی و خوره و پيسی و پريشانی و تباهی عقل،عافيت دهد.شيبه گفت:يا رسول اللّه اين برای دنيا من است،برای آخرت من چيزی بفرما،فرمودند:بعد از هر نماز می گويی:

خدایا مرا از جانب خود راهنمایی کن،و از فضل خود بر من کرامت فرما،و رحمتت را بر من بگستران،و از برکاتت بر من نازل کن.آنگاه حضرت فرمودند:اگر بنده بر این عمل مواظبت کند،و آن را عمدا تا وقت مردن ترک نکند،چون به صحران محشر درآید،هشت در بهشت،برای او گشوده می شود،که از هر دری که بخواهد وارد شود.و این دعای آخر به اسانید معتبر دیگر نیز وارد شده.

[دهم:خواندن تسبیحات اربعه]

دهم:خواندن تسبیحات اربعه است،چنان که شیخ طوسی و ابن بابویه و حمیری به سندهای صحیح از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده اند:روزی حضرت رسالت پناه به اصحاب خود فرمود اگر آنچه از جامه ها و ظرفها دارید جمع کنید،و بر روی هم گذارید،آیا به آسمان می رسد؟ گفتند:نه یا رسول اللّه،فرمود:می خواهید به شما چیزی بیاموزم که ریش اش در زمین،و شاخه هایش در آسمان است؟گفتند:آری یا رسول اللّه،حضرت فرمود:پس از هر نماز سی بار بگویید:سبحان اللّه و الحمد للّه و لا اله الاّ اللّه و اللّه اکبر که پایه های اینها در زمین،و شاخه هایشان در آسمان است،و از آدمی دور می سازد:زیر آوار ماندن،غرق شدن،سوختن،در چاه افتادن،دریدن درندگان،مردن به مرگهای دردناک،و هر بلایی را که در آن روز از آسمان فرود می آید،و اینهایند باقیات صالحات که حق تعالی در قران فرموده است.و به سندهای صحیح دیگر،از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:هرکه این تسبیحات را پس از هر نماز واجب،چهل مرتبه بخواند،پیش از آنکه از جای نماز برخیزد هر حاجتی که از خدا بخواهد روا می گردد.و به سند صحیح از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:هرکه پس از نماز واجب سی مرتبه سبحان اللّه بگوید،بر بدنش گناهی نماند جز آنکه بریزد.و در حدیث صحیح دیگری از آن حضرت روایت شده:ذکر کثیر،که حق تعالی در کلام مجید مدح کرده،این است که پس از هر نماز واجب سی مرتبه سبحان اللّه بگوید.و قطب راوندی روایت کرده:حضرت امیر مؤمنان علیه السّلام به براء بن عازب فرمود:می خواهی تو را به امری دلالت کنم،که چون بجا آری،به حقّ و راستی دوست خدا باشی؟عرضه داشت آری، فرمود:پس از هر نماز هر یک از تسبیحات اربعه را ده مرتبه بگو،چون انجام دهی،هزار بلا در دنیا از تو دور شود،که یکی از آنها ارتداد در دین می باشد،و هزار درجه در آخرت برای تو ذخیره می

کنند،که یکی از آنها قرار گرفتن در جوار حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله است.

[یازدهم:سه مرتبه این کلمات را بگوید...]

یازدهم:

ص:920

کلینی به سند حسن،از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده:هرکه پس از نماز واجب سه مرتبه بگوید:

ای کسی که آنچه بخواهد انجام می دهد،و کسی جز او و آنچه را که بخواهد انجام نمی دهد.هر حاجت که بخواهد روا می شود.

[دوازدهم:این تهلیل مأثور را بخواند...]

دوازدهم:شیخ برقی به سند موثّق از امام صادق علیه السّلام روایت کرده:هرکه پس از فارغ شدن از نماز،پیش از آنکه زانوهای خود را،از جای خویش حرکت دهد،ده مرتبه این تهلیل را بخواند،حق تعالی چهل هزار گناه او را محو می کند،و چهل هزار حسنه برای او می نویسد،و چنان است که گویا دوازده مرتبه قرآن را ختم کرده باشد و نیز فرمود:من صدر مرتبه می خوانم،ولی برای شما ده مرتبه کافی است.

گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست،یگانه است و شریکی برای او نمی باشد،معبود یگانه و یکتا و بی نیاز است،نه همسری گرفته و نه فرزندی.فضیلت بسیاری برای این تهلیل وارد شده،به ویژه در تعقیب نماز صبح و شام و به هنگام طلوع و غروب آفتاب.

[سیزدهم:این دعا را بخواند...]

سیزدهم:کلینی و ابن بابویه و دیگران،به سندهای صحیح از امام صادق علیه السّلام روایت کرده اند:جبرییل در زندان نزد یوسف علیه السّلام آمد و گفت:پس از هر نماز بگو: خدایا برای من گشایشی و راه بیرون رفتن از مشکلات قرار ده،و از جایی که گمان می برم، و هم از جایی که گمان نمی برم به من روزی ده.

[چهاردهم:این دعا را بخواند تا در روز قیامت از اعمال زشتش آگاه نگردد...]

چهاردهم:نویسندۀ کتاب«بلد الأمین»از حضرت رسول صلی اللّٰه علیه و آله روایت کرده هرکه بخواهد خدا در روز قیامت او را بر اعمال زشتش آگاه نسازد،و پرونده گناهانش نگشاید، باید پس از هر نماز بخواند: خدایا

آمرزش تو،امیدبخش تر از عمل من،و رحمتت وسیع تر از گناه من است،خدایا اگر گناهانم نزد تو بزرگ است،گذشت تو از گناه من بزرگ تر است،خدایا اگر سزاوار نبودم که به من رحم کنی،رحمت تو سزاوار است که به من دررسد،و مرا فرا گیرد،زیرا رحمت تو هر چیز را

ص:921

فرا گرفت،به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

[پانزدهم:این دعا را برای رفع بیماری و تنگدستی بخواند...]

پانزدهم:کفعمی از حضرت رسالت پناه صلی اللّٰه علیه و آله روایت کرده که مردی از روی بیماری و تنگدستی به آن حضرت شکایت کرد،حضرت فرمود:پس از هر نماز واجب چنین بگو:

توکل کردم بر زنده ای که هرگز نمی میرد،و ستایش خدای را که برنگزیده همسری و نه فرزندی،و در فرمانروایی شریکی برای او نیست،و برای او سرپرستی از روی خواری نیست،و بزرگ شمار او را بزرگ شمردنی شایسته.و در روایت دیگری فرمود:هیچ سختی برایم روی نداد،مگر آنکه جبرییل در برابرم،تمّثل یافت و گفت:این دعا را بخوان.و در احادیث معتبر وارد شده:برای وسوسه های درونی و قرض و پریشانی و بیماری باید این دعا را به کرّات خواند.و در بعضی روایت در ابتدای آن:

هیچ نیرو و جنبشی نیست جز به خدای والای بزرگ.آمده است.

[شانزدهم:این کلمات را بخواند...]

شانزدهم:شیخ مفید،در کتاب«مقنعه»در تعقیب هر نماز این دعا را آورده: خدایا ما را هب دانش سود ده،و به بردباری بیارای،و به عافیت زیبا گردان،و به تقوا گرامی دار، به درستی که سرپرست من خدا است که قرآن را نازل کرد،و او شایستگان را سرپرستی می کند.

[هفدهم:دعای مکنون را بخواند...]

هفدهم:ابن بابویه،و شیخ طوسی و غیر ایشان، به سندهای معتبر از حضرت امیر مؤمنان علیه السّلام روایت کرده اند:هرکه مایل است از دنیا بیرون رود درحالی که از گناهان پاک شده باشد همچون طلایی که از ناخالصی پاک می شود،و در قیامت هیچ کس از او بازخواست دادخواهی نکند،پس از نمازهای پنج گانه«نسبت»پروردگار را بخواند،و آن خواندن دوازده مرتبه قل هو اللّٰه احد است،آنگاه دستها را به جانب آسمان بگشاید،و این دعا را

بخواند،سپس فرمود:این از رازهای مکنون است،که رسول خدا صلی اللّه علیه و آله به من تعلیم داد،و فرمود به حسن و حسین علیهما السّلام بیاموزم،و دعا این است:

خدایا از تو می خواهم به نامت،آن نام پوشیدۀ محفوظ،و پاک و پاکیزه،و پربرکت،و از تو می خواهم به نام

بزرگت،و سلطنت دیرینه ات،ای بخشندهٔ عطاها،ای آزاد کنندهٔ اسیران،ای رهایی بخش بندگان از آتش،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و مرا از آتش رهایی دهی،و ایمن از دنیا بیرون بر، و به سلامت وارد بهشت کن،و قرار ده آغاز دعایم را رستگاری،و میانه اش را کامیابی،و پایانش را درستی، به یقین تو دانای نهانهایی.و در بعضی از نسخه های معتبر این دعا به این صورت است:ای رهانندهٔ مردم از آتش،از تو می خواهم بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و مرا از آتش برهانی،و از دنیا به سلامت بیرون ببری،و در حال امنیّت وارد بهشت نمایی،و آغاز دعایم را رستگاری،و میانه اش را کامیابی،و پایانش را درستی قرار دهی،به یقین تو دانای نهانهایی.

کلینی به سند معتبر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده:هرکه به خدا و روز قیامت ایمان دارد،باید پس از هر نماز واجب خواندن سورهٔ قل هو اللّه احد را ترک نکند،به یقین هرکه آن را بخواند،خدا خیر دنیا و آخرت را برای او گرد آورد،و پدر و مادرش را،و هرکه از پدر و مادرش پدید آمده می آمرزد.و در حدیث دیگری وارد شده:هرکه پس از نماز واجب ده مرتبه سورهٔ توحید را بخواند،حق تعالی از حور العین به همسری او درآورد.و سیّد ابن طاووس از حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله روایت کرده:هرکه پس از هر نماز سورهٔ توحید را بخواند،از آسمان رحمت بر سرش فرو ریزد،و آرامش بر او نازل شود،و خدا به سوی او به مهر نظر اندازد،و گناهانش را بیامرزد و هر حاجت که بخواهد برآورده نماید،و در امان خدا باشد.

[هجدهم:این عمل را بجا آورد...]

هجدهم:کلینی و دیگران به سند معتبر از اهل بیت علیهم السّلام روایت کرده اند:هرکه پس از هر نماز محاسن خود را به دست راست بگیرد،و دست چپ را به جانب آسمان بگشاید،و سه مرتبه بگوید:

ای دارای شکوه و بزرگواری رحم کن بر من از آتش بعد سه مرتبه بگوید:پناه ده مرا از شکنجۀ دردناک آنگاه دست راست را از محاسن بردارد،و هر دو دست را به سوی آسمان بگشاید و سه مرتبه بگوید:ای عزیز،ای کریم ای بخشنده،ای آفریننده،ای مهربان.بعد دستها را بگرداند،و پشت دستها را به جانب آسمان کند و سه مرتبه بگوید:

پناه ده مرا از شکنجۀ دردناک.آنگاه بگوید:درود خدا بر محمّد و خاندانش و فرشتگان و روح پس از آن،حضرت فرمود:هرکه این دعا را بخواند،خدا همه گناهان او را بیامرزد،و از او خشنود گردد،و به جز جنّ و انس،همۀ آفریدگان برای او تا هنگام مرگ استغفار کنند.

[نوزدهم:این دعا را بخواند که آمرزنده گناهان است...]

نوزدهم:شیخ مفید در کتاب«مجالس»،از محمّد بن حنفیّه روایت کرده:روزی پدرم حضرت امیر مؤمنان علیه السّلام کعبه را طواف می کرد،ناگاه مردی را دید،که به پرده های کعبه چنگ زده،و این دعا را می خواند،به او فرمود:این است دعای تو؟گفت:آری مگر شنیدی؟حضرت فرمود:آری شنیدم،فرمود:پس این دعا را پس از هر نماز بخوان،به خدا سوگند هر مؤمنی این دعا را پس از هر نماز بخواند،بی تردید حق تعالی گناهان او را می آمرزد،هرچند به اندازۀ ستارگان آسمان،و قطره های باران،و ریگ های زمین،و ذرّه های خاک باشد،بعد حضرت امیر علیه السّلام گفت:من این دعا را می دانم،و حقتعالی واسع العطایا(دارای بخشش گسترده)و کریم است،آن مرد گفت:

یا امیر المؤمنین راست گفتی،و بالاتر از هر دانایی داناتری است،و آن مرد حضرت خضر علیه السّلام بود.و کفعمی نیز این دعا را در کتاب«بلد الأمین»روایت کرده،و دعای این است:

ای آنکه او را شنیدنی از شنیدن دیگر منصرف نمی کند،ای آنکه خواهندگان او را به اشتباه نمی اندازند،ای آنکه اصرار اصرارکنندگان او را خسته نمی کند،خنکی گذشت،و آمرزشت و شیرینی رحمتت را به من بچشان.

[بیستم:این آیات را سه مرتبه بخواند...]

بیستم:دیلمی در کتاب اعلام الدّین از ابن عبّاس روایت کرده:حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله فرمود:هرکه سه مرتبه این آیات

ص:924

را پس از نماز مغرب بخواند،آنچه را از ثواب در روز گذشته از او فوت شده دریابد و نمازش پذیرفته شود،و اگر بعد از هر نماز واجب و مستحبّ بخواند به عدد ستارگان آسمان و قطرات باران،و برگ درختان،و ذرّات خاک زمین برایش حسنات نوشته می شود،و چون بمیرد،در ازای هر حسنه ده حسنه،در قبر به او داده می شود.این است آیات:

منزّه است خدا آنگاه که شام کنید،و به صبح درآیید،و ستایش از آن اوست در آسمانها و زمین،و به هنگام شامگاه و زمانی که به ظهر درآیید،زنده را از مرده بیرون می آورد،و مرده را از زنده خارج می کند،و زمین را پس از مرگ آن زنده می سازد،و این چنین از قبرها زنده بیرون آورده می شوید،منزّه است پروردگارت،پروردگار عزّت،از آنچه وصف می کنند،و سلام بر رسولان،و ستایش خدای را،پروردگار جهانیان.

[بیست و یکم:این دعا را جهت طول عمر بخواند...]

بیست و یکم:سیّد ابن طاووس به سند معتبر،از جمیل بن درّاج روایت کرده:مردی خدمت امام صادق علیه السّلام آمد و گفت:ای مولای من سنّ و سالم بالا رفته،و خویشانم مرده اند،و مونسی ندارم،می ترسم مرا هم مرگ دریابد،حضرت فرمود:برادران مؤمن صالح،برای انس گرفتن از نزدیکان بهترند،و اگر طولانی شدن عمر خود و خویشان و دوستان را خواهی،این دعا را پس از هر نماز بخوان.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،خدایا رسول راستگوی تصدیق شده ات(درود تو بر او و خاندانش)گفت:که تو فرمودی:در هیچ کاری از کارهایم تردید نکرده ام همچون تردید در گرفتن روح بندۀ مؤمنم درحالی که او مرگ را خوش ندارد و من هم رنجاندن او را خوش ندارم،خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و برای ولیّ ات گشایش و عافیت و یاری را نزدیک گردان،و دربارۀ خودم،و احدی از دوستانم بدی قرار مده.

و اگر خواهی یک یک از دوستان خود را نام ببر و بگو:«و لا فی فلان و لا فی فلان»راوی گفت:چون بر این دعا مداومت

کردم،چندان عمر یافته ام که از زندگانی ملول و خسته شده ام،و این دعا بسیار معتبر است.و در تمام کتابهای دعا نقل شده

در ذکر تعقیبات مختص به نماز صبح

اشاره

بدان که تعقیب نماز صبح،بیش ار سایر نمازهاست،و احادیث در فضیلت خصوص این تعقیب بسیار است.

از امیر مؤمنان علیه السّلام روایت شده:ذکر خدا بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب در بدست آوردن روزی،سرعت بخش تر از سفر کردن برای تجارت بر روی زمین است.از حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله روایت شده:هرکه از طلوع صبح،تا طلوع آفتاب،در مصلاّی[محلّ خواندن نماز]خود قرار گیرد،و به تعقیب مشغول باشد،خدا او را از آتش دوزخ برهاند.از امام باقر علیه السّلام نقل شده:شیطان لشگر روز خویش را از طلوع صبح تا طلوع آفتاب منتشر می کند،و لشکر شب خویش را از غروب تا بر طرف شدن حمرهٔ مغربیّه[سرخی موجود در افق مغرب]بنابراین،در این دو ساعت خدا را بسیار یاد کنید،که در این دو زمان، شیطان آدمی را از ذکر خدا غافل می کند.به سند صحیح روایت شده که امام رضا علیه السّلام در خراسان،هنگامی که نماز صبح را به جای می آوردند،تا طلوع آفتاب در مصلاّی خویش می نشستند،و مشغول تعقیب بودند،آنگاه کیسه چرمی برای آن حضرت می آوردند،که در آن چند مسواک بود،به یک یک آنها مسواک می کردند،سپس مقداری کندر می جویدند، پس از آن قرآن تلاوت می کردند.از حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله روایت شده:هرکه از طلوع صبح تا طلوع آفتاب مشغول تعقیب باشد،ثواب حجّ برای او نوشته می شود.در حدیث قدسی وارد شده:حق تعالی می فرماید:ای فرزند آدم مرا پس از صبح یک ساعت،و پس از عصر یک ساعت یاد کن،تا همه کارهای مهمّ تو را کفایت کنم.

اما تعقیبات مختصّ به صبح:

[اول:هفتاد مرتبه استغفر الله ربی و اتوب الیه بگوید]

اول:ابن بابویه به سند معتبر،از امام باقر علیه السّلام روایت کرده:هرکه پس از نماز صبح هفتاد مرتبه از خدا طلب آمرزش می کنم و بسوی او باز میگردم بگوید،خدا او را بیامرزد،هرچند در آن روز هفتاد هزار گناه مرتکب شود،و در روایت دیگری آمده است هفتصد گناه (1).

[دوم:یازده مرتبه سوره توحید بخواند]

دوم همچنین ابن بابویه به سند صحیح و سندهای معتبر از امیر مؤمنان علیه السّلام روایت کرده:

1- (1)) باید به این معنا توجه داشته باشیم که این گونه روایات در تمام تب مذهبی و به ویژه مفاتیح الجنان مجوزی برای انجام گناه نیست،بلکه بیانگر عظمت استغفار یا دعا یا زیارت است،و اگر کسی با دل گرمی به این گونه روایات،براساس علم و عمد آلوده به گناه شود خود را از فیوضات حق محروم و از رحمت حق دور کرده و دلش را از چشیدن لذت توبه مهجور نموده است

هرکه پس از نماز صبح یازده مرتبه سورۀ توحید را بخواند،در آن روز علی رغم شیطان گناهی بر او نوشته نمی شود در«بلد الأمین»از حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله روایت کرده:هرکه توحید را هر روز ده مرتبه بخواند،در آن روز هر مقدار شیطان بکوشد که گناهی بر او نوشته شود نوشته نمی شود.

[سوّم:صد مرتبه این کلمات را بگوید تا در آن روز هیچ مکروهی نبیند...]

سوّم:کلینی به سند صحیح از امام صادق علیه السّلام روایت کرده:هرکه پس از نماز صبح صد مرتبه بگوید:

آنچه خدا خواست شد،جنبش و نیرویی نیست مگر به خدای والای بزرگ.در آن روز هیچ مکروهی نبیند.این معنا را شیخ طوسی و دیگران نیز در کتب دعای خویش ذکر کرده اند.

[چهارم:سوره قدر را بخواند...]

چهارم:کفعمی و غیر او از حضرت باقر علیه السّلام روایت کرده اند،هرکه سورّ قدر را بعد از نماز صبح ده مرتبه،و هنگام گذشتن آفتاب از وقت ظهر شرعی ده مرتبه،و بعد از عصر ده مرتبه بخواند،دو هزار نویسندۀ عمل را به اندازه سی سال به زحمت اندازد،و همچنین از آن حضرت روایت شده،هرکه آن را هفت مرتبه بعد از طلوع فجر بخواند،هفتاد صف از ملائکه هفتاد صلوات بر او فرستند،و هفتاد مرتبه به او ترحّم کنند.و از امام جواد علیه السّلام ثواب زیادی نقل شده برای کسی که سورۀ قدر را در شبانه روز،هفتاد و شش مرتبه به این صورت بخواند:بعد از طلوع فجر و پیش از نماز صبح هفت مرتبه،بعد از نماز صبح ده مرتبه و بعد از گذشتن آفتاب از وقت ظهر شرعی و پیش از نافله ده مرتبه،و بعد از نافله های ظهر بیست و یک مرتبه،و بعد از نماز عصر ده مرتبه،و بعد از عشا هفت مرتبه،و در وقت خواب یازده مرتبه.از جمله ثوابش این است که حق تعالی هزار فرشته بیافریند،که در سی و شش هزار سال،ثواب آن را برای او بنویسند.

[پنجم:ده مرتبه این کلمات را بگوید تا از کوری و دیوانگی در امان باشد...]

...

پنجم:ابن بابویه و سایر علما رحمهم اللّه به سند معتبر از حضرت باقر علیه السّلام روایت کرده اند که حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله فرمود:هرکه هر روز در پی نماز صبح ده مرتبه بگوید:

سبحان اللّه العظیم و بحمده و لا حول و لا قوّه الاّ باللّه العلی العظیم.حق تعالی او را از کوری و دیوانگی و خوره و پریشانی و زیر آوار ماندن و بی خرد شدن در پیری عافیت می دهد.

[ششم:این دعاها را بخواند تا خدا در اجل او تاخیر اندازد...]

ششم:در کتاب بلد الأمین از امیر مؤمنان علیه السّلام روایت کرده:رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرموده:هرکه می خواهد خدا در اجل او تأخیر اندازد،و او را بر دشمنانش یاری دهد، و از مرگهای ناخوشایند نگاهش دارد،باید هر بامداد و پسین بر این دعاها مداومت نماید،سه مرتبه بگوید:

منزّه است خدا،و پری ترازو،و نهایت دانش،و سرحدّ خشنودی،و سنگینی عرش،و پهنای کرسی.و سه مرتبه بگوید:ستایش خدای را به پری ترازو،و نهایت دانش،و سرحدّ خشنودی و سنگینی عرش، و پهنای کرسی.و سه مرتبه بگوید:معبودی جز خدا نیست،به پری ترازو و نهایت دانش،و سرحدّ خشنودی،و سنگینی عرش،و پهنای کرسی.و سه مرتبه بگوید:خدا بزرگ تر است،به پری ترازو،و نهایت دانش،و سرحدّ خشنودی،و سنگینی عرش،و پهنای کرسی.

[هفتم:این کلمات را صد مرتبه بگوید که بواسطه آن به اسم اعظم خدا نزدیک تر خواهد بود از سیاهی چشم به سپیدی آن]

هفتم:سیّد ابن طاووس به سند معتبر از حضرت رضا علیه السّلام روایت کرده:هرکه پس از نماز صبح صد مرتبه بگوید:به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ.به اسم اعظم خدا نزدیک تر خواهد بود از سیاهی چشم به سپیدی آن.و نیز به سندهای معتبر از حضرت صادق و حضرت کاظم علیهما السّلام روایت شده:هرکه پس از نماز صبح و مغرب،پیش از آنکه سخن بگوید،و حرکت کند،هفت مرتبه این دعا را بخواند،هفتاد نوع بلا از او دور می شود،که آسان ترین آنها خوره و پیسی و شرّ شیطان و شرّ پادشاهان می باشد.و در بعضی روایات معتبر سه مرتبه و در بعضی ده مرتبه وارد شده است و حدّ اقل آن سه مرتبه،و حدّ اکثر آن صدر مرته بیان شده،و هرچه بیشتر بگوید،ثوابش بیشتر خواهد بود.

[هشتم:ده مرتبه این کلمات را بگوید که بی نیازی به همراه دارد...]

هشتم:شیخ احمد بن فهد و دیگران روایت کرده اند:مردی به موسی بن جعفر علیه السّلام شکایت کرد که کار من بسته شده،و به هر کاری رو می کنم سودی نمی یابم،و به هر حاجت که توجّه می نمایم،برآورده نمی گردد، حضرت فرمود:پس از نماز صبح ده مرتبه بگو:

سبحان اللّه العظیم و بحمده،استغفر اللّه و اساله من فضله.راوی گفت:اندک زمانی که بر این دعا مداومت کردم،جمعی از بادیه آمدند،و مرا خبر دادند که مردی از اقوام تو از دنیا رفته،و جز تو وارثی ندارد،پس مال

بسیار،به دست من آمد و تا حال بی نیازم.در کتاب«کافی»و«مکارم»روایت کرده اند:مردی ملقام نام به آن حضرت عرضه داشت:به من دعایی تعلیم کن که برای نیکبختی دنیا و آخرت جامع بوده و آسان باشد،حضرت این دعا را تعلیم او کرد که پس از نماز صبح تا زمانی که آفتاب برآید بخواند،او بر این دعا مداومت کرد،و حالش نیکو شد.

[نهم:این دعا را بخواند که حق تعالی قرضش را ادا کند...]

نهم:عیّاشی از عبد اللّه بن سنان روایت کرده خدمت امام صادق علیه السّلام رفتم،حضرت فرمود:می خواهی دعایی به تو بیاموزم که چون بخوانی،حق تعالی قرضت را ادا کند،و حالت نیکو گردد؟گفتم:به چنین دعایی چه بسیار نیازمندم حضرت فرمود:پس از نماز صبح بگو:

توکّل کردم بر زندۀ پاینده ای که نمی میرد،و ستایش خدای را که فرزندی نگرفت،و برای او در فرمانروایی شریک نیست،و برای او سرپرستی از روی خواری نمی باشد،و بزرگ شمار او را بزرگ شمردنی شایسته،خدایا به تو پناه می آورم از شدت نیاز و و تنگدستی،و از فشار قرض و بیماری،و از تو می خواهم مرا بر ادای حقّت نسبت به خود و مردم یاری کنی.و به روایت شیخ و دیگران چنین است:و از فشار قرض،پس بر محمّد و خاندانش درود فرست،و مرا بر ادای حقّت نسبت به خود و مردم یاری کن.

[دهم:این دعا را بخواند که موجب رفع تنگدستی و پریشانی و بیماریست...]

دهم:کفعمی روایت کرده:مردی به رسول خدا صلی اللّه علیه و آله از تنگدستی و پریشانی و بیماری شکایت کرد،حضرت فرمود:هر صبح و شام ده مرتبه این دعا را بخواند،او سه روز بر این دعا مداومت کرد،حال او به صحّت و توانگری و راحتی برگشت، و شیخ طوسی و دیگران،آن را در تعقیب نماز صبح ذکر کرده اند،و دعا این است:

جنبش و نیرویی نیست مگر به خدا،توکّل کردم بر زنده ای که هرگز نمی میرد،و ستایش خدای را که فرزندی نگرفت،و برای او در فرمانروایی شریکی نمی باشد،و برای او از روی خواری سرپرستی نیست،و او را بزرگ شمار بزرگ شمردنی شایسته.

[یازدهم:این دعا را بخواند که گرفتن عهدی است از خدا...]

یازدهم:شیخ طبرسی و کفعمی و دیگران از حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله روایت کرده اند که به یاران خود فرمود:آیا ناتوانید از این که هر صبح و شام،نزد خدای جهانیان عهدی بگیرید؟گفتند:چگونه عهد بگیریم؟ فرمود:این دعا را بخوانید،هرکه این دعا را بخواند،بر آن مهری می زنند،و زیر عرش الهی می گذارند،چون روز قیامت شود،منادی ندا سر می دهد،که کجایند آنان که نزد خدای رحمان عهدی دارند؟پس آن عهد را به ایشان دهند،و با آن عهد وارد بهشت شوند.شیخ طوسی این دعا را در تعقیب نماز صبح آورده است: خدایا،ای آفرینندۀ آسمانها و زمین،دانای پنهان و پیدا،ای بخشنده مهربان،با تو در این دنیا عهد می کنم،که به راستی تویی خدا،معبودی جز تو نیست،یگانه ای، و برای تو شریکی نیست،و محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)بنده و فرستادۀ توست، خدایا بر محمّد و خاندانش درود فرست،و مرا هیچ گاه،به اندازۀ یک چشم بر هم نهادن به خویشتن و نه به هیچیک از آفریدگانت وامگذار اگر مرا به خویشتن واگذاری،از خیر دورم می کند،و به شرّ نزدیکم می کند،ای پروردگارم جز به رحمتت اطمینان ندارم، پس بر محمّد و خاندان پاکیزه اش درود فرست،و برای من پیش خود عهدی قرار ده،که آن را در روز قیامت به من بپردازی،به راستی که تو خلف وعده نمی کنی.

[دوازهم:این دو دعا را بخواند تا از آتش دوزخ در امان بماند...]

دوازهم:در کتاب«عده الداعی از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده:هر که پس از نماز صبح و پیش از آنکه سخن بگوید این دعا را بخواند:

«ربّ صلی علی محمّد و اهل بیته»حق تعالی او را از آتش دوزخ حفظ کند.ابن بابویه در کتاب «ثواب الاعمال»به سند معتبر روایت کرده:پس از نماز صبح صد مرتبه بگو:

«اللّهمّ صلّ على محمّد و آل محمّد»،تا حق تعالى صورت تو را از آتش دوزخ نگاه دارد،و به روايت ديگر صد مرتبه پيش از سخن گفتن بگو:يا ربّ صلّ على محمّد و آل محمّد،و اعتق رقبتى من النّار.

سجدۀ شكر

اشاره

چون از تعقيب نماز فارغ شدى،سجدۀ شكر بجا آور.و اتفاق علماى شيعه بر آن است كه سجدۀ شكر در وقت تازه شدن نعمتى،يا دفع بلايى مستحبّ است،و بهترين آن پس از نماز است براى شكر بر توفيق اداى نماز.به سند معتبر از حضرت باقر عليه السّلام روايت شده:پدرم امام زين العابدين عليه السّلام،هيچ نعمتى را از خدا ياد نكرد،مگر آنكه به شكرانه آن،سجده بجا آورد،و هيچ آيه اى از قرآن را نخواند كه در آن سجده باشد،مگر آنكه سجده كرد،و خدا شرّى را كه از آن مى ترسيد،از او دفع نكرد مگر آنكه سجده كرد،و از هر نماز واجبى كه فارغ مى شد،پس از آن سجده بجا مى آورد،و هرگاه اصلاح نمودن ميان دو نفر را توفيق مى يافت،به خاطر شكر آن سجده مى كرد،در تمام مواضع سجود آن حضرت،اثر سجده نمايان بود،به اين خاطر به آن حضرت سجّاد مى گفتند.و نيز به سند صحيح از حضرت صادق عليه السّلام روايت شده هر مؤمنى در غير نماز،براى شكر نعمتى براى خدا سجده كند حق تعالى براى او ده حسنه مى نويسد،و ده سيئه را از او محو مى كند،و ده درجه براى او در بهشت بلند مى گرداند.و به سندهاى معتبر بسيار از آن حضرت روايت شده:

نزديك ترين حالات بنده به خدا،حالت سجدۀ همراه با گريه است.در حديث صحيح ديگرى فرمود:سجدۀ شكر بر هر مسلمانى واجب است،نماز خود را با آن تمام كن،و پروردگارت را به وسيلۀ آن خشنود نما،و فرشتگان را از خود به شگفتى انداز،به درستى كه بنده هرگاه نماز بجا آورد،و پس از آن سجدۀ شكر كند،پروردگار جهانيان بين او و فرشتگان پرده را بگشايد و بگويد:اى فرشتگان من،به جانب بنده من نظر كنيد،كه فريضۀ مرا ادا نمود،و عهد مرا تمام كرد،پس در پيشگاه من به خاطر آنچه بر او انعام كرده ام سجده كرد،اى فرشتگان من،به او چه پاداشى بايد داد؟پاسخ مى دهند رحمتت را.مى پرسد:ديگر چه؟مى گويند:بهشت،باز مى فرمايد:ديگر چه؟مى گويند:كفايت كارهاى مهمّ او،و

برآوردن حاجاتش.پس حق تعالی به کرّات می پرسد،و فرشتگان پاسخ می دهند،تا آنکه فرشتگان می گویند:

پروردگارا،دیگر چیزی نمی دانیم،آنگاه خدای کریم می فرماید:من او را شکر می کنم،چنان که او مرا شکر کرد،و به فضل خود به سوی او رو می کنم،و رحمت عظیم خود را در قیامت به او می نمایانم!به سند صحیح از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:خدای عالمیان،ابراهیم علیه السّلام را برای آن خلیل خود گردانید،که بسیار بر زمین سجده می کرد.و در حدیث معتبر دیگری فرمود:چون نعمتی از نعمتهای خدا را به یاد آوری،و در جایی باشی که کسی از مخالفان تو را نبیند،چهره خود را به نیّت سجده بر زمین گذار،و اگر در جایی باشی که مخالفان حاضر باشند،و نتوانی سجده کنی،دست بر پایین شکم خود گذار،و برای تواضع و فروتنی نسبت به خدا به حالت رکوع در آ،و دست بر شکم گذاشتن به خاطر آن است،که مخالفان گمان کنند،دردی در شکم تو پیدا شده.در روایات متعددی وارد شده:حق تعالی به موسی علیه السّلام خطاب کرد:می دانی تو را برای چه برگزیدم،و از میان آفریدگانم تنها تو را کلیم خود کردم؟موسی گفت:

پروردگارا نمی دانم،خدا فرمود:برای آنکه بر احوال بندگان توجّه کردم،در میان ایشان کسی را ندیدم،که در پیشگاه من بیش از تو خشوع آورد،چون تو از نماز فارغ می شوی،دو طرف چهرات را بر خاک می گذاری.به سند موثّق از حضرت رضا علیه السّلام روایت شده:سجده پس از فراغت از نماز واجب،شکر خدا است بر اینکه بندهٔ خود را بر ادا کردن واجب توفیق داده،و کمتر چیزی که باید در این سجده گفته شود،این است که سه مرتبه بگوید:

«شکرا للّه»راوی پرسید:«شکرا للّه»چه معنایی دارد؟حضرت فرمود:معنایش این است که این سجده از جانب من برای شکر و سپاس خدا است بر اینکه به من توفیق داد به خدمتش برخاستم،و واجب او را ادا کردم،و شکر خدا موجب فزونی نعمت و توفیق طاعت است،و اگر در نماز تقصیری مانده باشد،که به نافله ها جبران نگشته به وسیله این سجده جبران می شود.و اما کیفیت این سجده،مشروط به شرطی نیست به هر شکلی که صورت گیرد صحیح است، و احوط آن است که بر زمین انجام گیرد،و اگر بتواند باید مانند سجده نماز بر هفت عضو سجده کند،و پیشانی را بر آنچه سجده نماز بر آن صحیح است بگذارد،و بهتر آن است که بر خلاف سجده نماز دستها را بر زمین بخواباند،

و شکم را به زمین برساند،و مستحبّ است اول پیشانی را بر زمین گذارد،سپس طرف راست صورت را،آنگاه جانب چپ را و دوباره پیشانی را بر زمین گذارد.به همین خاطر این حالت را«دو سجدۀ شکر»می گویند.و ظاهرا بدون گفتن ذکر هم صورت می گیرد،و مستحبّ است که در این سجده ذکر بگوید،و بهتر آن است که ذکرها و دعاهایی را که در چند سطر بعد ذکر خواهد شد بخواند،و مستحبّ است این سجده را طول دهد،چنان که روایت شده:حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام پس از طلوع صبح سجده می نمود تا هنگام ظهر شرعی،و بعد از عصر تا هنگام شام،و در حدیث دیگری وارد شده:آن حضرت بیشتر از ده سال هر روز پس از طلوع آفتاب،تا هنگام ظهر شرعی در سجده بودند،و به سند صحیح روایت شده:حضرت رضا علیه السّلام به اندازه ای در سجود می ماند،که سنگ ریزه مسجد از عرق ایشان تر می شد،و آن حضرت دو طرف روی خود را بر زمین مسجد می چسباندند.در کتاب رجال کشّی آمده است که فضل به شاذان نزد ابن عمیر آمد درحالی که در سجده بود،و سجده را بسیار طول داد،چون سر برداشت،و دربارۀ طول سجده اش سخن به میان آمد گفت:اگر سجدۀ جمیل بن درّاج را می دیدی، سجدۀ مرا طولانی نمی شمردی،و نیز گفت:روزی نزد جمیل رفتم،او سجده را بسیار طول داد،چون سر برداشت،گفتم:سجد را طول دادید؟گفت:اگر سجدۀ معروف بن خرّبوذ را می دیدی،سجدۀ مرا آسان می شمردی،و نیز از فضل بن شاذان روایت کرده:حسن بن علی بن فضّال برای عبادت به صحرا می رفت،سجده را به اندازه ای طول میداد،که پرندگان بر پشتش می نشستند،به گمان این که جامه ی افتاده ای است،و حیوانات وحشی در اطراف او می چریدند و از او نمی هراسیدند و نیز روایت کرده:علیّ بن مهزیار،به هنگام طلوع آفتاب به سجده می رفت و سر بر نمی داشت تا برای هزار نفر از برادران خود دعا می کرد همانند آنچه که برای خود دعا کرده بود،و از کثرت طول سجده بر پیشانی او به مانند زانوی شتر،پینه بود!!و نیز روایت کرده:ابن عمیر پس از نماز صبح سر به سجدۀ شکر می گذاشت و بر نمیداشت مگر هنگام ظهر.بهتر این است که سجدۀ شکر پس از تمام تعقیبات و پیش از انجام نوافل باشد و بیشتر اصحاب گفته اند:در نماز مغرب پس از نوافل انجام گیرد و بعضی زمان انجام آن را پیش از نوافل گفته اند،و ظاهرا هر دو وقت خوب است ولی پیش از نوافل بجا آوردن بهتر است،چنانکه حمیری از حضرت صاحب الزمان علیه السّلام روایت کرده و اگر هر دو را به عمل آورد، شاید بهتر باشد.

[دعاهای وارده در سجده شکر]

اما دعاهای این سجده بسیار است و آسانترین آنها این چند مورد است. اول: به سند معتبر از حضرت رضا علیه السّلام روایت شده:اگر میخواهی صد مرتبه شکرا شکرا بگو و اگر می خواهی صدر مرتبه عفوا عفوا.در«عیون اخبار الرضا»از رجاء بن ابی الضّحاک روایت کرده که حضرت رضا علیه السّلام در راه خراسان،هرگاه از تعقیب نماز ظهر فارغ میشدند صد مرتبه در سجده میگفتند شکرا للّه و چون از تعقیب نماز عصر فارغ میشدند،صد مرتبه می گفتند حمدا للّه دوم: شیخ کلینی به سند معتبر از حضرت صادق علیه السّلام

ص:933

روایت کرده:نزدیکترین احوال بنده به خدای تعالی هنگامی است که در سجده باشد و خدای خود را بخواند.چون به سجده روی بگو:

ای پروردگار پرورندگان،و ای پادشاه پادشاهان،و ای سرور سروران،و ای جبّار جبّاران،و ای معبود معبودان،درود فرست بر محمّد و خاندان محمّد سپس حاجت خود را بخواه.آنگاه بگو:

من بنده توام،اختیارم در دست قدرت توست.بعد هر دعایی را که خواهی بکن،که خدا بخشنده است،و برآوردن هیچ حاجتی برای او دشوار نیست. سوم: کلینی به سند موثّق از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده:پدرم را شبی در مسجد به حال سجده دیدم،شنیدم می گریست و این دعا را می خواند:

منزّهی تو،خدایا تو پروردگار منی،به راستی از روی بندگی و بردگی برای تو سجده کردم،ای پروردگارم خدایا،به درستی که عمل من کم است بر آن بیفزای،خدایا مرا از عذابت نگاه دار،روزی که بندگانت را برانگیزی و توبه ام را بپذیر زیرا تو پذیرندۀ توبه و مهربانی. چهارم :کلینی به سند معتبر روایت کرده:حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام این دعا را در سجده می خواند:به تو پناه می آورم از آتشی که گرمایش فرو نمی نشیند،و به تو پناه می آورم از آتشی که تازه اش کهنه نمی گردد،و به تو پناه می آورم از آتشی که تشنه اش سیراب نشود،و به تو پناه می آورم از آتشی که برهنه اش پوشیده نگردد.

پنچم: کلینی به سند معتبر روایت کرده:مردی به حضرت صادق علیه السّلام شکایت کرد:امّ ولدی[امّ ولد به کنیزانی گفته می شود که از مالکان خود دارای فرزندی شوند]دارم که علیل است،فرمود:پس از هر نماز واجب در سجده شکر بگوید:یا رؤوف یا رحیم،یا ربّ یا سیّدی آنگاه حاجت خود را بطلبد. ششم: در بسیاری از روایات معتبر نقل شده:امام صادق و امام کاظم علیهما السّلام در سجدۀ شکر بسیار می گفتند:

اسالک الرّاحه و عند الموت و العوف عند الحساب. هفتم: به سند صحیح از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:در سجده می گفتند:سجد وجهی اللّئیم لوجه ربّی الکریم.

هشتم: در بعضی از کتب معتبر از امیر مؤمنان علی السّلام روایت شده:بهترین سخنان نزد حق تعالی،آن است که بنده در سجده سه مرتبه بگوید:انّی ظلمت نفسی فاغفر لی.

نهم: در«جعفریات»به سند صحیح از حضرت امام صادق علیه السّلام روایت کرده:حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله وقتی سر به سجده می گذاشت این دعا را می خواند:

خدایا آمرزشت از گناهان من گسترده تر،و مهرت بر من از عملم امیدبخش تر است،گناهان مرا بیامرز،ای زنده ای که هرگز نمی میرد. دهم: قطب راوندی از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده:

هرگاه بر تو شدّت و غمی عارض شود،و به نهایت سختی برسد،بر زمین سجده کن و بگو:ای خوار کننده هر سرکش ای عزّت بخش هر خوار،به حقّت سوگند،تابم به سرآمد،پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و مشکل مرا بگشای در کتاب«عده الداعی»از آن حضرت روایت کرده:هرگاه به مردی حادثه ای یا پیش آمد سختی،یا اندوه شدیدی،یا غمی سنگین برسد،زانوها و دستهای خود را تا مرفق برهنه کند،و به زمین بچسباند و سینهٔ خود،نیز به زمین برساند و حاجت خود را بطلبد.

یازدهم: ابن بابویه به سند معتبر از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده:هرگاه بنده در سجده سه مرتبه بگوید:یا اللّه یا ربّاه یا سیّداه خدای کریم در جواب او گوید:لبیّک بندهٔ من،حاجت خود را بخواه.در«مکارم الاخلاق»روایت کرده:هرکه در سجده بگوید:یا ربّاه یا سیّداه آن قدر که نفس قطع شود،حق تعالی فرماید:حاجت خود را بخواه. دوزدهم: در کتاب «مکارم اخلاق»از امام صادق علیه السّلام روایت کرده:حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله به مردی رسید که

در حال سجده بود و می گفت:ای پروردگارم،تو را چه می شود که از من خشنود کنی،هرکه را از او نزد من حقیّ است،و اینکه گناهانم را بیامرزی،و به رحمتت مرا وارد بهشت گردانی جز این نیست که،گذشت تو از ستمکاران است،و من از ستمکارانم،پس مرا به مهرت فرا گیر،ای مهربان ترین مهربانان.

حضرت فرمود:سر از سجده بردار که دعایت مستجاب شد،به درستی که دعای پیامبری را خواندی که در زمان قوم عاد بود.

مولّف گوید:ما در«مفاتیح»در ضمن اعمال مسجد کوفه،و مسجد زید،بعضی دعاها را نقل کردیم که در سجده خوانده می شود.و شیخ طوسی در کتاب«مصباح المتهجّد»در ذکر سجدۀ شکر فرمود:مستحبّ است برای برادران خود،در سجده دعا کند و بگوید:

ای پروردگار بامداد،و شبهای ده گانه،و پروردگار جفت و تک،و شب هنگامی که می گذرد،و پروردگارم هر چیز، و معبود هر چیز،و آفرینندۀ هر چیز،و پادشاه هر چیز،بر محمّد و خاندانش درود فرست،و با من و فلان و فلان آنچه شایسته آنی انجام ده،و نسبت به ما آنچه سزاوار آن هستیم انجام مده،به درستی که تو اهل تقوا و آمرزشی.چون سر از سجده برداشتی،دست خود را بر موضع سجود خود می مالی،و از طرف چپ صورت به صورت می کشی،آنگاه به پیشانی،سپس سه مرتبه به جانب راست،و در هر مرتبه می گویی:

خدایا تو را ستایش،معبودی جز تو نیست،دانای نهان و آشکار،بخشنده و مهربان،خدایا اندوه درون و غم و دگرگونیها و فتنه ها آنچه آشکار شد و آنچه نهان گشت را از من برطرف کن.

در زمانی که آفتاب طلوع می کند،دعاهایی را که «ان شاء اللّه تعالی»در فصل پنجم خواهد آمد می خوانی.سزاوار است در ابتدای روز صدقه بدهی،هر چند مقدار کمی باشد،و پیش از فرا رسیدن ظهر برای نماز ظهر آماده شوی،و خواب قیلوله را مقدّم بداری،و خواب قیلوله برای عبادت شبانه و روزۀ روز کمک خوبی است،و نیز سعی کن از خواب قیلوله برای ظهر بیدار شوی،بعد وضو می گیری و به جانب مسجد میروی،و نماز تحیّت مسجد را بجای می آوری و اگر وقت نماز نرسیده بود منتظر دخول وقت میشوی،و مستحبّ است نماز در اول وقت خوانده شود،چون زوال [هنگام ظهر شرعی]محقّق شد نخستین عملی را که انجام می دهی این است که می گویی:

منزّه است خدا،و معبودی جز خدا نیست و ستایش خدای را که همسر و فرزندی نگرفته،و در فرمانروایی شریکی برای او نیست،و از روی خواری سرپرستی برایش نمی باشد،او را بزرگ شمار بزرگ شمردنی شایسته

روایت شده:حضرت باقر علیه السّلام به محمّد بن مسلم فرمود:بر این دعا محافظت کن،چنان که بر چشمهایت محافظت می کنی.و اگر وضو نداری،برای وضو گرفتن بشتاب،و آدابی را که قبلا ذکر شد بجا می آوری،آنگاه شروع به خواندن نوافل ظهر می کنی که هشت رکعت است،پس برای دو رکعت اوّل نیّت می کنی،و هفت تکبیری را که قبلا ذکر شد همراه با دعاهایش انجام می دهی و استعاذه[یعنی اعوذ باللّه من الشیطان الرجیم]می گویی،و سورۀ(حمد)و(توحید)را در رکعت اوّل،و سوره های(حمد)و قل یا ایّها الکافرون را در رکعت دوم می خوانی.و پس از فراغت از این دو رکعت،سه تکبیری را که در تعقیبات ذکر شد با تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام به جا می آوری،آنگاه می خوانی:

خدایا من ناتوانم،پس در خشنودی ات،ناتوانی ام را نیرو بخش،و به سوی خیر بگیر مهارم را،و ایمان را نهایت خشنودی ام قرار ده،و در آنچه نصیبم کرده ای،برکت بخش،و برسان مرا به رحمتت به همه آنچه از تو امید دارم،و برایم دوستی و شادی برای اهل ایمان و عهدی نزد خودت قرار ده.سپس برمی خیزی و به همین طریق دو رکعت دیگر به جای می آوری،جز آنکه شش تکبیر افتتاح را نمی گویی،و سپس دو رکعت دیگر به همین

کیفیت به جا می آوری،و نیز تسبیح و دعای مذکور را به دنبال این چهار رکعت می خوانی،و دو رکعت دیگر از این نوافل را بین اذان و اقامه به جا می آوری،و پس از اقامۀ نماز می گویی:

خدایا پروردگار این دعای کامل،و نماز برپا،به محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)درجه و وسیلۀ و فضیلت برسان،به خدا آغاز می کنم،و به خدا رستگاری می جویم، و به محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)توجّه می نمایم،خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و به وسیلۀ آنان مرا نزد خود در دنیا و آخرت آبرومند و از مقرّبان قرار ده.آنگاه به خواندن نماز ظهر مشغول شو،و آنچه را که در نماز صبح ذکر شد رعایت کن،و همۀ این نماز را جز آیۀ (بِسْمِ اللّٰهِ) آهسته بخوان،و بهتر این است که در رکعت اول بعد از حمد سورۀ«قدر»و در رکعت دوم سوره«توحید»را بخوانی،چون دو رکعت آن را خواندی و از تشهّد فارغ شدی،پس از صلوات بگو:و تقبّل شفاعته و ارفع درجته سپس برخیز و تسبیحات اربعه را در رکعت سوم سه مرتبه بخوان،و اگر«قربه الی اللّه»استغفاری به آن اضافه کنی نیکوست،پس رکوع و سجود را به همان آدابی که قبلا به تفصیل بیان شد بجا آر،آنگاه برای رکعت چهارم برخیز،و آن را نیز همانند رکعت سوم انجام ده،سپس تشهّد و سلام بگو و پس از نماز شروع کن به خواندن تعقیب و آن سه تکبیری را که در ابتدای تعقیبات بود بگو،پس بخوان:

لا اله الا اللّه الها واحدا تا آخر دعایی که قبلا ذکر شد،آنگاه تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام را بگو،و آنچه از تعقیبات مشترک میخواهی بخوان یعنی تعقیباتی را که پس از نماز صبح خواندی،سپس تعقیبات مختص نماز ظهر را می خوانی که بسیار است،ما بعضی از آنها را در کتاب«مدیّه»و«مفاتیح»ذکر کردیم،و این مختصر گنجایش آن تعقیبات را ندارد،سپس سجدۀ شکر به جا می آوری،و زمانی که از تعقیب نماز ظهر فارغ شدی،آمادۀ نماز عصر می شوی،نافلۀ آن را که هشت رکعت است بجای می آوری،و پس از فراغت از نوافل،نماز عصر را به همان آدابی که ذکر شد می خوانی،و سزاوار است

در رکعت اول پس از سورۀ حمد،سورۀ«نصر»یا سورۀ«تکاثر»یا امثال آن را و در رکعت دوم سورۀ«توحید»را بخوانی،و پس از پایان نماز آنچه از تعقیبات مشترک خواستی بخوان،پس آنچه را مختصّ به نماز عصر است به جای می آوری،از جمله:هفتاد مرتبه استغفار،و ده مرتبه سورۀ«قدر»،آنگاه سجده شکر بجا می آوری، و چون خواستی از مسجد خارج شوی،این دعا را می خوانی:

خدایا دعوتم کردی،دعوتت را اجابت نمودم،و نماز واجبت را خواندم،و در زمینت چنان که فرمان دادی در پی روزی رفتم،از تو می خواهم از صر فضلت،عمل به طاعت را،و اجتناب از نافرمانی ات را،و کفایت از روزی ات را به رحمتت.

فصل سوم

در بیان اعمالی که متعلق به ما بین غروب آفتاب تا وقت خواب است

آنچه در نزدیکی غروب آفتاب سزاوار است،اینکه در حرکت به سوی مسجد شتاب ورزی،و به هنگام زردی آفتاب بگویی:خدای ستم آورنده به گذشتت شام کرد،و گناهانم پناه آورنده به آمرزشت شام کرد،و هراسم پناه آورنده به ایمنی ات شام کرد،و خوارم پناه آورنده به عزتت شام کرد،و تهیدستی ام پناه آورنده به توانگری ات شام کرد،و روی فرسوده ام پناه آورنده به جلوۀ همیشگی ات شام کرد،خدایا عافیتت را بر من بپوشان و به رحمتت فرو بر،و در کرامتت فرا گیر،و از شرّ آفریدگان جنّ و آدمی ات حفظم کن،ای خدا،ای بخشنده،ای مهربان.و شایسته است در این وقت به تسبیح و استغفار مشغول باشی،زیرا فضیلت این وقت،مانند فضیلت پیش از طلوع است و حق تعالی فرموده:و تسبیح کن به ستایش پروردگارت،پیش از طلوع آفتاب،و غروب خورشید.

از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:زمانی که خورشید تغییر کرد،یعنی مشرف به غروب شد،یاد خدا کن،و اگر با مردمی هستی که تو را از ذکر باز می دارند،از آنان دور شو،و مشغول دعا شو،در هنگام غروب بگو:

ای که نبوّت را به محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)پایان داد،این روز مرا به خیر پایان ده،و ماه و سال و عمرم را به خیر تمام کن.و تهلیل«لا اله الاّ اللّه»و استعاذه«اعوذ باللّه من الشّیطان الرّجیم» روایت شده را که در دعاهای صبح و شب خواهد آمد می خوانی،پس دست خود را بالای سرت می گذاری،و به صورت خود می کشی،و محاسن را به دست گرفته و می گویی:حفاظت نمودم بر خود و خاندان و دارایی و فرزندم،به خدا،که معبودی جز او نیست.دانای پنهان و پیدا،بخشنده و مهربان،زنده و پاینده،او را چرت و خواب درنگیرد.ادامه می دهی تا العلیّ العظیم.سپس اقدام به خواندن نماز مغرب می کنی،و تأخیر آن از اول وقت سزاوار نیست،که در احادیث بسیاری به تأخیر نینداختن آن از اول وقت تأکید بسیار شده.چون خواستی مشغول نماز شوی به همان آدابی که گذشت اذان و اقامه بگو، و بین اذان و اقامه می خوانی:خدایا از تو می خواهم به روآوردن شبت،و رو برگردان روزت،و حاضر شدن زمان نمازت،و بانگهای خوانندگانت،و تسبیح فرشتگانت،که درود فرستی بر محمّد و خاندان محمّد،و توبه ام را بپذیری،به راستی پذیرای توبه و مهربانی.آنگاه نماز مغرب را با آداب و شرایط بجا می آوری،و پس از پایان نماز سه تکبیر و تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام می گویی و می خوانی:

خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستد،ای کسانی که ایمان آورده اید،بر او درود فرستید،و سلام کنید،

خدایا بر محمّد نبی و بر فرزندان و اهل بیتش دورد فرست.و هفت مرتبه بگو:به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،و در جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ و سه مرتبه می گویی:ستایش خدای را که هرچه بخواهد انجام می دهد و غیر او هرچه بخواند انجام نمی دهد.سپس می گویی:منزّهی تو،معبودی جز تو نیست،همۀ گناهان مرا بیامرز،که همۀ گناهان را نمی آمرزد مگر تو.اگر دوست داشته باشی، بیش از این تعقیب بخوانی،بهتر آن است که پس از نافلۀ مغرب بخوانی،آنگاه برای خواندن نافله بر می خیزی، که چهار رکعت است،و سخن گفتن ما بین نماز مغرب و نافلۀ آن کراهت دارد.در رکعت اول سورۀ«کافرون»و در رکعت دوم سورۀ«توحید»و در دو رکعت دیگر هر سوره ای را که خواستی بخوان،البته شایسته است در رکعت سوم سورۀ «حدید»تا«علیم بذات الصّدور»و در رکعت چهارم آخر سورۀ حشر یعنی«لو انزلنا هذا القرآن»را تا پایان سوره بخوانی.و اگر مانند سایر نوافل به حمد تنها هم اکتفا کنی جایز است و بلند خواندن قرائت در نافله مغرب،و همچنین در سایر نوافل سزاوار است.

وقتی از نافله مغرب فارغ شدی،از تعقیبات مشترک آنچه بخواهی بخوانی مانعی نیست،پس سجدۀ شکر بجا می آوری به صورتی که پیش از این گذشت و کمتر چیزی که در سجدۀ شکر لازم است این است که بگویی:«شکرا شکرا شکرا».شیخ کلینی از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده:هرگاه از نماز مغرب فارغ شدی،بر جبین خود دست بکش،و سه مرتبه بگو:

بسم اللّه الّذی لا اله الاّ هو عالم الغیب و الشّهاده الرّحمن الرّحیم اللّهمّ اذهب عنّی الهمّ و الحزن شایسته است نماز غفیله را،که کیفیت آن در«مفاتیح»و غیر آن ذکر شده بخوانی.زمانی که روشنایی پس از غروب آفتاب پنهان شد،برای نماز عشار به همان آدابی که گذشت اذان و اقامه می گویی،آنگاه با رعایت آداب و شرایط،خواندن نماز واجب عشا را شروع کن،و شایسته است قنوت و تعقیب آن را طول دهی

زیرا وقت وسعت دارد.در تعقیب نماز عشا،دعای مشترک بین صبح و شام را می خوانی،پس از آن دعاهای مختصّ به شام را که بسیار است قرائت می کنی،از جمله دعایی را که برای طلب روزی وارد شده است،و این دعا در«مفاتیح»نقل شده و مستحب است هفت مرتبه سورۀ«قدر»را بخوانی،آنگاه می گویی:

خدایا ای پروردگار هفت آسمان،و آنچه سایه افکندند،و پروردگار هفت زمین و آنچه حمل کردند،و پروردگار شیاطین و آنان که گمراه نمودند،و پروردگار بادها و آنچه پراکنده کردند،خدایا ای پروردگار هر چیز،و معبود هر چیز،و پادشاه هر چیز،تویی خدای توانا بر هر چیز،تویی خدای اوّلی که چیزی پیش از تو نبود،و پایانی که چیزی بعد از تو نیست،و تویی آشکار که چیزی برتر از تو نیست،و تویی پنهان که چیزی ما دون تو نیست،ای پروردگار جبرییل و میکاییل و اسرافیل و معبود ابراهیم[و اسماعیل] و اسحاق و یعقوب،از تو می خواهم بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و مرا با رحمتت سرپرستی کنی، و احدی از آفریدگانت را که مرا یارای مقاومت با او نیست بر من چیزه ننمایی،خدایا با تو دوستی می ورزم، پس دوستم بدار،و در بین مردم عزیزم کن،و از شر شیاطین جنّ و انس سالمم بدار،ای پروردگار جهانیان،و بر محمّد و خاندانش درود فرست.پس به آنچه دوست داری دعا کن،آنگاه سجدۀ شکر بجا آور، و نماز وتیره را که دو رکعت نافلۀ نشسته است به دنبال نماز عشا بخوان،و مستحبّ است در این نماز صد آیه از قرآن خوانده شود،و خوب است در رکعت اول پس از سورۀ«حمد»سورۀ«واقعه»و در رکعت دوم سورۀ«توحید»خوانده شود و پس از سلام هر دعایی را که خواستی قرائت کن.زمانی که خواستی بخوانی،شایسته است آماده مرگ شوی،و در

حال خوابیدن با طهارت باشی و از گناهان توبه کنی،و دل خود را از همّ و غم دنیا فارغ سازی،و هنگام مرگ و تنها و بی کس خوابیدن در قبر را یاد آری،و وصیّت خود را نوشته زیر بالین خود گذاری،و در نیّت برخاستن برای نماز شب باشی،زیرا افتخار مؤمن و زینت او در دنیا و آخرت خواندن نماز در پایان شب است.در وقت خوابیدن،سورۀ«توحید»و سورۀ «تکاثر»و آیه الکرسی می خوانی،آنگاه سه مرتبه می گویی:ستایش خدای را که برتر شد و چیره گشت،و ستایش خدای را که باطن شد و آگاه گشت،و ستایش خدای را که مالک گشت و توانا شد،و ستایش خدای را که مردگان را زنده می کند و زندگان را می میراند،و او بر هر چیز تواناست.پس تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام را می گویی،و بر طرف راست،به شکل مرده که در قبر گذاشته می شود می خوابی،اما خوابیدن به صورت محتضر[یعنی کسی که مشرف به مرگ است].شیخ ما ثقه الاسلام نوری در«دار السلام» فرموده:آن را در هیچ خبر و اثری نیافتم،آری غزالی آن را ذکر کرده،و شک نیست که رشد و هدایت در مخالفت با رأی اوست.اگر خواستی برای نماز شب یا غیر آن،بیدار شوی.ولی از غلبۀ خواب بر خود می ترسی،آیۀ آخر سورۀ«کهف»را بخوان:بگو جز این نیست،که من بشری مانند شمایم،به سوی من وحی می شود،همانا معبود شما یکی است، پس کسی که به دیدار پروردگارش امیدوار است،باید عمل صالح انجام دهد،و در عبادت پروردگارش،احدی را شریک نسازد.

از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:هیچ کس در وقت خوابیدن،این آیه را نمی خواند،مگر اینکه بیدار می شود،در ساعتی که می خواهی بیدار شود،و اگر از عقرب و جانوران دیگر می ترسی،این دعا را بخوان،که حضرت باقر علیه السّلام سلامتی خوانندۀ آن را از شرّ عقرب و حشرات تا وقت صبح ضامن شده است:

به کلمات کامل خدا،که نیکوکار و بدکار از آنها نمی گذرد،پناه می برم،از شرّ آنچه آفرید،و از شرّ آنچه پدید آورد،و از شرّ هر جنبنده ای که خدا گیرنده مهار آنهاست،به درستی که پروردگار من به راه راست است.

ص:943

اگر از جنب شدن می ترسی این دعا را بخوان:خدایا از جنب شدن؛و از خوابهای پریشان، و از اینکه شیطان در بیداری و خواب مرا بازی دهد،و به تو پناه می آورم.اگر از خراب شدن خانه و ماندن زیر آوار و محلّی که در آنجا می خوابی می ترسی این آیه را بخوان:خدا آسمانها و زمین را از اینکه تباه شوند نگاه می دارد،اگر تباه نشوند،هیچکس پس از آن را نگاه نمی دارد،خدا بردبار و آمرزشگر است.

اگر از دزد می ترسی آخر سورۀ«اسراء»را بخوان که آغازش این آیه است:بگو خدا را بخوانید یا بخوانید رحمن را در وقت خواب هفت میل سرمه بکش چهار میل در چشم راست،و سه میل در چشم چپ،و در وقت سرمه کشیدن این دعا را بخوان:خدایا به حق محمّد و خاندان محمّد از تو می خواهم،که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و قرار دهی روشنایی را در چشمم،و بینش را در دینم،و یقین را در قلبم،و اخلاص را در عملم،و سلامت را در نهادم،و گستردگی را در روزی ام،و سپاسگذاری در برابرت را همواره تا زنده ام داری،تو بر هر چیز توانایی.و شایسته است خواب بین الطلوعین[بین طلوع و فجر و طلوع آفتاب]و خواب پس از عصر را ترک کنی و هنگامی که خوایت بخوابی چراغ را خاموش کن،و رو به جانب قبله بخواب،و در بامی که اطرافش حفاظ نداشته باشد مخواب،و خوابی که دیدی،برای هرکس مگو،جز آنکه عالم و خیرخواه و مهربان باشد.

فصل چهارم

اشاره

در برخاستن از خواب،و خواندن نماز شب

دربارهٔ برخاستن به هنگام شب،و بیان فضیلت آن،روایات بسیاری از اصحاب عصمت علیهم السّلام وارد شده.و نقل شده که نماز شب شرف مؤمن است،و باعث سلامت بدن،و کفّارهٔ گناهان روز و برطرف کنندهٔ وحشت قبر است،نماز شب روی را سپید و بو را خوش کرده،و جلب کنندهٔ روزی است، ثروت و فرزندان زینت زندگی دنیا و هشت رکعت نماز در پایان شب با نماز وتر زینت آخرت است و حق تعالی گاهی این دو زینت را برای بعضی از مردم قرار می دهد و دروغ گفته است کسی که بگوید:من نماز شب به جای می آورم،و روز در گرسنگی به سر می برم،زیرا نماز شب ضامن روزی روز است.از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:در وصیت رسول خدا صلی اللّه علیه و آله به امام علی علیه السّلام آمده است:یا علی من تو را نسبت به خودت،به چند خصلت وصیّت میکنم،آنها را نیکو بدار،پس از آن فرمود:خدایا او را یاری ده،و پاره ای از آن خصلتها را ذکر فرمود،تا اینکه گفت:

بر تو باد به نماز شب،و بر تو باد به نماز شب،و بر تو باد به نماز شب،و بر تو باد به نماز اوّل ظهر،و بر تو باد به نماز اول ظهر،و بر تو باد به نماز اوّل ظهر.

ظاهر این است که حضرت از نماز شب،سیزده رکعت را اراده کردند و از نماز ظهر هشت رکعت را که نافلهٔ ظهر است.

از انس روایت شده:از پیامبر شنیدم که فرمود:دو رکعت نماز در دل شب،پیش من از دنیا و آنچه در آن است بهتر می باشد.نیز روایت شده:از حضرت زین العابدین علیه السّلام پرسیدند:چه شده کسانی که به شب زنده داری برمی خیزند چهره شان از همه کس نیکوتر است؟فرمود:به خاطر اینکه اینان،با خدا خلوت می کنند،حق تعالی از نور خویش به چهرهٔ ایشان می تاباند.به هر صورت روایات در این زمینه بسیار است و ترک برخاستن شب مکروه است.شیخ به سند صحیح از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده:بنده ای نیست مگر این که هر شب،یک بار،یا دو بار،یا چند بار بیدار می شود اگر برخاست،که برخاست،و گرنه شیطان پاهای خود را می گشاد و در گوش او بول[ادرار]می کند،آیا آنکه برای نماز شب برنخواسته،صبح که برمی خیزد،توجه نمی کند،گران و مکدّر و سنگین و کسل است؟شیخ برقی به سند معتبر از حضرت باقر علیه السّلام روایت کرده:برای شب شیطانی است،که او را«رها»می گویند،هرگاه بنده ای از

خواب بیدار شود،و برخاستن برای نماز شب را قصد کند،آن شیطان به او می گوید:اکنون وقت برخاستن نیست،بار دیگر که بیدار شود،و

ص:945

بخواهد برخيزد،باز می گويد:وقت برخاستن نشده،يعنی زود است،پس پيوسته او را از برخاستن باز می دارد و او را حبس می كند تا فجر طلوع كند،چون فجر پديدار شود،در گوش او ادرار می كند،و از او دست برمی دارد،درحالی كه به خود می بالد،و از نخوت و ناز دم خود را می جنباند!!ابن ابی جمهور از رسول خدا صلی اللّه عليه و آله روايت كرده:روزی به اصحاب خود فرمود:هرگاه يكی از شما در شب بخوابد،شيطان در پس سر او سه گره می زند و در مكان هر گرهی می گويد:

«شب تو طولانی است بخواب»هرگاه بيدار شود و ياد خدا كند،يک گره باز می شود،و اگر وضو بگيرد،گره ديگری باز می گردد،و اگر نماز بخواند،گره سوم گشوده می شود،پس با حال نشاط،پاكيزه نفس وارد صبح می گردد،وگرنه آلوده نهاد و كسل وارد صبح می شود،اين روايت در كتابهای اهل سنّت نيز ذكر شده.قطب راوندی از امير مؤمنان عليه السّلام روايت كرده:در سه چيز با سه چيز طمع مكن:در بيداری شب با پرخوری،در نور چهره با خوابيدن در همه ساعات شب و در امان از دنيا،با همنشينی اهل فسق.و همچنين قطب راوندی رايت كرده:حضرت عيسی عليه السّلام مادرش مريم را پس از مردنش صدا زد،و گفت:

ای مادر با من سخن بگو،آيا علاقه داری به دنيا بازگردی؟گفت:آری برای اينكه به خاطر خدا،در شب بسيار سرد نماز گذارم،و در روز بسيار گرم روزه بگيرم،پسرم اين راه بيمناک است.

[كيفيّت نماز شب:به صورت آسان و مختضر]

كيفيّت نماز شب:به صورت آسان و مختضر،كه ان شاء اللّه تعالی همه كس بتواند بجا آورد اين است كه چون از خواب برخاست،برای خدای متعالی سجده كند،و خوب است در اين حال،يا در حال برداشتن سر از سجده،بگويد:

ستايش خدای را كه زنده ام كرد،پس از آنكه مرا ميراند،و بازگشت همه پس از مرگ به سوی اوست،ستايش خدای را كه روحم را بازگرداند، تا او را ستايش نموده و بندگی كنم.چون برخاست و ايستاد بگويد:خدايا بر هراس آن جهان ياری ام ده،و بر من وسعت بخش قبر را،و خير آنچه پس از مردن است نصيبم كن.چون صدای خروس را شنيد بگويد:بسيار منزّه و مقدّس است پروردگار فرشتگان و روح،رحمتت بر خشمت پيشی

گرفته،معبودی جز تو نیست،بد کردم، و به خود ستم نمودم،پس مرا بیامرز،به درستی که گناهان را جز تو نیامرزد،توبه ام را بپذیر،که تو بسیار

ص:946

توبه پذیر و مهربانی چون به اطراف آسمان نگاه کند بخواند:خدایا تو را باز نمی دارد و شب تار،و نه آسمان دارای ستارگان و نه زمین گسترده،و نه تاریکی هایی که بعضی از آنها بر فراز بعضی دیگرند،و نه دریای عمیق متراکم از آب از اینکه به شبروان در مسیر عبادت از عنایاتت مرحمت کنی،و رحمت را به هر که از آفریدگانت بخواهی عطا فرمایی، خیانت چشمها،و آنچه را سینه ها پنهان می کند می دانی،پنهان شدند ستارگان،و دیده ها به خواب رستند،و تو زنده و پابرجایی،چرت و خواب تو را فرو نگیرد،منزّه است خدا،پروردگار جهانیان،و معبود رسولان، و ستایش خدی را پروردگار جهانیان.آنگاه پنج آیۀ سوره آل عمران را بخواند:به درستی که در آفرینش آسمانها و زمین،و رفت و آمد شب و روز،نشانه هایی است برای صاحبان خرد،آنان که خدا را در حال ایستاده و نشسته و پهلو خفته یاد می کنند،و در آفرینش آسمانها و زمین اندیشه می نماید،پروردگارا این همه را به ناحق نیافریدی،منزّهی تو،ما را از عذاب دوزخ حفظ کن،پروردگارا هرکه تو وارد آتش دوزخ کنی به یقین او را رسوا نموده ای،و برای ستمکاران یاوری نیست.پروردگارا شنیدم فریاد کننده ای برای ایمان فریاد می زند به پروردگارتان ایمان بیاورید،پس ما ایمان آوردیم،پروردگارا گناهان ما را بیامرز،و بدی های ما را بپوشان،و ما را همرا نیکان بمیران،پروردگارا آنچه بر رسولانت وعده کردی به ما عنایت کن،و در قیامت ما را رسوا مکن،که تو هرگز خلف وعده نمی کنی.هرگاه خواست به جانب عبادت رو کند،و او را نیازی به تخلیّ[قضای حاجت]باشد آن را پیش اندازد،و چون از بیت الخلا درآید به مسواک آغاز کند،

ص:947

پس از آن وضوی کامل بگیرد،و خود را خوشبو سازد،آنگاه به نماز شب برخیزد که ابتدای وقت آن نیمه شب است، و هرچه به طلوع صبح صادق نزدیک تر شود،بهتر است،و اگر صبح طلوع کند،درحالی که چهار رکعت آن را بجا آورده،بقیه را با«حمد»تنها بجا آورد،در هر صورت زمانی که برای نماز شب برخاست،هشت رکعت به قصد نماز شب شروع می کند، و پس از هر دو رکعت سلام می دهد،و خوب است در دو رکعت اول در هر رکعت پس از سورۀ«حمد»سی مرتبه سورۀ توحید بخواند،تا از نماز فارغ شود درحالی که بین او و خدای عزّ و جلّ گناهی نباشد،یا آنکه در رکعت اوّل آن سورۀ«توحید»و در رکعت دوم قل یا ایّها الکافرون بخواند،و در شش رکعت دیگر«حمد»و هر سوره ای که میلش باشد،و در هر رکعتی«حمد»و «توحید»نیز کافی است،و اکتفا به سوره«حمد»تنها هم جایز می باشد،و چنان که قنوت در نمازهای واجب مستحبّ است در رکعت دوم از نمازهای نافله هم مستحبّ است،و در قنوت سه مرتبه سبحان اللّه گفتن کفایت می کند.

یا اینکه گفته شود:

خدایا بیامرز ما را و به ما رحم کن،و به ما عافیت ده،و در دنیا و آخرت از ما درگذر،به درستی که تو بر هر چیز توانایی.یا اینکه بگوید:پروردگارا،بیامرز،و رحم کن،و از آنچه می دانی درگذر،به درستی که تو عزیزتر و بزرگ تر و گرامی تری روایت شده:حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام هنگامی که در شب تاریک،در محراب عبادت می ایتساد چنین می خواند:

اللّهمّ انّک خلقتنی سویّا...و این دعا دعای پنجاهم صحیفۀ کامله است.چون از هشت رکعت نماز شب فارغ شود،دو رکعت نماز شفع،و یک رکعت نماز وتر بجا آورد،و در این سه رکعت پس از سورۀ«حمد»سورۀ«توحید»بخواند تا به منزلۀ یک ختم قرآن باشد،زیرا سورۀ توحید ثلث قرآن است،یا آنکه در نماز شفع در رکعت اول سورۀ«حمد»و(قل اعوذ بربّ النّاس)،و در رکعت دوم سورۀ«حمد»و«قل اعوذ بربّ الفلق»را بخواند و چون از نماز شفع فارغ گشت مستحبّ است بخواند:الهی تعرّض لک فی هذا اللّیل المتعرضون و این دعایی است که در اعمال نیمۀ شعبان در کتاب مفاتیح الجنان ذکر شد.پس از نماز شفع،برای خواندن یک رکعت نماز وتر برخیزد،و در آن یک رکعت سورۀ«حمد»و سورۀ توحید بخواند،یا آنکه پس از حمد سه مرتبه سورۀ توحید و

یک مرتبه سوره های الفلق و النّاس را قرائت کند،سپس برای قنوت دست بردارد،و هر دعایی را که می خواهد بخواند.شیخ طوسی فرموده:دعاهایی که در این قنوت خوانده می شود،آن قدر زیاد است که شمرده نمی شود،ولی مقیّد به این وقت نیست،که خلافش جایز نباشد،انسان مستحبّ است در قنوت نماز وتر،برای ترس از خدا،و بیم از عقاب پروردگار گریه یا تباکی[یعنی خود را به گریه واداشتن یا اظهار گریه کردن]کند،و برای برادران مؤمن دعا کند،و ذکر چهل نفر مؤمن مستحب است،به درستی که دعا کننده برای چهل مؤمن دعایش ان شاء اللّه مستجاب می شود،و نیز دعا کند به آنچه بخواهد.شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده:

رسول خدا صلی اللّه علیه و آله در قنوت نماز وتر می خواند:

خدایا هدایتم کن در زمرهٔ آنان که هدایت کردی،و عافیتم ده در گروه آنان که عافیت دادی،و سرپرستی ام فرما در جمع آنان که سرپرستی کردی،و مرا در آنچه عطا کردی برکت ده،و از شرّ آنچه حکم نمودی نگاهم بدار،به درستی که تو حکم کنی،و علیه تو حکم نشود،منزّهی تو،ای پروردگار کعبه از تو آمرزش می خواهم،و به سوی تو باز می گردم،و به تو ایمان می آورم،و بر تو توکّل می کنم،و جنبش و نیرویی نیست،جز به تو ای مهربان.و شایسته است،هفتاد مرتبه بگوید:از خدا طلب آمرزش می جویم و به سوی او باز می گردم.

و سزاوار است دست چپ را به دعا برداشته،و استغفار را با دست راست شماره کند.روایت شده:رسول خدا صلی اللّه علیه و آله در نماز وتر هفتاد مرتبه استغفار می کرد،و هفت مرتبه می گفت:این است مقام پناه برندهٔ به تو از آتش پروردگار مرا بیامرز، العفو.و همچنین روایت شده:حضرت سجاد علیه السّلام به هنگام سحر،در نماز وتر سیصد مرتبه می گفت:

العفو العفو و سپس بگوید:و به من رحم کن،و توبه ام را بپذیر،به درستی که تو بسیار توبه پذیر و آمرزنده و مهربانی شایسته است قنوت را طولانی کند،و زمانی که از قنوت فارغ می شود،به رکوع رود،و چون سر از رکوع بردارد

این دعا را که شیخ طوسی در کتاب«تهذیب»از حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام روایت کرده بخواند:

این جایگاه کسی است که حسناتش نعمتی از تو،شکرش ضعیف،و گناهش بس بزرگ است،و برای آن جز نرمی و رحمتت چیزی نیست،به درستی که تو در کتاب نازل شدهٔ بر پیامبر مرسلت(درود خدا بر او و خاندانش) فرمودی:«چنین بودند که اندکی از شب را می خوابیدند،و در سحرها درخواست آمرزش می کردند»ولی خواب من طولانی بود، و بیداری شبم کم بود،و این است سحر،و من از تو برای گناهانم آمرزش می خواهم،آمرزش خواهی کسی که برای خود نمی یابد زیانی و نه سودی،و نه مرگی و نه حیاتی،و نه برانگیختنی.آنگاه به سجده رود،و نماز را تمام کند،و پس از سلام تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام را بگوید،و بخواند:ستایش از آن پروردگار بامداد است،ستایش از آن شکافندهٔ سپیده است و سه مرتبه بگوید:منزّه است پروردگارم، آن فرمانروای بس مقدّس و عزیز و حکیم.سپس بگوید:ای زنده،ای پاینده،ای نیکوکار،ای مهربان،ای توانگر،ای کریم، مرا از تجارت نصیب ده در فزونی بزرگترینش را،در روزی فراخ ترینش را،و در عاقبت بهترین را، زیرا در آنچه عاقبتی برایش نیست،خیری هم نیست.و سزاوار است پس از این،دعای حزین را بخواند:«اناجیک یا موجود فی کلّ مکان...» آنگاه به سجده رود،و پنج مرتبه بگوید:«سبّوح قدّوس،ربّ الملائکه و الرّوح»،سپس بنشیند و ایه الکرسی بخواند،باز به سجده رود و سبّوح قدوس را پنج مرتبه بخواند،آنگاه برای نافلهٔ صبح برخیزد،که دو رکعت است:در رکعت اول پس از سورهٔ حمد سورهٔ(قل یا ایّها الکافرون)و در رکعت دوم پس از سورهٔ حمد سورهٔ توحید را بخواند،و چون سلام داد،به طرف قبله به صورت مردهٔ در قبر به پهلوی راست بخوابد،و گونهٔ راستش را بر روی دست راست بگذارد و بگوید:

چنگ زدم به دستاویز محکم تر خدا،که گسستنی نیست برایش،و تمسّک جستم به رشتهٔ استوار خدا،و پناه می برم به خدا،از شرّ فاسقان عرب و عجم،و پناه می برم به خدا از شرّ بدکاران جنّ و انس آنگاه سه مرتبه بگوید:منزّه است پروردگار بامداد،شکافندهٔ سپیده.و پنج آیهٔ آل عمران را که در سطور قبل[صفحهٔ 947]ذکر شد بخواند،سپس برخیزد و بنشیند و تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام را بگوید.

در کتاب(من لا یحضره الفقیه)فرموده:روایت شده:هرکه بین دو رکعت نافلهٔ صبح و نماز صبح،صد مرتبه بر محمّد و آل محمّد صلوات فرستد، حق تعالی چهرهٔ او را از حرارت آتش حفظ کند،و کسی که صد مرتبه بگوید:سبحان ربّی العظیم و بحمد استغفر الله ربّی و اتوب الیه حق تعالی خانه ای در بهشت برای او بنا کند،و کسی که بیست و یک مرتبه(قل هو اللّه احد)بخواند،خدای تعالی در بهشت خانه ای برای او بنا کند،و اگر آن را چهل مرتبه بخواند،حق تعالی او را بیامرزد،و شایسته است پس از فراغت از نماز شب،دعای سی و دم صحیفهٔ کامله:اللّهمّ یا ذا الملک المتابد..خوانده شود،آنگاه سجدهٔ شکر بجا آورد،و سزاوار است برای برادران مؤمن خود دعا کند، و دعای اللّهمّ ربّ الفجر را که در ادعیهٔ سجدهٔ شکر گذشت بخواند،از برادران دینی امید واثق دارم،که برای این گنهکار روسیاه هم دعا کنند که به دعای بسیار نیازمندم و اللّه الموفّق.

فصل پنجم

در ذکر بعضی از اذکار و دعاها که باید هنگام بامداد و شامگاه خواند

آگاه باش ایدک اللّه که تشویق و ترغیب بسیاری بر محافظت این دو وقت در آیات و اخبار آمده،بر این اساس،برای این دو وقت دعاها و اذکار بسیاری از رسول خدا و ائمه اطهار صلوات اللّه علیهم وارد شده که ما در این رساله به ذکر مختصری از آنها تبّرک می جوییم. اول: ابن بابویه به سند معتبر،از حضرت امیر مؤمنان علیه السّلام روایت کرده:هرکه پیش از طلوع آفتاف هر یک از سوره های:

توحید و قدر و ایه الکرسی، را یازده مرتبه بخواند،خدا دارایی او را از آنچه می ترسد باز می دارد.و نیز فرمود:هرکه قل هو اللّه و قدر را پیش از طلوع آفتاب بخواند،در آن روز گناهی به او نرسد،هرچند شیطان بر این امر سخت بکوشد. دوم: کلینی و

ابن بابویه،و شیخ طوسی،و دیگران،به سندهای معتبر از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده اند،بر هر مسلمان فرض است که ده مرتبه پیش از طلوع آفتاب،و ده مرتبه پیش از غروب خورشید،این دعا را بخواند:

معبودی جز خدا نیست،شریکی برایش نمی باشد،فرمانروایی و ستایش خاص اوست،زنده می کند و می میراند،و او زنده ای است که هرگز نمی میرد،خیز تنها بدست اوست،و او بر هر کاری تواناست.و در بعضی از روایات آمده است:یحیی و یمیت و یمیت و یحیی و در چند روایت جملهٔ و هو حی لا یموت بیده الخیر نیامده ولی در بعضی روایات آمده.و ظاهرا همه خوب است،و اگر همه صورتها را بگوید بهتر است،و در بعضی از روایات وارد شده اگر ترک شود لازم است قضا کنید،و در بعضی روایات آمده:این کفارهٔ گناهان او در آن روز است. سوم: ابن بابویه و دیگران به سندهای بسیار معتبر از حضرت زین العابدین و حضرت صادق علیها السّلام روایت کرده اند:هرکه در شام صد مرتبه اللّه اکبر بگوید،مانند این است که صد بنده را آزاد کرده باشد،و به سند صحیح دیگر از حضرت باقر علیه السّلام روایت شده:هرکه پیش از طلوع آفتاب صد مرتبه،و قبل از غروب آن صد مرتبه اللّه اکبر بگوید،خدای کریم برای او همانند پاداش کسی که صد بنده را آزاده کرده باشد می نویسد،و هرکه ده بار سبحان اللّه و بحمده بگوید،خدا ده حسنه برای او می نویسد،و هرکه بیشتر بگوید،برای او بیشتر نوشته می شود. چهارم: ابن بابویه به سند معتبر از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده:رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود:غرفه ای چند در بهشت است،که ظاهر آنها از درون،و درون آنها از بیرون نمایان است،و از امّت من کسی در آنها ساکن می شود،که سخن نیک گوید،و به مردم طعام بخوراند، و به هر که رسد سلام کند،و در شب هنگامی که مردم در خوابند نماز بجا آورد،آنگاه فرمود:کلام نیک آن است که در صبح و شام ده بار بگوید:سبحان اللّه و الحمد للّه و لا اله الاّ اللّه و اللّه اکبر و نیز در کتاب«محاسن»برقی به سند صحیح از حضرت باقر علیه السّلام روایت شده:حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله به مردی رسید که باغی را برای خود احداث می کرد،حضرت ایستاد و فرمود:می خواهی تو را بر باغی راهنمایی کنم،که اصلش از این باغ ثابت تر،و میوه اش زودرس تر،و نیکوتر و پایدارتر باشد؟گفت:آری یا رسول اللّه،فرمود:در صبح و شام بگو:سبحان اللّه و الحمد للّه و لا اله الاّ اللّه و اللّه اکبر که به عدد هر تصبیحی برایت در بهشت

درختها از انواع میوه ها غرس می کنند،و اینهاست باقیات صالحات،که خدا در قرآن فرموده:«نیکوتر و پایدارترند از دارایی دنیا». پنجم: ابن بابویه به سند معتبر از حضرت امیر مؤمنان علیه السّلام روایت کرده:

هرکه نزدیک به شام،یا پس از شام سه مرتبه این آیه را بخواند،در آن شب خیری از او فوت نمی شود،و جمیع شرور از او دور می شود.و همچنین است،هرگاه هنگام صبح بگوید:

تنزیه خدای را هنگامی که شام کنید،و زمانی که صبح نمایید،و برای اوست ستایش در آسمانها و زمین و شب،و وقتی که ظهر می کنید. ششم: برقی در کتاب«محاسن»به سند موثّق از حضرت رضا علیه السّلام روایت کرده:

هرکه در صبح،و در شام سه مربته بگوید:بسم اللّه الرّحمن الرّحیم لا حول و لا قوّه الاّ باللّه نترسد از شیطان و نه از پادشاه و نه از خوره و نه از پیسی،و حضرت فرمود:من صد مرتبه می گویم،و در تعقیب نماز صبح و شام هفت مرتبه،روایت شده، چنان که قبلا گذشت. هفتم: به سند معتبر از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:مردی از انصار،چند روزی خدمت رسول خدا صلی اللّه علیه و آله نرسید،حضرت از او پرسید:به چه علت در این چند روز،از ما،غایب بودی؟گفت:به سبب تنگدستی و طول بیماری،حضرت فرمود:می خواهی به تو دعایی را تعلیم کنم که چون بخوانی تنگدستی و بیماری از تو برطرف شود؟ گفت:آری یا رسول اللّه.فرمود:صبح و شام این دعا را بخوان:

جنبش و نیرویی نیست جز به خدا،توکّل کردم بر زنده ای که هرگز نمی میرد،و ستایش خدای را که فرزندی نگرفته، و برای او شریکی در فرمانروایی نیست،و نبود برایش سرپرستی از خواری،و بزرگش شمار بزرگ شمردنی شایسته.

هشتم: در بسیاری از روایات معتبر از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:پیش از طلوع و غروب آفتاب ده مرتبه بگو:پناه می برم به خدای شنوای دانا،از وسوسه های شیاطین،و پناه می برم به

خدا از اینکه نزد من حاضر شوند،به درستی که خدا شنوا و داناست.و در پاره ای از روایات چنین آمده و اعوذ بکّ ربّ ان یحضرون و در بعضی از روایات استعیذ باللّه السّمیع من الشّیطان الرّجیم و اعوذ باللّه ان یحضرون نهم: در کتاب«فلاح السائل»از امام صادق علیه السّلام روایت کرده:شما را چه چیزی مانع است از این که در هر صبح و شام این دعا را سه مرتبه بخوانید:

خدا ای زیر و رو کنندۀ دلها و دیدها،دلم را بر دینت ثابت بدار،و دلم را پس از اینکه هدایت نمودی منحرف مساز،و از نزد خود رحمتی به من ببخش،به درستی که تو بسیار بشخنده ای،و از آتش پناهم ده به رحمتت، خدایا عمرم را طولانی گردان،و در روزی ام به من وسعت ده،و بر من بگستران از رحمتت،و اگر در امّ الکتاب[لوح محفوظ]نزد تو بدبختم،مرا خوشبخت فرما،زیر که تو محو می کنی هرچه را بخواهی،و هرچه را بخواهی پابرجایش می نمایی،و امّ الکتاب نزد توست. دهم: شیخ طوسی و سیّد بن طاووس از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله روایت کرده اند:هرکه صبح و شام یک مرتبه بگوید:سبحان اللّه و بحمد سبحان اللّه العظیم حق تعالی فرشته ای را با بیلی از نقره به سوی بهشت روانه می کند تا برای او در زمین بهشت که از مشک ناب است درختانی غرس کند،و دیواری دور آن قرار دهد،و دری بر آن نصب کند،و بر آن در بنویسد:این بوستان فلان فرزند فلان است،و سیّد به روایت معتبر دیگری از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرده:هرکه این تسبیح را،در غیر مقام تعجب بگوید[عده ای در برخورد به پیش آمدها و حوادث،از باب تعجب فریاد می زنند:سبحان اللّه،که از ظاهر روایت استفاده می شود ثوابی که ذکر شده برای این گونه تسبیح گفتن نیست]حق تعالی هزار گناه او را محو می کند،و هزار حسنه برایش ثبت می نماید،و هزار شفاعت برای وی می نویسد،و هزار درجه برای او بلند گرداند،و برای او از این کلمه مرغ سپیدی بیافریند،که تا روز قیامت مشغول به این تسبیح باشد،و ثوابش برای او نوشته شود. یازدهم: قطب راوندی از حضرت امیر مومنان علیه السّلام روایت کرده:حضرت

رسول صلی اللّه علیه و آله فرموده:هرکه صبح کند،و چهار نعمت خدا را یاد نکند،می ترسم نعمت خدا از دست او برود:

ستایش خدای را که خودش را به من شناساند،و مرا کوردل رها نکرد،ستایش خدای را که مرا از امّت محمّد (درود خدا بر او و خاندانش)قرار داد،ستایش خدای را که روزی مرا در دست عنایت خودش قرار داد،و در دست مردم نگذاشت،ستایش خدا را که گناهان و عیوبم را بپوشاند،و مرا در میان مردم رسوا نساخت. دوازدهم: در کتاب«بلد الأمین»از سلمان فارسی روایت کرده:هر بنده ای که صبح کند سه مرتبه بگوید:

ستایش خدای را پروردگار جهانیان،ستایش خدای را ستایشی بسیار پاکیزه مبارک حق تعالی هفتاد نوع بلا را از او برگیرد که کمترین آنها اندوه باشد. سیزدهم: شیخ کلینی به سند معتبر از حضرت باقر علیه السّلام روایت کرده:چون صبح کنی بگو:صبح کردم به یاری خدا،مؤمن بر دین محمد و روش او،و دین علی و روش او،و دین اوصیأ و روش او،و دین جانشینان ایشان و روش آنها،ایمان آوردم به پنهان و پیدایشان،و حاضر و غایبشان،و پناه می برم به خدا،از آنچه که پناه برد از آن رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش)و علی(درود خدا بر او)و جانشینان ایشان،و رغبت به خدا می کنم،در آنچه آنان به سوی او رغبت نمودند،و جنبش و نیرویی نیست جز به خدا. چهاردهم: شیخ کلینی به سند معتبر از امام باقر علیه السّلام برای خواند این دعا بعد از صبح،پیش از طلوع آفتاب، فضیلت بسیار نقل کرده:خدا بزرگ تر است،خدا بزرگ تر است،در کمال بزرگی،و منزّه است خدا،در بامداد و پسین،و

ص:955

ستایش بسیار خدای را پروردگار جهانیان،شریکی برای او نیست،و درود خدا بر محمّد و خاندانش.

پانزدهم: در کتاب بلد الأمین از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده:هرکه در صبح این دعا را سه مرتبه بخواند،تا شام بلایی به او نرسد،و اگر در شام بخواند،تا صبح بلایی او را در نگیرد:به نام خدایی که زیان نرساند،با نام او چیزی در زمین،و نه در آسمان،و او شنوا و داناست.

شانزدهم: کلینی و ابن بابویه و دیگران به سندهای موثّق و معتبر از حضرت باقر علیه السّلام روایت کرده اند:حق تعالی حضرت نوح را بندۀ بسیار شاکر نامید،برای اینکه هر صبح و شام این دعا را می خواند:خدایا تو را گواه می گیرم که آنچه در شامگاه و بامداد،نعمت یا سلامت در دین یا در نیا به من رسید از جانب توست،یگانه ای برایت شریکی نیست،تو را ستایش،و تو را سپاس بر آن نعمتها بر من،تا خشنود شوید معبودا.و در بعضی روایات آمده است ده مرتبه می خواند:خدایا آنچه در صبح از نعمت یا سلامت در دین یا دنیا به من رسید،از جانب تو است،یگانه ای،برایت شریکی نیست،به آن نعمتها بر من تو را ستایش و تو را سپاس،تا خشنود شوی و فوق خشنودی.و هر دو بیان خوب است.

هفدهم: کلینی و برقی به سندهای معتبر،از حضرت صادق و کاظم علیهم السّلام روایت کرده اند:چون نزدیک غروب آفتاب شود،این دعا را بخوان،تا از شرّ هر درنده و گزنده و شرّ شیطان لعین و فرزندانش،و شرّ هر صاحب زهری،و دزدان و دیوانگی ایمن گردی.

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،ستایش خدای را،که فرزندی برنگرفته،و در فرمانروایی شریکی برای او نیست،

و ستایش خدای را که وصف می کند و وصف نمی شود،و می داند،و دانسته نمی شود،خیانت چشمها و آنچه را سینه ها پنهان می کنند می داند،پناه می برم به جلوه خدای کریم،و به نام خدای بزرگ،از شرّ آنچه آفرید و پدید آورد،و از شرّ آنچه در زمین است،و از شرّ آنچه پیدا و پنهان است،و از شرّ آنچه در شب و روز است،و از شرّ ابلیس و آنچه زاد،و از شرّ بیماری پایدار و از شرّ آنچه وصف کردم و وصف نکردم،و ستایش خدای را پروردگار جهانیان.

هجدهم: کلینی به سند معتبر از حضرت باقر علیه السّلام روایت کرده:هرکه در صبح این دعا را بخواند،در آن روز چیزی به او گزندی نزد ان شاء اللّه تعالی خدایا صبح کردم در حفظ و پناه تو،خدایا به تو می سپارم دین و خود و دنیا و آخرت و خاندان و دارایی ام را،و به تو پناه می آورم ای بزرگ،از شرّ همهٔ آفریدگانت،و به تو پناه می آورم از شرّ آنچه که ابلیس و لشگریانش به وسیلهٔ آن باعث ناامیدی از رحمت خدا می گردند.

نوزدهم: و نیز کلینی به سندی در حدّ سند صحیح روایت کرده:مردی به محضر حضرت صادق علیه السّلام عرضه داشت:به من دعایی تعلیم کن که هر صبح و شب بخوانم،حضرت فرمود:این دعا را بخوان:ستایشک خدای را که هرچه بخواند انجام دهد،و هرچه غیر او بخواهد انجام ندهد،ستایش خدای را،آن گونه که خدا دوست دارد،ستوده گردد،ستایش خدای را چنانچه او شایستهٔ آن است،خدایا مرا وارد کن در هر خیری که در آن وارد کردی محمّد و خاندان محمّد را،و خارج کن از هر شرّی که محمّد و خاندان

محمّد را خارج نمودی،درود خدا بر محمّد و خاندان محمّد.

بیستم: در کتاب بلد الأمین از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله روایت کرده:هرکه این دعا را هنگام صبح،هفت مرتبه بخواند،در آن روز از بلاها محفوظ بماند.خدا بهترین نگهدار است،و او مهربان ترین می باشد،به راستی سرپرست من خدا است،که نازل کرد قرآن را،و او شایستگان را سرپرستی می کنید پس اگر رو برگرداندند،بگو:پس اگر رو برگرداندند،بگو خدا مرا بس است،که معبودی جز او نیست، بر او توکّل نمودم و او پروردگار عرش بزرگ است.

بیست و یکم: در بعضی از کتب معتبر روایت شده:هرکه در بامداد سه مرتبه،و در پایان روز سه مرتبه،این صلوات را بخواند، گناهانش آمرزیده می شود،و شادی او دوام می یابد،و دعایش به اجابت می رسد،و روزی اش فراخ می شود،و بر دشمنش یاری می گردد،و در بهشت از همنشینان محمّد صلی اللّه علیه و آله باشد:

خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست در پیشینیان،و بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست در آیندگان، و بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست در انجمن برتر،و بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست در فرستادگان خدایا وسیله و شرف و فضیلت و درجۀ بزرگ را به محمّد عطا کن،خدایا به محمّد و خاندانش ایمان آوردم درحالی که او را ندیدم،پس مرا در قیامت از دیدارش محروم مکن،و همنشینی با او را نصیبم فرما،و مرا بر آیینش بمیران،و مرا از حوضش بنوشان،نوشیدنی کامل،سیرا کننده،روان،گوارا،که پس از آن هرگز تشنه نشوم،تو بر هر چیز توانایی،خدایا چنان که به محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)ایمان آوردم درحالی که او را ندیدم،پس به من

بنمایان در بهشت چهراش را،خدایا روح محمّد را از جانب من تحیت بسیار و سلام فراوان برسان.

مؤلف گوید:این صلوات همان صلواتی است که کفعمی از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده:هرکه بخواهد محمّد و آل محمّد علیهم السّلام را در صلوات بر ایشان خوشحال کند،آن را بخواند،و ما آن را در«مفاتیح»در ضمن اعمال روز عرفه ذکر کردیم.بدان که دعاهای وارده در مورد صبح و شب بسیار است و این مختصر را گنجایش بیش از این نیست و در باب چهارم ده دعا از کتاب شریف کافی خواهد آمد که در صبح و شب خوانده می شود،و اگر فرصت داشتی،دعای عشرات و دعای معروف به یستشیر،و دعای نور و دعای عهد اللّهمّ ربّ النّور العظیم را بخوان و ما این دعاها را در«مفاتیح»آوردیم،و نیز در آداب، تربت ذکر کردیم که دعای اصبحت اللّهمّ معتصما بدمامک را،در حال به دست گرفتن تسبیح تربت،و آن دعا را در صبح و شام،برای ایمنی از هر خوف بخوانند.

فصل ششم

اشاره

در بیان دعاهایی که در ساعات روز باید خواند و دعاهای هر روز که اختصاص به ساعتی ندارد.

شیخ طوسی و سیّد بن باقی و شیخ کفعمی هر روز را به دوازده ساعت[منظور دوازده زمان است نه اینکه هر یک دقیقا یک یا دو ساعت باشد]تقسیم کرده اند،و هر ساعیت را به امامی از دوازده امام نسبت داده اند،و برای هر ساعیت دعایی را که مشتمل بر توسّل به آن امام عالی مقام است ذکر کرده اند،اگرچه روایتش را به خصوص نیاورده اند،ولی روشن است،که چنین تقسیم بندی را بدون استناد به روایت ذکر نمی کنند،و ما در این رساله به آنچه در کتاب مصباح المتهجّد آمده است اکتفا می کنیم.

ساعت اوّل:از طلوع فجر است تا طلوع آفتاب،این ساعت منسوب به امیر مومنان علیه السّلام است و دعایش این است:

خدایا ای پروردگار زیبایی و بزرگی و بزرگمنشی و فرمانروایی،نیرومندی را به هرگونه که خواستی نمایاندی و به شناسایی ات بر بندگانت منّت نهادی،و به جبروتت بر آنها چیرگی یافتی،و به آنان آموختی سپاس نعمتت را،خدایا به حق علیّ آن پسندیده برای دین،و دانای به قانون،و راههای تقوا،پیشوای پرهیزکاران بر محمد و خاندانش در پیشینیان و پسینیان درود فرست و او را پیش می اندازم پیشاپیش خواسته هایم اینکه بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و با من چنین و چنان کنی.

ص:959

ساعت دوم:از طلوع آفتاب است تا ذهاب حمره[یعنی کنار رفتن سرخی افق مشرق]،و به حضرت مجتبی علیه السّلام منسوب است:

خدایا به بر کردی لباس زیبایی ات را در بزرگترین نیرویت،و خالص شد نورت،در نورانی ترین روشنایی ات،و روان شد دانشت از پرده ات،و خالص کردی در آن اهل اطمینان به خود را،نزد بخششت،پس برتری یافتی در بزرگمنشی ات برتری کامل، بزرگ است منّتت در آن بر اهل طاعتت پس مباهات نمودی به ایشان،بر اهل آسمانهایت به منّتت بر آنان،خدایا به حق حسن بن علی بر تو،از تو می خواهم،و به او به درگاهت دادخواهی می جویم،و او را پیش می اندازم پیشاپیش خواسته هایم،اینکه بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و با من چنین و چنان کنی.

ساعت سوّم:از ذعاب شعاع[ناپیدا شدن ستون عموید نور خورشید در شرق]است تا ارتفاع نهار[بالا آمدن روز]که به حضرت حسین علیه السّلام

منسوب است:

ای که بزرگی ورزید،پس دیده ای نبیندش،ای که خود را بزرگ دانست،پس دلها به حقیقتش راه نیابند،ای نیک منّت،ای نیک گذشت،ای نیک بخشش،ای بخشایشگر،ای بزرگوار،ای که چیزی از آفریدگانش به او شباهت ندارد،ای که به اولیایش بر بندگانش منّت نهاد،آنجا که آنان را برای دینش پسندید،و به وسیلۀ آنان بندگانش را ادب کرد،و آنان را از باب منّت از جانب خود،بر بندگانش حجّت قرار داد،از تو می خواهم به حق حسین بن علی(درود خدا بر ایشان) آن فرزندزادۀ پیامبر،آن پیرو خشنودی ات و خیرخواه در دینت،و راهنمای بر هستی ات،از تو می خواهم به حق او، و او را پیش می اندازم پیشاپیش خواسته هایم که درود فرستی بر محمّد و خاندان محمّد،و با من چنین و چنان کنی.

ساعت چهارم:از ارتفاع نهار تا زوال شمس[هنگام ظهر شرعی]است،و به علی بن الحسین علیهما السّلام منسوب است:

خدایا خالص شد نورت در کامل ترین بزرگی ات،و برتر شد تابشت در زیباترین پرتوت،از تو می خواهم به نورت که با آن آسمانها و زمین را روشن کردی،و گردنکشان را شکستی،و زنده کردی مردگان را، و زندگان را میراندی،و پراکنده ها را جمع نمودی،و جمع شده ها را پراکندی،و کلمات را کامل نمودی، و آسمانها را به پا ساختی،از تو می خواهم به حق ولیّ ات علی بن الحسین(درود خدا بر ایشان)،آن مدافع از دینت،و کوشنده در راهت،و او را پیش می اندازم پیشاپیش خواسته هایم اینکه بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و با من چنین و چنان کنی.

ساعت پنجم:از زوال شمس است تا مقدار چهار رکعت پس از آنکه به

حضرت باقر علیه السّلام منسوب است:

خدایا ای پروردگار تابش و بزرگی،و روشنایی و کبریایی و فرمانروایی،به بزرگی جمالت بزرگی یافتی،و به رأفت و مهرت بر بندگان منّت نهادی،و بر خشنودی حاصلت راهنمایی شان کردی،و برای آنان راهنمایی قرار دادی تا بر محبتت راهنمایی شان می کند،و بر آنچه از افعال و اخلاق دوست داری دلالتشان می نماید،و آنان را بر مشیّت راهنمایی می کند،خدایا به حق محمّد بن علی(درود خدا بر او و ایشان)بر تو،و او را پیش می اندازم و پیشاپیش خواسته هایم اینکه بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و با من چنین و چنان کنی.

ساعت ششم:به اندازۀ چهار رکعت از زوال گذشته تا هنگام نماز ظهر است که به حضر صادق علیه السّلام منسوب است:

ای که از ادراک پندارها پنهان است،ای که بزرگتر از یافته های دیده است،ای که از همهٔ صفات برتر است،ای که والاتر از معانی لطف،و لطیف تر از معانی شکوه است،از تو می خواهم به نور جلوه ات،و تابش کبریایت،و از تو می خواهم به حقّ عظمتت عافیت از دوزخت را،و از تو می خواهم به حق جعفر بن محمّد بر تو،و او را پیش می اندازم،پیشاپیش خواسته هایم اینکه بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و با من چنین و چنان کنی.

ساعت هفتم:از هنگام نماز ظهر است،تا مقدار چهار رکعت پیش از عصر که به موسی بن جعفر علیهما السّلام منسوب

است:

ای که حقیقتش از پندارها فراتر است،ای که از صفات بالاتر است نورش،ای که هنگام دعای بندگانش نزدیک است،ای که ناچاران او را خواندند،و هراسندگان به او پناه بردند،و مومنان از او خواستند، و سپاسگذاران او را پرستیدند،و خالصان او را ستایش نمودند،از تو می خواهم به حق نور تابنده ات،و به حق موسی بن جعفر بر تو، و به او به جانب تو تقرّب می جویم،و او را پیش می اندازم پیشاپیش خواسته هایم اینکه بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و با من چنین و چنان کنی.

ساعت هشتم:از مقدار چهار رکعت بعد از ظهر است تا هنگام نماز عصر که به علی بن موسی

الرضا علیهما السّلام منسوب است:

ای بهترین خوانده شده،ای بهترین کسی که بخشید،ای بهترین کسی که درخواست شد،ای کسی که به نامش روشنی روز روشن شد،و تاریکی شب تاریک گشت،و به نام او باران سیل آسا جاری گشت،و هر خیری را نصیب اولیایش نمود،ای کسی که برتر آمد بر آسمانها نورش،و بر زمین تابشش،و بر شرق و غرب

رحمتش،ای پهناور بخشش،از تو می خواهم به حق علی بن موسی الرضا(درود خدا بر او و ایشان)،و او را پیش می اندازم پیشاپیش خواسته هایم اینکه درود فرستی بر محمّد و خاندان محمّد و با من چنین و چنان کنی.

ساعت نهم:از هنگام

نماز عصر است تا دو ساعت پس از آنکه به حضرت جواد علیه السّلام منسوب است:

ای که ناچاران او را خواندند،پس ایشان را اجابات کرد، و به او پناه بردند هراسندگان،پس آنان را ایمنی داد،و فرمانبرداران او را عبادت کردند،پس از آنان قدردانی نمود،و مؤمنان او را سپاس گزاردند،پس به آنان عطا کرد،و از او اطاعت کردند،نگاهشان داشت،و از او خواستند،به آنان بخشید،و نعمتش را فراموش کردند،پس بیرون نکرد سپاسش را از قلوبشان،و بر آنان منّت نهاد پس نامش را نزد آنان فراموش شده نساخت،از تو می خواهم به حق محمد بن علی(درود خدا بر او و ایشان) حجّت رسایت،و نعمت کاملت،و را هروشنت،و او را پیش می اندازم پیشاپیش خواسته هایم اینکه بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و با من چنین و چنان کنی.

ساعت دهم:دو ساعت پس از هنگام نماز عصر،تا

پیش از زرد شدن خورشید است که به حضرت هادی علیه السّلام منسوب است:

ای که فراز آمد و بزرگ گشت،و چیره گشت و بزرگمنش شد،و بزرگمنش شد و چیره گشت،ای که عزیز شد و بزرگی گرفت،ای که سایه را بر بندگانش گستراند،ای که منّت نهاد بر بندگانش با احسان،ای عزیز صاحب انتقام،ای انتقام گیرندهٔ عزّتش از اهل شرک،از تو می خواهم به حقّ علی بن محمد(درود خدا بر او و ایشان)و او را پیش می اندازم پیشاپیش خواسته هایم اینکه بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و با من چنین و چنان کنی.

ساعت یازدهم:پیش از زرد شدن خوشید تا زرد شدن آن است که به حضرت عسگری علیه السّلام منسوب است:

یا اول بی آغاز،و ای آخر بی پایان،ای پاینده ای که برای دیرینگی اش نهایتی نیست،ای عزیزی که برای عزّتش گسستنی نیست،ای چیره ای که سلطنتش بدون ضعف است،ای کریم به دوم نعمتش،ای جبّار و عزّت بخش اولیایش،ای آگاه به دانایی اش،ای دانا به توانایی اش،ای توانا به ذاتش،از تو می خواهم به حق حسن بن علی (درود خدا بر او و ایشان)و او را پیش می اندازم پیشاپیش خواسته هایم اینکه بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و با من چنین و چنان کنی.

ساعت دوازدهم:از زرد شدن خورشید است تا غروب آن،که به امام عصر علیه السّلام منسوب

است:

ای که به حقیقتش از بندگانش یگانه و ممتاز مانده،ای آنکه به کارش،از آفریدگانش بی نیاز گشته،ای آنکه حقیقتش را به لطفش بر بندگان شناسانده،ای آنکه اهل طاعتش را به خشنودی اش کشانده،ای آنکه اهل محبّتش را بر سپاسگزاری یاری داده،ای آنکه با دینش بر آنان منّت نهاده،و به هدیه اش بر اینان لطف نموده،از تو می خواهم به حق جانشین شایسته بر تو،و به وسیلۀ او به درگاهت زاری می نمایم،و او را پیش می اندازم پیشاپیش خواسته هایم اینکه بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و با من چنین و چنان کنی،خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست آن صاحبان فرمنی،که فرمان دادی به طاعتشان،و بستگانی که به پیوند با آنان فرمان راندی،خویشاوندانی که امر نمودی به دوستی شان،و سرپرستانی که به شناسایی حقّشان فرمان دادی،و اهل بیتی که از آنان

پلیید را بردی و پاکشان نمودی پاک کردنی کامل و شایسته،که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و با من چنین و چنان کنی.

[دعاهای هر روز که اختصاص به ساعت معینی ندارد]

علاّمهٔ مجلسی در«مقباس المصابیح»فرموده:به سندهای معتبر از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:

حق تعالی در سه ساعت شب،و سه ساعت روز،خود را به مجد و بزرگواری یاد می کند.سه ساعت روز از وقت بالا آمدن خورشید تا آغاز ظهر است،و سه ساعت شب ثلث آخر شب تا صبح است،پس هر بندهٔ ممن این تمجید را بخواند، و دلش با خدا باشد،البته حق تعالی حاجت او را برآورد،و اگر شقی بدعاقبت باشد،امیدوارم سعادتمند و نیکو عاقبت گردد.مؤلّف گوید:

اگر در این ساعتهای روز و شب این دعا را بخواند مناسب تر خواهد بود:تویی خدا،معبودی جز تو نیست،پروردگار جهانیان تویی خدا معبودی جز تو نیست بخشنده مهربان،تویی خدا معبودی جز تو نیست والای بزرگ،تویی خدا معبودی جز تو نیست پادشاه روز جزا،تویی خدا معبودی جز تو نیست آمرزنده و مهربان، تویی خدا معبودی جز تو نیست عزیز و حکیم،تویی خدا معبودی جز تو نیست هر چیز از تو آغاز شد، و به تو باز می گردد،تویی خدا که معبودی جز تو نیست،همیشه بودی و خواهی بود،تویی خدا معبودی جز تو نیست آفرینندهٔ نیکی و بدی،تویی خدا،معبودی جز تو نیست،پدیدآورندهٔ بهشت و دوزخ،تویی خدا، معبودی جز تو نیست یگانه،بی نیاز،نزاده،و زاده نشده،و هیچ کس همتای او نبود،تویی خدا، معبودی جز تو نیست،فرمانروای بس مقدّس،سلام مؤمن،چیره،عزیز،جبّار،بزرگمنش،منزّه است خدا از آنچه بر او شرک می آورند،تویی خدای آفرینشگر،آفرینندهٔ صورت بخش،نامهای برتر برای توست،

آنچه در آسمانها و زمین است برای تو تسبیح می گویند،و تو عزیز و حکیمی،تویی خدا معبودی جز تو نیست بزرگ و والاتر،و کبریایی تنها ردای توست.ابن بابویه به سند صحیح از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده:هر بنده ای هر روز هفت مرتبه بگوید:از خداوند بهشت را می خواهم و به خدا از دوزخ پناه میبرم دوزخ می گوید:خدایا او را از من پناه ده.و به سند معتبری دیگری از آن حضرت روایت کرده:اگر مؤمنی در یک روز چهل گناه کبیره دچار شود،آنگاه از روی ندامت و پشیمانی،این استغفار را بخواند،خدا گناهان او را بیامرزد:آمرزش می طلبم از خدا که معبودی جز او نیست،زنده و پاینده است،آفرینندۀ آسمانها و زمین می باشد،صاحب بزرگی و اکرام است،و از او می خواهم که توبه ام را بپذیرد.و نیز به سند معتبر از آن حضرت روایت کرده:هرکه هر روز هفت مرتبه بگوید:

ستایش خدای را بر هر نعمتی که بوده یا خواهد بود ادای شکر نعمتهای گذشته و آینده را کرده است.

و نیز به سند معتبر از آن حضرت روایت کرده:هرکه هر روز بیست و پنج مرتبه بگوید:

خداوندا،بیامرز مردان و زنان با ایمان و مسلمان را حق تعالی به عدد هر مؤمن که که از دنیا رفته،و هر مؤمن که تا روز قیامت بیاید،در نامۀ عمل او حسنه می نویسد،و به آن عدد گناهان او را محو کند،و درجه ای در بهشت برای او بلند گرداند.و همچنین به سند معتبر از آن حضرت روایت کرده:هرکه هر روز صد مرتبه بگوید:

لا حول و لا قوّه الاّ باللّه حق تعالی هفتاد نوع بلا را از او دور می گرداند،که کمترین آنها اندوه شدید و غم باشد،و در روایت دیگر،هرگز پریشان نشود.کلینی و شیخ طبرسی و دیگران به سندهای حسن و معتبر از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده اند:حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله هر روز هفتاد مرتبه می گفت:استغفر اللّه و هفتاد مرتبه اتوب الی اللّه در کتاب کشف و

الغمّه و امالی شیخ طوسی،به سند معتبر روایت شده:رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود:هرکه هر روز صد مرتبه بگوید:لا اله الاّ اللّه الملک الحقّ المبین از فقر و وحشت قبر امان یابد،و توانگی به او روی آورد،و درهای بهشت به رویش گشوده شود.و در کتاب«امالی»لا اله الاّ اللّه الملک الحقّ المبین آمده است،و در کتاب ثواب الاعمال و محاسن برقی بجای صد مرتبه،سی مرتبه روایت کرده اند.قطب راوندی در کتاب«دعوات»خود از حضرت رضا علیه السّلام روایت کرده:حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله فرمود:هرکه بخواهد او را پیش از مجاهدان در ملأ اعلی ثنا گویند، هر روز این دعا را بخواند،اگر حاجتی داشته باشد برآورده شود و اگر دشمنی داشته باشد بر او چیره گردد، اگر قرضی داشته باشد ادا گردد،اگر اندوه سخت و غمی داشته باشد برطرف می شود،و این دعا از هفت آسمان بالا رود،تا در لوح محفوظ برای او نوشته شود،دعا این است:

منزّه است خدا،چنان که سزاوار خداست،و ستایش برای خداست،چنان که سزاوار خداست،و معبودی جز خدا نیست،چنان که سزاوار خداست و خدا بزرگتر است،چنان که سزاوار خداست،و جنبش و نیرویی نیست مگر به خدا،و درود خدا بر محمّد پیامبر و بر اهل بیتش و همهٔ رسولان و پیامبران،تا جایی که خدا خشنود شود.

به سند معتبر از امام رضا علیه السّلام روایت شده:شخصی از اصحاب رسول خدا نامه ای را یافت،آن نامه را خدمت آن حضرت آورد،حضرت ندا کردند،که همهٔ اصحاب حاضر شوند،بعد بر منبر آمد و فرمود:این نامه ای است که یوشع بن نون وصیّ موسی علیه السّلام نوشته است،و مضمون نامه این بو:بسم اللّه الرّحمن الرّحیم به درستی که پروردگار شما با شما دوست و مهربان است،به درستی که بهترین بندگان باتقوا گمنام اند،و بدترین خلق کسی است،که به ریاست باطل انگشت نمای مردم باشد،پس کسی که می خواهد به او ثواب کامل داده شود،و شکر نعمتهای خدا را کرده باشد،هر روز این دعا را بخواند:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،منزّه است خدا چنان که سزاوار خدا است،و ستایش خدای را چنان که سزاوار خدا است،و

و نیست معبودی جز خدا چنان که سزاوار خدا است،و جنبش و نیرویی نیست جز به خدا،و درود خدا بر محمّد و اهل بیتش پیامبر امّی و بر تمام رسولان و پیامبران،تا خدا خشنود گردد.

در کتاب«بلد الأمین»از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله روایت کرده:هرکه هر روز ده مرتبه بگوید:بسم اللّه الرّحمن الرّحیم لا حول و لا قوّه الاّ باللّه العلی العظیم از گناهان بیرون آید،مانند روزی که از مادر متولد شده،و خدا از او هفتاد نوع بلا را دفع کند،که از جملهٔ آنها دیوانگی و خوره و پیسی و فلج باشد،و حق تعالی هفتاد هزار فرشته بگمارد که برای او استغفار نمایند.

از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:هرکه هر روز صد بار بگوید:لا حول و لا قوّه الاّ باللّه العلیّ العظیم تنگدستی و فقر او را درنیابد،و هرکه هر روز صد بار بگوید:سبحان اللّه و الحمد للّه و لا اله الاّ اللّه و اللّه اکبر حق تعالی بدنش را بر آتش دوزخ حرام گرداند.در کتاب«بلد الأمین»از حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله روایت کرده:هرکه هر روز ده بار این دعا را بخواند،حق تعالی چهار هزار گناه کبیرهٔ او را بیامرزد،و وی را از سکرات مرگ و فشار قبر،و صد هزار هراس قیامت نجات دهد، و از شرّ شیطان و سپاهیان او محفوظ گردد،و قرضش ادا شود،و اندوه و غمش برطرف گردد،دعا این است:

مهیا کردم برای هر هراسی«لا اله الا اللّه»را و برای هر اندوه و غمی،«ما شاء اللّه»را،و برای هر نعمتی «الحمد للّه»،و برای هر راحتی«الشکر للّه»،و برای هر شگفتی«سبحان اللّه»،و برای هر گناهی«استغفر للّه» و برای هر مصیبت«انا للّه و انا الیه راجعون»را،و برای هر تنگی«حسبی اللّه»و برای هر قضا و قدر«توکلت علی اللّه»را،و برای هر دشمن«اعتصمت باللّه »را و برای هر طاعت و معصیت«لا حول و لا قوّه الاّ باللّه العلی العظیم»را.

کلینی و ابن بابویه و برقی رحمه اللّه علیهم به سندهای معتبر از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده اند:هرکه هر روز ده باره این دعا را بخواند،حق تعالی چهل و پنج هزار حسنه برای او بنویسد،و چهل و پنج هزار گناه را از او محو کند،و چهل و پنج هزار درجه در بهشت برای او بلند نماید،و برای او حرزی[محافظ و نگهدارنده]باشد از شرّ شیطان و ظالمان،و او را گناه کبیره متصرف نشده و احاطه اش نکند.

و به روایت دیگر:چنان باشد که قرآن را دوازده بار ختم کرده باشد،و خدا در بهشت خانه ای برای او بنا کند.و در روایت ابن بابویه«ده بار»ذکر نشده است،دعا این است:

گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست یگانه و بی شریک است،معبود،یکتا یگانه بی نیاز همسر و فرزندی نگرفته است در کتابهای«ثواب الاعمال»و«محاسن»و«کافی»از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده اند:

حضرت رسول اللّه علیه و آله فرمود:هرکه هر روز پانزده مرتبه بگوید:

معبودی جز خدا نیست به راست به راتس،معبودی جز خدا نیست می گویم از روز ایمان و باور معبودی جز خدا نیست،می گویم از روی بندگی و معبودیت حق تعالی روی رحمت خود را از و نگرداند،تا وارد بهشتش کند.در«محاسن»از حضرت رسول اکرم صلی اللّه علیه و آله روایت کرده:هرکه هر روز صد بار«سبحان اللّه»بگوید،از قربانی کردن صد شتر برای کعبه بهتر است،و هرکه صد بار الحمد للّه بگوید،از آزاد کردن صد بنده بهتر است،و هرکه صد بار«اللّه اکبر»بگوید از این که صد اسب با زین و لگام در را خدا بفرستد بهتر است،و هرکه صد با«لا اله الاّ اللّه»بگوید،کسی عملش از او نیکوتر نباشد،مگر آنکه بیشتر بگوید.قطب راوندی روایت کرده:در بنی اسرائیل عابدی بود،که سالها به عبادت حق پرداخته بود،روزی به حضرت حق عرضه داشت:می خواهم حال خود را نزد تو بدانم،اگر اعمال مرا پسندیده باشی،از این اعمال بسیار انجام دهم،وگرنه پیش از مرگ توبه کنم،خدا فرشته ای با این پیام نزد او فرستاد:که برای تو نزد خدا هیچ عمل خیری نیست!پرسید پروردگارا عبادتهای من چه شد؟فرشته گفت:هر کار خیری انجام می دادی،مردم را خبر می کردی،که تو را نیک بدانند،و به نیکی یاد کنند،اکنون ثواب تو همان

است،که خود بر عمل خود خشنود شدی،این سخن بر عابد بسیار گران آمد،و اندوهگین و نالان شد،بار

دیگر فرشته آمد و گفت:حق تعالی می فرماید:اکنون خود را ار من بخر،و پس از این هر روز به عدد هر رگی از رگهای بدن خود تصدّق بده،گفت:چگونه می توانم چنین کاری انجام دهم؟پاسخ داد:هر روز سیصد و شصت مرتبه به عدد رگهای بدنت بگو:

سبحان اللّه،و الحمد للّه،و لا اله الاّ اللّه،و اللّه اکبر،و لا حول و لا قوّه الاّ باللّه

عرضه داشت:پروردگارا بیشتر بفرما،فرمود:اگر بیشتر بگویی ثواب بیشتر دارد.کلینی به سند معتبر از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده:رسول خدا صلی اللّه علیه و آله هر روز به عدد رگهای بدن سیصد و شصت بار می گفت:

الحمد للّه ربّ العالمین کثیرا علی کلّ حال

به روایت دیگر از آن حضرت نقل شده:هرکه در دو ماه پیاپی،هر روز چهارصد بار این دعا را بخواند،خدا به او دانش بسیاری یا دارایی فراوان کرامت فرماید،و دعا این است:آمرزش می جویم از خدا که معبودی جز او نیست،زنده و پاینده،بخشنده و مهربان،پدیدآورندۀ آسمانها و زمین،از همۀ ستم و گناه و نافرمانی ام از خدا و به سوی او باز می گردم.شیخ طوسی و دیگران روایت کرده اند که مستحب است مؤمن هر روز این دعا را بخواند:

خدایا از تو می خواهم به نور تابناک جلوۀ زندۀ پایندۀ کریم ات،و از تو می خواهم به نور جلوۀ بسیار مقدّست که آسمانها به آن تابان شد،و تاریکی ها به آن برطرف گشت،و اصلاح شد به آن امر پیشینیان و پسینیان،اینکه بر محمّد و خاندانش درود فرستی،و همۀ کارهایم را اصلاح نمایی.

کفعمی از حضرت باقر علیه السّلام روایت کرده:هرکه هر روز این دعا را بخواند حق تعالی امور دنیا و آخرت او را کفایت کند.

به نام خدا،خدا مرا بس است،توکل کردم بر خدا،خدایا خیر همهٔ امورم را از تو می خواهم،و به تو پناه می برم از رسوایی دنیا و عذاب آخرت.و نیز روایت کرده:هرکه هر روز این دعا را هفت بار بخواند،امور دنیا و آخرت او کفایت شود:خداوند بس است مرا پروردگارم خداست،معبودی جز خدا نیست بر او توکّل کردم،و او پروردگار عرش بزرگ است.و نیز روایت کرده:هرکه در طول یک سال،هر روز یک بار این دعا را بخواند، تا جای خود را در بهشت نبیند نمیرد: منزّه است پایندهٔ پا برجا،منزّه است پا برجای پاینده، منزّه است یگانهٔ یکتا،منزّه است بی همتای بی نیاز،منزّه است زندهٔ به خود پاینده،منزّه است خدا،و به ستایش می ستایمش،منزّه است زنده ای که هرگز نمی میرد،منزّه است فرمانروای بسیار مقدّس،منزّه است پروردگار فرشتگان و روح، منزّه است والای برت،منزّه است او و بالاست.

باب دوم در بیان نمازهای مستحب که در«مفاتیح»ذکر آنها نیامده

[نماز اعرابی]

نماز اعرابی:سیّد ابن طاووس در کتاب جمال الأسبوع از شیخ تلعکبری نقل کرده:او به سند خود از زید بن ثابت روایت کرده:مردی از بادیه نشینان خدمت رسول خدا صلی اللّه علیه و آله ایستاد و گفت:پدر و مادرم فدایت ای رسول خدا،ما در بادیه هستیم،و از مدینه بسیار دوریم،و نمی توانیم هر جمعه به نماز جمعه حاضر شویم،مرا به عملی دلالت کن،که چون بجا آورم،فضیلت نماز جمعه را دریابم،و پس از بازگشت به اهل و قبیله خود به ایشان بیاموزم حضرت فرمود:چون روز برآید،دو رکعت نماز بخوان،در رکعت اول پس از سورهٔ«حمد»هفت مرتبه سورهٔ«فلق»،و در رکعت دوم بعد از سورهٔ حمد هفت مرتبه سورهٔ ناس،پس از سلام هفت مرتبه ایه الکرسیّ بخوان،سپس برخیز،و هشت رکعت دیگر به دو سلام بخوان،به این طریق که پس از هر دو رکعت بنشین و تشهد بگو،ولی سلام تشهد را نخوان،که می شود چهار رکعت،

آن گاه چهار رکعت دیگر به همین صورت بجا آر،در این هشت رکعت در هر رکعتی سورۀ حمد یک مرتبه و سورۀ اذا جاء نصر اللّه یک مرتبه و سورۀ(قل هو اللّه احد)بیست و پنج مرتبه بخوان و چون از تشهّد و سلام رکعت هشتم فارغ شدی این دعا را هفت بار بخوان:

ای زنده،ای پاینده،ای صاحب شکوه و بزرگی،ای معبود پیشینیان و پسینیان،ای مهربان ترین مهربانان،ای بخشنده دنیا و آخرت و مهربان هر دو جهان،ای پروردگار،ای پروردگار،ای پروردگار،ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار،ای خدا،ای خدا، ای خدا،ای خدا،ای خدا،ای خدا،بر محمّد و خاندانش درود فرست،و مرا بیارمز.

سپس حاجت خود را ذکر کن،و هفتاد مرتبه بگو:و جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ، و منزّه است خدا پروردگار عرش بزرگ.

آنگاه حضرت فرمود:به حق آن خدایی که مرا به راستی فرستاده سوگند،هر مرد و زن مؤمنی که این نماز را در روز جمعه بخواند من بهشت را برای او ضمانت می کنم،و از جایش برنخیزد،تا گناهانش و گناهان پدر و مادرش آمرزیده شود،و حق تعالی به او ثواب هرکه را در این روز در شهرهای مسلمانان نماز خوانده باشد عطا می فرماید،و برای او پاداش کسی را که در این روز در مشرق و مغرب عالم روزه گرفته باشد و نماز خوانده باشد می نویسد.و به او ببخشد آنچه را که هیچ چشمی ندیده،و هیچ گوشی نشینیده.

مؤلّف گوید:شیخ طوسی هم در کتاب«مصباح»این نماز را نقل کرده،ولی در روایت ایشان دعای پس از نماز نیامده است،بلکه به جای آن فرموده است:چون از نماز فارغ شدید،هفتاد مرتبه بگو:

منزه است خداوند،پروردگار عرش کریم،و جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ

[نماز هدیه]

نماز هدیه:از معصومان علیهم السّلام روایت شده:عبد در روز جمعه هشت رکعت نماز بجا آورد و در پایان هر دو رکعت سلام

بگوید:چهار رکعت آن را هدیهٔ رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و چهار رکعت دیگر را هدیهٔ حضرت زهرا علیها السّلام نماید،و در روز شنبه چهار رکعت بخواند و هدیهٔ امیر مؤمنان علیه السّلام کند،و همچنین هر روز چهار رکعت بجا آورد و هدیهٔ امامی نماید به ترتیب آن حضرات،تا روز پنجشنبه که چهار رکعت بخواند و هدیهٔ حضرت صادق علیه السّلام کند،باز در روز جمعه هشت رکعت بجا آورد،چهار رکعت هدیه به رسول خدا،و چهار کعت هدیه به حضرت زهرا علیها السّلام نماید،و در روز شنبه چهار رکعت هدیه به موسی بن جعفر علیها السّلام،و همچنین هر روز چهار رکعت بخواند و هدیهٔ امامی کند به ترتیب آن حضرات،تا روز پنجشنبه که چهار رکعت بجا آورد،و هدیه به امام عصر(عجّل اللّه تعالی فرجه) نماید،و بین هر دو رکعت از این نمازها این دعا را بخواند:

خدایا توی سلام،و از توست سلام،و به سوی تو باز می گردد سلام،از جانب خود پروردگارا به ما تحیت فرست به سلام.

خدایا این رکعات هدیه ای است از ما به سوی ولیّ ات.پس بر محمّد و خاندانش درود فرست.

و این هدیه را به او برسان،و به من عطا کن بهترین آرزو و امیدم را دربارهٔ خود و رسولت درودت بر او و خاندانش.پس هر دعایی را که می خواهد بخواند و بجای«فلان»نام آن اممی که نماز را برای او خوانده بگوید.

[نماز لیله الدفن]

نماز لیله الدفن:دو رکعت است،در رکعت اول سورهٔ«حمد»و ایه الکرسی،و در رکعت دوم سورهٔ حمد و ده مرتبه سورهٔ قدر بخواند،چون سلام داد بگوید:خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست، و ثواب آن را به قبر فلان بفرست.و به جای فلان نام میّت را ذکر کند.

[نماز میّت دیگر]

نماز میّت دیگر:همچنین سیّد ابن طاووس،از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله روایت کرده:ساعتی بر میّت سخت تر از شب اول قبر نمی گذرد،بنابراین با درگذشتگان خود به صدقه رحم کنید،و اگر چیزی که صدقه بدهی نیافتی،یکی از شما دو رکعت نماز بخواند،در رکعت اول،پس از

سوره حمد،دو مرتبه سورهٔ توحید و دو رکعت دوم بعد از سورهٔ حمد،ده مرتبه الهیکم التّکاثر را خوانده و بعد از سلام بگوید:

ص:973

خداوندا،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و ثواب آن را به قبر فلان میّت برسان

حق تعالی همان ساعت هزار فرشته به سوی قبر آن میّت فرستد که با هر فرشته جامه ای و حلّه ای است،و تنگی قبر او را تا روز نفخ صور وسعت دهد،و به نمازگزار به عدد آنچه آفتاب بر آن بتابد حسنات عطا کند،و چهل درجه برای او بالا برده می شود.مؤلّف گوید:کفعمی هم این نماز را با همین کیفیّت نقل کرده،و پس از آن فرموده:در بعضی از کتب دیدم که در رکعت اول پس از سورۀ«حمد»یک مرتبه ایه الکرسی و دو مرتبه«توحید»را بخواند،و علاّمۀ مجلسی در«زاد المعاد»فرموده:باید مردگان را فراموش نکنند،زیرا دستشان از اعمال خیر کوتاه شده،و به فرزندن و خویشان و برادران مؤمن امیدوارند،و به احسان آنان چشم به راهند،به خصوص دعای در نماز شب،و پس از نمازهای واجب.و نیز باید در مشاهد مشرّفه پدر و مادر را زیادتر از دیگران دعا کرد،و برای ایشان اعمال خیری بجای آورد.در خبر آمده:بسا فرزندی که در حال حیات پدر و مادر عاقّ آنان است،و پس از مرگ آنها به سبب اعمال خیری که برای ایشان انجام می دهد نیکوکار به آنها به حساب آید و از عاقیّ رهایی یابد،و بسا فرزندی که در حیات پدر و مادر نیکوکار به آنها باشد،و بعد از فوت آنان عاقّ گردد و به خاطر اعمال خیری که باید برای آنان انجام دهد،ولی کم انجام می دهد،و عمدۀ خیرات برای پدر و مادر و سایر خویشان،ادای قرضهای آنان،و آزاد نمودن آنها از حقوق خدا و خلق است،و نیز سعی شود حجّ و عباداتی که از آنان فوت شده به صورت گرفتن اجیر یا رایگان بجا آورد.در حدیث صحیح نقل شده:حضرت صادق علیه السّلام هر شب برای فرزند خود،و هر روز برای پدر و مادر خود،دو رکعت نماز به جا می آوردند،در رکعت اول سورۀ«انّا انزلناه»و در رکعت دوم سورۀ(انّا اعطیناک الکوثر) قرائت می کردند.به سند صحیح از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:بسا باشد،که میّت در تنگی و سختی است،و حق تعالی به او وسعت می دهد،و تنگی را از او برمی دارد،پس به او می گویند:این گشایش که برای تو حاصل شد،به سبب نمازی است که فلان برادر مؤمن برای تو خواند.راوی پرسید:می توانم دو میّت را در دو رکعت نماز شریک کنم؟فرمود:

آری میّت شاد می شود،و گشایش می یابد به دعا و استغفاری که برای او انجام می دهند،چنان که زنده به خاطر هدیه ای که برای او می برند شاد

می شود،و نیز فرمود:نماز و روزه و حجّ و تصدّق و سایر اعمال خیر و دعا،بر میّت در قبرش

ص:974

وارد می شود،و ثواب آن اعمال برای هر دو یعنی:کسی که انجام داده،و نیز برای مرده نوشته می شود.در حدیث دیگری فرمود:هرکه از مسلمانان،برای میّتی عمل صالح انجام دهد،خدا ثواب آن را دوچندان نماید،و میّت به آن عمل بهره مند گردد.

در روایتی وارد شده:هرگاه شخصی به نیّت میّتی صدقه ای بدهد حق تعالی به جبرئیل امر می کند تا با هفتاد هزار فرشته نزد قبر او بروند هر یک با طبقی از نعمتهای الهی در دست و یک به یک به او می گویند:سلام بر تو ای دوست خدا،این هدیه فلان مؤمن برای توست،پس قبر او روشن می شود،و حق تعالی هزار شهر در بهشت،به او کرامت می کند،و هزار حوری با او تزویج می نماید،و هزار لباس فاخر به او می پوشاند،و هزار خواسته او را روا می کند.

[نماز فرزند برای پدر و مادر]

نماز فرزند برای پدر و مادر:دو رکعت است:در رکعت اول سورۀ حمد و ده مرتبه:

پروردگارا مرا و پدر و مادرم و همه اهل ایمان را روزی که حساب برپا می شود بیامرز و در رکعت دوم سورۀ حمد و ده مرتبه پروردگارا مرا و پدر و مادرم و هرکه وارد خانه ام شد و مردان مؤمن و زنان مؤمن را بیامرز خوانده و پس از سلام ده مرتبه بگوید:پروردگارا به پدر و مادرم رحم کن،چنان که مرا در کودکی پروریدند

[نماز گرسنه]

نماز گرسنه:از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:هرکه گرسنه باشد وضو بگیرد،و دو رکعت نماز گذارد،و بگوید:ای پروردگارم،من گرسنه هستم طعامم بده

و در روایت دیگری آمده است:پروردگارا خوراکم ده من گرسنه به درستی که خدا او را در آن ساعت طعام دهد.

[نماز حدیث نفس:[وسوسه های نفسانی در مورد عقاید دینی]]

نماز حدیث نفس:[وسوسه های نفسانی در مورد عقاید دینی]:از امام صادق علیه السّلام روایت شده:هیچ مؤمنی نیست که بر او چهل روز بگذرد،مگر این که حدیث نفس عارض او گردد.هرگاه دچار این عارضه شد،دو رکعت نماز بخواند،و از آن به خدا پناه برد،و نیز از آن حضرت روایت شده:حضرت آدم به خدا،از حدیث نفس شکایت کرد،جبرئیل نازل شد و گفت بگو:

جنبش و نیرویی نیست مگر به خدای والای بزرگ آدم این ذکر را گفت و حدیث نفس از او برطرف شد،آنگاه حضرت فرمود،این است اصل لا حول

ص:975

و لا قوّه الاّ باللّه از حضرت باقر علیه السّلام روایت شده:مردی به محضر رسول خدا صلی اللّه علیه و آله آمد،و به آن حضرت از وسوسه و حدیث نفس و قرضی که بر او گران آمده بود،و نیز از تهیدستی شکایت کرد،حضرت به او فرمود بگو:

توکّل کردم بر زنده ای که نمی میرد،و ستایش خدای را که فرزندی نگرفته،و در فرمانروایی شریکی برایش نبوده است،و برای او سرپرستی نیست از روی خواری،و او را بزرگ شمار بزرگ شمردنی شایسته.سپس فرمود:این دعا را به کرّات بگو،چندی نگذشت که آن مرد خدمت حضرت آمد و گفت:یا رسول اللّه خدا وسوسۀ مرا از بین برد،و قرضم را ادا کرد،و از تهیدستی به توانگری رساند.و همچنین روایت شده:هنگامی که در سینه ات شکّی پیدا شد،برای دفع وسوسۀ شیطان بگو:

اوست آغاز و انجام و پیدا و پنهان،و به هر چیز داناست و نیز از حضرت صادق علیه السّلام برای دفع وسوسۀ شیطان روایت شده:بر سینۀ خود دست بکش و بگو:بنام خدا،و به خدا، محمّد(ص)رسول خداست،و جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ،خدایا آنچه را از آن میترسم از من پاک گردان پس بر شکم خود دست می کشی،و سه مرتبه می گویی،که ان شاء اللّه برطرف خواهد شد.و همچنین برای دفع وسوسه این امور سودمند است:شستن سر با سدر،و مسواک کردن،و انار خوردن،و آب نیسان آشامیدن،و پنجشنبه اول و آخر و چهارشنبه میان هر ماه روزه گرفتن،و نیز گفتن: پناه می برم به خدای نیرومند،از شیطان گمراه، و پناه می بروم به محمّد پسندیده از شرّ آنچه مقدّر شده،و قضا بر آن رفته،و پناه می برم به معبود آدمیان از شرّ همۀ جن و انس.

[نماز استخاره ذات الرّقاع]

نماز استخاره ذات الرّقاع:کیفیتش چنین است که هرگاه کاری را اراده کردی،شش ورقه آماده کن،در سه ورقه بنویس: به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،خیرخواهی است از خداوند عزیز حکیم

فلان فرزند فلان،انجام بده و در سه ورقه دیگر بنویس انجام نده سپس آنها را زیر جانماز خود می گذاری،و دو رکعت نماز به جا می آوری،چون از نماز فراغت یافتی،سجده می کنی،و در سجده صد بار می گویی:

خیر می خواهم از خداوند به رحمتش،خیرخواهی در عافیت آنگاه می نشینی و می گویی:،خداوند ابراهیم خیر بخواه،و در همهٔ امورم، در آسانی و عافیت از جانب خود خیر برگزین سپس ورقه های زیر جانماز را با هم مخلوط می کنی،و یکی یکی بیرون می آوری،هرگاه سه افعل دنبال هم بیرون آمد،آن کار را که اراده کرده ای به جای می آوری،و اگر سه لا تفعل بیرون آمد به جا نیاور،و اگر یکی افعل بیرون آمد،و دیگر لا تفعل،تا پنج ورقه بیرون بیاور و به آن دقت کن،اگر سه افعل است و دو لا تفعل بجا آورد،و اگر برعکس است انجام نده.مؤلّف گوید:معنی استخاره،طلب خیر کردن است،پس هر کاری که می خواهی انجام دهی،خیر خود را از حق تعالی طلب کن.روایت شده:در سجدهٔ آخر نماز شب طلب خیر کن،و صد و یک مرتبه بگو:استخیر اللّه برحمته و نیز طلب خیر در سجدهٔ آخر نافله صبح خوب است.و همچنین در هر رکعت از نافله های ظهر استخاره نیکوست.علاّمهٔ مجلسی از پدر بزرگوارش نقل کرده،آن جناب از استادش شیخ بهایی روایت نموده که شیخ فرمود:از مشایخ شنیدم که از حضرت قائم عجل اللّه فرجه،در استخاره با تسبیه مذاکره می کردند:به این که شخص تسبیح را به دست گیرد،و سه مرتبه بر محمّد و آل محمّد صلوات اللّه علیهم اجمعین صلوات فرستد،و یک قبضه از تسبیح را بگیرد،و دوتا دوتا بشمارد،اگر یکی باقی ماند،کار را انجام دهد،و اگر دوتا بجای ماند انجام ندهد.شیخ فقیه بزرگوار صاحب«جواهر»در کتاب«جواهر» فرموده:استخاره ای است،که پیش بعضی از اهل زمان رایج است،و بسا به مولای ما حضرت قائم عجل اللّه فرج نسبت داده می شود،و آن به این صورت است،که پس از قرائت و دعا،یک قبضه از تسبیح را بگیرد،و هشت هشت رد کند،اگر یک دانه باقی ماند،فی الجمله نیک است.اگر دو تا باقی ماند،دارای یک نهی است،و اگر سه عدد باقی ماند در انجام و ترک اختیار دارد،زیرا انجام و ترک کار مساوی است،و اگر چهار دانه باقی ماند دارای دو نهی است،و اگر پنج عدد باقی ماند بعضی گفته اند:زحمت و رنج دارد،و بعضی گفته اند:در آن کار ملامت است،و اگر شش دانه باقی

ماند،در نهایت خوبی است،و باید نسبت به انجام کار شتاب ورزید،و اگر هفت عدد باقی ماند،در حکم مانند عدد پنج است،و اگر هشت دانه باقی ماند،در آن چهار نهی است.ما در باب ششم،بعضی از استخاره ها را ذکر خواهیم کرد.

مرحوم محدّث کاشانی در کتاب«تقویم المحسنین»برای استخاره به قرآن مجید،در ایام هفته ساعاتی را نقل کرده و گفته است:اختیار این ساعات،بنا بر مشهور بین اهل ایمان است،اگرچه حدیثی از اهل بیت بر آن یافت نشده است سپس فرمود:روز یک شنبه:تا ظهر خوب است،آنگاه از عصر تا مغرب.روز دوشنبه:تا طلوع آفتاب خوب است، آنگاه از زمان ناهار تا ظهر و سپس از عصر تا عشاء آخر.روز سه شنبه از وقت ناهار تا ظهر خوب است،آنگاه از عصر تا عشاء آخر.روز چهارشنبه تا ظهر خوب است،آنگاه از عصر تا عشاء آخر.روز پنجشنبه تا طلوع آفتاب خوب است، آنگاه از ظهر تا عشاء آخر.روز جمعه تا طلوع آفتاب خوب است،آنگاه از ظهر شرعی تا عصر.روز شنبه تا وقت ناهار خوب است،آنگاه از ظهر شرعی تا عصر.این جدول برگرفته از مدخل[مقدّمه]منظوم محقّق طوسی طاب ثراه است.

[نماز برای ادای قرض،و کفایت ستم سلطان]

ذکر نماز برای ادای قرض،و کفایت ستم سلطان:شیخ طوسی روایت کرده:مردی خدمت حضرت صادق علیه السّلام رسید و گفت:ای آقای من به تو شکایت می کنم،از قرضی که مرا فرا گرفته،و از پادشاهی که به من ستم می کند.می خواهم به من دعایی تعلیم دهی که به وسیلۀ آن غنیمتی تحصیل کنم،تا قرضم را ادا کرده،و ستم پادشاه را از خود بازدارم.حضرت فرمود:

هرگاه تاریکی شب تو را فرا گرفت دو رکعت نماز بخوان،در رکعت اول سورۀ«حمد»و«ایه الکرسی»،و در رکعت دوم سورۀ حمد و آخر سورۀ«حشر»از لو انزلنا هذا القرآن تا پایان سوره را قرائت کن،سپس قرآن مجید را بردار و بر سر خود بگذار و بگو:

به حق این قرآن،و به حق کسی که او را فرستادی با آن،و به حق هر مؤمنی که در قرآن مدح کردی،و به حقّت بر آنان،پس کسی شناساتر به حق تو از تو نیست،آنگاه هر یک از این اذکار را ده مرتبه بگو:

بک یا اللّه یا محمّد،یا علی،یا فاطمه،یا حسن،یا حسین،یا علی بن الحسین،یا محمّد بن

ص:978

علی،یا جعفر بن محمد،یا موسی بن جعفر،یا علی بن موسی،یا محمّد بن علی،یا علی بن محمّد،یا حسن بن علی،بالحجّه.سپس حاجت خود را بطلب،راوی گفت:آن مرد رفت،و پس از مدّتی بازگشت،درحالی که قرضش را ادا نموده،و از ستم پادشاه امان یافته،و دارایی اش فراوان شده بود.

مؤلّف گوید:ظاهر این است که این عمل،پس از نماز بجا آورده می شود.

[نماز حاجت]

نماز حاجت:از کتاب«دعوات»راوندی نقل شده:حضرت سجّاد علیه السّلام به مردی رسیدند که در خانهٔ مرد دیگری نشسته بود،به او فرمود:برای چه در خانهٔ این ستمکار جبّار نشسته ای؟گفت:به جهت محنت و شدّتیّ که بر من عارض شده،فرمود:برخیز تا من تو را به دری راهنمایی کنم که بهتر از در اوست،و به جانب ربّی که برای تو از او نیکوتر است،پس دست او را گرفت، و تا مسجد پیامبر صلی اللّه علیه و آله آورد و فرمود:رو به قبله آر،و دو رکعت نماز بخوان،آنگاه خدا را ثنا بگو،و بر رسول خدا صلی اللّه علیه و آله صلوات فرست،و آخر سورهٔ«حشر»،و شش آیهٔ اول سورهٔ حدید،و دو آیه ای که در سورهٔ«آل عمران»است بخوان،سپس حاجت خود را از خدا بخواه،که به تو عطا می فرماید.جناب راوندی فرموده:شاید دو آیهٔ «قُلِ اللّٰهُمَّ مٰالِکَ الْمُلْکِ» باشد تا بِغَیْرِ حِسٰابٍ [سورهٔ آل عمران،آیات 26-27].علامهٔ مجلسی فرموده است:شاید آیهٔ قُلِ اللّٰهُمَّ باشد و آیهٔ شَهِدَ اللّٰهُ أَنَّهُ [سورهٔ آل عمران،آیهٔ 18].از حضرت امیر مؤمنان علیه السّلام روایت شده:هرگاه یکی از شما رفع حاجتی را قصد کند،صبح پنجشنبه در طلب آن بیرون رود،و هنگامی که از منزل بیرون می رود آخر سورهٔ آل عمران،و ایه الکرسی،و سورهٔ انّا انزلناه و سورهٔ حمد را بخواند،زیرا رفع حوائج دنیا و آخر در اینهاست.

[نماز برای مهمّات]

نماز برای مهمّات:چهار رکعت بجا می آوری،و قنوت و ارکان آن را به نیکی انجام می دهی،در رکعت اول پس از سورهٔ حمد،هفت مرتبه و خداوند ما را بس است و چه خوب کارگشایی است و در رکعت دوم پس از سورّ حمد،هفت مرتبه آیهٔ:آنچه خدا خواست شود هیچ نیرویی جز به خداوند

نیست اگر ببینی که من در مال و فرزند از تو کمتر و در رکعت سوم پس از سورۀ حمد،هفت مرتبه:

ص:979

لا اله الاّ انت سبحانک انّی کنت من الظّالمین.و در رکعت چهارم بعد از سورۀ حمد هفت مرتبه افوّض امری الی اللّه انّ اللّه بصیر بالعباد.سپس حاجت خود را بخواه.

[نماز رفع عسرت و سختی]

نماز رفع عسرت و سختی:از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:چون کاری بر تو دشوار شود،هنگام زوال دو رکعت نماز بگذار،در رکعت اول پس از سورۀ حمد قل هو اللّه احد و انّا فتحنا لک فتحا مبینا،و ینصرک اللّه نصرا عزیزا و در رکعت دوم پس از سورۀ حمد قل هو اللّه احد و أ لم نشرح.بخوان،و این نماز به تجربه رسیده است.

[نماز برای زیاد شدن روزی]

نماز برای زیاد شدن روزی:روایت شده،مردی نزد رسول خدا صلی اللّه علیه و آله آمد و گفت:یا رسول اللّه من صاحب عیالم و قرض دارم و حالم بس سخت است،به من دعایی تعلیم فرما،که بخوانم خدای عزّ و جلّ را،تا به من آن قدر روزی کند،که قرضم را ادا کنم،و به آن بر عیال خود استعانت جویم.فرمود:ای بندۀ خدا وضو بگیر،وضوی کاملی بعد دو رکعت نماز بخوان، و رکوع و سجود آن را به طور کامل بجا آور،پس بگو:

ای بزرگوار،ای یگانه،ای کریم،به سوی تو رو می کنم به محمّد پیامبرت،پیامبر رحمت(درود خدا بر او و خاندانش) ای محمّد ای رسول خدا،به تو رو می کنم به سوی خدا،پروردگارم و پروردگارت،و پروردگار همه چیز،و از تو می خواهم خدایا،که بر محمّد و اهل بیتش درود فرستی،و از تو می خواهم نسیم کریمانه ای از نسیمهایت،و گشایش آسان و رزق واسعی،که پراکندگی ام را با آن جمع کنم،و قرضم را بپردازم،و با آن بر عیالم یاری گیرم.

[نماز دیگر برای زیاد شدن روزی]

نماز دیگر برای زیاد شدن روزی:چون خواستی به محلّ کسب خود بروی،ابتدا به مسجد برو،و دو رکعت یا چهار رکعت نماز بجا آور و بگو: صبح کردم به قدرت و نیروی خدا،و صبح کردم نه با جنبش و نیرویی از

پیش خودم،ولی به توان و نیرویی تو ای پروردگارم،خدایا من بندۀ توام و چنان که فرمان دادی از فضل تو می جویم، پس آن را برایم آسان فرما،و من تنها در سایۀ عافیتت آسوده ام.

[نماز دیگر]

نماز دیگر:دو رکعت است که در رکعت اول بعد از سورۀ حمد سه مرتبه انّا اعطیناک الکوثر و در رکعت دوم پس از سورۀ «حمد»سه مرتبه سورۀ«فلق»و سه مرتبه سورۀ«ناس»خوانده می شود.

[نماز حاجت]

نماز حاجت:به نقل از کتاب«مکارم»:زمانی که شب به نیمه رسید،غسل کن و دو رکعت نماز بجا آور،در رکعت اول پس از سورۀ حمد پانصد مرتبه سورۀ توحید و همچنین در رکعت دوم پس از سورۀ«حمد»پانصد مرتبه سورۀ توحید و آخر سورۀ حشر را از لَوْ أَنْزَلْنٰا هٰذَا الْقُرْآنَ... تا آخر سوره،و شش آیه اول سورۀ حدید،و پس از آن به همان حال که ایستاده ای هزار مرتبه إِیّٰاکَ نَعْبُدُ وَ إِیّٰاکَ نَسْتَعِینُ بگو،سپس نماز را به پایان برسان،و ثنای حق تعالی را بجای آور،اگر حاجتت برآورده شد که به مراد خود رسیده ای،و اگر به حاجت خود نرسیدی دوباره این نماز را بخوان،و اگر حاجتت برآورده نشد،بار سوم آن را بجا آر،ان شاء اللّٰه بر آورده می شود.

[نماز دیگر برای رفع حاجت]

نماز دیگر:ثقه الاسلام کلینی در کتاب«کافی»،به سند معتبر از عبد الرّحیم قصیر روایت کرده:بر حضرت امام صادق علیه السّلام وارد شدم و عرض کردم:فدایت شوم،از پیش خود دعایی اختراع کردم.فرمود:مرا از اختراع خود واگذار،هرگاه برایت حاجتی بود،به رسول خدا صلّی اللّٰه و علیه و آله پناه ببر،و دو رکعت نماز بخوان،و آن را به حضرت رسول صلّی اللّٰه و علیه و آله هدیه کن،عرضه داشتم:این نماز را چگونه بجا آورم؟فرمود:غسل می کنی،و دو رکعت نماز در آغاز و پایان،همانند نماز واجب صبح به جا می آوری،و پس از سلام می گویی:

خدایا تویی سلام،و از توست سلام،و به سوی تو سلام باز می گردد،خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و از سوی من به روح محمّد سلام

برسان،و سلام را نثار ارواح امامان راستگو فرما،و به من از سوی آنان سلام بازگردان،و سلام و رحمت و برکات خدا بر آنان باد،خدایا این دو رکعت نماز هدیه ای است از

ص:981

سوی من به رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش)،بر این دو رکعت پاداشم ده،آنچه آرزو کردم،و امید بستم درباره تو و رسولت ای سرپرست مؤمنان.آنگاه به سجده می روی،و چهل مرتبه می گویی:

یا حیّ یا قیّوم،یا حیّا لا یموت،یا حیّا لا اله الاّ انت،یا ذا الجلال و الاکرام،یا ارحم الرّاحمین.سپس جانب راست صورت خویش را بر زمین می گذاری،و همین دعا را چهل مرتبه می خوانی.آنگاه جانب چپ صورت خود را بر زمین می گذاری،و باز چهل مرتبه این دعا را قرائت می کنی،سپس سر از سجده بر می داری، و دست را به جانب آسمان برداشته چهل مرتبه می خوانی،پس از آن دستها را بر گردن خود می گذاری،و به انگشت شهادت خویش پناه برده چهل مرتبه می خوانی،سپس محاسن خود را با دست چپ می گیری و گریه می کنی یا اظهار گریستن می نمایی،و می گویی:ای محمّد،ای رسول خدا،حاجتم را به جانب خدا و تو و خاندان ره یافته است،شکایت می کنم،و در حاجتم به وسیلۀ شما به سوی خدا توجه می نمایم سپس به سجده می روی و می گویی:یا اللّه یا اللّه به اندازه ای که نفس قطع شود،آنگاه می گویی:صلّ علی محمّد و آل محمّد و افعل بی کذا و کذا و به جای کذا و کذا(با من چنین و چنان کن)حاجت خود را بخواه،پس از آن حضرت صادق علیه السّلام فرمود:من بر خدای عزّ و جلّ ضامنم،که از جای خود حرکت نمی کنی،مگر آنکه حاجت تو برآورده شد.مؤلّف گوید:در باب چهارم دعاهای بسیاری برای رفع حوائج دنیا و آخرت ذکر خواهم کرد.شیخ کفعمی در کتاب بلد الأمین برای رفع حاجت بسیار مهمّ فرموده:این کلمات را در کاغذی بنویسد،و در کتاب بیندازد:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،از بندۀ خوار،به سوی مولای بزرگوار،پروردگارا به من بدحالی

رسیده و تو مهربان ترین مهربانانی،به حق محمّد و خاندانش،درود فرست بر محمّد و خاندانش،و اندوه مرا برطرف کن و غم مرا بگشا،ای مهربان ترین مهربانان.

[باز نماز حاجت]

باز نماز حاجت:سیّد ابن طاووس در کتاب«مزار»،در باب اعمال مسجد کوفه،در ذیل اعمال محراب حضرت امیر مؤمنان علیه السّلام فرموده:ذکر نماز حاجتی که در خصوص این مکان باید انجام داد،و آن چهار رکعت است با دو سلام،در رکعت اول پس از سورۀ«حمد»ده مرتبه «قل هو اللّه احد»و در رکعت دوم بعد از سورۀ«حمد»بیست و یک مرتبه«توحید»و در رکعت سوم بعد از سورۀ«حمد»سی و یک مرتبه قل، هو اللّه احد و در رکعت چهارم پس از«حمد»چهل و یک مرتبه«توحید»خوانده می شود و پس از سلام نماز،و خواندن تسبیح،پنجاه و یک مرتبه سورۀ توحید را بخوان و پنجاه مرتبه استغفار کن،و پنجاه مرتبه صلوات بفرست و پنجاه مرتبه بگو:

لا حول و لا قوّه الاّ باللّه العلیّ العظیم آنگاه بگو:ای خدایی که[قدرتش را از رساندن ضرر به بندگانش منع می کند،حاصل اینکه در عین قدرت بی نهایتش دست به انتقام نی زند.از محدث قمی]و سلطنش را به قدرتش مالک است،و به آنچه نزد اوست بر هر موجودی چیره است،و غیر تو ناامید می کند امید امیدوارش را،و امیدوار تو خوشحال است که ناامید نمی شود،از تو می خواهم به هرچه پسند توست،و به هر شأنی که تو در آنی،و به هرچه دوست داری به آن یاد شوی،و به حقیقت ای خدا،چیزی برابر تو نیست،اینکه بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و مرا و فرزندان و خاندان و دارایی ام را نگاه داری،و به حفظت حفظم کنی،و حاجتم را در چنین و چنان مورد برآوری.و حاجت خود را ذکر کن.

[همچنین نماز حاجتی دیگر]

همچنین نماز حاجتی دیگر:روایت شده:هر که را به خدا حاجتی باشد،و بخواهد برآورده گردد،چهار رکعت نماز بجا آورد،در هر رکعت پس از سورۀ حمد سورۀ انعام بخواند،و در پی نماز بگوید:ای کریم،ای کریم،ای کریم،ای بزرگ،ای بزرگ،ای بزرگ،ای بزرگ تر از هر بزرگ.

ای شنوندۀ دعا،ای که شبها و روزها دگرگونش نمی سازد،درود فرست بر محمّد و خاندانش،و به ناتوانی و تهیدستی و نداری و درماندگی ام رحم کن زیرا که تو به آنها داناتر از منی،و تو به حاجتم آگاه تری،ای آنکه به یعقوب سالخورده رحم کردی زمانی که نور چشمش یوسف را به او بازگرداند،ای آنکه به ایوب پس از طول بلایش رحم کرد،ای آنکه بر محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)رحم کرد،و از زمان یتیمی پناهش داد،و بر گردنکشان قریش و طاغوتهای آن یاری اش داد،و بر آنان چیره اش ساخت،ای فریادرس،ای فریادرس،ای فریادرس.را مکرّر می گویی و سپس حاجات خود را از خدای تعالی طلب می کنی،که حق تعالی آنها را عطا می کند.

[نیز نماز حاجتی دیگر]

و نیز نماز حاجتی دیگر:سیّد ابن طاووس رحمه اللّه روایت کرده و فرموده:شب جمعه و شب عید قربان دو رکعت نماز بخوان و در هر رکعت سوره فاتحه را قرائت کن،ولی آیۀ إِیّٰاکَ نَعْبُدُ وَ إِیّٰاکَ نَسْتَعِینُ را صد مرتبه بگو،سپس حمد را به پایان برسان،و دویست مرتبه سورۀ «توحید»را بخوان،چون سلام دادی،هفتاد مرتبه بگو:«لا حول و لا قوه الاّ باللّه العلیّ العظیم»آنگاه به سجده برو و دویست مرتبه بگو:یا ربّ یا ربّ،پس هر حاجت که داری بخواه،ان شاء اللّه برآورده خواهد شد.

[نیز نماز حاجتی دیگر]

نیز نماز حاجتی دیگر:نمازی است که بسیاری از علما مانند شیخ مفید و شیخ طوسی و سیّد ابن طاووس و دیگران آن را از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرده اند،و کیفیت آن موافق روایت سیّد چنین است:هرگاه برایت به خدای عزّ و جلّ حاجت مهمی روی دهد سه روز پی درپی که چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه باشد،روزه بگیر،و چون روز جمعه شود غسل کن،و جامۀ نو و پاکیزه بپوش،و به بامی که بلندترین بامهای خانه ات باشد بالا رو،و دو رکعت نماز بخوان،سپس دستها را به سوی آسمان بلند کن و بگو:

خدایا به خاطر معرفتم به یگانگی ات و بی نیازی ات به آستانت فرود آمدم و هم اینکه توانایی بر برآوردن حاجتم جز تو نیست،و من دانسته ام ای پروردگارم هر زمان نعمتت پی درپی به من رسیده،نیازم به تو

سخت تر گشته،اینک اندوه ناشی و مرا درهم کوبیده است از چنین و چنان و به جای چنین و چنان،حاجت خود را ذکر نماید.

و تو به برطرف نمودنش دانایی بی آنکه دانشت را از دیگری گرفته باشی،و توانایی بدون هیچ گونه مشقّتی،از تو می خواهم به حق نامت،که بر کوه نهادی پس در هم کوبیده شد،و بر آسمانها نهادی،پس شکافته شدند،و بر ستارگان پس پراکنده شدند،و بر زمین پس گسترده شد،و از می خواهم به حقی که قرار دادی نزد محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)و حسن و حسین و علی و محمّد و جعفر و موسی و علی و محمّد و علی و حسن و حجّت(درود خدا بر ایشان)اینکه درود فرستی بر محمّد و اهل بیتش،و حاجتم را برآوردی،و دشوارش را آسان نمایی،و مهمّش را کفایتم کنی،پس اگر عنایت کردی تو را ستایش،و اگر مرحمت نفرمودی باز هم تو را ستایش،که تو در حکم خود ستمکار نیستی،و در داوری ات متهمّ نمی باشی،و در عدالتت ستم کننده نیستی.

صورت خود را به زمین می چسبانی و می گویی:خدایا به درستی که یونس بن متّی بنده ات،تو را در شکم ماهی خواند،و او بندۀ تو بود،پس دعایش را مستجاب نمودی،و من بندۀ توام،تو را می خوانم،دعایم را مستجاب کن.

حضرت صادق علیه السّلام فرمود:بسا که حاجتی برای من پیش می آید،و من این دعا را می خوانم،آنگاه که باز می گردم،حاجتم برآورده شده.مؤلّف گوید:سید ابن طاووس در کتاب«جمال الأسبوع»سخنی فرموده که حاصلش این است:هرگاه از خدای تعالی حاجتی خواستی،دست کم حالتت مانند آن باشد که حاجت مهمی از یکی از پادشاهان دنیا بطلبی،چه این که هرگاه حاجتی به ایشان داشته باشی،خشنودی آنان را به هر صورت که ممکن است می جویی،پس هنگام حاجت خواستنی از خدا

در به دست آوردن خشنودی حضرتش سخت بکوش،و مبادا روی آوردنت به خدا،کمتر از روی آوردنت به پادشاهان دنیا باشد،که اگر حال تو چنین باشد،از مسخره کنندگان هلاک شده خواهی بود،و چگونه قابل قبول است که اهتمام تو،به خشنودی خدا کمتر از اهتمام تو به خشنودی بندگان باشد؟ پس هرگاه منزلت خدا نزد تو،کمتر از منزلت پادشاهان دنیا باشد،پادشاهانی که بندگان خدای تواند،بنابراین تو خدا را استهزاء کرده و کوچک دانسته ای،و عظمت و شکوه او را نادیده گرفته ای،و از حضرتش اعراض نموده ای،و بعید است که با چنین حالی به سبب نماز یا روزه ات به حاجت خود دست یابی،و باید نماز و روزه ای که برای حاجت به جا می آوری،برای تحصیل تجربه نباشد،چه آنکه انسان نمی آزماید مگر کسی را که در حق او بد گمان است،و حق تعالی آنهایی را که در حق او گمان بد بروند به گفتارش مذمّت نموده است:یظنّون باللّه ظنّ السّوء علیهم دائره السوء بلکه باید به رحمت خدا و به وعده های او،در کمال اطمینان و اعتماد باشی،و امیدت به خدا،در طلب حاجتت بیش از آن باشد،که حاتم[بخشندۀ معروف که بخشایشش ضرب المثل شده است]را برای طلب یک قیراط قصد کنی.چه اینکه اگر حاتم را برای یک قیراط قصد کنی،یقین داری به هر شکل که باشد،به تو عطا خواهد کرد،پس آگاه باش که حاجت تو نزد حق تعالی هرچه باشد،کمتر از یک قیراط نزد حاتم است،بنابراین مبادا اعتمادت به حق تعالی کمتر از رو آوردن به درگاه خانۀ امثال حاتم باشد.و شایسته است،هرگاه به خاطر حاجتی،روزه یا نماز بجا آوری،عمل خود را برای کارهای مهمتر از حاجات دینی خود نیّت کنی،و بدان که مهمترین آنها حوایج آن کسی است که تو در پناه هدایت،و حمایت اویی،و آن امام زمان تو صلوات اللّه علیه است،پس باید نماز و روزه ات نخست برای قضای حاجات آن حضرت باشد،و بعد برای حوایج دینی خود،و سپس برای آن حاجتی که برایت پیش آمده،و قصد آن را داشته ای،مثلا هرگاه ستمگری در صدد کشتن تو باشد،و تو برای خلاصی از گزند او روزه حاجت گرفتی،باید توجه داشته باشی که مهمتر از آن حاجت دینی توست،که آن حاجت گذشت و رضای حق از تو می باشد،و اینکه بر تو اقبال کند،و عملت را بپذیرد،زیرا در کشته شدنت،دنیایت فاسد می شود چنانچه دینت سالم باشد،به علاوه اگر کشته نشوی،به ناچار یک روز خواهی مرد،ولی اگر عفو و رضای خدا برایت حاصل نشود،در دنیا و آخرت هلاک خواهی شد،و هراسها و شدایدی که به خیالت نمی رسد برایت پیش خواهد آمد،و اینکه گفتیم حاجت

امام زمان را بر حوایج خود پیش اندازی،برای این است،که بقای دنیا و اهل آن به واسطهٔ وجود آن حضرت است، بنابراین هرگاه وجود تو،محفوظ به وجود شخص دیگری باشد،چگونه قابل قبول است که حوایج و خواسته های خود را بر حوایج او مقدّم بداری؟و بر تو معلوم باد که آن حضرت،در حاجات خود،از نماز و روزه تو بی نیاز است،و نیازی به تو ندارد، ولی مقتضای بندگی و وظیفهٔ تو آن است،که به آن صورت عمل کنی،چنان که دعاهای خود را با صلوات بر ایشان صلوات اللّه علیهم اجمعین آغاز می کنی.

[نماز استغاثه[استغاثه:دادخواهی و پناه جویی]]

نماز استغاثه[استغاثه:دادخواهی و پناه جویی]:در کتاب«مکارم»آمده:چون در شب خواستی بخوابی،بالای سر خود ظرف پاکیزه ای،که در آن آب پاک باشد بگذار،و آن را با پارچه پاکیزه ای بپوشان،چون در آخر شب برای نماز شب بیدار شوی،سه جرعه از آن آب بیاشام،و با باقی آن وضو بگیر،و رو به قبله کن،و اذان و اقامه بگو،و دو رکعت نماز بجا آور،و هر سوره ای که خواستی در آن بخوان،چون«حمد»و سوره فارغ شدی به رکوع رفته و در رکوع بیست و پنج مرتبه بگو:ای فریادرس دادخواهان پس سر از رکوع بر می داری و همین ذکر را بیست و پنج بار می گویی:و همچنین در سجدهٔ اول و پس از سر برداشتن،و در سجدّ دوم و پس از سر برداشتن،در هر کدام بیست و پنج مرتبه می گویی،و رکعت دوم را نیز به همین کیفیت به جا می آوری،که در مجموع سیصد مرتبه گفته می شود،آنگاه تشهّد می خوانی،و سلام می دهی،و پس از سلام سر به جانب آسمان بر می داری و سی مرتبه می گویی:

از بندهٔ خوار و ذلیل،به سوی مولای شکوهمند و حاجت خود را می طلبی،همانا به زودی حاجتت روا خواهد شد.

[نماز استغاثه به حضرت بتول علیها السّلام]

نماز استغاثه به حضرت بتول علیها السّلام:روایت شده:هرگاه برای تو به خدای متعال حاجتی پیش آمد،و سینه ات از آن تنگی گرفت دو رکعت نماز بخوان،و پس از سلام سی مرتبه تکبیر بگو،و تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام را بجا آور، و به سجده برو و صد مرتبه بگو:ای سرپرستم ای فاطمه به فریادم برس پس جانب راست صورت خویش را بر زمین

بگذار،و همین ذکر را صد مرتبه بگو،و سپس جانب چپ چهره ات را بر زمین بگذار و صد

ص:987

مرتبه بگو،دوباره به سجده برو و صدوده مرتبه بگو،و حاجت خود را یاد کن،به درستی که خدا آن را برآورده کند.ان شاء اللّه تعالی مولّف گوید:شیخ حسن بن فضل طبرسی در کتاب«مکارم الاخلاق»فرموده:نماز استغاثه به بتول چنین است:دو رکعت نماز بجا می آوری،سپس به سجده می روی،و صد مرتبه می گویی:«یا فاطمه»آنگاه جانب راست صورت خویش را به زمین می گذاری و صد مرتبه می گویی،سپس جانب چپ صورتت را و صد مرتبه می گویی،دوباره به سجده می روی و صدوده مرتبه می گویی،پس از آن می خوانی:

ای بی هراس و بیم از هر چیز،که هر چیز از تو هراسان و برحذر است،از تو می خواهم به ایمنی ات از هر چیز، و هراس هر چیز از تو،اینکه بر محمّد درود فرستی،و ایمنی به من عطا کنی،برای خود و خاندان و دارایی و فرزندانم،تا از احدی نهراسم،و هرگز از چیزی حذر نکنم،به درستی که تو بر هر چیز توانایی.

و نیز در آن کتاب شریف از امام صادق علیه السّلام روایت کرده:هرگاه یکی از شما بخواهد به خدا استغاثه کند،دو رکعت نماز بجا آورد،سپس به سجده رفته و بگوید:ای محمد ای رسول خدا،ای علی ای آقای مردان و زنان مؤمن به وسیلۀ شما دو تن به خدای استغاثه می کنم،ای محمّد ای علی به شما دو تن استغاثه می کنم ای فریادرس به خدا و به محمّد و علی و فاطمه.و می شماری هریک از امامان را پس می گویی:بکم اتوسّل الی اللّه تعالی به درستی که همان ساعت به فریاد تو خواهند رسید،ان شاء اللّه تعالی

[نماز حضرت حجّت علیه السّلام در مسجد جمکران در یک فرسخی شهر مقدّس قم]

اشاره

نماز حضرت حجّت علیه السّلام در مسجد جمکران که در یک فرسخی شهر مقدّس قم قرار دارد:شیخ مرحوم در کتاب«نجم ثاقب» کیفیت بنای این مسجد شریف را به امام صاحب الزمان علیه السّلام به این صورت در حکایت اول از باب هفتم نقل کرده:

امام زمان علیه السّلام به حسن مثله جمکرانی فرمود:به مردم بگو به این جایگاه رغبت کنند،و آن را عزیز بدارند،و در اینجا چهار رکعت

نماز بجا آورند،دو رکعت تحیّت مسجد،در هر رکعتی یک مرتبه سورۀ«حمد»و هفت مرتبه«توحید»و تسبیح رکوع و سجود را هفت مرتبه بگویند،و دو رکعت نماز صاحب الزمان علیه السّلام به این صورت که چون سورۀ«حمد»به إِیّٰاکَ نَعْبُدُ وَ إِیّٰاکَ نَسْتَعِینُ برسد آن را صد مرتبه بگوید،و بعد سورۀ«حمد»را به پایان برساند،و در رکعت دوم نیز به همین طریق عمل کند و تسبیح رکوع و سجود را هفت مرتبه بگوید،و چون نماز به پایان رسید«لا اله الاّ اللّه»بگوید،و تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام بجا آورد،و پس از تسبیح فاطمه علیها السّلام سر به سجده گذارد و صد مرتبه بر محمّد و آلش صلوات اللّه علیهم صلوات فرستد.و این جمله عینا از ان حضرت روایت شده: کسی که این دو رکعت را بجا آورد،گویا در خانه کعبه نماز خوانده است

[نیز نماز دیگر آن حضرت]

و نیز نماز دیگر آن حضرت:همچنین در کتاب«نجم ثاقب»از کتاب«کنوز النّجاح»شیخ طبرسی نقل کرده که از ناحیه مقدّسۀ حضرت صاحب الزمان علیه السّلام بیرون آمد که:هرکس را به خدای تعالی حاجتی پیش آید باید بعد از نیمۀ شب جمعه غسل کند،و به جایگاه نماز خود برود،و دو رکعت نماز بخواند،در رکعت اول وقتی که به آیۀ «إِیّٰاکَ نَعْبُدُ وَ إِیّٰاکَ نَسْتَعِینُ» رسید صد مرتبه آن را بگوید،سپس سورۀ(حمد)را به پایان ببرد و یک مرتبه«توحید»بخواند،و رکوع و دو سجده را بجا آورد، «و سبحان ربّی العظیم و بحمده»را در رکوع هفت مرتبه«و سبحان ربّی الاعلی و بحمده»را در هر سجده هفت مرتبه بخواند و رکعت دوم را نیز به همین کیفیت بجا آورد،و پس از تمام شدن نماز این دعا را بخواند،به درستی که حق تعالی حاجت او را برآورده می سازد هر حاجتی که باشد بجز آنکه حاجت او در قطع کردن پیوند خویشان باشد.و دعا این است:

خدایا اگر اطاعتت کردم،پس ستایش تو راست،و اگر نافرمانی ات نمودم پس حجّت تو راست،نسیم رحمت و گشایش از جانب توست،منزّه است کسی که نعمت داد،منزّه است کسی که تقدیر کرد و آمرزید،خدایا چنانچه نافرمانی ات کرده باشم،پس به یقین در محبوبترین چیزها به نزد تو اطاعتت نمودم،و آن ایمان به توست،برایت فرزندی نگرفتم،

شریکی نخواندم،این ایمان منّتی است از جانب تو بر من،نه از سوی من بر تو،نافرمانی کردم تو را ای معبود من نه از روی دشمنی،و نه از روی بیرون رفتن از بندگی ات،و نه از روی انکار ربوبیّتت، بلکه هوای نفسم را پیروی کردم،و شیطان مرا لغزاند،تو را بر من حجّت و بیان است،پس اگر عذابم کنی به خاطر گناهان من است،و تو ستمکار بر من نیستی،و اگر مرا بیامرزی،و به من رحم کنی به یقین تو بخشنده و بزرگواری.پس از این دعا تا نفس او وفا کند یا کریم،یا کریم را تکرار کند،و بعد از آن بگوید:ای ایمن از هر چیز،و هر چیز از تو هراسان و در حذر،از تو می خواهم به ایمنی ات از هر چیز،و هراس هر چیز از تو،اینکه بر محمد و خاندان محمّد درود فرستی،و به من امان دهی،برای خود و خاندان و فرزندانم،و سایر چیزهایی که به من عنایت کردی،تا هرگز از چیزی نهراسم و حذر نکنم،به درستی که تو بر هر چیز توانایی،و خدا ما را بس است،و چه خوب کارگشایی است،ای کفایت کنندۀ ابراهیم از نمرود،و ای کفایت کنندۀ موسی از فرعون،از تو می خواهم بر محمد و خاندان محمّد درود فرستی،و از من کفایت کنی شرّ فلان پسر فلان را.و به جای (فلان بن فلان)نام شخصی را که از شرّ او می ترسد،و نام پدرش را بگوید،و از خدا بخواهد که زیان او را دفع و وی را از او کفایت کند،به درستی که حق تعالی گزند او را کفایت خواهد کرد انشاء اللّه تعالی،و پس از آن به سجده رود،و حاجت خود را بخواهد،و به سوی حق تعالی زاری کند،به درستی که مرد مؤمن و زن مؤمنه ای نیست،که این نماز را بجا آورد،و این دعا را از روی اخلاص بخواند، مگر اینکه درهای آسمان برای او در برآمدن حاجاتش گشوده می شود،و در همان هنگام و همان شب دعای او نسبت به

هرگونه حاجتی که باشد مستجاب می شود،و این به سبب فضل و انعام حق تعالی بر ما و بر مردم است.مؤلّف گوید:فرزند بزرگوار شیخ طبرسی،رضی الدین حسن بن فضل هم این نماز را در«مکارم الاخلاق»نقل کرده و در ابتدای دعا به جای«اللّهمّ ان کنت عصیتک»«ان کنت قد عصیتک»را ذکر کرده است و پس از حتّی لا اخاف کلمهٔ«احدا»را اضافه نموده است.و پس از کلمهٔ«فرعون اسالک»را

[نماز خوف از ظالم]

نماز خوف از ظالم:به نقل از«مکارم»غسل می کنی،و دو رکعت نماز به جا می آوری،و زانوهای خود را نزد جانمازت برهنه می کنی و صد مرتبه می گویی:

ای زنده،ای پاینده،ای زنده،معبودی جز تو نیست،به رحمتت فریادرسی می طلبم،پس درود فرست بر محمّد و خاندان محمّد و به فریادرس،هم اینک، هم اینک چون از این دعا فارغ شدی بگو:از تو می خواهم خدایا که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و بر من لطف نما،و به سود من غالب گردان،و به نفع من مکر و خدعه و کید نما، و زحمت فلان پسر فلان را از من کفایت فرما.و این دعای رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله در روز احد است.

[نماز برای تیزی ذهن و قوّت حافظه]

نماز برای تیزی ذهن و قوّت حافظه:در مکارم الأخلاق از معصومان علیهم السّلام روایت شده:در ظرف پاکیزه ای سوره حمد و ایه الکرسی و انّا انزلناه و یس و واقعه و حشر و تبارک و توحید و دو قل اعوذ را با زعفران می نویسی، و آنها را با آب زمزم یا باران یا با آب پاکی می شویی،و در آن دو مثقال کندر و ده مثقال شکر و ده مثقال عسل می ریزی سپس آن را به هنگام شب زیر آسمان قرار ده،و بر روی آن آهنی بگذار،وقتی آخر شب شد،دو رکعت نماز بخوان، در هر رکعت سورهٔ حمد و پنجاه مرتبه«قل هو اللّه»را بخوان،و پس از نماز آن آب را بیاشام که برای حافظه نیکو آزموده شده است انشاء اللّه و در اواخر باب ششم مطالبی خواهد آمد که سبب کثرت حافظه است.

[نماز برای آمرزش گناهان]

نماز براي آمرزش گناهان:دو رکعت بجا آورد و در هر رکعت شصت مرتبه قل هو اللّه احد بخواند چون از نماز فارغ شود،گناهانش آمرزیده شود.

ص:991

[نمازی دیگر برای دیدن جایگاه خود در بهشت]

نمازی دیگر:شیخ طوسی رحمه اللّه در کتاب«مصباح»در اعمال روز جمعه گفته:از عبد اللّه بن مسعود روایت شده:رسول خدا صلّی اللّه و علیه و آله فرمود:هرکه در روز جمعه پس از نماز عصر دو رکعت نماز بخواند،در رکعت اول سورهٔ فاتحه و ایه الکرسی و سوره فلق را بیست و پنج مرتبه،و در رکعت دوم سورهٔ فاتحه و سورهٔ توحید و ناس را بیست و پنج مرتبه بخواند،و پس از نماز بیست و پنج مرتبه بگوید:لا حول و لا قوه الاّ باللّه العلّی العظیم از دنیا بیرون نرود،تا حق تعالی بهشت را در خواب به او بنمایاند و مکانش را در آنجا ببیند.

[نمازی برای آمرزش گناهان]

مؤلّف گوید:سیّد ابن طاووس در فصل سی و سوم کتاب جمال الأسبوع نمازی برای آمرزش گناهان نقل کرده و فرموده:این نمازی است پر ارج و ارزشمند،که آن را حاملان اسرار الهی می شناسند،مبادا در حق آن سستی کنی،هرکه می خواهد به آن کتاب مراجعه نماید.

[نماز وصیّت]

نماز وصیّت:نمازی است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله به آن وصیت فرموده و آن دو رکعت است بین مغرب و عشا،در رکعت اول سورهٔ حمد و سیزده مرتبه سورهٔ اذا زلزلت و در رکعت دوم سورهٔ حمد و پانزده مرتبه سورهٔ توحید خوانده شود اگر هر شب بجا آورد،ثوابش را کسی جز خدا نمی تواند بشمارد.

[نماز عفو]

نماز عفو:دو رکعت است که در هر رکعت سورهٔ حمد و یک مرتبه انّا انزلناه خوانده می شود و بعد از قرائت حمد و سوره پانزده مرتبه ربّ عفوک عفوک و در رکوع ده مرتبه گفته می شود و آن را مانند نماز جعفر تمام می کند.مؤلّف گوید:نماز استغفار همانند نماز عفو است، جز آنکه به جای ربّ عفوک باید استغفر اللّه گفته شود،و این نماز برای فراوانی روزی سودمند است،انشاء اللّه تعالی.

نمازهای روزهای هفته

[نماز روز شنبه]

نماز روز شنبه:سیّد ابن طاووس از حضرت عسگری علیه السّلام روایت کرده:آن حضرت فرمود:در کتابهای پدرانم خواندم که هرکه در روز شنبه چهار رکعت نماز بجا اورد و در هر رکعتی سوره های حمد و قل هو اللّه و ایه الکرسی را بخواند،خدا او را در درجه پیامبران و شهدا و صالحان بنویسد که نیکو رفیقانی هستند.

[نماز روز یکشنبه]

نماز روز یکشنبه:و نیز از آن حضرت روایت شده:هر که روز یکشنبه چهار رکعت نماز بجای آورد و در هر رکعت سورۀ حمد و تبارک بخواند،حق تعالی او را در بهشت جا دهد،هر جای آنکه بخواهد.

[نماز روز دوشنبه]

نماز روز دوشنبه:

و نیز فرمود:هرکه روز دوشنبه ده رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت سورۀ حمد و ده مرتبه سورۀ توحید را بخواند،حق تعالی در قیامت

برای او نوری قرار دهد،که موقف را روشنایی بخشد تا در آن روز همهٔ بندگان خدا بر او غبطه برند.

[نماز روز سه شنبه]

نماز روز سه شنبه:و نیز از آن حضرت روایت شده:هرکه روز سه شنبه شش رکعت نماز بخواند و در هر رکعت پس از سورهٔ حمد آیهٔ آمَنَ الرَّسُولُ را تا آخر،و یک مرتبه سورهٔ اذا زلزلت را بخواند خدا گناهان او را بیامرزد،و همچون روزی که از مادر به دنیا آمده از گناهان بیرون می رود.

[نماز روز چهارشنبه]

نماز روز چهارشنبه:و از آن حضرت روایت شده:هرکه روز چهارشنبه چهار رکعت نماز بجای آورد،و در هر رکعت پس از سورهٔ حمد یک مرتبه قل هو اللّه احد و انّا انزلناه بخواند،خدا توبه او را از هر گناهی که باشد می پذیرد و حوریّه ای در بهشت به همسری او در می آورد.

[نماز روز پنجشنبه]

نماز روز پنجشنبه:و نیز آن حضرت فرمود:هرکه در روز پنجشنبه،ده رکعت نماز بجای آورد،و در هر رکعتی سورهٔ حمد و قل هو اللّه احد را ده مرتبه بخواند،فرشتگان به او می گویند:هر حاجتی داری بخواه،که برآورده خواهد شد.

[نماز روز جمعه]

نماز روز جمعه:و نیز آن جناب فرمود:هرکه در روز جمعه چهار رکعت نماز اقامه کند،و در هر رکعتی سوره های حمد و تبارک و حم سجده را بخواند،حق تعالی او را وارد بهشت کند،و شفاعتش را در حق اهل بیتش بپذیرد و نیز او را از فشار قبر و هراسهای قیامت حفظ نماید.راوی از آن حضرت پرسید در چه وقتی از روز باید این نمازها را بجای آورد؟فرمود:

بین طلوع آفتاب تا ابتدای ظهر.

باب سوّم در بیان ادعیه و عوذات آلام و اسقام و علل اعضا و تب و غیره

[دعاهای عافیت]

[عملی برای شفای بیماری منقول از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله]

سیّد ابن طاووس،در کتاب مهج الدّعوات،از سعید بن ابی الفتح قمی،ساکن در شهر واسط،نقل کرده:مرا بیماری عظیمی بود،که طبیبان از علاجش عاجز بودند،پدرم مرا به دار الشفاء برد،و طبیبان و ساعور را که پیشرو مسیحیان در طب بود،برای معالجۀ من گرد آورد،آنان اندیشه کردند،و گفتند:این بیماری را کسی غیر خدا نمی تواند علاج کند،از این سخن شکسته دل،و غمناک شدم،کتابی از کتابهای پدرم را برداشتم،که چیزی از آن را مطالعه کنم،در پشت آن کتاب این نوشته را دیدم:از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:پیامبر صلّی اللّه علیه و آله فرمود:هرکه دچار مرضی باشد،پس از نماز صبح چهل بار بگوید:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،ستایش خدای را پروردگار جهانیان،خدا ما را بس است،و چه نیکو وکیلی است، پاک و منزّه است خدا،بهترین آفریدگان،و جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ.و به موضع بیماری بمالد

ص:993

از آن صحّت می یابد،و حضرت عزّت او را شفا بخشد،من صبر کردم،چون صبح شد،فریضه را بجا آوردم،و چهل بار این دعا را خواندم،و با دست خود بر آن موضع مالیدم،در نتیجه خدای تعالی آن بیماری را از من برطرف کرد،ولی می ترسیدم مبادا بیماری بازگردد،تا سه روز به انتظار بودم بازنگشت،پس از آن پدرم را از این واقعه باخبر ساختم شکر خدا کرد،و برای یکی از اطبّا که اهل کتاب بود نقل کرد،آن طبیب نزد من آمد،و دید بیماری برطرف شده،در همان حال مسلمان شد،و کلمه شهادت اشهد ان لا اله الاّ اللّه و اشهد انّ محمّد رسول اللّه گفت،و اسلامش نیکو گردید.

[عملی دیگر برای رفع بیماری]

شیخ کفعمی در کتاب«مصباح»فرموده:هرگاه در تو مرضی باشد،به موضع سجدۀ خود دست بکش،و آن را پس از نماز واجب هفت مرتبه بر آن موضع بمال و بگو: ای که زمین را بر آب فشرد،و هوا را به آسمان بست،و بهترین نامها را برای خویش برگزید،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و با من چنین وچنان کن و روزی ام ده،و سالمم بدار از چنین وچنان.

[دعای عافیت]

دعای عافیت:کفعمی از کتاب متهجّد نقل کرده:هرکس از دردی که با اوست،طلب عافیت کند،در سجدّ دوم از دو رکعت اوّل نماز شب بگوید:ای والا،ای بزرگ،ای بخشندۀ ای مهربان،ای شنوای دعاها،ای عطا بخش خیرات،درود فرست بر محمّد و خاندانش،و از خیر دنیا و آخرت چنان که سزاوار آنی به من عنایت کن،و از شرّ دنیا و آخرت،چنان که سزاوار آنی از من بگردان،و این درد را از من ببر[درد را نام ببر]که این درد خشمم را بر افروخته،و اندوهگینم ساخته و در دعا اصرار ورزد،که عافیت شتابان به او می رسد،انشاء اللّه تعالی.

[دعایی منقول از امام صادق علیه السلام برای رفع بیماری]

در کتاب عدّه الداعی از امام صادق علیه السّلام نقل کرده:نزد بیماری خود درحالی که زیر آسمان قرار بگیری دستها را بلند کن و بگو: خدایا اقوامی

را در قرآنت سرزنش کردی

ص:994

و فرمودی:بگو معبودهای باطل خود را جز او بخوانید،که هرگز برطرف کردن زیان را از شما،و گرداندنش را نمی توانند،ای که برطرف کردن زیان،و گرداندن آن را از من،کسی جز او نمی تواند،بر محمّد و خاندانش درود فرست،و زیانم را برطرف کن،و به سوی آنکه معبود دیگری جز تو را با تو می خواند بگردان،که گواهی می دهم معبودی جز تو نیست.

[ایضا به جهت عافیت از بیماری]

روایت شده:هر مؤمنی هر بیماری و دردی بیابد،با دست به موضع درد بمالد و با خلوص نیّت بگوید:

و نازل می کنیم از قرآن،چیزی که من برای اهل ایمان شفا و رحمت است،و ستمگران را جز خسارت نیفزاید.

هر دردی که باشد،از آن عافیت یابد،و مصداق این واقعیت در خود آیه است که فرموده: شِفاٰءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِینَ

[همچنین برای رفع بیماری]

همچنین برای رفع بیماری:یک پیمانه گندم بخرد،و به پشت بخوابد،و گندمها را روی سینۀ خود بریزید و بگوید:خدایا از تو می خواهم به نامت،نامی که وقتی درمانده ای تو را به آن بخواند،زیانش را برطرف کنی،و بر زمین تمکنّش بخشی،و او را بر بندگانت خلیفه نمایی،اینکه بر محمّد و اهل بیتش درود فرستی،و مرا از دردم تندرستی دهی.آنگاه برخیزد،و بنشیند، و گندمها را از اطراف خود جمع کند،و دوباره این دعا را بخواند،سپس آن را به چهار قسمت تقسیم کند،و هر چارک آن را که یک«مد»[تقریبا 10 سیر]است به مسکینی دهد،و این دعا را بخواند،که ان شاء اللّه تعالی از بیماری بهبودی یابد.

[دعایی از امیر مؤمنان علیه السّلام برای رفع درد]

از امیر مؤمنان علیه السّلام نقل شده:بر موضع درد دست بگذار و سه مرتبه بگو:

خدا،خدا،خدا به حقیقت پروردگار من است،چیزی را با او شریک نسازم،خدایا تویی برطرف کنندۀ این درد،و هر درد بزرگ پس آن را از من بگشا.

[ایضا برای رفع درد منقول از امام صادق علیه السلام]

از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده:بر موضع درد دست بگذار و بگو:بسم اللّه بعد بر آن دست بکش،و

ص:995

هفت مرتبه بگو: پناه می برم به عزّت خدا،و پناه می برم به قدرت خدا،و پناه می برم به شکوه خدا،و پناه می برم به عظمت خدا،و پناه می برم به جمع خدا،و پناه می برم به رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش) و پناه می برم به نامهای خدا،از شرّ آنچه حذر می کنم،و از شرّ آنچه بر خود می ترسم.

[به جهت بیماری طفل]

روایت شده:هرگاه طفل بیمار شد،مادرش بالای بام برود،و مقنعه از سر برگیرد،به گونه ای که مویش آشکار گردد، آنگاه به سجده رود و بگوید:خدایا،پروردگارا تو او را به من عطا کردی،و بخشیدی،خدایا بخششت را امروز تازه کن،به درستی که تو توانا و نیرومندی.سر بر ندارد تا فرزند او خوب شود.

[برای درد شدید]

شیخ شهید نقل کرده:هر که درد شدیدی دارد،بر قدح آبی،چهل مرتبه سورۀ حمد بخواند،و آن را بر خود بریزد،و زنبیلی که در آن گندم باشد نزد خود بگذارد،سپس از آن گندم با دست خود به سائل دهد،و از او بخواهد وی را دعا کند تا شفا یابد ان شاء اللّه تعالی.به سندهای معتبر وارد شده:بیماران خود را با دادن صدقه مداوا کنید.شیخ شهید برای رفع بیماری نقل کرده:بر بازوی راست بیمار دست بگذارد،و هفت مرتبه سورۀ حمد بخواند،و این دعا را قرائت کند:

خدایا بیماریها و درد را از او برطرف کن،و به سلامت و شفا بازگردانش،و به نگهداری نیکو یاری اش ده، و به خوبی عافیت بازش گردان،و آنچه را در این بیماری به او رسیده،مایه ای برای زندگی اش،و کفّارۀ گناهانش قرار ده،خدایا،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.اگر در عافیت او اثر نکرد،سورۀ حمد را هفتاد مرتبه تکرار کند،ان شاء اللّه تعالی اثر خواهد کرد.

[سه نسخه از امام باقر و امام صادق و امام رضا علیهم السلام]

از حضرت باقر علیه السّلام روایت شده:هرکس را سوره های حمد و قل هو اللّه احد خوب نکند،چیز دیگری

ص:996

او را خوب نخواهد کرد،و هر بیماری را این دو سوره شفا می دهد،از امام صادق علیه السّلام نقل شده:هر مؤمنی که بیماری یا مرضی داشته باشد،از روی اخلاص بگوید:

و نازل کردیم از قرآن،چیزی که شفا و رحمت برای اهل ایمان است و موضع علّت را مسح کند،حق تعالی او را شفا دهد.از حضرت رضا علیه السّلام روایت شده:برای رفع تمامی امراض بر آنها بخوان:

ای فرو فرستندۀ شفا،و از میان برندۀ درد،بر محمّد و خاندانش درود فرست،و بر دردم شفا نازل فرما.

[دعایی از امیر المومنین علیه السلام]

سیّد ابن طاووس در کتاب«مهج»،از ابن عباس روایت کرده:نزد امیر مؤمنان نشسته بودم،شخصی رنگ پریده آمد، و گفت:ای امیر مؤمنان،من همیشه بیمارم،و دردهای بسیاری دارم،به من دعایی بیاموز،که با آن بر بیماریهایم یاری جویم، فرمود:به تو دعایی می آموزم،که جبرئیل وقتی حسن و حسین بیمار بودند به پیامبر صلّی اللّه علیه و آله آموخت،و آن دعا این است:

ای معبود من،هر زمان به من نعمت دادی سپاسگذاری ام برای تو در کنار آن نعمت اندک بود،و هر زمان مبتلای به بلایم نمودی،صبرم برای تو نزد آن اندک بود،ای که شکرم کنار نعمتهایش کم بود،ولی از نعمت محرومم نکرد،و ای که صبرم نزد بلایش اندک بود، ولی مرا وا نگذاشت،و ای که مرا بر گناهان دید،ولی رسوایم نساخت و ای که مرا بر خطاها دید، ولی بر آنها عذابم نکرد،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و گناهم را بیامرز،و از بیماری ام شفا ده، به درستی که تو بر هر چیز توانایی.ابن عبّاس گفت:پس از یک سال آن مرد را دیدم،درحالی که رنگش نیکو و سرخ شده بود؟ و گفت:این دعا را بر هیچ دردی نخواندم مگر آنکه شفا یافتم،و بر سلطانی که از او می ترسیدم وارد نشدم،مگر آنکه خدای عزّ و جلّ شرش را از من بازگرداند.

[دعای کلاه نجاشی که بر هر دردی می نهاد تسکین می یافت]

نقل شده:به نجاشی از پدرانش کلاهی چهارصدساله به ارث رسیده بود،که به روی هر دردی نهاده می شد تسکین می یافت،کلاه را شکافتند،که ملاحظه کنند چه چیزی در آن است:این دعا را دیدند:

ص:997

به نام خدا فرمانروای حقّ آشکار،خدا گواهی داد،که معبودی جز او نیست،و فرشتگان و صاحبان دانش نیز گواهی دادند،درحالی که قائم به عدالت است،معبودی جز او که عزیز و حکیم است نیست.همانا دین نزد خدا اسلام است،نور و حکمت، جنبش و نیرو،و قدرت و سلطنت و برهان از آن خدا است،معبودی جز خدا نیست،آدم برگزیدۀ خدا است، ابراهیم دوست خداست،معبودی جز خدا نیست،موسی همسخن خدا است،معبودی جز خدا نیست،محمّد عربی رسول خدا،و حبیب و برگزیدۀ از میان خلق اوست،آرام گیرید ای همۀ دردها،و بیماریها و امراض و همۀ علّتها و همۀ تبها،آرامت نمودم به کسی که آنچه در شب و روز است برایش آرام شد،و او شنوا و داناست،و درود خدا بر بهترین بندگان او محمّد و همۀ خاندانش.

[حرزی که پیامبر صلی الله علیه و آله برای نجاشی فرستاد]

در کتاب مکارم الأخلاق آمده:نجاشی پادشاه،دچار درد سر بود،بیماری خود را برای پیامبر صلّی اللّه علیه و آله نوشت حضرت این حرز را برای او فرستاد،او در کلاهش گذاشت،دردش آرام گرفت و آن حرز این است:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،معبودی جز خدا نیست،فرمانروای حق آشکار،گواهی داد خدا...برای خدا نور و حکمت و عزّت قوّت و برهان و قدرت و سلطنت و رحمت است،ای که نمی خوابد،معبودی جز خدا نیست ابراهیم دوست خداست،معبودی جز خدا نیست،موسی همسخن خداست،معبودی جز خدا نیست،عیسی روح خدا و کلمۀ اوست،معبودی جز خدا نیست،محمّد رسول خدا و برگزیده و صفوت اوست،درود و سلام خدا بر او و خاندانش

ص:998

باد،آرام شو،آرامت کردم به کسی که آنچه در آسمانها و زمین است برای او آرام می شود،و به کسی که آنچه در شب و روز است برای او آرام شد،و او شنوا و داناست،پس مسخرّ کردیم برای او باد را که به امر او با نرمی روان است هرجا برسد،و مسخر کردیم شیاطین را از هر بنّا و غوّاصی.آگاه باش،همهٔ امور به خدا باز می گردند.

[عوذات مأثوره]

[تعویذ برای درد سر و درد گوش]

اشاره

تعویذ برای درد سر و درد گوش:از حضرت امام باقر علیه السّلام روایت شده است که برای آرام شدن درد سر، سر را مسح کند،و هفت مرتبه بگوید:

پناه می برم به خدایی که،آنچه در بیابان و دریا و آسمانها و زمین است برای او آرام گرفت،و او شنوا و داناست.و نیز این دعا برای آرام شدن درد گوش،با هفت مرتبه خواندن از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده،و همچنین از آن حضرت رسیده:مقداری پنیر بسیار کهنه را بگیر و نرم بکوب و با شیر مخلوط کن،و روی آتش حرارت بده،و چند قطره در گوشی که درد می کند بریز.

[نیز برای سردرد]

نیز برای سردرد:بر قدح آبی بخواند:

آیا آنان که کافر شدند ندیدند،که آسمانها و زمین به هم پیوسته بودند،پس آنها را از هم گشودیم،و از هر چیز زنده را از آب قرار دادیم آیا ایمان نمی آورند؟!سپس آن را بیاشامد.روایت شده:هرگاه کسالت،یا درد سر عارض رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله می شد،دستها را می گشودند،و فاتحه و معوّذتین[دو سورهٔ قل اعوذ بربّ الفلق و قل اعوذ برب النّاس]می خواندند،و به صورت خویش می کشیدند، پس درد از آن حضرت برطرف می شد.و نیز برای رفع سردرد بر سر دست بکشد و بگوید:

خدایا آسمانها و زمین را از این که تباه شوند نگاه می دارد،و اگر تباه شوند،احدی بعد از خدا نگهدار آنها نیست، به راستی خدا بردبار،و آمرزشگر است.از«ربیع الابرار»نقل شده:مأمون را در منطقه طرطوس دردسری عارض شد،که راه علاج برای آن نیافتند،قیصر روم کلاهی برایش فرستاد و به همراه آن نوشت:خبر سردرد تو را شنیدم،این کلاه را فرستادم،

ص:999

بر سر گذاری تا دردت آرام گیرد،مأمون ترسید،زهری در آن تعبیه کرده باشد،دستور داد بر سر آورنده اش نهادند،دید ضرری متوجه او نشد،امر کرد بر سر کسی که دچار دردسر بود گذاشتند،دردش آرام گرفت،آنگاه بر سر خود گذاشت، و از درد رهایی یافت،شگفت زده شد،کلاه را شکافت،دید در آن نوشته شده:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،چه بسیار نعمتی برای خدا است که در رگی ساکن است حم عسق،دردسر نکشند از آن،و بیهوش نکردند از کلام خدا،خاموش شد آتش،و جنبش و نیرویی نیست جز به خدا،روان شد سود دارد و در تو،چنان که روان می شود باران بهاری در شاخهٔ درخت.

[تعویذ برای درد شقیقه]

تعویذ برای درد شقیقه:بر محلّ درد دست بگذار و سه مرتبه بگو: ای آشکار موجود،ای نهان گم نشده،به نزد بندهٔ ناتوانت بازگردان نعمتهای زیبایت را،و انچه آزار بر اوست،از او برطرف کن،به درستی که تو مهربان و توانایی.

[برای ناشنوایی گوش]

برای ناشنوایی گوش:از حضرت باقر علیه السّلام روایت شده:دست بر آن بگذارد و بخواند: لَوْ أَنْزَلْنٰا هٰذَا الْقُرْآنَ عَلیٰ جَبَلٍ تا آخر سورهٔ حشر.

[برای درد دهان]

برای درد دهان:از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:دست بر آن بگذار و بگو:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،به نام خدا که با نام او دردی زیان نرساند،پناه می برم به کلمات خدا که با آنها چیزی زیان نرساند،قدّوس،قدّوس،قدّوس،از تو می خواهم ای پروردگار به نام پاک، مقدّس،مبارکت،که هرکه با آن از تو خواست عطایش فرمودی،و

هركه با آن به درگاهت دعا كرد،اجابتش نمودى،اى خدا،اى خدا،اى خدا،اينكه بر محمّد پيامبر و اهل بيتش درود فرستى،و به من عافيت دهى از آنچه مى يابم

در دهان و سر و گوش و چشم و شکم و پشت و دست و پایم و در همه اعضایم.که ان شاء اللّه تعالی شفا می یابی.

[برای درد دندان]

برای درد دندان:از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:پس از گذاشتن دست بر جای درد سوره های حمد و توحید و قدر و این آیهٔ مبارکه را بر آن بخواند:

و می بینی کوهها را درحالی که آنها را بی حرکت می پنداری،و حال آنکه می گذرند همانند گذر ابرها،کار خداست،که هر چیزی را استوار نموده،به درستی که او به آنچه انجام می دهید آگاه است.و نیز از امیر مؤمنان علیه السّلام روایت شده:به موضع سجدهٔ خود دست بکش،سپس دندان درد گرفته را مسح کن و بگو: به نام خدا،و شفادهندهٔ خداست،و جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ.

[دعای تجربه شده ای برای درد دندان]

دعای تجربه شده ای برای درد دندان:سورهای[حمد]و[فلق]و[ناس]و[توحید]را قرائت می کنی،و با هر سوره بسم اللّه الرّحمن الرّحیم را می خوانی،و پس از سورهٔ[توحید]می گویی:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،و برای اوست آنچه در شب و روز ساکن شده،و او شنوا و داناست،گفتیم:

ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت باش،و به سوی او از روی نیرنگ قصد کرده بودند پس آنان را زیانکارترین قرار دادیم، ندا شد خجسته باد کسی که در آتش و کسی که در آتش و کسی که پیرامون آن است،و منزّه است خدا،پروردگار جهانیان.سپس می گویی:

خدایا ای کفایت کننده از هر چیز،و از تو چیزی کفایت نمی کند،بنده ات و فرزند کنیزت را کفایت کن،از شرّ آنچه می هراسد،و پرهیز می کند،و از شرّ دردی که از آن به تو شکایت می کند.

و نیز روایت شده:کاردی یا برگ خرمایی بگیرد و به آن جانب که درد می کند بمالد،و هفت مرتبه بگوید:

ص:1001

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،به نام خدا،و به خدا،محمّد فرستادۀ خدا،و ابراهیم دوست خداست آرام شو،و به حق آنکه آنچه در شب و روز است برای او آرام می گیرد به اجازه اش،و او بر هر چیزی تواناست.

و نیز وارد شده:چوبی یا آهنی بر دندانی که درد دارد بذارد و از جانب آن هفت مرتبه افسونش کند:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،شگفتا،کرمی[منظور میکرب خاص دندان است که در بین مردم به کرم دندان مشهور شده،و دندان پوسیده و سیاه شده را می گویند کرم خورده]در دهان می باشد،استخوان آن را می خورد،و خون فرو می ریزد،من افسون کننده ام،خدا شفادهنده و کفایت کننده است، معبودی جز خدا نیست،و ستایش خدا را پروردگار جهانیان.تا لعلّکم تعقلون بخواند.همان طور که ابتدای دعا گفته شد این دعا را هفت مرتبه بخواند.

[برای درد سینه]

برای درد سینه:آیهٔ وَ إِذْ قَتَلْتُمْ نَفْساً تا لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ وارد شده،و نیز روایت شده:به قرآن طلب شفا کن،زیرا حق تعالی فرموده است: شِفٰاءٌ لِمٰا فِی الصُّدُورِ

[برای سرفه]

برای سرفه:دعای جامعه ای وارد شده:اللّهمّ انت رجائی و انت ثقتی و عمادی که دعایی طولانی است،هرکه خواهد به مأخذ آن یعنی کتاب دعای بحار الأنوار مراجعه کند.

[برای درد شکم]

اشاره

برای درد شکم:از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله روایت شده:شربت عسل به آب گرم بیاشامد،و آن را هفت مرتبه به سورۀ فاتحه الکتاب تعویذ نماید،و نیز از امیر مؤمنان علیه السّلام روایت شده:آب گرم بیاشامد و بگوید:

ای خدا،ای خدا،ای خدا،ای بخشنده،ای مهربان،ای پروردگار پروردگان،ای پرستیدۀ پرستیدگان،ای پادشاه پادشاهان، ای سرور سروران،مرا از هر درد و بیماری،به شفایت شفا ده،من بنده توام،و فرزند دو بندۀ توام، در دست قدرت تو زیر و رو می شوم.

[نیز برای درد شکم و غیر آن]

و نیز برای درد شکم و غیر آن دست بر آن بگذارد و هفت مرتبه بگوید:

ص:1002

به عزّت و جلال خداوند پناه می برم از شرّ آنچه می یابم و دست راست را بر موضع درد بگذارد و سه مرتبه بگوید:بسم اللّه

[برای قولنج]

برای قولنج:بر لوحی یا کتفی(صفحهٔ فلزی)سوره های«حمد»و«توحید»،و دو«قل اعوذ»را بنگارد، و زیر آنها بنویسد:پناه می برم به جلوه خدای بزرگ،و به عزّتش که به بدی قصد نشود،و به قدرتش،که چیزی از آن سر باز نزند،از شرّ این درد،و از شرّ آنچه در آن است،و از شرّ آنچه از آن می یابم سپس آن را به آب باران بشوید،و در وقتی که ناشتاست،و نیز به هنگام خواب بیاشامد،ان شاء اللّه مبارک و سودمند است.

[برای درد شکم و قولنج]

برای درد شکم و قولنج:روایت شده:شخصی از درد شکم برادرش،خدمت رسول خدا صلی اللّه علیه و آله شکایت کرد،حضرت فرمود:

به برادرت بگو شربتی از عسل با آب گرم بیاشامد،فردای آن روز خدمت حضرت آمد و گفت:آن شربت را به او نوشاندم فایده ای نبرد،فرمود:[خدا راست گفت،و شکم برادرت دروغ گفت].برو و به او شربت عسل بده،و آن را هفت مرتبه سورهٔ حمد تعویذ کن،وقتی آن مرد رفت،حضرت به امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود:«به درستی که برادر این مرد منافق است،به همین دلیل آن شربت به او سود نمی دهد»[البته روشن است که بیان پیامبر صلی اللّه علیه و آله در مورد نفاق مرد یاد شده به علم آن حضرت مربوط می شود،و نمی توان همیشه به استناد عدم تأثیر این تعویذ حکم به نفاق کسی کرد.]

[برای ثالول]

برای ثالول:و آن میخچه ای است که اغلب در دست پیدا می شود،برای این بیماری وارد شده:برای هر میخچه هفت دانهٔ جو بگیر،و بر هر دانهٔ جو بخوان:از اول سورهٔ واقعه تا هباء منبثّا را و نیز هفت مرتبه:

از تو دربارۀ کوهها می پرسند،بگو آنها را پروردگارم درهم می کوبد،درهم کوبیدنی کامل،و آنها را بیابانی گسترده و هموار گرداند، در آن کجی و انحراف نبینی آنگاه یک یک دانه های جو را به میخچه بمال،و آنها را در کهنه ای ببند،و با سنگی قرار ده،و در چاى بینداز،بعضی گفته اند:شایسته است این عمل در آخر ماه،هنگامی که ماه پنهان است انجام بگیرد.و همچنین نقل شده:

دارندهٔ میخچه قطعه نمکی را به میخچه بمالد،و بر آن سه مرتبه لو انزلنا هذا القران را تا آخر سورهٔ حشر بخواند،و آن را در تنوری بیندازد،و به شتاب بگذرد که ان شاء اللّه تعالی برطرف خواهد شد،و در کتاب«خزائن»آمده:مالیدن نوره میخچه را برطرف خواهد کرد.

[برای ورم های بدن]

برای ورم های بدن:روایت شده:چون برای نماز واجب وضو بگیری،پیش از نماز و بعد از آن بر ورم بخوان:لو انزلنا هذا القران علی جبل تا آخر سورهٔ حشر،و در هنگام خواندن آن تدبّر کن،که ان شاء اللّه تعالی ورم آرام خواهد شد.

[برای رفع دشواری زایمان زنان]

برای رفع دشواری زایمان زنان:بر پوستی بنویسد:به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،ایشان روزی که آنچه به آنان وعده داده شده بود ببینند،گویا به سر نبرده اند مگر ساعتی از روز،گویا ایشان روزی که قیامت را ببینند،به سر نبرده اند مگر شبی یا روزی،آنگاه که همسر عمران گفت:پروردگارا برایت آنچه در درون دارم آزاد نذر کرده ام،از من بپذیر، به درستی که تو شنوا و دانایی.سپس آن را بر ران راست او ببندد،و وقتی فرزندش به دنیا آمد باز کند.و نیز روایت شده:بر آن بخواند:درد زایمان او را تا کنار تنهٔ درخت خرما آورد خرمای تازه را،پس به این آیه صدا را بلند کند خدا شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد در حالی که چیزی نمی دانستید،و برای شما گوش و چشمها و دلها قرار داد،برای آنکه شکر کنید و این چنین به اذن خدا بیرون آی ای گشاده رو و نیز از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:برای آسان شدن ولادت بر پوستی یا کاغذی بنویسد:

خدایا ای گشایندهٔ اندوه،و برطرف کنندهٔ غم،و بخشندهٔ دنیا و آخرت،و مهربان هر دو جهان،رحم کن،به فلان دختر فلان،رحمتی که او را از رحمت همهٔ بندگانت بی نیاز کنی،محنتش را به آن بگشایی،و غمش را

برطرف نمایی،و زایمانش را آسان فرمایی،و میان ایشان به حق حکم شد،و به ایشان ستم نشد،و گفته شد:ستایش خدای را پروردگار جهانیان.

[برای گشایش کار بسته]

برای گشایش کار بسته:ابتدای سورۀ انّا فتحنا ت مستقیما و نیز سورۀ اذا جاء نصر اللّه و نیز این آیات را بنویسند:از نشانه های خدا این است،که برای شما از خودتان همسرانی قرار داد،تا با آنها آرامش یابید، و در بین شما دوستی و رحمت،نهاد در این کار،نشانه هایی است برای کسانی که اندیشه می کنند.سپس بر اینان وارد شوید از دروازۀ شهر،همین که واردش شدید قطعا شما پیروزید،درهای آسمان را به آب فرو ریزنده گشودیم،و در زمین چشمه ها شکافتیم،پس به هم پیوست آب بر امری که مقدّر شده بود،پروردگارا سینه ام را باز کن،و کارم را آسان نما،و گره از زبانم بگشا،تا گفتارم را بفهمند،و واگذرویم بعضی از ایشان را در آن روز درحالی که موج زنند در بیان بعضی دیگر،و دمیده شد در صور،پس جمعشان کردیم جمع کردنی درخور،این چنین گشودم فلان پسر فلان را،از دختر فلان،هرآینه برای شما پیامبری از جنس خودتان آمد بر او گران است،آنچه شما را به مشقّت اندازد،بشدت به هدایت شما حریص و به مؤمنان مهرورز و مهربان است،اگر رو برگرداندند پس بگو:خدا مرا بس است،معبودی جز او نیست،بر او توکّل کردم،و و پروردگار عرش بزرگ است.سپس این نوشته را همراه او کرده،بر او بیاویزند.همچنین در طلب الأئمّه دعایی از حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام نقل شده:تعلیم اسحاق صحّاف فرمود،چون طولانی بود از ذکرش صرف نظر کردیم.

[دعای درمان تب]

دعای درمان تب: 1- این دعا را که رسول خدا صلی اللّه علیه و آله به امیر مؤمنان علیه السّلام تعلیم فرمود،بخواند:

خدایا بر پوست نازکم،و استخوان باریکم رحم کن،و از فوران آتش به تو پناه می برم.ای تب

ص:1005

اگر ایمان به خدا آورده ای پس گوشت را مخور،و خون را منوش،و از دهان مجوش، و به کسی که گمان می برد با خدا معبود دیگری هست منتقل شو،به درستی که من گواهی می دهم اینکه معبودی جز خدا نیست،یگانه است و شریکی ندارد و گواهی می دهم که محمّد بنده و فرستادهٔ اوست. 2- در صبح و شب،به خواندن دعای نور،که سلمان از حضرت فاطمه علیها السّلام نقل کرده مواظبت کند،این دعا در«مفاتیح»آمده. 3- روایت شده:ائمه علیهم السّلام تب را به آب سرد معالجه می کردند،پیوسته جامه ای را رطوبت می دادند،و بر بدن می گذاشتند. 4- به خطّ مبارک حضرت رضا علیه السّلام دیده شده برای تب به این ترتیب بر سه قطعه کاغذ نوشته شود:قطعه اول:به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،نترس،به رساتی که تویی برتر و بر دوم:به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،نترس،از قوم ستمکار رهایی یافتی.و بر سوم:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،آگاه باشید برای اوست آفرینش و فرمان منزّه است خدا پروردگار جهانیان.

آنگاه بر هر قطع سه مرتبه توحید بخواند،و آن را در سه روز،روزی یکی ببلعد که خوب خواهد شد،ان شاء اللّه تعالی. 5- دگمه های پیراهن خویش را بگشاید و سر را در پیراهن کند،و اذان و اقامه بگوید،و هفت مرتبه سورهٔ حمد بخواند،ان شاء اللّه خوب خواهد شد. 6- از ائمه علیهم السّلام روایت شده:این دعا را بر پوستی و بر تب دار بیاوزیزد:خدایا از تو می خواهم به عزّتت و قدرتت و سلطنتت و آنچه دانشت به آن احاطه کرده،اینکه بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی، و بر فلان پسر فلان،چیزی را از آنچه به بدی چیره نکنی،و بر پوست نازکش،و استخوان باریکش،از فوران آتش رحم کن،بیرون رو ای تب،ای خورندهٔ گوشت و نوشندهٔ خون که

حرارت و سردی ات از دوزخ است،اگر به خدای اعظم ایمان آورده باشی،از فلان پسر فلان گوشت مخور، و خون ممک،و استخوان لاغر مکن،و بر او غمی مشوران،و بر او سردردی به هیجان نیاور،و از مویش و پوستش،و گوشتش و خونش به کسی که گمان کرده با خدا معبود دیگری هست منتقل شو، معبودی جز او نیست،منزّه و برتر است از آنچه شریکش سازند و بعد از عمّا یشرکون اسم یک نفر از اهل کتاب،یا یکی از دشمنان خدا را بنویسد. 7- برای تب بنویسد،و به بازوی راست تب دار ببندد.به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است ستایش خدا را پروردگار جهانیان...تا آخر سوره،به نام خدا و به خدا،پناه می برم به همهٔ کلمات کامل خدا، که از آنها نمی گذرد نیکوکار و بدکار از شرّ آنچه آفرید و پدید آورد،و خلق کرد،و از شرّ خزنده و گزنده و هر بداندیش و چشم زخم،و از شرّ پیش آمدهای شب و روز،و از شرّ بدکاران عرب و عجم، و از شرّ بدکاران جنّ و انس،و از شرّ شیطان و دامش،و از شرّ هر صاحب شتری، و از شرّ هر جنبنده ای،که مهار اختیارش به دست اوست،به درستی که پروردگارم بر راه استوار است،پروردگارا بر تو توکّل نمودیم، و به سوی تو باز آمدیم،و بازگشت به سوی توست،ای آتش بر ابراهیم سرد و سلام باش،او را به نیرنگ قصد کردند، پس ایشان را از زیانکارترین قرار دادیم،بر فلان فرزند فلان سرد و بی گزند شو،پروردگارا اگر فراموش کردیم،یا خطا نمودیم از ما بازخواست مکن...تا آخر سورهٔ بقره خدا مرا بس است،معبودی جز او نیست،پس او را وکیل گیر،و بر زنده ای که نمی میرد توکّل نما،

و تسبیح کن او را با ستایشش،و او به گناهان در آگاه بودن و بینا بودن بس است،معبودی جز خدا نیست یگانه و بی شریک است،وعده اش راست بود،بنده اش را یاری کرد،و به تنهایی گروههای کفر را فراری داد،آنچه خدا خواست شد،نیرویی جز به خدا نیست،خدا نوشت که هرآینه پیروز خواهم شد من و رسولانم،به درستی که خدا نیرومند و عزیز است،همانا حزب خدا پیروزند، آنکه به خدا چنگ زند به راه استوار هدایت شده،و درود خدا بر محمّد و خاندان پاک و پاکیزه اش. 8- بر سه دانه شکر بنویسد،و هر قطعه را تا سه روز صبح ناشتا بخورد،بر دانۀ اول:

بستم به اذن خدا و بر دوم:محکم کردم به اذن خدا و بر سوم آرام کردم به اذان خدا

[دعای زحیر]

دعای زحیر (1):روایت شده:شخصی به موسی بن جعفر علیهما السّلام شکایت کرد و گفت:مرا زحیری است که آرام نمی گیرد، حضرت فرمود:هرگاه از نماز شب فارغ شدی بگو: خدایا آنچه خیر بود از سوی توست،برای من در آن ستایشی نیست،و آنچه بد کردم،تو مرا از آن برحذر داشتی،مرا در آن عذری نیست،خدایا به تو پناه می آورم از این که بر آنچه مرا در آن ستایشی نیست تکیه کنم،یا از آنچه در آن عذری برایم نیست ایمن گردم.

[دعای قرقرۀ شکم]

دعای قرقرۀ شکم (2):و نیز روایت شده:شخصی به آن حضرت شکایت کرد،که شکم من پیوسته صدا می کند،و من حیا می کنم با مردم سخن بگویم،زیرا از شکمم صدا بیرون می آید و مردم صدای شکم مرا می شنوند،برای شفای من دعا کنید،حضرت فرمود:

هرگاه از نماز شب فارغ شدی بگو:اللّهمّ ما عملت من خیر فهو منک لا حمد لی فیه.تا آخر آنچه در سطور قبل گذشت.و نیز از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:برای صداهای شکم سیاه دانه با عسل بخورند.

1- (1)) تنگی نفس یا اسهال خونی
2- (2)) دل پیچه همراه با صدا

[دعای برص]

دعای برص:و آن پیسی اندام است،از یونس روایت شده:ما بین دیدگان من سپیدی عارض شده بود،آن را به حضرت صادق علیه السّلام شکایت کردم،فرمود:وضو بگیر،و دو رکعت نماز بخوان و بگو:

ای خدا،ای بخشنده،ای مهربان،ای شنوای دعاها،ای عطابخش خیرات،خیر دنیا و آخرت را به من عطا کن،و مرا از شرّ دنیا و آخرت نگاه دار،و آنچه از ناراحتی بیابم از من دور کن،همانا این بیماری مرا به خشم آورده و غمگین ساخته است.

یونس گفت:آنچه حضرت فرموده بود انجام دادم،حق تعالی آن پیسی را از من زایل کرد و له الحمد.

در روایات عدّه الدّاعی آمده:حضرت به وی فرمود:چون ثلث آخر شب شود،در اول آن برخیز و وضو بگیر و مشغول نماز شب شو،و در سجدۀ آخر رکعت اول بگو:ای والا،ای بزرگ،ای بخشنده،ای مهربان،ای شنوای دعاها، ای بخشندۀ خیرات،درود فرست بر محمّد و خاندان محمّد،و خیر دنیا و آخرت را به من عطا کن آن چنان که تو شایستۀ آنی،و شرّ دنیا و آخرت را از من بگردان آن چنان که تو اهل آنی،و این درد را از من برطرف کن، که مرا به خشم آورده،و اندوهگین نموده است.و در دعا اصرار و مبالغه کن.یونس گفت:آنچه فرموده بود بجا آوردم،هنوز به کوفه نرسیده بودم که خوب شدم.و نیز برای برطرف شدن برص،نوشتن سورۀ یس با عسل در جامی و شستن و خوردن آن وارد است، چنان که برای معالجۀ بواسیر هم وارد شده است.و نیز تربت حضرت امام حسین علیه السّلام با آب باران برای درمان پیسی وارد شده، و نیز حنا را با نوره مخلوط کردن و روی آن مالیدن روایت شده.

[برای بیماری گری و دمل و قوباء]

برای بیماری گری و دمل و قوباء:(و آن جوششی است در بدن،یا خارش بسیار که آن را«داد»نیز گویند.)روایت شده:بر آن بخوانند و نیز آن را نوشته به او بیاویزند:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،و مثل سخن پلید همانند درخت پلید است،که از روی زمین کنده شده،

ص:1009

برای آن قراری نیست...[ابراهیم،26]شما را از خاک آفریدیم،و به آن بازگردانیم،و بار دیگر از آن بیرون آوردیم،خدا بزرگ تر است،و تو بزرگ نیستی،خدا باقی است،و تو بقا نداری،و خدا بر هر چیز تواناست.

[برای درد عورت[آلت تناسلی]]

برای درد عورت[آلت تناسلی]:روایت شده:یکی از اصحاب ائمه علیهم السّلام در جایی عورت خود را عریان کرده بود که شایسته نبود، علّتش دردی بود که به آن مبتلا شده بود،خدمت امام ششم علیه السّلام شکایت کرد،حضرت این دعا را به او آموخت و فرمود:

دست چپ خود را بر آن بگذار و سه مرتبه بگو:به نام خدا،و به خدا،آری آنان که چهرهٔ خود را برای خدا تسلیم کردند،و نیکوکارند پس برای آنهاست پاداششان نزد پروردگارشان،ترسی بر اینان نیست،و غمگین نمی شوند،خدایا من رویم را به سویت تسلیم کردم،و کارم را به تو واگذاردم،پناه و نجاتی او تو نیست جز به تو که ان شاء اللّه تعالی عافیت خواهی یافت.

[برای درد زانو]

برای درد زانو:از کتاب(طبّ الأئمّه)نقل شده:جابر جعفی از حضرت باقر علیه السّلام روایت کرده:من نزد امام حسین علیه السّلام بودم که مردی از شیعیان آن حضرت که از بنی امیّه بود خدمت آن جناب آمد و عرض کرد:بابن رسول اللّه من به خاطر درد پایی که دارم،نمی توانم خدمت شما برسم،حضرت فرمود:چرا از دعای امام حسن علیه السّلام غافلی؟عرضه داشت آن دعا چیست؟ فرمود: إِنّٰا فَتَحْنٰا لَکَ فَتْحاً مُبِیناً تا وَ کٰانَ اللّٰهُ عَزِیزاً حَکِیماً پس آنچه آن حضرت فرموده بود بجای آورد،پس از آن درد پا را احساس نکرد.و نیز برای درد زانو وارد شده:چون نماز گزاردی بگو:

ای جودمندترین کسی که عطا کردی،ای بهترین کسی که درخواست شد،ای مهربان ترین کسی که از او مهربانی خواسته شد،به ناتوانی ام و کمی چاره ام رحم کن، و از این درد مرا عافیت ده و نیز برای درد ساقها وارد شده است که هفت مرتبه این آیه شریفه را بخوانند:آنچه از کتاب

پروردگارت به تو وحی شده تلاوت کن،سخنان او را جابه جاکننده ای نیست،و هرگز جز او پناهی نیابی.

ص:1010

[برای درد چشم]

برای درد چشم:روایات بسیاری وارد شده است که پس از نماز صبح و نماز مغرب بخواند:

خدایا از تو می خواهم به حق محمّد و خاندان محمّد بر تو،اینکه بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و قرار دهی روشنی در چشمم،و بینایی در دینم،و یقین در قلبم،و اخلاص در عملم،و سلامت در وجودم،و وسعت در روزی ام،و سپاس همیه برای توست،تا زنده ام داری.

بزنطی از یونس بن ظبیان روایت کرده:بر حضرت صادق علیه السّلام وارد شدیم،آن حضرت را دیدیم به چشم درد سختی دچار شده، به اندازه ای که ما به خاطر آن جناب غمناک شدیم،روز دیگر که خدمت حضرت رسیدیم،چشم دردی نداشت،عرضه داشتیم:

فدایت شویم چشمان خود را به چیزی معالجه فرمودید؟فرمود:آری به چیزی که از جمله معالجات بود،گفتیم:چه بود؟فرمود:به دعایی پر ما آن دعا را نوشتیم،و آن دعا این است:پناه می برم به عزّت خدا،و پناه می برم به قوّت خدا،و پناه می برم،به قدرت خدا،و پناه می برم به نور خدا،و پناه می برم به عظمت خدا،و پناه می برم به جلال خدا،و پناه می برم به جمال خدا،و پناه می برم به زیبایی خدا،و پناه می برم به جمع خدا.گفتیم:ای فرزند رسول خدا«جمع اللّٰه»چیست؟فرمود:

به همۀ خدا،و پناه می برم به گذشت خدا،و پناه می برم به آمرزش خدا،و پناه می برم به رسول خدا،و پناه می برم به امامان و یک یک ایشان را نام برد.آنگاه گفت:بر آنچه می خواهی،از شرّ اندوهی که می یابم،خدایا ای پروردگار مطیعان.و هم برای درد چشم وارد شده:بر آن«آیه الکرسیّ»بخواند،و خوب شدن آن را در دل بگیرد، و اگر پیش از آن دست بر چشم نهد و بگوید:پناه می دهم نور چشمم را به نور خدایی که خاموش نگردد

ص:1011

وارد شده:برای ضعف بینایی سودمند است.و برای ضعف چشم،و شب کوری وارد شده:آیهٔ نور را مکرّر در جامی بنویسد، و با آب بشوید،و آن را در شیشه قرار دهد،و از آن با میل به چشم خود بکشد.و نیز روایت شده:هر که قرآن را از روی صفحات قرآن بخواند،از چشم خود بهره برد.و نیز روایت شده:هرکه هر روز بگوید:

پس او را شنوا و بینا قرار دادیم دیدگانش از آفات سالم بماند.شیخ کفعمی فرموده:برای درد چشم و همه دردهای اعضا، توسّل جستن به حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام به تجربه رسیده است.

[برای خون دماغ]

برای خون دماغ:آب یخ بر سر و پیشانی اش بریزد.

[دعای بطلان سحر]

دعای بطلان سحر:از امیر مؤمنان علیه السّلام روایت شده:بر پوست آهو بنویسد،و همراه خود داشته باشد:به نام خدا،و به خدا، به نام خدا،آنچه خدا خواست،به نام خدا،و جنبش و نیرویی نیست مگر به خدا،موسی گفت:آنچه شما آوردید سحر است،همانا خدا آن را باطل می کند،خدا کار بدکاران را اصلاح نمی کند،پس حق واقع شد،و آنچه آنان انجام داده بودند باطل گشت،در آنجا مغلوب شدند،و با خواری بازگشتند.و هم از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله برای دفع شیاطین و جادوگران وارد شده:آیهٔ سخره را بخوانند که این آیه است:به درستی که پروردگار شما خداست،که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید،سپس به عرش چیره شد،می پوشاند شب را به روز،که می جویدش به سرعت،و آفتاب و ماه و ستارگان مسخّر به فرمان اویند،بدانید او راست آفرینش و فرمان،منزّه و پاک است، خدا،پروردگار جهانیان،پروردگارتان را بخوانید با زاری و در نهان زیرا که او متجاوزان را دوست ندارد،و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید،و او را با بیم و امید بخوانید،همانا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.

ص:1012

و در بعضی از روایات آمده:تا تَبٰارَکَ اللّٰهُ رَبُّ الْعٰالَمِینَ بخواند.

از حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله نقل شده:بر هر یک از برگ و دانهٔ درخت اسفند،فرشته ای گمارده شده،و تا پوسیدن برگ و دانه همراه آنهاست،و ریشه و شاخه غم و سحر را برطرف می کند،و در دانه اش شفای هفتاد درد است،بنابراین به اسفند و کندر مداوا کنید.از حضرت رضا علیه السّلام نقل شده:مصروعی را دید،قدحی از آب طلبید،بر آن سوره های حمد و معّذتین [سوره های ناس و فلق]خواند،و در قدح دمید.و امر فرمود:از آن آب بر سر و صورتش ریختند تا به هوش آمد،فرمود:دیگر به سوی تو ابدا باز نخواهد گشت.از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله روایت شده:اگر جنّ سنگی بیندازد،و آن شخص سنگ را بگیرد، و به همان جایی که سنگ از آنجا آمده بیندازد و بگوید:

خداوند مرا بس است و کافی،و خداوند شنید دعای کسی که او را خواند،ورای خدا نهایتی نیست

و همچنین برای دفع شرّ جنیان،نگاه داشتن مرغ و خروس و کبوتر و بزغاله در خانه سودمند است،از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:

برای دفع شرّ جنیّان در سفر و بیابان و جاهای هولناک آن،دست بر سر بگذارد،و با صدای بلند بخواند:

آیا غیر دین خدا را می جوئید،و به او تسلیم شد آنکه در آسمان ها و زمین است،با اختیار و بی اختیار،و به سوی او بازگردند.

و هم وارد شده:در بیان و جاهای وحشت آور و هولناک،با صدای بلند اذان بگویند.

[دعای حفاظت از چشم زخم]

اشاره

دعای حفاظت از چشم زخم:وارد شده:آیهٔ وَ إِنْ یَکٰادُ بخوانند،و نیز از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:چون بترسد چشم او در کسی،یا چشم کسی در او،اثر بگذارد،سه مرتبه بگوید:

آنچه خدا خواست شد،نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ.و وارد شده:هرگاه کسی خود را به شکلی نیکو آراست،وقتی از منزل می رود دو قل اعوذ[یعنی سوره های قل اعوز بربّ الفلق و قل اعوذ بربّ النّاس]بخواند،تا چیزی به اذن اللّه تعالی به او زیان نرساند.و نیز برای دفع چشم زخم وارد شده:

دستها را برابر صورت بردارد،و سوره های حمد و توحید و دو قل اعوذ را بخواند،و دست بر پیشانی بکشد.

ص:1013

[همچنین دعای پناه از چشم زخم]

همچنین دعای پناه از چشم زخم:خدایا ای پروردگار باران زندانی و سنگ خشک و شب تار،و تر و خشک،چشم چشم زن را به خودش بازگردان،در جگر و گلو و دارایی اش،پس بازگردان دیده را،آیا می بینی شکافی؟،سپس دیده را دوباره بازگردان.دیده به سویت باز می گردد ناتوان و درمانده.دعای پناهی دیگر:خدایا صاحب سلطنت بزرگ،و احسان دیرینه،و جلوه کریم، دارندهٔ کلمات کامل،و دعاهای مستجاب،فلان را از نفسهای جنّ و چشمهای انس،سلامت کامل بخش این دعایی است که رسول خدا صلی اللّه علیه و آله برای حسنین علیهما السّلام خواند،و به اصحاب خود فرمود:زنها و اولاد خود را با این کلمات پناه دهید.

[دعای پناه چشم زخم برای حیوانات و غیر آنها]

دعای پناه چشم زخم برای حیوانات و غیر آنها: به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است، به نام خدای بزرگ،بر ترش رویی ترش رو،و آتش فروزان،و سنگ سخت،برگرداندم چشم چشم زن را، از سر تا به پایش،بگیرد دو چشم او را گیرنده ای با همهٔ نگاهش،و بر همسایه و خویشانش،پوستش نازک، خونش رقیق،در ناخوشایند سزاوار او،پس بازگردان چشم را،آیا شکافی می بینی؟سپس چشم او دوباره بازگردان چشم به سوی تو باز می گردد خسته و ناتوان

[برای دفع وسوسهٔ شیطان]

برای دفع وسوسهٔ شیطان:روایت شده:به خدای تعالی استعاذه[پناه جویی]کند،بنابراین بگوید:امنت باللّه و برسوله مخلصا له الدین و شیخ شهید از حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله نقل کرده:شیطان بر دو قسم است:شیطان جنّی،و آن دور می شود به گفتن:لا حول و لا قوّه الاّ باللّه العلی العظیم و شیطان انسی و آن دور می شود به صلوات فرستادن بر محمّد و آل آن حضرت علیهم السّلام.مؤلّف گوید:در باب نمازها نماز حدیث نفس گذشت،و

ص:1014

نیز ذکر بعضی از عوذات برای دفع وسوسه بیان شد به آنجا مراجعه کنید.

[برای ایمنی از دزد]

برای ایمنی از دزد:بر حلقه ها و قفل در بخواند «قُلِ ادْعُوا اللّٰهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ» تا آخر سورهٔ اسراء.

[دعای حفظ از عقرب]

دعای حفظ از عقرب:روایت شده:تیز نظر کند به ستارهٔ سهی و آن ستارهٔ کوچکی است،نزدیک به ستارهٔ وسطی از ستارگان بنات نعش[مقصود همان«دبّ اکبر»است]و سه مرتبه بگوید:

خداوندا پروردگار ستارهٔ اسلم،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و گشایش کار ایشان را شتاب ده و ما را از شر هر صاحب شرّی سالم بدار

و نیز روایت شده:بر آن ستاره نظر اندازد و سه مرتبه بگوید:خداوندا پروردگار هود فرزند اسیّه مرا از شرّ هر عقرب و مار ایمنی ده هر شب که چنین گوید از شرّ مار و عقرب محفوظ بماند.

از امام صادق علیه السّلام روایت شده:برای دفع شرّ عقربها و مارها هنگام شب بخواند:

به نام خدا،و به خدا،و درود خدا بر محمّد و خاندانش،همهٔ عقربها و مارها را به اذن خدای تبارک و تعالی گرفتم،به دهانهایشان،و دمهایشان و گوشهایشان،و چشمانشان،و نیروهایشان،از خویشتن و هرکه را دوست دارم،تا برآمدن روز ان شاء اللّه تعالی.و نیز برای دفع شرّ عقرب بخواند:سلام بر نوح در جهانیان،ما این گونه به نیکوکاران جزا می دهیم،به راستی که نوح از بندگان مؤمن ماست.

روایت شده:وقتی حضرت نوع علیه السّلام سوار کشتی شد،عقرب را از سوار شدن بر کشتی منع فرمود:عقرب گفت:من با تو معاهده می بندم که نگزم کسی را که بگوید:سلام بر محمّد و خاندان محمّد و علی نوع فی العالمین

و در چند حدیث دیگر وارد شده:مالیدن نمک به محق نیش عقرب و گزندگان،زهر آنها را می زداید.

باب چهارم در بیان دعاهایی است که از کتاب شریف«کافی»انتخاب شده

اشاره

و این باب شامل چند فصل است:

فصل اول:در بعضی دعاهای وارده برای وقت صبح و شام غیر از آنچه در فصول پیش گذشت.و آن ده دعاست:

اول:از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:حضرت سجاد علیه السّلام چون وارد صبح می شد می گفت:

امروز را آغاز می کنم،پیشاپیش فراموشی و شتابم،به نام خدا،و آنچه خدا خواست شد.

دوم:از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده:هرکس این کلمات را وقتی داخل شب می شود،سه مرتبه بگوید:به بالی از بالهای جبرئیل

پوشیده گردد،تا وارد صبح شود:

به خدای والای والاتر شکوهمند بزرگ می سپارم خویشتن و هرکه را کارش با من است،خویش را می سپارم به خدایی که همه چیز هراسان و ترسان و سر فرود آورده در برابر عظمت او است

سوم:همچنین از آن حضرت روایت شده:چون وارد شب شوی بگو:

خدای از تو می خواهم،هنگام در آمدن شب،و رفتن روز،و حضور نمازهایت،و بانگ های خوانندگانت،اینکه بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی.و به آنچه خواهی دعا کن.

چهارم:از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:

پدرم وقتی وارد صبح می شد می گفت:

به نام خدا و به خدا،و به سوی خدا،و در راه خدا،و بر آئین رسول خدا درود خدا بر او و خاندانش،خدایا خود را به تو تسلیم کردم،و کارم را به تو واگذاشتم،و بر تو توکّل نمودم ای پروردگار جهانیان،خدایا مرا نگهدار،به نگهداری ایمان،از پیش رویم و پشت سرم،و از سمت راست و چپم،و از بالا و زیر پایم،و از پیش خودم،معبودی

ص:1016

جز تو نیست،جنبش و نیرویی جز به خدا نیست،گذشت و سلامت کامل،از هر بدی و شرّ در دنیا و آخرت را از تو می خواهم،خدایا پناه می آورم به تو از عذاب قبر و فشار قبر و تنگی قبر و پناه می آورم به تو از یورشهای شب و روز،خدای ای پروردگار مشعر الحرام،و پروردگار شهر حرام،و پروردگار حلّ و احرام،به محمّد و خاندان محمّد از جانب من سلام برسان.خدایا پناه می آورم به زره محکمت،و پناه می آورم به جمع کردنت از اینکه مرا بمیرانی به غرق شدن یا سوختن یا گلوگیر شدن یا قصاص یا شکنجه و مرگ تدریجی یا مسمومیت یا به چاه افتادن،یا طعمۀ درنده شدن یا سکته یا به چیزی از مدرنیهای بد،ولی مرا در بسترم،به حال اطاعت از خود و رسولت(درود خدا بر او و خاندانش)بمیران،رسیده به حق،نه خطاکار،یا در صف آنان که در قرآنت وصفشان کردی:گویی ایشان بنایی استوارند.

خودم و فرزندانم و آنچه پروردگارم روزی ام نموده پناه می دهم به «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ...» خوم و فرزندانم و آنچه پروردگارم روزی ام نموده پناه می دهم به «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النّاسِ...» ستایش خدای را،به عدد آنچه خدا آفرید،و ستایش خدای را مانند آنچه پدید آورد،و ستایش خدای را به پری آنچه خلق کرد،و ستایش خدای را به امتداد کلمتش، و ستایش خدای را به وزن عرشش،و ستایش خدای را به خشنودی خودش،معبودی جز خدا نیست بردبار بزرگوار،و معبودی جز خدا نیست والای بزرگ،منزّه است خدا،پروردگار آسمانها و زمین،و آنچه در میان آن دو است،و پروردگار

عرش بزرگ،خدایا به تو پناه می آورم از درجات بدبختی،و از شماتت دشمنان،و به تو پناه می آورم از تنگدستی،و سنگینی نیاز،و به تو پناه می آورم از بد دیدن در خاندان و دارایی و فرزندانم پ و ده مرتبه بر محمّد و آل محمّد صلوات فرست.

پنجم:از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده:چون نماز مغرب و صبح بجا آوردی،هفتم مرتبه بگو:

«بسم اللّه الرّحمن الرّحیم لا حول و لا قوّه الاّ باللّه»حقیقتا هرکس این ذکر را بگوید،جذام و پیسی و دیوانگی و هفتاد نوع از انواع بلاها به او نرسد.چون داخل صبح و شام شدی دو مرتبه بگو:

ستایش برای پروردگار بامداد،ستایش برای شکافندۀ صبح،ستایش خدای را که شب را به قدرتش برد، و روز را به رحمتش آورد،و ما در سلامت کاملیم و آیه الکرسی،و آخر سورۀ حشر،و ده آیه از سورۀ صافات را می خوانی:و منزّه است پروردگارت،پروردگار عزّت،از آنچه وصف می کنند،و سلام بر فرستادگان،و ستایش خدای را پروردگار جهانیان،پس منزّه است خدا هنگامی که شام می کنید و صبح می نمایید،و برای او ستایش در آسمانها و زمین و شب و هنگامی که ظهر می نمایید.زنده را از مرده بیرون می آورد،و مرده را از زنده بیرون می آورد، و زمین را پس از مرگش زنده می کند،و این چنین زنده از قبرها درآورده می شوید،بسیار منزّه و مقدّس است پروردگار فرشتگان و روح، پیش گرفته رحمتت بر غضبت،معبودی جز تو نیست،منزّهی تو،من به خود ستم کردم،مرا بیامرز،و به من رحم کن،و توبه ام را بپذیر،به راستی توبه پذیر و مهربانی.

ششم:از امام صادق علیه السّلام این دعا برای صبح

روایت شده:

خدایا ستایش تو راست،ستایشت می کنم،و از تو کمک می خواهم،و تو پروردگار منی،و من بندۀ توام،صبح

ص:1018

کردم بر پیمانت و وعده ات،و ایمان می آورم به وعده ات،و وفا می کنم به پیمانت تا بتوانم،و جنبش و نیرویی نیست جز به خدای یگانه بی شریک و گواهی می دهم که محمّد بنده و فرستاده اوست،صبح کردم بر فطرت اسلام و کلمه اخلاص و آیین ابراهیم،و دین محمّد درود خدا بر آن دو،بر این زندگی کنم و بمیرم ان شاء اللّٰه.خدایا زنده ام بدار،تا زنده ام داری،و مرا بمیران آن گاه که بمیرانی،باورمند آن حقایق،و مرا برانگیز زمانی که برانگیزانی بر همان حقایق،به آنها خشنودی ات و پیروی راهت را می جویم، بر تو تکیه کردم،کارم را به تو واگذاردم،خاندان محمّد امامان من هستند،جز آنها امامانی برنگیرم، از آن پیروی می کنم،و آنان را دوست می دارم،و به آنان اقتدا می نمانم،خدایا را در دنیا و آخرت سرپرستان من قرار ده، و اینکه دوست بدارم دوستانشان را،و دشمن بدارم دشمنانشان را در دنیا و آخرت،و مرا به شایستگان بپیوند.

و پدرانم را با ایشان قرار ده.

هفتم:و از آن حضرت روایت شده:هرچه را ترک کردی،خواندن این دعا را در هر صبح و شام

ترک مکن.

خدایا صبح کردم در این بامداد و در این روز برای اهل رحمتت از تو آمرزش می خواهم، و از اهل لعنتت به تو بیزاری می جویم،خدایا من صبح کردم،در این روز،و در این صبح درحالی که از آنها که بین آنانیم از مشرکان به سوی تو بیزاری می جویم از آنچه که می پرستند به درستی که ایشان قومی بد و فاسقند،خدایا آنچه از آسمان به زمین فرو فرستادی در این صبح و این روز،

برای دوستانت برکت،و برای دشمنانت کیفر قرار ده،خدایا دوست بدار کسی که دوستت داشت،و دشمن بدار کسی را که دشمنت داشت،خدایا به ایمنی و ایمان برایم ختم کن،هر زمان که خورشید سر زند یا غروب کند.خدایا مرا و پدر و مادرم را بیامرز،و به هر دو رحم کن،چنان که مرا در کودکی پروریدند،خدایا مردان و زنان مؤمن و مسلمان زندگان و مردگان آنان را بیامرز،خدایا بازگشتگاه و اقامتگاهشان را تو می دانی،خدایا پیشوای مسلمانان را حفظ کن ایمان، او او را یاری ده یاری پیروزمندانه،و بگشای برای او گشایشی آسان، و برای او و ما از جانب خود فرمانروایی پیروزمندانه قرار ده،خدایا لعنت کن فلان و فلان و گروههایی که اختلاف کردند بر رسولت،و والیان امر بعد بعد از رسولت و امامان پس از او،و شیعیان ایشان را،و از تو می خواهم زیادی فضلت،و اقرار به آنچه از نزد تو آمد،و تسلیم به فرمانت،و محافظت بر آنچه به آن امر فرمودی،به طوری که به جای آن جایگزینی نجویم،و آن را به بهای اندکی نفروشم،خدایا هدایتم کن در شمار کسانی که هدایت کردی، و حفظم کن از شرّ آنچه قضایت بر آن جاری شد،به درستی شد،به درستی که قضاوت می کن و بر تو قضاوت نمی شود،و خوار نمی گردد و کسی تو دوستش داری،منزّه و پاکی و برتری،و منزّهی تو پروردگار کعبه،دعایم را بپذیر،و آنچه به وسیلهٔ آن از خیر به تو تقرّب می جویم، برایم دوچندان کن،چند برابر بسیار،و از جانب خود اجر بزرگ به ما عنایت کن،پروردگارم چه نیکوست آنچه مرا به آن آزمودی، و چه بزرگ است آنچه به من عطا کردی،و چه طولانی است آنچه عافیتم دادی،و چه بسیار است آنچه بر من پوشاندی،پس تو راست ستایش ای معبود من،

ص:1020

بسیار،پاک،مبارک،به پری آسمانها و زمین،و پری آنچه پروردگارم خواست و پسندید،و چنان که سزاوار است برای جلوۀ پروردگارم،صاحب بزرگی و اکرام.

[هشتم:از امام باقر علیه السّلام روایت شده است در هنگتم طلوع فجر بگوید...]

هشتم:از امام باقر علیه السّلام روایت شده است که هر که به هنگام طلوع فجر ده مرتبه بگوید:معبودی جز خدا نیست،یگانه و بی شریک است،برای اوست فرمانروایی و ستایش، زنده می کند،و می میراند،و او زنده است و نمی میرد،خیر تنها به دست اوست،و او بر هر چیز تواناست

و ده بار صلوات بر محمّد و آل محمّد فرستد،و سی و پنج بار سبحان اللّه بگوید،و سی و پنج مرتبه لا اله الاّ اللّه بگوید،و خدا را سی و پنج مرتبه حمد کند،در آن روز از غافلان نوشته نشود،و اگر در شب گوید،در آن شب از غافلان شمرده نشود.

[نهم:از حضرت جواد علیه السّلام روایت شده صبح و شام می گویی...]

نهم:از محمد بن فضیل روایت شده:

خدمت حضرت جواد علیه السّلام نوشتم که به من دعایی بیاموزد.حضرت در جوابم نوشت که صبح و شام می گویی:

خدا،خدا،خدا،پروردگار بخشنده و مهربان من است،چیزی را برای او شریک نگیرم سپس برای حاجت خود دعا می کنی.که این کلمات مقدّمه ای است برای رفع هر حاجتی به اذن خدای تعالی.

دهم:از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده:به داود رقّی فرمود:

سه بار خواندن این دعا را در صبح و سه بار در شب ترک مکن.

خداوندا مرا در زره محکم خود قرار ده،که هرکه را بخواهی در آن قرار می دهی.به درستی که پدرم می فرمود:این از دعاهای مخزون[محفوظ در

گنجینۀ خدا]است.

فصل دوم:در بیان بعضی دعاهای وارده برای وقت خوابیدن و بیدار شدن

و آنها هفت دعاست: اول: از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:کسی که هنگام قرار گرفتن در خوابگاهش سه مرتبه بگوید:

ستایش خدای را که برتر آمد و چیره گشت،و ستایش خدای را که نهان است و آگاه،و ستایش خدای را ه مالک است و نیرومند، و ستایش خدای را که مردگان را زنده می کند،و زندگان را می میراند،و او بر هر چیز تواناست.از گناهانش بیرون

ص:1021

آید،همانند روزی که از مادر متولد شده،و شیخ صدوق و شیخ طوسی هم این روایت را نقل کرده اند.و در«عدّه الدّاعی»از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرده:این دعا کمترین چیزی است که از تحمید[یعنی حمد و ستایش گویی]کفایت می کند.ولی در آن روایت حمد دوم پس از حمد سوم است. دوم: از آن حضرت روایت شده:رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم هنگامی که در رختخواب خود قرار می گرفت ایه الکرسی می خواند و می گفت:

به نام خدا،به خدا ایمان آوردم،و به طاغوت کافر شدم،خدایا مرا در خواب وبیداری حفظ کن سوم: از مفضّل بن عمر نقل شده:امام صادق علیه السّلام به من فرمود:اگر بتوانی شب نکن،مگر اینکه خود را به یازده حرف پناه دهی،گفتم:مرا از آنها خبر ده،فرمود:بگو:

پناه می برم به عزّت خدا،و پناه می برم به قدرت خدا،و پناه می برم به جلال خدا،و پناه می برم به سلطنت خدا، و پناه می برم به جمال خدا،و پناه می برم به دفاع خدا،و پناه می برم به جلوگیری خدا،و پناه می برم به جمع آوری خدا،و پناه می برم به فرمانروایی خدا،و پناه می برم به جلوهٔ خدا،و پناه می برم به رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش)از شرّ آنچه آفرید و پدید آورد و هستی بخشید.

و خود را هرگاه که خواهی به این کلمات حفظ کن. چهارم: از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده:کسی که در خوابگاهش قرار گیرد،و صد مرتبه توحید بخواند،از گناهان پنجاه سالهٔ خود پاک شود.و نیز از آن حضرت روایت شده:کسی که در رختخوابش جای گیرد،و قل یا ایّها الکافرون و قل هو اللّه احد بخواند،حق تعالی بیزاری از شرک را برای او بنویسد. پنجم: از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده:رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلم فرمود:کسی که قصد کرده برای نماز شب برخیزد،و در رختخواب قرار گرفته بگوید:

خدایا مرا ایمن از مکرت مدار،و ذکرت را از یادم مبر،و از بی خبران قرارم مده،ساعت چند و چند برمی خیزم،حق تعالی فرشته ای را بر او بگمارد،که در آن ساعت بیدارش کند. ششم: و از آن حضرت روایت شده:

هرگاه یکی از شما در شب از خواب برخاست بگوید:

منزّه است خدا،پروردگار پیامبران،و معبود فرستادگان،و پروردگار مستضعفان،و ستایش خدای را که مردگان را زنده می کند،و او بر هر چیز تواناست.زمانی که این کلمات را بگوید،خدای تبارک و تعالی می فرماید:بندۀ من راست گفت و شکر بجا آورد. هفتم: از عبد الرحمن بن حجّاج روایت شده:حضرت صادق علیه السّلام آخر شب از خواب برمی خواست،صدا را در حدّی که اهل خانه بشنوند بلند می کرد و می گفت:

خدا یا مرا بر هراس قیامت کمک کن،و تنگی قبرم را وسعت بخش،و خیر آنچه پیش از مرگ،و پس از مرگ است نصیب من فرما.

فصل سوم در بیان چند دعا که هنگام بیرون آمدن از خانه خوانده می شود

و آنها هشت دعاست اول: از حضرت امام صادق علیه السّلام نقل شده است انسان زمانی که خواست از خانه خارج شود،هنگام نیّت خروج سه مرتبه بگوید:اللّه اکبر و سه مرتبه به کمک خدا بیرون می روم،و به کمک خدا وارد می شود،و بر خدا توکّل می کنم آنگاه بگوید:خدایا در این روز به رویم بگشا به خیر،و برایم پایان بده به خیر،و از شرّ هر جنبنده ای تو که گیرنده مهارش هستی حفظم کن،به درستی که پرودرگارم بر راهی مستقیم است

پیوسته در پناه خدای عزّ و جلّ باشد،تا به همان مکانی که در آن بود بازگردد. دوم: از امام زین العابدین علیه السّلام روایت شده است که به هنگام بیرون رفتن از در خانه بگوید:به نام خدا،ایمان آوردم به خدا،و بر خدا توکل کردم

سوم: از امام باقر علیه السّلام نقل شده است که هرکس زمانی که از منزلش بیرون می رود بگوید:

به نام خدا،خدا مرا بس است،بر خدا توکل کردم،خدایا خیر همه کارهایم را از تو می خواهم،و از خاری

ص:1023

دنیا و عذاب آخرت به تو پناه می آورم خدا آنچه از امر دنیا و آخرت او را اندوهگین می سازد کفایت می فرماید.

چهارم: از حضرت امام صادق علیه السّلام نقل شده است که وقتی که از منزل خود بیرون می روی بگو:

به نام خدا،توکّل کردم بر خدا،جنبش و نیرویی نیست مگر به خدا،خدایا،خیر آنچه به خاطرش از خانۀ بیرون شدم از تو می خواهم،و از شرّ آنچه به خاطرش بیرون آمدم به تو پناه می آورم،خدایا از فضلت بر من وسعت بخش،و نعمتت را بر من کامل کن،و مرا در طاعتت به کار گیر،و اشتیاقم را در آنچه نزد توست قرار ده،و مرا بر آیینت و آیین رسولت بمیران پنجم: از امام رضا علیه السّلام نقل شده است که پدرم زمانی که از منزل خارج می شد،این کلمات را می گفت:به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،خارج شدم به قوت و نیروی خدا،نه به قدرت و نیروی خویش،بلکه به قدرت و نیروی تو،ای پروردگارم روزی ات را خواستارم،آن را در عین عافیت به من عنایت کن ششم: از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده است که هرکه از منزلش بیرون می رود،ده مرتبه سورۀ قل هو اللّه احد بخواند،پیوسته در حفظ خدای عزّ و جل باشد،و تا به منزلش بازگردد،خدا از او محافظت نماید. هفتم: از امام هفتم علیه السّلام روایت شده است که هرگاه خواست به سفر روی،بر در خانه ات بایست،و سوره های حمد و قل هو اللّه احد و قل اعوذ برب النّاس و قل اعوذ بربّ الفلق را از پیش رو،و از طرف راست و چپ بخوان،آنگاه بگو:خدایا مرا و آنچه با من است حفظ کن،و مرا و آنچه با من است به سلامت دار،و مرا و آنچه با من است به نیکی برسان

هشتم: و نیز از آن حضرت روایت شده است که هرگاه در سفر یا حضر[حضر یعنی ماندن در وطن،در مقابل سفر]از منزلت بیرون رفتی بگو:

به نام خدا،به خدا ایمان آوردم،و بر خدا توکل کردم،آنچه خدا خواست،جنبش و نیرویی نیست مگر به خدا

فصل چهارم:در ذکر بعضی از دعاهای واردهٔ برای پیش از نماز و پس از نماز

و آن پنج دعا است اوّل: از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده:حضرت امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود:هرکه این دعا را به هنگام قیام برای نماز،پیش از شروع نماز بگوید با محمّد و آل محمّد خواهد بود:

خدایا به محمّد و خاندان محمّد به تو رو می کنم،و آنان را پیش روی نمازم پیش می اندازم،و به آنان به تو تقرّب می جویم،مرا در دنیا و آخرت با آنان آبرومند قرار ده،و از مقرّبان محسوب فرما،بر من به شناختن آنان منّت نهادی، پایان ده برایم به اطاعت و معرفت و ولایتشان،که خوشبختی آن است،و به آنها برایم پایان ده،به درستی که تو بر هر چیز توانایی.آنگاه نماز را به جای می آوری،و چون فارغ شدی می گویی:خدایا مرا عافیت و بلا با محمّد و خاندان محمّد قرار بده،و در هر اقامتگاه و بازگشتگاهی با محمّد و خاندان محمّد همراه کن،خدایا زندگی ام را زندگی آنان،و مرگم را مرگ آنان قرار ده،و مرا همه جا با ایشان همراه فرما، و بین من و آنان جدایی مینداز،به درستی که تو بر هر کار توانایی. دوّم: از صفوان جمّال[شتربان]روایت شده:امام صادق علیه السّلام را دیدم پیش از تکبیر رو به قبله کرد و گفت:خدای از نسیم جان بخشت مأیوسم مکن، و از رحمتت ناامیدم مفرما،و از مکرت ایمنم منما،زیرا از مکر خدا خویش را ایمن نمی شمارند مگر مردم زیانکار سوم: از امام صادق علیه السّلام روایت شده:حضرت امیر مؤمنان علیه السّلام پس از فارغ شدن از نماز ظهر می گفت:

خدایا به بخشش و کرمت به تو تقرّب می جویم،و به محمّد بنده و فرستاده ات به تو تقرّب می جویم،و به فرشتگان مقرّب و پیامبران مرسلت و به حقیقتت به تو تقرّب می جویم.خدایا تو از من بی نیازی، و من به تو نیازمند،تو بی نیازی و من به تو نیازمند،لغزشم را نادیده گرفتی،و گناهانم را پوشاندی، امروز حاجتم را برآور،به زشتی آنچه که از من خبر داری عذابم مکن،بلکه گذشت و بخشش تو مرا فرا گیرد.

سپس آن حضرت به سجده می افتاد و می گفت:ای اهل تقوا و آمرزش ای نیکوکار،ای مهربان،تو از پدر و مادرم و همهٔ خلایق به من نیکوکارتری،مرا با برآمدن حاجت،و دعای اجابت شده،و صدای مورد رحمتت قرار گرفته بازگردان،به حقیقت تو انواع بلاها را از من برطرف کردی چهارم: از امام جواد علیه السّلام نقل شده:زمانی که از نماز واجب فارغ شدی بگو:راضی شدم به خدا که پروردگارم باشد،و به محمّد برای پیامبری و به اسلام برای دینم،و به قرآن برای کتابم و به فلان و فلان[به جای فلان و فلان بگو:و به علی و الحسن و الحسین و علی و محمّد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحجّه]پیشوایانم،خدایا ولیّ ات فلان[به جای فلان بگو:القائم الحجّه]را حفظ کن از پیش رو و پشت سر،و از جانب راست و چپ و از بالای سر و پایین پایش،و بر عمرش بیفزا،و او را قیام کنندهٔ به امرت،و پیروز کننده دینت قرار ده،و آنچه دوست دارد به او بنمایان،و آنچه نسبت به خودش و ذریه و اهل مال و شیعه اش چشمش را روشن می کند و به او نشان بده.و از جانب او دربارهٔ دشمنانش از آنچه حذر می کنند به آنان بنما،و دربارهٔ آنها آنچه را دوست دارد،و چشمش به آن روشن می شود به او بنمایان، و سینه های او،و سینه های مردم مؤمن را شفا بده و فرمود:چون رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله از نماز

فارغ می شد می گفت:خدایا آنچه پیش فرستادم،و از پی می فرستم،و آنچه پنهان کردم،و آنچه آشکار نمودم، و اسراف بر خودم و آنچه را تو به آن از من داناتری،برایم بیامرز،خدایا تویی پیش انداز و پس انداز،معبودی جز تو نیست، به حق دانشت به غیب،و به توانایی ات بر همۀ خلق،تا زندگی را برایم خیر می دانی،پس زنده ام بدار،و زمانی که مرگ را برایم خیر می دانی،جانم را بگیر،خدایا هراس از خود را در نهان و آشکار،و سخن حق را در خشم و خشنودی،و میانه روی را در نداری و دارایی از تو می خواهم و نعمتی را از تو می خواهم که تمام نشود،و نور چشمی که قطع نگردد،و از تو می خواهم:خشنودی به قضا و برکت مرگ پس از زندگی،و گوارایی زندگی پس از مرگ،و لذت تماشای زیبایی ات،و شوق دیدار و لقایت،بدون سختی و زیان بخشی، و فتنۀ گمراه کنندگی،خدایا ما را به زینت ایمان بیارای،و ما را راهنمایان ره یافته قرار بده،خدایا ما را در ضمن آنان که هدایت کردی هدایت کن،خدایا تصمیم استوار و پایداری در کار و رشد بسیار از تو می خواهم،و شکر نعمتت و خوبی عافیتت و ادای حقّت را از تو درخواست دارم،پروردگارا،دل سالم،و زبان راستگو،از تو می خواهم و از تو برای آنچه می دانی طلب آمرزش می کنم،و خیر آنچه را می دانی از تو درخواست دارم،و از شرّ آنچه می دانی به تو پناه می آورم،زیرا تو می دانی، و ما نمی دانیم،و تو دانای نهانهایی. پنجم: از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:هرکس نزد هر نماز واجب، این کلمات را بگوید،خود و خانه و دارایی و اولادش محفوظ بماند. خودم و دارایی ام

و فرزندم و خاندانم و خانه ام و هرچه از من است پناه می دهم به خدای واحد یگانه بی نیاز،که نزاده و زاده نشده،و هیچ همتایی ندارد،و خودم و دارایی ام و فرزندم،و هرچه از من است را پناه دادم به پروردگار سپیده دم از شرّ آنچه آفرید...تا آخر سوره،و خودم و دارایی ام و فرزندم و هرچه از من است را پناه می دهم به پروردگارم مردم، فرمانروای مردم...تا آخر سوره،و خودم و دارایی ام و فرزندم و هرچه از من است را پناه می دهم به خدا،معبودی جز او نیست، زنده و پابرجاست او را چرت و خواب درنگیرد...تا پایان ایه الکرسی.

فصل پنجم:در بیان بعضی از دعاهای واردهٔ برای فزونی رزق و روزی

و آن پنج دعاست. اوّل: از معاویه بن عمّار نقل شده:از امام صادق علیه السّلام درخواست کردم تا برای رزق دعایی تعلیم من فرماید، آن حضرت این دعا را به من آموخت،و من برای زیاد شدن رزق،چیزی بهتر از این ندیدم.

خدای نصیبم کن از فضل گسترده ات،حلال پاکیزه روزی فراخ حلال پاک رسای برای دنیا و آخرت،ریزان ریزان گوارا لذیذ بدون زحمت و بدون منّت از احدی از بندگانت،جز وسعتی از فضل واسعت،زیرا تو فرمودی:«از فضل خدا بخواهید»پس از فضل تو می خواهم،و از عطای تو درخواست می نمایم،و از دست پر تو می طلبم. دوم: از امام باقر علیه السّلام روایت شده:

به زید شحّام فرمود:برای درخواست روزی،در سجدهٔ نماز واجب بگو:ای بهترین درخواست شده، و ای بهترین عطا کننده،مرا و عیالم را از فضلت روزی بخش،به درستی که تو صاحب فضل بزرگی هستی

سوم: از ابو بصیر نقل شده:از حاجت خود به حضرت امام صادق علیه السّلام شکایت کردم،و از آن جناب خواستم،برای روزق دعایی تعلیم من کن،حضرت این دعا را به من آموخت از زمانی که آن را خواندم،دیگر محتاج نشدم،فرمود:

در نماز شب در حال سجده بگو:ای بهترین خوانده شده،و ای بهترین درخواست شده،و ای وسعت بخش ترین کسی که عطا کرد،و ای بهترین امیدشده،روزی ام ده و بر من از روزی ات وسعت ده،و سبب سازی کن برایم روزی را از جانب خودت،به درستی که تو بر هر چیز توانایی.مؤلف گوید:شیخ طوسی در کتاب«مصباح»این دعا را در سجدۀ آخر رکعت،هشتم نافلۀ شب ذکر فرموده. چهارم: روایت شده:رسول خدا صلی اللّه علیه و آله این دعا را برای طلب روزی تعلیم فرمود:ای روزی دهندۀ نیازمندان،و ای رحم کنندۀ بر مسکینان،و ای سرپرست مؤمنان،و ای صاحب نیروی استوار،بر محمّد و اهل بیتش درود فرست،روزی ام ده،و سلامتی کاملم بخش،و مرا از آنچه به اندیشه ام برده کفایت کن.

پنجم: ابو بصیر این دعا را برای طلب روزی از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده:و آن حضرت فرموده:این دعالی علی بن الحسین علیه السّلام است که خدا را به آن می خواند:خدایا نیکی معیشت را از تو می خواهم،معیشتی که به آن بر تمام خواسته هایم نیرو گیرم،و به آن در زندگی به آخرتم برسم،بی آنکه در فراوانی نعمتم قرار دهی،تا طغیان کنم، یا به آن بر من تنگ گیری تا بدبخت شوم،از روزی حلالت بر من فراخی ده،و بر من از ریزش فضلت، از نزد خود نعمت کامل و عطای بی منّت عنایت کن،و مرا به فراوانی آن،از شکر نعمتت غافل مکن،که زیبایی اش سرگرمم سازد،و خوش رنگی های شگفت انگیزش دلم را برباید،و نه با کم دادنش به من،که از زحمت در به دست آوردنش،عملم برای خدا ضعیف گردد،

و اندوهش سینه ام را پر کند،ای معبود من،از معیشت آن اندازه به من عطا کن،که بی نیازی از بندگان شرّیرت باشد،و رساننده ای که به وسیلۀ آن به خشنودی ات برسم،ای معبود من،از شرّ دنیا و آنچه در آن است به تو پناه می آورم،دنیا را بر من زندان، و فراقش را بر من اندوه قرار مده،مرا از فتنه های آن،درحالی که از من راضی باشی،و عملم در آن پذیرفته باشد،به جانب خانۀ زندگی ابدی و خانه های خوبان بیرون آور،و دنیای فانی را برایم به نعمت خانۀ باقی تبدیل کن،خدایا از سختی و لرزشهایش و از یورشهای شیاطین و سلاطین و از عذابش و تجاوز هرکه در آن بر من تجاوز کند به تو پناه می آورم.

خدایا هرکه علیه من نقشه کشید،تو علیه او نقش بکش،و هرکه نسبت به من قصد بد دارد،تو نسبت به و او قصد بد کن،و تیزی اسلحه کسی که تیزی اسلحه اش را برای من قرار داد کند کن،و آتش کسی که هیزمش را علیه من افروخته خاموش نما،و فریب فریبکاران را از من کفایت کن،و دیدۀ کافران را از من کور کن،و اندوه کسی که اندوهش را بر من دارو نموده کفایت کن،و شرّ حسودان را از من برطرف نما،و مرا از اینها با آرامش حفظ کن،و زره محکمت را به من بپوشان،و در پوشش نگهداریت زنده ام بدار،و حالم را اصلاح کن،و گفتارم را به کردارم راست آر،و به من در خاندان و دارایی ام برکت ده.

مؤلف گوید:در باب دوم،در مقام بیان نمازها،نمازهایی برای زیادشدن روزی ذکر شده که می توانید مراجعه کنید.

فصل ششم در بیان دو دعا برای ادای قرض

اوّل: از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده:بگو:

خدایا توجّهی از توجّهاتت،آسان کند پرداخت طلب طلبکارانم را،و آسان می کند برایم گرفتن طلبم را،

ص:1030

به درستی که تو بر هر چیز توانایی دوّم: این دعا از موسی بن جعفر علیهما السّلام روایت شده: خدایا به تمام بندگانت برگردان حقوق پایمال شده کوچک و بزرگی که از ایشان نزد من است،از جانب خویش در آسانی و عافیت،و آنچه نیرویم به آن نرسید،و دارایی ام آن را فرا نگرفت،و بدنم و یقین و جانم بر آن توانایی نداشت، از آنچه از احسان شایانت نزد توست،از جانب من بپرداز،و چیزی از آن را بر عهده من بجا مگذار،که از حسناتم بپردازی،ای مهربان ترین مهربانان،گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست،یگانه است و شریک ندارد،و گواهی می دهم که محمّد بنده و رسول اوست،و دین همان است که خدا مقرّر نمود،و اسلام همان است که او وصف کرد،و قرآن همان است که او نازل نمود،و گفتار همان است که او فرمود:و خدا همان حق آشکار است،خدا محمّد و اهل بیتش را به خیر یاد کند،و به محمّد و اهل بیتش به سلام تحیّت فرستد.

فصل هفتم در بیان دعاهای وارده برای دفع اندوه و غم و ترس و غیر آنها

و آن مشتمل بر دوازده دعا است. اوّل: از امام باقر علیه السّلام روایت شده:زمانی که پیش آمدی برایت رخ داد و از آن در هراسی،به قبله رو کن،و دو رکعت نماز بخوان،آنگاه هفتاد مرتبه بگو:

یا ابصر النّاظرین و یا اسمع السّامعین و یا اسرع الحاسبین و یا ارحم الرّاحمین و در هر مرتبه که می گویی حاجت خود را با آن ذکر کن. دوم: از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله روایت شده:به هر که همّی یا غمی یا اندوهی یا بلایی یا شدّتی برسد،بگوید:اللّه ربّی لا اشرک به شیئا،توکّلت علی الحیّ الّذی لا یموت. سوم: از امام صادق علیه السّلام نقل شده:چون برادران یوسف،او را به چاه افکندند،جبرئیل نزد او آمد

و گفت:ای پسر در اینجا چه می کنی؟یوسف گفت:برادرانم مرا در این چاه افکندند،پرسید دوست داری از آن بیرون آیی؟ پاسخ داد:این امر بسته به مشیّت خدای عزّ و جلّ است،اگر بخواهد مرا بیرون می آورد،جبرئیل گفت:حق تعالی می فرماید:

مرا به این دعا بخوان تا تو را از چاه بیرون آورم،گفت آن دعا کدام است،گفت:بگو:

خدایا از تو می خواهم به اینکه ستایش برای توست،معبودی جز تو نیست،بسیار عطاکننده ای،پدیدآورندۀ آسمانها و زمینی، صاحب شکوه و بزرگواری،بر محمّد درود فرستی،و از آنچه در آنم،برایم گشایش و راه خروجی قرار دهی.در نتیجه کاروان از راه رسید،و او را از چاه بیرون آورد،به همان صورتی که داستانش در قرآن مجید آمده.

چهارم: از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده:هرگاه از امری ترسیدی بگو:اللّهمّ انّک لا یکفی منک احد،و انت تکفی من کلّ احد من خلقک فاکفنی کذا و کذا.و در حدیث دیگری فرمود:می گویی:

ای کفایت کننده از هر چیز،و چیزی از تو در آسمانها و زمین کفایت نکند،مرا از کار دنیا و آخرت،آنچه به اندیشه برده کفایت کن،و بر محمّد و خاندانش درود فرست و حضرت صادق علیه السّلام فرمود:هرکه بر سلطانی که از او بترسد وارد شود بگوید:به خدا گشایشی می جویم،و به خدا کامیابی می طلبم،و به محمّد(درود خدا بر او و خاندانش) رو می کنم،خدایا دشواری اش را برایم رام کن،و ناهمواری اش را برایم هموار فرما،به درستی که تو محو می کنی و اثبات می نمایی آنچه بخواهی،و امّ الکتاب نز توست و نیز بگوید:خدا مرا بس است،معبودی جز او نیست،بر او توکّل نمودم،و او پروردگار عرش بزرگ است،به حول و قوّت خدا،خود را از حول و قوّت ایشان باز می دارم،و به پروردگار سپیده دم از شرّ آنچه آفرید خود

را حفظ می کنم،و جنبش و نیرویی نیست جز به خدا. پنجم: روایت شده:این دعای امام باقر علیه السّلام است،در امری که پیش آمد:خدایا درود فرست بر محمّد و خاندان محمّد،و مرا بیامرز،و به من رحم کن،و عملم را پاک فرما،و مرگم را آسان نما، و قلبم را هدایت کن،و ترسم را ایمنی بخش،و در تمام عمرم عافیت ده،و حجّتم را پا برجا فرما،و خطاهایم را بیامرز،و رویم را سپید کن،و در دینم پایدارم بدار،و مطلبم را آسان نما،و در روزی ام بر من وسعت بخش،زیرا من ناتوانم،و از بدی آنچه نزد من است،به خوبی آنچه نزد توست درگذر،و مرا به مصیبتی در وجودم دچار مساز،و ای معبود من توجّهی از توجّهاتت را من ببخش،که به وسیلۀ آن همۀ آنچه را که به آن گرفتارم کرده ای برطرف کنی،و به سبب آن آنچه که بهترین شیوۀ تو به من است به من بازگردانی،به راستی که نیرویم سست گشته،و چاره ام کم شده،و امیدم از بندگانت بریده،و برایم جز امید به تو،و توکّل بر تو.و قدرتت بر من نمانده،ای پروردگارم اینکه به من رحم کنی،و سلامت کاملم دهی،مانند قدرتت بر من است که عذابم کنی،گرفتارم نمایی،معبود من،یاد نعمتهایت آرامشش می دهد، و امید به نعمت بخشی ات نیرومندم می نماید،از وقتی که مرا آفریدی،از نعمتهایت فارغ نبودم،تویی پروردگارم و آقایم و پناهم،و پناهگاهم و نگهدارم،و دفاع کننده ام،و مهربان بر من،و عهده دار روزی ام،و در قضا و قدرتت هرچه من در آنم،ای آقا و مولایم،در آنچه کردی،و تقدیر نمودی،و حتم فرمودی،باید شتاب در خلاصی و عافیت من از همۀ آنچه که به آن گرفتارم باشد،من برای دفع اینها

احدی جز تو را نمی یابم،و در آنها بر کسی غیر از تو اعتماد نمی کنم،ای صاحب عظمت و اکرام،نزد بهترین گمانم و امیدم به تو،و به زاری و بیچارگی و سستی پایه ام رحم کن،و به آن بر من و هر دعاکننده ای که تو را می خواند منّت گذار،ای مهربان ترین مهربانان،و درود خدا بر محمّد و خاندانش ششم: از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده:حضرت سجاد علیه السّلام می فرمود:هرگاه این کلمات را بگویم،اگر جن و انس به زیان من گرد آیند باکی ندارم:به نام خدا،و به خدا،و از خدا،و به سوی خدا،و در راه خدا، و بر آیین رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش)،خدایا خویشتن را تسلیم تو کردم،و رویم را به جانب تو متوجه نمودم،و به تو پشت گرم شدم،و کارم را به تو وا گذاشتم،خدایا مرا به حفظ ایمان حفظ کن،از پیش رویم،و از پشت سرم،و از سمت راست و چپم،و از بالای سرم و زیر پایم،و آنچه نزد من است،به حول و نیرویت از من دور کن،زیرا جنبش و نیرویی جز تو نیست

هفتم: وارد شده:برای دفع اندوه و ترس از سلطان،دعیا اهل بیت را بخوانند:ای هستی پیش از هر چیز،و ای هستی بخش هر چیز،و ای پاینده پس از هر چیز،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و با من چنین و چنان کن به جای کذا و کذا حاجتت را بخواه. هشتم: از حضرت جواد علیه السّلام روایت شده:برای گشایش امر به خواندن این دعا مداومت کن:

ای که کفایت کند از هر چیز و کفایت نکند از او چیزی کفایت کن مرا در آنچه مهمّ است

ص:1034

نهم: از حضرت سجاد علیه السّلام نقل شده:به فرزند خود می فرمود:ای پسرک من،هرگاه به یکی از شما مصیبتی برسد،یا حادثه ای بر او فرود آید، وضوی کامل بگیرد،و دو رکعت یا چهار رکعت نماز بخواند،و در آخر آن بگوید:

ای جایگاه هر شکایت،ای شنوای هر راز،ای حاضر در هر انجمن،ای دانای هر نهان،ای دور کنندهٔ هرچه از بلا که بخواهد،ای دوست ابراهیم،ای سخنگو با موسی،و ای برگزینندهٔ محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)تو را می خوانم خواندن کسی که نداری اش سخت گشته،و چاره اش کم شده،و نیرویش سست گشته،دعای غریب غریب درمانده،که برای برطرف شدن آنچه در اوست،کسی را جز تو نمی یابد،ای مهربان ترین مهربانان به درستی که این دعا را احدی نمی خواند،مگر آنکه حق تعالی حادثه را از او ان شاء اللّه برطرف می کند. دهم: از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده:برای رفع اندوه و غم غسل می کنی،و دو رکعت نماز می خوانی،و می گویی:

ای گشایندهٔ اندوه،و ای برطرف کنندهٔ غم،ای بخشایشگر دنیا و آخرت،و رحیم هر دو جهان،اندوهم را بگشا،و غمم را برطرف کن،ای خدای یگانهٔ یکتای بی نیاز که نزاده،و زاده نشده،و احدی همتایش نبوده است،مرا نگهدار و پاک کن و بلایم را ببر.و ایه الکرسی و معذتین[سوره های ناس و فلق]را بخوان.

یازدهم: روایت شده:برای رفع اندوه،صد مرتبه در سجده می گویی:ای زنده،ای پا برجا،معبودی جز تو نیست،به رحمتت فریادخواهی می کنم،از آنچه مرا به اندوه برده کفایتم کن،و به خوشتنم وامگذار

دوازدهم: از موسی بن جعفر علیه السّلام نقل شده:به سماعه فرموده:ای سماعه هروقت برای تو،نزد خدا حاجتی پیش آمد بگو:

خدایا از تو می خواهم به حق محمّد و علیّ،به درستی که برای آنها نزد تو شأنی از شأنها،و مقامی از مقامهاست،پس به حق آن شأن،و به حق آن مقام،اینکه بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و با من چنین و چنان کنی.به درستی که وقتی که روز قیامت شود،فرشتۀ مقرّبی و پیامبر مرسلی و مؤمن امتحان شده ای نماند مگر آنکه در آن روز، نیازمند به محمّد و علی علیهما السّلام است.فقیر گوید:ابن الی الحدید از امیر مؤمنان علیه السّلام نقل کرده:وقتی از رسول خدا درخواست کردم،برایم به مغفرت دعا کند فرمود:دعا می کنم،پس برخاست و نماز خواند،و دست به دعا برداشت،به دعایش گوش دادم ،شنیدم می گوید:

اللّهمّ بحقّ علیّ عندک،اغفر لعلیّ.من عرضه داشتم:یا رسول اللّه این چه دعایی بود؟ !فرمود:آیا نزد خدا گرامی تر از تو هست،که من او را نزد حضرتش شفیه خود کنم؟

مؤلّف گوید:ما در باب اول در بیان دعاهای سجده شکر،بعضی از دعهاهایی را که مناسب این فصل بود ذکر کردیم.

فصل هشتم:در بیان چند دعا برای دردها و بیماریها

اوّل: از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده:باری رفع دردها می گویی:بسم اللّه و باللّه کم من نعمه للّه فی عرق ساکن و غیر ساکن،علی عبد شاکر و غیر شاکر و پس از نماز واجب محاسن[موی صورت]خود را به دست راست خود می گیری،و سه مرتبه می گویی:اللّهمّ فرّج عنّی کربتی و عجّل عافیتی و اکشف ضرّی.و حریص با شکه این عمل با اشک و گریه همراه باشد.

دوم: از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده:دست بر جای درد بگذار و بگو:

بسم اللّه و باللّه،و محمّد رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله،و لا حول و لا قوّه الاّ باللّه،اللّهمّ امسح عنّی ما اجد.و سه مرتبه جای درد را به دست راست مسح کن.

ص:1036

سوم: از حضرت باقر علیه السّلام روایت شده:امیر مؤمنان علیه السّلام بیمار شد،رسول خدا صلی اللّه علیه و آله به دیدن ایشان رفت و به ایشان فرمود:بگو:

اللّهمّ انّی اسالک تعجیل عافیتک و صبرا علی بلیّتک،و خروجا الی رحمتک

چهارم: از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:دست خود را بر جای درد می گذاری و سه مرتبه می گویی:

اللّهمّ انّی اسالک بحقّ القران العظیم،الّذی نزل به الرّوح الامین،و هو عندک فی امّ الکتاب علیّ حکیم،ان تشفینی بشفائک و تداوینی بداوائک،و تعافینی من بلائک.

سپس بر محمد و آل محمّد صلوات می فرستی. پنجم: از ابو حمزه روایت شده:دردی در زانویم عارض شد،شکایت آن را نزد حضرت باقر علیه السّلام بردم،فرمودند:هرگاه نماز بجا آوردی بگو:یا اجود من اعطی،یا خیر من سئل،و یا ارحمن من استرحم،ارحم ضعفی و قلّه حیلتی،و اعفنی من وجعی.گفت:آن را خواندم و عافیت یافتم.مؤلف گوید:ما در آغاز باب سوم دعاهایی را برای دردها و بیماری ها ذکر کردیم.

فصل نهم:در بعضی حرزها و عوذات است

آنچه در اینجا ذکر می شود شش چیز است: اول: روایت شده:شخصی خدمت حضرت صادق علیه السّلام از ابتلای به وحشت و ترس شکایت کرد،حضرت فرمود:آیا شما را به چیزی خبر ندهم که اگر آن را بگویید وحشت نخواهید کرد نه در شب و نه در روز؟به نام خدا و به خدا،و بر خدا توکّل کردم،که هرکه بر خدا توکّل کند، خدا او را بس است،به درستی که خدا به پایان رسانندۀ کار خویش است.خدای برای هر چیزی اندازه ای قرار داد،خدایا مرا در حمایت و جوارت و در امان و نگهداری ات قرار ده.روایت شده:مردی سی سال این دعا را می خواند شبی آن را ترک کرد،در آن شب عقرب او را گزید. دوم: کسی که شب را در خانه یا اتاقی تنها به روز آورد،ایه الکرسی بخواند و بگوید:

اللّهمّ انس وحشتی،و امن روعتی،و اعنّی علی وحدتی.

سوم: روایت شده:رسول خدا صلی اللّه علیه و آله حضرت حسن و حسین علیهما السّلام را به این کلمات تعویذ داد:شما را به کلمات کامل خدا، و همهٔ نامهای نیکوترش جملگی پناه می دهم از شرّ هر گزنده و خزنده،و از شرّ هر چشم بدچشم و از شرّ حسود آنگاه که حسد ورزد.آنگاه فرمود:حضرت ابراهیم علیه السّلام،اسماعیل و اسحاق را این چنین تعویذ می کرد.

چهارم: روایت شده:اصحاب رسول خدا صلی اللّه علیه و آله در بعضی از جنگ ها از آزار کیک ها خدمت آن حضرت شکایت کردند.فرمود:وقتی به خوابگاه خود می روند چنین بخوانند:ای سیاه جهنده ای که از هیچ دربند و دری باک نمی کند،به امّ الکتاب بر تو سوگند می دهم اینکه مرا و اصحابهم را میازاری،تا شب برود،و صبح با آنچه آورد بیاید. پنجم: از امیر مؤمنان علیه السّلام روایت شده:چون جانور درنده ای را مانند شیر و پلنگ و گرگ و امثال آنها دیدی بگو:اعوذ بربّ دانیال و الجبّ،من کلّ اسد مستأسد.و از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:چون جانور درنده دیدی در صورت او ایه الکرسی.بخوان و به او بگو:

تو را می خوانم به ارادهٔ استوار خدا،و ارادهٔ محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)،و ارادهٔ سلیمان بن داود،و ارادهٔ امیر مؤمنان علی بن ابی طالب(درود خدا بر او)و امامان پاکیزه(درود خدا بر ایشان)پس از امیر مؤمنان.ان شاء اللّه از تو روی گردان خواهد شد.

ششم: روایت شده:رسول خدا صلی اللّه علیه و آله به امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود:یا علی هرگاه به مهلکه یا بلایی دچار شدی بگو:بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

و لا حول و لا قوّه الاّ باللّه العلیّ العظیم.به درستی که خدا آنچه را از انواع بلا بخواهد از تو دور می کند.

فصل دهم:در بیان چند دعای مختصر که برای حوایج دنیا

و آخرت سودمند است و آنچه در اینجا ذکر می گردد سی دعاست.

اوّل: از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:بگو:خدایا قرارم ده از تو بترسم چنان که گویا می بینمت،و باتقوایت خوشبختم نما، و به نشاطم در نافرمانی ات بدبختم مکن،و برایم در داوری ات خیر قرار ده،و به من در تقدیرت برکت عنایت کن،تا دوست نداشته باشم دیر کردن آنچه شتاب داری،و شتاب آنچه را به تأخیر انداختی،و بی نیازی ام را در نهادم قرار ده،و بهرمندم کن به گوش و چشمم،و آن دو را وارث من قرار ده،و بر کسی که بر من ستم روا می دارد،یاری ام فرما،و دربارۀ او قدرتت را به من بنمایان ای پروردگار من و چشمم را به من آن روشن کن.

دوم: و از آن حضرت نقل شده:بگو:خدای بر هراس روز قیامت مرا یاری ده،و از دنیا سالم بیرون بر،و به همسرم در آور حور العین را،و از هزینۀ خود و عیالم و مردم کفایتم فرما،و مرا به رحمتت در بندگان شایسته ات وارد کن. سوم: این دعای شریف است که از گناهان حفظ می کند، و دربرگیرندۀ رستگاری در دنیا و آخرت است:به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،ای که زیبایی را آشکار کنی،و زشتی را بپوشانی،و از من پردۀ حرمت را نداری،ای بزرگوار گذشت،ای نیکو درگذرنده،ای فراخ آمرزش،ای به مهر گشاده دو دست،با رحمت،ای صاحب هر راز،ای نهایت هر گلایه،ای بزرگوار چشم پوش،

ای بزرگ احسان،ای آغاز کنندهٔ هر نعمت پیش از لیاقت آن،ای پروردگار،ای آقا،ای مولا،ای نهایت،ای فریادرس،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و از تو می خواهم که مرا در آتش دوزخ قرار ندهی آنگاه از حق تعالی هرچه می خواهی بطلب. چهارم: از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده:این دعا را خواند:خدایی تویی مورد اطمینان من در هر اندوه شدید،و تویی امید من در هر سختی،و تویی مورد اطمینان و ذخیره ام در هر امری که بر من فرود آمد،چه بسیار اندوه شدیدی که دل از آن ناتوان می شود،و چاره در آن کم می گردد،و خویش و بیگانه به آن کمک نمی دهد،و دشمن به خاطر آن زخم زبان می زند،و کارها در آن خسته ام می کند،آن را به درگاه تو آوردم،و از آن به تو شکایت نمودم،از غیر تو در آن رو گردانم پس آن را گشودی،و برطرف کردی،و مرا از آن کفایت نمودی،پس تویی سرپرست هر نعمت،و صاحب هر حاجت،و نهایت هر رغبت،ستایش بسیار تو راست،و احسان فزون تو راست.مؤلّف گوید:این دعا همان دعای رسول خدا صلی اللّه علیه و آله در روز بدر و احزاب،و دعای حضرت سیّدالشّهدا علیه السّلام در روز عاشورا است،و جز این دعا دو دعای دیگر از حضرت روایت شده که در روز عاشورا خواندند،یکی دعایی است که به حضرت سجاد علیه السّلام تعلیم فرمودند،زمانی که ایشان را به سینهٔ خود چسباند درحالی که از بدن مبارکشان خون می جوشید،و این دعا را برای حاجت و نیاز مهم و اندوه و بلای سخت و امر بزرگ دشوار می خوانند،و آن دعا این است::به حق یس و قرآن حکیم،و به حق ط و قرآن عظیم،ای که بر نیازهای خواهندگان توانایی،ای که آنچه در باطن است می دانی، ای خارج کنندهٔ غم و اندوه از گرفتاران،ای گشایندهٔ غم از غمناکان،ای رحم کننده به پیرمرد،ای روزی دهنده

به کودک صغیر،ای که نیاز به تفسیر نداری،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و با من چنین و چنان کن.و حاجت خود را بخواه. پنجم: از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده:دست خود را به جانب آسمان برداشت و گفت:

ای پروردگارم هرگز چشم برهم نهادنی مرا به خود وامگذار نه کمتر از این و نه بیشتر ششم: و از آن حضرت روایت شده:این کلمات را می گفت:بر آنچه تابش را ندارم و بر آن توان صبر برایم نیست به من رحم کن هفتم: از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده:بگو:

خداوندا به جلال و جمال و کرمت از تو می خواهم با من چنین و چنان کنی

هشتم: از فضل بن یونس نقل شده:موسی بن جعفر علیه السّلام به من فرمود که بسیار بگو:اللّهمّ لا تجعلنی من المعارین و لا تخرجنی من التّقتصیر

یعنی:خدایا مرا از کسانی که ایمانشان عاریه و ناپایدار است قرار مده،یا مرا از کسانی که آنها را به خودشان وانهادی،همانند چهارپایی که مهارش را به گردنش افکنند و او را به چرا کردن رها کنند،که هر کاری بخواهد بکند،و هرکجا بخواهد برود و مرا از تقصیر بیرون مکن،یعنی چنان مکن که من خود را مقصّر ندانم،بلکه چنان باشم که همیشه خود را مقصّر در گاه تو بدانم.

نهم: از حضرت باقر علیه السّلام روایت شده:حق تعالی مردی از بادیه را به سبب این دو کلمه که به آن دعا کرد آمرزید:

خدایا اگر عذابم کنی،من سزاوار آنم،و اگر بیامرزی ام تو شایستۀ آنی.

دهم: از داور رقّی روایت شده:از حضرت صادق علیه السّلام می شنیدم،بیشتر چیزی که در دعا به آن اصرار می ورزید،خدا را به حق پنج تن:محمّد و امیر مؤمنان و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام می خواند. یازدهم: از یزید ضایغ روایت شده:به حضرت صادق علیه السّلام گفتم:خدا را برای ما بخوان،حضرت این دعا را برای ما خواند:اللّهمّ ارزقهم

صدق الحدیث،و اداء الامانه،و المحافظه علی الصّلوات،اللّهمّ انّهم احقّ خلقک ان تفعله بهم،اللّهم افعله بهم. دوازدهم: این دعا را که امیر مؤمنان می خواند بخواند:

خدایا به توکّل بر خودت،و واگذاشتن به نگاهت،و خشنودی به تقدیرت،و تسلیم در برابر امرت بر من منّت گذار،تا شتاب آنچه را تأخیر انداختی،و تأخیر آنچه را در آن شتاب کردی دوست نداشته باشم،ای پروردگار جهانیان.

سیزدهم: روایت شده:جبرئیل خدمت رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله آمد و عرض کرد:پروردگارت می فرماید:هرگاه روز و شبی خواستی مرا عبادتی کنی،و حق عبادت را بجا آوری،دستهایت را به جانب من بلند کن و بگو:خدایا ستایش تو راست،ستایشی همیشگی با همیشگی ات،و ستایش تو راست ستایش که برایش پایانی جز علم تو نیست،و ستایش تو راست،ستایشی که جز خواست تو اندازه ای ندارد،و ستایش تو راست ستایشی که برای گوینده اش پاداشی جز خشنودی تو نیست،خدایا تو راست هر ستایشی،و هر احسانی،و هر فخری،و هر زیبایی،و هر نوری و هر عزّتی،و هر جبروتی،و هر عظمتی،و همۀ دنیا و همۀ آخرت،و هر شب و روزی،و همۀ خلق،و هر خیری به دست توست،و همۀ امور چه آشکار و چه نهان به سوی تو بازمی گردد،خدایا ستایش تو راست،ستایشی ابدی، تو نیکو آزمایشی،بزرگ ثنایی،کامل نعمتی،عادلانه حکمی،شایان عطایی،

نیکو نعمتهایی،معبودی در زمین و معبودی در آسمان،خدایا ستایش تو راست در هفت آسمان، و ستایش تو راست در زمین گسترده،و ستایش تو راست به طاقت بندگان،و ستایش تو راست به وسعت سرزمینها، و ستایش تو راست در کوهها آن میخهای زمین،و ستایش تو راست در شب آنگاه که بپوشاند،و ستایش تو راست در روز هنگامی که روشنی بخشد،و ستایش تو راست در آخرت و دنیا،و ستایش تو راست در سورۀ حمد و قرآن بزرگ، و منزّه است خدا به ستایشش اندرم و همۀ زمین در روز قیامت در دست اوست،و آسمانها به دست قدرتش پیچیده است،منزّه و برتر است از انچه شریکش نمایند،منزّه است خدا و به ستایشش اندرم،همه چیز هلاک شونده است جز جلوۀ او، منزّهی تو پروردگار ما،برتر و خجسته و مقدّسی،همه چیز را به قدرتت آفریدی، همه چیز را با عزّتت مقهور نمودی،و بالای همه چیز فراز آمدی به بلندی ات،و بر همه چیز چیره گشتی به نیرویت،و پدید آوردی همه چیز را به حکمت و علمت،و انبیا را برانگیختی با کتابهایت،و شایستگان را هدایت نمودی به اجازه ات،و مؤمنان را تأیید کردی به یاری ات،و خلق را مقهور کردی به سلطنتت،معبودی جز تو نیست،یگانه ای،برایت شریکی نیست،جز تو را عبادت نمی کنیم،و جز از تو نمی خواهیم،و رغبتی جز به تو نداریم،تو جایگاه گلایه ها،و نهایت رغبت معبود و مالک همه مایی.

چهاردهم: روایت شده:مردی از طولانی شدن اجابت دعایش نزد امیر مؤمنان علیه السّلام شکایت کرد،حضرت فرمود:چرا دعای

سریع الإجابه را نمی خوانی؟پرسید کدام دعاست؟فرمود:بگو:خدایا از تو می خواهم به اسم بزرگ بزرگتر محفوظ پنهان نور پایدار برهان آشکار آنکه نوری است با نور،و نوری است از نور،و نوری است در نور،و نوری است بر هر نور،و نوری است بالای هر نور،و نوری است که روشنی گیرد به آن هر تاریکی،و با آن هر سختی شکسته شود،و هر شیطان گردنکشی،و هر جبّار لجبازی،نوری که هیچ زمینی با وجود آن قرار نگیرد،و هیچ آسمانی با وجود آن نایستد،هر هراسنده ای به آن ایمنی یابد،و سحر هر جادوگری به آن باطل می شود،و به آن تجاوز هر متجاوزی،و حسد هر حسدورزی از بین می رود،و در برابر عظمتش خشکی و دریا می شکافد،و حمل می کند آن را کشتی،زمانی که فرشته به آن سخن می گوید،پس برای موج بر کشتی راهی نباشد،و آن نام توست نام بزرگتر بزرگتر برجسته تر برجسته تر،نور اکبر،که خود را به آن نامیدی،و با آن بر عرشت استوار شدی،و به محمّد و اهل بیتش به تو رو می کنم و از تو می خواهم به حق تو و به حق ایشان اینکه بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و با من چنین وچنان کنی.و بجای کذا و کذا حاجت بخواهد.

پانزدهم: از عمرو بن ابی المقدام روایت شده:حضرت صادق علیه السّلام این دعا را بر من املا کرد،و این دعا جامع دنیا و آخرت است، پس از حمد و ثنای خدای عزّ و جلّ می گویی:خدایا تویی خدا،معبودی جز تو نیست،بردبار و بزرگوار،و تویی خدا،معبودی جز تو نیست،عز و حکیم،و تویی خدا،معبودی جز تو نیست یگانه و

قهّار،و تویی خدا،معبودی جز تو نیست،فرمانروا و جبّار،و تویی خدا،معبودی جز تو نیست، مهربان و آمرزشگر،و تویی خدا،معبودی جز تو نیست،سخت قدرت،و تویی خدا معبودی جز تو نیست بزرگ و برتر،و تویی خدا معبودی جز تو نیست شنوا و بینا،و تویی خدا معبودی جز تو نیست توانمند و توانا،و تویی خدا،معبودی جز تو نیست آمرزنده و قدردان،و تویی خدا معبودی جز تو نیست،ستوده و بزرگوار،و تویی خدا معبودی جز تو نیست،بی نیاز و ستوده،و تویی خدا معبودی جز تو نیست،آمرزنده و دوستدار،و تویی خدا،معبودی جز تو نیست،پرمهر و پر احسان،و تویی خدا،معبودی جز تو نیست،بردبار و جزادهنده،و تویی خدا،معبودی جز تو نیست،بخشنده و شکوهمند، و تویی خدا،معبودی جز تو نیست،یگانه و یکتا،و تویی خدا،معبودی جز تو نیست،پنهان و پیدا،و تویی خدا،معبودی جز تو نیست،آشکار و نهان،و تویی خدا،معبودی جز تو نیست،دانای به هر چیز،کامل است نورت،پس هدایت کردی،و دست لطفت را گشودی پس عطا نمودی،پروردگار ما جلوهٔ تو گرامی ترین جلوه ها است،و سویه ات بهترین سویه ها است،و بخششت برترین بخششها،و گواراترین آنهاست،پروردگارا اطاعت شوی پس قدردانی کنی،و نافرمانی شوی،پس بیامرزی هرکه را که بخواهی،درماندگان را اجابت نمایی،و بدی را برطرف کنی،و توبه را بپذیری،و از گناهان گذشت نمایی،عطاعایت پاداش داده نمی شود،و نعمتهایت به شماره نیاید،و گفتار

ص:1045

گوینده ای به ثنایت نرسد.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و در فرجشان،و آسودگی و راحتی و شادی شان شتاب فرما،و طعم فرجشان را به من بچشان،و دشمنانشان را از جنّ و انس نابود کن،و به ما در دنیا و آخرت حسنه عنایت فرما،و از عذاب آتش حفظ کن،و ما را از کسانی که خوفی بر آنان نیست،و اندوهگین نمی شوند قرار ده،و ما را از کسانی بدار که صبر کردند،و بر پروردگارشان توکّل می کنند، و مرا در دنیا و آخرت به گفتار ثابت پابرجا دار،و به من برکت ده،در زندگی و مرگ و جایگاه آن جهان، و بازگشت دوباره،و کنار حساب و میزان،و هراسهای روز قیامت،و بر صراط سالمم بدار، و از آن بگذرانم،و نصیب من فرما دانش سودمند و یقین صادقانه و تقوا و نیکی و پارسایی و بیم از خود،و ترسی که مرا به مقام قرب تو برساند و از تو دورم نسازد،و دوستم بدار،و دشمنم مدار،و سرپرستم باش،و مرا وا مگذار،و از همهٔ خیر دنیا و آخرت،آنچه که از آن دانستم و ندانستم به من عطا فرما،و از همهٔ بدیها به تمامی اش آنچه را از آن دانستم و ندانستم پناهم ده. شانزدهم: از معاویه بن عمّار نقل شده:

به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم:آیا مرا به آموختن دعایی اختصاص نمی دهی؟فرمود:چرا،بگو:ای یگانه،ای بزرگوار، ای یکتا،ای بی نیاز،ای که نزاد،و زاده نشده،و احدی همتایش نیست،ای عزیز،ای بزرگوار،ای پرمهر،ای شنوای دعاها،ای بخشنده ترین کسی که درخواست شد،ای بهترین کسی که عطا کرد،ای خدا ای خدا ای خدا،فرمودی:

نوح ما را خواند،پس،چه خوب پاسخگویی بودیم.آنگاه حضرت فرمود:رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله می گفت:

آری همانا تو خوب پاسخ گویی هستی،و خوب خوانده شده ای می باشی،و خوب درخواست شده ای،به نور جلوه ات از تو می خواهم، به عزّت و قدرت و جبروتت از تو می خواهم،به ملکوت و دژ محکم و جمع و همهٔ پایه هایت از تو درخواست می کنم،و به حق محمّد و به حق جانشینان پس از محمّد اینکه بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و با من چنین وچنان کنی هفدهم: روایت شده:شخصی از مردم کوفه معروف به ابو جعفر، به حضرت صادق علیه السّلام عرض کرد:به من دعایی بیاموز،که آن را بخوانم،فرمود:بگو:ای که برای هر خیری امیدوار به اویم،ای که نزد هر دشواری از خشمش ایمنم،ای که در برابر اندک،بسیار عطا می کند،ای که هرکه از او خواست،از روی مهر و رحمتش بخشید،ای که هر که از او نخواست،و او را نشناخت عطا فرمود،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست، و به درخواستم از همهٔ خیر دنیا،و همهٔ خیر آخرت به من عطا کن،زیرا کاستنی نیست آنچه را که به من عطا کنی،و از فراخی فضلت به من بیفزا ای کریم. هجدهم: روایت شده:حضرت باقر علیه السّلام این دعا را به برادرش عبد اللّه بن علی تعلیم فرمود:

خدایا گمانم را رفعت ده،تا از مرحله سوء ظن به فضای حسن ظن بالا رود،و دربارهٔ من دشمنی و حسودی را به طمع مینداز،و مرا در حال ایستاده و نشسته،و در بیداری و خواب حفظ فرما،خدایا مرا بیامرز،و به من رحم کن،و مرا به راه استوارترت هدایت فرما،و از سوزش دوزخ حفظ کن،و سنگینی بدهی و گناه را از من فرو ریز،و مرا از خوبان جهان قرار ده. نوزدهم: روایت شده:

این دعای إلحاح[پافشاری در طلب]است:خدایا پروردگار آسمانهای هفتگانه،و آنچه در میان آنهاست،و پروردگار عرش بزرگ،و پروردگار جبرئیل و میکاییل و اسرافیل،و پروردگار قران باعظمت،و پروردگار محمّد خاتم پیامبران،از تو درخواست می کنم به حق آنچه آسمان به آن می ایستد،و زمین به آن می ایستد،و با آن بین جمع را جدایی می اندازی،و با آن میان پراکنده را جمع می نمایی،و با آن به زنده ها روزی می دهی،و با آن عدد ریگ ها و وزن کوهها و پیمانه دریاها را شماره کردی سپس بر محمّد و آل محمد صلوات می فرستی،و حاجت خود را می خواهی،و در طلب حاجتت پافشاری و اصرار می ورزی بیستم: از ثقۀ جلیل ابن أبی یعفور روایت شده:حضرت صادق علیه السّلام این دعا را می خواند:خدایا دلم را از محبّتت،و خشیتت،و تصدیق و ایمان به حقیقتت، و هراس از حضرتت،و شوق به سویت پر کن،ای صاحب عظمت و اکرام،خدایا لقایت را محبوب من گردان، و در لقایت بهترین رحمت و برکت را برای من قرار ده،و مرا به شایستگان بپیوند،و همراه اشرار در پی ام مینداز،و به شایستگانی که درگذشتند برسان،و با شایستگانی که مانده اند قرارم ده،و مرا به راه شایستگان ببر،و مرا بر خویشتن یاری ده،و آن طور که شایستگان را بر خویشتنشان یاری می دهی،و مرا در آن بدی که از آن نجاتم دادی باز مگردان،ای پروردگار جهانیان،از تو ایمانی می خواهم،که برایش مدّتی جز لقای تو نباشد، بر آن زنده ام بداری و بمیرانی،و مرا بر آن برانگیزانی زمانی که بر می انگیزیم،و دلم را از ریا و شهرت طلبی،

تردید در دینت پاک کن،خدایا به من عطا کن،پیروزی در دینت،و نیرو در عبادتت،و فهم در آفرینشت،و دو بهره از رحمتت،و رویم را به نورت سپید کن،و شوقم را در آنچه نزد توست قرار ده، مرا در راه خود بر پایۀ آیینت و آیین رسولت بمیران،خدایا از بی حالی و پیری و ترس و بخل و بی خبری و سنگدلی و سستی و مسکنت به تو پناه می آورم،ای پروردگارم،از نفسی که سیر نمی شود، و قلبی که بیم نمی کند،و دعایی که اجابت نمی شود،و نمازی که سود نمی بخشد به تو پناه می آورم،و خود،و خاندان و فرزندانم را از شیطان رانده شده به پناه تو می دهم،خدایا احدی جز تو مرا پناه ندهد،و من جز تو پناهگاهی نمی یابم،پس مرا وا مگذار،و به هلاکت باز مگردان،و به عذاب رد مکن، پایداری در دینت،و تصدیق به کتابت،و پیروی رسولت را از تو می خواهم،خدایا مرا به رحمتت یاد کن،و به خطایم یاد مکن،و از من بپذیر،و از فضلت بر من بیفزا،من مشتاق توام، خدایا پاداش گفتارم و ثواب مجلسم را خشنودی ات از من قرار ده،و عمل و دعایم را برای خود خاص گردان.و به رحمتت پاداشم را بهشت قرار ده،و همۀ آنچه از تو خواستم را برایم جمع کن،و از فضلت بر من بیفزا،من مشتاق توأم.خدایا ستارگان پنهان شدند،و دیده ها به خواب رفتند،و تو زنده و پاینده ای،شب تاریک از تو چیزی را نمی پوشاند،و نه آسمانها دارای برج ها،و نه زمین دارای گستردگی،

ص:1049

و نه دریای ژرف،و نه تاریکیهایی که بعضی بالای بعضی دیگرند رحمتت را شبانه بر هر که از بندگانت بخواهی فرو می فرستی،خیانت دیده ها را،و آنچه سینه ها پنهان می کند می دانی،گواهی می دهم به آنچه خود بر خود گواهی دادی،و فرشتگانت و صاحبان دانش گواهی دادند،که معبودی جز تو نیست،عزیزی و حکیم،و هر که گواهی نداد به آنچه بر خود گواهی دادی و فرشتگانت و صاحبان دانش گواهی دادند،گواهی مرا به جای گواهی او بنویس،خدایا تویس سلام،و از توست سلام،از تو می خواهم ای دارای شوکت و اکرام،اینکه مرا از آتش دوزخ برهانی.مؤلّف گوید:این دعا را شیخ طوسی در کتاب«مصباح» بعد از رکعت چهارم نافلۀ شب ذکر فرموده:و علاّمۀ مجلسی روایتی از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرده:این دعا را در نماز وتر بخوان. بیست و یکم: روایت شده:این دعای ابو ذر است که جبرئیل دربارۀ آن به حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله عرض کرد:

نزد اهل آسمان دعایی معروف است:اللّهمّ انّی اسالک الامن و الایمان و التّصدیق بنبیّک و العافیه من جمیع البلاء،و الشّکر علی العافیه و الغنی عن شرار النّاس. بیست ودوم: از ابو حمزه روایت شده:این دعا را از حضرت باقر علیه السّلام گرفتم،و آن حضرت این دعا را جامع می نامید:به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه و بی شریکت است،و گواهی می دهم که محمّد بنده و فرستادۀ اوست،به خدا،و همۀ فرستادگانش،و همۀ آنچه که بر تمام فرستادگان نازل شد ایمان آوردم،و اینکه وعدۀ خدا،و لقایش حق است،و خدا راست گفت و

فرستادگان رساندند،و سپاس خدای را پروردگار جهانیان.و تنزیه خدای را هر زمان که چیزی خدا را تنزیه کند،و آن چنان که خدا دوست دارد تنزیه شود،و ستایش خدای را،هر زمان که موجودی او را ستایش کند،و آن چنان که خدا دوست دارد ستایش شود،و معبودی جز خدا نیست هر زمان که چیزی خدا را تهلیل گوید،و آن چنان که خدا دوست دارد تهلیل شود،و خدا بزرگ تر است،هر زمان که چیزی خدا را بزرگ شمارد،و آن چنان که خدا دوست دارد بزرگ شمرده شود.خدایا از تو می خواهم،کلیدهای خیر و انجامهایش را،و فراوانی و فایده ها و برکاتش را،و انچه به دانستنش دانشم رسید،و آنچه قدرت حافظه ام از شماره اش کوتاه آمد،خدایا اسباب شناختش را برایم روشن کن،و درهایش را برایم بگشا،و برکات رحمتت را بر من بپوشان،و به بازدارندگی از برکنار شدن از دینت بر من منّت گذار،و دلم را از شکّ پاک فرما،و قلبم را به دنیایم،و زودگذر زندگی ام را از دیر رسیدن پاداش آخرتم سرگرمم مکن،و دلم را به نگهداری آنچه ندانستنش را از من نپذیری مشغول کن،و زبانم را برای هر خیر رام کن،و دلم را از ریا پاک گردان،و آن را در مفاصلم جریان مده،و علمم را برای خویشتن خالص گردان.

خدایا به تو پناه می آورم،از شرّ،و انواع همۀ کارهای زشت،آشکار و نهانش،و غفلتهایش، و همۀ آنچه شیطان رانده شده مرا به آن قصد می کند،و آنچه سلطان لجباز مرا به آن اراده می نماید،از آنچه به دانستن آن احاطه داری،و حضرتت به بازگرداندنش از من توانایی،خدایا به تو پناه می آورم از راهزنان شبانۀ جنّ و انس،و پرخاش جویی هایشان،و شرورشان،و توطئه هایشان،و حضورگاه های بدکاران جنّ و انس،و

ص:1051

و اینکه از دینم لغزانده شوم،در نتیجه آخرتم تباه گردد،و اینکه این امر از جانب آنان زیانی در زندگی ام باشد، یا مرا از سوی ایشان بلایی عارض شود،که طاقتش را ندارم،و شکیبایی تحملش برایم نیست،بنابراین ای معبود من به رنج آن دچارم مساز،تا از یادت بازم دارد،و از عبادتت مانعم شود،از همهٔ اینها تنها تویی نگهدار،بازدارنده،دورکنندهٔ نگاهبان،خدایا رفاه در زندگی را تا زنده ام داری از تو می خواهم، آن زندگی که به وسیلهٔ آن بر طاعتت نیرومند شوم،و با آن به خوشنودی ات دست یابم،و فردا به سبب آن به سوی خانه زندگانی جاودان بروم،مرا رزقی روزی مکن که به طغیانم افکند،و به فقری دچار مساز که به سبب آن بدبخت شوم،درحالی که زندگی بر من تنگ گرفته شود،در آخرتم بهره شایان به من عطا فرما،و در دنیایم معاش گستردهٔ گوارای لذیذ به من مرحمت کن،دنیا را زندان من مساز،و فراقش را برای من سبب اندوه مکن،از فتنه هایش پناهم بده،عملم را در آن پذیرفته،و کوششم را قدردانی شده قرار بده،خدایا و هرکس مرا به بدی اراده کرده،به مانندش او را اراده کن،و هرکه درباره ام بداندیشی نموده،تو هم با او چنان کن،و اندوه کسی که اندوهش را بر من وارد نموده از من بازگردان،و با هرکه مکرم کند مکر کن،که تو بهترین مکرکنندگانی،دیدگان کافران ستمگر، و سرکشان حسود را نسبت به من کور کن،خدایا از جانب خود آرامش بر من فرو فرست،و زره محکمت را به من بپوشان،و مرا به پوشش نگهداریت نگاه بدار،و عافیت سودمندت را در بر من کن،و گفتار و کردارم را تصدیق کن،و مرا در فرزند و خاندان و دارایی ام برکت ده،خدایا آنچه پیش فرستادم،و پس از این

می فرستم،و آنچه در آن غفلت ورزیدم،و آنچه عمد داشتم و سستی کردم،و آشکار نموده،و پنهان کردم،برایم بیامرز، ای مهربان ترین مهربانان. بیست و سوم: از محمّد بن مسلم روایت شده:حضرت باقر علیه السّلام فرمود بخوان:

خدایا در روزی ام بر من وسعت ده،و عمرم را طولانی کن،و گناهم را بیامرز،و مرا از کسانی قرار ده که به آنها دینت را یاری دهی،و مرا با دیگری جایگزین مکن. بیست و چهارم: روایت شده:حضرت صادق علیه السّلام این دعا را می خواندند:ای آنکه اندک را قدردانی می کنی،و از بسیار،درمی گذری،و او آمرزنده و مهربان است، گناهانی را که خوشی هایش از میان رفته،و مکافاتش همچنان مانده برایم بیامرز. بیست و پنجم: و نیز روایت شده:آن حضرت این دعا را می خواندند:ای نور،ای بسیار مقدّس،ای آغاز آغازها،و ای پایان پایانها،ای بخشاینده،ای مهربان،برایم بیامرز گناهانی را که نعمتها را دگرگون می سازد،و گناهانی را که انتقامها را فرود می آورد،و گناهانی را که پرده ها را می درد،و گناهانی را که بلاها را نازل می نماید،و گناهانی را که دشمنان را پیروز می کند،و گناهانی را که نابودی را زود می آورد،و گناهانی را که امید را قطع می کند،و گناهانی را که هوا را تاریک می کند،و گناهانی را که پرده های حرمت را کنار می زند،و گناهانی را که دعا را باز می گرداند،و گناهانی را که از باران آسمان پیش گیری می کند. بیست و ششم: و نیز این دعا از آن حضرت نقل شده:

ص:1053

یا عدّتی فی کربتی،و یا صاحبی فی شدّتی،و یا ولیّ فی نعمتی،و یا غیاثی فی رغبتی و آن حضرت فرموده:این دعا دعای امیر مؤمنان علیه السّلام است:خدایا آثار را نوشتی،و اخبار را دانستی،و بر اسرار آگاه شدی،و میان ما و دلها پرده شدی،پنهان نزد تو آشکار است،دلها به درگاهت راز گشاده اند،و تنها فرمانت برای چیزی آنگاه که آن را اراده کنی،این است که به او بگویی باش،پس بشود،بنابراین از باب رحمتت به طاعتت بگو در هر عضوی از اعضای من واردا شود،و از من جدا نشود، تا تو را ملاقات کنم،و از باب رحمتت به معصیتت بگو از هر عضوی از اعضای من خارج شود،و به من نزدیک نگردد تا تو را ملاقات کنم،و از دنیا نصیبم ده،و در ان بی رغبتم کن،و از آن درحالی که رغبت در آن دارم محرومم منما،ای بخشاینده. بیست و هفتم: علی بن ابراهیم از پدرش،از ابن محبوب،از علاء بن رزین،از عبد الرحمن بن سیّابه روایت کرده:حضرت صادق علیه السّلام این دعا را به من عطا فرمود:ستایش خدای را،سرپرست ستایش و شایستۀ ستایش و نهایت و جایگاه آن است،اخلاص ورزید آنکه یگانه اش دانست،و ره یافت آنکه او را پرستید،و رستگار شد آنکه از او اطاعت نمود،و چنگ زننده به او ایمنی یافت، خدایا ای دارای بخشش و بزرگواری،و ثنای نیک و ستایش،از تو می خواهم،خواستن کسی که با تمام وجودش برایت فروتن گشته،و خود را در برابرت خوار نموده،و چهره اش را برایت به خاک ساییده،و جانش را برایت به خواری افکنده،و اشکهایش از بیمت جاری گشته،و سرشکش پیاپی ریزان شده،و به گناهانش در برابرت اعتراف کرده،و خطایش او را نزد تو رسوا نموده،

و جنایتش او را نزد تو زشت ساخته،پس کنار این امور نیرویش ضعیف شده،و چاره اش کم گشته،و وسایل نیرنگهایش از او بریده،و هر باطلی از او پاشیده شد،و گناهانش او را به خواهی مقامش در برابرت،و خضوع در پیشگاهت،و زاری به سویت وادار نموده است،از تو می خواهم خدایا،خواستن آنکه به منزلۀ اوست،به تو رغبت می نمایم مانند رغبت او،و زاری می کنم به پیشگاه تو مانند زاری او،و ناله می کنم به درگاهت به شدیدترین نالۀ او، خدایا به درماندگی گفتارم،و خواری مقام و جایگاهم،و به خضوع به درگاهت با همۀ وجودم رحم کن، از تو می خواهم خدایا،هدایت از گمراهی را،و بینایی از کوردلی را،و رشد از بیراهه را، و از تو می خواهم خدایا ستایش بسیار را هنگام آسایش،و صبر زیباتر را به گاه مصیبت،و شکر برتر را در جایگاه شکر،و تسلیم تو شدن را به هنگام شبهه ها،و از تو می خواهم نیرومندی در طاعتت،و سستی از معصیتت،و گریز به سویت را از خویش،و تقرّب به حضرتت را پروردگارا تا راضی شوی،و جستجو کردن از هرچه که تو را از من خشنود می سازد،در به خشم آوردن بندگانت،از روی طلب خشنودی ات پروردگارا به که امید بندم،اگر به من رحم نکنی،یا که از من احوال گیرد،اگر مرا دورم کنی،یا کیست که گذشتش به من سود دهد،اگر تو مجازاتم نمایی،یا کیست که عطاهایش را آرزو کن،اگر محرومم کنی،یا کیست که کرامتم را به دست گیرد،اگر تو مرا پست نمایی،یا کیست که سبک داشتنش به من زیان رساند،اگر تو مرا گرامی داری؟پروردگارا چه بد است رفتارم،و چه زشت است کردارم،و چه دراز است آرزویم،و چه

کوتاه است عمرم،و چه گستاخم بر نافرمانی کسی که مرا آفرید؟ پروردگارا،چه نیکوست آزمایشت پیش من،و آشکار است نعمتهایت بر من،نعمتهایت بر من زیاد شد،نمی دانم آنها را شماره کنم،و در آنچه سزاوار احسانم کردی سپاسم کم شد،به نعمتها راه فساد پیش گرفتم،و خود را در معرض انتقام قرار دادم،از ذکر غافل شدم پس از دانایی به مرکب نادانی سوار گشتم،از عدالت به سوی ستم گذشتم،و از نیکی به گناه تجاوز کردم،و از ترس از عاقبت و اندوه بر خود به دنیای لهو و بازی بازگشتم،پس چه کوچک است خوبی هایم،و کم است در برابر کثرت گناهانم،و چه بزرگ است آنها در کنار کوچکی خلقتم،و سستی بنیادم؟ پروردگارا چه دراز است آرزویم،در برابر کوتاهی عمر،و چه کوتاه است عمرم در برابر دوری آرزویم،و چه زشت است باطنم در برابر ظاهرم؟ پروردگارا حجّتی ندارم اگر احتجاج کنم،و عذر قابل قبولی برایم نیست،اگر عذرخواهی کنم،و سپاسی نزد من نیست اگر آزمایش شوم یا مورد احسان قرار گیرم،اگر بر سپاس آنچه به من احسان کردی یاری ام ندهی،پروردگارم فردای قیامت چه سبک است میزان کارهایم اگر ان را سنگین نکنی،و چه لغزان است زبانم،اگر استوارش ننمایی،و چه سیاه است رویم اگر سپیدش نکنی،پروردگارا چه کنم با گناهانم که از من سرزده و پایه های هستی ام در برابر آنها درهم شکسته،چگونه شهوات دنیا را طلب می کنم،و بر محرومیتم از انها می گریم،درحالی که نمی گریم و شدید نمی شود حسرتهایم بر عصیان و تقصیر؟پروردگارا داعیان دنیا و دعوتم کردند،با شتاب اجابت نمودم، و به میل و رغبت به آن دل بستم،داعیان آخرت دعوتم نمودند،از آن باز ماندم ماه از پاسخ دادن و شتاب به سوی

آن کندی کردم،چنان که به جانب دواعی دنیا،و کالای پوسیده اش،و گیاه فناپذیرش،و نمای از بین رونده اش شتافتم!!پروردگارا مرا بیم دادی و تشویق نمودی،و بر من به بندگی ام احتجاج کردی،و عهده دار روزی ام شدی،به نادرستی از بیممت ایمن شدم،و از تشویقت بازماندم،و بر ضمانتت اعتماد نکردم،و احتجاجت را سبک انگاشتم!!خدایا ایمنی ام را از تو در این دنیا هراس قرار ده،و بازماندنم را به شوق تبدیل کن،و سبک شمردنم را نسبت به حجّتت به بیم از خودت بازگردان،سپس از روزی ات به آنچه نصیب من نموده ای خشنودم کن،ای بزرگوار،از تو می خواهم به حق نام بزرگت،خشنودی ات را هنگام خشم،و گشایش را زمان گرفتاری،و نور را به گاه تاریکی،و بصیرت را وقت مشتبه شدن فتنه،پروردگارا سپرم را از خطاهایم محکم گردان،و درجاتم را در بهشت بلند فرما،و همگی اعمال را پذیرفته قرار ده،و حسناتم را چند برابر و پاک گردان.به تو پناه می آورم از همهٔ فتنه ها چه آنچه آشکار است چه پنهان،و از خوراکیها و آشامیدنی های فاخر و گران قیمت،و از شرّ آنچه می دانم،و نمی دانم.و به تو پناه می آورم،از اینکه بخرم نادانی را به دانش،و جفا را به بردباری،و ستم را به عدالت،و قطع رحم را به نیکی،و بی تابی را به شکیبایی،و هدایت را به گمراهی،و کفر را به ایمان.

مؤلّف گوید:این دعا مشتمل بر مضامین بلندی است،و عبد الرحمن بن سیابه همان کسی است،که حضرت صادق علیه السّلام او را وصیت سودمندی فرموده که بیانش در اینجا شایسته است،عبد الرحمن نقل کرده:وقتی پدرم سیابه از دنیا رفت،مردی از دوستانش در منزل ما را کوبید،من به سویش رفتم،به من تسلیت گفت سپس پرسید:پدرت

چیزی برای شما گذاشته؟گفتم:نه !کیسه ای که هزار دهم در آن بود به من داد و گفت نیکو محافظت کن و با آن به کسب معاش برخیز،من خوشحال شده،نزد مادرم رفتم،و او را به این مسئله خبر دادم،در پایان آن روز نزد یکی از دوستان پدرم رفتم که برای من کسی مهیّا کند،او برایم سرمایه ای از جامه های سابری خرید،در مغازه ای نشستم،و مشغول کسب شدم حق تعالی مرا از آن کسب خیر بسیاری نصیب فرمود،وقت حج رسید،به قلبم افتاد به حج روم،نزد مادر رفته و او را به حجّ رفتنم خبر کردم،مادر گفت هزار دهم آن مرد را بازگردان،پول آن مرد را تهیه و به او پرداختم،مانند اینکه پول را به و بخشیدم خوشحال شد و لی به من گفت:شاید پولی که به تو دادم کم بوده،و نتوانستی با آن کسب کنی،اگر خواهی بیش از این در اختیارت بگذارم،گفتم نه،قصد حجّ دارم،خواستم پول شما را بازگردانم،به مکه رفتم،اعمال حج را بجا آوردم،به مدینه شرفیاب شدم و با گروهی از مدرم در وقتی که اذن عام می دادند خدمت حضرت صادق علیه السّلام رفتم،چون جوان بودم و ناشناخته،آخر جمعیت نشستم،مردم شروع به پرسش کردند،و حضرت پاسخ آنان را لطف می فرمود،پس از گرفتن جواب می رفتند،تا جمعیّت کم شد،حضرت به جانب من اشاره کردند و فرمودند:آیا حاجتی داری؟گفتم:فدایت شوم،من عبد الرحمن بن سیابه هستم.احوال پدرم را پرسیدند.گفتم:از دنیا رفت،محزون و غمگین شدند،گویا حضرت را دردی گرفت،فرمودند:خدا او را رحمت کند.پرسیدند:چیزی گذاشت؟گفتم:نه.

فرمودند:از کجا توانستی به حج بیایی؟قصه آن مردی را که هزار درهم به من داد شروع کردم،حضرت فرصت تمام کردن قصه را ندادند و فرمودند:حج آمدی،هزار درهم آن مرد را چه کردی؟گفتم:به صاحبش بازگردانم.فرمود:

احسنت،سپس فرمود:آیا تو را وصیّتی نکنم؟گفتم:چرا،فرمودند:به راستی در گفتار،و ادای امانت ملازمت کن تا با مردم در اموالشان شریک شوی،آنگاه بین دو انگشت خود را جمع کرد،یعنی اگر گفتارت صادقانه شد، و دروغ نگفتی،و خلاف وعده نکردی،و در موعد معیّنی که وعده کردی مال مردم را بازگردانی،و حق مردم را نخوری از مردم هرچه بخواهی به تو می دهند،روی این حساب،به خاطر امانت و صداقتی که در تو وجود دارد شریک مردم در اموالشان می شوی.من این وصیت را از حضرت حفظ کردم،یعنی به آن عمل کردم،و آن قدر مال یافتم که

زکات سیصد هزار دهم را پرداختم.در روایت دیگری وارد شده:این دعای حضرت علی بن الحسین علیه السّلام است و در پایانش این اضافه قرار دارد:امین ربّ العالمین.

بیست و هشتم: از ابن محبوب روایت شده:حضرت صادق علیه السّلام این دعا را تعلیم شخصی فرمود که بخواند:

خدایا از تو می خواهم به حق رحمتت که به آن نرسند جز به خشنودی تو و خارج شدن از همهٔ نافرمانهایت و ورود در هر آنچه که تو را خشنود می سازد،و نجات از هر چاه هلاکتی،و بیرون شدن از هر گناه کبیره ای که عمدی آن را از من به میان آورده،یا خطایی مرا به آن لغزانده،یا وسوسه های شیطان به خاطرم افکنده،از تو هراسی می خواهم که مرا به وسیلهٔ آن بر مرزهای خشنودی ات بازداری،و با آن هر شهوتی را از من که هوسم آن را به خاطر اندازد و به آن رأیم لغزانده شود تا از مرز حلالت درگذرم پراکنده نمایی،خدایا از تو می خواهم به نیکوترین چیزی که از من می دانی از من بپذیری،و به هرچه که از من می دانی،یا خطا کنم از آنجا که نمی دانم،یا از آنجا که می دانم واگذاری،از تو می خواهم وسعت در روزی،و قناعت بر مقدار کفاف،و در آمدن با منطق روشن از هر شبهه،و درستی در هر دلیل،و راستی در همه میدانها و انصاف دادن به مردم از جانب خود،در آنچه به زیان یا سود من است،و فروتنی در دادن انصاف در تمام مراحل خشم و خشنودی،و ترک تجاوز چه اندک و چه بسیارش از جانب خود در گفتار و کردار،و تمام کردن نعمتهایت در همه چیز،و سپاس گذاری ات بر آنها، تا خشنود شوی و فوق خشنودی،و از تو خیر می خواهم در هرچه در آن خیر است،به تمام کارهای آسان

نه به دشوارش،ای بزرگوار،ای بزرگوار،در کاری که در آن تندرستی کامل و گشایش است برایم بگشا،و درش را برایم بگشا،و بیرون آمدنش را برایم آسان کن،و هرکه را از بندگانت مقدر نموده ای بر من قدرتی داشته باشد،گوشش و چشمش،و زبانش و دستش را از من باز گیر،و او را از جانب راست و چپ و پشت سر و پیش رویش بگیر،و از این که به من بدی برساند بازش بدار،پناهنده ات عزیز است،و ثنای جلوه ات بس برجسته است، معبودی جز تو نیست،تو پروردگار منی،و من بندۀ توام،خدایا تو در هر گرفتاری امید منی،و در هر سختی اطمینان منی،و تو در هر حادثه ای که بر من وارد شود،برای من تکیه گاه و ذخیره ای،چه بسا گرفتاری که دل از آن ناتوان شود، و چاره در آن گم گردد،و دشمن به آن شماتت نماید،و مرا در آن گرفتاری،وسایل به زحمت اندازند.آن را نزد تو آوردم،و شکایتش را نزد تو نمودم،در آن از غیر تو به تو رغبت دارم،به تحقیق آن را گشودی،و از آن کفایت کردی پس تویی سرپرست هر نعمت،و یاور هر حاجت،و نهایت هر رغبت،ستایش بسیار تو راست،و احسان برتر از آن توست بیست و نهم: به سند معتبر روایت شده:حضرت صادق علیه السّلام این دعا را به ابو بصیر تعلیم داد که بخواند:

خدایا از تو می خواهم،گفتار توبه کاران و عملشان را،و نور پیامبران و صدقشان را،و نجات جهادکنندگان و پاداششان را،و شکر برگزیدگان و خیرخواهی شان را،و کردار ذاکران و یقینشان را،و ایمان دانشمندان و فهمشان را،و بندگی فروتنان و تواضعشان را،و حکم فقیهان و روششان را،و ترس پرهیزگاران و

ص:1060

شوقشان را،و باور مؤمنان و توکّلشان را،و امید نیکوکاران و نیکوکاری شان را،خدایا از تو می خواهم پاداش شاکران،و مقام مقرّبان،و رفاقت پیامبران را،خدایا از تو می خواهم ترس کارکنان برایت، عمل بیم داران از حضرتت،و خشوع عابدان درگاهت،و یقین متوکّلان بر ذاتت،خدایا به حاجتم دانایی بی آنکه آموخته باشی،و تو به برآوردنش بدون هیچ زحمتی توانایی،و تویی که هیچ سائلی خسته ات نکند،و عطابخشی از تو نکاهد،و گفتار گوینده ای به ستایشت نرسد،تو چنان که خود می گویی،و برتر از آنکه ما می گوییم،خدایا برایم گشایش نزدیک و پاداش بزرگ و پرده پوشی زیبا قرار بده،خدایا تو می دانی که من با وجود ستم بر نفسم،و زیاده روی به زیان خوشتنم،برای تو ضدی و همتایی و فرزندی برنگرفتم،ای که درخواستها او را به اشتباه نیندازد، و ای که چیزی از چیزی سرگرمش نکند،و نه گوش دادنی از گوش دادنی دیگر،و نه دیدنی از دیدنی دیگر،و اصرار اصرارکنندگان به ستوهش نیاورد،از تو می خواهم در این ساعت از جایی که گمان می برم،و از جایی که گمان نمی برم به من گشایش دهی،تو استخوانها را زنده می کنی درحالی که پوسیده است،زیرا تو بر هر چیز توانایی،ای که سپاسم برای او کم شد ولی محرومم نکرد، و خطایم بزرگ شد ولی رسوایم ننمود،و مرا بر انجام گناهان دید ولی دست رد به سینه ام نزد،و مرا آفرید برای آنچه مرا برای آن آفرید ولی رفتاری غیر از آنچه برای آن آفرید انجام دادم،پس چه خوب مولایی هستی تو ای آقای من،و بد بنده ای

هستم من،مرا یافتی،و چه خوب جوینده ای هستی تو ای پروردگارم،و چه بدطلب شده ای هستم که مرا یافتی،بندۀ توام، فرزند بنده ات،فرزند کنیزت پیش روی توام،آنچه خواهی انجام دهی،خدایا آوازها خاموش شد، و جنبشها آرام گرفت،و هر دوستی با دوستش خلوت کرد،و من با تو خلوت گزیدم،تو محبوب منی، پس در این شب خلوتم را با حضرتت،آزادی ام از آتش قرار ده،ای که برای دانشمندی برتر از او صفتی نیست،ای که برای مخلوقی در برابرش عزّتی نمی باشد،ای آغاز پیش از هر چیز،و ای پایان پس از هر چیز،ای که عنصر و ماده ای برایش نیست،ای که برای پایانش فنایی وجود ندارد،ای کامل ترین وصف شده،ای با گذشت ترین عطاکننده، ای که به هر زبانی خوانده شود می فهمد،ای که گذشتش دیرینه،و حمله اش سخت،و فرمانروایی اش استوار است،از تو می خواهم به حق نامی که با آن بی پرده با موسی سخن گفتی،ای خدا،ای بخشاینده،ای مهربان،ای که معبودی جز تو نیست،خدایا تو بی نیازی،از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و مرا به رحمتت وارد بهشت کنی. سی ام: از یونس روایت شده:به حضرت رضا علیه السّلام عرضه داشتم:به من دعای کوچکی بیاموز.

فرمود:بخوان:یا من دلّنی علی نفسه،و ذلّل قلبی بتصدیقه،اسالک الامن و الایمان.

باب پنجم:در بیان بعضی از حرزها و دعاهای مختصر این حرزها و دعاها از کتاب«مهج الدعوات»و«مجتنی»که هر دو از نوشته های رضی الدین سیّد ابن طاووس هستند انتخاب شده اند.

[اول:منقول از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله]

اول:از حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام روایت شده:حضرت رسول خدا صلی اللّه علیه و آله به امیر مؤمنان فرمود:هرگاه برای تو امر

دشواری پیش آمد بگو:اللّهمّ انّی اسالک بحقّ محمّد و آل محمّد ان تصلّی علی محمّد و آل محمّد،و ان تنجینی من هذا الغمّ.

دوم:حرز حضرت فاطمه علیها السّلام:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،ای زنده،ای پاینده،به رحمتت فریادرسی می طلبم،پس به فریادم برس،و مرا هرگز چشم برهم نهادنی به خود وامگذار،و همهٔ کارهایم را اصلاح فرما.

سوم:حرز حضرت زین العابدین علیه السّلام:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،به نام خدا و به خدا،دهانهای جنّ،و انس و شیاطین و جادوگران و ابلیسان از جنّ و انس و پادشاهان و هرکه به آنها پناه می برند بستم به خدای عزیز عزیزتر و به خدای بزرگ بزرگتر،به نام خدای ظاهر باطن مستور محفوظ که بر پا کرد به آن آسمانها و زمین را،سپس بر عرش مستولی شد،به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،عذاب بر آنان واقع شد،به خاطر ستمی که روا داشتند،پس آنان سخن نمی گویند.به آنان گفت همچون سگ در دوزخ دور شوید و سخن نگویید،و فروتن شد چهره ها برای آن زندهٔ پاینده.و به تحقیق محروم شد آنکه بار ستم به دوش کشید،آهسته شد صداها در برابر خدا،پس نشنوی مگر صدایی پنهان و بر قلوب کافران پرده نهادیم،بازدارنده از اینکه قرآن را بفهمند،و در گوشهایشان سنگینی،زمانی که پروردگارت را در قرآن به تنهایی یاد کنی،به خاطر رمیدگی از حق روی به پشت بازگردانند،زمانی که قرآن بخوانی،بین تو و آنان که ایمان به آخرت ندارند،پردهٔ پوشیده ای قرار می دهیم،و از پیش رویشان،سدّی و از پشت سرشان

سدّ می گذاریم،پس آنان را پوشانیدم،در نتیجه حق را نمی بینند،امروز بر دهانهایشان مهر می زنیم،و دستهایشان با ما سخن گویند،پس خود آنان سخن نگویند،اگر همهٔ آنچه در زمین خرج می کردی،نمی توانستی بین دلهایشان الفت پدید آوری ولی خدا میان آنان الفت برقرار کرد،به درستی که او عزیز و حکیم است،و درود خدا بر محمّد و خاندان پاکش.

چهارم:حرز حضرت صادق علیه السّلام:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،ای آفرینندهٔ مخلوقات،و ای گسترندهٔ روزی،و ای شکافنده دانه،و ای آفرینندهٔ تنفسّ کنندگان،و زنده کنندهٔ مردگان،و میرانندهٔ زندگان،و همیشه پایدار،و برآورندهٔ گیاه با من آن کن که تو شایستهٔ آنی،و با من آن مکن که من سزاوار آنم،و تو اهل پروا و اهل آمرزشی.

پنجم:حرز موسی بن جعفر علیه السّلام:

از علی بن یقطین روایت شده:به موسی بن جعفر علیه السّلام از آنچه موسی بن مهدی در کار او قصد کرده بود خبر دادند، درحالی که جماعتی از اقوام آن جناب در خدمتش بودند.حضرت به اقوامش فرمود:دراین باره رأی شما چیست؟گفتن:از او دور شوی و شخص خود را مخفی کنی،که از شرّ او ایمن نتوان شد.حضرت تبّسم فرمود.و به شعر کعب بن مالک تمثلّ جست؟

سنخیه پنداشت به زودی بر پروردگارش غلبه خواهد کرد*ولی خدا به غلبه های غلبه کنندگان به یقین غلبه کند پس دست خود را به جانب آسمان بلند کرد و گفت:معبود من چه بسا دشمنی که برای من تیغ کاردش را تیز کرد،و برش کارهٔ سلاحش را برای من باریک ساخت،و برایم به هم آمیخت زهرهای کشنده اش را،و دیده نگهبانی اش از من نخوابید،پس زمانی که ناتوانی ام را از تحمّل مصائب سنگین،و درماندگی ام را از پیش آمدهای خانمان برانداز دیدی،همه را به حول و

قوّه ات نه به حول و قوّه خویش از من بازگردانی،پس او را در همان چاهی که برای من کنده بود انداختی، نومید از آنچه آن را در دنیا آرزو می کرد،دور از آنچه در آخرت امید داشت،پس تو راست ستایش بر این عنایت به اندازۀ شایستگی ات آقایم،خدایا به عزّتت او را بگیر،و به قدرتت تیزی سلاحش را از من کند کن،و او را سرگرم اموری که در اختیار اوست قرار بده،و درمانده از رسیدن به آنچه که طمع دارد،خدای مرا بر او چیره کن چیره شدنی فوری،تا برای خشمم درمان،و برای کینه ام نگهدار باشد،و پیوست کن خدایا دعایم را به اجابت،و سامان ده شکایتم را به دگرگونی،و به همین زودی آنچه که ستمکاران را به آن تهدیدی کردی به او بشناسان،و به من بنمایان آنچه در اجابت درماندگان نوید دادی،به درستی که تو صاحب فضل عظیم و احسان کریمی.

راوی گفت:قوم پراکنده شدند،و جمع نشدند مگر برای قرائت خبر مردن موسی بن مهدی.

ششم:رقعه الجیب حرز حضرت رضا علیه السّلام است:

از یاسر خادم مأمون روایت شده:که زمانی،حضرت رضا علیه السّلام وارد قصر حمید بن قحطبه شد،لباس را از تن بیرون آورد،و به حمید داد،حمید آن را برای شستن به کنیز خود داد،اندکی نگذشت که کنیز آمد و رقعه ای با او بود،رقعه را به حمید داد و گفت:در گریبان لباس ابو الحسن علیه السّلام یافتم،حمید به حضرت گفت:فدای شما گردم این جاریه دست نوشته ای در گریبان پیراهن شما یافته،چیست؟فرمود:تعویذی[دعای پناه جویی]است که آن را از خود دور نمی کنم،حمید گفت:ممکن است ما را به آن مشرّف کنی،فرمود:این تعویذی است که هرکه در گریبان خود نگاه دارد بلا از او دفع می شود،و برای او نگاهداری از شیطان رجیم است.آنگاه تعویذ را بر حمید خواند:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،به نام خدا،من از تو به خدای رحمن پناه می برم اگر پرهیزگار باشی،یا غیر

پرهیزگار،بستم به خدا شنوای بینا گوش و دیده ات را،تو را تسلّطی بر من نیست و نه بر گوشم و نه بر چشمم،و نه بر مویم،و نه بر پوستم،و نه بر گوشتم،و نه بر خونم،و نه بر مخم،و نه بر عصبم،و نه بر استخوانم،و نه بر دارایی ام،و نه بر آنچه پروردگارم نصیبم نموده،پوشاندم بین خود و بین تو را به پوشش نبوّت،که پیامبران خود را به آن پوشاندند،از حملات گردنکشان و فرعونها،جبرئیل از جانب راستم،و میکائیل از چپم،و اسرافیل از پشت سرم، و محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)از پیش رویم،خدا آگاه بر من است،تو را از من باز می دارد،شیطان را از من باز می دارد، خدایا نادانی اش بر بردباری ات غلبه نمی کند،تا آرامشم را برهم زند،و سبکم شمارد،خدایا پناهنده به تو شدم، خدایا پناهنده به تو شدم،خدای پناهنده به تو شدم.

برای این حرز حکایت عجیبی است که آن را ابو الصّلت هروی روایت کرده:مولایم علی بن موسی الرّضا علیه السّلام روزی در منزلش نشسته بود،فرستادۀ مأمون بر او وارد شد،و گفت امیر تو را می طلبد،امام برخاست،و به من گفت:مأمون در این وقت مرا نمی طلبد مگر برای کاری سخت،و به خدا نمی تواند به من آسیبی برساند،به خاطر این کلمات،که از جدّم رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلّم به من رسیده.ابو الصّلت گفت:همراه امام نزد مأمون رفتم،چون نظر حضرت به مأمون افتاد،این حرز را تا آخر خواند،وقتی که حضرت برابر مأمون قرار گرفت،مأمون به جانب آن بزرگوار نگریست و گفت:ای ابو الحسن دستور داده ام صد هزار درهم به حضرتت بدهند،و هر حاجتی داری بنویس،چون امام برگشت،مأمون نظر در قفای امام کرد و گفت:

اراده کردم من،و اراده کرده است خدا،و آنچه خدا اراده کرده بهتر بوده.

هفتم:حرز حضرت جواد علیه السّلام:

یا نور یا برهان یا مبین یا منیر،یا ربّ اکفنی الشّرور،و افات الدّهور،و اسالک النّجاه یوم ینفخ فی الصّور

هشتم:حرز حضرت هادی علیه السّلام:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،ای که عزّتش عزیز در عزّتش،چه عزیز است آنکه عزّتش عزیز است در عزّتش،ای عزیز،عزیزم گردان به عزّتت،و تأییدم کن به یاری ات،و وسوسه های شیطان را از من دور کن،و دفاع کن از من به دفاعت،و بازدار از من به کردارت،و مرا از خوبان بندگانت گردان،ای یگانه،ای یکتا،ای تنها،ای بی نیاز.

نهم:حرز حضرت عسگری علیه السّلام:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است ای توشه ام در سختی،و ای پناهم در گرفتاری،و ای مونسم در تنهایی،به دیده ات که نمی خوابد از من نگهبانی کن،و در کنف رکنت که قصد آن نمی شود مرا بگیر

دهم:حرز مولانا القائم علیه السّلام:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،ای مالک بندگان،ای فراری دهندۀ گروههای کفر،ای گشایندۀ درها،ای فراهم کنندۀ علتها، برای ما سببی فراهم کن که یارای جستنش را نداریم،به حق لا اله الا اللّه محمّد رسول اللّه درود خدا بر او و بر همۀ خاندانش.

یازدهم:قنوت امام حسین علیه السّلام:

خدایا هر که جای گرفت به جایگاهی،پس تویی جایگاه من، و هر که پناه گرفت به پناهگاهی،پس تویی پناهگاه من،خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و فریادم را بشنو،و دعایم را اجابت کن،و بازگشتم،و اقامتگاهم را نزد خود قرار ده،و مرا در آزمونم،از ساقط شدن در آزمایش و پیوستن به یاران شیطان پاسم بدار،به حق عظمتت که با آن طمع شخصی به فتنه گری در نیامیزد،و نه درآید به آن خاطره خوابی با بدگمانی،

و نه تماس گیرد با آن شادی بیرون از حد،تا مرا با اراده ات به سوی خود باز می گردانیظ نه متهم و نه مظنون،نه بدگمان و نه مشکوک به درستی که تو مهربان ترین مهربانانی.سیّد ابن طاووس قنوتهای ائمه را در کتاب«مهج الدعوات»گرد آورده،چون طولانی بودند،من به همین یک قنوت اکتفا کردم.

دوازدهم:دعای حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله و سلّم است:که امان از جنّ و انس می باشد:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،معبودی جز خدا نیسد،بر او توکل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است،آنچه خدا خواست شد،و آنچه نخواست نشد،گواهی می دهم که خدا بر هر چیز تواناست.و در دانش به همه چیز احاطه دارد،خدایا به تو پناه می آورم از شرّ خودم و از شر هر جبنده ای که تو گیرندۀ مهارش هستی، به درستی که پروردگارم بر راه استوار است

سیزدهم:دعای به تجربه آمده:

از انس روایت شده:رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود:هرکه این دعا را در هر صبح و شام بخواند،حق تعالی چهار فرشته بر او بگمارد،که او را از پیش رو و پشت سر و جانب راست و طرف چپ حفظ کنند،و در امان خدای عزّ و جلّ باشد،و اگر آفریدگان از جنّ و انس بکوشند که بر او زیان برسانند توفیق نیابند،و آن دعا این است:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،به نام خدا بهترین نامها،به نام خدا پروردگار زمین و آسمان،به نام خدا که سمّی و دردی با نامش زیان نمی رساند،به نام خدا صبح کردم،و بر خدا توکل نمودم،به نام خدا بر دل و جانم،به نام خدا بر دین و عقلم،به نام خدا بر خاندان و دارایی ام به نام خدا بر آنچه پروردگارم به من بخشید،به نام خدا که نامش چیزی در زمین و آسمان

زیان نمی رساند،و او شنوای داناست،خدا خدا پروردگار من است چیزی را شریک او نسازم،خدا بزرگتر است.خدا بزرگتر است و عزیزتر و عظیم تر از آنچه می ترسم و پرهیز می کنم،عزیز است پناهنده ات،بزرگ است ثنایت،و معبودی جز تو نیست،خدایا من به تو پناه می آورم،از شرّ خودم،و از شرّ هر سلطان سرسخت،و از شرّ هر شیطان ستمگر، و از شرّ هر سرکش لجباز،و از شرّ هر پیش آمد بد،و از شرّ هر جنبنده ای که تو گیرندۀ مهارش هستی، به درستی که تو بر راه استواری،و بر هر چیز نگهبانی،به حق سرپرست من خداست که قرآن را نازل کرد، و او شایستگان را سرپرستی می کند،پس اگر روی بگردانند بگو:خدا مرا بس است،معبودی جز او نیست،بر او توکل کردم،و او پروردگار عرش عظیم است.

چهاردهم:دعای حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله و سلّم:

خدایا به تو پناه می آورم از این که نیازمند شوم در سایه بی نیازی تو،یا گمراه شوم در کنار هدایت تو،یا خوار شوم در جنب عزّت تو،یا مظلوم واقع شوم در سایۀ سلطنت تو،یا پایمال شوم و کار مربوط به توست،خدایا به تو پناه می آورم از این که زور بگویم،یا در بدکاری فرو روم یا در برابر تو مغرور گردم.

پانزدهم:دعایی است از حضرت باقر علیه السّلام:

از ابو حمزه ثمالی روایت شده:از حضرت باقر علیه السّلام اجازه خواستم خدمتش مشرّف شوم، حضرت از خانه بیرون آمد،درحالی که لبهای مبارکش حرکت می کرد،فرمود:تکلّم مرا دانستی؟گفتم:آری فدایت شوم.

فرمود:تکلّم کردم به کلامی که احدی هرگز به آن تکلم نکرده،مگر آنکه حق تعالی آنچه از امر دنیا و آخرت مهم اوست کفایت فرموده،گفتم:فدایت شوم،پس مرا به آن خبر ده،فرمود:آری هرکه این کلمات را در حال بیرون رفتن از خانه بخواند، مهمّات او آسان گردد:بسم اللّه الرّحمن الرّحمی حسبی اللّه توکّلت

علی اللّه اللّهم انّی اسالک خیر اموری کلّها،و اعوذ بک من خزی الدّنیا و عذاب الاخره

شانزده هم:ادعیه الوسائل الی المسائل[دعاهای سبب خواهی برای نیل به درخواستها]

اشاره

از محمّد بن حارث نوفلی خادم حضرت جواد علیه السّلام نقل شده:وقتی مأمون دخترش را به همسری حضرت جواد علیه السّلام درآورد،حضرت برای او نوشت:برای هر زنی از جانب شوهرش صداقی است،و حق تعالی دارایی ما را در آخرت ذخیره کرده،همچنان که دارایی شما را در دنیا به شما داده و من به کابین دختر تو دادم«وسائل الی المسائل»را و آن مناجاتی است که پدرم به من عنایت کرده،به او نیز از پدرش موسی بن جعفر علیه السّلام رسیده،و به و او پدرش جعفر و به او از پدرش محمّد،و به او از پدرش علی بن الحسین،و به او از پدرش حسین،و به او از پدرش امیر مؤمنان علی بن ابی طالب و به او از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله رسیده،که جبرئیل به آن حضرت سپرد و گفت:ای محمّد ربّ العزّه به تو سلام می رساند و می فرماید:این کلیدهای گنجهای دنیا و آخرت است،آن را به سوی خواسته های خود وسیله ساز،تا به مراد خود برسی و خواستهٔ تو انجام گیرد،و آن را به حاجتهای دنیا اختصاص مده،که بهرهٔ آخرتت را کم می کند،و آن ده وسیله است که به واسطهٔ آن، درهای خواسته ها گشوده می شود،و به سبب آنها حاجات درخواست می گردد،و به انجام می رسد،و این است نسخه آن:

مناجات استخاره[خیرخواهی]

خدایا بهتر چیزی که پسندیدی،در آنچه من از تو در آن طلب خیر کردم،به خواسته ها می رساند،و موهبتها را شایان می سازد،و درخواست شده ها را پرسود می کند،و کسبها را پاکیزه می نماید،و به زیباترین روشها هدایت می کند،و به جانب ستوده ترین عاقبتها سوق می دهد، و از پیش آمدهای بیمناک حفظ می نماید.خدای من از تو طلب خیر می کنم.در آنچه مصمّم شده رأیم بر آن،و مرا عقلم به سوی آن کشانده، آسان گردان خدایا آنچه در آن دشوار شده،و هموار کن آنچه را از آن سخت گشته،و مهم مرا در آن کفایت کن،و از من به واسطه آن هر بلای شدید را دور فرما،پروردگارا

عواقبش را سود،و بیمناکش را سلامت،و دورش را نزدیک،و خشکی اش را رشد و

ص:1070

برکت قرار ده،خدایا اجابت دعایم را برسان،و خواهشمند را برآور،و حاجتم را انجام ده،و موانعش را از من قطع کن، و سختی هایش را از من بازدار،و به من عطا کن خدایا پرچم پیروزی،و بهترین چیزی که در آن از تو خیر خواستم،و کمال بهره مندی در آنچه خواندمت،و فواید افزون تر در آنچه امید به تو بستم،و قرین ساز خدایا آن را با کامیابی،و مخوصش گردان به شایستگی،و در آن اسباب خیرجویی را آشکارا به من بنمایان،و نشانه های بهره را درخشان به من نشان بده،و گلوگیر دشواری اش را ببند،و به خاک افتاده آسان کاری اش را از خاک بردار،و روشن کن.خدایا مشتبهش را،و آزاد کن زندانی شده اش را و استوار کن پایه اش را،تا خیری روی آور با بهره و سود باشد،برطرف کنندهٔ بدهی،و شتاب ورز به سود و ماندگا عمل به درستی که تو به افزون بخشی نیرومندی،و آغاز کننده به بخششی.

مناجات استقاله[چشم پوشی]

خدایا امید به رحمت فراگیرت،مرا به درخواست چشم پوشی ات گویا کرده،و آرزوی به بردباری و مدارا نمودنت، مرا به خواستن امان و گذشتت دلیر ساخته است،برای من ای پروردگارم گناهانی است،که چهره های انتقام با آنها روبرو و خطاهایی است که دیده های ریشه برکن آنها را زیر نظر گرفته،به خاطر آنها بر پایهٔ عدالتت مستوجب عذاب دردناک شده ام، و به ارتکاب آنها سزاوار کیفر هلاک کننده گشته ام،از به تأخیر افتادن اجابت دعایم را به خاطر گناهان،و مردود شدنم را از برآمدن حاجتم ترسیده ام چه اینکه گناهان خواسته ام را از بین می برند،و اسباب رغبتم را قطع می کنند،ازآن رو که از سنگینی گناهان پشتم شکسته،و از به تنهایی برداشتن بار آنها گرانبارم نموده،سپس پروردگارا به

بردباری ات از خطاکاران،و گذشتت از گنهکاران،و مهربانی ات به عاصیان نظر کردم،پس با اعتمادم،و توکّلم بر تو به درگاهت روی آوردم،درحالی که خود را به آستانت افکندم،و عذابم را به نزد تو شکایت نمودم،درخواست کننده ام آنچه را که سزاوار آن نیستم،از گشایش اندوه،و مستحق نیستم از برطرف کردن غم،چشم پوشی ات را نسبت به خود خواستارم،به تو ای مولایم مطمئنّم،خدایا به گشایش بر من منّت گذار،و به آسان بیرون آمدن از مشکل به من احسان فرما،و به رأفتت مرا به سوی راه راست هدایت نما،و مرا به قدرتت از راه کج دور کن،و به گذشتت از زندان گرفتاری رهایی بخش،و به رحمتت اسارتم را به آزادی تبدیل کن،و به خشنودی ات به من روی آور،و به احسانت بر من ببخش،و از لغزشم درگذر،و اندوهم را بگشا،و به گریه ام رحم کن،و دعایم را در پرده قرار مده،و کمرم را با عذرپذیری محکم ببند،و پشتم را به آن نیرومند ساز،و کارم را به آن اصلاح کن،و عمرم را طولانی کن،و در روز حشر و نشر به من رحم کن،به درستی که تو بخشنده بزرگوار،و آمرزنده مهربانی درود خدا بر محمّد و خاندانش.

مناجات سفر

خدایا می خواهم سفر کنم،برایم در آن خیر بخواه،و برایم در آن راه تصیم گیری را روشن کن،و به من بفهمان،و تصمیمم را برایم به استواری بگشا،و در سفرم مرا به تندرستی فراگیر،و بهرۀ شایان،و کرامت فایده ای ده،و با نیکو نگهداری و نگهبانی مرا حفظ کن،و برکنارم دار،خدایا از مشقّت سفرها، و هموار کن برایم ناهمواری های بیابها را،و در هم پیچ برایم منزلها را،و نزدیک کن به من

دوری آبشخورها را،و در مسیر بلند گردان بین گامهای مرکبها را،تا دوری راههای دور را نزدیک نمایی، و ناهمواریهای سخت را هموار سازی،خدایا در سفرم همای فرخندهٔ کامیابی را تلقینم کن،و به من ببخش در آن بهره های عافیت را،و حامی استقلال را،و راهنمای گذر کردن از هراسها را،و انگیزنده کمال کفایت را،و فرخندهٔ حامی ولایت را،و بگردانش خدایا سبب صلحی بزرگ،و بهره ای به دست آمده،و شب را پوشش من ساز از آفات،و روز را مانع از هلاکتها،و قطع کن از من به قدرتت گروههای دزدانش را،و از جانوران وحشی ات به نیرویت پاسم بدار،تا سلامت در سفر همراهم باشد،و عافیت قرینم،و برکت جلودارم،و آسانی هم آغوشم،و سختی دور از جانم، و کامیابی بر وفق مرادم،و امنیت رفیقم،به درستی که تو دارای عطای همواز و احسان و قدرت و نیرویی،و تو بر هر چیز توانا،و به بندگانت بینا و آگاهی.

مناجات طلب روزی

خدایا دلوهای روزی ات را ریزان به سوی من ارسال فرما،و ابرهای فزون بخش ات را فراوان بر من ببار،و باران عطایت را چون سینه های ریزان بر من تداوم بخش،و بریزان فزونی نعمتت را بر ظرف نیازم ریزاندنی کامل،و به حق جودت نیازمندم کن،و از کسی که آنچه را نزد توست می طلبد،بی نیازم گردان،و درد نداری ام را به داروی فضلت درمان کن،و با عطای همواره ات افتادگی نداری ام را بلند فرما، و به کثرت عطایت بر تهیدستی ام تصدّق نما،و به جایزهٔ کریمانه ات نیازمندی ام را صدقه بده،و راه روزی را پروردگارا

به سوی من هموار کن،و پایه هایش را برایم پایدار نما،و چشمه های فراخی اش را به رحمتت برایم بشکاف،و با رأفتت بهرهای زندگی خوش را از جانب من روان کن،و زمین نداری ام را بخشکان،و سرزمین خشک بدحالی ام را سرسبز کن، و موانع روزی را از من بگردان،و بندهای فشار و سختی را از من قطع فرما،و مرا هدف وسعت رزق قرار ده،خدایا به پرخیرترین تیرهایش،و مرا از زندگی خوش به بیشتر پایندگی اش مخصوص فرما،و بپوشان بر من خدایا پیراهن فراخی رزق را،و جامه های راحت را،پس من ای پروردگارم در انتظار نعمت بخشی ات به سر می برم با رفع تنگدستی،و عطای پیوسته ات را با قطع به تأخیر افتادن،و تفضّلت را با از بین بردن سختی معیشت،و پیوستن رسته ام را به کرمت با آسان شدن دشواری.بباران خدایا بر من آسمان روزی ات را به باران فراوان،و از بندگانت به واسطه بهره های نعمتها بی نیازم فرما،و هدف تیر قرار بده موارد کشندگی تنگدستی ام را،و بار کن برطرف شدن بدحالی ام را بر بارکشهای شتاب،و گردن تنگی را از من به شمشیر نابودی بزن،و به من از جانب خود پروردگارا به فراخی فزون بخشی تحفه ده،و مرا با افزایش اموال مدد کن،و از سختی فقر پاسم بدار،و بدی قحط را از من بگیر،و سفرۀ سرسبزی را برایم بگشا،و از آب روزی ات آبم ده،آبی گوارا،و از بخشش فراگیر خود برایم روشن کن راهها،و ناگهان ثروت و دارایی ام بده،و به سبب آن از زمین تنگدستی بلندم کن، و مرا به پشتیبانی ات بامدادان برخیزان،و شامگاهان توانای بر بی نیازی،به درستی که تو دارای عطای پیوسته عظیم،و فضل

ص:1074

همه گیر،و احسان بزرگی،تو بخشندهٔ بزرگواری.

مناجات استعاذه[پناه جویی]

خدایا از مصایب بلاهای پیش آمده و هراسهای بدحالی های بزرگ به تو پناه می آوردم،پس پروردگارا از تباهی تنگدستی پناهم بده،و از حملات بلا محفوظم بدار،و از انتقامهای ناگهانی رهایی ام بخش، و از زوال نعتها و لغزش گامها پناهم ده،و قرارم ده خدایا در میدان عزّتت و حفاظ نگهداری ات از حوادث ناگوار ناگهانی روزگار،و شتابگیری مصایب،خدایا،پروردگارا،و زمین بلا را فرو بر،میدان محنتها را سخت بلرزان،و آفتاب حوادث ناگوار را تیره کن،و کوههای بدی را متلاشی گردان،و گرفتاریهای روزگار را برطرف فرما،و موانع کارها را از من بگردان،و مرا به حوضهای سلامت وارد کن،و بر مرکبهای کرامت سوار فرما،و با نادیده گرفتن لغزش همراهم باش،و مرا با پوشاندن عیب فراگیر،و به عطاهای برجسته ات و برطرف کردن بلایت و دفع پریشان حالی ات پروردگارا به من بخشش آر، و توده های عذابت را از من دور کن،و کیفر دردناکت را از من بگردان،و از حوادث روزگار پناهم ده،و از بدی سرانجام کارها نجاتم بخش،و از همهٔ ناملایمات پاسم بدار،و سنگ بلا را از کارم بشکن،و دست بلا را تا پایان عمرم نسبت به من شل کن،به درستی که تو پروردرگار بزرگوار،آغازگر،بازگرداننده ای و آنچه را بخواهی انجام دهنده ای

مناجات طلب توبه

: خدایا به اخلاص،آهنگ تو را کرده ام،برای توبهٔ خالصانه،

و پایداری پیمان راستین،و دعای دل ریش،و آشکار کردن گفتار صریح،خدای از من بپذیر توبۀ بی آلایش،و روی آوردن شتابان بازگشت به سوی خود،و افتادنگاههای کرنش گناه را،پروردگارا توبه ام را به پاداش شایان،و بازگشتی کریمانه،و فرو ریختن کیفر،و بازگرداندن عذاب،و بهرۀ بازگشت و پرده پوشی مقابله کن،و محو کن خدایا آنچه از گناهانم ثبت شده،و همۀ عیوبم را به پذیرش توبه بشوی،و قرار بده توبه ام را جلادهندۀ دلم،روشن کنندۀ دیده خردم،شستشودهندۀ ناپاکی ام،پاک کنندۀ آلودگی تنم،درست کنندۀ نهادم،به وسیلۀ آن شتابان کن به جانب وفا بصیرتم را،قبول کن پروردگارا توبه ام را،به درستی که برمی آید از خلوص نیّتم،و محض درستی بصیرتم،و روشنی همه جانبه اندیشه ام،و کوشش در نظافت باطنم،و پایدار نمودن بازگشتم،و شتافتن به سوی فرمانت به طاعتم،و از من خدایا به وسیلۀ تو به تاریکی پافشاری بر گناه را دور کن،و به آنچه از بارهای گران پیش انداختم محو گردان،و به من لباس تقوا،و جامه های هدایت بپوشان،من به حقیقت بند نافرمانی ها را از پوستم برکشیدم.و پیراهن گناهان را از پیکرم بر کندم، درحالی که پروردگارا به قدرتت چنگ زننده ام،و به عزّتت بر خویشتن کمک خواهم،و به پناهت توبه ام را از شکستن (1)(متحرّکه)پوست کره شتر که به چیزی آکنده کننده،تا ناقه به خیال فرزندش،مهربان شده شیر دهد و در اینجا ذکر آن شاید برای آن باشد که من در وقت گناه کردن گویا شعور و ادراک و جان نداشتم و مجسّمه بیروحی بودم،اگر نه معصیت نمی کردم،و اللّٰه تعالی العالم.

(از محدّث قمی)

ص:1076

ودیعه گذارم،به عصمتت از خوار شدن دست آویزم،قرین کنم آن را به«نیرو و جنبشی نیست بجز به وسیلهٔ تو».

مناجات طلب حج:

خدایا حجّی که واجب کردی بر هرکه بتواند به سوی آن راه یابد،نصیب من فرما، و برایم در آن راهنما،و به سوی آن دلیلی قرار ده،و دوری راهها را برایم نزدیک کن،و بر انجام اعمال حجّ یاری ام ده،و به احرام بستنم آتش را بر تنم حرام کن،و نیرو و چابکی ام را برای سفر زیاد گردان و وقوف در برابرت،و کوچ کردن به سویت را پرورگارا روزی ام کن،و با موفقّ شدن به سود کامل پیروزمندم نما،و مرا پروردگارا از جایگاه حجّ اکبر به تقرّب گاه مشعر بازگردان،و آن را مایهٔ نزدیکی به رحمتت،و راهی به سوی بهشتت قرار ده،و مرا در موقف مشعر الحرام،و مقام وقوف احرام متوقف کن،و شایسته گردان مرا برای ادای مناسک،و کشتن قربانی فربه،به خونی که می جهد،و رگهایی که خون می فشاند،و ریختن خونهای ریختنی،و قربانی های سربریده،و بریدن رگهای آنان را بر پایهٔ آنچه فرمودی،و انجام بیشتر بر واجب آنها چنان که مقرّر فرمودی.

حاضر کن خدایا مرا به نماز عید،امیدوار به وعده ات،و هراسان از تهدیدت،با تراشیدن موی سرم، و کوتاه کردن ناخنم،کوشا در طاعتت،آماده برای رمی جمرات به هفت سنگریزه،پس از هفت دیگر از همان سنگها، خدایا مرا به فضای خانه ات و کوی ات و جایگاه امنت و کعبه ات و خاک نشستگانت و درخواست کنندگانت نیازمندانت وارد کن،و خدایا در بازگشتن و کوچ کردن به مزد کامل به من جود کن،خدایا و مناسک حجّم

ص:1077

را،و سپری شدن،خروشم را،با پذیرش از جانب خود،و رأفتت به من ختم کن،ای مهربان ترین مهربانان.

نماجات کشف ظلم[برطرف شدن ستم]

خدایا همان ستم بندگانت در کشورهایت پایدار شده،تا جایی که عدالت را میرانده،و راهها را بریده،و حق را محو ساخته،و راستی را باطل نموده،و نیکی را پنهان کرده،و شرّ را پدیدار ساخته، و پرهیزگاری را خاموش کرده،و هدایت را از میان برده،و خیر را از میان برداشته،و زیان را پایدار نموده،و فساد را رشد داده،و لجبازی را تقویت کرده،و ستم را گسترانده،و از حد گذرانده،خدایا،پروردگارا،این حالت را جز قدرت سلطنت تو برطرف نمی کند،و از آن جز احسان تو پناه نمی دهد،خدایا،پروردگارا ستم را قطع کن،و کوهای زورگویی را درهم کوب،و رونق بازار زشتی را فرو نشان،کسی را که از زشتی جلوگیری می کند عزیز گردان،و بیخ و بن اهل ستم را دود کن،و به آنان لباس کاستی پس از فزونی بپوشان، خدایا عذاب شبانه را نسبت به آنان پرشتاب کن،و بر آنان کیفرهای نمونه را فرود آر،زندگی زشتی را بمیران،تا بیمناک ایمنی یابد،و دلسوخته آرام گیرد،و گرسنه سیر شود،و تباه حفظ گردد،و آواره جای گیرد،و گریخته بازگردد،و تهی دست بی نیاز گردد،و پناه جو پناهنده شود،و بزرگ مورد احترام قرار گیرد،و کوچک مورد حمایت واقع شود،و ستمدیده عزیز گردد،و ستمکار خوار شود،و غم غمدیده برطرف گردد،و آشوبهای تاریک و سیاه آرام گردد،و اختلاف بمیرد، و دانش برتری یابد،و صلح فراگیر شود،و پراکنده ها گرد آید،و ایمان نیرومند گردد،و قرآن تلاوت شود،به درستی که تویی جزابخش،نعمت دهندۀ،بسیار احسان کننده.

مناجات شکر خدا:

ص:1078

خدایا تو را ستایش بر دفع مصیبتهای فرود آمده،و پیش آمدهای سخت،و برطرف کردن دشواری های معیشت،و پی درپی بودن نعمتهای بسیار،و تو را ستایپ بر گواری عطایت،و ستودهٔ بلایت،و نعمتهای بزرگت، و تو را ستایش بر احسان بسیارت،و خیرریزانت و تکلیف آسانت،و دفع دشواری ات، و تو را سپاس بر رشد دادنت سپاس اندک،و اعطا کردنت مزدی کامل،و فروریختنت بار سنگین گناه،و پذیرفتنت عذر بی جا،و از دوش نهادنت بار گران تکلیف،و هموراه کردنت جایگاه ناهموار،و بازداشتنت از کار بسیار زشت،و تو را ستایش بر بلای بازگردانده شده،و خوبی فراوان،و دور ساختن امور ترسناک، و رام کردن سخت ستمکار،و تو را ستایش بر کمی تکلیف،و بسیاری تخفیف،و توان دهی ناتوان،و فریادرسی اندوهگین،و تو را ستایش بر فراخی مهلت دادنت،و دوام فزون بخشی ات،و بازگرداندن کیفرت،و ستودهٔ کارهایت،و پیاپی بودن عطایت،و تو را ستایش بر به تأخیر افکندن شتاب در عقاب،و ترک غافلگیری در عذاب،و هموار کردن راه توبه،و فرود آوردن باران ابر،به درستی که تویی بسیار احسان کننده و پربخشش.

مناجات طلب حوایج

سزاوار است که فرمان دعا به او دادی تو را بخواند،و کسی که وعدهٔ اجابت به او دادی به تو امید بندد،برایم خدایا حاجتی است،که چاره ام از آن ناتوان شده،و طاقتم در آن وامانده،و از طلبش نیرویم سست گشته،نفس اماره ام به بدی برایم آرایش نموده،و دشمنم،آن دشمن فریبایی که من از او در بلایم،

ص:1079

از این که در آن حاجتم به سوی تو میل کنم،خدایا آن را برآور،به مبارک ترین روا کردن،و هدایتش کن به راه رستگاری، و باز کن به امید یاری ات سینه ام را،و آسان کن در اسباب خیر کارم را،و برایم رستگاری را نقش بند،به رسیدن آنچه به آن امید بستم،با پیوستن آنچه آن را آرزو نمودم،و موفقم بدار خدایا در برآوردن حاجتم،به رسیدن به آرزویم، و درست در آمدن اشتیاقم،و پناهم ده خدایا به کرامت از ناامیدی و یأس و تنبلی و بازآمدن از کار، خدایا تو توانا بر عنایت عطاهای بسیاری و وفاکننده به آنهایی،و تو بر هر چیز توانایی،و به بندگانت آگاه و بینایی [دعای پرده نگاهبانان]

هفدهم:حجاب حضرت صادق علیه السّلام:

ای که زمانی که به او پناهنده شوم پناهم دهد،و گاهی که نزد سختی ها از او نجات خواهم،نجاتم بخشد،و زمانی که به گاه پیش آمدها دادرسی خواهم به فریادم رسد،و زمانی که برای پیروزی بر دشمنم از او یاری جویم یاری ام دهد و کمکم کند.پناهگاه تنها درگاه توست،و تویی مورد اطمینان.کسی که مرا قصد سوء کرده از جانب من سرکوب کن،و غلبه کن به سود من بر کسی که نسبت به من بداندیشی نموده،ای آنکه فرمود:اگر خدا شمار را یاری کند،غلبه کننده ای بر شما نخواهد بود.ای که نوح را از گروه ستمکاران رهایی داد،ای که لوط را از گروه بدکاران رهانید،ای که هود را از گروه متجاوزان نجات داد،ای که محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)را از گروه کافران نجات داد،مرا از دشمنانم و دشمنانت به حق نامهایت ای بخشنده ای مهربان نجات ده،راهی برای آنها نیست بر کسی که به قرآن پناهم برده،و از تو پناه جسته،به مهربان بخشنده.خدای بخشنده بر عرش چیرگی یافت،به یقین حمله پروردگارت سخت است،به درستی که او آغاز می کند،

و باز می گرداند،و او آمرزنده و بسی پرمهر است،دارای عرش باشکوه است،هرچه را بخواهد انجام دهد،پس اگر رو بازگرداندند بگو.

خدا مرا بس است،معبودی جز او نیست بر او توکل کردم،و او پروردگار عرش بزرگ است.دعای پرده نگهدار]

هجدهم:حجاب موسب بن جعفر علیه السّلام:

توکّل کردم بر زنده ای که هرگز نمی میرد،و پناه جستم به دارای عزّت و جبروت،و یاری جستم به دارندهٔ کبریا و ملکوت،مولایم خود را به تو واگذاشتم،پس مرا وامگذار،و بر توکّل کردم،پس دست از یازی ام بر مدار،و به سایهٔ گسترده ات پناهنده شدم،پس به دورم مینداز،تویی مقصد و تنها به سوی توست گریزگاه،می دانی آنچه را پنهان کنم و آنچه را آشکار نمایم و خیانت دیده ها و آنچه را سینه ها پنهان کنند می دانی،از من بازدار دستهای ستمکاران از همهٔ جنیّان و آدمیان را،و مرا شفا ده،و عافیت بخش،ای مهربان ترین مهربانان.

نوزدهم:حجاب حضرت جواد علیه السّلام:

آفریننده بزرگتر از آفریدگان است،و روزی دهنده دست بازتر از روزی خورهاست،و آتش دربسته خدا،در ستونهای کشیده شده،دلهای سرکشان را آتش زند،و بداندیشی حسودان را بازگرداند، به سوگندها،به احکام،به لوح محفوظ،و پردهٔ زده شده،به عرش عظیم پروردگار، در پرده شدم،و خود را پوشاندم،و پناه جستم،و چنگ زدم،و پناهنده گشتم به الم به کهیعس،به طه، به طسم،به حم،به حمعسق،و نون،به طسین،و ق و قرآن مجید،به درستی که آن اگر می دانستید سوگند بزرگی است و خدا سرپرست من است و نیکو وکیلی است.

[بیستم:برای رهایی از شدت منقول از حضرت رضا علیه السلام]

بیستم:از کتاب«تعبیر الرؤیا»نوشتهٔ شیخ کلینی نقل شده:و شّاء از حضرت

رضا علیه السّلام روایت کرده:پدرم را در خواب دیدم فرمود:فرزندم هرگاه در شدّتی واقع شدی بسیار بگو:یا رؤوف یا رحیم آنگاه فرمود:آنچه ما در خواب می بینیم،چنان است که در بیداری می بینیم.

بیست و یکم:دعای رزق و غیره:از کتاب«مجتنی»،نوشتۀ سیّد ابن طاووس نقل شده:

خدایا برای گناهانم نمانده جز امید به گذشتت،و به تحقیق پیش فرستادم ابزار محرومیت را پیش روی خویش، من از تو می خواهم آنچه را که شایسته اش نیستم،و می خوانمت آن گونه که سزاوارش نمی باشم،و به سویت می نالم آن چنان که شایسته اش نیستم، حالم بر تو پوشیده نیس،گرچه حقیقت شناسایی کارم بر مردم پوشیده است.خدایا اگر روزی ام در آسمان است فرودش آور،اگر در زمین است،آشکارش کن،و اگر دور است نزدیکش فرما،و اگر نزدیک است، آسانش کن،و اگر اندک است بسیارش گردان،و برایم در آن برکت قرار ده.

بیست ودوم:دعای دفع شرّ ابلیس به نقل از

«مجتنی»:

خدایا ابلیس بنده ای از بندگان توست،می بیند مرا از جایی که من او را نمی بینم،و تو می بینی او را،از جایی که او تو را نمی بیند،تو بر همۀ کارهایش نیرومندتری،و او بر چیزی از کار تو توانایی ندارد،خدایا من از تو علیه او کمک می خواهم،ای پروردگارم،برای من نسبت به او طاقتی نیست،جنبش و نیرویی علیه او برایم نمی باشد جز به یاری تو ای پروردگارم، خدایا اگر قصد مرا کرده قصدش کن،اگر نسبت به من بداندیشی کرده،نسبت به او بدانیشی کن،مرا از شرّش کفایت کن،و نقشه شومش را در گلویش قرار ده،به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان،و درود خدا بر محمّد و خاندان پاکش.

[بیست و سوم:برای زنده شدن دل منقول از حضرت رسول صلی الله علیه و آله]

بیست و سوم:و نیز در کتاب«مجتنی»آمده:

شخصی پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلّم را در خواب دید،به آن حضرت گفت:به من دعایی تعلیم ده که دلم را زنده کند،حضرت این کلمات را

تعلیم او فرمود:

ص:1082

یا حیّ یا قیّوم،یا لا اله الاّ انت اسالک ان تحیی قلبی،اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد

[بیست و چهارم:برای تأخیر مرگ منقول از حضرت رسول صلی الله علیه و آله]

بیست و چهارم:از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلّم نقل شده:هرکه بخواهد مرگش به تأخیر افتد،و بر دشمنانش پیروز شود،و از مردن بد در امان بماند،سه مرتبه هنگام فرارسیدن شب،و سه مرتبه هنگام فرارسیدن صبح بگوید:

سبحان اللّه ملء المیزان،و منتهی الحلم و مبلغ الرّضا،و زنه العرش

[بیست و پنجم:برای بدهی منقول از حضرت عیسی علی نبینا و آله و علیه السلام]

بیست و پنجم:از کتاب«نثر اللئالی»تألیف سیّد سعید علی بن فضل اللّه الحسین راوندی نقل شده:مردی به حضرت عیسی علیه السّلام از بدهی خود شکایت کرد،حضرت فرمود،بگو:

ای زدایندۀ اندوه،و برطرف کنندۀ غم،و از بین برندۀ غصّه ها،و اجابت کنندۀ دعای بیچارگان، ای بخشندۀ دنیا و آخرت،و مهربان هر دو جهان،تو بخشندۀ منی،و بخشندۀ هر چیزی،به من رحم کن،رحمی که به آن از رحم هر که غیر تو است بی نیازم کند،و ادا کندی به آن بدهکاری ام را.پس هرگاه به اندازه پری زمین طلا بدهکار باشی،حق تعالی از تو ادا می کند.

باب ششم در بیان خواص بعضی از سوره ها و آیات و ذکر بعضی از دعاها و مطالب پراکنده

و آن مشتمل بر چهل امر است

اوّل: شیخ کلینی در کتاب«کافی»،از حضرت باقر علیه السّلام روایت کرده:هرکه پیش از خواب«مستحبّات» را بخواند،(یعنی سوره های حدید،حشر،صف،جمعه،تغابن7و اعلی)نمیرد تا حضرت قائم را درک کند،و اگر بمیرد در جوار رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلّم خواهد بود. دوم: و در آن کتاب آمده:رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود:هرکه چهار آیه از اول سورۀ بقره،و آیه الکرسی،و دو آیه بعد از آن و سه آیۀ آخر سورۀ بقره را بخواند،در جان و مال خود چیزی را که ناخوشایند او باشد نبیند،و شیطان به او نزدیک نگردد،و قرآن را فراموش

نکند. سوم: و از حضرت باقر علیه السّلام روایت کرده:هرکه سورۀ«انّا انّزلناه فی لیله القدر»را بخواند،و صدایش را به آن بلند کند،مانند کسی باشد،که شمشیر از نیام برکشیده،و در راه خدا جهاد کند،و اگر آهسته بخواند همانند کسی باشد که در راه خدا در خون خو طپیده،و کسی که ده مرتبه بخواند،هزار گناه از گناهانش را محو کند. چهارم: شیخ کلینی از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده:پدرم می فرمود:

[قل هو اللّه احد]ثلث قرآن،و قل یا ایّها الکافرون ربع قرآن است. پنجم: از موسی بن جعفر علیه السّلام نقل کرده:هرکه هنگام خواب ایه الکرسیّ را بخواند،از مبتلا شدن به فلج اندام نترسد ان شاء اللّه،و کسی که آن را پس از هر فریضه بخواند،هیچ حیوان زهرآلودی به او زیان نرساند،و نیز فرمود:کسی که(قل هو اللّٰه احد)را هنگام دیدار شخص جبّاری بخواند،حق تعالی شرّ وی را از او بازدارد،با خواندن آن سور،از پیش رو،و پشت سر،و طرف راست و طرف چپ،که هرگاه چنین کند حق تعالی خیر وی را روزی او کند و او را از شرّ آن جبّار بازدارد،و نیز فرمود:هرگاه از امری ترسیدی صد آیۀ قرآن،از هر جای قرآن که باشد بخوان سپس سه مرتبه بگو:اللّٰهمّ اکشف عنّی البلاء ششم: شیخ کلینی از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده:هر که به خدا و روز قیامت ایمان دارد،خواندن قل هو اللّه احد را پس از فریضه وا نگذارد،به یقین کسی که آن را بخواند،حق تعالی خیر دنیا و آخرت را برای او جمع کند،و او و پدر و مادر و اولادش را بیامرزد. هفتم: و از آن حضرت روایت کرده:هر که سورۀ الهیکم التکّاثر را هنگام خواب بخواند،از عذاب قبر در امان باشد. هشتم: و از آن حضرت روایت کرده:اگر سورۀ حمد هفتاد مرتبه بر مرده خوانده شود،و روح به او بازگردانده شود شگفت نخواهد بود. نهم: از موسی بن جعفر علیه السّلام فضیلت بسیاری وارد شده:برای کودکی که در هر شب سه مرتبه قل اعوذ بربّ الفلق و سه مرتبه قل اعوذ بزّب الناس و صد مرتبه قل هو اللّٰه احد بخواند،و اگر نتواند پنجاه مرتبه،و هرگاه به آن مواظبت داشته باشد،از بلاها ایمن باشد تا روزی که از دنیا برود. دهم: کلینی از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده:به مفضّل فرمود:ای مفضّل بازدار، و ایمن بدار خود را از تمام مردم با بسم اللّه الرحمن الرّحیم و سورۀ قل هو اللّه احد،که آن را بخوانی از طرف راست و چپ،و از پیش رو،و پشت سر،و از بالای سر و پایین پای خود،و هرگاه بر پادشاه ستمگری وارد شدی،هنگامی که به او نظر کنی سه مرتبه آن را بخوان،و با دست چپ خود بشمار و دستت را به همان حال،که انگشتان را جمع کرده ای برای شماره نگاهدار تا از نزد او

بیرون روی،و بعضی گفته اند:خواندن سوره را ترک نکن تا از پیش او بروی. یازدهم: در حدیثی از امیر مؤمنان علیه السّلام

ص:1084

نقل شده:برای ایمنی از سوختن و غرق شدن بخواند:

خدا است که قرآن را نازل کرد،و او سرپرستی می کند شایستگان را،آن طور که باید خدا را قدر ندانستند،و زمین در در قیامت به تمام دست اوست،و آسمانها در نوردیده به قدرت اوست،منزّه است و برتر از آنچه شریکش سازند.و برای رام شدن اسب سرکش،در گوش راستش بخوانند:و له اسلم من فی السّموات و الارض طوعا و کرها و الیه یرجعون و در زمین مسبعه یعنی زمینی که جانوران درنده داشته باشد برای ایمنی از آنها بخواند:به تحقیق آمد برای شما پیامبری از جنس خودتان،بر او ناگوار است آنچه شما را به زحمت اندازد،بر راهنمایی تان حریص است، به مؤمنان مهرورز و مهربان است،اگر پشت کردند بگو خدا مرا بس است،معبودی جز او نیست،بر او توکّل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است.و برای پیدا شدن گمشده،سورۀ یس را در دو رکعت نماز بخواند و بگوید:

یا هادی الضّالّه علیّ ضالّتی و برای بازگشت بندی فراری بخواند:او کظلمات فی بحر لجیّ،یغشاه موج من فوقه موج تا و من لم یجعل اللّه له نور فما له من نور.

و برای ایمنی از دزد وقتی که به رختخواب می رود بخواند: قُلِ ادْعُوا اللّٰهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ تا وَ کَبِّرْهُ تَکْبِیراً دوازدهم: نیز شیخ کلینی از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده:از قرائت اذا زلزلت الارض زلزالها ملول نشوید،زیرا هر که این سوره را در نمازهای مستحب خود بخواند حق تعالی هرگز بر او زلزله نرساند،و با زلزله نمیرد،و به صاعقه و آفتی از آفات دنیا دچار مرگ نشود،و در وقت مردن او فرشته ای بزرگوار از نزد حق تعالی بر او نازل گردد،و بالای سر او بنشیند و بگوید:

«ای ملک الموت نسبت به ولی اللّه نرمی و مدارا داشته باش،زیرا او بسیار مرا یاد می کرد»تا آخر خبر،و در آخر خبر آمده است:پرده از پیش چشمش برداشته شود،و منازل خود را در بهشت ببیند.و به نرم ترین صورت قبض روح شود،و روح او را هفتاد هزار فرشته مشایعت کنند،که به سوی بهشت بالا ببرند. سیزدهم: و نیز کلینی از حضرت باقر علیه السّلام روایت کرده:«سورۀ ملک بازدانده است،از عذاب قبر بازدارد...»تا آخر خبر.

چهاردهم: و نیز از ان حضرت روایت شده:قرآنی در دریا افتاد،چون آن را یافتند دیدند همۀ کلماتش پاک شده بود جز این آیۀ کریمه:

أَلاٰ إِلَى اللّٰهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ . پانزدهم: شیخ کلینی از زراره روایت کرده:قرآن را در ثلث دوم ماه رمضان بر می داری و می گشایی و روبروی خود می گذاری و می گویی:اللّهمّ انّی اسالک بکتابک المنزل و ما فیه و فیه اسمک الاعظم الاکبر،و اسماؤک الحسنی،و ما یخاف و یرجی ان تجعلنی من عتقائک من النّار و دعا می کنی به آنچه حاجت داری.

شانزدهم: شیخ کفعمی در کتاب«مصباح»و محدّث فیض در خلاصه الأذکار فرموده:در بعضی از کتب اصحاب امامیه دیدم،هرکه خواسته باشد یکی از پیامبران و امامان یا یکی از مردمان،یا والدین خود را،در خواب ببیند سوره های شمس و لیل و قدر و(قل یا ایّها الکافرون)و سورۀ اخلاص و معوّذتین[ناس و فلق]را بخواند،سپس صد مرتبه سورۀ اخلاص را بخواند،و بر پیامبر و خاندانش صد مرتبه صلوات بفرستد،و با وضو به طرف راست بخوابد،هرکه را اراده کرده ان شاء اللّه خواهد دید و با او هرچه بخواهد سخن خواهد گفت:و در نسخۀ دیگری دیدم که این عمل را در هفت شب بجا آورد،پس از آنکه این دعا را بخواند:

خدایا تو زنده ای هستی که وصف نشود،و ایمان از او باز شناخته شود،چیزها از تو آغاز شد،و به سوی

تو باز می گردد،پس آنچه از آنها روی به تو کرد،تو پناهگاه و جای نجاتش بودی،و آنچه از آنها از تو بازگشت،برایش پناهگاهی جای نجاتی،از تو جز به سوی تو نیست،از تو می خواهم به حق«لا اله الاّ انت»و از تو می خواهم به حق بسم اللّه الرحمن الرحیم و به حق حبیبت محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)سرور پیامبران،و به حق علی بهترین جانشینان،و به حق فاطمه سرور بانوان جهانیان،و به حق حسن و حسین که هر دو را آقای جوانان اهل بهشت قرار دادی(که بر همهٔ آنان درود و سلام)اینکه بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی،و نشان دهی مرده ام را در آن حالی که او در آن است.

هفدهم: و نیز در کتاب«خلاصه»آمده است به نقل از برخی کتابها که یافتم در کتاب الاداب الحمیده تألیف محمّد بن جریر طبری که حارث بن روح،از پدرش و او از جدّش نقل کرده:به فرزندان خود گفت:هرگاه امری شما را اندوهگین ساخت پس شب را به سر نیاورد مگر درحالی که پاک شد،و رختخواب و رو اندازش پاک باشد،و زنی با او نباشد،پس بخواند هفت مرتبه:و الشمس،و هفت مرتبه:و اللیل،سپس بگوید:

اللّهمّ اجعل لی من امری هذا فرجا و مخرجا هرگاه این عمل را بجا آورد،شخصی در همان شب،یا شب سوم،یا پنجم،و گمان می کنم گفت:یا در شب هفتم در خواب او بیاید،و راه بیرون شدن از آن غصّه و اندوه را برای او بگوید.فقیر گوید:بعضی گفته اند:سوره های و الضّحی و أ لم نشرح را نیز بخواند.و در کتاب الجواهر المنثوره آمده است:کسی که بخواهد مطلب خود را در خواب ببیند به وقت خوابیدن هریک از این سوره ها را هفت مرتبه بخواند،سوره های و الشمس،و اللّیل و السّین،اخلاص،قل اعوذ برب الفلق،قل اعوذ برب الناس،و با طهارت در مکان پاکی،در جامه پاکی رو به قبله بر دست راست بخوابد، هماننده مرده ای که در قبر گذاشته می شود،و مطلب خود را نیّت کند اگر در شب اوّل ندید،در شبهای بعد خواهد دید،و از هفت شب تجاوز نمی کند،گفته شده این مطلب مجرّب[یعنی تجربه شده]است. هجدهم: در خلاصه الاذکار از حضرت زهرا علیها السّلام روایت

ص:1087

شده:رسول خدا بر من وارد شد،وقتی که بستر خود را پهن کرده بودم و قصد خوابیدن داشتم فرمود:ای فاطمه نخواب مگر اینکه چهار عمل بجا آوری:ختم قرآن کنی،و پیامبران را شفعای خود سازی،و اهل ایمان را از خود خشنود کنی،و حجّ و عمره بجا آوری،این را فرمود وارد نماز شد،من ایستادم تا نمازش را تمام کرد،گفتم یا رسول اللّه به چهار چیز امر فرمودی،که من در این وقت قدرت بجا آوردن آن را ندارم،حضرت تبسّم کرد و فرمود:هرگاه سوره توحید را سه مرتبه بخوانی گویا ختم قران کرده ای،و هرگاه به من و پیامبران پیش از من صلوات فرستی ما شفیعان تو در روز قیامت خواهیم بود،و هرگاه برای اهل ایمان استغفار کنی،تمامی آنها از تو خشنود می شوند.و هرگاه بگویی:سبحان اللّه و الحمد للّه و لا اله الاّ اللّه و اللّه اکبر حجّ و عمره کرده ای.مؤلّف گوید:کفعمی نقل کرده:هرکس هنگام خواب سه مرتبه بگوید:

یفعل اللّه ما یشاء بقدرته و یحکم ما یرید بعزّته مانند این است که هزار رکعت نماز بجا آورده باشد.

نوزدهم: و نیز در خلاصه الاذکار آمده وقت مطالعه بخواند:خدایا مرا بیرون آور از تاریکی های وهم،و به نور فهم گرامی ام بدار،خدایا درهای رحمتت را به روی ما بگشا،و خزانه های علومت را بر ما باز کن به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

بیستم: روایت شده:شخصی خدمت حضرت جواد علیه السّلام نوشت:قرض بسیار دارم،حضرت نوشتند:بسیار استغفار کن و زبانت را به خواندن سورۀ انا انزلناه تر بدار. بیست و یکم: در حدیث است:مفضّل به حضرت صادق علیه السّلام از تنگی نفس شکایت کرد و گفت:اندکی که راه می روم نفسم تنگ می شود،به این خاطر می نشینم.حضرت فرمود:بول شتر بخور تا آرام شود.در حدیث دیگری آمده:شخصی به آن حضرت از سرفه شکایت کرد.فرمود:مقداری انجدان رومی با همان مقدار از نبات بکوب و یک روز یا دو روز بخور،آن شخص گفت:یک مرتبه خوردم برطرف شد. بیست ودوم: از امیر مؤمنان علیه السّلام نقل شده:حضرت عیسی علیه السّلام به شهری رسیدند دیدند مردم آن شهر صورتشان زرد،و چشمانشان کبود شده است،و از بسیاری بیماری به آن حضرت شکایت

کردند.ایشان فرمود:شما گوشت را نشسته می پزید،و هیچ حیوانی از دنیا بیرون نمی رود مگر ان که جنابتی با او هست، پس از آن گوشت را پیش از پختن شستند،بیماریشان برطرف شد.و حضرت عیسی علیه السّلام به شهر دیگری رسیدند که دندانهای مردمشان ریخته بود و صورتهایشان ورم کرده بود.فرمود:هگام خواب دهانتان را باز کنید و بر هم مگذارید،چنان کردند، علتها از ایشان زایل شد. بیست و سوم: از حضرت باقر علیه السّلام نقل شده:چون کسی از صاحبان بلا را ببینی آهسته که او نشنود سه مرتبه بگو:الحمد للّه الّذی عافانی ممّا ابتلاک به و لو شاء فعل

هرکه چنین کند هرگز آن بلا به او نرسد،و در روایت دیگری آمده:بگو:

الحمد للّه الّذی عافانی ممّا ابتلاک به،و فضّلنی علیک و علی کثیر ممّن خلق.

بیست و چهارم: از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده:هرگاه زنی باردار باشد،و چهار ماه بر او بگذرد،روی او به قبله کن و ایه الکرسی بخوان،و دست بر پهلوی او بگذار و بگو:اللّهمّ انّی قد سمّیته محمّدا

چون چنین کند خدا آن فرزند را پسر گرداند،پس اگر او را به نام محمّد نامگذاری کند مبارک باشد،و اگر نام نکند،خدا اگر خواهد از او بگیرد،و اگر بخواهد به او ببخشد. بیست و پنجم: روایت شده:وقت کشتن گوسفند عقیقه[گوسفندی که برای نوزاد و قربانی می کنند]این دعا را بخواند:

بسم اللّه و باللّه،اللّهمّ عقیقه عن فلان(نام او را بگوید)لحمها بلحمه،و دمها بدمه و عظمها بعظمه،اللّهمّ اجعلها وقاء لال محمّد علیه و اله السّلام.

و در حدیث دیگری فرمود که این دعا را بخواند:ای قوم از آنچه شما شریک خدا قرار می دهید بیزارم،من متوجه نمودم رویم را

به جانب کسی که آسمانها و زمین را آفرید با خلوص و از سر تسلیم،و من از شرک ورزان نیستم.به درستی که نمازم و عبادتم و زندگی ام و مرگم برای خداست،پروردگار جهانیان،شریکی ندارد،به این حقیقت امر شدم و من از مسلمانانم،خدایا از تو و برای تو،به نام تو و به تو،و خدا بزرگ تر است،خدایا درود فرست بر محمّد و خاندان محمّد،و از فلان فرزند فلان بپذیر.و نام فرزند را بگوید سپس ذبح کند.

علاّمه مجلسی در حلیه المتّقین فرموده:بدان که عقیقهٔ فرزند مستحب موکّد است،برای کسی که قادر بر آن باشد،و بعضی از علما واجب می دانند،و بهتر است روز هفتم واقع شود،و اگر تا بلوغ طفل تأخیر کند بر پدر مستحبّ است،و پس از بلوغ تا آخر عمر بر خودش مستحبّ است.و در احادیث معتبر بسیاری وارد شده:عقیقه بر کسی که دارای فرزند شود واجب است.و در احادیث بسیاری نقل شده:هر فرزندی در گرو عقیقه است،یعنی اگر انجام نگیرد،در معرض مردن و انواع بلاهاست.از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده:عقیقه بر کسی که توانگر باشد لازم است،و کسی که تهی دست است پس از توانگری انجام دهد، اگر هم توانگر نشد بر او تکلیفی نیست و اگر برای او عقیقه نکنند،تا زمانی برای او قربانی کنند،قربانی از عقیقه کفایت می کند.

در حدیث دیگری نقل شده:از آن حضرت پرسیدند:ما برای عقیقه دنبال گوسفند رفتیم ولی نیافتیم،چه می فرمایید قیمتش را تصّدق کنیم؟ فرمود:طلب کنید تا بیابید.خدا خوراندن طعام و ریختن خون را دوست دارد.در حدیث دیگری آمده:

پرسیدند آیا فرزندی که در روز هفتم بمیرد،می باید عقیقه اش کرد؟ فرمود:اگر پیش از ظهر بمیرد عقیقه ندارد،و اگر بعد از ظهر بمیرد عقیقه کنند.در حدیق معتبری از عمر بن یزید نقل شده:خدمت آن حضرت عرض کرد:نمی دانم پدرم برای من عقیقه کرده یا نه؟فرمود:عقیقه کن.پس او در پیری عقیقه کرد.در حدیث حسن از آن حضرت نقل شده:فرزند را در روز هفتم ولادت نام می گذارند و عقیقه می کنند،و سر می تراشند،و موی سرش را با نقره وزن می کنند،و آن نقره را تصدق می دهند،و پای و ران عقیقه را برای قابله ای که در زایمان زن کمک کرده می فرستند.و باقی را به مردم اطعام می کنند و تصدّق می دهند.

در حدیث موثّق دیگری فرمود:هرگاه پسری یا دختری برای تو متولّد شود،در روز هفتم گوسفندی یا شتری عقیقه می کنی،و او را نامگذاری کن،و سرش را در روز هفتم بتراش،و به سنگینی موی سرش طلا یا نقره تصّدق بده.در حدیث دیگری وارد شده:ربع گوسفند را به قابله می دهد،و اگر بی قابله زایمان کرده آن را به مادر می دهد،که به هرکه خواست ببخشد،و دست کم به ده مسلمان بخوراند،و هرچه زیادتر باشد بهتر است،و خود از گوشت عقیقه نخورد،و اگر قابله زنی یهودی باشد قیمت ربع گوشت گوسفند را به او بدهد.و در روایت دیگری وارد شده:به قابله ثلث گوسفند را می دهند،و مشهور میان علما آن است که باید عقیقه شتر یا گوسفند یا بز باشد.از حضرت باقر علیه السّلام نقل شده:رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در روز ولادت در گوش حسنین علیهما السّلام اذان گفتند و حضرت فاطمه علیها السّلام روز هفتم برای آنان عقیقه کرد،و پای گوسفند را با یک اشرفی به قابله دادند.عقیقه اگر شتر باشد باید پنج ساله یا در شش یا بیشتر باشد،و اگر بز یک سال یا در دو یا بیشتر،و اگر گوسفند باشد دست کم شش ماهه یا در هفت ماه باشد،و اگر هفت ماه تمام باشد بهتر است،و باید بیضه اش را نکشیده باشند،و نیز بهتر آن است که آن را نکوبیده باشند،و باید مغز شاخش شکسته،و گوشش بریده،و زیاد لاغر،و کور و بسیار لنگ که راه رفتن برایش دشوار باشد،نباشد.اما در حدیث معتبری از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده:عقیقه از باب قربانی نیست،هر گوسفندی که باشد خوب است.هدف گوشت است هرچه فربه تر باشد بهتر است.و مشهور میان علما آن است که مستحب است عقیقهٔ پسر نر باشد،و عقیقه دختر ماده،و گمان فقیر این است که برای هر دو موافق بسیاری از احادیث معتبر گوسفند نر بهتر است و برای هر دو گوسفند ماده هم خوب است.و مستحبّ است پدر و مادر از گوشت عقیقه نخورند،بلکه بهتر آن است،از طعامی که در آن پخته باشند نیز نخورند،و خوردن مادر کراهتش بیشتر است.و بهتر این است که عیال پدر و مادر هم که در خانه ایشان می باشند،از آن گوشت طعام نخورند،و مستحبّ است بپزند،و خام تصّدق نکنند،و کمترینش آن است که با آب نمک بپزند،بلکه احتمال دارد این گونه پختن بهتر باشد،و اگر خام هم تصدّق کنند خوب است،و اگر حیوان عقیقه پیدا نشود،تصدّق قیمتش فایده ای ندارد،بلکه باید صبر کنند تا پیدا شود،و شرط نیست جماعتی که به خوردن عقیقه حاضر می شوند فقیر باشند،اما خوراندن به صالحان و فقرا بهتر است،انتهی.

فقیر گوید:مشهور کراهت شکستن استخوانهای عقیقه است،و روایت:

استخوانش شکسته شود،و گوشتش بریده گردد،و پس از ذبح آنچه خواهی انجام می دهی.منافات با کراهت ندارد.

ص:1091

صاحب جواهر فرموده:اما آنچه بین مردم عراق مشهور شده که پیچیدن استخوانهای آن،در پارچه ای سپید و دفن کردن آن مستحبّ است نصّی بر آن نیافتم،و اللّه العالم بیست و ششم: از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده:وقت ختنه کردن پسر این دعا را بخوانند،و اگر در ان وقت میسّر نشود،تا بلوغ طفل هر وقت میّسر گردد،بر آن طفل بخوانند،که از او حرارت آهن را از کشتن و غیر آن دفع می کنند و دعا این است:

خدایا این روش تو،و روش پیامبر توست(درود تو بر او و خاندانش)،و پیروی ماست از تو و از پیامبرت به مشیت و اراده و حکمت.برای کاری که اراده فرمودی،و حکمی که حتم نمودی،و امری که اجرا کردی،و چشاندی به او سوزش آهن در ختنه و حجامتش،به کاری که تو به آن داناتر از منی،پس او را از گناهان پاک کن، و بر عمرش بیفزا،و آفات را از بدنش دور کن،و دردها را از جسمش بزدای،و بر توانگری اضافه کن، و تهی دستی را از او برطرف نما،به درستی که تو می دانی و ما نمی دانیم. بیست و هفتم: سید ابن طاووس از دعوات خطیب مستغفری نقل کرده:او از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت نموده است که هرگاه خواستی به کتاب خدا تفّأل[فال نیک زدن]بزنی،سوره اخلاص را سه مرتبه بخوان،سپس سه مرتبه بر پیامبر و آلش صلوات فرست،پس بگو:خدایا من تفّأل زدم به کتاب تو،و بر تو توکّل نمودم،آنچه از رازت در غیب تو پنهان است،از کتاب خود به من بنمایان، پس باز کن جامع را یعنی قرآنی که جامع تمام سوره ها و آیات باشد،و بگیر فال را از خط اول از جانب اول بی آنکه اوراق و سطور را بشماری.و بدان که علامۀ مجلسی از برخی نوشته های اصحاب از خط شیخ یوسف قطیفی نقل کرده،و او از خط آیت اللّه علامه،که از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده:هرگاه اراده کردی از کتاب عزیز استخاره کنی بعد از بسم اللّه بگو:

اگر در قضا و قدرت این است که بر شیعۀ خاندان محمد(درود بر ایشان)به فرج ولیّ ات، و حجّتت بر بندگانت منّت بگذاری،از کتاب خود آیه ای برای ما بیرون آور،که به آن بر این کار راه یابیم.

پس مصحف شریف را می گشایی،و شش ورق می شماری،و از ورق هفتم شش سطر می شماری،و در آن نظر می کنی و مطلب را بیرون می آوری.و شیخ شهید رحمه اللّه در کتاب«ذکری»فرموده:از جمله استخاره ها،استخاره به عدد است،و این در روزگار گذشته،پیش از زمان سیّد کبیر عابد رضی الدین محمّد بن محمّد الآویّ الحسینی،مجاور مشهد غروی رضی اللّه عنه مشهور نبوده،و ما روایت می کنیم این استخاره را با جمیع مرویّات او،از جماعتی از مشایخ خودمان،از شیخ کبیر فاضل جمال الدّین بن المطّهر از والدش رضی اللّه عنه از سیّد رضی الدین مذکور،از حضرت صاحب الامر علیه الصّلوه و السّلام:می خوانی فاتحه را ده مرتبه،و کمترینش سه مرتبه،و کمتر از آن یک مرتبه،سپس می خوانی سورۀ قدر را ده مرتبه،سپس این دعا را سه مرتبه می خوانی:خدایا من از تو درخواست خیر می کنم،برای آگاهی ات به عاقبت کارها،و با تو مشورت می کنم برای خوش گمانی ام به تو در آنچه مورد آرزو و بیم است،خدایا اگر کار فلانی از آنهایی است که آغاز و انجامش به برکت بسته شده،و روزها و شبهایش به کرامت پیچیده گشته،پس برایم اختیار کن، خدایا در ان خیری باشد،که سختی اش را سهل و نرم کنی،و روزهایش را به شادمانی بازگردانی،خدایا اگر دستور است انجامش دهم،اگر نهی است،خودداری نمایم،خدایا به رحمتت خیرجویی می کنم خیری در عافیت.

پس یک قبضه را تسبیح را می گیری،و حاجت خود را نیّت می کنی،اگر عدد آن قبضه جفت است پس آن«افعل»است، یعنی انجام بده،و اگر طاق است«لا تفعل»است یعنی انجام نده،یا به عکس یعنی طاق خوب است و جفت بد،و این بسته به قصد استخاره کنند دارد.فقیر گوید:تقعض[در متن عربی دعای استخاره]به ضاد معجمه یعنی تردّ و تعطف.و ما در باب نمازها،

استخاره ذات الرّقاع،و بعضى از اقسام استخاره و ساعات آن را ذكر كرديم،به آنجا رجوع شود.و بدان كه سيّد ابن طاووس كلامى فرموده كه حاصلش اين است:من حديث صريحى نيافتم كه انسان براى غير خود استخاره كند،ولى يافتم احاديث بسيارى را كه در آنها امر شده بر قضاى حاجت برادران به دعاها و ساير توسّلات،بلكه در اخبار از فوايد دعا براى برادران چندان ذكر شده كه محتاج بر بيان نيست،و استخاره نيز از جمله حاجات،و از جمله دعوات است،زيرا شخصى كه انسان را تكليف به استخاره مى كند،به طور حتم حاجتى برايش پيش آمده و آن شخصى كه مباشر استخاره مى شود مى خواهد براى خود استخاره كند كه آيا صلاح است كه به او بگويد انجام بده يا نه،و مى خواهد براى آن شخص كه به او گفته استخاره كند،آيا مصلحت در فعل است يا در ترك،و اين از چيزهايى است كه داخل است در تحت عموم روايات ناظر به استخارات و قضاى حاجات.علاّمۀ مجلسى فرموده:كلام سيّد در جواز استخاره براى غير،خالى از قوّت نيست به جهت عمومات[يعنى تعابير عامّ وارد در روايات براى رفع حاجت برادران دينى]،به خصوص وقتى كه نايب براى خود قصد كند كه به شخص طالب استخاره بگويد:انجام بده يا نده،چنان كه سيد به آن اشاره فرموده:و اين نقشه اى است براى داخل كردن استخاره در تحت اخبار خاصّه،ليكن احوط و اولى آن است كه صاحب حاجت خودش براى خود استخار كند،زيرا ما خبرى كه در جواز وكالت در استخاره وارد شده باشد،نديديم، و اگر اين كار جايز يا راجح مى بود،به طور قطع اصحاب از ائمه سؤال مى كردند،و اگر سؤال كرده بودند براى ما دست كم در يک روايت نقل مى شد،به علاوه اينكه شخص مضطر خود اولى به اجابت،و دعاى او اقرب به خلوص نيّت است،انتهى.

بيست و هشتم: از رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم نقل شده:هركس يهود،يا ترسا[مسيحى]،يا گبرى[مجوسى]را ببيند و بگويد:

الحمد للّه الّذى فضّلنى عليک بالاسلام دينا،و بالقران كتابا،و بمحمّد نبيّا،و بعلىّ اماما،و بالمؤمنين اخوانا،و بالكعبه قبله خداى تعالى ميان او آن كافر در دوزخ جمع نكند.

مؤلّف گويد:از آيات و اخبار بسيارى استفاده مى شود كه مسلمان بايد از دوستى با كفّار و محبّت و ميل و تشبّه به ايشان اجتناب

ورزد،و بر مسلک آنان سلوک نکند.خدای تعالی فرمود:به حقیقت برای شما در ابراهیم و کسانی که با او بودند سرمشق خوبی است،به قومشان گفتند:ما از شما بیزاریم از آنچه جز خدا می پرستید، بین ما و شما همیشه دشمنی و کینه ورزی است.

شیخ صدوق رحمه اللّه از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده:حق تعالی به سوی پیغمبری از پیامبران خود وحی فرستاد تا به مؤمنان بگوید:

لباس دشمنان مرا نپوشید،و غذای دشمنان مرا نخورید،و بر راههای دشمنان من مروید،که دشمنان من خواهید بود،چنان که آنان دشمنان منند.لذا در بسیاری از روایات وارد شده:فلان عمل را بجا آورید،و خود را به کفّار شبیه نسازید،مانند روایتی که از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نقل شده:شارب[موهای پشت لب]را از ته بگیرید،و محاسن[موهای صورت]را بلند بگذارید،و خود را به یهودیان و گبران شبیه نکنید،و نیز فرمود:گبران محاسن خود را تراشیدند،و شاربهای خود را زیاد کردند،و ما شارب خود را می گیریم و محاسن می گذاریم، و هنگامی که نامه های دعوت آن جناب به پادشاهان رسید،کسری به باذان عامل یمن نوشت،آن حضرت را نزد او فرستد،و او کاتب خود بانویه،و مردی که او را خر حسنک می گفتند به مدینه فرستاد،و آن دو محاسن خود را تراشیده و شارب گذاشته بودند،آن جناب را خوش نیامد که به ایشان نظر کند فرمود:وای بر شما چه کسی شما را به این هیئت امر کرده؟گفتند:پروردگارمان یعنی کسری،فرمود ولی پروردگار من مرا به گذاشتن محاسن و چیدن شارب امر فرموده است.بدان که حق تعالی در سورۀ هود فرموده است:

به جانب کسانی که ستم کردند متمایل نشوید،در نتیجه آتش شما را تماس می یابد،و جز خدا برای شما دوستانی نباشد،سپس یاری نشوید.

مفسّران در معنی آیه فرموده اند:میل اندک به سوی آنان نکنید تا چه رسد به بسیار؟که ستم کردند،پس برسد به شما آتش دوزخ.و بعضی گفته اند:«رکون»نهی شده،وارد شدن با ایشان در ستم ایشان،و اظهار رضایت به کارشان و اظهار موالات با آنان است،و در روایت اهل بیت علیهم السّلام آمده:رکون عبارت از مؤدت و نصیحت و طاعت ایشان است. بیست و نهم: نوزده حرف است که برای خواننده آن،اسباب گشایش و رهایی از آفات است،رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم آنها را به امیر مؤمنان صلوات اللّه علیهما و آلهما تعلیم فرموده و شیخ صدوق در

کتاب خصال در ابواب نوزده گانه نقل کرده:فرمودند که می گویی:

ای تکیه گاه کسی که تکیه گاهی ندارد،ای ذخیره کسی که ذخیره ای ندارد،ای پشتوانه کسی که پشتوانه ای ندارد،ای پناه کسی که پناهی ندارد،ای دادرس کسی که دادرسی ندارد،و ای کریم،و ای نیکو آزمون،و ای بزرگ امید، و ای عزّت ناتوانان،و ای نجات بخش غرق شدگان و هلاک شدگان،ای نیکوکار،ای زیباکار،ای نعمت بخش،ای فزون بخش،تویی که تاریکی شب و روشنی روز،و پرتو ماه و شعاع خورشید و صدای آب و صدای خش خش برگ های درخت برایت سجده کرد.ای خدا،ای خدا،ای خدا،تو یگانه ای شریکی برایت نیست.پس می گویی:

اللّهمّ افعل بی کذا و کذا به جای کلمه کذا و کذا حاجت خود را ذکر می کنی همانا که از جای خود برنخواهی خاست تا ان شاء اللّه تعالی مستجاب شود.

سی ام: شیخ کفعمی از مفاتیح الغیب نقل کرده:هرکه لفظ بسم اللّه را بر در ورودی منزل خود بنویسد از هلاک ایمن خواهد شد،اگرچه کافر باشد،و نیز گفته است:خدا فرعون را زود هلاک نکرد بلکه به او مهلت داد،با این که ادّعای ربوبیّت داشت به خاطر این که بر در خانه خود نوشته بود:بسم اللّه و حق تعالی به موسی زمانی که شتاب در هلاکت فرعون را خواست وحی فرمود:توبه کفر او نظر می کنی،و من به آنچه به در خانهٔ خود نوشته است. سی و یکم: شیخ ابن فهد روایت کرده:روزی به ابو الدّرداء خبر دادند:خانه ات سوخته است،گفت نسوخته،دیگری خبر داد،باز همان جواب را داد تا سه مرتبه معلوم شد تمام خانه های اطراف جز خانه او سوخته اند!گفتند:از کجا می دانستی که خانهٔ تو نسوخته است؟گفت:

زیرا رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم شنیدم که فرمود:

هرکه در صبح این دعا را بخواند،بدی در آن روز به او نمی رسد،و اگر در شب بخواند،در آن شب بدی به او نمی رسد،و من این دعا را خوانده بودم:

خدایا تویی پروردگار من،معبودی جز تو نیست،بر تو توکّل کردم و تو پروردگار عرش بزرگی،و هیچ جنبش و نیرویی نیست مگر به خدای برتر بزرگ،آنچه خدا خواست شد،و آنچه نخواست نشد،می دانم که خدا بر هر چیز تواناست، و به همه چیز از جهت علم احاطه یافته است.خدایا به تو پناه می آورم،از شرّ خود،و از شرّ قضای بد،و از شرّ هر صاحب شرّی،و از شرّ جنّ و انس،و از شرّ هر جنبنده ای که گیرنده مهار اختیارش هستی،به درستی که پروردگار من بر راهی راست است.

سی و دوم: شیخ کلینی و غیر او از احضرت صادق علیه السّلام روایت کرده اند:این دعا را تعلیم زراره فرمود:که در زمان غیبت و امتحان شیعه بخوانند:

خدایا خود را به من بشناسان،زیرا اگر خود را به من نشناسانی فرستاده ات را نشناخته ام،خدایا فرستاده ات را به من بشناسان،زیرا اگر فرستاده ات را به من نشناسانی حجّتت را نشناخته ام،خدایا حجّتت را به من بشناسان،زیرا اگر حجّتت را به من نشناسانی،از دین خود گمراه می شوم. سی و سوم: در عدّه الداعی از امیر مؤمنان علیه السّلام روایت شده:هرگاه یکی از شما خواست بخوابد،دست راست را زیر صورت راست خود بگذارد و بگوید:

بسم اللّه،وضعت جنبی للّه،علی ملّه ابراهیم و دین محمّد صلّی اللّه علیه و آله و ولایه من افترض اللّه اطاعته،ما شاء اللّه کان،و ما لم یشأ لم یکن.هرکه این دعا را هنگام خواب بگوید،خدا

او را از دزد غارتگر،و از ریزش آوار بر سرش،حفظ کند،و فرشتگان برای او طلب آمرزش کنند. سی و چهارم: و نیز در عدّه الداعی آمده:خواندن انا انزلناه فی لیله القدر بر هر چیزی که ذخیره و پنهان کنند،برای آن حرز[حافظ و نگاهبان]است،بنابر آنچه از اهل بیت علیهم السّلام روایت شده. سی و پنجم: و نیز از امیر مؤمنان علیه السّلام نقل کرده:هرکه صد آیه از قرآن بخواند از هر آیه که باشد،و هفت مرتبه بگوید یا اللّه اگر بر سنگی بخواند خدا آن را بشکافد. سی و ششم: و نیز از آن حضرت نقل کرده:کسی که قل هو اللّه احد را سه مرتبه بخواند وقتی که به بستر خواب خویش می رود،خدا پنجاه هزار فرشته بر او بگمارد که از او در ان شب پاسداری کنند،و از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده:هرکه یک روز بر او بگذرد،و در نماز خود(قل هو اللّه احد)را نخواند،روز قیامت به او می گویند:ای بندهٔ خدا تو از نماز گذاران نیستی!!و نیز از آن حضرت نقل شده:کسی که جمعه بر او بگذرد یعنی یک هفته و در آن هفته قل هو اللّه احد نخوانده باشد،به دین ابی لهب بمیرد!!و نیز از آن جناب روایت شده:کسی که به او مرضی یا شدّتی برسد و در آن حال قل هو اللّه احد نخواند،و در آن مرض یا شدّت بمیرد اهل آتش خواهد بود.

سی و هفتم: در عده الداعی این نوشته را برای حفظ زراعت خربزه و خیار و سایر زراعتها از ضرر کرم و آفاتی که آن را فاسد کند نقل کرده،و کیفیت آن،چنان است که بر چهار نی،یا چهار کاغذ که در نی بگذارد و بنویسد،و آنها را در چهار طرف مزرعه قرار دهد.

ای کرمها،ای جانوران و حشرات و حیوانات،از این زمین و زراعت به ویرانه روید،آن چنان که«یونس»فرزند متّی از شکم ماهی بیرون رفت،اگر بیرون نروید،زبانه خشمگینی از آتش و مس بر شما می فرستم،پس یاری نشوید،آیا ندیدی آنان را که از ترس مرگ از خانه هایشان بیرون رفتند و هزاران تن بودند،خدا به آنان گفت:بمیرید،پس همگی مردند،از آن بیرون روید به درستی که تو رانده شده ای، پس از آنجا ترسان بیرون رفت،درحالی که از خود دیده بانی می کرد،منزّه است آنکه شبانه بندهٔ خود را از مسجد الحرام به سوی

مسجد الاقصی حرکت داد روزی که ببینند آن را،گویی اینان درنگ نکرده اند جز شبی یا ظهری،پس بیرون کردیم آنها را از باغها و چشمه ها و کشتزارها و و جایگاه کریم،و نعمتی که در ان خوش بودند،پس آسمان و زمین بر آنان گریست،و مهلت نیافته بودند،از آن بیرون رو تو را نمی رسد که در ان تکبر ورزی،پس بیرون رو،که تو از خوارانی،از آن بیرون شو با ندامت و رسوایی،پس به جانب آنان سپاهیانی می آوریم،که آنان را یاری روبرو شدن با آنها نیست و از آنجا با خواری بیرونشان می کنیم، درحالی که بی مقدارانند. سی و هشتم: سیّد ابن طاووس از حضرت باقر علیه السّلام روایت کرده:هرکه صبح کند و در دستش انگشتر عقیقی باشد،که در انگشت راست کرده باشد،پیش از آنکه نظرش به کسی افتد،آن را به جانب کف دست برگرداند، و به آن نظر کند و سورۀ(انّا انزلناه فی لیله القدر)را تا آخر بخواند،سپس بگوید:

امنت باللّه وحده لا شریک له و کفرت بالجبت و الطّاغوت،و امنت بسرّ آل محمّد و علانیتهم،و ظاهرهم و باطنهم و اوّلهم و آخرهم.خدای عالمیان او را در آن روز، از شرّ آنچه از آسمان نازل می شود،و آنچه به سوی آسمان بالا می رود،و آنچه در زمین فرو می رود،و آنچه از زمین بیرون می آید حفظ می کند،و تا شامگاه در حرز[پناه]و حمایت خدا و دوستان خدا باشد.

سی و نهم: شیخ کفعمی از کتاب جامع الشتات،از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرده:هرگاه خوساتی از ما حدیثی نقل کنی، و شیطان باعث فراموشی تو شود،دست را بر پیشانی ات بگذار و بگو:صلّی اللّه علی محمّد و اله، اللّهمّ انّی اسالک یا مذکرّ الخیر و فاعله،و الامر به،ذکرّنی ما انسانیه الشّیطان

در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده:کسی که فراموشی او در نماز زیاد باشد،هنگامی که وارد

بیت الخلاء می شود بگوید:بسم اللّه،اعوذ باللّه من الرّجس النجس الخبیث المخبث الشّیطان الرّجیم.

مؤلف گوید:کسی که می خواهد حافظه اش زیاد شود،مسواک کند،و روزه بگیرد،و قرآن بخواند،به ویژه آیه الکرسی را،و ادامه دهد خوردن مویز را در ناشتا،به ویژه اگر سرخ و بیست و یک دانه باشد،این کارها برای فهم و ذهن و حافظه سودمند است،و نیز خوردن حلوا و گوشت نزدیک گردن گوسفند،و عسل و عدس نیز باعث تقویت حافظه هستند،نقل شده:از دواهایی که به تجربه رسیده آن است:که کندر و سعد و شکر طبرزد را مساوی با هم گرفته و نرم بکوبند و مخلوط کنند،و روزی پنج درهم بخورند،البته سه روز پی درپی بخورند،و پنج روز ترک کنند و به این صورت ادامه دهند،و هر روز پس از نماز صبح، پیش از آنکه سخن بگویند بخوانند:یا حیّ یا قیّوم فلا یفوت شیئا علمه،و لا یؤده.

و نیز به دنبال نمازها بخواند دعای:سبحان من لا یعتدی علی اهل مملکته

را،و نیز بخواند نمازی را که در باب دوم برای تقویت حافظه نقل کردیم[صفحه 991]و غیر ذلک،و نیز اجتناب کند از اموری که سبب نسیان می شود مانند:خوردن سیب ترش،گشنیز سبز،پنیر پس خوردۀ موش،بول کردن در آب راکد، خواندن سنگ قبور،عبور از بین دو زن،دور انداختن شپش زنده،نگرفتن ناخنها،ترک قیلوله[خواب نمیروز]،کثرت معاصی، بسیاری ناراحتی ها و اندوهها در امر دنیا،کثرت اشتغال و دلبستگی ها،چشم دوختن به اعدامی بر بلای دار،عبور از میان قطار شتر.

چهلم: ابن فهد از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرده:هر دعایی که پیش از آن تمجید نباشد ابتر[بی ثمر]است،اول تمجید است سپس ثنا،راوی گفت کمتر چیزی که از تمجید کفایت می کند چیست؟فرمود:

خدایا تویی اول،پیش از تو چیزی نیست،و تویی آخر،پس از تو چیزی نیست،و تویی ظاهر برتر از تو چیزی نیست،و تویی باطن و رأی تو چیزی نیست و تویی عزیز و حکیم

پایان

خاتمه:در بعضی از آداب و دعاهای مربوط به مرگ

[تأکید بر امر وصیت]

بدان که چون بر کسی آثار مرگ نمایان شود،اول کسی که باید به احوال او بپردازد،خود شخص است که سفر آخرتی ابدی در پیش دارد،و برای او در خود آن سفر توشه لازم است.اوّل چیزی که برای او ضرری است،اقرار به گناه و اعتراف به تقصیر و ندامت از گذشته ها و توبۀ کامل و تضرع و زاری به درگاه جناب مقدّس ایزدی که از گناهان گذشتۀ او درگذرد،و در احوال و هول و هراسی که در پیش دارد،او را به خود و دیگران وا مگذارد.پس باید که متوجه وصیت شود،و حقوق خدا و خلق و آنچه را بر ذمّه اوست ادا کند،و به دیگران وا گذار نکند که پس از مردن بی اختیار می شود،و به حسرت در اموال خود بنگرد،و شیاطین جن و انس،اوصیا و وارثان او را وسوسه ها کنند،و از اینکه ذمّه او را از حقوق آزاد کنند مانع شوند،و برای او چاره ای نشود،و حسرت و ندامت سودی نبخشد.پس به اندازۀ ثلث مال خود برای خویشان و صدقات و خیرات و آنچه مناسب حال خود می داند وصیت کند،که اضافه بر ثلث را اختیاری ندارد.برائت ذمّه خود را از برادران مؤمنش بخواهد،و از هرکه غیبت کرده،یا اهانت و آزاری روا داشته،اگر حاضر باشند از آنان بخواهد او را حلال کنند و اگر حاضر نباشند،از برادران مؤمن بخواهد که برای او برائت ذمّه بخواهند،سپس امور اطفال و عیال خود را بعد از توکّل بر جناب حق به امینی وا گذارد و شخصی را برای اولاد صغیر خود به عنوان وصی تعیین نماید.سپس کفن خود را مهیا نماید و از شهادتین و عقاید و اذکار و ادعیه و آیات،آنچه در کتب مبسوطه ذکر شده است،و این رساله گنجایش بیان آنها را ندارد،بگوید با تربت حضرت امام حسین علیه السّلام بر کفن او بنویسند،و این در صورتی است،که قبل از این غافل بوده و کفنی مهیا نکرده باشد،وگرنه مؤمن باید کفنش همیشه مهیّا و نزد او حاضر باشد،چنان که از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده:هرکه کفنش در خانه اش همراه او باشد،او را در شمار غافلان ننویسند،و هرگاه به آن کفن نظر کند ثواب یابد،و باید پس از آن دیگر به فکر زن و فرزند و مال نباشد،و متوجّه حضرت حق گردد،و به یاد او باشد،و اندیشه کند که این امور فانی به کار او نمی آید،و به غیر لطف و رحمت پروردگار،در دنیا و آخرت چیزی به فریاد او نمی رسد،و بداند وقتی که توکّل بر حق کند،امور بازماندگانش به بهترین صورت انجام خواهد

گرفت،و بداند که اگر خود باقی بماند،نمی تواند بدون خواست خدا سودی به آنان رساند،و ضرری از آنان برطرف نماید،و خدایی که آنان را آفریده از او به آنان مهربان تر است.و باید در آن حال در مقام امید و رجا به سر برد، و به رحمت خدا و شفاعت رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و ائمه معصومین علیهم السّلام امید عظیم داشته باشد،و منتظر قدوم شریف ایشان باشد،و بداند همهٔ آنان در آن وقت حاضر می شوند،و شیعیان خود را بشارتها می دهند،و ملک الموت را سفارشها می نمایند.

شیخ طوسی در(مصباح المتهجّد)فرموده:وصیت و اخلال نکردن به آن برای انسان مستحبّ است.چه آنکه روایت شده:برای آدمی سزاوار است شب را به روز نیاورد،مگر آنکه وصیت نامه اش زیر سرش باشد،و این معنا در حال بیماری تاکید شده است.و نیکو وصیت کند،و خود را از حقوقی که ما بین او و خداست و از مظالم عباد [ستمهایی که بر بندگان روا داشته است]خلاص کند.به راستی از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت شده:هرکه هنگام مرگ خویش وصیّتش را نیکو نکند،نشانهٔ نقص در عقل و مروّت اوست.عرضه داشتند:ان وصیّت نیکو چگونه است؟ فرمود:چون مرگ او برسد،و مردم نزد او جمع شوند بگوید:

خدایا آفرینندهٔ آسمانها و زمین،دانای پنهان و عیان،بخشنده و مهربان،من با تو عهد می کنم، به حق گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست،یگانه است،شریکی ندارد،و اینکه محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)بنده و فرستادهٔ اوست،و قیامت آمدنی است،شکی در ان نیست،و خدا هرکه را در قبور هستند.برمی انگیزد،و همانا حسابرسی اعملا و بهشت حق است،و آنچه در آن از نعمتها و خوراکیها،و آشامیدنی ها،و ازدواج وعده داده شده حق است،و آتش حق است،و ایمان حق است.و دین چنان که

وصف کرده،و اسلام چنان که تشریح فرموده،و گفتار چنان که گفت،و قران چنانچه نازل کرد،و خدای حق روشنگر است،و من در خانۀ دنیا با تو عهد می کنم که من راضی شدم به تو به اینکه پروردگارم هستی و به اسلام برای دین،و به محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)برای پیامبری،و به علی برای ولایت،و به قرآن به عنوان کتاب،و اینکه اهل بیت پیامبرت(بر او بر خاندانش درود)امامان من هستند،خدایا تو مرود اطمینان منی هنگام سختی،و امید منی به گاه گرفتاری،و ذخیره منی در کارهایی که برایم پیش آید،و تو سرپرست منی در نعمتم،و معبود من و پدران منی،بر محمّد و خاندانش درود فرست،و هرگز چشم برهم نهادنی مرا به خود وا مگذار، و در قبر وحشتم را برطرف کنی،و برایم در پیش خود پیمانی گسترده قرار ده روزی که تو را ملاقات می کنم.

این عهد میّت است در روزی که به حاجت خود وصیّت می کند،و وصیت بر هر مسلمانی حق است.حضرت صادق علیه السّلام فرمود:تصدیق این معنا در گفتار خدای تبارک و تعالی در سورۀ مریم آمده است:

مالک نمی شوند شفاعت را،مگر کسی که نزد خدای بخشنده پیمان گرفته باشد.و این همان پیمان است.

[نوشته ای که همراه میت می گذارند]

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود:

آن را بیاموز و به اهل بیت و شیعه خود آموزش ده،که آن را جبرئیل به من آموخت.شیخ فرموده:نسخۀ نوشته ای که با میّت نزد جریده گذارده می شود،پیش از نوشتن بگوید:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست،یگانه است،برای او شریک نمی باشد،و گواهی می دهم که محمّد بنده و رسول اوست،(درود خدا بر او و خاندانش)،

ص:1103

و این که بهشت و آتش و قیامت حق است.قیامت آمدنی است و شکّی در آن نیست،و خدا هرکه در گورهاست برمی انگیزد.آنگاه بنویسد:به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،گواهی دادند،گواهان نامبردۀ در این نوشته بر این که برادرشان در راه خدای عزّ و جلّ فلان بن فلان به جای فلان نام شخص ذکر شود آنان را گواه گرفت،و به آنان سپرد،و نزدشان اقرار کرد بر اینکه او گواهی می دهد:معبودی جز خدا نیست،یگانه و بی شریک است،و اینکه محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)بنده و رسول اوست،و اینکه او به همۀ انبیا و رسولان (درود بر ایشان)اقرار دارد،و این که علی ولیّ خدا و امام اوست،و ائمه از اولادش امامان اویند که اول آنان حسن،[است،سپس]حسین،و علی بن الحسین،و محمّد بن علی،و جعفر بن محمّد،و موسی بن جعفر، و علی بن موسی،و محمّد بن علی،و علی بن محمّد،و حسن بن علی،و قائم حجّت(درود بر ایشان)،و اینکه بهشت و دوزخ حق است،و قیامت آمدنی است،شکّی در آن نیست،و خدا هرکه را در قبورند برمی انگیزد، و اینکه محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)،بنده و رسول اوست،حق را آورد،و علی ولیّ خدا، و خلیفۀ پس از رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش)است که او را در امّتش جانشین خود قرار داد،درحالی که فرمان پروردگارش را می رساند،و اینکه فاطمه دختر رسول خدا،و دو فرزندش حسن و حسین دو پسر رسول خدا،و دو فرزند زادۀ او،و دو پیشوای هدایت،و دو رهبران رحمتند.و اینکه علی و محمّد و جعفر،

ص:1104

و موسی و علی،و محمّد و علی و حسن،و حجّت(درود بر ایشان)امامان و رهبران و دعوت کنندگان به سوی خدا،و حجّت بر بندگان اویند.سپس بگوید:ای گواهان.ای فلان و ای فلان که نام برده شده اید،برای من در این نوشته،این شهادت را نزد خودتان استوار بدارید،تا مرا به آن کنار حوض کوثر ملاقات کنید سپس گواهان بگویند:ای فلان تو را به خدا می سپاریم،و گواهی و اقرار و برادری نزد رسول خدا(درود خدا بر او و خاندانش)سپرده است و به تو می فرستیم سلام و رحمت و برکات خدا را پس آن صحیفه را به هم پیچند،و آن را مهر کنند،و باید به مهر شهود و میّت مهر شود،و با جریده طرف راست میّت گذاشته شود،و این صحیفه با نوک چوبی با کافور نوشته شود،و معطر و خوشبو نباشد.

[آداب محتضر و تلقین کلمات فرج به او]

و سزاوار است وقتی حالت مرگ می رسد،باطن قدمهای محتضر را رو به قبله کنند،و نزد او کسی باشد که سورۀ یس و صافات بخواند،و ذکر خدا کند،و او را به گفتن شهادتین،و اقرار به یک یک امامان تلقین نماید،و کلمات فرج را تلقین او کند:

معبودی جز خدا نیست،خدای بردبار کریم،معبودی جز خدا نیست خدای برتر بزرگ،منزّه است خدا،پروردگار آسمانهای هفتگانه،و زمینهای هفتگانه،و آنچه در آنها و بین آنها،و زیر آنهاست،و پروردگار عرش بزرگ،و ستایش خدای را پروردگار جهانیان،و درود بر محمّد و خاندان پاکش.

و نزد محتضر جنب و حایض حاضر نشود،و چون از دنیا رفت چشمانش را فرو خوابانند،و دستهایش را بکشند،و دهانش را بر هم گذارند،و ساقهایش را بکشند،و چانه اش را ببندند،و شروع در تحصیل کفن او کنند

[کفن میت]

و کفن واجب سه پارچه است:

لنگ،پیراهن،و سرتاسری،و مستحبّ است بر این پارچه ها جرۀ یمنّیه اضافه شود،و آن جامه ایست که از یمن می آورند،

یا پارچه ای دیگر،و پارچه پنجمی زیاد کنند،که با آن رانهای میّت را بپیچند،و علاوه بر اینها مستحبّ است برای او عمامه قرار دهند،پس مقداری از کافور که آتش به آن نرسیده باشد تهیّه کنند و بهتر است به وزن سیزده درهم و ثلث،و کمتر از آن چهار مثقال،و اقلّ یک درهم باشد،و اگر دشوار باشد هر اندازه ممکن است تهیه کنند.و سزاوار است بر تمام کفنها،یعنی بر هر پارچه از آن بنویسند:

فلان یشهد ان لا اله الاّ اللّه وحده لا شریک له و انّ محمّدا رسول اللّه و انّ علیّا امیر المؤمنین و الائمّه من ولده و یک یک امامان را ذکر کند سپس نوشته را به این جمله ادامه دهد.

ائمّته ائمّه الهدی الابرار و این را با تربت امام حسین علیه السّلام یا به انگشت بنویسند،و به سیاهی نوشته نشود.

[کیفیت و آداب غسل میت]

و باید میّت را به سه غسل،غسل دهند:غسل اول با آب سدر،دوّم با آب کافور،سوم با آب خالص.و کیفیّت غسلش مانند غسل جنابت است.ابتدا می کند به شستن دستهای میّت سه مرتبه،پس عورت او را با کمی از اشنان سه مرتبه می شوید،سپس سر او را سه مرتبه با کف سدر غسل می دهد،سپس جانب راست و بعد جانب چپ را به همین صورت و دست خود را به تمام بدن میّت می کشد،و باید همه این شستنهای اول با آب سدر باشد،سپس ظرفها را بشوید تا اثر سدر از آنها برود،سپس به همین ترتیب با آب کافور آنگاه او را با آب خالص غسل دهد،و غسل دهنده در حال غسل دادن هر عضوی بر جانب راست او بایستد و بگو:عفوا عفوا،چون از غسل دادن فارغ شود،بدن میّت را با جامۀ تمیزی خشک کند،و بر غسل دهنده در این حال یا بعد از آن غسل میّت واجب است.و مستحبّ است وضو،پیش از غسلهای میّت.

سپس او را کفن کند،و پارچۀ پنجمی را که ران پیچ باشد حاضر کند،و پهن نماید،و مقداری پنبه روی آن بگذارد،و بر آن قدری زریره بپاشد،و بر قبل و دبر میّت گذارد،و بر سوراخ دبر او پنبه بگذارد،سپس آن پارچه را بر رانهای او ببندد و محکم ببندد،و سپس لنگش را از نافش تا هر کجا برسد ببندد،و پیراهنش را بر او بپوشاند،و روی همه اینها

سرتاسری را قرار دهد،و بالای آن حبره،یا چیزی که جایگزین آن باشد،و بگذارد با او دو جریده از چوب خرما،یا درخت دیگری، و باید تروتازه باشد،و طولش به اندازۀ استخوان ذراع[ساعد]،یکی از آن دو را در جانب راست،چسبیده به بدن،از آن محّلی که موضع بستن لنگ است،و دیگری را در جانب چپ ما بین پیراهن و سرتاسری و کافور را بر مواضع سجده میّت،که پیشانی و باطن دستها،و سر زانوها،و اطراف انگشتان پاها می باشد بگذارد.و اگر از کافور چیزی اضافه آمد بر سینه او قرار دهد.و کفنها را بر او بپیچند،و او را از جانب سر و پاهایش ببندد،تا او را به خاک سپارند،آن وقت گره کفن را بگشایند.چون از کار کفن فارغ شدند، او را بر تابوت قرار داده،به جانب مصّلی ببرند،و بر او نماز بخوانند

[نماز میت]

علاّمۀ مجلسی و زاد المعاد آنچه را که خلاصه اش این است فرموده:

این نماز بر همۀ مسلمانان که آگاه به فوت شخصی شوند واجب است،و اگر یک نفر از آنان بخواند،از دیگران ساقط می شود.و خواندن نماز بر مردۀ شیعه اثنی عشری که بالغ باشد بدون خلاف در بین علما واجب است،و اشهر اقوی آن است که بر طفلی که شش سالش تمام شده خواندن نماز واجب است،و ظاهرا به قصد قربت می توان اکتفا کرد.و کمتر از شش ماهه را اگر زنده متولّد شده باشد بعضی مستحبّ دانسته اند و بعضی بدعت،و احوط نماز نخواندن است.و سزاوارترین مردم به نماز میّت بنابر مشهور وارث اوست،و شوهر به همسر خود اولی است،و واجب است نمازگزار رو به قبله بایستد،و سر جنازه به جانب راست او باشد،درحالی که میّت را به پشت خوابانده باشند،و در این نماز طهارت از حدث شرط نیست،و جنب و حائض،و بی وضو می توانند این نماز را بخوانند،و مستحبّ است با وضو باشد،و اگر آب نباشد،یا مانعی داشته باشد،یا وقت تنگ باشد،مستحبّ است تیمم نماید.و ظاهر بعضی احادیث است که بدون عذر نیز تیمم مستحبّ است و بنابر مشهور مستحبّ است امام جماعت برابر میان بدن مرد میّت،و روبروی سینه زن بایستد،و مستحبّ است کفش را از پا بیرون کند.و واجب است نیّت نماز کنند.و پنج تکبیر بگویند،و مستحبّ است،در هر تکبیر دستها را تا برابر گوش بالا ببرند،و مشهور آن است که پس از تکبیر اول بگوید:

اشهد ان لا اله الاّ اللّه و اشهد انّ محمّدا رسول اللّه و پس از تکبیر دوم بگوید: صلّ علی محمّد و آل محمّد و بعد از تکبیر سوم بگوید:اللّهمّ اغفر للمؤمنین و المؤمنات و بعد از تکبیر چهارم بگوید:

اللّهمّ اغفر لهذا المیّت و تکبیر پنجم را بگویند،به این صورت نماز تمام و مجزی است.و بنابر نظر مشهور،بهتر

ص:1107

آن است که پس از نیت بگوید:خدا بزرگتر است.و گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست،یگانه و بی شریک است.و گواهی می دهم که محمّد بنده و فرستاده اوست،که او را به حق،مژده دهنده و بیم دهنده پیشاپیش قیامت فرستاده.

سپس بگوید:خدا بزرک تر است.خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست،و بر محمّد و خاندان محمّد برکت ده،و محمّد و خاندان محمّد را رحم کن،همانند برتر درود و برکت و رحمتی که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم نمودی،به درستی که تو ستوده و بزرگواری،و بر همۀ پیامبران و فرستادگان درود فرست سپس بگوید خدا بزرک تر است.

خدایا این بنده تو،و فرزند بنده تو،و فرزند کنیز توست نزد تو فرود آمده،و تو بهترین کسی هستی که نزد او فرود می آیند،خدایا ما از او جز خوبی نمی دانیم،و تو از ما درگذر،و او را بیامرز،و نزد خود در بالاترین جایگاه قرارش ده،و بر خاندانش در میان زندگان جانشین او باش به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان سپس بگوید خدا بزرگ تر است و فارغ می شود،و اگر میّت زن باشد می گوید:خدایا این کنیز تو و دختر بندۀ تو،و دختر کنیز توست، بر تو فرود آمده،و تو بهترین کسی هستی که بر او فرود می آیند،خدایا ما از او جز خوبی خبر نداریم،و تو از ما به او داناتری،خدایا

ص:1108

اگر نیکوکار است بر نیکی اش بیفزا،و اگر بدکار است از او درگذر،و او را بیامرز،و نزد خود در بالاترین جایگاه ها قرارش ده و بر خاندانش در میان زندگان جانشین او باش،و به مهربانیت به او رحم کن، ای مهربان ترین مهربانان.و اگر میّت مستضعف باشد بگوید:اللّهم اغفر للّذین تابوا و اتّبعوا سبیلک و قهم عذاب الجحیم.و اگر میّت طفل نابالغ باشد بگوید:اللّهمّ اجعله لابویه و لنا سلفا و فرطا و اجرا.و مستحبّ است نمازگزاران بر جای خود بایستند،به خصوص پیشنماز تا جنازه را بردارند،و در روایتی وارد شده:پس از فارغ شدن از نماز بگوید:ربّنا اتنا فی الدّنیا حسنه و فی الاخره حسنه و قنا عذاب النّار.از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده:برادران مؤمن را از مردن او خبر دهند،تا بر جنازۀ او حاضر شوند،و بر او نماز بخوانند،و برایش استغفار کنند،که میّت و همۀ آنان ثواب ببرند.در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده:چون مؤمن را در قبر می گذارند،او را ندا می کنند:اول عطایی که به تو دادیم بهشت است،و اول عطایی که به تشییع کنندگان جنازۀ تو دادیم آمرزش گناهان ایشان است.و در حدیث دیگری فرمود:اول تحفه ای که در قبر به مؤمن می دهند آن است که هرکس را همراه جنازۀ او بوده می آمرزند.و در حدیث دیگری فرمود:هرکه جنازۀ مؤمنی را همراهی کند،تا او را دفن کنند،حق تعالی در قیامت هفتاد فرشته بر او می گمارد،که او را همراهی کنند،و برایش از قبر تا جایگاه حساب استغفار نماید.و فرمود:هرکه یک طرف جنازه را بگیرد،بیست و پنج گناه کبیره اش آمرزیده می شود و اگر چهار طرف از گناهانش خارج می شود

[تشییع جنازه]

و باید جنازه را چهار نفر بردارند،و برای کسی که تشییع جنازه می کند،بهتر است اول دست راست میّت را که جانب چپ جنازه است به دوش راست خود بردارد،سپس پای راست میّت را باز به دوش راست بردارد،آنگاه از پشت جنازه برود،و پای چپ میّت را به دوش چپ بردارد،سپس دست چپ

میّت را که جانب راست جنازه است به دوش چپ بردارد،و اگر بار دیگر بخواهد چهار گوشه تابوت را بگیرد،از پیش جنازه نرود،بلکه از جانب پشت جنازه بازگردد،و باز همان روش عمل کند.و اکثر علما بر عکس گفته اند،اول ابتدا به دست راست جنازه،سپس به پای راست،آنگاه به پای چپ،سپس به دست چپ،و موافق احادیث معتبر صورت اول بهتر است،و اگر هر دو صورت را بجا آوردند بهتر می باشد،و افضل آن است که دنبال جنازه،یا پهلوها راه رود نه پیش جنازه،و ظاهر اکثر احادیث آن است که اگر جنازۀ مؤمن باشد،جلوی آن راه رفتن خوب است،و در جنازۀ آنکه خلاف مذهب اهل بیت است خوب نیست،زیرا ملائکه او را به عذاب استقبال می کنند،و سواره رفتن دنبال جنازه مکروه است.

از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلّم نقل شده:هرکه جنازه ببیند این دعا را بخواند:خدا بزرگتر است،این است آنچه خدا و رسولش به ما وعده دادند،و خدا و رسولش راست گفتند،خدایا ایمان و تسلیم ما را بیفزا،ستایش خدای را که عزّت دارد به قدرتش،و مقهور کرد به مرگ،بندگانش را هیچ ملکی در آسمان نماند مگر آنکه برای ترحّم به و او گریه کند.و از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده:در حال برداشتن جنازه،این دعا را بخواند:به نام خدا و به خدا خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و مردان و زنان باایمان را بیامرز.و نقل شده که حضرت سجاد علیه السّلام هرگاه جنازه ای را می دید می گفت:ستایش خدایی را که مرا از گروه هلاک شدگان قرار نداد

و برای زنان تشییع جنازه سنّت نیست،و برخی گفته اند:جنازه را بسیار تند بردن مکروه است.و خندین و حرف باطل گفتن بر آن کس که بر جنازه حاضر می شود مکروه است،علامه مجلسی فرموده:از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلّم نقل شده:هرکه بر جنازه ای نماز بخواند،هفتاد هزار ملک بر او نماز بخوانند،و گناهان گذشته اش آمرزیده شود.و اگر همراهی کند تا او را دفن کنند،به ازای هر قدمی که بردارد،قیراطی از ثواب به او بدهند،که قیراط همانند کوه احد است.و در حدیث دیگری فرمود:هر مؤمنی بر جنازه ای

نماز کند،بهشت بر او واجب می شود،مگر آنکه منافق یا عاقّ پدر و مادر باشد

[شهادت چهل نفر در حق میت]

و به سند از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده:چون مؤمنی بمیرد.و چهل نفر از مؤمنان بر جنازهٔ او حاضر شوند و بگویند:

الّلهم انّا لا نعلم منه الاّ خیرا،و انت اعلم به منّا چون این را بگویند حق تعالی فرماید:من گواهی شما را پذیرفتم،و آن گناهانی را که من می دانم و شما نمی دانی آمرزیدم.در حدیث معتبر دیگری از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلّم نقل شده:

اول چیزی که در عنوان نامهٔ مؤمن پس از مرگش می نویسند،چیزی است که مردم در حق او می گویند،اگر نیک می گویند، نیک می نویسند،و اگر بد می گویند بد می نویسند.

[آداب حمل جنازه و دفن میت]

فقیر گوید:شیخ طوسی در مصباح المتهجّد فرموده:تربیع جنازه مستحبّ است، یعنی به دوش بگیرد،جانب کتب راست میّت را،پس از آن بیاید به جانب پا،به دوش بگذارد پای راست او را،پس از آن پای چپ او را،و بعد از آن کتف چپش را،حاص اینکه چهار گوشهٔ جنازه را به این ترتیب بر دوش بگیرد،که از آن تعبیر به «دور رحی»کنند،یعنی گشتن مانند سنگ آسیا.چون جنازه را نزد قبر آوردند،اگر مرد است او را به طرف پاهای قبر بگذارند،و او را سه مرتبه تا لب قبر بیاورند،و اگر جنازهٔ زن است،او را طرف جلوی قبر که جانب قبله است بگذارند،پس ولیّ میّت داخل قبر شود،یا کسی که ولیّ او را امر کند و وارد قبر شود از طرف پای قبر،که آن در قبر است،و چون وارد می شود بگوید:

الّلهمّ اجعلها روضه من ریاض الجنّه،و لا تجعلها حفره من حفر النّار.

و سزاوار است شخصی که وارد قبر شده سر برهنه و پابرهنه باشد،با بندهای گشاده،پس میّت را بگیرد و او را از جانب سر داخل قبر کند،و در آن حال بگوید:به نام خدا،و به خدا،و در راه خدا،و بر آیین رسول خدا،خدایا،ایمان به تو،و تصدیق به قرآنت،این است آنچه خدا و فرستاده

اش به ما وعده داده،خدا و رسولش راست گفته اند،خدایا به ما ایمان و تسلیم بیفزا.آنگاه میّت را به جانب راست بخواباند،و صورت او

ص:1111

را به طرف قبله قرار دهد،و از جانب سر و پا بند کفن او را بگشاید،و صورت میّت را روی خاک بگذارد،و مستحبّ است همراه او مقداری از تربت حضرت حسین علیه السّلام بگذارند،سپس لحمد را بچینند و بگوید:خدایا به تنهایی اش برس،و به وحشتش انس ده،و به غریبی اش رحم کن،و از رحمتت به او آرامش ده،رحمتی که به واسطهٔ آن از رحمت غیر تو بی نیاز گردد،و با هرکه با او دوستی می نموده از ائمهٔ پاک نهاد محشورش کن.

و مستحبّ است میّت وقتی که در قبر گذاشته شد،پیش از چیدن لحد به شهادتین و اسماء ائمه تلقین شود،به این صورت که تلقین کننده می گوید:

یا فلان بن فلان و به جای این دو کلمه نام میّت و پدر او را ذکر می کند،و می گوید:

آن پمانی را که بر آن از خانهٔ دنیا خارج شدی یاد آور:گواهی بر اینکه معبودی جز خدا نیست،یگانه و بی شریک است،و اینکه محمّد بنده و فرستادهٔ اوست،و اینکه علی امیر مؤمنان و حسن و حسین یک یک امامان را تا آخر ذکر کند امامان تواند امامان هدایت و نیکانند وقتی از چیدن لحد فارغ شد خاک بر او بریزد،و مستحبّ است کسانی که حاضر شده اند،با پشت دستهای خود خاک بریزند،و در آن حال بگویند:

ما از خداییم،و به سوی او بازمی گردیم،این است آنچه خدا و رسولش به ما وعده دادند،و خدا و رسولش راست گفتند.خدایا ایمان و تسلیم ما را بیفزا.چون بیرون آمدن از قبر را اراده کند از طرف پای میّت بیرون آید،بعد قبر را پر کند،و به اندازهٔ چهار انگش از زمین بلند کند،و در قبر غیر از خاک قبر نریزد،و ابتدا کند در ریختن آب از جانب سر و آب را در چهار طرف قبر دور دهد،تا بازگردد آنجایی که شروع کرده،اگر چیزی از آب اضافه آمده وسط قبر بریزد،پس وقتی که قبر را پوشانید،هرکسی که می خواهد دست خود را بر قبر بگذارد،و انگشتان خود را بگشاید و در خاک قبر فرو ببرد و برای میّت دعا کند و بگوید:

خدایا وحشتش را انس بخش،و به غربتش رحم کن،و هراسش را آرام نما،و به تنهایی اش برس،و از رحمتت به او آرامش ده،رحمتی که به آن از رحمت غیر تو بی نیاز گردد،و او را با هر که با او دوستی می کرده محشور کن.چون مردم از کنار قبر بازگشتند،کسی که به میّت سزاوارتر است برگشتنش را به تأخیر اندازد،و به او مهربانی کند،و اگر مقام تقیه نباشد به صدای بلند بگوید:یا فلان بن فلان اسم میّت و پدرش را بگوید اللّه ربّک و محمّد نبیّک و القران کتابک و الکعبه قبلتک و علیّ امامک و الحسن و الحسین ائمه را یک یک نام ببرد ائمّتک ائمّه الهدی الابرار.

[تلقین میت]

مؤلف گوید:غیر از زمان احتضار در دو جا برای میّت خواندن تلقین مستحبّ است:یکی زمانی که او را در قبر می گذارند.و بهتر آن است با دست راست دوش راست،و با دست چپ دوش چپ او را بگیرند،و وی را حرکت دهند و تلقین کنند.و دیگر زمانی که از دفن او فارغ شدند،پس از آنکه مردم رفتند،مستحبّ است ولیّ میّت نزدیک ترین خویشان او نزد سر میّت بنشیند،و به صدای بلند به او تلقین کند،و خوب است دو کف دستش را روی قبر گذارد،و دهان را نزدیک قبر ببرد،و اگر دیگری را هم نایب کند خوب است.و در اخبار وارد شده:چون میّت را این گونه تلقین کنند منکر به نکیر گوید:بیا برویم تلقین حجّتش کردند احتیاج به پرسیدن نیست،پس باز می گردند و دیگر سال نمی کنند.علاّمهٔ مجلسی رحمه اللّه فرموده:اگر تلقین کننده به این صورت بگوید جامع تر است:

بشنو،بفهم ای فلان بن فلان نام او و پدرش را بگوید:آیا بر آن پیمانی که از ما بر پایه آن جدا شدی می باشی،از گواهی بر اینکه معبودی جز خدا نیست،یگانه و بی شریک است،و اینکه محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)بندهٔ و فرستادهٔ اوست،و سرور پیامبران و خاتم رسولان است،و اینکه علیّ امیر مؤمنان است

و آقای جانشینان،و امامی که خدا اطاعتش را بر جهانیان واجب کرده،و اینکه حسن و حسین، و علی بن الحسین،و محمّد بن علی،و جعفر بن محمّد،و موسب بن جعفر،و علی بن موسی و محمّد بن علی،و علی بن محمّد،و حسن بن علی،و قائم حجت مهدی(درودهای خدا بر ایشان) امامان مؤمنان،و حجّتهای خدا بر همهٔ آفریدگانند،و امامانت امامان هدایت و نیکانند.

ای فلان بن فلان،هنگامی که دو فرشتهٔ مقرّب،و دو فرستادهٔ خدای تبارک و تعالی نزد تو آیند،از پروردگارت و پیامبرت و دینت و کتابت و قبله ات و امامانت از تو سؤال کنند نترس،و در جواب آنها بگو:خدا جلّ جلاله پروردگارم و محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)پیامبرم و اسلام دینم و قرآن کتابم و کعبه قبله ام و امیر مؤمنان علی بن ابی طالب امامم،و حسن بن علی مجتبی امامم،و حسین بن علی شهید در کربلا امامم،و علی زین العابدین امامم،و محمّد شکافندهٔ دانش پیامبران امامم،و جعفر صادق امامم،و موسی کاظم امامم،و علیّ الرضا امامم،و محمد جواد امامم،و علی هادی امامم،و حسن عسگری امامم،و حجّت منتظر امامم می باشند.اینان که درودهای خدا بر همگی آنان باد امامان من و آقایانم و پیشروانم و شفیعان من هستند.با آنان دوستی می کنم و از دشمنانشان در دنیا و آخرت

بیزاری می جویم،سپس بدان ای فلان به درستی که خدای تبارک و تعالی نیکو پروردگاری است،و محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)نیکو رسولی است،و امیر مؤمنان علی بن ابی طالب،و فرزندانش یازده امام نیکو امامانی هستند،و آنچه را محمّد(درود خدا بر او و خاندانش)آورده حق است،و مرگ حق است،و سؤال نکیر و منکر در قبر حق است،و بعث و نشر حق،و صراط و میزان و پراکنی نامۀ اعمال حق است،و بهشت و دوزخ حق است،و قیامت آمدنی است،شکّی در آن نیست،و خدا هرکه را در گورها برانگیزد.آنگاه بگوید:ای فلان آیا فهمیدی؟در حدیث آمده:میّت در جواب می گوید:آری فهمیدم،سپس بگوید:خدا بر گفتار ثابت،ثابت قدمت بدارد،به راه استوار هدایتت کند،بین تو و اولیائش در قرارگاهی از رحمتش آشنایی برقرار کند.سپس بگوید: خدایا زمین را از دو پهلویش خالی گذار،و روانش را به سویت بالا ببر،و از جانب خود حجّت را تلقین او فرما، خدایا ببخش و درگذر

[خاتمه این رساله]

این رساله را به کلمۀ شریفۀ«عفو»پایان دادم،و رجای واثق دارم که عفو الهی شامل حال این روسیاه و همه کسانی که به این رساله عمل می کنند شود.و پایان این کتاب در آخر روز جمعه،نوزدهم محرم،سال هزار و سیصد و چهل و پنج قمری بوده است،در جوار امام مسموم،مولای غریب و مظلوم ما،ابی الحسن علیّ بن موسی

ص:1115

الرضا(که بر او و پدرانش سلام از سوی خدای زندهٔ پاینده)،و ستایش خدای را در آغاز و انجام،و[درود خدا بر محمّد و خاندانش باد]

آن را عباس فرزند محمّد رضا قمی که خدا هر دو را عفو کند نگاشت

ص:1116

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِى الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109